

مدیریت شهری

نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

سال شانزدهم، تابستان ۱۳۹۶

شماره استاندارد بین المللی: ۲۲۲۷- ۱۶۰۷

سال شانزدهم، تابستان ۱۳۹۶

۱. تبیین الگوی ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی شهرهای ساحلی خلیج فارس
۲. ارائه الگوی بهینه استقرار ساختمان‌ها در مجتمع‌های مسکونی ویلایی در شهر رشت با رویکرد بهره‌گیری بهینه از انرژی خورشید و باد
۳. تحلیل فضایی پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی شهرستان مهدیشهر)
۴. طراحی مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت برای دستگاه‌های دولتی ایران
۵. امکان‌سنجی استفاده از تکنیک‌های مناسب طراحی شهری مشارکتی بر بستر ظرفیت‌های اجتماعی- مکانی (نمونه‌ی موردی بازار نوغان شهر مشهد)
۶. تقابل مقررات شهری و قوانین سرمایه‌گذاری در زمینه حمایت از مالکیت؛ چالشی در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران
۷. بررسی تحلیل فضایی روستاهای دهستان دشت بیل اشنویه با استفاده از تحلیل مولفه‌های مبنا و ORFESTE
۸. پتانسیل‌سنجی اراضی جنوب آذربایجان غربی جهت توسعه کشاورزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی با استفاده از AHP و GIS و تصاویر Aster
۹. تدوین شاخص‌های کالبدی موثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری
۱۰. تحلیل مدیریت کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک شهری در نظام بانکداری کشور (مورد کاوی: بانک انصار)
۱۱. تاثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن
۱۲. بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار
۱۳. بررسی وضعیت پارکهای شهری با رویکرد توسعه پایدار (مورد مطالعه: شهر شیراز)
۱۴. بررسی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و رابطه آن با جلوه‌های بهره‌وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار
۱۵. ضرورت‌های توجه شهروندان جهت ایجاد انسجام کالبدی- اجتماعی در محلات بلندمرتبه؛ با تاملی بر توسعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران به عنوان یک منطقه پیراشهر
۱۶. معیارهای زیبایی‌شناسانه نما و بدنه‌های مطلوب شهری با تاکید بر هویت بومی (نمونه موردی حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)
۱۷. فرآیند تبیین پدیدارنگاری ابعاد مفهوم دل‌بستگی مکانی به روش استخراج معانی تصویری خودنگار
۱۸. تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل)
۱۹. واکاوی نقش ساختمان‌های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی با بهره‌گیری از مدل دلفی
۲۰. ارزیابی تطبیقی رفتار حرارتی و تهویه در بناهای مسکونی بومی اقلیم معتدل و مرطوب ایران (مطالعه موردی: خانه کلبادی ساری و خانه آقاخان نسب بابل)
۲۱. ارزیابی معیارهای تعامل‌پذیری اجتماعی و سرزندگی در فضاهای نمایشگاهی؛ مورد پژوهی: چند نمونه در استان البرز
۲۲. تحلیلی بر مشارکت شهروندان و امکانات فناورانه خدمات رسان در مدیریت شهری فناور محور (از دیدگاه شهروندان کلاتشهر تبریز)
۲۳. تدوین الگوی اصول پایداری معماری ایرانی مدرن، در راستای مقایسه معماری سنتی ایران با پنج شهر مدرن دنیا (نمونه موردی شهرهای: ونکوور، کوبنهاگ، اسلو، کوریتیا و مصدر)
۲۴. ارتقا آموزش طراحی معماری پایه براساس مؤلفه‌های خودتنظیمی یادگیری در آتلیه‌های طراحی
۲۵. تأثیر بررسی رفتار حرارتی پوسته بنا در ساختمان‌های مسکونی بر اصلاح ساخت و ساز به منظور کاهش اتلاف انرژی
۲۶. بررسی مفهوم آفرینشگری در هنر و معماری با تاکید بر آرای ارسطو
۲۷. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته
۲۸. ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری، با به‌کارگیری مکانیسم‌های عملکردی حواس
۲۹. تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول، شهر همدان
۳۰. زمانبندی حرکت اتوبوس‌های BRT با در نظر گرفتن محدودیت‌های ترافیکی حاصل از زمان‌های متغیر چراغ‌های راهنمایی و رانندگی

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۸۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

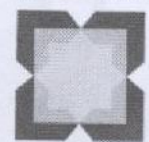
درگاه اینترنتی ارسال مقالات

<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی

<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshabri@gmail.com

صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سردبیر: محمدرضا بمانیان

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

- دکتر محمدرضا پور جعفر، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)

- دکتر محمد مهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

- دکتر مهدی مدیری، دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

امور اجرایی: مهدی شهریاری، مهسا حسن زاده، زهره فرش حقی

کمیته اجرایی: ابودر دلغاردی، نیما متین فر، فتنه رحمانی.

ویراستار انگلیسی: رضا بمانیان

ویراستار فارسی: امیر اشراقی

صفحه آرایی: حامد یعقوبی (پایش و پوش) payeshpouyesh@gmail.com

چاپ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه

«کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

(www.ISC.gov.ir)

«پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)»

(www.SID.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)»

(www.Magiran.com)

«بانک اطلاعات نشریات کشور»

(www.IMO.org.ir)

«درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی»

(www.noormags.com)

«پایگاه مجلات تخصصی نور»

(www.doi.org)

«سیستم شناساگر دیجیتالی نشریات علمی»

(www.rur.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی»

(www.ensani.ir)

«پرتال جامع علوم انسانی»

مدیریت شهری

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

۵-۶

فهرست مطالب

۱. تبیین الگوی ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی شهرهای ساحلی خلیج فارس
حامد ایمان طلب، فرهنگ مظفر، محسن فیضی، مهدی خاک زند ■ ۷-۲۰
۲. ارائه الگوی بهینه استقرار ساختمان‌ها در مجتمع‌های مسکونی ویلایی در شهر رشت با رویکرد بهره‌گیری بهینه از انرژی خورشید و باد
سارا زهری، منصوره طاهباز ■ ۲۱-۳۲
۳. تحلیل فضایی پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی شهرستان مهدیشهر)
عباس ارغان ■ ۳۳-۴۸
۴. طراحی مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت برای دستگاه‌های دولتی ایران
پرستو احمدی ■ ۴۹-۶۰
۵. امکان‌سنجی استفاده از تکنیک‌های متناسب طراحی شهری مشارکتی مبتنی بر بستر و ظرفیت‌های اجتماعی - مکانی (نمونه‌ی موردی بازار نوغان شهر مشهد)
سینا رزاقی اصل، سمیرا صمدی حسین آباد، تیمور حیدری ■ ۶۱-۷۴
۶. تقابل مقررات شهری و قوانین سرمایه‌گذاری در زمینه حمایت از مالکیت؛ چالشی در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران
منوچهر توسلی نائینی، رضا نصوحیان ■ ۷۵-۹۴
۷. بررسی تحلیل فضایی روستاهای دهستان دشت بیل اشنویه با استفاده از تحلیل مولفه‌های مینا و ORESTE
امامعلی عاشری ■ ۹۵-۱۰۶
۸. پتانسیل‌سنجی اراضی جنوب آذربایجان غربی جهت توسعه کشاورزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی با استفاده از AHP و GIS و تصاویر Aster
نادر پروین، محمدرضا کرمی، ایوب بزرگمنش ■ ۱۰۷-۱۱۸
۹. تدوین شاخص‌های کالبدی موثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری
نثار دانش پایه، شیرین طغیانی ■ ۱۱۹-۱۳۰
۱۰. تحلیل مدیریت کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک شهری در نظام بانکداری کشور (مورد کاوی: بانک انصار)
ابوتراب علیرضایی ■ ۱۳۱-۱۴۸
۱۱. تاثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن
هادی قدوسی فر، آرمین وسکاه ■ ۱۴۹-۱۶۴
۱۲. بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار
امین کوشکی ■ ۱۶۵-۱۷۸
۱۳. بررسی وضعیت پارکهای شهری با رویکرد توسعه پایدار (مورد مطالعه: شهر شیراز)
علیرضا پاک فطرت، مسعود تقوایی ■ ۱۷۹-۲۰۰
۱۴. بررسی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و رابطه آن با جلوه‌های بهره‌وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار
رجب بسطامی، حمدا... منظری توکلی، سنجر سلاجقه ■ ۲۰۱-۲۱۸

۱۵. ضرورت های توجه شهرسازان جهت ایجاد انسجام کالبدی- اجتماعی در محلات بلندمرتبه؛ با تاملی بر توسعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران به عنوان یک منطقه پیراشهر
مهران علی حسایی، مصطفی بهزادفر، سمیه فتحی ■ ۲۱۹-۲۵۴
۱۶. معیارهای زیبایی شناسانه نما و بدنه های مطلوب شهری با تاکید بر هویت بومی (نمونه موردی حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)
زهرا عباسی ■ ۲۵۵-۲۷۶
۱۷. فرآیند تبیین پدیدارنگاری ابعاد مفهوم دلبستگی مکانی به روش استخراج معانی تصویری خودنگار آرمان جهانگیری، جهانشاه پاکزاد، علیرضا عندلیب ■ ۲۷۷-۳۰۰
۱۸. تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل)
علی شرقی، مسعود علیمردانی، یوسف جهان زمین، شهرزاد جهان زمین ■ ۳۰۱-۳۱۶
۱۹. واکاوی نقش ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی با بهره گیری از مدل دلفی مهدی توکلی کازرونی، هادی کشمیری ■ ۳۱۷-۳۳۶
۲۰. ارزیابی تطبیقی رفتار حرارتی و تهویه در بناهای مسکونی بومی اقلیم معتدل و مرطوب ایران (مطالعه موردی: خانه کلبادی ساری و خانه آقاچان نسب بابل)
محبوبه پورموسی، سید مجید مفیدی شمیرانی، مهناز محمودی زرنندی ■ ۳۳۷-۳۵۰
۲۱. ارزیابی معیارهای تعامل پذیری اجتماعی و سرزندگی در فضاهای نمایشگاهی؛ مورد پژوهی: چند نمونه در استان البرز
ندا حیدری، محمدصادق صالحی ■ ۳۵۱-۳۸۰
۲۲. تحلیلی بر مشارکت شهروندان و امکانات فناوریانه خدمات رسان در مدیریت شهری فناوری محور (از دیدگاه شهروندان کلانشهر تبریز)
میثم دیداریان، رسول درسخوان ■ ۳۸۱-۳۹۸
۲۳. تدوین الگوی اصول پایداری معماری ایرانی مدرن، در راستای مقایسه معماری سنتی ایران با پنج شهرمدرن دنیا (نمونه موردی شهرهای: ونکوور، کوپنهاگ، اسلو، کوریتیا و مصدر)
شیما کریمی، مهدی زندیه، یوسف گرجی ■ ۳۹۹-۴۱۶
۲۴. ارتقا آموزش طراحی معماری پایه براساس مؤلفه های خود تنظیمی یادگیری در آنتیه های طراحی وحید قاسمی و منصوره کیان ارثی ■ ۴۱۵-۴۳۲
۲۵. تأثیر بررسی رفتار حرارتی پوسته بنا در ساختمان های مسکونی بر اصلاح ساخت و ساز به منظور کاهش اتلاف انرژی
سمانه خان احمدلو، سید مجید مفیدی شمیرانی ■ ۴۳۳-۴۴۶
۲۶. بررسی مفهوم آفرینشگری در هنر و معماری با تاکید بر آرای ارسطو حسین اردلانی، منیره نادری ■ ۴۴۷-۴۷۴
۲۷. شناسایی مولفه های مؤثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته
فاطمه امیریان، هما ایرانی بهبهانی، حسین سلطان زاده ■ ۴۷۵-۴۹۲
۲۸. ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری، با به کارگیری مکانیسم های عملکردی حواس محمدرضا نصیرسلامی، سارا سوهانگیر ■ ۴۹۳-۵۰۴
۲۹. تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه های دوره پهلوی اول، شهر همدان غلامرضا ابراهیمی، شروین میرشاهزاده ■ ۵۰۵-۵۲۲
۳۰. زمانبندی حرکت اتوبوس های BRT با در نظر گرفتن محدودیت های ترافیکی حاصل از زمان های متغیر چراغ های راهنمایی و رانندگی
حامد طاهرخانی، آرش طاهریان ■ ۵۲۳-۵۳۰

تبیین الگوی ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی شهرهای ساحلی خلیج فارس

حامد ایمان طلب* - دانشجوی دوره دکتری مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

فرهنگ مظفر - دانشیار گروه معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

محسن فیضی - استاد گروه معماری و منظر دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

مهدي خاک زند - استادیار گروه منظر دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

Pattern explained for new construction in historic environment of Persian Gulf coastal cities

Abstract

The historic environment as a living organism that comes some of the buildings that are be worn detrimental to the function of natural and human factors in damage over time. Based on the rules governing the urban fabric as well as will be facing the formation and deployment of new buildings. New structures in the historic environment the verdict dynamic living environment grow and have to be seen it as a reality and meet the needs of the people associated with the time. Precision in concept and approach the new era of the past we should acknowledge that category as the new structures is considered something new historical environment. This issue arises from the phenomenon known as the historic environment, in turn, is emerging. Because of the characteristics of modern thought is essentially a historical look at things. This kind of attitude on the part cut off from the past, tradition, history and monuments of the past have shaped. And therefore it is obviously in the process of growth and development in urban structure, will be separation of form and content structure of new construction and historic environment

Paper seeks to achieve the strategies, principles of intervention for designers to design new structures in historic areas. Guidelines are not fixed, but comprehensive, so that can be used in various situations and the specific characteristics of a variety of conditions and values are inherent in any consistent historical context. For this purpose, in order to achieve a global approach to this issue, the international agreements that have are examined to introduce internationally accepted principles. Following the study design strategies, principles and design in the historic environment is presented at the end approaches. Therefore, the theoretical foundations of new structures in the historical context and the factors considered in the design arises. In addition to the urban part, due to the sex of their design and respect for the historical context and historical context will improve and restore the environment.

Key word: Historic environment - new structure - Intervention - pattern coastal city architecture

چکیده

محیط تاریخی به مثابه یک اندامواره زنده است که همراه بخشی از بناهای آن در اثر عملکرد عوامل محل طبیعی و انسانی در طی مرور زمان دچار تخریب، فرسودگی می‌شود. بر اساس قاعده حاکم، بافت شهری نیز با زایش و استقرار بناهای جدید روبرو خواهد بود. ساختارهای جدید در هر محیط تاریخی به حکم پویایی محیط زنده رشد می‌یابند و باید به آن به چشم یک واقعیت مرتبط با زمان و پاسخگویی به نیازهای مردم به آن نگریسته شود. با دقت در مفهوم و رویکرد دوران جدید نسبت به دوران گذشته باید اذعان نمود که مقوله‌ای به عنوان ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی امری نو تلقی می‌شود. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که پدیده‌ای به نام محیط تاریخی نیز به نوبه خود امری نوظهور است. چراکه اساساً نگاه تاریخی به اشیاء از شاخصه‌های تفکر مدرن است. این نوع نگرش براساس قطع تعلق از گذشته، سنت، تاریخ و اختصاص آثار تاریخی به گذشته شکل گرفته و نتیجه بدیهی آن در روند رشد و نمو ساختار شهری، جدا شدن شکلی و محتوایی ساخت و سازها و ساختارهای جدید از محیط‌های تاریخی خواهد بود. مقاله‌ی حاضر در پی دست یافتن به استراتژی‌ها، اصول و مبانی مداخله، جهت استفاده طراحان به منظور طراحی ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی است. دستورالعمل‌های پیشنهادی ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های خاص شرایط گوناگون و ارزش‌های نهفته در هر زمینه‌ی تاریخی منطبق گردند. بدین منظور ابتدا جهت دستیابی به رویکردهای جهانی به این موضوع، توافق‌نامه‌های بین‌المللی‌ای که توانسته‌اند اصول پذیرفته شده‌ای را در سطح بین‌المللی معرفی نمایند مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ در ادامه با بررسی استراتژی‌های طراحی، اصول و در پایان رویکردهای طراحی در محیط تاریخی ارائه گردیده است. لذا مبانی نظری مورد نظر در خصوص ساختارهای جدید در زمینه تاریخی و عوامل مورد توجه در طراحی مطرح می‌شود که علاوه بر داشتن نقشی شهری، به دلیل جنس طراحی خود و احترام به زمینه تاریخی سبب ارتقاء و احیاء محیط و بافت تاریخی خواهد گشت.

واژگان کلیدی: محیط تاریخی، ساختار جدید، مداخله، الگوی معماری، شهرهای ساحلی.

۱- مقدمه

تاریخی به پیوندی در گذشته و حال منجر خواهد شد و گفتگویی خلاق در محیط معاصر را پدید خواهد آورد و در روند شکل‌گیری معماری در محیط‌های تاریخی، روابط و سنت‌های موجود و ناملموس می‌تواند تولید فرم و الگو نماید. در جمع‌بندی می‌توان دو دیدگاه از طراحی در بافت تاریخی را به اختصار بیان داشت:

۱. دیدگاه اول: اهمیت و احترام به ساختمان تاریخی و ثروت فرهنگی موجود در محیط تاریخی؛
۲. دیدگاه دوم: بیان و القای روح معاصر در طراحی فضای جدید در محیط تاریخی.

پیشینه تحقیق

بنابر آنچه گذشت، نگاهی دوباره به نحوه رویارویی با بافت‌های تاریخی و به ویژه رویکرد کلی به چگونگی شکل‌گیری ساختارهای نو در زمینه‌های تاریخی و کهن می‌تواند به عنوان یک مساله مهم و حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مبانی نظری، ضوابط و معیارهای لازم در این زمینه تدوین و عملیاتی گردند. به هر حال، منابع مکتوب و مدون داخلی که مشخصاً به مقوله ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی پرداخته باشند چندان زیاد نیستند. در کتاب معماری زمینه‌گرا (برولین، ۱۳۸۳) اشاره به مواردی دارد که در محوریت زمینه‌گرایی معماری بیشتر معنا پیدا می‌نماید و کمتر با معماری محیط‌های تاریخی سرزمین ایران ارتباط پیدا می‌نماید. بهرام قدیری (۱۳۸۵) در کتاب ساختار جدید در محیط تاریخی روند روشن‌تری را بر اساس نوع مداخلات در نمونه‌های دنیا مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بررسی می‌نماید. سومین اثر مطرح شده که به صورت اختصاصی در این خصوص ارائه مطلب نموده است کتاب بناهای میان‌افزا اثر بیک زاده و مسعود (۱۳۹۱) می‌باشد که به مباحث مبانی نظری مرمت و مداخلات آن در قطعنامه‌ها و تجربه‌های جهانی پرداخت خوبی داشته است و یکی دیگر از منابع معماری در بافت موجود (۱۳۹۳) اثر «کرامر و بریلتلینگ» می‌باشد که بیشتر جنبه عملیاتی و

نیک دانسته می‌شود که محیط به شکل تاریخی بازتابی از جامعه است که این بازتاب در قالب مفاهیمی مانند هویت، خوانایی، دید، سازگاری و بسیاری از مفاهیم دیگر که از ویژگی‌های زمینه تاریخی اصلی خود می‌باشد، دیده می‌شود. در اثر دخالت‌هایی که در طول حدود یک قرن گذشته در شهرهای تاریخی صورت گرفته است، تعامل نه چندان مطلوبی میان بافت تاریخی و اجزای جدید در آنها رخ داده است. به عبارتی، اگرچه ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی، به لحاظ حفظ و تداوم حیات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بافت و نیز به منظور بهبود وضعیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی و هماهنگی با نیازها و اقتضائات روز، ضرورتی انکارناپذیر است، اما این ضرورت در صورتی که رویکرد مناسب و عالمانه‌ای نداشته باشد، باعث آسیب دیدن چهره و سیمای کلی شهرهای تاریخی می‌گردد. «ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی قبل از آنکه صرفاً یک بنای معماری باشد، در بافت تاریخی به عنوان بخشی از شهر معرفی می‌شود که باید برای حفظ انسجام و تداوم با بخش‌های تاریخی پیرامون از قواعد و ضوابط خاصی پیروی کند» (توسلی، ۱۳۶۵، ص ۷۹).

محیط تاریخی تنها یک فضای کالبدی و فیزیکی نیست بلکه محیطی است برخوردار از مفاهیم، ارزش‌ها و پیام‌هایی است که به واسطه کالبد انتقال پیدا می‌کند. ماندگاری ارزش‌های معماری تاریخی امکان‌پذیر نیست مگر با در نظر گرفتن الگوهای ارزشمند و پایدار در حوزه معناشناختی و حوزه کالبدی معماری که منجر به هماهنگی‌های کلی و پیوستگی و تداوم اندیشه‌های معماری در محیط خواهد شد.

محیط تاریخی دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافاصل خود متمایز می‌نماید (عزیزی و آراسته، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶). به دنبال ایجاد بهانه‌ای برای حضور انسان در محیط تاریخی پویایی و تحرک در جوار بناهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

اجرایی دارد و بر اساس نگاه پروژه‌ای دستورالعمل اجرایی مناسبی را ارائه نموده است. تلاش‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفته‌اند، غالباً در طرح‌های فرادست گوناگونی اعم از طرح‌های جامع و به‌ویژه طرح‌های تفصیلی شهرها یا بافت قدیم و نیز بافت‌های فرسوده شهری بازتاب یافته‌اند. این طرح‌ها در بسیاری موارد به منظور هدایت ساخت و سازها و پدید آوردن وحدت، به ارائه ضوابط و معیارهای ساخت و ساز پرداخته‌اند. اما تقریباً در موارد نادری می‌توان اشاره‌ای به مبانی نظری و رویکردهای اصولی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌ها و زمینه‌های تاریخی یافت. در منابع خارجی به اقتضای توجه بیشتر آنها به شهرهای تاریخی و بافت‌های کهن و ارزشمند و نیز به دلیل اهتمام جدی‌تر آنها به مقوله شهر و کیفیات آن پرداخت ژرف‌تری نسبت به مقوله ساخت و سازهای جدید و کنترل معمارانه آنها به‌ویژه در ارتباط با «زمینه» صورت گرفته است

روش تحقیق

در تحقیقات برای شناسایی و حل مسائل، نیاز به دانش و تسلط بر روش‌شناسی‌های علمی و مسیر تحقیق است. تحقیقات کمی و کیفی که از دو مبنای متفاوت پارادایمی‌اند، این مسیرها را مشخص می‌سازند. در هر رویکرد کمی و کیفی برای انجام پژوهش نیاز به ابزار و روش‌های متفاوتی است (مارشال، ۱۳۸۶، ص ۲۵). مقاله حاضر با روش تحلیل و پدیدارشناسانه و با روش گردآوری داده‌های میدانی با نگاهی ویژه به یادداشت‌برداری تئوری و مشاهده‌ای در حوزه منابع مکتوب و از سویی با نگاه موردی به شهرهای ساحلی استان هرمزگان انجام پذیرفته است. روش پدیدارشناسی در این مقاله دستیابی و استخراج الگوها را مدنظر خواهد داشت. سوالات پژوهش عبارتند از: ۱. رویکردهای طراحی در محیط‌های تاریخی چیست؟ ۲. استراتژی طراحی در محیط تاریخی شهرهای ساحلی چگونه است؟ و ۳. جایگاه اصالت معماری در اصول طراحی شهرهای

ساحلی چیست؟

ضرورت مداخله در محیط‌های تاریخی

عواملی که مداخله در بافت‌های شهرهای تاریخی که گریزناپذیر می‌سازند و لزوم باززنده‌سازی شهرهای تاریخی را مطرح می‌نمایند و یا باعث ساخت و سازهای جدید در این شهرها و بافت‌ها می‌شوند، به این گروه‌ها تقسیم می‌شوند:

- ۱- تخریب ساختمان و تغییرات ناشی از دخالت‌های گسسته در روحیه شهر و روند زندگی شهر، به گونه‌ای تحمیلی از سوی بیگانگان مانند جنگ، شورش‌ها و غیره.

- ۲- تخریب ساختمان و یا بخشی از آن و دگرگونی‌های ایجاد شده ناشی از عوامل طبیعی غیر قابل پیش‌بینی مثل: زلزله، سیل و غیره.

- ۳- تغییرات و مداخلاتی که پیوسته با پاره‌ای از نیازهای محلی و (پیش‌تر وابسته به نیازها و سلیقه‌های فردی و تصمیمات قشر اداره‌کننده شهر و کم‌تر زاده نیازها و سلیقه‌های ساکنان بومی) بر فضای کالبدی شهرها اعمال می‌شوند (بهزادفر و نورمحمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

مکاتب مداخله در محیط‌های تاریخی

- ۱- مکتب کارکردگرایی: این مکتب در صفت خاص نظام‌پذیری گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های بزرگتر اجتماعی به عمق می‌رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می‌پردازد

- ۲- مکتب خردگرایی: الدو روسی معماری بناهای تاریخی را دربرگیرنده خاطرات افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می‌داند و نقش آن را در خلق هویت‌اسایی می‌داند.

- ۳- مکتب فرهنگ‌گرایی: توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می‌داند، مرمت و تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه‌ای از جمله رویکردهای مهم این مکتب است (اسمعیلی سنگری، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

ضوابط بین المللی در ارتباط با طراحی در جوار بافت های قدیمی

قطعنامه ها، معاهدات و منشورهای بین المللی عموماً از ساختار یکسانی برخوردار هستند، به این ترتیب که در ابتدا از مسائل مشترک سخن می رود. در ادامه تعدادی از مهمترین این اسناد در خصوص حفاظت و مرمت محوطه ها و شهرهای تاریخی از منظر توسعه و ساخت و سازهای جدید مورد بررسی قرار می گیرند. اسناد گفته شده در برخورد با موضوع مداخلات و ساخت و سازهای جدید از دیدگاه های یکسان برخوردار نبوده و بنا به خاستگاه و اهداف خاص خود، موضع گیری های متفاوتی نسبت به موضوع نشان می دهند. از این جهت و به واسطه سهولت مطالعه و ارزیابی، اسناد یادشده پس از بررسی های محتوایی، در قالب سه گروه به ترتیب زیر دسته بندی شده اند.

۱- گروه اول: این گروه از اسناد اصولاً یا مخالف ساختارهای جدید در محوطه های تاریخی هستند و یا آنکه با تأکید بر حفاظت، مرمت و بازسازی تاریخی، نسبت به ساخت های جدید به صورت بسیار محدود و حاشیه ای برخورد کرده اند.

۲- گروه دوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید به عنوان یک واقعیت و تغییر گریز ناپذیر در بافت پذیرفته شده و با توجه دادن به جنبه هایی محدود از ویژگیها و خصوصیات محوطه های تاریخی، ساختارهای جدید مشروط گردیده اند.

۳- گروه سوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید در محوطه های تاریخی نه تنها پذیرفته شده که تشویق نیز گردیده و در مواردی حضور آن عامل ایجاد روحیه و حیات شهری و یا به عنوان سهم عصر حاضر در میراث فرهنگی گردیده است. برخی اسناد این گروه با گشاده دستی و توجه بیشتر نسبت به شرایط این حضور به ارایه معیار پرداخته اند.

یکی از نخستین نمونه های این نشست ها، کنگره

آتن بوده است که ماده ۷۰ آن به کار بردن سبک های گذشته در ساختمان های جدید واقع در محوطه تاریخی را مردود اعلام می کند. این ماده هر گونه بازگشت به گذشته را نفی می کند. زیرا به اعتقاد شرکت کنندگان در آن کنگره، شاهکارهای گذشته طریق تفکر و اندیشه های زیبایی شناسی هر نسلی را به ما نشان می دهند. تقلید گذشته همان تن در دادن به دروغ بوده و به معنای بالابردن «بدل» تا «اصل» است؛ چون هیچ گاه نمی توان شرایط کهن کار را تجدید کرد (حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲).

ماده یک از کنگره ونیز در این باره معتقد است که مفهوم اثر تاریخی نه تنها شامل ساخته های منفرد معماری می گردد، بلکه «فضای شهری» و مناظری را که شاهد گویایی از یک تمدن خاص، از یک تحول مشخص یا از یک حادثه تاریخی به شمار می آیند نیز در بر می گیرد. ماده ۶ از همین کنگره بر حفاظت محیط اطراف علاوه بر نگه داری ابنیه تاریخی تأکید می ورزد. احداث هرگونه ساختمان جدید در آن محیط و همچنین تخریب بناها و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به طوری که در روابط، حجم و رنگ آن ها تأثیر بگذارد، به کلی ممنوع است. بیانیه بوداپست نیز بر کلیت گذشته، حال و آینده تأکید داشته و اعتقاد به حفظ هماهنگی میان هر سه زمان دارد. اهداف این بیانیه عبارت اند از: الف) معماری معاصر در مجموعه های ساختمان قدیمی، و ب) باززنده سازی ابنیه یا بافت با عملکرد مناسب.

اصول پیشنه های بیانیه بوداپست نیز ضمن ارزش قائل شدن به مجموعه های تاریخی، بر اجتناب از هر گونه تقلید از مجموعه ها و ابنیه تاریخی گذشته تأکید می کند. بیانیه ترینیدا نیز استفاده از شیوه های معماری بومی، بهره گیری از مصالح محلی و مشارکت مردم بومی در تصمیم گیری های حفاظتی را توصیه می کند. اساس طرح مسئله ساختار جدید در محیط تاریخی به طور شاخص در قرن ۱۹ همراه با گذار از جهان سنت به مدرن مطرح می شود

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم
طراحی با تاریخ	تعریف عملکرد مناسب	مدرن سازی	انطباق	بیان معمارانه
-	مداخله های حساس	-	جایگزینی	همخوانی
-	-	-	-	پیوند و بازنمایی

(حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵).

ضوابط طراحی در شهرهای ساحلی

در ادامه بحث ضوابط بین المللی باید به ضوابط خاص شهرهای ساحلی اشاره داشت، در این خصوص همایش عمومی بین المللی (شهرهای کناره دریا و مناطق ساحلی توریسم و توسعه در سال ۲۰۰۷) در شهر کاوالا یونان برگزار شد؛ نکات ذیل اشارات کلیدی به طراحی در محیط های تاریخی شهر های ساحلی دارد:

۱- ارزش استراتژیک محدوده های کناره آب برای رشد کل شهر: الف: پاسخی به نیاز گسترش شهر در محدوده مرکزی و ب: راحتی از نظر کیفیت و کمیت در تقابل با نتایج منفی گسترش شهر در حومه.

۲- فاکتور موقعیت شاخص کناره آب در شهر: الف: به مراکز شهر بسیار نزدیکند، حتی اگر در گذشته دسترسی مشکل بوده است و ب: بازیافت کناره آب به معنای فراهم کردن فضاهایی برای معرفی فعالیت های جدید است.

۳- تاریخچه غنی از زیر ساخت ها و ساختمان های قدیمی: الف: ترمیم ساختمان های قدیمی با ارزش و تخصیص کاربری جدید و ب: حفظ و نگهداری هویت اصلی مجموعه.

۴- ایجاد تماس مستقیم با آب: الف: دسترسی آزاد مردم به کناره آب و ب: آب به عنوان منبعی با ارزش دیده می شود. و ج: آب عنصری مثبت برای کیفیت جدید شهری است.

۵- ارزش سمبلیک و باشکوه کناره آب: همچنین در خلال کنفرانس جهانی آینده شهرها و نمایشگاه ۲۰۰۰ در برلین، ۱۰ معیار برای توسعه پایدار محدوده های

کنار آب تصویب شد.

۶- حفظ کیفیت آب و محیط زیست: کناره آب بخشی از استخوان بندی اصلی شهر است. هویت تاریخی شخصیت بخش است. اولویت دادن به کاربری های مختلط و دسترسی عمومی شرط لازم است چه به لحاظ بصری و چه به لحاظ فیزیکی و برنامه ریزی با مردم و برای مردم به فرایند اجرا سرعت می بخشد. مشارکت عمومی عنصر کلیدی و پایدار است. توسعه کناره آب فرایندی طولانی مدت است و احیا فرایندی مداوم است. کناره آب از ارتباطی بین المللی منتفع گردد (پور جعفر، ۱۳۹۲، ص ۵۹-۶۰).

استراتژی های طراحی

در خصوص طراحی در محیط های تاریخی، مبانی ذیل به عنوان استراتژی های طراحی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- طراحی با تاریخ

چالش استفاده از ساختمان های آسیب دیده به عنوان پایه و زمینه ای برای طرح های جدید نخستین بار در زمان مدرنیته و بعد از ویرانی های جنگ جهانی دوم مطرح شد. رویکرد مهم به بخش های تاریخی موجود و توصیف ارزش های ظاهری بوده است. معماری کالبد قدیم از طریق مادی گرایی خود و با به کار بردن مفاهیم ساختاری و رویکردهای طراحی جدید به عنوان نمودی از حال و آینده ای که از آن بر خواهد خواست، خود را برجسته تر می کند. علاقه تجدید شده به محیط ساخته شده تاریخی و شهری موجب رواج مجدد کار بازسازی و تبدیل در دهه ۱۹۷۰ شد از نقطه نظر تئوریک آمادگی بیشتر برای الهام گرفتن از بافت ساختمانی تاریخی و ایجاد

چیزی جدید از میان ویژگی‌های خاص آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. این نوع تحلیل مبتنی بر ویژگی‌های خاص هر مکان، روح یک مکان، همچنین می‌تواند برای فرآیند طراحی به روش‌های دیگری مهار شود. «برنهارد هاوسلی» روشی را برای تحلیل انتقادی از الگوهای ساده هندسی تقلیل داده در حالی که پایه‌ای مشترک برای قدیم و جدید استنتاج می‌کند در این حالت طراحی جدید به عنوان تداومی از الگوی پیشرفت به حساب می‌آید و به این ترتیب بنای جدید هم از نظر ساختاری و هم از نظر تاریخی به مکان مرتبط است. حتی اگر در ظاهر کاملاً ناهمسان به نظر بیاید (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

ب- تعریف عملکرد مناسب

این تصور که بهترین استفاده از بنای قدیمی تداوم عملکرد فعلی آن است، نخستین بار صراحتاً در منشور ۱۹۶۴ ونیز مطرح شد (فلامکی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵).

ب- مداخله‌های حساس

پلان ساختمان، توزیع فضاها و الگوی رفت و آمد در بنای قدیمی، اغلب با موارد مشابه در چیدمان معمولی که ممکن است هنگام تعریف برای بنای جدید به کار رود، متفاوت خواهد بود. ارتفاع فضاها ممکن است بسیار زیاد یا بسیار کم باشد و تناسب، شکلها و توالی فضاها در بنای قدیمی عموماً با تکامل بنا، الگوی کاربرد و محدودیت‌های تکنیکی آن زمان مشخص می‌شدند، اغلب الگوی تاریخی جریان و دسترسی در مقایسه با ضرورت‌ها و نیازهای امروزی نامتعارف می‌باشد (تیزدل، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

ت- مدرن سازی

بهبود بنا به منظور اهداف کنونی چه به نام انطباق شناخته شود، چه به نام ارتقای سطح، مدرن سازی بخش طبیعی از چرخه حیات بناست. معیارها تغییر می‌کنند و بناهای موجود به طور مداوم برای سازگاری با انتظارات فعلی هماهنگ می‌شوند (همان، ص ۱۱۱).

ث- انطباق

انطباق بناهای موجود برای اطمینان از کاربرد مداوم آن‌ها جنبه اصلی طراحی معماری در بافت‌های ساخته شده موجود می‌باشد. بعد از جنگ جهانی دوم، دوره بازسازی با اقدامات ابتکاری بسیاری در تکمیل بقایای ناتمام شناخته می‌شود. اصل تداوم بخشی به ساختار موجود بنا اما در فرم ساده شده است. از میان تمام رویکردهای مختلف به انطباق، استراتژی تبدیل به طور وسیعی در میان معماران در گذشته اتخاذ شده است. تبدیل در ابتدا بر طراحی دوباره فضاها موجود و انطباق با کاربری جدید تمرکز می‌کند (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). مساله کلیدی این است که چگونه هر دو بخش با هم مرتبط می‌شوند. نه تنها این مسئله در مورد فرم و شکل بوده بلکه در خصوص موارد فنی و سازمانی نیز صادق می‌باشد. این تصور که بنای موجود می‌تواند از طریق افزودن الحاقات جدید بدون تغییر باقی بماند در واقعیت کمتر صادق است. حتی زمانی که هیچ کار ساختمانی در بنای قدیمی انجام نشود، دسترسی‌های جدید، ورودی‌ها و مفاصل بایستی برای اتصال دو ساختمان ایجاد شوند و این کار اغلب به تغییر در روش دسترسی و استفاده از بنای موجود منجر می‌شود (برولین، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

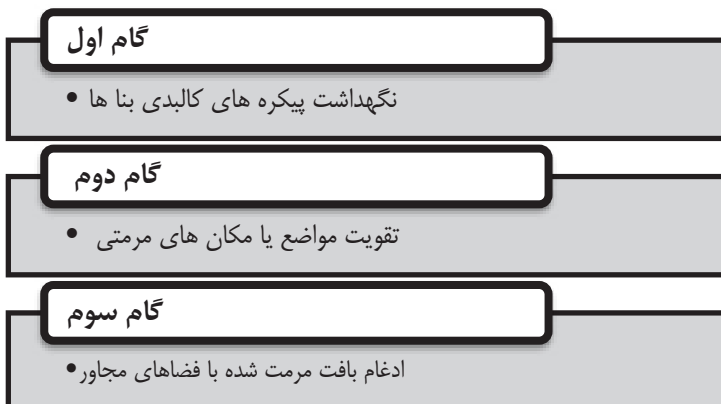
ج- جایگزینی

در فرآیند جایگزینی همیشه جایگزین وجود دارد و به جای اصل نشسته است و صرفاً برگردانی از اصل تلقی می‌شود.

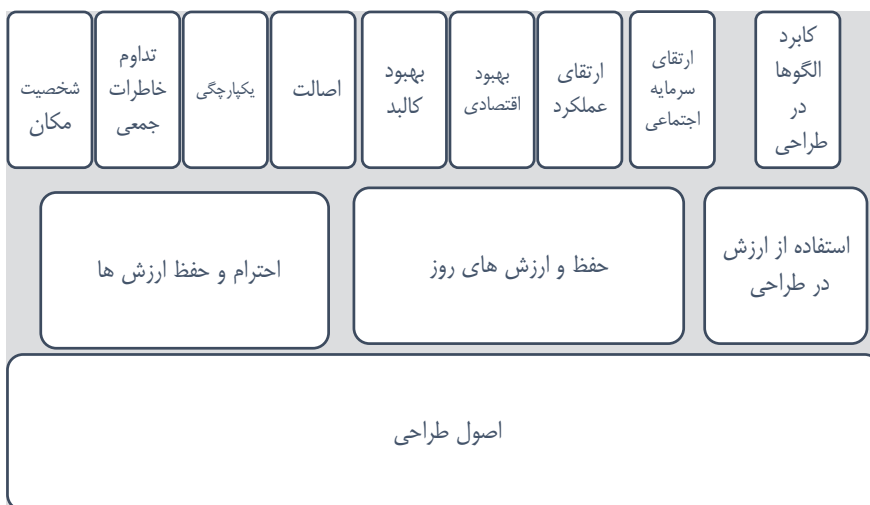
چ- بیان معمارانه

هر چقدر هم که مفهوم طراحی یا استراتژی مناسب باشد، نتیجه نهایی توسط کیفیت‌های ظاهری و هنری طرح کلی مشخص می‌شود. چگونه ساختمان جدید با قدیم ارتباط دارد آیا مداخلات مشهودند یا خیر. احتمالات از تطابق همبستگی حداکثر تا تضاد آشکار درجه بندی می‌شوند. هر طرحی که در بافت ساختارهای موجود ایجاد می‌شود باید پاسخگوی این مساله باشد که الحاقات جدید چطور

جدول ۲. اصول در مرمت شهری؛ ماخذ: فلامکی، ۱۳۷۹، ص ۷۶.



جدول ۳. اصول طراحی در محیط تاریخی؛ ماخذ: حناچی، ۱۳۹۱، ص ۸۹.



می سازد. طرح جدید خود را از طریق تفاوت ظریف و نه تضاد مستقیم، خود را از بنای موجود باقی می ماند. از طریق انتخاب دقیق مصالح و ابزار هنری، عنصری جدید با عنصر قدیم مشابهت پیدا می کند. با درگیر شدن با ویژگی های اصیل تبادل نظر میان جدید و قدیم حاصل می شود. دنباله روی از سنت مزیت ارتباط هماهنگ با اصالت و اجتناب از گسیختگی فنی و ساختاری را داراست (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

خ- پیوند و بازنمایی

شیوه ای که جدید و قدیم با هم مطرح می شوند، مشخص می سازد که بنای موجود نقش اصلی یا

خود را با آنچه که قبلا وجود داشته مرتبط و یا خود را از آن متمایز می سازند (رادول، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

ح- همخوانی

تداوم فرم های موجود و روندهای معماری رویکرد ساده ای برای هماهنگ سازی طرح های جدید و قدیمی می باشد. جایی که فرم ها، رنگ ها مصالح و ساختارهای مشابه برای بناهای جدید به کار می روند و جایی که الحاقات همخوان با حجم اصلی، به کار می روند، نتیجه هماهنگ ولی ابتدا اندکی بی روح خواهد بود. با این وجود تفاوت های جزئی میان بنای جدید و اصیل جایی برای نمود فراهم

حمایتی ایفا می کند. در نقطه‌ای که آن‌ها با هم

پیوند می یابند می توان به ارزشی که توسط معمار

به بنای موجود داده می شود پی برد، و به طور کلی

می تواند موقعیت وی را در ارتباط با تدوام تاریخی

معماری در نظر گرفت. تقریباً در تمام طرح‌های ایجاد

شده در بافت‌های بناهای موجود رابطه نخستین

بخش بصری از دو قطبی بودن قدیم و جدید و

جدایی گذشته از حال می باشد (همان، ص ۱۴۴).

در این خصوص معیارهای راهبردی متناسب با

معیارهای سازماندهی مطرح می باشند این معیارهای

در خصوص زمینه تاریخی که محیط تاریخی را شکل

می دهد عبارتند از: تنوع فضایی یا گوناگونی-توزیع

متعادل گروه‌های فعالیتی- پیوستگی ساختاری-

انسجام کالبدی، فضایی- اولویت‌های عرصه‌های

همگانی (محمودی و اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

مداخلات در مقیاس شهر و محیط تاریخی، متناسب

سازی ابعاد پیکره قدیمی شهر با آمد و شد و نیاز

های پیکره‌های کالبدی-کارکردی است. از سویی

پرداختن به شکل روانی بناهای تاریخی در طول

شریان‌های توسعه شهری خواهد بود. شهر به عنوان

موجودیتی زنده و پویا، اگر دگرگون نشود می میرد

و این دگرگونی‌های همزمان در گستره‌ای کالبدی

و ارتباطی، جمعیتی، فرهنگی و تولیدی و خدماتی

تحقق می پذیرد.

در مرمت شهری ویژگی‌های اصلی و اساسی وجود

دارد که در اولین گام نگهداشت پیکره‌های کالبدی

بناها قرار دارند که البته این امور مداخلات در

چارچوب شهر و از طریق الگوبرداری محقق می شود

(فلامکی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

معماری همیشه با زمان مرتبط است. بناهای طوری

طراحی می گردند تا هدف مشخصی را جواب دهند،

مصالح و شکل آن‌ها به گونه‌ای است که با ابزارها،

تکنیک‌ها و سنت‌های موجود مشخص می شوند.

وقتی این ساختمانها تکمیل می شوند همگی در

معرض تغییر شکل‌های بعدی هستند. تغییر شرط

طبیعی زندگی است (کلانتری و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص

اصول طراحی در محیط تاریخی

می توان بر اساس مطالعات انجام گرفته و معماری

موجود در هر محیط تاریخی و بر همین مبنا

رویکرد‌های مداخله به سه جنبه اصلی در طراحی

اشاره داشت که مبنای الگوی معماری مداخلات

خواهد بود.

اصل اول: احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و

فرهنگی در طراحی

رعایت شخصیت مکان: زمانی که انسان در یک

فضا قرار دارد، در شخصیت محیطی آن فضا قرار

می گیرد؛ مداخله انسان‌ها در مکان زمانی بیش

از همه موفق خواهد بود که بتواند در وهله اول

شخصیت اصلی مکان را بشناسد و محیط‌هایی را

خلق نماید که با این شخصیت بیشتر هماهنگ باشد

(پرتوی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). از این روست که بر اساس

ماده ۶ قطعنامه ونیز (ساخت هر گونه ساختمان

جدید در بافت قدیمی و همچنین تخریب بناها

و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به طوری که در

روابط، حجم و رنگ آن‌ها تاثیر بگذارد، به طور کلی

ممنوع است) و بررسی الگوهای موجود دست یابی

به فضایی حائز اهمیت است که به روح ویژگی‌هایی

فضایی منجر شود (کرامر - بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

رعایت اصالت: بر مبنای سند نارار در خصوص اصالت

(۱۹۹۴)، توانایی برای درک ارزش‌های میراثی، به

میزان معتبر یا موثق بودن و در نتیجه، اصیل بودن

منابع داده‌ها بستگی دارد. باید گفت اصالت یک

کار هنری، میزان راستین بودن وحدت ذاتی فرایند

خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تاثیرات پیام آن

در طول زمان تاریخی آن است (حناچی، ۱۳۹۱، ص

۲۱۶). در این مبحث، حفاظت معماری به عنوان

شاخصه‌ای بر مبنای اصالت به روندی پویا منجر

خواهد شد، بر این مبنا اثر تاریخی به عنوان یک اثر

پویا با رویکرد اصالت مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت،

در این میان توجه به نمونه‌های عینی این مفهوم در رابطه متقابل میان بخش‌های قدیمی و جدید اثر تاریخی انطباق بیشتر روند حفاظت بر ارزش‌های بومی و غنای تلقی از اصالت را در پی خواهد داشت (پدرام، اولیا و وحید زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

رعایت یکپارچگی: می‌توان یکپارچگی بافت را با رعایت ارتباط‌ها و پیوستگی‌ها از نظر دیداری و ساختاری (کالبدی و عملکردی) حفظ کرد.

رعایت تداوم خاطرات جمعی: تداوم خاطرات جمعی بی‌شک ایجاد حس تعلق به مکان را به همراه خواهد داشت. می‌توان با تاکید بر بکارگیری فضاها و عناصر نمادین، سلسله مراتب‌های گوناگون ارتباطی فضاهای جمعی و عمومی، نوع شناسی ارتباط کالبدی فضاها که دست کم فرهنگ رفتاری فضاها در محیط تاریخی را مخدوش نکند تداوم خاطرات جمعی را بیشتر تضمین می‌کند (Orbasli, 2008: ۸۹).

اصل دوم: حفظ و ارتقای ارزش‌های روز در بافت؛

اصل سوم: استفاده از اصول ارزشمندی بناها در طراحی بناهای جدید.

به نوعی می‌توان در فرآیند یکپارچگی به مفهوم

جدول ۴. رویکردهای طراحی؛ ماخذ: نگارنده.

نمونه موردی	تصویر	زمینه فکری	جنبه‌ها	رویکرد
ژرژ پمپیدو		اشتراک با زمینه جدید و قدیم	تمایز (سنت) تضاد	تضاد و تباین
هتل یزد		الگوی معماری	هم افزایی سبکی	تشابه بیشینه‌ای
رایشستاک		پوسته	تخلیه درون	حفظ نما
بافت جویباره		پوسته	ساماندهی پوسته	نماسازی تزیینی
بدنه چهار باغ		الگوی معماری	زمینه	عناصر وحدت بخش
			عدم تعامل	معماری خشتی
مسجد جامع میبد		تضاد	فانتزی	ناپایدار
موزه لوور		پنهان سازی	شفاف سازی آئینه‌ای (بازتاب) پنهان سازی	ناآشکار (آئینه‌ای)
مجتمع دزفول		الگوی زمینه	تداوم	زمینه‌گرا

وحدت اشاره نمود که خود یکی از معیارهای زیبایی و ارزشمندی های محیط تاریخی است، وحدت و هماهنگی در محیط تاریخی دارای مولفه های متنوعی است که می توان به آن ها اشاره نمود: الف: وحدت در فرم های کالبدی؛ ب: وحدت در الگوهای فضایی؛ ج: وحدت در عناصر معماری؛ د: وحدت در الگوهای سازه ای و مصالح؛ ه: وحدت در هندسه و نقشمایه (مسعود- بیک زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

رویکردهای طراحی در محیط تاریخی

در خصوص طراحی در محیط تاریخی رویکردهای به طور کلان وجود دارند که بر این مبنا می توان به روش های ذیل اشاره نمود.

از آنجا که هر اثر معماری در ارتباط با آنچه در پیرامون آن قرار دارد درک می شود، لذا نحوه ادراک دانه های موجود پیرامون و کیفیت معماری آن ها متأثر از ساختارهای جدید خواهد بود (مسعود، بیک زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۵). پیرامون ما اساساً تحت تاثیر معماری است. از چشم اندازه های وسیع فرهنگی تا همسایگی های محلی، بناهای تاریخی شخصیت و ظاهر محیط ما را مشخص می کنند. شهرها تا حدود زیادی با شکل ظاهری و ترتیب بناهایشان شناخته می شوند و این ثابت می کند که یک مکان در طول سال های طولانی، قابل تشخیصی باقی می ماند. معماری ویژگی های متمایز یک مکان از جمله روح و هویت آن را مدیریت می کند. این اصطلاح شامل ویژگی های ماندگار و جدید و نیز پتانسیل یک محیط ساخته شده است و نگهداری و توسعه مداوم از تکالیف اولیه طراحی شهری است.

گذشته از بناهای برجسته و مهم زمان تمام شهرها و نواحی با تنوع و بافت ساختمان هایشان که ارزش هنری و معماری متفاوتی دارند شناخته می شوند و حامل بسیاری از خاطره های شخصی در طول زمان و همچنین بخشی از حافظه جمعی هستند. اهمیت تداوم معماری و جهتی که به دست می دهد زمانی آشکار می شود که ساختار شهری به سرعت تغییر شکل می دهند (کرامر- بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

هنگامی که بنا به دلایل مختلف، حضور ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی ضرورت می یابد، طراحی بناهای جدید می بایست سازگار با زمینه ی تاریخی موجود در نظر گرفته شود. باید توجه داشت درک زمینه و سازگاری با بناهای مجاور، هرگز بر تقلید صرف متکی نبوده و از یک معماری معاصر جلوگیری نمی کند و در حقیقت معماری معاصر موفق به آن نیاز دارد. از آنجا که سازگاری ساختار جدید به طرح زمینه ی تاریخی آن وابسته است، تعریف مشخصی برای آنچه که سازگار خواهد بود و یا ناسازگار، به طور مطلق، وجود ندارد. آنچه که در این بین مهم است، این است که با استفاده از رهنمودهای طراحی، سازگاری چگونه می تواند حاصل شود. در این راستا درک زمینه ی طراحی جهت پاسخ به کیفیت های خاص و یا محدودیت های آن در اولویت تمام امور قرار دارد. با توجه به موارد عنوان شده، دیگرامی شامل پنج شاخص کلی که در خصوصیت یک زمینه ی تاریخی مؤثر هستند و عواملی که می بایست در ارتباط با هر یک از این شاخص ها در هنگام طراحی ساختارهای جدید مورد توجه قرار گیرند، ارائه می-گردد. باید در نظر داشت که برخی از این عوامل دارای تأثیر همزمان بر روی شاخص های دیگر نیز هستند. برای مثال اهمیت خط آسمان موجود و یا لحاظ کردن فضایی واسط بین بنای جدید و قدیم، به منظور کاهش تأثیر مقیاس بنای جدید، از جمله عواملی می باشند که در مقیاس ساختار جدید می بایست مورد توجه قرار گیرند، اما از آنجا که این عوامل دارای تأثیر بیشتری بر شکل ساختار جدید می باشند تحت عوامل مورد توجه در این شاخص عنوان شده اند. به طور کلی توجه به هر یک از این عوامل می-تواند منجر به راه حل های گوناگون و گاه مشترکی شود که بر حسب شرایط هرزمینه ی تاریخی متفاوت خواهند بود و تنها با درک درستی از خصوصیات زمینه ی تاریخی قابل دست یابی می باشند (شاه تیموری، ۱۳۹۱، ص ۳۸). تبیین الگوی ساختار جدید مستلزم شناسایی

جدول ۵. طراحی ساختار جدید؛ ماخذ: شاه تیموری، ۱۳۹۱، ص ۴۰.

عوامل موثر در خصوصیت زمینه تاریخی جهت طراحی ساختار جدید				
کاربری	موقعیت قرار گیری	مقیاس	شکل	مصالح و جزئیات

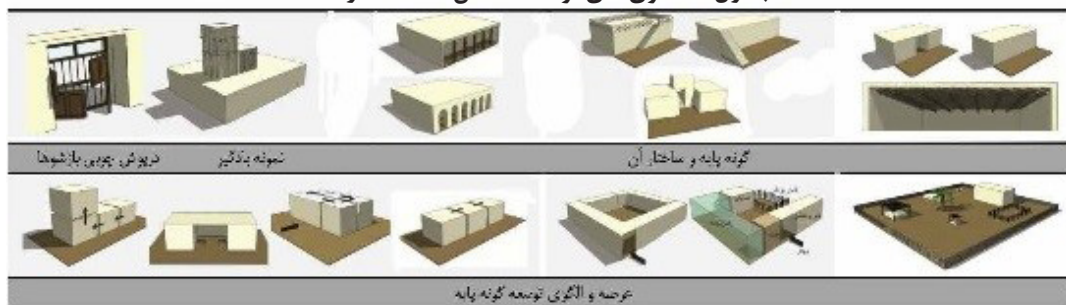
جدول ۶. الگوی معماری مسکن حاشیه خلیج فارس؛ ماخذ: نگارنده.

الگوی شماره ۱	الگوی شماره ۲	الگوی شماره ۳	الگوی شماره ۴	فرم حیاط
خانه های ال شکل	خانه های یو شکل	خانه های خطی	حیاط مرکزی	شکل الگوی
٪ ۴۸	٪ ۳۵	٪ ۱۰	٪ ۷	درصد الگوی موجود در بافت

جدول ۷. الگوی های چهارگانه مسکن؛ ماخذ: نگارنده.



جدول ۸. الگوی های توسعه مسکن؛ ماخذ: نگارنده.



لافت، بندر کنگ و بندر لنگه ارزیابی در معماری غالب برجای مانده که از گونه مسکونی است انجام پذیرفته است. در این راستا در ۵ الگوی کلان دسته بندی صورت گرفته است. در رابطه جز از کل الگوی هایی قرار گرفته اند که پهنه کارکردی خاص

الگوی های ارزشمند موجود است که بنا بر مبانی نظری مداخله های عنوان شده در بخش های فوقانی مقاله به عنوان ساختار اصلی مداخله شناخته می شود به همین دلیل در شهرهای ساحلی دارای معماری و محیط تاریخی ارزشمند از جمله بندر

در محیط ارزشمند تاریخی شهر ساحلی در اجزای مختلف در روند توسعه خود مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است که روند ذیل نشانگر این الگوی پایه می باشد.

تحلیل داده ها

با توجه به بررسی های انجام شده در خصوص الگوی معماری مسکن ارزشمند در محیط های تاریخی ساحلی می توان بر اساس متغیر های پایه که در جدول زیر ارائه شده است. به ارائه الگوهایی پرداخت که بر این مبنا بتوان الگوی مداخله را تعریف پذیر نمود. تاکید این مقاله بر پایه تعریف مداخله در محیط تاریخی است که اصالت فرم و

دارند. در بحث کیفیت فضایی الگوهایی که فضاهای معینی را شرح می دهند مانند شفافیت و انعطاف پذیری در خصوص پیوند محله به رابطه تک دانه های معماری با محیط تاریخی اشاره دارد که از چه الگویی پیروی می کند در خصوص اجرای برتر در خصوص عملکرد و کارایی فضاهای معماری مد نظر است و در نهایت در سطح کارایی هدف یک جا گردآمدن همه الگوها و درآمدن بهترین گزینه مطرح خواهد بود.

با مطالعه زمینه تاریخی در شهرهای ساحلی و تحلیل قیاسی نمونه های برداشت شده در خصوص الگوی مداخله و دست یابی به زبان الگوی معماری موجود ارزشمند، می توان نتایج ذیل را بررسی نمود .
بررسی الگوی شکلی مسکن به عنوان معماری غالب

جدول ۹. زبان الگوی طراحی مسکن در حاشیه خلیج فارس؛ ماخذ: نگارنده.

الگو	توصیف	نوع الگو				
		جز از کل	کیفیت فضایی	پیوند با محله	اجرای برتر	سطح کارایی بالا
نشانه های محلی						
پیوند با محله						
ورودی						
عرصه خصوصی						
عرصه جمعی						
حیات						
مطبخ						
ایوان						
سطوح گردش عمودی						
بام های محرم شده						
سطوح گردش افقی						
اتاق						
اتاق بادگیر						
انبار						
فضاهای انعطاف پذیر						
تهویه طبیعی						
نور طبیعی						
شفافیت						
چشم انداز						
برایند تمام الگو ها و رسیدن به یک پاسخ منطقی						

تصویر ۱۰. تبیین الگوی معماری در محیط های تاریخی شهرهای ساحلی؛ ماخذ: نگارنده.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۹ ■

آور یا سودمندی بر محیط پیرامونی خود یا بنای با ارزشی که در مجاورت قرار دارد داشته باشد هدف از یک طراحی در زمینه تاریخی در درجه نخست باید حفظ کیفیت های خاصی باشد که خصوصیت یک مکان را ایجاد می کنند. در این راستا حفظ ارزشها اصالت و یکپارچگی مکان می بایست در الویت های هر مداخله ای معمارانه ی جدید قرار گیرد و هرگونه مداخله در بافت می بایستی مبتنی بر اصول و مبانی ساختارهای جدید به ضرورت طرح یک راه حل مناسب، جهت مقابله با پدیده گسترش بیرویه شهرها از یک طرف، و تغییر نگرش نحوه مداخله در بافت های درونی قدیمی و ناکارآمد از طرف دیگر، سبب تکامل یافتن چارچوب های نظری این نحوه مداخله در بافت های شهری، با هدف استفاده هر چه بهتر از فضاهای خالی در محیط های تاریخی گردد. این استراتژی ها، اصول و رویکردها جنبه کلی داشته و باید نسبت به هر محیط تاریخی و بر اساس ویژگی های معماری در هر منطقه زیستی نوع ساختار بر اساس موارد یاد شده جنبه عملیاتی و اجرایی به خود گیرد.

کالبدی را مدنظر قرار می دهد و بر این مبنا علاوه بر الگوهای فرمی، روش مداخله و الگوهای کالبدی مسکن نیز از جمله شاخصه هایی خواهند بود که راهکار را تعریف می نماید.

تحلیل الگوی معماری در محیط تاریخی شهرهای ساحلی بر پایه زبان طراحی الگوی معماری مسکن

با توجه به بررسی های انجام شده می توان نمونه های ذیل را به عنوان الگوی های مداخله کاربردی در محیط تاریخی شهرهای ساحلی جنوب کشور (حوزه خلیج فارس) به عنوان نمونه ارائه داد.

نتیجه گیری و جمع بندی

مراکز تاریخی شهرها تشکیل دهنده کلیت وسیعتری است و باید به عنوان بخشی از واقعیت پویای زمان حال و نه صرفاً به عنوان یک موضوع ایستا و جذب توریست مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد. لذا مخالفت با احداث ساختارهای جدید در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می رود. از آنجا که یک ساختار جدید با توجه به موقعیت و طراحی اش می تواند اثر زیان

منابع و ماخذ

قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

کرامر یوهانس و برتلینگ استفان (۱۳۹۳) معماری در بافت موجود، ترجمه رضا ابویی و رامین رضایی، فرزین مرادی، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد. کلانتری، حسین و پور احمد، احمد (۱۳۸۴) فنون و تجارب برنامه ریزی بافت‌های تاریخی شهرها، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

محمودی، محمد مهدی و اسلامی، لیدا (۱۳۹۰) بررسی راهکارهای بهبود و سازماندهی یکپارچه بافت فرسوده ساحلی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۲۸، تهران، صفحه ۸۱-۹۲ مسعود، محمد، بیگ زاده شهرکی، حمید رضا (۱۳۹۱) بناهای میان افزا در بافت‌های تاریخی مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی، تهران.

NEMW (2001) "Strategies for Successful Infill development", Northeast-Midwest Institute Congress for the New Urbanism. Retrieved from: <http://www.nemw.org/infillbook.htm> (2008)

Orbasli, Aylin (2008), Architectural Conservation: Principles and Practice, Blackwell Science.

Guzmán Torres, Zasha N (2009), Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship, Directed By: Dr. Donald W. Linebaugh, School of Architecture Planning and Preservation, University of Maryland, College Park

اسمعیلی سنگسری، حسین (۱۳۹۳) راهکارهای احیا بافت‌های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۳۷، تهران، ۳۵-۵۶

برولین، برنت سی (۱۳۸۳) معماری زمینه‌گرا، سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضازاده، اصفهان، نشرخاک.

بهزاد فر، مصطفی و نور محمد زاده (۱۳۹۱) بافت شناسی بافت کالبد تاریخی شهر یزد با نگرش سیستمی، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۲۹، تهران، صفحه ۳۲-۴۸

پور جعفر، محمد رضا، (۱۳۹۲) طراحی شهری محیطی کنار آب، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. تیزدل، استیون، اک، تنر و هیث، تیم (۱۳۸۸) احیای محله‌های تاریخی شهرها، ترجمه ساریخانی، شیراز، انتشارات نوید شیراز.

توسلی، محمود (۱۳۷۰) طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴) مرمت شهری، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

حناچی، پیروز (۱۳۹۱) مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. رادول، دنیس (۱۳۹۲) حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی، ترجمه پیروز حناچی، یلدا شاه تیموری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

عزیزی، محمد مهدی و آراسته، مجتبی (۱۳۹۰) طراحی الگوی برنامه ریزی راهبردی در توسعه فضاهای رها شده شهری با استفاده از رویکرد تلفیقی فازی و SWOT، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری شماره ۲۸، تهران، صفحه ۳۱۴-۳۳۰

فلامکی، منصور (۱۳۸۶) باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

ارائه الگوی بهینه استقرار ساختمان ها در مجتمع های مسکونی ویلایی در شهر رشت با رویکرد بهره گیری بهینه از انرژی خورشید و باد

سارا زهری - دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
منصوره طاهباز* - دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
ایرج اعتصام - استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مسائل اساسی در طراحی مجتمع های مسکونی، شناخت نحوه استقرار صحیح واحدها است. بهره گیری بهینه از انرژی باد و تابش خورشید از جمله عوامل مهمی هستند، که در استقرار ساختمان ها در مجتمع های مسکونی باید مورد توجه قرار گیرند. در این مقاله به بررسی نحوه استقرار بهینه ساختمان ها شامل فاصله و جهت گیری واحدها در مجتمع های مسکونی شهر رشت پرداخته می شود. در این راستا سه نحوه استقرار ساختمان ها شامل استقرار روبروی هم، شطرنجی و با چرخش ۱۰ درجه، با بهره گیری از شبیه سازی با نرم افزار دیزاین بیلدر، از نظر میزان بهره گیری از تابش و تهویه و تاثیر آن بر بار سرمایش گرمایش مورد مقایسه قرار می گیرند. در مرحله بعد بر اساس تجزیه و تحلیل نتایج و اطلاعات به دست آمده از شبیه سازی های انجام شده، الگوی بهینه استقرار ساختمان ها در مجتمع های مسکونی در شهر رشت استخراج می شود. نتایج شبیه سازی انرژی نشان می دهد که قرار گیری شطرنجی به گونه ای که ساختمان ها در خارج از منطقه سایه باد یکدیگر قرار گیرند بهترین نتایج را از نظر تهویه دارد. بعلاوه به دلیل افزایش فاصله ردیف های ساختمانی در این نحوه استقرار، میزان تابش دریافتی در کل واحدها نیز افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: الگوی استقرار، مجتمع های مسکونی، انرژی باد و خورشید

The optimal deployment model for building residential complexes of villas in Rasht with a view to optimal utilization of solar and wind energy

Abstract

One of the fundamental issues in the design of residential complexes is the understanding of correct deployment of units. Optimal utilization of wind and sun energy is one of the factors that must be considered in the deployment of residential buildings. In this paper, the optimal placement, including distance and orientation of buildings in residential complexes in Rasht will be discussed. Three placement methods of the buildings, including the east-west, checkered and with 10 degrees rotation deployment using Design Builder simulation software are compared in terms of heating and cooling loads. In the next step, optimal deployment model in residential buildings in the city of Rasht is extracted based on analyses of the results and information obtained from simulations. The simulation results show that checkered placement of buildings outside the area of wind shadow has the best results in terms of ventilation. In addition, due to increased distance between building rows, the amount of radiation received in whole units increases.

Key words: optimal deployment model, residential complexes, solar and wind energy.

مقدمه

توسعه پایدار اغلب به صورت گونه‌ای از توسعه که نیازهای امروز را تامین می‌کند و در عین حال امکان تامین نیازهای نسل آینده را برای آن‌ها فراهم سازد تعریف می‌شود (Venhaus, 2012, 4). به نقل از (Brundtland, 1987) این تعریف وابستگی متقابل محیط زیست، سلامتی انسان و اقتصاد را مشخص می‌سازد و در تعیین میزان موفقیت هر سه مورد را در نظر می‌گیرد (Venhaus, 2012, 4). این واقعیت که ما انسانها به واسطه فعالیت‌ها و اعمال غیر مسئولانه‌ی خود در حال تخریب موجودات زنده و سکونتگاه‌های آن‌ها هستیم شاید یک تفکر مایوس کننده باشد، ولی در عین حال باید متذکر شد که ما صاحب دانشی هستیم که ما را در درک آنچه که در حال انجام آن هستیم کمک کرده و می‌تواند ما را در درک آنچه که در حال انجام آن هستیم کمک کرده و می‌تواند ما را در ارائه طریق برای متوقف ساختن فعالیت‌های تخریبی یاری برساند. بوم‌شناسی دانشی است که ما را در این راه هدایت می‌کند (عباس پور و خیامی، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

بالا بودن پتانسیل بهره‌گیری از انرژی‌های نو در ایران و از سوی دیگر افزایش مشکلات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی، همگی بیانگر نیاز مبرم ایران به پرداختن جدی به مقوله پایداری در طراحی مسکن میباشند (رضوانی پور و حاجی زاده، ۱۳۸۹، صص ۸-۹). طراحی صحیح مجتمع‌های مسکونی مبتنی بر شناخت دقیق از بستر طراحی (اقلیم و محیط طبیعی) است. آب و هوای استان گیلان معتدل می‌باشد، که ناشی از تأثیر آب و هوای کوهستانی البرز و دریای خزر است. استان گیلان به دلیل نزدیکی به دریای خزر و جاذبه‌های طبیعی، منطقه‌ای گردشگری است. به همین دلیل مجتمع‌های ویلایی و اقامتی زیادی در این استان احداث شده و می‌شود. به دلیل رطوبت بالای هوا در منطقه معتدل و مرطوب، بهره‌گیری از تهویه طبیعی در ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی اهمیت زیادی

دارد. از سوی دیگر با توجه به ابری بودن آسمان در بیشتر ماههای سال، بهره‌گیری از تابش خورشید باید به عنوان عاملی اساسی در طراحی مجتمع‌های مسکونی و اقامتی در این اقلیم در نظر گرفته شود. استقرار مناسب ساختمان‌ها طراحان را در دستیابی به این هدف یاری می‌دهد. بنایی که به نحو مناسبی در سایت استقرار یابد، واجد فواید قابل توجهی از نظر سبک زندگی و زیست محیطی است (Your home, 2010, 69). در مقاله حاضر، حالت‌های مختلف فاصله و جهت‌گیری ردیف‌های ساختمان از نظر میزان بهره‌گیری از تابش و تهویه طبیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ادبیات تحقیق

الف- فاصله ساختمان‌ها

فاصله میان ساختمان‌ها باید از نقطه نظر استفاده از تهویه و تابش مورد بررسی قرار گیرد. عدم رعایت فاصله مناسب بین ساختمان‌ها در راستای شمالی- جنوبی موجب ایجاد سایه ناخواسته‌ی ساختمان جنوبی بر روی ساختمان شمالی می‌شود (قیابکلو، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴). از سوی دیگر، فاصله ساختمان‌ها از یکدیگر باید به گونه‌ای باشد، که یک ساختمان یا ردیفی از ساختمان‌ها در سایه باد ساختمان‌های دیگر قرار نگیرند.

ب- جهت‌گیری ساختمان‌ها

جهت‌گیری مناسب در کنار اندازه و شکل مناسب ساختمان‌ها، از عوامل مهم بهره‌گیری مناسب از گرمایش، سرمایش و نور طبیعی است (قیابکلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴). جهت‌گیری مناسب گرمایش و سرمایش غیرفعال را افزایش می‌دهد، که منجر به ارتقای آسایش و کاهش هزینه‌ها می‌شود، کارایی انرژی را افزایش داده و فضا را برای زندگی راحت‌تر و ارزان‌تر می‌سازد. جهت‌گیری بهینه‌حالتی است که در آن مجموع بار کل سرمایش و گرمایش ساختمان نسبت به سایر حالت‌ها کمتر باشد. منظور از بار کل ساختمان مقدار حرارتی است، که باید از ساختمان بگیریم یا به ساختمان بدهیم تا به دمای آسایش

برسد. منظور از بار سرمایش مقدار حرارتی است که باید از ساختمان گرفته شود، تا دمای فضای داخل ساختمان به دمای آسایش فصل سرد برسد و بار گرمایش مقدار حرارتی است که باید به ساختمان بدهیم تا به دمای آسایش فصل گرم برسد. استفاده از جریان باد در مجتمع های مسکونی، مستلزم شناسایی رفتار باد در اطراف ساختمان و بررسی نحوه تاثیرگذاری جریان باد بر میزان بهره گیری از تهویه طبیعی در ساختمان است. جهت گیری واحدها باید به گونه ای باشد، که ساختمان تا حد ممکن از بادهای نامطلوب محافظت شده و از باد مطلوب نیز حداکثر استفاده صورت گیرد. در مناطق مرطوب جهت گیری باید با هدف افزایش دسترسی به نسیم های خنک صورت گیرد. از سوی دیگر، جهت گیری بهینه ساختمان نسبت به خورشید، جهتی است که بیش ترین گرما را در روزهای سرد و کم ترین گرما را در روزهای گرم از آن دریافت کند. این جهت را می توان جهت بهینه نامید (طاهباز، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

۲. روش شناسی تحقیق

با هدف دستیابی به راهکار بهینه، تاثیر روش های مختلف استقرار ساختمان ها، شامل فاصله ساختمان ها و جهت گیری آن ها، بر میزان بهره گیری از انرژی خورشید و باد مورد بررسی قرار می گیرد. برای مقایسه حالت های مختلف استقرار ساختمان ها از نرم افزار دیزاین بیلدر استفاده شده است. برای بررسی تهویه طبیعی و تابش در مجتمع های مسکونی، شهر رشت به عنوان نمونه انتخاب شده است.

قرار گرفتن واحدها در کنار یکدیگر در عین بهره گیری از تابش و تهویه دو طرفه، موجب کاهش اتلاف انرژی از جداره های غربی و شرقی و حفاظت از جبهه غربی واحدها در برابر کج باران می شود. به همین دلیل در مدل مورد مطالعه واحدها به صورت ردیفی از ساختمان های متصل به هم در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر لازمه بهره گیری از

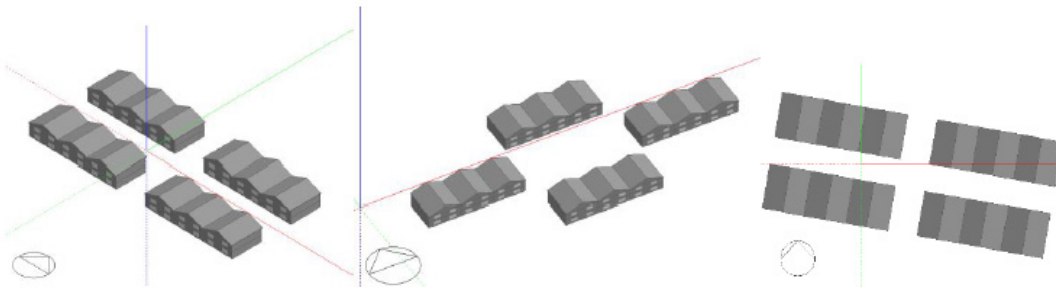
تهویه طبیعی در ساختمان به وجود آمدن اختلاف فشار میان جبهه روبه باد و پشت به باد است. اما در صورت زیاد بودن تعداد واحدهای متصل به هم، در فضای میان ردیف های ساختمانی مکش ایجاد می شود و امکان ایجاد اختلاف فشار میان دو جبهه شمالی و جنوبی در واحدهای عقبی از بین می رود. بر این اساس و با توجه به نمونه های مجتمع های ویلایی موجود در استان گیلان، مدل مورد مطالعه در این مقاله با واحدهای دو طبقه با ردیف هایی متشکل از سه واحد ساختمان متصل به هم در نظر گرفته شد. ابعاد هر ساختمان ۱۰*۱۰ متر مربع و به ارتفاع ۶ متر با سقف شیبدار با شیب ۳۰ درجه در نظر گرفته شد. دمای آسایش در مدلسازی انرژی مطابق استاندارد اشری در نظر گرفته شده است. برای مقایسه حالت های مختلف و یافتن راهکار بهینه از نظر میزان تابش و تهویه سه حالت در نظر گرفته شد.

الف- ردیف های ساختمان روبروی یکدیگر قرار دارند.

اگر در یک مجموعه و محیط باز، ساختمان های یک طبقه بصورت شبکه ای از ردیف های پشت سر هم قرار گیرند، منطقه هوای ساکن پشت به باد اولین ردیف، بر ردیف دوم منطبق می گردد (مهرام و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷). برای بررسی تاثیر قرار گیری ساختمان ها به صورت ردیف های موازی، با مدلسازی انرژی دوازده واحد در ردیف های متشکل از سه ساختمان چسبیده به از نظر تهویه و تابش دریافتی و تاثیر این دو عامل بر کاهش بار کل ساختمان مورد بررسی قرار می گیرد.

ب- ردیف های ساختمان به صورت شطرنجی قرار گرفته اند.

با توجه به الگوی حرکت باد در اطراف ساختمان ها و ایجاد منطقه دنباله در جبهه پشت به باد، الگوی پیشنهادی به صورت شطرنجی در نظر گرفته شد. در این حالت ساختمان ها مانع نفوذ جریان باد در ساختمان های پشتی نمی شوند. به نظر می رسد



تصویر ۱. حالت های مختلف استقرار ردیف های ساختمان ها مورد بررسی از نظر تهویه، ماخذ: نگارندگان

۳. تجزیه و تحلیل نتایج شبیه سازی

نتایج حاصل از شبیه سازی به تفکیک حالت های مختلف در نظر گرفته شده عبارتند از:

الف- قرارگیری ساختمان ها روبروی یکدیگر با کشیدگی شرقی- غربی.

در مرحله اول ساختمان های روبروی یکدیگر با ردیف های ساختمان های سه تایی با فواصل ۱۵، ۱۰، ۷ و ۳۰ متر با نرم افزار دیزاین بیلدر شبیه سازی شده و میزان تهویه، تابش و بار سرمایش و گرمایش ساختمان در جدول ۱ ارائه شد. بررسی نتایج به دست آمده نشان می دهد که با افزایش فاصله ساختمان ها از ۷ به ۱۰ و سپس ۱۵ متر میزان بهره گیری از تهویه و تابش خورشید در ساختمان ها افزایش می یابد و بار سرمایش ساختمان افزایش و بار گرمایش ساختمان کاهش می یابد. دلیل کاهش بار سرمایش با افزایش فاصله ساختمان ها، بهره گیری بهتر از تهویه طبیعی است. در مقابل، افزایش فاصله ردیف ساختمان ها موجب ورود بیشتر تابش خورشید به ساختمان می شود. این امر علاوه بر فصول سرد، در فصول گرم نیز رخ می دهد، که موجب افزایش بار سرمایش می شود. این امر نشان دهنده آنست که طول سایبان یک متری برای جلوگیری از تابش ناخواسته خورشید در فصول گرم کافی نیست.

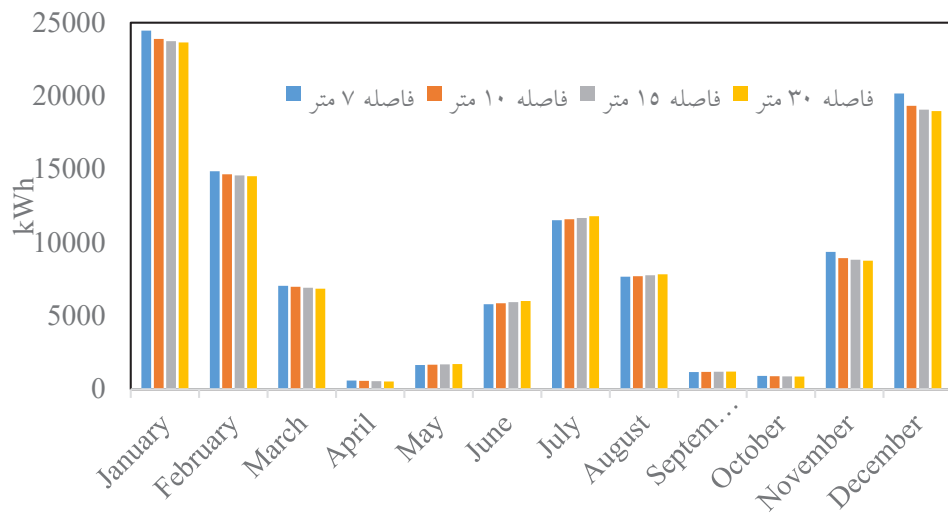
نتایج به دست آمده در حالت شرقی- غربی به عنوان

که این امر به خصوص در ساختمان هایی با ارتفاع بیشتر تاثیر بیشتری بر میزان تهویه و تابش دریافتی داشته باشد.

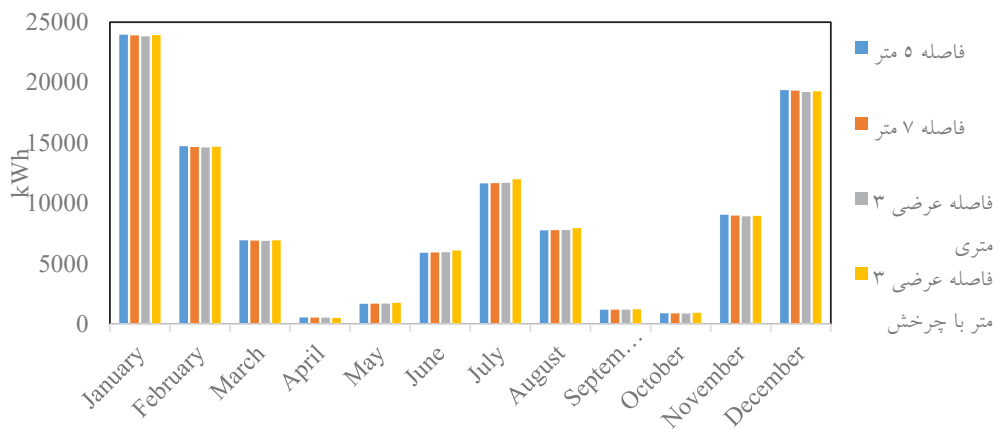
ج- ساختمان ها اندکی به سمت شرق چرخش دارند.

برای بهره گیری از باد مطلوب باید جهت گیری و فاصله واحدها از یکدیگر مشخص شود بر اساس داده های سازمان هواشناسی، باد غالب در شهر رشت در ماههای فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور در طول روز از سمت شمال شرقی و در ماههای سرد سال (آذر، دی، بهمن و اسفند) از سمت غرب می وزد. بنابراین بهره گیری از باد شمال شرقی جهت تهویه طبیعی در فصول گرم مناسب می باشد. از سوی دیگر باد نامطلوب از سمت غرب می وزد، که باید از ساختمان در مقابل آن محافظت شود. بر این اساس استقرار ساختمان های مورد مطالعه با اندکی چرخش به سمت شرق به عنوان یکی از راهکارها مورد مطالعه قرار گرفت. میزان چرخش با زاویه ۱۰ در نظر گرفته شد تا نمای ساختمان بیشتر در معرض وزش باد مطلوب قرار گیرد. به دلیل محافظت از ساختمان در برابر باد نامطلوب از چرخش ساختمان با زوایای بیشتر اجتناب شد.

حالت های مختلف شبیه سازی در تصویر ۱ نشان داده شده است. برای دستیابی به شرایط بهینه در هر حالت فواصل مختلف با هم مقایسه شده است.



نمودار ۱. تغییرات بار کل ساختمان در اثر افزایش فاصله بین ردیف ها



نمودار ۲. تغییرات بار کل ساختمان در حالت های مختلف استقرار شطرنجی ساختمان ها

میزان بهره گیری مجموعه واحدها از تهویه طبیعی و تابش حالت استقرار بهینه مشخص شود. نتایج به دست آمده در جداول زیر ارائه شده است. بر اساس نتایج شبیه سازی موارد زیر مشخص می شوند:

- در حالت استقرار شطرنجی با افزایش فاصله ردیف های ساختمان ها سرمایه گذاری در اثر تهویه افزایش می یابد.
- بر اساس نتایج به دست آمده، ایجاد فاصله عرضی میان ردیف های ساختمان موجب بهبود تهویه طبیعی و سرمایه گذاری ساختمان در ماه های گرم سال

حالت پایه در نظر گرفته می شود و در حالت های بعدی با ایجاد تغییراتی در زاویه و نحوه استقرار واحدها و مقایسه نتایج، حالت بهینه به دست می آید.

ب- استقرار واحدها به صورت شطرنجی

برای بررسی تاثیر نحوه چینش واحدها بر بار گرمایش و سرمایش ساختمان، استقرار ساختمان ها از حالت روبه روی هم به حالت شطرنجی تغییر می یابد. در این حالت مشخصات واحدها دقیقاً مطابق حالت پایه در نظر گرفته شد و تنها استقرار واحدها و فواصل میان آن ها تغییر یافت. با مقایسه

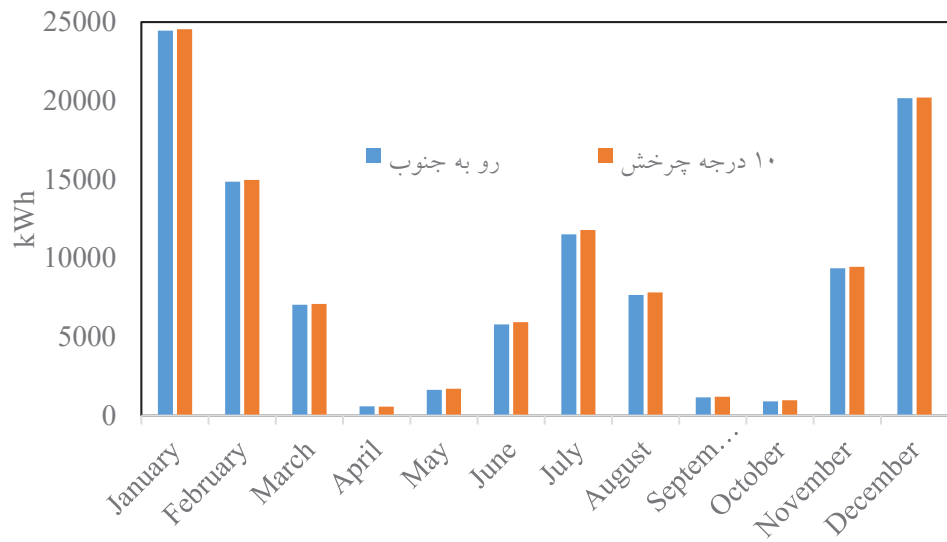
می شود، زیرا با ایجاد فاصله عرضی هوا در اطراف ساختمان به نحو بهتری جریان می یابد. بدون چرخش در محدوده دنباله باد واحدهای جلویی قرار می گیرند.

• چرخش ردیف های ساختمانی به سمت شرق در حالت استقرار شطرنجی موجب کاهش تهویه طبیعی و تقلیل اثر تهویه بر سرمایش ساختمان در اثر تهویه می شود. دلیل این امر آنست که در اثر چرخش، واحدهای پشتی به مقدار بیشتری نسبت به حالت ج- استقرار واحدها با چرخش با توجه به وزش باد مطلوب از شمال شرقی، چرخش ۱۰ درجه به سمت شرق در نظر گرفته شد. به دلیل وزش باد نامطلوب و کج باران از سمت غرب، میزان چرخش کم در نظر گرفته می شود. با مدل سازی

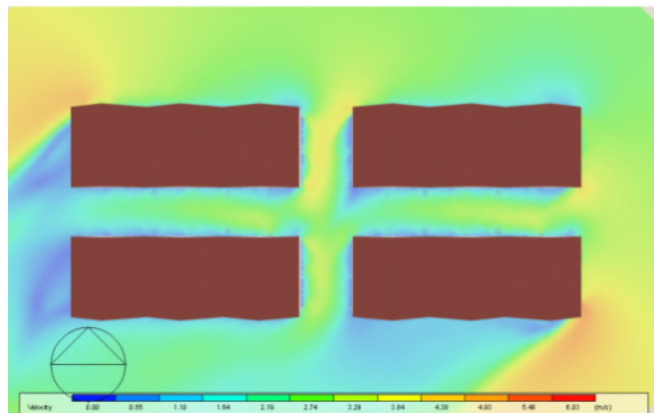
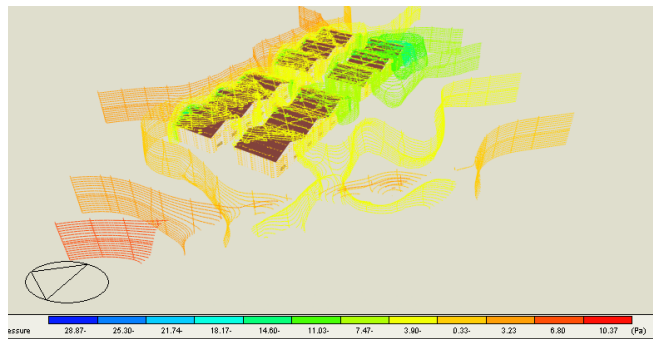
جدول ۳. مقایسه تاثیر حالت های مختلف استقرار ساختمان ها بر میزان مصرف انرژی و تهویه و تابش دریافتی، ماخذ:

نگارندگان

مقایسه تهویه و تابش	حالت های استقرار ساختمانی	سرمایش در اثر تهویه (kWh)	(kWh) بار کل	تابش ورودی (kWh) خورشید
	ردیف های مقابل هم با فاصله ۷ متر	۴۷۷۲۳	۱۰۵۲۱۷	۵۸۴۰۰
	ردیف های مقابل هم با فاصله ۱۰ متر	۴۷۸۲۱	۱۰۳۲۶۲	۶۱۲۶۵
	ردیف های مقابل هم با فاصله ۱۵ متر	۴۷۹۷۴	۱۰۲۸۲۵	۶۳۱۱۶
کمترین مصرف انرژی بیشترین تهویه و تابش	ردیف های مقابل هم با فاصله ۳۰ متر	۴۸۱۴۹	۱۰۲۷۴۵	۶۴۹۲۳
	شطرنجی با فاصله ۵ متر	۴۷۹۶۰	۱۰۳۷۵۴	۶۲۲۳۳
	شطرنجی با فاصله ۷ متر	۴۷۹۹۰	۱۰۳۵۳۱	۶۲۶۷۰
	شطرنجی با فاصله ۷ متر و فاصله عرضی ۳ متر	۴۸۰۲۹	۱۰۳۲۷۹	۶۳۳۴۳
	شطرنجی با فاصله ۷ متر و فاصله عرضی ۳ متر با چرخش	۴۷۹۴۵	۱۰۴۳۰۷	۶۴۰۰۲
کمترین تهویه و تابش بیشترین مصرف انرژی	۱۰ درجه چرخش با فاصله ۷ متر	۴۷۶۲۲	۱۰۶۳۱۸	۵۸۸۸۷



نمودار ۳. مقایسه بارکل ساختمان ها با چرخش ۱۰ درجه با استقرار شرقی - غربی



تصویر ۲. مدل سازی سی اف دی استقرار واحدها به صورت روبه روی هم

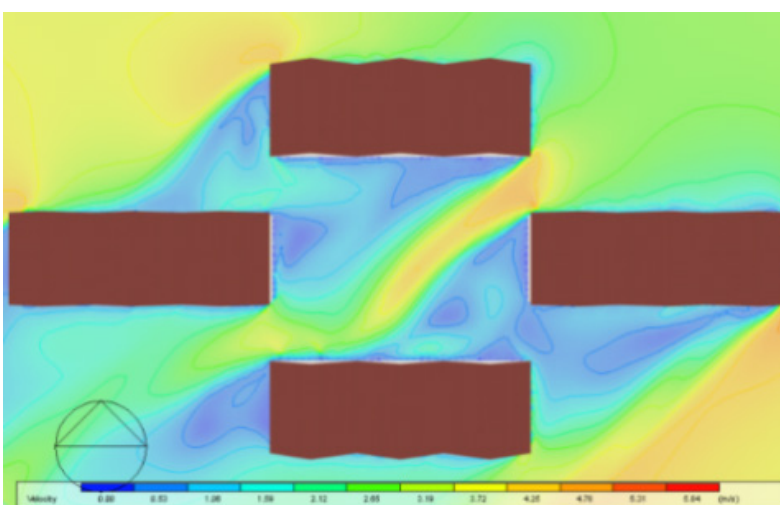
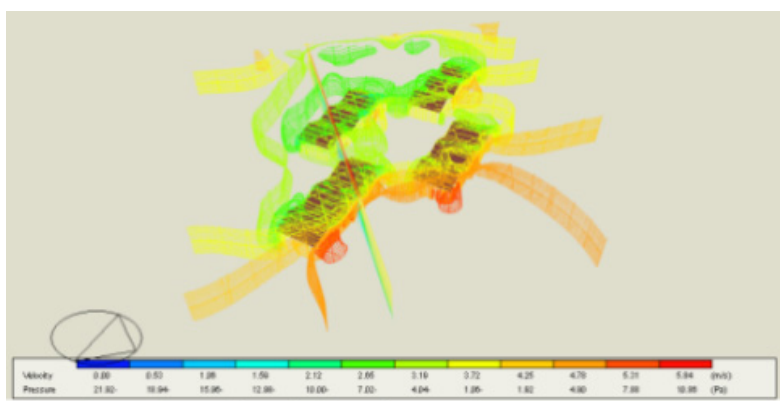
رایانه ای تاثیر چرخش ساختمان ها بر میزان تهویه و تابش دریافتی ارزیابی می شود. در مجتمع های مسکونی، ملاک تصمیم گیری درباره استقرار بهینه بر اساس میزان مصرف انرژی در کل واحدها سنجیده می شود. بنابراین با بررسی بار کل ساختمان ها و مدل سازی سی اف دی تاثیر چرخش بر واحدهای عقبی نیز مطالعه شود. مقایسه نتایج شبیه سازی مطابق جدول ۳ نشان

به باد در حدود دو متر بر ثانیه و در جبهه پشت به باد تقریباً صفر است. این اختلاف سرعت جریان باد باعث می شود که در یک سوی ساختمان فشار و در سمت دیگر مکش ایجاد شود و در نتیجه تهویه طبیعی صورت می گیرد. در واحدهای پشتی (جنوبی) در جبهه شمالی بنا سرعت باد بسیار کم است. دلیل این امر عبور باد مطلوب از فضای میان دو واحد است. در نتیجه باد با سرعت مناسب به بنا نرسیده و فشار لازم در سمت رو به باد ایجاد نمی شود. در مقابل سرعت باد در جبهه جنوبی بنا بین یک تا یک و نیم متر بر ثانیه است. بنابر این تهویه در واحدهای پشتی به نحو مطلوبی انجام نمی شود. به طور کلی جبهه ای که در مجاورت قسمت فشار

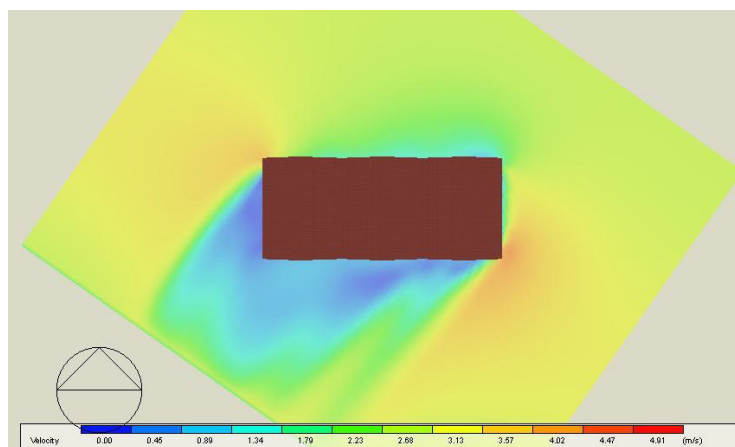
می دهد که قرار گیری شطرنجی واحدها نتایج مورد نظر را تامین نمی کند. همچنین چرخش ۱۰ درجه واحدها موجب افزایش بارکل ساختمان می شود و میزان تابش و تهویه دریافتی را کاهش می دهد. در مرحله بعد، برای بررسی دقیق جریان باد و دستیابی به راهکار بهینه از مدلسازی سی اف دی استفاده می شود.

۴. مدلسازی جریان باد

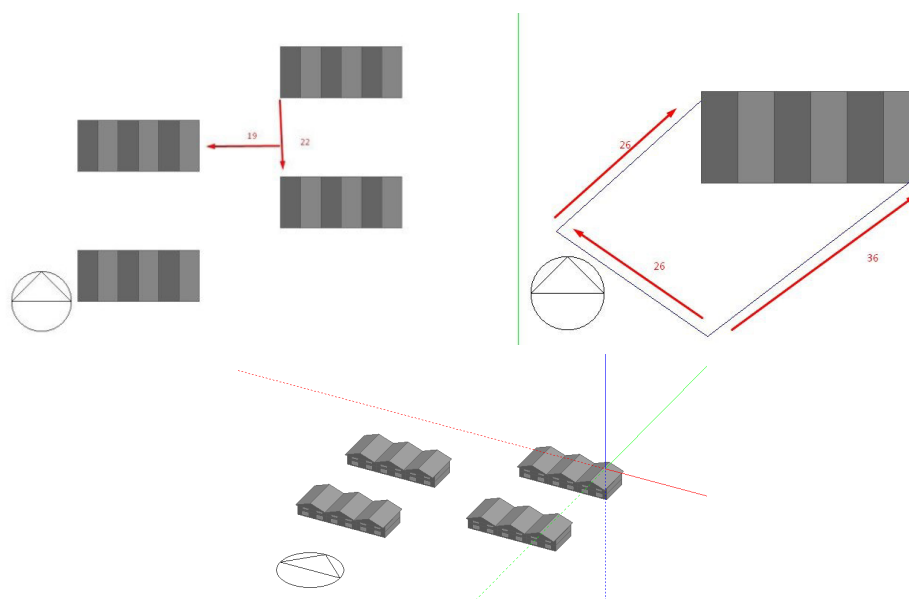
برای بررسی چگونگی جریان هوا در اطراف ساختمان ها، مدلسازی سی اف دی در سه حالت مورد نظر انجام شد. بررسی نتایج به دست آمده نشان می دهد که با قرار گیری ردیف های ساختمانی در مقابل هم، در واحدهای روبه باد سرعت باد در جبهه رو



تصویر ۳. مدلسازی سی اف دی استقرار شطرنجی با فاصله ۷ متر



تصویر ۴. مدل‌سازی سی اف دی یک ردیف شامل سه واحد ساختمان دو طبقه



تصویر ۵. مدل استقرار پیشنهادی، ماخذ: نگارندگان.

جنوب و غرب در معرض مکش قرار می‌گیرد. در حالیکه واحدهای پشتی کاملاً در سایه باد واحدهای جلویی قرار دارند. عدم بهره‌گیری از تهویه مناسب در واحدهای عقبی موجب افزایش بار سرمایش در آن‌ها و افزایش بار کل ساختمان می‌شود. در نتیجه در حالت استقرار شطرنجی واحدها کمترین میزان تهویه نسبت به سایر حالت‌ها صورت می‌گیرد.

۵. ارائه راهکار بهینه

نحوه استقرار در مجتمع‌های مسکونی باید به گونه

مثبت قرار دارد، برای قرارگیری پنجره ورود هوا و جبهه مجاور قسمت فشار منفی برای پنجره خروج مناسب است. کانتور سه بعدی فشار نشان می‌دهد که تنها در مجاورت جبهه رو به باد مطلوب فشار مثبت وجود دارد و سایر جبهه‌های اطراف ساختمان‌ها تحت مکش (منفی) است. در نتیجه تهویه در واحدهای پشتی به نحو مناسب صورت نمی‌گیرد. در استقرار شطرنجی واحدها، جبهه شمال و شرق در واحدهای روبه باد در معرض فشار هوا و جبهه

بلکه در واحدهای عقبی نیز به خوبی انجام می شود. از سوی دیگر، به دلیل بیش تر شدن فاصله میان واحدها، میزان تابش دریافتی افزایش می یابد. افزایش میزان تهویه و تابش دریافتی باعث می شود که میزان بار گرمایش و سرمایش ساختمان کاهش یابد.

شبیه سازی انرژی نیز نتایج مدلسازی سی اف دی را تایید می کند. بر اساس نتایج شبیه سازی با این راهکار بار کل دوازده واحد ساختمان به میزان ۲/۳۱ درصد کاهش می یابد. زیرا افزایش میزان تهویه و تابش دریافتی موجب کاهش میزان بار گرمایش و سرمایش ساختمان می شود.

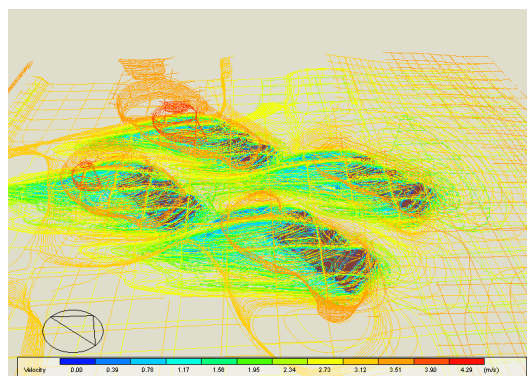
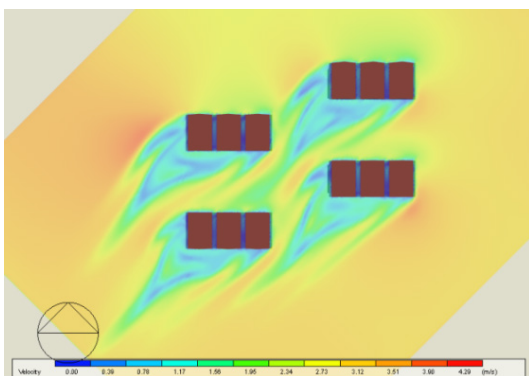
۶. نتیجه گیری و جمع بندی

مقایسه نتایج به دست آمده از شبیه سازی موارد زیر را مشخص می سازد:

- با افزایش فاصله ردیف واحدها، میزان دریافت تابش خورشید افزایش می یابد.
- در استقرار واحدها به فاصله ۳۰ متر به موازات یکدیگر بیشترین میزان جذب تابش و تهویه وجود دارد و در نتیجه در این حالت نسبت به سایر حالت ها کمترین میزان انرژی مصرف می شود.
- در حالت شطرنجی ایجاد فاصله عرضی باعث تسهیل در حرکت جریان هوا شده و میزان سرمایش در اثر تهویه را افزایش می دهد. چرخش واحدها در حالت شطرنجی مانع تهویه واحدهای عقبی می شود و در نتیجه میزان تهویه کاهش می یابد، ولی

ای باشد که حداکثر بهره گیری از انرژی های تجدیدپذیر صورت گیرد و مصرف انرژی کل واحدها کاهش یابد. بر اساس نتایج شبیه سازی و مقایسه راهکارهای مختلف، الگوی بهینه استقرار واحدها در مجتمع های مسکونی مشخص شد.

تصویر ۴ مدلسازی یک ردیف ساختمان متشکل از سه واحد را نشان می دهد. از طریق شبیه سازی جریان هوا در اطراف این ساختمان با بهره گیری از سی اف دی نرم افزار دیزاین بیلدر، طول و عرض دنباله باد در پشت ساختمان مشخص می شود. در این محدوده سرعت حرکت هوا بسیار کم بوده و در صورت قرارگیری ردیف ساختمان بعدی در این محدوده امکان تهویه مناسب در آن وجود ندارد. در مرحله بعد، چهار ردیف ساختمان به گونه ای مدلسازی شدند، که خارج از محدوده سایه باد سایر ساختمان ها قرار گیرند. نتایج شبیه سازی صحت تحلیل های انجام شده را تایید می کنند. مقایسه نحوه استقرار پیشنهادی با حالت استقرار روبه روی هم نشان می دهد که در نحوه استقرار پیشنهادی میزان تهویه و تابش ورودی ساختمان نسبتاً افزایش می یابد. افزایش میزان سرمایش در اثر تهویه به دلیل قرار گرفتن واحدها در خارج از محدوده دنباله باد ساختمان روبروی خود است، زیرا در این حالت اختلاف فشار لازم برای برقراری تهویه مناسب در تمام واحدها به وجود می آید. به همین دلیل تهویه نه تنها در واحدهای رو به باد مطلوب



تصویر ۶. مدلسازی سی اف دی استقرار پیشنهادی، ماخذ: نگارندگان.

جدول ۴. مقایسه حالت استقرار پیشنهادی با حالت مبنا (فاصله ۷ متر)

نحوه استقرار	سرمایش در اثر تهویه (kWh)	بار کل (kWh)	تابش ورودی خورشید (kWh)
هم راستا با فاصله ۷ متر	۴۷۷۲۳	۱۰۵۲۱۷	۵۸۴۰۰
راهکار پیشنهادی	۴۸۰۷۴	۱۰۲۷۸۳	۶۴۱۶۸

دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری، همدان.

۴. رضوانی پور، پ.، حاجی زاده، م. (۱۳۸۹). ضرورت رویکرد پایدار در ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۵۱، ص ۸-۹.

۵. عباس پور، ناصر و مسعود خیامی. (۱۳۸۸). اکولوژی عمومی، انتشارات دانشگاه ارومیه

5. Your home technical manual, 2010, Australia's guide to environmentally sustainable homes, Australian government, Department of climate change and energy efficiency.

6. Venhaus, Heather. (2012). Designing the sustainable site, integrated design strategies for small-scale sites and residential landscapes. Hoboken, New Jersey : John Wiley & Sons, Inc.

7. (<http://www.gilan.ir>)

میزان دریافت تابش خورشید افزایش می یابد. • ایجاد چرخش در مدل روبروی هم باعث کاهش میزان تهویه و تابش می شود. در این حالت ساختمان از کمترین میزان تهویه و کمترین دریافت تابش خورشید برخوردار می شود.

استقرار بهینه از نظر بهره گیری بهینه کل واحدها از تهویه و تابش خورشید حالتی است که ساختمان ها به صورت شطرنجی و با فاصله ۲۲ متر میان واحدهای روبه روی هم و فاصله ۱۹ متر میان واحدهای مجاور هم قرار گیرند. در این حالت، به دلیل قرار گرفتن واحدها در خارج از منطقه دنباله باد واحدهای جلویی بهره گیری بهینه از تهویه طبیعی جهت سرمایش در ماههای گرم سال صورت می گیرد. در عین حال به دلیل افزایش فاصله ساختمان ها نسبت به سایر حالت ها (بجز فاصله ۳۰ متر) استفاده مناسب از تابش خورشید جهت گرمایش استفاده می شود. در نتیجه بار سرمایش و گرمایش ساختمان کاهش و در نتیجه بار کل ساختمان نیز کاهش می یابد.

منابع و مآخذ

۱. قیابکلو، زهرا. (۱۳۹۰) مبانی فیزیک ساختمان ۲ (تنظیم شرایط محیطی). تهران: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
۲. طاهباز، منصوره. (۱۳۹۲) دانش اقلیمی طراحی معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. سروان مهرام، نازلی. روشنایی بدر، تورج پهلوان، لاجین (۱۳۹۳) بررسی تاثیر جانمایی بلوک های ساختمانی مجتمع های مسکونی در کاهش مصرف انرژی و بهره مندی از انرژی های تجدیدپذیر،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

تحلیل فضایی پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی شهرستان مهدیشهر)

عباس ارغان* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

چکیده

امروزه باتوجه به اهمیت همه جانبه که پایداری به عنوان پارادایم حاکم در موضوع توسعه بدست آورده، پرداختن به توسعه پایدار کالبدی روستایی کاری در خور ویژه است. عواملی همچون ارتفاع، شیب، ساختار زمین شناسی، گسل، منابع آب، خاک، پوشش گیاهی و کاربری اراضی، راههای دسترسی، فاصله سکونتگاهها و غیره، بسترهای بسیارمناسبی برای پایداری کالبدی بشمار می آید و نقش موثرتری نسبت به سایر عوامل دارند، پایداری روستایی به عنوان هدف توسعه و یا راهبرد دستیابی به آن در بسیاری از کشورهای جهان بویژه کشورهای در حال توسعه که بخش قابل توجهی از جمعیت آنها در روستاها زندگی می کنند مورد تاکید است. با توجه به نقش برنامه ریزی در دستیابی به توسعه و در نظر گرفتن این مطلب که برنامه ریزی به عنوان یک فرایند دارای مراحل مختلفی از جمله تهیه برنامه، اجرا، نظارت و ارزیابی می باشد، اتخاذ یک سیاست مشخص ضروری می باشد. با در نظر گرفتن راهبردهای مختلف در زمینه توسعه روستایی از جمله توسعه روستایی یکپارچه و توسعه روستایی پایدار، راهکارهای متفاوتی نیز قابل طرح ریزی است. در تحقیق حاضر بر این نکته تاکید شده است که دستیابی به پایداری از طریق سازماندهی یک نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی که در آن هر یک از سکونتگاهها نقش و کارکرد خود را به خوبی انجام می دهند، امکان پذیر می باشد، و راهبرد پایداری کالبدی سکونتگاههای روستایی در چهارچوب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه منطبق با ویژگیهای جاذبه های طبیعی شهرستان مهدیشهر میسر خواهد بود.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، برنامه ریزی، توسعه پایدار، فرآیند برنامه ریزی.

Spatial analysis of the physical stability of rural habitations; Case Study city Mehdishahr

Abstract:

According comprehensive role of sustainability as dominant paradigm in field of development, investigation on development of rural physical sustainability, is particularly appropriate. Parameters such as height, slope, geological structure, faults, resources of water, soil, vegetation, land use, access roads, habitats distances and etc are appropriate for physical sustainability and play highlighted role rather than other factors. Rural sustainability as aim of development or as an acquisition strategy plays vital role in many countries, particularly in developing countries which significant part of population inhabits in villages. According to the importance of planning in development, considering planning as a procedure which includes different steps such as planning preparation, implementation, supervision and evaluation, specific policy adoption is essential. Considering different strategies in context of rural development such as integrated rural development and sustainable rural development, different approaches may be planned. Current study emphasizes that sustainability can be achieved via organizing hierarchical settlement system, in which, each settlement acts properly, and physical sustainability strategy of rural settlements in political, economical and social system framework of territory, coinciding to natural attractions of Mahdishahr town.

Keywords: Rural development, Planning, Sustainable development, Planning procedure

نارسایی وجود دارد و سکونتگاه‌ها نقش خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند می‌توانیم به مکانیزم مناسب برای توسعه همه جانبه و یکپارچه و پایدار در سطح منطقه و تمامی سطوح سکونتگاه‌ها دست یابیم. با توجه به کارهای انجام گرفته در زمینه مکان‌گزینی مراکز توسعه روستایی لزوم توجه به تمامی عوامل اعم از عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کارکردی احساس می‌شود چرا که صرفاً توجه به کارکردهای خدماتی امکانات موجود در روستاها در تعیین مراکز روستایی یعنی نادیده گرفتن پتانسیل‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی هر یک از نقاط می‌باشد. لذا جهت یافتن مکان بهینه ارائه خدمات و طراحی سلسله مراتب مناسب سکونتگاهی باید از کلیه امکانات، اعم از توانایی‌های محیطی و شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و کارکردی استفاده شود تا بتوان روستاهای مرکزی را جهت خدمات رسانی مناسب به روستاهای پیرامونی و تابعه را شناسایی کرد.

۲- بیان مسئله

نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی منظم و فقدان برنامه‌های مدون برای مکان‌گزینی مراکز بهینه در عرصه فضاهای روستایی و کمبود منابع مالی روستاها و سرانجام پراکندگی ناهمگون و نسبتاً زیاد سکونتگاه‌های روستایی در پهنه جغرافیایی ایران، روند توسعه را در مناطق روستایی با موانع ساختاری مواجه کرده است. با در نظر گرفتن پراکندگی و دوری روستاها از مراکز و منابع خدمات با توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایران از قبیل کم بودن تعداد جمعیت، برخورداری اغلب آن‌ها از شرایط نامساعد طبیعی و کوچکی ابعاد و ... ایجاد مراکز بهینه توسعه روستایی به عنوان مراکز واسطه بین شهر و روستاهای پراکنده ضمن این که می‌تواند در جهت ترویج یک سلسله مراتب زیستگاهی بهم پیوسته و ایجاد نظام فضایی منسجم اقدام به شمار آیند و می‌تواند با ارائه خدمات مختلف نیز در جهت حل مشکلات روستاها

ریکی از مشکلات اساسی موجود بر سر راه توسعه روستایی، گسیختگی سازمان فضایی و فقدان سلسله مراتبی مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌ها می‌باشد. این ویژگی منبعت از سیاست‌های توسعه‌ای اجرا شده در خلال دهه‌های گذشته و عدم شکل‌گیری رابطه منظم و منطقی میان سطوح مختلف سکونتگاه‌های کشور چه در سطح کلان و چه در مقیاس منطقه‌ای و محلی است که منجر به نابسامانی توزیع جمعیت فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف به طور عام و عدم بهره‌مندی مناسب مراکز جمعیتی و سکونتگاه‌های روستایی و به ویژه روستاهای کوچک و کم‌جمعیت بطور خاص از خدمات، تسهیلات و منابع مختلف در مراکز جمعیتی و خدماتی سطوح بالاتر گردیده است. به طور کلی مطالعه وضعیت روستاهای ایران بیانگر این حقیقت است. طراحی شبکه‌ای از کانون‌های خدمات‌رسانی سلسله مراتبی برای تسریع روند برنامه‌های توسعه در مناطق عقب مانده و برقراری روابط متقابل بین فضایی شهری و روستایی و ایجاد یکپارچگی کارکردی بین آن‌ها ضروری است، لذا انتخاب روستاهایی جهت ایجاد تأسیسات و تسهیلات خدمات زیر بنایی که بتواند تعدادی از سکونتگاه‌های روستایی اطراف را به صورت نامطلوب تحت پوشش قرار دهد ضرورتی امکان‌ناپذیر است. در تحقیق حاضر بر این نکته تأکید شده است که دستیابی به توسعه از طریق سازماندهی یک نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی که در آن هر یک از سکونتگاه‌ها نقش و کارکرد خود را به خوبی انجام می‌دهند قابل حصول است، بنابراین هر برنامه توسعه‌ای بدون داشتن یک نظام سکونتگاهی با سلسله مراتب منطقی با مشکل مواجه خواهد شد و یا توسعه همه‌جانبه تمامی سکونتگاه‌ها را به دنبال نخواهد داشت. فرض ما این است که از طریق سازماندهی سلسله مراتب سکونتگاهی و ایجاد یک ساختار سلسله مراتبی مناسب بویژه در سطوحی که

(بخصوص روستاهای پراکنده) نیز در تسریع روند رشد توسعه آن‌ها مؤثر واقع شوند (طاهری، ۱۳۷۵، ص ۵۲۳)؛ اما آن‌چه که در ایجاد این مراکز (مراکز توسعه روستایی) مهم به نظر می‌رسد، مکان‌گزینی آن‌هاست. یعنی این مراکز باید در مکان‌هایی قرار بگیرند تا بالاترین کارایی را بتوانند داشته باشند و خدمات بهتر و بیش‌تری را فراهم کنند. بنابراین در ایجاد مراکز مزبور باید نیازمندی‌ها و امکانات استفاده‌کنندگان و هم‌چنین تأمین‌کنندگان مورد بررسی قرار داد تا بیش‌ترین رضایتمندی حاصل گردد. بنابراین مطالعه و تحقیق برای دستیابی به پایداری کالبدی روستاهای شهرستان مهدیشهر از طریق مکان‌گزینی مراکز مناسب جهت ایجاد مراکز توسعه روستایی و سازماندهی ساختار مناسب سلسله‌مراتبی در سطوح پایین سکونتگاه‌هایی که متکی بر اقتصاد کشاورزی و بر خورداری از امکانات و خدمات رفاهی در حد نیازهای اساسی می‌باشند از ضروریات است و با سازماندهی نظام مراکز توسعه روستایی می‌توان دو مشکل اساسی جامعه یعنی توسعه روستایی و خدمات‌رسانی به نقاط روستایی پراکنده و تخلیه روستاها و مهاجرت روستاییان به شهرها را در سطح منطقه مورد بررسی تعدیل کرد. از مهم‌ترین موارد اهمیت این مطالعه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- انتخاب مراکز پایدار روستایی، توزیع فضایی و نحوه استقرار خدمات در نقاط مختلف روستایی به گونه‌ای باشد که علاوه بر دسترسی توأم با عدالت ساکنین این آبادی‌ها به خدمات مورد نیاز، تفاوت‌های درون منطقه‌ای کاهش یابد و عدم تمرکز تسهیلات در یک منطقه؛

۲- ضرورت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در بخش کالبدی سکونتگاه‌های روستایی؛

۳- ضرورت اولویت‌بندی برنامه‌های اجرایی در بخش کالبدی سکونتگاه‌های روستایی؛

۳- اهداف تحقیق

تمرکز فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی در روستاها و

تأمین نیاز روستاهای کوچک اطراف از طریق این مراکز روستایی و در نهایت مهار روند مهاجر فرستی؛
تأمین و ارائه منظم خدمات به روستاهای پراکنده و برنامه ریزی برای آنها از نظر مکانی - زمانی و بکارگیری اصولی و منطقی امکانات موجود در اینگونه روستاها؛ و

دستیابی به سلسله مراتب منظم و منطقی سکونتگاه‌های روستایی.

۴- فرضیه‌ها

فرضیه اول: بنظر می‌رسد تعیین دقیق مراکز روستایی با توجه به توان واقعی این نقاط می‌تواند به ایجاد تعادل بین سکونتگاهها و برقراری یک نظام سلسله‌مراتبی که در آن جریان‌های مختلف توسعه و خدمات و دسترسی‌ها و ارتباط بین نقاط به سهولت برقرار باشد کمک بنماید.

فرضیه دوم: بنظر می‌رسد انتخاب مراکز بهینه روستایی سبب به وجود آمدن یک نظام کارآمد برای ارائه تسهیلات و خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بهترین نحو همراه با صرفه اقتصادی می‌گردد.

فرضیه سوم: انتخاب صحیح و دقیق مراکز روستایی باعث تسریع روند توسعه مناطق روستایی می‌شود و از طریق کاهش فاصله‌های شهری و روستایی باعث جلوگیری از تشدید روند مهاجرت روستا شهری می‌گردد.

۵- روش تحقیق

در این تحقیق از روش‌های مختلفی برای رسیدن به اهداف مطالعه استفاده می‌شود. اولین گام جمع‌آوری آمار و اطلاعات مورد نیاز است که با مراجعه به کتابخانه‌ها و مطالعه کتاب‌ها، گزارشات، مقالات و مراکز آماری، سازمان‌های متولی امر و... که به نوعی در ارتباط مستقیم با موضوع مورد مطالعه هستند و همچنین مراجعه به وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط و مراکز آماری، مطالعه گزارشات و آمار نامه‌ها می‌باشد. با توجه به عدم دسترسی به بعضی اطلاعات و همچنین لزوم مقایسه کردن بعضی

را که دولت‌ها و یا عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می‌کنند دگرگونی اجتماعی براساس طرح و نقشه نیز می‌گویند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ص ۵۳). اهداف توسعه روستایی؛ با جمع‌بندی مطالب فوق اهداف کلی توسعه روستایی در ایران می‌تواند شامل محورهای ذیل باشد: ۱- افزایش تولید و بهره‌وری کالا؛ ۲- ایجاد اشتغال؛ ۳- دسترسی به خدمات زیربنایی؛ ۴- گسترش مشارکت مردم در فرایند توسعه؛ ۵- ایجاد تعادل نسبی بین شهر و روستا؛ ۶- اعتلای فرهنگ.

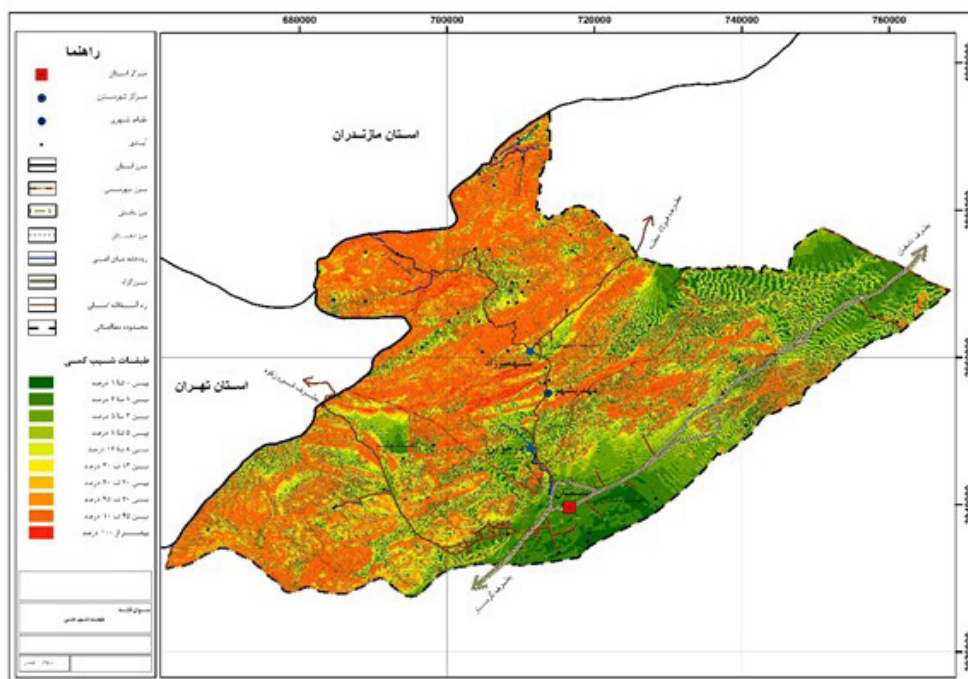
توسعه پایدار؛ توسعه پایدار که امروزه موضوع اصلی بحث محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، خود برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است. نکته مشترک تمامی این انگاره‌ها پایداری و رسیدن از توسعه است که بتواند پایا و بادوام باشد. در منابع مختلف تعاریف بسیاری از توسعه پایدار شده است که با یکدیگر متفاوت و گاه مغایرند و به ایدئولوژی‌های مختلف زیست‌محیطی مرتبط هستند (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ص ۶۳). متداول‌ترین تعریف توسعه پایدار از

از اطلاعات، حضور در منطقه مورد بررسی و انجام مشاهدات و ادراکات عینی واقعیات و برداشت‌های حضوری ضرورت پیدا می‌کند. در نهایت اطلاعات خام به دست آمده طبقه‌بندی شده و با استفاده از روش‌های آماری و استفاده از نرم‌افزار GIS و با توجه به فرضیات تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نهایتاً با نتیجه‌گیری و ارزشیابی تئوری‌ها و مدل‌های بکار رفته به آینده‌نگری در مورد منطقه مورد مطالعه و ارائه الگویی بهینه برای ارائه خدمات به روستاهای مورد مطالعه پرداخته می‌شود.

۶- مبانی نظری

توسعه؛ عبارتست از تغییرات مثبت که موجب بهبود وضع زندگی مردم گردیده و مبتنی بر کوشش آگاهانه نهادی شده برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

توسعه روستایی؛ توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شود که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی، اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌روند. این گونه برنامه‌ها



نقشه ۱. موقعیت و شیب شهرستان مهدیشهر

جدول ۱. تحولات جمعیت روستاهای شهرستان
 مهدیشهر ۹۰-۱۳۶۵؛ مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۰

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
جمعیت	۴۹۷۲	۵۵۹۶	۸۴۶۹	۸۱۹۶
نرخ رشد	۱,۱۸	۴,۲۳	-	۱,۶۲

سال به ۸۴۶۹ نفر افزایش یافت. بر اساس جدول مذکور در سال ۱۳۶۵ این شهرستان ۴۹۷۲ نفر جمعیت داشته است که با نرخ رشد ۱/۱۸ درصدی به ۵۵۹۶ نفر در سال ۱۳۷۵ می رسد. قابل ذکر است که در سال ۱۳۹۰ شهرستان ۸۱۹۶ نفر جمعیت داشته است که بر این اساس نرخ رشد این شهرستان طی دهه ۹۰-۱۳۸۵، ۱,۶۲- محاسبه گردیده است.

۸- طبقه بندی سکونتگاه های محدوده مورد مطالعه با استفاده از روش تعیین شاخص مرکزیت

از آنجایی که سکونتگاه های روستایی از نظر عملکردهای خدماتی متنوع اند، سطح بندی سکونتگاه ها به منظور تعیین جایگاه عملکردی و تشخیص مرکزیت های برتر خدماتی، ضروری می باشد از این رو سطح بندی خدماتی در محدوده مورد مطالعه، بر اساس نتایج سلسله مراتب خدماتی صورت گرفته است.

۱- سطح یک خدماتی؛ شامل روستای فولادمحله می باشد که به بیشتر به صورت یک روستا-شهر است. این مکان به دلیل داشتن سطوح برتر خدمات آموزشی، بهداشتی، خدمات فنی و پشتیبانی تولید و نیز تنوع بسیار زیاد فعالیتها که از جمله عوامل متمایز کننده این سطح خدماتی و عملکردی است از نظر طبقه بندی در این سطح قرار می گیرد. این ضریب باعث شده است این منطقه کاملاً از سایر سطوح خدماتی و در سطح یک خدماتی متمایز شده و در سطح یک خدماتی قرار گیرد.

۲- سطح دو خدماتی؛ روستای چاشم و خطیرکوه از توابع دهستان چاشم به ترتیب دومین سطح

کمیسیون بین المللی محیط زیست (برائت) به شرح ذیل می باشد: «توسعه ای که نیازهای فعلی را بدون خدشه دار کردن توانایی نسل آینده برای برآورده ساختن نیازهای خود برآورده نماید».

۷- موقعیت محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در شمال استان سمنان قرار گرفته و شامل دهستان درجزین از بخش مرکزی و دهستان چاشم و دهستان پشتکوه از بخش مهدیشهر شهرستان مهدیشهر است. این محدوده ۱۹۵۱ هکتار وسعت دارد و بین ۵۲° و ۵۰° تا ۵۳° و ۵۰' طول جغرافیایی و ۳۵° و ۵۸' تا ۶۳° و ۲' عرض جغرافیایی شمالی واقع شده است.

محدوده مورد مطالعه از دشتهای کم ارتفاع در جنوب محدوده شروع می شود و در سمت شمال تا اراضی کوهستانی و قله مرتفع در خطالرأس البرز شرقی که ارتفاعی بین ۲۵۰۰ متر تا بیش از ۳۵۰۰ متر دارند، مانند قله نیزوا (۳۸۰۰ متر) و قدمگاه (۳۷۰۰ متر) گسترش دارد. این محدوده به دلیل اختلاف ارتفاع زیاد (۲۸۰۰ متر) و گستردگی آن دارای واحدهای مورفولوژیک بزرگی همچون کوهستان، دشت، کوهپایه، دشت میانکوهی، دره های رودخانه ای و تپه ماهورهای میانه دشتها و حاشیه کوهپایه هاست که با توجه به سطوح شیب و وجود و سهولت استفاده از منابع آبهای سطحی و یا زیرزمینی برای مصارف مختلف در قالب اراضی زراعی، باغی، صنعتی و گستره های شهری و روستایی مورد بهره برداری قرار گرفته اند.

به محدوده و ماهیت تحقیق در این بخش خلاصه ای از وضعیت جمعیتی شهرستان را بیان می نمایم. شهرستان مهدیشهر یکی از شهرستان های استان سمنان است که مرکز آن شهر مهدیشهر است. در سال ۱۳۶۵ جمعیت روستاهای شهرستان، ۴۹۷۲ نفر بوده و در سال ۱۳۷۵ جمعیت روستاهای شهرستان با رشد قبل محسوس به ۵۵۹۶ نفر رسید. روند روبه افزایش جمعیت در سال ۱۳۸۵ نیز ادامه داشت به نحوی که جمعیت شهرستان در این

خدماتی محدوده مورد مطالعه را تشکیل می دهند. هر سه جز پر جمعیت ترین روستاهای منطقه به شمار می روند دارای کارکردهای موثر و برتری نسبت به سایر روستاها می باشند.

۳- سطح سه خدماتی؛ روستاهای لرد، رودبار، علی آباد، شلی، پاقلعه، کاورد و ... به دلیل برخورداری از یک سری خدمات تخصصی مانند خانه بهداشت، شرکت تعاونی روستایی و سرویس ایاب و ذهاب در سطح سوم خدماتی قرار می گیرند از دیگر ویژگی روستاهای این سطح خدماتی، موقعیت مکانی مناسب و در نتیجه امکان توزیع خدمات به روستاهای اطراف می باشد. لازم به ذکر است که کارکردهای موجود در این روستاها حوزه عملکردی ضعیفی دارند و ممکن است گاهی اوقات آبادیهای اطراف خود را خدمات رسانی کنند.

۴- سطح چهار خدماتی؛ خصوصیت اصلی این روستاها، جمعیت اندک و ناپایدار و همچنین عدم

دسترسی های مناسب این روستاها می باشد. بطور کلی روستاهای واقع در این سطح خدماتی به دلیل آستانه های جمعیتی پایین و شرایط طبیعی و دسترسی محدود به شبکه های ارتباطی، توان جذب خدمات سطوح بالاتر را ندارند و عموماً از این لحاظ به روستاهای سطح بالاتر خود وابسته اند این روستاها می توان به تم، تلاجیم و غیره اشاره کرد.

۹- حوزه های عملکردی خدمات

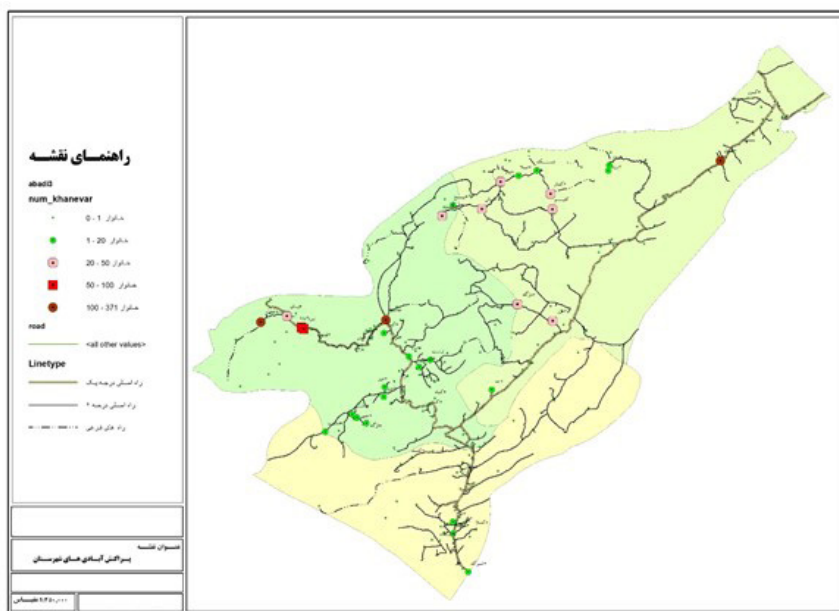
همانگونه که انسانها برای ادامه زندگی به یکدیگر نیازمند هستند، نقاط جمعیتی نیز برای بقاء و گسترش باید ارتباطات مختلفی با یکدیگر برقرار نمایند. این ارتباطات را در دو زمینه نقل و انتقال کالا و نقل و انتقال تخصص، فن و تکنولوژی و غیره می توان خلاصه نمود. البته هر کدام از این دو زمینه محدوده وسیعی را در بر می گیرد. این امر باعث می شود ساکنان یک نقطه جمعیتی در طول روز، هفته، ماه و سال به نقاط جمعیتی اطراف خود

جدول ۲. سطح بندی سکونتگاه های روستایی دهستان چاشم، پشتکوه و در جزین بر حسب میزان مرکزیت هر سطح؛ ماخذ: یافته های محقق (از تعداد ۲۰۸ آبادی سطح چهار تنها ۳۹ آبادی دارای خانوار می باشد)

سطح	میزان سطح مرکزیت	تعداد روستاها	تعداد جمعیت	درصد جمعیت
۱	بیشتر از ۵۰۰	۱	۱۳۴۸	۳۳،۲۱
۲	۲۵۰-۵۰۰	۲	۷۸۱	۱۹،۲۴
۳	۱۰۰-۲۵۰	۶	۹۲۰	۲۲،۶۶
۴	کمتر از ۱۰۰	۳۳	۱۰۱۰	۲۴،۸۸

جدول ۳. سطح بندی فضایی جمعیت بر حسب خانوار؛ ماخذ: یافته های محقق

سطح	تعداد آبادی	جمع خانوار	تعداد جمعیت
۱ از ۲۰ خانوار	۳۰	۱۴۴	۷۱۰
۲ تا ۵۰ خانوار	۹	۲۷۹	۷۹۱
۳ تا ۱۰۰ خانوار	۲	۱۱۲	۴۶۷
۴ تا ۱۰۰ خانوار	۳	۵۹۸	۲۱۲۹



نقشه ۲. پراکندگی های آبادیها به تفکیک خانوار؛ ماخذ: نگارنده.

اصطلاحاً گفته می شود نقطه الف در حوزه نفوذ خدماتی نقطه ب قرار دارد. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که یک حوزه خدماتی همواره امکان تغییر و تحول دارد. هر چند که این تغییر و تحول در طول زمان رخ داده و ممکن است کاملاً روشن و واضح نباشد. این تغییر و تحول زمانی رخ می دهد که تمام یا بخشی از عوامل ایجاد کننده حوزه از بین رفته یا موضوعیت خود را از دست بدهد. کنکاش در نحوه ارتباطات عملکردی نقاط جمعیتی واقع در شهرستان مهدیشهر حوزه های خدماتی خاصی را می توان از یکدیگر تمیز داد. این امر بر اطلاعات اخذ شده از نهادها و موسسات مختلف و همچنین مطالعات کارشناسی میدانی در یک پیمایش منطقه ای متکی بوده است.

۱۰- حوزه های تعاون روستایی

انواع شرکتهای تعاونی همچون تعاونی های کشاورزی و تعاونی های مصرف، خدمات مختلفی را به ساکنان نقطه روستایی ارائه می کنند این خدمات از توزیع نهادهای تولید کشاورزی تا توزیع کالا و خدمات مصرفی و توزیع انواع مختلف انرژی همچون نفت و گازوئیل را در بر می گیرد. این شرکتهای معمولاً

مراجعاتی داشته باشند. اگر ساکنان یک نقطه برای دریافت خدمتی خاص امکان مراجعه به چند نقطه را داشته باشند ممکن است به دلایل مختلف یکی از نقاط را به سایر نقاط ترجیح دهند. وقتی که ارتباط نقاط جمعیتی با یکدیگر نظام مند شده و از ثبات و پایداری برخوردار شوند می توان گفت یک حوزه خدماتی به وجود آمده است در یک حوزه خدماتی نقاط خدماتی به شکل نظام مند و با ثباتی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند این ارتباط می تواند از سطوح مختلف برخوردار بوده و در سطح از شکل و محدوده ای خاص برخوردار باشد، به این صورت که مثلاً یک نقطه جمعیتی برای دسترسی به خدمات آموزشی با یک یا چند نقطه دیگر ارتباط عملکردی برقرار سازد و برای دسترسی به خدمات بهداشتی با سایر خدمات با نقاطی دیگر چنین ارتباطی را برقرار سازد. در چنین شرایطی معمولاً نقطه ای که خدمات بیشتری به نقاط پیرامون ارائه می کند از اوضاع اقتصادی-اجتماعی بهتر و تعداد جمعیت بیشتری نیز برخوردار است. وقتی که نقطه جمعیتی الف برای دسترسی به یک خدمت به نقطه جمعیتی ب مراجعه می کند،

در یک یا چند آبادی مستقر شده و به آبادی های پیرامون نیز خدمات می رسانند. وجود یک شرکت تعاونی در یک آبادی و خدمات رسانی آن به چند آبادی دیگر از جهتی می تواند نشان دهنده بخشی از واقعیتهای موجود در زمینه روابط عملکردی باشد. زیرا وسعت خدماتی که توسط این شرکتها ارائه می شود ارتباطات نسبتاً گسترده و منظمی را بین آبادیها باعث می شود. ضمناً روح فعالیتهای تعاونی به تعمیق حرکتهای جمعی و اتحاد بین ساکنان آبادیها کمک می کند. در این قسمت حوزه های خدماتی را که به خاطر وجود این شرکتها ایجاد شده اند بررسی می شود. این اطلاعات بر نتایج حاصل از مطالعات کارشناسی میدانی و بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ استوار است. براساس این اطلاعات در این محدوده تعداد ۱۴ روستا به نامهای لرد، رودبار، کمرد، هیکو، چاشم، رودبارک، پایین، ده صوفیان، ملاده، کلیم، کورد، شلی، مزرعه سرآور، فولادمحله و رودبارک بالا دارای فروشگاه تعاونی می باشد.

۱۱- حوزه خدمات بهداشتی- درمانی

توجه به خدمات بهداشتی همچون خانه بهداشت و مرکز بهداشتی- درمانی نیز برای تعیین حوزه های خدماتی و در نتیجه تعیین وضع موجود سلسله مراتب عملکردی می تواند راهگشا باشد، اطلاعات اخذ شده از مرکز بهداشت استان و همچنین مطالعات کارشناسی میدانی می تواند به این امر کمک کند درمورد مراکز بهداشت و حوزه هایی که این مراکز در بر می گیرند می توان حوزه های خدماتی زیر را از هم تمیز داد: حوزه مرکز بهداشتی- درمانی فولادمحله؛ حوزه مرکز بهداشتی- درمانی کلیم؛ حوزه مرکز بهداشتی- درمانی ملاده؛ حوزه مرکز بهداشتی- درمانی ده صوفیان؛ حوزه مرکز بهداشتی- درمانی چاشم. زیر حوزه خدمات بهداشتی- درمانی زیر در مطلقه مورد مطالعه قابل شناسایی است:

- خانه بهداشت رودبار؛ در این بررسی آبادیهای

را که دارای مرکز بهداشتی- درمانی می باشند به عنوان مرکز حوزه معرفی شده اند و زیر حوزه ها را نیز خانه های بهداشت تشکیل می دهد.

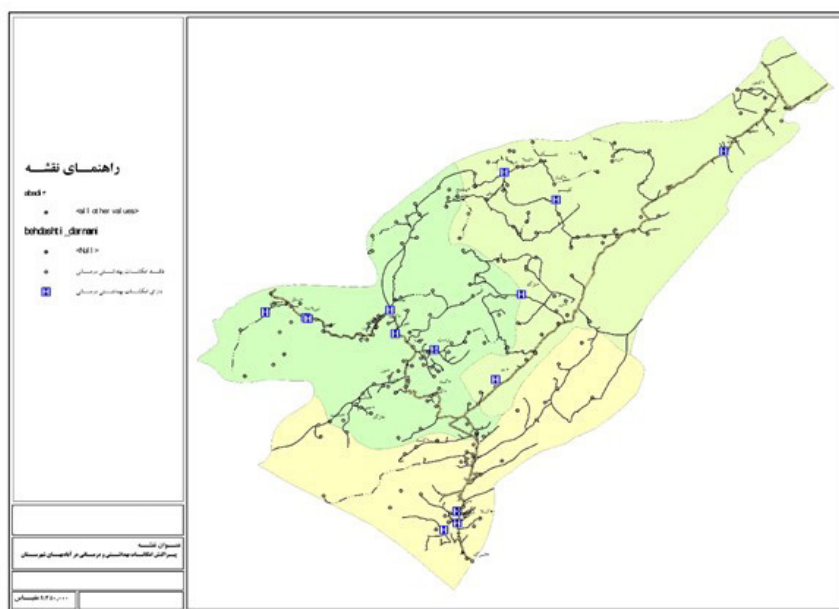
۳- حوزه خدمات آموزشی

در این بررسی آبادی یا آبادیهای که از خدمات آموزشی تا سطح راهنمایی برخوردار باشند به عنوان یک حوزه و مجموعه آبادیهای که خدمات آموزشی تا سطح مدرسه ابتدایی برخوردار باشند به عنوان یک زیر حوزه تعیین می شوند.

۴- بررسی وضعیت شبکه دسترسی

نیاز به ارتباطات از دیرباز مورد توجه جوامع بشری و هر چه جامعه پیشرفته تر می شود وضعیت ارتباطات پیچیده تر می شود. در هر حال در گذشته ارتباطات به شبکه های دسترسی و راههای ارتباطی محدود می شده در حال حاضر نیز بخش عمده ای از ارتباطات به این عمل منتهی می شود و عامل حمل و نقل که در ارتباط مستقیم با شبکه های دسترسی می باشد. در ساختار پیچیده فضایی و عملکردهای حیاتی سکونتگاه ها نقش دارند. حمل و نقل روستایی نیاز فرعی است که از نیازهای بنیادین مردمان روستا به غذا، سرپناه، اشتغال، بهداشت، آموزش، امنیت و ارتباطات اجتماعی سرچشمه می گیرد. این نیازها در شبکه راههای روستایی نیز متجلی می شود. راه ها از یک سو ارتباط بین آبادیها با یکدیگر و با مراکز فعالیت اقتصادی را برقرار می کنند و از سوی دیگر مجموعه آبادی های یک منطقه را با مناطق پیرامونی پیوند می دهند؛ بنابراین بر حسب نوع عملکرد و کیفیت آن شبکه های دسترسی را می توان طبقه بندی و درجه بندی نمود در این بررسی با نگاه ویژه به آبادیهای روستایی، شبکه های دسترسی محدوده مورد مطالعه مورد توجه قرار می گیرد. تمامی روستاهای شهرستان مهدیشهر دارای راه دسترسی زمینی بوده و فاقد راه دسترسی راه آهن و آبی می باشد.

۵- ماتریس ارتباطات روستایی بر حسب



نقشه ۳. پراکندگی خدمات بهداشتی درمانی آبادیهای شهرستان مهدیشهر؛ ماخذ: نگارنده.

جدول ۴. وضعیت خدمات آموزشی در سطح دهستان؛ ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۹۰

دبیرستان دخترانه	دبیرستان پسرانه	مدرسه راهنمایی مختلط	مدرسه راهنمایی دخترانه	مدرسه راهنمایی پسرانه	دبستان	آبادی
۱	۰	۱	۱	۱	۱	فولادمحله
۰	۱	۰	۰	۱	۱	چاشم
۰	۰	۰	۰	۰	۱	شلی
۰	۰	۰	۰	۰	۱	کلیم
۰	۰	۰	۲	۲	۳	جمع

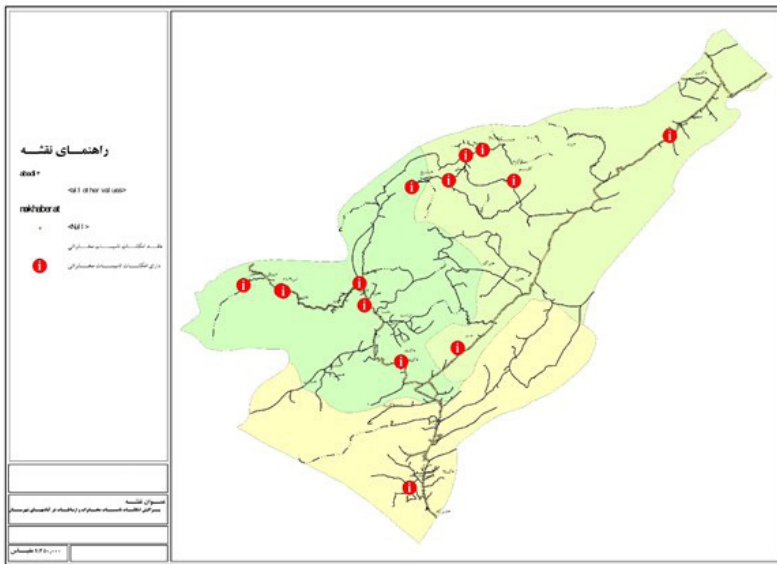
شاخص تعداد ارتباط مستقیم

در این بخش به بررسی ارتباطات میان روستاهای دهستانهای پشتکوه و چاشم از طریق تشکیل ماتریس تعداد ارتباط مستقیم میان آنها می پردازیم. تعداد ارتباط مستقیم میان روستاها نشان دهنده این است که بیشترین میزان ارتباط مستقیم در دهستان به روستای فولادمحله است که سطح یک خدماتی ما را تشکیل می دهد و کمترین آن مربوط به روستای هیکو می باشد. برطبق تحلیل های انجام شده ارتباط مستقیم میان

سکونت گاهها ناشی از مناسب بودن دسترسی های درون منطقه ای و وجود شبکه ارتباطی نسبتاً مناسب می باشد و همچنین شبکه ارتباطی موجود دارای توانایی برای پیوند سکونتگاه ها و ایجاد روابط میان کانون های جمعیتی است در نتیجه توزیع خدمات در بین سکونتگاه ها از نظام سلسله مراتبی مناسب برخوردار نبوده و یک حالت یک سوپه دارد.

۱۰- اصول حوزه بندی های محدوده مورد مطالعه

برای حوزه بندی محدوده مورد مطالعه و تعیین الگوی تقسیمات فضایی- کالبدی آن معیارها و



نقشه ۴. پراکندگی خدمات تاسیساتی آبادیهای شهرستان مهد بشهر

هزار نفر جمعیت روستایی و جمعیت مرکز منظومه بیشتر از ۵۰۰۰ نفر است. خدمات مورد نیاز در مرکز منظومه ها شامل مرکز آموزش فنی و حرفه ای و تربیت معلم، مرکز بهداشتی درمانی روستایی با تسهیلات زایمانی، داروخانه، بیمارستان کوچک، راه آسفالت، ترمینال، دفتر پست و شبکه تلفن، ناحیه صنعتی، کتابخانه عمومی، مجموعه فرهنگی و هنری، سینما، مجموعه ورزشی، رستوران و سالن پذیرایی، دفتر حفظ میراث فرهنگی، پمپ بنزین، صنایع سبک، مرکز خدمات روستایی، تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی و وسایل نقلیه، مرکز آموزش و ترویج صنایع دستی و خانگی، مراکز خرید و فروش کالا، فروشگاه تعاونی، بخشداری، شهرداری، حوزه انتظامی، اداره ثبت احوال، نمایندگی آموزش و پرورش و کلیه خدمات مورد نیاز ذکر شده در سطوح بعدی می باشد.

۲- مراکز مجموعه ها

مراکز مجموعه ها که به سطوح میانی خدمات روستایی تجهیز می شوند عمدتاً آبادی های بزرگی را در بر می گیرد که دارای ۵ تا ۱۰ هزار نفر آستانه جمعیتی بوده و از موقعیت مکانی با مرکزیت های نسبی بارزی برخوردارند. خدمات

ملاکهای به شرح زیر مورد توجه است که بر طبق آنها حوزه های هم پیوند و همگن اقتصادی- اجتماعی و اکولوژیک در سطوح مختلف شکل می گیرد. این معیارها عبارتند از: اشتراک در فعالیتهای اقتصادی و پیوندهای بارز در این زمینه؛ پیوندهای قومی، طایفه ای و خویشاوندی بین روستاها؛ گرایشهای رفتاری مردم در دسترسی به خدمات و امکانات اقتصادی؛ شرایط اکولوژیک، وضع ناهمواری و حوضه های آبریز؛ تقسیمات کشوری در وضع موجود؛ قابلیتهای توسعه اقتصادی- اجتماعی هر یک از فضاها روستایی.

با توجه به معیارها، تقسیمات فضایی- کالبدی محدوده مورد مطالعه و شهرستان در نظر گرفته شده که روستا به عنوان کوچکترین رده در فضا و کل شهرستان به عنوان فضای کلان آن محسوب می شود. رده ها و سطوح استاندارد تقسیمات و ویژگی های هر سطح روستایی به شرح زیر است:

۱- مراکز منظومه ها

مراکز منظومه ها که از سطح برتر خدمات روستایی برخوردار می شوند شامل روستا- شهرهای کنونی یا آتی بوده و یا کانونهای شهری فعلی را تشکیل می دهند. آستانه جمعیتی این مراکز حدود ۲۰ تا ۴۰

جدول ۵. ماتریس ارتباطات روستایی بر حسب شاخص تعداد ارتباط مستقیم واقع در دهستان پشتکوه

شرح	فولامحله	تالاجیم	رودبارک پالا	مزرعه سراور	شلی	هیکو	فینسک	کورد	کلیم	ملاده	ده صوفیان	رودبارک پالین	پرور	جمع
فولامحله	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۴
تالاجیم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
رودبارک پالا	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۴
مزرعه سراور	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۲
شلی	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۵
فینسک	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
هیکو	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کورد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲
کلیم	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۴
ملاده	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۴
ده صوفیان	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
رودبارک پالین	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۴
پرور	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۵

جدول ۶. تعیین ارزش مرکزیت عملکردها و همچنین مرکزیت مکان ها جهت سطح بندی مبتنی بر روش شاخص

مرکزیت، ماخذ: یافته های محقق

میزان سطح مرکزیت	تعداد	آبادی	جمعیت	سهم هر رزق	آموزشی، فرهنگی و ورزشی	مذهبی	سیاسی و	برق، گاز و آب	بهداشتی و درمانی	مخابرات و ارتباطات	پارک‌های و خدمات	تعداد	آبادی
521.621	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
467.262	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
412.887	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
206.577	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
156.959	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
126.956	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
123.029	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
117.318	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
104.021	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
97.093	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
92.4366	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
90.3732	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
86.367	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
75.073	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
74.0972	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
36.036	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
34.4916	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
33.5795	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
33.2011	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1

میزان سطح مرکزیت	تعداد	آبادی	جمعیت	سهم هر رزق	آموزشی، فرهنگی و ورزشی	مذهبی	سیاسی و	برق، گاز و آب	بهداشتی و درمانی	مخابرات و ارتباطات	پارک‌های و خدمات	تعداد	آبادی
28.9527	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
28.74437	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
26.60992	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
25.8277	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
24.54845	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
20.41704	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
18.06546	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
11.03604	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
10.37316	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
10.37316	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
7.670485	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
7.240197	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
7.240197	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
5.827703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
5.827703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
5.827703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
5.827703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
4.548455	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
3.126	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
2.702703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
2.702703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
2.702703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
2.702703	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
4300	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1

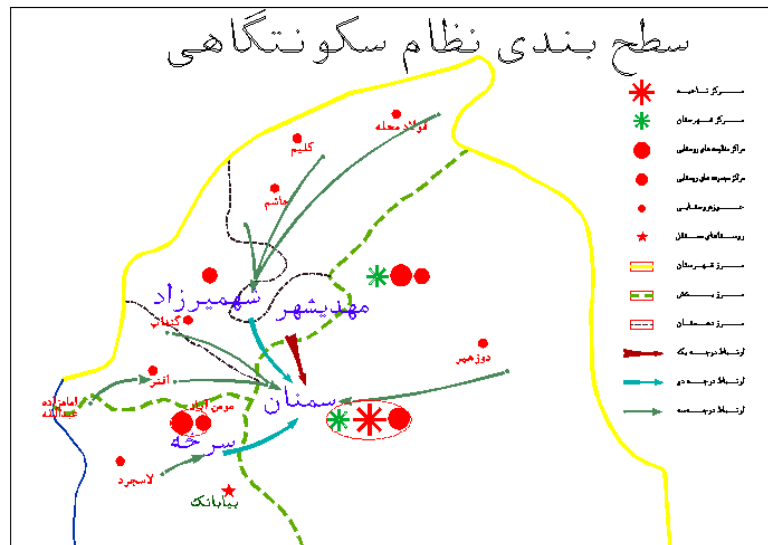


فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

مورد نیاز در مرکز مجموعه ها شامل دبیرستان، مرکز بهداشتی- درمانی روستایی، کشتارگاه های بهداشتی، غسلخانه، مجتمع بهزیستی، دفتر پست و مخابرات، طرح بهسازی، خانه سازمانی، کتابخانه، مجموعه ورزشی روباز، پارک بازی کودکان، بانک، شرکت تعاونی روستایی، پمپ بنزین یا جایگاه مواد سوختی، دفتر دامپزشکی، دفتر جهاد کشاورزی، دهداری و کلیه خدمات مورد نیاز در سطوح پایین تر می باشد.

۳- مراکز حوزه های روستایی

مراکز حوزه های روستایی آخرین سطح خدمات رسانی در فضاهای روستایی بوده و تا شعاع حداکثر ۱۰ کیلومتر، جمعیتی تا حدود ۵ هزار نفر جمعیت را در بر میگیرد. خدمات مورد نیاز این سطح در مرکز حوزه شامل آموزش پیش دبستانی، دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان (در صورت وجود دبیر و امکانات) خانه بهداشت، شبکه آب آشامیدنی، حمام، دفتر ترویج کشاورزی، راه روستایی، برق، نمایندگی



نقشه ۵. سطح بندی نظام سکونتگاهی شهرستان مهدیشهر؛ ماخذ: نگارندگان.

فرضیه اول: بنظر می رسد تعیین دقیق مراکز روستایی با توجه به توان واقعی این نقاط می تواند به ایجاد تعادل بین سکونتگاهها و برقراری یک نظام سلسله مراتبی که در آن جریان های مختلف توسعه و خدمات و دسترسی ها و ارتباط بین نقاط به سهولت برقرار باشد کمک بنماید. روستاها قلب تپنده هر کشور و منطقه ای هستند که از توان ها و استعداد های بی شماری بخصوص در زمینه های تولید و کشاورزی می باشند. متأسفانه در دهه های اخیر بسیاری از جوامع روستایی به سوی شهرها مهاجرت کردند که علت اصلی این امر نبود امکانات و خدمات مورد نیاز روستاییان بوده است. براساس بررسی های صورت گرفته علت اصلی این امر نبود امکانات و خدمات اولیه و عدم برخورداری از خدمات موجود در جوامع غیر روستایی می باشد. می توان با شناخت صحیح از دهستان و آبادی ها و درک نیازهای هر آبادی، مراکز روستایی را در سطح دهستان بصورت دقیق و علمی با بکارگیری روش های علمی شناسایی و جهت توسعه پایدار منطقه در برنامه ریزی ها از آن سود جست. براین اساس روستای فولادمحله و چاشم با توجه به امکانات و خدمات بهداشتی، آموزشی، رفاهی، سیاسی و ارتباطی که نسبت به

یا صندوق پست، مرکز تلفن، طرح هادی، امکانات ورزشی روباز، شورای اسلامی و پاسگاه انتظامی می باشد. بدین ترتیب روستاهای منطقه از نظر تجهیز خدمات به تیپ تقسیم می شوند:

الف) روستاهای مرکزی؛ روستاهای مرکزی شامل مرکز منظومه ها، مجموعه ها و حوزه های روستایی که خدمات برتر را به سطوح پایین ارائه می دهند. ب) روستاهای اقماری؛ روستاهای اقماری شامل روستاهایی هستند که خدمات برتر را از سطوح بالاتر خود می گیرند و به تناسب جمعیتی که دارند عرضه و تامین برخی خدمات ساده برای آنها میسر خواهد بود. این سطح از روستاها باید دارای خدمات ساده شامل دبستان، خانه بهداشت، آب آشامیدنی، راه دسترسی و برق باشند.

ج) روستاهای مستقل؛ روستاهایی هستند که از قابلیت مرکزیت برخوردار نبوده و در نظام سطح بندی شده تامین خدمات آنها به صورت اقماری میسر نیست. این آبادیها به تناسب جمعیت خود و بدون توجه به آستانه های پوشش تجهیز می شوند. برای این روستاها نیز خدمات ساده و متناسب با اندازه جمعیت روستا توصیه می شود.

۱- ارزیابی نظام موجود و تجزیه و تحلیل یافته ها

سایر مناطق روستایی در دهستان دارند. بعنوان مراکز روستایی دهستان جهت توسعه و ایجاد تعادل بین سکونتگاهها و برقراری نظام سلسله مراتبی درست توصیه می گردند. با انتخاب این روستاها بعنوان مرکز اصلی ارائه دهنده خدمات و امکانات به جامعه روستاییان دهستان های چاشم و پشتکوه، می توان سایر خدمات و امکانات مورد نیاز جهت توسعه پایدار روستاهای فولادمحله و چاشم تامین و در مرحله دوم سایر روستاهای دهستان را در این دو مرکز اصلی روستایی مستقر نمود.

فرضیه دوم: بنظر می رسد انتخاب مراکز بهینه روستایی سبب به وجود آمدن یک نظام کارآمد برای ارائه تسهیلات و خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بهترین نحو همراه با صرفه اقتصادی می گردد.

در جوامع روستایی وجود امکانات و خدمات رفاهی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخصوص در سطح مراکز حوزه های روستایی می تواند موجب کاهش سطح تقاضای روستاییان از جوامع شهری و مناطق برتر پیرامون شود. از این رو انتخاب بهینه مراکز روستایی و رعایت سلسله مراتب سکونتگاهی و در کنار آن تجهیز مناسب، براساس نیاز این مراکز می تواند موجب رشد و توسعه روستاهای منطقه به همراه ارتقاء اقتصاد جوامع روستایی با کاهش و جلوگیری از هزینه های بی مورد شد. در سطح دهستان پشتکوه و چاشم نیز با توجه به موقعیت استقرار دو روستای فولادمحله و چاشم دارای بهترین شرایط برای ارائه خدمات به روستاهای پراکنده در سطح دهستان می باشند. از این رو روستای فولادمحله بعنوان مرکز اصلی ارائه دهنده به روستاهای دهستان پشتکوه و روستای چاشم بعنوان مرکز اصلی ارائه دهنده به روستاهای دهستان چاشم بعنوان مرکز اصلی ارائه دهنده خدمات به روستاهای دهستان چاشم توصیه می گردند. براین اساس می توان امید آن داشت که با انتخاب درست و صحیح روستاهای فولادمحله و چاشم با در نظر

گرفتن امکانات و خدمات موجود در هریک از این روستاها، تسهیلات و خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بهترین نحو همراه با صرفه اقتصادی به روستاهای پیرامون ارائه گردد و در نتیجه موجب صرفه جویی در وقت و هزینه روستاییان شود.

فرضیه سوم: انتخاب صحیح و دقیق مراکز روستایی باعث تسریع روند توسعه مناطق روستایی می شود و از طریق کاهش فاصله های شهری و روستایی باعث جلوگیری از تشدید روند مهاجرت روستا شهری می گردد.

همانطور که در جدول ماتریس ارزیابی ارتباط مستقیم، فواصل و شاخص مرکزیت و همچنین نقشه GIS روابط عملکردی خدماتی نقاط روستایی دهستان های پشتکوه و چاشم و نقشه خدمات و امکانات رفاهی موجود در سطح دهستان مشاهده می شود. روستای فولادمحله و چاشم با برخورداری از امکانات خدماتی و رفاهی برتر توانسته پاسخگوی برخی از نیازهای آبادی های دهستان باشد از این رو با تجهیز و ارتقاء سطح خدمات و امکانات می توان از مهاجرت روستاییان به شهر های استان بویژه شهرهای شه میرزاد و مهدیشهر و شهرهای استان مازندران و تهران جلوگیری نمود. لازم بذکر است با وجود تمامی امکانات و خدمات موجود در سطح دو روستای فولادمحله و چاشم، بسیاری از جوانان و اهالی روستا جهت برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی و غیره که در سطح شهر موجود می باشد به این شهر مهاجرت کردند. از این رو امید آنست که با تجهیز و توسعه خدمات و امکانات مورد نیاز اهالی روستاهای فوق و در سطح بالاتر کل دهستان، موجب توسعه مناطق روستایی گردیده و از روند مهاجرت جمعیت روستاهای منطقه پشتکوه و چاشم کاسته شود.

۱۲- نتیجه گیری و پیشنهادات

بطوری که قبلاً بیان گردید نارسایی شدید خدماتی در سطح محدوده مورد بررسی کاملاً مشهود است. بررسی میزان برخورداری نقاط روستایی در سطوح

سلسله مراتبی محدوده این نارسایی را بیشتر روشن می‌کند. عوامل مختلفی که باعث این نارسایی‌های شده است عبارتند از:

۱. عدم وجود شبکه خدمات رسانی منسجم و پیوسته؛

۲. عدم تعادل در نوع خدمات توزیعی بین نقاط روستایی؛

۳. پایین بودن آستانه جمعیتی بعضی از کانونها جهت دریافت خدمات مورد نیاز؛

۴. عدم وجود شبکه ارتباطی مناسب برای پیوند سکونتگاهها و ایجاد روابط ممکن میان کانونها؛

بنابراین در جهت از بین بردن این نارسایی‌ها ارائه پیشنهادهاتی در جهت رشد و توسعه محدوده و فراهم نمودن شرایط زیست محیطی بهتر برای بخشهای مختلف در چارچوب یک نظام سلسله مراتبی ارائه می‌گردد: ایجاد نوعی از سلسله مراتب در فضا که هم جوامع انسانی را بر حسب موقعیت، اندازه و نقش آنها در فرآیند توسعه درگیر نماید و هم پوششی مناسب از خدمات را در کل منطقه ارائه نماید.

منابع و مآخذ

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۲) نظریه برنامه ریزی (دیدگاههای سنتی و جدید)، نشر مهر.

۲. اداره کل امور آب استان، گزارش رودخانه های مهم استان، سال ۱۳۸۵

۳. اداره کل هواشناسی استان سمنان (۱۳۸۸) گزارش سالانه پارامترهای اقلیمی.

۴. اداره کل منابع طبیعی استان، (۱۳۸۵) سیمای منابع طبیعی استان و شهرستان.

۵. ازکیاء، مصطفی (۱۳۶۴) مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران.

۶. پولاددژ، محمد (۱۳۷۳) اصول و مبانی آمایش سرزمین در بخش صنعت، تهران.

۷. کوثری، عبدالکریم (۱۳۷۵) اقتصاد شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۸. پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۶) نظریه‌های توسعه روستایی، سمت.

۹. ژورژ، پیر (۱۳۸۲) جغرافیای صنعت دنیا، مترجم محمود هاتف، چاپ اول.

۱۰. پور محمد، محمد رضا (۱۳۸۲) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات سمت.

۱۱. تقوی، نعمت الله (۱۳۷۲) مبانی جمعیت شناسی، انتشارات دنیا.

۱۲. تودارو، مایکل (۱۳۷۰) راهبردهای توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تهران.

۱۳. حسین زاده، دلیر (۱۳۸۰) برنامه ریزی ناحیه ای، سمت، تهران.

۱۴. جمعه پور، محمود (۱۳۷۵) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی: دیدگاهها و روشها، سمت.

۱۵. جوان، جعفر (۱۳۷۸) جغرافیای جمعیت ایران، دانشگاه تهران، تهران.

۱۶. دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور (۱۳۸۱) معیارها و ضوابط سازماندهی صنایع و خدمات شهری، جلد اول.

۱۷. رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران.

۱۸. رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۱) مباحث و روش های شهرسازی - دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۱۹. زمردیان، محمد جعفر (۱۳۸۲) اصول و مبانی عمران ناحیه ای، تهران، نشر شورا.

۲۰. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۴) تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهر های ایران، دانشگاه علم و صنعت.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۸ ■

طراحی مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت برای دستگاه‌های دولتی ایران

پرستو احمدی* - دکتری تخصصی مدیریت منابع انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران

چکیده

عدالت یکی از مهمترین ارزشهای انسانی است، مفهوم عدالت هر چند در وهله اول واضح و آشکار به نظر می‌رسد، اما یکی از پیچیده ترین و بحث انگیزترین مباحث در تاریخ حیات انسانی بوده است. عدالت استخدامی نیز، از چنین ویژگی چالشی و ارزشی برخوردار است. این پژوهش با هدف دستیابی به مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت در دستگاه‌های دولتی ایران طراحی شد. نمونه آماری شامل ۱۷ نفر از خبرگان دانشگاهی و منابع انسانی بودند که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شده و از نظریه داده بنیاد (مبتنی بر مصاحبه با خبرگان) برای طراحی مدل استفاده شده است. پس از مراجعه به صاحب نظران و خبرگان متخصص در رشته مدیریت منابع انسانی گوناگون، ضمن اصلاح و تعدیل مدل گفته شده، مدل جذب منابع انسانی عدالت محور طراحی شد. از مهمترین نتایج تحقیق این است که برای جذب و استخدام منابع انسانی بر اساس عدالت، توجه به شایستگی‌های فردی، شغلی و بینشی داوطلبان، تعیین معیارها و شاخص‌های دقیق گزینش افراد، برگزاری آزمون، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، قانون‌گرایی و اعتمادسازی ضروری می‌باشند. همچنین در سیستم جذب منابع انسانی در نظر گرفتن همه عوامل سیستم یعنی کم و کیف احتیاجات منبع انسانی، روش‌های تامین منابع انسانی، روش‌های انتخاب و استخدام داوطلب، شرایط به کارگیری (انتصاب) و استراتژی انتخاب یا گزینش در برقراری عدالت استخدامی تاثیرگذار هستند. مدل طراحی شده فی الواقع مبنای نظری لازم را برای رعایت عدالت استخدامی فراهم می‌سازد. همچنین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت در این پژوهش نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: جذب منابع انسانی، عدالت استخدامی، قانون مدیریت خدمات کشوری، ایجاد فرصت‌های برابر

Designed to attract human resources model based on justice for Iranian state

Abstract

Justice is one of the most important human values, justice, though it seems obvious in the first place. But one of the most complex and controversial issues in the history human life has been. Employment equity, the challenge of such a character and merit; This study aims to attract human resources model was designed based on Iranian state justice system. The sample consisted of 17 academic experts and human resources that the sampling was targeted. And grounded theory (based on interviews with experts) to design model is used. After visiting scholars and experts specializing in various fields of human resource management, the modification of the model, the model was designed attraction to human resources is equitable. The most important results is that for the recruitment of human resources based on justice, based on merit, career and vision Volunteers, benchmarking and specific indicators choice of people, exams, creating equal opportunities for all, the rule of law and confidence are essential. Also in attracting human resources to consider all of the system's quality and quantity of human resource, methods of human resources, methods of selection and recruitment of volunteers, conditions of employment (appointment) and selection strategy or selective justice Recruitment influence. Designed model indeed provides the theoretical basis necessary to comply with employment equity. The dimensions of the components and indicators of human resources based on justice model shown in this study.

Keywords: human resources, employment, justice, law, civil service management, create equal opportunities

مقدمه

موفقیت هر سازمان بستگی به تخصیص و به کارگیری مناسب نیروی انسانی دارد. این امر در صورتی امکان پذیر خواهد بود، که سازمان‌ها بتوانند مهارت‌ها؛ توانایی‌ها و خصوصیات فردی و جمعی کارکنان خود را در راستای اهداف سازمان به کار گیرند (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۶۱۱). سرنوشت کامیابی سازمان چنان با سرنوشت مدیریت منابع انسانی در هم آمیخته که جایگاه این حوزه وظیفه‌ای سازمان را تا حد شریکی راهبردی ارتقاء بخشیده است. این نقش راهبردی در عمل به کارکرد خرده نظام‌های مدیریت منابع انسانی یعنی جذب و گزینش، آموزش و توسعه، به کارگیری مؤثر و نگهداری منابع انسانی تبدیل می‌شود (شمس احمر و همکاران، ۱۳۹۰). مهمترین سرمایه سازمان، نیروی انسانی آن است. در سالهای اخیر توجه به نیروی انسانی در سازمانها بخش عظیمی از زمان و سرمایه سازمان‌های پیشرو را به خود اختصاص داده است. موفقیت یا شکست سازمان، بستگی به چگونگی جذب و نگهداری منابع انسانی آن دارد (برادول و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین انتخاب و به کارگیری شایسته‌ترین افراد در هر شغل یکی از مهمترین مسایل و تصمیم‌های مدیریتی محسوب می‌شود (آذر و همکاران، ۱۳۸۹). کارمندیابی و یافتن افراد مناسب برای شغل شاید مهمترین موضوعی باشد که به طور وسیع در متون مربوط به سازمان‌های بزرگ و کوچک مورد بررسی قرار گرفته است. اگر چه بیشتر سازمان‌های کوچک فاقد دپارتمان‌های رسمی برای منابع انسانی هستند اما همه آنها کارمندیابی و سیاست‌های منابع انسانی را دارند. فقدان کارکنان واجد شرایط نه تنها تهدیدی برای برنامه‌ها و توسعه سازمان است، بلکه بهترین تهدید برای بقای یک سازمان نیز می‌تواند باشد (هنمن و بارکلی، ۱۹۹۹).

بررسی نظام جذب منابع انسانی دستگاه‌های دولتی ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکیدات و وجهه قانونی عدالت پایه بودن نظام استخدامی و فرایند

گزینش، همچنان سیستم تأمین منابع انسانی از فقدان عدالت رنج برده و از قبل این موضوع نارسائی‌ها و مشکلات زیادی بر نظام اداری کشور وارد شده است (ایرانپور انارکی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). بنابراین می‌توان به این سؤال که آیا نظام جذب منابع انسانی در ایران عدالت محور است یا نه، پاسخ داد. سؤال دومی که بلافاصله مطرح می‌گردد این است که چرا علی‌رغم اینکه در قوانین مختلف کشور بر برقراری و عدالت محوری استخدام‌ها تأکید جدی شده است، دستگاه‌های دولتی فاقد یک نظام جذب منابع انسانی عدالت محور هستند؟ آنچه در مدیریت منابع انسانی ایران مشاهده می‌گردد این است که سازمان‌های دولتی در انتصاب و ارتقا پایبند ضوابط و مقررات نیستند و عواملی از قبیل خویشاوندی و آشنایی، توصیه مقامات بانفوذ، وابستگی به مراتب عالی سازمان، و روابط شخصی اساس استخدام قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی مدیریت نیروی انسانی در سازمان تابع سلیقه‌های فردی است و از حاکمیت ضابطه‌ها خبری نیست. در بعضی مواقع هم اگر بر اجرای مقررات استخدامی تأکید می‌شود، سعی در اجرای ظاهری مقررات بوده و به وسیله اعلام شرایط احراز خاص، عدم اطلاع عام و به موقع فرصت‌های استخدامی برای همگان، اعمال نظر در مصاحبه‌ها و آزمون نظرات شخصی در استخدام مؤثر واقع می‌شوند. گذشته از این حتی در مواردی که تمایل واقعی به اجرای عدالت است، چون ابزارهای آزمون و سنجش مانند تست‌های استاندارد شده یا آزمون‌های معتبر روان‌شناسی و علاقه‌سنجی وجود ندارد، کار استخدام به درستی انجام نمی‌گیرد و برقراری عدالت تحقق نمی‌یابد. نکته دیگر در این زمینه نقش مدارک تحصیلی در استخدام‌هاست؛ مدرک تحصیلی به عنوان پروانه‌ای برای ورود به خدمات دولتی تلقی می‌شود و با توجه به این که در ایران غالباً امکانات تحصیلی برای همگان فراهم نیست این رویه خود مانعی برای جذب افراد شایسته به سازمان‌ها می‌شود و کار تحقق نظام عدالت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

محور مانع می آفرینند (علی محسنی، ۱۳۸۵، صص ۱۸۷-۱۸۰).

۲- چهارچوب نظری و ادبیات تحقیق

چهارچوب نظری این تحقیق بر پایه نظریه «عدالت» جان رالز و نظریه قران در خصوص عدالت بنا نهاده شده است. در نظریه عدالت رالز، نظریات اخلاقی و سیاسی در ارتباط با هم بحث شده اند و برای شرح آنها از علومی مانند اقتصاد و روانشناسی نیز استفاده شده است. نظر رالز از عدالت در واقع «عدالت اجتماعی» است. یعنی رالز به دنبال فضیلت اشخاص نیست بلکه در تلاش است، اصولی را برای عدالت تنظیم کند تا تضاد منافع افرادی که در اجتماع به دنبال بیشتر کردن سهم خود از توزیع خیرات اجتماعی هستند را به طور منصفانه حل و فصل نماید (ملکیان، ۱۳۷۴، صص ۸۱-۸۰).

به نظر رالز عدالت زمانی محقق می شود که به توزیع صحیح سود و مسئولیت در همکاری اجتماعی برسیم و این امر مربوط به ساخت جامعه و نهادهای تشکیل دهنده آن است. زیرا نهادهای اجتماعی شیوه دسترسی افراد به منابع را معین می کنند و قواعد تعیین حقوق و امتیازات و رسیدن به قدرت سیاسی و انباشت سرمایه را در بردارند (بشریه، ۱۳۷۶، صص ۱۱۷). رالز می گوید، موضوع اصلی عدالت، ساختار اساسی جامعه و سازوکاری است که طی آن نهادهای اجتماعی، حقوق و وظایف اساسی در توزیع و چگونگی تقسیم مزایای حاصل از همکاری اجتماعی را تعیین می کنند، بنابراین عدالت همان حذف امتیازات بی دلیل و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته های متعارض انسان ها است که در ساختار یک نهاد اجتماعی پیش بینی شده است (بشریه، ۱۳۷۶، صص ۸۲-۸۰).

۲-۱ ادبیات تحقیق

۱- طهماسبی و همکارانش در سال ۱۳۹۱ در تحقیقی با هدف شناسایی و رتبه بندی مهمترین عوامل موثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی در دانشگاهها انجام دادند. این تحقیق از نوع کاربردی

و به روش کمی و به شکل توصیفی در دانشگاه تهران انجام شده است. نمونه گیری به روش تصادفی ساده و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد. داده های جمع آوری شده با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد پرسشنامه مورد استفاده توسط ورهاگن طراحی شده و دارای ۴۲ عامل است که پس از بررسی و بومی سازی، ۳۹ عامل مدنظر قرار گرفت. در این پرسشنامه مجموعاً ۳۹ عامل موثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی شناسایی و فهرست و تحت ۷ طبقه دسته بندی شده اند. که شامل: جو تحقیق و پژوهش در دانشگاه، شرایط کاری، برند و شهرت دانشگاه، توسعه حرفه ای و شخصی، ارزش ها و فرهنگ دانشگاه، جو تدریس و آموزش در دانشگاه، محیط فیزیکی کاری می باشد. در مرحله اول از پاسخ دهندگان خواسته شد که عوامل داخل هر یک از طبقات (عوامل ۳۹ گانه) را امتیازبندی نمایند. بر اساس نتایج به دست آمد «فرصت برای توسعه حرفه ای و علمی» مهمترین عامل برای جذب استعدادها علمی حرفه ای و علمی و وجود منابع و امکانات برای فعالیت های علمی در رتبه دوم و امنیت شغلی در رتبه سوم می باشد. نتایج تحقیق نشان «جو تحقیق و پژوهش در دانشگاه» مهمترین معیار برای استعدادهای علمی به شمار می رود. جو تحقیق و پژوهش در دانشگاه عوامل مختلفی را در برمی گیرد از جمله زمان لازم برای تحقیق و پژوهش، منابع کافی برای انجام کار علمی، ارزش قائل شدن برای پژوهش و غیره. این نتیجه نشان میدهد که برای استعدادها ورود به یک سازمان بیشتر از همه متأثر از وجود فضایی است که این افراد بتوانند توانمندیهای پژوهشی، تحقیقاتی و رشد علمی خود را در آن محقق سازند نتایج نشان می دهد که عامل جو تحقیق و پژوهش بیشترین تأثیرگذاری را در جذب استعدادها در دانشگاه تهران دارد.

۲- تحقیقی توسط یارمحمدیان و همکارانش در سال ۱۳۸۸ انجام شد. هدف این مقاله طراحی و شناسایی شاخص های منابع انسانی در بخش بهداشت و درمان

است که این کار با بررسی مدل‌ها و روش‌های تدوین شاخص‌ها و نهایتاً طراحی یک چارچوب مفهومی جهت طبقه‌بندی و فهرست‌بندی شاخص‌های تدوین شده صورت گرفت.

۱- در مقاله‌ای که توسط ویتانا سینه‌ها و پری یاتالی در هندوستان در سال ۲۰۱۲ با عنوان مروری بر روند در حال تغییر استخدام به منظور ارتقاء کیفیت استخدام در سازمانهای جهانی انجام پذیرفت و روند استخدام در دهه‌های قبل تغییر کرده که از تبلیغات کار و آگهی در روزنامه آغاز شد و در حال حاضر به یک صنعت چند میلیارد دلاری افزایش یافته که آژانسهای استخدام یا بخش استخدامی را در بر می‌گیرد. در واقع منابع انسانی به عنوان دارایی‌های هر سازمان مشخص شده‌اند.

۲- در تحقیقی ۲۰۰۷ توسط کرووز و مدیا در سال ۲۰۱۱ جهت بررسی استخدام و انتخاب کارمند در کیپ شرقی انجام گرفت استخدام و انتخاب تکنیکها و روشهای مختلف در اختیار افسر می‌باشد و تصمیم‌گیری جهت استخدام و انتخاب از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. این تصمیم‌گیریهای قانون کار و منبع استخدام است که ممکن است از درون یا بیرون سازمان در دسترس باشد.

۶- تحقیقی توسط باب در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان مدل‌سازی مجدد استخدام جهت کسب مزیت رقابتی به دنبال استخدام مادام‌العمر در ژاپن چه چیزی اتفاق خواهد افتاد؟ به این نکته اشاره شده است که علیرغم شکست رشد حباب گونه اقتصادی ژاپن بسیاری می‌اندیشیدند که نظام مدیریت مبتنی بر ارشدیت در ژاپن به اتمام رسیده است. اما محور اصلی مدیریت نوع ژاپنی یعنی استخدام بلندمدت یا تمام عمر تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. خط‌مشی امنیت شغلی و احترام به استقلال کارکنان جهت ایجاد تعهد در افراد، ضروری قلمداد شده است. این خط‌مشی موجب استخدام بلندمدت و تربیت کارکنان خلق‌کننده ارزشها می‌

شود، بطوری که رقبا نمی‌توانند از آنها تقلید کنند. توانمندسازی کارکنان از این دیدگاه، نقطه شروع تعهد افراد خواهد شد. برای بررسی در مورد تأثیر این امر بر سازمان، ارزشیابی دقیق و عادلانه سابقه کاری فرد موضوع مهمتری خواهد بود. ملاحظه می‌شود که چگونه قدرت استقلال فرد می‌تواند به قدرت گروه تبدیل شود، بطوری که مدیریت منابع انسانی حقیقتاً قادر به کسب مزیت رقابتی شود.

۳- روش پژوهش

از آنجایی که یکی از اهداف این پژوهش توسعه عدالت استخدامی در مدیریت سازمان‌های دولتی ایران است و چون افزایش اثربخشی سازمانی از طریق عدالت استخدامی به عنوان یک هدف عملی مورد نظر می‌باشد، بنابراین از نوع تحقیقات کاربردی است. همچنین این پژوهش به عنوان فرآیندی برای تدوین و تشخیص مناسب بودن چارچوب و مدل جذب منابع انسانی عدالت محور در سازمانهای دولتی ایران می‌باشد. ارزشهای بومی مانند قانون‌گرایی، شایستگی‌های بینشی به مدل جذب منابع انسانی اضافه گردیده است انتخاب پس از نوع تحقیقات توسعه‌ای می‌باشد. بنابراین این پژوهش از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای می‌باشد. اما تحقیقات از نظر گردآوری داده‌ها نیز به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود که پژوهش حاضر از نوع میدانی بوده، که با رویکرد پژوهش‌های آمیخته از داده‌های کمی و کیفی بهره می‌گیرد. این پژوهش با توجه به ماهیت آن به روش میدانی است. چون برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان موضوع می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش خبرگان دانشگاهی مرتبط با مدیریت دولتی می‌باشند. پرسشنامه‌های این پژوهش در دو مرحله به روش دلفی بین نمونه آماری پژوهش توزیع گردید. در مرحله اول برای شناسایی شاخص‌های جذب منابع انسانی عدالت محور در سازمان‌های دولتی ایران، پرسشنامه‌ها بین ۱۷ نفر

از خبرگان دانشگاهی مرتبط با مدیریت دولتی توزیع خواهد شد. روش نمونه گیری به شیوه نمونه گیری غیراحتمالی گلوله برفی صورت گرفت. بدین صورت که با کمک استادان محترم راهنما و مشاور گزاره های پرسش نامه ها با کمک ادبیات تحقیق و مبانی نظری احصا گردید سپس خبرگان مذکور، محقق را به خبرگان دیگر موضوع تحقیق هدایت کردند. برای شناسایی ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های مدل جذب منابع انسانی عدالت محور بدین صورت عمل شده است که با مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق کلیه ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های مدل جذب منابع انسانی احصاء گردید. سپس گزاره های مناسبی در این خصوص تنظیم گردید و تحت قالب پرسش نامه اولیه در اختیار ۹ نفر از خبرگان منابع انسانی قرار گرفت. با بررسی پرسش نامه ها در قالب فرمول CVR تعداد ۹ گزاره حذف شد و پرسش نامه اصلی پژوهش با ۳۳ گزاره آماده شد. برای طراحی مدل تحقیق از نظریه داده بنیاد استفاده شده است.

۴. نتایج

۴-۱ تجزیه و تحلیل داده ها

فرایند تحلیل داده ها با کدگذاری باز آغاز می شود. کدگذاری باز فرایندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگیها و ابعاد مربوط به هر مفهوم کشف می شود. در کدگذاری باز، وقایع یا چیزهای مشاهده شده در داده ها نامگذاری میشوند و بر فهم مشخصه-هایی تمرکز می شود که موجب منحصربه فرد شدن این وقایع شده است (استراتوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله، با تحلیل داده های گردآوری شده از مصاحبه ها، مشاهده ها، یاداشتهای روزانه و یاداشتهای فنی (حاصل از عملیات میدانی) مقوله های اصلی و مقوله های فرعی استخراج می شوند. کدگذاری باز تا مرحله ی اشباع مقوله ها و در قالب یک فرایند زیگزاگی (رفت و برگشتی) ادامه می یابد. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با بکارگیری روش نظریه داده بنیاد انجام گرفته است و داده های مورد نیاز براساس مطالعه ۱۲ کشور که

طرح نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت را اجرا کرده بودند و نتایج، موانع و مشکلات شان را به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اعلام کرده بودند و نیز یادداشت های پژوهشگر و با بکارگیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری شد. روایی سوالات نیز بر اساس نظرات ۶ تن از خبرگان و صاحب نظران که همگی دارای مدرک دکترا و عضو هیأت علمی دانشگاه های کشور می باشند و بالاتر از ۲۰ سال سابقه کاری دارند، تأیید شده است. نمونه گیری در این پژوهش، به طور هدفمند انجام گرفت. در این پژوهش نمونه گیری زنجیره ای (گلوله برفی) که یکی از انواع نمونه گیری هدفمند است، به کار گرفته شده است. در تحقیق کیفی هنگامی جمع آوری اطلاعات و داده ها متوقف می شود که اطلاعات درباره همه ی دسته بندی های مورد نظر اشباع شود و این امر زمانی رخ می دهد که نظریه یا داستان مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی، مرتبط با موضوع مورد مطالعه، به دست نیاید. از این رو، در پژوهش های کیفی، حجم نمونه را مترادف با کامل شدن داده ها یا اشباع داده ها می دانند (عابدی، ۱۳۸۵، ص ۶۸). در این راستا، نمونه های بخش کیفی این پژوهش را ۶ نفر از خبرگان آشنا با روش داده بنیاد و طرح نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت تشکیل داده است، زیرا داده ها براساس مطالعات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی استخراج و احصا گردیده بود و صرفاً جهت اشباع و تأیید روایی نظرات خبرگان پرسیده شد. تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش براساس دستورالعمل های استراوس و کوربین (۱۳۹۰) انجام گرفت. این شیوه شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (استراوس و کوربین ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)، در نهایت، نظریه (مدل کیفی پژوهش) بیان شده است.

۴-۲ مدل سازی

در منابعی که به معرفی روش شناسی گراند تئوری (داده بنیاد) پرداخته اند، این مرحله را دست آورد طبیعی

تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. شکل‌گیری پدیده جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، ابتدا به عنوان هسته و مرکز بحث مطرح گردید و توجه به علل و عوامل تأثیرگذار بر نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت فکر پژوهشگر را به جلب نمود. در این بخش، ضمن توصیف عناصر شکل‌دهنده نظریه نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، مهر تأیید بر نتایج حاصله می‌زند ارائه می‌شود.

۵-۱-۱- عوامل مؤثر بر نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت

عوامل مؤثر شرایط خاصی است که بر کنش و تعاملات تأثیر می‌گذارد و تمیز آن‌ها از متغیرهای زمینه‌ساز مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها و یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. عوامل مؤثری که بر دیدگاه کارکنان از عدالت محوری در استخدام و پاسخ آنها نسبت به این سیستم اثر می‌گذارد، عبارتند از:

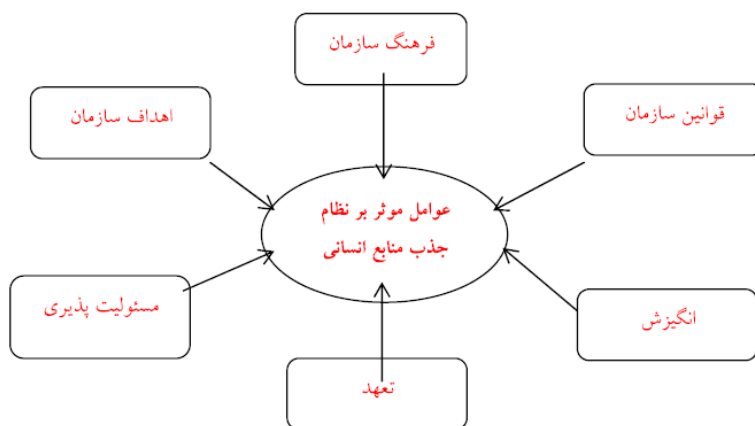
الف) فرهنگ سازمانی

فرهنگ سازمانی به طور کلی شامل ارزش‌ها و اعتقادهایی اصلی است که کارکنان و مدیران در سراسر یک سازمان به اشتراک می‌گذارند. فرهنگ سازمانی که انتظار کارهای بسیار شایسته دارد و به این کارها پاداش می‌دهد و اثبات می‌کند که به همکاری کارمند ارجح می‌نهد، نشان‌دهنده انسجام

مرحله کدگذاری انتخابی، دانسته‌اند و خوش‌بینانه اظهار داشته‌اند که: تجزیه و تحلیل پایانی به منظور تکوین نظریه، در این مرحله صورت می‌گیرد. با توجه به مولفه‌های پدیدار شده از دل داده‌ها، در مورد رخدادها و موفقیت‌ها، تصویرغنی‌تری از مفاهیم و مولفه‌ها، فراهم می‌گردد. در رمزگذاری گزینشی، به پالایش یافته‌های قبلی پرداخته می‌شود و با طی این فرآیند، در نهایت، چارچوب نظری پدیدار می‌شود (چارمز و برایان ۲۰۰۸، ص ۳۷۴). تجربه نشان داد که ماهیت این مرحله، از مراحل قبل مجزا است. مرحله‌ای است که نیاز به تفکر، ابتکار، خلاقیت و خبرگی دارد. مرحله بسیار دشواری که حتی بیش از مرحله جمع‌آوری داده‌ها، دقت و نیروبه خود اختصاص داد. پس از یک بازه زمانی نسبتاً طولانی و چالشی و در پی مشاوره‌های فراوان در میان خبرگان، «مدل مفهومی» جلوه گر شد. ۲۹ مولفه برآمده از مرحله قبل، در قالب نه «بعد» و هر یک با نقش و جایگاه معین، به شرح زیر دسته‌بندی شدند: ۱. متغیرهای مؤثر ۲. متغیرهای زمینه‌ساز ۳. متغیرهای بازدارنده ۴. نتایج و پیامدها ۵. ابعاد نظام جذب منابع انسانی بر مبنای عدالت. ۵. نتیجه‌گیری

۵-۱-۱- تشریح مدل

همانگونه که گفته شد، هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای



نمودار ۱. عوامل مؤثر بر نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت

و تعهد پرورشی است.

ب) قوانین سازمان

قوانین لازم برای اجرای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت وجود ندارد. قانون گذاران باید سرمایه کافی را برای بودجه مبتنی بر عملکرد تخصیص دهند. همچنین محدودیت‌هایی در جذب منابع انسانی از حیث ذینفعان، میزان و حالات جذب وجود دارد که باید اصلاح شود.

ج) مسئولیت پذیری کارکنان

در مدیریت سازمان‌ها، وجود یک سبک مشارکت جو برای رهبری کارساز و اثربخش مهم است. مسئولیت پذیر و علاقه دلبستگی به هدف‌ها که این خود فرد را به کارکرد بهتر برمی‌انگیزاند. میل به کوشش فراوان جهت تأمین هدف‌های سازمان به گونه‌ای که این تلاش در جهت ارضای برخی از نیازهای فردی سوق داده شود، مدیران را در اجرای طرح نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت کمک می‌کند.

د) انگیزش

اگر کارکنان سازمان چنین بیندارند که تلاش و کار آنان به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و نیز اگر میزان پاداش یا دریافتی آن‌ها متناسب با کار باشد، در آن صورت می‌توان گفت که سازمان از نظر انگیزه در مطلوب‌ترین وضع ممکن است. ادراک کارکنان از نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت نه تنها براساس نیازها و ارزش‌های فردی صورت می‌گیرد، بلکه براساس نحوه‌ی رفتار مدیران با کارکنان نیز صورت می‌گیرد.

ه) تعهد سازمانی

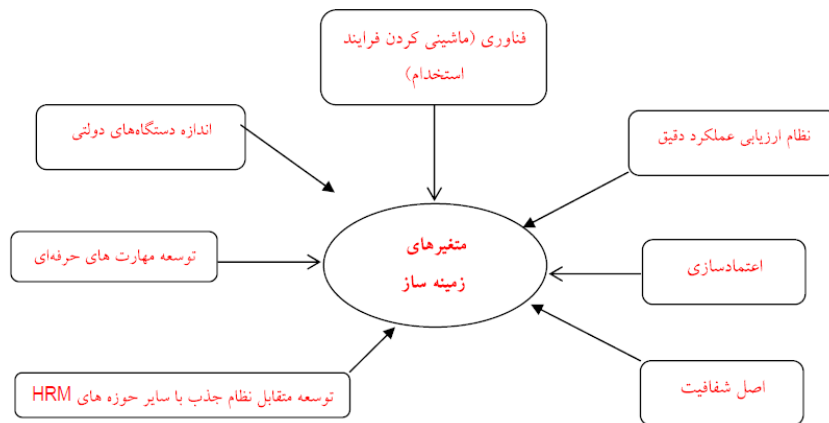
چگونگی تفسیر کارکنان از سیستم جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت تعیین کننده‌ی چگونگی ارزش گذاری آن‌ها از پاداش کارفرمایان است. ارزش‌ها به نوبه خود، شرایط لازم را برای سطح تعهد به یک کار بخصوص، بعد از آن عملکرد و بعد از آن به سازمان تأمین می‌کنند.

و) اهداف سازمان

اهداف سازمان باید بر محور عدالت تعریف شوند. اگر فضای تحقق اهداف سازمان بدون هیچ پیش شرط یا الزامی تعریف شوند، مدیریت سازمان برای نیل به آنها انرژی زیادی نمی‌برد اما هنگامیکه تحقق اهداف مشروط به رعایت رویه‌های عادلانه باشد، کار اندکی دشوار می‌گردد. بنابراین نوعی تعهد پذیرفته شده‌ی الزام آور به عدالت، برای عدالت محور شدن رفتار و کردار مدیران استخدام، موضوعیت و اصالت دارد، یعنی رعایت عدالت باید جزئی از هدف و فراگرد نیل به اهداف باشد تا عدالت رویه‌ای در جذب منابع انسانی محقق گردد. بنابراین باید در خط مشی‌ها و تصمیمات استخدامی، تصریح گردد که هر گونه تلاش برای جذب افراد شایسته به سازمان باید عادلانه و منصفانه باشد. با توجه به اینکه در بوروکراسی‌های ماشینی، بیشترین وجه همت و انرژی سازمانها، به تحقق اهداف معطوف می‌گردد و حتی اگر اهداف عادلانه نیز با بی‌عدالتی کسب شوند، رفتارهایی در سازمان شایع می‌گردد که مستمراً عدالت را تخطئه می‌کنند. بدین ترتیب اهداف، استراتژی‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها ضمن اثرگذاری بر فراگرد و روند طراحی جذب منابع انسانی، به رفتارهای آن نیز سمت سو می‌دهند. همچنین جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت می‌تواند سطح بهره‌وری سازمانی را از طریق هماهنگی نزدیک تر اهداف سازمانی با اهداف شغلی فردی تغییر دهد، اما نیاز به اصلاح سیستم سازمانی موجود دارد. در نهایت، در عملکرد سیستم جامع باید کاری ارزیابی شود و پاداش دریافت کند که برآورده کننده اهداف و ماموریت‌های بسیار مهم سازمانی است.

۱-۱-۲-۵- متغیرهای زمینه ساز

این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از طبقه‌ها به همراه ویژگی‌هایشان تشکیل می‌دهند. عواملی که جهت اجرای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت باید زمینه‌سازی گردد، در شکل



نمودار ۲. متغیرهای زمینه ساز نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت

مبتنی بر عدالت با دیگر سیستم های سازمان

برای اینکه برنامه های جذب منابع انسانی بر اساس عدالت به نتایج بسیار سازنده دست یابند، باید این سیستم ارتباط روشنی با سیستم های دیگر که به پاداش، آموزش و توسعه ی کارکنان می پردازند، داشته باشند. این سیستم شامل راه های رسمی و غیررسمی برای به رسمیت شناختن عملکرد شغلی نمونه، برنامه های آموزشی مربوط به بهبود کار و پتانسیل ارتقاء فردی و نیز فرصت های شغلی است که باعث شود کارکنان انگیزه پیدا کنند.

د) توسعه مهارت های حرفه ای کارکنان

عوامل متعددی لزوم آموزش شغلی کارکنان را مطرح می کنند. تغییر در استراتژی سازمان یکی از عواملی است که نیاز به آموزش را به وجود می آورد. شرکت در دوره های تخصصی (شغلی) برای افزایش کارایی و اثربخشی سازمان ضروری است. آموزش در جهت بهبود عملکرد، شاغل را در ارتباط با انجام کار و مسائل مربوط به آن، و سازمان را در جهت اجرای اهدافش سوق می دهد.

ه) توسعه فناوری های سازمان:

تاثیر توسعه فناوری به طور غیرمستقیم از طریق تاثیر بر ساختار سازمانی (شکل دهی روابط شغل و شاغل

آمده است.

الف) سیستم ارزیابی عملکرد دقیق

مواردی که می تواند در ارزشیابی دقیق کارکنان اختلال ایجاد کند عبارتند از:

۱- استانداردهای عملکردی نامفهوم

۲- ملاحظات عمومی در ارزشیابی

۳- تأثیر امیال شخصی ارزیاب

۴- آسان و یا سخت گیری

۵- تعصب و جانبداری

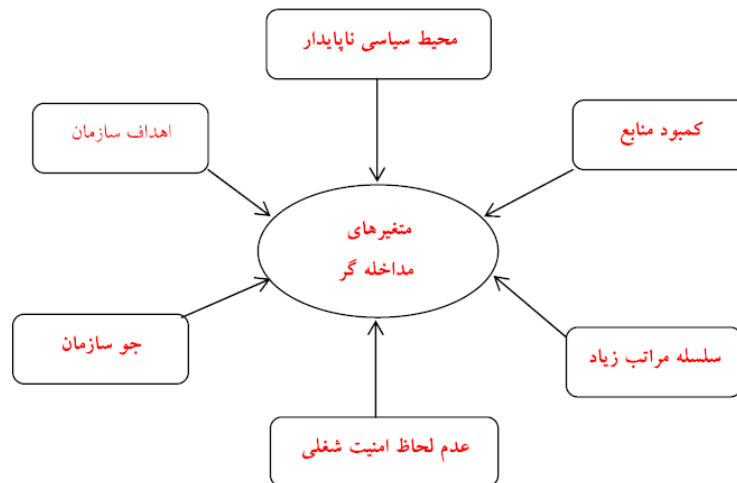
۶- محدودیت در رتبه بندی و نمره ارزشیابی

قبل از اجرای طرح نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت باید یک سیستم ارزیابی عملکرد دقیق طرح ریزی گردد.

ب) اعتمادسازی

برای انجام هر کار باید ضوابط و مشخصات معینی را در نظر گرفت. در صورتی که کارمند با آن ضوابط و مشخصات کار خود را همتراز و هماهنگ نماید، به حداکثر بازدهی می رسد. در همین راستا مورهد گرفتن (۱۳۷۴، ص ۱۴۰) معتقدند که کارکنان باید بدانند رفتارهای خاص (مانند تلاش زیاد) نتایج معینی (پاداش های دلخواه) را به همراه خواهد داشت. هنگامی که سطح اعتماد بالا رود، کارکنان رفتارهای اضافه تر از نقش شان از خود بروز می دهند.

ج) وابستگی متقابل نظام جذب منابع انسانی



نمودار ۳. متغیرهای مداخله‌گر در نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت

۵-۱-۱-۳- متغیرهای بازدارنده (مداخله‌گر)

متغیرهای مداخله‌گر، شرایطی هستند که کنش‌ها و تعاملات از آن‌ها متأثر می‌شوند. این شرایط مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می‌دهند که مانع اجرای پدیده می‌گردند. با توجه به نتایج کدگذاری، موانع محیطی نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، به «موانع سیاسی» و «موانع اقتصادی» و موانع سازمانی نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، به «موانع ساختاری» و «موانع جو سازمانی» و از موانع فردی آن «موانع ادراکی» اشاره دارد.

همچنین برای مقوله شرایط مداخله‌گر خصوصیات شامل شدت و مدت زمان اثر و منشأ، اهمیت و جنس عامل شناسایی گردید که در جدول زیر آمده است:

الف) محیط سیاسی ناپایدار

با توجه به اینکه فضا و بستر سازمان‌های دولتی ایران، متأثر از سیاست است، و این محیط سیاسی است که تأثیرات اساسی بر روندها و کیفیت اهداف سازمان‌های دولتی می‌گذارد، اجرای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت نیز می‌تواند از این محیط سیاسی تأثیرپذیر باشد. تبعاً هر چه قدر فضای سیاسی دستگاه‌های دولتی پایدارتر باشد،

و ارتباطات درون سازمانی و بازار کار بر فراگرد تحقق عدالت سازمانی تأثیر می‌گذارد (وندی و انجالی، ۲۰۰۳).

وجود سیستم‌های استخدام به صورت دستی، امکان اعمال سلیق و نظرات شخصی دست اندرکاران استخدام را ایجاد می‌کند و اعمال سلیق منجر به انحرافات در روند گزینش صحیح افراد شده و فرایند نظام جذب منابع انسانی را از گردونه عدالت خارج می‌نماید.

و) اندازه سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی ایران

اندازه سازمان متغیر بسیار مهمی است که هم از طریق تأثیر بر ساختار و بافت ارتباطات داخلی و خارجی سازمان و هم از طریق تأثیر بر رویه‌ها و روش‌ها و دامنه شمول قوانین و مقررات، بر تحقق عدالت سازمانی تأثیر دارد. هر چه اندازه سازمان کوچکتر باشد، تعریف عدالت بر حسب تنوع کمتر مشاغل و تعداد کارکنان، ساده‌تر است. هر چه مقدار و تنوع مشاغل، حرفه‌ها، وضعیت‌ها و شرایط در سازمان افزایش می‌یابد، بر مصداق‌ها و موارد قضاوت افزوده می‌شود و تطبیق نظریه عدالت و تعریف پذیرفته شده آن بر این موارد و مصداق‌ها، دشوارتر خواهد شد.

جدول ۱. مقوله شرایط مداخله گر و خصوصیات آن

مقوله	خصوصیات	دامنه های خصوصیت
شرایط مداخله گر	نوع ویژگی	فردی - گروهی - سازمانی
	شدت اثر	کم - متوسط - زیاد
	مدت زمان تاثیرگذاری	کوتاه مدت - میان مدت - بلند مدت
	منشا عامل	داوطلب - مدیر استخدام - دستگاه دولتی - محیط
	اهمیت عامل	کم - متوسط - زیاد
	سطح تغییر پذیری ویژگی	کم - زیاد

اجرای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، متناسب با آن می تواند با افول و صعود همراه باشد.

ب) کمبود منابع

بودجه جذب منابع انسانی باید از یک منبع تجدید پذیر باشد و نه منبع ثابت، تا از کمبود در محدوده های دیگر جلوگیری شود. مدیران نیز نیاز به زمان، منابع انسانی و منابع مادی اضافی دارند تا به برنامه ریزی و اجرای تغییرات در دیگر سیستم های سازمانی بپردازند. ارائه ی منابع مورد نیاز برای پیاده سازی و حفظ برنامه های پرداخت مبتنی بر عملکرد برای رسیدن به موفقیت ضروری است.

ج) سلسله مراتب سازمانی

سیستم جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت باعث می شود سلسله مراتب ها هم سطح شوند و از لحاظ نظری، عملکرد به عامل کلیدی در پیشرفت حرفه ای تبدیل شود. سلسله مراتب مقاوم، ماموریت های مبهم، و برنامه نویسی های متداخل باعث می شود استفاده ی موثر از تیم و تخصیص پاداش در دولت به حداقل برسد.

د) جو سازمانی

جوی که افراد به دنبال رفتارهای تفرقه اندازانه در ارتباطات بین کارمند و مدیر هستند و جوی که مانع از بصیرت مدیریت جهت انجام جذب منابع انسانی دقیق می گردد، از موانع اجرای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت می باشد.

ه) عدم لحاظ امنیت شغلی

حقوق و دستمزدهایی که تحت اجرای نظام نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت ارائه می شوند، بدون امنیت شغلی ارزش چندانی ندارند. به مدیریت پیشنهاد می شود که ضمن توجه به این مهم، در کنار طرح، از مکانیسم های تشویقی دیگر مانند اعطای گروه تشویقی، فوق العاده شغل و طرح های کارانه گروهی استفاده نماید تا شاید امنیت شغلی به تبع آن رضایت شغلی کارکنان فراهم گردد.

۵-۴-۱-۴- نتایج و پیامدها

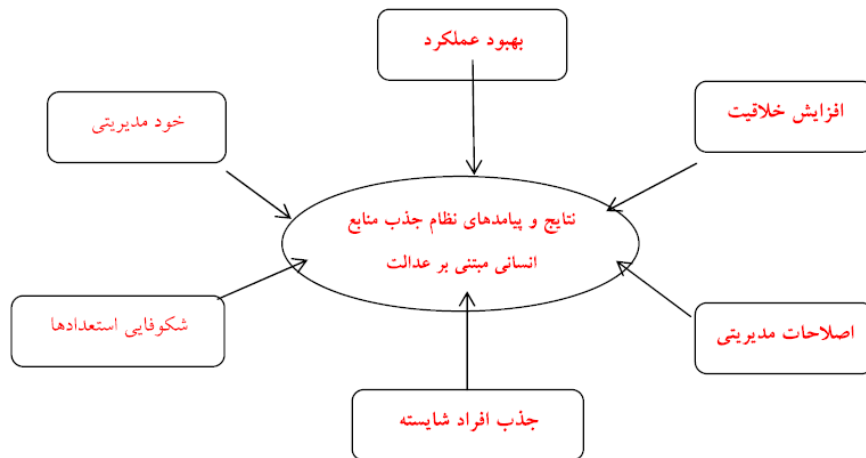
خروجی های حاصل از نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت براساس تحلیل داده ها در شکل زیر نمایش داده شده است.

الف) پرداخت عادلانه

هنگامی که کارمند می بیند اصل برابری و مساوات درباره ی وی مراعات می شود و رابطه معقول بین میزان جذب و عملکرد وجود دارد، وی مطمئن می شود که پرداخت عادلانه صورت گرفته و به کارکنان با عملکرد بالاتر، حقوق بیشتر و به افراد با عملکرد پایین تر حقوق کمتر پرداخت می شود و صرفاً براساس ساعات حضور کارمند حقوق پرداخت نمی گردد و این از نتایج نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت است.

ب) بهبود عملکرد

بهبود عملکرد ناشی از عدالت محوری در استخدام



نمودار ۴. نتایج و پیامدهای نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت

ه) افزایش خلاقیت

نظام‌های پاداش سنتی ضد انگیزشی هستند و خلاقیت کارکنان را شکوفا نمی‌سازند. بلکه آنان را به روزمرگی و عدم پویایی دچار می‌سازند. بدون خلاقیت انسان، مهارت‌های فنی، دانش مبتنی بر تجربه و تعهد حرفه‌ای برای تغییر امکان موفقیت بهبود سازمانی وجود ندارد. اصلاحات به ویژه در مدیریت عمومی جدید و نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت، سبب افزایش خلاقیت کارکنان می‌گردد.

منابع و مآخذ

- آذر، عادل، احمدی، پرویز. سبب، محمد وحید (۱۳۸۹) طراحی مدل انتخاب نیروی انسانی با رویکرد داده کاوی (مورد: استخدام داوطلبان آزمونهای ورودی یک بانک تجاری در ایران). نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۲-۳
- حاجی کریمی، عباسعلی و رنگریز. حسن، (۱۳۷۹) مدیریت منابع انسانی، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، تهران.
- دسلر، گری (۱۳۸۱) مبانی مدیریت منابع انسانی، سید محمد اعرابی و علی پارسائیان (مترجمان)، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، تهران.

را می‌توان در عواملی چون آشنایی بیشتر با شرح وظیفه، دقت در انجام وظیفه، صرف وقت بیشتر و انجام وظایف مطابق شرح شغل، جستجو کرد به اعتقاد تیلور (ذکر شده در پرهیزکار ۱۳۷۵، ص ۴۶) بازده فعالیت‌های کارکنان را تا آن جا که ممکن است بایستی با دادن پول و پاداش مالی جبران نمود.

ج) خود مدیریتی (خود کنترلی، خود ارزیابی، خود اصلاحی)

خودآگاهی افراد نسبت به قوت‌ها و کاستی‌های خود از مزایای فردی نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت می‌باشد که براساس تحلیل مصاحبه‌ها در زمره‌ی ویژگی‌های درونی این طرح قرار گرفت. اکثر خبرگان اذعان کردند نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت به خودآگاهی، خود مدیریتی، خودکنترلی، خود اصلاحی افراد منجر می‌گردد.

د) اصلاحات مدیریتی

نظام جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت باعث می‌شود تا افراد عملکرد خودشان را بهتر ارزیابی کنند، از ضعف‌ها و قوت‌های خودآگاهی یابند و خودشان را بهتر به سازمان معرفی نمایند که در نهایت، در دراز مدت منجر به اصلاحات فرهنگی و اثربخشی و بهبود فرآیندهای مدیریتی در سازمان می‌گردد.

۴. شمس احمر، مهران. فرهی بوزنجانی، برزو و سنجقی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰) بررسی اثر احساس عدالت سازمانی بر رابطه بین رویکرد راهبردی در نظام نگهداری منابع انسانی و تعهد سازمانی کارکنان. دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۹

۵. کریمی، یحیی و الماسی، فردین (۱۳۸۹) ارتقاء، جذب و نگهداری منابع انسانی از وضعیت موجود به مطلوب، خلاصه مقالات همایش انسانی در صنعت نفت.

۶. طهماسبی، رضاقلی پور، آرین. جواهری زاده، ابراهیم (۱۳۹۱) شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی. پژوهش های مدیریت عمومی. سال پنجم. شماره هفدهم. صص ۲۶-۵.

7. Beardwell I., L. Holden, T. Claydon. (2004). Human Resource Management. Harlow: FT/Prentice Hall.

8. Perri, Capell. (2004). Don't Be Blindsided by Recruiters, Questions, CareerJournal.com (March 29, 2004).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

امکان سنجی استفاده از تکنیک‌های متناسب طراحی شهری مشارکتی مبتنی بر بستر و ظرفیت‌های اجتماعی - مکانی (نمونه‌ی موردی بازار نوغان شهر مشهد)

سینارزاقی اصل* - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران.
سمیرا صمدی حسین آباد - کارشناسی ارشد (طراحی شهری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
تهران، تهران، ایران.

تیمور حیدری - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر کرد و دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر
کرد، شهر کرد، ایران.

چکیده

امروزه ضرورت مشارکت شهروندان در بهبود وضعیت شهرها بر کسی پوشیده نیست. اما در حوزه طراحی شهری این ضرورت در بسیاری از موارد نادیده گرفته شده و مطالبات مردم مغفول مانده است. علاوه بر این در اغلب مطالعات انجام شده، استفاده از مشارکت شهروندان در فرآیند طراحی نتوانسته است نتایج چندانی را در عرصه‌ی کاربرد به همراه داشته باشد؛ چرا که این مورد غالباً بی توجه به امکان سنجی صحیح به منظور انتخاب بهینه‌ی ابزارهای مشارکت مردمی صورت می‌گیرد. بازار نوغان مشهد از قدیمی‌ترین بازارهای این شهر است که در طرح نوسازی و بهسازی بافت اطراف حرم امام رضا (ع) واقع شده است. با نگاهی به این طرح می‌توان دریافت که نقش مردم به عنوان مخاطبان اصلی تصمیم‌گیری به درستی تبیین نشده است. این پژوهش با هدف کاربردی به دنبال کاربست شیوه‌ها و فنون طراحی شهری مشارکتی مناسب در فرآیند ساماندهی عرصه‌های همگانی شهری است. از این رو در بستری اجتماعی- مکانی، سعی در انتخاب بهینه‌ی ابزارهای مناسب جهت مشارکت حداکثر مردمی دارد. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش نامه می‌باشد و داده‌های مستخرج از پرسش نامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری تجزیه و تحلیل گردید. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسش نامه با پایایی ۰٫۷۶، میزان حس جمعی افراد در محدوده‌ی بازار نوغان بالا است و تکنیک‌های مناسب جهت تعامل با آن‌ها، تکنیک‌های چاپی نظیر بروشور، بهره‌گیری از افراد تسهیل‌گر اجتماعی، مصاحبه، پرسش نامه، برگزاری جلسات برای تمامی گروه‌های سنی و جنسی و کاربرد شبکه‌های اجتماعی برای گروه سنی جوانان می‌باشد.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، طراحی شهری، طراحی شهری مشارکتی، بازار نوغان

The possibility of using proper techniques of participation urban design based on social context and capacities – location (Case study: Mashhad Noghhan market)

Abstract

Today, needs of public participation in improvement of cities status is not unknown. But in urban design, this requirement in many cases ignored and demands of the people remain missing. As the art of qualifying public spaces, its activities' platform is urban environment and space, given the social, ethnic and historical features of citizens and structural and physical requirements, urban design tends to make the urban space more at the service of the people and in this regard, in addition to the welfare of citizens, meet their emotional and psychological needs. The ultimate goal of urban design is designing to improve people's living environment who live in the city or context. Urban design focused on making places for people is the process of creating a better place for people and this includes the four concepts; urban planning for and about the people, places and valuable urban space, urban design influenced by political forces (laws) and the market economy, urban design as a process. Some urban design and the art of shaping the places design in urban areas know. The main emphasis in urban design issues such as creating a place of interdisciplinary, public areas, group activities, interactive creation and social justice and civil participation. Accordingly, some urban design expression and citizen participation in the public life knows that not only the location but also takes time.

Key words: Public spaces, urban design, participation urban design, Noghhan Market

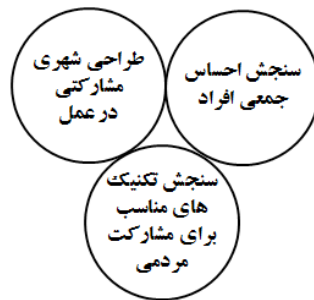
هیچ‌گاه نقش و سهم مردم به عنوان مخاطبان اصلی تصمیم‌گیری، به درستی تبیین و مشخص نشده است و همواره تصمیمات بدون توجه به ویژگی‌ها، توان و خواسته‌های مخاطبان اتخاذ شده است. روند تصمیم‌گیری از بالا به پایین و فاقد شناخت کافی از بستر و ابعاد و اهمیت موضوع بوده است به طوری که در نهایت نتایج غیر قابل‌انتظاری را در پی داشته است و مشارکت مردمی در این طرح بیش‌تر به بعد کمک‌های مالی مردم به شهرداری و یا سازمان‌های مرتبط محدود می‌شود. تدوین نحوه و میزان حضور مردم و به خصوص ساکنان بافت‌ها و فضاهای شهری در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری یک ضرورت است که مستلزم رویکرد نوین به این مقوله می‌باشد. هم‌چنین بایستی با توجه به مطالعات انجام شده توسط محقق اذعان نمود که غالب مطالعات انجام گرفته در شهرسازی مشارکتی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است و کمتر پژوهشی در راستای عملیاتی نمودن مشارکت مردمی در طراحی شهری صورت گرفته است. بنابراین در این پژوهش سعی می‌گردد تا با مطرح نمودن رویکرد عملیاتی نسبت به چگونگی به کارگیری مشارکت مردمی در ساماندهی و طراحی فضاهای شهری، قدمی هر چند کوچک در راستای مطرح نمودن مردم و ساکنان بافت‌ها و نقش بسیار مهم آن‌ها در این حوزه برداشته شود. در واقع این پژوهش درصدد است تا به این سوال اساسی پاسخ دهد که: «با استفاده از کدام تکنیک‌های مشارکتی می‌توان مشارکت افراد در ساماندهی بازار نوغان را تسهیل نمود و نظرات و ایده‌های آنان را در این موضوع به درستی دریافت؟»

۲- مبانی نظری

در عصر حاضر مشارکت نقش مهمی در نظریه و عمل شهرسازی و طراحی شهری دارد. از آنجایی که مفهوم مشارکت، اشکال مختلف تصمیم‌سازی از سوی افراد و یا گروه‌های درگیر را پوشش می‌دهد، زمانی به صورت موثر رخ می‌دهد که بدانیم در

طراحی شهری که به عنوان هنر کیفیت‌بخشی به محیط‌های همگانی، بستر فعالیت‌هایش فضا و محیط شهری است، قصد دارد با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، قومی و تاریخی شهروندان و مقتضیات ساختاری و کالبدی شهر، فضای شهری را هر چه بیش‌تر در خدمت مردم در آورد و از این بابت علاوه بر تامین آسایش و رفاه شهروندان، نیازهای عاطفی و روانی آن‌ها را بر آورده سازد. هدف غایی در طراحی شهری، طراحی برای بهتر شدن محیط زندگی مردمی است که در آن شهر یا بافت زندگی می‌کنند. طراحی مردمی نیز در صورتی محقق می‌شود که زمینه‌ی مشارکت مردم، مسئولین و متخصصین در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم شود. اما متأسفانه در حوزه‌ی طراحی شهری به طور معمول خواسته‌های مردم غایب بوده و بیش‌تر شهروندان حکم ناظر و مشاهده‌گر را در پروژه‌ها دارند و طراحان و برنامه‌ریزان بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات آن‌ها برایشان تصمیم‌گیری می‌کنند (بحرینی، ۱۳۸۹؛ آقایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰).

بنابراین به علت دوری مردم از طراحی‌ها، شهرها تنها تبلور کالبدی از تقاضاهای ظاهری افراد گردیده و به نیازهای آن‌ها پرداخته نمی‌شود (بحرینی، ۱۳۸۹). از این سو واقعیت بکارگیری مشارکت مردمی در فرآیند طراحی شهری امری غیر قابل‌اجتناب به نظر می‌رسد. راسته‌ی نوغان واقع در محله‌ی نوغان و منطقه‌ی ثامن شهرداری مشهد از جمله مهم‌ترین و قدیمی‌ترین بازارهای این شهر محسوب می‌گردد. این راسته در واقع بازار اصلی محله‌ی نوغان بوده و دارای بافت قدیمی و فرسوده است. این بازار و حوزه‌ی بلافصل آن در محدوده‌ی طرح بهسازی و نوسازی بافت حرم مطهر امام رضا (ع) که سند اولیه‌ی آن در سال ۱۳۷۴ به تصویب رسیده است، قرار دارد. نگاهی به طرح تهیه شده برای این بافت و بررسی آن نشان می‌دهد که



نمودار ۱. چارچوب نظری

نظری جهت عملیاتی نمودن فرآیند طراحی شهری مشارکتی، می‌توان مهم‌ترین ارکان متشکله این مفهوم را در نمودار شماره ۱ ملاحظه نمود که در بخش‌های بعدی مقاله به هر یک از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱- طراحی شهری مشارکتی

امروزه ضرورت به کارگیری رویکرد مشارکتی در طراحی شهری بر همگان روشن و مبرهن است. به گونه‌ای که تنها با جستجوی واژه‌ی «طراحی شهری مشارکتی» در سایت گوگل، بیش از هزاران عنوان نمایه‌ی مرتبط ظاهر می‌گردد که نشان از رشد و توسعه‌ی آکادمیک و حرفه‌ای این موضوع دارد. در میان خیل انبوه تعاریف ارائه شده از طراحی شهری نیز تأکیدات ماهوی بر این مفهوم مشاهده می‌گردد که در زیر ارائه می‌شود:

۱. طراحی شهری بر ساخت مکان برای مردم متمرکز است؛ یعنی فرآیند ایجاد مکانی بهتر برای مردم؛ و این تعریف را در چهار مفهوم؛ طراحی شهری برای و درباره‌ی مردم، ارزش و اهمیت مکان و فضای شهری، طراحی شهری تحت تأثیر نیروهای سیاسی (قوانین) و اقتصاد بازار، طراحی شهری به عنوان یک فرآیند، خلاصه می‌کند (Carmona, ۲۰۰۳, p.۳).

۲. طراحی شهری فعالیتی میان رشته‌ای و گروهی و توأمان دربرگیرنده‌ی فرآیند مساله‌گشایی و راه‌حلهایی است که هدفشان سازمان بخشی کالبدی عرصه‌ی عمومی شهر به نحوی است که موجب ارتقای کیفیت عملکردی، زیست محیطی و تجربه‌ی زیبا شناختی مکان‌های شهری گردد (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۵۰).

۳. طراحی شهری فرآیند مشارکتی و چند رشته‌ای است که به قرارگاه‌های فیزیکی سکونت در شهر، روستا و شهرک شکل می‌دهد. برخی طراحی شهری را هنر شکل دادن به مکان؛ طراحی در زمینه‌های شهری می‌دانند. طراحی شهری درگیر با طراحی ساختمان، گروه بنا، مکان و محوطه آرایه و تحقق و فرآیندهایی است که توسعه‌ی موفق را

چه زمانی و در چه کاری نیاز به مداخله‌ی مشارکت کنندگان وجود دارد. با وجود این، در حال حاضر، با رشد روز افزون شهرنشینی فقدان چنین بینشی در سازوکار فرآیند تصمیم‌سازی، اجرا و پایش مداخلات طراحی مشاهده می‌شود. (کاشانی جو، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵)؛ چرا که غالب مشارکت‌های صورت گرفته در غالب دو دسته‌ی تکنیک‌های «مشارکت پرسش نامه‌ای» و «مشارکت تاویلی» رخ می‌دهد. دسته‌ی اول که در بسیاری از طرح‌های توسعه‌ی شهری موسوم گردیده است؛ ناظر بر کسب اطلاعات بسیار گسترده و تا اندازه‌ای فاقد چارچوب مشخص و معین از مردم و ساکنان است. در دسته‌ی دوم نیز طراحی شهری با توجه به پیش زمینه‌ی حرفه‌ای و دانش تجربی خویش و از راه تاویل فردی نسبت به ویژگی‌های مورد نظر کاربران سعی در پاسخ دهی به نیازهای آنان دارد. بنابراین اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های مستدل و عملیاتی نمودن مشارکت در طرح‌های توسعه‌ی شهری را ضروری می‌نماید. در این مقوله سنجش «احساس جمعی» و «تکنیک‌های مناسب برای مشارکت مردمی» اهمیت به سزایی دارد؛ چراکه احساس جمعی یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی جمعی به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده و به عنوان تسریع کننده و کاتالیزور مشارکت در امور مختلف محسوب می‌گردد و جهت بهره‌گیری مناسب از آن در یک جامعه بایستی از تکنیک‌های مشارکتی مناسب استفاده نمود.

با ذکر این مقدمه به منظور دستیابی به مدل

تسهیل می‌سازد (Cowan, 2005, p.416).

به طور کلی از تعاریف ارائه شده‌ی فوق می‌توان نتیجه گرفت؛ تاکید اصلی در طراحی شهری بر موضوعاتی چون خلق مکان، میان رشته‌ای بودن، عرصه‌های عمومی، فعالیت گروهی، ایجاد تعامل و عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندی است. بر همین اساس، برخی طراحی شهری را بیان مشارکت شهروندی و زندگی در عرصه‌ی عمومی می‌دانند که نه تنها مکان بلکه زمان را نیز در بر می‌گیرد (کاشانی جو، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

۲-۲- سنجش احساس جمعی

«احساس جمعی» یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی جمعی به ویژه در نمونه‌های موردی کشورهای در حال توسعه است. در بسیاری از طرح‌های صورت گرفته، این شاخصه به عنوان مبنای شکل‌گیری گروه اجتماعی مشارکت‌کننده در طرح مورد توجه قرار دارد. الگوی نظری «احساس جمعی» که توسط «مک میلان و چاوز» مطرح گردید، مدل اصلی نظری این حوزه به شمار می‌رود. «چاوز» در سال ۱۹۹۰ با ارائه‌ی مقاله‌ای با عنوان «احساس جمعی در محیط شهری: تسریع‌کننده‌ی مشارکت و توسعه‌ی جمعی» به تاثیر احساس جمعی به عنوان یک کاتالیزور برای تشویق مشارکت همسایه‌ها در بلوک‌های همسایگی پرداخت. او در تحقیق مذکور به این نتیجه رسید که میزان مشارکت افراد وابسته به شاخصه‌های احساس جمعی آن‌هاست (اسلامی

و کامل نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷). عوامل تاثیر گذار در احساس جمعی به شرح زیر است:

۱. عضویت: به معنای احساس تعلق و ارتباط داشتن با گروه اجتماعی
۲. تاثیر گذاری: که به میزان اهمیت داشتن در گروه جمعی ارتباط دارد.
۳. یکپارچگی و برآوردن نیازها: به افراد امکان استفاده از دیگران را با حضور در جمع می‌دهد.
۴. ارتباطات حسی مشترک: عقاید، باورها، و موضوعاتی نظیر این به وجود آورنده‌ی ارتباطات حسی مشترک میان اعضا است (اسلامی و کامل نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸).

۳-۲- تکنیک‌های طراحی شهری مشارکتی

استفاده از مشارکت افراد در طراحی، نیازمند روش‌های مختلفی برای ارتباط با آن‌هاست تا از راه ابزارهای مشارکت بتوان اطلاعات مورد نیاز را به دست آورد و رابطه‌ی میان متخصص و کاربر را ایجاد کرد (اسلامی و کامل نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). تکنیک‌های طراحی شهری ابزارهایی هستند که می‌توانند در مرحله‌ی مناسب (در طراحی یا فرآیند برنامه ریزی پروژه‌ها) برای تسهیل در کیفیت نتایج، اعمال شوند. این ابزارها می‌توانند به درک بافت شهری، تشویق جوامع به مشارکت، افزایش درک نسبت به موضوعات طراحی شهری، توصیف نتایج طراحی در نظر گرفته شده، آغاز فرآیندهای طراحی و سازماندهی مردم و منابع کمک کند. ابزارها

جدول ۱. فاکتورهای ارزیابی عناصر احساس جمعی

احساس جمعی (Sense of Community)				فاکتورهای ارزیابی
پیوند حسی مشترک	یکپارچگی و برآوردن نیازها	تاثیر گذاری	عضویت	
- ارتباط با اعضا - حساب‌گیری - افتخار به عضویت - روح مشترک	- داخل جمع بودن - رقابت در گروه - ارزش‌های مشترک	- تاثیرگذاری و تاثیر پذیری	- محدوده مشترک - ایمنی و آسایش - احساس تعلق و هویت - حساب‌دهی فردی - سیستم نشانه‌ای - مشترک	

جدول ۲. انواع تکنیک‌های طراحی شهری مشارکتی رایج در طرح‌های توسعه شهری

ردیف	تکنیک‌های طراحی شهری مشارکتی	ماخذ
۱	تبلیغات چاپی: نظیر تبلیغات پولی در روزنامه‌ها و مجلات	انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹)
۲	ابزارها و تکنیک‌های اطلاع‌رسانی چاپی: مانند خبرنامه، بروشور، گزارش‌های پیشرفت کار و....	انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹)
۳	انواع تکنیک‌های کامپیوتر محور	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹
۴	تلویزیون: ارائه‌ی اطلاعات از طریق برنامه‌های تلویزیون	انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹)
۵	بهره‌گیری از افراد تسهیل‌گر اجتماعی	انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - به کمک طراحی ۲۰۰۰
۶	انواع تکنیک‌های مصاحبه	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - بصیری مؤدهی و رجیبی، ۱۳۸۸
۷	انواع جلسات	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - بصیری مؤدهی و رجیبی، ۱۳۸۸ - به کمک طراحی ۲۰۰۰
۸	انواع تکنیک‌های نظرسنجی	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹
۹	انواع تکنیک‌های طوفان ذهنی	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹)
۱۰	انواع کارگاه	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - بصیری مؤدهی و رجیبی، ۱۳۸۸ - به کمک طراحی ۲۰۰۰
۱۱	مسابقات طراحی	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - بصیری مؤدهی و رجیبی، ۱۳۸۸ - به کمک طراحی ۲۰۰۰
۱۲	مکان‌سنجی	گلکار ۱۳۸۴
۱۳	نقاشی و طراحی	- اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹
۱۴	بازی	- اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - به کمک طراحی ۲۰۰۰
۱۵	ماکت و شبیه‌سازی	- انجمن مشارکت مردمی (به نقل از: برک پور و شرفی، ۱۳۸۹) - اسلامی و کامل نیا، ۱۳۸۹ - بصیری مؤدهی و رجیبی، ۱۳۸۸ - به کمک طراحی ۲۰۰۰

می‌توانند به صورت فردی یا گروهی در دست‌یابی به نتایج با کیفیت در طراحی شهری استفاده شوند.

۲-۴- فرآیند طراحی شهری مشارکتی

نقش انکارناپذیر مردم در حل مسائل و مشکلات جامعه‌ی شهری، موضوع مشارکت شهروندان را به ضرورتی آشکار در برنامه ریزی و طراحی شهری تبدیل کرده است. مشارکت در حوزه‌ی شهرسازی و طراحی شهری، فرآیندی است که عموم مردم را در ارتباط با تغییرات شهر دخیل می‌نماید و ابزاری است که به وسیله‌ی آن اعضای جامعه قادر به شرکت کردن و تدوین سیاست‌ها و طرح‌هایی می‌گردند که بر روی محیط زندگی آن‌ها تاثیر می‌گذارند. مشارکت در سطوح و الگوهای گوناگونی توسط صاحب نظران این حوزه دسته بندی شده است که در هر یک از این طبقات میزان مشارکت افراد متفاوت است. تحقق مشارکت در طرح‌های شهری در شرایط گوناگون محیطی- اجتماعی و اقتصادی نیازمند به کارگیری سطوح و تکنیک‌های گوناگونی است و مهم‌ترین وظیفه‌ی یک طراح و برنامه ریز شهری در هدایت مشارکت عمومی در یک طرح شهری، انتخاب شیوه‌های مناسب و اجرای آن با توجه به شرایط فرهنگی و بسترهای ایجاد شده است. بدین منظور می‌توان این‌گونه دریافت که بایستی قبل از داخل کردن افراد در امر مشارکت، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان و محدوده‌ی مورد بررسی از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد تا بتوان بهترین شیوه جهت انجام کار مشارکتی تعیین گردد. می‌توان این‌گونه بیان نمود که ظرفیت سنجی از مهم‌ترین مسائل در به کارگیری مشارکت افراد است. بنابراین چنانچه مراحل فرآیند پیشنهادی طراحی شهری، در کتاب فرآیند طراحی شهری سید حسین بحرینی (۱۳۷۶) را به عنوان پایه قرار دهیم می‌توان مراحل طراحی شهری مشارکتی را به صورت زیر پیشنهاد داد:

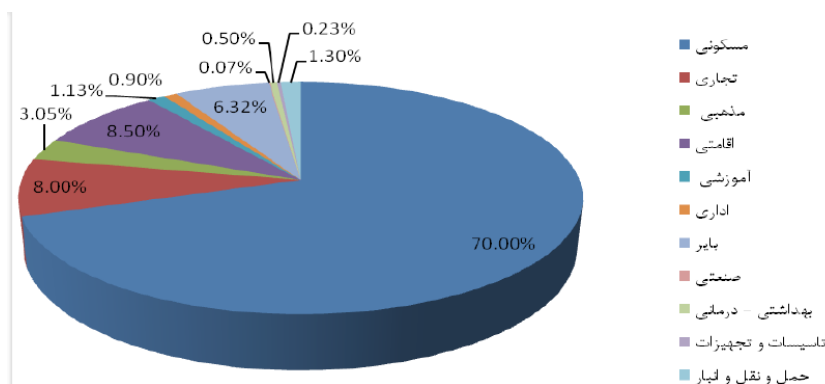
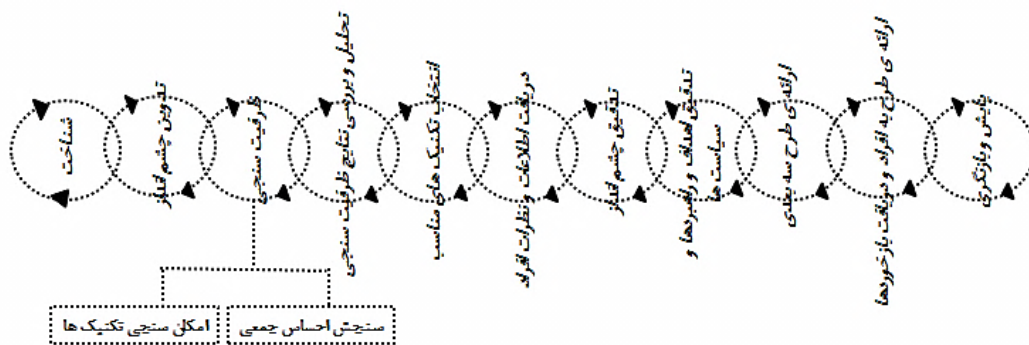
به دلیل ماهیت موضوع، هر مرحله و داده‌های به دست آمده از آن‌ها هر لحظه در معرض آزمایش و

یا داده‌های بعدی قرار دارد و یا به عبارتی دیگر مراحل این پژوهش به صورت چرخشی هستند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با هدف کاربردی و با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات با ابزار پرسش‌نامه و برداشت‌های میدانی انجام شده و داده‌های حاصل از این بخش توسط نرم افزار SPSS-۲۰ و با کمک آزمون‌های آماری گاما و دی سامرز و رتبه بندی فریدمن تجزیه و تحلیل‌گردیده است. در پژوهش حاضر جامعه‌ی هدف، کسبه و ساکنین بافت نوغان هستند. چرا که این افراد بیشترین میزان تاثیرگذاری را در این بافت دارند. در خصوص نمونه‌ی مطالعاتی بر اساس فرمول محاسباتی کوکران و با ضریب خطای ۰,۰۵ درصد، نمونه‌ی مطالعاتی ۳۸۴ نفر تعیین شد که پرسش‌نامه‌ها بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی در میان نمونه‌ی مطالعاتی توزیع گردید. لازم به ذکر است ابتدا ۵۰ پرسش‌نامه به عنوان پایلوت در بین جامعه‌ی هدف توزیع گردید و پس از انجام اصلاحات، در نهایت در میان گروه هدف توزیع شد. در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش و روایی پرسش‌نامه‌ها از روش ارجاع آن به اساتید و کارشناسان صاحب نظر استفاده شده است. پایایی سوالات پرسش‌نامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین گردید. مقدار آلفای محاسبه شده در این پژوهش ۰,۷۶۱ است. پرسش‌نامه‌ی تحقیق با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای و در چهار بخش طراحی شده است:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی پرسش‌شوندگان؛
 ۲. میزان احساس جمعی پرسش‌شوندگان؛
 ۳. بررسی و شناخت تکنیک‌های مناسب؛ و
 ۴. سوالات پاسخ‌باز در مورد معرفی تسهیل‌گران اجتماعی و معرفی فضای گردهمایی در بازار.
۴. معرفی نمونه‌ی موردی (بازار نوغان)
راسته‌ی نوغان واقع در محله‌ی نوغان و در قطاع ۲ طرح نوسازی و بهسازی پیرامون حرم مطهر امام



نمودار ۳. کاربری‌ها در محدوده‌ی قطاع ۲؛ ماخذ: مهندسیین مشاور مهان، ۱۳۹۰.

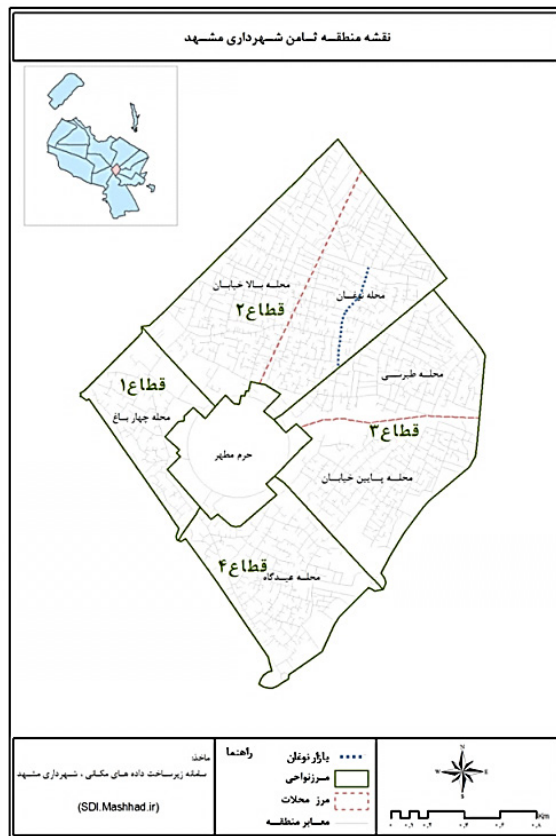
می‌آورند و این موضوع سال‌هاست که در این بافت جریان دارد (مهندسیین مشاور مهان، ۱۳۹۰). کاربری‌های قطاع ۲ طرح نوسازی و بهسازی به صورت نمودار زیر است:

۵. یافته‌ها و بحث

۵.۱. بررسی ویژگی‌های فردی پرسش‌شوندگان

۳۲٫۷٪ از پرسش‌شوندگان در گروه سنی ۳۰ - ۱۰ سال (جوانان)، ۴۶٫۳٪ در گروه سنی ۶۰ - ۳۱ سال (میانسالان) و ۲۱٪ در گروه سنی ۶۰ سال به بالا (کهنسالان) قرار داشته‌اند. در بررسی میزان تحصیلات زیر دیپلم دارای بیشترین درصد، ۵۶٫۱٪ می‌باشد. بعد از آن میزان تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم با ۳۴٫۲۸٪ بالاترین میزان را در بین پرسش‌شوندگان دارد. افراد بدون سواد ۶٫۵٪ و لیسانس

رضا (ع) واقع شده است. این راسته در واقع بازار اصلی این محله بوده که در جهت شمالی جنوبی قرار داشته و کوچه‌هایی از آن منشعب می‌باشد. این بازار از شمال به خیابان آیت‌ا. کاشانی و از جنوب به میدان و خیابان طبرسی محدود است. نرخ رشد در این محدوده منفی است که بیان‌گر مهاجرت گسترده‌ی ساکنین قطاع به سایر مناطق شهر است. در این حوزه اکثر ساکنین درآمد خود را از طریق اجاره‌ی منزل به زائرین و زندگی خود در یکاتاقکسب می‌کنند. هم‌چنین بسیاری از زائرین کم درآمد که مخاطبین این محدوده هستند توانایی کرایه‌ی اتاقدر هتل‌ها و حتی مهمان پذیرهای اطراف حرم را ندارند، لذا به خانه‌های زواری که با هزینه‌ی اندکی‌توانند در آن اتراق کنند روی



تصویر ۳. جایگاه بازار نوغان در بافت مرکزی شهر مشهد

برای ارزیابی این پرسش‌ها بازه‌های ۵ تایی در نظر گرفته شد. در این بازه عدد ۵ بیش‌ترین میزان تمایل و یا استفاده را نشان می‌دهد و عدد ۱ کم‌ترین این میزان را نشان می‌دهد. طبقه بندی گویه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که: گویه‌های ۱ (رابطه با دوستان، همکاران، هم‌محلّه‌ای‌ها)، ۲ (نزدیکی با هم)، ۳ (مشورت کردن)، ۶ (شرکت کردن در گروه‌های مختلف) مربوط به شاخصه‌هایی است که روابط فردی-اجتماعی میان افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد. چهار فاکتور فوق در ارتباط با میزان تعامل و ارتباط جمعی افراد است. گویه‌ی ۵ (برآوردن نیازها) به نحوه‌ی انتظارات و خواست‌های افراد از هم مربوط می‌شود و نوع برداشت افراد در جامعه‌ی مورد مطالعه را از هم و در ارتباط با هم می‌سنجد. گویه‌ی ۴ (ارتقای کیفیت) به نحوه‌ی

فوق لیسانس ۳،۱۲٪ و بالاتر از فوق لیسانس ۰٪ پرسش شوندگان را شامل می‌شوند. ۶٪ از پرسش شوندگان زیر ۱ سال، ۱۲٪، ۵-۱ سال، ۱۹٪، ۱۰-۵ سال و ۶۳٪ بالاتر از ۱۰ سال در نوغان سکونت دارند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیش‌ترین فراوانی به افرادی که بیش‌تر از ۱۰ سال است که در محلّه زندگی و یا کار می‌کنند اختصاص یافته است.

۲،۵. بررسی میزان احساس جمعی

در این بخش از پرسش نامه میزان «احساس جمعی» افراد در محدوده‌ی بازار نوغان به عنوان پرسش کلی مطرح می‌گردد. بررسی این موضوع در قالب بررسی زیر معیارهای (میزان ارتباط، حس نزدیکی با افراد، مشورت کردن، شرکت کردن در گروه‌های مختلف، برآوردن نیازها و ارتقای کیفیت) انجام گرفته است.

جدول ۳. توزیع فراوانی معیارها در بررسی احساس جمعی

احساس جمعی											
شاخص‌ها		۱: خیلی کم		۲: کم		۳: متوسط		۴: زیاد		۵: خیلی زیاد	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ارتباط با هم	۳۱	۸,۱%	۲۵	۶,۵%	۱۰۵	۲۷,۳%	۱۰۰	۲۶%	۱۲۴	۳۲,۲%	
حس نزدیکی با افراد	۳۹	۱۰,۱%	۶۲	۱۶,۱%	۱۰۰	۲۶%	۱۲۳	۳۱,۹%	۶۱	۱۵,۸%	
مشورت کردن	۶۸	۱۷,۷%	۸۹	۲۳,۱%	۱۰۶	۲۷,۵%	۱۱۰	۲۸,۶%	۱۲	۳,۱%	
ارتقای کیفیت	۰	۰%	۲۰	۵,۲%	۲۲۳	۵۷,۹%	۶۱	۱۵,۸%	۸۱	۲۱%	
برآوردن نیازها	۰	۰%	۶۴	۱۶,۶%	۱۵۹	۴۱,۳%	۱۵۲	۳۹,۵%	۱۰	۲,۶%	
شرکت در گروه‌های مختلف	۳۵	۹,۱%	۶۳	۱۶,۴%	۱۰۱	۲۶,۲%	۱۰۴	۲۷%	۸۲	۲۱,۳%	

جدول ۴. شاخص‌های پراکنده‌گی در معیارهای احساس جمعی

شاخص‌ها	میانگین	انحراف از معیار	میان	مد
ارتباط با هم	۳,۶۸	۱,۴۷۹	۴	۵
حس نزدیکی با افراد	۳,۲۷	۱,۴۴۹	۳	۴
مشورت کردن	۲,۷۶	۱,۲۹۶	۳	۴
ارتقای کیفیت	۳,۵۳	۰,۷۷۶	۳	۳
برآوردن نیازها	۳,۲۸	۰,۵۸۸	۳	۳
شرکت در گروه‌های مختلف	۳,۳۵	۱,۵۳۰	۳	۴

جدول ۵. اولویت بندی معیارهای احساس جمعی

شاخص‌ها	میانگین رتبه	رتبه
ارتباط با هم	۴,۲۸	۱
حس نزدیکی با افراد	۳,۴۸	۴
مشورت کردن	۲,۴۹	۶
ارتقای کیفیت	۳,۶۷	۳
برآوردن نیازها	۳,۳۷	۵
شرکت در گروه‌های مختلف	۳,۷۲	۲

نمود تاثیر شاخص‌های جمعی در ارتباط با محیط کالبدی می‌پردازد. براساس آنچه در جدول ۴ آمده است، «میزان ارتباط افراد با هم»، «ارتقای کیفیت محیط»، «شرکت در گروه‌های مختلف» از میان شاخص‌های دیگر دارای میانگین بیشتری است که این نتایج با در نظر گرفتن روابط قوی میان مردم این بخش از شهر، قدیمی بودن محله و علاقه و حس تعلق بالا به آن مبرهن است. بررسی

انحراف از معیار این شاخص‌ها هم نشان می‌دهد که شاخص «ارتقای کیفیت» نسبت به دو شاخص بالا انحراف معیار کم‌تری دارد. بررسی مقدار میانه نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ پرسش شونده‌گان «میزان ارتباط با هم» را زیاد ارزیابی کرده‌اند. مد شاخصه‌های بررسی شده در احساس جمعی هم در «ارتباط افراد با هم»، بسیار زیاد- «حس نزدیکی با افراد»، زیاد- «مشورت کردن» زیاد- «ارتقای کیفیت» و «برآوردن نیازها» متوسط و «شرکت در گروه‌های مختلف» زیاد می‌باشد. در جدول ۵ شاخص‌های احساس جمعی توسط آزمون فریدمن «آزمونی جهت اولویت بندی و رتبه بندی متغیرها بر اساس بیش‌ترین تاثیر بر متغیر وابسته» رتبه بندی گردیده‌اند. همان گونه که مشاهده می‌شود «ارتباط افراد با هم» رتبه‌ی نخست و «مشورت کردن» آخرین رتبه را کسب کرده است.

۳.۵. بررسی و شناخت تکنیک‌های مناسب مشارکتی

استفاده از مشارکت افراد در طراحی نیازمند روش‌های مختلف برای ارتباط با آن‌هاست تا از راه استفاده از ابزارهای مشارکت بتوان اطلاعات مورد نیاز را به دست آورد و رابطه‌ی متناسب میان متخصص و کاربر ایجاد نمود. امکان استفاده از هر یک از این تکنیک‌ها با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردم و مکان مورد نظر متفاوت است بنابراین در این بخش از پرسش نامه به بررسی «تکنیک‌های مشارکتی مناسب» در محدوده‌ی بازار نوغان پرداخته می‌شود. گویه‌ی ۷ (امکان استفاده از روزنامه و مجله جهت تبلیغات چاپی در آن‌ها)، گویه‌ی ۸ (امکان استفاده از تکنیک مسابقه)، گویه‌ی ۹ (مصاحبه)، گویه‌ی ۱۰ (استفاده از شبکه‌های اجتماعی در طول فرآیند طراحی)، گویه‌ی ۱۱ (امکان استفاده از پیامک) و گویه‌ی ۱۲ (تمایل به پاسخگویی پرسش نامه) را مورد سنجش قرار می‌دهند. در گویه‌ی ۱۳ امکان استفاده از مسجد جهت انجام امور مشارکتی بررسی شده است. در گویه‌ی ۱۴ (استفاده از

شبکه‌های استانی جهت انجام تبلیغات مشارکتی) و گویه‌ی ۱۵ (تمایل به برگزاری جلسات) بررسی گردیده است. براساس آن چه در جدول ۷ آمده است، «تمایل به گفت و گوی مستقیم و مصاحبه»، «مراجعه به مساجد»، «تمایل به شرکت جلسات» از میان شاخص‌های دیگر دارای میانگین بیش‌تری است. بررسی انحراف از معیار این شاخص‌ها هم نشان می‌دهد که شاخص «مصاحبه» نسبت به دو شاخص بالا انحراف معیار کم‌تری دارد. این نتایج به علت مذهبی بودن بالای مردم این منطقه و هبستگی اجتماعی و روابط قوی میان افراد به دست آمده است و این گونه به نظر می‌رسد که به علت زواری بودن و شلوغی منطقه و صرف زمان کم‌تر در تکنیک مصاحبه و داشتن روابط نزدیک تر و غیر رسمی بودن آن مردم به تکنیک مصاحبه امتیاز بیش‌تری داده‌اند. بررسی مقدار میانه نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ پرسش شونده‌گان «میزان مراجعه به مسجد» را زیاد ارزیابی کرده‌اند. مد شاخصه‌های بررسی شده در «استفاده از روزنامه‌ها و مجلات»، «تمایل به شرکت در مسابقات»، «تمایل به پاسخ گویی از طریق پیامک» خیلی کم- «تمایل به گفت و گوی مستقیم و مصاحبه»، «استفاده از شبکه‌های اجتماعی»، «تمایل به پاسخ گویی به پرسش نامه»، «استفاده از شبکه‌های استانی»، «تمایل به شرکت در جلسات» متوسط می‌باشد. مد در شاخص «مراجعه به مساجد» زیاد ارزیابی شده است.

در جدول ۸ اولویت بندی اجرای تکنیک‌ها توسط آزمون فریدمن ارائه گردیده است. همان گونه که مشاهده می‌شود میزان مراجعه به مساجد رتبه‌ی نخست، انجام مصاحبه رتبه‌ی دوم را کسب کرده است. با بررسی روابط میان متغیرها می‌توان به وجود رابطه میان سن و میزان دسترسی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان پرسش شونده‌گان اشاره نمود. جدول ۹ توزیع فراوانی میزان دسترسی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی پرسش شونده‌گان بر اساس سن آن‌ها را نمایش می‌دهد. جدول

جدول ۶. توزیع فراوانی معیارها در بررسی تکنیک‌های مناسب

ابزار شناسی										
شاخص‌ها	۱: خیلی کم		۲: کم		۳: متوسط		۴: زیاد		۵: خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
استفاده از روزنامه‌ها و مجلات	۱۲۲	%۳۱,۷	۶۱	%۱۵,۸	۱۰۲	%۲۶,۵	۶۰	%۱۵,۶	۴۰	%۱۰,۴
تمایل به شرکت در مسابقات	۲۲۲	%۵۷,۷	۶۲	%۱۶,۱	۶۱	%۱۵,۸	۲۰	%۵,۲	۲۰	%۵,۲
تمایل به گفت و گوی مستقیم و مصاحبه	۲۰	%۵,۲	۴۰	%۱۰,۴	۱۴۲	%۳۶,۹	۱۰۳	%۲۶,۸	۸۰	%۲۰,۸
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۹۷	%۲۵,۲	۶۶	%۱۷,۱	۱۲۰	%۳۱,۲	۶۵	%۱۶,۹	۳۷	%۹,۶
تمایل به پاسخگویی از طریق پیامک	۱۴۳	%۳۷,۱	۶۰	%۱۵,۶	۸۲	%۲۱,۳	۴۰	%۱۰,۴	۶۰	%۱۵,۶
تمایل به پاسخگویی به پرسش نامه	۸۱	%۲۱	۸۲	%۲۱,۳	۱۴۱	%۳۶,۶	۲۱	%۵,۵	۶۰	%۱۵,۶
میزان مراجعه به مساجد	۲۰	%۵,۲	۲۰	%۵,۲	۸۱	%۲۱	۱۴۰	%۳۶,۴	۱۲۴	%۳۲,۲
استفاده از شبکه‌های استانی	۱۰۳	%۲۶,۸	۵۲	%۱۳,۵	۱۵۷	%۴۰,۸	۳۵	%۹,۱	۳۸	%۹,۹
تمایل به شرکت در جلسات	۶۶	%۱۷,۱	۹۰	%۲۳,۴	۱۱۲	%۲۹,۱	۷۹	%۲۰,۵	۳۸	%۹,۹

جدول ۱۰. رابطه میان سن پرسش شوندگان و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

سطح معناداری	میزان	آزمون
.۰۰۰	-۰,۷۰۱	Gamma
.۰۰۰	-۰,۵۲۸	Somers' d

است. در نتیجه می‌توان این گونه استنباط نمود که جوانان در محدوده‌ی نوغان استفاده‌ی بیشتری از شبکه‌های اجتماعی می‌نمایند بنابراین استفاده از این شبکه‌ها در مراحل مختلف طرح می‌تواند از تکنیک‌های مورد استفاده برای جوانان باشد.

۴,۵. تسهیل‌گران اجتماعی و فضای همگانی

در معرفی تسهیل‌گران اجتماعی، به علت قدمت بازار افراد مختلفی توسط پرسش شوندگان معرفی گردید که برای امور مرتبط در طی طرح می‌توان از

۱۰ آزمون‌های آماری گاما و دی سامرز در مورد رابطه میان متغیرهای سن و دسترسی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، میان این دو متغیر رابطه‌ی معنادار معکوسی وجود دارد و شدت این رابطه بر اساس آزمون دی سامرز $-۰,۵۲۸$ و بر اساس آزمون گاما $-۰,۷۰۱$ است. بنابراین با احتمال ۹۹% می‌توان گفت که هر چه سن افراد بالاتر باشد میزان استفاده و تمایل آن‌ها به استفاده از شبکه‌های اجتماعی کم‌تر

جدول ۱۱. تکنیک های مناسب مشارکتی در محدوده بازار نوغان

توضیحات	کارا	ناکارا	تکنیک های مشارکتی
در بررسی سواد مردم محدوده بازار نوغان، درصد بسیار پایینی (۶,۵٪) قادر به خواندن و نوشتن نیستند بنابراین استفاده از تکنیک های چاپی نظیر بروشور، پوستر و... امکان پذیر است.	•		تبلیغات چاپی مانند پوستر، بروشور و ...
بیشترین استفاده ی مردم نوغان از روزنامه های قدس و خراسان بوده بنابراین برای تبلیغات امور مشارکتی می توان از این دو روزنامه استفاده نمود اما میزان استفاده ی مردم از روزنامه ها و مجلات پایین است.	•		تبلیغات در روزنامه ها و مجلات
میزان علاقه ی مردم نوغان به شرکت در مسابقات امور شهری بسیار پایین است.	•		مسابقات امور شهری
استفاده از تکنیک های ICT نظیر استفاده از پست الکترونیک، نظر سنجی کامپیوتری، استفاده از شبکه و ... به دلیل اطلاعات کم مردم در رابطه با موارد فوق در محدوده ی نوغان و وجود افراد با سنین بالا امکان پذیر نیست.	•		تکنیک های کامپیوتر محور
جوانان محدوده دسترسی و ارتباط بیشتری با شبکه های اجتماعی داشته پس برای این گروه کاربست این ابزار می تواند مفید واقع گردد.	•		گروه های اجتماعی اینترنتی نظیر تلگرام و...
علاقه به پاسخ به سوالات از طریق پیامک بسیار کم است.	•		پیامک
میزان استفاده ی مردم از تلویزیون بالاست اما شبکه های استانی صدا و سیما مورد استقبال درصد بالایی نیست پس تبلیغات طرح مشارکتی در شبکه های استانی نمی تواند افراد زیادی را در بر گیرد.	•		تبلیغات در تلویزیون و رادیو
افرادی که دانش و اطلاعات محلی دارند و مردم برایشان احترام ویژه ای قائل اند به دلیل قدمت بالای بازار متعددند. پس می توان از این افراد به عنوان تسهیل گران در طی فرآیند طراحی استفاده نمود.	•		تسهیل گران اجتماعی
علاقه به روابط مستقیم و چهره به چهره در این منطقه زیاد است. مردم به این نکته اشاره دارند به دلیل شلوغی و زواری بودن بازار و کمبود وقت، استفاده از تکنیک هایی که زمان کمتری می گیرند، مناسب تر است.	•		مصاحبه و پرسش نامه
همبستگی اجتماعی قوی در محدوده بازار وجود دارد و مردم محدوده مراجعات زیادی به مساجد بازار جهت انجام فریضه ی نماز جماعت دارند.	•		برگزاری جلسات در مساجد بازار

کمک هر یک از این افراد بهره برد. در معرفی محل گردهمایی افراد در بازار، همه‌ی پرسش‌شوندگان بر این موضوع اذعان نمودند که به جز مساجد بازار و حسینیه‌ها، محل خاصی جهت این عمل وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نقش مردم در فرآیند طراحی شهری را نایستی نادیده گرفت زیرا که مردمی که در آن منطقه زندگی، کار و یا فعالیت می‌نمایند در جهت امر طراحی فضا می‌توانند به عنوان بهترین راهنما عمل نمایند. بهره‌گیری از نقش مردم در فرآیند طراحی شهری مستلزم استفاده از تکنیک‌های طراحی شهری مناسب با بستر اجتماعی و فضایی آن فضا در طول فرآیند است. در پژوهش حاضر ابتدا میزان حس جمعی افراد در محدوده‌ی بازار نوغان ارزیابی گردید که با توجه به شاخصه‌های ذکر شده این عامل در این محدوده در سطح بالایی قرار دارد بنابراین پتانسیل مناسب برای انجام امور مشارکتی و دخیل کردن ساکنان و سایر مردم در امر طراحی مشارکتی وجود داشته و بایستی جهت بهره‌گیری درست از آن از تکنیک‌های مناسب با ویژگی‌های جامعه استفاده نمود. با بررسی داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها و برداشت‌های میدانی، تکنیک‌های مورد بررسی را می‌توان از نظر کارا بودن و کارا نبودن در محدوده‌ی بازار در جدول زیر خلاصه نمود:

منابع و ماخذ

- اسلامی، غلام رضا، و کامل نیا، حامد (۱۳۹۲) معماری جمعی از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آقای، معصومه، رضانی پور، عابد، احدی، کاظم و عبدی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی ضرورت‌های - طراحی سامانه‌ی جامع فرهنگی- اجتماعی محله، هم راستا با اهداف طرح امنیت اجتماعی محله محور. نشریه پیاپی، ۱۹، ۱۲۹-۱۶۲
- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۶). فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- شرکت محققان همراه اندیشه مهان (۱۳۹۰) شناخت جامع، تحلیل و ارزیابی و ارائه‌ی راهبردهای پیشنهادی جهت اجرای طرح مصوب قطاع دو. شهرداری مشهد

- شرفی، مرجان، رشیدی فر، فاطمه، و برک پور، ناصر (۱۳۸۸) مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله امیرآباد- گل‌ها. دو فصل نامه دانشگاه هنر، ۲.

- شرفی، مرجان، و برکپور، ناصر (۱۳۸۹). گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت، دو فصل نامه دانشگاه هنر، ۴.

- کاشانی جو، خشایار (۱۳۹۲). آشنایی با طراحی شهری: از مبانی دانش تا نگرش‌های نوین. تهران: هنر معماری قرن

- کامل نیا، حامد، و حقیر، سعید (۱۳۸۸). الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: شهر دوستدار کودک بیم). باغ نظر، ۱۲.

- کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان (۱۳۸۸) به کمک طراحی، طراحی شهری در نظام برنامه ریزی: به سوی تجربه‌ای بهتر. ترجمه رضا بصیری مزدهی و علیرضا دانش. تهران: طحان.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۴) سنجش مکان در طراحی شهری: درآمدی بر تکنیک مکان سنجی (place check). نشریه علمی- پژوهشی صفا، ۴۰.

- گلکار، کورش (۱۳۷۸) کندکاوی در تعریف طراحی شهری. تهران: موسسه‌ی فرهنگی هنری ثمین
- ری گیندرز و همکاران (۱۳۸۸) راهنمای طراحی شهری، تکنیک‌ها و روش‌های عملی. ترجمه رضا بصیری مزدهی و ژاله رجبی. تهران: طحان.

- Cowan, R. (2005). The Dictionary of Urbanism. Streetwise Press.

- Carmona, M. (2003). Public Places Urban Spaces. Amsterdam & Others, Architectural Press.

- Sanoff, H. (2000). community participation methods in design and planning. Wiley & Sons, Inc.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

■ ۷۴ ■

تقابل مقررات شهری و قوانین سرمایه گذاری در زمینه حمایت از مالکیت؛ چالشی در راستای جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران

منوچهر توسلی نائینی* - استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رضا نصوحیان - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Municipal regulations and laws opposed to investing in property protection; the challenge to attract foreign investment in Iran

Abstract

Clarification of the legal status and legal property ownership rights and paving the way for elimination of defects and complete the existing rules and thus expanding economic security, and determine and explain the limits of expropriation by the government legitimate religious expression and religious permissibility of such action by the government and makes clear the objectives of the political system because they ignored the privacy of personal property; And the dispossession of them. Cases, which the Iranian legal system is essential; Garlic legislation in the laws and regulations related to the implementation of public projects and urban deprivation and confinement of persons under the rules and principles of equity. Public law and government entities that prefer equity; There is no doubt that the need to reach the goals that involve the public interest and social interests tried provider. Islam as a major source of nutrition Iranian law, respect for private property has been emphasized. It is recommended that legislators in the drafting of such provisions, special attention and consideration to the rights of persons show. The current state laws and regulations in the field of urban deprivation and restriction of property rights of urban land by the government is not satisfied. And the safeguards necessary to protect the property rights of individuals not cause. Foreign Investment Promotion and Protection Act, enacted in 1381 as the main law governing foreign investment in Iran in Article 9 of the ownership of foreign investors coming in to support. And contrary to the laws and regulations of the city of expropriation and nationalization of alcohol is placed. And it would be an important factor to attract and encourage foreign investment to be considered. It can be concluded in total foreign investment law closer to international standards have been developed.

Key words: municipal laws and regulations, ownership, expropriation, nationalization, foreign investors, effective and adequate compensation.

چکیده

شفاف سازی جایگاه حقوقی و شرعی مالکیت و حقوق مالکانه و بستر سازی برای رفع نقص و تکمیل قوانین موجود و در نتیجه، گسترش امنیت اقتصادی، و نیز تعیین تبیین محدوده های مجاز سلب مالکیت توسط دولت مشروع دینی و بیان شرعی جواز چنین اقدامی از سوی حکومت اسلامی و روشن ساختن اهدافی که سبب می شود نظام سیاسی حریم مالکیت اشخاص را به خاطر آنها نادیده گرفته و از آنها سلب مالکیت نماید؛ مواردی است که بررسی آن در نظام حقوقی ایران ضروری است. سیر قانونگذاری در تدوین قوانین و مقررات شهری مربوط به نحوه اجرای طرح های عمومی و سلب و تحدید حقوق مالکانه اشخاص، بیشتر تحت تأثیر قواعد و اصولی بوده که حقوق عمومی و دولت بر حقوق مالکانه اشخاص ترجیح می دهند؛ تردیدی نیست که باید برای رسیدن به اهدافی که متضمن منافع عمومی و تأمین کننده مصالح اجتماعی است، تلاش کرد؛ اما اینکه اشخاص و افراد در این مسیر، چه هزینه هایی باید پرداخت کنند و تا چه میزان باید از آزادی ها و مالکیت خصوصی بگذرند مهم و درخور توجه است. در دین اسلام به عنوان یکی از منابع اصلی تغذیه حقوق موضوعه ایران، بر احترام به مالکیت خصوصی تأکید گردیده است. از این روی، شایسته است که مقنن در تدوین این قبیل مقررات، توجه و التفات ویژه به حقوق اشخاص نشان دهد. وضعیت فعلی قوانین و مقررات شهری در زمینه سلب و تحدید حقوق مالکیت اراضی شهری توسط دولت راضی کننده نیست و تضمینات لازم را برای حفظ حقوق مالکانه اشخاص، ایجاد نمی کند. با این اوصاف بهتر است قوانین فعلی اصلاح شوند و جهت گیری اصلاح باید به سمتی باشد که بر جریان تملک قهری حقوق مالکانه، به نوعی نظارت قضایی وجود داشته باشد؛ تا در پرتو این نظارت از خودسری و خودکامگی های احتمالی متصدیان امر جلوگیری شود؛ زیرا عدم احترام به حقوق مالکیت وی و رفتار عادلانه و غیر تبعیض آمیز در کشور سرمایه پذیر و نوع موضع گیری قانون نسبت به وی از موانع حقوقی سرمایه گذار خارجی می باشد؛ این موضوع در قانون سرمایه گذاری خارجی هر کشوری با ملی کردن و سلب مالکیت سرمایه ی سرمایه گذاران خارجی نمود پیدا خواهد کرد که در آن حق مالکانه سرمایه گذار خارجی با دلایل و توجیهاتی سلب می شود؛ از این رو قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ به عنوان اصلی ترین قانون حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران در ماده ۹ در جهت حمایت از مالکیت سرمایه گذار خارجی برآمده و برخلاف قوانین و مقررات شهری؛ اصل را بر عدم سلب مالکیت و عدم ملی سازی اموال قرار داده شده است و این امر می تواند عاملی مهم در جذب و تشویق سرمایه گذار خارجی قلمداد شود و در مجموع می توان نتیجه گرفت قانون سرمایه گذاری خارجی ایران نزدیک به استانداردهای بین المللی تدوین شده و به حقوق مالکانه اشخاص احترام گذاشته است که این مهم در جذب و تشویق سرمایه گذار خارجی از منظر خود سرمایه گذار و وکلای آنان بسیار مهم خواهد بود.

واژگان کلیدی: قوانین و مقررات شهری، مالکیت، سلب مالکیت، ملی سازی، سرمایه گذار خارجی، جبران خسارت مؤثر و کافی.

مقدمه

خود را نمایان نمود و به تدریج با افزایش جمعیت و مشکلات زیرساختی کشور این نیاز، تبدیل به ضرورتی اجتناب ناپذیر گردید. فضای گذشته و تبلیغات گسترده‌ای که در مورد ساختار و ماهیت نظام سیاسی و فضای اجتماعی کشور صورت گرفته بود، تصویب قانونی خاص که تضمین کننده ثروت سرمایه گذاران باشد را نیازی بی‌اگر ساخته بود. تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری مصوب ۱۳۸۱/۳/۴^۳ گامی در جهت تحقق این ضرورت بود. عنوان انتخابی این قانون و دخالت مجمع تشخیص مصلحت در تصویب نهایی آن، خود تأیید کننده وجود این نیاز در بدنه نظام مدیریت کلان جامعه بود.

انقلاب ۱۳۵۷ و جایگزینی رژیم سیاسی جدید با نظام ارزشی متفاوت، آثار و پیامدهای فراوانی داشت. یکی از برجسته ترین آثار این دگرگونی، سلب مالکیت از اشخاص خارجی و ایرانیان وابسته به دستگاه حکومت سابق بود.^۱ این سابقه در کنار ارزش‌هایی که با دنیای غرب و هنجارهای آن مغایرت کمابیش جدی داشت^۲، هیچ‌گونه تمایل جدی برای سرمایه‌گذاران غربی جهت سرمایه‌گذاری در کشور ایجاد نمی‌نمود. تا مدت‌ها، این موضوع به عنوان مسئله‌ای با اهمیت تلقی نمی‌شد اما با پایان جنگ هشت ساله عراق، اندک اندک نیاز به جذب دانش فنی و سرمایه‌گذاری خارجی

۱. در غالب قوانینی که پس از انقلاب و به وسیله شورای انقلاب وضع گردید می‌توان ردپایی از تجویز ضمنی یا صریح مصادره املاک متعلق به وابستگان رژیم سابق را دید. از جمله این قوانین می‌توان به قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران، قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون ملی شدن جنگل‌ها اشاره کرد.

۲. به عنوان مثال، مطابق اصل ۱۱ قانون اساسی: «به حکم آیه کریمه «ان هذمه امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون»، همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

۳. از حیث تاریخی و تحول نظام حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری باید گفت که نخستین قانون حاکم بر سلب مالکیت از سرمایه‌های خارجی، قانون سلب مالکیت از اراضی مزروعی متعلق به اتباع خارجی مصوب شانزدهم خرداد ۱۳۱۰ بود. در این قانون نیز موضوع پرداخت گرامتی ناشی از سلب مالکیت مورد شناسایی قرار گرفته بود. با این حال، این قانون منحصراً راجع به اراضی اتباع خارجی بود. متعاقباً در سال ۱۳۳۴، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۳۵ به تصویب مجالس وقت رسید که چارچوب قانونی سرمایه‌گذاران خارجی در ایران را تا سال ۱۳۸۱ تشکیل می‌داد. (حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل؛ حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، انتشارات تیسرا، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۲۹) نکته‌ای که در این قانون وجود داشت مربوط به صلاحیت تام تشخیصی دولت در اعمال آن نسبت به سرمایه‌گذار خارجی بود بدین معنا که سهامدار خصوصی خارجی می‌توانست برای دریافت مجوز سرمایه‌گذاری اقدام به ارائه درخواست نماید ولی دولت در صورت تشخیص صرفه و صلاح، سرمایه‌گذاری را تحت شمول ضوابط ترجیحی این قانون قرار می‌داد. در صورتی که این درخواست مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت درخواست کننده در صورت تمایل به سرمایه‌گذاری می‌بایست تحت شمول قانون تجارت و قانون ثبت شرکت‌ها در ایران سرمایه‌گذاری و فعالیت می‌نمود. پس از آن در راستای انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور، مجلس ایران طرح قانون مورد بحث را با عنوان مشابه قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی پیشنهاد نمود که به دلیل بروز اختلاف میان این مرجع با شورای نگهبان در خصوص مطابقت آن با قانون اساسی و شرع به مجمع تشخیص رفت و در پایان در سال ۱۳۸۱ به تصویب مجمع رسید. (پاکدامن، رضا؛ مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت اقتصادی خارجیان در ایران، شرکت چاپ و نشر بازگانی، ۱۳۸۶، ص ۴۹) در ماده ۲۲ این قانون به صراحت مقرر گردیده که «از تاریخ تصویب این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی «مصوب ۱۳۳۴/۹/۷» و آیین‌نامه اجرایی آن لغو می‌گردد. سرمایه‌های خارجی که قبلاً براساس قانون مزبور مورد پذیرش قرار گرفته‌اند تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند...».

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

کشورها در پروسه جهانی شدن سرمایه گذاری

خارجی را به عنوان اصلی ترین سرفصل توسعه اقتصادی درک و نسبت به تقویت و ارتقاء آن از هیچ کوششی دریغ نمی نمایند. در این میان بازیگران اصلی سرمایه گذاران خارجی هستند که نقش اساسی در آن ایفاء می نمایند و ایجاد طیب خاطر و ایجاد فضایی مطمئن و امن در کشورها و فضای اقتصادی و حقوقی آن ها (کشورهای سرمایه پذیر) به عرصه ای رقابتی جهت جذب و جلب سرمایه گذاران در کشورها تبدیل شده تا در کنار سایر مزیت های خاص یک کشور، رغبت سرمایه گذاران خارجی و وکلای آن ها را برای سرمایه گذاری در کشورشان رونق دهند.^۱

در این میان مؤلفه های خاصی این مهم را تحت تأثیر قرار می دهد که یکی از این مؤلفه ها از منظر حقوقی می باشد که سرمایه گذار خارجی می خواهد در این فضای حقوقی به زیست اقتصادی بپردازد و در چارچوب این قواعد حقوقی فعالیتی نظامند و مطابق با هنجارهای خاص حقوقی کشور مربوطه داشته باشد.^۲ لذا به عنوان اینکه میهمان در کشور سرمایه پذیر باشد، همیشه دغدغه حفاظت و تأمین فضای امن و رعایت عدالت و عدم تبعیض و برخورد یکسان از دغدغه های اصیل و اصلی هر سرمایه گذار خارجی قلمداد می شود و کشورهای سرمایه پذیر نیز در مقابل، درصد تأمین فضایی با چنین مؤلفه هایی برای وی (سرمایه گذار خارجی) هستند و از منظر حقوقی قوانین مرتبط کشور سرمایه پذیر، تضمین اصلی این مهم، قلمداد می

شود. «اهمیت روز افزون سرمایه گذاری و رقابتی که بین کشورها در جذب بیش تر آن صورت می گیرد، یکی از گسترده ترین و در عین حال پرمناقشه ترین مباحث حقوقی می باشد»^۳ و همچنین «سرمایه گذار در کشور سرمایه پذیر به سود حاصله از سرمایه گذاری و نیز امکان بازگشت سرمایه و عوائد حاصله می اندیشد و نیازمند محیطی آرام و با ثبات جهت فعالیت و کار در حرفه مورد نظر است»^۴

یکی از انواع دغدغه های سرمایه گذار خارجی حفظ اموال و احترام به مالکیت سرمایه گذار خارجی از منظر قانون کشور سرمایه پذیر است که اصل بر تداوم مالکیت و تخطی ناپذیر بودن آن است که در مواقعی امکان دارد؛ قانون مجوز سلب مالکیت را به دولت براساس تحقق شرایطی از جمله به خاطر منافع ملی و یا عامه بدهد که در این مقابله این مهم از ابعاد مختلف و از منظر حقوق بین الملل و نیز نظام حقوقی مرتبط ایران مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در بحث سرمایه گذار خارجی با بحث بیگانگان به صورت صرف، موضوع متفاوت بوده و دولت ها در این وادی (سرمایه گذاری خارجی) به خاطر منافع ملی که برای کشورشان متصور است و نیز ذهنیتی که قانون برای سرمایه گذاران آتی به عنوان سابقه ذهنی ایجاد می کند سعی می کنند کاملاً منعطف و متفاوت از شق دیگر آن (بیگانگان غیر سرمایه گذار)، از تمامی ابعاد برخورد نمایند. با این مقدمه و ضرورت موضوع در ابتدا به تبیین مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله می پردازیم و در

۱. خرم فرهادی، یوسف؛ تحلیل موافقت نامه های دو جانبه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاران میان ایران و سایر کشورها در دهه های اخیر (۱۳۷۵-۱۳۸۵)، رساله دکتری، رشته حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۸، ص ۱۹.

۲. رضایی، مهدی؛ بررسی موانع حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران با تأکید سرمایه گذاری در حوزه انرژی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۲.

۳. پیران، حسین؛ مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۳.

۴. تفرشی، عیسی؛ تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران (مطالعه تطبیقی)، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

ادامه به موضع نظام حقوقی و قانون سرمایه گذاری خارجی ایران در خصوص موضوع ملی کردن و سلب مالکیت از سرمایه گذاران خارجی خواهیم پرداخت. گفتار اول: مفاهیم

در این گفتار به بررسی مفاهیم مرتبط با مقاله خواهیم پرداخت.

بند اول: مفهوم مالکیت در اراضی شهری

در تعریف مالکیت گفته شده است: «اختصاص اجتماعی و قراردادی که موضوع (اعتباری) به یک فرد یا گروه یا جامعه که بیانگر حقانیت بالقوه هر گونه تصرف او در آن موضوع و حقانیت جلوگیری از تصرف دیگران در آن است.»^۱

علامه طباطبایی در تعریف مالکیت بیان داشته است: «مالکیت و ملک نوع خاصی از اختصاصی است که باعث می شود تصرف در ملک که توسط صاحب آن صورت می گیرد صحیح می گردد.»^۱

مالکیت از دیدگاه حقوقی چندان تفاوتی با تعاریف ارائه شده (توسط فقها) ندارد به این نحو که در تعریف مالکیت بیان داشته اند: «حق استعمال و بهره برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»^۲ مالکیت چه در فرهنگ لغت های عمومی و چه در ترمینولوژی حقوق به معنی حق تعبیر شده است، فرهنگ لغت معین مالکیت در حقی می داند که انسان نسبت به شیء دارد و براساس آن می تواند هرگونه لغت معین مالکیت را حقی می داند که انسان نسبت به شیء دارد و براساس آن می تواند هرگونه تصرفی که

قانون استثناء نکرده است در آن شیء بنماید، حقوق دانان نیز مالکیت را حق استعمال و تصرفات به هر صورت از سوی مالک در ملک و در مال خود به مواردی که در قانون استثناء شده باشد می دانند^۳، مرحوم استاد کاتوزیان در تعریف مالکیت چنین مقرر می دارند: «مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند.»^۴ یکی از حقوق مسلم افراد در جامعه حق مالکیت است تحدید این حق باید به موجب قانون باشد چراکه امری خلاف قاعده است.

بند دوم: مفهوم ملی کردن^۵

«ملی کردن» عبارت از عملی است از سوی قوه عمومی که به موجب آن و با تأمین غرامت عادلانه، مالکیت مجموعه ای از وسائل تولید یا یک یا چند مؤسسه متعلق به اشخاص به شرکت های دولتی یا به سازمان های گروهی (عمومی) ملت، انتقال می یابد.^۶ ملی کردن دارای هدفی کلی و دامنه ای گسترده است و منظور از آن، تغییر در چگونگی استفاده از مال نیست.^۷ بلکه هدف از آن ایجاد تغییر در ماهیت مالکیت این قبیل اموال است. بنابراین، ملی کردن، «فرایندی قانونی است که بنا به مصالح سیاسی، اقتصادی کلان، موجب سلب مالکیت فراگیر در گستره معینی از اقتصاد کشور و ایجاد مالکیت انحصاری ملت می شود»^۸. انسیتو حقوق بین المللی در اجلاس سال ۱۹۲۵ ملی کردن را این گونه تعریف کرده است: «ملی کردن عبارت است از

۱. بهشتی، سلسله درس های اسلامی «۱» مسأله مالکیت، نقل از میرزایی، علیرضا؛ مراجع تشخیص اراضی موات نحوه رسیدگی و اعتراض، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ سوم، ۱۳۹۲، ص ۱۲.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶، واژه ۴۷۱۳.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱، واژه مالکیت، ص ۲۹۶.

۴. کاتوزیان، ناصر؛ اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰.

۵. NATIONALIZATION

۶. اوژن شافر، به نقل از سلجوقی، محمود؛ حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۳۴۸.

۷. سلجوقی، محمود؛ همان.

۸. خردمندی، سعید؛ تحدید مالکیت، انتشارات اندیشه عصر، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۳۰.

انتقال مالکیت اموال و حقوق خصوصی در بعضی از رشته‌های اقتصادی از طریق قانونگذاری، به دولت و منظور از آن حفظ منافع اجتماعی و اداره و کنترل فعالیت اقتصادی از طرف دولت و تعیین هدف‌های تازه می‌باشد.^۱

ملی کردن اموال به دو صورت قانونی و غیرقانونی قابل تصور است که بی تردید از حیث جبران خسارت، میان این دو دسته تفاوت‌هایی وجود دارد. در ارائه معیار تعیین کننده این دو دسته گاهی فرض بر قانونی بودن ملی شدن است. مگر خلاف آن اثبات شود. از این رو در رویه دیوان داوری ایران و آمریکا در لاهه چنین می‌خوانیم: «نمی‌توان ملی کردن ایران و آمریکا را به خودی خود، غیرقانونی دانست. خواه براساس عرف حقوق تجارت بین الملل یا معاهده مودت باشد، همچنانکه ادله کافی نزد دیوان اقامه نشده که نشان دهد، ملی کردن برای منافع عمومی نبوده یا به صورت تبعیض آمیز صورت گرفته است. در این رویه فرض بر قانونی بودن ملی سازی است مگر خلاف آن ثابت شود.

بند سوم: مفهوم سلب مالکیت اراضی شهری^۲

سلب مالکیت یک اصطلاح دو بخشی و مرکب است که برای فهم معنای دقیق آن لازم است ابتدا کلمه «سلب» را جداگانه مفهوم شناسی کرده و سپس آن را به همراه کلمه «مالکیت» معنا می‌نماییم. واژه «سلب» در لغت به معنی انتزاع کردن، ربودن و برداشتن قهر آمیز چیزی می‌باشد.^۳ که معنای اصطلاحی آن با برداشتن قهری بسیار همخوانی دارد

و از آنجا که مالکیت را حقی دائمی دانسته‌اند که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند و وقتی واژه سلب را با مفهومی که در بالا بیان شد به مالکیت اضافه کنیم اصطلاح مرکب «سلب مالکیت» به دست می‌آید که مقصود از آن، تملک بدون رضایت و قهری ملک کسی و محروم ساختن صاحب آن از اختیارات مالکانه خود نسبت به دارایی او می‌باشد.^۴

بنابراین می‌توان گفت که سلب مالکیت به معنی خارج ساختن قهری ملک از مالکیت مالک و تملک اجباری آن می‌باشد و به نادیده گرفتن حق مالکانه صاحب مال می‌انجامد. بدیهی است که این اتفاق، چنانکه با مجوز قانونی باشد عملی مشروع و در غیر این صورت کاری خلاف شرع و غاصبانه به حساب خواهد آمد. به همین دلیل مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی ایران، ضمن بیان حقوق مالکانه مالک، نشان می‌دهد که فقط به حکم قانون ممکن است در مواردی صاحب مال از این حقوق محروم گردد. درجه ی ضعیف تر و پایین سلب مالکیت محروم ساختن مالک از اختیارات مالکانه است که در هر دو مورد چنانچه با مجوز شرعی و قانونی انجام پذیرد عملی مشروع خواهد بود و در غیر این صورت، طبق ادله ی مالکیت همچون قاعده ی «تسلیط» و «حرمت مال مسلم» امری خلاف شرع و غیر مجاز به شمار خواهد رفت.^۵

در حقوق بین الملل از سلب مالکیت به عنوان

۱. فیوضی، رضا؛ مسئولیت بین المللی و نظریه ی حمایت سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۴۷.

2. Amoco international finance corp V. Iran, Iran – US. C.T.R, vol; 1987, 15 – II, pp. 17, 52-51 Avanesian Aida B. 1993, Iran-united stats clams Tribunal in Action, Kluwer academic. publisher grope London., p.34

۳. به نظر می‌رسد اصلاح «سلب مالکیت» (EXPROPRIATION) ترجمه درستی نیست زیرا در معنای خود نشان می‌دهد آنچه در ملی سازی اتفاق می‌افتد سلب مالکیت نیست بلکه چیز دیگری است. (زرگوش، مشتاق؛ حقوق اداری تملک املاک، شبه تملک‌ها و سلب مالکیت از سرمایه‌ها توسط دولت، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۴۷.

۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۲، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۸۳.

۵. حسن زاده، بهرام؛ حقوق تحلیلی اراضی و املاک، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۴۶۳.

۶. محمدی، امید؛ تحدید حقوق مالکانه در طرح‌های عمرانی و عمومی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۲.

حقی که در مفهوم موسع مورد شناسایی است و قطع نظر از تابعیت و وضعیت مالی اشخاص در موردشان اعمال می شود، یاد کرده اند. این حق از سوی بسیاری از مراجع قضایی و غیرقضایی و حتی به موجب اعلامیه های سازمان ها و کنفرانس های بین المللی به رسمیت شناخته شده است.^۱

«سلب مالکیت» برای رفع نیازهای عمومی و با هدفی معین صورت می گیرد و منظور از آن استفاده از مال در زمینه ای است که به موجب قانون تصریح شده است.^۲ بنابراین، علاوه بر ویژگی تأمین مصالح عموم باید روند سلب مالکیت مطابق قانون صورت گیرد. با وجود این، سلب مالکیت، در معنای اعم به هر گونه تعرض به حق مالکیت خواه قانونی یا غیر قانونی نیز اطلاق می شود. در دکترین حقوقی، سلب مالکیت و ملی کردن را از حقوق مشروع ملت ها و از مصادیق بارز حق حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی و ثروت های ملی می دانند.^۳

سلب مالکیت باید طبق رویه های قانونی باید صورت بگیرد و حمایت حقوقی کافی در مورد شخصی که از آن سلب مالکیت می شود تضمین کند. بنابراین، با وجود شناسایی احترام مالکیت در عرصه سرمایه گذاری خارجی، به انگیزه تأمین مصالح جمعی این اختیار نیز برای دولت شناخته شده که با وضع مقرراتی درباره شرایط اعمال حق مالکیت در آن محدودیت هایی ایجاد یا در مواردی مالی را برای اجرای حکم دادگاه، بدون مداخله مالک به دیگری تملیک کند یا با گذراندن قوانینی آن را در خود تملک^۴.

بند چهارم: مفهوم سلب مالکیت خزنده^۵
سلب مالکیت خزنده، مفهومی نوین است که بنا به ارتباط آن با سلب مالکیت در سرمایه گذاری خارجی زیر این عنوان بررسی می شود. این عنوان متشکل از اجزاء متعدد است که از دیدگاه حقوق بین الملل هیچ یک نمی تواند به تنهایی تقصیر حقوقی دولت میزبان تلقی شود. با وجود این، اقدامات صورت گرفته به سلب مالکیت نرم منتهی می شود. در این خصوص می توان به عدم پرداخت، فسخ قرارداد، رد دسترسی به دادگاه، عملکرد واقعی جهت تبعیض، عدم پای بندی به قواعد معامله، تعارض در توقیف قانونی^۶ و مواردی از این قبیل اشاره کرد. براساس این معیار، سلب مالکیت خزنده الزاماً سلب مالکیت سنتی نیست.^۷

مفسرین در بیان واقعیت «خزنده» و پنهان بودن سلب مالکیت عنوان می کنند که دولت سومالی اعمال گوناگون به ستوه آورنده و ایذایی (از قبیل بازداشت های گاه و بیگاه کارکنان کلیدی، جلوگیری از دسترسی به محل کار و ملی کردن جایگاه نفتی که قسمتی از اجزاء پروژه بود) علیه مالک بیگانه یک واحد سرمایه گذاری به راه انداخت. گروه سرمایه گذاری خصوصی ماورا بحار^۸ اینگونه نظر داد که هرچند این اعمال دولت سومالی مستقیماً سلب مالکیت تلقی نمی شوند اما به عنوان مختل کننده فعالیت مجاز شخص خارجی محسوب می شود که از آن می توان نیت و قصد سلب مالکیت را استنباط و استنتاج کرد. با توجه به ارتباط مستقیم این موضوع با قصد و نیت دولت، احراز آن به

1. Michael Reisman & R. Doak Bishop, James Crawford 2005»Foreign investment disputes» published by Kluwer Law International, Hague. P837

۲. سلجویی، محمود؛ حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین، منبع پیشین، صص ۳۴۶-۳۵۵.

۳. افتخار جهرمی، گودرز؛ دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، شماره ۱۵، ۱۳۷۳، ص ۹۴.

4. CREEPING OR INDIRECT EXPROPRIATION.

5. BLOCK

6. Michael Reisman & Robert D. Sloane, (2004) "Indirect Expropriation and Its Valuation in the BIT Generation," 74 The British Yearbook of International Law , P.123

7. OVERSEAS PRIVATE INVESTMENT CORPORATION. (OPIC)

سادگی امکان پذیر نیست ولی با بررسی و تجزیه و تحلیل جریان عملکرد دولت میزبان و مقایسه با برخوردی که در همان دوره با موارد مشابه داخلی یا خارجی صورت گرفته است، می توان به نتایج قابل استنادی دست یافت^۱.

بند پنجم: مفهوم مصادره^۲

مصادری اموال یکی از شیوه های مهم سلب مالکیت خصوصی در راه منافع اجتماعی است^۳؛ حقوقدانان مصادره را این گونه تعریف کرده اند: «مصادره، عملی است که به موجب آن مالکیت به دولت، بازگردانده شده و یا موقتاً و به نمایندگی از مالک حقیقی، به دولت منتقل می گردد^۴»؛ و برخی معتقدند: «مصادره اموال فرآیندی است که به موجب آن از شخص یا اشخاص معین به دلیل ارتکاب جرایمی (مانند همکاری با بیگانگان، اقدامات غیرقانونی، سوء استفاده و کسب اموال نامشروع) به عنوان مجازات سلب مالکیت شود^۵».

در مصادره، غرامتی قابل پرداخت نیست؛ از این رو اگر اموالی بدون پیش بینی پرداخت غرامت ملی شده باشد، دادگاه های خارجی آن را صورتی از مصادره غیر قانونی تلقی می کنند^۶. فایده عملی تفکیک بالا در این است که هریک از این مفاهیم از حیث حکمی تابع قواعد و اصول حقوقی ویژه خود هستند. در مصادره اموال به دلیل وجود جنبه کیفری، لزوماً غرامت و جبران خسارت مطرح نیست.

با وجود این برخی^۷ مصادره را مسامحتاً در معنای سلب مالکیت و ملی کردن نیز به کار برده و ضمن تفکیک میان شق قانونی مصادره از فرض غیرقانونی، در مصادره قانونی، مالک مال مصادره شده را مستحق «عدم النفع» نمی دانند ولی در مصادره غیرقانونی، افزون بر ارزش مال مزبور «عدم النفع» آن نیز قابل مطالبه است. در هر دو حالت، ارزش مال بدون لحاظ سود آتی مال تعیین می شود.

البته ممکن است تغییرات دیگری نیز در کشور روی دهد که مالکیت سرمایه گذار خارجی را تحت تأثیر قرار دهد. این امر خصوصاً به هنگام روی کار آمدن دولت جدید در کشور میزبان، تغییر دیدگاه های ایدئولوژیک دولت میزبان، ملی گرایی اقتصادی و بحران های مالی نمود می یابد که در شدیدترین حالت می تواند منجر به مصادره اموال سرمایه گذاری خارجی گردد^۸.

در حقیقت مصادره، شدیدترین نوع مداخله دولت میزبان در حقوق و اموال بیگانگان و سرمایه گذار خارجی است. البته برعکس بسیاری مقررات مندرج در معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری که مشابه آن ها در حقوق بین المللی عرفی وجود ندارد (مانند استانداردهای رفتاری) حقوق بین المللی عرفی در زمینه سلب مالکیت و جبران خسارت بسیار پربار بوده و بخش عمده ای از این امر از حقوق رویه ای غنی در سطح بین المللی نشأت گرفته است^۹. لذا

۱. علیدوستی، شهرکی، ناصر؛ احترام مالکیت و سرمایه گذاری خارجی، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۳۰۰.

2. CONFISCATION.

۳. خردمندی، سعید؛ تحدید مالکیت، منبع پیشین، ص ۳۳۶.

۴. زرگوش، مشتاق؛ حقوق اداری تملک املاک، شبه تملک ها و سلب مالکیت از سرمایه ها توسط دولت، منبع پیشین، ص ۴۷.

۵. افتخار جهرمی، گودرز؛ دیوان دآوری دعاوی ایران - امریکا و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین الملل، منبع پیشین، ص ۹۴.

۶. اوژن شافر، به نقل از سلجوقی، محمود؛ حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین، منبع پیشین، ص ۳۵۵.

۷. حجازی، احمد؛ ارزش اموال مصادره شده بیگانگان در آرای دیوان دآوری دعاوی ایران و ایالت متحده، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره چهاردهم و پانزدهم، ۱۳۷۰، صص ۷۰ و ۸۸.

8. Bilateral Investment Treaties 2111-4999: Trends in Investment rulmaking, unctad, op.cit., p. 471.

۹. محبی، محسن؛ مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه دآوری بین المللی، سلب مالکیت و غرامت در قرار داده های نفتی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۹.

ضمن وجود قواعدی در مورد مصادره و سلب مالکیت اموال سرمایه گذاران خارجی که مورد اشاره قرار گرفت در خصوص پرداخت غرامت (به عنوان یکی از پرمناقشه ترین مسائل حقوق بین الملل) در سطح حقوق بین المللی عرفی، تمامی معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری هم به صورت مشخص به این مبحث توجه داشته و قواعد خاصی را برای این ضوابط پیش بینی می نمایند و به عنوان مثال مهم ترین منبع در زمینه پرداخت غرامت در موضوع ملی کردن رویه دولت ها هست، خصوصاً که هیچ کنوانسیون جامع بین المللی در مورد غرامت تهیه و امضاء نشده است.^۱ معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری به تبعیت از حقوق بین المللی عرفی، حق دولت میزبان به ملی سازی اموال بیگانگان را به عنوان یک حق بنیادین دولت، با رعایت شرایط خاصی به رسمیت شناخته و آثار و نتایج حاصله از آن را پیش بینی کرده اند. اصل معروف به فرمول هال که از سال ۱۹۳۸ میلادی در محافل بین المللی شهرت خاصی یافت. در خصوص نحوه و کم و کیف پرداخت غرامت است که در فرمول هال به «پرداخت غرامت فوری مکفی و مؤثر» اشاره می شد که این مفهوم با تحولات دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به پرداخت غرامت مناسب تعبیر شد که مورد استقبال کشورهای سرمایه فرست و اعتراض کشورهای در حال توسعه و سرمایه پذیر است و آن ها معتقدند این فرمول باید براساس موازین حقوق داخلی تعیین شود.^۲

نحوی در توقیف اموال درآمده است در اختیار سازمانی به نام سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی گذاشته می شود تا بر طبق قانون تأسیس سازمان مذکور و اساسنامه آن نسبت به اداره و یا فروش آن ها اقدام کند.

بند ششم: ضبط اموال^۳

«ضبط مال» از اصطلاحاتی است که علی رغم تفاوت با مفاهیم بالا در مقوله سلب مالکیت و ملی سازی بررسی می شود که به موجب آن مرجعی اداری یا انتظامی در مواقع فوق العاده بر پایه اختیارات قانونی خود به فرد یا شخصی حقوقی تکلیف می کند، خدمتی به او یا شخص ثالث ارائه کند یا اجازه استفاده از مالی را بدهد یا مال منقولی را منتقل کند. مقام دستور دهنده مکلف است پس از آن به جبران آن پردازد.^۴

گفتار دوم: مبانی نظری تحقیق

بند اول: ماهیت حقوقی سلب مالکیت

هرچند در اکثر قوانین مربوط به تملک و سلب مالکیت، از عنوان هایی همچون «خرید»، «فروش» و «معامله» برای بیان این اقدام یک طرفه ی دولت در مورد اراضی و املاک شخصی مردم استفاده شده است ولی واقعیت این است که نه تنها ماهیت حقوقی تملک با هیچ یک از مفاهیم مذکور یا دیگر عقود و ایقاعات رایج حقوقی همخوانی ندارد بلکه به تعبیر برخی از تحلیل گران حقوق اداری، آنچه به عنوان یک اصل در قراردادهای اداری این چینی اعمال می گردد ممکن است در حقوق خصوصی، یک ضد قاعده محسوب شود.^۵ بر این اساس ناچاریم به پیروی از اندیشمندان حقوق اداری، ماهیت حقوقی تملک را در ذیل دو عنوان «قرارداد

۱. محبی، محسن؛ همان.

۲. حسینی، به آذین؛ دولت و سرمایه گذاران خارجی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۸.

۳. REQUISITION.

۴. علیدوستی، شهرکی، ناصر؛ احترام مالکیت و سرمایه گذاری خارجی، منبع پیشین، ص ۳۰۲.

۵. ر.ک: طباطبایی مؤتمنی، منوچهر؛ حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۳۰۴.

اداری» و «عمل یک جانبه اداری» مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

الف. قرارداد اداری

برخی قرارداد اداری را اصطلاح علمی ناظر به قراردادهایی دانسته اند که لاقلاً یک طرف آن اداره ای از ادارات عمومی بوده و برای تأمین پاره ای از خدمات عمومی و به عنوان حقوق عمومی منعقد می شود^۱ و برخی دیگر، قرارداد اداری را توافق اراده طرفین بر انجام امری واحد قلمداد کرده اند^۲ در صورتی که قوانین ناظر بر امر تملک به دستگاه های اجرایی اجازه می دهند هنگام نیاز به ملکی برای انجام خدمات عمومی، حتی بدون نظارت و توافق مالک به طور یکجانبه اقدام تعیین و پرداخت بهای عادلانه نموده و املاک را تصرف کنند.^۳ بنابراین نمی توان ماهیت حقوقی تملک را در این فرض، قرارداد اداری تلقی نمود، زیرا اراده ای مالک در این گونه موارد کمترین دخالتی در تحقق این فرایند ندارد. اما زمانی که در مسیر تملک، رضایت صاحب ملک جلب و میزان بهای عادلانه املاک و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق میان دستگاه اجرایی با مالکان تعیین گردد تا حدی به مفهوم قرارداد اداری نزدیک می شود. شاید آنچه که باعث شده تا برخی از نویسندگان حقوق اداری خرید اجباری زمین از مردم برای طرح های دولتی را از مهمترین مصادیق قراردادهای اداری بدانند^۴ همین شبهه باشد. در حالی که این اتفاق چندان هم که باید و شاید نشان از تراضی طرفین بر سر تملک اراضی مورد بحث نمی باشد بلکه توافق مالک یا مالکین در اینجا فقط برای تعیین بهای عادلانه و خسارات وارده صورت گرفته و اصل تملک خارج از اراده و رضایت آن ها و به شکل یک طرفه انجام شده است.

ب. عمل یکجانبه اداری

از آنجا که بیشتر تصمیمات اداری یک جانبه، به صورت ایقاعاتی که ناظر بر وضع اشخاص معینی هستند صورت می گیرد آن ها را ایقاع شخصی می نامند.^۵ تملک از این دیدگاه، «عمل یکجانبه شخصی» به حساب می آید. ولی این بدان معنا نیست که صرف اراده ای دستگاه اجرایی منجر به تحقق تملک خواهد شد بلکه این اعمال اراده، مقید به رعایت شرایط و الزامات قانونی می باشد که عدم رعایت آن ها توسط مراجع عمومی، موجبات ابطال عملیات سلب مالکیت را فراهم خواهد آورد. زیرا همان گونه که برخی از محققان گفته اند: «ایقاعات مدنی در مرحله وقوع یک طرفی است اما در مرحله اجرا همانند عقود دو جانبه است و آثار آن منحصرأً محدود به ایقاع کننده نمی باشد. بنابراین اگر مفاد ایقاع ناظر بر ایجاد حق و تکلیف یک جانبه برای دیگران باشد کفّه ای مقابل آن التزامی است که بر دوش ایجادکننده می ماند و گریزی از اجرای آن نیست.»^۶

از این رو هرچند ماهیت حقوقی تملک، عمل یک جانبه اداری دستگاه های اجرایی دولتی و عمومی می باشند لکن طبق قوانین و مقررات، کم و بیش اقدامی کنترل شده است که مالکان املاک هم در تکمیل فرایند آن تأثیرگذار خواهند بود.

بند دوم: چرایی اعطای صلاحیت سلب مالکیت به دولت

یکی از تعاریف ارائه شده از مفهوم «دولت» عبارت است از: «قدرت سازمان یافته حقوقی به منظور اجرای عدالت و انجام دادن خدمات عمومی است»^۷. بر این مبنا هر دولت و حکومتی، امانت دار و خدمتگزار مردم خویش می باشد، تا چه رسد به

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۵۳۳.

۲. انصاری، ولی الله؛ کلیات حقوق اداری، تهران: نشر حقوقدانان، ۱۳۷۷، ص ۲۷.

۳. ماده ۴ قانون نحوه خرید و تملک اراضی.

۴. انصاری، ولی الله، همان، ص ۳۷.

۵. ر.ک: انصاری، ولی الله، همان، ص ۲۷.

۶. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی (ایقاع)، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸.

۷. کاتوزیان، ناصر؛ مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۵۰.

دولت اسلامی که در واقع امین خداوند و خادم امت محسوب شده و به گفته شهید سید محمد باقر صدر، مکلف به تأمین کامل وسائل زندگی عموم افراد جامعه می باشد.^۱ از این رو، امروزه اکثر دولت ها بیشتر از آن که به زور و قدرت خود افتخار کنند به میزان خدمت رسانی و تأمین منافع ملت خویش مباحثات می کنند. این وظیفه و به تبع آن احساس مسؤولیت دولت های مشروع، نسبت به انجام آن بر دو پایه استوار می باشد:

الف. اصل کفالت همگانی: طبق این اصل، از نگاه دینی همه مسلمانان جهان مسئول سرنوشت و وضع زندگانی یکدیگر بوده و کفالت همدیگر را بر عهده دارند که روایات و احادیث نیز مؤید آن می باشند^۲ و تمام اعضای جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر دارای مسؤولیت متقابل بوده و موظف به رفع نیازها و احتیاجات همدیگر می باشند.

ب. اصل سهیم بودن جامعه در درآمد و دلایل شرعی آن: مسؤولیت دیگر دولت در تأمین منافع و مصالح مردم که توجیه کننده اعطای صلاحیت تملک و سلب مالکیت به آن می باشد ناشی از سهیم بودن همه افراد جامعه در درآمدهای دولتی است. یک نوع مالکیت که هم در عرف و هم در شرع پذیرفته شده، مالکیت عمومی است که زمین های آباد فتح شده توسط مسلمانان و درآمدهای ناشی از آن ها و نیز پل ها، موزه ها و معابر عمومی نمونه هایی از آن می باشند.^۳ بنابراین

دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی به ارائه خدمات عمومی و توزیع عادلانه امکانات رفاهی اقدام نماید. بدیهی است زمانی که اموال دولتی و آنچه که به حکم شرع و قانون در تملک دولت اسلامی است مانند انفال و دارائی های مشابه به جمع اموال عمومی اضافه گردد اهمیت وظیفه خدمت رسانی دولت دوچندان خواهد شد و اعطای صلاحیت تملک و سلب مالکیت را به این مجموعه خدمتگذار از توجیه منطقی برخوردار خواهد نمود. دانشمند شهید، سید محمد باقر صدر در این مورد به احادیث و روایاتی چند استناد کرده است و بیان می کند: «نصوص و روایات روشنی، اصل تأمین و تضمین اجتماعی را مقرر، و مسؤولیت مستقیم دولت را در اعاله فرد و تأمین سطح زندگی مناسب برای او تشریح می کند. این اصل تأمین اجتماعی است که دولت مستقیماً مأمور پیاده کردن آن می باشد. اما اساس تئوریک و نظری آن را باید در حق مشترک جامعه در منابع ثروت جستجو کرد.^۴»

بند سوم: چرایی جبران خسارت در سلب مالکیت با هدف خدمات عمومی

هرچند اقدام دولت در سلب مالکیت افراد بدون توجه خواست و اراده آن ها صورت می گیرد ولی عدالت اقتضا می کند که بهای مال تملک شده به صاحب آن پرداخت و خسارات احتمالی وارده بر او جبران گردد.^۵ زیرا همان گونه که همه مردم در ثروت های عمومی سهیم می باشند،

۱. ر.ک: صدر، سید محمدباقر؛ اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، مشهد: انتشارات جهاد سازندگی مشهد (خراسان)، ۱۳۶۰، ص ۲۹۰.

۲. الكلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، ج ۲، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.ق، ص ۱۶۹: «و الحق الخامس ان لا تشبّع و یجوّع و لا تروى و یظمأ و لا تلّیس و یعری» - شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، کتاب الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۴۷: «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا».

۳. ر.ک: صدر، سید محمدباقر؛ اقتصاد ما، ج ۲، منبع پیشین، ص ۶۹-۷۳ کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸، صص ۶۸-۷۰.

۴. صدر، سید محمدباقر؛ اقتصاد ما، ج ۲، منبع پیشین، ص ۲۹۵.

۵. ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

در مقابل هزینه‌های عمومی نیز دارای مسؤولیت برابر می‌باشند. مبنای این دیدگاه، علاوه بر اصل عدالت، نظریه «برابری همگان در تأمین هزینه‌های عمومی» است که برخی از آن به عنوان نظریه «جبران زیان ناشی از مسؤولیت بیرون از خطا و خطر» یاد کرده‌اند.^۱

یکی از صاحب نظران حقوق در توجیه این نظریه و لزوم اجرای آن چنین می‌گوید: تمامی شهروندان به تساوی عهده دار هزینه‌هایی هستند که دولت به منظور تأمین هزینه‌های عمومی و یا استقرار نظم صرف می‌کند و بر این پایه اگر در اثر عملکرد سازمان دولتی زیانی به شخص یا اشخاص معین وارد آید این برابری از هم می‌گسلد. زیرا در چنین فرضی بهره خدمت عمومی نصیب همگان می‌گردد در حالی که زیان آن را عده‌ای خاص تحمل می‌کنند و به این جهت، دولت به نمایندگی از عموم، خسارت زیان دیدگان را تا حدی که تساوی مذکور مجدداً برقرار شود جبران می‌نماید تا همگان از ضرر زیان دیدگان جلوگیری به عمل آورند.^۲ بر همین اساس، طبق قوانین جاری تملک، نه تنها دولت موظف به پرداخت بهای عادلانه زمین یا ساختمان یا تأسیسات سلب مالکیت شده به مالکان آنهاست، بلکه مکلف به جبران خسارات ناشی از تملک نیز می‌باشد.^۳

گفتار سوم: حمایت از مالکیت سرمایه گذار خارجی از منظر حقوق بین الملل

حمایت و تضمین عملی از سرمایه گذار خارجی در خصوص سلب مالکیت و ملی سازی از سوی قواعد حقوق بین المللی صورت نمی‌گیرد و البته این به معنی نفی تأثیر آن نیست و مسلماً این چنین قواعد فراملی انعطاف قوانین داخلی را دو چندان می‌کند. اما این قوانین داخلی نیز شاید برای سرمایه گذار

اغنا کننده نباشد و این ترتیبات فراملی و ملی اگر دولت‌های متبوع آنها اقدامی در حمایت از این سرمایه گذاران به عمل نیآورند حمایت مؤثر مدنظر را در اختیار سرمایه گذاران خارجی قرار نخواهد داد. راه‌های قانونی فرا روی سرمایه گذار خارجی برای جبران خسارات، تضمینات مورد انتظار سرمایه گذاران خارجی را فراهم نمی‌آورد. قواعد عام حقوق بین المللی نیز تضمینات قابل توجهی را در اختیار سرمایه گذاران خصوصی خارجی نمی‌گذارد؛ حتی امروزه تحت شرایطی اجازه سلب مالکیت از اتباع خارجی وجود دارد با توجه به این وضعیت تلاش‌هایی در جامعه بین المللی برای تدوین مجموعه مقرراتی در زمینه سرمایه گذاری بین المللی از جمله توسط شورای اروپا، اتاق بازرگانی بین المللی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه صورت گرفته که هیچ کدام نتیجه‌ای در بر نداشتند و به موازات آن کوشش شد اختلافات سرمایه گذار بین المللی از جمله در موضوعاتی چون سلب مالکیت و ملی سازی سرمایه‌ها و ... به جای حل و فصل در دادگاه‌های داخلی در مراجع بین المللی حل و فصل گردد که خود به خود و به طرق غیرمستقیم حمایت از سرمایه گذاری خصوصی خارجی در بحث سلب مالکیت اموالشان به شمار می‌آید.^۴

در این راستا اقدامات منطقه‌ای زیادی هم صورت پذیرفته که شاید کارکرد آن بسیار قوی تر از اصول حقوق بین الملل البته در حیطة تحت شمول خود خروجی داشته است. به عنوان مثال اعضای شورای اروپا توافق کرده‌اند که دادگاه حقوق بشر اروپا نسبت به شکایات اتباع هریک علیه دولت متبوع خویش از بابت نقص حقوق بشر من جمله حقوق مالی (مثل حق غرامت در سلب مالکیت) صلاحیت

۱. ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری ایران، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۶، ص ۵۶۳.

۲. موسی زاده، رضا؛ حقوق اداری، ج ۲-۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۹.

۳. ر.ک: کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱.

۴. طارم سری، مسعود؛ حقوق بازرگانی بین المللی، چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۹، ص ۵۱.

داشته باشد. طبعاً دادگاه حقوق بشر اروپا در موضوع سلب مالکیت و میزان غرامت تابع قوانین کنوانسیون حقوق بشر اروپا است.

عمده ترین خطر برای سرمایه گذاری خارجی سلب مالکیت توسط دولت است برای رفع این نگرانی، کشورها قوانینی را در قانون سرمایه گذاری خارجی به عنوان تضمین تصویب می نمایند. البته در بحث ملی کردن مصادیقی هم بصورت مطلق وجود دارد. بعنوان مثال یک سری موارد اساسی در بحث حاکمیت دولت مانند استقلال اقتصادی و حاکمیت دائم بر منابع طبیعی، که به هیچ عنوان قابل واگذاری نیست و در صورتی هم که چنین شود، هیچ اثر حقوقی بر آن نمی توان بار کرد. مثلاً هرگاه دولتی بواسطه یک امتیاز نامه حق اکتشاف و بهره برداری از یک معدن را برای همیشه واگذار کند، آثار چنین معامله ای فقط تا آنجا شناسایی می شود که با استقلال و حاکمیت دائمی دولت در تعارض نباشد. مالکیت دولت کماکان پابرجا بوده و دولت هنوز حق ملی کردن آن معدن را خواهد داشت^۱. لذا قید واگذاری دائم حق بهره برداری در آن امتیازنامه؛ مانع عمل دولت نمی شود. به عبارت دیگر فعل ملی کردن یا سلب مالکیت، تحت حقوق بین الملل غیرقانونی محسوب نخواهد شد. در مجموع می توان نتیجه گرفت که اصل منع سلب مالکیت تخلف ناپذیر نیست. با این حال نقض اصل منوط به شرایطی شده که در عمل نگرانی های سرمایه گذار خارجی برطرف می گردد. این شرایط عبارتند از اینکه: اولاً: نقض اصل برای اهداف عمومی

باشد. ثانیاً به موجب فرآیندی قانونی باشد. ثالثاً: به روش غیر تبعیض آمیز باشد. رابعاً: در مقابل پرداخت خسارت سریع و مؤثر و مناسب انجام پذیرد^۲.

تردید نیست که سرمایه گذاران خارجی با محاسبه احتمال بروز خطرات پیش بینی شده و پیش بینی نشده مبادرت به سرمایه گذاری می نمایند. با این حال هرگاه که احتمال تحقق این خطرات افزایش یابد، تمایل به سرمایه گذاری کم می شود. سابقه تاریخی کشورها و سرگذشت سرمایه گذاری های خارجی در یک کشور به مثابه الگویی جهت تبیین میزان احتمال بروز خطر برای سرمایه گذاران خارجی است. هر سرمایه گذاری خارجی با مطالعه سابقه ملی کردن یا ملی شدن امثال آنها، تکرار این تجربه را مورد دارایی های خود پیش بینی می کند؛ تصویب و تأیید قانون اصل منع ملی کردن و مصادره و سلب مالکیت، مشابه آنچه که گفته شد؛ تا حد زیادی از نگرانی سرمایه گذاری خارجی می کاهد^۳. آنچه مسلم است، اشتیاق به جذب سرمایه گذاری خارجی نمی تواند باعث فراموشی منافع ملی و مصالح عمومی گردد.

گفتار چهارم: حمایت از مالکیت سرمایه گذار خارجی با تأکید بر قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی ایران مصوب ۱۳۸۱
قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ به عنوان اصلی ترین قانون حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران^۴ در ماده ۹ به بحث «ملی کردن» به عنوان یک استثنا در قاعده احترام مالکیت در مبحث سرمایه گذاری خارجی پرداخته

۱. رضایی، مهدی؛ بررسی موانع حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران با تأکید سرمایه گذاری در حوزه انرژی، منبع پیشین، ص ۶۳.

۲. برادران، علی رضا؛ بررسی مکانیزم های حقوقی تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران، رشته حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷، ص ۸۹.

۳. پیران، حسین؛ مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، منبع پیشین، ص ۲۵۹.

۴. با وجود تصویب این قانون، ولی همچنان نظام سرمایه گذاری در ایران وضعیت مناسبی ندارد. صرفه نظر از موانع حقوقی این سیاستگذاری، یکی از دلایل مهم عدم جذب سرمایه های خارجی و گریز سرمایه ایرانیان به خارج از کشور، نامناسب بودن محیط تجاری به دلیل عدم ثبات سیاسی و بالا بودن ریسک سرمایه گذاری به دلیل عدم ثبات اقتصادی بوده است. ...

است.

ماده ۳ قانون قدیم جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی قدیم ایران مصوب ۱۳۳۴ مقرر می داشت: «چنانچه با وضع قانون خاصی از صاحب سرمایه ای سلب مالکیت شود، دولت جبران عادلانه خسارت وارده را تضمین می کند به شرط آنکه در مدت سه ماه پس از سلب مالکیت، تقاضای جبران خسارت وارده به هیأت مذکور در ماده ۲ تسلیم شود و در صورت بروز اختلاف، رسیدگی به ادعای جبران عادلانه خسارت وارده ای که دولت آن را تضمین می کند در محاکم صلاحیت دار ایران به عمل می آید».

در ماده ۹ قانون جدید سرمایه گذاری خارجی در ایران مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۸۱، که قانون قبلی را نسخ کرده مقرر شده است: «سرمایه گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی به موجب فرایند قانونی به روش غیر تبعیض آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت» در این خصوص مطابق قانون مورد بحث، هرگاه دولت ایران قصد داشته باشد اموال و دارایی هایی را که با کسب مجوز سرمایه گذاری به ایران وارد شده است ضبط نماید؛ باید این چهار شرط را رعایت کند و گرنه فعل دولت غیر قانونی خواهد بود.

در کنار قانون فوق و آئین نامه اجرایی آن^۱، ماده ۲۱ «قانون چگونگی اداره مناطق آزاد» قرار دارد که به موجب آن: «حقوق قانونی سرمایه گذاران خارجی که پذیرش سرمایه آن ها به تصویب هیأت وزیران رسیده است مورد تضمین و حمایت است. سرمایه سرمایه گذاران مزبور چنانچه در مواردی بوسیله قانون به نفع عموم ملی شود یا اینکه از سرمایه گذاران یاد شده سلب مالکیت شود، جبران عادلانه خسارت به عهده دولت می باشد. آیین نامه مربوط به نحوه جبران خسارت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید».

و نیز تبصره ۱۰ تصویب نامه ای به نام «مقررات سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» مبنی بر اینکه: «سرمایه سرمایه گذاران خارجی که پذیرش آن ها مطابق تبصره (۱) ماده (۶) این مقررات به تصویب اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد رسیده باشد، چنانچه در مواردی به وسیله قانون به نفع عموم ملی شود یا اینکه از سرمایه گذاران یاد شده سلب مالکیت شود جبران عادلانه خسارت به عهده دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد. پرداخت خسارت به مأخذ ارزش بازاری سرمایه گذاری بلافاصله قبل از ملی شدن و یا سلب مالکیت خواهد بود و سرمایه گذار خارجی ظرف مدت سه ماه از تاریخ ملی شدن یا سلب مالکیت، تقاضای جبران خسارت را به سازمان منطقه تسلیم نماید». قرار دارد که

... براساس آماری که سازمان اطلاعات تجاری از وضعیت تجاری کشورها به صورت جهانی و منطقه ای ارائه داده است، ایران (طی سال های ۲۰۰۲-۱۹۹۸) از حیث جهانی در بین ۶۰ کشور رتبه ۵۹ و از حیث منطقه ای و در بین ۸ کشور (الجزایر، مصر، ایران، عراق، عربستان، نیجریه، اسرائیل و آفریقای جنوبی) رتبه ۷ را دارا می باشد. از طرف دیگر روشن است که سرمایه گذاران اصولاً از ریسک گریزان می-باشند. این در حالی است که بالا بودن ریسک یکی از شاخصه های بازار ایران است؛ زیرا در ایران قیمت ها محصول مکانیزم ها و قواعد نظام بازار نیست. بلکه این دولت است که با دخالت وسیعی خود قیمت ها را مشخص می کند، عوامل تأثیرگذار بر تولید مانند تک یا چند نرخ بودنی، نرخ ارز، نرخ بهره بانکی، نرخ سوخت، تعرفه های گمرکی و ... توسط دولت مشخص می شود و با توجه به اینکه در ادامه همین سیاست، قوانین و مقررات در حال تغییر می باشند بخش خصوصی از حضور در بازار ایران یا سرمایه گذاری قابل توجه در آن خودداری می کند. (رزاقی، ابراهیم؛ خصوصی سازی در ایران، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۱-۷۲).

۱. مطابق زیر بند ۴ از بند الف ماده ۴ آئین نامه اجرایی این قانون: «سرمایه خارجی در قبال ملی شدن و سلب مالکیت تضمین می شود و سرمایه گذاری خارجی در این موارد حق دریافت غرامت را دارد».

در کنار مفاد موضوعاً مرتبط موافقتنامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری میان ایران و دولت‌های دیگر^۱، مجموعاً نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت ناشی از ملی‌سازی و سلب مالکیت سرمایه‌های خارجی را تشکیل می‌دهند.

نسبت میان قانون تشویق و حمایت با قانون چگونگی اداره مناطق، آنگونه که از عنوانشان بر می‌آید عام و خاص است. به عبارت دیگر، قانون دوم منحصرراً راجع به مناطق آزاد تحت پوشش^۲ است و بر این مبنای، قانون حاکم بر غیرمناطق یاد شده و نیز در مواردی که در قانون چگونگی اداره مناطق، حکمی مقرر نشده باشد قانون نخست (قانون تشویق و حمایت) است. ذیل ماده ۲۴ قانون یاد شده نیز با بیان اینکه بی‌اعتباری یا تغییر این قانون توسط قوانین آتی، منوط به تصریح بدون ابهام این موضوع در قوانین متعاقب است^۳ تلویحاً درصدد بیان اقتدار این قانون و حاکمیت آن بر موضوع سرمایه‌گذاری به عنوان یک قاعده است^۴.

در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و به‌طور مشخص در ماده ۹ این قانون به صراحت و به صورت غیرقابل‌بحثی، مشخص نشده است که چه منبع قانونی می‌تواند وسیله حقوقی ملی‌سازی و سلب مالکیت گردد. در این مقرر از واژه «قانون» استفاده شده که به‌طور بالقوه می‌تواند

پذیرای تفاسیر چندی قرار گیرد. در نظام حقوقی ایران، اعمال اقتدار دولت - حکومت که به صورت تصمیم‌گیری نمود می‌یابد؛ می‌تواند به صورت مختلفی همچون قانون، آئین‌نامه، آراء وحدت رویه و تصمیمات مقامات عالی و اداری ظاهر گردد. بر این مبنای، آیا به عنوان مثال، رئیس‌جمهور و یا هیأت وزیران، صلاحیت سلب مالکیت یا ملی نمودن یک سرمایه‌گذار خارجی را دارند؟

در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که هیأت وزیران و هریک از وزراء دارای چنین صلاحیتی هستند زیرا ماده ۲۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در ذیل خود مقرر داشته که: «..... آئین‌نامه مربوط به نحوه جبران خسارت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید». از طرف دیگر زیربند ۲ از بند ب ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت نیز همین معنا را مورد دفاع قرار می‌دهد. در این ماده مقرر شده که:

«جبران زیان سرمایه‌گذاری خارجی ناشی از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت‌نامه‌های بر اثر وضع قانون و یا تصمیمات دولت حداکثر تا سقف اقساط سررسیده شده توسط دولت تضمین می‌شود»^۵.

با این حال، این برداشت درست نمی‌باشد. زیرا اولاً در ماده ۲۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، آئین

۱. ایران تا کنون موافقتنامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری فراوانی را با کشورهای مختلف و به تصویب رسانده است. در سایت مجلس شورای اسلامی، فهرست این موافقتنامه‌ها که عمدتاً ادبیات و عبارت‌پردازی همسانی دارند آمده است.

۲. مطابق ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق، مناطق تحت پوشش قانون شامل: الف- منطقه آزاد جزیره کیش، ب- منطقه آزاد قشم حداکثر به وسعت سیصد کیلومتر مربع به هم پیوسته در ضلع شمال شرق جزیره، در محدوده‌ای که هیأت وزیران تعیین خواهد نمود. پ- منطقه آزاد چهابهار می‌باشند.

۳. «...مفاد این قانون توسط قوانین و مقررات آتی در صورتی لغو یا تغییر می‌یابد که لغو یا تغییر این قانون در قوانین و مقررات مذکور تصریح شده باشد».

۴. زرگوش، مشتاق؛ حقوق اداری تملک املاک، شبه تملک‌ها و سلب مالکیت از سرمایه‌ها توسط دولت، منبع پیشین، ص ۴۰۴.

۵. ماده ۳۰ آئین‌نامه اجرایی این قانون نیز متضمن حکم مشابهی است. به موجب این مقرر: «دولت با رعایت اصل (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین حدود تعهدات قابل‌پذیرش موضوع تبصره (۲) ماده (۱۷) قانون را به وزیران عضو شورای عالی سرمایه‌گذاری تفویض می‌نماید. هیأت مجاز است میزان خسارت حاصل از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت‌نامه‌های مالی مربوط را تا سقف تعهدات حال شده در محدوده تعهدات قابل‌پذیرش از سوی شورای عالی سرمایه‌گذاری که در مجوز سرمایه‌گذاری قید گردیده است، تعیین نماید...»

نامه‌ای که بنا بوده تصویب گردد بنا به تصریح قانون ناظر به «نحوه جبران خسارت» است و نه سلب مالیکت و ملی سازی و ثانیاً مفاد مورد استناد مربوط به آئین نامه قانون تشویق، حتی اگر صحیح بوده و این آئین نامه مطابق قانون و در چهارچوب قانون وضع شده باشد وضعیت مشابهی داشته و منحصراً ناظر به «... ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت نامه مالی...» بوده و نه ملی سازی یا سلب مالیکت. به نظر نگارنده، تنها منبع مجاز برای این مهم، «قانون اولیه» است و منظور از واژه «قانون» در قوانین یاد شده؛ مفهوم خاص قانون است و هیچ تصمیم دیگری و به طور مشخص، آراء وحدت رویه قضایی و نیز تصویب نامه، آئین نامه و به طریق اولی بخشنامه، دستورالعمل و مواردی از این دست که در زمره قانونگذاری ثانویه هستند، نمی توانند به این مهم بیانجامند.

لازم بذکر است که دولت نمی تواند بدون دلیل موجه سرمایه را ضبط کند و باید یک منفعت عمومی در ورای تصمیم دولت نهفته باشد یا اینکه دولت نمی تواند سرمایه را مثلاً به صرف اینکه مالک آن تبعه کشور خاصی است و یا مالک دارای اوصاف خاصی است ضبط کند و لازم است ضبط مال بدون تبعیض باشد و نیز ضرورتاً خسارات سرمایه گذار خارجی جبران شود و غرامت به او پرداخت گردد. عبارت «پرداخت مناسب غرامت بسیار مبهم است. ماده ۹ علاوه بر ضابطه غرامت (پرداخت مناسب غرامت) ضابطه ارزیابی را هم تصریح کرده است و آن عبارت است از ارزش واقعی سرمایه گذاری بلافاصله قبل از سلب مالیکت، طبعاً تقویم ارزش واقعی قبل از سلب مالیکت با کارشناسان و مقومین و یا محکمه خواهد بود؛ قید بلافاصله قبل از سلب مالیکت به این معنی است که تقلیل ارزش مال و بعضاً ارتقای ارزش آن در اثر دخالت دولت و سلب مالیکت نباید در تقویم مؤثر باشد واژه «بلافاصله» نسبی است و

تعیین دقیق آن در صورت اختلاف با محکمه است. قبل از عمل رسمی سلب مالیکت شایعه دخالت دولت موجب نوسان در ارزش مال می شود و تقویم تأثیر این دوره با محکمه می باشد. منظور از شرط «فرآیند قانونی» نیز چندان روشن نیست و می تواند بدین معنی باشد که سلب مالیکت یا ملی کردن حتماً باید به موجب قانون باشد و در این فرض مصادره حکمی که به مصادره غیر مستقیم یا خزنده هم شهرت دارد مستثنی می گردد و یا منظور رعایت حقوقی سرمایه گذار در تمامی مراحل من جمله، مراجعه به محاکم و تعیین غرامت می باشد. مطابق قانون فوق، سرمایه گذاران برای تقاضای جبران خسارات وارده ناشی از سلب مالیکت یا ملی شدن باید به هیأت سرمایه گذاری خارجی موضوع ماده ۶ قانون مراجعه نمایند. مهلت مراجعه یک سال است.^۱ هرگاه اختلافی درخصوص سلب مالیکت یا ملی شدن پیش می آید، موضوع توسط مراجع مندرج در ماده ۱۹ قانون حل و فصل می شود. دراین خصوص قابل ذکر است که قانون هیچ ضمانت اجرایی برای عدم رعایت شروط مندرج در ماده ۹ پیش بینی نمی کند. اگر دولت بدون رعایت آن شروط سرمایه خارجی را ضبط کند یا ملی کند چه آثاری بر عمل دولت قابل تصور است؟ تصمیم گیری در خصوص این امر نیز با محکمه صالحه خواهد بود.

در صورتی که فعل دولت غیرقانونی باشد، دولت علاوه بر جبران خسارات مستقیم، ممکن است به پرداخت غرامت از بابت خسارات جانبی و تبعی نیز محکوم شود. اما اگر محکمه قانون داخلی را ناظر بر قضیه تشخیص دهد، طبعاً مقررات قانون داخلی تعیین کننده آثار و عواقب فعل غیر قانونی دولت خواهد بود.^۱ در اینجا باید چند نکته را یادآور شد: نکته اول اینکه معمولاً سلب مالیکت نامشروع و غیرقانونی کمتر رخ می دهد و مراجع رسیدگی

۱. تبصره ۱ ماده ۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی ایران مصوب ۱۳۸۱.

ملاحظه شد دیوان دآوری لاهه نیز در پرونده هایی مانند اموکواز این نظر پیروی کرده است.^۵ اصولاً در اکثر معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری کشورها نیز از جمله ایران شروط مقرر برای ملی سازی مشروع، الزامی به جبران خسارت، پیش بینی شده و هرچه بیشتر این شرایط به قواعد مطلوب سرمایه گذاران نزدیک باشد عاملی خواهد بود تا سرمایه گذاران خارجی انگیزه بیشتری به سرمایه گذاری در کشور میزبان پیدا کنند. لذا ماده ۶ «موافقت نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاران بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کنفدراسیون سوئیس» به عنوان یک نمونه در این باره مقرر می دارد:

«هیچ یک از طرف های متعاقد، چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم، اقداماتی جهت مصادره یا ملی کردن سرمایه گذاری های سرمایه گذاران طرف متعاقد دیگر یا اقدامات دیگری در جهت سلب مالکیت این قبیل سرمایه گذاران نسبت به سرمایه گذاری هایشان به عمل نخواهد آورد، مگر اینکه چنین اقدامی در جهت منافع عمومی، به روشی غیر تبعیض آمیز و طبق موازین قانونی باشد و جبران خسارت مؤثر و کافی پیش بینی شده باشد. مبلغ خسارت، بدون تأخیر به شخص ذیحق پرداخت خواهد شد». البته شایان ذکر است که در رویه ی معاهداتی ایران در انعقاد معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری رویه ی ثابتی درباره استاندارد غرامت مشاهده نمی شود و بسیار متنوع است.^۶ همانطور که مشاهده می شود در این موافقتنامه فرمول پرداخت غرامت به شکل «جبران خسارت مؤثر و کافی» پیش بینی شده است. و این مهم در خود قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری

کننده به ندرت عمل دولتی را در سلب مالکیت نامشروع تلقی می کنند؛ مگر آنکه دولتی در ضبط اموال سرمایه گذار خارجی انگیزه غیراقتصادی و نامربوط به منافع ملی را صراحتاً عنوان کند؛ نکته دیگر اینکه اگر سلب مالکیت، نامشروع باشد و مطالبه عدم النفع موجه گردد.^۷ این غرامت محدود به نفعی خواهد بود که فوت آن تا هنگام صدور رأی، تحقق یافته باشد و موارد احتمالی و فرضی، قابل پرداخت نیست. از این رو، دیوان دآوری لاهه در پرونده اموکو نیز چنین نظر داده است: «... حتی در مورد مصادره نامشروع، خسارتی که واقعاً وارد شده ضابطه غرامت است»^۸.

برای جبران خسارت سرمایه گذار خارجی تعیین میزان خسارت قابل جبران اجتناب ناپذیر است. با این حال، روش یکنواخت و قاعده فراگیر برای تعیین غرامت یاد شده وجود ندارد، محاسبه خسارت به روش «جریان نقدی تنزیل شده» دو مرحله دارد: در مرحله اول، تمامی سود خالص که در آینده ممکن است نصیب شرکت شود محاسبه می شود یعنی مجموع درآمدهایی که ممکن است در آینده نصیب شرکت شود پیش بینی شده سپس هزینه های بهره برداری و نگهداری از آن کسر می شود و در مرحله دوم تنزیل آینده کسر می شود.^۹

در روش «جبران خسارت مناسب» اگر سلب مالکیت قانونی باشد؛ می بایست غرامتی برابر «ارزش عادلانه چیزی که مصادره شده» یعنی «ارزش شرکت در هنگام سلب مالکیت» پرداخت شود و اگر سلب مالکیت نامشروع باشد، مطالبه عدم النفع نیز موجه می شود. اما این غرامت محدود به نفعی خواهد بود که فوت آن تا هنگام صدور رأی تحقق یافته باشد و موارد احتمالی و فرضی قابل پرداخت نیست.

۱. پیران، حسین؛ مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، منبع پیشین، ص ۲۶۰.
۲. علیدوستی شهرکی، ناصر؛ جبران خسارت سلب مالکیت در سرمایه گذاری خارجی، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۴۶-۴۷، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۹۳.
۳. افتخار جهرمی، گودرز؛ دیوان دآوری دعاوی ایران - امریکا و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین الملل، منبع پیشین، ص ۹۴.
۴. علیدوستی شهرکی، ناصر؛ جبران خسارت سلب مالکیت در سرمایه گذاری خارجی، همان، ص ۸۰.
۵. علیدوستی، شهرکی، ناصر؛ احترام مالکیت و سرمایه گذاری خارجی، منبع پیشین، ص ۳۰۴.
۶. محبی، محسن؛ مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه دآوری بین المللی، منبع پیشین، ص ۳۸.

خارجی ایران «پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت» قید شده است که در مجموع می توان نتیجه گرفت قانون ایران و به تبع آن موافقت نامه های منعقد شده بسیار لیبرال بوده و نزدیک به استانداردهای بین المللی تدوین شده علی الخصوص در موافقتنامه اخیر که استاندارد «جبران خسارت مؤثر و کافی» تصریح شده و بسیار نزدیک به قاعده و فرمول (ها) که یکی از معیارهای شاخص و مطلوب نظر سرمایه گذار خارجی و حتی کشورهای سرمایه فرست است، می باشد و می تواند این مهم در جذب سرمایه گذار خارجی از منظر خود سرمایه گذار و وکلای وی یک نکته مثبت و طلایی قلمداد شود و در خود قانون سرمایه گذاری خارجی ایران قید «پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه گذاران بلافاصله قبل از سلب مالکیت» تصریح شده و «جبران خسارت مؤثر و کافی» در موضع ملی کردن با تحولات دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به پرداخت غرامت مناسب تعبیر شد و قانون جلب سرمایه گذاری ایران نیز از این نرم در خود قانون اصلی اش بهره جسته و نشان می دهد این معیار قانون اصلی سرمایه گذاری خارجی ایران نیز متناسب با معیار استاندارد و بین المللی حقوقی می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

قاعده تسلیط و حمایت از مالکیت در زندگی روزمره بشر جایگاه خاصی دارد و این اصل مالکیت را مصون از تعرض قرار می دهد مگر آنکه به موجب قانون برای حفظ مصالح عمومی در برابر غرامت مناسب مقررهای تصویب شود. این اصل در منابع فقهی ریشه دارد و همچنین در اصل ۴۷ قانون اساسی و به طور خاص در ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذار خارجی مصوب ۱۳۸۱ مورد تأیید قرار گرفته است ولی با مروری بر مجموعه قوانین و مقررات شهری به این موارد برخورد می کنیم:

۱. برخورد های احساسی و همچنین جزئی نگری و

۲. تشدت و کثرت قوانین موجود در این زمینه و بعضاً تعارض میان آن ها و مشخص نبودن اولویت و ارجحیت میان قوانین.
۳. تعدد مراجع ذیصلاح در تدوین و تنظیم ضوابط و مقررات مرتبط با این موضوع.
۴. تغییرات مکرر و سریع قوانین که موجب عدم اطلاع به موقع مجریان و مخاطبان از قوانین شده و بعضاً باعث بکارگیری قوانین نسخ شده می گردد.
۵. عدم توجه به نظرات کارشناسی مختلف در جهت لحاظ نمودن دیدگاه ها و جنبه های مختلف و اثراتی که قوانینی از این قبیل در جامعه دارند.

سیر قانونگذاری در تدوین مقررات شهری مربوط به نحوه اجرای طرح های عمومی و سلب و تحدید حقوق مالکانه اشخاص، بیشتر تحت تأثیر قواعد و اصولی بوده که حقوق عمومی و دولت بر حقوق مالکانه اشخاص ترجیح می دهند؛ تردیدی نیست که باید برای رسیدن به اهدافی که متضمن منافع عمومی و تأمین کننده مصالح اجتماعی است، تلاش کرد؛ اما اینکه اشخاص و افراد در این مسیر، چه هزینه هایی باید پرداخت کنند و تا چه میزان باید از آزادی ها و مالکیت خصوصی بگذرند مهم و درخور توجه است. در دین اسلام به عنوان یکی از منابع اصلی تغذیه حقوق موضوعه ایران، بر احترام به مالکیت خصوصی تأکید گردیده است. از این روی، شایسته است که مقنن در تدوین این قبیل مقررات، توجه و التفات ویژه به حقوق اشخاص نشان دهد. وضعیت فعلی قوانین موجود در زمینه سلب و تحدید حقوق مالکیت اراضی شهری توسط دولت راضی کننده نیست و تضمینات لازم را برای حفظ حقوق مالکانه اشخاص، ایجاد نمی کند. با این اوصاف بهتر است قوانین فعلی اصلاح شوند و جهت گیری اصلاح باید به سمتی باشد که بر جریان تملک قهری حقوق مالکانه، به نوعی نظارت قضایی وجود داشته باشد؛ تا در پرتو این نظارت از خودسری و خودکامگی های احتمالی متصدیان امر

دارایی‌هایی را که با کسب مجوز سرمایه‌گذاری به ایران وارد شده است ضبط نماید؛ باید این چهار شرط را رعایت کند و گرنه فعل دولت غیر قانونی خواهد بود.

به نظر نگارنده، تنها منبع مجاز برای این مهم، «قانون اولیه» است و منظور از واژه «قانون» در قوانین یاد شده؛ مفهوم خاص قانون است و هیچ تصمیم دیگری و به طور مشخص، آراء وحدت رویه قضایی و نیز تصویب نامه، آئین نامه و به طریق اولی بخشنامه، دستورالعمل و مواردی از این دست که در زمره قانونگذاری ثانویه هستند، نمی‌توانند به این مهم بیانجامند؛ همچنین دولت نمی‌تواند بدون دلیل موجه سرمایه را ضبط کند باید یک منفعت عمومی در ورای تصمیم دولت نهفته باشد یا اینکه دولت نمی‌تواند سرمایه را مثلاً به صرف اینکه مالک آن تبعه کشور خاصی است و یا مالک دارای اوصاف خاصی است ضبط کند و لازم است ضبط مال بدون تبعیض باشد و نیز ضرورتاً خسارات سرمایه‌گذار خارجی جبران شود و غرامت به او پرداخت گردد. در قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران «پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت» قید شده است که در مجموع می‌توان نتیجه گرفت قانون ایران و به تبع آن موافقت نامه‌های منعقد شده بسیار لیبرال بوده و نزدیک به استانداردهای بین‌المللی تدوین شده علی‌الخصوص در موافقتنامه اخیر که استاندارد «جبران خسارت مؤثر و کافی» تصریح شده و این امر می‌تواند عاملی مهم در جذب و تشویق سرمایه‌گذار خارجی قلمداد شود و قید «پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذار بلافاصله قبل از سلب مالکیت» تصریح شده است که این معیار قانون ایران نیز متناسب با معیار استاندارد و بین‌المللی حقوقی «قاعد جبران خسارت مؤثر و کافی» می‌باشد.

منابع و ماخذ

۱. ابوالحمده، عبدالحمید (۱۳۷۶) حقوق اداری ایران، تهران: انتشارات توس.

جلوگیری شود؛ از دو نکته نباید غافل شد؛ یکی از اینکه، این نظارت، هر چند لازم است ولی نباید به نحوی باشد که باعث اطاله و کندی جریان تملک حقوق مالکانه شود؛ دیگر این است که این نظارت قضایی از سوی مراجع قضایی خاصی انجام شود. تخصصی شدن این نظارت هم به نفع عموم است و هم باعث جلب حمایت از حقوق مالکانه است.

یکی از موانع حقوقی که دغدغه اصلی سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد؛ عدم احترام به حقوق مالکیت وی و رفتار عادلانه و غیر تبعیض آمیز در کشور سرمایه‌پذیر و نوع موضع‌گیری قانون نسبت به وی است. این موضوع در قانون سرمایه‌گذاری خارجی هر کشوری ملی کردن و سلب مالکیت سرمایه‌ی سرمایه‌گذاران خارجی است که در آن حق مالکانه سرمایه‌گذار خارجی با دلایل و توجیهاتی سلب می‌شود؛ از همین رو سلب مالکیت و ملی کردن اموال سرمایه‌گذاران خارجی از معضلات و خطرات جدی برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد و به همین دلیل بیشترین اقدامات احتیاطی برای مقابله با این خطر به عمل می‌آورند. حمایت از مالکیت به دلیل جلب و طیب خاطر حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی و رقابت بین خود کشورها موضوعی مهم در سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شود و در قانون اغلب کشورها مثل ایران اصل بر عدم سلب مالکیت و عدم ملی‌سازی قرار داده شده است.

قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ به عنوان اصلی‌ترین قانون حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در ماده ۹ به بحث «ملی کردن» به عنوان یک استثنا در قاعده احترام مالکیت در مبحث سرمایه‌گذاری خارجی مقرر می‌کند: «سرمایه‌گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی به موجب فرایند قانونی به روش غیر تبعیض آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت» در این خصوص مطابق قانون مورد بحث، هرگاه دولت ایران قصد داشته باشد اموال و

۲. افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۳) دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، شماره ۱۵.
۳. انصاری، ولی الله (۱۳۷۷) کلیات حقوق اداری، تهران: نشر حقوقدانان.
۴. برادران، علی رضا (۱۳۸۷) بررسی مکانیزم های حقوقی تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران، رشته حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۵. پاکدامن، رضا (۱۳۸۶) مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت اقتصادی خارجیان در ایران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۶. پیران، حسین (۱۳۸۹) مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، تهران، گنج دانش.
۷. تفرشی، عیسی (۱۳۸۶) تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران (مطالعه تطبیقی)، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۸. حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تیس، چاپ اول.
۹. حسن زاده، بهرام (۱۳۹۳) حقوق تحلیلی اراضی و املاک، انتشارات جنگل، چاپ سوم.
۱۰. حسیبی، به آذین (۱۳۹۰) دولت و سرمایه گذاران خارجی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۱. حجازی، احمد (۱۳۷۰) ارزش اموال مصادر شده بیگانگان در آرای دیوان داوری ایران و ایالت متحده، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره چهاردهم و پانزدهم.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱) ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۱۳. خردمندی، سعید (۱۳۹۲) تحدید مالکیت، انتشارات اندیشه عصر، چاپ اول.
۱۴. خرم فرهادی، یوسف (۱۳۸۸) تحلیل موافقت نامه های دو جانبه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاران میان ایران و سایر کشورها در دهه های اخیر (۱۳۷۵-۱۳۸۵)، رساله دکتری، رشته حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۱۵. خمینی، روح الله (۱۴۲۱) کتاب البیع، جلد اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۶. سلجوقی، محمود (۱۳۸۵) حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
۱۷. رضایی، مهدی؛ بررسی موانع حقوقی سرمایه گذاری خارجی در ایران با تأکید سرمایه گذاری در حوزه انرژی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۸. رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۰) خصوصی سازی در ایران، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۹. زرگوش، مشتاق (۱۳۹۱) حقوق اداری تملک املاک، شبه تملک ها و سلب مالکیت از سرمایه ها توسط دولت، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲۰. صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۰) اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، مشهد: انتشارات جهاد سازندگی مشهد (خراسان)، ۱۳۶۰.
۲۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۶۲) کتاب الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱.
۲۲. طارم سری، مسعود (۱۳۷۹) حقوق بازرگانی بین المللی، چاپ و نشر بازرگانی.
۲۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۳) حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶) مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۲، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۵. علیدوستی، شهرکی، ناصر (۱۳۹۰) احترام مالکیت و سرمایه گذاری خارجی، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
۲۶. علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۸) جبران خسارت سلب مالکیت در سرمایه گذاری خارجی، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۴۶-۴۷.

۲۷. فیوضی، رضا (۱۳۵۶) مسئولیت بین المللی و نظریه ی حمایت سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸) اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، چاپ بیست و نهم.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) حقوق مدنی (ایقاع)، تهران: نشر دادگستر.
۳۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷) الکافی، ج ۲، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه ، ۱۴۰۷.ق.
۳۲. محبی، محسن (۱۳۸۶) مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین المللی، سلب مالکیت و غرامت در قرار داده های نفتی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول.
۳۳. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱) قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۳۴. محمدی، امید (۱۳۹۵) تحدید حقوق مالکانه در طرح های عمرانی و عمومی، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۳۵. میرزایی، علیرضا (۱۳۹۲) مراجع تشخیص اراضی موات نحوه رسیدگی و اعتراض، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ سوم.
۳۶. موسی زاده، رضا (۱۳۸۶) حقوق اداری، ج ۱-۲، تهران: نشر میزان.

37. Amoco international finance corp V. Iran, Iran – US. C.T.R, vol; 15, 1987 – II, pp. 51-52, 17 Avanesian Aida B. 1993, Iran-united stats clams Tribunal in Action, Kluwer academic .publisher grope London.
38. Michael Reisman & R. Doak Bishop, James Crawford 2005"Foreign investment disputes" published by Klawer Law International,Hague.
39. Michael Reisman & Robert D. Sloane, (2004) "Indirect Expropriation and Its Valuation in the BIT Generation," 74 The British Yearbook of Interna-



بررسی تحلیل فضایی روستاهای دهستان دشت بیل اشنویه با استفاده از تحلیل مولفه های مبنا و ORESTE

امامعلی عاشری* - استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

The study spatial analysis villagers of Dasht Bill district Oshnavieh using PCA and ORESTE

Abstract

One of the important steps in planning policy and rural development, evaluation and development of villages and determining the level of inequality and deprivation is to raise living standards. To examine the development of the county, Plain Bill, the various indicators of economic, social and infrastructure were spatial analysis. This research purpose and application of data analysis, research a bit. First data on 25 indicators in the form of a matrix M_Mode 20 rural region of the Statistical Yearbook Encyclopedia of Counties collected and were extracted. The standard spatial data and using two statistical techniques ORESTE and principal component analysis (PCA) was calculated inequality degree of development in rural areas. The results showed that the use of statistical techniques mentioned that the results will be more in tune with the realities of rural area. On the other hand, given the low level and the low level of development of the village was higher than 70% ($7500 < x$), and only the status quo for 10 percent of the village (Ghblaq and Gelaz) above the normal level, solutions including the development and expansion of welfare and development projects in central villages and rural policy of decentralization in services was proposed.

Keywords: Rural Development; Spatial Analysis; ORESTE; PCA; District Dashte Bill

چکیده

از گامهای مهم در برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه روستایی ارزیابی سطح برخورداری و توسعه یافتگی روستاها و تعیین نابرابری ها و میزان محرومیت آنها برای ارتقای سطح زندگی است. جهت بررسی توسعه روستایی دهستان دشت بیل، شاخصهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی تحلیل فضایی شدند. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر تجزیه و تحلیل داده ها، تحقیق کمی است. ابتدا داده های مربوط به ۲۵ شاخص ۲۰ روستایی منطقه به صورت یک ماتریس M_Mode از سالنامه آماری فرهنگ آبادیهای جمع آوری و استخراج شدند. سپس داده ها استاندارد مکانی شدند و با استفاده از دو تکنیک آماری ORESTE و تحلیل مولفه های مبنا (PCA) نابرابری درجهی توسعه یافتگی روستاها محاسبه گردید. یافته ها نشان داد که، استفاده از دو تکنیک آماری مذکور باعث خواهد شد که نتایج حاصله با واقعیت های موجود در عرصه روستایی تطابق بیشتری داشته باشد. از طرفی، با توجه به اینکه سطح کم برخورداری و درجه کم توسعه یافتگی ۷۰ درصد از روستاها بیشتر از ($x > 7500$) بود و تنها وضعیت موجود برای ۱۰ درصد روستاها (آغبلاق و گلاز) در حد نرمال به بالا بود، راهکارهایی شامل توسعه و گسترش خدمات رفاهی و عمرانی در روستاهای مرکزی و اتخاذ سیاست عدم تمرکز در ارائه خدمات روستایی پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، تحلیل فضایی، ORESTE، PCA، دهستان دشت بیل

مقدمه

و وضعیت برخورداري روستاهای یک منطقه در مدل‌های مختلف توسعه چگونه است؟ آیا نتایج حاصل از انتخاب مدل‌های مختلف توسعه روستایی یک منطقه مشابه همدیگر است؟ با این رویکرد، در این مطالعه سعی بر آن است که نتایج حاصل از اعمال مدل‌های مختلف توسعه روستایی بررسی تطبیقی گردد و گامی کوچک در راستای روشن شدن ابعاد مختلف مدل‌های توسعه منطقه ای برداشته شود. زیرا اغلب مطالعات موجود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد صرفاً بر انتخاب یک مدل تمرکز داشته اند و شاید همین موضوع باعث شده که نتایج حاصل برای برنامه ریزان و تصمیم گیران همیشه با شک و تردید و ابهام همراه باشد و چنین مطالعاتی نتوانند برنامه ریزان توسعه روستایی را برای اتخاذ تصمیمات قاطع در فرآیند توسعه یک منطقه به حصول اطمینان برسانند.

از طرفی، با توجه به اشرافیت کامل محققین بر تک تک روستاهای منطقه مورد مطالعه و لزوم تلاش در راستای پر کردن خلاء تحقیقات تطبیقی و ارائه پیشنهادهای با حصول اطمینان بیشتر برای توسعه روستایی یک منطقه، دلیل محکم و قانع کننده ای برای اهمیت مضاعف انجام این تحقیق بود و ضرورت انجام چنین مطالعه ای را بر همگان آشکار می کند. با این توصیف، در راستای موضوع تحقیق، بررسی مقایسه ای وضعیت برخورداري ۲۰ روستای واقع در دهستان دشت بیل اشنویه با تأکید بر ارزیابی ۲۵ شاخص موثر و مهم اقتصادی، زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی- درمانی با استفاده از روشهای آماری تحلیل مولفه های مینا (PCA) و ORESTE مهمترین اهداف این تحقیق می باشد تا براساس حصول نتایج منطق بر واقعیت، جهت توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه، گامی نسبتاً موثر جهت برنامه ریزی و اتخاذ تصمیمات صحیح و لازم توسط مسئولین امر برداشته شود و با انتخاب رویکرد جامعی بویژه راهبردهای توسعه پایدار، نسبت به برنامه ریزی توسعه یکپارچه روستایی

تنازیری های فضایی جغرافیایی به ویژه (نازیری اجتماعی - اقتصادی)، در نواحی روستایی، فشار شدید مردم برای دریافت انواع خدمات و امکانات را در نواحی شهری به دنبال داشته است. وجود ناهمبستگی های فضایی و نازیری در توزیع امکانات و خدمات به عنوان ویژگی اصلی ساختار فضایی سکونتگاه های شهرستان اشنویه و ارومیه قابل مشاهده است. برای جلوگیری از نازیری های فضایی و ناپایداری مناطق؛ مطالعه، سنجش و سطح بندی سکونتگاه ها از لحاظ برخورداري از امکانات و خدمات و تحلیل این نازیریها ضروری می نماید، تا شناخت لازم برای برنامه ریزی و مدیریت مناسب سرزمین بدست آید. به عنوان یک مفهوم، اگر توسعه متضمن بهبود کیفیت زندگی مردم روستایی باشد، به عنوان یک پدیده، می تون آنرا ناشی از عوامل فیزیکی، تکنولوژیکی، اقتصادی و عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی و نهادی دانست. توسعه روستایی شامل چند رشته در طبیعت به نمایندگی از تقاطع علوم کشاورزی، اجتماعی، رفتاری و مدیریت است. در مجموع، توسعه روستایی فرایندی است که با هدف بهبود افزایش استاندارد زندگی مردم در مناطق روستایی همراه است. در اصل، برنامه ریزی توسعه روستایی نیازمند استفاده از شاخص های مناسب و مدلها و روشهای کارآمد و پیشرفته آماری است. انتخاب روش آماری مناسب برای توسعه روستایی هر منطقه، نیازمند بررسی مقایسه روشهای متفاوت و انتخاب مناسب ترین روش و مدل منطبق با واقعیت وضع موجود است. تحلیل تاکسونومی عددی، تحلیل مولفه های مینا (PCA) و روش آنالیز ارسته (ORESTE) از روشهای معمول برای بررسی شاخصهای توسعه روستایی است.

از آنجا که توسعه روستایی فرایندی پیچیده و مستلزم بررسی مدل‌های مختلف و یافتن مناسب ترین مدل است، همیشه این ابهام و سوال در ذهن محقق و خواننده مطرح و باقی بوده که جایگاه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

منطقه اقدامات لازم انجام گردد. بنابراین فرضیات ذیل مطرح است: الف) به نظر می رسد روش آنالیز ارسسته (ORESTE) نسبت به مدل تحلیل مولفه های مبنا برای توسعه روستایی دشت بیل واقعیت منطقه را بهتر نشان می دهد و ب) به نظر می رسد نزدیک ترین روستاها به شهر، برخوردارترین روستاها باشند.

این تحقیق با این هدف بر آن است که، توسعه روستایی دهستان دشت بیل اشنویه را با بکارگیری روشهای آماری PCA و ORESTE تحلیل فضایی و بررسی مقایسه ای کند بطوریکه، امید است در راستای مدیریت و کاهش اثرات ناشی از روزهای خشک گام مثبتی برداشته شود و به تصمیم گیران کمک کرده باشد.

پیشینه تحقیق

تاکنون در خارج و داخل کشور مطالعات فراوانی در رابطه با بکارگیری روش تحلیل عاملی انجام شده است و متخصصین رشته های مختلف علمی، موضوعات متفاوتی را با استفاده از مدل های مذکور بررسی کرده اند. زیرا نتیجه و ماحصل همه این مدلها رسیدن به اصل وحدت در حین کثرت و به حداکثر رساندن وحدت و تجانس درون گروهی و عدم تجانس برون گروهی موضوعات و موارد مختلف جغرافیایی است. اما به دلیل نسبتاً جدید بودن روش ORESTE تعداد مطالعاتی بسیار اندک می باشد. از آنجمله مطالعات مرتبط با روشهای مذکور کارهای ارزشمند پاستیجن و لیسن (۱۹۸۹)، وان هوگی (۱۹۹۵)، خی و همکاران (۲۰۱۵ a,b)، ایمران و همکاران (۲۰۱۴)، اونها و همکاران (۲۰۱۳) و در ادبیات علمی ایران مطالعات مهم نسترن و فتاحی (۱۳۸۸)، زرآبادی و عبدالله (۱۳۹۳)، فانی و همکاران (۱۳۹۳)، ناظمی و همکاران (۱۳۹۴)، غفاری گیلانده و همکاران (۱۳۹۴) مرادی اسطخ زیر (۱۳۹۴)، حلاجیان (۱۳۹۵)، نظم فر و همکاران (۱۳۹۵) و ارغان (۱۳۹۶) قابل ذکر است.

نتایج حاصل از تحقیق فانی و همکاران (۲۰۱۴: ۸۵)

نشان داد که، از نظر برخورداری از امکانات در سال ۲۰۰۹، شهرستان زاهدان رتبه اول و شهرستان کنارک رتبه دهم را در میان ۱۰ شهرستان استان سیستان و بلوچستان به خود اختصاص داد. این موضوع حاکی از وجود تفاوت های تیز و شدت نابرابری در کسب منافع توسعه بود. بنابراین، پارادایم غالب بر ساختار فضایی سیستان و بلوچستان پارادایم مرکزگرا بود (ضریب توزیع ۶۰٪).

محامدپور و اصغری زاده (۱۳۸۹، ص ۲۱۸) پنج پژوهشکده تحقیقاتی مخابرات ایران را با استفاده از ۱۳ شاخص و به کمک دو روش تئوری مطلوبیت چندشاخصه (MAUT) و ارسسته (ORESTE) رتبه بندی کرد. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داد که روش ارسسته تصمیم گیرنده را از هر گونه اطلاعاتی مجزا از ماتریس تصمیم گیری بی نیاز می سازند و امکان هر چه بیشتر فرآیند را فراهم می آورد.

در مجموع، غالب مطالعات مذکور با رویکردهای مختلف عمدتاً با یک مدل و یا نهایتاً به دو مدل AHP و آنالیز تاکسونومی عددی به سطح بندی میزان برخورداری استانهای کشور و یا شهرستانهای یک استان و یا دهستانها و مناطق روستایی در سطح یک استان پرداخته اند و نتایج سطح بندی و فرآیند توسعه مکانهای جغرافیایی را نسبت به تغییرات زمان بررسی کرده اند و اشاره چندانی به بحث مقایسه مدلها و کارایی و انطباق مدلهای مورد استفاده با واقعیت وضع موجود نکرده اند. شاید دلیل این امر گستردگی و بررسی در سطوح میانی و کلان منطقه بوده است.

روش تحقیق

دهستان دشت بیل واقع در شمال غربی شهرستان اشنویه واقع در جنوب غربی استان آذربایجان غربی قرار گرفته است (جدول ۱). از نظر موقعیت جغرافیایی، منطقه مورد مطالعه در ۴۵ درجه و ۰۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۰۶ دقیقه و ۲۲ ثانیه عرض جغرافیایی واقع شده است. از طرف غرب با دو کشور ترکیه و عراق همسایه است. این منطقه

(شبکه آب، برق، گاز، پست مخابرات، راه آسفالت، فاصله تا جاده اصلی ارتباط بین شهری، اجرای طرح هادی، خانه بهداشت، زمین و سالن ورزشی)، سطح برخورداری از درآمد اقتصادی (ترکیب اشتغال روستا، متوسط درآمد سالانه، تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، دسترسی به وسیله نقلیه عمومی و خصوصی، میزان هزینه خانوار در سال)، سطح برخورداری اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (میزان جمعیت، تعداد خانوار، جمعیت باسواد، شورا، دهیار، پزشک، مسجد و پیش نماز، کتابخانه عمومی، مدرسه ابتدایی، مدرسه راهنمایی، دبیرستان) تعداد ۲۰ روستای واقع در دهستان دشت بیل اشنویه از سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ «فرهنگ آبادیها» استخراج و تلخیص خواهد گردید این اطلاعات مختص به روستاهای با جمعیت بیش از ۱۰۰ نفر واقع در دهستان دشت بیل اشنویه بود (جدول ۲).

جهت حصول اطمینان داده های جمع آوری شده از نظر کمی و کیفی کنترل شدند و نواقص آماری با استفاده از اطلاعات نزدیک ترین خانه بهداشت روستای تحت پوشش برطرف شد. سپس، همچنانکه از مدل مفهومی تحقیق در شکل ۲ پیداست، به منظور طبقه بندی و درجه بندی میزان برخورداری هر روستا از دو روش آماری روش آنالیز

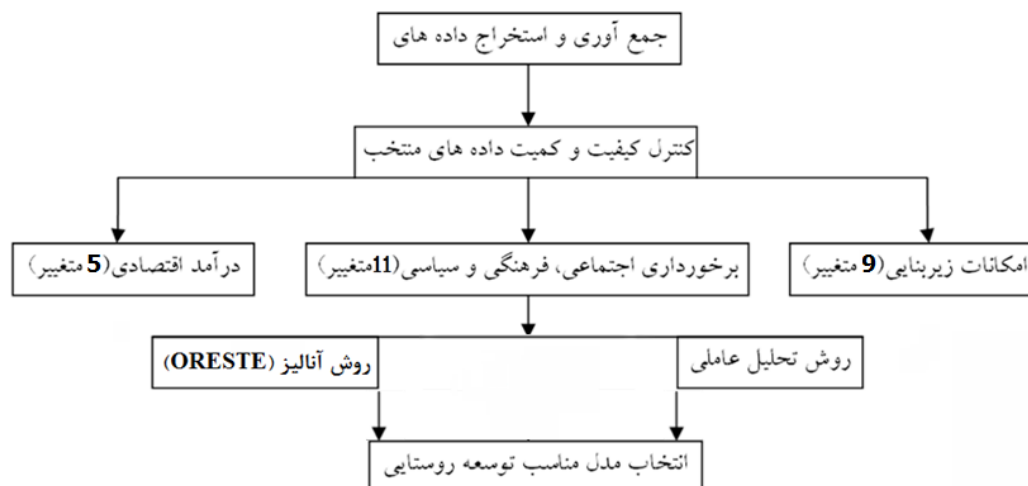
یکی از مناسب ترین منطقه دامپروری سطح استان است. ارتفاع متوسط منطقه حدود ۲۰۷۱ متر از سطح دریا است و مساحت آن حدود ۵۰ هزار هکتار می باشد (شکل ۱).

اصولاً تجزیه و تحلیل مولفه مبنا (PCA)، تکنیک آماری است که بین مجموعه ای فراوان از متغیرهایی که به ظاهر بی ارتباط هستند، رابطه ی خاصی را تحت یک مدل فرضی برقرار می کند (شرکت آمار پردازان، ۱۳۷۷، ص ۳۲۵). بنابراین، یکی از اهداف اصلی تکنیک مذکور، کاهش ابعاد داده هاست (فرشادفر، ۱۳۸۰، ص. ۲۹۰). این روش همچنین به عنوان مدلی شناخته شده در برنامه ریزی های منطقه ای مطرح بوده که دارای کاربردهای گسترده و متنوعی می باشد. ضرایب و نتیجه انجام تحلیل عاملی به عنوان مواد اولیه تحلیلی خوشه ای است که به موجب آن پدیده های مکانی و زمانی قابل دسته بندی هستند. تعداد مولفه های اصلی کمتر یا مساوی به تعداد متغیرهای اصلی است. این تکنیک آماری به عنوان یک آنالوگ از قضیه محور اصلی در مکانیک، بعدها به طور مستقل توسط هارولد هتلینگ توسعه داده شد (هوتلینگ، ۱۹۳۳، ص ۱۹۳۶).

در این تحقیق، ابتدا ۲۵ متغیر مهم مربوط به شاخصهای سطح برخورداری از امکانات زیربنایی

جدول ۱. اسامی روستاهای واقع در دشت اشنویه با جمعیت بیش از ۱۰۰ نفر

ردیف	روستا	جمعیت	ردیف	روستا	جمعیت	ردیف	روستا	جمعیت
۱	رشکوند	۱۳۶	۸	چهل آسیاب	۲۲۵	۱۵	اسلاملو	۴۶۵
۲	سنگر	۱۰۵۹	۹	کلاز	۳۱۵	۱۶	ترسه بلاغ	۲۲۷
۳	سیاوان	۹۱۹	۱۰	گندملاعیسی	۵۳۶	۱۷	عین الروم	۱۰۰
۴	آلیان	۷۳۹	۱۱	سرکانی	۲۴۹	۱۸	گرگ گل	۳۵۵
۵	گل ماران	۳۸۴	۱۲	شیوه برو	۱۵۰	۱۹	گنج آباد	۱۰۳
۶	علی آباد	۸۷۴	۱۳	لورلکان	۱۲۰	۲۰	آغبلاغ	۱۲۷۴
۷	دوربه	۴۲۶	۱۴	دوستاک	۴۵۳			



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

$$CO_{xy} = \frac{\sum (x_i - \bar{x})(y_i - \bar{y})}{N}$$

سپس روش آماری تحلیل عاملی بر روی ماتریس مذکور انجام خواهد شد. قبل از شروع انجام تجزیه و تحلیل عاملی اعتبارسنجی تجزیه عاملی از طریق محاسبه ی دترمینان ضرایب همبستگی بین متغیرها و محاسبه معیار کایزر- مییر- آلكاین آزمون خواهد گردید.

در مرحله چهارم ماتریس بارگویه ها محاسبه ی و عامل ها انتخاب گردید. در نهایت، به منظور محاسبه فاصله برخورداری روستاهای واقع در دهستان دشت بیل اشنویه از همدیگر بر اساس عامل های بدست آمده، با استفاده از فرمول حداقل فاصله اقلیدوسی زیر فواصل بین روستاها بر اساس رابطه ۳ محاسبه خواهد شد.

$$e_{jk} = \sqrt{\sum_{i=1}^n (x_{ij} - x_{ik})^2} \quad (3)$$

در این فرمول فاصله بین مشاهده k و j در یک مجموعه از مشاهدات است. x_{ij} مقدار متغیر i ام روی عضو j ام بوده و x_{ik} مقدار متغیر i ام روی عضو k ام بوده و n هم تعداد متغیرهای هر عضو است.

تبدیل کرده است به صورت رابطه ۱ نوشته می شود:

$$Y_i = \mu_i + \lambda_{i1}F_1 + \lambda_{i2}F_2 + \dots + \lambda_{i5}F_5 + e_i \quad i=1,2,\dots,25 \quad (1)$$

که در آن فرض می شود $e_i \approx N(0, \sigma_i^2)$ هستند. Y_i متغیر i ام، μ_i متوسط متغیر i ام برای ۲۰ روستاست. F_j ضریب ارتباط متغیر i ام با عامل j ام، عامل های مؤثر بر متغیرها هستند. e_i هم جملات خطا می باشند که فرض می شود از یکدیگر و از عامل های موجود مستقل اند (شرکت آمارپردازان، ۱۹۹۵، ص. ۳۲۵). در مجموع، جهت طبقه بندی روستاهای واقع در دهستان دشت بیل اشنویه مراحل زیر طی خواهد شد:

ابتدا ماتریس داده ها با در نظر گرفتن هدف این مطالعه در حالت M تنظیم خواهد شد. بدین ترتیب، ماتریسی از داده ها به ابعاد 20×25 (روستاها) در ۲۵ ستون (متغیرها) تنظیم خواهد شد.

در مرحله سوم ماتریس همبستگی بین داده ها محاسبه خواهد شد. نتیجه ی این مرحله، تهیه ی ماتریس ضرایب همبستگی یا ماتریس واریانس-کواریانس بین متغیرهاست. بنابراین، در اینجا ماتریس همبستگی از طریق کواریانس به صورت رابطه ۲ محاسبه خواهد شد.

۳. فواصل $(mk, 0)d$ بر روی مجموعه شاخص ها و گزینه ها با کمک برآورد مستقیم خطی فاصله محاسبه خواهد شد.

۴. سپس رتبه بندی مطلق بر روی فواصل برآورد شده به کمک روش میانگین رتبه های بس سون انجام شد. به طوریکه ماکزیمم و مینیمم رتبه ها از حاصلضرب تعداد سطر و ستون به صورت رابطه (۵) بدست می آید.

$$(1 \leq R(mk) \leq 500) \quad (5)$$

۵. در مرحله بعد بر اساس رابطه ۶ جمع بندی رتبه بندی های مطلق حاصل شده برای هر یک از گزینه ها نسبت به تمام شاخص ها می گردد.

$$R(a) = \sum_{k=1}^{25} R(a_k) \quad (6)$$

۶. در مرحله نهایی گزینه برتر با توجه به مجموع رتبه ها برای هر یک از گزینه ها تعیین گردید. هرچه مقدار مجموع کمتر باشد، روستا رتبه بالاتری خواهد داشت. بنابراین رتبه بندی نهایی توسط رویکرد چند شاخصه اورسته برای گزینه های تصمیم موجود انجام خواهد شد.

در مرحله آخر، در راستای بررسی فرضیات محقق، نتایج حاصل از بررسی و مقایسه تطبیقی روشهای آماری مذکور ارزیابی شده و پیشنهادات لازم ارائه خواهد شد.

یافته های تحقیق

بطور خلاصه پس از تنظیم ماتریس داده ها جهت انجام روش تحلیل عاملی، از آنجا که مقدار آماره $KMO \geq 0.7$ شد (جدول ۳) و خروجی محاسبه ی دترمینان ماتریس ضرایب همبستگی نیز برابر صفر بود (جدول ۴)، انجام تحلیل عاملی بسیار مناسب تشخیص داده شد.

با اعمال تکنیک تحلیل عاملی بر روی ماتریس متغیرهای مربوط به ۲۰ روستای مذکور، سه عامل که در مجموع، ۹۵/۳۶ درصد از کل واریانس داده ها را تبیین می-کردند استخراج شدند (جدول ۵). در

سپس تک تک روستاها بر اساس روش حداقل واریانس بین روستاها (روش وارد) بر اساس رابطه ۴ با هم ادغام و در چهار گروه دسته بندی خواهد شدند و در نهایت، روستاهای واقع در هر خوشه از نظر همگنی بررسی خواهند گردید.

$$W_{km} = \frac{N_k N_m}{N_k + N_m} (\bar{x}_k - \bar{x}_m)^2 (\bar{x}_k - \bar{x}_m) \quad (4)$$

رویکرد روش تصمیم گیری چند شاخصه ارسته بدین صورت است که اگر در یک مسئله تصمیم گیری چند شاخصه که هدف رتبه بندی m گزینه بر اساس k شاخص باشد، برای هر یک از شاخص ها یک ترتیب ضعیف (weak order) روی مجموعه گزینه ها تعریف نموده و اهمیت نسبی (وزن) هر شاخص نیز با یک ترتیب ضعیف دیگر بیان می شود؛ مبانی اولیه یکی از روشهای فرا رتبه ای (outranking) تصمیم گیری با شاخصهای چندگانه، ارسته، پیاده شده است. این روش ابزاری را فراهم می کند که قادر است در نهایت گزینه های تصمیم را به طور کامل رتبه بندی نموده و تعارضات میان گزینه ها را بیان می نماید. بطور خلاصه، در روش اورسته شاخص ها و گزینه ها پس از تشکیل ساختارهای ترجیحی خود، توسط یکی از حالت های برآورد فاصله، از مبدا فرضی تعیین فاصله شده و فواصل مشخص شده با کمک روش میانگین رتبه های بس-سون رتبه بندی مطلق می شوند. بنابراین در این روش پس از گردآوری تهیه ماتریس داده ها و وزن دهی متغیرها به روش آنتروپی شانون طی شش گام انجام خواهد شد:

۱. ایجاد ساختارهای ترجیحی مجزا بر روی مجموعه شاخصها و گزینه ها. گزینه ها از بالاترین تا پایین ترین مقدار با ترجیح نسبت به هم مشخص می شوند.

۲. سپس مجموعه شاخص ها و گزینه ها با روش میانگین رتبه های بس سون رتبه بندی خواهند شد.

عامل	اول	دوم	سوم	Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) Measure of Sampling Adequacy.	۰,۷۰۷		
اول	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰		Approx. Chi-Square	۲۲۸,۹۴۱	
دوم	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰		Bartlett's Test of Sphericity	df	۱۰
سوم	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰		Sig.	۰,۰۰۰	
جدول ۴. دترمینان ماتریس ضرایب همبستگی عاملها				جدول ۳. مقدار آماره KMO			

جدول ۵. مقادیر کل واریانس تبیین شده توسط عامل ها

عامل ها	مقادیر ویژه اولیه		
	واریانس کل	% واریانس	% فراوانی تجمعی
اول	۳۳/۶۴۷	۸۸/۵۲	۸۸/۵۲
دوم	۱/۴۷۷	۳/۹	۹۲/۴
سوم	۱/۱۲۳	۲/۹۶	۹۵/۳۶

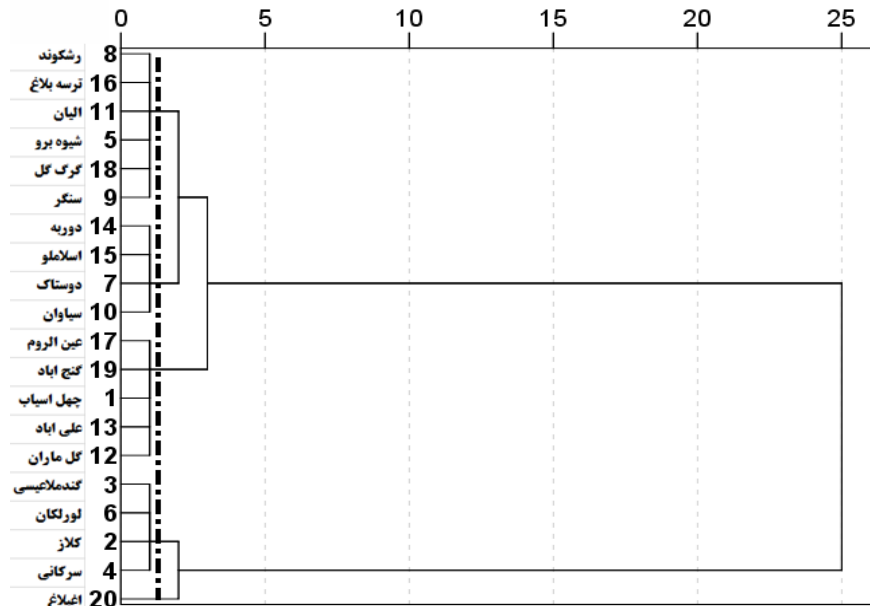
کم برخوردارترین روستاها هستند و از نظر کمبود ابتدایی ترین امکانات روستایی تقریباً بسیار شبیه به یکدیگر هستند (شکل ۳).

جدول ۷ ضرایب برخورداری حاصل از انجام روش ارسته را برای روستاهای واقع در دهستان دشت بیل را نشان می دهد. بر مبنای نتایج حاصل از بکارگیری روش مطلوبیت چند شاخصه روستاهای آغبلاغ، گلار و لورکان به ترتیب با ضرایب ۱۱۹۵، ۱۹۴۵ و ۳۲۰۰ در صدر دیگر روستاها قرار می گیرند و روستاهای

این بین، با عنایت به اینکه عامل اول توانست به تنهایی ۸۸/۵۲ درصد کل واریانس داده ها را تبیین کند و عامل های استخراج شده همبستگی معنی داری با هم نداشته و استقلال کامل داشتند، مدل مذکور پذیرفته شد.

نتایج حاصل از بکارگیری روش عاملی برای طبقه بندی روستاهای واقع در دشت بیل نشان داد که، روستاهای واقع در دشت بیل را می توان در پنج گروه تقسیم بندی کرد (جدول ۶). روستای آغبلاغ به تنهایی در یک گروه مستقل و با یک فاصله اقلیدوسی کمتر از ۳ واحد با روستاهای گندملاعیسی، لورکان، گلار و سرکانی که در فاصله نسبتاً دورتری از شهر اشنویه قرار دارند جزو روستاهای برخوردار بوده و بیشترین شباهت و هماهنگی را با هم دارند. روستاهای واقع در طبقه چهارم و پنجم شامل ۱۱ روستا (۵۵ درصد) بودند و کمترین میزان برخورداری را داشتند (جدول ۴). از جمله این روستاها چهل آسیاب، علی آباد و گل ماوران را می توان مشاهده کرد که علی رغم اینکه در کمترین فاصله از شهر قرار دارند، اما جزو

Dendrogram using Ward Linkage
Rescaled Distance Cluster Combine



شکل ۳. درخت خوشه بندی روستاهای واقع در دشت اشنویه

جدول ۶. ضرایب درجه برخورداری روستاهای واقع در دشت اشنویه با استفاده از روش ارسته

روستا	اغیلاغ	سرکانی	گلانز	لورلکان	گندملاعیسی	دوربه	اسلاملو	دوستاک	سیاوان	عین الروم
کد روستا	R20	R19	R18	R17	R16	R7	R8	R9	R10	R11
گروه	اول	دوم	دوم	دوم	دوم	سوم	سوم	سوم	سوم	چهارم
روستا	رشکوند	ترسه بلاغ	آلیان	شیوه برو	گرگ گل	سنگر	گنج آباد	چهل آسیاب	علی آباد	گل ماران
کد روستا	R1	R2	R3	R4	R5	R6	R12	R13	R14	R15
ضریب	چهارم	چهارم	چهارم	چهارم	چهارم	چهارم	پنجم	پنجم	پنجم	پنجم

جدول ۷. ضرایب درجه برخورداری روستاهای واقع در دشت اشنویه با استفاده از روش ارسته

روستا	اغیلاغ	گلانز	لورلکان	گندملاعیسی	سرکانی	سیاوان	دوربه	اسلاملو	دوستاک	شیوه برو
کد روستا	R20	R18	R17	R16	R19	R10	R7	R8	R9	R4
ضریب	۱۱۹۵	۱۹۴۵	۳۲۰۰	۳۲۹۰	۴۸۹۰	۶۸۱۵	۷۶۴۵	۷۸۰۰	۸۲۲۵	۸۵۲۵
روستا	گرگ گل	سنگر	آلیان	ترسه بلاغ	رشکوند	گل ماران	چهل آسیاب	علی آباد	عین الروم	گنج آباد
کد روستا	R5	R6	R3	R2	R1	R15	R13	R14	R11	R12
ضریب	۸۷۹۵	۹۱۱۵	۹۸۷۰	۱۰۱۳۰	۱۰۲۵۵	۱۰۹۰۵	۱۱۰۲۵	۱۱۲۲۵	۱۱۴۴۰	۱۱۴۸۵

جدول ۸. ضرایب درجه برخورداری روستاهای واقع در دشت اشنویه با استفاده از روش ارسته

درجه برخورداری	وضعیت	روستا
۰ تا ۲۵۰۰	برخوردار	آغیلاغ و گلانز
۲۵۰۱ تا ۵۰۰۰	نسبتاً برخوردار	لورلکان، گندملاعیسی و سرکانی
۵۰۰۱ تا ۷۵۰۰	متوسط برخوردار	سیاوان
۷۵۰۱ تا ۱۰۰۰۰	نسبتاً کم برخوردار	دوربه، اسلاملو، دوستاک، شیوه برو، گرگ گل، سنگر و آلیان
۱۰۰۰۱ تا ۱۲۵۰۰	کم برخوردار	ترسه بلاغ، رشکوند، گل ماران، چهل آسیاب، علی آباد، عین الروم و گنج آباد

به همدیگر بود. این وضعیت برای روستاهای واقع در طبقه کم برخوردار با ۴ روستا (۵۷٪ اشتراک) تکرار شد. اما میزان اشتراک اعضا در طبقه متوسط برخوردار به کمترین میزان خود یعنی یک روستا رسید (جدول ۹).

در راستای بررسی فرضیات محقق، نتایج حاصل از بررسی و مقایسه تطبیقی روشهای آماری مذکور نشان داد که، اگرچه وضع موجود تنها یکی از روستاهای منطقه، جزو طبقه برخوردار بود، اما هر دو روش با تفاوتیهای مختصری سه روستای نسبتاً برخوردار لورلکان، گندملایسی و سرکانی را در یک گروه جداگانه طبقه بندی کردند، اما در تعداد اعضای طبقات تفاوتی وجود داشت. در این بین، با توجه به اینکه روش تحلیل عاملی عددی و تحلیل خوشه ای بر پایه حداقل واریانس درون گروهی و حداکثر واریانس برون گروهی و مربع فاصله اقلیدوسی روستاهای همتراز را در یک گروه جای می دهد، واقعیت موجود روستاهای مشابه را به لحاظ برخورداری از امکانات بهتر مشخص کرد و از اینرو، نسبت به روش ORESTE نتایج دقیق تری را نشان داد. بنابراین، برای انجام تحقیقات مشابه بویژه اولویت بندی توسعه مناطق روستایی برخلاف فرض اول محقق، پیشنهاد می شود برای کاستن از چهره محرومیت روستایی، نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی ملاک عمل برنامه ریزان و سیاستگذاران منطقه قرار گیرد.

در راستای بررسی فرض دوم محقق، از آنجا که در تصور عام نزدیکترین روستا به شهر بایستی

علی آباد، عین الروم، گنج آباد با ضرایب ۱۱۲۲۵، ۱۱۴۰ و ۱۱۴۸۵ از پایین ترین رتبه برخوردار خواهند بود (جدول ۸).

نتیجه گیری و جمع بندی

در مجموع، توسعه روستایی مستلزم طی فرایند پیچیده ای است که با هدف بهبود استاندارد زندگی مردم در مناطق روستایی انجام می گیرد. بدین منظور، ابتدا می بایست بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی مناطق شناسایی گردد که در مطالعه حاضر با این هدف، میزان برخورداری از امکانات روستاهای بالای ۱۰۰ نفر دهستان دشت بیل براساس شاخصهای اقتصادی، زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی- درمانی با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و مقایسه ای بررسی گردید. پس از تنظیم ماتریس اولیه در قالب ارایه M-mode با ابعاد ۲۵*۲۰، دو تکنیک آماری تحلیل عاملی و ارسته برای پردازش داده ها استفاده شد. ارزیابی نتایج حاصل از انجام دو روش مذکور و مشاهدات بصری وضعیت برخورداری روستاهای واقع در دهستان دشت بیل اشنویه نشان داد که، هیچ کدام از روستاها سطح منطقه مورد مطالعه از نظر برخورداری امکانات روستایی وضعیت ایده آل مورد انتظار را نداشتند. نتیجه حاصل از بررسی مقایسه ای کلی هر دو مدل مذکور نشان داد که، ۶۵ درصد از کل روستاهای واقع در طبقات یعنی ۱۳ روستا اشتراک داشتند. در این بین، روستای آغبلاغ، گلارز، لورلکان، گندملایسی و سرکانی واقع در طبقه برخوردار و نسبتاً برخوردار بسیار شبیه

جدول ۹. تعداد و درصد روستاهای مشترک واقع در هر طبقه

مجموع	طبقه				مدل
	کم برخوردار	نسبتاً کم برخوردار	متوسط برخوردار	نسبتاً برخوردار	
۲۰	۷	۷	۱	۳	۲ ORESTE
۲۰	۴	۷	۴	۴	تحلیل عاملی
۱۳	۴	۴	۱	۳	اعضای مشترک
۶۵	۲۰	۲۰	۵	۱۵	% اعضای مشترک

۵. فرشادفر، ع. (۱۳۸۰)، اصول و روشهای آماری چند متغیره، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه، ۴۶۱.
۶. محامدپور، م. و اصغری زاده، ع. (۱۳۸۹)، معرفی و بکارگیری روش تصمیم گیری چندشاخصه «ارسته» جهت رتبه بندی پژوهشکده های تحقیقاتی، دوماننامه دانشور رفتار مدیریت و پیشرفت، ۴۴: ۲۲۰-۲۰۹.

۷. مرادی اسطخ زبیر، گ. (۱۳۹۴)، شناخت والویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال، مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۴، شماره ۴۰: ۳۸۶-۳۹۶.

۸. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، فرهنگ آبادیهای شهرستان اشنویه، سالنامه آماری سال ۱۳۹۰.
۹. ناظمی، ز؛ اسماعیل پور، ی. و کمانگر، م. (۱۳۹۴)، کاربرد معیارهای بوم شناختی و انسانی در مکان یابی سکونتگاه های روستایی با استفاده از سامانه

پشتیبانی تصمیم گیری مکانی: مطالعه موردی روستای کاج استان چهارمحال و بختیاری، روستا و توسعه، پیاپی ۷۲: ۹۰-۷۵.

۱۰. نسترن، م. و فتاحی، س. (۱۳۸۸)، سطح بندی شهرستانهای استان گلستان از نظر شاخصهای توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی، جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱: ۵۵-۴۳.

۱۱. نظم فر، ح؛ محمدی، ف؛ زاهدی کلاکی، ا. و عشقی، ع. (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی و سطح بندی شهرستانهای استان گلستان بر اساس شاخصهای اشتغال، جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۷: ۲۰-۷.

12. Fanni, Z. Khakpour, B. A. & Heydari, A. (2014), «Evaluating the regional development of border cities by TOPSIS model (case study: Sistan and Baluchistan Province, Iran)» Sustainable Cities and Society, 10: 80-86.

13. Hotelling, H. (1933), «Analysis of a complex of statistical variables into principal components» Journal of Educational Psychology, 24: 417-441, and

برخوردارترین باشد، اما با توجه به اینکه ۶ روستای نزدیک شهر (۳۰٪ روستاها) جزو اعضای طبقه نسبتا کم برخوردار و کم برخوردارترین روستاها قرار گرفتند، این ادعا و فرض پذیرفته نشد، هرچند که این ادعا در مورد روستای گلار صادق نبود. نتیجه دیگر اینکه، بین روستاهای برخوردار، به ویژه روستاهای کلاس اول با سایر روستاهای واقع در کلاس چهارم اختلاف قابل توجهی در سطح توسعه یافتگی وجود دارد. نتایج حاصله، می تواند در تدوین مجموعه برنامه ها و اسناد توسعه ای شهرستان بویژه توسعه روستایی دهستان دشت بیل از توابع شهرستان اشنویه و نحوه توزیع امکانات و تخصیص اعتبارات اشتغال زایی به عنوان ابزار دولت در تامین زیرساخت ها و توسعه سرمایه گذاری روستایی مورد استفاده مدیران توسعه منابع آب و خاک منطقه قرار گیرد.

منابع و ماخذ

۱. ارغان، ع. (۱۳۹۶)، بررسی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در مناطق روستایی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) (مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان سرخه، مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۶، شماره ۴۶: ۵۲-۳۳).

۲. حلاجیان، ا. (۱۳۹۵)، بررسی و اولویت بندی موانع استقرار مدیریت دانش در شرکت مادر تخصصی فرودگاههای کشور با روش تحلیل سلسله مراتبی، مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۵، شماره ۴۵: ۱۳۴-۱۱۹.

۳. شرکت آمار پردازان. (۱۳۷۷)، راهنمای کاربران SPSS ۶,۰ for Windows، ج دوم. مرکز فرهنگی انتشاراتی حامی، تهران، ۴۱۷.

۴. غفاری گیلاننده، ع؛ فیروزی مجنده، ا؛ حسینی، س.م. و خاوریان گرمسیر، ا.ر. (۱۳۹۴) بررسی و اولویت بندی شهرستانهای استان اردبیل از لحاظ زیرساختها و جاذبههای گردشگری، جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۶: ۹۳-۱۰۴.

498-520.

14. Imran, M., A. & Zurita-Milla, R. (2014), « Investigating rural poverty and marginality in Burkina Faso using remote sensing-based products » International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation, 1: 322-334.

15. Onda, K., Crocker, J., Lyn, K.G. & Bartram, J. (2013), « Country clustering applied to the water and sanitation sector: A new tool with potential applications in research and policy » International journal of hygiene and environmental health, 2-3: 379-385.

16. Pastijn, H. & Leysen, J. (1989), « Construction an outranking relation with ORESTE » Mathematical Computing Modelling, Vol 12, No 10/11, PP. 1255-1268

17. Van Huylenbroeck, G. (1995), « The conflict analysis method: bridging the gap between ELECTRE » PROMETHEE and ORESTE, Vol 82, No 3, PP. 490-502.

18. Xi, Z., Keith, J., Mueller, T.V. Fred, U. (2015), « Variables Used in Developing the Taxonomy Characteristic » Rural Policy research institute, 4: 1-6.
www.public-health.uiowa.edu/rupri

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۰۶ ■

پتانسیل سنجی اراضی جنوب آذربایجان غربی جهت توسعه کشاورزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی با استفاده از AHP و GIS و تصاویر Aster

نادر پروین* - استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمدرضا کرمی - استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ایوب بزرگمنش - کارشناس ارشد اقلیم شناسی، آموزش و پرورش، ایران.

چکیده

هدف این مطالعه، سنجش تناسب اراضی مستعد کشت چغندر قند به منظور رشد و افزایش تولید محصولات و مدیریت و توسعه روستایی با استفاده از AHP و GIS می باشد. بدین منظور، داده های رقومی لایه های بارش سالیانه، بارش دوره رشد، دمای سالیانه، دمای دوره رشد، دمای دوره جوانه زنی، نقشه لایه های توپوگرافی، ارتفاع، شیب، جهت شیب و نوع خاک، پوشش گیاهی، کاربری اراضی، نواحی روستایی و راههای ارتباطی جمع آوری شد. با استفاده از تکنیک AHP وزن دهی نقشه لایه های رقومی انجام شد و به کمک تابع Overlay در ArcGIS نقشه لایه ها با هم تلفیق و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که، اگرچه ۱۸٪ از اراضی منطقه برای کشت چغندر قند در وضعیت خیلی مناسب و مناسب قرار دارند، اما در صورت بهره برداری صحیح از منابع آب و خاک همین مقدار هم می تواند در تثبیت و کاهش مهاجرت های روستایی منطقه نقش آفرینی کند. واژگان کلیدی: مدیریت روستایی، چغندر قند، آذربایجان غربی، AHP، GIS.

Assessment south of West Azerbaijan lands for agricultural development and management of rural sustainable development using AHP and GIS and Aster images

Abstract

The aim of this study was to assess the suitability of fertile soils to grow and increase in production of sugar beet cultivation and Rural Development is using AHP and GIS. For this purpose, digital data layers annual rainfall, growing season precipitation, annual temperature, growing season temperatures, temperature germination period, topographical map layers, altitude, slope, aspect and soil type, vegetation, land use, rural areas and roads were collected. By using AHP weighting, was carried out with the aid of digital map layers Overlay function in ArcGIS, map layers were combined and analyzed. The results showed that, although 18% of the total land area suitable for sugar beet cultivation and are in very good condition, but if proper utilization of soil and water resources can play an important role in the stabilization and reduction of rural migration.

Key words: Rural Management, Sugar Beet, Southwestern Azerbaijan, AHP, ArcGIS.

مقدمه

و از آنها حداکثر بهره‌برداری را نمود. شناخت پارامترهای آب‌وهوایی و اثر آنها روی گیاهان زراعی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش عملکرد و به تبع آن بالا بردن تولید است. چغندر قند یکی از منابع اصلی تولید قند و شکر بوده و فعالیت‌های تولیدی در این زمینه زندگی جمعیت فراوانی از مردم جهان را تأمین می‌کند و از دیدگاه راندمان انرژی در واحد سطح نسبت به سایر محصولات، در درجه اول اهمیت قرار دارد. اهمیت چغندر قند در کشاورزی تنها به دلیل تولید آن نیست بلکه این گیاه نقش مهمی در تناوب زراعی دارد و این امر به نوبه خود سبب جلوگیری از خستگی زمین و مانع طغیان آفات و بیماری‌ها می‌شود (نوری، ۱۳۸۳، ص ۲). برای داشتن کشاورزی موفق، توجه به ویژگی‌های اقلیمی و شرایط محیطی از مهم‌ترین ارکان مطالعه است. ترکیب فضایی ویژگی‌های اقلیمی با ویژگی‌های زمینی، واحدهای همگنی را به وجود می‌آورند که اصطلاحاً به آنها واحدهای آگروکلیمایی گفته می‌شود. (فرج زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷). توجه به شرایط طبیعی منطقه مورد مطالعه و وابستگی شدید کاشت گیاهان زراعی به عناصر آب‌وهوایی، ضرورت مضاعف انجام تحقیق در این زمینه را آشکارتر می‌کند؛ بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود تا با استفاده از عناصر اقلیمی و عوامل فیزیکی زمین و به کارگیری تحلیل سلسه مراتبی و فن‌آوری سیستم اطلاعات جغرافیایی، مناطقی از محدوده مورد مطالعه که مستعد برای کاشت چغندر قند می‌باشند، مورد شناسایی و پهنه‌بندی قرار گیرند. چغندر قند یکی از سودآورترین محصولات زراعی است. از زمان کاشت چغندر قند حدود دو قرن می‌گذرد. در این مدت از چغندر علوفه‌ای به یک منبع واقعی تولیدکننده شکر، یعنی چغندر قند دست‌یافته‌ایم؛ که این پیشرفت عظیم به‌واسطه بهبود روش‌های اصلاحی در تولید بذرها مرغوب، مطالعات گسترده بر روی روش‌های جدید کشت در جهان و سطح بالای تکنیک در

توسعه روستایی یک فرایند پیچیده چندبعدی با هدف بهبود استاندارد زندگی مردم در مناطق روستایی است. بررسی نیازهای اکو فیزیولوژیک گیاهان زراعی در کنار شناخت اقلیم مناسب آنها، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تولید محصولات زراعی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی هر منطقه است که از یک طرف باعث افزایش تولید می‌شود و از طرف دیگر از خسارات ناشی از عوامل نامساعد اقلیمی وارده بر محصولات می‌کاهد. از جمله ارکان اصلی توسعه پایدار هر کشور، تأمین غذای کافی باقیمت مناسب برای افراد آن جامعه است. در عصر حاضر محدودیت منابع و افزایش روزافزون جمعیت و در نتیجه افزایش تقاضا برای محصولات غذایی، ایجاب می‌کند که از منابع محدود به نحو بهینه استفاده شود. برای تأمین زندگی بهتر و تولید بیشتر، به‌ویژه در بخش کشاورزی که به‌طور بسیار تنگاتنگی تابع تغییرها و رخدادهای جوی است، باید به هوا، دانش هواشناسی و کاربرد آن در بخش کشاورزی توجه بیشتری مبذول گردد. اقلیم‌شناسی کشاورزی ارتباط متقابل عوامل اقلیمی و هیدرولوژیکی را با کشاورزی بررسی می‌کند. هدف اقلیم‌شناسی کشاورزی بکارگیری اطلاعات آب‌وهوایی به منظور بهبود عملیات کشاورزی و افزایش تولید کشاورز از جنبه کیفی و کمی است. برای مثال در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی در ارتباط با کاشت، داشت، برداشت، آفات، آبیاری و تقویم کشاورزی؛ بدون شناخت تأثیر و کنترل عناصر اقلیمی موفقیت چندان حاصل نخواهد داشت. در این پژوهش شناسایی استعدادهای محیطی جنوب استان آذربایجان غربی جهت کشت چغندر قند به کمک AHP و GIS موضوع اصلی تحقیق حاضر است. کشاورزی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی کره زمین به شمار می‌آید و بیش از هر چیز به شرایط جوی وابسته است. با بررسی‌های آگروکلیمایی می‌توان امکانات بالقوه مناطق مختلف را تعیین

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

کارخانه‌ها قند دنیا و بالاخره تلاش و مهارت زارعین ممکن گشته است. مشروح‌ترین منبع علمی که ارتباط بین عملکرد چغندر قند و تغییرات عناصر جوی (دما و بارش طی ۱۹۴۸-۱۹۲۷) را به منظور پیش‌بینی عملکرد چغندر قند در واحد سطح مورد بررسی قرار داده، توسط پی آر نولان و دی‌ام پولاک انجام گرفته است. احتمالاً مهمترین مطالعه‌ای که در ارتباط با نیازهای آب‌وهوایی چغندر قند در ایران صورت گرفته و جمیع حرارت‌های مفید از کاشت تا برداشت چغندر قند تهیه شد توسط فتح‌اله طالقانی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۳۰) انجام شد. بر اساس نتایج تحقیق مشابهی، دهه دوم فروردین‌ماه بهترین زمان برای کاشت چغندر قند است و زمان برداشت نیز می‌تواند از ۲۰ مهر آغاز و در طول دهه اول آبان ماه پایان یابد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۸). بارندگی اثر مثبتی روی عملکرد چغندر قند دارد ولی تأثیر بارندگی در عملکرد اندک است. همچنین بهترین دما برای حصول حداکثر عملکرد ۸/۲۷ درجه سانتی‌گراد است که اگر از این مقدار بیشتر باشد، اثر دما روی رشد گیاه منفی خواهد بود (جعفرمنش، ۱۳۷۷، ص ۸).

پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات مختلفی در ارتباط با کشت محصول چغندر قند انجام شده است و محققان از زوایای مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت به بررسی آن پرداخته‌اند. اما مطالعاتی که با رویکرد مکانیابی مناطق مستعد کشت این محصول به منظور توسعه روستایی پرداخته باشند بسیار انگشت شمار است. از جمله مطالعات مرتبط و ارزشمند می‌توان به کارهای (Franke, ۱۹۸۲)، (Smiht, ۱۹۸۳)، (Ivanek & Martinic, ۱۹۸۹)، (Joseph, Lauer & Van Dijk, ۱۹۹۷)، (Jaggard & Werker, ۱۹۹۸)، (Boudry & et al, ۲۰۰۲)، (Jaggard, et al, ۲۰۰۹) و مطالعات مرتبط داخلی از قبیل تبریزی (۱۳۸۶)، پزشکی و زرافشانی (۱۳۸۷)،

قنبریان و سالک (۱۳۹۳)، دلقندی و همکاران (۱۳۹۳)، خسروی و همکاران (۱۳۹۳)، بادیه نشین و همکاران (۱۳۹۳)، حیدری پور و همکاران (۱۳۹۴)، کوچکی و همکاران (۱۳۹۴)، دیهیم فرد و همکاران (۱۳۹۴)، علیمزادی (۱۳۹۴)، شاه بندر زاده و همکاران (۱۳۹۴)، حلاجیان (۱۳۹۵)، ارغان (۱۳۹۶)، گل افرا (۱۳۹۵)، ندی (۱۳۹۵) اشاره کرد. جواهری و همکاران (۱۳۹۵، ص ۲۳۵) به منظور پهنه‌بندی تاریخ کاشت و برداشت کاشت پاییزه چغندر قند بر اساس از روش کریجینگ و نتایج طرح‌های تحقیقاتی و همچنین احتمال وقوع دماهای آستانه در مراحل مختلف نموی، از دماهای ساعتی روزانه و تعداد ساعات آفتابی استفاده کردند. آنها نتیجه گرفتند که پنجم تا پانزدهم مهر ماه مناسب‌ترین تاریخ کاشت در جنوب استان خراسان رضوی است. با این توصیف اگرچه تاکنون مطالعات متفرقه‌ای برای ارزیابی توسعه زمینهای کشاورزی مناطق روستایی انجام شده، اما در این مطالعه محققان برای دستیابی به هدف ارزیابی و سنجش تناسب اراضی مستعد کشت چغندر قند به منظور رشد و افزایش تولید محصولات و توسعه پایدار روستایی با استفاده از AHP و GIS برای دشت بوکان در تلاشند بخشی از خلاء چنین مطالعاتی را پر کنند.

روش تحقیق

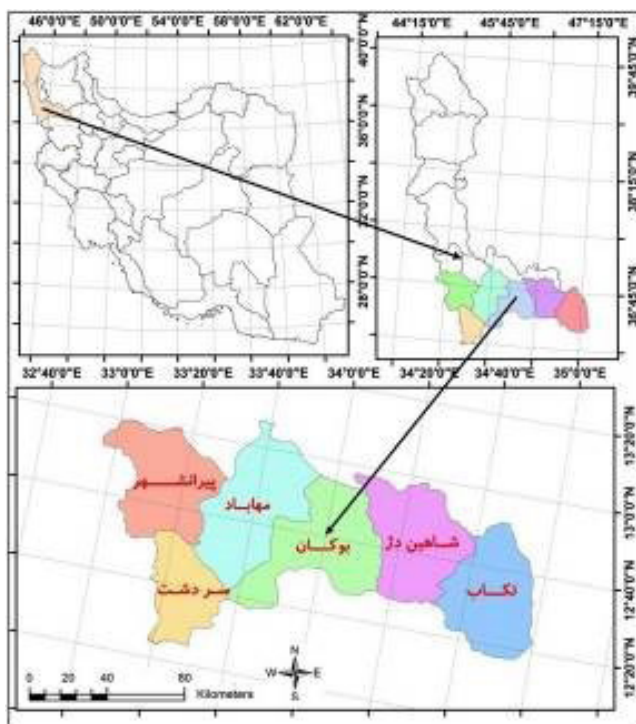
دشت حاصلخیز مورد مطالعه در جنوب استان آذربایجان غربی واقع در شمال غربی ایران بین ۱۲°۴۰' تا ۱۳°۱۰' عرض جغرافیایی شمالی و ۳۳°۲۰' تا ۳۴°۰۰' طول جغرافیایی شرقی قرار گرفته است. بیش از ۲۵٪ مساحت این دشت (۱۴۳ هزار هکتار) دارای اراضی قابل کشت با کیفیت بالاست و هرساله بیش از ۳۴۰ هزار تن محصولات کشاورزی عمدتاً به چغندر قند، سیب زمینی و غلات اختصاص پیدا می‌کند و بر این اساس، دشت حاصلخیز مذکور از قطب‌های مهم کشاورزی استان و کشور است (شکل ۱). به طور کلی، این دشت با توانایی تولید بیش از ۹۰ هزار تن گندم و ۶ هزار

دوره رشد با استفاده از سوابق مطالعاتی و پیشینه موضوع و مصاحبه با کارشناسان جهاد کشاورزی و اعمال نظر تجربه کشاورزان منطقه تعیین گردید. در جدول ۲ فنولوژی مربوط به چغندر قند اردبیل با پاره‌ای تغییرات آمده است (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۶). تغییرات ایجاد شد. تغییرات ایجاد شده در فنولوژی به خاطر تفاوت شرایط اقلیمی دو منطقه و نوع محصول است. برای بررسی فنولوژی چغندر قند، داده‌های عناصر جوی شامل دمای حداقل، دمای حداکثر، متوسط دما، بارش، تبخیر، ساعات آفتابی، حداقل رطوبت، حداکثر رطوبت، متوسط رطوبت، سمت و سرعت باد، ابرناکی، فشار و دمای حداقل زمین از اداره کل هواشناسی استان اخذ گردید. پس از کنترل کیفیت و کمیت داده‌ها، ابتدا اقدام به تعیین دوره رشد و دوره جوانه‌زنی گیاه چغندر قند گردید. منظور از دوره‌ی جوانه‌زنی، فاصله‌ی زمانی یک ماه از زمان کاشت چغندر قند است. در واقع دوره جوانه‌زنی گیاه از نیمه دوم اسفندماه تا اواخر نیمه اول فروردین‌ماه است. دوره رشد در این

تن انواع سبزیجات به ترتیب، رتبه نخست و دوم سطح استان را در اختیار دارد (آمارنامه کشاورزی محصولات زراعی، ۱۳۹۰).

هر تحقیق علمی نیازمند جمع‌آوری داده‌های مناسب و به‌کارگیری شیوه‌های انجام مناسب در مراحل مطالعاتی است. در مطالعات اقلیم کشاورزی، آمار بلندمدت عناصر آب و هواشناسی مهمترین منبع اطلاعاتی برای مطالعه محصولات زراعی به حساب می‌آید. در این‌گونه مطالعات هر چه تراکم ایستگاه‌ها و همچنین طول دوره آماری بیشتر باشد، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات دقیق‌تر و بهتر خواهد بود و نتایج بهتری حاصل خواهد شد. بنابراین، در این مطالعه به منظور دستیابی به نقشه لایه‌های دقیق‌تر، از داده‌های ایستگاه‌های اطراف منطقه مورد مطالعه نیز استفاده شد (جدول ۱).

در این مطالعه عناصر اقلیمی و عوامل محیطی، در تعیین نوع کشت و عملکرد محصول اهمیت بسزایی دارند. بدین ترتیب که در مرحله‌ی اول، نیازهای رویشی گیاه زراعی چغندر قند در طول



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

جدول ۱. مشخصات ایستگاه‌های هواشناسی منطقه

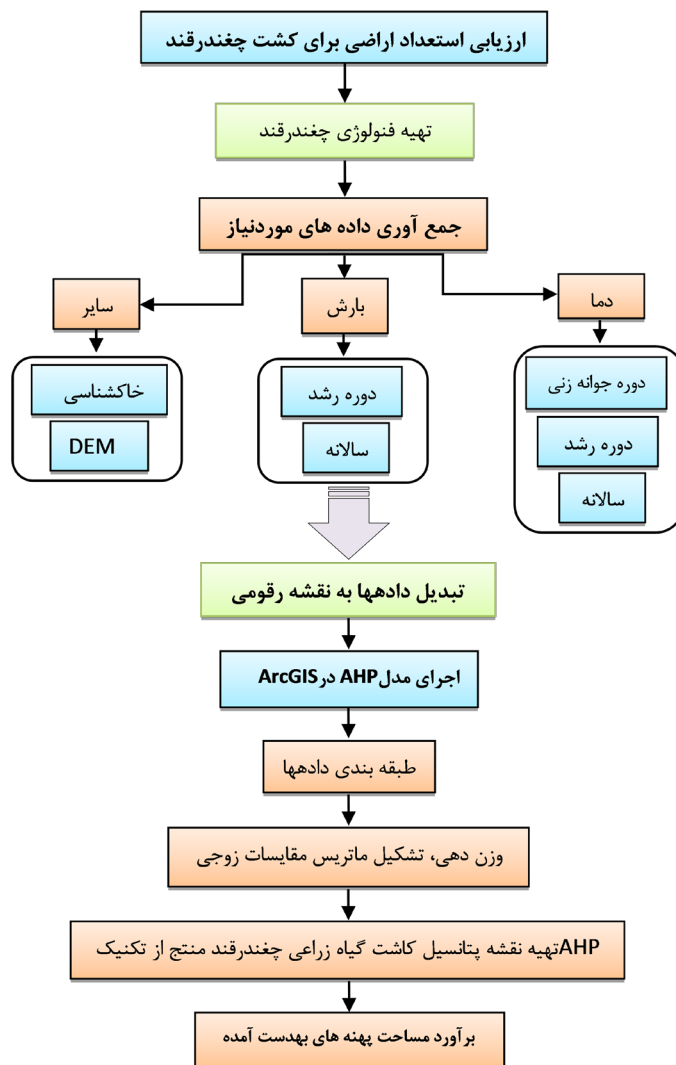
نام ایستگاه	عرض جغرافیایی	طول جغرافیایی	ارتفاع (متر)	دوره آماری
بوکان	۳۶° ۳۲'	۴۶° ۱۳'	۱۳۸۶	۲۰۰۳-۲۰۱۴
مهاباد	۳۶° ۴۶'	۴۵° ۴۳'	۱۳۸۵	۱۹۹۵-۲۰۱۴
سردشت	۳۶° ۰۹'	۴۵° ۳۰'	۱۶۷۰	۱۹۸۶-۲۰۱۴
پیرانشهر	۳۶° ۴۰'	۴۵° ۰۸'	۱۴۵۵	۱۹۸۵-۲۰۱۴
شاهین‌دژ	۳۶° ۴۰'	۴۶° ۴۴'	۱۳۹۵	۲۰۰۳-۲۰۱۴
تکاب	۳۶° ۲۳'	۴۷° ۰۷'	۱۷۶۵	۱۹۸۶-۲۰۱۴

جدول ۲. فنولوژی محصول زراعی چغندر قند

نام متغیر	خیلی مناسب	مناسب	متوسط	نامناسب
شیب (درصد)	$>3X$	۳-۷	۷-۱۰	$X10>$
نوع خاک	لومی-شنی	شنی-لومی	لومی-رسی-شنی	رسی
دمای جوانه‌زنی ($^{\circ}C$)	۶-۱۰	۳-۶	۰-۳	$>0X$
دمای دوره رشد ($^{\circ}C$)	۱۶-۲۳	۲۳-۳۰	۱۰-۱۶	$30>X>10$
بارش دوره رشد (mm)	۱۲۰۰-۱۵۰۰	۷۵۰-۱۲۰۰	۶۰۰-۷۵۰	$>600X$
ارتفاع (متر)	۰-۱۱۰۰	۱۱۰۰-۱۵۰۰	۱۵۰۰-۱۸۰۰	$X1800>$

منطقه نیز تهیه شد. در مرحله پنجم بر اساس نیاز رویشی گیاه زراعی چغندر قند، هر یک از نقشه لایه ها به کمک تکنیک AHP ارزش‌گذاری و وزن دهی شدند و در مرحله آخر، به کمک توابع Overlay در نرم افزار ArcGIS نقشه لایه های تهیه شده با هم تلفیق شدند و نقشه خروجی نهایی مناطق مستعد کشت محصول مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور حصول اطمینان از خروجی مدل، با استفاده از ۳۰ مورد نمونه برداری و انطباق آن با نقشه خروجی اقدام و ضریب همبستگی آنها بررسی شد. نهایتاً، با توجه به نقشه وضع موجود، نقشه پتانسیل کاشت این گیاه زراعی تهیه گردید. بطور خلاصه مدل مفهومی تحقیق در شکل ۲ نشان داده شده است.

تحقیق از نیمه دوم اسفندماه تا اواخر شهریور در نظر گرفته شده است. در مرحله دوم داده‌های عناصر اقلیمی از قبیل دما و بارش سالانه، دما و بارش دوره رشد و دمای روزانه دوره جوانه‌زنی ایستگاه‌های هواشناسی در محیط GIS به نقشه‌ی رقومی تبدیل گردید. در تهیه نقشه لایه های رقومی برای انتخاب مناسب‌ترین روش درون‌یابی، از آماره کمترین میانگین مربع خطاها (RMS) استفاده شد (بارو، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸). در مرحله بعد با استفاده از تصاویر Aster با اندازه پیکسل ۲۸ متری، DEM توپوگرافی منطقه و نقشه لایه های ارتفاع، توپوگرافی، شیب و جهت شیب حاصل شد. بر اساس نیازهای فنولوژی چغندر دیگر نقشه لایه های رقومی شامل خاک، پوشش گیاهی، راه های ارتباطی، کاربری اراضی، نواحی روستایی



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

نتایج و بحث

این پژوهش استفاده گردیده است.

از آنجا که در این مطالعه، تعداد زیادی نقشه لایه عناصر اقلیمی و عوامل محیطی در تعیین نوع کشت و عملکرد محصول استفاده شد و به دلیل محدودیت صفحات، در اینجا تنها برخی از نقشه لایه های رقومی که اهمیت بسزایی در تحقیق داشت اشاره تفصیلی خواهد شد. همچنانکه که از آماره های مربوط به نوع درونیابی در جدول ۳ پیداست، روش IDW چون دارای میانگین مربع خطاهای کمتری نسبت به روش کریجینگ ساده است، برای درونیابی و تهیه کلیه نقشه لایه ها در این پژوهش استفاده گردیده است.

پهنه بندی بارش دوره رشد با درونیابی بارش دوره رشد منطقه به کمک روش IDW مشخص شد که، میزان بارش مورد نیاز چغندر قند در طول فصل رشد نمی تواند بطور طبیعی و مستقیماً از نزولات جوی تأمین شود. با توجه به جدول فنولوژی گیاه زراعی چغندر، بارش شرایط نامناسب جهت کشت گیاه زراعی چغندر قند است که در تمام اراضی این منطقه، میزان بارش به مراتب کمتر از این میزان است. در واقع امکان

جدول ۳. مقایسه‌ی میانگین مربع خطاها

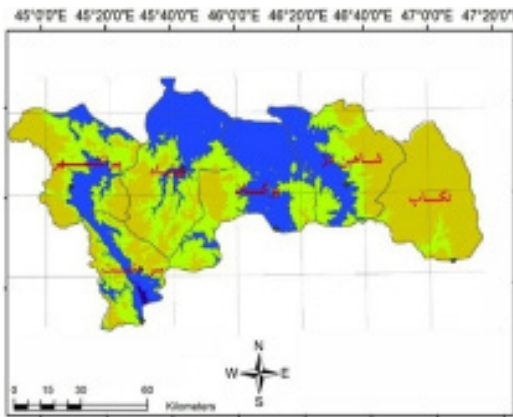
نوع پارامتر	وزن دهی معکوس فاصله	کریجینگ ساده
بارش دوره رشد	۳/۶۵	۴/۱۴
دمای جوانه‌زنی	۱/۳۲	۱/۶



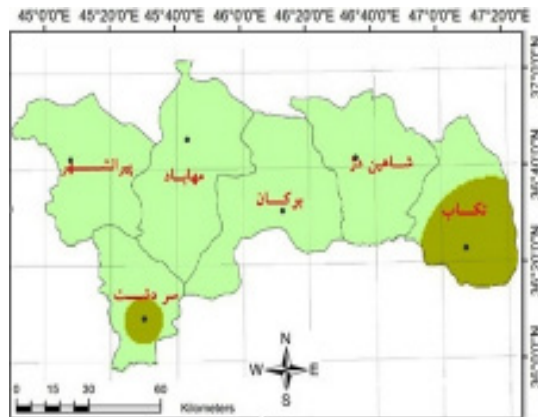
شکل ۴. نقشه پهنه‌بندی دمای دوره رشد



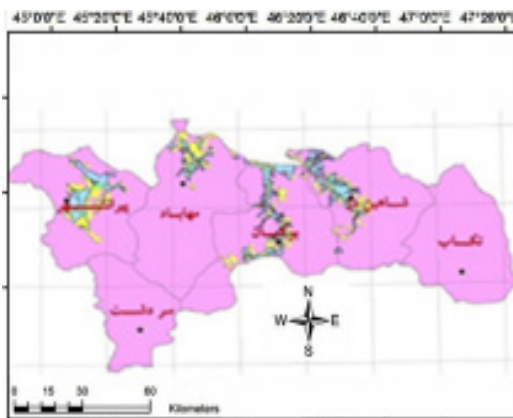
شکل ۳. نقشه پهنه‌بندی بارش دوره رشد



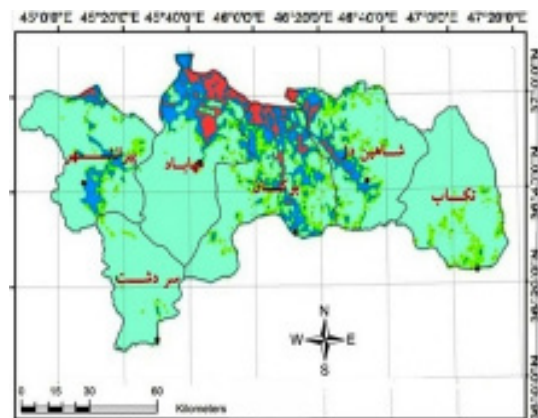
شکل ۶. نقشه پهنه‌بندی ارتفاع



شکل ۵. پهنه‌بندی دمای دوره جوانه‌زنی



شکل ۸. پهنه‌بندی نقشه خاک



شکل ۷. پهنه‌بندی شیب

کاشت دیم چغندر قند در این منطقه وجود ندارد و کشاورزان مجبور به کشت آبی این گیاه هستند. با آبیاری میزان آب مورد نیاز چغندر تامین می شود (شکل ۳).

پهنه بندی دمای دوره رشد

آنچه در رشد گیاه چغندر قند اهمیت بیشتری دارد، میانگین دمای سالیانه نیست بلکه میانگین دمای دوره رشد این گیاه است. دوره رشد گیاه چغندر قند در استان آذربایجان غربی ۱۸۰ روز است. زمان کاشت این گیاه از نیمه دوم اسفندماه شروع می شود. زمان برداشت این گیاه از نیمه دوم شهریور شروع و تا دهه‌ی دوم مهرماه ادامه خواهد داشت. شکل ۴ نقشه حاصل از درون‌یابی مقادیر دمای دوره رشد منطقه به کمک روش IDW را نشان می دهد.

پهنه بندی دمای دوره جوانه زنی

به کمک مقادیر میانگین دمای دوره جوانه زنی، نقشه درون‌یابی دمای دوره جوانه زنی تهیه و خروجی آن در شکل ۵ آمده است. همچنانکه از نقشه‌های دمای منطقه (دمای دوره رشد و دوره جوانه زنی) مشخص است، کل اراضی منطقه از نظر دمایی شرایط مناسبی جهت کشت چغندر قند را دارند.

عامل توپوگرافی و خاکشناسی

نقشه‌های حاصل از پهنه‌بندی‌های ارتفاع و شیب و خاک به ترتیب در شکل‌های ۶-۷-۸ به نمایش درآمده است. همچنانکه از نقشه ارتفاعی پیداست، در سطح دشت ارتفاعات بلند و قابل توجهی وجود ندارد و عمده ارتفاعات سطح منطقه به صورت تپه مهور در قسمت جنوب و غرب دشت بوکان قرار گرفته است (شکل ۷). همچنانکه از نقشه لایه شیب منطقه پیداست، حدود ۵۹ درصد منطقه دارای شیب کم و متوسط برای کشت محصول (۱۰-۷ درصد) می باشد (شکل ۷). براساس نقشه لایه خاک دشت بوکان می توان گفت که بیش از ۹۰ درصد خاک سطح منطقه یکدست و مناسب از نوع سنی-لومی است (شکل ۸).

تلفیق لایه‌ها به کمک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

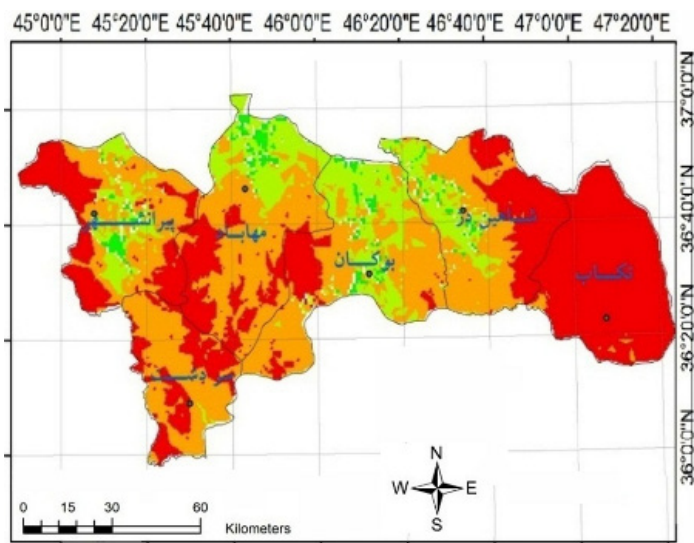
شکل ۹ خروجی نهایی پژوهش که به صورت نقشه پهنه‌بندی گویایی است و از ترکیب و تلفیق نقشه لایه‌های وزن دار بدست آمده است نشان می دهد که، مساحت اراضی خیلی مناسب برای کاشت این گیاه زراعی در جنوب استان ۲۷۴ کیلومتر مربع است که حدوداً تنها ۳٪ از اراضی منطقه مورد مطالعه را شامل می‌شود. این اراضی عمدتاً در محدوده‌ی بین شهرهای بوکان، مهاباد و پیرانشهر و همچنین شاهین‌دژ هستند. اراضی مناسب که مساحت بیشتری را دارا هستند ۱۵٪ اراضی منطقه را شامل شده که بیشتر اراضی شهرهای بوکان و پیرانشهر و مهاباد را شامل می‌شوند. علت اینکه بیشتر اراضی مناطق ذکر شده جزء اراضی مناسباند این است که خاک این مناطق برای کشت گیاه چغندر از مطلوبیت خوبی برخوردار است. اما اراضی با ویژگی متوسط برای کاشت چغندر قند بیشترین سهم را در اراضی منطقه دارند و ۴۳٪ مساحت منطقه را شامل می‌شوند (جدول ۴).

اراضی مناسب به صورت پراکنده جنوب آذربایجان غربی را فرا گرفته‌اند. تنها تکاب آن هم به دلیل شیب و نداشتن خاک کافی فاقد اراضی متوسط برای کشت چغندر است، درحالی‌که سایر شهرستان‌ها دارای مناطقی با سازگاری متوسط برای کشت چغندر قند هستند. اراضی نامناسب ۳۹٪ از مساحت منطقه را تشکیل داده‌اند که شامل تقریباً کل محدوده‌ی شهرستان تکاب و قسمت اعظم شهرستان شاهین‌دژ و همچنین قسمت‌های زیادی از اراضی شهرستان سردشت و اراضی غربی شهرستان پیرانشهر است که برای کشت چغندر قند مناسب نیستند. از آنجا که میزان همبستگی بین نمونه‌های با نظارت مستخرج از نقشه پهنه بندی نهایی و وضعیت موجود بسیار بالا و معنی دار ($r=0/954$) بود، از نتایج تحقیق اطمینان حاصل شد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

جدول ۴. مساحت و درصد پهنه‌ها در پهنه‌بندی نهایی

وضعیت پهنه	مساحت (۲km)	مساحت به درصد
خیلی مناسب	۲۶۱	۳
مناسب	۱۹۶۰	۱۵
متوسط	۵۶۱۸	۴۳
نامناسب	۵۲۲۶	۳۹
جمع	۱۳۰۶۵	۱۰۰



شکل ۹. نقشه پهنه‌بندی استعداد کشت چغندر قند

جدول فنولوژی، آمارهای گردآوری شده در محیط GIS به نقشه‌ی رقومی تبدیل و وزن دار شدند. برای درون‌یابی روش IDW انتخاب شد، زیرا میزان RMS آن از روش‌های دیگر بسیار کمتر بود. هر یک از داده‌های نقشه‌ی ای که بر اساس نیاز رویش گیاه زراعی چغندر قند، ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی شده بودند، به کمک تکنیک recassfy در ArcGIS اقدام مجددا در مقیاس ۴ طبقه‌بندی شدند. طبقه ۴ نشان‌دهنده‌ی مناسب‌ترین پهنه برای کاشت چغندر است و طبقه ۱ نشان‌دهنده‌ی پهنه‌ی نامناسب برای کاشت این گیاه است. به کمک

در این تحقیق داده‌های نقشه‌های رقومی عناصر مهم و موثر اقلیمی و عوامل محیطی برای بررسی و ارزیابی استعداد اراضی کشت محصول استراتژیک چغندر قند استفاده شد تا نقشه پهنه‌بندی کاشت چغندر قند استخراج شود. با بررسی منابع کتابخانه‌ای نیازهای فیزیولوژی چغندر بررسی شد. دوره رشد گیاه از نیمه دوم اسفندماه تا اواخر شهریورماه و دوره جوانه‌زنی گیاه نیز به فاصله‌ی زمانی یک ماه از زمان کاشت این گیاه در نظر گرفته شد. در واقع دوره جوانه‌زنی گیاه از نیمه دوم اسفندماه تا اواخر نیمه اول فروردین‌ماه است. پس از تهیه

اکستنشن AHP و تابع Overlay در ArcGIS

اقدام به وزن دهی نهایی نقشه لایه های رقومی شد و نهایتاً نقشه پهنه بندی استعداد اراضی کشت محصول چغندر قند استخراج شد و با نمونه برداری و تطبیق آن با وضعیت موجود از صحت نقشه پتانسیل کشت دشت مذکور اطمینان حاصل شد. نقشه ی خروجی حاصله نشان داد که حدوداً ۳ درصد اراضی این منطقه بر اساس فاکتورهای اقلیمی و محیطی برای کاشت گیاه زراعی چغندر قند بسیار مناسب هستند. این اراضی عمدتاً در محدوده ی جغرافیای شهرهای بوکان، مهاباد و پیرانشهر و همچنین شاهین دژ هستند. اراضی مناسب که مساحت بیشتری را دارا هستند ۱۵ درصد اراضی منطقه را شامل شده که بیشتر اراضی شهرهای بوکان و پیرانشهر و مهاباد را شامل می شوند. اراضی با ویژگی متوسط برای کاشت چغندر قند بیشترین سهم را در اراضی منطقه دارند و ۴۳ درصد مساحت منطقه را شامل می شوند. اراضی نامناسب ۳۹ درصد از مساحت منطقه را تشکیل داده اند که شامل تقریباً کل محدوده ی شهرستان تکاب و قسمت اعظم شهرستان شاهین دژ و همچنین قسمت های زیادی از اراضی شهرستان سردشت و اراضی غربی شهرستان پیرانشهر است که برای کشت چغندر قند مناسب نبوده و توانایی پرورش و تولید محصول درخور توجه و باکیفیت و با صرفه را ندارند.

در مجموع براساس نتایج تحقیق، اگرچه حدود ۱۸٪ از اراضی منطقه برای کشت چغندر قند در وضعیت مناسب و خیلی مناسب قرار دارد و در حال حاضر کمتر از ۱۰٪ آن بهره برداری کشاورزی سنتی با آبیاری ترکیبی غرق آبی - قطره ای می شود، در صورت داشتن برنامه ریزی مناسب و بهره برداری صحیح از منابع آب و خاک با همین مقدار مساحت هم می توان گام مهمی در توسعه پایدار روستایی انجام داد و درآمد حاصله از آن هزینه های یک زندگی پایدار روستایی را کفای باشد و در تثبیت و کاهش سرعت مهاجرت های روستایی نقش آفرینی

کند.

منابع و ماخذ

ابراهیم زاده، ج. (۱۳۷۹) تعیین تقویم هیدرو اقلیم کاشت و برداشت چغندر قند در شهرستان خوی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا.

بادیه نشین، ع.ر. نوری، ح. و وظیفه دوست، م. (۱۳۹۳) واسنجی معادلات برآورد شاخص سطح برگ محصولات ذرت و چغندر قند با استفاده از داده های ماهواره ای سنجنده مودیس (شبکه آبیاری قزوین). مجله تحقیقات آب و خاک ایران، سال چهارم و پنجم، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۵۵.

بارو، ج. (۱۳۸۴) سیستم اطلاعات جغرافیایی. ترجمه حسن طاهر کیا، تهران: انتشارات سمت، ص ۳۶۷.

پزشکی، و. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۷) کاربرد منطق فازی در ارائه مدل ارزیابی سطوح توسعه کشاورزی دهستان های شهرستان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، جلد ۱۱، شماره ۴: صص ۷۰-۵۳.

تبریزی، ع.ا. (۱۳۸۶) تاریخ کاشت مناسب در گیاهان زراعی و عوامل مؤثر بر آن. مجله علمی-تخصصی زیتون، شماره ۷۹، صص ۳۴-۲۸.

جواهری، م.ع. اصغری پور، م.ر. زمرودی، م. و دهمرده، م. (۱۳۹۵) پهنه بندی تعیین تاریخ کاشت برداشت و طول دوره رشد مناسب جهت کاشت پاییزه چغندر قند در استان های خراسان رضوی و جنوبی. اکوفیزیولوژی گیاهی، دوره ۸، شماره ۲۴، صص ۲۳۷-۲۲۳.

حیدری پور، ر. نصیری محلاتی، م. کوچکی، ع. و زارع فیض آبادی، الف. (۱۳۹۴)، اثرات سطوح آبیاری و نیتروژن بر عملکرد و اجزای عملکرد ذرت، کنجد و چغندر قند در شرایط آب و هوایی مشهد. نشریه پژوهش های زراعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۳۳-۲۴.

خسروی، م. امانی، م. و حسین زاده کرمانی، م. (۱۳۹۳)، بررسی تناسب محیطی شهرستان تربت حیدریه برای کشت چغندر قند با استفاده از سامانه

اطلاعات جغرافیایی. مجله چغندر قند، دوره ۳۰، شماره ۱، صص ۱۱۶-۱۰۱.

دفتر آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۰)، آمارنامه کشاورزی محصولات زراعی سال‌های ۸۵-۸۴ تا ۹۰-۸۹. تهران: نشر وزارت جهاد کشاورزی.

دلقدی، م. مساح بوانی، ع.ر. آجرلو، م.ج. برومند نسب، س. اندرزیان، ب. (۱۳۹۳)، ارزیابی ریسک تأثیرات تغییر اقلیم بر عملکرد و فنولوژی رشد گندم (مطالعه موردی: شهرستان اهواز). مدیریت آب و آبیاری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۷۵.

دیهیم فرد، ر. نصیری محلاتی، م. و کوچکی، ع. (۱۳۹۴)، شبیه‌سازی عملکرد پتانسیل چغندر قند (*Beta vulgaris L.*) و خلاء عملکرد ناشی از محدودیت آب و نیتروژن در استان خراسان رضوی با مدل SUCROS. نشریه بوم‌شناسی کشاورزی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۳۱۵-۳۳۰.

سبحانی، ب. (۱۳۸۸)، پهنه‌بندی آگروکلیماتیک کاشت چغندر قند در استان اردبیل. همایش ملی کاهش اثرات بلایای جوی و اقلیمی، فروردین ۱۳۸۸.

علیمرادی، ا. (۱۳۹۴)، نیازهای آینده کشت چغندر قند چالش‌های علمی. شماره ۲۲۶، مجله صنایع قند ایران، صص ۸-۱۲.

فتح اله طالقانی، د؛ محمدیان، ر. و صادق زاده حمایتی، س. (۱۳۹۳)، راهنمای کاشت، داشت و برداشت چغندر قند پاییزه. کرج: موسسه تحقیقات چغندر قند.

فرج زاده، م. (۱۳۸۶)، تکنیک‌های اقلیم‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۸۷.

قنبریان، د. و سالک، ف. (۱۳۹۳)، تأثیر میزان رطوبت بر برخی خواص فیزیکی بذر چغندر قند. مجله چغندر قند، سال سی ام، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۱.

کوچکی، ع. نصیری محلاتی، م. منصوری، ح. و مرادی، ر. (۱۳۹۴)، ارزیابی توسعه کشاورزی پایدار در ایران با استفاده از روش مزیت نسبی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۹۰، صص ۲۹-۴۲.

گل افرا، ف. (۱۳۹۵)، زیرساخت‌های کشت چغندر قند. ماهنامه کشاورز، شماره ۴۴۱، صص ۴۴-۴۶.

ندری، ح. (۱۳۹۵)، چالش‌ها و مشکلات کشت چغندر قند در ایران. ماهنامه کشاورز، شماره ۴۳۶، صص ۳۸-۳۶.

نوری، م. (۱۳۸۳)، اقلیم کشاورزی دهلران با تأکید بر اثرات شاخص‌های حرارتی و بارشی بر کشت چغندر قند. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا.

ارغان، ع. (۱۳۹۶)، بررسی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در مناطق روستایی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) (مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان سرخه) مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۶، شماره ۴۶: ۵۲-۳۳.

حلاجیان، ا. (۱۳۹۵)، بررسی و اولویت بندی موانع استقرار مدیریت دانش در شرکت مادر تخصصی فرودگاه‌های کشور با روش تحلیل سلسله مراتبی، مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۵، شماره ۴۵: ۱۳۴-۱۱۹.

شاه بندر زاده، ح. صداقت، ر. و شیرواند، م. (۱۳۹۴)، کاربرد رویکرد سلسله‌مراتبی جهت اهمیت‌سنجی عناصر توسعه پایدار شهری در محیطی فازی (مورد مطالعه: شهرستان بوشهر) مدیریت شهری و روستایی، دوره ۱۴، شماره ۳۸: ۴۲-۳۳.

Boudry, P., McCombie, H. & Van Dijk, H., (2002), "Vernalization requirement of wild beet *Beta vulgaris* ssp. *maritima*: among population variation and its adaptive significance". *Journal of Ecology*, 90: PP 693-703.

Franke, R., (1982), "Scattered data interpolation: test of some methods". *Mathematics of Computations*, 33: PP 181-200.

Hoffmann, C.M. & Kluge-Severin, S., (2011), "Growth analysis of autumn and spring sown sugar beet". *European Journal of Agronomy*, 34: PP 1-9.

Ivanek, V. & Martinic, M., (1989), "Effect of harvest-

ing date on the yield of roots and sugar of sown and transplanted sugar beet cultivars". Poljoprivredna Znanstvena smotra, 54(3-4): PP 167-178.

Jaggard, K.W. & Werker, A.R., (1998), "An evaluation of potential benefits and costs of autumn-sown sugar beet in NW Europe". J. of Agric. Sc, 132: PP 91-102.

Jaggard, K.W. Qi, A. & Ober, E.S., (2009), "Capture and use of solar radiation, water, and nitrogen by sugar beet (*Beta vulgaris* L.)". Journal of Experimental Botany, 60: PP 1919-1925.

Joseph, G. & Lauer, J.G., (1997), "Sugar beet performance and interactions with planting date, genotype, and harvest date". Agron. J, 89: PP 469-475.

Smiht, A.L., (1983), "Influence of external factors a growth and development of sugar beet Agric". Res. Rep, 46(4): PP 19-22.

Van Dijk, H. Boudry, P. McComber H. & Vernet, P., (1997), "Flowering time in wild beet (*Beta vulgaris* ssp. *maritima*) along a latitudinal cline". Acta Oecologica, 18: PP 47-60.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

تدوین شاخص های کالبدی موثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری

نَسار دانش پایه - گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
فرح حبیب* - گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شیرین طغیانی - گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Explanation of effective physical component in creating a sense of place in the new urban development

Abstract

The sense of place is an overall complex concept of human emotions about the environment and is created by human adaption and use of place. It is also among the important concepts in improving the quality of human environment and creation of environment users' bases of communication. This research seeks to investigate the impact of physical factors on the sense of place and it is in line with identifying and developing the physical characteristics underlying the sense of place in the new urban development. It initially studies the concept of sense of place from different perspectives and explains its constituting factors, and finally provides an analytical model to indicate the impact of these factors on inducing the sense of place by identification of ten key indices. This research has descriptive-analytical method and survey type and evaluates the conducted studies through data collection tool and by library research and reference to the documentation and evidence, and questionnaires. Furthermore, the statistical methods such as the structural equation modeling, confirmatory factor analysis, maximum likelihood estimation, Pearson correlation test, and multiple linear regression model are utilized to confirm model and determine the nature of relationship between the sense of place and the physical components as well as TOPSIS multi-criteria decision-making method for ranking the factors which induce the sense of place. In this regard, Cheshmeh and Dehkadeh-Olympic neighborhoods from district 22 of Tehran Municipality are selected as the research examples. According to the research results, the physical factors are effective in creation of sense of place at two levels in the environment: At the first level, the physical environmental features provide the satisfaction with environment and create and promote the sense of place by facilitating the activities based on the individual behavioral models and fulfilling the place users' needs.

Keywords: Place, sense of place, physical components, new urban development

چکیده

حس مکان مفهومی کلی و پیچیده از احساسات انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید و از مفاهیم مهم در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی و شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان از محیط است. پژوهش حاضر تاثیر عوامل کالبدی بر حس مکان را بررسی می کند و در راستای شناسایی و تدوین ویژگیهای کالبدی زمینه ساز حس مکان در توسعه جدید شهری می باشد. ابتدا به مفهوم حس مکان از دیدگاههای مختلف پرداخته و عوامل شکل دهنده آنرا بیان می کند و در نهایت با تشخیص ده شاخص کلیدی، مدلی تحلیلی برای نشان دادن تاثیر این عوامل بر القای حس مکان ارائه می کند. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و در بستری پیمایشی و با استفاده از ابزار گردآوری داده از طریق مطالعات کتابخانه ای و با ارجاع به مستندات و مدارک موجود و پرسش نامه ها به ارزیابی تحقیقات انجام شده پرداخته است. همچنین از روش های آماری مدلسازی معادلات ساختاری، تحلیل عامل تاییدی، برآورد حداکثر درست نمایی، آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی چندگانه برای تایید مدل و تعیین ماهیت رابطه میان انگاره حس مکان و مولفه های کالبدی و نیز از روش تصمیم گیری چند معیاره تاپسیس برای رتبه بندی مولفه های القا کننده حس مکان استفاده شده است و در این راستا محلات چشمه و دهکده المپیک از منطقه ۲۲ شهرداری تهران بعنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد، عوامل کالبدی در شکل گیری حس مکان در دو سطح در محیط موثر است: در سطح اول، ویژگیهای کالبدی محیط با تسهیل فعالیتها منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تامین نیازهای استفاده کنندگان از مکان، در برقراری رضایت از محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء حس مکان را فراهم می نمایند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط منبعث از تصاویر ذهنی افراد و ادراک آنان از محیط بوده و از طریق تناسب بین فرم و عملکردها، تمایز کالبدی، خوانایی و تداعی معنایی، واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده کنندگان از مکان را فراهم می نمایند.

واژگان کلیدی: مکان، حس مکان، مولفه های کالبدی، توسعه جدید شهری.

۱- مقدمه

امروزه از دست رفتن مکان پیش از هر چیز در سطح شهر احساس میشود. قرارگاه مدرن به جای آنکه مکانی شهری باشد، بصورت خانه گسترده شده ای شرح و بسط یافت (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹). محیط زندگی انسان مدرن، از جهان دارای روح و آمیخته با طبیعت، به محیط شهری لبریز از سر و صدا، گیجی و فردگرایی تغییر یافته است. در حالیکه یکی از اصلی ترین دلایل ایجاد یا توسعه شهرها، بنای ساختمانها، فضاهای باز شهری و زیر ساخت های شهری، تامین فعالیت های جاری و بالقوه انسان است (لنگ، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷). عامل اساسی که در ساختن مکان ها نقش اصلی ایفا میکند، مبتنی بر توانایی شهرساز و طراح در پاسخگویی توام با حساسیت به شرایط انسانی است. باید به یاد داشت که تعامل و کنشمندی بین فضا و فرد یا افراد موجود در آن فضا، ساختار مکان را به حد اعلامی رساند (پرتوی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳). و تنها زمانی که مکانمان را ادراک کنیم ممکن است قادر باشیم تا خلاقانه در آن مشارکت کرده و در تاریخ آن سهمی داشته باشیم (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰).

تغییر الگوی زندگی و به تبع آن تغییر در نیازهای انسان مدرن، تغییرات شتاب زده بافتهای در کنار لاینحل ماندن رفع نیازهای ساکنان، منجر به تضعیف و گسست دلبستگی مکانی در آنها شده است. اگرچه نظامی عمومی حاکم است اما برای ما هیچ حس مکانی را منتقل نمی کنند. بافت شهری گسترده شده، پیوستگی دیوارهای شهری قطع شده و انسجام فضاهای شهری آسیب دیده است. کلیت شهر فاقد خوانایی و تصور پذیری است (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۷۱). به واقع یکی از ابعاد مهم و تاثیر گذار در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی، مطلوبیت فضاهای شهری و میزان رضایت از آن، حس مکان است. این حس بعنوان عاملی مهم در شکل گیری پایه های ارتباطی انسان و محیط، زمینه ارتقاء کیفیت محیط را فراهم می آورد. چرا که احساس عاطفی نسبت به

مکان سبب می شود تا افراد ارتباطات و تعاملات نزدیک تری با شهروندان دیگر در فضاهای عمومی برقرار کند، پیوندهای اجتماعی قوی تری با مکان داشته باشند، به واسطه برقراری روابط اجتماعی سالم به هنگام حضور در فضا احساس سرزندگی و شادکامی کند و احترام بیشتری برای مکان و عناصر آن قائل باشد. ضرورت اصلی شکل گیری پژوهش حاضر، در لزوم تبیین چارچوب نظری و عملیاتی کردن این چارچوب در ارتقاء حس مکان شهروندان به اینگونه فضاها خلاصه میشود. همچنین در باب ضرورت انجام دادن پژوهش حاضر به مواردی چون بررسی قابلیت توسعه های جدید شهری در لقاء حس مکان به شهروندان و ارتقاء ارتباطات و تعاملات اجتماعی مطلوب شهروندان در فضاهای عمومی شهری و تقویت رابطه عاطفی و معنایی - ادراکی ایشان با اینگونه فضاها اشاره کرد. بدین منظور محلات چشمه و دهکده المپیک در منطقه ۲۲ شهرداری تهران بعنوان نمونه ای از توسعه های جدید شهری مورد مطالعه قرار گرفته اند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعاریف

۲-۱-۱- تعریف مکان

مکان های معنی دار، در یک بستر اجتماعی و بر اثر تعاملات اجتماعی میان افراد در یک محیط فیزیکی شکل می گیرند که با بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن جامعه در پیوند هستند. این امر باعث تشکیل یک حس مکان شخصی می شود که خود در نهایت منجر به شکل گیری نوعی هویت ذهنی نسبت به محیط در ذهن فرد می گردد (Agnew, ۱۹۸۷:۲۸).

رلف (۱۹۷۶) مکان را در سه وجه تعریف می کند: کالبد، فعالیت و معنا. وی معتقد است که از میان این سه وجه، معنا نسبت به دو وجه دیگر از اهمیتی بیشتر برخوردار است و دشوارتر از بقیه به دست می آید. در همان دوران، کانتر (۱۹۷۷) مدلی سه بخشی از مکان را ارائه داد که در آن مکان

داری در مکان اشاره دارد که به معنای همبستگی و یکی شدن فرد با مکان است (Tuan, ۱۹۸۰, ۶). ریلی در پژوهش خود دریافت که دل‌بستگی به مکان برخاسته از خاطرات دوران رشد فرد است. او بر این عقیده است که انسان مکانی را بیشتر به یاد می‌آورد که وقایع مطلوبی را در آن تجربه کرده است (Riley, ۱۹۹۲, ۱۹). مولفه سوم، وابستگی به مکان، وابسته به ادراک افراد است (چه مثبت و چه منفی). این مولفه اشاره به ارتباطات فرد-مکان بر اساس فعالیت‌های مشخص دارد. اغلب وابستگی به مکان بعد از ارزیابی افراد درباره میزان موفقیت اماکن در دستیابی به اهداف مورد نظر استفاده‌کنندگان به وجود می‌آید (Jorgensen & Stedman, ۲۰۰۱). «ویلیامز» نیز دیگر پژوهشگری است که حس مکان را مرتبط با دو عامل «وابستگی مکانی» و «هویت مکانی» می‌داند (Lindsay, Gifford, ۲۰۱۴, ۲۱). برخی دیگر صاحب نظران بر این اعتقادند که هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و وابستگی به مکان را به صورت واحد می‌توان حس مکان نامید اما برخی دیگر اظهار داشته‌اند که دل‌بستگی به مکان منتج از هویت مکان و وابستگی به مکان است (Altman & Low, ۱۹۹۲).

«شولتز» در این راستا، واژه روح مکان را مطرح می‌کند و برای فهم روح مکان، مفاهیم معنا (ریشه در روابط شیء با اشیای دیگر) و ساختار (ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط) را بیان کرد ساختار و معنا وجوه یک کلیت‌اند (شولتز، ۱۳۸۹؛ ۲۳۲). روح مکان (spirit of Place) خصوصیتی ذاتی و ظاهری است. علاوه بر تاثیر شکل زمین، فرآیند تغییرات فیزیکی و روابط حاصله از زندگی طولانی مدت در یک مکان، در درک روح آن مکان، موثر می‌باشد (رلف، ۱۳۸۹، ص ۸۲). مکانی که دارای روحی قدرتمند است، به تولید حسی قوی از آن مکان کمک می‌کند.

«یان فو توان» به جای حس مکان اصطلاح «مکان دوستی» را مطرح می‌کند و آن را پیوندی بر محبت

برگرفته از سه بخش فعالیت‌ها، تصورات و فرم بود (Canter, ۱۹۷۷). گوستافسون (۲۰۰۱) با پایه قرار دادن و قیاس تطبیقی نظریات کانتر و رلف به توصیف رویکرد تعاملی سه قطبی فرد، دیگران و محیط به عنوان مدل چهارچوبی نظری در شکل‌گیری معنی پرداخت (Gustafson, ۲۰۰۱).

۱-۲-۲- حس مکان و مفاهیم مرتبط با آن

اصطلاح حس مکان بدین معناست که مردم تجربیاتی فرای خصوصیات کالبدی مکان، که از طریق حواس پنجگانه قابل حصول است، داشته باشند و نوعی حس تعلق به روح مکان پیدا کنند (جکسون، ۱۹۹۴؛ به نقل از کرمونا، ۱۳۸۸؛ ۱۸۷). حس مکان وابستگی‌های مردم و پیوستگی آنها با مکان‌هایشان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند، را در بر می‌گیرد (عارفی، ۱۹۹۹). برخی از صاحب نظران معتقدند حس مکان در برگیرنده سه مولفه است: هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و وابستگی به مکان (Jorgensen & Stedman, ۲۰۰۱, ۲۰۰۶).

مفهوم روانشناختی هویت مکانی اولین بار توسط «هارولد پروشانسکی» مطرح شد. هویت مکان، درک افراد از هویت خود در ارتباط با محیط کالبدی تعریف شده است (Proshansky, ۱۹۷۸). به طور کلی این مولفه به واسطه الگوی ایده‌های خودآگاه و ناخودآگاه، باورها، احساسات، ارزشها، اهداف و تمایلات رفتاری مرتبط با محیط شکل گرفته است (Proshansky, ۱۹۷۸). دل‌بستگی به مکان، ارتباط عاطفی پیچیده بین مردم و مکان که فراتر از شناخت، اولویت و قضاوت است. دل‌بستگی به مکان همچنین اشاره به غنای معانی دارد که متاثر از آشنایی و تدارم مراجعه است (Lindsay Gifford, ۲۰۱۴, ۲۱). و عموماً پس از آنکه افراد تجربه‌ای درازمدت دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند، مکان معنای وسیعی برای فرد می‌یابد (Kaplan, ۱۹۷۴, ۱۷۲, ۱۹۹۵).

در این رابطه توان، بر وجود عاملی به عنوان ریشه

و تاثیر گذار میان مردم و مکان‌ها یا قرارگاه‌ها می‌داند (Tuan, 2001). وی به منظور بیان مفهوم مکان، آن را به دو قسمت روح مکان یا مشخصه مکان و حس مکان تقسیم نموده و به بعد شخصیت مکان اشاره می‌کند. وی معتقد است که تمام مکان‌ها دارای روح یا شخصیت می‌باشد ولی داشتن حس مکان را مستلزم حضور فرد در فضا می‌داند (Tuan, 2001).

«استفانوویچ» می‌گوید حس مکان، تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود. به عقیده «کریستین نوربرگ شولتز»، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت، رنگ، مقیاس، تنوع، چشم انداز و برجستگی است (شولتز، ۱۳۸۹). همچنین «ادراک» و «جهت یابی» را از عوامل مهم در ایجاد حس نسبت به مکان‌ها می‌داند و معتقد است جایی که نظام جهت یابی ضعیف است تصویر سازی مشکل می‌شود و انسان احساس گم‌گشتگی می‌کند (همان؛ ۳۵). «استیل» مهم‌ترین عوامل کالبدی موثر در ادراک و حس مکان را اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، بافت، رنگ و تنوع بصری می‌داند (مرتضوی، ۱۳۹۲، ص ۷۰). به عقیده «دیوید هیومن» جامعه شناس، حس مکان عبارتند از ادراکات ذهنی افراد درباره محیطشان و احساسات کم و بیش خود آگاه آنها در مورد آن. حس مکان در تعریفی که وی ارائه کرده به مفهوم دل‌بستگی به اجتماع می‌باشد. وی پنج گونه حس مکان را معرفی می‌کند که عبارت است از: ریشه داری عقیدتی، ریشه داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی (Hummon, 1992, 262). «شامای» ۱۹۹۱، اظهار می‌دارد حس مکان مخلوطی از احساسات

خود آگاه و ناخود آگاه و دریافت‌ها (ادراک) است؛ مفهومی است غنی که چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد را شامل می‌شود و به یک مکان معنایی دهد و حس فرد از مکان روی نگرشها و رفتار وی در آن مکان تأثیر می‌گذارد (Shamai, 1991, 347-358). وی سه مرحله اصلی را برای حس مکان بیان می‌دارد؛ تعلق به مکان، دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان. او معتقد است در جهت ایجاد این حس ما نیاز به یک تجربه عمیق و طولانی از مکان و درگیر شدن کامل با مکان را داریم. «آلمن» حس مکان را بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل می‌شود و خصوصیات این محیط را در عوامل مقیاس، اختصاصی بودن، قابل دسترس بودن بیان می‌کند (Altman&Low, 1992).

۲-۲- چارچوب نظری پژوهش

در طول چهار دهه گذشته، چارچوب‌های معرفت شناختی مورد بحث در بالا، نظریه‌های گوناگونی را با توجه به ماهیت حس مکان تولید کرده‌اند. در ابتدا نوشته‌های نظری حس مکان را با مفاهیم روح مکان برابر دانسته‌اند. این نظریه معتقد است که حس مکان در اصل وابسته به کیفیتهای فیزیکی یک محل است و به این ترتیب ویژگی‌های زیست محیطی درک شده توسط ساکنان و بازدید کنندگان به طور یکسان است. دوم، نظریه اثبات‌گرایی معتقد است که حس مکان فقط یک کیفیت محیطی نیست بلکه یک فرایند شخصی و اجتماعی است که فضاها به مکان تبدیل می‌شود. نظریه‌های پوزیتیویستی اخیراً بیان می‌کنند که حس مکان پاسخ چند بعدی انسان به محیط فیزیکی است و تمایل به تمرکز بر معنای مرتبط با حس مکان دارند.

تا حد زیادی، همه پایه‌های معرفت شناختی، سه مولفه اصلی مکان را تصدیق کرده‌اند؛ محیط فیزیکی، فعالیتها، و معنا. تنها تفاوت بین تفاسیر مختلف این است که هر کدام از آنها بر یکی از

جدول ۱. معیارهای مربوط به سنجش حس مکان از دیدگاه صاحب نظران؛ ماخذ: نگارندگان.

دیدگاه	صاحب نظران	تعاریف	معیارهای مطرح شده مربوط به سنجش حس مکان
جامعه شناسی	دیوید هامون	حس مکان عبارتند از ادراکات ذهنی افراد درباره محیطشان و احساسات کم و بیش خود آگاه آنها در مورد آن	ساختارهای معنایی - هویت مکان
	جنیفر کراس	حس مکان، ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع	ساختارهای معنایی - هویت مکان
روانشناسی محیط	پروشانسکی	مکان به عنوان پایه ای برای شکل گیری و توسعه مفهوم هویت شخصی، هویت فردی را منبعث از هویت مکانی میدانند	ادراک، شناخت و نهایتاً احساسات نسبت به مکان - همچنین تاکید بر عوامل کالبدی و اجتماعی (تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود)
	آلتمن راپاپورت	حس مکان فراتر از از تجربه شناختی است و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل میشود حس مکان بصورت نمادها و سنبل های فرهنگی - اجتماعی کالبدی در محیط بروز میکند	مقیاس، اختصاصی بودن، قابل دسترس بودن تاکید بر نقش مولفه های فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری محیط کالبدی
	شاموتل شامای	حس مکان مخلوطی از احساسات خود آگاه و ناخود آگاه و دریافت ها (ادراک) است و به یک مکان معنا می دهد	ساختارهای معنایی و چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد
اثبات گرایی	فریتز استیل	حس مکان شامل احساسات، ادراکات، رفتارها، نتایج و برآمدهایی است که در ارتباط با چیزی است که در آن موقعیت قرار داشته و با آن یکی شده است	عوامل کالبدی - شخصیت مکان - چگونگی تجربه مکان
	ادموند بیکن	فرم های معماری در محیط ایجاد غنا و تنوع می کنند و در ایجاد روح مکان و حس مکان موثرند.	عوامل کالبدی - شخصیت مکان
	کرمونا	عکس العمل سیستم حسی بدن نسبت به محرک های محیطی، حس از محیط را تشکیل میدهد.	آسایش و تصویر ذهنی؛ دسترسی و پیوستگی؛ استفاده ها و فعالیت ها؛ معاشرت پذیری
پدیدارشناسی	رلف	ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی در ذهن فرد شکل می گیرد، منجر به خلق حس مکان می گردد	ساختار کالبدی، فعالیت، معنا
	شولتز	مشخص و متمایز هستند حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت	سابقه سکونت و ساختار، معنایابی (تصور محیطی، ادراک و جهت)
	توان	مکان دوستی، پیوندی بر محبت و تاثیر گذار میان مردم و مکان	شخصیت مکان و حضور فرد

مولفه‌ها بعنوان تاثیرگذارترین مولفه در ارتقای حس مکان تاکید کرده‌اند. به عنوان یک کیفیت ذاتی محیط زیست، محیط کالبدی در مدل روح مکان مرکزیت دارد. رویکرد اثبات‌گرایی به شدت تحت تاثیر فعالیت‌ها و تجربه اجتماعی و زندگی است. همچنین معنا و اثرات تولید شده توسط محیط زیست مورد توجه نظریات اثبات‌گرایی است. همچنین نظریه‌های مختلف حس مکان درباره نقش مدت زمان سکونت ساکنان در توسعه حس مکان اختلاف نظر دارند. نتایج برخی پژوهش‌ها بر احساس ریشه‌داری بلند مدت مرتبط با قرارگاه‌های فیزیکی تاکید کرده‌اند. برخی دیگر بر یک سطح از دل‌بستگی مثبت و یا آگاهی از محیط در توسعه حس مکان تاکید داشته‌اند.

۲-۳- شاخص‌های پیشنهادی حس مکان در ارتباط با موضوع پژوهش و تدوین مدل تحلیل

بصورت کلی مولفه‌ها و عوامل موثر بر شکل‌گیری و تقویت حس مکان را میتوان در سه حیطه عملکردی فعالیت‌های (رفتاری)، فرمی کالبدی و ادراکی احساسی (عاطفی) دسته‌بندی کرد. حیطه عملکردی فعالیت‌های که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان تاکید میکند شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت، برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است. حیطه فرمی کالبدی به چگونگی تاثیرگذاری مولفه‌های کالبدی در تقویت حس تعلق به مکان، استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط خلاصه می‌شود. همچنین حیطه معنایی ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری و در نهایت شکل‌گیری و ارتقاء حس مکان موثرند. در این راستا، با انتخاب زمینه کالبدی مطالعات حس مکان، جهت استخراج مدل تحلیلی پژوهش، ابتدا، معیارهای کالبدی سنجش حس

مکان بررسی شد. به این ترتیب که ویژگی‌های فرمی و زیبایی‌شناسی مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی-زیبایی‌شناسی، ویژگی‌های عملکردی و فعالیت‌های مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی-عملکردی، و ویژگی‌های معنایی و ادراکی مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی-معنایی دسته‌بندی شدند. و سپس زیرمعیارهای مربوط به هر کدام از مولفه‌ها استخراج شد.

۳- روش تحقیق

تحقیق پیش‌رو، پژوهشی بنیادی-کاربردی است. روش تحقیق، از نوع توصیفی-تحلیلی و در بستری پیمایشی و با استفاده از شیوه‌های تحقیق مرور متون و منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و از روش‌های تحقیق پیمایشی و موردی و شیوه‌های تحقیق مصاحبه، پرسش‌نامه و بازنمایی در بستر مطالعات میدانی سودجسته است. جامعه آماری در بخش سنجش حس مکان، محلات چشمه و دهکده المپیک (در منطقه ۲۲ شهرداری تهران) می‌باشند. در بخش آمار تحلیلی این تحقیق دو اقدام صورت گرفته است؛ در اقدام اول و به منظور ارزیابی اعتبار ویژگی‌ها و مشخصه‌های محیطی تعیین شده در هر پرسش‌نامه، تحقیق در معناداری رابطه تصور شده میان ویژگی‌های محیطی و گزاره‌های طرح شده در مورد آراء حس مکان و رتبه‌بندی فاکتورهای اثرگذار بر حس مکان از مدل‌سازی معادلات ساختاری SEM و تحلیل عامل تاییدی CFA و برای برآورد یابی پارامترها، از روش برآورد حداکثر درست‌نمایی MLE استفاده شده است. در اقدام دوم در جهت تعیین معناداری رابطه میان حس مکان و مولفه‌های تعیین شده، از آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌های رگرسیون خطی چندگانه بهره‌گرفته‌اند. همچنین از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS برای رتبه‌بندی مولفه‌های القاکننده حس مکان در بین شهروندان استفاده شده است. ذکر این نکته لازم

جدول ۳. ارزیابی برآزش مدل پیشنهادی سنجش میزان حس مکان با استفاده از شاخص RMSEA

شاخص	RMSEA	Lo90	FL90
مقدار اماره	۰/۰۴۹	۰/۰۵۱	۰/۰۵۳

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود مقدار اماره RMSEA و شاخص های دیگر در حدود (۰,۰۵) برآزش بسیار مناسب بدست آمده است.

۴-۲- ارزیابی وضعیت القای حس مکان در منطقه ۲۲ شهرداری تهران

ارزیابی وضعیت القای حس مکان در مطالعه موردی شامل دهکده المپیک و چشمه، به واسطه تلفیق معیارهای ده گانه مورد توجه در این زمینه، شامل خوانایی، قابلیت ادراک مکان، هویت و شخصیت (در حیطه معنایی) و غنای بصری، کیفیت کالبدی فضایی، تناسبات بصری (در حیطه زیبایی شناسی) و قابلیت دسترسی، انعطاف پذیری مکان، آسایش، دعوت کننده بودن مکان (در حیطه عملکردی) انجام شده است. وضعیت هریک از معیارهای یادشده از نقطه نظر ساکنان در سایه انجام تحلیل عاملی، مشخص شده است. با محاسبه ضریب اهمیت هر کدام از معیارها و با توجه به مشخص بودن امتیاز آنها در ارتباط با هریک از شهر کهای مورد مطالعه، سنجش وضعیت احراز و تشخیص حس مکان از نقطه نظر ساکنان می تواند انجام گیرد.

۴-۲-۱- آزمون همبستگی میان مولفه های حس مکان

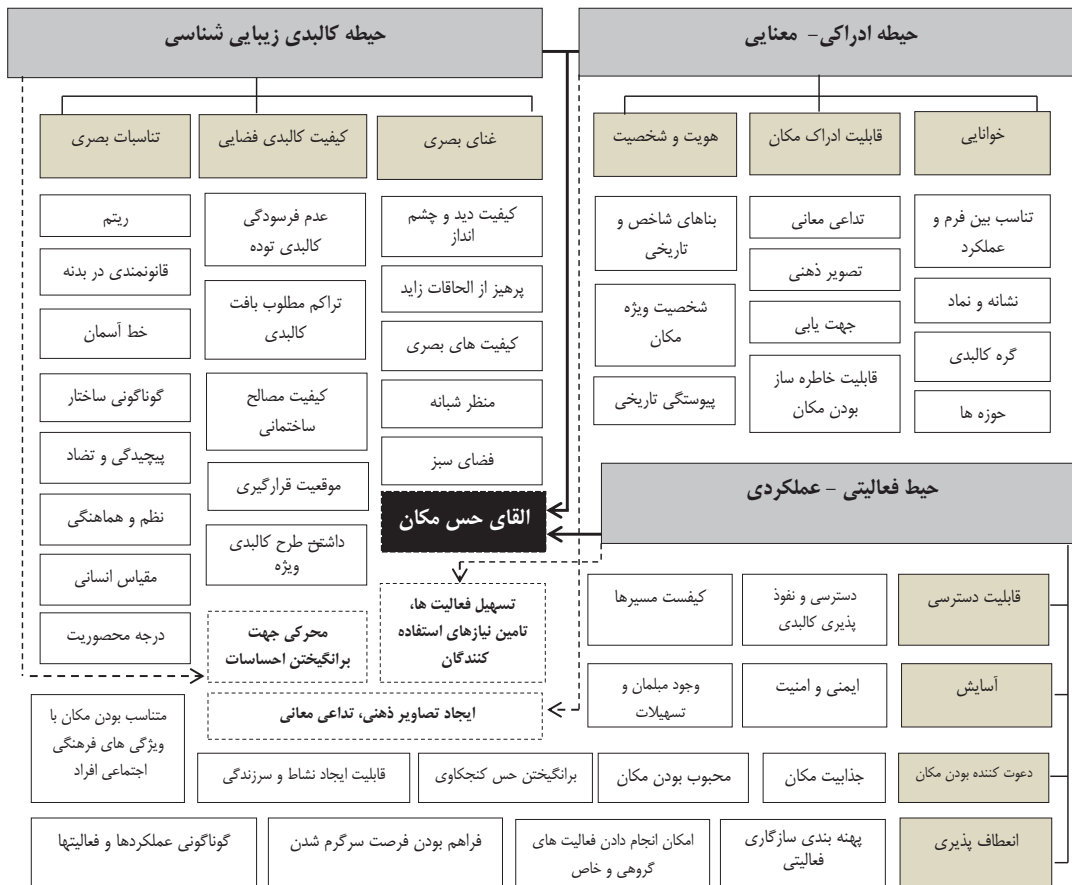
ارتباط بین شاخص های مؤثر حس مکان، بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه و آزمون های آماری (آزمون همبستگی) بیان می گردد. این آزمون رابطه بین متغیرها یا همان شاخصهای مورد مطالعه را بررسی و تحلیل کرده و در نهایت به نتایج مستند میرسد. آزمون همبستگی میان عوامل در قالب آزمون همبستگی پیرسون در SPSS انجام گرفته و تأثیرات عوامل محیطی و درونی بر یکدیگر تعیین می شوند. وجود همبستگی نسبی

است که در تحلیل و ارزیابی داده های این رساله از نرم افزارهای LISREL, SPSS, EXCEL به کار گرفته شده است. در ارتباط با پرسشنامه با هدف طراحی سئوالاتی مرتبط و اختصاصی برای هریک از معیارها، «طیف پنج قسمته لیکرت» برای پاسخ ساکنان، مورد توجه قرار گرفته که مقیاسی تجمعی است که بر اساس آن، پاسخ دهندگان نظر خود را در قالب درج های از شدت و نیرومندی، مشخص می کنند. در خصوص تعیین حجم نمونه نیز باید اشاره شود که دو محله شهرک دهکده المپیک، چشمه، را به صورت واحدهایی مجزا اما هریک دارای ویژگی های نسبتاً همگن در درون خود، در نظر گرفته شده اند از این رو، از روش نمونه گیری تصادفی ساده و روش کوکران استفاده شده است. بر این اساس و بر مبنای درصد اطمینان ۹۹ و همچنین سطح خطای ۰,۱ (دقت مورد نظر معادل ۰,۱ فاصله نسبت به جامعه)، ۳۱۱ نمونه در مجموع و به ترتیب شامل ۱۵۴ و ۱۵۷ نمونه مربوط به شهرکهای دهکده المپیک و چشمه محاسبه شده و مورد توجه میباشد.

۴-۲-۱- بحث و یافته ها

۴-۱- تحقیق در برآزندگی مدل پیشنهادی سنجش میزان حس مکان

در این بخش برآزندگی مدل پیشنهادی سنجش میزان حس مکان در توسعه جدید شهری (شکل شماره ۱) و اعتبار سازه تدوین شده برای سنجش میزان حس مکان در شهروندان عادی بررسی می شود. بدین منظور از روش مدلیابی معادلات ساختاری (Structural Equational Modeling) تحلیل عاملی تاییدی (Confirmatory Factor Analysis) و برآورد حداکثر درستتمایی (MLE) برای برآورد پارامترهای مدل پیشنهادی استفاده شده است. در جدول زیر شاخص های مرتبط با محاسبه درجه آزادی و آماره مجذور کای در مدل پیشنهادی سنجش میزان حس مکان آورده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی عوامل شکل دهنده حس مکان؛ ماخذ: نگارندگان

بالا استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) را بعنوان یک ابزار مناسب تحلیل معنی داری ارتباطات پیشنهاد می‌کند. با توجه به نتایج بدست آمده از جداول ۴ می‌توان گفت تقریباً همبستگی بالایی همه عوامل و یا معیارها با زیر معیارهایشان وجود دارد. مولفه کالبدی زیبایی شناسی با ضریب همبستگی ۰,۴۹۶، بیشترین همبستگی را با انگاره حس مکان دارد، پس از آن مولفه عملکردی فعالیتی با ضریب همبستگی ۰,۳۱۴ و در نهایت مولفه ادراکی معنایی با ضریب همبستگی ۰,۳۰۶، همبستگی مثبت و معنادار با انگاره حس مکان دارد.

۲-۲-۴- بررسی معناداری و میزان رابطه فاکتورهای تحقیق بر روی میزان حس القای مکان جداول زیر نشان دهنده تاثیر هر یک از متغیرهای

اندازه گیری شده پرسشنامه بر روی متغیر مکنون میزان حس القای مکان می باشد. هم چنین مقدار آماره آزمون و مقدار معنی داری مربوط به آزمون رگرسیونی تاثیر هر یک از این ابعاد بر روی متغیر میزان حس القای مکان مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به مقادیر بدست آمده می توان گفت تمامی این متغیرهای اندازه گیری شده در تبیین پراکندگی متغیر وابسته (میزان حس القای مکان) تاثیر گذار هستند ($p > 0,05$).

نتایج جدول بالا نشان می دهد از دید شهروندان شرکت کننده در این تحقیق، رابطه علت و معلولی میان انگاره حس مکان و مولفه های کالبدی، عملکردی و معنایی، معنی دار بوده (آماره P کوچکتر از ۰,۰۵) و این مولفه ها بر حس مکان اثر میگذارند.

بالا استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) را بعنوان یک ابزار مناسب تحلیل معنی داری ارتباطات پیشنهاد می‌کند. با توجه به نتایج بدست آمده از جداول ۴ می‌توان گفت تقریباً همبستگی بالایی همه عوامل و یا معیارها با زیر معیارهایشان وجود دارد. مولفه کالبدی زیبایی شناسی با ضریب همبستگی ۰,۴۹۶، بیشترین همبستگی را با انگاره حس مکان دارد، پس از آن مولفه عملکردی فعالیتی با ضریب همبستگی ۰,۳۱۴ و در نهایت مولفه ادراکی معنایی با ضریب همبستگی ۰,۳۰۶، همبستگی مثبت و معنادار با انگاره حس مکان دارد.

۲-۲-۴- بررسی معناداری و میزان رابطه فاکتورهای تحقیق بر روی میزان حس القای مکان جداول زیر نشان دهنده تاثیر هر یک از متغیرهای

جدول ۴. تأثیرات عوامل محیطی و درونی بر یکدیگر با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

عوامل	حیطه ادراکی معنایی میزان همبستگی (p-value)	حیطه کالبدی زیبایی شناسی میزان همبستگی (p-value)	حیطه عملکردی فعالیتی میزان همبستگی (p-value)	القای حس مکان میزان همبستگی (p-value)
ادراکی معنایی	-	۰/۱۶۳(۰/۰۰۲)	۰/۱۰۴(۰/۰۰۶)	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۱)
کالبدی شناسی زیبایی	۰/۱۶۳(۰/۰۰۲)	-	۰/۲۱۶(<۰/۰۰۱)	۰/۴۹۶(<۰/۰۰۱)
عملکردی فعالیتی	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۱)	۰/۲۱۶(<۰/۰۰۱)	-	۰/۳۱۴(<۰/۰۰۱)
القای حس مکان	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۱)	۰/۴۹۶(<۰/۰۰۱)	۰/۳۱۴(<۰/۰۰۱)	-

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مورد مطالعه

نقش	متغیر مستقل	متغیر وابسته	بتا	خطای استاندارد	آماره آزمون	P مقدار
حیطه عملکردی	القای حس مکان	۲/۴۵	۰/۱۸	۱۳/۷۹	۰,۰۴۸	
حیطه کالبدی زیبایی شناسی	القای حس مکان	۲/۴۳	۰/۱۷	۱۴/۵۳	۰,۰۰۰۱>	

گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن آنها به گزینه ایده آل می‌باشد. در این روش گزینه‌ها، باید کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشند. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد از دید شهروندان، از بین معیارها آسایش بالاترین رتبه در حس تعلق به مکان داشته است و انعطاف پذیری کمترین رتبه در میزان حس تعلق به مکان در بین معیارهای در نظر گرفته شده در این تحقیق را به خود اختصاص داده است.

۶- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

پژوهش حاضر با کنکاش در مفهوم حس مکان

۳-۵- رتبه بندی معیارهای سنجش حس مکان از دیدگاه شهروندان عادی و متخصصان با استفاده از روش تاپسیس (نتایج ماتریس $d+$ و ماتریس $+CL$) در این بخش معیارهای سنجش میزان حس مکان از نگاه شهروندان، رتبه بندی شده‌اند. به منظور انجام دادن این مهم نیز از روش‌های تحلیل عاملی (برای بدست آوردن برآوردهای وزن فاکتورهای حس مکان) و تاپسیس (برای الویت بندی معیارهای سنجش براساس مقایسه آنها با وضعیت ایده آل حس مکان از نگاه شهروندان عادی) استفاده شده است. در واقع الگوریتم تاپسیس، یک روش چند شاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت بندی

جدول ۶. رتبه بندی معیارهای سنجش حس مکان از دیدگاه شهروندان با استفاده از روش تاپسیس (نتایج

ماتریس +d و ماتریس +CL)

نتایج ماتریس +d (فاصله گزیده از ایده آل مثبت)	نتایج ماتریس +CL (میزان نزدیکی نسبی هر گزیده با راه حل)	
۰,۰۲۲۷	۰,۰۳۷۵	خوانایی
۰,۰۷۲۴	۰,۰۲۵۲	ادراک مکان
۰,۰۴۲۵	۰,۰۷۷۵	هویت و شخصیت
۰,۰۶۵۲	۰,۰۱۳۳	قابلیت دسترسی
۰,۰۵۲۴	۰,۰۲۳	آسایش
۰,۰۷۵۵	۰,۰۸۳۴	دعوت کننده مکان
۰,۰۳۷۵	۰,۰۵۲۴	انعطاف پذیری
۰,۰۸۹۴	۰,۰۵۲۷	غنای بصری
۰,۰۲۴۷	۰,۰۳۷۳	کیفیت کالبدی فضایی
۰,۰۳۷۵	۰,۰۵۲۴	تناسبات بصری

مکان در نمونه های مطالعه نیز بررسی شدند و مشخص شد که از نظر ساکنان مهم ترین شاخص های القای حس مکان ویژگی های کالبدی و بعد از آن به ترتیب ویژگی های عملکردی و معنایی هستند. گفته شد که حس مکان از مجموع ویژگی های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از برآیند خصوصیت های محیط کالبدی و ارزیابی این خصوصیت ها توسط استفاده کنندگان از مکان شکل گرفته و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. همچنین بر نقش عوامل کالبدی، اجتماعی و فرهنگی و فردی در شکل گیری حس مکان تاکید شده است. در جایگاه نتیجه گیری و بر مبنای سهم و جایگاه این پژوهش، باید اشاره کرد شکل گیری حس مکان در مناطق شهری جدید، مبتنی بر فرآیندی مبنی بر تعامل ساکن و محل سکونت و در نتیجه شخص و مکان است. بطور کلی طبق نتایج بدست آمده، عوامل کالبدی در شکل گیری حس مکان در دو سطح در محیط موثر است:

به بررسی مکاتب مختلف مطالعاتی در این حوزه پرداخته و اصول و زمینه های گوناگون مطرح در این مفاهیم و مطالعات را در چارچوبی نظری تدوین نمود. سپس با انتخاب زمینه کالبدی مطالعات حس مکان به مرور تجربیات و پژوهش های مختلف در این عرصه پرداخته و در چارچوب مبانی نظری مطرح شده، شاخص های موثر بر شکل گیری حس مکان از منظر کالبدی را مشخص و در نهایت نه شاخص کلیدی را ارائه نمود. به منظور تبیین رابطه میان عوامل کالبدی و حس مکان، همبستگی این دو متغیر مورد بررسی قرار گرفت که طبق نتایج بدست آمده، بین عوامل کالبدی و حس مکان رابطه معنادار قوی وجود دارد. همچنین بیشترین همبستگی معنادار و مثبت، بین شاخص های کالبدی مطرح شده و انگاره حس مکان وجود دارد بطوریکه ضریب همبستگی معیارهای غنای بصری، کیفیت کالبدی فضایی و تناسبات بصری به ترتیب ۰,۴۸۲، ۰,۲۳۹ و ۰,۳۶۴ بدست آمد. همچنین همبستگی عوامل عملکردی و معنایی با انگاره حس

جدول ۷. رتبه بندی معیارهای سنجش میزان حس مکان از نگاه شهروندان با استفاده از روش تاپسیس

رتبه	رتبه گزینه ها	
رتبه ۱	۰,۸۳۶	آسایش
رتبه ۲	۰,۸۱۲	غناى بصرى
رتبه ۳	۰,۷۲۹	دعوت کننده مکان
رتبه ۴	۰,۶۵۸	قابلیت دسترسی
رتبه ۵	۰,۶۳۶	خوانایی
رتبه ۶	۰,۵۵۸	هویت و شخصیت
رتبه ۷	۰,۵۳۶	تناسبات بصری
رتبه ۸	۰,۰۴۹۴	کیفیت کالبدی فضایی
رتبه ۹	۰,۰۴۴۷	ادراک مکان
رتبه ۱۰	۰,۰۳۷۵	انعطاف پذیری

در محیط و در نهایت افزایش دلبستگی به مکان ایجاد می کند. این مهم که هم در سطح نظری و به واسطه نظریه ها، دیدگاه ها و نیز پژوهشهای مورد استناد و هم در سطح تجربی و در ارتباط با مطالعه موردی، منطقه ۲۲ تهران، تأیید شده و مورد تأکید قرار گرفت، گویای نقش و اهمیت مولفه های کالبدی در ارتقاء حس مکان در مناطق شهری جدید است. و در نهایت، انجام مطالعات هدفمند با محوریت یک، چند یا تمامی معیارهای ده گانه شناسایی شده و مورد توجه، مبتنی بر یک یا چند نمونه مطالعاتی خاص، محور قابل توجه دیگری است که در زمینه شکل گیری تحقیقات آتی و مطالعات بیشتر، با هدف تداوم، تکمیل و تدقیق یافته ها و دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش حاضر، پیشنهاد میشود.

در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با همسازی فعالیت ها از طریق تامین و قابلیت انجام آن و با ارضاء نیازهای فردی این حس را از مکان فراهم می نمایند. در این سطح ویژگی های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تامین نیازهای استفاده کنندگان از مکان، در برقراری رضایت از محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء حس مکان را فراهم می نمایند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط از طریق تناسب بین فرم و عملکردها، تمایز کالبدی، خوانایی، تداعی معنایی، واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده کنندگان از مکان را فراهم می نمایند. در این سطح عناصر کالبدی، منبعث از تصاویر ذهنی افراد و ادراک آنان از محیط بوده و زمینه را برای تقویت پیوندها

منابع و ماخذ

ment Local Sentiment and Sense of Place , In Place Attachment , New York press , 253-278

15)Kaplan, S (1995), The restorative benefits of nature: Toward an integrated framework, Journal of Environmental Psychology, 15, 169-182.

16)Lindsay J. McCann, Robert Gifford,2014, Interrelations between sense of place, organizational commitment, and green neighborhoods, Cities, 41 , 20

17)Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. Environment and Behavior, 10,147-169.

18)Riley, R (1992), Attachment to the ordinary landscape, In I. Altman and S. Low (Eds.), Place attachment, Plenum Press, New

19)Shamai,S. (1991), Sense of place: an empirical measurement, Israel, geoforum, Vol.22, pp.: 347-358

20)Stefano Vic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44

21)Tuan, Y. F. (1974), Topophilia. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

22)Tuan, Y. F.(1980), Rootedness versus sense of place, Landscape, No. 24, 3-8.

23)Tuan, Yi-Fu, 1977, Space and Place: The perspective of experience. Minnesota: The University of Minnesota press

- 1)پرتوی، پروین (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان، چاپ دوم، انتشارات متین، تهران.
- 2)رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، ترجمه محمدرضا محمدی، تهران، آرمانشهر.
- 3)گلکار، کورش (۱۳۹۳) آفرینش مکان پایدار، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- 4)لنگ، جان (۱۳۹۴) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 5)مرتضوی، شهرناز (۱۳۹۲) روانشناسی محیط و کاربرد آن، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- 6)نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۹)، روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه: محمدرضا شیرازی، چاپ دوم، تهران: رخ داد نو
- 7)Agnew, J. A. (1987), Place and Politics: The Geographical Mediation of State and Society. Boston: Allen & Unwin.
- 8)Altman, I., & Low, S. (1992). Place attachment. New York: Plenum.
- 9)Bonnes, M; Secchiaroli, G (1995), Environmental Psychology, a psychosocial introduction, Sage Publication, London.
- 10)Canter, D. (1977a), The Psychology of Place. London: Architectural Press.
- 11)Canter, D. (1977b), Book review of E. Relph, 'Place and placelessness'. Environment and Planning B, 4 120-118.
- 12)Fisher, S, Murray, K & Frazer, A(1985), Home-sickness, health and efficiency in first year students, Journal of Environmental Psychology, 5(2), 181-195
- 13)Gustafson, P, 2006, Place Attachment and Mobility, pp. 17-31, CAB international (Jorgensen & Stedman, 2001, 2006)
- 14)Hummon , David , 1992 , Community Attach-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۳۰ ■

تحلیل مدیریت کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک شهری در نظام بانکداری کشور (مورد کاوی: بانک انصار)

ابوتراب علیرضایی* - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

چکیده

در این پژوهش به بررسی مدیریت کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک شهری با استفاده از مدل تعالی سازمانی EFQM بانک انصار مورد ارزیابی قرار گرفته است. لذا با توجه با محیط دگرگون و شدت رقابت، توجه به کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک ضروری می باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و روش تحقیق، پیمایشی از نوع مقطعی است. جامعه آماری پژوهش کارکنان بانک انصار شهرستان کرمان و بجنورد می باشد. طبق نتایج به دست آمده از توزیع پرسشنامه و پس از تجزیه و تحلیل داده ها، با توجه به فرضیه های تحقیق در رابطه به معیارهای ۹ گانه مدل تعالی سازمانی (رهبری، خط مشی و استراتژی، کارکنان، همکاری های تجاری و منابع، فرآیندها، نتایج مربوط به مشتری، نتایج مربوط به کارکنان، نتایج مربوط به جامعه، نتایج کلیدی عملکرد) همه فرضیه های تحقیق مورد تأیید قرار گرفتند و در راستای آن پیشنهاداتی در رابطه با پژوهش و کاربردی ساختن آن در بانک انصار پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت، کیفیت خدمات، بانکداری الکترونیک شهری.

Analysis of quality of urban e-banking services in the country's banking system (Case Study: Ansar Bank)

Abstract

In this study, the quality of urban e-banking services using the EFQM Excellence Model is evaluated Ansar Bank. Considering the changing environment and highly competitive, according to e-banking services quality is essential. The present study is an applied research and descriptive in nature and research, cross-sectional survey. The study population Ansar bank employees of Kerman city is Bojnoord. According to the results obtained from the questionnaires and analyzing the data, according to research hypotheses in relation to standards 9 EFQM (leadership, policy and strategy, employees, business cooperation and resources, processes, customer results, people results, society results, key performance results) all hypotheses were confirmed and in line with proposals in relation to research and apply it in the bank Ansar discussed.

Key words: management, quality of service, electronic banking city.

مقدمه و بیان مساله

مشتریان و رشد بهره‌وری مبادلات اقتصادی خواهد بود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت خدمات الکترونیک نیز در رضایت و وفاداری مشتریان تأثیر مثبتی خواهد گذاشت (شنگ و لیو، ۲۰۱۰). ورود فناوری اطلاعات، تغییرات ساختاری در نظام بانکداری پدید آورده که موجب روی آوردن به نظام‌های بانکداری از راه دور شده است. مسیرهای متعددی برای ارائه خدمات به مشتریان باز شده است که پر استفاده‌ترین مسیرهای بانکداری به ترتیب عبارت‌اند از خودپردازها، اینترنت بانک، تلفن بانک و تلفن همراه بانک (وانگ، لوک و چوو، ۲۰۰۳).

کیفیت خدمات رابطه نزدیکی با رضایتمندی مشتریان در صنعت بانکداری داشته و بهبود کیفیت خدمات احتمال رضایتمندی مشتریان را افزایش می‌دهد که منجر به نتایج رفتاری مانند تعهد، میل به ماندن، ایجاد پیوندی دوسویه میان ارائه‌دهنده خدمت و مشتری، افزایش تحمل مشتری نسبت به اشکالات در ارائه خدمات و تبلیغات مثبت در مورد بانک می‌گردد. مدل‌های بسیاری برای ارزیابی مدیریت کیفیت بانکداری الکترونیکی وجود دارد که ما در این پروژه مدل تعالی سازمانی EFQM را انتخاب کردیم. این مدل در اوایل سال ۱۹۹۲ به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی در جایزه کیفیت اروپا مطرح و معرفی شد و به‌عنوان یک چارچوب سازمانی گسترده در اروپا به کار گرفته شد و به پایه و اساسی برای مجموعه‌ای از جوایز کیفی محلی و ملی تبدیل شد. این مدل چارچوبی روشمند برای ارزیابی عملکرد سازمان‌ها در دو حوزه فرآیندها و نتایج حاصل از این فرآیندها است. مدل‌های تعالی سازمانی ابزاری جهت کمک به سازمان‌ها برای سنجش میزان قرار داشتن در مسیر تعالی سازمانی و رشد متوازن هستند این مدل‌ها به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا با مقایسه وضع موجود و مطلوب خود، تفاوت‌ها را شناسایی و سپس بر اساس این تفاوت‌ها و بررسی علل وقوع آن‌ها راه‌حل‌های

بانکداری الکترونیکی عبارت است از استفاده از فناوری‌های پیشرفته نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مبتنی بر شبکه و مخابرات برای تبادل منابع و اطلاعات مالی به صورت الکترونیکی که می‌تواند باعث حذف نیاز به حضور فیزیکی مشتری در شعب بانک‌ها شود. شما می‌توانید حتی با گوشی تلفن همراهی که در دست دارید بسیاری از کارهای بانکی خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام دهید. بانکداری الکترونیک در واقع اوج استفاده از تکنولوژی انفورماتیک در جهت حذف دو قید زمان و مکان از خدمات بانکی است. امروزه بسیاری از سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات مالی تلاش بسیاری صرف تمرکز بر روی خواسته‌های مشتریان می‌کنند. یکی از اجزای کلیدی مشتری مداری پیاده‌سازی ابزاری است که اجازه‌ی توسعه‌ی روابط حسنه با مشتریان را به بانک‌ها می‌دهد. در میان تمامی صنایع، به علت تلاش سازمان‌ها برای حفظ مزایای رقابتی خود در بازار، کیفیت خدمات همچنان به صورت یک عامل کلیدی و مهم باقی مانده است. به دلیل آنکه خدمات مالی به‌ویژه بانک‌ها با محصولاتی تقریباً یکسان در بازار به رقابت می‌کنند. کیفیت این خدمات به‌عنوان وسیله‌ی پایه اصلی برای رقابت به شمار می‌آید به‌گونه‌ای که کیفیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل موفقیت خدمات مالی نوین محسوب می‌گردد. به‌طور کلی بانک‌هایی که اقدام به عرضه‌ی خدمات باکیفیت بالاتر می‌کنند در زمینه بازاریابی از شرایط بهتری برخوردارند چراکه عرضه‌ی خدمات باکیفیت ارتقا یافته، سود بیشتر، حفظ مشتریان و سهم بیشتر از بازار را به همراه می‌آورد. ورود بانک‌های خصوصی، رقابت بالایی را در صنعت بانکداری به وجود آورده و توقعات و خواسته‌های مشتریان را با توجه به تغییر نوع زندگی و خدمت‌رسانی به آن‌ها متحول ساخته است. در محیط‌های سنتی، ارتقاء کیفیت خدمات دارای تبعات استراتژیکی همچون افزایش وفاداری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

بهبوده‌سازی، وضع موجود را شناسایی کرده و آن‌ها را اجرا نمایند.

گسترش روزافزون مبادلات اقتصادی و تجاری در عصر دهکده جهانی و پیچیدگی کارکردی نظام‌ها و سازمان‌های پولی، مالی و اقتصادی گوناگون که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت می‌کنند، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورده است که موجب ساختار سازی مجموعه‌ای از نظام‌های مشترک و تشکیلات متصل و بهم‌پیوسته شده است. امروزه بانکداری الکترونیک یا دولت الکترونیک از اهمیت ویژه‌ای در کشورها برخوردار است. به گونه‌ای که این خدمات تمام زندگی بشر را تحت شعاع قرار می‌دهد این شیوه بانکداری باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه می‌گردد که همین دو عامل از مهم‌ترین عوامل مورد اهمیت تمامی مردم دنیا هستند. به دلیل آنکه خدمات مالی به ویژه بانک‌ها با محصولاتی تقریباً یکسان در بازار به رقابت می‌پردازند، کیفیت این خدمات به عنوان وسیله‌ی پایه و اصلی برای رقابت به شمار می‌آید به گونه‌ای که کیفیت به عنوان مهم‌ترین عامل موفقیت خدمات مالی نوین محسوب می‌گردد. در طی سال‌های اخیر بانک‌های کشور گام‌های مؤثری را برای دستیابی به خدمات بانکداری الکترونیکی برداشته‌اند و بسیاری از روش‌های سنتی برای خدمات بانکی جای خود را به استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات برای دریافت خدمات بانک داده‌اند. نحوه‌ی ارائه خدمات، کیفیت خدمات و ویژگی‌هایی که درباره‌ی خدمات الکترونیکی بانک‌ها می‌توان مدنظر گرفت، از یک سو، ارتباط مستقیم با میزان گرایش و تمایل مشتریان به استفاده از این خدمات داشته، از سویی دیگر، بر میزان رضایت و وفاداری مشتریان بانکداری الکترونیکی مؤثر است. از طرف دیگر، رقابت تنگاتنگی که بین بانک‌ها برای ارائه خدمات بانکداری الکترونیکی به وجود آمده، روزه‌روز در حال افزایش است. در چنین شرایطی مشتریان این بانک‌ها نیز برای دریافت خدمات باکیفیت بالاتر انتظارات

بیشتری خواهند داشت (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، پژوهش درباره‌ی خدمات بانکداری الکترونیکی بانک‌های کشور، امری لازم و ضروری است. اکنون بانک‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای موفقیت توجه به کیفیت خدمات ضروری است و در واقع توجه به کیفیت، رمز بقا در محیط رقابتی بانکداری است (وانگ و دیگران، ۲۰۰۳).

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در راستای اهداف و سیاست‌های دولت در مسیر تحقق دولت الکترونیک، بانکداری الکترونیک که به عنوان یکی از راهکارهای رونق تجارت الکترونیک نیز به شمار می‌رود، به عنوان خدمتی فراگیر گسترش روزافزونی داشته و ارائه خدمات مالی و بانکی از طریق شبکه الکترونیک و اینترنت در سال‌های اخیر دارای جهشی بی‌سابقه بوده است؛ تردیدی نیست که برای ورود به بازارهای جهانی برخوردار از نظام بانکی کارآمد که با صحت، دقت، سرعت و تکنولوژی روزآمد قادر به رقابت با نظام‌های بانکی دنیا باشد ضروری است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت اولین قدم برای ارائه خدمات باکیفیت به مشتری و جلب رضایت او، شناخت ابعاد کیفیت خدمات و میزان اهمیت هر یک از این ابعاد برای مشتری و نیز تحلیل انتظارات و ادراک او در رابطه با هر کدام از این ابعاد می‌باشد و رمز موفقیت در گرو آن است که انتظارات مشتریان را نسبت به کیفیت خدمت برآورده سازیم یا حتی از آن پیشی بگیریم (کاتلر، ۱۳۸۲). شرکت‌هایی که از سطوح بالاتر رضایت مشتریان برخوردارند همواره توانمندتر و در بلندمدت موفق‌ترند. بر این اساس بررسی کیفیت خدمات یا کالای تولیدشده، شناسایی نقاط قوت و ضعف، تعیین میزان موفقیت یا عدم موفقیت، شناخت قابلیت‌های اصلی و مزیت‌های رقابتی، بررسی و مقایسه عملکرد سازمانی از دیدگاه مشتریان، تعیین شاخص‌های رضایت مشتریان و اندازه‌گیری میزان رضایت مشتری از اهمیت و ضرورت غیرقابل انکاری برخوردار می‌باشند. با توجه به اینکه بانک انصار

ایران، مدلی جهت دانشگاه‌های کشور ارائه می‌شود (حری و همکاران، ۱۳۸۸).

مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی سطح تعالی سازمانی با استفاده از مدل EFQM: مطالعه موردی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، توسط حسن‌زاده و همکاران در سال ۱۳۹۱ انجام پذیرفته که نتایج این پژوهش بیان می‌کند، مدل تعالی EFQM به‌عنوان چارچوبی اولیه برای ارزیابی و بهبود سازمان‌ها، نشان‌دهنده مزیت پایداری است که یک سازمان سرآمد باید به آن‌ها دست یابد. بدین لحاظ، هدف پژوهش حاضر تعیین سطح تعالی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج. ا. ایران بر اساس مدل تعالی EFQM است. این مطالعه توصیفی به‌صورت مقطعی در سال ۱۳۸۹ انجام شد. تمامی مدیران رده میانی و رده‌بالای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد ۹۰ سؤالی متناسب‌سازی شده با شرایط کتابخانه ملی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین امتیاز خودارزیابی عملکرد سازمان اسناد و کتابخانه ملی در بعد رهبری ۵۶ امتیاز از مجموع ۱۰۰ امتیاز؛ در بعد خط‌مشی و راهبرد، ۳۴ امتیاز از مجموع ۸۰ امتیاز؛ در بعد کارکنان، ۵۲ امتیاز از مجموع ۹۰ امتیاز؛ در بعد شراکت‌ها و منابع، ۶۲ امتیاز از مجموع ۹۰ امتیاز؛ در بعد فرآیندها، ۴۱ امتیاز از مجموع ۱۴۰ امتیاز؛ در بعد نتایج کاربر/مشتری، ۸۰ امتیاز از مجموع ۲۰۰ امتیاز؛ در بعد نتایج کارکنان، ۴۰ امتیاز از مجموع ۹۰ امتیاز؛ در بعد نتایج جامعه، ۳۱ امتیاز از مجموع ۶۰ امتیاز و در بعد نتایج کلیدی عملکرد، ۹۶ امتیاز از مجموع ۱۵۰ امتیاز بود. با توجه به سرجمع امتیازهای داده‌شده به ۹ معیار اصلی مدل تعالی، امتیاز سازمان اسناد و کتابخانه ملی ۴۹۲ از ۱۰۰۰ امتیاز به دست آمد. در میان تمام معیارهای مدل، معیار شراکت‌ها و منابع، بیش‌ترین امتیاز را به خود اختصاص داده است که این خود نشان‌دهنده مدیریت مناسب بر منابع خارجی و داخلی کلیدی

پیشگام بودن در ارائه خدمات بانکداری الکترونیک را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های عمده در ارتباط با توسعه خدمات خود برمی‌شمارد و جلب رضایت مشتریان در صدر اولویت‌های این بانک قرار دارد و نیز با توجه به گسترده شدن خدمات ارائه‌شده توسط بانک انصار و افزایش مراجعه‌کنندگان به این بانک، اهمیت و ضرورت اندازه‌گیری کیفیت خدمات بانک انصار، شناسایی نقاط قوت و ضعف آن، سنجش میزان موفقیت بانک در ارضای نیازها و خواسته‌های مشتریان و نیز بررسی دقیق سطح انتظارات و ادراکات مشتریان از خدمات این بانک خصوصاً از منظر مشتریانی که به استفاده از خدمات بانکداری نوین علاقه‌مند می‌باشند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

پیشینه پژوهش

مقاله‌های تحت عنوان بررسی مزایا و دستاوردهای به‌کارگیری مدل تعالی سازمانی EFQM در دانشگاه و موسسات آموزش عالی انجام پذیرفته که هدف اصلی این پژوهش، بررسی مزایا و دستاوردهای به‌کارگیری مدل‌های تعالی EFQM در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است که با اثبات کارآمدی، می‌توان از آن به‌عنوان الگویی مناسب جهت ایجاد فرهنگ تعالی، امکان خودارزیابی هر واحد دانشگاهی و مقایسه هر واحد دانشگاهی با سایر واحدها ارائه نمود. در این مقاله ابتدا مدل تعالی EFQM به‌اختصار معرفی گردیده، سپس تأثیر فرهنگ دانشگاهی به‌عنوان یک عامل کلیدی و پیش‌برنده در اجرای مدل‌های تعالی در دانشگاه‌ها بررسی شده و سپس مواردی از فعالیت‌های مشابه در برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سایر کشورها در اجرای مدل تعالی EFQM و خودارزیابی‌های انجام‌شده مورد بحث قرار گرفته و نتایج به‌دست‌آمده از عملکرد مدل و خودارزیابی‌ها به جهت نشان دادن تأثیرات مثبت اجرای مدل در فرآیندهای دانشگاهی بررسی می‌گردد و در انتها ضمن بیان محدودیت‌های اجرایی مدل به‌ویژه در

سازمان است. همچنین معیار فرایندها جهت جلب رضایت کامل و ایجاد ارزش افزوده برای کاربران و سایر ذی‌نفعان خود بی‌اندیشد. به‌علاوه یافته‌ها نشان داد که مدل تعالی سازمانی EFQM مدت مناسبی برای خودارزیابی کتابخانه‌ها و تشخیص نقاط قوت و حوزه‌های نیازمند بهبود آن‌ها به شمار می‌رود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی عملکرد مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب بر مبنای مدل تعالی سازمانی EFQM در سال ۱۳۸۹، توسط ملکی آوار سین انجام پذیرفته که بیان می‌کند هدف این تحقیق ارزیابی عملکرد مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب بر مبنای EFQM در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - پیمایشی بوده و حجم نمونه مورد مطالعه ۲۸ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید. آزمون آماری t تک نمونه‌ای می‌باشد ابزار تحقیق پرسشنامه پیشرفته است که مطابق استاندارد مدل EFQM تنظیم شده است و شامل ۹ معیار و ۳۲ زیر معیار می‌باشد و هر زیر معیار دارای نکات راهنما و مصادیق عینی است که بر اساس ویژگی‌های آموزش و پرورش تنظیم شده و سؤالات زیر معیارها به‌وسیله منطق رادار در مجموع ۲۶۴ سؤال جزئی را شامل می‌شود و پس از یک دوره دو روزه توجیه کارکنان در اختیار آزمون‌دهی قرار گرفت. ارزیابی عملکرد مدیریت به شیوه خودارزیابی توسط خود کارکنان انجام پذیرفت. برای روایی پرسشنامه از نظر اساتید و متخصصان استفاده شده است و برای پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. در این پژوهش دو سؤال مطرح شده بود که امتیاز عملکرد مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب بر مبنای مدل تعالی سازمانی EFQM از ۱۰۰۰ امتیاز مدل برابر ۵۰۶/۵۹ به دست آمد و امتیاز مدیریت در معیار توانمند سازها ۴۹/۸۳ درصد و معیار نتایج ۵۱/۴۸ درصد به دست آمد. بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادها و توصیه‌های لازم برای

ارتقاء عملکرد مدیریت آموزش و پرورش ارائه شده است. یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد عملکرد مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب بر مبنای مدل تعالی سازمانی EFQM در معیار نتایج بهتر از معیار توانمند سازها می‌باشد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۱). مقاله‌ای تحت عنوان مقایسه عملکرد مدیریت کیفیت در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تبریز و دانشگاه علوم پزشکی تبریز بر اساس الگوی تعالی سازمانی بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت توسط محمد اسماعیل و ابراهیمی در سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفته، این پژوهش بیان می‌کند که بدیهی است آشنایی و درک صحیح مدل‌های مدیریتی و از آن جمله مدل تعالی سازمانی بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت اهداف، نقش‌ها و کارکردهای آن‌ها در کتابخانه‌ها می‌تواند راهگشای بسیاری از معضلات مدیریتی در کتابخانه‌های دانشگاهی باشد. این مدل مجموع‌های از روش‌ها و ابزارهایی است که به‌منظور ارزیابی سازمان و حرکت به سمت تعالی سازمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش پژوهش حاضر پیمایشی از نوع تطبیقی است. جامعه پژوهش شامل کلیه مدیران و مسئولان شاغل در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های تبریز و علوم پزشکی تبریز (۲۲ نفر) است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مورد تأیید استاندارد بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت اروپا «EFQM» است. به‌منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفا عدد ۰/۹۷ به دست آمد. به‌منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) برای توصیف وضعیت موجود و آمار استنباطی (آزمون t مستقل) برای بررسی معنی‌داری اختلاف بین معیارهای الگوی تعالی سازمانی در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های مورد بررسی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، کیفیت مدیریت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز با کسب ۴۵ / ۵۴۶ امتیاز از ۱۰۰۰ الگوی تعالی سازمانی، در وضعیت متوسطی قرار دارد و در حوزه

۵. تفاوت معناداری بین معیار فرآیندها در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۶. تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به مشتری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۷. تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۸. تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به جامعه در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۹. تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به نتایج کلیدی عملکرد در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

مزایای نسبی بانکداری الکترونیکی

. مزایای نسبی عامل مهمی در پذیرش نوآوری‌های جدید است و وسعتی است که افراد معتقدند بانکداری الکترونیکی در مقایسه با روش‌های سنتی بانکداری در انجام تعاملات بانکی، برتر و باصرفه‌تر

توانمندسازها ۲۸۵/۰۳ امتیاز، حوزه نتایج ۴۱/۲۶۰ امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین امتیاز در این دانشگاه به معیار «شراکت‌ها و منابع» و کمترین امتیاز به معیار «خط‌مشی و استراتژی» تعلق دارد. در مقابل، کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۴۴۶/۰۷ امتیاز را کسب کرده است و در آن حوزه توانمندسازها ۳۶/۲۴۰ امتیاز و حوزه نتایج ۲۰۵/۷۱ امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین امتیاز در این دانشگاه به معیار «شراکت‌ها و منابع» و کمترین امتیاز به معیار «نتایج منابع انسانی» تعلق دارد (محمد اسماعیل، ۱۳۹۰).
فرضیه‌های پژوهش

۱. تفاوت معناداری بین معیار رهبری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۲. تفاوت معناداری بین معیار خط‌مشی و استراتژی در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۳. تفاوت معناداری بین معیار کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

۴. تفاوت معناداری بین معیار همکاری‌های تجاری و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

است. این مزایا می‌تواند شامل انجام تعاملات بانکی در هر زمان و هر مکان باشد چونگ و همکاران، (۲۰۱۰). لی (۲۰۰۸) معتقد است که مزایای نسبی به دودسته مزیت‌های مستقیم و مزیت‌های غیرمستقیم تقسیم می‌شود:

مزایای مستقیم: اشاره به مزایای فوری و ملموس دارد که مشتریان از طریق استفاده از بانکداری الکترونیکی از آن‌ها بهره‌مند خواهند شد. به‌عنوان مثال مشتریان می‌توانند از دامنه وسیع‌تری از مزایای مالی، انجام سریع‌تر معاملات و تراکنش‌ها و افزایش شفافیت اطلاعاتی در هنگام استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی بهره ببرند.

۱. دامنه وسیع‌تری از مزایای مالی: شامل هزینه‌های پائین‌تر معامله، نرخ سپرده بالاتر، ایجاد فرصت‌هایی برای برنده شدن جوایز.

۲. سرعت تراکنش بالاتر: که به معنای صرفه‌جویی در زمان است؛ زیرا بانکداری الکترونیکی نیازی به اسناد کاغذی ندارد، پردازش اطلاعات با کمترین اشتباه و تأخیری صورت می‌گیرد و همچنین بانکداری الکترونیکی به‌صورت خودکار فرآیند معامله را به‌واسطه انجام تراکنش از طریق وب‌سایت و مبادله الکترونیکی داده‌ها انجام می‌دهد.

۳. در طول فرآیند تراکنش، بانکداری الکترونیکی به مشتریان اجازه می‌دهد تا بر عملکرد مالی خود در هر زمانی نظارت کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، اطلاعات به‌صورت شفاف و فوری در دسترس مشتریان قرار می‌گیرد.

مزایای غیرمستقیم: که کمتر ملموس است و اندازه‌گیری آن دشوار است. به‌عنوان مثال، بانکداری الکترونیکی به مشتریان اجازه می‌دهد تا معاملات خود را از هر نقطه جهان و به‌صورت ۲۴ ساعته انجام دهند و از آن لذت ببرند؛ و همچنین به مشتریان فرصت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری بیشتر و انتقال سهام ارائه می‌دهد.

معیارها در مدل تعالی سازمانی EFQM

ساختار مدل که شامل ۹ معیار تعالی در دودسته

کلی توانمند سازها و نتایج می‌باشد. این معیارها عبارت‌اند از: رهبری، استراتژی، کارکنان، شرکت‌ها و منابع، فرایندها، محصولات و خدمات، نتایج مشتریان، نتایج کارکنان، نتایج جامعه و نتایج کلیدی عملکرد.

رهبری؛ رهبری یعنی داشتن تأثیر و نفوذ در دیگران. جان مکس ول: این تعریف از تعاریف موردعلاقه‌ی من در مورد رهبری است. این تعریف توصیف بسیار ساده و قابل‌فهمی است که رهبری را برای همه ملموس می‌سازد. همه ما می‌توانیم میزان معینی از نفوذ یا تأثیر را روی یک فرد، در یک نقطه و در یک مکان بکار ببریم. رهبری، موقعیت، مقام و یا یک نمودار گردشی نیست، بلکه تأثیر یک زندگی روی زندگی دیگر است.

خطمشی و استراتژی؛ استراتژی عبارت است از طرح جامع و مادر شرکت که نشان می‌دهد شرکت چگونه به مأموریت و اهداف دست می‌یابد. تجزیه و تحلیل روابط بین مؤسسه با محیط خویش، تعیین مسیر و اهداف مؤسسه، تثبیت فعالیت‌هایی که آن‌ها را تحقق خواهد بخشید و تنظیم دوباره سازمان با تخصیص منابع موردنیاز.

کارکنان؛ سازمان‌های متعالی تمامی توان بالقوه کارکنان خود را در سطوح فردی، تیمی و سازمانی اداره کرده توسعه بخشیده و از آن بهره می‌گیرند. آن‌ها عدالت و برابری را ترویج کرده، کارکنان را در امور مشارکت داده و به آنان تفویض اختیار می‌کنند. این سازمان‌ها به‌گونه‌ای به کارکنان خود توجه کرده، ارتباط برقرار ساخته و آن‌ها را مورد تشویق و تقدیر قرار می‌دهند که در آن‌ها انگیزه و تعهد برای استفاده از مهارت و دانششان در جهت منافع سازمانی ایجاد شود.

همکاری‌های تجاری و منابع؛ سازمان‌های متعالی مشارکت‌ها و همکاری‌های تجاری بیرونی، تأمین‌کنندگان و منابع داخلی خود را به‌منظور پشتیبانی از خطمشی و استراتژی و اجرای اثربخش فرآیندهایشان برنامه‌هایشان برنامه‌ریزی و مدیریت

هدایت می‌کند و تلاش می‌کند با به دست آوردن خروجی‌های مثبت ناشی از عملکردهای خویش، رضایت‌مندی آن‌ها را تا سر حد ممکن احراز نماید. ۴. سازمان متعالی، با پیش‌رفتن در مسیرهایی که برای خود تعیین کرده است به برتری می‌رسد. ۵. سازمان متعالی، توجه خود را به تمامی ابعاد معطوف می‌دارد. ۶. سازمان متعالی، با برآورده سازی مستمر خواست‌های مشتری او را شادکام و در نتیجه وفادار می‌سازد. ۷. سازمان متعالی، خود را به ابزارهای نوین مجهز می‌کند و برای مشتری خود ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند (حسینی عزآبادی، ۱۳۸۴).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و روش تحقیق، پیمایشی از نوع مقطعی است. توصیفی است به این خاطر که تصویری از وضع موجود را ارائه می‌دهد و پیمایشی از این جهت که با گردآوری اطلاعات از جامعه آماری از طریق پرسشنامه می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش‌های پیمایشی انحراف از عملکرد را نیز اندازه‌گیری می‌کند. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی است که به منظور تعیین سطح تعالی کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بانک انصار بر اساس مدل تعالی EFQM با استفاده از پرسشنامه متناسب‌سازی شده با کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک انجام شده است؛ جامعه آماری در این تحقیق مبنای کار تمامی کارمندان و مدیران بانک انصار در شهری بجنورد و کرمان هستند؛ که بر اساس در دسترس بودن آن‌ها و جامعه محدود، تمام شماری می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر، کارمندان شعبات بانک انصار شهرستان بجنورد و کرمان می‌باشد؛ که تعداد آن‌ها در شهرستان کرمان ۵۲ نفر و شهرستان بجنورد ۳۰ نفر است. با توجه به محدود بودن حجم جامعه آماری، کل جامعه آماری به‌عنوان جامعه مورد بررسی در نظر گرفته شده

می‌کنند. فرایندها؛ سازمان‌های متعالی فرآیندهای خود را به‌منظور کسب رضایت کامل و ایجاد ارزش‌افزوده برای مشتریان و سایر ذینفعان طراحی نموده، مدیریت کرده و بهبود می‌بخشند.

نتایج مشتری؛ سازمان‌های متعالی به‌طور فراگیر نتایج مهم مرتبط با مشتریان خود را اندازه‌گیری کرده و به آن‌ها دست می‌یابند. در اینجا مشخص می‌گردد که سازمان در ارتباط با مشتریان بیرونی خود چه نتایجی به دست می‌آورد.

نتایج کارکنان؛ سازمان‌های متعالی به‌طور فراگیر نتایج مهم مرتبط با کارکنان خود را اندازه‌گیری کرده و به آن‌ها دست می‌یابند. در اینجا مشخص می‌گردد که سازمان در ارتباط با منابع انسانی خود چه نتایجی به دست می‌آورد.

نتایج جامعه؛ سازمان‌های متعالی به‌طور فراگیر نتایج مهم مرتبط با جامعه را اندازه‌گیری کرده و به آن‌ها دست می‌یابند. در اینجا مشخص می‌گردد که سازمان در ارتباط با جامعه محلی، ملی و بین‌المللی چه نتایجی به دست می‌آورد.

نتایج کلیدی عملکرد؛ سازمان‌های متعالی به‌طور فراگیر نتایج مهم مرتبط با عناصر اصلی خط‌مشی و استراتژی را اندازه‌گیری کرده و به آن‌ها دست می‌یابند. در اینجا مشخص می‌گردد که سازمان در ارتباط با عملکرد برنامه‌ریزی‌شده خود چه نتایجی به دست می‌آورد.

ویژگی‌های اصلی سازمان متعالی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. سازمان متعالی، از مدیرانی با تفکر و اندیشه متعالی بهره می‌گیرد.

۲. سازمان متعالی، با شناخت به‌موقع نقاط ضعف/نواحی بهبود و شناسایی به‌موقع راه‌حل‌های مؤثر و اجرای بهینه این راه‌حل‌ها به یادگیری مناسب از نتایج این راه‌حل‌ها می‌پردازد.

۳. سازمان متعالی، فرآیندها و مصرف منابع خویش را در راستای تحقق نیازمندی‌های ذینفعان خویش

است؛ که پس از توزیع پرسشنامه‌ها تعداد ۴۳ پرسشنامه شهرستان کرمان و ۲۳ پرسشنامه شهرستان بجنورد بازگردانده شد. لازم به توضیح است با توجه به توصیه مدل، از آنجایی که شرکت هیچ سابقه اجرایی در استقرار مدل EFQM را نداشت، جهت گردآوری داده‌ها از روش پرسش نامه استفاده گردید.

برای روایی پرسشنامه پژوهش حاضر از پرسشنامه استاندارد تعالی سازمانی EFQM ویرایش ۲۰۱۰ که توسط اساتید مورد تأیید قرار گرفته شد، استفاده گردید و برای برآورد پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که آلفای کرونباخ بجنورد، ۰،۹۷۵ و آلفای کرونباخ کرمان، ۰،۹۹۶ می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پس از جمع‌بندی به صورت دستی، وارد نرم‌افزار SPSS شده و محاسبه و تجزیه و تحلیل گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف پاسخ‌های داده شده به سؤالات پرسشنامه تحقیق، از جدول‌های توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به هر یک از سؤالات استفاده شد و برای آماری استنباطی از آزمون مقایسه میانگین‌ها (آزمون تی استیودنت تک گروهی) برای هر یک از معیارهای رهبری، راهبرد، کارکنان، شراکت‌ها و منابع، فرآیندها، نتایج مشتریان، نتایج کارکنان، نتایج جامعه و نتایج کلیدی عملکرد محاسبه شده است که پس از بررسی میانگین موجود و مطلوب در مورد وضعیت هر یک از معیارها قضاوت شده است. مقیاس پاسخ گویی به سوال‌ها به صورت طیف ۴ تایی در نظر گرفته شده است که کاملاً وجود دارد کد ۴، پیشرفت قابل ملاحظه می باشد، کد ۳، کمی پیشرفت داشته کد ۲ و شروع نشده کد ۱ در نظر گرفته و آزمون را انجام داده ایم و از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موانع تعمیم پژوهش، هم به

لحاظ تجربی بودن و هم از جهت ویژگی‌های خاص سیستم اداری اشاره کرد. از محدودیت‌های پژوهش این است که نتایج و یافته‌های به دست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌باشد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. با توجه به ماهیت روش‌شناسی این پژوهش نیازمند همکاری پاسخگویان جهت تکمیل پرسشنامه بود که برخی ابتدا از پاسخگویی امتناع می‌ورزیدند. با توجه میزان اهمیت موضوع از طرف پرسشگران سعی گردید، میزان امتناع از پاسخگویی به حداقل برسد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

یافته‌های وضعیت جنسی بیانگر این است که ۸۱،۴ و ۹۱،۳ درصد از کارکنان بانک انصار مورد مطالعه در شهرستان کرمان و بجنورد مرد و ۱۸،۶ و ۸،۷ درصد از این کارکنان زن هستند. آماره‌های استخراج شده در رابطه با وضعیت سنی پاسخگویان، بیانگر این مطلب است که ۲۵،۶ درصد کارکنان بانک انصار کرمان بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۲۳،۳ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۳۴،۹ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال، ۱۱،۶ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۴،۷ درصد پاسخ نداده‌اند و ۸،۷ درصد از کارکنان شهرستان بجنورد بین ۱۸ تا ۲۵ سال، ۳۰،۴ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۳۰،۴ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۲۱،۷ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۸،۷ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال می‌باشند. در رابطه با وضعیت تحصیلی پاسخگویان نیز، یافته‌ها بیانگر این مطلب است که ۲۰،۹ درصد کارکنان بانک انصار کرمان فوق دیپلم، ۶۲،۸ درصد لیسانس و ۱۶،۳ درصد فوق لیسانس و بالاتر و ۱۷،۴ درصد کارکنان بانک انصار بجنورد فوق دیپلم، ۶۹،۶ درصد لیسانس و ۱۳،۰ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. در رابطه با وضعیت سابقه کار پاسخگویان، یافته‌ها بیانگر این مطلب است که ۱۸،۶ درصد پاسخگویان کارکنان بانک انصار کرمان بین ۱ تا ۵ سال، ۱۸،۶ درصد پاسخگویان بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۳،۳ درصد

نمود که بین معیار رهبری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: تفاوت معناداری بین معیار خطمشی و استراتژی در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H۰: تفاوت معناداری بین معیار خطمشی و استراتژی در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H۱: تفاوت معناداری بین معیار خطمشی و استراتژی در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0,000$) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H۰ رد و H۱ پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار خطمشی و استراتژی در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار

بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۲,۳ درصد بین ۲۱۶ تا ۲۰ سال، ۲,۳ درصد پاسخ نداده‌اند و در رابطه با سابقه کار کارکنان بانک انصار شهرستان بجنورد، ۸,۷ درصد بین ۱ تا ۵ سال، ۴۷,۸ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۱,۷ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۲۱,۷ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه کار می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: تفاوت معناداری بین معیار رهبری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H۰: تفاوت معناداری بین معیار رهبری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H۱: تفاوت معناداری بین معیار رهبری در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0,000$) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H۰ رد و H۱ پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد آزادی	درجه معناداری	آزمون تی
کرمان	رهبری	۱۲,۴۳	۱۵,۳۳	۱۳,۸۸	۴,۷۱	۴۳	۴۲	۰,۰۰۰
بجنورد	رهبری	۱۰,۹۲	۱۴,۹۸	۱۲,۹۵	۴,۶۹	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	خطمشی و استراتژی	۱۰,۵۷	۱۲,۸۲	۱۱,۶۹	۳,۶۶	۴۳	۰,۰۰۰	۲۰,۹۵۰
بجنورد	خطمشی و استراتژی	۹,۶۶	۱۲,۵۰	۱۱,۰۸	۳,۲۸	۲۳	۰,۰۰۰	۱۶,۱۷۲

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	کارکنان	۱۲,۶۲	۱۵,۵۵	۱۴,۰۹۳	۴,۷۵	۴۳	۰,۰۰۰	۱۹,۴۳
بجنورد	کارکنان	۱۲,۳۳	۱۶,۱۹	۱۴,۲۶	۴,۴۶	۲۳	۰,۰۰۰	۱۵,۳۲۰

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ($\alpha = 0,05$) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: تفاوت معناداری بین معیار همکاری‌های تجاری و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H_0 : تفاوت معناداری بین معیار همکاری‌های تجاری و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معناداری بین معیار همکاری‌های تجاری و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معناداری بین معیار همکاری‌های تجاری

کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: تفاوت معناداری بین معیار کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H_0 : تفاوت معناداری بین معیار کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معناداری بین معیار کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد آزادی	درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	همکاری‌های تجاری و منابع	۱۳,۰۵	۱۵,۹۶	۱۴,۵۱۱	۴,۷۱	۴۳	۴۲	۰,۰۰۰	۲۰,۱۷
بجنورد	همکاری‌های تجاری و منابع	۱۱,۶۸	۱۵,۸۸	۱۳,۷۸	۴,۸۶	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰	۱۳,۵۹

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد آزادی	درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	فرآیندها	۱۷,۹۶	۲۱,۹۴	۱۹,۹۵	۶,۴۷	۴۳	۴۲	۰,۰۰۰	۲۰,۲۰
بجنورد	فرآیندها	۱۵,۳۱	۲۱,۲۹	۱۸,۳۰	۶,۹۱	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰	۱۲,۷۰

بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H_0 : تفاوت معناداری بین معیار فرآیندها در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معناداری بین معیار فرآیندها در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0,000$) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار فرآیندها در دو وضعیت موجود و

و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0,000$) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار همکاری‌های تجاری و منابع در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: تفاوت معناداری بین معیار فرآیندها در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد درجه آزادی	معناداری آزمون تی	آزمون تی
کرمان	نتایج مربوط به مشتری	۲۳,۷۳	۲۸,۹۶	۲۶,۳۴	۸,۵۰	۴۳	۰,۰۰۰	۲۰,۳۱۰
	نتایج مربوط به مشتری	۲۰,۹۶	۲۸,۱۶	۲۴,۵۶	۸,۳۲	۲۳	۰,۰۰۰	۱۴,۱۴۷

مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد. فرضیه ششم: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به مشتری در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H₀: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H₁: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت

مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به مشتری در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H₀: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به مشتری در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H₁: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به مشتری در دو وضعیت موجود و مطلوب انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی داری

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد آزادی	درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	نتایج	۱۳,۳۰	۱۶,۹۲	۱۴,۶۹	۴,۵۳	۴۳	۴۲	۰,۰۰۰	۲۱,۲۶
	مربوط به کارکنان								
بجنورد	نتایج	۱۲,۴۷	۱۵,۰۹	۱۳,۷۸	۳,۰۲	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰	۲۱,۸۱
	مربوط به کارکنان								
شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد آزادی	درجه آزادی	معناداری	آزمون تی
کرمان	نتایج	۷,۸۴	۹,۵۰	۸,۶۷	۲,۶۹	۴۳	۴۲	۰,۰۰۰	۲۱,۰۹۳
	مربوط به جامعه								
بجنورد	نتایج	۷,۲۳	۹,۸۰	۸,۵۲	۲,۹۶	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰	۱۳,۷۷
	مربوط به جامعه								

H۰: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به جامعه در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H۱: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به جامعه در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی داری (sig=۰,۰۰۰) کوچک تر از میزان خطاست لذا فرض H۰ رد و H۱ پذیرفته می شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار نتایج مربوط به جامعه در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار

خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی داری (۰,۰۰۰) کوچک تر از میزان خطاست لذا فرض H۰ رد و H۱ پذیرفته می شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار نتایج مربوط به کارکنان در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه هشتم: تفاوت معناداری بین معیار نتایج مربوط به جامعه در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

شهر	متغیر	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	اختلاف میانگین	انحراف معیار	تعداد درجه آزادی	معناداری آزمون تی
کرمان	نتایج کلیدی عملکرد	۱۷,۳۷	۲۱,۳۲	۱۹,۳۴	۶,۴۱	۴۳	۰,۰۰۰
بجنورد	نتایج کلیدی عملکرد	۱۷,۱۲	۲۲,۷۰۰	۱۹,۹۱	۶,۴۴	۲۳	۰,۰۰۰

طبقات کرمان	متغیر	طبقات بجنورد
۱	رهبری	۳,۵۰
۲	خطمشی و استراتژی	۲,۳۰
۳	کارکنان	۵,۱۳
۴	همکاری تجاری و منابع	۴,۵۴
۵	فرآیندها	۶,۸۷
۶	نتایج مشتری	۸,۵۲
۷	نتایج کارکنان	۴,۹۱
۸	نتایج جامعه	۲,۲۴
۹	نتایج کلیدی عملکرد	۶,۹۸

کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه نهم: تفاوت معناداری بین معیار نتایج کلیدی عملکرد در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

H₀: تفاوت معناداری بین معیار نتایج کلیدی عملکرد در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود ندارد.

H₁: تفاوت معناداری بین معیار نتایج کلیدی عملکرد در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک بر اساس نقطه نظرات کارکنان وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه بیان می‌کند که: در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معنی‌داری (sig=۰,۰۰۰) کوچک‌تر از میزان خطاست لذا فرض H₀ رد و H₁ پذیرفته می‌شود و بایستی اذعان نمود که بین معیار نتایج کلیدی عملکرد در دو وضعیت موجود و مطلوب آن در بانک انصار کرمان و بجنورد به‌عنوان یکی از معیارهای مدل تعالی سازمانی EFQM مؤثر در کیفیت خدمات

بانکداری الکترونیک از دیدگاه کارکنان بانک انصار تفاوت معناداری وجود دارد.

رتبه‌بندی آزمون فریدمن

از آزمون فریدمن برای بررسی رتبه‌بندی و اولویت‌بندی متغیرها استفاده می‌گردد. نتایج آزمون فریدمن در جدول زیر نشان می‌دهد که متغیر نتایج مشتری، فرآیندها، نتایج کلیدی عملکرد، نتایج کارکنان، همکاری تجاری و منابع، کارکنان، رهبری و نتایج جامعه به ترتیب در رتبه‌های اول تا نهم بانک انصار کرمان قرار گرفته‌اند.

و در رابطه با نتایج بانک انصار بجنورد، نتایج مشتری، نتایج کلیدی عملکرد، فرآیندها، کارکنان، نتایج کارکنان، همکاری تجاری و منابع، رهبری، خط‌مشی و استراتژی و نتایج جامعه به ترتیب در رتبه‌های اول تا نهم قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در جهان امروز، همگام با تحولات و تغییرات شگرفی که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فن آوری رخ می‌دهد، تحولات عمیقی نیز در زمینه روش‌ها و سیستم‌های نوین مدیریتی اتفاق می‌افتد و دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته بر مدیریت سازمان‌ها حاکم می‌گردد. از جمله مفاهیم جدیدی که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان جایگاه قابل توجهی پیدا نموده است، سازماندهی انواع مدل‌های تعالی کسب و کار و جوایز ملی کیفیت می‌باشد که بر اساس آن سازمانها و بنگاههای مختلف مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته و با ایجاد فضای رقابتی، حرکت به سمت بهبود و ارتقاء را در آنها تقویت می‌نماید. با مطرح شدن مباحثی مثل جهانی شدن و رقابت جهانی، بدیهی است با روند فعلی، سازمانهای ایرانی نه تنها در دستیابی به بازار جهانی جایی نخواهند داشت، بلکه چه بسا بازارهای فعلی خود را هم از دست بدهند. این یک چالش اساسی است که باید در پژوهش‌های بعدی بدان پرداخته شود. در این پژوهش قصد بررسی چنین چالش‌هایی نداریم، بلکه قصد بر آن بود تا یکی

از مهمترین و نخستین گام‌هایی را که هر سازمانی برای قرار گرفتن در مسیر تعالی باید طی کند را بررسی کنیم و آن بررسی وضعیت موجود و مطلوب است و در این راستا، از یکی از معروفترین مدل‌های خودارزیابی یعنی مدل تعالی سازمانی EFQM استفاده شد. طبق نتایج حاصل از پژوهش فرضیه‌های ما مورد تأیید قرار گرفتند و طبق آزمون فریدمن متغیر نتایج مشتری، فرآیندها، نتایج کلیدی عملکرد، نتایج کارکنان، همکاری تجاری و منابع، کارکنان، رهبری و نتایج جامعه به ترتیب در رتبه‌های اول تا نهم بانک انصار کرمان قرار گرفته‌اند. و در رابطه با نتایج بانک انصار بجنورد، نتایج مشتری، نتایج کلیدی عملکرد، فرآیندها، کارکنان، نتایج کارکنان، همکاری تجاری و منابع، رهبری، خط‌مشی و استراتژی و نتایج جامعه به ترتیب در رتبه‌های اول تا نهم قرار گرفته‌اند. در ادامه، پیشنهادهایی به سازمان برای ارتقای تعالی سازمانی ارائه می‌شود. بهبود اثربخشی رهبری و عمل بر اساس نیازهای آینده؛ ۱. با مشتریان خصوصاً مشتریان کلیدی به‌طور مستمر در تعامل باشند؛ ۲. در کارکنان احساس رقابت نسبت به رقبای در سطح شعبات شهر ایجاد کنند. ۳. به مشکلات زیردستان مطابق با نیازها و خواسته‌های آن‌ها برخورد منطقی داشته باشند. ۴. بین کارکنان در داخل شعبات و کارکنان شعبات سطح شهر انعطاف لازم در جهت گردش شغلی ایجاد کنند. ۵. ایجاد فضایی که در آن مشتریان و کارکنان اطمینان کنند که رهبران سازمان دغدغه‌ها و مشکلات آن‌ها اهمیت می‌دهند. ۶. نسبت به تحولات بازار حساس بوده و تلاش کنند تا حداکثر استفاده را از آن در جهت جذب منابع استفاده کنند. ۷. به تقسیم وظایف بها دهند و عملکرد کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک را بر اساس مسئولیت کارکنان بخواهند.

بازنگری و بروز رسانی خط‌مشی و استراتژی؛ ۱. تدوین خط‌مشی و استراتژی مبتنی بر نیازهای حال و آتی ذینفعان؛ ۲. تغییرات خط‌مشی و استراتژی

الکترونیک؛ ۲. استفاده از بخش‌نامه‌ای گوناگون برای تأمین هر چه بهتر خواسته‌های متنوع مشتریان؛ ۳. وجود صندوق‌هایی جهت ارائه پیشنهاد و شکایات مشتریان جهت اطلاعات از بازخورد روابط بانک با مشتریان؛ ۴. شفافیت در ارتباطات و پاسخگویی به مشتریان؛ ۵. افزایش روحیه کارکنان صف و توجه به رفع مشکلات آن‌ها جهت کمک به تعامل بهتر آن‌ها با مشتریان جهت بهبود کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک؛ ۶. تلاش در جهت آشنایی مشتریان با خدمات بانکداری الکترونیک و برتری های بانک نسبت به سایر رقبا.

اندازه‌گیری و دستیابی به نتایج برجسته مرتبط با کارکنان؛ افزایش آشنایی کارکنان به سیستم‌ها و برنامه‌های بانکداری الکترونیک و اینترنتی از طریق آموزش‌های کاربردی. ۲. تفویض اختیار به کارکنان در انجام وظایف محوله؛ ۳. ایجاد کلاس‌های آموزشی در سطح شعبات شهر و استفاده از کارکنان خبره در جهت آموزش خدمات بانکداری الکترونیک و اینترنتی کارکنان.

اندازه‌گیری و دستیابی به نتایج برجسته مرتبط با جامعه؛ ۱. اطلاع‌رسانی دقیق در مورد تسهیلات بانکداری الکترونیک و خدمات به جامعه و شاخص‌های برتری بانک نسبت به رقبا. ۲. اعطای تسهیلات متفاوت در راستای بانکداری الکترونیک جهت افزایش اعتبار بانک در جامعه. ۳. دریافت نظرات جامعه در خصوص کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک و مدنظر داشتن آن در برنامه‌ها و تعاملات.

جمع‌آوری و تحلیل و بهبود نتایج کلیدی عملکرد؛ ۱. تلاش در استفاده بهینه از منابع در اعطای تسهیلات در رابطه با کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک به مشتریان. ۲. استفاده مناسب و سرویس به‌موقع تجهیزات و رایانه‌ها؛ ۳. کمک به پژوهش‌ها و جمع‌آوری و تحلیل نتایج حاصل از آن‌ها در جهت بهبود کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک.

منابع و مآخذ

کل را دنبال کنند و با توجه به آن در حوزه خود فعالیت کنند. ۳. تدوین و جاری‌سازی خط‌مشی و استراتژی بر اساس اطلاعات حاصل از اندازه‌گیری عملکرد و تحقیقات و یادگیری و فعالیت‌های مرتبط برون‌سازمانی. ۴. تدوین و جاری‌سازی خط‌مشی و استراتژی بر اساس اطلاعات حاصل از اندازه‌گیری کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک و تحقیقات و یادگیری فعالیت‌های برون‌سازمانی.

برنامه‌ریزی و بهبود مشارکت و تشویق و تقدیر کارکنان؛ ۱. بین کارکنان و مدیران یک ارتباط دوستانه و اعتماد متقابل باشد. ۲. کارکنان کاملاً در جریان اطلاعات و خواسته‌های سازمان و مشتریان باشند. ۳. تشویق و تقدیر از کارکنان و شایستگی آن‌ها صرفاً با توجه به کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک و وظایف تعریف‌شده محوله به آن‌ها صورت گیرد نه نظرات برخی همکاران. ۴. استفاده از استعدادها و ظرفیت‌های کارکنان در برنامه‌های بانک؛ ۵. استفاده از نظرات کارکنان در مدیریت شعبات.

همکاری‌های تجاری و منابع؛ ۱. شناسایی فرصت‌هایی برای جذب منابع برخی سازمان‌ها و شرکت‌ها که به‌طور سنتی در تعامل با بانک هستند. ۲. تلاش برای منطبق ساختن مصارف (وام‌ها و تسهیلات) مطابق با محل اعطای آن‌ها. ۳. تلاش برای ایجاد نوعی همکاری و ارتباط مستمر با شرکت‌ها و سازمان‌هایی که به‌طور دائم با بانک در تعامل هستند و ایجاد سرویس‌هایی برای افزایش این تعامل.

فرایندها؛ ۱. طراحی فرایند کاری شعب با استفاده از نظرات کارکنان و مشتریان؛ ۲. توجه به ایده‌های نو در طراحی فرایند برای افزایش هر چه بیشتر رضایت مشتریان و رعایت اصول در استانداردهای بازرسی.

اندازه‌گیری و دستیابی به نتایج برجسته مرتبط با مشتریان؛ ۱. توجه به کیفیت خدمات بانکداری الکترونیک و افزایش کیفیت خدمات بانکداری

on the effect of eservice quality on online customer satisfaction and loyalty. *Nankai Business Review International*, 1, 273-283.

10. Wang, Y., Wang, Y., & Lin, H. (2003). Determine of user acceptance of internet banking: an empirical study. *International Journal of Service Industry Management*, 14, 501-519.

11. Wan, W., Luk, C., & Chow, C. (2003). Customer's adoption of banking channels in Hong Kong. *International Journal of Bank Marketing*, 23, 255-272.

۱. عابدی جعفری حسن، جام پرازمی مونا، بی ریایی هانیه سادات (۱۳۸۹) چالش مدیریت منابع انسانی در سازمان های مجازی- بررسی رابطه بین درجه مجازیت سازمان و تعهد سازمانی. نشریه مدیریت فناوری اطلاعات - (۲): ۵.

۲. کاتلر، فلیپ (۱۳۸۲) مدیریت بازاریابی، ترجمه بهمن فروزنده، نشر آتروپات.

۳. حرّی. دکتر صادق. مهندس حسن اکبری. مهندس مجید قرقره چی. مهندس صابر نوری الموتی. (۱۳۸۸). بررسی مزایا و دستاوردهای به کارگیری مدل تعالی سازمانی EFQM در دانشگاه وموسسات آموزش عالی.

۴. حسن زاده الهه، نشاط نرگس، آزاده فریدون (۱۳۹۱) ارزیابی سطح تعالی سازمانی با استفاده از مدل EFQM: مطالعه موردی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات. ۱۳۹۱؛ ۲۸ (۲): ۴۷۹-۴۹۶

۵. محمداسماعیل، صدیقه، نیرا براهیمی، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات | شماره ۹۳. مقایسه عملکرد مدیریت کیفیت در کتابخانه های مرکزی دانشگاه تبریز و دانشگاه علوم پزشکی تبریز براساس الگوی تعالی سازمانی بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت.

۶. ملکی آوارسین صادق، طالبی بهنام، بابازاده حسین (۱۳۹۱)، فصلنامه علوم تربیتی، سال پنجم شماره ۱۷ صص ۱۳-۲۵

7. Chong, A.Y; Ooi, K.B; Lin, B; T.B. (2010). "On-line banking adoption: An empirical analysis", *International Journal of Bank Marketing*, 28(4), 267-287.

8. Lee, M.C. (2008). Factor influencing the adoption of internet banking: An integration of TAM and TPB with perceived risk and perceived benefit. *Journal of Electronic Commerce Research and Applications*, 8(3), 130-141.

9. Sheng, T., & Liu, C. (2010). An empirical Study

تأثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن

آرمین وس کاه - گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید هادی قدوسی فر* - استادیار، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

امروزه چگونگی ساخت مسکن بر الگوهای زیستی و نحوه زندگی مردم تأثیر عمده‌ای داشته و تغییرات و تطورات مختلف فرهنگی را بوجود آورده است که با نگاه به معماری قدیم نواحی مختلف، ابعاد این تأثیرات بیشتر درک و فهم می‌شود. از سویی دیگر، «مسکن» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت «نظام اجتماعی» حاکم بر فرهنگ در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجارهایی که در «فرهنگ» رایج است؛ و با توجه به سنت و آداب و رسومی که بر ساختار فرهنگی یک قوم یا ملت حاکم می‌باشد، شکل مادی و معنوی فضاهای زندگی را بوجود می‌آورد. از سویی دیگر، امروزه تکنولوژی و چگونگی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن تأثیر داشته و دارد، چنانچه باعث تغییر مفهوم «خانه» به «مسکن» شده است و باعث تغییرات گوناگون سبک زندگی و الگوهای زیستی بالاخص در اقوام ترکمن شده است که این موارد در تغییر روابط و الگوهای زیستی در خانه‌های بومی ترکمنها خود را نمایان کرده است. لذا، در این مقاله با ماهیت تحقیق بنیادی از روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی استفاده شده است؛ و از روش تحلیل ساختار کالبدی برای بررسی تأثیر تکنولوژی ساخت و موارد مشابه بر الگوهای زیستی ترکمن بهره گرفته است. در پایان نیز ضمن تحلیل چگونگی این تأثیرات و تأثرات، به مجموعه تغییرات خانه بومی ترکمنها (اوی، تام و موارد دیگر) و تبدیل آنها به مسکن فعلی یا آپارتمانهای جدید در این منطقه اشاره شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن بومی، تکنولوژی ساخت، الگوهای زیستی، ترکمن.

The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen

Abstract

Today, the construction of housing on people's life pattern and lifestyle has a major impact. And cultural changes and evolution has created. Looking at the different regions of the old architecture, the size of these effects is more understanding. On the other hand, "Housing" phenomenon is consistent with the whole "social system" prevailing culture every nation takes shape; in fact, according to a set of values, meanings and norms that the "culture" is common. On the other hand, today's technology and how to build a life pattern in housing has affected and there, you can change the concept of "home" to "house" and causes a variety of changes in lifestyle and life pattern, especially in Turkmen that these changes in relationships and life pattern in their Turkmen native dwellings have revealed. Therefore, in this paper, the nature of basic research methodology "descriptive" data collection, including library and documentary studies and field studies have been used. And physical structure analysis method to evaluate the effectiveness of biological patterns of Turkmen and the like is used. Finally, the analysis of the impact of changes to a local house of (oy, Tom and others) and convert them into existing houses or new apartments in the area mentioned And is analyzed.

Key words: culture, indigenous housing, construction technology, biological models, Turkmen.

افراد برای بردن یا نبردن دیگران به خانه باید رفتارها و اعمالی را پیاده کنند، در واقع اینکه در خانه فضاهای متفاوتی وجود دارد که هریک از این فضاءها از کارکردهای متفاوتی اعم از «قدسی بودن، عرفی بودن، خاص بودن» برخوردار است، مورد تفسیر و تشریح قرار می‌گیرد. لذا باید گفت که «خانه و مسکن»، یکی از مهم‌ترین اشکال «سازمان‌دهی اجتماعی فضا» است که مانند بسیاری دیگر از مجموعه‌های ساخت بشر، ماهیتی دوگانه دارد: «۱. تحت تأثیر فرهنگ شکل می‌گیرد و ۲. به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد.» این فضا، در کانون توجه برخی از فیلسوفان معاصر مانند «گاستون باشلار» فرانسوی و «هارتین هایدگر» آلمانی قرار گرفته و به تبع آن، بحث‌هایی در سایر رشته‌ها نیز ایجاد شده است. الگوهای معنایی از خانه در زندگی روزمره انسانی به امتداد تاریخ گسترده‌تری داشته و لذا در هر برهه‌ای امکان پیدا کردن بنایی که جای خانه روزانه را در بخشی از سلوک زندگی انسان‌ها بگیرد، وجود داشته است. از سوی دیگر، شکی نیست که معماری در تعاملی دوسویه «هم بر فرهنگ و هم از فرهنگ تأثیر گذاشته و تأثیر پذیرفته» است، چنانچه مقوله جامعه‌شناسی شناخت، سعی در شناسایی این حلقه‌های مفهومی و معنایی تعاملات فرهنگ (جامعه) و معماری دارد؛ لذا رسیدن به یک فرایند اندیشه ارتباطی خاص بینابینی (بدون فرم و شکل از قبل تعیین شده) مشتمل بر عناصر خردگرا و حس-گرای اجتماعی معماری مانند فلسفه، زیبایی‌شناسی، پدیدارشناسی، و اخلاق، به عنوان ابزار و داده‌های فرآیند پایدارسازی بستر اجتماعی معماری با تکیه بر الگوی فکری خاص و نتایج اجتماعی مشخص به صورت واکنش‌های استاندارد ولی نسبی جامعه و نسبت به معماری با بازخورد ادراکی از معماری، از جمله مفاهیمی است که لازم است تا در رابطه فرهنگ و معماری خانه مورد بحث باشد. در این مقاله به نحوه تأثیر تکنولوژی بر الگوهای زیستی در مسکن پرداخته شده و نکاتی چند در این رابطه از

خانه و مسکن، نوعی «حریم فرهنگی» است که ما را از دیگری جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی با دیگران را ممکن می‌سازد. داشتن سرزمین و خانه‌ای از آن خود، نه تنها به معنای تثبیت و رهایی از سرگشتگی است، بلکه به معنای دستیابی به «حریم خصوصی» است. «حریم» جایی است که انسان می‌تواند آرامش داشته و آنگونه‌ای که خود و فردیت او ایجاب می‌کند، زندگی و رفتار نماید. بر اساس این ویژگی‌ها می‌توان به شکل‌گیری نحوه تعامل افراد در فضای خانه و ساختار زیست در مسکن اشاره کرد. مطالعه اجتماعی و فرهنگی خانه از این بعد اهمیت دارد که ما به دنبال این باشیم که بدانیم این خانه با توجه به فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی منطقه چگونه ساخته می‌شود؟ در واقع با گذشت زمان و دستیابی به تکنولوژی‌های نو چه تغییراتی در الگوهای زیستی و سکونتی و بالتبع بر کالبد معماری خانه صورت می‌گیرد؟ شایان ذکر است که با توجه به فرهنگ و خرده فرهنگ‌های حاکم در مناطق بومی باید این پدیده را تفسیر و تشریح کرد؛ و یا اینکه هر فردی چگونه خانه را توصیف و ترسیم می‌کند که در این مقاله، موارد فوق‌الذکر در خانه‌های پیشین ترکمنها و مساکن جدید آنها و تأثیر تغییر «تکنولوژی» در تغییر «سبک زندگی» و فضاهای کالبدی خانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در رابطه با الگوهای زیستی در مساکن بومی تحقیقاتی صورت گرفته که می‌توان به پژوهش‌های گسترده‌ای توسط برومبِرژ (۱۳۷۸)، خاکپور و دیگران (۱۳۷۸، ۱۳۹۰) و اسمیت و کرافت (۲۰۰۶) و ... اشاره کرد.

علاوه بر این، مطالعات اجتماعی به نحوه تعامل افراد در خانه اهمیت می‌دهد، در واقع برای پژوهشگر این تعاملات اهمیت دارد که از چه «محتوا و معنایی» برخوردار است؟ با توجه به ساختار ارزشی و هنجاری که بر فرهنگ یک جامعه حاکم می‌باشد

بازخوردهای آن در مسکن بومی ترکمنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ادبیات تحقیق سکونت

«سکونت» را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است؛ بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. سکونت از نظر هایدگر، فرآیندی است که آدمی در جریان آن «مکان بودن» را تبدیل به خانه می‌کند و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می‌پردازد (یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)؛ به عبارت دیگر، «سکونت از نظر او سقفی را سایبان قرار دادن یا چند مترمربع زمین را زیر پا گرفتن نیست» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۹) و مفهومی فراتر از این است. در واقع، برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است که در این رویکرد، خانه، فریضه‌ای دارد که می‌باید با زمین و آسمان به انجام برساند. اولین مفهومی که بعد از شنیدن کلمه سکونت در ذهن انسان نقش می‌گیرد، ساکن شدن و اتراق کردن در یک مکان است. «هایدگر» مصیبت واقعی سکونت را «کمبود مسکن» نمی‌داند و به نوعی شاخص کیفیت را مطرح می‌کند، این که سکونت کردن فاقد فکر کردن و بنا کردنی مناسب و درخور او شده است. «بی‌خانمانی» نیز به نظر او، بیش از آنکه نداشتن سقف بالای سر باشد در بیگانگی از تعادل است، تعادل بین امر مادی و معنوی، بین زمین و آسمان. آدمیان مدرن به فراموشی نسبت به چگونگی سکونت دچار گشته‌اند. بدین سبب چگونه در خانه بودن و ساختن را نیز به فراموشی می‌سپارند. اکنون آنان بدون آنکه مکان را تحت سکونت خود درآورند تنها در آن حضور دارند

(یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). «کریستین نوربرگ شولتز» روش‌های سکونت را به چهار شیوه تقسیم می‌کند:

۱. سکونت به صورت طبیعی؛
۲. سکونت مجتمع؛
۳. سکونت عمومی؛
۴. سکونت خصوصی.

از سوی دیگر، مسکن پدیده‌ای اجتماعی است و انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردیهیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). سکونت طبیعی اولین بار در آبادی شکل گرفت؛ لذا انواع جنبه‌های زیستی در مقوله سکونت عبارتند از:

۱. آبادی؛ محلی است که محیط طبیعی مفروضی را در برگیرد. در نتیجه؛ آبادی، صحنه رخداد سکونت طبیعی است. با توجه به تمایل انسان برای زندگی اجتماعی، سکونت‌گاه‌های جمعی شکل گرفتند.
۲. فضاهای شهری، صحنه ملاقات و دیدار است، جایی است که انسان‌ها در آن مصنوعات، اندیشه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. بدین صورت؛ سکونت مجتمع شکل گرفت. پس از شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های مجتمع، چارچوب‌های توافق بین انسان‌ها به وجود آمدند.
۳. توافق؛ بیان‌کننده ارزش‌ها و منافع مشترک است و امکان عضویت در گروه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. از ملزومات توافقات اجتماعی، وجود فضاهای دیدار و مشترک بین اعضای اجتماع است. این فضاها، مکان‌های عمومی هستند که ارزش‌های مشترک در آنها نگهداری می‌شوند. سکونت عمومی، پس از توافق اجتماعی و ایجاد مکان‌های عمومی معنی پیدا می‌کند.
۴. جنبه دیگر سکونت، خلوت فرد است که یکی از

مفاهیم کم رنگ شده در ساخت و ساز های جدید

-تبدیل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرمهای کاملاً هندسی	-کم رنگ شدن مسائل اقلیمی
-حذف فضاهای نیمه باز و بینابین در واحدها	-نادیده گرفتن مسائل مربوط به حریمیت در فضاها
- حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ	-استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون واحدها)
-حذف فضاهای خدماتی در واحدها	-طراحی نماهای همسان با خانه های شهری
-تفکیک کامل فضاهای زیستی بر اساس کارکرد	-عدم توجه به اندازه فضاها
-حذف سلسله مراتب ورودی	-عدم توجه به دید و منظر

با طبیعت به حیات خود ادامه دهد. بنابراین مسکن نه تنها رنگ تاریخ بلکه رنگ جغرافیا نیز دارد. اما در اینجا نیز انسان به دستکاری طبیعت می پردازد و بر آن مسلط می شود تا بتواند خانه ای بسازد که با فرهنگ او سازگار باشد نه صرفاً با مقتضیات طبیعت. از اینرو، خانه را باید بیش از هر چیز «برساخته» یا «سازه ای اجتماعی و فرهنگی» دانست نه صرفاً سازه ای از مواد و مصالح چوب، سنگ. بطور عام فضای مسکونی را که انسان ها در آن اقامت و زندگی می کنند «خانه» می نامند.

مسکن از منظر «مهندسی عمران»، یک بناست که در ترکیب با ابعاد زیبایی شناسانه و با تدقیق پتانسیل زیستی درونش وجهی معمارانه نیز به خود می گیرد. در هر دوره تاریخی، فرم خانه متناسب با شرایطی که انسان در آن قرار داشته، تغییر کرده است. این تحول را می توان از روی نمونه ها و بقایای موجود خانه های اقوام نخستین تا اقوام امروزی مشاهده کرد. خانه به مثابه یکی از مولفه های اساسی زندگی اجتماعی، نقش اساسی در فرهنگ انسانی دارد. این پدیده منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می گیرد. در واقع با توجه به فرهنگ و ریشه هایی که بر ساختار فرهنگ یک جامعه حاکم است، شما در خانه با آیین های بسیاری روبرو می شویم؛ که باید هر یک از این آیین ها معناشناسی و مفهوم سازی گردد. از منظر دیگر باید اشاره به این کنیم آنچه که خانه را به عنوان یک وجه فرهنگی و اجتماعی برای ما بااهمیت کرده است؛ این که این

ابزارهای شکل گیری و پرورش هویت فرد است. این شیوه سکونت را می توان با توجه به فعالیت هایی که باید از دخالت دیگران دور نگه داشته شوند، سکونت خصوصی نامید. به طور کلی؛ آبادی، فضاهای شهری، فضاها و نهادهای عمومی و خانه همراه یکدیگر، محیط کل یا محل سکونت (جایی که در آن سکونت به صورت طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی شکل می گیرد) را به وجود می آورند. **خانه**

در ادبیات علمی و به تبع آن در این پژوهش، مسکن صرفاً بنایی نیست که به عنوان خانه مورد استفاده قرار می گیرد. مسکن (housing) کلیتی از مباحث عمران، معماری و شهرسازی، علوم اجتماعی، اقتصاد، و جمعیت شناسی را در برمی گیرد. عناوینی چون همسایگی (neighborhood)، نوع تصدی (صاحب خانگی) (homeownership) یا استیجاری و غیره، شکل خانه (آپارتمانی یا ویلایی، مجتمع مسکونی (residence) یا خانه شخصی (Owner-occupied)، خوابگاه اشتراکی و غیره)، و بازار مسکن ذیل بحث مسکن مورد مطالعه قرار می گیرد. مطالعات مسکن را می توان در سه دسته طبقه بندی کرد؛

۱. «فرهنگی، زبانشناختی و تاریخی»؛
۲. «فلسفی و پدیدارشناختی»؛ و
۳. «روانشناختی».

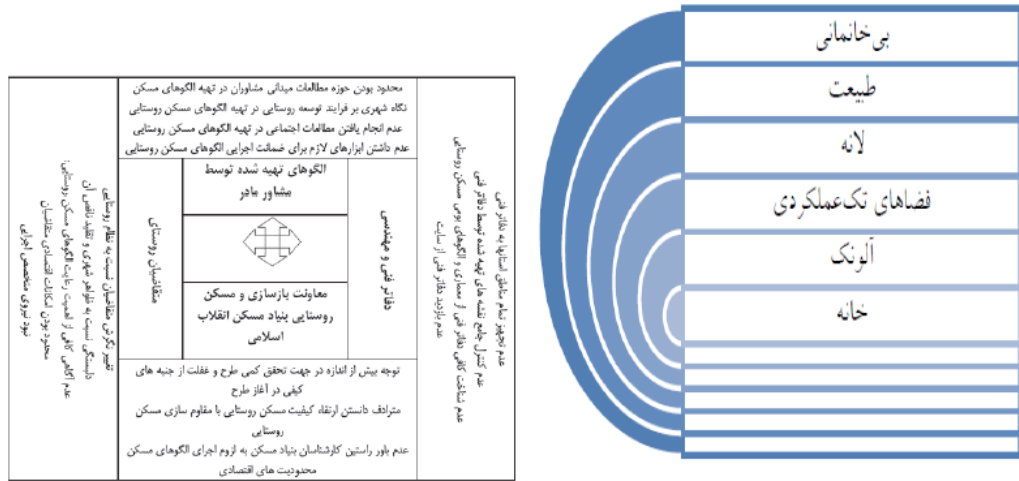
خانه از هر نوعی که باشد لاجرم در طبیعت و بر روی طبیعت و با استفاده از مواد بدست آمده از طبیعت ساخته می شود. و نمی تواند سازگاری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017



نمودار ۱. محیط زیست و بستر فرهنگی برای ظهور معماری بومی؛ ماخذ: خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳.



نمودار ۱. (سمت راست) ابعاد روند سکونت زیستی بشر؛ ماخذ: نگارندگان و نمودار ۲ (سمت چپ). حوزه های تاثیرگذار بر مسکن بومی؛ ماخذ: بیٹی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲.

تابع ارزش ها و هنجارهای فرهنگی است به نحوی که بیشترین همخوانی را با مدل آرمانی آن فرهنگ داشته باشد. در واقع آنچه انسان می سازد از بنای یک خانه گرفته تا یک شهر، تجسمی از آرمان ها و ایده آل های فرهنگی است. به نظر راپاپورت فرهنگ به «مجموعه ارزش ها و عقاید مردمی که ایده آل ها و آرمان های آن ها در یک جهان بینی شکل گرفته است» اطلاق می شود. بر اساس این اصول و قواعد است که مجتمع های زیستی در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک «تمامیت با هویت» در می آیند و قابلیت تمییز از دیگر نمونه ها را پیدا می کنند (راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۱۷).

لذا تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط های مصنوع اهمیت دارد؛ چراکه شیوه هر کدام از گروه ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات،

پدیده نقش بسیار موثر و تأثیرگذاری بر شکل دادن هویت فردی و جمعی دارد. در واقع با توجه به اصل جامعیت، خانه جزئی از فرهنگ یک جامعه است که قابل مطالعه است.

فرهنگ و الگوهای زیستی در مسکن

پیش از پرداختن به این بخش باید اشاره کرد که «راپاپورت» برای توضیح رابطه «فرهنگ و محیط»، مفهوم فرهنگ را تجزیه می کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان بینی قلمداد می کند. جهان بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی شناسی است. ارزشها، دربرگیرنده مجموعه ای از ایده آلها و آرمان هاست که هنجارها و قوانینی را شامل می شود. نوعی روش زندگی را شکل می دهد که کلیه فعالیت ها بر اساس آن تنظیم می شود. به عبارت دیگر، کیفیت انتظام بخشی محیط مصنوع



تصویر شماره ۲ - سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متأثر از موقعیت جغرافیایی فرهنگ و نوع معیشت در مسکن (بندر دیوان استان هرمزگان)

تصویر ۶ ضرورت توجه به تکنولوژی و دانش بومی در طراحی و ساخت پروژه های نوسازی مسکن روستایی و ارتقای آن (روستاهای کلاته خنج استان سمنان)



تصویر ۲. تکنولوژی و دانش بومی در نوسازی مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۹ و تصویر ۳. سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متأثر از جغرافیای فرهنگی و نوع معیشت مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

۱۳۸۲، ص ۶۶). لذا انطاف پذیری مسکن می تواند راهکاری برای ترسیم چهره ای جدید از مساکن جدید بشمار رود که الگوی آن در نمودار زیر بیان شده است.

مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی ترکمنها در مسکن

در مورد تاریخ اقوام ترکمن ابهامات فراوانی وجود دارد. اما با وجود این ابهامات نکات مشترکی که در مورد تاریخ ترکمنها در منابع وجود دارند به ما می گویند که این قوم شاخه ای از ترکهای آسیای میانه اند و در بخش جنوب غربی آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان)، نواحی شمال ایران (ترکمن صحرا)، افغانستان و چند گروه از آنها در عراق و ترکیه زندگی می کنند. «آوامبری» در سیاحتنامه درویش دروغین، ترکمن ها را به طوایف زیر تقسیم می کند (وامبری، ۱۳۶۵، ص ۳۸۴): «۱. چاودور؛ ۲. ارزاری (ارساری)؛ ۳. آل علی؛ ۴. قره؛ ۵. سالور؛ ۶. ساریق؛ ۷. تکه؛ ۸. گوگلان؛ ۹. یموت».

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن های ایران): در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه های اجتماعی مرتبط با موضوع می پردازیم. ۱. «ساختار ابتدایی اقوام ترکمن» (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیابانگردی) داشته اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی اند؛ (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن

حرفه، ایدئولوژی و غیره آن را تعیین می کند. روش زندگی به طور فزاینده ای در تقسیم بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می گیرد. شیوه زندگی افراد را می توان با سنجش الگوی مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط اجتماعی تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). از سویی دیگر، معماری نزد بشر اولیه با «تعیین حریم و شاخص کردن قلمرو» صورت پذیرفته و با گذر زمان به شکل پیچیده ای «بازتاب وضعیت زندگی اجتماعی» بشر شده است. تحقق نیاز به تصرف فضا و تغییرات آن که در ابتدا با علامتگذاری انسان صورت می پذیرفته، در طی زمان تکامل پیدا کرد: «۱. نخست آنکه پاسخگوی ارتقاء شعور و مفهوم هر آن چیزی است که انسان در دنیای پیرامونی خود انجام می دهد و بازنمایی کارهای وی و فرافکنی مقیاس کوچکی از دنیایی است که برای خود ساخته است؛ و ۲. دوم در پاسخ به نیاز بشر به ارتقای رفاه و ویژگی تلاش برای بهبود وضعیت محیط زیست پیرامون، متناسب با اوضاع اجتماعی مشخص تغییر یافته است» (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

از سویی دیگر با تغییر در نظام خانواده فضاهای سکونتی نیازمند تحول می باشند. در حال حاضر زندگی در خانواده های هسته ای و در مسکن جدید تحت تاثیر تغییرات سنی کودکان و بزرگسالان و تغییر نیازهای آن در طول زمان است (عینی فر،

چراگاه های بهتر برای دام های خود می باشند. این تحرکات خود موجب آشنایی با فرهنگ ها و جوامع مختلف در سر راه یافتن چراگاه می شوند و همانگونه که ذکر شد گاه این تحرکات به صورت مهاجرت های عظیم، موقعیت تاریخی و جغرافیایی منطقه ای وسیع را تحت الشعاع قرار می دهند. اما جوامع کشاورزی به جوامعی می گویند که به کشت محصول می پردازند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱). جوامعی همچون جامعه ترکمن ها در مقاطعی دارای اقتصاد مختلط شبانی و کشاورزی بوده اند. تحرک جوامع شبانی و سکون جوامع روستایی باعث پیدایش گونه های متفاوتی از نمادها و نشانه ها می شود (کیستی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «ساختار ایلی»: ترکمنها پدرتبار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گسترده بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند. جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای اجتماعی است که از پیوستن خانوارهایی هم نسبت به وجود می آید (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰). بنابراین تبار و خویشاوندی یکی از عوامل مهم این نظام است و تقسیم اجتماعی کار در نزد ایشان نیز در قالب همین سازمان خانوادگی شکل یافته است (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹). ترکمن ها همانند بسیاری از عشایر ایران زمین دارای ساختاری قبیله ای و عشیرتی بوده اند. ویلیام آیرونز در مقاله ای این نظام را در ساختاری سیاسی تعریف می کند. وی می گوید: «کوچکترین واحد سیاسی ترکمن ها خانواده هایی بودند که با هم بیشتر از هفت پشت پدری فاصله نداشتند. از این رواز اتحاد چند واحد، با چنین وضعیت، «ابه» به وجود می آمد، از اتحاد چند «ابه» یک «طایفه» از اتحاد چند «طایفه» یک «قبیله» از اتحاد چند «قبیله» یک «ایل» و از اتحاد چند «ایل» گروه قومی یعنی ترکمن به

وجود می آمد. با مهاجرت ترکمن ها و رسیدن آنها به ترکستان اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایشان نیز به تدریج تغییر کرد. این تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ترکمن ها در مراحل زیر و به مرور زمان پیش آمده است: مرحله اول: بیابان گردی و کوچ نشینی؛ ۱. **مرحله دوم:** رسیدن به ترکستان و ترکمن صحرا و ساکن شدن در آن؛ مرحله سوم: یکجانشینی و گرویدن به اسلام؛ مرحله چهارم: روستانشینی و شهرنشینی (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۱۸۲). ترکمن ها برای سازگاری خود و ادامه بقا در هر مرحله به تغییرات، در طی زمان، تن داده اند.

۲. «ازدواج و مراسم آیینی»: پورکریم در مجموعه مقالات خود در مجله هنر و مردم رابطه هر فرد ترکمن با یکی از طایفه های بزرگ ترکمن را به صورت زیر نشان می دهد (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۶۴):

فرد ← خانواده ← ابه ← تیره ← طایفه

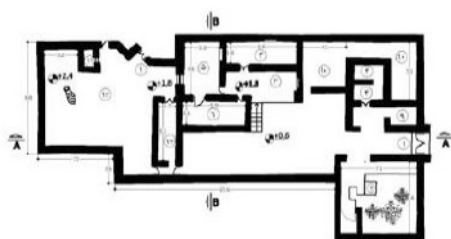
بیان یافته های تحقیق

نوع فعالیتهای اقتصادی و چگونگی معیشت در خانه های بومی و سنتی تأثیری شگرف بر معماری این بناها داشته است؛ چنانچه خانه های بومی برای انطباق با معیشت و نوع زندگی روستاییان یا ساکنان آنها ساخته می شده است که نمونه های آن در معماری خانه های ترکمنها نیز دیده می شود. لذا، «عامل دیگری که در کل مسکن تأثیر دارد نوع رفتار و فعالیتهای معیشتی مردم است» (خاکپور، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

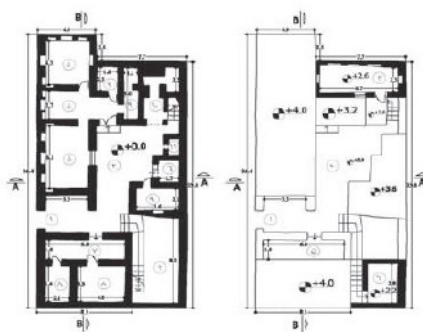
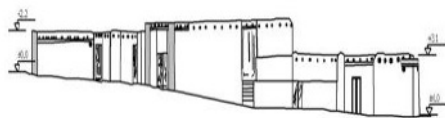
اقوام ترکمن در زندگی کوچ نشینی خود دارای آداب و رسوم و نوع زندگی خاصی بوده اند که با یکجانشینی این آداب و رسوم را به خانه ها و محیط روستایی یا شهری خویش منتقل کردند. اصیل ترین منزلگاه ترکمنها، آلاچیق شان می باشد که در دوره دامداری و کوچ نشینی مأمّن و پناهگاه ایشان شمرده می شد. ساخت آلاچیق ها، مراسم همراه آنها، تزیینات داخلی آلاچیق ها، نوع خاص زندگی ترکمن ها را نشان می دهد؛ با یکجانشین

(خانه)؛ ۳- ساختمان های مدرن امروزی. اوی های ترکمنی؛ ترکمنها در قدیم اوی را به دلیل قبه ای شکل بودن، قبه ای از قبه های بهشت می دانستند و آن را مظهر سلامتی و نشانه سخاوت و آسایش می شمردند؛ به دلایل زیر: الف- در مقابل زلزله مقاوم بود؛ اگر آسیبی هم به وسایل خانه - وسایل شکستی- وارد می آمد برای جان افراد هیچ نوع نگرانی نداشت. ب- در ورودی بدون قفل بود و همیشه برای ورود مهمان آماده: زیرا ترکمن ها مهمان نوازی را نشانه سخاوت می دانستند. ج- نصب کردن، برچیدن و حمل و نقل اوی آسان بود. آلاچیق در واقع مسکن اولیه ترکمنها بوده و با ساخت اجتماعی آنها کاملاً همخوانی دارد. البته در حال حاضر، آلاچیق بسیار بندرت یافت می شود و

شدن و آغاز کارخانه سازی ترکمن ها، باز می توان نشانه هایی از آلاچیق ترکمنی را در خانه های روستایی نیز یافت، فضای بدون دیوار اولین خانه های ساخته شده در ساحل دریای خزر، در منطقه گمیشان، خواجه نفس و بندر ترکمن، منازلی با اتاق های محدود و فضاهای باز و بدون تقسیم بندی برای حریم خصوصی افراد، آویزه های روی دیوارها که در آلاچیق ها مورد استفاده قرار می گرفت، کمدهایی که روی آنها رخت خواب می گذاشته اند، همه در منازلی که اکنون ترکمن ها سکونت دارند کمابیش به چشم می خورند. مسکن ترکمن ها با توجه به این که در ابتدا کوچ نشین بودند و در این صد سال اخیر، به تدریج یکجا نشین شدند. از نظر فنی می توان به سه دسته تقسیم کرد: ای (آلاچیق)؛ ۲- تام



- | | |
|--------------|--------------------|
| ۱. ورودی | ۷. نورخانه |
| ۲. حیاط | ۸. توالت |
| ۳. ایوان | ۹. انبار |
| ۴. مهمانخانه | ۱۰. آغل |
| ۵. نشین | ۱۱. چاله سبب زینین |
| ۶. آشپزخانه | ۱۲. حیاط دامی |



- | | |
|--------------|-------------|
| ۱. ورودی | ۷. پهنرید |
| ۲. حیاط | ۸. آغل |
| ۳. ایوان | ۹. انبار |
| ۴. مهمانخانه | ۱۰. طویله |
| ۵. نشین | ۱۱. مرغدانی |
| ۶. مطبخ | |



تصویر ۴. (به ترتیب از راست به چپ) خانه با معیشت دامی و فروش لبنیات؛ روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان، ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۸؛ و تصویر ۵. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرننده؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۹۸.

تنها معدودی از ترکمن‌های کوچ‌رو از آن استفاده می‌کنند. معمولاً طرز قرارگیری اوی‌ها به این ترتیب است چند اوی در کنار هم قرار می‌گیرند که نشانه ارتباط اجتماعی، خویشاوندی و اقتصادی ساکنان آنها می‌باشند زیرا اوی‌های همسایه معمولاً خویشاوند بوده و دارای مرتع مشترکی هستند و دامهای آنها در یک گله چرا می‌کنند. هر چند تا اوی را مجموعاً یک (ابه) (oba) می‌خوانند. ابه‌ها به فاصله یک تا چند کیلومتری هم قرار دارند. مجموعه چند ابه یک طایفه و نهایتاً هر چند طایفه یک ایل را تشکیل می‌دهند. بنابراین برای هر فرد ترکمن، این سلسله مراتب اجتماعی مصداق دارد: فرد- خانواده (اوی)- ابه- تیره- طایفه- ایل. معمولاً اوی‌های هر ابه را بر روی یک خط مستقیم بر پا می‌کنند و آلاچیق ریش سفید و بزرگ در ابتدای این ردیف قرار می‌گیرد. پس از یکجانشین شدن ترکمن‌ها و تبدیل آلاچیق به خانه‌های سابق در یک جمله می‌توان از آنها به عنوان مسکن سنتی یاد کرد. در ساختن مسکن سنتی از مصالحی استفاده می‌شود که در محیط طبیعی پیرامون وجود دارند. فراونی استفاده از چوب در مسکن ترکمنها بسیار چشمگیر است. دلیل استفاده ترکمنها از خانه‌های سنتی که امروزه کاهش یافته است، به چهار عامل برمی‌گردد که عبارتند از:

۱. «عوامل فرهنگی»: گرچه ترکمنها دیگر در آلاچیق زندگی نمی‌کنند و یکجانشین شده‌اند، ولی ساخت جامعه ترکمن تغییر چندانی نکرده است. کاملاً آشکار است که استفاده از چوب در این آلاچیق‌ها بسیار فراوان است، پس به کار بردن چوب در ساخت مسکن یک عادت فرهنگی است و یک قسمت کوچک از ساخت جامعه ترکمن است.

۲. «تکنولوژی ناقص معماری»: در بررسی خانه‌های کاشان، یزد، کرمان و غیره که سابقه یکجانشینی چند هزار ساله دارند می‌بینیم سابقه یکجانشینی باعث افزایش تجربه مردم بومی در رابطه با معماری شده است و خانه‌ها با محیط طبیعی

سازگاری کامل دارند. اما ترکمنها نمی‌توانند آنگونه خانه بسازند که یک روستایی گنابادی، یزدی، کاشانی می‌سازد که با استفاده از سقفهای گنبدی یا قوسی فضایی وسیع ایجاد می‌کند. او مجبور است با تیرهای چوبی سقف را پر کند و فاصله آنها را هم از حد معینی نمی‌تواند زیادتر کند زیرا ممکن است سقف شکم آورده و بشکند که در این حالت باید با زدن ستون، بار سقف را به ستونها منتقل کند.

۳. «مالکیت منطقه»: مالکیت منطقه شمال غربی خراسان متعلق به ترکمنها می‌باشد که آنها از منابع طبیعی این منطقه نهایت استفاده را برده‌اند.

۴. «وجود جنگلهای ارس»: به دلیل اقلیم و پوشش گیاهی این منطقه، اگر ترکمنها این همه چوب ارس در دسترس نداشتند برای پوشش سقفهایشان راه دیگری را انتخاب می‌کردند.

۵. «پلان ساختمان»: در یک روستای ترکمن نشین معمولاً به خانه‌هایی بر می‌خوریم که دارای چندین اتاق در کنار هم می‌باشند. این اتاقها در یک ردیف قرار داشته و هر کدام دری دارند که به سمت ایوانی سرتاسری بازمی‌شود. این ایوان دارای سقفی است که بر روی ستونهای متعددی استقرار پیدا کرده است. معمولاً در زیر این اتاقها طبقه دیگری هم وجود دارد که به عنوان طولیه یا انبار به کار می‌رود. ابعاد اکثر اتاقها از ۴*۵ متر تجاوز نمی‌کند ولی طول ایوان یا به عبارتی در ازای ردیف اتاقها بسیار متغیر بوده و به گستردگی یک خانه یا حتی یک خاندان بستگی دارد. در بعضی موارد هر اتاقی برای خود توالتی دارد که بیرون ردیف اتاقها و در گوشه‌ای از محوطه ساخته می‌شود. علاوه بر این در میان محوطه به یک تنور برمی‌خوریم که از سطح زمین بلندتر ساخته شده و برای استفاده همه اتاقها مشترک است.

تامهای ترکمنی؛ این ساختمان کوچک (تام) نمونه اولیه ساختمان‌های چوبی ساخته شده در نواحی ساحلی ترکمن صحرا می‌باشد. اکنون اصطلاح

فعالیت‌های اقتصادی در تام؛ نوع رفتار و فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی پس از اسکان در بین ترکمن‌ها، از عوامل دیگر شکل‌گیری تام‌ها بوده است. با اسکان این قوم تا مدتی تغییر اساسی در نوع فعالیت‌های معیشتی ایشان به وقوع نپیوست و تام‌ها، بر اساس همان فعالیت‌های معیشتی موجود در آلاچیق‌ها ساخته می‌شده‌اند. در مناطق ساحلی کار اصلی مردم ترکمن ماهیگیری می‌باشد و در کنار آن ترکمن‌ها به کار قدیم خود، دامپروری و گاهاً به کشاورزی می‌پردازند، چراکه به علت شور بودن آب این مناطق و وجود بادهای شدید دریایی، امکان کشت و کار و باغداری در این نواحی اندک است. مسکن سنتی این مناطق بر روی پایه‌هایی ساخته می‌شوند، در برخی از طرح‌ها این پایه‌ها به قدری بلند انتخاب می‌شوند که در زیر بنا فضایی خالی باقی می‌ماند. از این فضا گاهاً به عنوان محل نگهداری حیوانات استفاده می‌شود و در برخی موارد به عنوان انبار یا کارگاه قالبیافی برای زنان مورد استفاده دارد. اما غالباً محل نگهداری حیوانات و کارگاه‌ها یا انبار علوفه جدا از بنا ساخته می‌شوند. در کنار برخی ساختمان‌ها مکانی به نام تِلار (Telar) وجود دارد که به عنوان محل آسایش تابستانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و دارای پایه‌های بلندی از چوب است که در زیر آن محلی برای نگهداری دام‌ها در نظر گرفته می‌شده است. یکی از فعالیت‌های زنان ترکمن نخ‌ریسی بوده است که جهت انجام این کار در سقف تام‌ها حلقه‌یی برای آویختن دوک نخ‌ریسی تهیه می‌شده است و ترکیبی بدیع و زیبا از همسازي فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی با سازه مسکن را نمایش می‌دهد چنانچه این حلقه‌ها غالباً در سقف تام تعبیه می‌شده‌اند. از جمله مهمترین فعالیت اقتصادی زنان ترکمن قالبیافی می‌باشد که برای تسهیل این فعالیت اقتصادی زنان ترکمن در تام، در نظر گرفتن اتاق یا انباری جهت تهیه قالی از مهمترین بخش‌های طرح‌ریزی و ساخت تام بوده

«تام» در مورد هر ساختمانی که ساخته می‌شود، صرف نظر از هر گونه مصالحی که در آن به کار رود، در زبان ترکمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اولین نمونه نسبتاً پیچیده معماری ساحلی ترکمن‌ها را می‌توان اقامتگاه محمد علی‌شاه در شهر خواجه نفس دانست (گلی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). مناطق ساحلی ترکمن نشین استان گلستان، دارای آب و هوایی مرطوب و در فصل‌های سرد سال، اغلب بارانی است. بر این اساس مسکن این مناطق، هم باید جوابگوی نیاز انسان به سرپناه باشد و هم آسایش اقلیمی ایشان را به طور نسبی تأمین کند. از این رو مشاهده می‌شود، مسکن این ناحیه به گونه‌یی طراحی شده‌اند که رطوبت غیر قابل تحمل اقلیمی را کاهش دهند تا شرایط دما و رطوبت، در حد آستانه آسایش ساکنان قرار گیرد. به این دلیل این ساختمان‌ها دارای ایوان‌هایی در چهار طرف بنا می‌باشند و دور تا دور آنها پنجره تعبیه شده است تا حرکت جریان‌های هوا را که از دریا برمی‌خیزند، در داخل بنا تسهیل نمایند. ایوان در تام کم‌عرض می‌باشد و تنها کارکردهایی از جمله استراحت، غذا خوردن و پرداختن به کارهای روزانه در ایوان این نوع ساختمان، امکان‌پذیر می‌باشند، در عین حالی که وجود جریان هوا که از جانب دریا می‌وزد، باعث می‌شود تا نیاز چندانی به استفاده وسیع از ایوان‌ها احساس نشود. به علت رطوبت بیش از حد زمین و گرمای شدید در فصل تابستان، تام‌ها را برای محافظت از رطوبت، منفصل و جدای از زمین می‌ساخته‌اند. این ساختمان‌ها چه به جهت تنظیم دمای درون ساختمان (تنظیم شرایط محیطی) و چه به جهت محافظت از رطوبت بیش از حد خاک، بر روی پایه‌هایی در حدود نیم و گاهاً یک متر ساخته می‌شده‌اند. سقف این سازه‌ها نیز متناسب با شرایط اقلیمی این مناطق طراحی شده است چنانچه بطور مثال سقف‌هایی که به صورت زیر شیروانی می‌باشند، برای جمع‌آوری آب باران در آب‌انبار کنار ساختمان نیز مناسب بوده‌اند.

است. در زمستان‌ها معمولاً دارقالی در یکی از اتاق‌های تام برپا می‌شده است و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام دارهای قالب بافی برپا می‌شده است. اصلیت‌ترین فعالیت اقتصادی مردان این منطقه ماهیگیری است. از آنجا که برای نگهداری ماهی، معمولاً آن را نمک سود می‌کنند و ماهی‌های نمک سود شده را در اتاقی نگاه می‌دارند، این فضا نیز در طراحی تام مورد توجه است، چنانچه معمولاً برای نمک سود کردن ماهی‌ها آنها را از طناب یا سیمی از ستون‌های طبقه دوم تام در ضلع جنوبی آن که آفتابگیر است، می‌آویزند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ خانه از منظر انسان‌شناختی «مجموعه ارزش‌ها و معانی است که چستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می‌کند.» اینکه خانه را چگونه بسازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشانه‌هایی در آن بکار بریم، درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم، چه کارهای و فعالیت‌هایی در آن انجام بدهیم یا انجام آنها در خانه را ممنوع کنیم، چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم نماییم، چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم، خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم، چه نسبتی بین خانه و سایر ابعاد زندگی اجتماعی برقرار سازیم، چه آیین‌هایی را درون خانه و کدام را بیرون آن بجا آوریم و تمام اینها بواسطه «فرهنگ خانه» در هر جامعه پاسخ داده می‌شود. و فرهنگ خانه زیر مجموعه‌ای از کلیت فرهنگ جامعه است. از اینروست که هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد، فرهنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه‌های یک ملت و قوم شکل می‌گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، فرهنگ خانه نیز تغییر می‌کند. و از اینروست که دوره‌های مختلف تاریخی، فرهنگ‌های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد. همچنین «معنادار بودن محیط» و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن

انسان می‌نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء یا به ذهن متبادر م‌شود و نهایتاً «تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط»، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی بلکه با روشهای تجربی نیز به اثبات رسیده‌اند. در مقاله حاضر ابتدا به مفاهیم فرهنگ، مسکن و سکونت و مفاهیم مرتبط با آن، اشاره‌ای مختصر شد و سپس با بررسی ضمنی به مفهوم فرهنگ‌گرایی، و به نظریات فرهنگ‌گرایانه در مسکن و تأثیر تکنولوژی در ساخت و طراحی مسکن بالاخص مسکن ترکمن اشاره شد. در خصوص رویکردهای نظری به معنای محیط و خانه باید گفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. الگوی حاکم بر رفتار گروه اول بیش از آنکه برگرفته از اقلیم و فرهنگ باشد تحت تأثیر اقتصاد و قواعد آن است. بر همین اساس، سرعت ساخت‌وساز و صرفه اقتصادی، ارزش‌های کلیدی هستند که پرداختن به بسیاری از ملاحظات دیگر را غیرضروری می‌دانند.

۲. در مورد گروه دوم نیز سنت ترجمه‌متون دانشگاهی اغلب فرصت‌چندانی به مهندسان ایرانی، برای شناخت مدل‌ها و قابلیت‌های فرهنگ بومی و خلاقیت در راستای آنها را نمی‌دهد، ضمن آنکه خود این گروه نیز درگیر محدودیت‌های اقتصادی و بازار هستند؛ بنابراین، در خروجی کار این گروه نیز اثری از مطالعه ارزش‌ها و هنجارها و انتظارات ساکنان و لحاظ کردنشان در فرآیند اجرا دیده نمی‌شود.

لذا باید گفت که عوامل ۶ گانه زیر در شکل خانه بومی تأثیرگذار است:

۱. «عوامل فیزیکی»: شکی نیست که عوامل فیزیکی یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار در شکل بناها و بویژه خانه‌ها است. توجه به اقلیم و موقعیت آب و هوایی محل استقرار بنا تأثیر مستقیم در انتخاب شکل آن داشته است. یکی از مهمترین

کارکردهای خانه تأمین نیاز انسان به سرپناه است. انسان همواره در تلاش برای محافظت از خود در برابر تغییرات جوی بوده از اینرو ساخت خانه هایی متناسب با اقلیم سکونت گاه انسان ها اجتناب ناپذیر بوده است. گرچه امروز بهبود تکنیک ها و مصالح ساختمانی تا حدی جبر فیزیکی را تحت الشعاع قرار داده اما نتوانسته است آن را از فهرست عوامل مؤثر در شکل بنا خارج کند. از گذشته تا کنون مثال های گویایی از معماری خانه های منطبق بر شرایط اقلیمی را می توان برشمرد.

۲. «مصالح و تکنولوژی ساخت و ساز»: بشر در طول هزاران سال از مصالحی چون سنگ، خشت، چوب، حصیر و نمد و غیره برای ساختن خانه استفاده کرده است. گرچه یافته های باستان شناسی نشان می دهد که گاهی مصالح مورد نیاز برای بناها و به خصوص بناهای تشریفاتی و مناسکی، از سرزمین های دوردست منتقل می شده اند اما در اغلب موارد از مصالح در دسترس استفاده شده است. آشنایی با مصالح و نحوه استفاده از آنها برای ساختن خانه ای مناسب ضروری است. اما آیا می توان گفت شکل بنا صرفاً به مصالح استفاده شده در آن بستگی دارد؟ شکل بنا حاصل روند تدریجی مهارت انسان ها در بهره گیری از مصالح و بهبود تکنیک های ساخت و ساز است. البته نمی توان شکل بنا را تنها به مصالح یا تکنیک های به کار رفته نسبت داد. راپاپورت در بهترین حالت از تکنولوژی، شیوه ساخت و مصالح به عنوان «عوامل تغییر دهنده» و نه تعیین کننده شکل یاد کرده است. یافته های انسان شناسی نظر وی را تأیید می کند. به عنوان مثال در چین به رغم عمومیت استفاده از سفال و تکنیک واحد، ممکن است شکل پوشش سقف خانه های یک روستا به دلیل باور به پدیده فنگ شویی، با یکدیگر تفاوت داشته باشند. رابطه مصالح با تکنیک استفاده از آنها حائز اهمیت است. نحوه استفاده از مصالح یکسان می تواند بسیار متنوع باشد. عامل تعیین کننده فرهنگ است.

۳. «سایت و موقعیت»: منظور از سایت و موقعیت، محل قرار گرفتن بنا است. موقعیت می تواند با توجه به جغرافیا و توپوگرافی در نظر گرفته شود یا مقصود از آن مکان قرار گرفتن بنا در همسایگی سایر بناهای مجموعه زیستی باشد. در این مورد نیز نمی توان قائل به جبر اکولوژیک بود و ادعا کرد که شکل بنا را موقعیت آن بر زمین یا موقعیت آن در شهر یا روستا تعیین می کند اگرچه این موضوع اهمیت دارد اما هرگز به تنهایی برای توجیه اشکال متنوع بناها کافی نیست. زمین های با مشخصات مشابه می توانند مولد شکل های بسیار متفاوت خانه ها باشند و شکل های مشابه می توانند در سایت های بسیار متفاوت ساخته شوند.

۴. «دفاع»: دفاع یکی از مؤلفه های اجتماعی مؤثر در شکل بنا است. حصارها، پرچین ها، دیوارهای بلند و همه به منظور ممانعت از ورود دیگران و گاه حتی به منظور استتار از انظار دیگران ساخته شده و به بناها شکل داده است. خانه به خصوص بنایی است که باید قابلیت برآوردن حداکثر امنیت و نیز احساس امنیت را داشته باشد. به نظر می رسد سازماندهی فضایی بر اساس عامل دفاعی مستلزم توجه به سبک زندگی و به ویژه شیوه معیشت و باورهای انسان ها است؛ چراکه عامل دفاع با توجه به آنها مفهوم می یابد. به عبارتی این عوامل مشخص می کنند که چه چیزی بیشتر شایسته دفاع است.

۵. «اقتصاد»: نظریات بشماروی وجود دارد که اقتصاد را یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده شکل بنا و بلکه مهمترین آنها معرفی می کند. شواهد زیادی در دست است که انسان ها در همه ادوار خانه هایی متناسب با شیوه معیشت و توان اقتصادی خویش بنا نموده اند. اما شواهدی نیز موجود است که شکل بنا را از انحصار عامل اقتصاد خارج می کند و تأثیر بی قید و شرط آنرا زیر سؤال می برد. شیوه اقتصادی مشابه می تواند سازمان های فضایی مختلفی ایجاد کند. راپاپورت چنین نتیجه

می‌گیرد که «اقوام با نظام‌های اقتصادی مشابه می‌توانند دارای نظام‌های ارزشی و جهان‌بینی‌های متفاوت باشند و از آنجا که خانه جلوه یا بیان فلسفه زندگی یا جهان‌بینی می‌باشد، در نتیجه نظام اقتصادی اثر تعیین‌کننده‌ای بر شکل خانه نخواهد داشت. رابطه اقتصاد و سازماندهی فضایی لزوماً عقلانی نیست. بسیار اتفاق می‌افتد که با ورود به شهر یا روستایی بی‌درنگ متوجه بناهای مجلل و با عظمت می‌شویم که منطقی‌اً باید بیانگر ثروت مالکان آنها باشد. در حالیکه پس از چندی در می‌یابیم از چنان ثروت عظیمی برخوردار نیستند. نکته آنجاست که بنای مجلل نمادی از پرستیژ و حیثیت یا به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی مالک است نه لزوماً سرمایه اقتصادی وی. با نگاهی به فهرست بلندترین برج‌های جهان، در می‌یابیم اکثر این برج‌ها که نیازمند صرف هزینه‌های گزاف هستند، در کشورهای در حال توسعه و نه کشورهای ثروتمند ساخته می‌شوند.

۶. «مذهب»: بارزترین شکل اجبار غیر فیزیکی التزام به باورهای دینی است. افراطی‌ترین دیدگاه درباره‌ی تأثیر مذهب بر سیمای خانه آنست که خانه را به عنوان یک معبد و محلی برای عبادت می‌داند. این نظریات خانه را نمود سازماندهی فضا به دو قسم مقدس و نامقدس معرفی می‌کند. خانه فضای درون را از بیرون، خودی را از دیگری جدا می‌سازد و مأمنی برای توسل به نیروهای ماوراء طبیعی فراهم می‌کند. این قبیل نظریه‌ها تلاش دارند همه چیز را در خانه به عامل مذهب نسبت دهند. شاید با نگاهی سنجیده‌تر بتوان عامل مذهب را در شکل دادن به یک مجموعه، شکل کلی شهر مؤثر دانست. چراکه باعث گسترده شدن سایه بر فضای کوچه در آفتاب کویری یزد می‌شود. در نهایت نگاه جبرگرایانه باید کنار گذاشته شود. می‌دانیم واقعیتی وجود دارد، اینکه خانه نیز مانند تمام تولیدات فرهنگی دیگر دارای بار ارزشی و سمبلیک است. لذا در تعیین عوامل مؤثر بر شکل خانه لازم است ضمن

بررسی فاکتورهای مادی به دین به عنوان فاکتور غیر مادی تأثیرگذار در روند سازماندهی فضایی نیز اشاره شود. «دین به عنوان عامل بیان شکل خانه بیشتر امکان گراست تا تعیین‌کننده».

در مسکن ترکمنها بیشترین اصل مورد توجه میزان «اختلاط با طبیعت و زیست بوم» اطراف می‌باشد. در واقع نوع زندگی این افراد و شیوه زندگی آنها که در ابتدا به صورت کوچ نشینی بوده است، امکان رابطه مسالمت آمیز با طبیعت اطراف را فراهم کرده است. لذا در تحلیل ساختار نحوی- کالبدی معماری مسکن ترکمنها در دوره‌های مختلف تاریخی و در برهه‌های اجتماعی متفاوت، باید نگاهی عمده و رویکردی غالب به پیوستاری و همبستگی شکلگیری مسکن و طبیعت اطراف و نوع شیوه‌های استقرار و آداب و رسوم و بافت اجتماعی- فرهنگی این مناطق داشت که البته امروزه به واسطه تکنولوژی‌های نوین ساخت این گونه مسکن کم‌رنگ شده و رنگ باخته است. در رابطه با تأثیر تکنولوژی بر تغییر الگوهای زیستی ترکمنها می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد:

۱. یکجانشین شدن ترکمنهای عشایر و تغییر پیشه و معیشت دامداری؛
۲. تغییر ارتباط و پیوستگی با طبیعت و زیست بوم منطقه به واسطه ساخت مسکن جدید؛
۳. تغییر نوع چیدمان و سازماندهی فضایی خانه‌های بومی و اوی‌های ترکمن از الگوی دایره‌ای به ساختار فعلی که مطابق با نظام پدرسالاری بافت اجتماعی ترکمنها بوده است؛
۴. از بین رفتن فضاهای باز و نیمه باز در تمام‌های ترکمن که به «تلاز» معروفند؛
۵. از بین رفتن محل نگهداری ماکیان و دام و طیور در تمام‌های ترکمن نسبت به مسکن امروزی ترکمنها؛
۶. تغییر محل آشپزخانه که بیرون از خانه بوده و محل نان پختن و تنور؛
۷. تغییر تعداد و ابعاد اتاق در تمام‌های ترکمن نسبت

جدول ۲. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل گیری مسکن بومی ترکمن؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

ارکان اجتماعی	(خانه) جوامع سنتی ترکمن	(مسکن و آپارتمان) جوامع مدرن ترکمن
الگوهای فرهنگی		
ارزش ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده فرهنگ ها و تقابل فرهنگی اندک	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی شدن در عصر اطلاعات
هنجارها	مظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام ترکمن	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام ترکمن
تکنولوژی	پیش صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت های اجتماعی محدود؛ اغلب انتصابی؛ وظایف تخصصی محدود	وضعیت های اجتماعی متعدد؛ برخی انتصابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت متناهی
ارتباطات	چهره به چهره	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی	پلیس رسمی و سیستم قانونی
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک	الگوهای شناور نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می کنند	کاهش پدرسالاری؛ افزایش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	مبتنی بر تولید انبوه صنعتی؛ کارخانجات مرکز تولیدند؛ افزایش کار اداری
وضعیت دولت	دولت با مقیاس کوچک؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی	دولت با مقیاس بزرگ؛ مداخله قابل توجه دولت در اوضاع اجتماعی
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمیع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی همراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۶۲

به مسکن امروزی؛

۸. تغییر مفهوم محرمیت و جدایی‌گزینی مهمان از افراد خانه از خانه‌های قدیم ترکمن تا مسکن جدید آنها؛

۹. تغییرات گسترده در معماری داخلی و فضاهای داخلی خانه‌های بومی نسبت به مسکن فعلی ترکمن.

اصول سیاستی و برنامه‌های پیشنهادی فرهنگی بخش مسکن در رابطه با اقوام بومی و بالاخص ترکمنها در راستای ارتقاء میزان سازگاری بهتر با فرهنگ بومی منطقه و مناسبات فرهنگی-اجتماعی آنها عبارتند از:

۱- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه طراحی معماری در بخش مسکن و لزوم نقد تحولات فرهنگی رایج در شرایط معاصر معماری ایران و جستجوی راهکارهای مدیریتی و نظارتی در ارتقاء برهمکنش سازنده معماری و فرهنگ؛

۲- تقویت بنیانها و تم‌مایه‌های ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع اثرگذاری این مولفه‌های هویتی و فرهنگی و اجتماعی در زمینه طراحی مسکن؛

۳- گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری و علمی و همچنین حمایت از فعالیتهای و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه بخش مسکن با نظارت ارگانهای و سازمانهای متولی وابسته به ساختار دولت؛

۴- بازشناسی و ارزیابی مواریت و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف طراحی مسکن ایرانی-اسلامی و نگاهبانی از مآثر و مواریت اسلامی و ملی در حوزه معماری؛

۵- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق در رابطه با معماری فرهنگی و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها منجمله طراحی و ساخت مسکن بومی مبتنی و منتج از فرهنگ و مولفه‌های اجتماعی اصیل موجود؛

۶- شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی و با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب در زمینه برنامه‌هویت و ماهوی مسکن؛

منابع و ماخذ

۱. اشتری، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر سوم.

۲. باشلار، گاستون (۱۳۹۲) بوطیقای فضا، ترجمه: مریم کمالی، محمد شیربچه، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول

۳. برومبزه، کریستین (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۴. بیستی، حامد (۱۳۹۱) ارزیابی جایگاه مسکن بومی در برنامه‌های ساخت و ساز مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۹.

۵. پوردیپیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.

۶. پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن‌های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴، ش ۴۱، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵؛ بهمن ۴۶).

۷. پوری، عبدالحمید (۱۳۷۶) شناسایی طرح‌ها و نقوش فرش ترکمن، مجموعه مقالات سمینار علمی فرش ترکمن، جهاد سازندگی استان گلستان، گرگان ۲۲-۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۶

۸. خاکپور، مژگان (۱۳۸۴) مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.

۹. خاکپور، مژگان و دیگران (۱۳۹۴) ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹.

۱۰. راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه رضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران

۱۱. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه‌های فرهنگی معماری، ترجمه صدف ال‌رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

۱۲. رایپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۳. رایپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
۱۴. رایپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۵. رایپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله همگنی یا ناهمگنی در محله‌های شهری، ترجمه شبلم اسماعیلی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۶. رایپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
۱۷. رایپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
۱۸. رایپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۹. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۲۰. سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.
۲۱. شفایی، مینو و رامین مدنی (۱۳۹۰) تبیین روش زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی، آرمانشهر، شماره ۷.
۲۲. شوای، فرانسوا (۱۳۸۲) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲) الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
۲۴. فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
۲۵. کیتسی، جاتین (۱۳۷۸) اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرشهای شرقی، مجله قالی، ش ۹۰.
۲۶. کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹) ترکمن های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۲۷. گلی، امین (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، نشر علم، تهران.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۹. لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹) ترکمنهای ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شباهنگ.
۳۰. نوبری شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
۳۱. نوبری شولتز، کریستیان (۱۳۸۰) تفکر هایدگر در معماری، ترجمه نیر طهوری، نشریه معمار، شماره ۱۲.
۳۲. نوبری شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان.
۳۳. وامبری، آرمینیوس (۱۳۶۵) سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۳۴. یاراحمدی، محمود امیر (۱۳۷۸)، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۵. یاران، علی و ارس مهرانفر (۱۳۹۴) تطابق شاخصهای مسکن بومی گیلان با معماری مدرن غرب، آرمانشهر، شماره ۱۵.

بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار

امین کوشکی* - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، ایران.

A Critical Review of Tendency towards the Western Architecture in Palaces of Qajar Era

Abstract

One of the issues that are important to the administration of a community is the issue of political trust. According to one definition, political trust has a positive attitude to the political system, political institutions and political actors or operators of authority in society. Under increasing political trust and backup support from the public authorities, compliance with laws and regulations by their political and social participation, self-government institutions and political legitimacy of the total increase. Including very influential people in all societies, people are teachers. To assess their views on the system, according to communication with students, can have a profound effect on their socialization. Among the factors influencing this political trust, the mass media are. This research survey of 390 residents of the city of Sabzevar and using the idea of planting, seeks to answer this question. What was the political confidence of citizens Sabzevar. And the influence of mass media on political trust is. The results show the negative relationship between satellite and media, such as Facebook and Twitter, and political trust teachers.

Key words: political trust citizens, the media, social media, social networks.

چکیده

امروزه یکی از مقولاتی که برای اداره کنندگان یک جامعه بسیار حائز اهمیت است، موضوع اعتماد سیاسی است. طبق یک تعریف، اعتماد سیاسی نگرش مثبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی یا متصدیان اقتدار در جامعه است. افزایش اعتماد سیاسی موجب حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، رعایت قوانین و مقررات توسط آنها، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی، اعتماد به سازمان ها و نهادهای دولتی و در کل موجب افزایش مشروعیت سیاسی نظام می شود. از جمله اقشار بسیار تاثیرگذار در تمامی جوامع، قشر معلمین می باشند که سنجش دیدگاه های آنان در خصوص نظام، با توجه به ارتباطی که با دانش آموزان دارند، می تواند اثرات مهمی در جامعه پذیری آنها داشته باشد. از جمله عوامل موثر بر این اعتماد سیاسی، رسانه های جمعی می باشند. تحقیق حاضر به روش پیمایشی با نمونه ۳۹۰ نفر از شهروندان شهرستان سبزوار و با استفاده از نظریه کاشت، در پی پاسخ به این سوال بوده که اعتماد سیاسی شهروندان سبزوار به چه میزان بوده و تاثیر برخی رسانه جمعی بر اعتماد سیاسی چگونه است. نتایج حاکی از رابطه معکوس و منفی میان رسانه هایی مانند ماهواره و فیس بوک و توئیتر و اعتماد سیاسی معلمان می باشد. **واژگان کلیدی:** اعتماد سیاسی شهروندی، رسانه، رسانه جمعی، شبکه های اجتماعی.

مقدمه

روابط ناشی از برخوردهای جزئی و خاص است. پدری که به فرزندش کمک می کند، انتظار حرف شنوی یا یاری او در سنین پیری را دارد. در این وضعیت اعتماد انضمامی و عینی تحقق یافته است. در واقع اعتماد، رضایت را جایگزین سرکوب و زور می کند و حکومتی که به نحوی اعتماد مردم را جلب کرده باشد، نیازی به کاربرد خشونت ندارد و مردم نیز اعتماد خود را نزد حکومت سرمایه گذاری می نمایند. بنابر این اعتماد یک کالای عمومی است که در صورت مخدوش شدن آن جامعه به عنوان یک کل متضرر شده و رو به اضمحلال خواهد گذاشت. بنابر این افول اعتماد یکی از مشکلات و مسائل محوری در سیاست نوین حکومت ها و دولت ها در کشورهای مختلف است. در شرایطی که روابط افراد عمدتاً به صورت سازمان یافته و نظام وار درآمده است، آنچه می تواند تضمین کننده عمل هر یک از افراد متناسب با هنجارها و ارزش های کلی نظام باشد، اعتماد متقابلی است که میان آنها وجود دارد. موضوع بحث در پژوهش حاضر، از جنس چنین اعتمادی است؛ چرا که به دنبال بررسی وضعیت اعتماد سیاسی معلمین در وضعیتی هستیم که بر مبنای انقلاب اسلامی، نظام سیاسی تازه ای در دهه های اخیر شکل گرفته و به تدریج نهادها و اجزای رسمی خود را یافته و افراد درون آنها مشغول فعالیت و تبادل کنش هستند. نظام سلطه از ابتدای تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی تمام توان خود را برای متوقف نمودن حرکت رو به جلو این نظام بکار گرفت. جنگ تحمیلی ۸ ساله و سپس جنگ نرم از مصادیق برجسته تلاش نظام سلطه می باشد. در این میان امروز با راه اندازی قریب به ۱۶۳ شبکه فارسی زبان و... سعی دارد اعتماد سیاسی مردم را نسبت به نظام سیاسی کم رنگ نماید. در میان اقشار خاص در بین مردم قشر معلمین، قشر بسیار مهم و تاثیر گذاری است. بالاخص با توجه به اینکه تمامی دانش آموزان، قسمت زیادی از وقت خود را با این قشر سپری می نمایند و قسمت مهمی از

اعتماد عمومی مردم از جمله مقومات مشروعیت بخش در عرصه عملی و عینی به نظام حاکم است. شاخص های اصلی چنین اعتمادی، در ابعاد اجتماعی و سیاسی قابل تحلیل می باشد. با توجه به وضعیت نظام سیاسی در ایران و تصریحات مندرج در اسناد فرادستی، چنین مقوله ای از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که جمهوری اسلامی، نظامی سیاسی است که مبتنی بر اهداف مذهبی بنا شده و هدف آن مشارکت حداکثری مردم در ابعاد مختلف است. چنین مشارکتی بر مبنای اعتماد متقابل مردم و مسئولین بنا نهاده شده است. قانون اساسی حاوی گزاره ای است که بر اساس آن لازم است همه امکانات به منظور مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی در حد قانون را فراهم سازد. اعتماد وضعیتی خاص تر از اطمینان یا امید است و حاکی از موقعیتی است که به نحوی فعال، افراد با یکدیگر وارد رابطه می شوند. انواع اعتماد مبتنی بر وضعیت گروهی که افراد در آن قرار دارند متعدد می شود. گاهی اعتماد به افرادی است که با آنها داراری روابط چهره به چهره هستیم. در این گونه مواقع، عمدتاً میزان اعتماد تعمیم یافته و دارای کارکردهای خاص است؛ در حالی که در روابط رسمی و سازمان یافته وضعیت اعتماد به نحوی انتزاعی و تجریدی است به گونه ای که افراد با واسطه مقولات اجتماعی است که به سازمان اعتماد می یابند. به عنوان نمونه، هنگامی که افراد به نظام قضایی در کشور اعتماد دارند، محصول نوع نگاه آنها به برابری، مساوات یا انصاف در حوزه قضایی است. ممکن است آنها هیچ گاه قاضی یا وکیلی را ندیده باشند یا عمل خلافی را از آنها نشنیده باشند، اما بر اثر انباشت خاطرات، عادات، تجربیات یا بازنمایی رسانه ها نسبت به مقولاتی مانند انصاف یا عدالت دچار بی اعتمادی شوند. وضعیت اعتماد ناشی از روابط چهره به چهره را می توان در روابط خانوادگی یا دوستی مشاهده کرد. اعتماد این افراد در این

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

جامعه پذیری ایشان در همین ایام شکل می گیرد. لذا بررسی میزان اعتماد سیاسی معلمین می تواند در برنامه ریزی های آموزشی برای این قشر کمک شایان توجهی نماید. همچنین مدیران و مسئولین شهر می توانند با شناخت دقیق ضعف های موجود در حوزه اعتماد سیاسی و در بین معلمان، با برنامه ریزی دقیق نسبت به رفع مشکلات اهتمام داشته باشند.

تحقیقات پیشین

تحقیقات و مطالعات صورت گرفته در ایران، از سیر نزولی اعتماد سیاسی از اوایل انقلاب تاکنون حکایت دارد؛ به گونه ای که اعتماد سیاسی که در سال های ۱۳۶۵ به ۸۱ درصد رسیده بود، در سال ۱۳۸۳ به کمتر از نصف این میزان رسیده است. این کاهش، هم شامل اعتماد به کنشگران می شود و هم نهادهای سیاسی (صفدری، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵؛ یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۹۷؛ ملک پور، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵؛ کوثری، ۱۳۸۱: ۱۵۶ و کمالی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۱).

تحقیقات نظری انجام شده در ایران نشان می دهد که بی اعتمادی یکی از شاخصه های فرهنگ سیاسی ایران در ارتباط با نظام های حاکم تا پیش از انقلاب اسلامی بوده است. گراهام فولر، در کتاب «قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران» بی اعتمادی را یکی از عناصر فرهنگ سیاسی ایرانیان می داند (عباسیان، ۱۳۸۷، ص ۶۲). ماروین زونیس، بدبینی سیاسی و بی اعتمادی شخصی را از جمله ویژگی های فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران دوره پهلوی می داند. وی معتقد است که بدبینی و بی اعتمادی با احساس بی قدرتی و ناتوانی سیاسی همراه اند و به ویژه قدرت و نحوه عملکرد نظام سیاسی، تعیین کننده نگرش بدبینانه نسبت به زندگی سیاسی است (همان، ص ۶۲). عباسیان، بی اعتمادی و بدگمانی را یکی از شاخصه های فرهنگ سیاسی تبعی در ایران می داند. وی در تحقیق خود، منابع فرهنگ سیاسی ایران را شامل موقعیت طبیعی و جغرافیایی، موقعیت تاریخی، دین و زبان و ادبیات فارسی می

داند (عباسیان، ۱۳۸۷، صص ۷۵-۱۱۳). سریع القلم یکی از ویژگی های فرهنگ سیاسی، ایران را بی اعتمادی شدید افراد نسبت به یکدیگر می داند و ریشه های این فرهنگ سیاسی را در نظام عشیره ای گذشته جستجو می کند (سریع القلم، ۱۳۸۴، صص ۳۴-۳۵).

شایگان (۱۳۸۷) با بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی در بین ۴۴۱ نفر از شهروندان بیست سال به بالای تهرانی دریافت که اعتماد سیاسی مردم در حد متوسطی است (۵۲ درصد) اعتماد سیاسی بالا) و اعتماد به نظام سیاسی بالاتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. از بین عوامل تأثیرگذار، وضعیت رفاهی، رضایت از زندگی و نگرش مردم نسبت به تلاش دولت در ایجاد رفاه اجتماعی اقتصادی مهمترین نقش را در اعتماد سیاسی پاسخگویان دارد. طالبی و همکاران (۱۳۷۸) اعتماد سیاسی را در بین ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این است که متغیرهای میزان دینداری، ارزش های مادی و میزان استفاده از رسانه های داخلی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی رابطه مستقیم دارند در حالی که متغیرهای ارزش های فرامادی و میزان استفاده از رسانه های خارجی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی رابطه معکوس دارند. شفیعی (۱۳۸۹) با بررسی جامعه شناختی تأثیر رسانه های جمعی بر اعتماد سیاسی و اجتماعی در بین ۳۸۵ نفر از شهروندان یزدی دریافت که میزان اعتماد اجتماعی ۶۲ درصد بالا، ۳۷/۵ درصد متوسط و ۰/۵ درصد پایین بود. میزان اعتماد سیاسی ۲۴/۷ درصد بالا، ۵۴/۴ درصد متوسط، و ۲۰/۸ درصد پایین بود.

مبانی نظری تحقیق

تعریف اعتماد

اعتماد در زبان فارسی به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را بی گمان به او سپردن و واگذار کردن کار به کسی است (عمید، ۱۳۶۹، ص

۲۰۱). در فرهنگ های انگلیسی زبان، اعتماد به شکل های متفاوتی تعریف شده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد به عنوان اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته آمده است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۷). در فرهنگ وبستر اعتماد به عنوان اعتقاد یا اطمینان راسخ به صداقت، درستی، شوق و عدالت یک شخص، گروه یا کلیت جامعه آمده است (اسکناستر، ۱۹۸۹، ص ۱۵۲). الیسون و فایرستون اعتماد را واگذاری منابع به دیگران می دانند؛ با این انتظار آنها به گونه ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل ممکن کاهش یابد و دستیابی به اهداف میسر گردد (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص ۱۱). زیمل اعتماد را صورتی از ایمان و اعتقاد به افراد جامعه می داند. اعتماد از نظر زیمل بیان کننده این احساس است که بین تصور ما از یک موجود و خود آن پیوند و وحدت معینی وجود دارد و ادراک ما از آن موجود از تداوم معینی بر خوردار است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۳). اینگلهارت معتقد است: «اعتماد این انتظار است که رفتار دیگری به طرز قابل پیش بینی دوستانه خواهد بود و عدم اعتماد این انتظار است که رفتار دیگری مودیانه یا غیر قابل اعتماد است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۴۴۷).

اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر اساس آن یک کنش گر در ارتباط با دیگر گروه ها و کارگزاران، رفتار آنها را قبل از وقوع آن پیش بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می کند (لارسون، ۲۰۰۷، ص ۲۰۲). به نظر مارچ و السن، ایده محوری اعتماد بر نوعی انتظار استوار است (مارچ و اولسون، ۱۹۸۹، ص ۲۷). تخطی از این انتظارات، اعتماد را مخدوش می سازد. اما ضرورتا بی اعتمادی ایجاد نمی کند. به اعتقاد زاگر بی اعتمادی وقتی ایجاد می شود که بدگمانی بروز می کند و در نتیجه بی توجهی به برخی انتظارات در یک مبادله دو طرفه، احتمالا به دیگر مبادلات تعمیم داده می شود (ذاکر، ۱۹۸۹، ص ۵۹).

انواع اعتماد

تقسیم بندی های متفاوتی از اعتماد صورت گرفته از جمله: اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته.

۱. **اعتماد بنیادی**: نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می سازد و موجب تقویت تفکری می گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر استمرار و ثبات آن صحنه می گذارد. اریکسون معتقد است اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی انسان شکل می گیرد (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

۲. **اعتماد بین شخصی**: که در روابط چهره به چهره خود را نشان می دهد. این نوع از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می سازد و با کاستن از حالت دفاعی بسیاری از تعاملات موثر را موجب می شود. اعتماد بین شخصی در روابط و تعاملات اجتماعی معنا پیدا می کند، توسعه می یابد و تقویت می شود (همان، ص ۱۴).

* اعتماد تعمیم یافته یا عام، یعنی داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه های قومی و قبیله ای و ویژگی های آن عبارتند از: ۱. به افرادی که با هم تعامل دارند یا روابط چهره به چهره دارند محدود نمی شود. ۲. حوزه ای از کسانی را که با ما تعامل دارند یا بالقوه می توانند تعامل داشته باشند را دربرمی گیرد. ۳. مرزهای خانوادگی، قومی و محلی را در می نوردد و در سطح ملی گسترش می یابد. ۴. پدیده نسبتا جدیدی است که همراه با شکل گیری دولت های مدرن - ملت مطرح می شود. ۵. لازمه همکاری و مشارکت میلیون ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می دهند.

آنتونی گیدنز علاوه بر انواع اعتماد یاد شده، یعنی اعتماد بنیادی و اعتماد بین شخصی، اعتماد انتزاعی و اعتماد فعالانه را هم مطرح می کند. وی می گوید در شرایط مدرنیت، بیشتر افراد در وضعیتی زندگی می کنند که نهادهای از جا کنده شده ای

که عملکردهای محلی را به روابط اجتماعی جهانی مرتبط می‌سازند، جنبه‌های عمده زندگی روزانه را سازمان می‌دهند. به نظر وی نشانه‌های نمادین نظیر پول و نظام‌های تخصصی عمده‌ترین نظام‌های انتزاعی می‌باشد. اعتماد فعالانه نوع دیگری از اعتماد است که خاص جوامع پسا سنتی است. جامعه پسا سنتی از نظر گیدنز جامعه‌ای نیست که در آن سنت‌ها دیگر وجود نداشته باشند. بلکه در این جامعه فشارهایی برای حفظ یا بازگشت سنت‌ها در کارند با سنت‌ها در این جامعه تغییر منزلت یافته‌اند، سنت‌ها پیوسته در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند و ناچارند که خودشان را اعلام کنند. در این عصر مسئله مهم ایجاد اعتماد فعالانه است، یعنی اعتماد به دیگران یا نهادها که باید آن را فعالانه تولید کرد و به بحث کشید (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

اعتماد سیاسی

استون اعتماد سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که هم به رژیم سیاسی و متصدیان اقتدار در جامعه بر می‌گردند. در واقع اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (گابریل، ۱۹۵۵، ص ۳۶۰). نوریس هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخصه پرداخته که عبارتند از:

- ۱- حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)؛
 - ۲- حمایت از قانون اساسی کشور؛
 - ۳- حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و امثال آن؛
 - ۴- حمایت از نهادهای رژیم مثل دولت، پارلمان، قوه قضائیه، پلیس، سیستم احزاب سیاسی و غیره؛
 - ۵- حمایت از کنشگران سیاسی و اجرایی (بریتزر، ۲۰۰۲، ص ۶).
- گیدنز اعتماد سیاسی را جزء اعتماد انتزاعی به حساب می‌آورد؛ یعنی اعتماد به حکومت و نهادهای

سیاسی. وی می‌گوید: «امروز جدایی کامل از نظام حکومتی غیر ممکن است و اگر افراد به دلیل بی‌اعتمادی و تجارب بدی که کسب می‌کنند بخواهند از یک نظام سیاسی جدا شوند، مجبورند به نظام سیاسی دیگری پناه ببرند. از دید وی حکومت‌های مدرن به رشته پیچیده‌ای از روابط میان رهبران سیاسی و عامه مردم وابسته‌اند. در این عصر حکومت‌ها برای نخستین بار در همان محیط‌های اطلاع‌رسانی قرار دارند که شهروندان هستند. شهروندان از فساد معاملات پشت پرده و امثال آن که مسئولان حکومتی انجام می‌دهند باخبر می‌شوند و نمی‌توانند آن را تحمل کنند. وقتی هرکس از همان اطلاعاتی برخوردار است که حکومتش، همه این چیزها که زمانی قابل قبول بود، اکنون دیگر کمتر قابل قبول است. لذا حکومت باید شیوه رفتار با شهروندان را تغییر دهند (گیدنز، ۱۳۸۰، ص ۵۲). نظر کلی گیدنز درباره اعتماد سیاسی این است که شرایط جامعه مدرن با جوامع سنتی فرق کرده است و به همین دلیل دولت‌های مدرن برای کسب اعتماد سیاسی باید به گونه‌ای متفاوت از قبل عمل نمایند. دیگر نمی‌توان اقتدار را به وسیله نهادهای سنتی یا با گفتن اینکه «همیشه اینگونه بوده است» مشروعیت بخشید (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

بریتزر با نقد تعریف نوریس، به تعریف اعتماد سیاسی می‌پردازد و آن را شامل اعتماد در سه سطح جامعه، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران می‌داند (همان، ص ۷). هترینگتن معتقد است اعتماد سیاسی عبارتست از درجه‌ای از انتظارات شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان که متناسب با انتظارات آنها باشد. از نظر او ارتباط تنگاتنگی از یک سو، بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان خود) و از سوی دیگر بین تجارب سیاسی افراد و برداشت آنها از کارآمدی دولت وجود دارد. در این تعریف، عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط

به موفقیت‌ها و موقعیت‌های دولت (هترینگتون، ۱۹۹۸، ص ۷۹۸). گیدنز اعتماد سیاسی را جزء اعتماد انتزاعی به حساب می‌آورد؛ یعنی اعتماد به حکومت و نهادهای سیاسی. وی می‌گوید: «امروز جدایی کامل از نظام حکومتی غیر ممکن است و اگر افراد به دلیل بی‌اعتمادی و تجارب بدی که کسب می‌کنند بخواهند از یک نظام سیاسی جدا شوند، مجبورند به نظام سیاسی دیگری پناه ببرند. از دید وی حکومت‌های مدرن به رشته پیچیده‌ای از روابط میان رهبران سیاسی و عامه مردم وابسته‌اند. در این عصر حکومت‌ها برای نخستین بار در همان محیط‌های اطلاع‌رسانی قرار دارند که شهروندانشان هستند. شهروندان از فساد معاملات پشت پرده و امثال آن که مسئولان حکومتی انجام می‌دهند باخبر می‌شوند و نمی‌توانند آن را تحمل کنند. وقتی هرکس از همان اطلاعاتی برخوردار است که حکومتش، همه این چیزها که زمانی قابل قبول بود، اکنون دیگر کمتر قابل قبول است. لذا حکومت باید شیوه رفتار با شهروندان را تغییر دهد» (گیدنز، ۱۳۸۰، ص ۵۲).

میان محققان ونویسندگان داخلی هم در زمینه ابعاد اعتماد سیاسی توافق وجود ندارد. چلبی اعتماد سیاسی را به معنای تایید بازیگران یا متصدیان دولتی دانسته و برای ارزیابی آن چهار بعد شخیتی، ظرفیت اجرا، تعهد عمومی و هویت فردی را مد نظر قرار می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۰). یوسفی هم در تحقیق مشروعیت سیاسی خود با تاسی از چلبی می‌نویسد: اگر نظام سیاسی را به یک میدان بازی تشبیه کنیم که قواعد آن را قانون اساسی کشور و بازیگران آن را متصدیان دولتی تشکیل می‌دهند، در این صورت، مشروعیت سیاسی به معنای تایید جمعی قواعد بازی و اعتماد سیاسی در مفهوم تایید بازیگران یا متصدیان، متضمن این معناست که بازیگر خوب بازی می‌کند و وظایف خود را به درستی انجام می‌دهد (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۳۱).

عوامل تبیین‌کننده اعتماد سیاسی

زومکا معتقد است که سه دسته از عوامل برای شکل‌گیری فرهنگ اعتماد در یک جامعه دخیل‌اند که عبارتند از:

متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی‌اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد که شامل وحدت هنجاری، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادها است)؛ متغیرهای میانی (مثل خلیات اجتماعی که شامل انگیزه اعتماد کردن، عملگرایی، خوش بینی، گرایش به آینده، تمایل زیاد کسب موفقیت است و سرمایه اجتماعی که شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعدد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی) است (زومکا، ۱۳۸۴، صص ۱۵۴-۱۵۵). در نظر رنی، جامعه‌پذیری یکی از عوامل مؤثر بر اعتماد است وی کارگزاران جامعه‌پذیری را شامل، خانواده، مدرسه، گروه همسالان (دوستان و گروه‌های سنی، هم‌درسان و گروه‌های آموزشی)، رسانه‌های جمعی، گروه‌های قومی، جماعت‌ها و گروه‌های مذهبی، همکاران و گروه‌های شغلی، همسایگان، گروه‌های هم‌درآمد و طبقات اجتماعی می‌داند (رنی، ۱۳۷۴، صص ۹۲-۹۳).

در نظر اینگلهارت اعتماد سیاسی متأثر از عوامل متعددی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه وی توسعه اقتصادی اجتماعی می‌تواند بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیراتی را بگذارد. دین معنا که اینگلهارت، توسعه اقتصادی اجتماعی را در دو سطح فردی و جمعی بیان می‌کند. در سطح فردی میزان درآمد فرد مد نظر است و در سطح جمعی آن، پیشرفت در تکنولوژی‌های ارتباطی چون ماهواره و اینترنت و همچنین افزایش تحرک اجتماعی و افزایش عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی و تعاملاتی یا به عبارت کلی‌تر میزان سرمایه اجتماعی افراد مورد توجه است. در واقع می‌توان گفت که با گسترش صنعتی

شدن و تکنولوژی های ارتباطی چون اینترنت که از نشانه های توسعه اقتصادی اجتماعی است، تحرک اجتماعی مردم بیشتر می شود و این خودمنجر به تغییر در نوع تعاملات و شبکه های ارتباطی افراد شده است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۱۰). مثلاً گسترش استفاده از اینترنت به افراد امکان عضویت در شبکه های اجتماعی مجازی را داده است که این شبکه های اجتماعی مجازی می توانند پیام ها و معانی سیاسی را به افراد منتقل کنند که بر میزان اعتماد سیاسی آنها تأثیرگذار است. از جانب دیگر، در نظر اینگلهارت عضویت افراد در این شبکه های اجتماعی باعث می شود تا افراد به ابراز خود بپردازند و این می تواند بر رضایتمندی فرد و احساس خوشبختی وی تأثیر بگذارد. در واقع با افزایش سرمایه اجتماعی فرد، میزان رضایتمندی وی از زندگی نیز بیشتر می شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷).

نظریه کاشت

در میان نظریاتی که به آثار درازمدت رسانه ها پرداخته اند، حق تقدم با نظریه کاشت می باشد. این نظریه عبارتست از اینکه تلویزیون در میان رسانه های مدرن چنان جایگاه محوری در زندگی روزمره ما پیدا کرده است که منجر به غلبه آن بر «محیط نمادین» شده و پیام هایش در مورد واقعیت، جای تجربه شخصی و سایر وسایل شناخت جهان را گرفته است (مک کوایل، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹). جورج گربنر (۱۹۶۹) و تعداد دیگری از پژوهشگران مدرسه ارتباطات دانشگاه پنسیلوانیا با استفاده از تحقیقی که احتمالاً طولانی ترین و گسترده ترین برنامه پژوهش اثرهای تلویزیون است، نظریه «کاشت باورها» را ارائه دادند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۹، ص ۳۹۰). شاهد اصلی گربنر برای این نظریه، از تحلیل محتوای سیستماتیک تلویزیون آمریکای چندین سال متوالی بدست آمده است (مک کوایل، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹). این نظریه یکی از اشکال اثر رسانه ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است

که قرار گرفتن در معرض رسانه ها، تا چه حد می تواند به باورها و تلقی عموم از واقعیت خارجی، شکل دهد؟ نظریه کاشت یا اشاعه برای ارائه الگویی از تحلیل، تبیین شده است؛ تا نشان دهنده تأثیر بلندمدت رسانه هایی باشد، که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می کنند (گونتر، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰). گربنر عقیده دارد که تلویزیون به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه اش، نیروی فرهنگی قدرتمندی است. وی تلویزیون را ابزاری در دست نظم تثبیت شده صنعتی اجتماعی می داند، که بجای تغییر، تهدید یا تضعیف نظام سنتی باورها، ارزشها و رفتارها، در خدمت حفظ، تثبیت یا تقویت آنهاست. او که اثر اصلی تلویزیون را جامعه پذیری یعنی اشاعه ثبات و پذیرش وضعیت موجود می داند، معتقد است که تلویزیون تغییرات را به تنهایی به حداقل نمی رساند؛ بلکه این امر با هماهنگی دیگر نهادهای عمده فرهنگی محقق می شود (همان).

این نظریه معتقد است که تلویزیون در بلندمدت موجب تأثیر در جهان بینی و نظام ارزشی بینندگان پرمصرف خود می شود و به آنها نگرش تلویزیونی واحد در مورد واقعیات می بخشد. در واقع نظریه گربنر با تفاوت قائل شدن بین مخاطب عادی و پرمصرف، تأثیر زیاد تلویزیون بر مخاطب پرمصرف را اثبات می کند. گربنر می گوید: از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملاً، دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی ها را به انحصار درآورده و یک کاسه می کند. اثر این مواجهه با پیام های مشابه، چیزی را تولید می کند که وی آنرا کاشت یا آموزش جهان بینی رایج، نقش های رایج و ارزش های رایج، می نامد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۹، ص ۳۹۰). گربنر عقیده دارد که پیام تلویزیون از چندین جنبه اساسی از واقعیات فاصله دارد؛ اما به جهت تکرار دائمی اش، نهایتاً به عنوان دیدگاه مورد وفاق جامعه، پذیرفته می شود و تماس ممتد با جهان تلویزیون، می تواند نهایتاً به قبول دیدگاه تلویزیون، که همواره واقعیت را به درستی منعکس نمی کند، درباره جهان واقعی

منجر شود (گونتر، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰). هر چند این نظریه بیشتر در خصوص تلویزیون ارائه شده است، لیکن به علت اینکه در زمان ارائه آن، رسانه های دیگر به ندرت وجود داشته است؛ می توان این نظریه را به دیگر رسانه ها نیز تعمیم داد. لذا در این پژوهش سعی شده تاثیر بلند مدت رسانه های مختلف بر اعتماد سیاسی افراد با توجه به همین نظریه تبیین گردد.

روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان شهرستان سبزوار است که این تعداد تا پایان سال ۱۳۹۴، به میزان ۴۵۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و جدول نمونه گیری با سطح معناداری ۹۵٪ تعداد ۳۹۵ نفر به دست آمد که در نهایت برای اطمینان بیشتر حجم نمونه به ۴۰۰ نفر ارتقا یافت. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

رسانه های جمعی: از نظر پاتر تفاوت رسانه های جمعی و غیر جمعی ربط چندانی به تعداد مخاطبان ندارد- گرچه اغلب مردم جمع را چنین تعریف می کنند- علاوه بر این با نوع تجربه مخاطبان در هنگام دریافت پیام هم ربطی ندارد، اگر چه از مدت ها پیش این ملاک اصلی برای تعریف مخاطبان جمعی بوده است. در مقابل جمع با انگیزه فرستنده مرتبط است. رسانه ای رسانه جمعی است که قصد اصلی فرستنده اش عادت دادن مخاطبان به روشی ثابت برای عرضه محتوا باشد. یعنی رسانه های جمعی چندان تمایل ندارند که مردم را به قرار گرفتن در معرض پیام های شان ترغیب کنند بلکه بیشتر مایلند آنها را در موقعیتی قرار دهند که به طور معمول در معرض پیام ها باشند. رسانه های جمعی با آسان کردن درک پیام های شان برای مخاطبان (و از این رو، پایین نگه داشتن هزینه ذهنی) و در عین حال با بازده بالایی که عرضه می کنند (و

به این ترتیب ارزش مخاطب را افزایش می دهند) آنها را شرطی می کنند. وقتی هزینه اندک و ارزش زیاد باشد، مخاطبان، قرار گرفتن در معرض رسانه را استفاده کارآمد از زمان تلقی می کنند و این تلقی باعث می شود که افراد بخواهند همچنان در معرض رسانه قرار گیرند. وقتی مخاطبان برای این که در معرض رسانه قرار گیرند دائماً به آن رجوع کنند، رسانه مخاطبانی وفادار را شرطی کرده است که می تواند آنها را به تبلیغ کنندگان اجاره دهد. رسانه های جمعی ابزارهایی به وجود می آورند تا پیام خود را از طریق رسانه به مخاطبان مورد نظرشان منتقل نمایند (پاتر، ۱۳۸۵، ص ۸).

از نظر «کازنو» منظور از وسایل ارتباط جمعی، آن دسته از وسایلی است که در تمدنهای جدید به وجود آمده و مورد استفاده اند و ویژگی اصلی آنان، قدرت و توانایی زیاد و شعاع عمل وسیع است (کازنو، ۱۳۸۱، ص ۴) و از نظر بیرو وسایل ارتباط جمعی، مجموع فنون، ابزار و وسایلی را می رساند که از توانایی انتقال پیامهای ارتباطی حسی و یا اندیشه ای در یک زمان به شمار بسیاری از افراد و مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردارند (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۲۱۹). با توجه به گسترش رسانه های جدید، در این تحقیق رسانه هایی مانند: تلویزیون، روزنامه و مجلات، نرم افزارهای شبکه اجتماعی تلفن همراه، سایت های خبری داخلی، شبکه های خبری ماهواره ای.

اعتماد سیاسی

«برترز» اعتماد سیاسی را نگرش حامیانه و مثبت مردم نسبت به نهاد های سیاسی، اجتماع سیاسی (نظام سیاسی) و کنش گران سیاسی در جامعه می داند (برترز ۲۰۰۷: ۷ به نقل از جهانگیری و ابوترابی ۱۳۹۱، ص ۱۵)؛ لذا در این تحقیق با ۷ سوال میزان اعتماد معلمان به نهادهای سیاسی نظام مورد سنجش واقع شده است. همچنین با ۵ سوال اعتماد به کلیت نظام سیاسی و با ۱۰ سوال میزان اعتماد به مسئولین مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱. آمار توصیفی

Std. Deviation	Mean	Maximum	Minimum	N	
۶,۳۰۷۱۱	۱۵,۶۱۶۰	۳۵,۰۰	۷,۰۰	۳۹۰	اعتماد به نهادهای نظام
۳,۳۲۷۹۲	۱۱,۷۰۸۰	۲۰,۰۰	۵,۰۰	۳۹۰	اعتماد به کلیت نظام
۸,۹۴۹۰۹	۲۶,۴۳۶۰	۴۹,۰۰	۱۰,۰۰	۳۹۰	اعتماد به مسئولین
۱۵,۹۰۷۰۶	۲۵,۷۶۰۰	۹۶,۰۰	۲۲,۰۰	۳۹۰	اعتماد سیاسی مردم

جدول ۲. همبستگی میان میزان استفاده از رسانه های مختلف و بعد اعتماد به نهادهای نظام

شبکه های خبری ماهواره	فیس بوک و توییتر	سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور	نرم افزارهای تلفن همراه	روزنامه و مجله	رسانه ملی	
-.۲۱۱	-.۱۰۳	.۲۱۹	-.۰۲۹	.۳۰۱	.۳۵۹	ضریب همبستگی
.۰۰۰	.۰۵۲	.۰۰۰	.۳۲۳	.۰۰۰	.۰۰۰	ضریب تاثیر
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد

جدول ۳. همبستگی میان میزان استفاده از رسانه های مختلف و بعد اعتماد به کلیت نظام

شبکه های خبری ماهواره	فیس بوک و توییتر	سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور	نرم افزارهای تلفن همراه	روزنامه و مجله	رسانه ملی	
-.۲۶۵	-.۲۲۶	.۰۰۰	-.۱۶۰	.۱۲۴	.۱۴۵	ضریب همبستگی
.۰۰۰	.۰۰۰	.۴۹۹	.۰۰۶	.۰۲۵	.۰۱۱	ضریب تاثیر
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد

تجزیه و تحلیل داده ها

بررسی همبستگی میزان استفاده از رسانه های مختلف و ابعاد اعتماد سیاسی شهروندان بر اساس جدول شماره ۲ میان میزان استفاده از همه رسانه ها به غیر از نرم افزارهای شبکه اجتماعی تلفن همراه با اعتماد به نهادهای سیاسی همبستگی

داده های توصیفی

بر اساس جدول شماره ۱، و همچنین بر اساس تعداد سوالات (۲۲ سوال)، نمره اعتماد سیاسی معلمین نزدیک به ۵۳ می باشد. که با توجه به نمره کل که ۱۱۰ است؛ نمره اعتماد سیاسی متوسط ارزیابی می شود.

جدول ۴. همبستگی میان میزان استفاده از رسانه های مختلف و بعد اعتماد به مسئولین نظام

شبکه های خبری ماهواره	فیس بوک و توئیتر	سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور	نرم افزارهای تلفن همراه	روزنامه و مجله	رسانه ملی	
-۰.۱۲۹	-۰.۱۰۶	۰.۰۴۷	-۰.۰۷۷	۰.۱۵۲	۰.۱۲۷	ضریب همبستگی
۰.۰۲۱	۰.۰۴۷	۰.۲۲۹	۰.۱۱۴	۰.۰۰۸	۰.۰۲۲	ضریب تاثیر
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد

جدول ۵. همبستگی میان میزان استفاده از رسانه های مختلف و اعتماد سیاسی

شبکه های خبری ماهواره	فیس بوک و توئیتر	سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور	نرم افزارهای تلفن همراه	روزنامه و مجله	رسانه ملی	
-۰.۲۱۲	-۰.۱۴۸	۰.۱۱۴	-۰.۰۸۸	۰.۲۳۱	۰.۲۴۴	ضریب همبستگی
۰.۰۰۰	۰.۰۱۰	۰.۰۳۶	۰.۰۸۲	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	ضریب تاثیر
۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	۳۹۰	تعداد

وجود دارد. در این میان این همبستگی برای فیس بوک و توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای به صورت منفی و برای رسانه های دیگر مثبت است. یعنی اعتماد به نهادهای سیاسی در میان افرادی که بیشتر از فیس بوک، توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای استفاده می نمایند پایین تر است.

بر اساس جدول شماره ۳ میان میزان استفاده از همه رسانه ها به غیر از سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور با اعتماد به کلیت نظام همبستگی وجود دارد. در این میان این همبستگی برای نرم افزارهای تلفن همراه، فیس بوک و توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای به صورت منفی و برای رسانه های دیگر مثبت است. یعنی اعتماد به کلیت نظام در میان افرادی که بیشتر از نرم افزارهای تلفن همراه، فیس بوک، توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای استفاده می نمایند پایین تر است.

بر اساس جدول شماره ۴ میان میزان استفاده از همه رسانه ها به غیر از سایت های خبری و تحلیلی داخل کشور و نرم افزارهای تلفن همراه با اعتماد به مسئولین نظام همبستگی وجود دارد. در این میان این همبستگی برای فیس بوک و توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای به صورت منفی و برای رسانه های دیگر مثبت است. یعنی اعتماد سیاسی مردم در میان افرادی که بیشتر از فیس بوک، توئیتر و شبکه های خبری ماهواره ای

استفاده می نمایند؛ پایین تر است.

نتیجه گیری و جمع بندی

در دنیای امروزی رسانه های متعدد، نقش بسیار مهمی در جهت دادن به عقاید و دیدگاه های مردم در موضوعات مختلف دارند. این نقش ها می تواند مثبت یا منفی باشد. بالاخص با توجه به زیرساخت ها و سرمایه گذاری فراوانی که کشورهای بزرگی مانند امریکا در این خصوص داشته اند؛ روند تاثیر گذاری بیشتر یک سوپه و در راستای تاثیر گذاری بیشتر رسانه های غربی بر فرهنگ مردم در کشورهای در حال توسعه می باشد. امروزه بر اساس بسیاری از تحقیقات جهان سوم با مسئله امپریالیسم رسانه ای مواجه است که مراد از آن همان جریان یک سوپه اطلاعات به سمت کشورهای جهان سوم است. همچنین امروزه در ایران با گسترش فزاینده استفاده از رسانه های جمعی مواجه هستیم که در برخی موارد به صورت سازماندهی شده مبانی انقلاب و اسلام به چالش کشیده می شود. در این تحقیق سعی شد همبستگی میان میزان استفاده از رسانه های جمعی معلمان شهرستان سبزوار را بررسی نماییم. بر اساس داده ها، فرضیه تحقیق اثبات شد که بین استفاده از رسانه های مختلف و اعتماد سیاسی معلمان رابطه وجود دارد. به این ترتیب، جهت رابطه در رسانه هایی مانند فیس بوک و توئیتر و شبکه های ماهواره ای در تمامی ابعاد اعتماد سیاسی، منفی است. یعنی به هر میزان افراد بیشتر از این رسانه ها استفاده نموده اند اعتماد سیاسی پایین تری داشته اند. همچنین افرادی که بیشتر از رسانه ملی و نشریات و مجلات داخلی استفاده می کرده اند؛ اعتماد سیاسی بیشتری داشته اند. به نظر می رسد با توجه به تاثیر گذاری زیاد قشر معلمان در بین دانش آموزان. سطح اعتماد متوسط معلمان شهرستان سبزوار، می تواند تاثیرات نامطلوبی هم بر تدریس و هم بر جامعه پذیری دانش آموزان داشته باشد. این سطح اعتماد می تواند هم ناشی از عملکرد ضعیف برخی مدیران و هم ناشی از بزرگ

نمایی برخی ضعف ها و کاستی های کشور توسط رسانه ها باشد. لذا مسئولین و مدیران شهر و کشور می بایست با رصد دقیق میزان اعتماد معلمان در راستای رفع مشکلات و کاستی ها اقدام نمایند. همچنین یکی از وظایف مدیریت شهری افزایش سطح سواد رسانه ای معلمان می باشد که به این طریق سطح تاثیر گذاری رسانه های مختلف کاهش یابد و این رسانه ها نتوانند با بزرگ نمایی صرف مشکلات و نپرداختن به موفقیت ها و دستاوردهای نظام بر میزان اعتماد این قشر بسیار مهم و تاثیر گذار جامعه، تاثیر بگذارند.

منابع و ماخذ

امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، مجله نمایه پژوهش، سال پنجم.
اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات روزنه
چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «جامعه شناسی نظم»، تهران، نشر نی
جهانگیری، جهانگیر و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱)، «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان: پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه شیراز»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۶، ص ۵ تا ۲۶
رنی، آستین (۱۳۷۴)، «حکومت، آشنایی با علم سیاست»، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
زومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، «اعتماد یک نظریه جامعه شناختی»، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز، انتشارات مترجم
دانایی فرد حسن و سیدمهدی الوانی (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۵۵، ص ۲۲-۵
سردار نیا، خلیل اله و قدرتی، حسین، و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸)، «تاثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

- شهرهای مشهد و سبزوار»، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۱
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۴) «فرهنگ سیاسی ایران»، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷) «بررسی عوامل تاثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۴، ش ۱
- شفیعی، سمیه (۱۳۸۹) «بررسی جامعه شناختی تاثیر رسانه های جمعی بر اعتماد سیاسی و اجتماعی: مطالعه موردی شهر یزد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد
- صفدری، سلمان (۱۳۷۴) «رضایت اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسیان، علی اکبر (۱۳۸۷)، «فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی: مولفه های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه امثال و حکم»، تهران، اختران
- عمید، حسن (۱۳۵۹). «فرهنگ فارسی عمید»، تهران، چاپ چهاردهم، انتشارات امیرکبیر
- طالبی، ابوتراب و حیدری، سیامک و فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸۷)، «عوامل موثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۴
- کمالی، افسانه (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگی و سیاسی». پایان نامه دوره دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر احساس بی هنجاری سیاسی در شهروندان تهرانی»، پایان نامه دوره دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۰). «۱۹۸۹ پایان قرن بیستم بود»، گفتگو با انتونی گیدنز، ترجمه نیکو سرخوش، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۷-۴۸
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۲)، «تجدد و تشخص»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران چاپ دوم، نشر نی
- گیدنز، انتونی (۱۳۷۷). «پیامدهای مدرنیته»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز
- گونتر، بری (۱۳۸۴)، «روش های تحقیق رسانه ای»، ترجمه مینو نیکو، تهران، اداره کل پژوهش های سیما
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۶)، «فرهنگ سیاسی در ایران»، تهران، فرهنگ صبا
- ملک پور، علی (۱۳۸۱) «تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران»، تهران، نشر ازاداندیشان.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵) «نظریه ارتباطات جمعی»، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- یوسفی، علی (۱۳۷۹). بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، پایان نامه دکترا جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Alesina, Alberto, and Romain Wacziarg, (2000), The Economics of Civic Trust, In Disaffected Democracies. What's Troubling the Trilateral Countries? Edited by S. J. Pharr and R. D. Putnam. New Jersey: Princeton University Press
- Almond, Gabriel and Sidney, Verba, (1963), The Civic culture: Political Attitude and Democracy in Five Nations, Newbury Park: Sage Publication
- Anderson, Christopher J., and Christine A. Guillory. (1997), Political Institutions and Satisfaction with Democracy: A Cross-National Analysis of Consensus and Majoritarian Systems. American Political Science Review 91 (1): 66-81
- Bretzer, Ylva Noren (2002). "How Can institutions better explain political trust than social capital do? www.google.com
- Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. Psychometrika. 16, 297-334.
- Gabial O.W (1955). Political Efficacy & Trust.

- Oxford:Oxford University Press
- Inglehart, Ronald & Welzel, Christian (2010), "Changing mass priorities: the link between modernization and democracy", perspectives on politics, Vol. 8, Issue. 2
- Larson, Larsake(2007). Public Trust in The PR Industry and Its Actors, Jurnal of Commnicatian Management, Vol. 11, No. 3, pp 224-234
- March, J.G&J.P Olson(1989). Rediscovering Institution: the Organization Basis of Politics, New York: Free Press
- Sabine T. Kkoeszegi(2004). trust-building Strategies in Interorganization Negotiation Jornal of Managerial Psychology, Vol.19, pp640-660
- Zucker.L.G(1989). Production of Trust: Institutional Resources of Economic Structure, research in organization Behavior,8, 53-111



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۱۷۸ ■

بررسی وضعیت پارکهای شهری با رویکرد توسعه پایدار (مورد مطالعه: شهر شیراز)

علیرضا پاک فطرت* - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مسعود تقوایی - استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

فضای سبز شهری با کارکردها، فعالیت‌ها و خدمات متنوع خود که واجد ارزش اکولوژیکی، اجتماعی و روانی است، شالوده توسعه پایدار شهر می‌باشد. بخش قابل توجهی از این فضاها در قالب پارکها ایجاد می‌شود که مدیریت بهینه آن در راستای توسعه پایدار شهری، شهرداریها را با چالشهای بسیار مواجه کرده است. لذا این مقاله با هدف بررسی وضعیت پارکها با رویکرد توسعه پایدار شهری، ارزیابی آنها در راستای تحقق ابعاد کالبدی، زیست محیطی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار را بر اساس دیدگاه شهروندان مراجعه-کننده به پارکهای شهر شیراز دنبال می‌نماید. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای، از نظر روش، توصیفی- تحلیلی و پیمایشی می‌باشد که در آن از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۱۵۲۲ نفر از شهروندان مراجعه کننده به پارکهای شهر شیراز، به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم نمونه و استفاده از فرمول کوکران، بوده است. یافته های پژوهش نشان می‌دهد که میزان میانگین وضعیت پارکهای شیراز در راستای تحقق توسعه پایدار، ۲/۹۳ (از ۵ تا) می‌باشد که نشان دهنده وضعیت نه چندان مطلوب پارکها است. بررسی میانگین وضعیت، بیانگر این نکته است که از ۳۹ گویه، وضعیت ۲۳ گویه کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است. بدترین وضعیت در بین ابعاد مربوط به بعد اقتصادی- اجتماعی و گویه های وضعیت سرمایه گذاری بر امکانات اغذیه فروشی (میانگین ۲/۳۸)، وضعیت سرمایه گذاری مناسب اقتصادی (میانگین ۲/۴۰)، وضعیت پارکینگ در پارکها (میانگین ۲/۴۴)، وضعیت توزیع عادلانه پارکها (میانگین ۲/۵۱)، وضعیت توزیع عادلانه امکانات و خدمات موجود در پارکها در مناطق مختلف (میانگین ۲/۵۷) می‌باشد. مصرف قلیان و مواد مخدر و حضور اراذل و اوباش از مهمترین آسیبهای اجتماعی موجود در پارکها بوده است. بهترین راهبردهای پیشنهادی در ارتقاء نقش پارکها در تحقق توسعه پایدار شهری، توسعه پارکها با توجه به نیازهای گروه هدف، افزایش قابلیت دسترسی، افزایش سرمایه گذاریهای مناسب اقتصادی و بهره گیری از تجهیزات و امکانات مناسب، ارتقاء شیوه های مدیریت فنی در پارکها و اتخاذ رویه عدالت محورانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: فضای سبز، پارکهای شهری، توسعه پایدار، شهر شیراز.

Check the status of urban parks with Sustainable Development Approach (Case Study: Shiraz)

Abstract

Urban green space with functions, activities and services that meet the diverse ecological, social and psychological foundation for the sustainable development of the city. A significant part of the spaces in the form of parks created to optimize the management of sustainable urban development, municipalities are facing many challenges. The aim of this paper is to examine the park with urban sustainable development approach, in order to fulfill their assessment of the physical, environmental, socio-economic and cultural sustainability According to Garden Shiraz referred citizens are stopped. This research and development for the purpose, methodology, analytical and survey questionnaire is the where the researcher was used. The population included 1522 citizens referred to in Shiraz city parks, stratified random sampling proportional to the sample and the sample, respectively. The mean condition, implies that the 39 items, 23 items of assessment is less than average. The worst among the aspects related to socioeconomic and items of investment on facilities deli (average 38/2), investment suitable economical (average 40/2), parking lots in the park (mean 44/2), Distribution fair park (mean 51/2), of distribution facilities and services available at the park in different areas (average 57/2), respectively.

Keywords: green spaces, urban parks, sustainable development, the city of Shiraz.

مقدمه

پیامدهای توسعه شهری و در نتیجه آن کاهش سهم فضای سبز و باغ‌های شهری و پیچیدگی معضلات زیست‌محیطی، موجودیت فضای سبز و گسترش آن را اجتناب‌ناپذیر کرده‌اند؛ بگونه‌ای که امروزه مفهوم شهرها بدون وجود فضای سبز در اشکال مختلف آن دیگر قابل تصور نیست. شهرها به عنوان کانونهای تمرکز فعالیت و زندگی انسانها، برای اینکه بتوانند پایداری خود را تضمین نمایند، چاره‌ای جز پذیرش ساختار و کارکردهای مؤثر سیستم‌های طبیعی ندارند. لذا امروزه وجود فضای سبز در کنار بخش فیزیکی و بی‌جان شهرها در راستای ایفای نقش‌های متعدد از قبیل کارکردهای کالبدی، زیست‌محیطی، روانشناختی و اجتماعی و ... امری بدیهی است (اذانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳). بطوری که در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای، به خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد که الگوی توسعه پایدار برای تمامی جنبه‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گرفت، جایگاه فضاهای سبز به عنوان یک رکن توسعه پایدار حائز اهمیت شده است (لاهیجانیان و شیعه بیگی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). مهم‌ترین تأثیر فضای سبز در شهرها تعدیل دما، افزایش رطوبت نسبی، لطافت هوا و جذب گرد و غبار است (پوراحمد، ۱۳۸۸، ص ۳۱). بعلاوه فضاهای سبز شهری می‌توانند فشارهای روحی - روانی و نیازهای جسمی انسان شهرنشین را نیز کاهش دهند (موسی کاظمی و علی اکبری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). امروزه بخش قابل توجهی از فضای سبز شهری در قالب پارکها ایجاد می‌شود. پارکها (بوستانها) علاوه بر ایجاد زیبایی از منظر شهرسازی، می‌توانند مکان مناسبی برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان و انجام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی محسوب شوند. اما بررسی نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که پارکها و فضای سبز با مشکلات و چالش‌های مختلفی از جمله عدم توزیع عادلانه در سطح شهر، عدم توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، بومی، نیازها، خواسته‌ها

و ویژگی‌های شهروندان، عدم توجه به استانداردهای لازم در طراحی و عدم مشارکت‌های مردمی مواجه می‌باشند و تمامی این موارد مدیریت بهینه آنها را با چالش رو به رو کرده که کلانشهر شیراز نیز از این امر مستثنی نبوده است. در دهه‌های اخیر، شهرهای بزرگ ایران از جمله کلانشهر شیراز، در طی روند بازسازی کشور؛ شاهد رشد و توسعه چشمگیری بوده‌اند. رشد جمعیت و توسعه شهرنشینی در این سکونتگاه‌ها از یک سو و ساختار فضایی نامتعادل، بی‌هدایتی در تخصیص منابع و کمبود شدید و توزیع ناعادلانه خدمات شهری از سوی دیگر منجر به افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی و نیز برهم زدن روابط اجتماعی سنتی و سلامت روانی ساکنان شهرها شده است که در صورت عدم چاره‌اندیشی و پیش‌بینی تدابیر لازم، باعث بروز مشکلاتی در سطح وسیع جامعه می‌گردد.

شهر شیراز با دارا بودن ۳۴۸,۳۵۹,۱ نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ و ۶۶۵,۴۶۰,۱ نفر در سال ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)، به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور، در طی دهه‌های اخیر رشد و توسعه شدیدی را تجربه کرده است به طوری که مساحت محدوده شهری شیراز از ۱۴۳۳۵ هکتار در سال ۱۳۸۵ به ۱۹۳۲۲ هکتار در سال ۱۳۹۰ رسیده است که این امر علاوه بر تخریب فضاهای سبز شهری، نارسایی‌های را در برخورداری مطلوبتر از اینگونه فضاها برای شهروندان فراهم آورده است. از سوی دیگر رشد و توسعه سریع جمعیت شهر شیراز سبب شده است تا پارک‌ها و فضای سبز آن با تناسب، رشد پیدا نکرده و نارسایی‌های عدیده‌ای در بهره‌مندی از این فضاهای به وجود آید که از جمله آن می‌توان به کمبود فضاها، دسترسی نامناسب به پارک‌ها و فضای سبز، کمبود امکانات و تجهیزات اشاره نمود. بنابراین در راستای پیامدهای توسعه شهری و پیچیدگی معضلات زیست‌محیطی آنها، برنامه‌ریزی در زمینه فضای سبز شهری و توسعه و گسترش آن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

بیش از هر زمان دیگری ضروری است. فضای سبز شهری به عنوان بخشی از فضاهای باز شهری نه تنها واجد ارزش اکولوژیکی است، بلکه خدمات اجتماعی و روانی بسیاری را ارائه می‌کند و به دلیل نقش مهمی که در برقراری تعاملات اجتماعی و گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف جامعه ایفا می‌کند، ارزشمند است. بنابراین در شهرهای بزرگ به ویژه شهر شیراز، چنانچه فضای سبز به عنوان بخشی از خدمات شهری و نیز عنصری تاثیرگذار در نیل به توسعه پایدار شهری ضرورت یافته باشد؛ باید از نظر وجوه کمی و کیفی و همچنین به لحاظ توزیع فضایی، عادلانه و متناسب با نیازهای جامعه و شرایط اکولوژیکی شهر باشد تا بتواند تنوعی از فرصت‌ها را ارائه نموده و منافع قابل توجهی از طریق مشارکت در سیستم‌های اکولوژیکی، زندگی اجتماعی و مجموعه‌های فیزیکی فراهم آورد. لذا فراهم‌سازی بستری مناسب جهت ارزیابی و سنجش وضعیت فضای سبز شهری و شاخص‌های مرتبط به آن، در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه به ویژه توسعه پایدار شهری شیراز امری لازم و ضروری است. در واقع بدون وجود چنین بستری بحث در مورد همه ابعاد توسعه پایدار به ویژه در این شهر و سایر کلانشهرهای مشابه بحثی بی‌مورد و بیهوده خواهد بود. انجام چنین پژوهشی به دلیل رویکردی مبنی بر ایفای نقش موثر پارکها و فضای سبز در ایجاد پایداری شهری، می‌تواند به عنوان الگویی جهت برنامه‌ریزی و توسعه پایدار شهرها مورد استفاده قرار گیرد. برنامه‌ریزی و توسعه پارکها و فضاهای سبز به منظور ساماندهی فضاهای سبز موجود، تعیین کمبودها، متناسب با نیازها و قابلیت‌ها از ضروری‌ترین نیازهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در کلانشهر شیراز محسوب می‌شود که در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن شناسایی شاخصهای مرتبط با پایداری، بین وضعیت پارکها و فضاهای سبز شهری شیراز و روند توسعه آن به گونه‌ای پایدار، ارتباطی منطقی برقرار شود. لذا این

پژوهش با هدف بررسی وضعیت پارکهای شهری با رویکرد توسعه پایدار شهری، ارزیابی وضعیت پارکها در راستای تحقق ابعاد کالبدی-ساختاری، زیست‌محیطی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار را بر اساس دیدگاه شهروندان مراجعه‌کننده به پارکهای شهر شیراز دنبال می‌نماید. برخی از مطالعات انجام شده در زمینه پژوهش حاضر به شرح ذیل می‌باشند:

بسیاری از مشاهدات و مطالعات بیانگر این است که فضای سبز در بهبود سلامتی، رفاه و احساس خوشبختی افراد تاثیرگذار می‌باشد. از جمله این موارد مطالعه کاپلان (۱۹۹۵) نشان‌دهنده تاثیر فضای سبز بر سلامت فیزیکی و مطالعه آلریچ و همکاران (۱۹۹۱) مبنی بر تاثیر فضای سبز در کاهش استرس، پژوهشهای جنز و همکاران (۲۰۰۹) و سوگیاما و همکاران (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰) تاکید بر تاثیر فضای سبز در بهبود و انجام فعالیتهای فیزیکی بیشتر، مطالعه تاکانا و همکاران (۲۰۰۲) افزایش طول عمر، پژوهش فرنسیس و همکاران (۲۰۱۲) حاکی از تاثیر بر افزایش تعاملات اجتماعی و مطالعه امبری و فلیمینگ (۲۰۱۳) و مکرون و موراتو (۲۰۱۳) و برترام و ردانز (۲۰۱۴) تاثیر این فضاها بر شادی، ایجاد رفاه و افزایش رضایتمندی از زندگی می‌باشد. بسیاری از مطالعات نشان‌دهنده این است که استفاده از فضای سبز با ترس از جرائم اجتماعی همراه است که از جمله، مطالعه اسپیرجین (۲۰۱۰) می‌باشد. برخی از مطالعات نشان می‌دهند فضاهای سبز به عنوان محلهای با ریسک بالا و خطرناک محسوب می‌شود (Gorgensen et al, ۲۰۰۷)، و مردم از رفتن به این مکان‌ها هراس دارند (Jorgensen and, ۲۰۰۷, Anthpolou&Van den berg and Ter heijne, ۲۰۰۵). در بسیاری از مطالعات ترس از وقوع جرم، مانع از رفتن و استفاده از فضای سبز عنوان شده است (Mc Cormack et al, ۲۰۱۰).

- کالس و همکاران (۲۰۰۱) در گزارشی با عنوان «توسعه فضاهای سبز شهری به منظور ارتقاء کیفیت زندگی

در شهرها و حاشیه آنها: معیار اجتماعی برای ارزیابی و توسعه فضاهای سبز شهری « بر تعیین معیارهای اجتماعی و پارامترهای آنها به منظور درک اهمیت اجتماعی فضای سبز تاکید نمودند.

- امین زاده و افشار (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی و الگوهای رفتاری: پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های شهری»، به دو مقوله فضاهای شهری (به طور خاص پارک‌ها) و آسیبهای اجتماعی (به طور خاص اعتیاد) می‌پردازند.

- تقوایی و محمودی نژاد (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «توسعه پایدار و رفاه اجتماعی شهروندی» با هدف تبیین نظریه‌های توسعه پایدار و تامین رفاه اجتماعی که بصورت مطالعه مروری انجام شده است، توسعه انسانی را شاخص توسعه پایدار می‌دانند که به شکل-گیری سرمایه اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی کمک می‌کند. آنها بیان می‌کنند که مفهوم پایداری با بسترسازی رفاه شهروندی ممکن می‌شود. لذا رفاه شهروندی محور توسعه پایدار شهری است که افزایش امنیت انسانی و رضایتمندی اجتماعی را می‌سازد.

- «ارزیابی کیفی نقش فضاهای سبز شهری و بهینه‌سازی استفاده شهروندان از آن در شهرکرد» عنوان و هدف مقاله‌ای است که محمدی و همکارانش (۱۳۸۶) تحریر کرده‌اند. روش انجام تحقیق به صورت اسنادی-تحلیلی و پیمایشی است که بخش اعظم اطلاعات به صورت توزیع ۱۰۰ پرسشنامه بین مراجعان به پارک ملت و لاله و تحلیل نهایی آنها انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که پارکها و فضاهای سبز شهری از مهمترین عوامل موثر در شکل دهی به پایداری اجتماعی و همبستگی‌های شهری‌اند. ولی عواملی مانند مشکلات زندگی شهری، ایمنی پارک و فضاهای سبز، امنیت و متناسب نبودن امکانات مورد نیاز برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی در این مکان‌ها از جمله عوامل کاهش تمایل شهروندان برای استفاده از این عرصه‌ها می‌باشند.

- «ارزیابی توسعه پایدار شهری کلانشهر شیراز» مقاله‌ای دیگر است که شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۸۸) به آن اقدام کرده‌اند. آنها پس از ارزیابی وضع موجود شهر شیراز، نظام و روند توزیع فعالیتها، خدمات و چگونگی بهره‌برداری از منابع و تحلیل سیاستها و برنامه‌های اجرایی با انجام مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی‌های تطبیقی و به صورت استدلالی- تحلیلی نتیجه می‌گیرند که روند توسعه کلانشهر شیراز مطلوب نبوده است.

- مقاله‌ای توسط موسی کاظمی و علی اکبری (۱۳۸۹) به منظور آزمون این فرضیه که سرانه‌های فضای سبز با وجود پایین بودن نسبت به سرانه‌های ملی و جهانی، در سطح مناطق شهر از توزیع متعادلی برخوردار نیستند، ضمن دستیابی به نماگرهای منتخب در بعد پایداری زیست- اجتماعی و بهره‌گیری از مدل استاندارد کردن و آزمون T-Test، وضعیت پایداری نواحی شهری را از نظر میزان بهره‌مندی از فضاهای سبز شهری مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت نواحی را در پنج سطح پایدار، نیمه پایدار، بینابین و نیمه ناپایدار دسته بندی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که شهر ایلام هم کمبود فضای سبز دارد و هم دارای توزیع نابرابر فضای سبز می‌باشد.

- در طرح تحقیقی که خاتون آبادی (۱۳۸۹) با عنوان و هدف «شناسایی ویژگیها و دیدگاه‌های شهروندان در زمینه اولویتهای، نیازها و نحوه مشارکت در حفظ و نگهداری پارکهای شهر اصفهان» انجام داد، نتایج نشان داد مهمترین مشکلات امنیتی- ایمنی فضای سبز شامل: معتادان، افراد ولگرد و لابلایی، مشکلات بهداشتی شامل: سرویسهای بهداشتی، سطل‌های زباله و...، مشکلات اداری شامل: اعمال سلیقه مدیران، تفاوت فرهنگ طراحان با کاربران پارک، عدم استفاده از مشارکت مردمی در نگهداری پارک‌ها، عدم محدودیت زمانی و مکانی در بهره‌برداری از پارک، عدم شناسایی کلی موانع ورود به پارک، تفاوت و تعدد مدیریت در تعیین کاربری‌های

شهری، تخریب فضای سبز کنار زمینهای ورزشی، مغایرت کاربری با کاربری در استفاده از فضای سبز، استفاده فراظرفیتی از پارک ها، مشاغل کاذب در پارکها، مدیرمداری به جای کارشناس مداری، عدم وجود بودجه های دولتی به شهرداریها و یکنواختی طراحی پارک ها در کل شهر می باشد.

- بهمن پور و محرم زاده (۱۳۸۹) در مقاله «توسعه پایدار فضاهای سبز شهر تهران» به بررسی ویژگیهای فضاهای سبز شهری در سطح تهران اقدام نمودند. نتایج نشان داد که وضعیت از روند رو به رشد برخوردار است. تهدیدهای عمده فضای سبز شهری در تهران عبارتند از: عدم تدوین طرح جامع فضای سبز، عدم نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات، آفات و بیماریهای گیاهی، کم رنگ بودن نقش مشارکتهای مردمی، فقدان آموزش، تصرف و تخریب باغها.

- طبری و همکاران (۱۳۹۱) به پژوهشی با هدف ارزیابی پارک های شهری (ولیعصر و سراج) و بهینه سازی قابلیت استفاده آنها برای شهروندان قایم شهر (استان مازندران) اقدام نمودند. روش این تحقیق به صورت اسنادی- تحلیلی و پیمایشی بوده و یافته ها با توزیع ۱۱۷ پرسشنامه بین استفاده کنندگان پارک صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که در هر دو پارک، مبلمان و امکانات ایمنی پارک در حد متوسط بوده اما به لحاظ امکانات فرهنگی، پارک سراج نسبت به پارک ولی عصر در جایگاه ضعیف تری قرار دارد؛ این در حالی است که هیچ اجزایی از عناصر مورد مطالعه این پارک ها در شرایط مطلوب نبوده است.

- در مقاله ای با عنوان «نگرشی بر فضای سبز کلان شهر تبریز» که توسط پاسبان اسلام و همکاران (۱۳۹۲) نوشته شده است، هدف از مطالعه، ارزیابی وضع موجود فضای سبز کلان شهر تبریز و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود کیفی آن بوده است. مهمترین مشکلات فضاهای سبز تبریز، شکسته شدن ریویوژها و خروج آب از آنها، نشت

نمک آب حاصل از نمک پاشی در زمستان به پای درختان، نصب انواع موانع فیزیکی در ریویوژهای کنار خیابان و فضای سبز میدین است. از طرفی درخت کاری های حاشیه کنار گذرها در معرض تصادف خودروها و آسیب در اثر عملیات عمرانی قرار دارند همچنین آبیاری آنها با تانکر بسیار دشوار است. همچنین در نهایت پیشنهاد شده است که رعایت ترکیب گونه ای از نظر تناسب و سازگاری آنها با یکدیگر و حفظ و ایجاد زیبایی منظر و تامین اکسیژن مد نظر باشد.

- تقوایی و کیومرثی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان ارزیابی و مکانیابی بهینه پارکهای ناحیه ای و منطقه ای شهر شیراز با استفاده از مدل تحلیل سلسه مراتبی اقدام نمودند. نتایج بررسی آنها حاکی از تمرکز شدید پارکهای شهری و همپوشانی بسیار بالای حوزه نفوذ پارکهای شهری در مقیاسهای ناحیه ای و منطقه ای است.

- ملکی و همکاران (۱۳۹۴) به ارزیابی فضای سبز شهری ایرانشهر در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روانی و امنیتی و با روش توصیفی- تحلیلی پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که فضاهای سبز ایرانشهر علاوه بر آثار مثبتی مثل تجمعات دوستانه، برقراری ارتباطات اجتماعی شهروندان ایرانشهری، قابلیت های فرهنگی پارک ها، کاهش افسردگی و استرس و نشاط آور بودن آنها، دارای تبعات منفی مثل افزایش جرم و جنایت، فروش مواد مخدر، تجمع معتادین و افراد بزهکار و کاهش ورود زنان و دختران نیز می شوند. این آثار منفی بیشتر در پارک های ناحیه ای و محله ای مشاهده می شود.

- شیتکه و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از ۳۱۵ پرسشنامه در شهر کراچی (پاکستان) و ۱۱۸ پرسشنامه در شهر هوچی_مین (ویتنام) به مطالعه بر نحوه استفاده از فضاهای سبز شهری پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می دهد در محدوده های مورد مطالعه، دلیل اصلی مراجعه به پارک ها، پیاده روی و گذران اوقات فراغت همراه با دوستان

و خانواده می باشد. علاوه بر این قابلیت دسترسی عامل مهمی در جهت استفاده از پارک‌ها بوده است.

سؤال‌های تحقیق عبارتند از:

۱. آیا پارک‌های شهر شیراز (توسعه فضاهای سبز عمومی) نقش مطلوبی را در راستای توسعه پایدار شهری ایفا کرده‌اند؟ و از دیدگاه شهروندان مراجعه کننده، وضعیت موجود به چه میزان در راستای تحقق توسعه پایدار (در ابعاد مختلف) بوده است؟

۲. از دیدگاه شهروندان مراجعه کننده به پارک‌ها آسیب‌های اجتماعی موجود در پارک‌های شهر شیراز به چه میزان می باشند؟

۳. آیا بین وضعیت موجود پارک‌ها در راستای تحقق توسعه پایدار شهری اختلاف معنی داری وجود دارد؟

- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

- فضای سبز

فضای سبز شهری می تواند به عنوان مکان‌های تفریحی با مقدار قابل توجهی درختزار و نواحی نیمه طبیعی تعریف شود (Kong & Nakagoshi, ۲۰۰۶). در بیان دیگر، فضای سبز شهری بخشی از فضای باز شهری است که عرصه‌های طبیعی یا مصنوعی آن تحت استقرار درختان، درختچه‌ها، گلها، چمن‌ها و سایر گیاهانی است که بر اساس نظارت و مدیریت انسان با در نظر گرفتن ضوابط، قوانین و تخصص‌های مرتبط به آن برای بهبود شرایط زیستی، زیستگاهی و رفاهی شهروندان و مراکز جمعیت غیر روستایی، حفظ و نگهداری و یا بنا می شوند (مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۴۰). منظور از فضاهای سبز شهری، نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش‌های گیاهی انسان ساخت است که هم‌واجد «بازدهی اجتماعی» و هم‌واجد «بازدهی اکولوژیکی» هستند.

- پارک‌های شهری

پارک در لغت به معنی توقف است و عموماً به

آن دسته از زمین‌های شهری که برای تفریح و گذراندن اوقات فراغت مردم اختصاص داده می شوند، گفته می شود. از طرفی این فضا، نسبت به سایر فضاهای سبز بازدهی اکولوژیکی و اجتماعی بسیار بالایی دارد. پارک‌های شهری: پارک‌هایی هستند که دارای جنبه‌های تفریحی، فرهنگی و زیست محیطی-اند، و نقش آنها سرویس دهی به شهروندان مناطق مختلف شهر می باشد (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

- توسعه و توسعه پایدار شهری

اصطلاح و ایده توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم و از اوایل قرن نوزدهم مطرح شد و معنای لغوی آن بر پیشرفت، بسط، ترقی، نمو، وسعت دادن سطح و نیز گسترش دامنه اشاره دارد. اکثر نظریه پردازان، «توسعه» را تغییرات اساسی در ساختار جامعه می دانند که موجب افزایش ظرفیت‌های تولیدی، بهبود شرایط زندگی، افزایش کیفیت زندگی و توزیع ثمره‌های آن در جامعه می شود (اردشیری، ۱۳۷۹، ص ۷). همچنین توسعه را کشف روش‌های دستیابی به حرکتی تکاملی به شمار می آورند که پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را متعادل و متوازن می سازد و شرایطی نوین را برای پویایی اجتماعی، اقتصادی و تحقق عدالت فراهم می کند. لمن نیز توسعه پایدار را «فرایند اصلاح و بهبود اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مبتنی بر فن آوری‌ها که همراه با عدالت اجتماعی باشد، به طریقی که اکوسیستم را آلوده نکند و منابع طبیعی را تخریب نکند، تعریف می کند. توسعه پایدار به معنی افزایش منابع انسانی، توانمندسازی جوامع به سمت افزایش توانمندیهای اقتصادی، اجتماعی، فن آوری و فرهنگی است» (مفیدی شمیرانی و افتخاری مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۸). در یک دید کلی اهداف اصلی توسعه پایدار شامل اهداف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی است که دارای روابط متقابلی با یکدیگر می باشند (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۳). در

چند دهه اخیر تغییرات اساسی در پارادایم توسعه متعارف به سمت پارادایم توسعه پایدار صورت گرفته است، این تغییرات مبانی متعارف توسعه مانند رشد اقتصادی را کنار گذاشته و ضمن تاکید نسبی بر آن، تلاش‌های اساسی خود را بر توسعه انسانی، کیفیت زندگی، برابری، رفع محرومیت و فقر معطوف کرده است (نقدی و محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶). مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. در قالب فرایند توسعه در دهه‌های اخیر، حفاظت از منابع طبیعی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بیشترین توجه را به خود معطوف کرده بود، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جای خود را به مقررات اصلاحی و انعطاف پذیر بر پایه کارایی داد. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، مفهوم توسعه پایدار و جوامع پایدار، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. پایداری می‌تواند معانی بسیار و جنبه‌های مختلف را در برداشته باشد که از یک هدف اکولوژیکی تا اصولی برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود. در حقیقت توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. سیر تحول نظری مفهوم توسعه پایدار از اولین تعریف رسمی آن در سال ۱۹۸۷ در گزارش کمیسیون برانتلند تا کنفرانس استانبول نشان می‌دهد که رویکرد توسعه پایدار از دیدگاه اولیه و صرفاً محیط‌گرا و ضعف در پرداختن نیازهای انسان در محیط‌های مصنوع و عدم ارائه راهکارهای اجرایی برای تحقق اهداف آن، به سوی رویکرد سیاستگذاری

برای پایداری توسعه شهر در جریان است. پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح توسعه پایدار به عنوان الگو واره‌ای جدید در جهان مطرح گردید. ریشه‌های نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی- اقتصادی در شهرها از منظر بوم‌شناسی (اکولوژی) بر می‌گردد. این الگوی جدید توسعه پایدار، حول حساسیت‌های زیست‌محیطی و به بیان دقیق‌تر بوم‌شناختی شکل گرفت و اشارات اولیه آن برای سیاست‌های توسعه شهری، حفظ فضای سبز و پاکیزگی آب، جلوگیری از آلودگی هوا و کاهش تولید زباله در سطح محلی بود. لیکن به تدریج سیاست‌های پایداری به پهنه‌های جغرافیایی گسترده‌تری روی آورد و افزون بر بعد بوم‌شناسانه، به بعد اجتماعی- اقتصادی نیز توجه کرد. از این رو شهر پایدار شهری است که برآمده از ذهنیت و امکان ارتقاء همیشگی سلامت اجتماعی- اقتصادی می‌باشد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۵). توسعه پایدار شهری شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین می‌کند (Hall, ۱۹۹۳:۲۲) از نظر کالبدی توسعه پایدار شهری به معنی تغییراتی است که در کاربری زمین و سطوح تراکم به عمل می‌آید تا ضمن رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا، در طول زمان شهر را از نظر زیست‌محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی همبسته نگهدارد (Mukoko, ۱۹۹۶:۶۶) توسعه پایدار شهری نه به معنای توسعه پایدار هر یک از زیر سیستم‌های اقتصادی، یا زیست-محیطی به تنهایی و نه به معنای افزایش پایداری این زیرسیستم‌ها است. بلکه تلاش می‌کند که رشد اقتصادی، بازسازی اکولوژیکی، حفاظت زیست‌محیطی و پیشرفت اجتماعی را متعادل سازد و دشواری این چالش، آن را به یک نقطه تمرکز عمده تحقیقات در سرتاسر جهان تبدیل نموده است. با توجه به پیچیدگی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

توجه به تعادل بین هزینه‌ها و کارکردهای حاصل از فضای سبز، تعادل داده‌های اطلاعاتی و فرهنگی فضاها با فرهنگ بومی جامعه و همچنین تعادل اکولوژیکی آن با محیط اطراف همراه با مدیریتی کارا به پایداری فضای سبز منجر می‌شود.

فضای سبز به دلیل ایجاد عملکردهای زیست محیطی، اکولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی حائز اهمیت است (تقوایی و کیومرثی، ۱۳۹۲، ص ۲۸). فضای سبز از جنبه‌های زیست محیطی با جذب آلاینده‌های هوا و تصفیه هوا، تثبیت میکروکلیم و تعدیل دما، کنترل فرسایش و لغزش خاک و روانابهای شهری، کاهش آلودگی صوتی، زیستگاه حیات وحش به ویژه پرندگان در شهر نقش بسزایی در توسعه پایدار شهری خواهد داشت. فضای سبز بین اعضای اجتماع و محیط پیرامون رابطه مستحکمی برقرار می‌کند، به این ترتیب شهر را قابل سکونت تر و تحمل پذیرتر می‌کند. این امر برای اجتماعی که می‌خواهد پایدار باشد اساسی است. آثار اجتماعی و فرهنگی فضای سبز به صورت ایجاد تعامل اجتماعی بهتر بین افراد، ایجاد پیوند اجتماعی بین طبقات مختلف (اجتماعی شدن افراد)، پر کردن اوقات فراغت، بالا بردن ضریب مشارکت پذیری شهروندان، صورت می‌پذیرد. فضاهای سبز و پارکها آثار مثبت روحی و روانی بر انسان‌ها دارد. دانشمندان پی برده‌اند که فضای سبز علاوه بر کارکهای فوق می‌تواند به کاهش استرس و ایجاد آرامش و آسایش، جوان‌سازی و کاهش خشونت مردم کمک کند و می‌تواند با کارکردهای روانشناسی و فرهنگی خود انتشار عقاید و افکار ارزشی ترویج دهد. از سوی دیگر با جذب گردشگران و رونق تجارت، افزایش قیمت زمین و املاک و مستغلات و در نتیجه افزایش میزان مالیات دریافتی توسط شهرداری (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۵) می‌توان به عنوان منابع و منافع اقتصادی از آنها بهره جست (Chisura, ۲۰۰۴:۱۳۰).

ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تاثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس دیدگاه صاحب نظران رسیدن به پایداری بدون شناخت شهرها به عنوان مهم ترین نمود تمدن بشری به نظر غیر ممکن می‌رسد (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). لذا شناخت وضع موجود در اولویت قرار دارد. علاقه به ارزیابی پایداری شهری از سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴). حمدی و همکاران (۱۳۸۸) به نقل از پارسائیان بیان می‌کنند که توسعه پایدار شهری باید به سه اصل اساسی پایداری زیست محیطی، پایداری عوامل فرهنگی و اجتماعی و پایداری اقتصادی توجه کند (حمدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

- اهمیت و نقش فضای سبز در ایجاد پایداری شهری

پیامدهای توسعه شهری و پیچیدگی معضلات زیست محیطی موجود در شهرها، اهمیت فضای سبز را خاطر نشان می‌سازد. شهرها به عنوان کانون‌های تمرکز فعالیت و زندگی انسانها برای اینکه بتوانند پایداری خود را تضمین کنند، چاره‌ای جز پذیرش ساختار و کارکردی موثر از سیستمهای طبیعی ندارند. افزایش فضای سبز این پتانسیل را دارد که اثرات نامطلوب شهرنشینی را کاهش و ساخت شهرها را برای زندگی جذاب تر کند. شهر یک سیستم پویاست و فضای سبز نقش بسزایی در کاهش تراکم شهری، ایجاد مسیرهای هوایی و ذخیره زمین برای گسترش آینده شهر دارد که بسیار ارزشمند است. فضای سبز شهری بر اساس کارکردهای متنوع خود، نقش برجسته‌ای در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند (تقوایی و کیومرثی، ۱۳۹۲، ص ۲۸) و از این رو عامل کلیدی در شکل گیری شهر پایدار می‌باشد. براساس تفکر سیستمی فضای سبز پایدار فضای سبزی است که حداکثر کارایی در دراز مدت با حداقل اثرات منفی بر محیط خود داشته باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای، بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و به صورت پیمایشی می‌باشد که در آن از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان مراجعه کننده به پارک‌های شهری بوده که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران ۱۵۲۲ بر اساس حجم نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه، که مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سنجش گویه‌ها بر مبنای مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (۱= بسیار کم تا ۵= بسیار زیاد) بوده است. روایی صوری آن بر اساس نظر اساتید و صاحب نظران مورد تایید قرار گرفت و از ضریب آلفای کرونباخ به منظور به دست آوردن میزان پایایی تحقیق استفاده شد و میزان ضریب آلفای کرونباخ متغیر توسعه کل (همه ابعاد) ۰/۹۱ و برای ابعاد مختلف ساختاری- کالبدی ۰/۷۰، زیست محیطی ۰/۸۱، اقتصادی- اجتماعی ۰/۷۶ و فرهنگی- آموزشی ۰/۸۲ بدست آمد. در نهایت نرم افزار آماری spss جهت تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه تحقیق شامل اطلاعات دموگرافیک، دو سوال مرتبط به هدف از مراجعه به پارکها و نوع مراجعه به پارکها و سوالات

جدول ۱. ویژگیهای پاسخگویان مورد مطالعه

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
۱	مرد	۹۰۶	۵۹/۵	۶۱/۸
	زن	۵۵۹	۳۶/۷	۳۸/۲
	بی پاسخ	۵۷	۳/۷	-
	جمع	۱۵۲۲	۱۰۰	۱۰۰
۲	مجرد	۴۹۱	۳۲/۳	۳۳/۶
	متاهل	۹۷۰	۶۳/۷	۶۶/۴
	بی پاسخ	۶۱	۴/۰	-
	جمع	۱۵۲۲	۱۰۰	۱۰۰
۳	۲۵ و پایین تر	۳۱۵	۲۰/۷	۲۱/۸
	۲۶-۵۰	۸۷۹	۵۷/۷	۶۰/۵
	بالاتر از ۵۰	۲۶۳	۱۷/۳	۱۷/۷
	بی پاسخ	۶۵	۴/۳	-
	جمع	۱۵۲۲	۱۰۰	۱۰۰
۴	زیر دیپلم	۲۱۹	۱۴/۴	۱۵/۰
	دیپلم	۴۶۲	۳۰/۳	۳۱/۶
	کاردانی	۱۶۹	۱۱/۱	۱۱/۶
	کارشناسی	۴۵۲	۲۹/۷	۳۱/۰
	کارشناسی ارشد	۱۴۹	۹/۸	۱۰/۲
	دکتری	۹	۰/۶	۰/۶
	بی پاسخ	۶۲	۴/۱	-
	جمع	۱۵۲۲	۱۰۰	۱۰۰

مرتبط با ابعاد توسعه (۳۹ گویه) بر اساس طیف لیکرت جهت بررسی وضعیت پارکها در ابعاد مختلف کالبدی- ساختاری (۹ گویه)، زیست محیطی (۸ گویه)، اقتصادی- اجتماعی (۱۳ گویه) و فرهنگی- آموزشی (۹ گویه) بوده است.

- محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه (پارکهای) شهر شیراز بوده است. شهر شیراز دارای ۵ پارک شهری، ۹ پارک منطقه‌ای، ۴۱ پارک ناحیه‌ای، ۴۰ پارک محله‌ای و ۱۲۲ پارک همسایگی می‌باشد که به ترتیب مساحت، ۷۹۶۹۴۷ متر مربع، ۵۰۹۰۰۴ متر مربع، ۹۳۶۲۲۰ متر مربع، ۳۴۲۱۹۲ متر مربع و ۲۶۸۵۷۶ متر مربع را به خود اختصاص داده‌اند (سازمان پارکها و فضای سبز شهر شیراز، ۱۳۹۲).

- یافته‌های پژوهش

- ویژگیهای دموگرافیک و توزیع پاسخگویان

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی پاسخگویان تحقیق (نمونه آماری) را از نظر ویژگیهای دموگرافیک (جمعیت‌شناسی) نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های توصیفی به دست آمده از پژوهش اکثریت پاسخگویان مرد و متأهل بوده‌اند. بررسی گروه سنی نمونه آماری در این پژوهش نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان ۳۷/۱۴ سال (۳۷ سال و ۵۲ روز) می‌باشد. بیشترین مراجعه‌کنندگان به پارکها متعلق به گروه سنی ۲۶ تا ۵۰ سال بودند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ۲۱/۸ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۵ سال، ۶۰/۵ درصد معتبر بین ۲۶ تا ۵۰ و ۱۷/۷ درصد بالاتر از ۵۰ سال سن داشته‌اند. از سوی دیگر میزان تحصیلات پاسخگویان در شش سطح زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد که از کل نمونه تحقیق بیشترین میزان فراوانی و درصد مربوط به تحصیلات در سطح دیپلم و پس از آن بیشترین میزان فراوانی و درصد تحصیلات افراد، مربوط به سطح کارشناسی (۳۱/۰ درصد معتبر) می‌باشد. کمترین درصد مربوط به سطح تحصیلی دکتری

بوده است.

به منظور انجام برنامه‌ریزی‌های بهینه برای پارکها، یکی از مهمترین موارد، بررسی توزیع مراجعه‌کنندگان بر اساس نوع مراجعه و هدف از مراجعه به پارکها می‌باشد که در این پژوهش به آن مبادرت گردیده است. یافته‌های حاصل بیانگر آن است که از کل نمونه تحقیق اکثریت افراد (۵۰/۱ درصد) به صورت خانوادگی به پارکها مراجعه می‌نمایند. همچنین بیشترین درصد از مراجعات خانوادگی به پارکها در مقیاس شهری صورت گرفته است. بیشترین میزان مراجعه به پارکها بصورت انفرادی مربوط به پارکهای محله‌ای- همسایگی می‌باشد و بیشترین نوع مراجعه همراه با دوستان (جمع دوستانه) در پارکهای ناحیه‌ای و بیشترین نوع مراجعه بصورت همراهی با افراد محله در پارکهای محله‌ای- همسایگی صورت گرفته است. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که هدف از مراجعه اکثریت افراد (۴۶/۹ درصد) تفریح، سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت می‌باشد. پس از آن به ترتیب انجام فعالیتهای ورزشی، محیط آرام و کسب آرامش، ایجاد و گسترش تعاملات اجتماعی و مطالعه از دیگر اهداف بوده‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در همه انواع پارکها بیشترین درصد از هدف مراجعه به پارکها "تفریح" بوده است. دومین هدف از مراجعه به پارکها به ورزش اختصاص یافته است؛ بجز پارکهای محله‌ای- همسایگی که این هدف در اولویت بعدی (سوم) قرار دارد. اولویت سوم نیز در اکثر پارکها کسب آرامش بوده است. مقایسه هدف از مراجعه به پارکها نشان می‌دهد که با توجه به نتایج به دست آمده در همه انواع پارکها باید شرایط و لوازم تفریح و سرگرمی افراد را فراهم آورد و در پارکهای شهری و بعد از آن پارکهای منطقه‌ای نگاه

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر اساس نوع و هدف مراجعه به پارکها

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
۱	میزان (همراهی)	تنها	۲۶۳	۱۷/۳
		خانواده	۷۵۵	۴۹/۵
		دوستان	۴۰۳	۲۶/۵
		همکلاسی	۳۶	۲/۴
		هم محله‌ای	۵۱	۳/۴
		بی پاسخ	۱۴	۰/۹۹
		جمع	۱۵۲۲	۱۰۰
۲	هدف از مراجعه	تفریح	۷۰۳	۴۶/۲
		ورزش	۳۰۲	۱۹/۸
		کسب آرامش	۲۸۱	۱۸/۵
		ارتباطات اجتماعی	۱۲۳	۸/۱
		مطالعه	۹۰	۵/۹
		بی پاسخ	۲۳	۱/۵
		جمع	۱۵۲۲	۱۰۰

می دهد که اکثریت پاسخگویان (۲۵/۷ درصد) آن را در حد متوسط ارزیابی کرده اند و از دید ۱۶/۰ درصد از افراد زیاد و ۱۰/۴ درصد از افراد در حد بسیار زیاد بوده است. در زمینه میزان مصرف قلیان، در مجموع بیش از ۶۲/۴ درصد از افراد بیان داشته اند که میزان مصرف قلیان در پارکها بیش از حد متوسط و در حد زیاد و بسیار زیاد می باشد. همچنین بر اساس یافته های تحقیق، ۲۰/۸ درصد از شهروندان بیان داشتند که در حد زیاد شاهد مصرف مواد مخدر توسط معتادین در پارکها بوده اند و ۳۴۸ نفر (۲۲/۹ درصد) از افراد نیز میزان آن را بسیار زیاد عنوان کرده اند. از سوی دیگر پارکها از سوی شهروندان به عنوان یکی از کانونهای خرید و فروش مواد مخدر شناخته شده اند. چنانچه حدود ۳۷/۷ درصد از آنها معتقدند که پارکها در حد زیاد و بسیار زیاد محل خرید و فروش مواد مخدر می باشند. حضور ارادل و اوباش نیز از دیگر آسیبهای موجود در پارکها و فضای سبز می باشد که بر امنیت اجتماعی تاثیرات سوء دارد. اگر چه از

ویژه ای به کارکرد تفریحی آنها مبذول داشت. وضعیت آسیبهای اجتماعی و جرایم در پارکها از دیدگاه شهروندان مراجعه کننده به پارکها امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای توسعه در جامعه مورد توجه بوده و به منظور بررسی وضعیت توسعه جوامع در پژوهش های مختلف مورد سنجش قرار گرفته است. لذا در این تحقیق نیز به بررسی وضعیت و سنجش میزان آسیبهای اجتماعی و جرایم در پارکها و مشاهده آن توسط مراجعه کنندگان اقدام گردید. مولفه های مختلف آسیب اجتماعی در قالب مقیاس و طیف لیکرت در جدول شماره ۳ محاسبه و ارائه شده است که شامل میزان مشاهده دزدی، مصرف قلیان، استعمال مواد مخدر، خرید و فروش مواد مخدر، حضور ارادل و اوباش، منازعه (زد و خورد)، وجود کارتن خواب، تکدی گری و تخریب محیط زیست بوده است. توزیع شهروندان پاسخگوی تحقیق بر اساس دیدگاه آنها در زمینه مشاهده میزان دزدی در پارکها نشان

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی از میزان آسیبهای اجتماعی در پارکها

ردیف	آسیب اجتماعی	میزان آسیبهای اجتماعی						
		آماره	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
		جمع	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
۱	دزدی	۱۵۲۲	۲۰۸	۲۴۴	۳۹۱	۳۸۷	۲۹۲	فراوانی
		۱۰۰	۱۳/۷	۱۶/۰	۲۵/۷	۲۵/۴	۱۹/۲	درصد
۲	مصرف قلیان	۱۵۲۲	۵۶۸	۳۸۲	۲۲۷	۱۶۸	۱۲۷	فراوانی
		۱۰۰	۳۷/۳	۲۵/۱	۱۸/۲	۱۱/۰	۸/۳	درصد
۳	مصرف مواد مخدر	۱۵۲۲	۳۴۸	۳۱۷	۳۵۴	۲۵۲	۲۵۱	فراوانی
		۱۰۰	۲۲/۹	۲۰/۸	۲۳/۳	۱۶/۶	۱۶/۵	درصد
۴	خرید و فروش مواد مخدر	۱۵۲۲	۳۰۸	۲۶۷	۳۶۱	۲۶۳	۳۲۳	فراوانی
		۱۰۰	۲۰/۲	۱۷/۵	۲۳/۷	۱۷/۳	۲۱/۲	درصد
۵	حضور ارادل و اوباش	۱۵۲۲	۳۸۳	۳۲۷	۳۸۸	۲۶۰	۱۶۴	فراوانی
		۱۰۰	۲۵/۲	۲۱/۵	۲۵/۵	۱۷/۱	۱۰/۸	درصد
۶	منازعه	۱۵۲۲	۲۳۹	۲۸۰	۴۵۴	۳۲۵	۲۲۴	فراوانی
		۱۰۰	۱۵/۷	۱۸/۴	۲۹/۸	۲۱/۴	۱۴/۷	درصد
۷	کارتن خواب	۱۵۲۲	۱۳۶	۱۹۵	۳۸۶	۳۸۳	۴۲۲	فراوانی
		۱۰۰	۸/۹	۱۲/۸	۲۵/۴	۲۵/۲	۲۷/۷	درصد
۸	تکدی گری	۱۵۲۲	۲۳۵	۲۴۰	۳۸۸	۳۱۳	۳۴۶	فراوانی
		۱۰۰	۱۵/۴	۱۵/۸	۲۵/۵	۲۰/۶	۲۲/۷	درصد
۹	تخریب (واندالیسم)	۱۵۲۲	۲۵۹	۲۸۱	۴۳۲	۲۶۷	۲۸۳	فراوانی
		۱۰۰	۱۷/۰	۱۸/۵	۲۸/۴	۱۷/۵	۱۸/۶	درصد

دیدگاه اکثریت مراجعه کنندگان (۲۵/۵ درصد) در حد متوسط این معضل اجتماعی در پارکها وجود دارد. اما درصد زیادی از افراد عنوان کرده اند که به میزان بسیاری شاهد حضور ارادل و اوباش در پارکها بوده اند. بیشترین تعداد پاسخگویان عنوان کردند که در حد متوسط شاهد منازعه (زد و خورد) در پارکها بوده اند اما وجود افراد کارتن خواب در پارکهای شهر شیراز بسیار کم و کم دانسته اند. وندالیسم و از جمله تخریب در پارکها که شامل شکستن شاخه های درختان و آسیب به گلهای، چمن و درختان و یا وسایل و امکانات پارک و .. می باشد. به عنوان یک پدیده و آسیب و مشکل اجتماعی - فرهنگی - روانی مورد توجه نظریه پردازان و محققان علوم اجتماعی می باشد. ۳۶/۱ درصد از پاسخگویان این تحقیق معتقدند که این معضل در حد بسیار کم و کم در پارکها به وقوع پیوسته است و از سوی دیگر ۳۵/۵ درصد از افراد نیز در مجموع میزان این معضل را در حد زیاد و بسیار زیاد دانسته اند و سایرین نیز آن را متوسط بیان کرده اند. مقایسه میزان مولفه های آسیب اجتماعی در پارکها در جدول شماره ۳ بیانگر این نکته است که مهمترین و بیشترین میزان آسیبهای اجتماعی در پارکهای شهر شیراز به ترتیب اهمیت و اولویت شامل مصرف قلیان، حضور ارادل و اوباش و مصرف مواد مخدر می باشد. با توجه به میزان دامنه میانگین از ۵ تا ۱ محاسبه و بیان گردیده است. میانگین بیش از ۳ نشان دهنده میزان آن آسیب بیش از حد متوسط می باشد. شایان ذکر است که از میان نه آسیب موجود، میزان سه آسیب ذکر شده دارای اولویت بیش از حد متوسط و در حد

زیاد بوده‌اند. همچنین میزان مصرف قلیان دارای بیشترین تکرار عدد ۵ (بسیار زیاد)، حضور کارتن خواب دارای بیشترین تکرار عدد ۱ (بسیار کم) و سایر موارد دارای بیشترین تکرار عدد ۳ (میزان متوسط) بوده‌اند.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میانگین میزان آسیب اجتماعی (۹ گویه مذکور بر مبنای عدد ۱ تا ۵) عدد ۳ بدست آمده است. بنابراین در مجموع بر اساس دیدگاه شهروندان میزان میانگین کلی آسیب اجتماعی در پارکها در حد متوسط می‌باشد. مقایسه میانگین آسیب اجتماعی در پارکها بر اساس نوع پارک نشان می‌دهد که بیشترین میزان آسیب از نظر مراجعه کنندگان در پارکهای شهری و کمترین میزان آسیب اجتماعی در پارکهای محله‌ای- همسایگی بوده است.

جدول ۴. میزان آسیب اجتماعی در پارکهای شهر شیراز از دید شهروندان مراجعه کننده به پارکها

نام متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
آسیب اجتماعی	۳/۰	۱/۰۳

بررسی دیدگاه شهروندان در زمینه وضعیت پارکهای شهر شیراز در جهت توسعه پایدار شهری

به منظور بررسی وضعیت پارکهای شهر شیراز به عنوان مهمترین فضای سبز شهری، مولفه‌های مرتبط با توسعه پایدار شهری در فضای سبز در قالب ابعاد مختلف شناسایی و مورد ارزیابی قرار گرفتند. جدول شماره ۵ نشان دهنده وضعیت گویه‌های مورد نظر میباشد. در مجموع ۳۹ گویه‌ی مورد نظر در قالب ۴ بعد اصلی شامل: ابعاد کالبدی- ساختاری، زیست محیطی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی- آموزشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به ترتیب شامل ۹، ۸، ۱۳ و ۹ گویه می‌باشند. بررسی میانگین (طیف ۱ تا ۵) مولفه‌های مرتبط به وضعیت پارکهای شهر شیراز در جهت توسعه

پایدار شهری، یافته‌های پژوهش بیانگر این نکته است که از ۳۹ گویه موجود، ۱۵ گویه، بالاتر از سطح متوسط (میانگین در طیف بالاتر از ۳) ولی کمتر از حد مطلوب و یک گویه در حد متوسط ارزیابی شده‌اند. بر اساس دیدگاه شهروندان مراجعه کننده به پارکها بهترین وضعیت در پارکها به ترتیب مربوط به مولفه‌های: بهره از نوآوری و خلاقیت در طراحی، ساخت و توسعه پارکها و فضای سبز (میانگین ۶۹/۳)، سلامت روحی و روانی، تسکین روحیه و ایجاد آرامش (میانگین ۳/۵۰)، احساس لذت از پارکها و فضای سبز (میانگین ۳/۴۷)، تاثیر وجود پارکها و فضای سبز موجود در ایجاد سرزندگی شهری (میانگین ۳/۴۵)، موجب شدن تعدیل دما، ایجاد رطوبت و بهبود کیفیت محیط (میانگین ۳/۳۲)، افزایش و بهبود ارتباطات و همبستگی اجتماعی (میانگین ۳/۳۲)، فراهم آوردن فضای جذاب و مناسب برای فراغت و روابط اجتماعی (میانگین ۳/۲۴)، فاصله مناسب (نزدیک بودن) به مراکز جمعیتی و مسکونی (میانگین ۳/۱۶)، تاثیر در کاهش آلودگیهای صوتی، بصری، و هوا... (میانگین ۳/۱۵)، میزان دسترسی (میانگین ۳/۱۴)، مطابق بودن با شرایط آب و هوایی و اقلیم از نظر (نوع پوشش، تراکم و گونه‌های گیاهی و ...) (میانگین ۳/۱۳)، تناسب با محیط شهر (میانگین ۳/۰۲)، وضعیت پارکها و فضای سبز از جهت زیبایی (میانگین ۳/۰۱)، افزایش آگاهی در زمینه فضای سبز و اهمیت آن با حضور در پارکها و فضای سبز موجود (میانگین ۳/۰)، می‌باشد. سایر گویه‌ها دارای وضعیت نه چندان مطلوب (با میانگین کمتر از حد متوسط ۳) ارزیابی شده‌اند. بدترین وضعیت در بین مولفه‌های توسعه پایدار مورد ارزیابی مربوط به سرمایه گذاری بر امکانات غذایی فروشی در پارکها با میانگین ۲/۳۸ بوده است. پس از آن، سرمایه گذاری مناسب اقتصادی در پارکها (میانگین ۲/۴۰)، وضعیت پارکینگ در پارکها (میانگین ۲/۴۴)، وضعیت توزیع عادلانه پارکها (میانگین ۲/۵۱)، وضعیت توزیع عادلانه امکانات

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی از وضعیت پارکهای موجود در راستای تحقق توسعه پایدار شهری

ردیف	مolfهها	آماره	وضعیت					میانگین رتبه‌ای
			بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	مطلوب	بسیار مطلوب	
۱	فاصله مناسب (نزدیک بودن) به مراکز جمعیتی و مسکونی	فراوانی	۱۵۴	۲۴۴	۵۵۵	۳۳۶	۲۳۳	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۰/۱	۱۶/۰	۳۶/۵	۲۲/۱	۱۵/۳	۱۰۰
۲	فاصله مناسب (نزدیک بودن) به مراکز فرهنگی و آموزشی	فراوانی	۲۰۰	۴۳۷	۶۰۲	۱۹۴	۸۹	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۳/۱	۲۸/۷	۳۹/۶	۱۲/۷	۵/۸	۱۰۰
۳	دارا بودن راههای ورودی و خروجی از چهار سو	فراوانی	۱۵۴	۳۱۲	۶۶۱	۳۰۹	۸۶	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۰/۱	۲۰/۵	۴۳/۴	۲۰/۳	۵/۷	۱۰۰
۴	بهره از نوآوری و خلاقیت در طراحی، ساخت و توسعه پارکها و فضای سبز	فراوانی	۲۰۹	۴۳۳	۵۷	۲۳۶	۷۴	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۳/۷	۲۸/۴	۳۷/۵	۱۵/۵	۴/۹	۱۰۰
۵	وضعیت دسترسی	فراوانی	۸۵	۲۲۸	۷۱۵	۳۷۸	۱۱۶	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۵/۶	۱۵/۰	۴۷/۰	۲۴/۸	۷/۶	۱۰۰
۶	وضعیت پارکها و فضای سبز از جهت زیبایی	فراوانی	۹۲	۳۱۵	۶۸۸	۳۳۷	۹۰	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۶/۰	۲۰/۷	۴۵/۲	۲۲/۱	۵/۹	۱۰۰
۷	مکان مناسب	فراوانی	۸۷	۲۴۴	۷۱۰	۳۸۱	۱۰۰	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۵/۷	۱۶/۰	۴۶/۶	۲۵/۰	۶/۶	۱۰۰
۸	وجود پارکینگ مناسب در پارکها و فضای سبز	فراوانی	۳۵۹	۴۳۵	۴۸۷	۱۸۰	۶۱	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۲۳/۶	۲۸/۶	۳۲/۰	۱۱/۸	۴/۰	۱۰۰
۹	مناسب بودن ادوات و تجهیزات بکار رفته در پارکها	فراوانی	۲۳۰	۴۳۵	۶۱۱	۲۰۹	۳۷	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۵/۱	۲۸/۶	۴۰/۱	۱۳/۷	۲/۴	۱۰۰
۱۰	تاثیر در کاهش آلودگیهای صوتی، بصری، و هوا...	فراوانی	۱۴۲	۲۸۶	۵۰۳	۳۸۷	۲۰۴	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۹/۳	۱۸/۸	۳۳/۰	۲۵/۴	۱۳/۴	۱۰۰
۱۱	بهره‌وری از منابع مورد استفاده در پارکها و فضای سبز (آب و خاک و ...) به شیوه صحیح و اصولی	فراوانی	۱۷۴	۳۷۷	۶۱۳	۲۷۹	۷۹	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۱/۴	۲۴/۸	۴۰/۳	۱۸/۳	۵/۲	۱۰۰
۱۲	مناسب بوده وضعیت بهداشتی پارکها و فضای سبز	فراوانی	۱۹۱	۳۱۹	۵۹۵	۳۰۰	۱۱۷	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۲/۵	۲۱/۰	۳۹/۱	۱۹/۷	۷/۷	۱۰۰
۱۳	موجب شدن پیوند شهروندان با طبیعت	فراوانی	۷۷	۲۱۶	۵۱۲	۴۷۵	۲۴۲	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۵/۱	۱۴/۲	۳۳/۶	۳۱/۲	۱۵/۹	۱۰۰
۱۴	استفاده از تکنولوژی آبیاری متناسب با نیاز گیاهی	فراوانی	۱۷۹	۳۴۷	۵۸۷	۳۱۲	۹۷	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۱/۸	۲۲/۸	۳۸/۶	۲۰/۵	۶/۴	۱۰۰
۱۵	مطابق بودن با شرایط آب و هوایی و اقلیم از نظر (نوع پوشش، تراکم و گونه‌های گیاهی و ...)	فراوانی	۹۶	۲۵۳	۶۵۱	۳۹۹	۱۲۳	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۶/۳	۱۶/۶	۴۲/۸	۲۶/۲	۸/۱	۱۰۰

ردیف	موفه‌ها	آماره	وضعیت					
			بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	مطلوب	بسیار مطلوب	جمع کل
۱۶	موجب شدن تعدیل دما، ایجاد رطوبت و بهبود کیفیت محیط	فراوانی	۷۸	۲۴۷	۵۳۰	۴۴۹	۲۱۸	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۵/۱	۱۶/۲	۳۴/۸	۲۹/۵	۱۴/۳	۱۰۰
۱۷	تناسب با محیط شهر	فراوانی	۱۰۴	۳۹۱	۷۱۴	۲۹۴	۱۱۹	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۶/۸	۱۹/۱	۴۶/۹	۱۹/۳	۷/۸	۱۰۰
۱۸	امکانات غذایی فروشی	فراوانی	۳۸۸	۴۴۹	۴۶۱	۱۷۲	۵۲	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۲۵/۵	۲۹/۵	۳۰/۳	۱۱/۳	۳/۴	۱۰۰
۱۹	میزان سرمایه‌گذاری مناسب اقتصادی در پارکها	فراوانی	۳۵۱	۴۵۴	۵۲۱	۱۴۹	۴۷	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۲۳/۱	۲۹/۸	۳۴/۲	۹/۸	۳/۱	۱۰۰
۲۰	انطباق احداث و توسعه پارکها و فضای سبز با وضعیت اقتصادی شهر	فراوانی	۲۳۳	۴۴۷	۶۱۱	۱۸۰	۵۱	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۵/۳	۲۹/۴	۴۰/۱	۱۱/۸	۳/۴	۱۰۰
۲۱	توزیع عادلانه فضاهای سبز شیراز در مناطق مختلف شهر	فراوانی	۳۳۱	۳۸۲	۵۶۳	۱۹۳	۵۲	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۲۱/۷	۲۵/۲	۳۷/۰	۱۲/۷	۳/۴	۱۰۰
۲۲	استفاده گروههای مختلف درآمدی به طور عادلانه از فضاهای سبز شهر شیراز	فراوانی	۲۰۲	۳۷۸	۵۹۱	۲۶۳	۸۸	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۳/۳	۲۴/۸	۳۸/۸	۱۷/۳	۵/۸	۱۰۰
۲۳	توزیع عادلانه خدمات و امکانات مربوط به پارکهای موجود در بین مناطق مختلف	فراوانی	۲۴۷	۴۵۱	۵۹۲	۱۷۵	۵۷	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۶/۲	۲۹/۶	۳۸/۹	۱۱/۵	۳/۷	۱۰۰
۲۴	فعالیت تشکلهای غیر دولتی (NGOها) در جهت توسعه فضای سبز شهر شیراز	فراوانی	۱۹۱	۴۳۶	۵۲۳	۲۵۶	۱۱۶	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۲/۵	۲۸/۶	۳۴/۴	۱۶/۸	۷/۶	۱۰۰
۲۵	امنیت اجتماعی	فراوانی	۲۴۸	۳۳۶	۴۵۸	۳۳۵	۱۳۵	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۱۶/۳	۲۲/۱	۳۰/۱	۲۲/۰	۹/۵	۱۰۰
۲۶	افزایش و بهبود ارتباطات و همبستگی اجتماعی	فراوانی	۱۰۱	۲۱۴	۵۱۸	۴۷۷	۲۱۲	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۶/۶	۱۱/۴	۳۴	۳۳/۱	۱۱/۴	۱۰۰
۲۷	سلامت روحی و روانی، تسکین روحیه و ایجاد آرامش	فراوانی	۷۲	۱۶۴	۴۹۴	۵۱۲	۲۸۰	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۴/۸	۱۰/۸	۳۲/۴	۳۲/۶	۱۸/۴	۱۰۰
۲۸	فراهم آوردن فضای جذاب و مناسب برای فراغت و روابط اجتماعی	فراوانی	۹۲	۲۴۶	۵۷۷	۴۱۳	۱۹۴	۱۵۲۲
		درصد معتبر	۶/۰	۱۶/۲	۳۷/۹	۲۷/۱	۱۲/۷	۱۰۰

و بعد زیست محیطی توسعه پایدار در حد متوسط و اندکی بالاتر و سایر ابعاد کمتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. لذا شایسته است به منظور توسعه پایدار شهری، در جهت بهبود وضعیت فضای سبز شهر شیراز بویژه پارکها گام اساسی برداشته شود و به بهبود تمام ابعاد توسعه اقدام گردد.

دامنه میانگین بین ۱ تا ۵ می‌باشد. بررسی میانگین وضعیت پارکها در هر یک از ابعاد توسعه و میانگین توسعه کل (همه ابعاد) به تفکیک نوع پارک در جدول شماره ۷ قابل مشاهده می‌باشد.

در پارکهای شهری بعد کالبدی- ساختاری میانگین ۲/۸۵، بعد زیست محیطی میانگین ۳/۰۱، بعد اقتصادی و اجتماعی میانگین ۲/۹۳ و بعد فرهنگی- آموزشی میانگین ۲/۸۵ را دارا می‌باشد. همچنین میانگین کل توسعه (همه ابعاد) ۲/۹۱ محاسبه شده است. به طور کلی می‌توان بیان نمود که از دید

و خدمات موجود در پارکها در مناطق مختلف (میانگین ۲/۵۷)، انطباق وضعیت پارکها با وضعیت اقتصادی شهر (میانگین ۲/۵۹)، در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند.

در نهایت ابعاد مختلف توسعه پایدار بر اساس گویه‌های مربوط محاسبه و نتایج آن در جدول ۶ آورده شده است. بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه پاسخگویان، پارکها در هیچ یک از ابعاد توسعه از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیستند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که پارکهای موجود در شهر شیراز (به عنوان نماینده فضای سبز) نتوانسته‌اند در حد چندان مطلوبی در راستای تحقق توسعه پایدار شهری گام بردارند. گرچه در برخی از جنبه‌ها تا حد متوسط توسعه یافته‌اند. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که بدترین وضعیت مربوط به بعد اقتصادی- اجتماعی می‌باشد

جدول ۶. وضعیت پارکها از ابعاد مختلف پایداری از دیدگاه شهروندان مراجعه کننده

ردیف	ابعاد توسعه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	کالبدی- ساختاری	۲/۸۶	۰/۵۵۶
۲	زیست محیطی	۳/۰۷	۰/۶۹۱
۳	اقتصادی- اجتماعی	۲/۸۲	۰/۵۱۸
۴	فرهنگی- آموزشی	۲/۹۶	۰/۶۷۱

جدول ۷. وضعیت پارکها در راستای تحقق توسعه پایدار (در ابعاد مختلف) بر حسب نوع پارک

ردیف	نوع پارک	وضعیت ابعاد توسعه									
		کالبدی- ساختاری		زیست محیطی		اقتصادی- اجتماعی		فرهنگی- آموزشی			
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۱	شهری	۲/۸۵	۰/۵۳۲	۳/۰۱	۰/۶۰۸	۲/۹۳	۰/۶۷۶	۲/۸۵	۰/۴۹۰	۲/۹۱	۰/۴۷۲
۲	منطقه‌ای	۲/۸۷	۰/۵۵۶	۳/۲۱	۰/۷۱۰	۲/۸۴	۰/۴۸۹	۳/۰۵	۰/۶۷۴	۲/۹۹	۰/۵۰۸
۳	ناحیه‌ای	۲/۹۵	۰/۵۶۴	۳/۱۱	۰/۶۸۶	۲/۸۵	۰/۵۱۵	۲/۹۶	۰/۶۳۱	۲/۹۷	۰/۵۰۰
۴	محلله‌ای- همسایگی	۲/۷۸	۰/۵۶۰	۲/۹۶	۰/۷۳۰	۲/۷۲	۰/۵۶۳	۲/۹۰	۰/۶۹۴	۲/۸۴	۰/۵۴۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۹۴

شهروندان، در هیچ یک از ابعاد توسعه و در هیچ کدام از انواع پارکها؛ توسعه از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نمی باشد اگر چه بعد زیست محیطی با اندکی تفاوت در وضعیت بهتری قرار گرفته است و مقایسه میانگین کل توسعه به تفکیک نوع پارک دلالت بر بهتر بودن وضعیت در پارکهای منطقه‌ای و بدترین وضعیت در پارکهای محلله‌ای- همسایگی دارد. لذا چنانچه بخواهیم پارکها و فضاهای سبز موجود در جهت توسعه پایدار شهری گام موثری بردارند، باید در تمام ابعاد توسعه و همچنین برای تمام انواع پارکها برنامه ریزی مناسب در جهت بهبود وضعیت موجود داشته باشیم اگر چه شایان ذکر و ضروری است بعد اقتصادی- اجتماعی با توجه به بدتر بودن وضعیت موجود از دید شهروندان، مورد توجه خاص قرار گیرد.

به منظور مقایسه میانگین و همچنین آزمون معنی دار بودن تفاوت در میانگین کل توسعه بر اساس نوع عملکرد پارکها، در بین چهار نوع پارک، در

شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محلله‌ای- همسایگی، از آزمون آنالیز واریانس One – way ANOVA استفاده گردید. نتایج نشان می دهد که اختلاف معنی داری در میزان وضعیت توسعه در بین چهار گروه از پارکها در شهر شیراز وجود دارد. یافته‌های به دست آمده از آزمون تعقیبی Tukey نشان داد که بین پارکهای منطقه‌ای با محلله‌ای- همسایگی و ناحیه‌ای با محلله‌ای- همسایگی اختلاف میانگین معنی دار در زمینه میزان توسعه پارکها وجود دارد. همچنین به منظور مقایسه میانگین در هر یک از ابعاد مختلف توسعه بر اساس نوع عملکرد پارکها، در بین چهار دسته پارک شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محلله‌ای- همسایگی از آزمون آنالیز واریانس One way ANOVA – و آزمون تعقیبی (Post Hoc) توکی استفاده گردید. همانگونه که جدول ۹ نشان می دهد با توجه به سطح معنی داری بین میانگین هر یک از ابعاد کالبدی- ساختاری، زیست محیطی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی- آموزشی در انواع

شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محلله‌ای- همسایگی، از آزمون آنالیز واریانس One – way ANOVA استفاده گردید. نتایج نشان می دهد که اختلاف معنی داری در زمینه میزان توسعه پارکها وجود دارد. همچنین به منظور مقایسه میانگین در هر یک از ابعاد کالبدی- ساختاری، زیست محیطی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی- آموزشی در انواع

جدول ۸. ارزیابی وضعیت پارکهای شهر شیراز در راستای تحقق توسعه پایدار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
وضعیت پارکها در راستای تحقق توسعه پایدار	۲/۹۳	۰/۵۱۱

جدول ۹. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه وضعیت پارکها (توسعه کل) بر حسب نوع پارک

	میزان واریانس	درجه آزادی	میانگین واریانسها	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۵/۰۸۵	۳	۱/۶۹۵	۶/۵۵۳	۰/۰۰۰
درون گروهی	۳۹۲/۳۸۴	۱۵۱۷	۰/۲۹۵		
کل	۳۹۷/۴۶۹	۱۵۲۰	-		

جدول ۱۱. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه میزان ابعاد توسعه بر حسب نوع پارک

ابعاد توسعه	میزان واریانس	درجه آزادی	میانگین واریانسها	F	سطح معناداری
کالبدی- ساختاری	بین گروهی	۵/۲۸۶	۳	۵/۷۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۴۶۵/۱۳۳	۱۵۱۷		
	کل	۴۷۰/۴۱۹	۱۵۲۰		
زیست محیطی	بین گروهی	۱۳/۸۳	۳	۹/۸۲	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۱۲/۷۳	۱۵۱۸		
	کل	۷۲۶/۵۶	۱۵۲۱		
اقتصادی- اجتماعی	بین گروهی	۴/۸۱	۳	۶/۰۳	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۰۲/۶۶	۱۵۱۸		
	کل	۴۰۸/۴۷	۱۵۲۱		
فرهنگی- آموزشی	بین گروهی	۴/۵۸	۳	۳/۴۱	۰/۰۱۷
	درون گروهی	۶۸۰/۵۰	۱۵۱۸		
	کل	۶۸۵/۰۸	۱۵۲۱		

مختلف پارکها اختلاف معنی داری وجود دارد (رد فرضیه صفر). بر اساس آزمون توکی بین میانگین بعد کالبدی- ساختاری در پارکهای ناحیه ای با محله ای- همسایگی اختلاف معنی دار وجود دارد. همچنین بین میانگین بعد زیست محیطی در پارکهای شهری با منطقه ای، شهری با محله ای- همسایگی، ناحیه ای با محله ای- همسایگی، محله ای با منطقه ای و ناحیه ای اختلاف معنی دار وجود دارد. در بعد اقتصادی- اجتماعی بین میانگین وضعیت توسعه در پارکهای شهری با محله ای- همسایگی، منطقه ای با محله ای- همسایگی ناحیه ای با محله ای- همسایگی اختلاف معنی دار وجود دارد. در نهایت نیز بین میانگین بعد فرهنگی- آموزشی در پارکهای منطقه ای با محله ای- همسایگی اختلاف معنی دار

وجود دارد.

نتیجه گیری و جمع بندی

پژوهش حاضر در راستای بررسی وضعیت موجود پارکهای شهر شیراز در راستای تحقق توسعه پایدار شهری از دیدگاه شهروندان مراجعه کننده، به ارزیابی نوع مراجعه، هدف از مراجعه، میزان آسیبهای اجتماعی و شاخصهای توسعه پایدار پرداخته است که نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد بیشترین نوع مراجعه به پارکها در سطح شیراز به صورت خانوادگی می باشد و در بین انواع پارکها بیشترین مراجعه کننده به صورت خانوادگی را پارکهای شهری دارا هستند. بنابراین ضرورت دارد محیط پارکها از جنبه های مختلف متناسب با استفاده خانوادگی باشد. حضور بیشترین مراجعه به صورت انفرادی و همچنین همراه با افراد هم محله ای در پارکهای محله ای- همسایگی بوده است. همچنین هدف از مراجعه اکثریت افراد به پارکها، تفریح عنوان شده است و بعد از آن انجام فعالیتهای ورزشی، کسب آرامش، ایجاد تعاملات اجتماعی و انجام مطالعه در اولویتهای بعدی قرار دارند. از آنجا که پارکها با هدف خدمت رسانی مناسب به شهروندان ایجاد و توسعه یافته اند و با توجه به اهمیت شناخت نیازها و شرایط استفاده کنندگان در برنامه ریزی و مدیریت پارکها در جهت ارتقا توسعه پایدار شهری، نتایج به دست آمده می تواند در این روند یاری رسان باشد. لذا شایسته است پارکهای موجود با توجه به شرایط و نیازهای خاص تجهیز گردند. مقایسه میزان مولفه های آسیب اجتماعی در پارکها بیانگر این نکته است که مهمترین بیشترین میزان آسیبهای اجتماعی در پارکهای شهر شیراز به ترتیب بر اساس مشاهده بیشترین میزان شامل مصرف قلیان، حضور اراذل و اوباش و مصرف مواد مخدر می باشد. شایان ذکر است که از میان نه آسیب موجود و مورد بررسی، میزان سه آسیب ذکر شده دارای اولویت بیش از حد متوسط و در حد زیاد بوده اند. مقایسه میانگین آسیب اجتماعی

در پارکها بر اساس نوع پارک نشان می دهد که بیشترین میزان آسیب از نظر مراجعه کنندگان در پارکهای شهری و کمترین میزان آسیب اجتماعی در پارکهای محله ای- همسایگی بوده است.

در پاسخ به هدف و سوال تحقیق مبنی بر بررسی وضعیت پارکهای شهر شیراز بر اساس گویه های مختلف در ابعاد چندگانه توسعه پایدار شهری، نتایج به دست آمده از بررسی میانگین ها نشان می دهد که بر اساس دیدگاه شهروندان پارکها در هیچ یک از ابعاد توسعه در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارند، گرچه در برخی از جنبه ها تا حد متوسط توسعه یافته اند. مقایسه میانگین ها نشان می دهد که بدترین وضعیت مربوط به بعد اقتصادی- اجتماعی می باشد و بعد زیست محیطی توسعه پایدار در حد متوسط و اندکی بالاتر و سایر ابعاد کمتر از حد متوسط ارزیابی شده اند. بدترین وضعیت در بین مولفه های توسعه پایدار مورد ارزیابی، مربوط به سرمایه گذاری بر امکانات اغذیه فروشی در پارکها با میانگین ۲/۳۸ بوده است. پس از آن، سرمایه گذاری مناسب اقتصادی در پارکها (میانگین ۲/۴۰)، وضعیت پارکینگ در پارکها (میانگین ۲/۴۴)، وضعیت عادلانه پارکها و فضای سبز (میانگین ۲/۵۱)، وضعیت توزیع عادلانه امکانات و خدمات موجود در پارکها در مناطق مختلف (میانگین ۲/۵۷)، انطباق وضعیت پارکها با وضعیت اقتصادی شهر (میانگین ۲/۵۹)، در جایگاه بعدی قرار می گیرند. میانگین کل وضعیت توسعه در پارکهای شیراز ۲/۹۳ (از ۱ تا ۵) می باشد که نشان دهنده وضعیت نه چندان مطلوب پارکها در راستای تحقق توسعه پایدار شهر شیراز است. مقایسه میانگین کل توسعه به تفکیک نوع پارک دلالت بر بهتر بودن وضعیت در پارکهای منطقه ای و بدترین وضعیت در پارکهای محله ای- همسایگی دارد.

بنابراین نتیجه می گیریم که از دیدگاه شهروندان، پارکهای موجود در شهر شیراز (به عنوان نماینده فضای سبز) نتوانسته اند در حد چندان مطلوبی در

جهت توسعه پایدار شهری گام بردارند. لذا شایسته است به منظور توسعه پایدار شهری، در جهت بهبود وضعیت فضای سبز شهر شیراز بویژه پارکها گام اساسی برداشته شود و به بهبود تمام ابعاد توسعه اقدام گردد.

- پیشنهادها

در نهایت با توجه به نتایج مذکور، اعمال تدابیر لازم از طریق راهبردها و راهکارهای ذیل پیشنهاد می گردد:

- توسعه فضاهای سبز عمومی (پارکها) با توجه به نیازهای گروه هدف.

- توجه به اهمیت دسترسی در استفاده شهروندان از پارکها و افزایش قابلیت دسترسی آنها با در نظر گرفتن گروههای هدف (افراد سالخورده، جوان، کودکان و نیز شاخصهای تراکم شهری (تراکم جمعیتی و تراکم ساختمانی) که در نهایت منجر به ارتقاء میزان استفاده از فضای سبز و ارتقاء کیفی زندگی شهروندان خواهد شد.

- اقتباس معیارهای واضح و مناسب جهت تصمیم گیری خردمندان و مشارکتی در زمینه مکان و موقعیت فضاهای سبز شهری جدید و نیز ارزیابی فضاهای سبز موجود.

- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع در مورد فضاهای سبز و باز موجود، در حال احداث و نیز فضای سبز مورد نیاز مناطق و کمک به تصمیم بر چگونگی توزیع عادلانه فضایی آنها.

- تدوین و بازنگری طرح جامع فضای سبز شهر شیراز با توجه به ابعاد همه جانبه توسعه پایدار شهری.

- بکارگیری پشتوانه علمی و تحقیقاتی مناسب به منظور طراحی، ساخت، توسعه و تجهیز پارکها بر اساس شرایط اقلیمی و منابع موجود، نیازسنجی شهروندان استفاده کننده و توجه به ویژگیهای جنسیت، سن و ... و فراهم آوردن فضای مناسب برای کودکان، جوانان، سالمندان و بانوان.

- کاهش میزان آسیبهای اجتماعی موجود در پارکها

بر اساس اولویتهای ارائه شده در نتایج پژوهش با ارائه و اجرای برنامه های چند جانبه به منظور برقراری امنیت اجتماعی در پارکها و ایجاد رفاه بیشتر و در نتیجه افزایش رضایتمندی شهروندان از طریق:

-- اجرای برنامه های آموزشی و فرهنگی به منظور تغییر مثبت در سطوح مختلف دانشی، بینشی و رفتاری افراد و آسیب دیدگان اجتماعی و همچنین پیشگیری از اشاعه آن از طریق تبلیغات، ارائه بروشورها، سمینارها و برنامه های مختلف.

-- افزایش و گسترش فعالیت و همکاری با نیروی انظمایی در تذکر و برخورد با عاملان ایجاد جرایم و آسیبهای اجتماعی از جمله ممانعت از حضور اراذل و اوباش در پارکها، جلوگیری از عرضه و استعمال قلیان و ...

-- طراحی مناسب و مطابق با اصول فنی و شرایط محیطی و اجتماعی موجود در پارکها، به منظور افزایش دید و نظارت و کنترل کافی و جلوگیری از ایجاد محیطهای مستعد و مساعد جرم و آسیبهای اجتماعی به عنوان مثال: جلوگیری از ایجاد فضاهای پرت و تاریک و تامین نظارت اجتماعی دیگران.

- برنامه ریزی و طراحی فضاهای سبز جدید که ظرفیت انطباق پذیری با تغییرات دوره ای محیطی و اقلیمی را دارند (اشاره به نوع درختان، گیاهان، میزان سایه اندازی و ...) و برنامه ریزی یا تدوین برنامه هایی جهت تضمین پایداری اکولوژیکی و زیست محیطی و حفظ ارزش های آنها از طریق استفاده از پوشش های گیاهی مقاوم به خشکی، تامین منابع آبی پایدار و افزایش راندمان آبیاری با توجه به شرایط ویژه اقلیمی و خشکسالیهای چند ساله اخیر.

- استفاده از شیوه های مدیریتی فنی صحیح شامل: آبیاری با تجهیز تکنولوژیهای آبیاری مناسب و تعیین نیاز آبی، استفاده از کارشناسان و کارگران ماهر، افزایش دانش و آگاهی های لازم و نظارت بهینه، اعمال شیوه های صحیح کاشت و نگهداری گیاهان.

- ایجاد و تقویت مشارکتهای مردمی همراه با تشویق، توسعه و بهره از توان تشکلهای مردم نهاد در جهت بهبود وضعیت پارکها و ایجاد و نگهداری از فضای سبز شهر شیراز.
- بهبود وضعیت و توسعه تجهیزات و امکانات رفاهی و اغذیه ای در پارکها و افزایش سرمایه گذاری در ایجاد امکانات اغذیه ای (اغذیه فروشی و ...) با توجه به اصول بهداشتی و سلامت برای ارائه خدمات به شهروندان بر اساس نیاز آنها.
- ایجاد و بهبود وضعیت پارکینگ در پارکها بویژه در پارکهای با سطح عملکرد و تعداد مراجعه کننده بیشتر.
- ارائه برنامه های آموزشی و فرهنگی مناسب در پارکها در جهت بهبود و گسترش روابط اجتماعی مناسب، تحکیم بنیان خانواده و بهبود توسعه پایدار اجتماعی و روانی.
- منابع و مآخذ**
- اذانی، مهری. عبدیان راد، میلاد و محمد ملکی. (۱۳۸۹) برنامه ریزی فضای سبز شهری با تاکید بر مناطق گرم و خشک جنوب ایران. فضای جغرافیایی، سال دهم، شماره ی ۳۱، پاییز. صص ۲۶-۱.
- اردشیری، مهیار. (۱۳۷۹) توسعه پایدار و مدیریت شهری. مدیریت شهری. شماره ۳. صص ۱۵-۶.
- امین زاده، بهناز. افشار، دخی. (۱۳۸۱) طراحی و الگوهای رفتاری: پیشنهادی برای بهسازی پارک های شهری. محیط شناسی، ۳۰(۲۹): ۴۳-۶۰.
- بهمن پور، هومن. محرم نژاد، ناصر. (۱۳۸۹) توسعه پایدار فضاهای سبز شهری در شهر تهران.
- پاسبان اسلام، بهمن. تقی پور، عبدالله و غلام رضا وصالی. (۱۳۹۲) نگرشی بر فضای سبز کلان شهر تبریز. مجموعه مقالات اولین همایش ملی راهکارهای توسعه فضای سبز کلان شهر تبریز. صص ۱۳-۷.
- پورا احمد، احمد. (۱۳۸۸) مدیریت فضای سبز شهری منطقه ۹ شهرداری تهران، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹. صص ۵۰-۲۹.
- پورجعفر، محمد رضا. خدائی، زهرا و علی پور - ایجاد و تقویت مشارکتهای مردمی همراه با تشویق، توسعه و بهره از توان تشکلهای مردم نهاد در جهت بهبود وضعیت پارکها و ایجاد و نگهداری از فضای سبز شهر شیراز. شماره سوم. صص ۳۶-۲۵.
- تقوایی، علی اکبر. محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۵). توسعه پایدار و رفاه اجتماعی شهروندی. جستارهای شهر سازی، شماره پانزدهم و شانزدهم. صص ۴۷-۳۶.
- تقوایی، مسعود. کیومرثی، حسین. (۱۳۹۲). ارزیابی مکان یابی بهینه پارکهای ناحیه ای و منطقه ای شهر شیراز. فصلنامه برنامه ریزی کالبدی-فضایی، سال اول، شماره دوم: ۳۶-۲۶.
- حسین زاده دلیر، کریم. قربانی، رسول و پری شگری فیروز جاه. (۱۳۸۸). تحلیل و ارزیابی کیفی سنجه های پایداری شهری در شهر تبریز. مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول. شماره دوم. صص ۱۸-۲.
- حمدی، کریم. وظیفه دوست، حسین و احمد هنری جعفرپور. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر توریسم تاریخی- فرهنگی بر توسعه پایدار شهری همدان. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول. صص ۷۲-۵۲.
- خاتون آبادی، سید احمد. (۱۳۸۹). شناسایی ویژگیها و دیدگاه های شهروندان در زمینه اولویتها، نیازها و نحوه مشارکت در حفظ و نگهداری پارکهای شهر اصفهان. سازمان پارکها و فضای سبز و دانشگاه صنعتی اصفهان. گزارش طرح پژوهشی.
- شیخ الاسلامی، علیرضا. کریمی، ببرز و رضا اقبالی. (۱۳۸۸). ارزیابی توسعه پایدار شهری کلانشهر شیراز. چشم انداز زاگرس. سال اول، شماره دوم. صص ۵۲-۳۱.
- نقدی، اسداله. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). ارزیابی مشارکتی در مناطق حاشیه و روستاهای منتخب شهرستان بهار همدان. رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶، صص ۲۱۵ تا ۲۲۹.
- قرحلو، مهدی. حسینی، سید هادی. (۱۳۸۵).

- شاخص‌های توسعه پایدار شهری. جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای. شماره هشتم. صص ۱۷۷-۱۵۷.
- لاهیجانیان، اکرم‌الملوک. شیعه‌بیگی، شادی. (۱۳۸۹). رویکردی تحلیلی به طراحی و مدیریت پارک‌های شهری و رابطه آن با سلامت شهروندان. هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷. صص ۱۰۴-۹۵.
- لاهیجانیان، اکرم‌الملوک. شیعه‌بیگی، شادی. (۱۳۸۹). طراحی و ساماندهی پارکها در محیط زیست شهری. مطالعات مدیریت شهری. سال دوم، شماره دوم. صص ۸۷-۷۱.
- مجنونیان، هنریک. (۱۳۷۴). مباحثی پیرامون پارک‌ها، فضای سبز و تفرجگاه‌ها. سازمان پارک‌ها و فضای سبز تهران، شماره ۴۴.
- محمدی، جمال. محمدی‌ده‌چشمه، مصطفی و منصور ابافت یگانه. (۱۳۸۶). ارزیابی کیفی نقش فضاهای سبز شهری و بهینه‌سازی استفاده شهروندان از آن در شهرکرد. محیط‌شناسی، شماره ۴۴. صص ۱۰۴-۹۵.
- مشکینی، ابوالفضل، رحیمی، محسن، محمدپور، صابر و محمد اکبرپور سراسکانرود. (۱۳۸۹). ارزیابی و تحلیل کاربری‌های شهری با تأکید بر کاربری فضای سبز شهری شهر گلستان. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان. صص ۱۱۵-۹۱.
- مفیدی شمیرانی، سید مجید. افتخاری مقدم، علی. (۱۳۸۸). توسعه پایدار شهر، دیدگاه‌ها و اصول اجرایی آن در کشورهای در حال توسعه. ساخت شهر، سال ششم. شماره ۱۲. صص ۲۵-۱۵.
- ملکی، سعید. (۱۳۸۲). شهر پایدار و توسعه پایدار شهری. مسکن شماره ۱۰۲. صص ۵۳-۳۴.
- ملکی، سعید. (۱۳۹۰). سنجش توسعه پایدار در نواحی شهری با استفاده از تکنیکهای برنامه‌ریزی. نمونه‌موردی: ایلام. جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱. صص ۱۳۶-۱۱۷.
- موسی کاظمی، سید مهدی و سکینه علی اکبری. (۱۳۸۹). تحلیل پایداری زیست‌اجتماعی شهر ایلام با تأکید بر توزیع کاربری فضای سبز. جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۶. صص ۱۴۹-۱۳۵.
- نقدی، اسداله. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). ارزیابی مشارکتی در مناطق حاشیه و روستاهای منتخب شهرستان بهار همدان. رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶. صص ۲۱۵ تا ۲۲۹.
- هاشمی، ابراهیم. کافی، محسن. هاشمی، سید محمود و مهدی خان سفید. (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل روند تغییرات فضای سبز شهری: مطالعه موردی منطقه دو تهران. علوم محیطی، سال ششم شماره سوم. صص ۸۶-۷۳.
- Ambrey, C. Fleming, C. (2013). Public green space and life satisfaction in urban Australia. *Urban studies* 51, Pp: 1290-1321.
- Bertram, C. Rehdanz, K. (2014). The role of urban space for human well-being. Working paper, No. 1911, Pp: 1-31. www.ifw-kiel.de/ineteconomics.org
- Chiesura, A. (2004). The role of urban park for the sustainable city, *Landscape and Urban Planning* 68, Pp: 129-138.
- Hall, p. (1993). Toward sustainable, livable and innovative cities for 21st century, in proceedings of the third conference of the world capitals, Tokyo, Pp: 22-28.
- Jones, A. Hillsdon, M. Coombes, E. (2009). Green space access, use, and physical activity: Understanding the effects of area deprivation. *Preventive Medicine*, Vol 49, No 6, Pp: 500-505.
- Jorgensen, A. Hitchmough, J. Dunnett, N. (2007). Woodland as a setting for housing- appreciation and fear and the contribution to residential satisfaction and place identity in warrington new town, UK. *Landscape and urban planning*, Vol 79, No 3, Pp: 273-287.

- Kaplan, S. (1995). The restorative benefits of nature: toward an integrative framework. *Journal of environmental psychology*, Vol 15, Iss 3, Pp: 169-182.
- Kong, Fanhua & Nobukazu Nakagoshi. (2006). Spatial-temporal gradient analysis of urban green spaces in Jinan, China, *Landscape and Urban Planning* 78, Pp: 147-164.
- Mackerron, G. Mourato, S. (2013). Happiness is greater in natural environments. *Global environmental change*, Vol 23, Iss 5, Pp: 992-1000.
- Mc Cormack, G. Rock, M. Toohey, A. Hignell, D. (2010). Characteristics of urban parks associated with park use and physical activity: A review of qualitative research. *Health & Place*, Vol 16, Pp: 712-726.
- Mukoko, S. (1996). On sustainable urban development in sub-saharan Africa, *cities*, 13(40), Pp: 265-271.
- Schetke, S., S. Qureshi, S. Lautenbach, and N. Kabisch. (2016). What determines the use of urban green spaces in highly urbanized areas? Examples from two fast growing Asian cities, *Urban Forestry & Urban Greening*, Vol. 16, Pp. 150-159.
- Schipperijn, J. (2010). Use of urban green spaces. *Forest & landscape research*. Forest & landscape Denmark, Frederiksberg, No 45, P: 155.
- Sugiyama, T. Francis, J. Middeltone, N.O. wen, N. Giles- Cortti, B. (2010). Associations between recreational walking and attractiveness, size and proximity of neighbourhood open spaces. *American journal of public health*, vol 100, No 9, Pp: 1752-1757.
- Sugiyama, T. Leslie, E. Giles-corti, B. Owen, N (2008). Associations of neighbourhood Greenness with physical and mental health: Do walking, social coherence and local social interaction explain the relationships?. *Journal of epidemiology and community health*, vol 62, Pp: 1-6.
- Takano, T. Nakamura, K. Watanabe, M. (2002). Urban residential environments and senior citizens' longevity in megacity areas: the importance of walkable green spaces. *Journal of epidemiol community health*, vol 56, Pp: 913-918.
- Ulrich, R. Simons, R. Iosito, B. Fiorito, E. Miles, M. Zelson, M. (1991). Stress recovery during exposure to natural and urban environments. *Journal of environmental psychology*, Vol 11, Iss 3, Pp: 201-230.
- Van den berg, A. Ter heigne, M. (2005). Fear versus fascination: an exploration of emotional responses to natural threats. *Journal of environmental psychology*, Vol 25, Iss 3, Pp 261-272.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۲۰۰ ■

بررسی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و رابطه آن با جلوه‌های بهره‌وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار

رجب بسطامی - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران
حمدا...منظری توکلی* - استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران
سنجر سلاجقه - استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران

Review of ICT and Its Relation to Organizational Productivity Effects Based on Sustainable Development Social Approach

Abstract

Today's rapid environmental, organizational and technological changes created a complex competitive environment for organizations and by realization of productivity for sustainable development, improved the quality and quantity of life of the people. This is a qualitative-quantitative and applied research, and it is a non-experimental - survey in terms of data collection method. The study aimed to examine the factors and components related to ICT and its relation to organizational productivity based on sustainable development social approach. The population was 992 staff working in the social security organization in the Northern provinces of Iran. This study was done through simple random sampling and 300 questionnaires were distributed among subjects. Data collection tools were desk studies and questionnaires. To perform this study, factors and components related to information and communication technology (ICT), effects of organizational productivity and social approach of sustainable development were examined. SPSS, Pearson correlation coefficient and Bazargan tables were used to analyze the data and answer the questions. As a result, there was a significant direct relation between ICT and organizational productivity effects at 0.01 level (0.820). There is also a significant direct relation between factors related to ICT and organizational productivity; In such a way that the use of ICT given the social approach of sustainable development increases the organizational productivity.

Keywords: ICT; productivity effects; sustainable development.

چکیده

امروزه تغییرات سریع محیطی، سازمانی و فناوری، محیط رقابتی پیچیده‌ای را برای سازمان‌ها ایجاد کرده است و از سویی با تحقق بهره‌وری در راستای توسعه پایدار، زندگی افراد جامعه از جهت کمی و کیفی ارتقا پیدا می‌کند. تحقیق حاضر کمی-کیفی و از نوع تحقیقات کاربردی است، و با توجه به روش گردآوری از نوع غیرآزمایشی-پیمایشی می‌باشد. هدف از این تحقیق، بررسی عوامل و مولفه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات و رابطه آن با بهره‌وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار بوده است. جامعه آماری ۹۹۲ نفر از افراد شاغل در سازمان مدیریت درمان تامین اجتماعی استان‌های شمال ایران است. این پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده صورت گرفت و ۳۰۰ پرسشنامه بین افراد توزیع گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد. برای انجام این تحقیق به شناسایی عوامل و مولفه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، جلوه‌های بهره‌وری سازمانی و عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار، پرداخته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سوالات از نرم‌افزار SPSS و ضریب همبستگی پیرسون و جداول بازرگان استفاده شد. در نتیجه این تحقیق، ۰/۸۲۰ ارتباط معنادار و مستقیمی بین فناوری اطلاعات و ارتباطات و جلوه‌های بهره‌وری سازمانی در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. همچنین بین عوامل مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات با بهره‌وری سازمانی ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد. به گونه‌ای که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به مقوله رویکرد اجتماعی توسعه پایدار باعث افزایش بهره‌وری سازمان‌ها می‌شود.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، جلوه‌های بهره‌وری، توسعه پایدار.

واژه فناوری اطلاعات اولین بار در سال ۱۹۵۸ به منظور بیان نقش رایانه در پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌ها و پردازش اطلاعات در سازمان به کار گرفته شد (زرگر، ۱۳۸۴، ص ۴۵). دو دیدگاه کلی در مورد فناوری اطلاعات وجود دارد. در دیدگاه اول فناوری اطلاعات زیر مجموعه‌ای از سیستم‌های اطلاعاتی محسوب می‌شود، که سیستم‌های اطلاعاتی شامل سخت افزارها، نرم افزارها، پایگاه داده و فناوری‌های اطلاعاتی می‌باشد. در دیدگاه دوم فناوری اطلاعات شامل سیستم‌های اطلاعاتی مختلف، کاربران و مدیران آن‌ها می‌باشد (شیکری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰). امروزه صرفه‌جویی زیادی در منابع و کاهش هزینه‌های سازمان‌ها با به‌کارگیری فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد که این امر باعث افزایش بهره‌وری سازمان‌ها گردیده است (طالقانی، ۱۳۹۳، ص ۶۹). توسعه، فرایندی است عجیب با طیف وسیعی از مطالعات، برنامه‌ریزی‌ها، گزارش‌ها، تصمیم‌سازی‌ها، ابتکارها (پیران نژاد، ۱۳۹۲). توسعه در حوزه‌های اجتماعی، از جمله دغدغه‌های پیشروی هر جامعه‌ای است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران و محققان را به خود معطوف کرده است (خاکباز، ۱۳۹۱). توسعه پایدار به معنی اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع مالی، نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به‌کارگیری امکانات فنی، ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به‌طور رضایت بخش امکان‌پذیر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۱). توسعه پایدار نه فقط بهبود نسل حاضر بلکه نسل‌های آینده را نیز را در نظر دارد (ترابی، ۱۳۹۱).

سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق‌بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. جمعیت تحت پوشش این سازمان، شامل حدود ۱۲ میلیون نفر بیمه شده و بیش از ۲ میلیون

نفر مستمری‌بگیر است که با در نظر گرفتن افراد خانواده بیمه‌شدگان، جمعیت تحت پوشش این سازمان برای خدمات درمانی به بیش از ۳۷ میلیون نفر می‌رسد (پیران نژاد، ۱۳۹۲). مهمترین تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای قانون تأمین اجتماعی و مقررات مربوط، عبارتند از: حمایت در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری، مستمری بازنشستگی، مستمری از کارافتادگی مستمری بازماندگان مقرری بیمه بیکاری، غرامت دستمزد ایام بیماری، پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی، کمک هزینه ازدواج (ترابی، ۱۳۹۱).

۲. مروری بر پیشینه تحقیق و چارچوب نظری

فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعریف نظری: فناوری اطلاعات شامل موضوعات مربوط به مباحث پیشرفته علوم و فناوری کامپیوتری، طراحی کامپیوتری، پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی و کاربردهای آن است (صرافی زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۳). فن آوری اطلاعات و ارتباطات مشتمل بر ۳ بخش است: الف. زیر ساخت، ب. فن آوری، ج. کاربرد. تعریف عملیاتی: در این پژوهش، منظور از فناوری اطلاعات و ارتباطات، هرگونه استفاده از شبکه‌های ارتباطی و سیستم‌های مکانیکی و همچنین سیستم‌های اطلاعاتی شامل سخت افزارها و نرم افزارهای کامپیوتری و الکترونیکی مانند استفاده از رایانه، اینترنت، نرم افزارهای آموزشی و چندرسانه‌ای، نرم افزارهای کاربردی، شبکه‌های اجتماعی و آموزشی، آموزش (یادگیری) الکترونیکی، استفاده از تجهیزات سخت افزاری، پرینتر، اسکنر، اتوماسیون اداری و سیستم‌های پشتیبانی در مدیریت درمان سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد که بدنبال اهداف ذیل می‌باشد: ۱. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت جستجوی اطلاعات برای شناسایی مراجعین و ذینفعان. ۲. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت پشتیبانی فعالیتهای انجام خدمات. ۳. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پشتیبانی توسعه روابط بلندمدت با مراجعین (مقیم‌می و حسین‌زاده،

۱۳۹۲، ص ۲۵۱). مزایای فناوری‌های اطلاعاتی عبارتند از: ۱. تسهیل یادگیری سازمانی و تبدیل سازمان سنتی به سازمان یادگیرنده. ۲. به‌روز کردن اطلاعات سازمانی و ایجاد توانایی تحلیل اطلاعات. ۳. ذخیره‌سازی حجم بالایی از اطلاعات. ۴. تسهیل برقراری ارتباطات سریع و ارزان درون و بین سازمان. ۵. رواج کار از راه دور نظیر انجام کارها در منزل. ۶. افزایش بازارهای مجازی جهت خرید و فروش کالاها نظیر خرید و فروش کالاها در شبکه اینترنت. ۷. کارآفرینی در زمینه‌های سخت‌افزار، نرم‌افزار، شبکه، امنیت شبکه، مخابرات، کارت‌های هوشمند، شرکت‌های مشاوره. ۸. سرعت بخشیدن به انجام کارها به دلیل استفاده از سیستم‌های پیپرس. ۹. کارا شدن ساختارها به دلیل کوتاه‌تر شدن سطوح ساختاری و امکان استفاده از ساختارهای مجازی. ۱۰. کمک به مدیران در انجام هر چه بهتر وظایف متداول نظیر برنامه‌ریزی، رهبری، کنترل. ۱۱. بهبود رابطه سازمان با مشتری و ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان (مقیمی و حسین‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۶۴).

بهره‌وری سازمانی: استفاده بهینه از منابع سازمان به منظور رسیدن به اهداف کارا و اثربخش. تعریف عملیاتی: نظر به اینکه سازمان تامین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر و خدماتی است و از سویی بصورت عمومی غیر دولتی است تمامی ابعاد بهره‌وری سازمانی و نظر خبرگان در این تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. مهارت‌های ۷ گانه افزایش بهره‌وری در سازمان عبارتند از: ۱. هوشیاری نسبت به مشتری، ۲. همسویی راهبردی، ۳. سازگاری با محیط، ۴. هدایت یافتگی درونی، ۵. هوش ابتکاری، ۶. جهت‌گیری فرایندی، ۷. چشم‌انداز کار تیمی (رضاییان، ۱۳۸۸).

توسعه پایدار: توسعه پایدار رشدی است اقتصادی و اجتماعی که عدالت و امکانات زندگی برای تمامی مردم جهان و تمامی نسل‌ها بدون تخریب بیش از پیش ظرفیت و منابع طبیعی محدود جهان به همراه داشته باشد (ترابی، ۱۳۹۱). توسعه

پایدار نیازمند توسعه عوامل ذیل می‌باشد: ۱. سیاست‌گذاری، استراتژی‌ها و طرح‌های اجرایی مناسب. ۲. توافق‌نامه‌های موسسه‌ای. ۳. آگاهی عمومی، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی مناسب. ۴. مکانیزم‌های مالی مناسب. ۵. ظرفیت‌سازی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی. ۶. گسترش فناوری‌های پاک. ۷. تولید و توسعه دانش محور (محمودزاده، ۱۳۸۷).

توسعه اجتماعی: بعد اجتماعی رویکرد توسعه پایدار، متفکرین توسعه را بر آن داشت تا نیاز به برابری را در جامعه با تاکید بر کاهش تنش‌های اجتماعی، ترویج نقش سرمایه انسانی و ترویج ارزش‌های اجتماعی، پویایی درآمد و اشتغال، سلامت و بهداشت و مشارکت‌های مدنی مورد نظر قرار دهند، که به واقع موارد فوق می‌تواند از محورهای اصلی توسعه پایدار اجتماعی باشد و نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی ایفا نماید. در این پژوهش مدیریت درمان تامین اجتماعی، حلقه اتصال این رابطه‌ها برای بهبود عملکرد پایدار خود با رویکرد توسعه اجتماعی برای ارائه خدمات مطلوب را دنبال می‌کند (زارعی، ۱۳۷۴).

بهره‌وری در سازمان تامین اجتماعی: سازمان تامین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر و خدماتی است و بصورت عمومی غیردولتی تعریف شده در نتیجه تمامی ابعاد بهره‌وری سازمانی و نظر خبرگان در این تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد (زاهدی، ۱۳۷۹). متغیرهای جلوه‌های بهره‌وری سازمانی: نتایج فعالیت‌هایی که در رابطه با بهره‌وری صورت می‌گیرد را می‌توان در چهار جلوه ویژگی مرتبط با هم نشان داد، که عبارتند از: ۱. کاهش هزینه، ۲. کم شدن زمان، ۳. افزایش کمیت، ۴. بهبود کیفیت. استراتژی‌های افزایش بهره‌وری می‌توانند یکی یا ترکیبی از جلوه‌های فوق باشند (خاکی، ۱۳۸۶) و (کلانتر، ۱۳۸۵).

عوامل انسانی مؤثر در بهره‌وری سازمان‌ها: عوامل انسانی مؤثر در بهره‌وری سازمان‌ها به دو دسته کلی عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی

تقسیم می شوند. عوامل درون سازمانی عبارتند از:

۱. میزان اثربخشی رهبری و مدیریت در سازمان.
۲. میزان اثربخشی روش ارزیابی عملکرد افراد.
۳. میزان اثربخشی شیوه های آموزشی کارکنان.
۴. میزان اعتبار روش های انتخاب کارکنان.
۵. کیفیت برنامه های تجزیه و تحلیل مشاغل.
۶. ماهیت نگرش های کارکنان.
۷. ماهیت فرهنگ سازمانی.
۸. سطح انگیزه افراد برای انجام وظایف شغلی.
۹. ماهیت شبکه های ارتباطی در سازمان. عوامل برون سازمانی عبارتند از:
۱. اوضاع سیاسی کشور.
۲. فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های جامعه.
۳. سوابق تاریخی کشور.
۴. موقعیت جغرافیایی کشور.
۵. اوضاع اقتصادی کشور.
۶. وضعیت روانی مردم.
۷. دسترسی به منابع و اطلاعات علمی.
۸. بهره گیری از نیروی کار متخصص در کشور.
۹. نقش متخصصان در کشور.
۱۰. نقش خانواده کارکنان در بهره وری سازمان (زاهدی، ۱۳۸۶).

متغیرهای رویکرد اجتماعی توسعه پایدار: نتایج فعالیت هایی که در رابطه با رویکرد اجتماعی توسعه پایدار صورت میگیرد در چهار عامل عبارتند:

۱. سرمایه انسانی،
۲. عدالت اجتماعی،
۳. کیفیت زندگی،
۴. فرهنگ اجتماعی (زاهدی، ۱۳۸۶).

در عصر کنونی با وجودی که بهره وری سازمانی، لایه های مختلف جوامع را در هم نوردیده و تأثیرات شگرفی بر آنها داشته، متأسفانه پژوهش های اندکی به مطالعه این تأثیرات پرداخته اند (محمودزاده، ۱۳۸۸). با وجود تأثیرات پرشماری که بهره وری سازمانی بر توسعه یافتگی جوامع داشته اند و با وجود مطالعاتی که بر نقش بهره وری سازمانی بر تعالی بخشی و توسعه یافتگی جوامع انجام شده است، متأسفانه نبود یک مطالعه جامع که به بررسی و تبیین این تأثیرات بر توسعه جوامع و به طور ویژه در کشور، به صورت شفاف تر و دقیق تر بپردازد، در میان پژوهش های مرتبط مشهود است (زاهدی، ۱۳۷۹). با تحقق بهره وری در راستای توسعه پایدار زندگی افراد جامعه از جهت

کمی و کیفی ارتقا پیدا می کند. این امر زمینه ارتقای سطح امکانات تحصیلی، بهداشتی و روانی را فراهم می سازد و خود موجب استفاده بهتر از محیط طبیعی و انسانی می شود (میلیام، ۲۰۰۹) و (خسروی، ۱۳۸۴). در بهره وری از نگاه توسعه پایدار، سازمان می کوشد تا محیط اجتماعی را در رابطه با عملیات خود مد نظر داشته باشد. همین امر بیانگر ضرورت انجام پژوهشی در این خصوص بوده و پژوهشگران حاضر را بر آن داشت تا به مطالعه و بررسی این آثار در کشور بپردازند (مکنزی، ۲۰۰۴) و (جهانگیری، ۱۳۸۶). پژوهش حاضر با توجه به دغدغه های موجود در بخش درمان سازمان تامین اجتماعی به بررسی متغیرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و رابطه آن با جلوه های بهره وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار و توجه به پایداری بهره وری که در سرلوحه آن منابع انسانی است می پردازد. مسئله اساسی این است که بهره وری سازمانی چگونه بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در سازمان تامین اجتماعی تأثیر می گذارد. به همین منظور، این پژوهش با هدف بررسی متغیرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و رابطه آن با جلوه های بهره وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار انجام شد. در این مقاله با توجه به مفاهیم فناوری اطلاعات و ارتباطات، متغیرهای بهره وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار، به معرفی موضوع تحقیق پرداخته شده و چگونگی روابط موجود بین متغیرها و تأثیر متقابلی که بر هم و نهایتاً بر روی رویکرد اجتماعی توسعه پایدار دارد اشاره شد. قلمرو موضوعی این تحقیق به بررسی متغیرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و جلوه های بهره وری سازمانی مبتنی بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار می پردازد. قلمرو مکانی این تحقیق، مدیریت درمان تامین اجتماعی استان های مازندران، گیلان، گلستان، اردبیل و خراسان شمالی می باشد. این تحقیق در بازه زمانی سال ۱۳۹۵ انجام گردیده است.

۲. روش پژوهش

تحقیق حاضر کمی و کیفی می‌باشد و با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی، و با توجه به روش گردآوری آن از نوع غیر آزمایشی-پیمایشی می‌باشد. این تحقیق در ۷ گام انجام شد که عبارتند از: گام اول: بررسی جوانب و موضوعات مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات، جلوه‌های بهره‌وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار و تدوین چارچوب نظری تحقیق. گام دوم: بررسی پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی. گام سوم: مشخص شدن جامعه آماری و روش نمونه‌گیری. گام چهارم: مشخص شدن ابزار جمع‌آوری داده‌ها. گام پنجم: تعیین روایی و پایایی ابزار سنجش داده‌ها. (برای این منظور، متغیرهای تحقیق که عوامل و مولفه‌های جلوه‌های بهره‌وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار بودند، بررسی گردید). گام ششم: تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS، LIZREL، AMOS و گام هفتم: نتیجه‌گیری نهایی.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق ۹۹۲ نفر شامل کلیه مدیران واحدها و معاونین، سرپرستاران، سوپروایزران آموزشی و بالینی و مدیران پرستاری، مسئولین امور پشتیبانی شاغل در بیمارستان‌ها، درمانگاه و پلی کلینیک‌ها، دفتر رسیدگی به اسناد پزشکی و ستاد مدیریت درمان تامین اجتماعی استانهای شمال ایران است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در سطح مدیریت درمان استان‌های شمال کشور صورت گرفته است و ۳۰۰ پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع گردید که ۲۹۷ نسخه جمع‌آوری و مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار گرفت. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید.

روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

برای بدست آوردن اطلاعات از جامعه آماری و به منظور پاسخ به سوالات تحقیق از پرسش‌نامه استفاده گردید. بخش مهم داده‌های تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شد که عبارتند از: الف. پرسش‌نامه فناوری اطلاعات و ارتباطات: این پرسشنامه دارای سه مولفه اصلی و مشتمل بر ۳۱ سوال به شیوه طیف لیکرت ۵ پاسخی: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد می‌باشد. ب. پرسش‌نامه بهره‌وری سازمانی: این پرسشنامه دارای چهار مولفه اصلی و مشتمل بر ۱۸ سوال به شیوه طیف لیکرت ۵ پاسخی: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد می‌باشد. ج. پرسشنامه رویکرد اجتماعی توسعه پایدار: این پرسشنامه دارای چهار مولفه اصلی و مشتمل بر ۲۱ سوال به شیوه طیف لیکرت ۵ پاسخی: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد می‌باشد.

بررسی پایایی و روایی پرسش‌نامه‌ها

برای این منظور با استفاده از مطالعات میدانی نسبت به جمع‌آوری داده‌ها به منظور شناخت متغیرهای تحقیق که عوامل و مولفه‌های اثرگذار فناوری اطلاعات و ارتباطات و جلوه‌های بهره‌وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار بودند، توسط ۳۰ نفر از کارشناسان خبره که آشنا و مسلط به مباحث سازمان تامین اجتماعی بودند انجام شد و برای این مرحله از روش دلفی استفاده شد.

۱. پایایی پرسشنامه: در این تحقیق برای اندازه‌گیری پایایی ابزار اندازه‌گیری، پایایی درونی محاسبه شده است. برای بررسی پایایی درونی پرسشنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و جلوه‌های بهره‌وری سازمانی و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار، از آلفای کرونباخ استفاده شده و با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ قرار گرفته است پایایی درونی هر سه پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. مقدار این آماره‌ها نشان می‌دهد که پرسشنامه‌ها از پایایی بالایی برخوردارند. در جدول

۱. پایایی پرسشنامه های فناوری اطلاعات و ارتباطات و مؤلفه های آن ، جلوه های بهره وری و مؤلفه های آن و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار و مؤلفه های آن نشان داده شده است.

۲. روایی پرسشنامه: در تعیین روایی پرسشنامه ها در این پژوهش، ۱. روایی محتوا و ۲. روایی سازه مدنظر است. در روایی محتوا: به بیان الف. شناسایی مؤلفه های عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات و ب. شناسایی مؤلفه های عوامل رویکرد جلوه های بهره وری و ج. شناسایی مولفه های عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار پرداخته شده است.

الف. شناسایی مؤلفه های عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات: جهت شناسایی مؤلفه های عوامل از ۲ روش استفاده شده: ۱. روش تحلیل عاملی بر روی مؤلفه ها به روش تجزیه به مؤلفه های اصلی و ۲. چرخش واریماکس. تحلیل عاملی نوعی روش آماری است که هدف از کاربرد آن، ارائه مجموعه ای از متغیرها بر حسب تعداد کمتری از متغیرهای فرضی است. در تحلیل عاملی تعداد زیادی از متغیرها بر حسب تعداد کمی از ابعاد یا سازه ها بیان می شود. این سازه، فاکتور یا عامل نامیده می شود. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۳۱ زیر مؤلفه مربوط به عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات در ۳ عامل خلاصه شده اند: ۱. شبکه های ارتباطی، ۲. سیستم های مکانیزه اداری، ۳. سیستم های اطلاعات مدیریت. برای اطمینان از اعتبار داده ها و بررسی صحت نمونه گیری قبل از تحلیل عاملی از معیار کایزر، میجر، ال کین (KMO) استفاده شده است. این روش ضریب همبستگی داده ها را محاسبه می کند هر چقدر KMO بزرگ تر باشد داده ها برای تحلیل مناسب تر هستند. مقدار KMO بین صفر و یک است و داده های بالاتر از ۰/۷ برای تحلیل مناسب هستند. آزمون کرویت بارتلت نشان می دهد متغیرها با هم رابطه دارند و نتایج تحلیل عاملی قابل اعتماد است. بر اساس یافته ها مقدار KMO برای کیفیت نمونه گیری برابر با ۰/۸۱۴ است. مقدار قابل قبولی است. با توجه به معناداری آزمون بارتلت ($p < 0/05$ مقدار) شرایط لازم برای

جدول ۱. پایایی پرسشنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات جلوه های بهره وری و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار

تعداد سوالات هر بعد	آلفای کرونباخ	مؤلفه	پایایی پرسشنامه
۱۰	۰/۸۳۹	شبکه های ارتباطی	فناوری اطلاعات و ارتباطات
۹	۰/۹۱۲	سیستم های مکانیزه	
۱۲	۰/۷۳۴	سیستم های اطلاعات	
۳۱	۰/۷۱۴	پرسشنامه فناوری	
۶	۰/۷۰۵	کم شدن هزینه ها	جلوه های بهره وری سازمانی
۳	۰/۸۷۴	کم شدن زمان	
۵	۰/۸۹۶	افزایش کمیت	
۴	۰/۸۳۵	بهبود کیفیت	
۱۸	۰/۹۲۰	پرسشنامه بهره وری	رویکرد اجتماعی توسعه پایدار
۵	۰/۹۶۵	سرمایه انسانی	
۵	۰/۸۱۶	عدالت اجتماعی	
۵	۰/۸۶۷	کیفیت زندگی	
۶	۰/۹۴۵	فرهنگ اجتماعی	
۲۱	۰/۷۲۶	پرسشنامه توسعه اجتماعی	

جدول ۲. آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات

آزمون	آماره	درجه آزادی	p-مقدار
کایزر، میجر، الکین	۰/۸۱۴	-	-
آزمون کرویت بارتلت	۶۷۵۹/۴۱۲	۶۱۱	۰/۰۱۲

جدول ۳. آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل جلوه‌های بهره‌وری

آزمون	آماره	درجه آزادی	p-مقدار
کایزر، میجر، الکین	۰/۹۱۵	-	-
آزمون کرویت بارتلت	۶۳۴۵/۴۳۱	۶۰۸	۰/۰۰۲

جدول ۴. آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار

آزمون	آماره	درجه آزادی	p-مقدار
کایزر، میجر، الکین	۰/۸۹۷	-	-
آزمون کرویت بارتلت	۷۱۲۱/۱۵۶	۷۲۷	۰/۰۰۴

توسعه پایدار: جهت شناسایی مؤلفه‌های عوامل از ۲ روش استفاده شده: ۱. روش تحلیل عاملی بر روی مؤلفه‌ها به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی. ۲. چرخش واریماکس. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۲۱ زیر مؤلفه مربوط به رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در ۴ عامل خلاصه شده‌اند: ۱. سرمایه انسانی، ۲. عدالت اجتماعی، ۳. کیفیت زندگی، ۴. فرهنگ اجتماعی. بر اساس یافته‌ها مقدار KMO برای کیفیت نمونه‌گیری برابر با ۰/۸۹۷ است که مقدار قابل قبولی است (بزرگ‌تر از ۰/۷). با توجه به معناداری آزمون بارتلت ($p < 0.05$) شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است. در جدول ۴ آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار نشان داده شده است.

روایی سازه: در روایی سازه به بیان الف. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات و ب. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل جلوه‌های بهره‌وری و ج. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار

انجام تحلیل عاملی برقرار است. در جدول ۲ آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات نشان داده شده است.

ب. شناسایی مؤلفه‌های عوامل رویکرد جلوه‌های بهره‌وری سازمانی: جهت شناسایی عوامل رویکرد جلوه‌های بهره‌وری از ۲ روش استفاده شده: ۱. روش تحلیل عاملی بر روی مؤلفه‌ها به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی. ۲. چرخش واریماکس. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۱۸ زیر مؤلفه مربوط به عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در ۴ عامل خلاصه شده‌اند: ۱. کم شدن هزینه‌ها. ۲. کم شدن زمان. ۳. افزایش کمیت. ۴. بهبود کیفیت. بر اساس یافته‌ها مقدار KMO برای کیفیت نمونه‌گیری برابر با ۰/۹۱۵ است که مقدار قابل قبولی است (بزرگ‌تر از ۰/۷). با توجه به معناداری آزمون بارتلت در هر دو گروه ($p < 0.05$) شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است. در جدول ۳ آزمون اعتبار و صحت نمونه‌گیری عوامل جلوه‌های بهره‌وری نشان داده شده است.

ج. شناسایی مؤلفه‌های عوامل رویکرد اجتماعی

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات

شاخص	حد مطلوب آماره	مقدار گزارش شده
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA)	$\leq 0/08$	0/031
نسبت χ^2/df دو	کمتر از ۳	۲/001
برازندگی (GFI)	$\geq 0/90$	0/914
برازندگی تعدیل یافته (AGFI)	$\geq 0/90$	0/913
برازش مقایسه‌ای (CFI)	$\geq 0/90$	0/891
برازش نرم (NFI)	$\geq 0/90$	0/907
برازش غیر نرم (TLI)	$\geq 0/90$	0/917
برازش افزایشی (IFI)	$\geq 0/90$	0/956

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل عوامل جلوه‌های بهره‌وری

شاخص	حد مطلوب آماره	مقدار گزارش شده
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA)	$\leq 0/08$	0/0413
نسبت χ^2/df دو	کمتر از ۳	۱/۶۴۵
برازندگی (GFI)	$\geq 0/90$	0/894
برازندگی تعدیل یافته (AGFI)	$\geq 0/90$	0/904
برازش مقایسه‌ای (CFI)	$\geq 0/90$	0/975
برازش نرم (NFI)	$\geq 0/90$	0/899
برازش غیر نرم (TLI)	$\geq 0/90$	0/906
برازش افزایشی (IFI)	$\geq 0/90$	0/923

(کم شدن هزینه‌ها، کم شدن زمان، افزایش کمیت

و بهبود کیفیت) متغیر مکنون عوامل جلوه‌های بهره‌وری را به خوبی توصیف می‌کنند. در جدول ۶ شاخص‌های نیکویی برازش مدل عوامل جلوه‌های بهره‌وری سازمانی نشان داده شده است.

ج. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار: بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش، مدل برازش داده شده از مناسبت برخوردار است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت شاخص‌های (سرمایه انسانی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی و فرهنگ اجتماعی) متغیر مکنون عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار را به خوبی توصیف می‌کنند. در جدول ۷ شاخص‌های نیکویی برازش مدل عوامل جلوه‌های بهره‌وری

پرداخته شده است.

الف. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات: بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش، مدل برازش داده شده از مناسبت برخوردار است. با توجه به نتایج، شاخص‌های: (شبکه‌های ارتباطی، سیستم‌های مکانیزه اداری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت) متغیر مکنون عوامل اطلاعات و ارتباطات را به خوبی توصیف می‌کنند. در جدول ۵ شاخص‌های نیکویی برازش مدل عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات نشان داده شده است

ب. تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه عوامل جلوه‌های بهره‌وری سازمانی: بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش، مدل برازش داده شده از مناسبت برخوردار است. با توجه به نتایج می‌توان گفت شاخص‌های

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار

شاخص	حد مطلوب آماره	مقدار گزارش شده
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA)	$\leq 0/08$	0/031
نسبت خی دو (χ^2/df)	کمتر از ۳	۲/001
برازندگی (GFI)	$\geq 0/90$	0/914
برازندگی تعدیل یافته (AGFI)	$\geq 0/90$	0/913
برازش مقایسه‌ای (CFI)	$\geq 0/90$	0/891
برازش نرم (NFI)	$\geq 0/90$	0/907
برازش غیر نرم (TLI)	$\geq 0/90$	0/917
برازش افزایشی (IFI)	$\geq 0/90$	0/956

جدول ۸. مقیاس نمره‌گذاری (بازرگان، ۱۳۹۰)

شاخص	حد مطلوب آماره	مقدار گزارش شده
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA)	$\leq 0/08$	0/043
نسبت خی دو (χ^2/df)	کمتر از ۳	۱/۶۴۵
برازندگی (GFI)	$\geq 0/90$	0/894
برازندگی تعدیل یافته (AGFI)	$\geq 0/90$	0/904
برازش مقایسه‌ای (CFI)	$\geq 0/90$	0/975
برازش نرم (NFI)	$\geq 0/90$	0/899
برازش غیر نرم (TLI)	$\geq 0/90$	0/906
برازش افزایشی (IFI)	$\geq 0/90$	0/923

سازمانی نشان داده شده است.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و نرم افزار لیزرل و نرم افزار AMOS صورت گرفت. بدین صورت که از آمار توصیفی برای تعیین شاخص‌های مرکزی و برای پاسخ به سوالات تحقیق از روش‌های آماری از جداول و نمودارهای توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، جداول بازرگان و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های توصیف متغیرهای تحقیق

برای توصیف متغیرهای تحقیق از میانگین، میانه و مد استفاده شده و برای تفسیر بهتر میانگین از مقیاس نمره‌گذاری بازرگان. در جدول ۸ مقیاس

نمره‌گذاری بازرگان نشان داده شده است.

توصیف متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات: سوال اصلی ۱. میزان فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ پاسخ: نحوه ساخت این متغیر از ۳۱ سؤال ۵ گزینه‌ای تشکیل شده است. میانگین مشاهده شده برای این متغیر برابر با ۳/۶۹، میانه آن برابر با ۳/۶۵، مد ۳/۵۵، انحراف معیار ۰/۱۹۱، کمترین ۳/۲۹ و بیشترین ۴/۱۱ مشاهده شده است. همچنین میانگین متغیر فناوری ۳/۶۹ است که بر اساس مقیاس بازرگان، متغیر فناوری در سطح خوب قرار گرفته است. در جدول ۹ توصیف متغیر فناوری در میان آزمودنی‌ها نشان داده شده است.

جدول ۹. توصیف متغیر فناوری در میان آزمودنی‌ها

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
فناوری	۳/۶۹	۳/۶۵	۳/۵۵	۰/۱۹۱	۳/۲۹	۴/۱۱

جدول ۱۰. توصیف ابعاد متغیر فناوری در میان آزمودنی‌ها

بعد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سیستم‌های مکانیزه اداری	۳/۷۱	۳/۵	۳/۳۰	۰/۴۳	۳/۱۰	۴/۷۰
شبکه‌های ارتباطی	۳/۷۳	۳/۶۶	۳/۷۸	۰/۱۷	۳/۲۲	۴/۱۱
سیستم‌های اطلاعات مدیریت	۳/۶۴	۳/۵۸	۳/۵۵	۰/۱۰	۳/۳۳	۳/۸۳

جدول ۱۱. توصیف متغیر بهره‌وری در میان آزمودنی‌ها

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
بهره‌وری	۴/۰۳	۳/۹۵	۳/۹۵	۰/۱۲۸	۳/۹۰	۴/۳۴

جدول ۱۲. توصیف ابعاد متغیر جلوه‌های بهره‌وری در میان آزمودنی‌ها

بعد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کم شدن هزینه‌ها	۴/۰۲	۳/۸۳	۳/۸۳	۰/۳۰۷	۳/۸۳	۴/۶۷
کم شدن زمان	۳/۷۰	۳/۶۶	۳/۶۷	۰/۱۰۳	۳/۶۷	۴/۰۰
تنوع خدمات	۴/۶۸	۴/۸	۴/۸	۰/۲۱۵	۴/۲۰	۵/۰۰
بهبود کیفیت	۳/۷۳	۳/۵	۳/۵	۰/۳۵۴	۳/۵	۴/۵

سوال فرعی ۱. میزان شبکه‌های ارتباطی در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۲. میزان سیستم‌های مکانیزه اداری در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۳. میزان سیستم‌های اطلاعات مدیریت در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ پاسخ: با توجه به میانگین‌های تجربی و بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت: بعد سیستم‌های مکانیزه اداری در سطح خوب قرار گرفته است، بعد شبکه‌های ارتباطی در سطح خوب قرار دارد و بعد سیستم‌های اطلاعات مدیریت نیز در سطح خوب قرار گرفته است. اطلاعات توصیفی ابعاد متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل میانگین، میانه، مد، انحراف معیار، کمترین و بیشترین در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

سوال فرعی ۲. توصیف متغیر جلوه‌های بهره‌وری: سوال اصلی ۲. میزان جلوه‌های بهره‌وری در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ پاسخ: نحوه ساخت این متغیر از ۱۸ سؤال ۵ گزینه‌ای تشکیل شده است. میانگین مشاهده شده برای این متغیر برابر با ۳/۶۹، میانه آن برابر با ۴/۰۳، مد ۳/۹۵، انحراف معیار ۰/۱۲۸، کمترین ۳/۹۰ و بیشترین ۴/۳۴ مشاهده شده است. همچنین میانگین متغیر بهره‌وری ۴/۰۳ است که بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر عوامل سازمانی در سطح قوی قرار گرفته است. در جدول ۱۱ توصیف متغیر جلوه‌های بهره‌وری در میان آزمودنی‌ها نشان داده شده است.

سوال فرعی ۴. میزان کاهش هزینه‌ها در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۵. میزان کم شدن زمان انجام خدمات در

جدول ۱۳ توصیف متغیر توسعه پایدار در میان آزمودنی‌ها

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
توسعه پایدار	۳/۳۴	۳/۲۷	۳/۲۸	۰/۱۷۸	۳/۰۸	۳/۷۷

جدول ۱۴. توصیف ابعاد متغیر توسعه پایدار در میان آزمودنی‌ها

بعد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سرمایه انسانی	۲/۹۸	۳/۰	۳/۰	۰/۳۸۳	۲/۶۰	۳/۸۰
عدالت اجتماعی	۳/۰۵	۳/۰۰	۲/۸۰	۰/۲۹۶	۲/۸۰	۳/۶۰
کیفیت زندگی	۳/۸۳	۴/۰۰	۴/۰۰	۰/۲۱۴	۳/۴۰	۴/۲۰
فرهنگ اجتماعی	۳/۴۸	۳/۵	۳/۵	۰/۱۴۷	۳/۱۷	۳/۸۳

سوال فرعی ۸. میزان سرمایه انسانی در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۸. میزان عدالت اجتماعی در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۱۰. میزان کیفیت زندگی در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ سوال فرعی ۱۱. میزان فرهنگ اجتماعی در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ پاسخ: با توجه به میانگین‌های تجربی و بر اساس مقیاس بازگان، بعد کم شدن هزینه‌ها در سطح قوی، بعد کم شدن زمان در سطح خوب، بعد تنوع خدمات در سطح قوی و بعد بهبود کیفیت در سطح خوب قرار گرفته است. اطلاعات توصیفی ابعاد متغیر جلوه‌های بهره‌وری شامل میانگین، میانه، مد، انحراف معیار، کمترین و بیشترین در جدول ۱۲ نشان داده شده است.

۳. توصیف متغیر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار: سوال اصلی ۳. میزان رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تامین اجتماعی چقدر است؟ پاسخ: نحوه ساخت این متغیر از ۲۱ سؤال ۵ گزینه‌ای تشکیل شده است. میانگین مشاهده شده برای این متغیر برابر با ۳/۶۹، میانه آن برابر با ۳/۶۵، مد ۳/۵۵، انحراف معیار ۰/۱۹۱، کمترین ۳/۲۹ و بیشترین ۴/۱۱ مشاهده شده است. همچنین میانگین متغیر توسعه ۳/۳۴ است که بر اساس مقیاس بازگان، متغیر عوامل سازمانی در سطح بیش از رضایت بخش قرار گرفته است. در جدول ۱۳ توصیف متغیر توسعه در میان آزمودنی‌ها نشان داده شده است.

۲. یافته‌های بررسی نرمال بودن توزیع متغیر در این بخش برای تعیین نرمال بودن متغیرهای مدل از فرضیه استفاده شده است: H_0 : متغیر مدل از توزیع نرمال پیروی می‌کند. H_1 : متغیر مدل از توزیع جهت بررسی فرضیات تحقیق در آزمون‌های آماری بررسی نحوه توزیع داده‌ها است. چنانچه داده‌ها

دارای توزیع نرمال باشند می‌توان از آزمون‌های پارامتری برای بررسی فرضیات استفاده کرد و در صورت عدم برقراری فرض نرمال از آزمون‌های ناپارامتری استفاده می‌شود. قبل از بررسی فرضیات تحقیق، نرمال بودن متغیرهای مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون نشان‌دهنده آن است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرهای تحقیق برقرار است ($p > 0/05$ -مقدار). نتایج بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق در جدول ۱۵ نشان داده شده است.

۳. یافته‌های بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش

جهت بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده. سوال اصلی ۴. آیا بین متغیرهای پژوهش در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون $0/820$ ، $0/670$ و $0/779$ ارتباط معنادار و مستقیمی بین متغیرهای پژوهش در سطح $0/01$ وجود دارد. در جدول ۱۶ نتایج آزمون همبستگی جهت بررسی رابطه بین متغیرها نشان داده شده است.

سوال فرعی ۱۲. آیا بین شبکه‌های ارتباطی و جلوه‌های بهره‌وری در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون ارتباط معنادار و مستقیمی بین شبکه‌های ارتباطی و جلوه‌های بهره‌وری در سطح $0/01$ وجود دارد.

سوال فرعی ۱۳. آیا بین سیستم‌های مکانیزه اداری و جلوه‌های بهره‌وری سازمانی در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/844$ ارتباط معنادار و مستقیمی بین سیستم‌های مکانیزه اداری و جلوه‌های بهره‌وری در سطح $0/01$ وجود دارد.

سوال فرعی ۱۴. آیا بین سیستم‌های اطلاعات

مدیریت و جلوه‌های بهره‌وری سازمانی در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/631$ ارتباط معنادار و مستقیمی بین سیستم‌های اطلاعات مدیریت و جلوه‌های بهره‌وری در سطح $0/01$ وجود دارد. نتایج بررسی رابطه بین ابعاد متغیرها در برابر متغیرها در جدول ۱۷ نشان داده شده است.

سوال فرعی ۱۵. بین کاهش هزینه‌ها و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/714$ ارتباط معنادار و مستقیمی کاهش هزینه‌ها و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در سطح $0/01$ وجود دارد.

سوال فرعی ۱۶. بین کم شدن زمان انجام خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/609$ ارتباط معنادار و مستقیمی بین کم شدن زمان انجام خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه دار در سطح $0/01$ وجود دارد.

سوال فرعی ۱۷. بین تنوع خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/843$ - ارتباط معنادار و معکوس بین تنوع خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در سطح $0/01$ وجود دارد.

سوال فرعی ۱۸. بین بهبود کیفیت خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تامین اجتماعی رابطه وجود دارد؟ پاسخ: با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده $0/845$ ارتباط معنادار و مستقیمی بین بهبود کیفیت خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه در سطح $0/01$ وجود دارد. نتایج بررسی رابطه بین ابعاد متغیرها در برابر متغیرها در جدول ۱۷ نشان داده

جدول ۱۵. بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیر	کولمو گوروف - اسمیرنوف	P-مقدار
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۰۴۸	>۰/۰۵
جلوه های بهره وری	۰/۰۵۷	>۰/۰۵
رویکرد اجتماعی توسعه پایدار	۰/۰۳۴	>۰/۰۵

جدول ۱۶. بررسی رابطه بین متغیرها

متغیر	فناوری	بهره وری	توسعه
فناوری	۱	۰/۸۲۰**	۰/۶۷۰**
بهره وری	۰/۸۲۰**	۱	۰/۷۷۹**
توسعه	۰/۶۷۰**	۰/۷۷۹**	۱

جدول ۱۷. بررسی رابطه بین ابعاد متغیرها در برابر متغیرها

متغیر	فناوری	توسعه	بهره وری
سیستم های مکانیزه اداری	۰/۹۴۲**	۰/۷۳۵**	۰/۸۴۴**
شبکه های ارتباطی	۰/۵۳۵**	۰/۰۵۶	۰/۲۳۰**
سیستم های اطلاعات مدیریت	۰/۷۴۳**	۰/۵۴۴**	۰/۶۳۱**
کم شدن هزینه ها	۰/۸۱۱**	۰/۷۱۴**	۰/۹۶۹**
کم شدن زمان	۰/۴۵۷**	۰/۶۰۹**	۰/۶۱۸**
افزایش کمیت	-۰/۵۷۱**	-۰/۸۴۳**	-۰/۷۹۰**
بهبود کیفیت	۰/۶۹۶**	۰/۸۴۵**	۰/۹۱۰**
سرمایه انسانی	۰/۶۷۰**	۰/۹۳۷**	۰/۷۴۱**
عدالت اجتماعی	۰/۶۴۳**	۰/۸۴۸**	۰/۸۹۷**
کیفیت زندگی	۰/۷۹۴**	۰/۰۴۵	-۰/۲۲۹**
فرهنگ اجتماعی	-۰/۳۹۴**	۰/۶۲۰**	۰/۳۵۴**

در سطح ۰/۰۵ معنی دار (p<۰/۰۵)، *در سطح ۰/۰۱ معنی دار (p<۰/۰۱)

شده است.

نتیجه گیری و جمع بندی

و ارتباطات منجر به جایگزینی فناوری اطلاعات و ارتباطات با عوامل دیگر و تعمیق سرمایه می شود و رشد محصول و بهره وری نیروی کار را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به نتایج به دست آمده نتیجه میگیریم ۰/۸۲۰ ارتباط معنادار و مستقیمی بین فناوری اطلاعات و ارتباطات و جلوه های بهره وری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. امروزه تغییرات سریع محیطی، سازمانی و فناوری،

در این مقاله به دلیل تمرکز بر اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهره وری، تنها به طرف عرضه پرداخته شده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات سرمایه ای دو جانبه است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان تکنولوژی تولید استفاده می شود. کاهش قیمت سرمایه فناوری اطلاعات

محیط رقابتی پیچیده‌ای را برای سازمان‌ها ایجاد کرده است، چنین محیطی محرک‌های کسب و کار را برای سازمان‌ها بوجود می‌آورد. سازمان‌ها باید بتوانند توانایی عکس‌العمل در محیط‌های پویا را داشته و ساز و کار مناسبی را در جهت افزایش بهره‌گیری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات بکار گرفته و از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود به بهترین شکل استفاده نمایند. بهره‌وری سازمانی ابزار و راهکاری است که سازمان‌ها به منظور برخورد با این فشارها و تهدیدها بکار می‌گیرند. امروزه صرفه‌جویی زیادی در منابع و کاهش هزینه‌های سازمان‌ها با به‌کارگیری بهره‌وری سازمانی صورت می‌گیرد که این امر باعث ایجاد توسعه پایدار شده است. نیروی کار سازمان، بیشترین تأثیر را بر بهره‌وری سازمان دارد. آنچه توجه همه شرکت‌ها و سازمان‌ها را به خود جلب کرده است، سرمایه‌گذاری در بهره‌وری سازمانی است. از این رو شرکت‌ها تلاش می‌کنند حتی‌الامکان از بهره‌وری سازمانی بهره‌برداری کنند. همچنین با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده ۰/۲۳۰ ارتباط معنادار و مستقیمی بین شبکه‌های ارتباطی و جلوه‌های بهره‌وری در سطح ۰/۱ و ۰/۸۴۴ ارتباط معنادار و مستقیمی بین سیستم‌های مکانیزه اداری و جلوه‌های بهره‌وری در سطح ۰/۱ و ۰/۶۳۱ ارتباط معنادار و مستقیمی بین سیستم‌های اطلاعات مدیریت و جلوه‌های بهره‌وری در سطح ۰/۱ وجود دارد. در نهایت نتیجه می‌گیریم بین عوامل مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات همچون شبکه‌های ارتباطی، سیستم‌های مکانیزه اداری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت با بهره‌وری سازمانی ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد. به گونه‌ای که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات همچون شبکه‌های ارتباطی، سیستم‌های مکانیزه اداری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت باعث افزایش بهره‌وری سازمان‌ها می‌شود. هر چه قدر این استفاده بیشتر و نقش فناوری اطلاعات پررنگ تر باشد افزایش بهره‌وری

سازمان‌ها نیز بیشتر خواهد بود. براساس شاخص‌های نیکویی برآزش، مدل برآزش داده شده از مناسبت برخوردار بود و این تحلیل عاملی تایید کرد که شاخص‌های (کم شدن هزینه‌ها، کم شدن زمان، افزایش کمیت و بهبود کیفیت) متغیر مکنون عوامل جلوه‌های بهره‌وری را می‌سازند. با توجه به میانگین متغیر بهره‌وری، که ۴/۰۳ است بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر عوامل سازمانی در سطح قوی قرار گرفته است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده برای عوامل متغیر جلوه‌های بهره‌وری، بعد کم شدن هزینه‌ها در سطح قوی قرار گرفته است، بعد کم شدن زمان در سطح خوب قرار دارد، بعد تنوع خدمات در سطح قوی و بعد بهبود کیفیت در سطح خوب قرار گرفته است. براساس آمار توصیفی انجام شده میانه متغیر جلوه‌های بهره‌وری سازمانی در مدیریت درمان تامین اجتماعی، برابر با ۴/۰۳، مد ۳/۹۵، انحراف معیار ۰/۱۲۸، کمترین ۳/۹۰ و بیشترین ۴/۳۴ مشاهده شده است. میانگین متغیر بهره‌وری ۴/۰۳ است که بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر عوامل سازمانی در سطح قوی قرار گرفته است. براساس شاخص‌های نیکویی برآزش، مدل برآزش داده شده از مناسبت برخوردار بود و این تحلیل عاملی تایید کرد که شاخص‌های (سرمایه انسانی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی و فرهنگ اجتماعی) متغیر مکنون عوامل رویکرد اجتماعی توسعه پایدار را می‌سازند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده برای متغیر توسعه که ۳/۳۴ است بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت متغیر توسعه در سطح بیش از رضایت بخش قرار گرفته است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده برای عوامل متغیر توسعه پایدار، بعد سرمایه انسانی در سطح رضایت بخش قرار گرفته است، بعد عدالت اجتماعی در سطح بالاتر از رضایت بخش قرار دارد و بعد کیفیت زندگی در سطح خوب قرار گرفته است. بعد فرهنگ اجتماعی

در سطح بالاتر از رضایت بخش قرار دارد. بر اساس آمار توصیفی انجام شده، میانه متغیر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تأمین اجتماعی، برابر با ۳/۶۵، مد ۳/۵۵، انحراف معیار ۰/۱۹۱، کمترین ۳/۲۹ و بیشترین ۴/۱۱ مشاهده شده است، میانگین متغیر توسعه ۳/۳۴ است که بر اساس مقیاس بازرگان، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر عوامل جلوه‌های بهره‌وری سازمانی در سطح بیش از رضایت بخش قرار گرفته است. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده ۰/۷۷۹ فرض صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت ارتباط معنادار و مستقیمی بین بهره‌وری سازمانی و رویکرد اجتماعی در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های فتحی و مطلق (۱۳۸۹) و بنتزامادو لورنس و پرز (۲۰۱۰) و کولینگر (۲۰۰۸) در خصوص بهره‌وری و عامل ارزش‌گذاری اجتماعی و خلق ارزش که همان رویکرد اجتماعی در پایداری توسعه است، همسو و هماهنگ می‌باشد. مؤلفه‌های کاهش هزینه‌ها، کاهش زمان، افزایش کمیت و بهبود کیفیت اثر پیش‌بینی‌کنندگی معناداری بر رویکرد اجتماعی توسعه پایدار داشتند ($p < 0/05$ مقدار). بنابراین با توجه به تحلیل رگرسیون دریافتیم که ۱. بین کاهش هزینه‌ها و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد. ۲. بین کم شدن زمان انجام خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد. ۳. بین تنوع خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد. ۴. بین بهبود کیفیت خدمات و رویکرد اجتماعی توسعه پایدار در مدیریت درمان تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد. در نهایت نتیجه می‌گیریم بین عوامل مرتبط با جلوه‌های بهره‌وری سازمانی همچون کاهش هزینه‌ها، کم شدن زمان، تنوع خدمات، کیفیت خدمات با رویکرد اجتماعی توسعه پایدار ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد.

به گونه‌ای که افزایش بهره‌وری سازمانی موجب افزایش رویکرد اجتماعی توسعه پایدار می‌شود.

منابع و ماخذ

محمودزاده، م. (۱۳۸۸) اثرات بهره‌وری سازمانی بر توسعه پایدار، فصلنامه پژوهش‌نامه‌ی مدیریت اجرایی، شماره ۳۶، ص ۱۰۷-۱۳۰.

طباطبایی، ر. (۱۳۹۱) نقش بهره‌وری سازمانی در بهبود مدیریت و توسعه پایدار، چاپ اول، تهران، انتشارات فرس.

مبارکی، م. (۱۳۹۱) بررسی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، شماره ۱۱، ص ۷-۹.

خاکباز، ح. (۱۳۸۹) بررسی جایگاه بهره‌وری سازمانی در برنامه توسعه‌ای کشور، فصلنامه پارک‌ها و مراکز رشد، شماره ۲۳، ص ۲۹-۳۳.

خسروی، م. (۱۳۸۴) نقش سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت در تصمیم‌گیری، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۴۷، ص ۱۵۲-۱۶۰.

تیمورنژاد، ک. (۱۳۸۸) سیستم‌های اطلاعات مدیریت، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات نرم افزاری هامون.

پیران نژاد، ع. (۱۳۹۲) تبیین تأثیرات گسترش بهره‌وری سازمانی بر توسعه اجتماعی، فصلنامه مدیریت، دوره ۵، شماره ۳، ص ۱-۲۴.

ترابی، م. (۱۳۹۱) مدیریت بهره‌وری سازمانی سلامت، چاپ دوم، تهران، انتشارات جعفری.

زارعی، م. (۱۳۷۴) فرهنگ و عملکرد سازمان، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۳، ص ۱۶۸-۱۷۳.

زاهدی، ش. (۱۳۷۹) فرهنگ جامع مدیریت، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

جهانگیری، ع. (۱۳۸۶) کاربرد بهره‌وری سازمانی در مدیریت، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه عالی آموزش مدیریت و برنامه ریزی.

جوادی، س. (۱۳۸۶) مروری بر مفاهیم اساسی نظرات مدیریت، سازمان، رفتار، تجزیه و تحلیل و منابع انسانی، تهران، انتشارات نگاه.

nology and Productivity: Preliminary Evidence from Country Level Data, Journal of Management Science, India, 2012, pp 548.

Taheri, Shima, analysis in organizations, Hastan publications, Tehran, 2004, pp 58-63. (in persian)

Mohammadi, Maryam, knowledge management system: conceptual foundation and research issues, journal of MIS quarterly, Vol.25, No.1, Iran, 2011, pp107. (in persian)

Pintelon, Lora, Preez, Nikle, IT opportunities for maintenance management, journal of quality in maintenance engineering, Vol. 5 No, I, Turkey, 2005, pp 9 - 24.

Wissner, Megan, ICT growth and productivity in the german energy sector -on the way to a smart grid, journal of utilities policy 19, Netherlands, 2001, pp14-19.

Grant, Adel, communication technology, 11th edition focal press, USA, 2010, pp 132.

Moghimi, Saaid, Hosein Zadeh, Mahmoud, effect of IT on organizational productivity with process-oriented approach, technology management publications. Vol 5, 2013, pp 266.

Sarafizadeh, Esmail, IT in organizatin, Mir publications, 2009, pp 33-37. (in persian)

Sarlak, Mojtaba, advanced management systems, Ava publications, Tehran, 2012, pp62. (in persian)

Aliahmadi, Abas, Ebrahimi, Masoud, ICT strategic planning, Tolid danesh publications, Kerman, 2009, pp 22.

Harrison, Rabin, human resource development in a knowledge economy, journal of published by pal grave mac, Romania, 2012, pp39 .

Adward, Jac, stracture and application new technology, journal of maintenance engineering California, 2013, pp23-24.

خاکی غ. (۱۳۸۶) مدیریت بهره وری، تهران، انتشارات کوهسار.

دهقان، ر. (۱۳۸۸) مبانی تئوری و طراحی سازمانی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

رضائیان، ع. (۱۳۸۸) مبانی سازمان و مدیریت، چاپ سوم، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

محمودزاده، ن. (۱۳۸۷) توسعه منابع انسانی (تعلق و تعهد سازمانی و رقابت پذیری)، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

کلانتر، ک. (۱۳۸۷) الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه، تدبیر، تهران، انتشارات آوا.

زاهدی، ش. (۱۳۸۶) توسعه پایدار. تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

زاهدی، ش. (۱۳۸۵) بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۶، ص ۶۳-۶۴.

سرلک، م. فراتی، ح. (۱۳۹۱) سیستم های اطلاعات مدیریت پیشرفته، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

سعادت، ا. (۱۳۷۲) مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات سمت.

Zargar, Mohammad, Principles and concepts IT, Behineh publications, Tehran, 2003, pp45. (in persian)

Shekari, Mohammad, IT in management, Payam-Noor publications, Shiraz, 2007, pp 140. (in persian)

Taleghani, Mohsen, influence of IT on productivity Gilan regional electricity company, journal of management development and transformation, Vol.13, 2014, pp 69-70.

Baskerville, Rivan, Information Systems as a Reference Disciplines, Journal of MIS Quarterly, 26(1), Italy, 2009, pp 36-37.

Dewan, Sam, Kraemen, Kevin, Information Tech-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۱۶

- Kazemi, Raha, national policies that connect ICT-based education reform to economic and social development, *journal of human technology*, London, 2005, pp156-117.
- Moghimi, Saeid, organization and management research approach, Termeh publications, Tehran, 2001, pp 59-60. (in persian)
- Kiani, Hazhir, information technology planning, To-loe publications, Tehran, 2004, pp 98. (in persian)
- Mahmoudzadeh, Mohsen, Asadi, Farhad, ICT infrastructure and service sector employment, the economy and new business, Andisheh publications, Tehran, 2010, pp 202. (in persian)
- Kord, Laleh, management and technology, Productivity Ghalam, Iran, 2001, pp 117. (in persian)
- Gordon, Remon, information systems a management approach, *journal of performance management*, India, 2004, pp 28.
- Jabareen, Yalda, a new conceptual framework for sustainable development, environment, *journal of development and Sustainability*, Iran, 2008, pp179.192. (In persian)
- Beaudreau, Caty, the dynamo and the computer: an engineering perspective on the modern productivity paradox, *International journal of productivity and performance management*, Turkey, 2010, pp 7-17.
- Baskerville Myersm, information systems as a reference disciplines, *journal of MIS quarterly*, 2012, pp 36-37.
- Richard. L, 2006, *The New Era Of Management*; Thomson, South –Western, pp 212-219.
- Isaksson. R, 2006, Total quality management for sustainable development Process based system models, *Business Process Management Journal*, Vol. 12 No. 5, pp 632-645.
- Jabareen. Y, 2011, A New Conceptual Framework for Sustainable Development, pp 76.
- Melyam. M, 2009, Knowledge Management and Knowledge Management System: Conceptual Foundation and Research Issues, *MISquarterly*, Vol. 25, No. 1, pp107-136.
- Mckenzie. S, 2004, Social sustainability: Toward some definition, *Hawake Research*, pp 68-73.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۲۱۸ ■

ضرورت های توجه شهرسازان جهت ایجاد انسجام کالبدی - اجتماعی در محلات بلندمرتبه؛ با تاملی بر توسعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران به عنوان یک منطقه پیراشهر

سمیه فتحی - دانشجوی دکتری طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

مهران علی الحسابی* - دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

مصطفی بهزادفر - استاد دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

Given the need for planners to create physical integrity - in areas of high social, reflecting the development of the region as an area around the cities of Tehran Municipality 22

Abstract

One of the main challenges in urban issues today, the issue of dealing with the massive changes the metropolis. Evaluation of urban changes in the system of cities around the world suggest that the changes in the city, from the mid-twentieth century, the intensity and the fast and changes gradually giving way to sudden changes, unpredictable and irreversible data. Areas around the cities including the metropolitan areas of management are problematic. In the eyes of some scholars of urban development outside urban boundaries has become a global phenomenon. In developing countries has been growing faster. Areas around the cities are areas where the presence of multiple actors with different powers, it is impressive. Level Tehran metropolitan and rural and urban development in the area around the cities it is not controlled in the absence of land speculation. And at different levels, there is no systematic tools and mechanisms for guidance. Causes degeneration of ecological and environmental Tehran metropolitan area is; the aim of the present study construction management with an emphasis on physical cohesion - social areas.

Keywords: high-rise building, areas around the cities, neighborhoods and physical- social integrity components

چکیده

یکی از چالش های اساسی در مباحث شهرسازی امروز، موضوع برخورد با تغییرات گسترده کلانشهرها است. بررسی تغییرات شهری در نظام های شهرهای مختلف جهان بیانگر این موضوع است که روند تغییرات شهری، از اواسط قرن بیستم میلادی، از شدت و سرعت بالایی برخوردار بوده و تغییرات تدریجی جای خود را به تغییرات ناگهانی، پیش بینی نشده و بدون بازگشت داده است. یکی از پدیده هایی که شهرهای امروز جهان به ویژه شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند، بلندمرتبه سازی است. که تاریخچه شروع آن به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر می گردد. بلندمرتبه سازی از جمله رویکردهای مهم شهرهای بزرگ جهان است که در اثر رشد روزافزون جمعیت، گرانی و کمبود زمین و مشکلات توسعه افقی شهرهای رواج یافته است. شهر تهران پس از گذشت ۲۰۰ سال از شکل گیری بافت اولیه خود، در سال های اخیر مواجه با تغییرات عمده ای در سیمای کالبدی - فضایی خود بوده است. در قالب نیاز به افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی در بافت موجود و بهره گیری از امکانات بالقوه آن، فعالیت بلندمرتبه سازی به عنوان یکی از بارزترین مراحل در روند تغییرات کالبدی - فضایی این شهر نمود پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه سازی، مناطق پیراشهری، محلات و مولفه انسجام کالبدی - اجتماعی

پیشران جهانی موجب پدیدار گشتن قلمروهای فضایی و اشکال سکونتی گوناگون در محیط پیرامون کلانشهرها می گردد (آشنایی، ۱۳۹۲، ص ۲۷). این پدیده، نخست به منظور بهره برداری از زمین های مرکز شهر و در پی توجه به اقتصاد شهر مطرح گردید. در واقع به دلیل محدودیت های عرضه زمین در مرکز شهر، افزایش تراکم ساختمانی به عنوان راه حلی برای افزایش سطح زیر بنای مورد بهره برداری، ارائه شد. استفاده فراگیر از این روش، به تدریج افزون بر کاربری های اقتصادی مانند کاربری صنعتی، اداری و تجاری دامنگیر کاربری های مسکونی نیز گشت و به مناطق پیرامونی شهر نیز گسترش یافت. گرچه در طی بیش از یک قرن که استفاده از ساختمان های بلند باشیوه امروزی در جهان معمول گردیده است، اینگونه بناها برای حل برخی از مشکلات امروزه جوامع مانند کمبود مسکن ناشی از افزایش جمعیت شهرها، مورد استفاده قرار گرفته اند اما همواره با مشکلات و نارسائی های جدیدی نیز همراه بوده اند. به همین دلیل احداث بناهای بلند همواره مورد بحث و انتقاد صاحب نظران رشته های معماری، شهرسازی و جامعه شناسی قرار داشته است. این ساختمان ها در ابتدا به منظور استفاده بهینه از زمین در مراکز شهرهای بزرگ ساخته شدند اما به تدریج، همزمان با گسترش شهرها ضرورت های بیشتری برای احداث این ساختمان ها در سایر مناطق شهری ایجاد گردید. در واقع، این پدیده از سویی می تواند به بسیاری از مسائل شهری مانند کمبود زمین، مسکن، بهینه نمودن هزینه تاسیسات شهری، جلوگیری از رشد افقی شهرها و ... پاسخ داده و از سوی دیگر، خود پدید آورنده مشکلات و نارسائی هایی مانند افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی، اختلال در تاسیسات زیر بنایی و خدمات شهری، تاثیرات نامطلوب کالبدی و زیست محیطی و ... در فضای شهری می باشد. بدیهی است افزایش بی رویه در کاربری ها،

مناطق پیراشهری، نواحی در گرداگرد شهر هستند که شهرها درون آن گسترش می یابند و تحت تأثیر شهرها قرار دارند. در تعریف راکودی ناحیه پیراشهری، ناحیه ای دینامیک از لحاظ فضایی و ساختاری است. به لحاظ فضایی، ناحیه گذاری بین زمین های کامل شهر شده و نواحی اساسا با کاربری کشاورزی است. زمین های پیرامون شهری در طول زمان و با گسترش شهر تغییر ماهیت می دهند. قلمرویی با تغییر ساختاری - اجتماعی است که به واسطه فشار بر منابع طبیعی و فرصت های بازار کار دارای الگوی متغیر کاربری زمین است. پیراشهر نشینی مسئله جدیدی در ادبیات برنامه ریزی نبوده است. از زمان آغاز برنامه ریزی مدرن، نظریه های شهر و برنامه ریزی از ظهور چنین واقعیت فضایی آگاهی و شناخت کسب کرده بودند. ابنزهاوارد (۱۹۸۹) طرح مفهومی برای مقابله با رشد و گسترش شهرهای اروپایی تحت عنوان باغشهرها را معرفی نمود که با هدف ایجاد مرزهای مشخصی بین شهر و محیط پیرامون بوده است. با این حال چالش های شهرنشینی حال حاضر به مراتب پیچیده تر از پیش بینی های هاوارد است و رشد به ظاهر بی حد و حصر گسترش شهری در سرتاسر جهان مشاهده می شود.

مطالعات تجربی بسیاری در مورد پیراشهرنشینی به ویژه در کشورهای در حال توسعه توسط پژوهشگرانی چون «مک گلی» (۱۹۹۱)، برودر و همکاران (۱۹۹۵) و نیز «داگلاس وبستر» (۲۰۰۲) صورت گرفته است. درحقیقت پدیده در حال رشد پیراشهرنشینی منجر به نظریه های نوظهور شهرنشینی می شود. با گسترش کلانشهرها و پیدایش مناطق کلانشهری در کشورهای توسعه یافته و به ویژه کمتر توسعه یافته، نواحی پیرامونی شهرها در معرض بیشترین میزان تحولات و دگرگونی قرار داشته است. این پویایی تحت تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی محلی و نیروهای

مسائل و مشکلات بسیاری در مقیاس های مختلف در سطح شهر ایجاد می نماید. آنچه که بیش از همه بر اینگونه ساخت و سازهای بی برنامه تاثیر منفی می گذارد، عدم ملاحظه نسبت به موقعیت و یا ویژگی مکان هایی است که تقاضای افزایش تراکم و یا تغییر کاربری برای آنها صورت می پذیرد.

۲- روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله بر این مبنا این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است، که بر مبنای یک استدلال منطقی و با اتکاء بر مطالعات کتابخانه ای، آمار کمی و اسنادی به یک بیان مستدل از مفاهیم پرداخته شود. بر این اساس سعی شده است که از تحلیل های ثانویه با جمع بندی صاحب نظران و استفاده از تجربیات موفق و ناموفق با استفاده از زبان گفتمانی، تحلیل و تبیین قاعده مند، ادعاهای خود را بر استوار نماید.

۳- مبانی نظری پژوهش

۱-۳- مدیریت مناطق پیراشهری

در واژه نامه جغرافیای انسانی، منطقه کلانشهری به این صورت تعریف شده است: گستره ساخته شده حاصل از پیوند کالبدی سکونتگاه های شهری که زمانی ناپیوسته بوده اند و ابتدا از توسعه نواری معمول جاده های بین شهری شکل گرفته اند (پرهیزگار، کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

واژه کلانشهر معادل متروپولیس به کار گرفته شده است که معنای عام آن بزرگترین شهر و به بیانی شهر اصلی در منطقه ای مشخص است که معمولاً بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد و دارای بالاترین سطح نظام شهری است. اصطلاح منطقه کلانشهری یا متروپلیتن برای تعیین مجموعه های شهری به کار می رود که شامل حداقل یک شهر بزرگ و چندین شهر کوچک و شهرک است که از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی همبسته اند و شهر اصلی در آنها نفوذ اقتصادی و اجتماعی اعمال می کند. در واقع کلانشهرها در مرحله ای از رشد خود

پس از افزودن چند پوسته جدید به کالبد اولیه، قادر به تداوم رشد پیوسته نیستند و گرایش به انتشار جمعیت و فعالیت در پیرامون آنها به صورت ناپیوسته تشدید می شود (صرافی، تورانیان، ۱۳۸۳، ص ۷).

واژه شهر - منطقه با وجود کاربرد پذیری گسترده اش هنوز یکی از مفاهیم مبهم و چالش برانگیز در این حوزه به شمار می آید. اگرچه به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران علوم منطقه ای مفهوم منطقه و به ویژه شهر - منطقه تحت تاثیر جهانی شدن در حال تبدیل شدن به نقطه کانونی مهم در عرصه اقتصادی و به تبع آن سیاستگذاری است، با وجود این به نظر می رسد هیچ تعریف مشترک پذیرفته شده ای برای این واژه وجود ندارد. با این وجود، بسیاری از اندیشمندان علوم منطقه ای یادآوری کرده اند، شهر - منطقه (کلان شهری) یک هویت عملکردی و یک منطقه گرهی است. از این رو در تعریف آن به جای تاکید بر ویژگی هایی چون همگنی درونی و یا تمایز درونی در ارتباط با دیگر مناطق، بر روابط عملکردی بین شهر مرکزی و محیط پیرامون تاکید می شود (اسدی، زبردست، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

مطالعه نظام مدیریت مجموعه های شهری کشور را می توان در حقیقت کتمان ناپذیر در فقدان تعریف و جایگاه رسمی و قانونی مجموعه شهری، و به تبع آن نظام مدیریتی آنها در نظام اداری - اجرایی و حقوقی خلاصه کرد. در واقع در شرایطی که اصل وجود نظام مدیریت شهری در کشور مورد تردید جدی است، و چون مجموعه های شهری خود پدیده ای جدید در ایران به شمار می آید که نیازمند نظام حقوقی و مدیریتی پیچیده تری نسبت به شهر های منفرد است، فقدان نظام مستقل و مشخص مدیریت مجموعه شهری کاملاً مورد انتظار است (عسگری، کاظمیان، ۱۳۸۵، ص ۶).

نحوه مواجهه با شهرهای بزرگ و یا همان

کلانشهرها در ایران، اغلب (اگر نه همواره) همراه با نوعی پیشداوری و ذهنیت بوده است. از یک سو نوعی نگرش و طرز تلقی ضد شهری به رواج تعبیر منفی از آنها منجر شده است که بدون توجه به نواقص و نارسایی های غیر ذاتی و بیشتر مدیریتی اینگونه شهرها، آنها را یکسره عامل عدم تعادل های اقتصادی، اجتماعی و فضایی می انگارد و پتانسیل های عملکردی و توسعه ای مثبت آنها را نایده می گیرد. از سوی دیگر، نوعی نگرش مبتنب بر شیفتگی در حوزه های فرهنگی و بوروکراتیک مدرنیستی آنها را ماوای قدرت، ثروت و پیشرفت تلقی می کنند. به دلیل همین نگرش های غیر مستند و غیر راهبردی است که در طراحی نظام های برنامه ریزی و مدیریت کلانشهرهای کشور، مزایا و معایب آنها کمتر مورد ملاحظه عملی قرار گرفته است. این مشکل هم اکنون به مناطق پیرامونی آنها، یعنی همان مجموعه های شهری، نیز تسری یافته است (همان).

شهر و شهرنشینی ایران که در طول سال های متمادی دچار دگرگونی و تغییرات بنیادین نشده بود، همزمان با درگیری در روابط جدید سرمایه داری جهانی وارد دوره ای از تغییرات و دگرگونی ها شد که اگرچه ریشه در زیرساخت های اقتصادی (تولیدی- صنعتی) جامعه ایران نداشت، اما به هر حال متاثر از شیوه ها و روش های امروزی تولید و توزیع، مبادله و مصرف و نیز تحت تاثیر عوامل خارجی و داخلی رشد، چالش های جدیدی را برانگیخت. تکامل نیافتن نظام سرمایه داری در ایران به دلیل موانع متعدد ساختاری، افزایش بهای نفت در دهه پنجاه و اصلاحات ارضی که خود حاصل پایان همنشینی نظام سرمایه داری با نظام های کهن پیشین بود، تاثیرات دامنه داری بر الگوی شهر و شهرنشینی در ایران داشته است. استقرار صنایع و کارخانجات در محدوده بلافصل شهرها و عمدتاً کلانشهرها و رواج روابط سرمایه

داری سوداگر و وابسته از یک سو، و بی نیاز شدن شهرها از مازاد تولید روستاها و قطع ارتباط تاریخی شهرها با روستاها و تقویت نقش و جایگاه شهرها و تخریب بنیان های زیستی و معیشتی روستاییان ناشی از اصلاحات ارضی از سوی دیگر، نامعادلاتی را شکل داد که حاصل آن مهاجرت گسترده روستاییان به شهرهایی بود که بنیان های تولیدی شان به درجه ای از کمال نرسیده بود که قدرت جذب انبوه مهاجران را داشته باشد (شیخی، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

محسن حبیبی در تبیین نظری چگونگی دگرگونی مجموعه های زیستی پیرامون کلانشهر به این نکته توجه می دهد که دگرگونی این مجموعه ها نه بر مبنای تحول در سازمان تولیدی جامعه و تعریف اجتماعی- اقتصادی آن، بلکه بر مبنای استحاله به جامعه ای مصرفی رخ داده است. اگرچه دگرگونی های مقدماتی و شکل گیری این مجموعه ها ناشی از ایجاد بازار کار در محورهای منتهی به شهر بزرگ بوده است، اما در سال های بعد ماشی از وجود پول و روابط سوداگرانه ناشی از آن در شهر بوده است (همان).

مجموعه های شهری در ایران فاقد جایگاه قانونی و رسمی در نظام مدیریت و ساختار اداری- اجرایی کشور هستند و این در حالی است که آنها پدیده ای واقعی و موجود در سازمان فضایی کشور به شمار می آیند. در شرایط کنونی و با توجه به ساختار اداری دولت و الگوی غالب مدیریت سرزمین و نیز به دلیل گسترش محدوده های مجموعه های شهری کشور فراسوی قلمرو حکومتی واحد و گسترش آن در چندین شهرستان و همچنین در نبود نهادها و یا سازمان ها و یک سطح مدیریت ویژه مجموعه شهری، تعدد و تفرق واحدهای تصمیم گیر اجرایی در اموری چون سیاستگذاری و مدیریت فضایی توسعه، خدمات رسانی و فعالیت های عمرانی و نظایر اینها بسیار نمایان است. این تعدد و تفرق افزون بر آن چیزی است که به طور

معمول در هر سطح یا قلمرو حکومتی واحد به دلیل ماهیت بخشی و متمرکز نظام اداره کشور وجود دارد. اکنون مدیریت و اداره امور پهنه مجموعه های شهری در بین قلمروها و واحدهای حکومتی متعدد مانند شهرداری ها، فرمانداری ها، بخشداری ها، دهداری و دهیاری ها و نظایر آن تقسیم شده است، که این خود بزرگترین چالش فرا روی مدیریت مجموعه های شهری در تحقق رویکرد و نظام برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه به شمار می آید. بدین ترتیب روشن است که برای هر نوع تصمیم گیری و اجرا در مجموعه های شهری به سازو کارهایی برای تحقق نوعی منطقه گرایی که به اجماع منافع و دیدگاه های مختلف، بسیج و تجهیز منابع، هماهنگی بین قدرت های تقسیمات و قلمروهای حکومتی متعدد و نیز بین شعب و واحدهای استانی و شهرستانی وزارتخانه ها و سازمان های مختلف فعال و موثر در سطح مجموعه شهری بینجامد، نیاز بسیاری وجود دارد (اسدی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

تفرق و پیچیدگی عملکردی و فضایی - کالبدی از خصلت های ذاتی مناطق کلانشهری محسوب می شود. مطالعات مختلف نشانگر اهمیت و تاثیرگذاری این خصیصه است؛ مثلاً جان فریدمن پس از بررسی مناطق کلانشهری جهان و به ویژه نمونه های آسیایی آن سه چالش عمده آنها را به این شرح استنتاج می کند:

- ضرورت استقرار یک چارچوب نهادی و سیستم حکومتی کارآمد؛
- پایداری در مدیریت تحولات شهری؛ و
- برنامه ریزی مشارکتی.

سیموندز و همکارانش نیز پس از بررسی یازده شهر - منطقه جهانی به این نتیجه می رسند که فرایند و حتی فرم سازمان فضایی مناطق کلانشهری تحت تاثیر دو عامل و قید معین شکل اختصاصی و محلی پیدا می کنند: عوامل کالبدی مربوط به بستر طبیعی و عوامل سیاسی و به عبارت دقیق

تر فرهنگ حکمرانی رایج در هر منطقه کلانشهری (پرهیزگار، کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

مدل حکمروایی شهری می تواند به عنوان مدلی سازنده در مدیریت مناطق پیراشهری باشد. سه مفهوم اصلی این مدل عبارتند از: نهاد، سازمان و ساختار. با استفاده از این سه مفهوم کلیدی می توان تعامل بین جامعه شهری (ساخت اجتماعی)، سازمان اداره کننده جامعه شهری (ساخت سیاسی و مدیریتی)، و ساختار کالبدی - فضایی (ساخت فضایی) را تبیین و تحلیل کرد. حکمروایی کلان شهری الگوی پیشنهادی دیدگاه نومنطقه گرایی تلقی می شود. هدف عمده این دیدگاه تنظیم و هدایت الگوهای سکونتگاهی، خوشه های صنعتی و سرمایه گذاری های زیرساختی در موزاییک به هم پیوسته شهری، حومه ای و منطقه ای در درون یک منطقه کلانشهری بود. در این دیدگاه تشکیل ساختار یکپارچه دولتی در منطقه کلانشهری به لحاظ اقتصادی نیز برای فراهم سازی خدمات به صرفه بود. ساختار فراگیر نهادی برای طرح های توسعه شهری نیز کارایی بیشتری دارد و موجب هماهنگی در توسعه منطقه می شود. در این الگو به جای تاکید بر ساختارهای نهادی پرحجم، تاکید بر فرایندهای همکاری و مشارکت است. در این الگو تاکید زیادی بر نقش نهادهای غیر دولتی از جمله ساختارهای شبکه ای غیر رسمی که برخاسته از جامعه مدنی هستند، شده است. همچنین همکاری داوطلبانه بین مدیریت های محلی و بستن قراردادها و توافق نامه بین نهادهای محلی مورد تاکید است. در الگوی حکمروایی کلانشهری - بر اساس شرایط کنونی - وظایف عمدتاً حول دو محور قرار دارد: از یک طرف توجه به توسعه اقتصادی و نقش منطقه کلانشهری در اقتصاد جهانی و از طرف دیگر که مربوط به قلمروی درونی منطقه است و شامل هم اندیشی و چاره جویی در مسائل زیست محیطی، خدمات و زیرساخت های منطقه ای، برقراری عدالت توزیعی

و مسائل اجتماعی - فرهنگی با مشارکت تمامی کنشگران است (صرافی، تورانیان، ۱۳۸۳، ص ۱۵). شکل گیری و تحول مناطق کلان شهری در ایران و از جمله تهران را می توان نمونه ای روشن از غیاب نظام برنامه ریزی و مدیریت موثر و هدایت کننده در تحولات شهرنشینی کشور دانست. در واقع منطقه کلانشهری تهران ابتدا به تبع سازوکارهای اقتصادی - فضایی عملاً شکل گرفته و تحول یافته و سپس با حداقل دو دهه تاخیر مورد سیاستگذاری و برنامه ریزی فضایی قرار گرفته است. به این ترتیب که سازمان فضایی تهران به مجموعه ای متشکل و واگرا و دارای تعارض های شدید درونی تبدیل شده است (پرهیزگار، کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

۳-۲- سیر تحول محله ایرانی در دوره معاصر

از میان اقدامات غرب که بر شهرسازی جهان و کشور ما ایران تاثیر بسیار گذاشته کارهای اوسمان و لوکوربوزیه در درجه نخست قرار می گیرد. به عقیده برخی اندیشمندان مانند تافوری شهر در سایه اقدامات اوسمان به فضایی برای جامعه مدرن بورژوازی مبتنی بر منطق و خواست این جامعه درآمد که در آن زمان طبقه مسلط به شمار می آمد. اما به دنبال شکست پروژه های نوسازی شهری مدرن در دهه ۱۹۵۰، پاریس اوسمان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. اقداماتی که به موجب آن مردمی که اغلب فقیر بودند آواره شدند و اینکه قدرت سیاسی برای راندن و سرکوب ناآرامی طبقه کارگر که کانون آشوب و مقاومت بودند، دست به این نوع شهرسازی زد (توسلی، ۱۳۸۸، ص ۳).

در معماری معاصر یکصدسال اخیر ایران، از یک طرف، حضور گام به گام و آرام غرب را در عرصه معماری دوره قاجاریه نمی توان نادیده گرفت. از طرف دیگر ورود معماری غربی به ایران و به خصوص حضور سبک معماری مدرن در اواخر دوره پهلوی اول، سرعت تحولات را در عرصه معماری و شهرسازی افزایش داد. بدیهی است که شناخت

معماری این دوره لزوماً با در نظر گرفتن این شرایط خاص و حادث شده در این زمان ممکن خواهد بود. ولی همه این تغییرات خواسته یا ناخواسته، پدیده هایی را در معماری و شهرسازی این دوره به وجود آورده و خصوصیات را متبلور ساختند که هر یک به تنهایی عامل مهمی برای تحول و جدا شدن از مسیر گذشته شد. یکی از عوامل موثر در این تغییر پذیری، اثرگذاری مکتب معماری مدرن جهانی در این سال ها بر معماری ایران و ظهور برداشتی ایرانی از مکتب معماری مدرن بود؛ گونه ای از معماری که نخست در تهران دهه دوم دوره پهلوی اول پدیدار گشت و سپس در شهرستان ها رشد و توسعه پیدا نمود (قبادیان، کیانی، ۱۳۹۲، ص ۴۰). نحوه این تاثیر پذیری و یا سرعت تحول در هر دوره متمایز، شاخص و بسته به شرایط متفاوت بوده است. در دوره قاجار آنچه که شاخص می نماید فرایند تحولی آرام است که تاثیر پذیری از غرب، با فرصت زمانی و کند انجام می شود. در دوره پهلوی اول، آمیختگی سبک حاصل از تلفیق و یا تاثیر پذیری، خود منجر به نوعی معماری با سبک شاخص می شود. شاخصه های حاصل از تاثیر پذیری معماری غرب و مکتب مدرن در دوره پهلوی اول علاوه بر اینکه حرکتی شتابان و عجولانه دارد، از تعدد و تنوع سبکی برخوردار است. ضمن اینکه این تاثیر و تحول کاملاً مشهود و آغاز گسسته شدن کامل از گذشته است. اما در دوره پهلوی دوم، آنچه که شاخص می شود بهره گیری بی پرده و تقلید بی قید و شرط از غرب و معماری مدرن است که در فرایند وسعت کمی و ساخت و ساز گسترده را باید خاطر نشان ساخت. آنچه تا به امروز می توان مشاهده کرد حضور مداوم و یا تاثیر پیوسته معماری مدرن در تاریخ معماری معاصر این سرزمین است (همان، ص ۴۰).

امروزه برای ما ایرانیان که هنوز در کنار سبک زندگی مدرن، عناصری از سبک زندگی سنتی و کهن را تجربه می کنیم، توجه به زیبایی ها و

نکات مهم و با ارزش زندگی گذشتگان و حفظ آنها برای رسیدن به یک زندگی بهتر و سالم تر در آینده بسیار ضروری است. اینکه وارث بافت شهری و فضای عمومی موجود هستیم متضمن استمرار وجودی در آینده است. استمرار حضور گذشته، آینده را رقم می زند. همان قدر تقلید از گذشته بی فایده است که ریشه کن کردن آن. زیرا تغییرات پارادایمی در مفاهیم و مکان فیزیکی از دیروز تاکنون، تغییر سیستماتیکی را در متن فرهنگی - اجتماعی و صنعتی آینده ایجاد خواهد کرد که زندگی، رفتار، معماری و به خصوص مسکن را در خود غرق می کند. بنابراین امروز که با سرعت زیاد در حال گذر از انقلابی جدید هستیم باید هوشیارانه عمل کنیم. چرا که با سرعت گرفتن تحولات، دیگر توان اندیشیدن و حفظ ارزش های انسانی، فرهنگی و معماری گذشته خود را نخواهیم داشت (علی الحسینی، کرانی، ۱۳۹۱، ص ۳۴).

محلات شهری به عنوان حلقه ای واسط میان شهر و شهروندان که در گذر زمان دارای نقش اساسی در شکل دهی و سازماندهی امور شهری بوده و با ارائه خدمات روزمره القاگر احساس تعلق و هویت، روابط اجتماعی و ... در میان ساکنین می باشند، امروزه در جوامع نقش کم اهمیتی را دارند. توجه و تاکید برنامه ریزان و طراحان شهری بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس تر زندگی شهری نظیر محله های مسکونی، امری انکارناپذیر شده است. بدین منظور جنبش توسعه محله ای، سیاستگذاری، برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی «محله»، هدف قرار داده است. گذشته از تفاوت های بارز فضایی و اجتماعی، در مجموع بافت محلات شهری در تمام کشورها از یک فرایند مشابه پیروی می کند. بدین ترتیب که محله اولاً دارای یک فضای جغرافیایی در مقیاس کوچک در سطح شهر است. ثانیاً عموماً گروه های انسانی با خصیصه اجتماعی یا فرهنگی و ... مشابه در آن ساکن هستند و ثالثاً روابط اجتماعی میان

گروه های انسانی ساکن در هر محله یک رابطه صمیمی و دارای انسجام و وحدت است و در نهایت شبکه حیات محله ای دارای کارکردها و نتایجی است که هم متوجه ساکنان محله و هم سایر ساکنان در نواحی دیگر است. به عنوان جمع بندی می توان اینگونه بیان داشت که موضوع اجتماع محلی به عنوان هسته اصلی واحدهای همسایگی در غرب و محله در ایران است که به صورت اشکال مختلفی با توجه به زمینه های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کارکردی بروز یافته است. در واقع واحد همسایگی یک قلمرو جغرافیایی محدود قابل شناسایی است که یک یا چند اجتماع محلی با سکونت در آن ارتباطات همسایگی را می سازند. محدوده های مسکونی که در آنها روابط همسایگی و اجتماع محلی وجود نداشته باشد را نمی توان به صرف یک سری امکانات و یا اعداد و ارقام، واحد همسایگی دانست. از سویی دیگر تعریف محله ایرانی به دو شکل صورت گرفته است. عده ای خصوصیات فیزیکی و اصول طراحی آن را مطرح کرده اند و عده ای از روابط متقابل در آن سخن به میان آورده اند. اما مسئله ای که به وضوح از همه دیدگاه ها می توان دریافت کرد، قوت مسائل اجتماعی نسبت به مسائل کالبدی است. حتی می توان اینگونه بیان کرد که اجتماع محلی شکل گرفته در محدوده های فیزیکی کالبد را شکل داده اند و متناسب با روابط درون این قلمرو، امکانات را پدید آورده اند.

۳-۳ - بلندمرتبه سازی به عنوان یکی از مظاهر مدرنیسم

یکی از پدیده هایی که شهرهای امروز جهان به ویژه شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند، بلندمرتبه سازی است که تاریخچه شروع آن به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر می گردد. بلندمرتبه سازی از جمله رویکردهای مهم شهرهای بزرگ جهان است که در اثر رشد روزافزون جمعیت، کمبود و گرانی زمین و مشکلات توسعه

افقی شهرها رواج یافته است. این پدیده، نخست به منظور بهره برداری از زمین های مرکز شهر و در پی توجه به اقتصاد شهر مطرح گردید. در واقع به دلیل محدودیت های عرضه زمین در مرکز شهر، افزایش تراکم ساختمانی به عنوان راه حلی برای افزایش سطح زیر بنای مورد بهره برداری، ارائه شد. استفاده فراگیر از این روش، به تدریج افزون بر کاربری های اقتصادی مانند کاربری صنعتی، اداری و تجاری دامنگیر کاربری های مسکونی نیز گشت و به مناطق پیرامونی شهر نیز گسترش یافت. گرچه در طی بیش از یک قرن که استفاده از ساختمان های بلند باشیوه امروزی در جهان معمول گردیده است، اینگونه بناها برای حل برخی از مشکلات امروزه جوامع مانند کمبود مسکن ناشی از افزایش جمعیت شهرها، مورد استفاده قرار گرفته اند اما همواره با مشکلات و نارسائی های جدیدی نیز همراه بوده اند. به همین دلیل احداث بناهای بلند همواره مورد بحث و انتقاد صاحب نظران رشته های معماری، شهرسازی و جامعه شناسی قرار داشته است. این ساختمان ها در ابتدا به منظور استفاده بهینه از زمین در مراکز شهرهای بزرگ ساخته شدند اما به تدریج، همزمان با گسترش شهرها ضرورت های بیشتری برای احداث این ساختمان ها در سایر مناطق شهری ایجاد گردید. در واقع، این پدیده از سویی می تواند به بسیاری از مسائل شهری مانند کمبود زمین، مسکن، بهینه نمودن هزینه تاسیسات شهری، جلوگیری از رشد افقی

شهرها و ... پاسخ داده و از سوی دیگر، خود پدید آورنده مشکلات و نارسائی هایی مانند افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی، اختلال در تاسیسات زیر بنایی و خدمات شهری، تأثیرات نامطلوب کالبدی و زیست محیطی و ... در فضای شهری می باشد. بدیهی است افزایش بی رویه در کاربری ها، مسائل و مشکلات بسیاری در مقیاس های مختلف در سطح شهر ایجاد می نماید. آنچه که بیش از همه بر اینگونه ساخت و سازهای بی برنامه تأثیر منفی می گذارد، عدم ملاحظه نسبت به موقعیت و یا ویژگی مکان هایی است که تقاضای افزایش تراکم و یا تغییر کاربری برای آنها صورت می پذیرد (شماعی، جهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

اصول و مبنا و سرچشمه بلندمرتبه سازی منبعث از مکاتبی می باشد که به مرور زمان به وجود آمده است و ضرورت بلندمرتبه سازی نیز به وجود آمدن این مکاتب می باشد. برخی از این مکاتب و سبک ها عبارتند از: شیکاگو، مدرنیسم، کانستراکتیویسم، مگاستراکچرالیزم و پست مدرنیسم که جمع بندی نقطه نظرات این مکاتب عبارتست از:

۳-۳-۱- تعاریف و طبقه بندی ساختمان های بلند

اگر تعریف یک ساختمان بلند مرتبه، سازه ای بلند تر از سه طبقه است، پس تاریخ این سازه ها را شاید می بایست در دوران اهرام مصر (حدوداً ۴۸ طبقه) و برج بابل دنبال کرد. مصریان قدیم، شاید اولین کسانی بودند که از دانش علمی برای

مکاتب تاثیرگذار	اصول و مبانی مکاتب در خصوص بلندمرتبه سازی
مکتب شیکاگو	بلندمرتبه سازی به صورت متراکم و نزدیک به یکدیگر و در کنار خیابان ها.
مکتب مدرنیسم	بلندمرتبه سازی به صورت پراکنده و در دل فضای سبز و دور از خیابان ها
مکتب کانستراکتیویسم	بلندمرتبه سازی مسکن با ارائه حداقل فضای خصوصی و حداکثر فضای مشترک
مکتب مگاستراکچرالیزم	بلندمرتبه سازی های غول آسا در ابعاد یک شهر مبتنی بر تکنولوژی فوق العاده پیچیده
مکتب پست مدرنیسم	عدم ارائه یک الگو و اعتقاد به تنوع گرایی در برنامه، طرح و ساخت ساختمان های بلندمرتبه

بر پا کردن ساختمان های خود استفاده کردند. سازه های شگفت آور آنها، بهترین ساختمان های بزرگ قدیمی یافت شده هستند. نه تنها معماران آنها از هندسه و نجوم برای طراحی اهرام استفاده کرده اند بلکه آنان دانش علمی- طبیعی بیشتری را در مورد خواص مصالح به کار می بستند تا مقابله عظیم و دقیقی را که شامل اتاق ها و راهرو های پیچیده است، طراحی نمایند. محاسبات آنها بسیار پیچیده است. به نحوی که اهرام بزرگ نه تنها بزرگترین اهرام سنگی جهان، پس از ۴۰۰۰ سال باقی مانده اند، بلکه با چنان دقتی ساخته شده اند که گوشه های مختلف فندانسیون آن، یعنی ۳۲۴ متر آن طرف تر تنها ۲ سانتی متر اختلاف ارتفاع دارند (Gifford, ۲۰۰۷).

در مورد ساختمان های بلند، نمی توان تعریفی واحد و دقیق به صورت رسمی ارائه داد که در آن، اجماعی بین همه مراجع رسمی ملی و جهانی وجود داشته باشد. در هریک از حوزه های تخصصی مرتبط با ساختمان، تعریف متفاوتی از ساختمان بلند و آسمانخراش ارائه شده است. به طور مثال، از دیدگاه مهندسی سازه، ساختمانی بلند محسوب می شود که در طراحی و اجرای آن نیروهای جانبی باد و زلزله تاثیرگذارتر و مهم تر از نیروهای عمودی باشند (حدود ۳۲ متر)، اما از نقطه نظر معماری، ساختمانی بلند محسوب می شود که نسبت ارتفاع به قطر آن حداقل برابر ۳/۱۴ باشد. به عبارت دیگر، ارتفاع آن حداقل برابر با پیرامون دایره محیط بر مقطع آن باشد. از دیدگاه حریق، ساختمانی بلند است که طبقات بالای آن برای ماشین های آتش نشانی معمولی قابل دسترسی نیست. بر این اساس، در ایران هر بنایی که ارتفاعش بیش از ۲۳ متر باشد، بلند محسوب می شود. اما از دیدگاه مسائل اجتماعی و خانواده، بنایی بلند است که نظارت بر فعالیت کودکان در محوطه و فضای باز مشکل باشد. بر این اساس ساختمان بیش از ۳۲ متر، بلند محسوب می شود. ساختمان های بلند

در ایران بر اساس ضوابط و مقررات شورای عالی معماری و شهرسازی ایران مصوب سال ۱۳۷۷، به ساختمان هایی گفته می شود که دو شرط ذیل را داشته باشند:

- ارتفاع بیشتر از دوازده طبقه، که به صورت نقطه عطف شهری قابل بررسی باشد؛
- تاثیرگذاری مشهود بر خط آسمان شهر (گلابچی، ۱۳۹۲، ص ۵).

۳-۳-۲- بررسی پیشینه بلندمرتبه سازی در ایران در ایران بلندمرتبه سازی، غالباً به صورت تجملی، نمادین و بدون بومی سازی شکل گرفته است. به همین دلیل بررسی های به عمل آمده، نشانگر ایجاد تبعات و آثار منفی قابل توجهی برای شهروندان است. از جمله مهم ترین این مسائل، بحران هویت یا احساس بی هویت در شهرها و به ویژه در محله های شهری است که دامن گیر قلمروهای زندگی معاصر شده است. به این ترتیب زمینه و بستر مناسبی برای تضعیف پایداری شهرها و نزول کیفیت زندگی شهری فراهم گشته است (شماعی، جهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

۱- ساختمان های بلند در دهه ۳۰ شمسی در ایران: احداث اینگونه ساختمان ها از تهران، پایتخت ایران شروع شد. این امر در حالی محقق شد که به لحاظ شرایط محیطی شهر تهران، لزوم ساخت چنین بناهایی حتی تا ده ها پس از تاریخ مذکور احساس نمی شد. اولین ساختمان ده طبقه ای که در آن آسانسور تعبیه شده بود، توسط مهندس هوشنگ خانشقانی اولین معمار تحصیلکرده ایرانی در تهران، خیابان باغ سپهسالار قدیم، احداث شد. ساختمان مذکور آرای اسکلت فلزی و سقف بتن آرمه است. احداث چنین بنایی، تنها بر اساس میل باطنی و کنجکاوی شخصی وی صورت پذیرفته است.

۲- ساختمان های بلند در دهه ۴۰: ساخت این بناها با احداث ساختمان ۱۶ طبقه پلاسکو در سال ۱۳۴۱ و ساختمان ۱۳ طبقه آلومینیوم با کاربری

تجاری آغاز شد و با احداث ساختمان های شرکت ملی نفت ایران و بانک کار ادامه یافت. بناهای مزبور به منظور ایجاد الگویی جدید برای فعالیت های تجاری جذاب ساخته شد. اسکلت ساختمان فلزی بود و نمایش اسکلت در نما، تاکید بر ایستایی بنا دارد.

۳- آغاز ساختمان های بلند مسکونی: احداث ساختمان های بلند مسکونی پس از تدوین و تصویب قانون تملک آپارتمان ها آغاز شد. این قانون برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ ه.ش تصویب شد. متعاقب آن با تصویب ماده صد قانون مالیات های مستقیم در سال ۱۳۴۵، ساخت ساختمان های بلند تسریع یافت. مضمون ماده مذکور، تشویق و ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری در احداث ساختمان های بلند مسکونی بود. نخستین ساختمان های بلند مسکونی در تهران، مجموعه آپارتمان های بهجت آباد و آپارتمان های پارک ساعی می باشند که توسط سازمان مسکن در سال های ۴۹-۱۳۴۳ ه.ش ساخته شد. شرکت خانه سازی ایران نیز در طی سال های ۵۱-۱۳۴۹ ه.ش در منطقه شهرآرای تهران اقدام به ساخت ۲۷ بلوک آپارتمانی چهار تا نه طبقه کرد. از مجتمع های بلندمرتبه دیگر، مجموعه مسکونی سامان یک است که توسط شرکت ساختمانی ساختمان ایران ساخته شد (همان، ص ۵۰).

۴- روند احداث ساختمان های بلند در دهه ۵۰: در سال های اولیه دهه ۵۰، درآمدهای حاصل از افزایش جهانی قیمت نفت و تزریق دلارهای نفتی به پیکره اقتصاد کشور، رونق شدید اقتصادی را به دنبال داشت. این امر، افزایش سطح درآمد شهرنشینان، تشدید مهاجرت به شهرها و به دنبال آن، افزایش تقاضای مسکن را سبب شد. در این دهه، آپارتمان سازی و آپارتمان فروشی به صورت یکی از مشاغل غیر حرفه ای در میان دولت مردان رواج پیدا کرد. شرکت های ساختمانی دولتی علاوه بر شهر تهران، که مجتمع های مسکونی بلندمرتبه

نظیر اکباتان، آپادانا و چمران را به مرحله اجرا درآورد، در سایر شهرهای بزرگ نیز ساخت مجموعه های مسکونی بلندمرتبه را با اعلام هدف اصلی ساخت مجموعه های مسکونی ارزاقیمت، سرلوحه کار خود قرار دادند. نمونه هایی نظیر مجموعه ۴۷۰ واحد آپارتمانی شیراز؛ ۲۵۰ دستگاه آپارتمان کرمانشاه؛ ۵۰۰ واحد آپارتمانی اصفهان؛ ۶۰۰ واحد آپارتمانی مشهد؛ ۵۰۰ واحد آپارتمانی تبریز. اما در کنار این امر مجموعه های مسکونی بلندی بنا شد که تنها در اختیار اقدار مرفه جامعه قرار گرفت. از آن جمله می توان به مجموعه مسکونی بلندمرتبه اسکان، آ.اس.پ، پارک پرنس، دوما و ... اشاره کرد (همان، ص ۵۱).

۵- حرکت جدید در احداث ساختمان های بلند دهه ۶۰ تا ۷۰: حرکت جدید احداث ساختمان های بلند پس از گسترش بی رویه شهرها در سال های پایانی دهه ۶۰ ه.ش آغاز شد. عامل اصلی این امر را می توان فروش تراکم از طرف شهرداری تهران برای تامین منابع مالی بودجه عمرانی شهری و افزایش قیمت زمین دانست. تا قبل از ایجاد این حرکت جدید، تکمیل ساختمان های بلند نیمه کاره نظیر آپارتمان های مسکونی الهیه، مجموعه مسکونی ونک پارک و شهرک اکباتان پیگیری شد. در کنار این امر در بعضی مجموعه ها که اغلب در اختیار ارگان ها و نهادهای دولتی بود، ساخت بلوک های جدید در محوطه باز برج های موجود معمول شد. به عنوان نمونه می توان از برج های آتی ساز در شما غرب تهران نام برد که بدون تردید، هدف اصلی از چنین ساخت و سازهای بلندی، سودآوری مالی بوده است (همان، ص ۵۲).

۶- ساخت ساختمان های بلند در اواخر دهه ۷۰: افزایش شهرنشینانی در شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران در دهه های اخیر با شدت بیشتری ادامه یافت. در حالی که تا سال ۱۳۷۰، بلندترین ساختمان های تهران را ساختمان های حداکثر

سی طبقه و با ارتفاع هایی حدود یکصد متر به خود اختصاص می دادند، در دهه ۷۰، ساختمان هایی با بیش از ۴۰ و ۵۰ طبقه نظیر برج تهران در ضلع جنوبی ساختمان های آ.اس.پ احداث شدند. از دیگر ساختمان های بلند قابل توجه می توان به برج مرکز ارتباطات تهران (برج میلاد) اشاره کرد. این برج به ارتفاع ۴۳۷ متر، در زمان ساخت بلندترین برج مخابراتی خاورمیانه و چهارمین برج مخابراتی بلند جهان محسوب می شد (همان، ص ۵۲).

۷. ادامه بلندمرتبه سازی در دهه ۸۰: از دهه ۸۰ به بعد، ساخت و سازهای بلند هم به لحاظ تعداد و هم از نظر سرعت اجرا بسیار چشمگیرتر از دهه های پیشین بود. یکی از علل این امر می توان استقبال عمومی و ووسیع سرمایه گذاران و سرازیر شدن منافع مالی به این بخش دانست. بازگشت سریع و چند برابر سرمایه نیز مزید بر علت شده

تا شاهد افزایش بی رویه ساخت بلندمرتبه ها اعم از مسکونی یا غیر مسکونی باشیم که در بعضی موارد بدون بررسی های لازم محیطی، ژئوتکنیکی و غیره و نیز بدون نظارت های کافی ساخته می شدند. تداوم فعالیت های برج سازی در سال های اخیر نیز همچنان روند رو به رشد احداث ساختمان های بلند را پیش رو می نهد. مهم ترین کاربری این بلندمرتبه ها مسکونی است که تقریباً ۸۰ درصد عمده کاربری ها را تشکیل می دهد و بیشتر توسط سازنده های خصوصی ساخته می شوند. دومین کاربری اداری است که توسط سازندگان دولتی مورد توجه بوده است. در مرتبه بعدی کاربری های تجاری و خدماتی قرار دارند (همان، ص ۵۵).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۲۹

پیشینه بلندمرتبه سازی در ایران	
۳۰ دهه	احداث اینگونه ساختمان ها از تهران، پایتخت ایران شروع شد. اولین ساختمان بلند توسط هوشنگ خانشقانی
۴۰ دهه	ساخت این بناها با احداث ساختمان ۱۶ طبقه پلاسکو در سال ۱۳۴۱ و ساختمان ۱۳ طبقه آلومینیوم با کاربری تجاری آغاز شد و با احداث ساختمان های شرکت ملی نفت ایران و بانک کار ادامه یافت.
۵۰ دهه	: در سال های اولیه دهه ۵۰، درآمدهای حاصل از افزایش جهانی قیمت نفت و تزریق دلارهای نفتی به پیکره اقتصاد کشور، رونق شدید اقتصادی را به دنبال داشت. این امر، افزایش سطح درآمد شهرنشینان، تشدید مهاجرت به شهرها و به دنبال آن، افزایش تقاضای مسکن را سبب شد. در این دهه، آپارتمان سازی و آپارتمان فروشی به صورت یکی از مشاغل غیر حرفه ای در میان دولت مردان رواج پیدا کرد.
۶۰ و اوایل دهه ۷۰	تا اواخر دهه ۶۰ به دلیل جنگ ایران و عراق، روند بلندمرتبه سازی متوقف شد. اما اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ حرکت جدید احداث ساختمان های بلند پس از گسترش بی رویه شهرها در سال های پایانی دهه ۶۰ ه.ش آغاز شد. عامل اصلی این امر را می توان فروش تراکم از طرف شهرداری تهران برای تامین منابع مالی بودجه عمرانی شهری و افزایش قیمت زمین دانست.
اواخر دهه ۷۰	افزایش شهرنشینانی در شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران در دهه های اخیر با شدت بیشتری ادامه یافت. در حالی که تا سال ۱۳۷۰، بلندترین ساختمان های تهران را ساختمان های حداکثر سی طبقه و با ارتفاع هایی حدود یکصد متر به خود اختصاص می دادند.
ادامه بلندمرتبه سازی در دهه ۸۰	از دهه ۸۰ به بعد، ساخت و سازهای بلند هم به لحاظ تعداد و هم از نظر سرعت اجرا بسیار چشمگیرتر از دهه های پیشین بود. یکی از علل این امر را می توان استقبال عمومی و ووسیع سرمایه گذاران و سرازیر شدن منافع مالی به این بخش دانست.

نگارنده، بهار ۱۳۹۶

۳-۳-۴- مزایا و معایب مجموعه های ساختمانی بلند

مطالعات به عمل آمده در پژوهش ها نشان می دهد که در ارتباط با نحوه عملکرد ساختمان های بلند و اشکالات ناشی از طراحی، ساخت و یا نگهداری این گونه از ساختمان ها نشان دهنده آن است که اشکالات و ایراداتی که عموماً در رابطه با بناهای بلند خصوصاً ساختمان های مسکونی مطرح است به دلیل عدم طراحی صحیح یا اجرای مناسب این گونه ساختمان ها می باشد. اهم این اشکالات عبارتند از:

۱) از بین بردن سازماندهی و نظم شهری؛ ۲) ایجاد مشکلات ترافیکی در خیابان های اطراف ساختمان؛ ۳) ایجاد دید و اشرف به بناهای مجاور؛ ۴) تحت تاثیر قرار گرفتن بافت های تاریخی؛ ۵) عدم رعایت مقیاس مناسب و انسانی؛ ۶) ایجاد محیط های بسته و محدود؛ ۷) ایجاد تراکم و ازدحام در مناطق اطراف ساختمان؛ ۸) عدم کنترل فرد بر محیط اطراف خویش؛ ۹) عدم وجود ارتباط نزدیک بین ساکنین (گلابچی، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

مهمترین مسئله ای که ساختمان های بلند مرتبه با توجه به تجمیع کاربران در سطح محدود با خود به همراه دارند؛ بهره گیری و مصرف زیاد انرژی چه در حین ساخت و چه در زمان بهره برداری است. لذا ضروری است تا در طراحی این گونه ساختمان ها راهکارهایی برای مواجهه با این مسئله به منظور صرفه جویی در منابع تجدید ناپذیر با هدف مانایی و ماندگاری آنها برای نسل های

آینده که مهمترین هدف توسعه پایدار است، اتخاذ گردد (دانشپور، مهدوی نیا، غیائی، ۱۳۸۸: ۳۰).

نظریه موافقان: این گروه، ضمن ارائه دیدگاه و نظریات گوناگون، دلایل بسیاری در خصوص ضرورت استفاده از ساختمان های بلند جهت حل مشکلات کنونی جامعه دارند. مزایای ساختمان های بلند از دیدگاه موافقان این نظریه عبارتند از:

- امکان استفاده بیشتر از زمین، به خصوص در مراکز شهرها و مناطق پرتراکم؛

- راه حلی به منظور کاهش تراکم در شهرها؛
- متمرکز کردن مراکز اداری، تجاری و فضاهای مسکونی در نقاط مناسب؛
- کسب نور بهتر و بیشتر؛
- راه حل مناسب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ؛
- ایجاد نقاط تاکید در شهرها؛

نظریه مخالفان: صاحبان این نظریه بر این عقیده اند که ساختمان های بلند سبب تزلزل کیفیت زندگی شهری به طرق مختلف شده اند و با زیر پا گذاشتن ارزش ها و سنت ها، شرایط نامطلوبی از زندگی در شهرها فراهم آورده و صرفاً اجبار سبب شده که نسبت به ساخت اینگونه ساختمان ها در شهرهای بزرگ اقدام شود. اشکالات ساختمان های بلند از دیدگاه آنان به شرح ذیل است:

- برهم خوردن مقیاس های انسانی در محیط شهری؛
- از بین رفتن مناظر طبیعی در دیدگاه ها و مناظر شهری؛

جدول ۱. نقاط مثبت و منفی ساختمان های بلند مرتبه در منظر شهری؛ ماخذ: کریمی مشاور، منصور، ادیبی، ۱۳۸۹

نکات مثبت	نکات منفی
ارتقاء خوانایی محیط ارتقاء کیفیت منظر شهری و تاثیر در خط آسمان ارتقاء کیفیت نشانه ای این نوع ابنیه در منظر شهری و تاثیرگذاری آنها در ایجاد مکان با هویت	امکان کور شدن دیدهای شهری و پارانوما توسط ساختمان های بلند ایجاد ناهنجاری بصری در محیط اطراف ایجاد خرده اقلیم و سایه های وسیع

جدول ۲. عوارض بلندمرتبه سازی بر محیط شهری؛ ماخذ: هروی تربتی، رضازاده، ۱۳۹۳

عوارض فیزیولوژیکی	ساختمان های بلند با جلوگیری از جریان طبیعی موجب بیماری های تنفسی می شوند، افزایش تراکم جمعیت و خودرو ارتباطی مستقیم با افزایش تصادفات و مرگ و میر دارند. افزایش ارتفاع و طبقات ساختمان موجب کاهش فشار هوا می شود که بر گردش خون و سلول های مغزی تاثیر می گذارد.
عوارض اجتماعی	انحطاط اجتماعی، انزوای اجتماعی و از خودبیگانگی در مجموعه های مسکونی مرتفع، شرایط اجتماعی متفاوت به دلیل عدم تفاهم بین ساکنین مجتمع های مرتفع، کاهش روابط اجتماعی سالم بین ساکنین ساختمان های بلند به دلیل مقیاس و ماهیت آنها.
عوارض ترافیکی	افزایش حجم ترافیک به دلیل افزایش تراکم در ساختمان های بلند، افزایش مسافت بین محل اشتغال و اسکان ساکنین به دلیل احداث مجتمع های مسکونی مرتفع به صورت پروژه های انبوه سازی
عوارض روانی	آپارتمان نشینی اگرچه از نظر مکانی جمعیت را به یکدیگر نزدیک می کنند، ولی از نظر روانی آنها را از هم دور می کند، زندگی در ساختمان های بلند به روند زندگی حالتی مصنوعی و ماشین زده می دهد.
عوارض بهداشتی	تجمع جمعیت در یک فضای بسته(ساختمان بلند)زمینه ساز انتقال بیماری های همه گیر می شود، فشار ناشی از وزن ساختمان های بلند باعث شکسته شدن لایه های خاک و تداخل شبکه های فاضلاب با منابع آب های زیرزمینی می شود، وجود پارکینگ خودروها در یک فضای بسته در ساختمان های بلند پایداری آلودگی را به همراه دارد.
عوارض زیست محیطی	تخریب طبیعت و محیط زیست (در صورت مکانیابی ناصحیح)، آلودگی های زیست محیطی به دلیل تراکم خودرو، عدم مسئولیت ساکنین در استفاده از فضای سبز و باغچه
عوارض امنیتی	در صورت بروز حوادثی از جمله آتش سوزی، اشاعه آتش در کل ساختمان، امکان وقوع حوادثی از جمله افتادن از پله ها و سقوط از ارتفاع، در صورت اضطرار خروج از ساختمان های بلند احتمال تلفات جانی وجود دارد.



جدول ۳. مزایا و معایب بلند مرتبه سازی؛ ماخذ: رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۹۱

مزایای بلندمرتبه سازی	معایب بلندمرتبه سازی
شهرهای فشرده تر = کاهش حمل و نقل	مصرف انرژی و مصالح برای ساخت در ارتفاع
کاربرد بهینه زمین با توجه به تمرکز جمعیت = کاهش توسعه حومه شهری و کاهش آسیب وارده به محیط	مصرف انرژی جهت بالا برها
شهرهای متمرکز = کاهش حجم شبکه های زیربنایی شهری	مصرف زیاد انرژی جهت نگهداری و حفاظت ساختمان
مسافرت درون شهری کمتر؛ اتلاف وقت کمتر	تاثیرات منفی در مقیاس شهری(باد، سایه اندازی، ایجاد مانع نورگیری)
توان بالقوه و امکان ایجاد ساختمان با کاربری مختلط	تراکم جمعیتی زیاد در مکان های مشخص و ویژه (کمبود فضاهای باز، فضاهای تفریحی و ...)
سرعت بیشتر باد در ارتفاع(توان بالقوه بیشتر برای بهره وری از انرژی باد)	بارهای زیاد ناشی از باد در ارتفاع(تاثیر بر روی سایز و ابعاد المان های سازه ای و نما)
طبقات کم عرض و کشیده در ارتفاع = پتانسیل و امکان نورگیری طبیعی فضا	فضاهای بسته و ایزوله در ارتفاع(نیاز بیشتر به تهویه هوا)
فضا در آسمان = امکان خلق فضاهای دنج و آرام و به دور از شلوغی شهر؛ چشم انداز شهری	مشکلات ایمنی و امنیت در ارتفاع(در حین ساخت و برای کاربران)

• جداسازی انسان ها از یکدیگر و ایجاد زمینه برای وقوع جنایات؛

• زیرپا گذاشتن ارزش ها و سنت های قدیمی در کالبد و سیمای شهرها؛

• ایجاد تراکم بیش از حد و ازدحام جمعیت در مناطق شهری خاص (گلابچی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۴).

نظریه های میانه: صاحبان این نظریه، استفاده از ساختمان های بلند را تحت شرایطی خاص می پذیرند. این ظرایط به شرح ذیل است:

• احداث ساختمان های بلند در شرایط زمانی و مکانی مناسب؛

• احداث ساختمان های بلند برای بعضی کاربری های خاص؛

• تعیین حد ارتفاع برای ساخت ساختمان های بلند (همان، ص ۲۷۴).

۳-۳-۴- بررسی نمونه های موفق و ناموفق محلات بلندمرتبه در جهان

تجربه اول؛ مجموعه آپارتمانی پروئیت ایگو در ایالت میسوری آمریکا: پروئیت ایگو یک پروژه مسکونی دولتی بزرگ بود که در سال ۱۹۵۴ در یک سایت ۵۷ هکتاری در سنت لوئیس ساخته شد، و متشکل از ۳۳ ساختمان یازده طبقه با بیش از ۲۸۰۰ آپارتمان بود. این مجموعه توسط معمار مشهور مینورو یا ماساکی ساخته شد، که وی مرکز تجارت جهانی نیویورک را نیز طراحی کرده بود. پرویت ایگو طراحی تحسین شده منتقدان بود و در ۱۹۵۱ انجمن معماری به پرویت ایگو جایزه ای به عنوان «بهترین آپارتمان بلند» سال را اهدا کرد. پرویت ایگو به عنوان پروژه ای متداول شده بود که اصول مفهوم لوکوربوزیه را در معماری مدرن دنبال می کرد. با اینکه ایراد پارکینگ ناکافی و فقدان امکانات تفریح و سرگرمی را این پروژه رفع شده بود، هیچ کس پیش بینی نمی کرد پرویت ایگو به نماد شکست در بخش ساخت مسکن عمومی تبدیل شود (Samaratunga & O'Hara, ۲۰۱۲).

تجربه دوم؛ مجموعه آپارتمانی سایت هیل در

ادینبورگ بریتانیا: مجموعه آپارتمانی سایت هیل در ادینبورگ بریتانیا که شامل چهار مجتمع مسکونی بود، در سال ۱۹۶۰ به بهره برداری رسید. این مجتمع آپارتمانی به علت مشکلاتی که پیدا کرد منجر به تخریب شد. پارک هیل توسط جک لین و لور اسمیت، دو معمار جوان فارغ التحصیل انجمن معماری مدرن، طراحی شده بود و به شدت تحت تأثیر معماران بریتانیا، پیترو و آلیسون اسمیتسون، پیشگامان Brutalism بود، که خود تحت تأثیر معمار و طراح مدرنیست سوئیسی، لوکوربوزیه قرار داشتند. زمانی که این مکان در سال ۱۹۶۱ گشایش یافت، به عنوان اولین مجتمع فضای باز موفق با خیابان های عریض بعد از پایان جنگ جهانی دوم مورد استقبال قرار گرفت. اما در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از بدنام ترین محله های بریتانیا با عنوان املاک سینک با سطح بالایی از جرم، جنایت، رفتار ضد اجتماعی و فقر شهرت یافت (Jack Lynn & Iover Smith, ۲۰۱۳).

تجربه سوم؛ مجموعه آپارتمانی هولم منچستر بریتانیا: هولم به معنی جزایر کوچک و یا زمین احاطه شده توسط رودخانه و یا مرداب است. هولم در سال ۱۸۴۰ میلادی با ساخت کانال بریج تخریب شد. در پایان جنگ جهانی دوم، در بریتانیا کیفیت مسکن به عنوان برنامه های شهری در دستور کار قرار گرفت. در اوایل ۱۹۶۰، بسیاری از مسکن بی کیفیت تخریب شدند. مسکنی با تراکم بالا و فضاهای سبز بزرگ به عنوان مسکن با کیفیت علی الخصوص برای اقشار کم درآمد ایجاد شد. املاک هولم، شامل یک منطقه مسکونی بلند مرتبه، درون شهری و بدنام بین سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۷۲ بود. منطقه از مشکلات اجتماعی بسیاری رنج می برد، نرخ بالای جرم و جنایت و سرعت بالای تخریب ساختمان از جمله این موارد بودند (Cletus Moobela, ۲۰۰۵).

توسعه مجدد هولم عملاً تا سال ۱۹۷۲ تکمیل شد. بیش از ۵۰۰۰ خانه در کمتر از ۸ سال ساخته



شدند که ۳۰۰۰ مورد از آنها دارای دسترسی عرشه ای بودند که این امر هولم را به بزرگترین منبع تمرکز این نوع خانه سازی در بریتانیا تبدیل می کرد. بلوک های هلالی شکل نیز باعث غرور و افتخار هولم جدید شدند البته نه در آن حدی که طراحان پیش بینی کرده بودند. بلوک های با دسترسی عرشه مانند استانداردهای مسکن را بسیار بیشتر از آنچه در هولم قدیم وجود داشت عرضه می کردند. واحد های مسکونی جدید تمیز و مجهز بودند. همه چیز به جز یک مورد انجام شده بود: برای مشارکت هیچ یک از ساکنان در فرایند توسعه مجدد هولم فکری نشده بود.»

مدت زیادی طول نکشید که معایب ساختمان های بلند و متراکم رخ نمودند. به محض نقل مکان کردن مستاجران مشکلات شروع به خودنمایی کردند. نقوص ساختاری در برخی بخش های

ساختمان های جدید آشکار شدند. مهم ترین مشکلات مربوط به طراحی ضعیف سیستم هایی چون حرارتی، تهویه و دفع زباله بودند. کم کم اقشار کم درآمد نظیر دانشجویان، بی خانمان ها، بیماران روانی، الکلی ها و معتادان هولم را مکان مناسبی به دلیل ارزان بودن برای سکونت انتخاب کردند. این ترکیب اسفناک شرایط بد مسکن و تنوع گروههای اجتماعی مقارن با دوره تغییر بزرگ اقتصادی در اوایل تا اواسط ۱۹۸۰ شد (Katie Williams, Elizabeth Burton & Mike Jenks, ۲۰۰۰). برنامه تخریب و بازسازی هولم در سال ۱۹۹۲ آغاز شد.

تجربه چهارم؛ تجربه شهر هنگ کنگ در چین: هنگ کنگ بیانگر یک نمونه منحصر به فرد و موفق است. به این دلیل که نشان دهنده ازدحام بیش از حد، افزایش رشد جمعیت، کمبود منابع

تجربه چهارم؛ تجربه شهر هنگ کنگ در چین: هنگ کنگ بیانگر یک نمونه منحصر به فرد و موفق است. به این دلیل که نشان دهنده ازدحام بیش از حد، افزایش رشد جمعیت، کمبود منابع



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۳۴

در شهرهای جدید حومه هنگ کنگ که بعنوان قلمروهای جدید شناخته شده اند، زندگی می کنند.. برای هنگ کنگ، نخستین چالش توانایی مقابله با تغییرات است. این امر در سال ۱۹۹۷ آغاز شد (Wang & Sin Yu, ۲۰۰۲).

تجربه پنجم؛ طراحی خانه های بلند مرتبه، تجربه سنگاپور: کمبود مسکن در سنگاپور وجود دارد، از این رو به دنبال مدل های مختلفی از مسکن بلند مرتبه است. ارائه راهبردی با هدف مسکنی با قیمت متوسط، راحت و قابل استطاعت، رشد طراحی و ساخت مجتمع های مسکونی بلند مرتبه در سنگاپور افزایش یافت. این فرایند بر مبنای اصول توسعه شهری پایدار، به حداقل رساندن اثرات محیطی و بیشینه نمودن کارایی انرژی است. تاریخ مسکن عمومی در سنگاپور به سال ۱۹۶۰ بر می گردد. به طور کلی از آنجایی که بیش از ۸۰٪ ساکنان سنگاپور در مسکن عمومی زندگی می کنند و ۹۰٪ ساکنان خانه های عمومی مالک خانه هستند، سیستم به طور کلی بصورت کارا عمل می کند. در نتیجه ی این برنامه مسکن،

زمینی، تشدید بهره برداری از زمین است. با این حال، داستان هنگ کنگ بعنوان یک شهر آسمانی، علاقه بسیاری از طراحان و مدیران شهری را برای کسب مهارت های مدیریت موفق شهری با استفاده از منابع محدود و مهم تر از آن، راههای حفظ زندگی پر جنب و جوش با رویکرد استفاده عمودی از زمین، به خود جذب نموده است.

هنگ کنگ دارای مشکلات کمبود زمین و افزایش جمعیت است. واقعیت این است که تنها ۲۱,۱٪ از مساحت هنگ کنگ ساخته شده است تا فشار فوق العاده نیاز به مسکن را پاسخگو باشد. هنگ کنگ یکی از شهرهای پرجمعیت جهان است. کمبود زمین و افزایش جمعیت یکی از عوامل افزایش تراکم در هنگ کنگ است. بیش از ۵۰٪ از جمعیت ۶,۷ میلیونی آن در مراکز شهری فعالیت و زندگی می کنند. آخرین سرشماری دولت در سال ۲۰۱۱ نشان می دهد که حدود ۳ میلیون نفر در خانه های شخصی متعلق به خود در بلوک های آپارتمانی بلند مرتبه زندگی می کنند. باقی جمعیت در خانه های بلند مرتبه و متراکم اجاره ای



مواجه هستند یا محدودیت توسعه در سطح یا
اقتضای آسیب پذیر دارند، بسیار کارآمد باشد.

۳-۳-۵- نتیجه گیری و جمع بندی مبانی نظری

ساخت مسکن دشوارترین نیاز اساسی در سراسر
جهان است، زیرا افراد کم درآمد یک گزینه بحث
برانگیز است و مشکلاتی نظیر نگهداشت، هزینه
های جاری، عزیمت جرم، جنایت، مواد مخدر و...
با طبقه کم درآمد به این ساختمان ها، مکانیابی
اینگونه مساکن در مناطق دورافتاده شهر به دلیل
ارزانی زمین و هزاران موضوع اجتماعی و اقتصادی
آن را به یک گزینه بحث برانگیز تبدیل کرده است.
همانگونه نیز که در نمونه های موردی بررسی
شده مشاهده شد، مجموعه های بلند مرتبه هنوز
هم در جاهای مختلف دنیا به عنوان راه حلی جدی
برای پاسخگویی به جابدهی جمعیت در مناطق
کلانشهری استفاده می شود.

به طور خلاصه باید گفت که اندیشه بلندمرتبه
سازی در طی حیات خود همواره از سوی صاحب نظران
مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد تجزیه و
تحلیل و انتقاد واقع شده است. با این حال حضور
این پدیده تداوم داشته و به عرصه فعالیت خود

کشور برای هر شهروند در مدت زمان کوتاهی خانه
ای راحت فراهم کرده است (Generaloua, ۲۰۱۴).

برای مثال شرکت معماران سفدی، که توسط معمار
اسرائیلی- کانادایی مشهور موشه سفدی رهبری
می گردد؛ پس از طراحی مجموعه ای از سازه ها در
چند دهه ی اخیر، با استفاده از فرم های مناسب
از هندسه ی فراکتال، این بار به طراحی " زیستگاه
آسمان " در سنگاپور پرداخته است. این مجتمع
مسکونی ۳۸ طبقه، نماینده ی یک سکونتگاه شهری
مرتفع با تراکم بالا جهت طبقه متوسط جامعه
است؛ نمونه ای که در سنگاپور و سایر شهرهای
آسیایی تقاضای بالایی دارد. طرح های متداول برج
های مسکونی از این دست، امکانات عمومی خود
را در طبقه همکف ارائه می نمایند (Yuen, ۲۰۰۷).

نمونه موردی سنگاپور نشان می دهد که خانه
های عمومی بلند مرتبه منطقی ترین شکل خانه
سازی در شهرهای بزرگ معاصر است و به عنوان
نمونه موفق به شمار می آید. مساکن بلند مرتبه
می توانند عمومی، قابل استطاعت، یا گران قیمت و
خاص باشند. تجربه سنگاپور با طراحی بلند مرتبه
پایدار می تواند برای شهرهایی که با کمبود زمین

افزوده است. اندیشه های مخالف و موافق بلند مرتبه سازی، هریک با تاکید بر جنبه ای خاص این پدیده را مورد تأیید یا انتقاد قرار داده اند. اما نهایتاً عوامل بسیاری سبب توجیه بلندمرتبه سازی شده که از جمله آنها می توان به نقش بلندمرتبه سازی در جلوگیری از رشد افقی و گسترده سازی شهر، بلندمرتبه سازی به عنوان نماد و نشانه، مقوله اقتصادی و رانت، بلندمرتبه سازی از نقطه نظر سیاسی و ایجاد اقتدار و نقش آن در سیمای شهری اشاره کرد. در هر صورت بلندمرتبه سازی دارای مخالفان و موافقان زیادی در سطح دنیاست. این پدیده با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و روند برنامه ریزی و توسعه شهری در کشورهای مختلف با هم تفاوت دارد و بر اساس تجربیات و مطالعات صورت گرفته نمی توان به صورت قطعی آن را تایید و یا رد کرد.

۳-۴- بررسی مفاهیم و معیارهای اصل انسجام و پیوستگی اجتماعی - کالبدی در محلات ۳-۴-۱- تعاریف و مفهوم انسجام اجتماعی و کالبدی به طور عام

هر جامعه ای که با هر نظامی اداره شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اعتقادات، ارزش ها و آرمان های خاص خود می باشد. اگر وظیفه فرهنگ برقراری ارتباط با دیگری (انسان با خود، انسان با جامعه، انسان با جهان و انسان با خدا) با رعایت شرایط حاکم بر جامعه است؛ وظیفه معماری و شهرسازی ترجمه همان ارتباطات و ایده ها به زبان کالبدی و فضایی می باشد. چه، در غیر این صورت، توسعه عوامل کالبدی بدون در نظر داشتن جنبه های اجتماعی و فرهنگی همچنان که شهرسازی مدرن تجربه کرد یک سویه، نامتعادل و ویران کننده خواهد بود. معماری و شهرسازی سنتی ما به تبع شرایط اقلیمی، جهان بینی و سنت سکونت محصول تاریخی جامعه ایرانی است. این فرایند با وجود تداوم تاریخی زیاد(چه در قبل

اسلام و چه بعد اسلام) با ورود مظاهر مدرن غرب دچار استحاله بنیادین گشت: شبکه های سنتی گرفتار شد؛ نظام محله بندی دگرگون گردید و سازمان فضایی شهر به هم ریخت و با تلقی بافت های سنتی به عنوان یک شی کهنه بر حذف آنها اصرار گردید. این در شرایطی است که در بسیاری از شهرها بی آنکه عناصر سازنده شهر بازتولید و یا بر نظم منطقی جدید استوار شوند در اثر مداخلات سریع و سنگین و نیز نبود تجهیزات پیشرفته تکنولوژیکی، امکان دستیابی به منابع اطلاعاتی گذشته و ارائه نقشه های مناسب کاملاً منتفی گردیده است (محمدزاده، ۱۳۸۳، ص ۶۱۹). یکی از مشخصه های اصلی سکونتگاه های شهری در هر نقطه ای از جهان و در هر مقطعی از تاریخ، سازمان فضایی - اجتماعی و تفاوت زندگی مردم در عرصه های عمومی و خصوصی آنهاست. کمتر کسی در این واقعیت تردید دارد که حیات و پایداری عرصه های متعدد یک شهر فارغ از آن که باز و بسته یا عمومی و خصوصی را در بر داشته باشد؛ با زنجیری مستحکم از روابط انسانی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی به یکدیگر پیوند خورده و تمامی آنها در بستر واحد و متأثر از عناصر و روابط بیرون شکل گرفته اند.

واژه انسجام را «جزو چیزی شدن» و «کل یا چیزی را معین کردن» تعریف کرده اند (باطنی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). محمد معین در فرهنگ فارسی انسجام را روان بودن، روان شدن و عاری بودن از تکلف و تصنع تعریف کرده است. انسجام را می توان با استناد به تعریف جامعه شناسان، فرایند سازمان دهنده نظم فضایی دانست که واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط می سازد (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۴۹). انسجام واژه ای است که نوعی هماهنگی همراه با نظم را به ذهن متبادر می کند و در فارسی به معنای یگانه شدن، یکتایی و یگانگی کاربرد دارد. این واژه به لحاظ مفهومی، احساس مسئولیت متقابل، بین چند نفر یا چند گروه است که از

اراده و آگاهی برخوردار باشند. در واقع این مفهوم، در بردارنده یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه، یک وظیفه و یا الزام متقابل است. همچنین یک معنای مثبت از آن برمی آید، وابستگی متقابل کارکردها، اجزا و یا موجودات در کل ساخت یافته را می رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضاء به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند یکدیگرند. این پدیده اجتناب ناپذیر، سیال و نسبی، با همفکری، همیاری و هماهنگی داوطلبانه و حضور ارادی شهروندان در انجام وظایفی که در حیطه گوناگون مناسبات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش روی افراد قرار می گیرد؛ شکل می گیرد (میرزاخانی، درویشی، ۱۳۹۳: ۶۰).

انسجام گاهی با واژگانی مانند وفاق، وحدت و ... یکسان شمرده می شود؛ اگر این مفهوم را در علوم اجتماعی جستجو کنیم، در می یابیم که وفاق بر پیدایی اتفاق نظر و توافقی آشکار در یک گروه دلالت دارد. وفاق فرایندی است که از طریق آن، اعضای یک گروه یا جامعه به توافق و اشتراک در بنیان های زندگی مشترک خود رسیده اند. وفاق و انسجام موجب به هم پیوستگی آگاهانه یک گروه و همبستگی بیشتر آن می شود؛ مشروط بر اینکه: اولاً قوانین و هنجارهای مستقر و رایج، مورد قبول عموم گروه های اجتماعی باشد؛ ثانیاً نهادهای مجری آن قوانین و هنجارها، مورد قبول همان گروه ها باشد؛ ثالثاً احساس هویت و وحدت در بین گروه های مذکور از حیث پذیرش آن قوانین و نهادها گسترش یابد (همان). مفهوم انسجام اجتماعی را می توان پیوندهای نظم یافته، تبادلات یا دوسویگی کردارها را میان کنشگران یا جمع ها تعریف کرد. گیدنز انسجام اجتماعی را معطوف به نظام مندی در سطح کنش متقابل چهره به چهره تعریف می کند. انسجام به مفهوم بهره مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه

هایی که افراد در آن ها عضویت داشته و یا در آنها مشارکت دارند. معرف های انسجام اجتماعی عبارتند از: اهمیت دادن افراد به یکدیگر، احترام گذاردن به حقوق همدیگر، همکاری با همدیگر، کمک به هنگام گرفتاری، به فکر همدیگر بودن، دلداری به همدیگر به هنگام مشکل حاد، وجود روابط محبت آمیز و انسان دوستانه میان افراد و... (عباس زاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه شناختی، دو مفهوم همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است. همبستگی اجتماعی در زبان لاتین Social Solidarity به کار رفته است. و در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش های مشترک است. این واژه با واژه هایی نظیر یکپارچگی اجتماعی، وحدت، وفاق اجتماعی و نظم اجتماعی از یک خانواده هستند. همبستگی اجتماعی عبارت است از: احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها به طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. به زبان جامعه شناختی همبستگی پدیده ای را می رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند (نصرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷).

از سویی دیگر، یکپارچگی کالبدی مفهومی است که در متون نظری با مفاهیمی چون وحدت، هماهنگی، هم پیوندی، اتصال و پیوستگی قرابت مفهومی دارد. همچنین یکی از مهمترین ویژگی های بافت تاریخی شهرهایی با رشد ارگانیک، به ویژه بافت تاریخی شهرهایی با اقلیم گرم و خشک هستند. به طور عام شهر کلتی یکپارچه است که اجزای آن در ارتباط با یکدیگرند. به طور خاص نیز بهترین نمونه یکپارچگی در همه ابعاد آن در بافت های تاریخی شهرهایی با رشد ارگانیک، به

خصوص شهرهایی با اقلیم گرم و خشک مانند یزد، نائین و اصفهان با بافت همپیوند آنها ملموس و قابل مشاهده است (امامی، زبردست، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

مفهوم انسجام اجتماعی را می توان پیوندهای نظم یافته، تبادلات یا دوسویگی کردارها را میان کنشگران یا جمع ها تعریف کرد. گیدنز انسجام اجتماعی را معطوف به نظام مندی در سطح کنش متقابل چهره به چهره تعریف می کند. انسجام به مفهوم بهره مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه هایی که افراد در آن ها عضویت داشته و یا در آنها مشارکت دارند. معرف های انسجام اجتماعی عبارتند از: اهمیت دادن افراد به یکدیگر، احترام گذاردن به حقوق همدیگر، همکاری با همدیگر، کمک به هنگام گرفتاری، به فکر همدیگر بودن، دلداری به همدیگر به هنگام مشکل حاد، وجود روابط محبت آمیز و انسان دوستانه میان افراد و... (عباس زاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

انسجام اجتماعی: استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه در گرو انسجام و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده ساختار اجتماعی است. انسجام؛ توافق در اهداف، ارزش ها و نگرش ها می باشد و در فرایندی اجتماعی متولد می شود و محصول کنش عقلانی و مختارانه است. این مفهوم تاکید بر فرایندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه های گرایشی، ادراکی، ارزشی، قابلیت ها و باورهای انسان ها، کنش ها و رفتارهای خاصی در پی خواهد داشت که مناسب توسعه است. منظور از انسجام احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است، که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (غلامی، حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).

۳-۴-۲- مفهوم انسجام و پیوستگی در محلات ایرانی

منظور از ساخت شهر مجموعه مرتبط و به هم پیوسته ای است از فضاها شهری (شامل میدان و خیابان) که عناصر اصلی و فعالیت های اصلی شهر را در بر می گیرد. مهمترین کار طراحی شهری ترتیب و تنظیم این ساختار و فعالیت های ممزوج با آن است که به صورت توده و فضا جلوه گر می شود. در شهرهای تاریخی ایران مجموعه به هم پیوسته ای مرکب از مرکز شهر مشتمل بر بازار و عناصر عملکردی آن، مراکز محلات و گذرهای اصلی به مثابه عناصر پیوند دهنده، ساخت اصلی شهر را تشکیل می داده است. ترکیب متعادل فعالیت ها در قالب توده و فضا در مقیاس های مختلف که موضوع بحث طراحی شهری است، در نتیجه هماهنگی اجزاء در قالب یک کل و آن هم در صورت پیروی از قواعد و معیارها و یا راهنمای طراحی شهری حاصل می شود. در واقع ایجاد هماهنگی چه در بخش تاریخی و چه در احداث مجموعه های جدید و به کار بردن قواعد و معیارها حاصل می شود. اصول، مفاهیم و قواعد شکل دهنده بسیار وسیع است و جنبه های پیچیده ای مانند نظم و وحدت و ترکیب و هماهنگی تا جنبه های ملموس تری مانند محصور کردن، مقیاس، نسبت، تناسب، تقارن، تعادل، ریتم و تا موارد ساده تری مانند میزان سطح اشغال سطح زمین و سطح دید آسمان و ارتفاع و خطوط نما را در بر می گیرد. معیارهای اصلی کیفیت پیوند و اتصال که بر آنها به نسبت تاکید بیشتری شده و بیشتر از آنها نام برده شده است عبارتند از پیوند و اتصال کاربری ها و عملکردها، شبکه دسترسی و حمل و نقل، سازمان فضایی، ایجاد پیوند و اتصال از طریق احیاء و باززنده سازی بناهای قدیمی و زمین های خالی، تنوع و تراکم (توسلی، ۱۳۸۸، ص ۲).

در پی معنادار بودن شهر است که موضوعاتی چون نقشه ذهنی، خاطره های جمعی و حس تعلق به

مکان اهمیت پیدا می کند. ساختار و استخوانبندی شهر زمانی مناسب خواهد بود که به مدد آن، شهر خوانا و با هویت شود. با به هم پیوستن نمادها و نشانه ها از طریق استخوانبندی شهری، بر اهمیت و تاثیر آنها افزوده خواهد شد. با ایجاد شبکه ای پیوسته از نمادها، سیمای متشخص نمادها و نشانه ها در ذهن ناظر ثبت شده و حاصل چنین مجموعه ای از شبکه نمادین شهر، برای شهر هویتی نمادین در پی خواهد داشت. نمادها و نشانه ها به مردم کمک می کنند تا به خاطر خود، به جای آشفتگی از آنچه که می بینند، نظم را ایجاد و آن را احساس کنند. شهرهای سنتی ایران به تبع این نمادگرایی و ابعاد تمثیلی اش دارای ارزش های کیفی و کالبدی می گردد. برای ایجاد پیوستگی نباید تاکید صرف بر کالبد داشت، بلکه کالبد، فعالیت و معنا با هم باید حضور داشته باشند (یگانه، بمانیان، ۱۳۹۴، ص ۴۲۳).

با توجه به مطالعاتی که در شهرهای قدیمی انجام شده است، معلوم گردیده که میان عناصر شهری (البته به جز ارگ حکومتی) به نحوی پیوستگی و ارتباط فضایی وجود دارد که نهایت، ترکیبی منسجم را دست می دهد. کل شهر از محلات و مرکز شهر تشکیل می شد. هر یک از محلات به نوبه خود دارای مرکزی بوده اند که به وسیله تقاطع چند گذر فرعی یا اصلی قرار می گرفته است و بدین ترتیب به دیگر مراکز محلات یا مرکز شهر متصل می شده است. محلات نیز به مثابه پرکننده های استخوانبندی شهر در کنار آنها قرار می گرفته اند. هر یک از مراکز که اصولاً فضایی شهری بوده اند مثل تکیه، حسینیه، میدان یا حیاط، مساجد که در مسیر گذرهای فرعی قرار گرفته و بدین نحو به کل شهر مرتبط می شده اند. عواملی که باعث انسجام ساختار شهرهای ایرانی و سنتی و تقویت ساختار شهرهای ایران می توان به آنها اشاره کرد: پیوند فضاها و عناصر اصلی از طریق شبکه ارتباطی اصلی؛ رعایت مقیاس انسانی؛ ترکیب و اختلاط دانه

های بزرگ و کوچک بافت؛ تکرار عناصر و استفاده از عناصر ریتم دار مشابه در معماری بناها برای ایجاد هماهنگی میان آنها؛ ایجاد گره ها یا نقاط فعالیت های متراکم؛ ایجاد تباين فضایی با پهن و باریک شدن و سرباز و سربسته شدن فضاها؛ ایجاد محصوریت در فضا؛ ایجاد تنوع فضایی و کارکردی؛ ایجاد خوانایی شکلی و فضایی و پیوستگی بافت (شجاع سیاهی، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

پیوند سلسله مراتب فضاها، یک سازمان منظم را به وجود می آورد که هم تداوم و هم تغییر را امکانپذیر می سازد. ارتباط به هم پیوسته و سلسله مراتبی مقیاس های مختلف-که هر مقیاسی در جای خود دارای پیوستگی است-در ساختار زیستگاه های انسانی بسیار مهم است. به منظور ایجاد پیوستگی باید عناصر اصلی زمان، فضا و عملکردها را در ارتباط با همدیگر در نظر گرفت. پیوستگی در انطباق و سازگاری کالبد جدید با ذهنیت شهروندان قابل تعریف است (یگانه، بمانیان، ۱۳۹۴، ص ۴۲۷).

نظریه ها و رویکردهایی که در زمینه پیوستگی و انسجام کلیت شهر و یا فضاهای شهری صورت گرفته است، نشان می دهد که ایجاد یک کل به عنوان هدف اصلی تمامی این رویکردهاست. مبانی پیوستگی در همه این رویکردها و نظریه ها همگرایی میان اجزاء و کل است. از نظر لینچ زمانی یک سکونتگاه مطلوب است که به عنوان مجموعه ای پیوسته و یکپارچه به احساس درآید. از نظر لینچ شرط اساسی برای پیوستگی و یکپارچگی مجموعه آن است که مظاهر هر قسمت در قسمت دیگر جاری شود و احساسی از پیوستگی درونی اجزاء از هر جهت و در هر سطح به وجود آید و در همه مظاهر مجموعه به طور پیوسته ادامه یابد. با ایجاد انسجام و پیوستگی متداوم و پایدار در شهر، پیوند گذشته، حال و آینده فرهنگ یک جامعه برقرار گشته، معیارها و ارزش های نسل های پشت سر هم، به هم متصل می شود. علاوه بر آن

ارتقاء ارزش های فرهنگی جامعه با به هم پیوستن بازتاب ها و پاسخ های کالبدی و فضایی به یکدیگر نیز دنبال می شود.

۳-۴-۳- عوامل ایجاد و پشتیبان انسجام اجتماعی

محلّه های مسکونی به عنوان واحدهای اجتماعی شهری نقش مهمی در طول تاریخ ایفا کرده اند. بعد اجتماعی محلّه در مقاطع مختلف قرن بیستم و به عنوان یکی از مفاهیم و اصول به کار گرفته شده در برنامه ریزی شهری مورد توجه بوده است. اگرچه در دهه های گذشته دیدگاه های انتقادی متعددی در زمینه شکل گیری اجتماعات بر مبنای محلّه ها وجود داشته است ولیکن شواهد فراوانی نیز وجود دارد که نشان دهنده تمایل روزافزون برای تقویت حس اجتماع محلی در محلّه های مسکونی امروزی می باشد.

ساختار گرایان معتقد بودند که شهرسازی باید به شبکه فضایی به عنوان عنصر اتصال دهنده کالبد شهر اهمیت دهد و از تاکید صرف بر توده ساختمانی و نمای بناها اجتناب ورزد. ساختار فضایی شهر نیز در صورتی که در مقیاس کلان طراحی شود می تواند موجد انسجام شکل شهر باشد. طراح باید بتواند متناسب با فعالیت های خاص، فضاهای متنوع را خلق کند و با استفاده از شکل های معماری، نسج، مصالح، نور، سایه، رنگ و ایجاد رابطه میان آنها، خصوصیت فضایی را تعیین نماید. سپس این فضاهای متمایز را به گونه ای به هم متصل سازد که انسجام آنها در طول زمان و در کل شهر حفظ شود. انسجام از طریق ایجاد وابستگی متقابل میان شبکه ارتباطی شهر به وجود می آید. با قرار گرفتن هر واحد در یک کل وسیع تر رابطه فضایی تنگاتنگی در جهت حفظ و تقویت کل مجموعه ایجاد می شود. این دسته از ساختارگرایان به تقویت مبانی انسجام در شکل کمک کردند و جمع این اضداد را جزو مفاهیم اصلی در طراحی شهری قرار دادند (بیکن، ۱۳۸۶،

ص ۲۶۰).

در شهرهای سنتی ایران نیز به اعتبار وجود ویژگی های کالبدی خاص زمانه شان، وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان، نوعی حس تعلق خاطر و هویت را برای اهالی هر محلّه به همراه داشت که خود سرچشمه ایجاد سرمایه اجتماعی موجود در این محلّه ها بوده است. وجود اعتماد، همبستگی و روح تعاون و همکاری در اداره امور محلّه از جمله نشانگرهای وجود این ویژگی هستند. در حقیقت، رشد بطئی کالبد محلّه ها در گذشته، ضمن حفظ ارزش های محیط اجتماعی خود، پاسخگوی نیازهای ساکنین خود نیز بودند (اردشیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

یکی از مهمترین عواملی که انسجام اجتماعی را پشتیبانی می کند، وجود کالبد مناسب در شهر است. در فرهنگ عمید واژه کالبد چنین معنا شده است: قالب، تن، بدن. فرهنگ معین این واژه را چنین تعریف می کند: قالب هر چیز، تن آدمی و جانوران، بدن. فرهنگ دهخدا نیز تعبیر مشابهی دارد: کالبد را تنها بر تن آدمی اطلاق نکنند، بر جماد و نبات نیز اطلاق نمایند. لذا کالبد را می توان به معنی جسم و تن دانست در مقابل روح و روان. کالبد ماوا و سکونتگاه روح است، ارزشمند است و می توان با دیدگاهی ارزشی به آن توجه کرد (مقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

نقش عناصر استخوانبندی محلّه در ترکیب کلی، همانند نقش نت های موسیقی در یک دستگاه موسیقایی و یا نقش واژه ها در یک متن ادبی است. تاثیرات متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزاء در موسیقی و یا ادبیات حاصل می شود، حیرت برانگیز است و این امر در مورد خلق فضاهای شهری در هر مقیاسی به ویژه در مقیاس محلّه نیز شگفتی آور بوده و می تواند باشد. آهنگی که از طریق ترکیب توده و فضا در فضای محلّه تولید می شود، تاثیری مستقیم بر ساکنان یا عابران محلّه داشته و آنان را به هم آوایی با خود وا

می دارد. ساکن و عابر خود جزئی از فضای آهنگین می گردد. کیفیت تجربه ای که از این مشارکت حادث می شود، بیانگر کارآیی نیروهای ساطع شده از توده و فضا بوده و خاطره انگیز می شود. به عبارتی می توان به مدد نیروهای سازمانده، ارتباطی ساختاری و مجموعه ای یکپارچه با تاثیری متفاوت از اجزاء خلق نمود. حرکت از اینجا به آنجا که با تمامی احساسات انسانی در هم می آمیزد و تاثیری متفاوت از بودن در هر یک از دو مکان را به همراه می آورد. به کمک این تعامل فضایی که می تواند توده های منفرد را در یک کل واحد منسجم نماید، می توان ساختاری واحد ایجاد نمود، به طوری که بدون دغدغه طراحی در اجزاء محله، کل آن را دربرگیرد (حبیبی، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

۳-۴-۴- علل کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها

ادبیات جامعه شناسی شهری و جغرافیای شهری معاصر، یکی از ویژگی های عمده کلانشهرهای کنونی را کاهش نگران کننده پیوندهای اجتماعی و اخلاقی شهروندان می داند. در واقع در کنار معیارهای متعدد تعیین کننده جغرافیایی، اقتصادی، اداری، فنی و شبکه ای، کلانشهر کانون اجتماعی- فضایی است که به تناسب افزایش جمعیت، توسعه کار فنی و نیز بالا رفتن حجم انتظارات ساکنین آن، پیوسته در معرض اشکال مختلف از کاهش و یا گسست در پیوندهای اجتماعی و اخلاقی قرار دارد (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳).

موضوع کاهش همبستگی های اجتماعی در کلانشهرهای جدید به ویژه در شهرهای کشورهای موسوم به در حال توسعه به شکل نگران کننده ای توجه برنامه ریزان را به خود جلب کرده است. این سؤال پیوسته مورد تفحص آنان قرار داشته و دارد که چگونه ممکن است در کنار آسماخراش های عظیم، بناهای شکوهمند، زیبایی های هنری و معماری توسعه یافته شهری، راه ها و ساختمان های عریض و طویل به ایجاد شرایط و ساختاری

نائل آمد که در آن، زیبایی های اخلاق انسانی، ارزش های پایدار بشری، و تجلیات اعتقادات متعالی در اشکال پنهان و آشکار خود حضوری محسوس و تعیین کننده داشته باشند. به علاوه این پرسش مطرح می باشد که چگونه ممکن است با طراحی و برنامه ریزی علمی، اخلاقی و خردمندانه باعث آن گردید که شهروندان در کنار برخورداری از مواهب توسعه شهری جدید، در محیطی سرشار از پیوستگی های اجتماعی و اخلاقی با یکدیگر همزیستی داشته باشند و بستر زندگی مشترک آنان در شهر مانع از رواج هنجارشکنی، جرم، بزهکاری اجتماعی و در نهایت تجزیه اجتماعی گردد(همان).

در حال حاضر توسعه شهر نشینی و افزایش شکل گیری پدیده کلانشهر در غالب کشورهای در حال توسعه، فرایند تحول اجتماعی را با دشواری های متعدد روبرو گردانیده است. تغییر الگوی زندگی و تمایل رو به افزایش اسکان در مراکز شهری به منظور استفاده بیشتر از خدمات و امکانات، توده های بیشتری را برای حل مشکلات ناشی از دگرگونی در قالب های حیات نوین مجهز کرده است. مهمترین ویژگی تحول در نظام اسکان اجتماعی، ظهور اشکال کاملاً جدید روابط و مناسبات اجتماعی در مراکز شهری است که خود به تبع پیدایش نظام کار و سازمان تولید، یک وضعیت اجتماعی متفاوت از گذشته را موجب گردیده است. ر واقع در رویکردهای جدید شهر همانند اهریمنی تلقی می گردد که روابط اجتماعی عمیق را زیر فشار تلفات سنگین نظام ماشینی جدید درون خود در معرض اختلال قرار می دهد(همان، ص ۱۱۷). کلانشهرهای جهان در حال حاضر به فضاهای جغرافیایی و اجتماعی فرسایش اخلاقیات، جمعی و استحاله ارزش های پایدار انسانی تبدیل شده اند. از هنگام شروع مدرنیته، بیماری های مزمن و شدید شهری در کالبد اجتماعی آن از جمله عدم همبستگی میان ساکنین در شهرها و فقدان درک و

احساس مشترک میان آنان، دانشمندان را در قبال توسعه انسانی در شهرها در شرایط جدید دچار ابهام نموده است (همان، ص ۱۱۸).

در چنین فضایی از ذهنیت عمومی، همگرایی اجتماعی- فرهنگی مردم کار بسیار دشواری می شود. مگر آنکه در قالب تشکل ها، احزاب و سازمان های غیر دولتی و مانند آن فرصت هایی را بتوان ایجاد کرد که مردم با افراد و نیروهای مشترک و متشابه شان یک صدا و هماهنگ شوند. در غیر این صورت محال است که همه مردم یک جور و هم شکل و هماهنگ فکر و عمل نمایند. در عصر حاضر ما در حال ورود به جهان شبکه ای آینده هستیم که دارای ویژگی هایی چون بی مرکزی، در هم تنیدگی و چند وجهی بودن است که در آن هویت، سرچشمه معنا و تجربه خواهد بود و رویدادهای پیش روی ما در این جهان: سرزمین زدایی ناشی از جهانی شدن (نامکانی)، مرزگریزی فضاها (درهم آمیختگی)، فشردگی زمان (دنیای بی زمان)، سنتی و عرفی شدن فرهنگ (گفت و گوی فرهنگی)، تعدد مراجع اجتماعی (چندپارگی)، نقش هویت ساز دولت ها (غیر رسمی تر شدن هویت) و از این قبیل خواهد بود. به گفته لوهان: ایجاد وفاق اجتماعی مستلزم تحدید تنوع و کاهش پیچیدگی هاست (امام جمعه، ۱۳۸۷، ص ۹۷).

ما هم اکنون در جهانی زندگی می کنیم که با سرعت فوق العاده ای رو به سوی شهری شدن گام می نهد و باید توجه کرد که فرایند شهری شدن بسیار پیچیده تر از تصور ما می باشد و به سرعت تحول پیدا می کند به طوریکه ما با شهرهای بزرگی روبرو هستیم که خود به مثابه سیاره ای بزرگ هستند و هر روز شاهد اصطلاحات جدیدی برای توصیف این شهرها هستیم. از جمله متروپلیس، مگاپلیس و اخیرا مگاسیتی. این شهرهای غول پیکر هر روزه با مشکلات بسیار عدیده و بزرگی روبرو می شوند و نظام مدیریتی و برنامه ریزی شهری از حل مشکلات آنها عاجز مانده است. ما نمونه عینی این

موضوع را در شهر تهران- مرکز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران- به خوبی شاهد هستیم. لذا باید به دنبال راه حل این مشکلات بود. از آنجایی که شهرهای بزرگ تبدیل به موجودات بی قواره ای شده اند لذا برای توسعه شهری و بالاخص از نوع پایدارش، باید توان ها و محدودیت های شهری را بر پایه اجزای خرد آن بشناسیم یعنی باید از کوچکترین واحدهای شهری که همانا محله های شهری هستند کار را شروع کرد. یکی از پدیده های قابل تامل که در شهرهای بزرگ و از جمله تهران نمود پیدا کرده است، جدایی گزینی فضایی می باشد و باید گفت این مسئله واقعیتی است که به هیچ وجه نمی توان آن را انکار کرد و تاثیرات متناقض و در عین حال حیاتی و موثر بر ساکنان محله های مختلف شهر دارد.

۳-۴-۵- جمع بندی

کالبد و فضا و یابه عبارتی توده و فضا همواره رابطه متقابل و دو سویه با هم داشته و اصولا یکی بدون دیگری بی معنی است. پیوستگی کالبدی ساختمان و شهر به نوعی نشان دهنده ترکیب توده و فضا است. وجود کالبد متناسب و پیش بینی خلق رویدادهای اجتماعی، در عین ایجاد فرصت های مشارکت در فعالیت های اجتماعی، زمینه ساز حس تعلق به مکان می باشد. شکل های ساخته شده توسط انسان، ادامه اندیشیدن وی می باشد. شکل و نظم های متفاوت حاصل از چگونگی ترکیب آنها، ناشی از فکر است. در درون این فضا در یک رابطه متقابل، فعالیت های انسان و ساخت و سازهایش که توسط فکر هدایت شده، واقع می گردد. به عبارتی تجربه در فضا، خود تاثیراتی حسی را به دنبال داشته و محتوایی برای

جدول ۵. جمع بندی دیدگاه های صاحب نظران ایرانی در خصوص انسجام کالبدی - اجتماعی در محلات ایرانی؛ ماخذ:

نگارنده، بهار ۱۳۹۶

جمع بندی دیدگاه های صاحب نظران ایرانی در خصوص انسجام کالبدی - اجتماعی در محلات ایرانی	
سلطانزاده، ۱۳۶۲	با توجه به مطالعاتی که در شهرهای قدیمی انجام شده است، معلوم گردیده که میان عناصر شهری (البته به جز ارگ حکومتی) به نحوی پیوستگی و ارتباط فضایی وجود دارد که نهایت، ترکیبی منسجم را دست می دهد. کل شهر از محلات و مرکز شهر تشکیل می شود.
توسلی، ۱۳۸۸	سازمان کالبدی شهرهای قدیمی ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه، یعنی میدان، خیابانهای اصلی، مرکز شهر در مراکز محلات استوار است. پیوستگی فضایی گرچه در بافت قدیم بسیاری از شهرهای ایران وجود دارد، اما این پیوستگی در بافت قدیم شهرهای کویری به خوبی مشهود است. معابر اصلی به صورت شطرنجی نامنظم پیوند فضایی میان محلات، مراکز آنها و مجموعه مرکز شهر را برقرار می کرده است.
شیعه، ۱۳۸۷	محله در شهرهای سنتی جزئی از یک کل به هم پیوسته است و در ارتباط با سایر اجزاء نقش خود را باز می یابد.
بهبزادفر، ۱۳۹۴	محله های شهرهای ایرانی - اسلامی در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردارند.
حبیبی، ۱۳۸۱	همزمانی و در زمانی حرکات انسانی در فضا در بافت محلات ایران به مثابه نیروهای پیوند دهنده ی عناصر استخوانبندی محله ایفای نقش می کردند. که عناصر و عوامل استخوانبندی محله به گونه ای مستقر بودند که ب فضای گفتگوی بین توده، فضا و ساکن یا عابر را فراهم می آوردند و ساکن و عابر با حضور در فضای بین عناصر به هنگام حرکت، جریانی پیوسته از تجربیات جمعی و همگون را دریافت می کرد.
دانشپور، ۱۳۹۴	عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایران وجود داشته اند، دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به هم پیوسته بوده اند. در شهرهای اسلامی فضاهای مانند مسجد جامع، بازار، مرکز حکومت، فضاهای مسکونی و... ضمن آنکه هر کدام مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله مراتب فضای شهری حفظ می کنند و به ایفای نقش خود می پردازند، با هم مجموعه واحدی را پدید می آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به هم پیوسته نشان می دهد.
منصوری، ۱۳۸۸	محله را کوچک ترین واحد شهری می داند که از ترکیب مناسبات متنوع همسایگی و پیوندهای اجتماعی تشکیل شده است.
عزیزی، ۱۳۸۶	در سرزمین های اسلامی، شهر مجموعه ای از محله های متجانس و همگن است که بر اساس روابط مناسب، شکل و وابستگی های قومی، مذهبی، حرفه ای یا سرزمینی در مکان مشخص مجتمع شده و هدایت و اصالت خود را سال ها به همین صورت نگه داشتند.
مدنی پور، ۱۳۸۷	محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه می باشد. این خصوصیات که در سراسر محله ادامه می یابند و هرکجا که محله پایان می یابد قطع می شوند. هر اندازه که این وجوه تشابه بیشتر باشد محله وحدت بیشتری می یابد.
عینی فر، ۱۳۸۶	توجه به همگنی اجتماعی و مرز جدا کننده محله را مبنای تعریف محله قرار می دهد.
شکویی، ۱۳۹۲	محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید.
بمانیان، ۱۳۹۴	شهرهای سنتی ایران به تبع این نمادگرایی و ابعاد تمثیلی اش دارای ارزش های کیفی و کالبدی می گردد. شهرهای ایرانی برای ایجاد پیوستگی تاکید صرف بر کالبد نداشته، بلکه کالبد، فعالیت و معنا با هم باید حضور دارند.
مقتدایی، ۱۳۸۳	یکی از مهمترین عواملی که انسجام اجتماعی را پشتیبانی می کند، وجود کالبد مناسب در شهر است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۴۳

<p>بیش از نیم قرن از سعی برای دستیابی به نگرشی نظریه پردازانه به شهرسازی در کشور ما نمی گذرد و در همین مدت، برخی صاحب نظران ایرانی در معرفی و استخراج درس هایی که در معماری و شهرسازی سنتی ایرانی وجود دارند، تلاش کرده اند. به ندرت نظریه پردازان ایرانی دسته بندی منسجم و جامع از ابعاد یکپارچگی ارائه کرده اند و غالباً به کلیات اکتفاء شده است. علاوه بر این مسئله، در این نظریات مسئله دیگر آن است که در مورد مفاهیمی مانند هماهنگی، پیوستگی، وحدت، هم پیوندی و غیره تعریف واحدی وجود ندارد. در معیار هم پیوندی و اتصال، عمدتاً به دو مفهوم هماهنگی و پیوستگی اشاره شده است و معیارهای آن غالباً در مورد هماهنگی شکلی و هماهنگی فضایی و همچنین تداوم و پیوستگی فضایی، بصری و کالبدی هستند.</p>	<p>زبردست، ۱۳۹۳</p>
<p>در شهرهای سنتی ایران نیز به اعتبار وجود ویژگی های کالبدی خاص زمانه شان، وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان، نوعی حس تعلق خاطر و هویت را برای اهالی هر محله به همراه داشت که خود سرچشمه ایجاد سرمایه اجتماعی موجود در این محله ها بوده است.</p>	<p>اردشیری، ۱۳۹۲</p>

می توان اینگونه بیان داشت که موضوع اجتماع محلی به عنوان هسته اصلی واحدهای همسایگی در غرب و محله در ایران است که به صورت و اشکال مختلفی با توجه به زمینه های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کارکردی بروز یافته است. در واقع واحد همسایگی یک قلمرو جغرافیایی محدود قابل شناسایی است که یک یا چند اجتماع محلی با سکونت در آن ارتباطات همسایگی را می سازند. محدوده های مسکونی که در آنها روابط همسایگی و اجتماع محلی وجود نداشته باشد را نمی توان به صرف یک سری امکانات و یا اعداد و ارقام، واحد همسایگی دانست. از سویی دیگر تعریف محله ایرانی به دو شکل صورت گرفته است. عده ای خصوصیات فیزیکی و اصول طراحی آن را مطرح کرده اند و عده ای از روابط متقابل در آن سخن به میان آورده اند. اما مسئله ای که به وضوح از همه دیدگاه ها می توان دریافت کرد، قوت مسائل اجتماعی نسبت به مسائل کالبدی است. حتی می توان اینگونه بیان کرد که اجتماع محلی شکل گرفته در محدوده های فیزیکی کالبد را شکل داده اند و متناسب با روابط درون این قلمرو، امکانات را پدید آورده اند. زندگی در شهرها با ارزش ها و سنت های ناهمگون و تفاوت های فردی سبب کاهش انسجام اجتماعی می شود و فردگرایی به عنوان ارزشی اجتماعی مطرح می گردد. آیزنشتاک متذکر می شود که مهمترین مسئله نظم اجتماعی برای

اندیشیدن و مبنایی برای تفکر می گردد. معماری از جنبه اجتماعی باید به مولفه های اجتماعی توجه نماید و فضای کالبدی را در جهت بسترسازی برای شکل گیری و تقویت اجتماعی مشخص هدایت نماید. ایجاد فضای کالبدی برای جریان روان این برآیند، به تقویت این نقش ها و در نهایت تقویت هویت اجتماعی کمک می کند و نتیجه آن افزایش همبستگی، امنیت و مشارکت اجتماعی و پایداری جامعه خواهد بود.

۴- توجه به معیارهای انسجام کالبدی - اجتماعی در محلات بلندمرتبه منطقه ۲۲ شهرداری تهران

۴-۱- روند بلندمرتبه سازی در کلانشهر تهران

گذشته از تفاوت های بارز فضایی و اجتماعی، در مجموع بافت محلات شهری در تمام کشورها از یک فرایند مشابه پیروی می کند. بدین ترتیب که محله اولاً دارای یک فضای جغرافیایی در مقیاس کوچک در سطح شهر است. ثانیاً عموماً گروه های انسانی با خصیصه اجتماعی یا فرهنگی مشابه در آن ساکن هستند و ثالثاً روابط اجتماعی میان گروه های انسانی ساکن در هر محله یک رابطه صمیمی و دارای انسجام و وحدت است و در نهایت شبکه حیات محله ای دارای کارکردها و نتایجی است که هم متوجه ساکنان محله و هم سایر ساکنان در نواحی دیگر است. به عنوان جمع بندی

دورکیم و تا حدودی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. ترنر تحت تاثیر دورکیم انسجام را فرایند سازمان دهنده نظم اجتماعی می داند که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می سازد. به نظر می رسد برای ترنر یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی، انسجام باشد. از سویی دیگر، پدیده بلندمرتبه سازی به عنوان یکی از مظاهر مدرنیسم یک پدیده نوظهور در مناطق کلانشهری است. اندیشه بلندمرتبه سازی در طی حیات خود همواره از سوی صاحب نظران مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد تجزیه و تحلیل و انتقاد واقع شده است. با این حال حضور این پدیده تداوم داشته و به عرصه فعالیت خود افزوده است. اندیشه های مخالف و موافق بلند مرتبه سازی، هریک با تاکید بر جنبه ای خاص این پدیده را مورد تائید یا انتقاد قرار داده اند. اما نهایتاً عوامل بسیاری سبب توجیه بلندمرتبه سازی شده که از جمله آنها می توان به نقش بلندمرتبه سازی در جلوگیری از رشد افقی و گسترده شهر، بلندمرتبه سازی به عنوان نماد و نشانه، مقوله اقتصادی و رانت، بلندمرتبه سازی از نقطه نظر سیاسی و ایجاد اقتدار و نقش آن در سیمای شهری اشاره کرد. در نهایت می توان به این موضوع اشاره کرد که برنامه ریزی، به طور روشن و کاملاً مشخص یک فعالیت سیاسی محسوب می شود که از ایدئولوژی سیاسی مسلط بر جامعه منشاء گیرد. در این راستا، برنامه ریزی در ایدئولوژی های مختلف، چهره های جغرافیایی مختلفی به وجود می آورد. رشد ناگهانی شهرهای ایران از سال های آغاز قرن حاضر، باعث انقطاع روند تغییرات کالبدی-فضایی شهرها در تداوم منطقی با گذشته گردید. این تغییرات با ورود واژگانی جدید همچون آپارتمان همراه بود که تغییرات شگرفی بر الگوی مسکن در شهرهای ایران گذاشت. اولین نتایج فیزیکی این روند در محیط

های شهری از سال های ۱۳۱۶-۱۳۰۹ قابل تامل است که در این دوره ساختمان های بلندی برای ساخت وزارتخانه ها و ساختمان های مختلف در تهران احداث شدند. آغاز دهه ۱۳۳۰ مصادف با آغاز بلندمرتبه سازی در تهران از یک طرف و رواج ایده احداث کوی ها و شهرک های مسکونی برای اسکان مهاجران و اقشار کم درآمد بر پایه برنامه اول توسعه از طرف دیگر است که کوی هایی نظیر چهارصد دستگاه، نارمک و نازی آباد از آن جمله اند. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه در سال های اخیر مواجه با تغییرات عمده ای در سیمای کالبدی - فضایی خود بوده است. در قالب نیاز به افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی در بافت موجود و بهره گیری از امکانات بالقوه آن، فعالیت بلندمرتبه سازی به عنوان یکی از بارزترین مراحل در روند تغییرات کالبدی - فضایی این شهر نمود پیدا کرده است. اگرچه بلند مرتبه سازی از سویی می تواند به بخشی از مسائل شهری نظیر کمبود زمین و مسکن تا حدی پاسخ دهد، اما این پدیده خود می تواند نگرانی های عمده ای را نیز دامن زند. برای مثال، فقدان ضوابط و معیارهایی برای توسعه این پدیده، می تواند عوارض نامطلوبی نظیر ناهمگونی در سیمای کالبدی شهری همراه با ناسازگاری های اجتماعی و فرهنگی را باعث گردد. زمین به عنوان بستر اصلی توسعه شهری و منطقه ای، از منابع و ابزارهای مهم اعمال قدرت و حاکمیت شمرده می شود. در مناطق کلانشهری زمین های گسترده ای که میان شهرها و روستاهای منطقه مانده اند، رفته رفته مطلوبیت لازم را برای استقرار فعالیت و اسکان جمعیت پیدا می کنند. بدین ترتیب در این مناطق اراضی وسیع تری در فرایند کالایی شدن قرار می گیرند و به منبع قدرت تبدیل می شوند. اگرچه زمین های واقع در درون محدوده رسمی شهرها قیمت بسیار بیشتری دارند، اما اراضی حاشیه ای نیز در صورت تخصیص به سکونت یا سایر فعالیت های متمرکز، نسبت به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

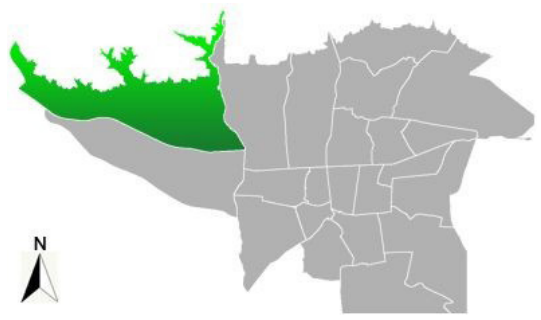
اراضی کشاورزی قیمت بسیار بالاتری می یابند. این تفاوت قیمت را می توان انگیزه و سازوکار اصلی گرایش به تبدیل کاربری زمین های حاشیه ای و وارد ساختن آنها در درون محدوده های رسمی شهرها دانست. عملی شدن این تمایل بدون شک از یک سو نیازمند اعمال قدرت یا نفوذ از طرف مالکان، بورس بازان، ساخت و سازگرایان و گروه های مردمی متقاضی اسکان در این محدوده ها، و از دیگر سو مستلزم نفوذپذیری سازمان های رسمی، مسئول و وابسته است. در این راستا، فعالیت های بلندمرتبه سازی در تهران تحولات قابل توجهی را باعث شده اند. در تهران افزایش تراکم در راستای سیاست خاصی که شامل برنامه ریزی و طراحی شهری باشد، حادث نشده است. افزایش فعالیت های بلندمرتبه سازی در تهران در طی سال های اخیر دغدغه ها و نگرانی هایی را به وجود آورده است و این نگرانی ها می تواند تبدیل به مسائل جدی و حتی بحرانی شوند. علی الاصول توسعه شهری زمان حاضر را نمی توان در ادامه شهرسازی و توسعه شهری گذشته دید. تحولات بسیاری در ابعاد مختلف به وقوع پیوسته است که اعمال آنها در فرایند توسعه شهری امری اجتناب ناپذیر است. با گسترش پیراشهری در هاله کلانشهرهای تهران، پیامدهای منفی ناشی از گسترش بی برنامه آن نیز افزایش می یابد. پیشروی کلانشهر تهران و توسعه شهری و روستایی در محیط پیراشهری آن در شرایطی که سوداگری زمین کنترل نشود و در سطوح مختلف ابزار، سازوکاری برای هدایت نظام مند آن وجود نداشته باشد، نه تنها موجب انحطاط زیست محیطی و اکولوژی شده بلکه در فقدان یک پیش بینی و دوراندیشی کلیه توسعه پیرامونی گریبانگیر کلانشهر تهران می شود.

اتخاذ رویکردهای پراکنده، تهران را برای ایفای نقش حساس و حیاتی خود در سطوح ملی و فرا ملی ناتوان ساخته و نقش پایتخت را به تامین هرچه بیشتر خانه، مغازه و دفتر کار برای ساکنان

محدود شده و فرصت های کمیاب و نادر برای تامین فضاهای مورد نیاز کارکردهای مناسب در سطح ملی و فراملی، یک به یک از میان می رود (طرح جامع تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

۴-۲- روند بلندمرتبه سازی در منطقه ۲۲ تهران
رشد روز افزون جمعیت و تحولات گسترده و دامنه دار اقتصادی و ... بازتابی گسترده در تحولات کالبدی شهر تهران ایجاد نموده است، که یکی از پیامدهای آن نحوه شکل گیری منطقه ۲۲ شهرداری تهران است که بدون تردید بزرگترین و وسیعترین توسعه شهری متصل به تهران می باشد. این منطقه با هدف رفع کمبودهای خدماتی حوزه غرب تهران و نیز جابجایی بخشی از جمعیت ساکن در بافت های فرسوده تهران مرکزی و نیز اسکان بخشی از جمعیت شهر تهران ایجاد شد. منطقه ۲۲ شهرداری واقع در شمالغرب تهران در ۳۰ سال گذشته تحت پوشش فعالیت های عمرانی ویژه ای از جهت طرح ریزی و اجرا بوده است و از دهه ۱۳۴۰ عمران این منطقه مورد توجه دست اندرکاران و سازندگان شهر تهران قرار داشته است مالکین اولیه این اراضی خانواده فرمانفرمایان و فیروزگر بوده اند. پس از تصویب طرح جامع شهر تهران این منطقه بنام یک شهر جدید تعریف و حوزه آن در دهه ۱۳۵۰ بنام شهر جدید کن به وسیله مهندسین مشاور فرمانفرمایان و همکاران طراحی شده است (سایت رسمی شهرداری منطقه ۲۲: ۱۳۹۲).

در طول سالهای ۴۹ تا ۵۸ حدود ۲۰ درصد از اراضی این منطقه تفکیک شد و مالکین جزئی پیدا کرد و بقیه اراضی به قطعات بزرگ (۱۰۰۰ مترمربع به بالا) تقسیم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی اراضی فرمانفرمایان و فیروزگر ملی اعلام شد و تعدادی از آنها به سازمان زمین شهری واگذار گردید و حدود ۵۰۰ هکتار از این زمینها توسط ایت ا... ملاحظی کنی که از زمان قاجار مالک این زمین ها بودند بصورت موقوفه درآمد (همان).



تصویر ۱. موقعیت منطقه ۲۲ در شهر تهران؛ ماخذ: پروتال منطقه ۲۲ شهرداری تهران

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

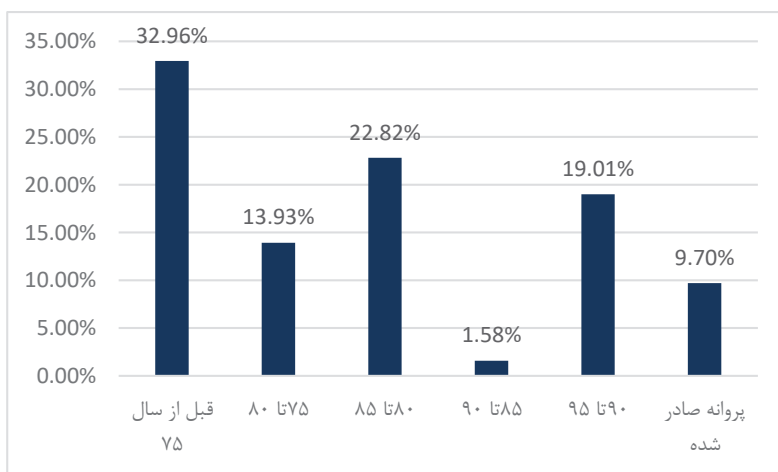
۲۴۷

گرفت. در سال ۱۳۷۳ مطالعات تهیه شده توسط مشاور باوند با عنوان طرح تفصیلی منطقه ۲۲ تصویب شد. پس از تصویب طرح تفصیلی، زمینه اجرای آن با مسائل مختلفی همراه گردید که بنا به ضرورت‌های موجود مجدداً توسط مهندسی مشاور باوند و آرمان شهر بازنگری و طرح تفصیلی جدید در سال ۱۳۷۸، به تصویب کمیسیون ماده ۵ رسید و سرانجام پس از سالها تلاش و مطالعات، طرح تفصیلی منطقه ۲۲ تهران در تاریخ ۷۹/۶/۸ توسط کمیسیون ماده ۵ ابلاغ و شهرداری منطقه ۲۲ فعالیت رسمی خود را آغاز نمود (همان). از ۶۲۰۰ هکتار اراضی منطقه، ۱۲۶۵ هکتار پارک و فضای سبز، ۶۲ هکتار فضای آموزشی، ۱۶۸ هکتار آموزش عالی، ۲۳۸ هکتار خدماتی، ۳۲۷ هکتار فضای ورزشی، ۳۵۵ هکتار دریاچه و ۱۱۶۲ هکتار مسکونی می باشد. تراکم مسکونی به سه ناحیه تراکم کم (۱۰۰ واحد در هکتار)، تراکم متوسط (۱۳۵ واحد در هکتار) و تراکم زیاد (۲۰۰ واحد در هکتار) تقسیم شده است (همان). منطقه ۲۲ به

در طول جنگ تحمیلی ایران و عراق بعثت در دسترس بودن اراضی این منطقه، ۲۵٪ از اراضی توسط نیروهای مسلح جهت ساخت و ساز پادگاههای نظامی مورد استفاده قرار گرفت و در قسمتی از این اراضی نیز تعاونیهای مسکن شروع به شهرک سازی کردند پس از مواجه شدن مسئولین با مشکلات شهر تهران و دستیابی به این نتیجه که می توان این منطقه از شهر را به منطقه ای مطابق با الگوهای شهر نشینی تبدیل نمود و با توجه به امکان گسترش شهر تهران در منطقه ۲۲ که در طرح جامع تهران نیز پیش بینی شده بود شهرداری تهران بر آن شد تا اراضی شمال غرب تهران را به محدوده خدماتی شهر تهران الحاق نماید و بر این اساس تهیه طرح تفصیلی منطقه ۲۲ بنا به توصیه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۰ با هدف احیای مفاهیم از دست رفته شهرسازی چون هویت، خوانا بودن محیط جهت یابی و مکان یابی فضاهای مناسب شهری در دستور کار مهندسی مشاور باوند قرار

جدول ۵. سطح و نسبت فضاهای مسکونی ساخته شده در هر دوره

دوره	مساحت (هکتار)	درصد
قبل از سال ۷۵	۴۴۹	۳۲.۹۶٪
۸۰ تا ۷۵	۱۸۹.۷	۱۳.۹۳٪
۸۵ تا ۸۰	۳۱۰.۷	۲۲.۸۲٪
۹۰ تا ۸۵	۲۱.۶	۱.۵۸٪
۹۵ تا ۹۰	۲۵۸.۹	۱۹.۰۱٪
پروانه صادر شده	۱۳۲.۲	۹.۷۰٪



نمودار ۱. نسبت فضاهای مسکونی ساخته شده در هر دوره

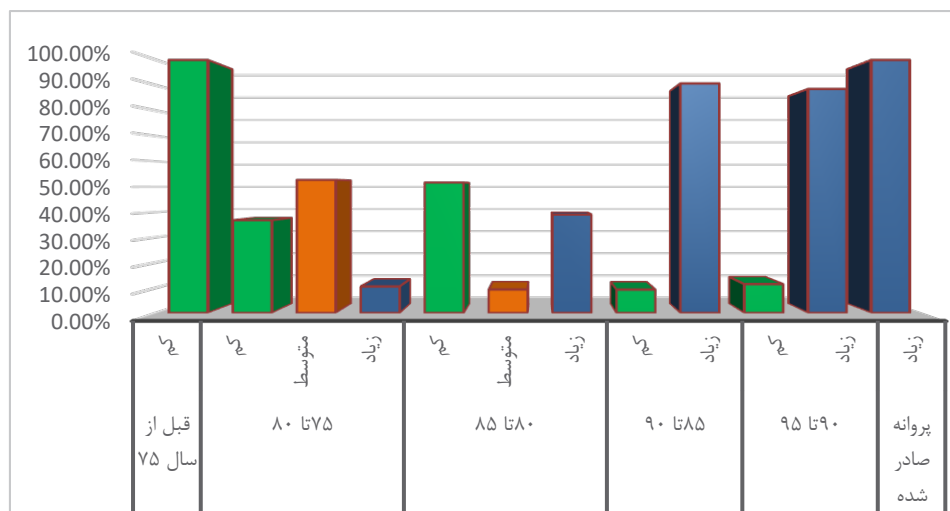
های مختلف، سطح زیر ساخت فضاهای مسکونی از ابتدا تا سال ۷۵، سالهای ۷۵ تا ۸۰، ۸۰ تا ۸۵، ۸۵ تا ۹۰، ۹۰ تا ۹۵ و همچنین پروانه های صادر شده جهت کاربری مسکونی بررسی شده است. از حدود ۱۳۶۲ هکتار فضای مسکونی و خدمات وابسته به آن ۳۳ درصد آن قبل از سال ۷۵ ساخته شده است. سطح اختصاص داده شده هر محدوده به فضاهای مسکونی نشان از حضور و افزایش جمعیت در آن محدوده را دارد. ولیکن این مولفه به تنهایی و بدون بررسی تراکم ساختمانی شاخص مناسبی جهت تحلیل این موضوع نمی باشد. به همین جهت تراکم ساختمانی فضاهای مسکونی طی دوره های مختلف در منطقه ۲۲ مورد بررسی قرار گرفته شده است.

عنوان یک منطقه پیراشهری در اسناد بالادست به عنوان آخرین امید شهر تهران جهت ارائه خدمات برتر معرفی گردید. گرچه در طرح مجموعه شهری تهران روند سکونت در آن ممنوع شد اما با توجه به سیاست های حاکمیتی در سطح کلان، ساخت و سازهای مسکونی در قالب بلندمرتبه سازی در آن به شدت رونق گرفت.

منطقه ۲۲ در سطح تهران و فرا شهری قابلیت دسترسی بی نظیری دارد. دسترسی های مهم منطقه، آزاد راه تهران-کرج و بزرگراه تهران-شمال می باشد که آزاد راه در حال احداث تهران-شمال به عنوان شریان اصلی شمال به جنوب کشور، مسیر اصلی رفت و آمد است. جهت بررسی سرعت رشد فضاهای مسکونی منطقه ۲۲ در طی دوره

جدول ۶. سطح و نسبت درصد تراکم ساختمانی مسکونی در هر دوره در منطقه ۲۲ شهرداری تهران

سال	تراکم	مساحت (متر مربع)	درصد
قبل از سال ۷۵	کم	۴۴۸,۹	۱۰۰
۸۰ تا ۷۵	کم	۶۹,۷	۳۶,۷۶
	متوسط	۱۰۰	۵۲,۷۴
	زیاد	۱۹,۹	۱۰,۵۰
۸۵ تا ۸۰	کم	۱۶۰,۷	۵۱,۷۱
	متوسط	۲۹,۸	۹,۳۰
	زیاد	۱۲۱,۲	۳۹
۹۰ تا ۸۵	کم	۲	۹,۲۶
	زیاد	۱۹,۶	۹۰,۷۴
	کم	۲۹,۶	۱۱,۴۳
۹۵ تا ۹۰	زیاد	۲۲۹,۳	۸۸,۵۷
	زیاد	۱۳۲,۲	۱۰۰
پروانه صادر شده			



نمودار ۲. نسبت درصد تراکم ساختمانی مسکونی در هر دوره در منطقه ۲۲ شهرداری تهران

از نظر دیوید هاروی توسعه شهری ابزاری کلیدی برای جذب مازاد سرمایه و کار بوده است. در واقع مسکن و شهرگرایی به عنوان ابزاری برای افزایش سود و بقای حاکمیت سرمایه است. در نظام سرمایه داری مسکن بیش از هر چیز شکل کالا به خود می گیرد و تولید آن نه برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی مردم که به منظور ایجاد ارزش اضافی و سودآوری انجام می شود. ملاحظات اقتصادی از مهم ترین عوامل در طرح و توسعه شهری است. ساخت و توسعه شهری هم چنین تابع ملاحظات سیاسی حکومت است. حکومت عمدتاً نماینده طبقه معینی است و با آن که گرایش ها یا قشرهای

مختلف آن، گاه از لحاظ نحوه اعمال حاکمیت تفاوت‌هایی دارند ولی از لحاظ ضرورت اصل حاکمیت بر مردم مشابه‌اند. یعنی در اصل شهر باید به گونه‌ای ساخته شود که سلطه آنها تأمین شود. یعنی این امر که مردم به چه سهولتی بتوانند یا نتوانند با هم ارتباط پیدا کنند، این امر که امکان گسترش حرکات مردمی چگونه باشد، تبدیل می‌شود به یک امر مهم و مرکزی و ابزار سیاسی در دست حاکمیت سرمایه داری. بنابراین توسعه در پیراشهر از مظاهر نظام سرمایه داری است. مدیریت چنین موضوعی در گرو تفکر رادیکال است. همان‌گونه که جورج لوکاش در کتاب تاریخ و آگاهی طبقاتی اشاره می‌کند که رادیکال بودن، یعنی پرداختن به ریشه مسائل. تا زمانی که ریشه مسائل آسیب‌شناسی نشود خط مشی‌ها و سیاستگذاری‌ها شبیه خامه روی یک است. در کوتاه مدت اثربخش و در بلند مدت حتی شاید آسیب‌زا باشد. در چنین شرایطی گاهی انجام ندادن کارهای سطحی بهتر است. همان‌گونه که جین هیلیر نیز در کتاب سایه‌های قدرت اشاره می‌کند که «گاهی سازمانی در نظام توسعه و مدیریت شهری به چنان زیانکاری‌هایی مشغول است که بهترین کار اخلاقی، تلاش برای متوقف کردن آن به هر وسیله ممکن است.» همان‌گونه که در بالا اشاره شد، اگرچه در کشورمان پس از گذشت چند دهه از ظهور توسعه عمودی، ساخت و ساز ارتفاعی با شیوه جدید در شهرهای بزرگ مانند تهران آغاز گردید، اما همواره به دلیل عدم برخورد مناسب با این پدیده، مشکلات و نارسایی‌هایی در نحوه استفاده از این بناها وجود داشته است. هم‌اکنون احداث مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه در شهرهای کشور در حالی‌که به گسترش است که شناخت درستی از ابعاد و تبعات این امر وجود ندارد، به طوری که این فرایندها از بسیاری از اهداف مورد نظر دور شده و مسائل متعددی به همراه داشته است. بنابراین لزوم تحقیق و بررسی‌های گوناگون و نیاز به

تنظیم معیارها و پیش‌نیازهای تحقق‌پذیری را در این زمینه واجب و ضروری می‌سازد؛ ضمن اینکه مولفه و شاخصه‌های مذکور در هر کشور، به دلایل گوناگونی در وضعیت‌های جاری اقتصادی، وضعیت قیمت و تولید انرژی، نظام فضاها، باز، الگوهای سکونت، سبک زندگی، مشخصه‌های محیطی، کاربری اراضی، شرایط اقلیمی، مصالح و سبک ساختمانی و توانایی‌های علمی و فنی کشورها یا مناطق مختلف با هم متفاوت است. بر اساس چنین مدلی، طراح شهری را قادر می‌سازد تا بازتعریف معیارها و شاخصه‌های اصل پیوستگی در محلات ایرانی که مبتنی بر تعادل توده و فضا بوده است و با تعریف سلسله‌مراتبی فضاهای باز عمومی در قالب این نوع محلات با بهره‌گیری از دانش طراحی، بتواند روابط اجتماعی را تسهیل نماید. منطقه ۲۲ به عنوان یک منطقه پیراشهری نمونه‌ای بارز از این مدعا است. ساخت و سازهای عمودی در این منطقه رو به رشد است و در آینده این منطقه با مسائل متعدد اجتماعی در محلات بلندمرتبه خود درگیر است. که با توجه به روند توسعه منطقه ۲۲ به عنوان یک منطقه پیراشهری مفصلی و ضربه‌گیر در تهران و تأکید اسناد فرادست؛ این منطقه رو به رشد از سه جهت درگیر ایفای نقش است:

۱. مسئولیت ارائه خدمات برتر و گردشگری- تفریحی نظیر پروژه هزار و یک شهر، بیمارستان پروفیسور سمیعی، خدمات پیشرفته پشتیبان تولید نظیر خدمات مالی- اعتباری، بیمه، حسابرسی، حقوقی، بازاریابی، تبلیغات، مشاوره حرفه‌ای، تجارت الکترونیک، معماری و ساختمان و ... را برای ساکنین شهر تهران دارد.
۲. به واسطه همجواری با استان البرز و مجتمع‌های زیستی نظیر شهر قدس، گرمدره و ... در مقابل هجوم جمعیتی استفاده‌کنندگان از این کاربری‌ها و یا حتی هجوم جمعیتی آنها مواجه است.
۳. همچنین به عنوان یک منطقه شهری نیز باید

در خصوص خدمات رسانی به جمعیت ساکن خود نقشی فعال ایفا نماید.

بدین ترتیب منطقه ۲۲ به عنوان یک منطقه پیراشهری در کلانشهر تهران که هدفش تامین و ارائه خدمات برتر به شهر تهران بود، با روند توسعه ساخت و ساز عمودی در آن بر اساس آمار و اطلاعاتی که در بالا ذکر شد، چنانچه برای محلات بلندمرتبه آن چاره ای اندیشیده نشود، خودش تبدیل به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی - کالبدی در منطقه کلانشهری تهران شود و حتی این موضوع به زیرساخت های گردشگری ایجاد شده در این منطقه آسیب جدی وارد نماید.

۵- نتیجه گیری و جمبندی

به اجمال می توان موضوع پژوهش حاضر را از سه منظر واجد اهمیت دانست: نخست آنکه اگرچه بلند مرتبه سازی و رویکرد طراحی شهری عمودی به عنوان یک راهکار جهت کنترل و عدم گسترش خطی شهر مد نظر است، اما موضوع تعادل توده و فضا از طریق تعریف سلسله مراتب فضاهای باز (از ترکیب فضاهای باز همسایگی در طبقات آپارتمانی تا فضاهای باز عمومی در سطح محله) در این نوع محلات، به خودی خود رویکردی نو در طراحی شهری به شمار می آید. چرا به موجب آن طراح قادر خواهد بود تا از نتایج این عمل آگاهانه در محلات اینچنینی استفاده نماید. با توجه به آمارهای موجود در منطقه ۲۲، همصدایی و تشریک مساعی در خصوص مباحث اجتماعی-کالبدی در خصوص بلندمرتبه سازی به عنوان یک موضوع مهم در مدیریت شهری به آن پرداخته نشده است. مهمترین موضوع در مناطق پیراشهری موضوع زمین و توسعه شهری است. مناطق پیراشهری نظیر منطقه ۲۲ در کلانشهر تهران، اغلب تحت اداره منطقه یا زیرمجموعه آن قرار می گیرد. منافع مختلف شهری و روستایی برای سازمانهای مختلف در پیراشهرها وجود دارد. توسعه دهندگان و کشاورزان و همچنین اتحادیه

ساکنان، اتحادیه مالکان (CSOها) و یا NGOهای فعال در طبیعت از جمله این گروهها و سازمانها می باشند. تقابل منافع گوناگون در حاشیه شهرها توسط گروههای مختلف (ذینفعان) از دولت، بازار، جامعه مدنی، پارادایم حاکمیت یا راهکار سیاستی خاص آن منطقه ایجاد میکند تعاملات این گروهها برای هدایت توسعه ها در حاشیه شهر بررسی و شناخته شود. این فرآیندهای حاکمیتی زمانی موفق خواهند بود که برپایه یک سیستم برنامه ریزی و حکومتی مستحکم بنا شوند. بدون این ملاحظات حاکمیت پتانسیل کمی برای تقویت کنترل فرآیندهای بازار در پیراشهرها را خواهد داشت. روشهای حاکمیت توافقات بین حکومتهای محلی در مورد سیاستها یا مقررات ناگزیر مطابق با سیستمهای رسمی نخواهد بود، مهم می شود اما احتمالاً چنان توافقی بدون پشتیبانی نهادی حکومتی رسمی و پروسه های قانونی و مالی آن به دست نخواهد آمد. از سویی دیگر میزان دخل و تصرف طراحان شهری و یا به عبارتی حوزه عمل ایشان در چیدمان و تدوین توده و فضاست. کالبد و فضا و یابه عبارتی توده و فضا همواره رابطه متقابل و دو سویه با هم داشته و اصولاً یکی بدون دیگری بی معنی است. پیوستگی کالبدی ساختمان و شهر به نوعی نشان دهنده ترکیب توده و فضاست. در بافت های قدیمی شهرهای ایرانی محو اجزاء، در کل به خوبی دیده می شود. پیوستگی فضایی یکی از جنبه های بنیادین معماری و شهرسازی گذشته ایران است. در این فضاها گذر از فضایی به فضای دیگر پی در پی و همواره تکرار شده است، بی آنکه هرگز این پیوستگی قطع شود. پیوستگی فضایی از طریق ایجاد پیوستگی دسترسی ها، پیوستگی دید و منظر یا توالی فضایی و وجود دیدهای پی در پی حاصل می شود. وجود کالبد متناسب و پیش بینی خلق رویدادهای اجتماعی، در عین ایجاد فرصت های مشارکت در فعالیت های اجتماعی، زمینه ساز حس تعلق به مکان می باشد. شکل

های ساخته شده توسط انسان، ادامه اندیشیدن وی می باشد. معماری از جنبه اجتماعی باید به مولفه های اجتماعی توجه نماید و فضای کالبدی را در جهت بسترسازی برای شکل گیری و تقویت اجتماعی مشخص هدایت نماید. ایجاد فضای کالبدی برای جریان روان این برآیند، به تقویت این نقش ها و در نهایت تقویت هویت اجتماعی کمک می کند و نتیجه آن افزایش همبستگی، امنیت و مشارکت اجتماعی و پایداری جامعه خواهد بود. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که استفاده از سازوکارهای قانونی طراحان شهری بتوانند در چیدمان توده و فضا دخالت نموده و مفهوم انسجام اجتماعی - کالبدی را در محلات بلند مرتبه منطقه ۲۲، باز آفرینی کنند.

منابع و ماخذ

۱. پرهیزگار، اکبر؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳)، رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلانشهری تهران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۶، تهران.
۲. صرافی، مظفر؛ تورانیان، فضیلت (۱۳۸۳)، مروری بر دیدگاه های نظری مدیریت کلانشهری؛ با تاکید بر جنبه های نهادی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷، تهران.
۳. اسدی، ایرج؛ زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹)، گونه شناسی مناطق شهر - بنیاد در مطالعات شهری و منطقه ای: با نظری بر واکاوای مفهوم مجموعه شهری در ایران، نشریه معماری و شهرسازی هنرهای زیبا، شماره ۴۳، تهران.
۴. عسگری، علی؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۵)، شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه های شهری کشور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، تهران.
۵. اسدی، ایرج (۱۳۸۳)، راهبرد منطقه گرایی در حکمروایی مناطق کلان شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷، تهران.
۶. آشنایی، تکتم (۱۳۹۲)، تحلیل پیامد سیاست

های هدایت و کنترل رشد پیراشهرنشینی در هاله کلانشهر تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری-شهرسازی، تهران.

۷. شیخی، محمد (۱۳۸۵)، مدیریت شهری و سکونتگاه های خودرو در منطقه کلانشهری تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، تهران.

۸. امامی، سید محمد؛ زبردست، اسفندیار (۱۳۹۳)، ارزیابی طرح های توسعه شهری بر اساس اصل همپوندی و اتصال با استفاده از روش AHP، تهران: فصلنامه مطالعات شهری، شماره یازدهم.

۹. اردشیری، مهیار؛ انصاری، رضا (۱۳۸۸)، مروری بر واحد همسایگی از محلات کهن خودبسندۀ تا همستان های دروازه دار نوین، مجله سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، شماره های ۵۹ و ۶۰.

۱۰. امام جمعه، فرهاد (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه شناختی همبستگی اجتماعی و فرهنگی در ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، تهران.

۱۱. بیکن، ادmond (۱۳۷۶)، طراحی شهرها، فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۱۲. توسلی، محمود (۱۳۸۸)، طراحی شهری؛ هنر نو کردن ساختار شهر همراه با چهار نمونه موردی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۱)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۳، تهران.

۱۴. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، تهران.

۱۵. دانشپور، عبدالهادی؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ غیایی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمان های بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵. تهران.

۱۶. رزاقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی، محسن؛ دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۹)، طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلانشهر تهران، مجله باغ نظر، شماره سیزده، سال هفتم، تهران.

۱۷. شجاع سیاهی، سپیده (۱۳۹۲)، شناخت و تقویت ساختار اصلی به منظور ایجاد انسجام در شکل شهر و طراحی بخشی از ساختار پیشنهادی؛ مطالعه موردی: شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنرهای زیبا، تهران.

۱۸. شمعی، علی؛ جهانی، رحمان (۱۳۹۰)، بررسی توسعه عمودی شهر بر هویت محله ای؛ مطالعه موردی: منطقه ۷ تهران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، تهران.

۱۹. عباس زاده، محمد؛ عزیزاده اقدام، محمدباقر؛ اسلامی بناب، سید رضا (۱۳۹۱)، بررسی بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱.

۲۰. قبادیان، وحید؛ کیانی، مصطفی (۱۳۹۲)، خاستگاه معماری مدرن در تهران: بررسی و شناخت اولین بنای سبک معماری مدرن در پایتخت کشور، تهران: مجله نامه معماری و شهرسازی.

۲۱. کریمی مشاور، مهرداد؛ منصوری، سید امیر؛ ادیبی، علی اصغر (۱۳۸۹)، رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان های بلندمرتبه و منظر شهری، تهران: مجله معماری - شهرسازی باغ نظر، شماره ۱۳، سال ۷.

۲۲. گلابچی، محمود؛ گلابچی، محمدرضا (۱۳۹۲)، مبانی طراحی ساختمان های بلند، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. موسوی، یعقوب (۱۳۸۱)، پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها، مجله علمی - پژوهشی جامعه شناسی مدرس، دانشگاه الزهراء، دوره ۶، شماره ۴، تهران.

۲۴. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳)، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، تهران: نشریه

هنرهای زیبا، شماره ۱۹.

۲۵. علی الحسینی، مهران؛ کرانی، نعیمه (۱۳۹۱)، عوامل تاثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، مجله مسکن و روستا، شماره ۱۴۱.

۲۶. هروی تربتی، محمدحسین؛ رضازاده، الناز (۱۳۹۳)، بررسی آثار بلندمرتبه سازی بر محیط شهری، کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان.

۲۷. یگانه، منصور؛ بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه های عمومی شهری، تهران: مجله مدیریت شهری، شماره ۳۹.

۲۸. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۷)، فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، چاپ دوم، فرهنگ معاصر، تهران.

۲۹. میرزاخانی، عبدالرحمان؛ درویشی، صیاد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۳۸، تهران.

۳۰. نصرآبادی، علی (۱۳۸۴)، همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی (دیدگاه ها، عوامل تقویت، تهدیدها و راهکارها)، فصلنامه حصون، شماره ۶، تهران.

۳۱. غلامی، محمد؛ حیاتی، عقیل (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی، نمونه موردی: محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۳۰، تهران.

۳۲. مهندسین مشاور پارس بوم، طرح جامع شهر تهران، ۱۳۸۶.

۳۳. سایت رسمی شهرداری منطقه ۲۲، ۱۳۹۲.

34. Gifford, R, (2007). The Consequences of Living in High-Rise Buildings. Journal of Architectural Science Review, 50.1. Invited Review Paper

35. Jack Lynn and Iover Smith, (2010), Brutalist buildings: Park Hill.

36. Wang Xu, Lau Sin Yu, (2002), "Pursuing new ur-

ban living environment in the new millennium: Projecting 'The future of high-rise and high density in Hong Kong', Department of architecture university of Hong Kong, Published Generative Art

37. Belen Yuen (2007), Singapore high-rise a sustainable housing, Conference on sustainable building south east Asia, Malaysia.

38. Thus hara Samaratunga & Daniel O'Hara (2012), "High density high rise vertical living for low income people in Colombo, Sri Lanka: Learning from Pruitt-Igoe", Architecture research DOI: 105923/J.arch.

39. Moobela, C (2005), From Worst slum to best example of regeneration: Complexity in the regeneration of Hulme, Manchester, E: Co Issue, Vol. 7 NO. 1. Department of Real Estate & Planning, University of Reading, UK.

40. Elena Generaloua (2014), Designing high-rise housing: The Singapore experience, CTBUH.org/papers.

41. 8. Willams, K, Burton, E, & Jenks, M (2000), Achieving Sustainable, The Hulme Estate and the Home for Change, Development": Britain's First Major Sustainable Housing Project, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۲۵۴ ■

معیارهای زیبایی شناسانه نما و بدنه های مطلوب شهری با تاکید بر هویت بومی (نمونه موردی حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)

زهرا عباسی* - استادیار، گروه معماری، واحد نطنز، دانشگاه آزاد اسلامی، نطنز، ایران.

Facade and urban aesthetic standards bodies with a focus on indigenous identity (Case between Motahhari Square to the intersection of proof in Qom)

Abstract

With regard to the relationship between human activity and culture, urban context in which human culture through activities and communication is going on; Urban, particularly urban views to represent the relationship of objectivity and impart values; In this regard, according municipalities, organizations, systems engineering and other organizations involved in the design of building facades with Iranian-Islamic identity and the efforts of these organizations in order to coordinate urban facades and attention to strategic projects rather than infrastructure projects in design views urban necessary; This study examines the axis of MOTAHARI intersection of proof in Qom that the streets of central adjacent to the shrine is paid and the method of composition and mix of qualitative and quantitative study has done. Unfortunately, these monuments based index has convenient features in the design of the facade and shaping the urban landscape is not. According to the urban landscape of the city and its components only the body, but also to understand the citizen of the city depends. Therefore, in this study, urban landscape from three perspectives: functional, identity and aesthetic been investigated. Finally, strategies and factors affecting the formation of facades and urban landscape presented herein.

Keywords: facade and urban landscape, aesthetics, identity, the walls, the city of Qom.

چکیده

با توجه به رابطه فعالیت‌های انسان با فرهنگ، شهر بستری است که در آن فرهنگ از طریق فعالیت‌ها و ارتباطات انسانی به جریان در می‌آید. کالبد شهر، بالأخص نماهای شهری به بازنمایی این رابطه پرداخته و ارزش‌ها را عینیت می‌بخشند. در این راستا توجه شهرداری‌ها، سازمان‌های نظام مهندسی و دیگر ارگان‌های موثر در طراحی نمای ساختمان‌ها با هویت ایرانی اسلامی و تلاش این ارگان‌ها در جهت هماهنگ سازی نماهای شهری و توجه به طرح‌های راهبردی به جای طرح‌های ساختاری در طراحی نماهای شهری ضروری است. این پژوهش به بررسی محور میدان مطهری تا تقاطع حجت در شهر قم که از خیابان‌های مرکزی و اصلی مجاور با حرم مطهر می‌باشد، پرداخته است و با استفاده از روش تحقیق ترکیبی و آمیخته‌ای از روش‌های کمی و کیفی بررسی را صورت داده است. متأسفانه این محور با وجود بناهای شاخص دارای ویژگی‌های مناسب در طراحی نما و شکل‌دهی به منظر شهری نبوده است. با توجه به اینکه منظر شهری تنها به کالبد شهر و اجزای آن مربوط نبوده، بلکه به درک شهروندان از شهر نیز بستگی دارد. از این رو در این تحقیق، منظر شهری از سه منظر عملکردی، هویتی و زیباشناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت به ارائه راهکارها و تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری نما و منظر شهری اشاره می‌گردد.

واژگان کلیدی: نما و منظر شهری، زیبایی شناسی، هویت، عملکرد جداره‌ها، شهر قم.

۱- مقدمه

مبنای رابطه یک‌سونگرانه کنترل ساخت‌وساز محیط بناشده و به انسان به‌عنوان منبع قضاوت و تأثیرپذیر از محیط توجه خاصی ندارند. در حال حاضر ضوابط موجود، همان مد هست و بالطبع کم‌عمق‌ترین سطح آن و دارای سریع‌ترین تغییرات نیز خواهد بود. قوانین امروز با کلی‌گوئی، داشتن تبصره‌هایی جهت نقض خود و ایجاد ابهام و تفسیر شخصی، راه را برای سودجویان و بسازوفروش‌ها باز گذاشته تا جنبه‌های کیفی نمای ساختمانی را فدای کسب سود بیشتر کنند. در این پژوهش تلاش می‌گردد تا به اصول و ارزش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تأثیر آن بر نمای شهری پرداخته شود مسلماً با شناخت مناسب از الگوها می‌توان در جهت آسیب‌شناسی و تحلیل نماهای شهری گامی موثر برداشت با انجام مطالعات بر ساخت‌وسازهای فعلی با رویکرد آسیب‌شناسی معضلات کیفی نماهای شهری در همه ابعاد، می‌توان به ارائه راهکارهای مناسب‌تری رسید. لذا در این پژوهش با مکان‌یابی و آنالیز یک منطقه کلیدی در شهر قم سعی می‌شود تا به آسیب‌شناسی وضع موجود پرداخت و در جهت اصلاح آن بتوان به ارائه راهکارهای عملی‌تری رسید.

۲- فرضیه تحقیق

۱- با تدوین اصول و معیارهایی برگرفته از معماری ایرانی اسلامی می‌توان گام مؤثری در تقویت وجوه هویتی، اعتلای ارزش‌های تاریخی و ایجاد حس هویت در شهر قم برداشت.

۲- استخراج قوانین متناسب و بومی برای شهر قم می‌تواند در بالا بردن کیفیت ساخت و ارتقا عملکرد جداره های شهری مؤثر باشد.

۳- روش تحقیق

روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش تحقیق ترکیبی است. روش تحقیق آمیخته ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. در بخش بازشناسی نما و منظر شهر که پیشینه و تاریخچه آن مدنظر است و به طبقه‌بندی و دسته‌بندی آن اشاره

موضوع نما و سیمای شهری، چهره‌ی مسلط کالبد شهر و حاوی اولین پیام‌ها در چشم‌انداز شهروندان، است. موضوع سیمای منظر شهر به جهت رابطه‌ی تنگاتنگ با مقوله‌ی هویت و ویژگی شهر، ابعاد گسترده و پراهمیتی دارد. در جامعه ما به‌ویژه پس از انقلاب با رشد جمعیت و سهم شهرنشینی، بازسازی‌های جنگ، گسترش شدید شهرها در پاسخ به اسکان مهاجرین رخ داد. در گذشته ساختمان‌های شهر، نه‌تنها از جنبه انفرادی، زیبا و مطابق با اصول زیباشناختی بصری طراحی می‌شدند، بلکه در کمال احترام به اطراف و محیط شهری ساخته می‌شدند. با ظهور مفاهیم و عناصر مدرنیته، شهرسازی ایران، مانند بسیاری مسائل دیگر، با سرعت دستخوش تغییراتی شد. با توجه به رابطه فعالیت‌های انسان با فرهنگ، شهر بستری است که در آن فرهنگ از طریق فعالیت‌ها و ارتباطات انسانی به جریان درمی‌آید. کالبد شهر، بالأخص نماهای شهری به بازنمایی این رابطه پرداخته و ارزش‌ها را عینیت می‌بخشند. در این راستا توجه شهرداری‌ها، سازمان‌های نظام‌مهندسی، وزارت راه و شهرسازی و سایر ترجمان‌های مؤثر در شکل‌گیری معماری و شهرسازی، بسیار پراهمیت است و لازم است با تأکید بر طراحی کیفی نماهای شهری و ملحوظ داشتن هویت ایرانی اسلامی به‌عنوان هماهنگ‌سازی نماهای شهری وارد عمل شوند. اجرای قوانین و ضوابط ساختمانی، می‌بایست با اعتقاد به این موضوع باشد که طراحی نمای ساختمان خلق یک کلیت هماهنگ است. باید تلاش گردد تا با اجرایی کردن این قوانین در افزایش جنبه‌های زیبایی‌شناختی محیط شهری‌مان بکوشیم؛ اما قوانین و ضوابط امروز، بدون توجه به موارد مذکور، نه‌تنها شرایط روز را تحت کنترل نیاوردند، بلکه با اجرایی شدن، اثراتی منفی به دنبال داشت. تعاریف زیبایی‌شناسی، بر مبنای تحلیل و بررسی رابطه متقابل انسان و محیط استوار است، در حالی که ضوابط ناماسازی بر

خواهد شد، روش توصیفی است و بررسی داده‌ها بر اساس روش تفسیری تاریخی هست؛ و با استفاده از عکس‌برداری، تصاویر ماهواره‌ای، مصاحبه و منابع موجود کتابخانه‌ای به تشریح فضا پرداخته خواهد شد. مطالعه موردی بر روی محور خیابان حجت با تحلیل داده‌ها و نگاه کیفی انجام خواهد گرفت. روش‌های کیفی در این پژوهش به‌جای پرسش‌های از پیش تعیین‌شده و به دنبال فهم تجربه افراد از قرارگیری در محیط است. آنچه افراد از پدیده مورد مطالعه آزموده و تجربه کرده‌اند و توصیف آن به همان نحوی که مورد مواجهه قرار می‌گیرند و تجربه یا لمس می‌شود. هدف این تحقیق است این تجربه، وضعیت محیطی و نیز اتفاقات و تحرکات و معانی درک شده را فراتر از توصیفات لحظه‌ای که در زندگی روزمره انسان رخ می‌دهد. رویکرد کیفی سعی بر آن دارد که از کسانی که پدیده را لمس و تجربه کرده‌اند، بخواهد که آن را بیان کنند، به این معنی که به توصیف بودن یا حضور خود پردازند، در تحقیق حاضر، این بیان در قالب مصاحبه‌هایی که در محل انجام می‌گیرند، از شرکت‌کنندگان پرسیده خواهد شد. همچنین نوع تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کاربردی هست. این تحقیق به ارائه راهکارهایی برای ارتقا کیفی فضاهای معاصر و بهبود ادراک فضایی پرداخته است و ضمن بررسی محیط به استخراج پیشنهادهایی اجرایی پرداخته است.

۴- پیشینه تحقیق

برای دستیابی به تعریف درست و همچنین حوزه تحت نفوذ منظر شهری، در ابتدا آرای برخی صاحب نظران مورد بررسی قرار می‌گیرد (جدول شماره ۱). متخصصان در رابطه با نماهای شهری به ارائه تعاریف متنوعی پرداخته‌اند و در اغلب آن‌ها می‌توان توجه به ابعاد ظاهری و باطنی نما بر استفاده‌کنندگان را مشاهده نمود. با توجه به کیفیت‌های محیطی بیان شده توسط صاحب نظران و مدل‌های پیشنهادی، در ادامه این پژوهش، تحلیلی چند منظوره برای

بررسی دقیق تر کیفیت‌ها انجام می‌گیرد. آنچه از مجموعه مطالعات به دست می‌آید، مبین این موضوع است که دستیابی به فرهنگ خودی به معنای شبیه شدن به دیگران اعم از گذشته خود یا ملل دیگر نیست دستیابی به فرهنگ خودی حرکت در بازه‌های سنت است که دامنه آن در عرف و شرع زندگی هر ملتی گسترده شده است. معماری ایرانی اسلامی با ارائه اصولی لایزال می‌تواند همواره به‌عنوان راهکاری عملی در طراحی شهری و معماری راهگشا باشد و چنین نگرشی به سنت، هرگز سنت و فرهنگ را در چنگال زمان گرفتار نمی‌کند بلکه بر آن صورتی نو ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد، به‌کارگیری تفکر مدرنیته در ایران، رویه تولید معماری و فرآیند خلق آن را نادیده گرفت و به تبع نبود فرآیند مناسب یا فرآیند سازگار با این مرزوبوم هر آن چه تولید شد، نتوانست موفقیت‌چندانی را به دست آورد. با مطالعه روی معیارها و مفاهیم پایه مشخص شد که مبحث نما علاوه بر ابعاد ظاهری تأثیری عمیق بر روح و روان استفاده‌کننده و ارتقا حس تعلق او به مکان دارد لذا در صورت طراحی مناسب منظر شهر می‌توان علاوه بر ارتقا کیفی جداره‌ها و رفع ناهماهنگی‌های بصری موجود، به ارتقا سلامت روان جامعه نیز کمک نمود و به صورت غیر مستقیم بر رفتارهای آن‌ها اثر گذاشت. لذا بررسی نما باید با توجه به وجوه چندگانه آن و تأثیر بر نیازهای انسان صورت پذیرد. با توجه به کیفیت‌های محیطی بیان شده توسط صاحب‌نظران و مدل‌های پیشنهادی، در ادامه این پژوهش، تحلیلی چند منظوره برای بررسی دقیق تر کیفیت‌ها انجام می‌گیرد تا با دستیابی به مفاهیم مشترک، و تطبیق آن با مدل ارائه شده، جامع‌ترین مفاهیم، مشخص شده و در جهت شناسایی فضاهای مطلوب و تعیین میزان مطلوبیتشان مورد استفاده قرار گیرند. در این تحقیق از واژه منظر شهری استفاده می‌شود که منظور از آن توجه به همزمان کالبد شهر و همزمان توجه به ادراک شهروندان از شهر می‌باشد.

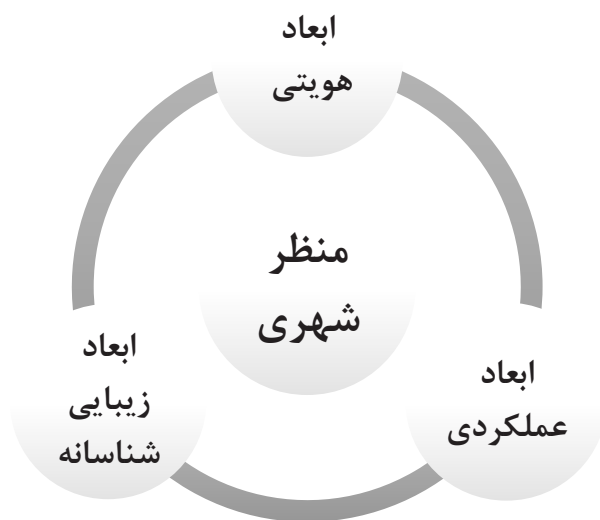
جدول ۱. رویکردهای مطرح در مطالعه سیما و منظر شهری

رویکرد های مطرح در مطالعه سیما و منظر شهری در مطالعات معاصر	
پژوهشگر	رویکرد مورد توجه در مطالعات
بهزادفر	در فرهنگ «واژه‌نامه مفاهیم طراحی شهری» اجزای تشکیل‌دهنده منظر شهری را در سه بخش: عوامل کالبدی، عوامل غیر کالبدی و فعالیت های انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد (بهزادفر، ۱۳۸۷، ص ۸۰۷)
منصوری	منظر شهری، فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی شهر) و تداعی معانی مرتبط با آنها صورت می‌گیرد. اهداف سه گانه منظر شهری: ۱. زیباشناختی، ۲. فرهنگی هویتی، ۳. عملکردی است (منصوری، ۱۳۸۷).
گرچی	ابعاد و ویژگی‌های بصری، کالبدی، فضایی، فعالیتی، هویتی و محیطی محلات و مناطق شهری، جمعاً سیمای شهری را تشکیل می‌دهد (عبدالله‌خان گرچی، ۱۳۸۵).
رضا زاده	در طرح پژوهشی صورت گرفته عناصر موثر بر سیمای شهر، تحت عنوان سه هدف عمده بیان شده است: ۱. بصری، ۲. عملکردی، ۳. معنایی (رضازاده، ۱۳۸۶، ص ۲۰).
گلکار	منظر شهری ابزاری برای قرائت شهر است و قادر است فصول پی در پی تاریخ یک جامعه شهری را به نمایش بگذارد (گلکار، ۱۳۸۵).
محمودی	ویژگی‌های کلبیدی در منظر شهری شامل پایداری، هویت، زیبایی و وحدت است (محمودی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).
کوبین لینیچ	کوبین لینیچ سه عامل ادراکی، فیزیکی و عملکردی را در منظر شهری حائز اهمیت میداند (رضازاده، ۱۳۸۶).
بنتلی	بنتلی و همکاران منظر شهری را در سه بعد بصری، عملکردی و رفتاری و معنایی مورد بررسی قرار می‌دهند (رضازاده، ۱۳۸۶).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۵۸



نمودار ۱. ابعاد تشکیل دهنده منظر شهری؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

زیرا بر اساس تعاریف ارائه شده، مشخص می‌شود که منظر شهری تنها به کالبد شهر و اجزای آن مربوط نبوده، بلکه به درک شهروندان از شهر نیز بستگی دارد. از این رو در این تحقیق بر اساس مجموع تعاریفی که در بالا به آنها اشاره شد، منظر شهری از سه منظر: ۱. عملکردی، ۲. هویتی، ۳. زیباشناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵ عملکرد جداره ها در منظر شهری

لینیچ معتقد است اگر بناهای عمومی که موجب ارتباط بیشتر مردم می شوند سیمایی آشکار



نمودار ۲. عوامل موثر بر عملکرد در منظر شهری؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

موجود در محیط بر ارتقا کیفی جداره های شهری موثر می باشد، لذا توجه به همگونی عملکردها و همجواری عملکردهای متناسب با هم در یک راسته می تواند در این امر موثر باشد علاوه بر این وجود سلسله مراتب مناسب بین خیابان ها و جداره ها می تواند بر آرامش صوتی و بصری آن ها موثر باشد. فعالیت های موجود در جداره ها می توانند تأثیر زیادی بر کیفیت منظر شهری داشته باشند؛ هرچه این فعالیت ها هم خوان و متناسب تر با عملکردهای رایج در آن فضا باشند تأثیر بهتری بر کیفیت منظر شهری خواهند داشت و در مقابل آن وجود عواملی مانند حضور دست فروشان و فعالیت های نامناسب موجب کاهش کیفیت جداره های شهری خواهد شد. همینطور وجود مبلمان مناسب در جداره ها و همین طور علائم و نشانه های مناسب مکانیابی در منظر شهری می تواند بر ارتقا عملکرد محیط از طریق احترام به استفاده کننده موثر باشد. خوانایی محیط و وجود نشانه های آشنا برای مردم

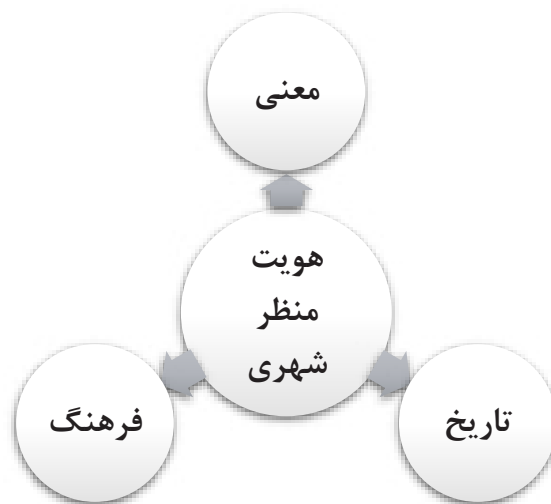
داشته باشد، ممکن است مورد توجه مردم و در نهایت مورد استفاده بیشتری واقع شود، در غیر این صورت به آنها توجهی نمی شود. از این رو عملکرد این نوع بناها در منظر شهری دارای اهمیت است. اگر از این پتانسیل درست استفاده شود، می توان انتظار داشت که شخصیت یک شهر ارتقاء یابد. می توان عملکرد در منظر شهری را خواناسازی محیط، آرام سازی محیط، راهیابی در فضای شهری، تناسب، دسترسی، جنبه بصری و مواردی از این قبیل در شهر دانست (رضازاده، ۱۳۸۶، صص ۲۰-۲۲). وجود کیفیت نفوذ پذیری به فضاهای مجاور در عین رعایت سلسله مراتب و حریم از عملکردهای موثر بر کیفیت جداره های شهری می باشد. علاوه بر این وجود فضاهای شهری و مکان های مکت در پیاده روها و ترکیب فضاهای شهری با کاربری ها می تواند موجب ارتباط قوی تر مردم با بدنه شهری گردد. وجود فضاهایی آرام و به دور از اغتشاش در جداره ها و همین طور در عملکردهای

شهر در سیما و منظر شهری موجب ایجاد حس تعلق و ارتباط بیشتر مردم با محیط شهر خواهد گشت. دسترسی به فضاهای مجاور و وجود سلسله مراتب دسترسی در عین توجه به عدم تداخل کاربری‌ها از عوامل موثر بر بالا بردن کیفیت فضاهای شهری می‌باشد. توجه به جنبه‌های بصری نماها و متناسب بودن آن‌ها با عملکردشان از موارد مهم در طراحی نماهای شهری می‌باشد به گونه‌ای که از لحاظ اصول زیباشناسی و تناسب فرم و عملکرد نماها بتوانند پاسخگوی نیازهای شهروندان باشند. توجه به وجود عناصر نشانه‌ای در خیابان‌های شهری برای ایجاد حس مکانیابی می‌تواند از عوامل موثر بر ارتقا عملکرد فضاهای شهری باشد. در جهت ایجاد امنیت فضاهای شهری بهتر است از عملکردهای تک منظوره در جداره‌های خیابان اجتناب گردد. با بررسی معیارهای موثر بر ارتقا عملکرد نمای شهری می‌توان به اصول زیر به عنوان معیارهای نهایی دست یافت:

۱. ارتقا عملکرد منظر شهری با توجه به نشانه‌شناسی درست در طراحی نما برای ایجاد خوانایی بصری؛
۲. توجه به فعالیت‌های جاری در یک خیابان در جهت ایجاد شناسنامه عملکردی برای یک فضای شهری؛
۳. همجواری عملکردهای همخوان و متناسب برای جلوگیری از آلودگی صوتی و بصری جهت آرام سازی محیط؛
۴. رعایت سلسله مراتب احترام به حریم‌ها و توجه به نیازهای انسان در سهولت راهیابی به فضاهای شهری؛
۵. توجه به مسائل زیباشناسی و بصری نماهای شهری؛ و
۶. توجه به سهولت دسترس پذیری به جداره‌ها و ایجاد امنیت برای پیاده‌ها با ایجاد سلسله مراتب دسترسی‌ها و رعایت مقیاس انسانی در طراحی ورودی و خروجی‌ها.

۲-۵ هویت مطلوب در منظر شهری

هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه می‌دهد؛ تاریخی که با مؤلفه‌های گوناگون زندگی «انسان امروز» در ارتباط است. هویت انسان تفسیری چندبعدی است که بسیاری از عرصه‌های ذهنی و عینی زندگی او را در بر می‌گیرد؛ تفسیری که از تعامل این مؤلفه‌ها حاصل می‌شود. میل باطنی انسان جهت کشف هویت خود، باعث می‌شود تا مقوله هویت در عرصه‌های انسان ساخت و محیط‌های مصنوع نیز واجد ارزش شود. شهر به عنوان اصلی‌ترین مظهر تمدن بشر از این میل باطنی متأثر است. سبک‌های پدید آمده در قرن بیستم که برآمده از نهضت مدرنیسم بودند، به دلیل مقابله با این میل باطنی، نادیده گرفتن محیط انسان و حیات مدنی پایدار نبودند. منظر شهری به عنوان پدیده‌های عینی - ذهنی که با کالبد و خاطره شهر پیوند خورده، از این قاعده مستثنی نیست. آنچه ما به عنوان هویت منظرشهری از آن یاد می‌کنیم «میل به زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز» است و سیاستهای حفظ کالبد صرف، برای احیای هویت و نادیده انگاشتن زندگی امروز، چالشی جدی در منظر شهرها محسوب می‌شود. از طرفی باید توجه داشت که هویت، نوعی تمایز است؛ تمایز انسان با انسان، شهر با شهر، فرهنگ با فرهنگ؛ موجودیت منظر شهری با هویت آن گره خورده است و جهانی سازی، علیرغم ظاهر فریبنده‌اش، بحران آفرین است. در واقع، بخشی از هویت منظر شهری با کالبد گذشته شهر پیوند خورده است و زمانی که مکان‌های خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته را از بین می‌بریم به دنبال قطع تداوم تاریخی، منظر شهری هویتمند را از بین برده ایم؛ منظری که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته، شهر را هویتمندتر سازد. احراز هویت‌مندی در منظر شهرها، نسل‌های آینده از فضاهای آشنا برخوردار خواهند بود. یکی از مواردی که موجب درک هویت در محیط مصنوع می‌شود نگاه به این آثار به مثابه



نمودار ۳. مولفه‌های موثر بر هویت منظر شهری؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

منظر شهری روی رفتار گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد هست و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است. لذا استفاده از اصول مناسب در سیما و منظر شهر می‌تواند منجر به تأثیرات مفیدی در این راستا گردد. در فضای شهر بایستی پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند و منظم بوده که در عین کثرت خود با اجزاء دیگر وحدت یافته و به یک کل کمال یافته منتهی گردد. محیط شهری در صورتی که به نیازهای ادراکی انسان پاسخ گوید می‌تواند رضایمندی را ارتقا دهد. در این راستا نماسازی‌ها به عنوان بخشی عمده از منظر شهری می‌تواند علاوه بر احترام به انسان و ابعاد وجودی او نمونه‌ای بارز از مردم‌واری با ارتقا غنای حسی باشد و موجب لذت‌بخشی در فضای شهری با توجه به ارزش‌های زیبایی حسی، شکلی و نمادین شود. توجه به نمادپردازی و تحت تأثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی در فضای شهری منتهی به ارتباط

ابزار شناخت و فهم مکان است به صورتی که این فهم موجب تعلق انسان و آثار ساخته شده توسط او به یک مکان باشد.

رویکرد این تحقیق با توجه به اهمیت معانی و سبیل‌ها در منظر شهری، رویکردی دال و مدلولی نسبت به هویت است. بر همین اساس در بحث هویت، معانی ایجاد شده و نمادهای استفاده شده از سوی ابنیه در منظر شهری مورد بحث قرار می‌گیرد. ابنیه، می‌توانند دارای معانی خاصی در شهر باشند. به طور مثال اگر در یک شهر، بنای شاخص یک مسجد باشد، مشخص می‌شود که آن شهر متعلق به مسلمانان است و همین‌طور اگر در شهری بناهای بلند و شاخص، تجاری باشد مشخص می‌شود که آن شهر دارای اهمیت اقتصادی است. بر همین اساس بار معنایی ابنیه در یک شهر، حائز اهمیت است، زیرا به این وسیله شخصیت یک شهر معرفی می‌گردد. معنا، تاریخ و فرهنگ از عوامل موثر بر هویت منظر شهری می‌باشند.

کالبد و معنا در منظر شهری می گردد و می تواند منجر به خلق حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق به محیط گردد.

۵-۲-۲ تاریخ

وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضا با ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا، احساس این‌همانی فرد در فضا از شرایط لازم برای ایجاد حس تعلق را ایجاد می کند. احترام به تاریخ و فرهنگ مردم در طراحی منظر شهری می تواند موجب احراز هویت شود و در این زمینه باید به جای سبک‌های تقلیدی سعی در استفاده از ارزش‌های تاریخی و بومی در طراحی منظر مورد توجه قرار گیرد.

۵-۲-۳ فرهنگ

در صورتی که در منظر شهری به ویژگی‌های رایج فرهنگی در شهر احترام گذاشته شود و به آداب و عقاید مرسوم توجه شود می توان به احراز هویت دست یافت. در این راستا با شناسایی مولفه‌های فرهنگی و توجه به اصول آن در طراحی جداره‌های شهری بسیار اهمیت دارد. تبعیت منظر شهری از معانی عاطفی-احساسی-فرهنگی-تاریخی محیط منجر به پیوند مستحکم آن با استفاده‌کنندگان می شود. متأسفانه استفاده تزئینی از عناصر وارداتی و مدگرایی‌های مقطعی در طراحی نماها به مقوله فرهنگ آسیب‌های جدی را وارد کرده است لازم است با احتراز از بیهوده‌گزینی و اتلاف فضاها و اجتناب از تزئینات فاقد مصرف همچون مجسمه، نمادهای فاقد کاربرد و صرفاً نمادین، که در بنای اروپایی دیده می‌شوند به اصلاح این موضوع کمک کرد. با بررسی معیارهای موثر بر ارتقا هویت نمای شهری می توان به اصول زیر به عنوان معیارهای نهایی دست یافت:

۱. توجه به مولفه‌های معنا در شکل‌دهی به نماهای شهری با در نظر گرفتن ایدئولوژی حاکم بر جامعه، احترام به انسان، توجه به نیازهای انسان، توجه به

نماد و سمبل، ایجاد ارتباط کالبد و معنا و توجه به غنای حسی در محیط؛

۲. احترام به فرهنگ بومی و جلوگیری از شبیه شدن به بیگانه؛

۳. تداوم تاریخی با احترام به ابعاد معنایی تاریخ و پرهیز از تکرار فرم‌های قدیمی تحت عنوان تاریخ گرایی.

۳-۵ زیبایی‌شناسی ابنیه در منظر شهری

به طور کلی دو رویکرد در زمینه ارزیابی زیبایی محیط شهری وجود دارد؛ رویکرد نخست رویکرد صوری (عینی) می باشد که زیبایی را در ذات منظر می‌داند. این رویکرد عمدتاً توسط متخصصان معمار و شهرساز بر اساس قواعد خاص و تعیین‌شده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و اعتقاد بر این است که مناظری که بر اساس قواعد عمومی زیبایی‌شناسی خلق می‌شوند، از نظر مردم نیز به عنوان مناظری زیبا ادراک خواهند شد. پایه و اساس این دسته از نظریات را می‌توان در افکار فیلسوفان یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو جستجو کرد (اسکراتن و هاسپرس، ۱۳۸۹، ص ۷۹؛ Shuttlesworth، ۱۹۷۹:۱۴، Rorty، ۱۹۹۰:۸۳). این نظریه در طول تاریخ مورد استفاده و کاربرد قرار گرفته که از شاخص‌ترین آنها در حوزه معماری و شهرسازی می‌توان به گروتز (۱۹۸۷) اشاره کرد. همچنین طراحان بسیاری تلاش کردند تا مناظر شهری را بر اساس این قواعد بیافرینند که برخی از این قواعد شامل: تعادل، وضوح، تضاد، هماهنگی، یکپارچگی، تناسب، تنوع (Greene ۱۹۹۲: ۱۸۰) و یا پیچیدگی و وحدت (۴۶۴-۴۶۲: Beardsley، ۱۹۵۸) و نمونه‌های دیگر در آثار اندیشمندان از این دست می‌شود. به علاوه، برخی تلاش کرده‌اند تا زیبایی را با محاسبات ریاضی اندازه‌گیری کنند (Schmidhuber، ۱۹۹۷). در دوره حاضر نیز با پیشرفت فناوری، این نظریه با کمک ابزارهای پیشرفته و نرم‌افزارهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد که از جمله این تلاش‌ها می‌توان به

استفاده از سنجش میزان بی نظمی موجود در منظر شهری به کمک نرم افزارهای رایانه‌ای اشاره کرد (Bostanci & Ocakci, 2011).

رویکرد دوم، بر پایه ذهنیت ناظر استوار است و ادراک زیبایی یک منظر را به ذهن فرد و عوامل وابسته به فرد نسبت می‌دهد (اسکراتن و هاسپرس، ۱۳۸۹: ۷۸، ۲۰۰۵: ۹۰۰، Solomon, Holm, 2006, 342). عواملی مانند شخصیت بیننده، محل مشاهده، خصوصیات اجتماعی-اقتصادی بیننده، ترکیب بندی و پیچیدگی منظره (Chen et al: 76, 2009) در ارزیابی دخیل می‌شوند و به دلیل ذهنیت فرد است که منظری زیبا یا نازیبا تلقی می‌شود. پایه‌های این نظریه را می‌توان در آراء کانت مشاهده کرد که معتقد بود زیبایی یک موضوع به ذهنی که آن را درک و داوری می‌کند بستگی دارد، و نه به خود موضوع (Galindo and Hidalgo, 2005: 19).

زیبایی‌شناسی شهری نیز متأثر از همین دورویکرد متفاوت است. از اواسط قرن بیستم میلادی و با مطرح شدن مسائل روانشناسی محیط، رویکرد ذهنی‌گرایی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و مطالعات زیادی در این ارتباط انجام شد. اما با توجه به اینکه در این تحقیق مسایل مربوط به بعد معنایی و نمادین در بخش مربوط به «هویت» مطرح شد، در این بخش منظور از بعد زیبایی شناختی، تأثیر بعد کالبدی ابنیه در منظر شهری است. البته ذکر این نکته ضروری است که منظور از بعد کالبدی ابنیه، فرم خود این نوع ابنیه به تنهایی نیست، بلکه تأثیر این ابنیه در منظر شهری است، زیرا در این تحقیق بحث فرصت‌ها و تهدیدها در منظر شهری مطرح است. توجه محسوس فضا شامل مواردی همچون چشم‌نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی، کیفیت رنگ و مصالح از مواردی است که در مطالعات زیبایی‌شناسی منظر شهری (البته بعد کالبدی زیبایی‌شناسی) به طور عام به آن اشاره شده است. به این ترتیب، به طور خاص در بررسی زیبایی‌شناختی بناهای می‌توان ارتقاء کیفیت

بصری شهر شامل عواملی همچون حضور طبیعت در بدنه‌ها، استفاده مناسب از رنگ، توجه به نحوه اتصال بناها به همدیگر، توجه به اصول زیباشناسی کلاسیک نظیر تناسبات ریتم نظم هماهنگی و غیره، توجه به خط آسمان و خط زمین در جداره شهری، استفاده از سبک مناسب در طراحی بنا و استفاده صحیح از رنگ را مد نظر قرارداد نکته حائز اهمیت این است که بررسی عوامل زیبایی‌شناسی در منظر شهری در رابطه با خود بنا نیست بلکه در رابطه با پیوند بنا با محیط و زمینه است.

به عوامل موثر بر زیبایی منظر شهری مطلوب به شرح زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. حاکمیت مظاهر زیبایی‌شناسانه مانند وزن، ریتم، وحدت، تنوع، تباین فضایی، وجود سلسله‌مراتب فضایی، نظم، تنوع، پیچیدگی و کیفیات هنری نظیر ترکیب و ریتم به منظر شهری هویت خاص و منحصر به فردی می‌بخشد.

۲. خط آسمان در حقیقت نیمرخ شهر در مقابل آسمان است جایی که آسمان و زمین به هم می‌رسند. می‌توان خط آسمان را با ساختمان‌های یادمانی یک شهر از قبیل گنبد یا مناره مساجد، شکل داد و بناها با ریتم و همگونی به شهر هویت ببخشد.

۳. اتصال بنا به جداره شهری و نحوه اتصال آن به زمین دارای اهمیت بسیاری می‌باشد و بهتر است به مسائل زیبایی‌شناسانه، سلسله‌مراتب و حریم در طراحی آن توجه گردد.

۴. توجه به اصول و ارزش‌های بومی و فرهنگی در طراحی نماها به جای تقلید از مدهای سطحی می‌تواند به طراحی‌های مناسب تری برای نماهای شهری منتهی گردد.

۵. جهت کنترل و هماهنگی نماهای شهری نهاد‌های قانون‌گذار باید به وضع قوانین متناسب با شرایط مناطق شهری بپردازند و سعی در ایجاد نظم و اتحاد در جداره‌های شهری نمایند.

۶. استفاده از مصالح متناسب و بومی به گونه‌ای که



نمودار ۴. مولفه های موثر بر زیبایی شناسی منظر شهر؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

علاوه بر استحکام بتواند به ایجاد حس تعلق در

مردم، نسبت به شهر کمک کند و بتوان با طراحی مناسب به القای زیبایی معنوی در کنار زیبایی مادی پرداخت.

۷. استفاده از پوشش گیاهی در بدنه های ساختمان می تواند به ایجاد طراوت و نشاط در محیط شهری

۸. توجه به ابعاد معنایی و نمادین رنگ ها در جداره بنا در کنار ابعاد مادی و کالبدی آن می تواند به ارتقا کیفیت مطلوب جداره ها کمک نماید.

۹. اتصال و همجواری متناسب بناها در جداره شهری اهمیت بسیار بالایی دارد به گونه ای که عدم توجه

به عملکرد آن‌ها می‌تواند مشکلات بسیاری را در بدنه‌های شهری ایجاد نماید. علاوه بر این در اتصال دو بنا باید به اصول زیبایی‌شناختی و ایجاد همگونی توجه کرد.

با بررسی معیارهای موثر بر عوامل زیباشناسی نمای شهری می‌توان به اصول زیر به عنوان معیارهای نهایی دست یافت:

۱. توجه به حضور طبیعت در جداره‌ها و بام بنا و توجه به مصالح طبیعی؛
۲. همجواری بناها با عملکردهای متناسب و توجه به اصول زیبایی‌شناسانه در ترکیب نماها؛
۳. بهره‌گیری از مصالح بومی و در نظر گرفتن مفاهیم اقلیمی؛
۴. در نظر گرفتن اصول زیبایی‌شناسی کلاسیک در طراحی و ترکیب نما؛
۵. استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنایی رنگ در جداره‌ها؛ و
۶. توجه به ارزش‌ها و اصول برگرفته از فرهنگ و مبانی بومی در طراحی نما و منظر شهری.

۶- تبیین مدل عملیاتی تحقیق

عملیاتی کردن مفاهیم به‌طور کلی فرایند پیوند دادن تعاریف مفهومی با فنون یا شیوه‌های ویژه اندازه‌گیری است و این فنون یا شیوه‌های ویژه، تعریف عملیاتی سازه موردنظر است. منظور از تعریف عملیاتی تعریف برحسب عملکردهای ویژه‌ای است که پژوهشگر به انجام آن‌ها اقدام می‌کند، یک تعریف عملیاتی می‌تواند پرسشنامه پیمایشی، روشی برای مشاهده وقایع در محیط میدانی، روشی برای اندازه‌گیری محتوای نمادین در یک رسانه جمعی یا هر فرایند دیگری باشد که توسط پژوهشگر طی می‌شود و در واقع منعکس‌کننده و نمایانگر سازه انتزاعی است که به لحاظ مفهومی تعریف آن بیان شده است (حریری، ۱۳۸۵). در بررسی منظر محدوده مورد مطالعه می‌توان به مدل عملیاتی زیر در جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش دست‌یافت، این مدل با اشاره به مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده

در روند بررسی مبانی نظری پرداخته است با مشخص شدن این مؤلفه‌ها در فصل‌های بعد به آزمون فرضیه و بررسی آن بر روی نمونه موردی پرداخته شود.

نمودار ۵. مدل عملیاتی عوامل موثر بر زیبایی‌شناسی منظر شهری؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

۷- بررسی نمونه موردی

در این پژوهش با توجه به گستردگی موضوع و تاکید بر بررسی نمونه‌ای از فضاهای عمومی حدفاصل میدان مطهری تا خیابان اراک انتخاب شده است این خیابان با توجه به مجاورت با حرم مطهر حضرت معصومه و همین‌طور بناهای مذهبی دیگر نظیر مسجد امام حسن عسگری و مدرسه فیضیه دارای اهمیت بسیاری در شهر می‌باشد و هر روز جمعیت زیادی در این محور حضور دارند. این خیابان در حال حاضر با تغییراتی نسبت به گذشته هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و می‌توان با توجه به جریان داشتن فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی در این راستا مفاهیم مدنظر پژوهش را در آن بررسی کرد.

شکل ۱. تصویر هوایی منطقه مورد مطالعه، ماخذ: نگارنده (۱۳۹۴).

۷-۱ آزمون فرضیه اول تحقیق

با تدوین اصول و معیارهایی برگرفته از معماری ایرانی-اسلامی می‌توان گام مؤثری در تقویت وجوه هویتی، اعتدالی ارزش‌های تاریخی و ایجاد حس هویت در شهر قم برداشت.

اثبات این ادعا از طریق رجوع به شواهد تجربی انجام شده است و بر اساس مدل عملیاتی تحقیق تحلیل داده‌ها بر اساس مشاهدات پژوهشگر در محیط به‌دست‌آمده است. در بخش مطالعات میدانی تحقیق، در مرحله اول مؤلفه‌های نظام هویتی کامل شرح داده شد. در نمونه موردی این پژوهش از طریق ثبت تصاویری در ساعات مختلف از فضاهای مختلف و سایر بخش‌های مرتبط با مؤلفه‌های نظریه و گردآوری آن‌ها در قابل جداولی به بررسی و تحلیل



پژوهش میدانی بر اساس متغیرهای مورد نظر که در مدل عملیاتی تحقیق به دست آمده است بعد از حضور در محدوده خیابان مورد نظر با استفاده از مشاهده هدفمند به شیوه یادداشت برداری، عکس و ترسیم کروکی برداشت شد. بر اساس مدل عملیاتی تحقیق در حد فاصل میدان مطهری تا تقاطع حجت حضور پیدا کرده و با ارزیابی مولفه‌ها امتیازاتی به صورت ضعیف، متوسط، خوب و عالی به هر مولفه داده خواهد شد.

۷-۱-۱ تحلیل محیط توسط پژوهشگر

با توجه به بررسی میدانی محور می توان به این نتیجه رسید که این محور پر اهمیت که به عنوان جداره مجاور حرم مطهر می باشد در حال حاضر نتوانسته است به واسطه سازماندهی نامناسبی که در آن وجود دارد به عنوان یک مولفه هویتی مناسب ایفای نقش نماید متأسفانه نمای ساختمان های این محور با اشفتگی و عدم توجه به نیازهای روزمره انسانی از قبیل عدم وجود نظم، حریم، سلسله مراتب، عدم احترام به فرهنگ بومی و هویت ایرانی اسلامی باعث ایجاد محیطی نامطلوب شده است. در بخش هایی از این محور کاربری های ناسازگاری مانند تعمیرگاه های اتومبیل و گاراژها باعث تزریق ترافیک بیشتر به این محور شلوغ شده و ساماندهی صورت نگرفته است. در کنار این موارد بسیاری از بناها با تغییراتی به مهمانسرا تبدیل شده اند و نماهای این بناها بدون هماهنگی با محیط طراحی شده اند.

۷-۱-۲ تحلیل محیط با استفاده از پرسشنامه

در این مرحله با مراجعه به استفاده کنندگان از فضا از مردم در رابطه با مولفه های تحقیق سوالاتی پرسیده شد. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه بود، همان گونه که اطلاعات جداول نشان می دهد. در خصوص متغیر جنسیت، واضح است که بیشترین فراوانی مشاهده شده مربوط به گروه زنان با حدود ۶۵ درصد هست. همچنین در بررسی مدرک تحصیلی مشخص شد. افراد دارای مدرک تحصیلی

آن ها پرداخته شده است. جمع آوری اطلاعات از طریق مشاهده (Observation) فراوانی حضور مردم در مسیر و در اوقات مختلف انجام شده است. در برخی از موارد این مشاهدات بدون جلب توجه افراد ثبت شده است که در آرشيو تحقیق موجود است. سپس از میان این اطلاعات ثبت شده، بر اساس مؤلفه های اطلاعاتی دسته بندی شده است. همچنین در نهایت بر اساس مؤلفه های این نظریه در قالب نموداری ارزش گذاری شده است. داده های

جدول ۲. بررسی ابعاد هویتی محور مورد مطالعه

<p>بررسی ابعاد هویتی منظر شهری (* ضعیف؛ ** متوسط؛ *** خوب؛ **** عالی)</p>		
<p>نشانه ها</p>		
		
<p>حرم مطهر مسجد امام حسن عسگری میدان مطهری و بازار در این محدوده به عنوان نشانه هایی قوی در سطح شهر عمل می کند.</p> <p>****</p>		
<p>نظم و سلسله مراتب</p>		
		
<p>عدم وجود هماهنگی در جداره خیابان، بی نظمی در انتخاب مصالح و عدم هماهنگی طبقات ساختمان ها جداره خیابان روبروی حرم مطهر را به ملقمه ای از عوامل بروز بی نظمی بدل کرده است.</p> <p>*</p>		
<p>حریم</p>		
		
<p>حریم مجور روبروی حرم مطهر به هیچ عنوان رعایت نشده است. تداخل مسیر سواره و پیاده موجب ایجاد معضلات ترافیکی شده است و عدم توجه به مجاورت مکانی باعث ایجاد فضاهایی با عملکرد نامناسب در این مسیر شده است</p> <p>*</p>		
<p>تناسب فضا- باارزش های فرهنگی و ویژگی های انسان</p>		
		
<p>عدم توجه به هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی در جداره ها مشهود می باشد و متأسفانه به ذوق زیباشناسی و نیازهای روحی انسان در کنار نیازهای عملکردی توجه ای نشده است.</p>		

*

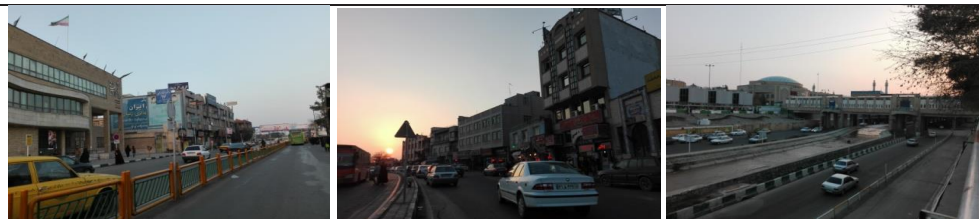
توجه به نیازهای انسانی



بخشی از نیاز های عملکردی افراد در محور با استفاده از امکاناتی پاسخ داده شده و با توجه به مجاورت با حرم مطهر نیازهای معنوی مردم اغنا می گردد ولی متاسفانه جداره ها نتوانسته اند خود را با محیط حرم مطهر هماهنگ نمایند.

**

توجه به غنای حسی



در این محور متاسفانه غنای حسی به اشفتگی بدل شده است به هیچ کدام از حواس بینایی شنوایی لامسه چشایی و بساوایی توجه نشده و با توجه به وجود زشتی ها و نا هماهنگی های بسیاری که در جداره ها و محیط طراحی نشده این محور وجود دارد صرفا محدوده مجاور حرم توانسته اند پاسخگوی غنای حسی محیط باشند.

*

عدم تقلیدی بودن و تداوم تاریخی

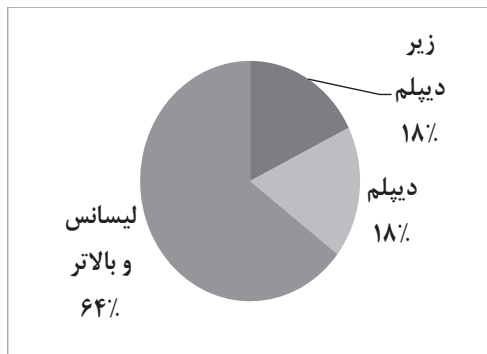


طراحی های مجاور حرم مطهر با توجه به سبک معماری حرم مطهر اسلامی می باشد ولی در جداره خیابان اکثر موارد معماری دوره مدرن در نماها ظاهر شده و با توجه به قدیمی بودن این بنا ها در بازسازی های معاصر از نماهای جدیدی مانند کامپوزیت و سیمان و حتی استفاده از نماهای سنتی مشاهده می شود. در یک جمع بندی نمای جداره خیابان در این محور هماهنگی و نظم نداشته و دارای تداوم تاریخی و اصالت نمی باشد.

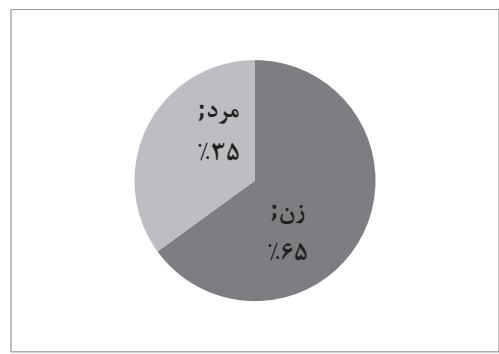
لیسانس و بالاتر با حدود ۶۴ درصد بیشترین فراوانی و زیر دیپلم و دیپلم هرکدام با کمترین فراوانی مشاهده شده را تشکیل داده اند. مشاهده نمود که بسیاری از مولفه ها در این محور وجود ندارد و استفاده کنندگان نیز به این موارد اشاره نموده اند.

۲-۷ آزمون فرضیه دوم تحقیق

در بررسی مولفه های موثر بر هویت فضا می توان استخراج قوانین متناسب و بومی برای شهر قم



نمودار ۷- متغیر تحصیلات جامعه آماری



نمودار ۶- متغیر جنسیت جامعه آماری

جدول ۳- تحلیل داده ها (نگارنده)

مولفه	درصد فراوانی			
	خیبر	کم	متوسط	زیاد
بهره گیری از ویژگی های تاریخی	۶۶٪	۲۶٪	۶٪	*
بهره از مولفه های مذهبی و معماری ایرانی اسلامی	۷۷٪	۲۳٪	*	*
نماد پردازی	۷۳٪	۲۷٪	*	*
توجه به مولفه های زیبایی شناسی	۹۳٪	۷٪	*	*
بومی گرایی	۸۰٪	۲۰٪	*	*
احترام به فرد	۸۶٪	۱۴٪	*	*

و ترسیم کروکی برداشت شد و در نتیجه نهایی در قالب جداول ۴ بررسی و تحلیل می گردد. در ادامه برای تکمیل اطلاعات در جهت اثبات فرضیه پرسشنامه هایی تدوین می گردد و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد ارزیابی قرار می گیرد. با بررسی میدانی محور می توان مشاهده نمود که بسیاری از معیار های مناسب برای عملکرد بهینه در این محور یافت نمی شود و عدم ساماندهی خدمات موجود در این محور موجب ایجاد اختلال عملکردی و ایجاد آشفتگی فضایی شده است. از منظر کالبدی نیز عدم طراحی مناسب و هماهنگی جداره ها و استفاده نامناسب از سبک ها و طرح های مد روز موجب ایجاد نماهایی نامناسب و به هم ریخته در این محور شده است. متأسفانه در چند سال اخیر صرفاً ضوابط تعداد طبقات را کنترل کرده و به نحوه استفاده از مصالح و سبک حاکم بر نماها

می تواند در بالا بردن کیفیت و در ارتقا عملکردی و کالبدی جداره های شهری مؤثر باشد. اثبات این ادعا از طریق رجوع به شواهد تجربی انجام شده است و بر اساس مدل عملیاتی تحقیق تحلیل داده ها بر اساس مشاهدات پژوهشگر در محیط به دست آمده است. در بخش مطالعات میدانی تحقیق، در مرحله اول مؤلفه های نظام عملکردی و پژوهش از طریق ثبت تصاویری در ساعات مختلف از فضاها و سایر بخش های مرتبط با مؤلفه های نظریه و گردآوری آن ها در قابل جداولی به بررسی و تحلیل آن ها پرداخته شده است. داده های پژوهش میدانی بر اساس متغیرهای مورد نظر که در مدل عملیاتی تحقیق به دست آمده است بعد از حضور در محدوده خیابان مورد نظر با استفاده از مشاهده هدفمند به شیوه یادداشت برداری، عکس

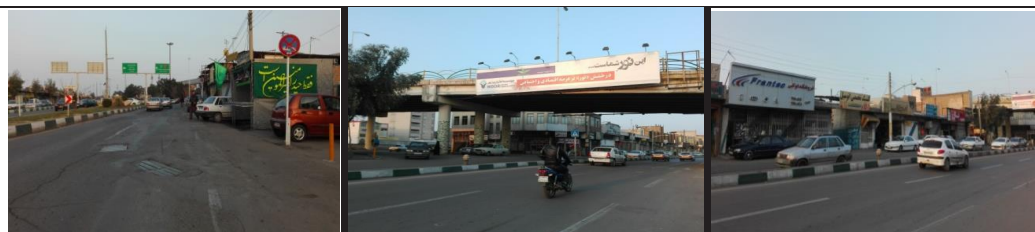
جدول ۴- بررسی ابعاد کارکردی و کالبدی منظر شهری مطلوب در نمونه مورد مطالعه

بررسی ابعاد کارکردی و کالبدی منظر شهری		
حضور طبیعت		
		
<p>درختان نیز همانند بناها منجر به ایجاد یک سبک معماری گیاهی می گردند. عناصر طبیعی موجود در محور شامل رودخانه و فضای سبز جداره راه ها و پارکی کوچک می باشد که متاسفانه مهمترین المان طبیعی یعنی رودخانه در حال حاضر به مسیر حرکت خودرو تبدیل شده است. پوشش گیاهی جداره ها نیز ترکیبی از درختان اکالیپتوس و کاج می باشند که بدون نظم و طراحی مناسبی هستند و نتوانسته به نقش خود در ایجاد طراوت و نشاط کمکی نماید.</p>		
**		
همجواری مناسب بناها		
		
<p>عدم همجواری مناسب عملکردها موجب شده است تا التقاطی از عملکردهای نا همخوان مانند هتل، خدماتی، تعمیرگاه، فروشگاه، اداری و غیره در کنار هم موجب بروز مشکلات بسیاری برای افراد در این منطقه گردد.</p>		
**		
توجه به خط آسمان		
		
<p>با توجه به مجاورت با حرم تمام بناها در محدودیت ارتفاع مشخصی احداث شده اند و با یک تراز ارتفاعی مناسب جانمایی شده اند. در مقابل حرم مطهر، مدرسه فیضیه و مسجد امام حسن عسگری به عنوان نقطه عطف در جبهه مقابل ان قرار دارد</p>		

تناسب جنس و رنگ مصالح با محیط		
		
<p>عدم تناسب در جنس مصالح و استفاده از رنگ های نامناسب در جداره ها مشاهده می شود. استفاده از مصالحی مانند آهن کامپوزیت، اجر، شیشه، کاشی، سنگ و انواع مصالح در تنوع نامناسب و غیر هماهنگی به چشم می آید.</p>		

*
*

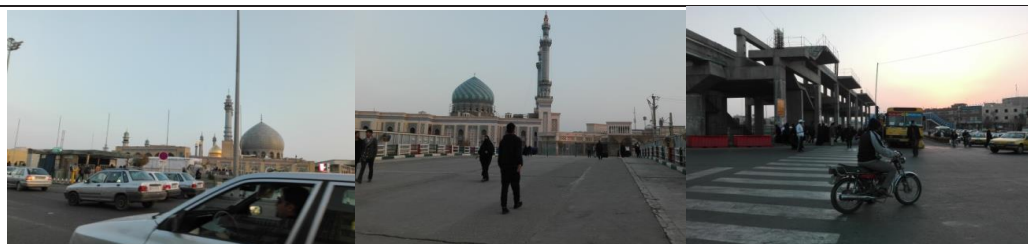
تأسیسات و تجهیزات شهری



تبلیغات عنصری بارز در میان وسایل خدماتی معاصر در شهر است. تجهیزات تبلیغی موجب فروش تجهیزات شهری یا تولیدات مؤسساتی می شود که آن ها را نصب کرده اند. گر چه تبلیغات به خودی خود مذموم نیست (یک تابلو که به درستی در میان تجهیزات شهری مستقر شود، نسبت به اعلانات و آگهی هایی که بی رویه نصب شده اند و چهره شهر را در بسیاری نقاط زشت می کنند، ارجحیت دارند)

**

وجود نشانه های آشنا در محیط



نشانه های بسیاری در این منطقه از شهر وجود دارد از نشانه های تاریخی و فرهنگی و مذهبی تا نشانه هایی از تکنولوژی مدرن مانند مونوریل در این منطقه از شهر وجود دارد.

نحوه قرار گیری عملکردها در جداره ها



عملکرد هایی نظیر هتل اقامتی تجاری مذهبی خدماتی و گاراژهای تعمیر خودرو مراکز حمل و نقل در این محدوده واقع شده اند و بسیاری از این خدمات مانند تعمیرگاه ها به عنوان یک فعالیت ناسازگار باید از این منطقه به جای مناسبی منتقل گردد.

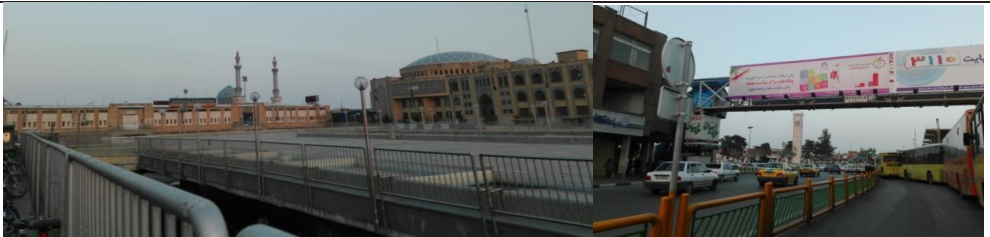
**

اهمیت فضاهای شهری و مراکز جمعی



مراکز و مکان های اصلی شهر مانند حرم مطهر و اماکن زیارتی بسیاری در این خیابان واقع شده است که نقش موثری در ایجاد تعلق به مکان ایفا می کند ولی خود جداره ها به عنوان فضای مجاور حرم نقش موثری در ایجاد فضاهای با کیفیت جمعی بازی نکرده اند

دسترس پذیری فضاها



شلوغی و ترافیک همیشگی در خیابان های اطراف حرم مطهر و بخش مرکزی شهر باعث یک طرفه شدن بسیاری از خیابان ها شده است . علاوه بر این متاسفانه مکان حرکت پیاده تعریف درستی ندارد و با توجه به بساط دستفروشان، عرض کم معابر، نبودن نشانه های ملموس و مبلمان مناسب شهری پیاده شرایط مناسبی را ندارد.

**

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۷۲

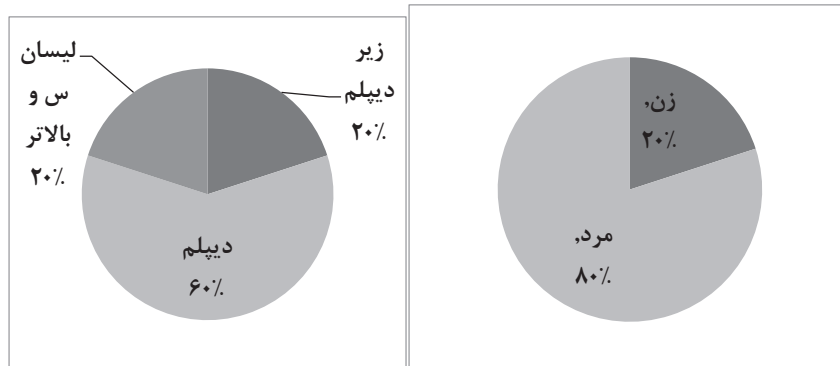
بازنگری اساسی در جداره های این خیابان از منظر زیباشناسی و طراحی اصولی صورت پذیرد.

تحلیل محیط با استفاده از پرسشنامه

در این مرحله با مراجعه به استفاده کنندگان از فضا از مردم در رابطه با مولفه های تحقیق سوالاتی پرسیده شد. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه بود، همان گونه که اطلاعات جداول نشان می دهد. در خصوص متغیر جنسیت، واضح است که بیشترین فراوانی مشاهده شده مربوط به گروه مردان با حدود ۸۰ درصد هست. همچنین در بررسی مدرک تحصیلی مشخص شد. افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر با حدود ۲۶ درصد بیشترین فراوانی و زیر دیپلم هر کدام با کمترین فراوانی مشاهده شده را تشکیل داده اند.

نظارتی وجود نداشته است و نتیجه آن را امروز به صورت سیمایی نامناسب در این محور مشاهده می کنیم.

با توجه به اهمیت خاص این محور و مجاورت آن به حرم مطهر هر روز بسیاری از افراد از نقاط مختلف ایران و جهان به این محدوده مراجعه می کنند. با توجه به اهمیت سیمای شهر و تاثیر آن بر شناخت هویت و فرهنگ باید توجه بسیاری به بهسازی این محور و هماهنگی آن با محیط انجام گردد. منظر شهر علاوه بر ابعاد کالبدی دارای ابعاد عاطفی و روانی نیز می باشد و جداره های شهری می توانند با تاثیر بر روح افراد بر رفتار آن ها نیز تاثیر گذارند. لذا با توجه به اهمیت تاریخی و عقیدتی این محور و اهمیت جداره ها از نظر پاسخگویی به نیاز های جسمی و روحی انسان باید



نمودار ۸. متغیر جنسیت جامعه آماری و نمودار ۹. متغیر تحصیلات جامعه آماری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

جدول ۵. تحلیل داده ها؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

درصد فراوانی				مولفه
زیاد	متوسط	کم	خیر	
۰	٪۷	٪۲۰	٪۷۳	استفاده مناسب از پوشش گیاهی
۰	٪۱۰	٪۳۰	٪۶۰	کیفیت مصالح
٪۱۵	٪۱۵	٪۱۵	٪۵۵	استفاده مناسب از مبلمان شهری
۰	٪۱۴	٪۳۳	٪۵۳	کیفیت رنگ
۰	٪۶	٪۲۶	٪۶۶	اصول زیبایی شناسی
٪۶۶	٪۱۳	۰	٪۲۱	توجه به نشانه ها
٪۴۱	٪۱۳	٪۱۳	٪۳۳	تامین عملکرد ها
٪۲۶	٪۱۳	٪۲۰	٪۴۱	تناسب عملکرد ها در این راسته
٪۱۴	٪۱۳	٪۲۰	٪۵۳	سهولت در تردد پیاده و سواره
٪۱۶	٪۱۴	٪۲۰	٪۴۰	امنیت
۰	٪۱۴	۰	٪۸۶	مبلمان مناسب

تحلیل داده ها

در این تحقیق به کمک نرم افزار SPSS۱۶ انجام پذیرفته است. ضریب قابلیت اتکایی سؤالات محاسبه و ضریب $a=0/96$ حاصل گردید. با توجه به اینکه حدنصاب و بنیاد قابلیت اتکایی عدد $0/7$ است عدد $0/96$ ضریب بسیار رضایت بخش و قابل قبولی است که دلالت بر اعتبار بالای پرسش نامه تحقیق حاضر دارد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آن قابلیت اتکایی بالایی داشته به عنوان یافته علمی مورد قبول تلقی می گردند.

با بررسی نظر استفاده کنندگان می توان مشاهده نمود که بسیاری از آن ها تا حدی عملکرد های

قابلیت اعتمادی پایایی یکی از ویژگی های فنی ابزار اندازه گیری است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون باخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه گیری که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند به کار می رود قبل از تجزیه و تحلیل یافته ها قابلیت اتکایی پرسش نامه ها و سؤال ها مورد ارزیابی قرار گرفت. هدف از این ارزیابی بررسی میزان دقت و نارسایی هر سؤال و نشان دادن نقاط ضعف قوت و اعتبار پرسش نامه است. ارزیابی قابلیت اتکایی

ضوابط کنترل طراحی و نظارت بر اجرای نماهای شهری



نمودار ۱۰. ضوابط کنترل طراحی و نظارت بر اجرای نماهای شهری؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴

مطالعه فلسفه و مبانی نظری اسلامی برای دستیابی به هویت ایرانی اسلامی و اجتناب از تفکر مدرنیته موضوعاتی است که در تحقق هویت فرهنگ ایرانی اسلامی در نماهای شهری معاصر ایران مفید خواهد بود. لذا در جهت ایجاد هماهنگی با ویژگیهای ارزشمند معماری ایرانی و تکیه بر هویت و ویژگیهای بومی معماری عواملی مانند، ارتقاء کیفی نما و منظر شهری منطقه و ساماندهی نماهای شهری و جلوگیری از ایجاد آشفتگی بصری با تکیه بر معماری زمینه گرا، ایجاد هماهنگی با شرایط اقلیمی، توجه به ایمنی اجرا و افزایش کیفیت معماری و نظارت حداکثری بر خدمات مجریان و مهندسان طراح و ناظر معماری می تواند موثر باشد (نمودار ۱۰) تا بدین وسیله بتوان در جهت طراحی مناسب در جداره های شهری گام برداشت و به ارتقا هویت بومی کمک نمود.

منابع و ماخذ

بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۷) واژه نامه مفاهیم طراحی شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
 محمودی، امیر سعید (۱۳۸۵) منظر شهری: مروری بر چند نظریه. فصلنامه آبادی. شماره ۵۳.
 محمودی، امیر سعید (۱۳۸۵) تبیین عوامل مؤثر در ساماندهی سیمای شهری: تدوین و پیش نویس ضوابط هماهنگ سازی سیمای شهری در شهرهای دو منطقه کویری و خزری از شش منطقه اقلیمی

موجود را کافی و مناسب می دانند ولی اعتقاد دارند بسیاری از این عملکرد ها نا مناسب برای استقرار در این خیابان می باشد افراد نسبت به کیفیت فضایی نظر مناسبی ندارند و مسلما باید در جهت اصلاح وضعیت پوشش گیاهی و کیفی سازی جداره های این خیابان اقدامات موثری رخ دهد.

۸- نتیجه گیری و جمع بندی

تا زمانی که نگرش به شهر و فرهنگ نهادینه نشده و از حالت قانون مدون و لازم الاجرا به عرف های جاری میان مردم بدل نشود، تحقق امر چندان موفق نخواهد بود. در این راستا توجه شهرداری ها، سازمان های نظام مهندسی، وزارت مسکن و دیگر ارگان های موثر در شکل گیری معماری و شهرسازی، در طراحی نماهای ساختمان های مزبور با هویت ایرانی اسلامی به عنوان مرجع مناسب برای طراحی و هماهنگ سازی نماهای شهری و توجه به طرح های راهبردی به جای طرح های ساختاری در طراحی نماهای شهری ضروری است. علاوه بر آن آموزش های مردمی، تبلیغات فرهنگ خودی و پرهیز از تبلیغ فرهنگ بیگانه، توسعه تولیدات بومی به لحاظ کمی و کیفی، ضرورت توجه دانشکده های معماری و شهر سازی و مجلات معتبر سطح کشور به موضوع معماری بومی برگزاری دوره های آموزشی و مسابقات معماری، در به کار بردن مصالح بومی و ایجاد طرح های متنوع با استفاده از مصالح بومی، توجه به موضوع مشارکت مردمی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۷ تابستان ۹۶
 No.47 Summer 2017

rural landscapes. *Landscape and Urban Planning*, Vol 69. Pp. 115 – 125.

Appleyard, Donald (1965). "Motion, sequence and the city", in: Kepes, Gyorgy (1965). *The Nature and Art of Motion*, New York: Braziller.

Beardsley, Monroe (1958). *Aesthetics*. New York: Harcourt.

Bishop I.D. B. Rohrmann (2003) Subjective responses to simulated and real environments: a comparison. *Landscape and Urban Planning*, Vol. 65. Pp. 261-277.

Bostanci, Seda and Mehmet Ocakci (2011). "Innovative approach to aesthetic evaluation based on entropy", *European Planning Studies*, vol. 19, pp. 705-723.

Chen, Bo. Ochieng A. Adimo, Zhiyi Bao (2009) Assessment of aesthetic quality and multiple functions of urban green space from Hangzhou Flower Garden, China. *Landscape and Urban Planning*, Vol. 93. Pp. 76-82.

Chon, Jinhyung. C. Scott Shafer (2009) Aesthetic Responses to Urban Greenway Trail Environments. *Landscape Research* 34:1, 83-104.

Galindo, Ma Paz and Ma Carmen Hidalgo (2005). "Aesthetic preferences and the attribution of meaning: Environmental of urban scenes", *International Journal of Psychology*, vol. categorization processes in the evaluation 40, issue 1, pp. 19-27.

Gifford, Robert, Donald Hine, Werner Muller-Clemm, D'Arcy Reynolds, Kelly Shaw (2000). "Decoding modern architecture: A Lens the Aesthetic Differences of Architects and Laypersons", *Model Approach for Understanding Environment and Behavior*, vol. 32, no. 2, pp. 163-187.

Greene, Sherwin (1992) "Cityshape Communicating

کشور، مجلدات اول و یازدهم، طرح پژوهشی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

محمودی، امیر سعید (۱۳۸۹) *نظرگاه منظر شهری*، مجله تخصصی منظر، انتشارات پژوهشکده نظر، شماره ۱۱، ابان و اذر.

رضازاده، راضیه (۱۳۸۶) *اصول و معیارهای ساماندهی و ضوابط و مقررات سیمای شهری*، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران گلکار، کورش (۱۳۷۹) *مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری*، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵

گلکار، کورش (۱۳۸۲) *از تولد تا بلوغ طراحی شهری*، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۶، صص ۲۳-۸. گلکار، کورش (۱۳۸۷) *محیط بصری شهر: سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار*، مجله علوم محیطی، سال ششم، شماره ۲.

محمودی، امیر سعید (۱۳۸۵) *تبیین عوامل مؤثر بر ساماندهی سیمای شهری: تدوین و پیش نویس ضوابط هماهنگ سازی سیمای شهری در شهرهای دو منطقه کویری و خزری از شش منطقه اقلیمی کشور*، مجلدات اول و یازدهم، طرح پژوهشی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

لینچ، کوین (۱۳۷۳) *طرح شهر و نما ظاهر شهر*، مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، ترجمه مزینی، دانشگاه تهران.

ابل، کریس (۱۳۸۷) *معماری و هویت*، ت: فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Appleton, Jay (1975). "Landscape Evaluation: The Theoretical Vacuum", *Transactions of the Institute of British Geographers*, no. 66, pp. 120-123.

Arriaza M., J.F. Cañas-Ortega, J.A. Cañas-Madueño, P. Ruiz-Aviles (2004) Assessing the visual quality of

and Evaluating Community Design.” Journal of the American Planning Association. 58:2, 177-189.

Gombrich, Ernst (1984). *The Sense of Order*, Ithaca: Cornell University Press.

Greenberg, Clement (1965). “Modernist painting”, *Art and Literature*, vol. 4. pp. 193-201.

Holm, Ivar (2006). *Ideas and beliefs in architecture and industrial design*, Oslo: Oslo School of architecture and design.

Kaplan, Stephen (1987). “Aesthetics, affect, and cognition: environmental preference from an evolutionary perspective”, *Environment and Behavior*, vol. 19, pp. 3-32.

Kaplan, Rachel and Stephen Kaplan (1989). *The experience of nature: a psychological perspective*, Cambridge: Cambridge University Press.

Rorty, Richard (1990). *Objectivity, relativism, and truth: Philosophy Papers*, Cambridge: Cambridge University Press.

Schmidhuber, Juergen (1997). “Low complexity art”, *Leonardo*, vol. 30. pp. 77-103.

Smardon, Richard (1988). “Perception and aesthetics of the urban environment: review of the role of vegetation”, *Landscape and Urban Planning*, no. 15, pp. 85-106

Solomon, Robert (2005). “Subjectivity”, in: Honderich, Ted (2005). *Oxford Companion to Philosophy*, Oxford: Oxford University Press.

Vahdani, Behnam, H. Iranmanesh, M. Mousavi and M. Abdollahzade (2012). “A locally linear neuro-fuzzy model for supplier selection in cosmetics industry”, *Applied Mathematical Modelling*, vol. 36, Issue 10, pp. 4714-4727.

Van Den Berg, Agnes E. Charles A. J. Vlek, J. Frederick Coetier (1998) *Group Differences in the Aesthetic Evaluation of Nature Development Plans: A*

Multilevel Approach. *Journal of Environmental Psychology*. Vol. 18, Pp. 141–157.

Whitfield, Allan and John Wiltshire (1982). “Design training and aesthetic evaluation: An intergroup comparison”, *Journal of Environmental Psychology*, no. 2, pp. 109-1

Leicester city council .2007. *Tall Buildings Supplementary Planning Document*.

Mayor of London.2001. *Interim strategic planning guidance on tall buildings, strategic views and the skyline in London*.

Short, Michael .2007. *Assessing the impact of proposals for tall buildings on the built heritage: England's regional cities in the 21st century*.

Tavernor, Robert. 2007. *Visual and cultural sustainability: The impact of tall buildings on London, Landscape and Urban Planning* 2007. 2–12.

Zacharias, J.1999. *Preferences for view corridors through the urban environment*, *Landscape and Urban Planning* vol.43 p. 217-225.

Westminster City Hall.2009. *Views and Tall Buildings, City Management Plan briefing notes*.

Crow, Thomas .Brown, Terry .Young, Raymond De(2006), *The Riverside and Berwyn experience: Contrasts in landscape structure, perceptions of the urban landscape, and their effects on people* , *Landscape and Urban Planning* ,Vol 75,p: 282.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

فرآیند تبیین پدیدارنگاری ابعاد مفهوم دل‌بستگی مکانی به روش استخراج معانی تصویری خودنگار

آرمان جهانگیری - دانشجوی دوره دکتری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

جهانشاه پاکزاد* - استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

علیرضا عندلیب - دانشیار دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

امروزه مفهوم دل‌بستگی به مکان با توجه به نقشی که در تبیین و حتی پیش بینی رفتار انسان در محیط های شهری دارد، بسیار مورد توجه محققان علوم رفتاری، طراحان شهری و بویژه پژوهشگران حوزه گردشگری قرار گرفته است. این مفهوم در طراحی فضاهای شهری به آن جهت اهمیت دارد که در رابطه میان ویژگی های طراحانه محیط، رضایتمندی مکانی، حفاظت خود انگیخته از محیط و علاقه به بازدید مجدد محیط اثر گذار است. با توجه به تازه بودن ورود این مفهوم از مطالعات جغرافیایی و روانشناسی به مطالعات شهری و نیز تعدد و تکثر تعاریفی که در این حوزه ها از آن به میان آمده، کماکان در خصوص ابعاد ماهوی آن اجماعی وجود ندارد. لذا این مقاله در سعی دارد به روش کیفی و با رویکرد پدیدار نگاری و بهره گیری از تکنیک استخراج معنایی تصویری خودنگار به بررسی شکل گیری ابعاد مفهوم دل‌بستگی مکانی در فضاهای ساحلی شهری پرداخته و مجموعه عواملی که در شکل گیری این مفهوم در یک فضای همگانی مانند نوار ساحلی شهری موثرند را مشخص نماید. برای این منظور، در مرحله اول از دوازده نفر از ساکنین بومی شهر ساحلی بوشهر خواسته شد که با استفاده از دوربین عکاسی از مکان هایی که برایشان مهم است و به آن علاقه دارند، عکس گرفته و سپس در مرحله دوم در مصاحبه هایی نیمه ساختار یافته، دلایل انتخاب مکان ها در مصاحبه های عمیق مورد پرسش قرار گرفت. نتیجه حاصله پس جمع آوری، کد گذاری و مفهوم سازی پاسخ ها در نرم افزار MAXQDA، حاکی از وجود دوازده طبقه توصیفی در چهار طبقه مفهوم در تجربه پدیده دل‌بستگی مکانیست که با تعاریف ارائه شده، در گروه های هویت یابی از مکان (هویت مکانی)، سهولت انجام فعالیت دلخواه (وابستگی مکانی)، تجربه روابط اجتماعی مطلوب (پیوندهای اجتماعی) و پاسخدهی عاطفی مکان (پیوندهای عاطفی) با مکان قابل دسته بندی است. فلذا الگوی تحلیلی مفهوم دل‌بستگی به مکان در نوار ساحلی شهر بوشهر بر مدل چهار بعدی دل‌بستگی مکانی مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: دل‌بستگی مکانی، روانشناسی محیط، پدیدار نگاری، استخراج معانی تصویری خودنگار، طراحی شهری.

Phenomenography explain the meanings of the concept of place attachment extraction of video self-portrait

Abstract

Today, the concept of attachment to the place due to its role in explaining and predicting human behavior in urban environments; Highly regarded behavioral scientists, city planners, particularly in the field of tourism in the world; This concept in urban design, it is important that the relationship between characteristics of environment, a place of satisfaction, self-protection of the environment and interest in revisiting the transition effects. According to the recent introduction of the concept of geographical studies and psychology and urban studies multiplicity of definitions continue to respect the substantive aspects of it there is no consensus. And factors in the formation of this concept are included in a public space such as urban coastal strip specify. To this end, the first phases of the coastal city of Bushehr Twelve of the local residents were asked to use the camera in places that are important to them. And to those interested the captured image. And then in the second stage in semi-structured interviews, in-depth interviews reasons for the choice of location were questioned. The result is then collected, encoded and the concept of call in the application MAXQDA, the presence of twelve categories described in four categories of experience attachment phenomena mechanistic with the definitions provided in the identification of the location (local identity), ease of doing favorites (dependent on location), experience optimal social relations (social connections) and emotional response location (emotional bonds) is categorized by location. Therefore, an analysis of the concept of attachment to place in the coastal city of Bushehr on the attachment location next four matches.

Keywords: attachment location, environmental psychology, journalism emerged, meaning the extraction of video self-portrait, urban design.

انجام شده، کماکان موضوع ابعاد ماهوی آن بویژه در حوزه ویژگی های کالبدی و فعالیتی محیط، بدلیل توجه صرف به پژوهشگران (عمدتاً روانشناس) به فرایندهای روانشناختی انسان در مواجهه با مکان، مغفول و مجهول مانده است [۱]. از این رو این پژوهش سعی دارد با رویکردی پدیدارنگارانه، با روش استخراج معانی تصویری خودنگار و دریافت شده از مخاطب مکان (سپس تجربه آن به عنوان یک پدیدار)، فرآیند اثرگیری و اثرگذاری دلبستگی به مکان در فضاهای ساحلی شهری را تبیین و تفسیر نماید.

۲- دیدگاه های نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱- مفهوم دلبستگی مکانی و ابعاد آن

مفهوم دلبستگی مکانی با ریشه گرفتن از نظریه دلبستگی جان بولبی در خصوص شناخت سیستم های کنترل رفتاری کودک و مادر در روانشناسی و سپس ازدرون مفهوم حس مکان در مطالعات توان بیرون آمده است [۱۲]. توان حس مکان را به عنوان رابطه عاطفی، معنا دار و بسیار عمیق با فضا بین یک فرد و یک مکان خاص و مفهوم مکان را به عنوان بستری معنادار برای تجربیاتی که شخص در ارتباط با خود و یا آن محیط دارد، معرفی می کند [۱۳]. پروشانسکی و همکارانش حس مکان را به عنوان پیوست و یکپارچگی روانشناسانه و یا شناختی با فضاها و محیط های جغرافیایی معرفی کرده اند [۱۴]. موضوع دلبستگی به مکان ابتدا در پژوهش های پدیدار شناسانه ای که به موضوع ارتباط میان مردم و خانه و مکان های مقدس می پرداختند، به صورت جدی دنبال شد [۱۵] که در آنها واژه دلبستگی مکانی به منظور توصیف پدیده تعامل و پیوندهای متعدد عاطفی که مردم با مکان های خاص (مثلاً عبادتگاه ها) شکل می دهند، بکار رفت [۱۶]. با اینکه مفهوم واژه دلبستگی مکانی در طول چهل سال اخیر در علوم مختلفی (از روانشناسی محیطی تا جغرافیای انسانی) مطرح

یکی از مهمترین مباحثی که در حوزه طراحی فضاهای شهری مطرح می شود، رابطه انسان با محیط پیرامونی اش از دیدگاه روانشناسی است. اینکه فرد در قالب چه سیستمی خود را در پیوندی عاطفی با محیطش در یافته و به آن دلبسته می شود، پرسشی است که تاکنون پژوهشگران حوزه ای مختلف علمی، سعی در یافتن پاسخی در خور برای آن داشته اند. از آنجایی که اخیراً و در رویکردی پر شتاب پژوهش های متعددی (در بررسی جامعی که در سال ۲۰۱۱ از تعداد مطالعات چهار دهه اخیر در حوزه مکان صورت گرفت، نشان داده شد که بیش از ۶۰ درصد از حدود چهارصد پژوهش مورد بررسی، در یک دهه اخیر نگارش شده اند [۱])، به تبیین مفهوم و کاربرد مفهوم دلبستگی مکانی بر ساخت پیوند های اجتماعی و ایجاد هویت فردی و جمعی در افراد پرداخته اند [۲-۴]. اهمیت این مقوله در شکل گیری هرچه بیشتر تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری هویدا می شود. همچنین مطالعات نشان می دهد که فضاهای شهری باز، سبز و همگانی به واسطه انواع ویژگی های مطلوب کالبدی شان (اعم از طبیعی و مصنوع) و یا فرصا انجام فعالیت های مختلف، بسترها موثر تری برای شکل گیری حس تعلق به مکان نسبت به انواع دیگر فضاها به شمار می آیند [۵-۸]، بنابراین شناسایی مولفه هایی که رابطه خاص احساسی میان افراد و این گونه فضاها را شکل می دهد، برای طراحان و برنامه ریزان شهری لازم و ضروریست. علاوه بر حوزه شهرسازی، اهمیت این پدیده در سایر دانش های مرتبط با رفتار جمعی افراد نسبت به محیط مانند برندسازی مکانی و مدیریت گردشگری، حوزه سلامت اجتماعی، رفتار سفر و نیز مدیریت رفتارهای خود انگیخته محیطی افراد، قابل ردیابیست [۹-۱۱]. با این حال، با وجود مطالعات متعددی که بویژه در دو دهه گذشته در خصوص ماهیت، مولفه های اثرگذار احساسی در ارتباط با انسان و دلبستگی به مکان

و تکامل یافته است، ولی اساساً دلبستگی مکانی به پیوندی اطلاق می شود که میان اشخاص و محیط شان به صورت معنا داری اتفاق می افتد اطلاق می شود [۱۷] (در مقابل آن می توان بیگانگی مکانی را که ارزیابی منفی از مکان داشته و خود را از آن مبرا دانسته و از نتیجه تعامل با آن مکان رضایت نداشته اند، قرار داد). با وجود تعاریف مختلف و عدم وجود توافق جامع در بین محققین در طول بیش از چهل سال پژوهش در این حوزه، در تعریفی ساده و متأخر، اسکنل و گیفورد با استناد به آثار لائو و آلتمن در سال ۱۹۹۲ و گیلیانی در سال ۲۰۰۳، دلبستگی مکانی را رابطه ای عاطفی میان فرد و محیط خاص و به شکل پیوندی سه بخشی میان شخص و محیط (جغرافیایی و یا ذهنی - معنایی) و فرآیندهای روانشناسانه فی ما بین معرفی کردند [۱۲، ۱۶، ۱۷].

مطالعات متعددی سعی در مشخص ساختن ابعاد ماهوی مفهوم دلبستگی مکانی و معیارهایی که به برقراری این پیوند منجر می شوند، داشته اند [۱۰، ۱۸-۲۴]. نتیجه این مطالعات به دلیل ورود پژوهشگران از حوزه های علمی مختلف (از روانشناسی تا جغرافیا) نتایج متعددی را نیز به همراه داشته و سبب شده که تا کنون تعریف مشخصی از مفهوم حاصل نشده و به ابهام آفرینی در حوزه تعریف و فهم موضوع دامن بزند [۱]. با این حال، دو بعدی که بیشتر در پژوهش ها به آنها استناد شده است و به عقیده بسیاری از پژوهشگران ساختار اصلی مفهوم دلبستگی مکانی با این دو بعد شناخته می شود عبارتند از وابستگی مکانی و هویت مکانی [۲۳، ۲۵]. محققان متعددی نیز در پژوهش های ارزیابانه خود از مفهوم دلبستگی مکانی از این دو بعد بهره جسته و بر تعریف ساختاری دلبستگی مکانی با این دو بعد صحه گذاشته اند [۴، ۲۶-۲۹]. وابستگی مکانی به فعالیت ها و کارکردهایی از مکان اشاره دارد که مشخص می سازد یک مکان خاص تا چه اندازه سبب تسهیل فعالیت های خاص

کاربران می شود [۳۰] و اینکه چگونه اشخاص به یک مکان برای فعالیت ها و مقاصدشان وابسته اند. دلبستگی به مکان از ورای مقایسه مکان نسبت به دیگر مکان های مشابه و در پی ارزیابی ذهنی پس از تجربه مکان حاصل می گردد و به صورت خلاصه نتیجه قضاوتی چون: "هیچ جای دیگر چنین امکاناتی برای من مثل این مکان نخواهد داشت" است [۳۱]. در حقیقت وابستگی مکانی رابطه ای عملکردی است که افراد بر اساس درک فردی شان از اینکه آن مکان تا چه اندازه امکان بروز فعالیت دلخواهشان را فراهم می سازد، با آن مکان ارتباط برقرار ساخته و زمانی که میزان این وابستگی مکانی افزایش پیدا کند، تمایل افراد به جایگزین کردن آن مکان با فضای دیگر برای انجام فعالیت شان کاهش می یابد [۳۲].

از سویی دیگر، هویت مکانی را پروشانسکی و همکارانش (۱۹۸۳) در قالب زیر مجموعه ای از هویت شخصی افراد و تحت عنوان ترکیبی از گرایش ها، ارزش ها، باورها، معانی و رفتار هایی که از ورای دلبستگی عاطفی و حس تعلق به مکانی خاص بدست می آید، تعریف کرده اند [۱۴]. لذا، هویت مکانی به معنای پدیده ای حسی، عاطفی و سمبولیک است که فرد از محیط کالبدی کسب و به عنوان بخشی از هویت فردی خود می شناسد. این پدیده به نوعی متفاوت از ویژگی های فعالیتی محیط است و ماهیت خود را از ویژگی های شناختی و معنایی محیط کسب کرده و نشان داده شده که با گذشت زمان و به واسطه تعامل بیشتر فرد با محیط و یا یاد آوری بیشتر آن خاطرات عمیق تر نیز می شود [۱۴، ۳۳-۳۵]. تجربه مثبت مکان و یادآوری آن سبب می شود که افراد تمایل به حفظ گذشته ای از محیط که در آن خاطرات، افکار، احساسات و گرایش های مطلوبشان در آن شکل می گرفته را در ذهن خود به صورت مانا خلق کنند و هویتی شخصی مناسبی از آن برای خود بسازند. چرا که پس از رضایت محیطی ناشی از دلبستگی مکانی،

جدول ۱. برخی از مهمترین ابعاد معرفی شده در پژوهش های مرتبط با مفهوم دلبستگی مکانی

ابعاد	تعریف	حوزه کارکردی	محققین و پژوهش های مرتبط
وابستگی مکانی	ارتباط خاص عملکردی بویژه بواسطه مولفه های مشخصی از محیط کالبدی که انجام فعالیت دلخواه فرد را ممکن می سازند	فردی، کالبدی، فعالیتی	[۴۱, ۲۵] و [۴۲] و [۱۰] و [۴۳-۴۵, ۲۳] و [۲۶, ۲۹, ۳۶, ۴۲, ۴۶, ۴۷]
هویت مکانی	آن دسته از احساسات، ارزش ها و باورهای متناسب از محیط فیزیکی که به زعم افراد تعریف کننده بخشی از هویت فردیشان باشد	فردی، کالبدی، شناختی	[۱۴] و [۳۰, ۳۳, ۳۴, ۴۸] و [۲۱, ۲۳, ۳۹, ۵۲-۴۹] و [۳۵] و [۲۶] و [۵۳]
پیوندهای اجتماعی	احساس تعلق و یا عضویت در بخشی از افراد جامعه و یا خانواده و پیوندهای عاطفی حاصله از این تعلق بواسطه وجود تجربیات، علایق و یا دغدغه های مشترک در مکان	اجتماعی، فعالیتی	[۵۴, ۵۴, ۴۰] و [۵۶] و [۲۴, ۵۷] و [۵۸, ۵۴]
پیوندهای طبیعت	ارتباطات آشکار و نهان شخص با طبیعت بر پایه تجربیات، احساسات و یا بازنمایی شناختی در فرد	فردی، کالبدی، احساسی	[۵۹] و [۵۴] و [۴۲] و [۲۱, ۶۰]
عواطف مکانی	احساسات مثبت برگرفته از ویژگی های خاص محیط طبیعی از سوی فرد که عموماً سبب حس سرزندگی، نشاط و سلامتی فردی یا گروهی شناخته می شوند	فردی، کالبدی، احساسی	[۲۹, ۴۰, ۶۱, ۶۲] و [۹, ۲۹, ۶۳-۶۶] و [۱۲] و [۶۷]

مدیریت شهری

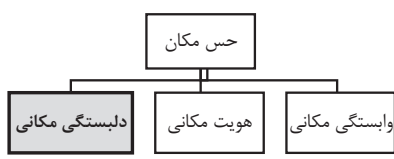
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۸۰

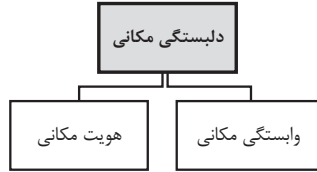
مطالعات انجام شده در محیط های مختلف، بتدریج ابعاد دیگری از مفهوم دلبستگی که مشخص شدند [۲۱, ۲۳, ۳۸] که برخی از آنها عبارتند از آشنایی با مکان، تعلق به مکان، پیوندهای اجتماعی [۳۹]. به طور خلاصه، آشنایی با مکان خاطرات، گرایش ها و معانی شناختی و تصاویر ذهنی محیطی است که به واسطه سابقه آشنایی و به یاد آوری محیط های تفریحی بوجود می آید و تعلق به مکان پیوندهایی است که فرد به واسطه آن پیوند ها خود را با مردم و محیط در ارتباطی مستقیم می داند [۳۹]. پیوندهای اجتماعی نیز بر تعلق به گروه ها و روابط اجتماعی بوجود آمده از ماحصل این پیوند در محیط تمرکز دارد [۱۶, ۲۴]. عده ای معتقدند که در برخی از زمینه ها، پیوندهای اجتماعی منبع اولیه معنا یابی افراد در مکان محسوب می شوند و

ذهن به سمت ساخت آسایش احساسی رفته و شروع به ارتباط روانی با محیط می کند. لذا بسیاری از پژوهشگران معتقدند که امکان فراهم سازی فعالیت های مطبوع در محیط (دلبستگی مکانی) به طور مستقیم موجب شکل گیری هویت مکانی مثبت و قوی تری خواهد شد [۲۱, ۲۷, ۳۶, ۳۷].

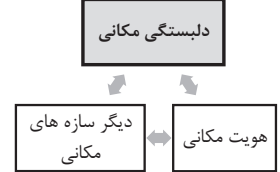
با این حال این سوال مطرح بوده است که اساساً دلبستگی به یک مکان خاص آیا فقط از ویژگی های فعالیت و هویتی یک مکان سرچشمه می گیرند و یا ابعاد دیگری نیز وجود دارد؟ و یا اساساً ماهیت مفهوم دلبستگی مکانی از چه ابعادی تشکیل شده است. لذا اخیراً در مطالعات مختلف محققین سعی داشته اند که با پژوهش های مختلف کیفی و کمی در بسترهای مختلف به شناخت ابعاد دیگر این مفهوم اقدام کنند. چرا که به مرور زمان و کثرت



شکل ۳. مدل سه بعدی دلبستگی مکانی: کایل، گراف و مانینگ (۲۰۰۵)



شکل ۲. دلبستگی مکانی به مثابه مفهومی فرادستی و دو بعدی: استوکولز و شوماخر (۱۹۸۱)، ویلیامز و واسک (۲۰۰۳)



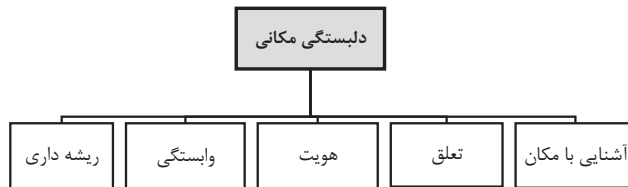
شکل ۱. دلبستگی مکانی به مثابه مفهومی تک بعدی: دواین-وایت (۲۰۱۱)، گیلیانی (۲۰۰۳) و هرماندز و هیدالگو (۲۰۰۷)



شکل ۵. دلبستگی به مثابه مفهومی پایین دستی: یورگنسن و استدمن (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶)



شکل ۴. مدل چهار بعدی بعدی دلبستگی مکانی: کایل (۲۰۰۴) و رامکیسون (۲۰۱۲)



شکل ۶. دلبستگی مکانی به مثابه مفهومی فرادستی و پنج بعدی: همیت و همکاران (۲۰۰۶)

معرفی و تعریف عوامل اثر گذار است [۱]. با بررسی در مطالعات انجام گرفته [۶۸]، می توان سه دسته مشخص از این مدل ها را معرفی ساخت. دسته اول تعریف مفهوم دلبستگی به مکان را به عنوان مفهومی تک بعدی و هم ردیف با مفاهیمی همچون هویت مکانی یا وابستگی مکانی است. برخی از پژوهشگران این دسته عبارتند از دواین-وایت (۲۰۱۱)، گیلیانی (۲۰۰۳) و هرماندز و هیدالگو (۲۰۰۷) [۶۹، ۵۷، ۱۲] (شکل ۱). دسته دوم مطالعاتی آن دسته از پژوهش هایی اند که دلبستگی مکانی را ساختاری چند بعدی که از تلفیق چندین عامل مختلف ایجاد می شود، معرفی ساخته اند. تعداد این عوامل بسته به پژوهش های مختلف و تا اندازه ای مولفه زمان، از دو تا پنج عامل معرفی شده است. برای مثال، براساس

بر اهمیت نقش تعاملات اجتماعی افراد و ساختار محیط اجتماعی فعالیت های مکانی به عنوان بعد اصلی مفهوم دلبستگی مکانی تاکید دارند [۲۱، ۲۳، ۴۰]. جدول شماره یک برخی از مهمترین این ابعاد را که در پژوهش های اخیر به آنها پرداخته شده را نشان می دهد.

از سویی دیگر، طی چهل سال گذشته و از شروع مطالعات در حوزه دلبستگی مکانی، پژوهشگران با پیشینه پژوهشی مختلف، مفهوم دلبستگی مکانی و البته با عناوین گوناگونی مانند عشق به مکان، ریشه داری، وابستگی مکانی، هویت مکانی، هویت شهری، حس جامعه، یا دلبستگی جامعه را به شکل مدل هایی تک بعدی تا پنج بعدی معرفی کرده اند [۶۸]. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، سردرگمی در

رویکرد استوکولز و شوماخر (۱۹۸۱)، ویلیامز و وسک (۲۰۰۳) دلبستگی مکانی مفهومی فرا دستی و عاملی سطح دوم است که از ماحصل وجود دو بعد وابستگی مکانی و هویت مکانی خلق می شود [۷۰، ۲۵] (شکل ۲). کایل، گریف و مانینگ (۲۰۰۵) در پژوهشی متأخر تر، عامل سوم را تحت عنوان پیوندهای اجتماعی به این مدل پیشین اضافه کردند (شکل ۳). در مطالعات دیگری دلبستگی به عنوان پدیده ای سه بعدی متشکل از هویت مکانی، وابستگی مکانی و پیوندهای عاطفی نیز معرفی شده است [۷۱، ۶۴]. همچنین پیوندهای عاطفی به مکان به عنوان احساسات قوی افراد به یک مکان خاص نیز به عنوان بعد چهارم در مطالعات اندکی اخیراً مورد توجه افرادی چون کایل (۲۰۰۴) و رامکیسون (۲۰۱۲) قرار گرفته است [۷۲] (شکل ۴) و در نهایت، همیت و همکارانش (۲۰۰۶) مدلی پنج بعدی از دلبستگی مکانی را معرفی کردند که متشکل از آشنایی با مکان، تعلق، هویت، وابستگی و ریشه داری بود [۲۱] (شکل ۵). در دسته سوم مدلی هایی قرار می گیرند که دلبستگی مکانی را مفهومی فرعی یا بعدی از یک مفهوم کلی تر به حساب می آورند. برای مثال، برای لالی (۱۹۹۲)، دلبستگی مکانی عاملی در خلق مفهوم گسترده تر و پایین دستی مفاهیمی چون هویت شهری معرفی می کند [۳۳]. یورگنسن و استدمن (۲۰۰۱، ۲۰۰۶) دلبستگی مکانی، وابستگی مکانی و هویت مکانی را به صورت هم عرض ابعادی از مفهوم حس مکان معرفی می کنند [۶۷، ۲۷] (شکل شماره ۶)

با توجه به اینکه مدل های مختلف ارائه شده تفاوت های ساختاری در سطوح و محتوایی در ابعاد دارند و نیز ابهامی که در تعاریف ارائه شده وجود داشته و سبب شده که کماکان در بسترهای پژوهشی مختلف (روانشناسی محیط، جغرافیا، شهرسازی) هنوز اجماعی در کاربست مدلی مشخص وجود نداشته باشد، این پژوهش بدانبال آن است که از ورای رویکردی پدیدارنگارانه به تبیین این مدل در

بستر فضاهای ساحلی شهری بزند [۱].

۲-۲- استخراج معانی تصویری خود نگار

یکی از روش های نوینی که در رویکرد پژوهشی کیفی علمی چون روانشناسی محیط، جامعه شناسی و مردم شناسی برای استخراج مفاهیم نهفته مکانی از آن استفاده می شود، روش استخراج معانی تصویری خودنگار (در برخی منابع تحت عنوان تصویربرداری بازدیدکننده) است. در این روش از تصاویری که توسط خود مصاحبه شونده گرفته شده اند اطلاعات در قالب مصاحبه هایی (عمدتاً به شکل باز یا نیمه ساختاری یافته استخراج می شود. محور اصلی این مصاحبه های در مورد توضیح دلایل آشکار و پنهانی است که سبب شده اند تصویر توسط مخاطب مکان ثبت شود انتخاب تصویر معمولاً به دلیل محبوبیت کارکرد مکان، جذابیت های بصری و یا هر نوع پیوندیست که میان نیازمندی ها و توقعات مخاطب و ویژگی های آن مکان در طول زمان برقرار گشته است. یکی از مهمترین عواملی که به برداشت دقیق تر معانی مکانی کمک می کند، این است که مخاطب در لحظه ثبت تصویر در مکان حضور داشته و احساسات و حواس وی به صورت مستقیم بر انتخاب وی اثر می گذارد. این موضوع سبب می شود که معانی مکانی برای وی کاملاً ملموس بوده و بتواند به بهترین دلایل انتخاب خود بر اساس اهمیت و ارزش آن تصویر در مصاحبه ها اشاره کند [۷۳].

به هر حال، هر چند بهره گیری از روش استخراج معانی تصویری به عنوان تکنیک در پژوهش های طراحی شهری بسیار نوپا بوده ولی در دیگر شاخه ها مانند مردم شناسی، جامعه شناسی استفاده شده است. تصاویری که در این روش بکار می روند کارکردی دوگانه دارند. اول اینکه پژوهشگران می توانند از آنها برای پیشبرد و تعمیق سوالات بهره برده و دیگر اینکه خود مخاطبین مکان نیز از آنها برای ایجاد راهی شفاف به منظور توصیف ابعاد مختلف زندگی شان استفاده می کنند [۷۴].

در مطالعات محدودی از روش استخراج معانی تصویری در حوزه مطالعات دل‌بستگی مکانی استفاده شده است. در یکی از اولین این مطالعه‌ها که در مقیاسی محله‌ای در سال ۲۰۰۷ توسط بکلی و همکارانش انجام شده است، از تصاویری که ساکنین محلی از آنچه در محله‌شان برایشان اهمیت داشته ثبت کرده‌اند، به منظور شناخت عناصر محیط طبیعی-مصنوع و اجتماعی-فرهنگی که سبب بوجود آمدن دل‌بستگی به مکان شده بودند، استفاده شد [۷۵]. در همین رابطه می‌توان به مطالعات مشابهی در حوزه رابطه ویژگی‌های مکانی و انسان بویژه در مباحث گردشگری اشاره داشت. برای مثال در مطالعه‌ای که در خصوص تصویر ذهنی مخاطبان از یک روستای تاریخی در ایالت ساسکچوان کانادا در سال ۲۰۰۴ انجام شد، مشخص گردید که زیرساخت‌ها (مسیرها و انبارهای ویژه کشاورزان)، عناصر متحرک محیط (حیوانات در مزارع و اسب‌ها در مرتع‌ها) و فعالیت‌های ساکنین بومی (کشاورزان، دامداران) مهمترین مقولات در ساخت تصویر ذهنی از محل هستند [۷۶]. در تحقیقی متاخر در سال ۲۰۱۳ با همین روش، در خصوص دل‌بستگی مکانی گردشگران به پارک دریایی نینگالو در استرالیا، مشخص شد که عواملی چون دوری جویی از محیط شهری، مشارکت در فعالیت‌های ساحلی، معاشرت با خانواده و افراد با علایق مشترک و نهایتاً شادی جمعی از جمله مهمترین عواملی است که سبب دل‌بستگی گردشگران به این حوزه و علاقه آنها به بازدید مجدد آن شده است [۷۷].

در هر صورت برخی از محققان روش‌های سنتی در تحقیقات کیفی مانند روش مصاحبه رودر رو و پدیدارشناسانه را به دلیل محدودیت‌های ذاتی حاکم بر محیط این نوع رویکردها که مانع از آن می‌شوند که مشارکت‌کننده به صورت آزاد بتواند تجربیاتش را با مصاحبه‌گر به میان بگذارد، مورد نقد قرار داده‌اند. ایشان روش‌های معمول مانند مصاحبه را بیشتر تحمیلی و همراه با اعمال

نفوذ در پاسخ مخاطب دانسته و معتقدند که در این‌گونه روش‌ها، معمولاً به جای آنکه اطلاعات توسط مصاحبه‌شونده خلق شده و سپس به صورت مشارکتی با مصاحبه‌گر تحلیل شوند، تنها در پرسش‌هایی مستقیم، جهت‌دار و از پیش تعیین شده جمع‌آوری می‌شوند [۷۸].

به‌طور کل روش‌هایی که از مصاحبه‌شونده‌ها برای خلق اطلاعات بهره می‌جویند، مانند استخراج معانی تصویری، وسیله‌ای بهتر برای کشف واقعیات جهان پیچیده تجربیات انسانی در اختیار قرار می‌دهند. استخراج معانی تصویری فرایند بهره‌گیری از تصاویر در مصاحبه‌های پژوهشی است که پاسخ‌هایی دقیق‌تر و معتبرتری در خصوص خاطرات، باورها و ارزش‌های محیطی افراد نسبت به مصاحبه‌های کلامی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد [۷۸].

این رویکرد می‌تواند به دو صورت انجام شود: تصاویر توسط محقق گرفته شده و سپس در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گیرند و یا اینکه خود مصاحبه‌شونده تصاویر را ضبط و سپس درباره مفاهیم و ارزش‌های مکانی تصویر صحبت کند که این حالت به دلیل اینکه خود شخص مصاحبه‌شونده با توجه به ارتباط متقابل و تجربیات و خاطرات به سراغ مکانی خاص (ولو اینکه از نظر محقق حاوی ویژگی خاصی نباشد) می‌رود، قابلیت کشف بیشتر و عمیق‌تر ویژگی‌های پیدا و پنهان محیطی را داراست [۷۹].

روش استخراج معانی تصویری ابتدا در دهه هفتاد میلادی و در علم انسان‌شناسی توسط جان کولیر به مثابه روشی برای کمک به مصاحبه‌شونده‌ها برای تفکر و یادآوری در حین مصاحبه‌ها بکار گرفته شد و از اواسط دهه هشتاد و پس از انتشار کتاب "انسان‌شناسی بصری" و مقاله معنا و کار: مطالعه‌ای بر استخراج معانی تصویری از داگلاس هارپر عمومیت یافت [۸۰]. هارپر در این مقاله از تصاویر به شکل راهی برای کمک به مصاحبه‌شونده‌هایی که برایشان توصیف و تشریح جزئیات محیط کاریشان مشکل بود، بهره جست. هارپر عنوان

می دارد که روش بهره گیری از تصاویر همزمان هم تجربی و هم ساختاری هستند. تصاویر ماهیت تجربی دارند چرا که ابزارهایی بصری هستند که تجربیات مخاطب مکان را آشکار می سازند. از سوی دیگر، ماهیت ساختارگرایانه این روش ریشه در پارادایم تفسیرگرایانه آن دارد چرا که به طور مشابه تفسیرگرایان نیز در تلاش دارند که موقعیت ها را از زاویه دید افرادی که آن موقعیت را تجربه کرده اند، مطالعه کنند [۷۸]. در همین راستا، در کاربست آن در طراحی شهری، از آنجایی که تصاویر این فرصت را در اختیار پژوهشگر قرار می دهند که علاوه بر ابعاد فیزیکی، ابعاد فعالیتی و اجتماعی مکان به صورت همزمان مورد واکاوی قرار گیرند [۸۱]، استفاده از تصاویر در فرایند استخراج معنایی می تواند ابزاری را در اختیار مشارکت کنندگان قرار دهد که همزمان با کیفیات کالبدی مطلوب محیط، داستان ها، خاطرات و رویدادهایی که ماهیتاً شخصی بوده است را بازگو کنند و این می تواند کیفیت مصاحبه را از طریق آشکار سازی جنبه های مختلف هویتی، عملکردی و عاطفی مکان غنا بخشد [۸۲].

رز (۲۰۰۷) معتقد است که استفاده از روش استخراج معنایی تصویری مزایای متعددی نسبت به سایر روش های تفسیری دارد. چهار مزیت عمده آن عبارتند از اینکه به محققین این امکان را می دهند که بینش عمیق تری (و نه الزاماً اطلاعات بیشتر) نسبت به پدیده پیدا کنند. همچنین این امکان را برای مصاحبه شونده فراهم می کند که با بیان و زبان خود عقاید و افکارش را به اشتراک بگذارد. بعلاوه، فرایند ثبت و انتخاب تصاویر توسط خود فرد مصاحبه شونده سبب می شود که شخص از جزئیاتی صحبت کند که معمولاً در مصاحبه های کلامی رایج بویژه از سوی مصاحبه گر دیده نمی شوند. این روش در مقایسه با دیگر روش های معمول، توانایی بیشتری در استخراج پاسخ های چندلایه و مرتبط با ابعاد احساسی و عاطفی محیط

دارد [۸۳]. در نهایت، به واسطه وجود تصاویر در رابطه ی میان محقق و مصاحبه شونده، احتمال وجود سوء تفاهم ها کاهش یافته و همچنین بدلیل اینکه بار روانی مصاحبه از مصاحبه شونده به روی عکس ها و تصاویر به عنوان کانون بحث منتقل می شود، فضای روانی مصاحبه نیز از فشار کمتری برخوردار خواهد بود [۷۹]. یکی دیگر از مزایای این روش نسبت به روش های معمول مصاحبه عمیق این است که در فاصله زمانی برداشت تصاویر و زمان مصاحبه، افراد وقت کافی خواهند داشت که به مفاهیم و معانی نهفته در تصاویر فکر کرده و با آمادگی ذهنی بهتری در مقابل پژوهشگر و سوالات وی قرار گیرند [۷۴]. بنابراین روش استخراج معنایی تصویری قابلیت کسب و برداشت روایات شخصی تر و عمیق تری نسبت به دیگر روش های مشابه برای پژوهشگر از طریق نمایش ویژگی های محیطی دارد. همچنین در روش تصویربرداری خودنگار، به این دلیل که تصاویر توسط مصاحبه شونده ثبت شده و لذا هم به مصاحبه شونده و هم به مصاحبه گر فرصتی برابر در مصاحبه (و نه شرایطاً غالب برای مصاحبه گر) برای دستیابی به گفتگویی عمیق و شفاف در مورد ویژگی ها و معانی مکانی مهم دارند، از مقبولیت و اعتبار بیشتری برخوردار است [۸۴].

۲-۳- پدیدار نگاری

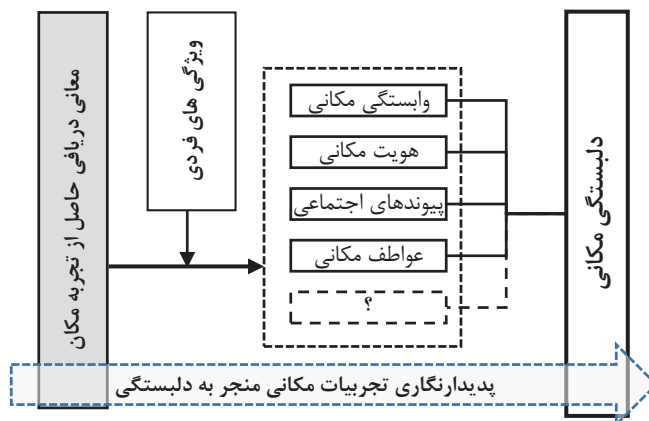
پدیدارنگاری نوعی سنت تحقیق کیفی و تفسیری است که با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه های عمیق، بحث های گروهی و مشاهده مشارکتی و تحلیل استقرایی داده ها، به دنبال شناخت ماهیت تجربه و معانی حاصله از پدیده است و نه خود پدیده (که در رویکرد پدیدارشناسی با آن مواجه هستیم) و این که افراد چه معنا یا معنایی را برای پدیده های تجربه شده شان در محیط قائل می شوند. همچنین در تناسب با هدف پژوهش حاضر، در این روش بهره گیری از تجربیات متفاوت افراد مختلف سبب فهم بهتر پدیده (اعم از

محیط فیزیکی و اجتماعی) عمق بیشتری به یافته های تحقیق می دهد [۱۸۵]. این روش نه تنها به توضیح تجربه می پردازد، بلکه تنوع و گوناگونی ها در تجربه یک پدیده خاص مطالعه می کند. در حقیقت پدیدار نگاری به این دلیل که به تفسیر و شناخت مفاهیم بر اساس تجربیات افراد مختلف از یک موضوع می پردازد و می تواند جنبه های متفاوت یک موضوع بهتر معرفی سازد [۱۸۵]، انتخاب شده است. روش پدیدار نگاری برای فهم تجربه یک پدیدار از دید کسانی که آن را تجربه کرده اند بکار می رود و هدف اصلی اش حتی ورای توصیف تجربه زیسته افراد، فهم و تبیین مولفه هایی است که این تجربه را سبب شده و بر آن اثر گذارند. فلذا در مطالعه تجربه افراد مختلف در زندگی شهری از پدیده های مرتبط در طول حیاتشان (برای مثال فهم معنا و تجربه "خانه" پس از اقامت طولانی در یک محله در شهر) بسیار مناسب است [۱۸۶]. در این روش ساختار تجربه به صورت مجموعه ای از عناصر بررسی و از دو عناصر ارجاعی (مفاهیم) و ساختاری (شامل مرز ادراکی به عنوان افق بیرونی و کانون توجه به عنوان افق بیرونی) برای فهم بهتر تجربه استفاده می شود. افق بیرونی نشان دهنده بخشی از جهان است که مشارکت کنندگان، که هر کدام به شیوه خود به محیط پیرامون خود می نگرند و ورای آن را نمی بینند. به عبارت دیگر مفهوم را از دید آن توصیف می کنند. افق درونی اما کانون خاص توجه مشارکت کننده را نمایان می سازد. هر طبقه شامل یک نمودار است که ساختار آگاهی را نشان می دهد (عنصر ساختاری) و عنوان و یا توضیح هر طبقه نیز نشان دهنده عنصر ارجاعی است. از آنجایی که موضوع این پژوهش، شناخت معانی حاصله از تجربیات گوناگون افراد از پدیده ای خاص (دلبستگی به مکان) است و سعی دارد که فهمی عمیق از ساختار پدیده دلبستگی به مکان را تبیین سازد، راهبرد پدیدار نگاری برای این پژوهش انتخاب شده است. چرا که به طور کلی، پدیدار

نگاری به صورت اخص به استخراج معانی یک پدیده از تفسیر تجربیات یک گروه از افرادی دارد که آن پدیده را تجربه کرده اند، می پردازد. تمرکز پدیدار نگاری به بر ارتباط دهی معانی متفاوت در چارچوبی مشخص به عنوان ساختار تجربه است و این ساختار به صورت معانی زنجیر وار و در ساختاری سلسله مراتبی ماهیت تجربه را مشخص می سازند در این ساختار با وجود بررسی مفاهیم از ماحصل تجربیات افراد مختلف، ارتباط دهی معانی فارق از افراد در در بستر کلی فضای نتیجه خود را نمایان می سازند [۱۸۷]. فضای نتیجه مشخص کننده کلی ماهیت یک پدیده و ساختارهای بهم مرتبط آن است. به عقیده مارتون و بوث (۱۹۹۷) فضای نتیجه نهایی سه ویژگی کاملاً مشخص دارد. اول اینکه رویکردی کاملاً مشخص و متمایز از نحوه فهم یک پدیده را برای ما مشخص و تبیین می کند. دوم اینکه در فضای نتیجه ارتباطی سلسله مراتبی و مشخص بین تمامی اجزا و طبقات قابل رد یابیست و سوم اینکه نتایج بسیار تخلیصی و مجرند و مجموعه مظاهر هر تجربه تا حد امکان در قالب طبقات تجرید و تخلیص می شوند [۱۸۸].

۲-۴- چارچوب مفهومی

با توجه به مطالعات مروری و مدل های معرفی شده، به نظر می رسد که دلبستگی مکانی مفهومی سطح دومی و حداقل با کارکردها و ویژگی هایی برگرفته از روابط کالبدی-فعالیتی مکان (دلبستگی مکانی)، کالبدی-هویتی مکان (هویت مکانی)، روابط اجتماعی در مکان (پیوندهای اجتماعی) و پیوندهای احساسی به مکان (عواطف مکانی) است. به عبارت دیگر، هنگامی دلبستگی به مکانی حاصل می شود، که محیط ویژگی های مثبت رفتاری، شناختی، اجتماعی و عاطفی آن با شخص و ویژگی های فردی اش درگیر شده و سطح پاسخگویی این ویژگی ها هم عرض و با بالاتر از سطح توقعات حاصل از نیاز و تجربیات پیشین مخاطب (ارزبایی محیط) خواهد بود [۱]. این موضوع با مدل پاسخگویی



شکل ۷. چارچوب مفهومی پژوهش

برسد. ثانیاً بر اساس تحقیقات انجام شده، تصاویر قابلیت برانگیختن احساسات و ارائه اطلاعات کیفی قابل توجهی را با خود به همراه داشته و هنگامی که به فرایند مصاحبه وارد می شوند به شرکت کنندگان اجازه می دهند که خاطرات و ویژگی های پنهان رفتاری در محیط خود را راحت تر بازخوانی کنند [۷۷]. تصاویر همچنین این امکان را فراهم می سازند که مظاهر عمیق تری از تجربه مکان نه تنها بواسطه کلام، بلکه از طریق آزاد سازی هیجانها و احساسات برملا شوند. با توجه به مطالعات اندکی که در حوزه تدقیق معانی محیطی مرتبط با فضاهای ساحلی در ارتباط با دلبستگی مکانی انجام شده است [۷۵، ۹۰]، لذا استفاده از این ابزار برای هرچه غنی تر سازی مصاحبه ایده آل به نظر می رسد؛ زیرا که نشان داده شده که با استفاده از این روش اولاً امکان تجاوز به حریم شخصی افراد در حین مصاحبه کاهش یافته و ثانیاً از حیث محتوایی و مفاهیم استخراج شده، نسبت به دیگر روش ها زوایای پنهان بیشتری از معانی محیطی و همچنین ویژگی های کالبدی، فعالیتی و ذهنی آن آشکار می سازد [۷۴].

با توجه به اینکه حداقل تعداد مشارکت کنندگان در پژوهش های کیفی بویژه در مطالعات مرتبط با تجربه مکانی شش نفر توصیه شده است [۹۱، ۹۲]،

محیطی جک نسر در خصوص نقش ویژگی های محیط و مخاطب در ادراک، شناخت، واکنش و ارزیابی محیطی نیز هماهنگ است. به عبارت دیگر، مطالعات این حوزه نشان داده که دلبستگی به عنوان عامل ارزیابی مثبت و رضایت مندی مکانی خواهد بود [۱۰، ۶۶، ۸۹]. فلذا چارچوب مفهومی پیشنهادی با منطقی استقرایی در بستر پژوهشی کیفی در باب ابعاد دلبستگی به مکان و با رویکرد پدیدار نگاری خواهد بود (شکل شماره ۷).

۳- روش تحقیق

این پژوهش از آنجایی که در خصوص بررسی رفتار انسان و تجربه زیسته وی در محیط و به دنبال شناسایی معانی حاصل از تجربه محیط که به خلق مفهوم حسی دلبستگی به مکان ها می انجامد است، در پارادایمی تفسیری و رویکردی کیفی و با روش پدیدار نگارانه و با بکارگیری تکنیک استخراج معانی تصویری خودنگار (شامل انجام مصاحبه های نیمه ساختار یافته با استفاده از تصاویری که خود شرکت کنندگان از مکان مورد علاقه شان ثبت می کنند) انجام شده است. همان طور که پیشتر توضیح داده شد، اولاً رویکرد پدیدار نگاری به دلیل بررسی فرایند شکل گیری پدیده بر اساس تجربیات افراد مختلف از آن پدیده، بهتر قادر است که مفاهیم را منتقل ساخته و محقق به شناخت بهتری از پدیده

تعداد دوازده نفر (۶ مرد و ۶ زن) از ساکنین شهر بوشهر و با ویژگی های فردی متفاوت انتخاب شدند (جدول شماره ۲). در این پژوهش واحد اولیه تحلیل عبارت است از مشارکت کنندگان و تصاویر منعکس کننده تجربه زیسته آنها در محیط ساحلی شهر بوشهر [۸۱]. پس از توضیحات اولیه مصاحبه گر به مشارکت کنندگان در خصوص ماهیت پژوهش، از مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیق انفرادی به مدت زمان عموماً بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه استفاده شد. بهره گیری از مصاحبه های نیمه ساختار یافته در مقایسه با ویژگی عدم عمق گیری مصاحبه های بسته و وسعت و پراکندگی اطلاعات بعضاً غیر ضروری مصاحبه های باز، مناسب تشخیص داده شده است [۹۳]. این روش نمونه گیری بصورت هدفمند و بر اساس بیشینه تنوع به این دلیل که پژوهشگر می تواند از تجربیات مشارکت کنندگانی با زمینه و سوابق مختلف برای فهم بیشتر پدیده بهره برد، انتخاب شد [۹۴]. این تنوع بر اساس مطالعات پیشین شامل تنوع در جنسیت، سن، محل تولد و مدت زمان اقامت در بوشهر (از یک ماه تا پنجاه و هفت سال) و زمان مصاحبه ها شد [۱]. مصاحبه ها در آبان، آذر، دی و بهمن ماه ۹۴ (پاییز و زمستان به عنوان احساس دمای مطبوع محیط و بیشترین مطلوبیت) و خرداد، تیر ماه سال ۹۵ (تابستان به عنوان زمان احساس گرمای شدید محیط و کمترین مطلوبیت دمایی) انجام شدند. به منظور روایی و اعتبار درونی تحقیق طبق نظر پاتون (۲۰۰۵) و دنزین (۲۰۰۶) از تکنیک سه سویه سازی در داده (تنوع در زمان، مکان و گروه های مصاحبه و سه سویه سازی نظری (ارزیابی داده ها از دیدگاه های مختلف) استفاده شده است [۹۳]. پروتکل مصاحبه از دو بخش سوالات اصلی و کاوشگر به منظور تعمیق بیشتر در پاسخ های استخراجی قبل از انجام مصاحبه تشکیل و مصاحبه تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت [۷۶]. از هر شرکت کننده خواسته شد که از هر مکانی

که می خواهد و برایش بیشتر مهم، ارزشمند و دوست داشتنی است، یک (یا دو عکس از زوایای مختلف به منظور افزایش سطح اطلاعاتی تصویر) و مجموعاً شش تا هشت عکس با تاکید بر ویژگی های کالبدی و فعالیتی دلخواه مکان مورد نظر خود بگیرد [۷۵، ۷۷]. به منظور اخذ نتایج بهتر قبل از شروع مراحل تصویر برداری، تصاویر نمونه ای که نمونه ای از رفتار ناشی از دل بستگی مکانی در آن مشخص بود به شرکت کنندگان نشان و به صورت اجمالی روش کار توضیح داده شد. جلسه مصاحبه با هماهنگی شرکت کننده بین سه روز تا یک هفته پس از تصویر برداری شرکت کننده برگزار شد زیرا که مطالعات نشان داده این فرصت به یارآوری بهتر خاطرات و بیان آنها به مشارکت کننده کمک می کند [۷۷]. مشارکت کننده آزاد بود که در روز مصاحبه شخصی از نزدیکان که فکر می کرد می تواند در بیان بهتر خاطرات و معانی به او کمک کند را همراه داشته باشد [۷۵]. در روز مصاحبه تصاویر مکان های مورد علاقه به انتخاب خود شرکت کننده مرتب شده و سپس مصاحبه شروع می شد. سوالات اصلی اولاً بر اساس تاکید بر تجربه زیسته افراد (با تاکید بیشتر بر چرایی و چگونگی رفتار و احساس تا چه چیزی) [۹۶] عبارت بودند از: براساس تجربیاتی که در این مکان داشتید، چرا و به چه علت به این مکان خاص را انتخاب کردید؟ چگونگی حس خود به این مکان را توضیح دهید؟ و این مکان چه معنایی برای شما دارد؟ [۳۳] و ثانیاً با تاکید بر نظریه رلف (۱۹۷۶) در خصوص ماهیت دل بستگی مکانی و آشکارشدن مفهوم، ویژگی ها و عوامل ساختاری آن در پی حس ترس از دست دادن و فقدان مکان، پرسش اگر اینجا را از دست بدهید چه احساسی دارید؟ مطرح شد. سوالات کاوشگر در ادامه عبارت بودند از اینکه: توضیح دهید در اینجا چه اتفاق های مهم و خوبی برای شما افتاده است؟ ماجرا را تعریف کنید و آیا منظورتان این است که...؟ و می توانید از ویژگی های خوب و مهمی که محیط

جدول ۲. مشخصات جمعیتی حوزه های مطالعاتی

جنسیت	محدوده پارک مرجان	محدوده پارک صدف	محدوده پارک سیادت	مجموع درصد
مرد	۳	۱	۲	۶
زن	۳	۲	۱	۶
سن				
۲۳-۱۸	۳	۱	۱	۵
۳۰-۳۴	۱	۱	۱	۳
۴۰-۳۱	۱	۰	۱	۲
۵۰-۴۱	۰	۱	۰	۱
۵۱ به بالا	۰	۰	۱	۱
مدت اقامت در بوشهر				
۲-۰ سال	۱	۰	۱	۲
۳-۹ سال	۱	۱	۱	۳
۱۰-۳۰ سال	۲	۱	۱	۴
۳۱ سال به بالا	۱	۱	۱	۳
بومی	۴	۲	۲	۸
غیر بومی	۱	۱	۲	۴

مصاحبه مورد بحث قرار گرفته و متن مصاحبه در نرم افزار MAXQDA پیاده سازی و با استفاده رویکرد کد گذاری سه مرحله ای نظری استراوس و کوربین (۱۹۹۸، ۲۰۰۸) مورد تحلیل قرار گرفت. انتخاب روش کد گذاری استراوسی به این دلیل بود که نسبت به رویکرد کد گذاری گلیسر (که تمرکز آن در پی استخراج نظریه از داده است)، بیشتر به جنبه تفسیری محتوا و معنای برخاسته از تفسیر داده ها بر اساس مطالعات پیشین محقق پرداخته و محقق نقشی فعال را در فرایند مصاحبه بازی می کند. از این رو، محققان به صورت تعاملی ابتداً برای استخراج موضوعات از متون حاصل از مصاحبه ها، کد گذاری باز و سپس برای تحلیل و ارتباط دهی میان شاخه های ظهور یافته و






















کالبدی و اجتماعی اینجا برای شما دارد مثالی بزنید؟ [۱۹].

۴- یافته ها

۴-۱- فرایند تحلیل یافته ها

از آنجایی که پدیدار نگاری به اینکه مردم چگونه یک پدیده یا موقعیت خاص را تجربه، درک و توصیف می کنند پرداخته و ارتباط معنا دار میان آنچه (به شکل رفتار) که مردم در موقعیت و مواجهه با پدیده تجربه کرده را مورد کاوش قرار می دهد [۸۸]، هدف بر این است که با استفاده از این روش، معانی، اهداف و رفتارهای مهمی که فرد در روایت خود از تجربه مکان در هنگام تشریح دلایل ثبت هر عکس بخصوص بیان می دارد، مورد استخراج و تحلیل قرار گیرد. لذا، تمامی تصاویر در فرایند

جدول ۳. برخی تصاویر ثبت شده توسط مصاحبه شوندهگان از مکان های ساحلی

نمونه تصاویر ثبت شده از محدوده پارک صدف	نمونه تصاویر ثبت شده از محدوده پارک مرجان	نمونه تصاویر ثبت شده از محدوده پارک سیادت
		
		
		
		
		
		
		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

استخراج عناصر ارجاعی و ایجاد طبقات توصیفی (تم ها)، کد گذاری محوری و در نهایت برای استخراج هسته و طبقات اصلی مفهوم از کد گذاری گزینشی، استفاده کردند. در فرایند تحلیل اولیه در ابتدا به صورت جداگانه تفاوت ها و شباهت ها میان کد ها برای پرهیز از همپوشانی، مورد بررسی مکرر قرار گرفت و سپس کدهای نهایی مستخرج، به صورت مجزا توسط محققان مورد خوشه بندی و تخلص محتوایی قرار گرفتند. پس از مرحله تولید طبقات وصفی که بیانگر یکی از مفاهیم مورد نظر افراد نسبت به پدیده مورد مطالعه است و بررسی و بازنگری مکرر آنها به منظور انطباق و گویایی حداکثری با کد ها توسط پژوهشگران، فضای نتیجه به عنوان تصویری کامل از آنچه از مفاهیم افراد تحت مطالعه ادراک شده است، مشخص شد [۸۵، ۹۷]. در هنگام تولید طبقات مفهوم به منظور همگرایی با مفاهیم بررسی شده در پیشینه تحقیق، مقایسه و قابلیت انتقال، از میان سه سازه های شعوری تحلیل گر، اصطلاحات فنی و زبان محاوره ای مصاحبه [۹۸]، مقوله سازی بر اساس اصطلاحات فنی از طریق بررسی و تطبیق کدها و طبقات توسط پژوهشگران استفاده شد.

پس از مشخص شدن طبقات توصیفی و طبقات مفهوم (هسته های معنایی) مختلف محیطی، ساختار تجربه قابل شکل بندی است. در پدیدار نگاری ساختار یک تجربه تشکیل شده از عنصر ارجاعی (معنی و مفهوم تفسیری) و مجموعه عناصر ساختاری که شامل افق بیرونی (مرزی که مشارکت کننده از آن افق و چشم انداز به پدیده نگریسته) و افق درونی (به عنوان کانون اصلی توجه مشارکت کننده در هنگام توصیف تجربه) بدست می آید. در حقیقت پدیدار نگاری سعی در واکاوی تجربه به تمامی ارکان سازنده آن از مجرای تبیین مفاهیم ظهور یافته از داده های بدست آمده از مشارکت کنندگان مختلف دارد و می کوشد که ابعاد مختلف پنهان پدیده را در قالبی مفهومی و فراگیر تبیین

و تفسیر نماید. در این مسیر وظیفه محقق برای شکل دهی به طبقات توصیفی، تمرکز بر مفاهیم و داده های ظهور یافته کلی است تا بر توصیفات شخصی افراد به تنهایی [۸۷]. روش کسب محتوای ظهور یافته به این صورت است که محقق با حفظ چارچوب های مشخص تحقیقی خود سعی در استخراج مفاهیم و کد ها به صورت کاملاً باز می کند. روش استخراج طبقات توصیفی و معانی، به صورت تکراری و مقایسه ای بوده و محقق هر مفهوم جدید ظهور یافته از هر مصاحبه را در فرایند مقایسه ای با معانی قبلی وارد می کند. کد جدید در صورت تجانس در طبقه توصیفی و تم های پیشین ترکیب و در صورت تفاوت حذف می شود. این مسیر تا رسیدن به تصویر کلی و جامع از ساختار تجربه و تا زمانی که هیچ جنبه و مفهوم جدیدی از تجربه ظهور نکرده و محقق با اشباع نظری نرسد، ادامه می یابد [۸۵]. به عبارت دیگر، هر بخش نوشتار حاصل از مصاحبه در دو مرحله مورد تحلیل قرار می گیرد. اول بررسی می شود که از نظر معنایی آیا حاوی ویژگی کیفی خاصی از مکان هست یا خیر. در صورت مثبت بودن جواب و در مرحله دوم، طی چند مرحله مقایسه تطبیقی تصمیم گیری می شود که در تطبیق با معانی ظهور یافته قبلی از جایگاه متمایزی برخوردار است و یا هم جنس و هم معنی معانی پیشین است. در صورت تمایز در مخزن معانی تشکیل دهنده فرایند خلق تجربه باقی می ماند و در صورت مشابهت محتوایی حذف می گردد [۸۸].

۴-۲- مفاهیم استخراج شده

پس از بررسی محتوایی طبقات مفهوم، فضای نتیجه متشکل از پنج طبقات مفهوم و یا ساختار آگاهی در ارتباط با دل بستگی به مکان در محیط ساحلی استخراج گردید (جدول شماره ۴). این ساختار تجربه بر اساس نوع معانی حاصل از تجربه مثبت و ارتباطات به هم پیچیده عاطفی، ذهنی و رفتاری بود که ماهیت اصلی دل بستگی به یک مکان خاص را شکل می دهند [۱۶، ۱۷، ۶۷، ۹۹]. بخش های

جدول ۴. کدها، طبقات توصیفی و طبقات مفهوم برگرفته از مصاحبه ها

کد ها (موضوعات)	طبقات توصیفی (تم ها)	طبقه مفهوم
دوری گزیدن از دیگران، حس رهایی و آزادی عمل فرار از تنش های زندگی روزمره، آرامش روحی، تجربه سکوت، حس امنیت و در پناه بودن فرصت فکر کردن به مسایل زندگی شخصی، تمرکز روانی و ذهنی	خلوت گزینی آرامش خودشناسی	افق بیرونی: رابطه احساسی فرد و محیط افق درونی ثابت (کانون توجه): سلامت روانی افق درونی متغیر (بخش های کانون توجه): خلوت و آزادی، فرصت خود شناسی، احساس آرامش
فعالیت های هیجان انگیز (بازی های ساحلی و ورزش های آبی، قایق سواری)، تفریح و تفرج (چادر زدن، قدم زدن، غذا خوردن کنار دریا، ماهیگیری غذا دادن به پرندگان، شنا کردن، عکاسی) سلامت و ورزش (پیاده روی، دویدن، استنشاق هوای سالم، دوچرخه سواری)	تفریح تندرستی	افق بیرونی: رابطه فعالیتی فرد و محیط افق درونی ثابت (کانون توجه): تامین اهداف فعالیتی افق درونی متغیر (بخش های کانون توجه): فرصت تفریح، هیجان، تامین سلامت
شنیدن صدای امواج، شنیدن صدای پرندگان، شنا کردن، قدم زدن در ساحل ماسه ای جستجوی طبیعت ساحلی و دریا، دیدن آبزیان و پرندگان خاص لذت تماشای زیبایی دریا و آسمان، دیدن ماهیگیران و قایق ها، دیدن غروب خورشید در افق، دید گسترده به مناظر طبیعی، مناظر شبانه ساحل	لذت تجربه لمس طبیعت اکتشاف محیط دیدن زیبایی مناظر طبیعی	افق بیرونی: رابطه احساسی فرد و طبیعت افق درونی ثابت (کانون توجه): قرابت با طبیعت افق درونی متغیر (بخش های کانون توجه): لذت بردن از ویژگی های طبیعی محیط، یادگیری، زیبایی ها
قدم زدن و گفتگو با دوستان، دورهم نشینی با خانواده، شنا کردن با دوستان، پیک نیک و غذا خوردن دور هم، بازی دسته جمعی با اعضای خانواده و دوستان تماشای حضور مردم در کنار هم، همراه شدن در فعالیت های مشترک، دیدن بازی و فعالیت های جمعی دیگران	تجربه شیرین معاشرت حضور در میان گروه های هم سنخ	افق بیرونی: رابطه فرد و اجتماع افق درونی ثابت (کانون توجه): ارتباطات اجتماعی افق درونی متغیر (بخش های کانون توجه): روابط خانوادگی و دوستانه، حس حضور و تعلق اجتماعی
در کنار دریا بودن، حضور در لحظه غروب خورشید، لذت بردن از زیبایی های طبیعی ساحل، پرندگان دریایی، طبیعت بکر، افق گسترده آسمان و دریایی بی کران مبلمان شهری ساحلی بازی های آبی، ورزش های ساحلی، ماهیگیری	ویژگی های محیطی خاص حضور در جمع خاص	افق بیرونی: رابطه شناختی فرد و محیط افق درونی ثابت: احساس خاص بودن و هویت یابی افق درونی متغیر (بخش های کانون توجه): محیط خاص، افراد و گروه های خاص

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۲۹۱

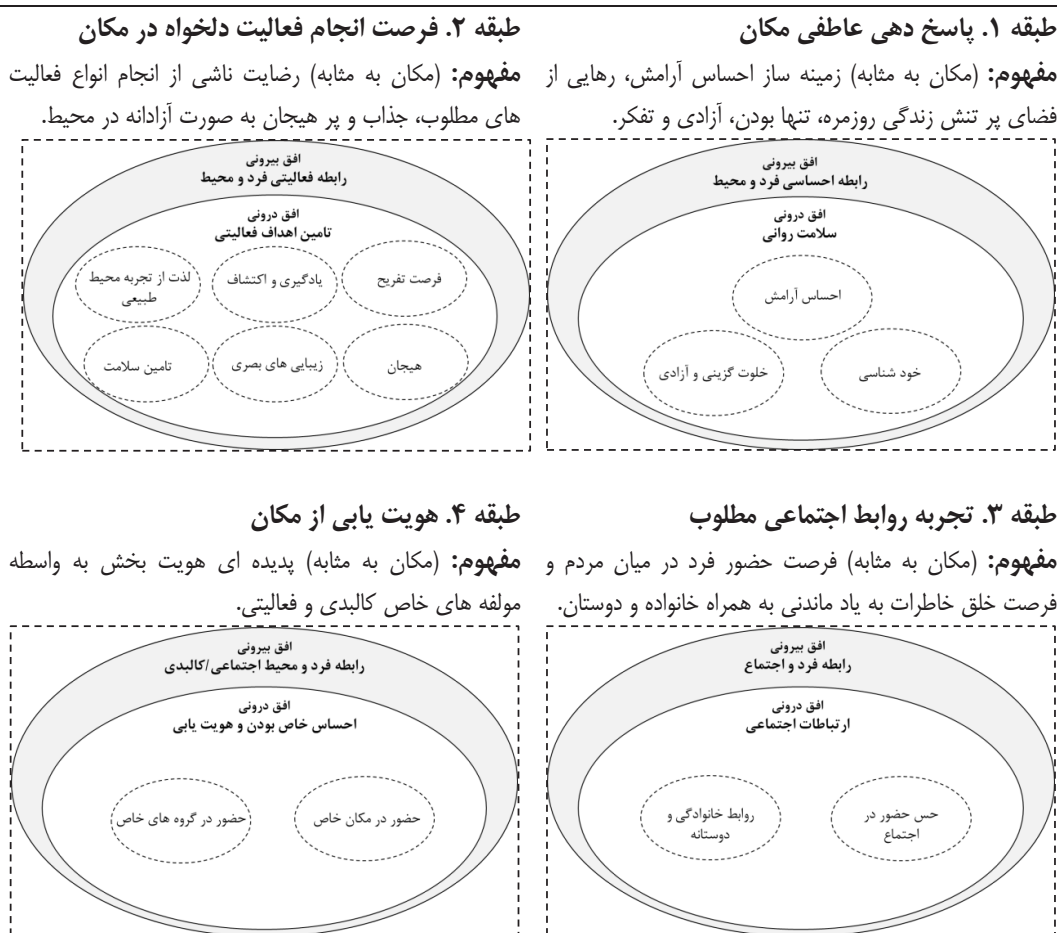
تشکیل نداده اند. دلیل این موضوع این است که ساختار تجربه تا حد ممکن خلاصه و ساده شده که امکان تفاسیر مجدد و متنوع را در خوانندگان دیگر به حداقل برساند. این فرایند تعدیل و تنظیم تا مرحله تثبیت مفاهیم پیش می رود [۹۷] و در نهایت محقق به این نتیجه می رسد که مفاهیم مستخرج همگی به صورت مستقل، بعدی از تجربه را نمایان می سازند. به همین منظور ساختار تجربه حاصله مجدداً مورد بررسی و تعدیل قرار گرفت با توجه ویژگی های مشترک مکانی میان طبقه سهولت انجام فعالیت دلخواه و پیوند با طبیعت، این دو در هم ادغام شدند. دلیل این موضوع این بود که با اینکه یک طبقه به فعالیت های مطلوب و یک طبقه بر مشخصه های محیط طبیعی ساحلی تمرکز

اصلی فضای نتیجه حاصل، مبنای بحث در خصوص ابعاد اثر گذار در ساخت مفهوم دل بستگی به مکان ساحلی و پرسش های مطرح شده در این رابطه شدند.

۵- بحث

از آنجایی که فرایند خلاصه سازی طبقات مفهومی تا حد امکان باید ادامه یافته و ساختار تجربه بر اساس حداقل راه های تجربه پدیده یا طبقات مفهومی باشد، محقق باید مرتباً نتایج را مورد بازبینی با متون اصلی مصاحبه قرار دهد [۸۷]. این رفت و برگشت میان متون حاصل از مصاحبه و طبقات مفهومی (و حتی میان خود طبقات مفهومی) تا آنجا پیش می رود که اطمینان حاصل شود که هیچ مفهوم مشترکی دو طبقه مجزا را

شکل ۸. فضای نتیجه حاصل از ساختارهای آگاهی در نوار ساحلی بوشهر



داشتند ولی در کل هر دو به رابطه رفتاری مستقیم انسان و محیط اشاره داشتند. به عبارت دیگر هر دو تمرکزشان بر ویژگی هایی بود که سبب تسهیل هر چه بهتر ارتباط میان انسان و محیط طبیعی ساحلی می شدند. همه این موضوعات با توجه به پژوهش های انجام گرفته می توانند تحت عنوان مکانی به مثابه ظرفی (مکانی) برای انجام رفتارهای مطلوب در مقایسه با دیگر مکان ها شناخته می شود [۶۷]. دیوید سیمون (۲۰۱۲) در رویکردی پدیدار شناسانه، این موقعیت را مردم در مکان در مجموعه جغرافیایی نامیده که به مجموعه تجربیات مردم مانند فعالیت ها و رفتارها، مراسم و دریافت ها چه به صورت خود آگاه و یا ناخودآگاه، فردی یا جمعی در مکان اطلاق می شود [۱۰۰].

بنابراین می توان ترکیب دو مفهوم پیوند افراد با طبیعت و فعالیت های مطلوب در طبیعت را تحت طبقه مفومی جدیدی ترکیب کرد. این طبقه با توجه به ماهیت معنایی هر دو طبقه یعنی وابستگی ارضای نیازها و توقعات مخاطب به ویژگی های طبیعی محیط و فعالیت هایی که آن بستر تسهیل می کند، می تواند در وابستگی مکانی نام بگیرد که در هماهنگی کامل با یکی از مهمترین ابعاد پیشتر معرفی شده است. در نهایت فضای نتیجه نهایی حاصل از بررسی پدیدارنگارانه تجربیات منجر به دل بستگی مکانی در فضای ساحلی شهر بوشهر متشکل از چهار مفهوم مختلف، قابل ترسیم است (شکل شماره ۸). این فضای نتیجه نشان می دهد که همانطور که پیشتر مشخص شد، یکی از مدل های متاخر تایید شده در مطالعات مربوط به مفهوم دل بستگی مکانی، مدلی چهار بعدی متشکل از ابعاد وابستگی مکانی، هویت مکانی، پیوندهای اجتماعی و پیوندهای عاطفی مکان است. محققانی که این مدل را در پژوهش های خود تایید کرده اند، معتقدند که مفهوم دل بستگی مکانی از ابعاد مختلف فعالیت (وابستگی مکانی)، شناختی (هویت مکانی)، اجتماعی (پیوندهای اجتماعی) و روانی (پیوندهای

عاطفی) تشکیل شده است [۴۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲].

۶- نتیجه گیری و جمع بندی

در مجموع با یافته های حاصل از مصاحبه های انجام شده، مشخص شد که نهایتاً چهار طبقه مفهوم، ماهیت فرآیند دل بستگی مکانی در نوار ساحلی شهر بوشهر را تشکیل می دهند. این چهار طبقه همگی به بخشی از مفهوم مکانی ساحل اشاره دارند. به عبارت دیگر، مفهوم مکان ساحلی، مجموعه ای از چهار ویژگی مهم برای این افراد بوده و موثرترین عواملی که به صورت مرکب، ساختار تجربه مکان را در ذهن افراد شرکت کننده، شکل داده این ویژگی های هستند. لازم به ذکر است که این ویژگی ها برتری نسبت به هم نپوهند داشت. چرا که در دل مفهوم هر طبقه، به نوعی رد پای دیگری را می توان جستجو کرد. برای مثال در مفهوم هویت یابی از مکان، این هویت به واسطه شرایط خاص کالبدی (به تعبیری دیگر وابستگی مکانی) و هم چنین گروه های هم سنخ (به تعبیری دیگر پیوند های اجتماعی) قابل تفسیر است. اما جوهره و تمرکز اصلی هر طبقه مخصوص به خود خواهد بود. این موضوع در هماهنگی با تعبیر توان از ماهیت معانی مکانی است. وی مشخصاً تاکید دارد که معانی مکانی حاصل از تجربه زیسته در مکان، همگی بخشی از یک پدیده ویژه به نام مکان هستند و نمی توان این ترکیب را جدا از هم دانست. همچنین مشخص شد که افق بیرونی افراد در روایت گری تجربه های زیسته، عموماً به ویژگی های کالبدی محیط و ابعاد اجتماعی آن اشاره دارند. به عبارت دیگر، افراد مرز تجربی خود در احساس دل بستگی به مکان را از هر دو مولفه کالبدی و اجتماعی محیط کسب می کنند. لذا محیط ساحلی برایشان علاوه بر تأکیدی که بر دل بستگی به دلیل القای حس تنهایی و رهایی از محیط بوجود می آورد، در عین حال به دنبال تشکیل روابط اجتماعی بویژه با گروه های آشنا هستند. این موضوع در پژوهش های دیگر نیز نشان داده شده است. تانگ (۲۰۱۳) مشاهده کرده

که با اینکه یکی از دلایل دل بستگی به محیط های ساحلی امکان تنهایی و جدا بودن از محیط فیزیکی و اجتماعی شهر است، اما افراد در همین محیط های خلوت نیز تمایل به پیدا کردن گروه های هم جنس و برقراری روابط اجتماعی دارند. از سوی دیگر، مشاهده شد که یکی از عواملی که بیشترین بار معنایی را با خود به همراه دارد، رضایت مندی مکانی است. بنا به تعریف استدمن (۲۰۰۲) رضایت مندی مکانی عبارت است از باورهایی موجز و چند بعدی بر اساس قضاوت از کیفیات ادراک شده محیط از سطح پاسخ دهی ویژگی های کالبدی، فعالیتی و خدماتی آن به نیازها، توقعات و انتظارات فرد. این موضوع نشان می دهد که سطح خدمات ارائه شده در محیط با توجه به گروه های مختلف افراد و پاسخدهی مناسب به این انتظارات نقش کلیدی در شکل گیری دل بستگی به مکان دارد. این موضوع نیز در مطالقت به یافته های پژوهش های پیشین است که اشاره دارند میزان انطباق فرصت های فعالیتی در محیط رابطه مستقیم و مثبتی با سطح رضایتمندی و دل بستگی به مکان دارند. اما در مورد فضاهای ساحلی، تقریباً تمام طبقات توصیفی، در ارتباط مستقیم با مولفه های طبیعی محیط هستند و عناصر مصنوع نقش چندانی در روایت های افراد از تجارب مکانی شان نداشت. این موضوع موید دو نکته مهم است. اول اینکه طراحی فضا ها و فضاهای همگانی ساحلی در بوشهر، نتوانسته اند و یا نمی توانند در مقابل جذابیت ها و فرصت های تجربی ساحل و دریا در جلب نظر مخاطبین موفق باشند و ارتباط افراد با این محیط بر داشته های طبیعی آن مرتبط است. همچنین این که به طور کلی افراد ذاتاً تمایل دارند که مجاورت خود را با محیط ساحل و عناصر طبیعی آن حفظ کنند تا دیگر فرصت ها. این نکته پیش تر در مطالعات مختلفی بررسی و تایید شده است. به طور کلی این پژوهش نشان داد که چهار طبقه مفهوم هویت یابی از مکان، روابط اجتماعی، پیوند های عاطفی و

احساسی مکانی و فرصت انجام فعالیت های دلخواه به عنوان مهمترین مفاهیم در شکل گیری پدیده دل بستگی به مکان های ساحلی هستند. این پژوهش همچنین تاییدیست بر پژوهش های مبتنی بر مدل های ارزیابانه دل بستگی مکانی چهار بعدی که در برخی از پژوهش های اخیر استفاده شده است و پیشنهاد می کند که برای پژوهش های این حوزه که در بستر محیط های طبیعی انجام می شوند، برای ارزیابی رابطه و شدت اثر متغیر های مختلف بر روی یکدیگر از مدل های چهار بعدی متشکل از هویت مکانی، وابستگی مکانی، پیوند های عاطفی و پیوند های اجتماعی استفاد شود.

۷- قدردانی

این مقاله با حمایت مادی و معنوی سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران نگارش شده است.

۸- منابع و ماخذ

1. Lewicka, M., Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 2011. 31(3): p. 207-230.
2. Baran, P.K., et al., Park Use Among Youth and Adults: Examination of Individual, Social, and Urban Form Factors. *Environment and Behavior*, 2014. 46(6): p. 768-800.
3. Bailey, N., A. Kearns, and M. Livingston, Place Attachment in Deprived Neighbourhoods: The Impacts of Population Turnover and Social Mix. *Housing Studies*, 2011. 27(2): p. 208-231.
4. Kyle, G., et al., Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting. *Journal of Environmental Psychology*, 2004. 24(2): p. 213-225.
5. Amundsen, H., Place attachment as a driver of adaptation in coastal communities in Northern Norway†. *Local Environment*, 2013: p. 1-20.
6. Dredge, D., Place change and tourism develop-

- ment conflict: Evaluating public interest. *Tourism Management*, 2010. 31(1): p. 104-112.
7. Devine-Wright, P. and Y. Howes, Disruption to place attachment and the protection of restorative environments: A wind energy case study. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(3): p. 271-280.
8. Burley, D., et al., Place Attachment and Environmental Change in Coastal Louisiana. *Organization & Environment*, 2007. 20(3): p. 347-366.
9. Ramkissoon, H. and F.T. Mavondo, The satisfaction-place attachment relationship: Potential mediators and moderators. *Journal of Business Research*, 2015. 68(12): p. 2593-2602.
10. Ramkissoon, H., L.D. Graham Smith, and B. Weiler, Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction and pro-environmental behaviours: A structural equation modelling approach. *Tourism Management*, 2013. 36: p. 552-566.
11. Scannell, L. and R. Gifford, The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(3): p. 289-297.
12. Giuliani, M.V., Theory of attachment and place attachment, in *Psychological theories for environmental issues*, M. Bonnes, T. Lee, and M. Bonaiuto, Editors. 2003, Ashgate: Aldershot. p. 137-170.
13. Tuan, Y.F., *Topophilia: a study of environmental perception, attitudes, and values*. 1974, Englewood Cliffs, NK: Prentice-Hall.
14. Proshansky, H.M., A.K. Fabian, and R. Kaminoff, Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 1983. 3(1): p. 57-83.
15. Relph, E., *Place and placelessness*. 1976, London: Pion.
16. Altman, I. and S.M. Low, *Place Attachment*. 1992, New York: Plenum.
17. Scannell, L. and R. Gifford, Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(1): p. 1-10.
18. Amundsen, H., Place attachment as a driver of adaptation in coastal communities in Northern Norway. *Local Environment*, 2015. 20(3): p. 257-276.
19. Lin, C.-C. and M. Lockwood, Forms and sources of place attachment: Evidence from two protected areas. *Geoforum*, 2014. 53(0): p. 74-81.
20. Chen, N., L. Dwyer, and T. Firth, Effect of dimensions of place attachment on residents' word-of-mouth behavior. *Tourism Geographies*, 2014. 16(5): p. 826-843.
21. Raymond, C.M., G. Brown, and D. Weber, The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(4): p. 422-434.
22. Gross, M.J. and G. Brown, An empirical structural model of tourists and places: Progressing involvement and place attachment into tourism. *Tourism Management*, 2008. 29(6): p. 1141-1151.
23. Kyle, G., A. Graefe, and R. Manning, Testing the Dimensionality of Place Attachment in Recreational Settings. *Environment and Behavior*, 2005. 37(2): p. 153-177.
24. Hidalgo, M.C. and B. Hernández, Place attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 2001. 21(3): p. 273-281.
25. Williams, D.R. and J.J. Vaske, The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest science*, 2003. 49(6): p. 830-840.
26. Vaske, J.J. and K.C. Kobrin, *Place Attachment and*

- Environmentally Responsible Behavior. *The Journal of Environmental Education*, 2001. 32(4): p. 16-21.
27. Jorgensen, B.S. and R.C. Stedman, A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: Attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of Environmental Management*, 2006. 79(3): p. 316-327.
28. White, D.D., R.J. Virden, and C.J. van Riper, Effects of Place Identity, Place Dependence, and Experience-Use History on Perceptions of Recreation Impacts in a Natural Setting. *Environmental Management*, 2008. 42(4): p. 647-657.
29. Halpenny, E.A., Pro-environmental behaviours and park visitors: The effect of place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(4): p. 409-421.
30. Moore, R.L. and A.R. Graefe, Attachments to recreation settings: The case of rail-trail users. *Leisure Sciences*, 1994. 16(1): p. 17-31.
31. Trentelman, C.K., Place Attachment and Community Attachment: A Primer Grounded in the Lived Experience of a Community Sociologist. *Society & Natural Resources*, 2009. 22(3): p. 191-210.
32. Williams, D.R. and J.W. Roggenbuck, Measuring Place Attachment: Some Preliminary Results, in *The session on Outdoor Planning and Management*. 1989, NRPS Symposium on Leisure Research: San Antonio, Texas.
33. Lalli, M., Urban-related identity: Theory, measurement, and empirical findings. *Journal of Environmental Psychology*, 1992. 12(30): p. 285-303.
34. Cuba, L. and D.M. Hummon, A PLACE TO CALL HOME: Identification With Dwelling, Community, and Region. *Sociological Quarterly*, 1993. 34(1): p. 111-131.
35. Twigger-Ross, C.L. and D.L. Uzzell, Place and Identity Processes. *Journal of Environmental Psychology*, 1996. 16(3): p. 205-220.
36. Hernández, B., et al., The role of place identity and place attachment in breaking environmental protection laws. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(3): p. 281-288.
37. Lewicka, M., Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 2008. 28(3): p. 209-231.
38. Halpenny, E.A., Environmental behaviour, place attachment and park visitation: A case study of visitors to Point Pelee National Park, in *Recreation and Leisure Studies*. 2006, University of Waterloo: Waterloo, Ontario, Canada.
39. Hammitt, W.E., E.A. Backlund, and R.D. Bixler, Place Bonding for Recreation Places: Conceptual and Empirical Development. *Leisure Studies*, 2006. 25(1): p. 17-41.
40. Hay, R., Sense of Place in Developmental Context. *Journal of Environmental Psychology*, 1998. 18(1): p. 5-29.
41. Williams, D.R., et al., Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Sciences*, 1992. 14(1): p. 29-46.
42. Gosling, E. and K.J.H. Williams, Connectedness to nature, place attachment and conservation behaviour: Testing connectedness theory among farmers. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(3): p. 298-304.
43. Kyle, G., et al., An Examination of Recreationists' Relationships with Activities and Settings. *Leisure Sciences*, 2004. 26(2): p. 123-142.
44. Kyle, G., et al., An Examination of the Relationship between Leisure Activity Involvement and Place



- Attachment among Hikers Along the Appalachian Trail. 2003, 2003. 35(3).
45. Wynveen, C.J., G.T. Kyle, and S.G. Sutton, Natural area visitors' place meaning and place attachment ascribed to a marine setting. *Journal of Environmental Psychology*, 2012. 32(4): p. 287-296.
46. Brown, G., Mapping Spatial Attributes in Survey Research for Natural Resource Management: Methods and Applications. *Society & Natural Resources*, 2004. 18(1): p. 17-39.
47. Stedman, R.C., Toward a Social Psychology of Place: Predicting Behavior from Place-Based Cognitions, Attitude, and Identity. *Environment and Behavior*, 2002. 34(5): p. 561-581.
48. Proshansky, H.M., The City and Self-Identity. *Environment and Behavior*, 1978. 10(2): p. 147-169.
49. Mazumdar, S. and S. Mazumdar, Religion and place attachment: A study of sacred places. *Journal of Environmental Psychology*, 2004. 24(3): p. 385-397.
50. Devine-Wright, P. and S. Clayton, Introduction to the special issue: Place, identity and environmental behaviour. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(3): p. 267-270.
51. Bernardo, F., et al., The Role of Place Identity in the Perception, Understanding, and Design of Built Environments. null. Vol. null. 2012. 45.
52. Bernardo, F. and J. Palma-Oliveira, Place identity, place attachment and the scale of place: The impact of place salience. *Psychology*, 2013. 4(2): p. 167-193.
53. Prayag, G. and C. Ryan, Antecedents of Tourists' Loyalty to Mauritius: The Role and Influence of Destination Image, Place Attachment, Personal Involvement, and Satisfaction. *Journal of Travel Research*, 2012. 51(3): p. 342-356.
54. Kaltenborn, B.P., Nature of place attachment: A study among recreation homeowners in Southern Norway. *Leisure Sciences*, 1997. 19(3): p. 175-189.
55. Manzo, L.C. and D.D. Perkins, Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning. *Journal of Planning Literature*, 2006. 20(4): p. 335-350.
56. Kasarda, J., D. and M. Janowitz, Community Attachment in Mass Society. *American Sociological Review*, 1974. 39(3): p. 328-339.
57. Hernandez, B., et al., Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, 2007. 27(4): p. 310-319.
58. Comstock, N., et al., Neighborhood attachment and its correlates: Exploring neighborhood conditions, collective efficacy, and gardening. *Journal of Environmental Psychology*, 2010. 30(4): p. 435-442.
59. Clayton, S., et al., Introduction: Identity and the natural environment. null. Vol. null. 2003. 1.
60. Burholt, V., The dimensionality of 'place attachment' for older people in rural areas of South West England and Wales. *Environment and Planning A*, 2012. 44(12): p. 2901-2921.
61. Ramkissoon, H., B. Weiler, and L.D.G. Smith, Place attachment, place satisfaction and pro-environmental behaviour: a comparative assessment of multiple regression and structural equation modelling. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 2013. 5(3): p. 215-232.
62. Ramkissoon, H. and F. Mavondo, Proenvironmental Behavior: The Link Between Place Attachment and Place Satisfaction. *Tourism Analysis*, 2014. 19(6): p. 673-688.
63. Tonge, J., et al., The Effect of Place Attachment on Pro-environment Behavioral Intentions of Visitors to Coastal Natural Area Tourist Destinations. *Journal of Travel Research*, 2014.

64. Kil, N., et al., Place attachment as a mediator of the relationship between nature-based recreation benefits and future visit intentions. *Journal of Sustainable Tourism*, 2012. 20(4): p. 603-626.
65. Halpenny, E. Fostering return visitation to naturebased destinations: The role of place attachment, length of affiliation, frequency of visitation and distance between residence and destination. 2012.
66. Yuksel, A., F. Yuksel, and Y. Bilim, Destination attachment: Effects on customer satisfaction and cognitive, affective and conative loyalty. *Tourism Management*, 2010. 31(2): p. 274-284.
67. Jorgensen, B.S. and R.C. Stedman, Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 2001. 21(3): p. 233-248.
68. Manzo, L. and P. Devine-Wright, *Place Attachment: Advances in Theory, Methods and Applications*. 2013, New York: Routledge.
69. Devine-Wright, P., Place attachment and public acceptance of renewable energy: A tidal energy case study. *Journal of Environmental Psychology*, 2011. 31(4): p. 336-343.
70. Stokols, D. and S.A. Shumaker, *People in places: A transactional view of settings*. Cognition, social behavior, and the environment. 1981, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
71. Tsai, S.-p., Place Attachment and Tourism Marketing: Investigating International Tourists in Singapore. *International Journal of Tourism Research*, 2012. 14(2): p. 139-152.
72. Ram, Y., P. Björk, and A. Weidenfeld, Authenticity and place attachment of major visitor attractions. *Tourism Management*, 2016. 52: p. 110-122.
73. Fitzjohn, M., Viewing places: GIS applications for examining the perception of space in the mountains of Sicily. *World Archaeology*, 2007. 39(1): p. 36-50.
74. Clark-Ibáñez, M., Framing the Social World With Photo-Elicitation Interviews. *American Behavioral Scientist*, 2004. 47(12): p. 1507-1527.
75. Beckley, T.M., et al., Snapshots of What Matters Most: Using Resident-Employed Photography to Articulate Attachment to Place. *Society & Natural Resources*, 2007. 20(10): p. 913-929.
76. MacKay, K.J. and C.M. Couldwell, Using Visitor-Employed Photography to Investigate Destination Image. *Journal of Travel Research*, 2004. 42(4): p. 390-396.
77. Tonge, J., et al., A Photo-elicitation Approach to Exploring the Place Meanings Ascribed by Campers to the Ningaloo Coastline, North-western Australia. *Australian Geographer*, 2013. 44(2): p. 143-160.
78. Harper, D., Talking about pictures: A case for photo elicitation. *Visual studies*, 2002. 17(1): p. 13-26.
79. Guillemin, M. and S. Drew, Questions of process in participant-generated visual methodologies. *Visual Studies*, 2010. 25(2): p. 175-188.
80. Prosser, J.D., Visual methodology. Collecting and interpreting qualitative materials, 2012: p. 177.
81. Kyle, G. and G. Chick, The Social Construction of a Sense of Place. *Leisure Sciences*, 2007. 29(3): p. 209-225.
82. Degen, M.M. and G. Rose, The Sensory Experiencing of Urban Design: The Role of Walking and Perceptual Memory. *Urban Studies*, 2012. 49(15): p. 3271-3287.
83. Rose, G., *Visual Methodologies: An Introduction to the Interpretation of Visual Materials*. 2007: SAGE Publications.
84. Croghan, R., et al., Young People's Constructions of Self: Notes on the Use and Analysis of the Pho-



- to Elicitation Methods. *International Journal of Social Research Methodology*, 2008. 11(4): p. 345-356.
85. Marton, F., *Phenomenography: A Research Approach to Investigating Different Understandings of Reality*. *Journal of Thought*, 1986. 21(3): p. 28-49.
86. Cohen, M.Z., D.L. Kahn, and R.H. Steeves, *Hermeneutic phenomenological research: A practical guide for nurse researchers*. 2000: Sage Publications.
87. Åkerlind, G.S., Variation and commonality in phenomenographic research methods. *Higher Education Research & Development*, 2005. 24(4): p. 321-334.
88. Marton, F. and S.A. Booth, *Learning and awareness*. 1997: Psychology Press.
89. Zenker, S. and N. Rütter, Is satisfaction the key? The role of citizen satisfaction, place attachment and place brand attitude on positive citizenship behavior. *Cities*, 2014. 38: p. 11-17.
90. Amsden, B.L., R.C. Stedman, and L.E. Kruger, The creation and maintenance of sense of place in a tourism-dependent community. *Leisure Sciences*, 2010. 33(1): p. 32-51.
91. Kuzel, A.J., *Sampling in qualitative inquiry*. 1992.
92. Morse, J.M., *Designing funded qualitative research*. 1994.
93. Patton, M.Q., *Qualitative research*. 2005: Wiley Online Library.
94. Creswell, J.W., *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. 2013: Sage publications.
95. Denzin, N.K., *Sociological methods: A sourcebook*. 5th ed. 2006: McGraw-Hill Companies.
96. Bowden, J.A. and P. Green, *Doing developmental phenomenography*. *Doing Developmental Phenomenography*, 2005: p. vi.
97. Marton, F., *Phenomenography—describing conceptions of the world around us*. *Instructional science*, 1981. 10(2): p. 177-200.
98. Strauss, A. and J. Corbin, *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. 1998: Sage Publications, Inc.
99. Kyle, G.T., J. Jun, and J.D. Absher, *Repositioning Identity in Conceptualizations of Human-Place Bonding*. *Environment and Behavior*, 2014. 46(8): p. 1018-1043.
100. Seamon, D., *Place attachment and phenomenology: The synergistic dynamism of place*. *Place attachment: Advances in theory, methods and applications*, 2014: p. 11-22.
101. Xu, Z. and J. Zhang, Antecedents and consequences of place attachment: A comparison of Chinese and Western urban tourists in Hangzhou, China. *Journal of Destination Marketing & Management*, 2015.
102. Ramkissoon, H., L.D.G. Smith, and B. Weiler, Relationships between place attachment, place satisfaction and pro-environmental behaviour in an Australian national park. *Journal of Sustainable tourism*, 2013. 21(3): p. 434-457.
103. Tuan, Y.F., *Space and place: The perspective of experience*. Vol. null. 1977, Minneapolis: University of Minnesota Press. 496.
104. Adevi, A.A. and P. Grahn, *Attachment to Certain Natural Environments: A Basis for Choice of Recreational Settings, Activities and Restoration from Stress? Environment and Natural Resources Research*, 2011.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۳۰۰ ■

تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل)

علی شرقی - استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

مسعود علیمردانی - استادیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

یوسف جهان زمین - استادیار گروه معماری دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

شهرزاد جهان زمین* - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

چکیده

شهرها و فضاهای شهری، همانند بسیاری از مصنوعات ساخت دست بشر، در گذر زمان دچار فرسودگی و تأثیرات ناشی از آن در کالبد و عملکرد خود می‌باشند. عدم تصمیم‌گیری به موقع سازمان‌های دولتی برای کاهش تأثیر فرسودگی بر کالبد و فقدان هماهنگی بین آن‌ها، در کنار کم‌رنگ شدن حس تعلق شهروندان به مکان، منجر به عدم حفاظت و نگهداری از بافت‌ها و در نتیجه تشدید فرسودگی آن‌ها گشته است. تمام این رویدادها عاملی برای از میان رفتن انسجام کالبدی در بافت و ایجاد حس عدم یکپارچگی در ذهن شهروندان می‌شود. با توجه به اینکه بافت‌های تاریخی هر شهر، حافظه تاریخی یک ملت و بخش‌های جدایی‌ناپذیر و هویت‌بخش آن شهر هستند، جاری ساختن مجدد زندگی شهری در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق بازنگری در فضاهای عمومی رهاشده در بافت‌های تاریخی و تجدید حیات آن‌ها به‌عنوان محل‌هایی برای برقراری تعامل اجتماعی شهروندان، صورت پذیرد. هدف از انجام این پژوهش، شناخت عوامل انسجام بخش به فراموشی سپرده شده یا کم‌اثر شده بافت‌های تاریخی، تحلیل آن‌ها، ارائه راهکارهایی کارآمد برای پیوند فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی با شهر به صورت یک کلیت یکپارچه با استفاده از عوامل منتج از پژوهش می‌باشد. به ویژه آنکه بازنگری توأم با تجدید حیات این فضاها، علاوه بر اعتلای مناسبات درون بافتی، می‌تواند به رونق صنعت گردشگری و مآلاً بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی شهر منجر گردد. برای رسیدن به این منظور از روش‌های تحقیق اسنادی (کتب، مقالات و طرح‌های فرادست) و میدانی (گشت زدن و عکس‌برداری از محیط) بهره گرفته شده است که در انتها با تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها، به عوامل ناکارآمدی اصلی (از جهت انسجام و یکپارچگی کالبدی) مرکز محله شهیدگاه اردبیل به‌عنوان یک فضای عمومی واقع در بافت تاریخی ارزشمند، پرداخته شده و پس از تحلیل این عوامل، راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود، ارائه می‌گردد. شایان توجه است که رفع مشکلات یک بافت تاریخی و رسیدن به یک وضعیت مطلوب، نیازمند راهکارهایی بنیادی تر، با صرف زمان و هزینه بیشتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: انسجام کالبدی، فضاهای عمومی، بافت تاریخی، شهیدگاه اردبیل.

Analysis and Evaluation of Factors Affecting the integrity of the urban fabric in public spaces in historical contexts; (Case Study: Neighborhood Center shahidghah in ardabil)

Abstract

Cities and urban areas, as well as many artifacts of human, suffering from wear and tear over time and the effects are caused by the body and its functions. Failure to make timely decisions government agencies to reduce the effects of aging on the body and lack of coordination between them, in the fading sense of belonging citizens to place, leading to a lack of protection and maintenance of tissues and thus exacerbate the wear and tear it has become. All these events contributed to the loss of structural integrity of the tissue and create a sense of integrity in the minds of citizens. Considering that historic areas of the city, the historical memory of a nation and an integral and identifying parts of the city are now rebuilding their city life is important. This can be through review and revitalization of public spaces, abandoned in their historical context as places for social interaction of citizens take place. The aim of this study is to identify factors cohesion forgotten or little effect in historical contexts, analysis, offering solutions efficient to link public spaces located in the historical context of the city as a whole integrated using factors derived from research. In particular, review, along with the revitalization of these areas, in addition to the promotion of relations within the tissue can ultimately improve tourism and socio-economic status of lead. To achieve this purpose, research methods documents (books, papers and projects upstream) and field (patrol and shoot from the perimeter) interest taken at the end of the analysis and conclusions of the elements of inefficiency of the original (in terms of integrity physical) shahidghah neighborhood center Wiki as a public space located in a valuable historical context, and after analyzing the factors discussed, ways to improve the situation, offered. It is noteworthy that the problems in a historical context and reach a favorable situation require a more fundamental solutions, time and cost will be higher.

Keywords: body integrity, public spaces, historical context, shahidghah Ardabil.

کریستوفر الکساندر، بیش از سایرین به تبیین این مطلب پرداخته است. با توجه به تعدد آراء، سعی شده است تا دیدگاه افرادی که با تأکید بیشتری بر واژه پیوستگی و یکپارچگی اشاره داشته اند، مورد بررسی قرار گیرد. فقدان توافق نظرات در این حوزه موجب نوآوری در موضوع و باقی ماندن آن در سطح ابتدایی تئوری و عملی و دشوار گشتن پژوهش‌های آتی می‌گردد.

۱-۲- مبانی نظری

الف- فضاهای عمومی

اختلاف قائل شدن بین فضای عمومی و خصوصی امری است به قدمت تاریخ شهرسازی. انسان میان عرصه‌های عمومی و خصوصی در رفت‌وآمد است. عرصه خصوصی، فضای تنگ منزل و مسکن است و عرصه عمومی در پیرامون آن متمرکز است. وجه تمایز اصلی فضای خصوصی و عمومی این است که پیرامون فضای خصوصی بسته است و تنها افراد خاصی اجازه ورود به آنجا را دارند (گروتز، ۱۳۸۸). در گذشته در شهرهای بزرگ یونان یا رم، فضاهای عمومی قبل از هر چیز مکانی مخصوص برای نمایش قدرت حکومت بود و علاوه بر ویژگی کاربردی، تقریباً همیشه بعدی تزئینی به‌منظور تجلیل از قدرت همگانی و تقدیس آن داشت (موره، ۱۳۷۳). فضاهای عمومی شهری از نظر الکساندر و چرمایف این‌گونه تعریف می‌شود: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم است، مانند شاهراه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و پارک‌های شهری (Chermayeff & Alexander, ۱۹۶۶).

فرانسیس تیبالدز نیز عرصه عمومی را چنین تعریف می‌کند: «عرصه‌های عمومی، مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی، بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، دربر می‌گیرد؛ بنابراین، این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های

انسان همواره در پی یافتن جوهر وجودی و اصل خویش بوده است و این باور که کل کائنات از یک وحدت و انسجام کلی در عین کثرت برخوردار است، همواره وی را به توجه دقیق‌تر نسبت به محیط پیرامون و در عین حال محل زندگی وی یعنی شهر فرامی‌خواند. در گذشته بخشی از هویت افراد بر اساس شهر محل زندگی آنان تعریف می‌شد، اما امروزه با چندپاره شدن بافت‌های شهری که به‌طور مشخص از دوران پهلوی اول و خیابان‌کشی‌هایی به سبک غرب آغاز شد، شاهد از بین رفتن انسجام و یکپارچگی کلی شهرها در درجه اول و تضعیف هویت موجود در شهرها و در نتیجه به فراموشی سپرده شدن بخشی از هویت انسانی در درجات بعدی، هستیم. بنابراین پرداختن به مسئله چندتکه شدن بافت‌ها، بررسی معضلات ایجادشده بر اثر این رویداد و راهکارهایی برای احیا و اتصال مجدد بخش‌های جدا افتاده درون شهرها، حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. امید است در این پژوهش، با بررسی مفهوم پیوستگی در شهرها که تبیین آن امری سهل و ممتنع است، بتوان راهکارهای اجرایی مناسبی جهت بازآفرینی مؤثر فضاهای شهری و پیوند آن با کلیت کالبد شهری به‌مثابه یک پیکر منسجم و در نتیجه ارتقای هویت شهری تضعیف‌شده انسان‌ها، ارائه نمود.

۱-۱- پیشینه تحقیق

به دلیل سهل و ممتنع بودن موضوع انسجام و پیوستگی، افراد متعددی در مورد آن در حوزه‌های مختلف علمی نظیر فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، هنر، معماری و شهرسازی، فیزیک، ریاضیات، شاخه‌های گوناگون مهندسی و ... کتب، مقالات و پژوهش‌های بی‌شماری را به انجام رسانده‌اند. در میان معماران و شهرسازان نیز به‌جرت می‌توان بیان نمود، اکثر صاحب‌نظران این رشته به‌صورت مبهم و به‌اجمال، مفاهیمی را در این باب ارائه نموده‌اند که از میان آنان،

محصورکننده آن‌ها را شامل می‌شود» (Tibbalds, 2005). زوکین فضای شهری را فضاهایی که، به‌طور فیزیکی و مکانی، به‌عنوان مراکز جغرافیایی و نمادین، یا به‌عنوان نقاط تجمعی که غریبه‌ها با آشناها درمی‌آمیزند، معنی می‌کند (Zukin, 2012). فضاهای عمومی، آن دسته از فضاها می‌باشند که «عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و غیره حق ورود و حضور در آنان را دارند»، فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، بازارها و مساجد. این دسته از فضاها به‌واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می‌باشند، از این‌رو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد (پاکزاد، ۱۳۸۶).

آگورای یونان باستان شاید یکی از معروف‌ترین فضاهای عمومی در کل تاریخ باشد که میدان عمومی شهر و محلی برای گردهمایی مردم بوده است. «آگورا مکانی بوده که در آن فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوشادوش سایر فعالیت‌ها صورت می‌گرفته و به‌عنوان ظرفی فراگیر برای زندگی اجتماعی شهر تلقی می‌شده است» (Madanipour, 2005). به تدریج و همراه با رشد اندازه فضای شهری و تخصصی شدن آن این یکپارچگی جای خود را به تنش میان فضای عمومی و خصوصی در شهرهای قرون وسطایی داد. شهرهای قرون وسطایی در تقاطع مسیرهای تجارت شکل گرفته و فضای غیردینی را برای تبادلات تجاری فراهم کردند. فضا در آن‌ها بر اساس منافع تجاری که در رقابت با یکدیگر بودند شکل می‌گرفت. در بیان سیر تحول فضای عمومی شهرها پس از قرون وسطی می‌توان بیان نمود که: فضای عمومی در دوران رنسانس و باروک مانند ویتروینی بود که با دقت به‌صورت متقارن طراحی شده و فضای خصوصی در پس ردیف‌های ساده اما مرتبی از نمای ساختمان‌ها پنهان می‌ماندند (Madanipour,

2005). با شروع عصر وسایل نقلیه موتوری در قرن بیستم بعد کاربردی فضا غلبه پیدا کرد و بعد نمایشی آن از رونق افتاد. خیابان و محل عبور پیاده باید حذف می‌شد و مکان‌های گردهمایی نیز درون ساختمان‌های عظیم قرار می‌گرفت. دوران مدرن در پی این بود تا فضای عمومی را به شکل پارک در بین ساختمان‌های بلندمرتبه قرار دهد؛ البته این نوع فضا به‌خوبی تعریف نشده و بی‌استفاده باقی می‌ماند و نوعی فضای گمشده است، یعنی جایی که هیچ‌یک از عملکردهای فضایی عمومی قابل‌دسترسی نیست (Madanipour, 2005).

ب- بافت تاریخی

بافت تاریخی از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شود و پیدایش آن پیرو اطاعت از ساختارهای اقلیمی و فرهنگی است (فلامکی، ۱۳۸۴). عبارت بافت تاریخی امروزه، به‌وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ذهن هر شنونده‌ای، تداعی‌کننده تصویری خاص است اما در صورت ارائه تعریفی از بافت تاریخی شهرها باید این واژه را، واژه‌ای نو و متعلق به ادبیات معماری و شهرسازی معاصر دانست که اجمالاً به بافت‌های ماقبل دوران معاصر اطلاق می‌گردد. بر این اساس، گونه‌ای از بافت‌های شهری را که در کشور ما به دوره‌های تاریخی ماقبل دوران پهلوی بازمی‌گردد را می‌توان در زمره بافت‌های تاریخی قلمداد نمود که گاهی نیز بنا به ویژگی‌های خاص و بهره‌گیری از الگوهای ویژه و ریشه‌دار معماری و شهرسازی ایرانی، برخی بخش‌های متعلق به دوره پهلوی اول را نیز شامل می‌شود (بیگ زاده، ۱۳۹۲). مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد و تبادلات اجتماعی یک ساختار شهری با پیشینه تاریخی باعث می‌شود که بافت‌های تاریخی به‌مرور زمان پدید آیند. لازمه این پیدایش اهمیت بخشیدن به اقلیم و توجه به فرهنگ‌های بومی منطقه است (موحد، ۱۳۸۶). بافت تاریخی شهرها دارای مشخصاتی چون قدمت تاریخی، بافت فشرده و درهم‌تنیده است، وجود بافت تاریخی متمایز از

و فضاهای شهری در شهرهای کویری به ۸ اصل زیر رسیده است:

۱- اصل فضای داخلی و اصل فضای خارجی: فضای داخلی مانند حیاط مرکزی‌ها (محاط در خانه)، و فضاهای خارجی مانند میدان‌ها و تکایا (محاط درون بناهای عمومی)، در شهرهای گذشته از جهت درون‌گرایی شبیه یکدیگر بودند.

۲- اصل هم‌پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری: در شهرهای قدیمی ایران، واحدهای مسکونی با حیاط مرکزی به یکدیگر پیوسته‌اند و مجموعه‌ای یکپارچه را ایجاد می‌نمایند.

۳- اصل محصوریت فضا: از این اصل به‌عنوان نخستین اصل حاکم بر طراحی مکان‌های شهری هم نام برده می‌شود که عناصر محصورکننده فضاهای شهری، عمدتاً عناصر شهری، محله‌ای و خانه‌ها هستند که در ایران در بسیاری از شهرها، بدنه‌ای از طاق‌نماها و غرفه‌های مکرر به‌صورت متقارن یا متعادل، فضا را محصور می‌کنند.

۴- اصل مقیاس و تناسب: مقیاس رابطه بین اندازه یک فضا یا یکشی با فضاها و اشیای اطراف آن است و تناسب در مفهومی مستقل از اندازه و به معنای رابطه ابعاد گوناگون یک فضا و یک شیء می‌باشد. این اصل، به حفظ مقیاس انسانی، تناسب و تقارن مستقل در شهرهای قدیمی ایران اشاره دارد.

۵- اصل فضاهای متباین: در طراحی چنین فضایی از تغییر مقیاس، رنگ و خصوصیت محصور نمودن فضاها استفاده می‌شود (به‌گونه‌ای که ناظر در حرکت خود، آن را از نظر بصری احساس نماید). که در گذشته، پهن و باریک شدن فضا یا سرباز و سربسته بودن آن‌ها، دو خصوصیت فضاهای متباین به حساب می‌آمد.

۶- اصل قلمرو: در شهرهای قدیمی ایران، سه فضا با خصوصیت متفاوت از یکدیگر وجود دارد:

الف) فضای خصوصی شامل حیاط‌ها و عناصر دربرگیرنده آن‌ها،

ب) فضای نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی شامل

سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به‌عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند (دیناری، ۱۳۸۴). به لحاظ شکلی نیز بافت‌هایی که در دوره‌های تاریخی ماقبل پهلوی شکل گرفته‌اند عموماً تابع نظام‌های شهری و کالبدی شهرهای سنتی ما هستند. حال آنکه نحوه شکل‌گیری بافت‌های شهری، پس از آغاز دوران پهلوی، به‌تدریج از نظامات سنتی شهرها فاصله گرفته و تعاریف محتوایی و اشکال صوری متفاوتی از فضاها و الگوهای شکل‌گیری بافت‌های شهری را در برمی‌گیرد. در زیر به مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های ارزش‌گذاری بافت‌های تاریخی شهرها اشاره می‌گردد: (بیگ زاده، ۱۳۹۲): قدمت، وحدت، اصالت تاریخی و معماری و عدم مداخله، حیات اجتماعی و اقتصادی، ارزش‌های معماری و بداعت و غنای الگوها، ارزش‌های تاریخی و خاطرات جمعی، ارتباط با طبیعت و همسازی با بستر طبیعی.

ج- انسجام (کلیت و یکپارچگی)

این واژه در معنای ادغام شدن در یک کل و مشارکت در واحدی بزرگ‌تر و یکی شدن با چیزهایی دیگر به کار می‌رود. انسجام را می‌توان با استناد به تعریف جامعه‌شناسان، فرآیند سازمان دهنده نظم فضایی دانست که واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. عواملی که می‌توانند به‌عنوان نشانه‌ای از درک پیوستگی و انسجام در شهر شناخته شوند عبارت‌اند از: هماهنگی، تناسب، تقارن، ریتم و مقیاس انسانی (تولایی، ۱۳۸۶). نظم حاکم بر آثار و بقایای به‌جامانده از شهرهای قدیمی ما نشانه وجود وحدت در آن آثار است؛ بافت این شهرها، گرچه در درون و محتوا، دارای کثرت بوده‌اند، ظاهری منسجم داشته و وحدت را در شکل حفظ کرده‌اند (تولایی، ۱۳۸۶). ارسطو، جهان را به موجودی زنده تشبیه کرده است که در آن هر جز، مکان و عملکرد مناسب خود را دارد و همه با یکدیگر کار می‌کنند تا یک کل واحد را تشکیل دهند (Norton, ۱۹۹۴). توسلی (۱۳۶۹)، در مطالعات خود درباره یکپارچگی

بن‌بست‌های اختصاصی و یا هشتی متصل به چند خانه،

ج) فضای عمومی شامل گذرها و میدان‌ها.

۷- اصل ترکیب: در صورتی که بناهای گوناگون باهم ترکیب شوند و فضایی را محصور نمایند، لازم است میان این بناها، آن‌چنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصورکننده به‌رغم داشتن ساختمان‌های مختلف، مجموعه‌ای پیوسته و هماهنگ را تشکیل می‌دهد.

۸- اصل آگاهی از فضا: معماری در واقع، حجم و فضاست و طراحی در حقیقت برقراری رابطه میان این دو است. بررسی شهرهای تاریخی ایران، سلسله مراتبی از فضاهای متنوع بین ساختمان‌ها را نشان می‌دهد.

پاتریک گدس و شاگردش لوئیس مامفورد، بر استعاره پرتوان «سازمند» تأکید داشتند که در نظریه‌های شهرسازی، تأثیر به‌سزایی به‌جا گذاشته است. آن‌ها عقاید خود را از شوالیه دولا مارک، گیاه‌شناس فرانسوی و فردریک لوپله، جامعه‌شناس قرن ۱۹ میلادی اقتباس کرده‌اند. بر این اساس، مفاهیم اصلی تفکر سازمندگرای آن‌ها در شهرسازی را، «رشد، نوسازی و بازآفرینی» تشکیل می‌دهد که در نهایت به ایجاد یک کل می‌انجامد (Geddes, 2012). به نظر مامفورد نیز مفهوم شهرسازی سازمند، با کلیت و انسجام بیش‌ازحد همراه است که در آن، همه‌چیز در جهت اهداف عمومی تشکیل داده‌شده و در تقابل با منافع ساده شخصی است؛ وی همچنین تأکید می‌نماید که شهرسازی سازمند، برخلاف اتفاقی بودن نظم آن، گاه به یک طرح آگاهانه، منسجم و وحدت یافته منجر می‌شود و الگویی را می‌سازد که گویی، یک نظریه هوشمندانه، آن را هدایت کرده است (Mumford, 2009). کوین لینچ نیز برای تبیین مفهوم مورد نظر خود در مورد کلیت و یکپارچگی مدلی از شهر سازمند ارائه می‌دهد؛ به نظر او اگر شهر، موجودی زنده است، باید دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را از یک

ماشین متمایز می‌سازد؛ یک موجود زنده، ساختاری منسجم، موزون و مستقل با محدوده‌ای مشخص و اندازه‌ای معین است و درعین حال، پیوند اجزای آن، چنان نزدیک است که امکان تعیین محدوده آن‌ها به‌طور مشخص وجود ندارد (Lynch, 2001). ابر کرومی نیز شهرسازی را فراتر از مهندسی، بهداشت و اقتصاد شهری تلقی و نتیجه شهرسازی سازمند را موجودی زنده و اجتماعی و اثری هنری معرفی می‌نماید. وی در احیای دو مفهوم محله و ناحیه شهری، نقش مؤثری داشت و سعی کرد تا ساختار فضایی کاملاً منسجمی برای لندن طراحی نماید؛ او همچنین، به تکامل طبیعی شهر در نتیجه مطالعه مکان و روابط ظاهری آن گرایش داشت و معتقد بود که شهرسازان پیش از طراحی، به شناخت ساختارهای سازمند شهرها و محله‌ها نیازمند هستند (Hall, 1995; Abercrombie, 2001).

ادموند بیکن نیز که از نام‌آوران شهرسازی معاصر است در کتاب «طراحی شهرها»، محور اصلی بحث خود را درباره شکل شهر سازمان داد و آن را مظهر والاترین آرمان‌های تمدن بشری و برآیندی از خواست و اراده مردم معرفی نمود. وی در سراسر این کتاب از واژه‌هایی نظیر ارتباط، وحدت، یگانگی، اتصال، انسجام، پیوند و تداوم سخن به میان آورده است در درک اندیشه وی اهمیت بسیار دارد. سعی او بر این است تا میان عناصر و اجزای طراحی شهری (توده و فضا)، رابطه‌ای برقرار کرده و در نهایت اجزا را به‌کلی بزرگ‌تر پیوند دهد و از این طریق بتواند انسان را با بی‌نهایتی که در جستجوی آن است، مرتبط و متصل سازد (Bacon, 1992). ترانسیک نیز پنج اصل کالبدی را برای یک طراحی منسجم شهری برمی‌شمارد: (Trancik, 1986)

الف) اتصال شبکه‌های پی‌درپی که از طریق تناوب بناها در فضا، میان آن‌ها پیوندی ایجاد می‌نماید.

ب) تداوم لبه‌ها از طریق محصور کردن شکاف‌هایی که تداوم دیواره‌های شهری رو به خیابان‌ها و میدان‌ها را از بین می‌برند.

ج) پل‌سازی منسجم برای حفظ تداوم فضایی به‌عنوان راه‌حلی جهت پر کردن شکاف‌های آسیب‌رسان به تداوم شکل شهر.

د) ایجاد محور و پرسپکتیو برای متصل کردن عناصر جدا از هم از طریق یکپارچگی خطوط و دید.

ه) تلفیق درون و بیرون و ایجاد رابطه میان آن‌ها.

ماتین برای ایجاد وحدت و انسجام در پروژه‌های طراحی شهری، ۵ روش پیشنهاد می‌کند:

۱- ساخت‌وساز در میان مناظر و جدا نمودن ساختمان‌های متضاد از یکدیگر، ۲- ساخت بنا با شکل‌های ساده هندسی برای ایجاد یک ترکیب واحد، ۳- بهره‌گیری از وحدت فضایی و زوایای راست‌گوشه در ساخت بنا برای ایجاد یک ترکیب واحد، ۴- توجه به فضا به‌عنوان مفهوم حیات‌بخش و سازمان‌دهنده طراحی شهری و ۵- استفاده از ترکیب‌های محوری در نظم دهی و گروهی کردن بناها. (Moughtin, ۲۰۰۸)

الکساندر از روش‌شناسی سیت و لینچ اقتباس کرد تا حس هویت تاریخی را به شیوه‌ای جدید، احیا نماید (King, ۱۹۹۶)، وی مصداق مفهوم کلیت را در نظم سازماندهی جستجو می‌کند و در این باره می‌گوید: بگذارید با ایده نظم سازماندهی آغاز نمایم، نظم سازماندهی یا طبیعی، هنگامی ظاهر می‌شود که میان نیازهای اجزای طبیعت به‌طور انفرادی و کلی، تعادل برقرار شود (Alexander, ۲۰۰۴).

بر اساس نظریات کریستوفر الکساندر، شکل به‌تنهایی قادر به ایجاد یک کلیت نیست، بلکه درون فرآیند بودن، به شهر کلیت و انسجام می‌بخشد، به شرط آن‌که فرآیند باهدف ایجاد یک کل یکپارچه و منسجم صورت پذیرد که در غیر این صورت، نتیجه معکوس داشته و آسیب‌رسان خواهد شد (Alexander, ۱۹۸۷). الکساندر نیز رشد آتی هر شیء را حرکت و جنبش به سمت کلیت می‌داند و معتقد است که این رشد از اکنون هر شیء آغاز شده است. وی همچنین بیان می‌دارد که کلیت باید محصول فرآیند باشد و قوانین فرمول‌بندی

شده، به‌صورت واسطه‌ای عمل می‌کنند زیرا که در بهترین حالت که تعبیر و برداشت‌هایی یکسان نیز صورت می‌گیرد، قابل‌اعتماد و اتکا نبوده و نمی‌تواند به‌صورت مکانیکی تکرار شوند وی در مطالعات خود همواره به بیان عوامل مختلفی که منجر به انسجام‌بخشی در کل یا قسمتی از شهر می‌شوند می‌پردازد که گاه برخی از این عوامل به‌صورت صریح و مستقیم و گاهی دیگر به‌صورت مستتر در میان آثار وی قابل‌مشاهده می‌باشند.

۱) رشد تدریجی و ذره‌ذره: یک کلیت دارای پیچیدگی است و نمی‌تواند در غالب قطعات بزرگ درک گردد.

۲) رشد کل‌های بزرگ‌تر: هدف از طرح اندازی، آفرینش کل‌های بزرگ‌تر است.

۳) ژرف‌نگری و دید: کلیتی در تجربه انسان ایجاد نمی‌شود مگر آن‌که اعمال جزئی به‌واسطه انگیزه‌ها و مضامین انسانی انجام شوند.

۴) فضای شهری مثبت: تجسم دید ژرف بینانه در طراحی کالبدی موجب می‌گردد تا به فضای شهری همچون فضایی منفی و پس‌مانده احداث ساختمان‌ها همان‌گونه که اکنون شاهد آن هستیم، ننگریم.

۵) آرایش بناهای بزرگ: وجود کلیت درون ساختمان‌ها لازمه کلیت در ساخت‌وسازهای گسترده شهر و محله است.

۶) ساختمان: وابستگی کلیت فضای اطراف درگرو کلیت جزئیات ساختمان و جزئیات سازه آن می‌باشد.

۷) شکل‌گیری مراکز: با شکل هندسی تمامی کل‌ها در همه مقیاس‌ها در درون فرآیند سروکار دارد و هر کل باید مرکزی تشکیل دهد و سایر مراکز را اطراف خود ایجاد نماید که این مرکز یک چیز است و نه یک نقطه؛ مانند باغ، دیوار، جاده، ساختمان و یا چند عنصر باهم که عموماً باید تقارن ابتدایی و دوطرفه داشته باشد که عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. (Alexander, ۱۹۸۷)

میدان‌هایی نظیر نقش جهان اصفهان با نماهای متحدالشکل خود بیانگر این حقیقت هستند، همچنین با انجام تدابیری مانند یادمانی کردن برخی از عناصر شهر به صورت یک نماد، مجلل ساختن مصالح ساختمانی، توازن اجزا به جای بهره‌گیری از ابعاد و اندازه‌های مطلق، استفاده از قرنیز کاری و تداوم سطوح لبه‌ها و دیواره‌ها، ارتفاع و نمای یکسان می‌توان قدرت را در یک محدوده مشخص فضایی نشان داد که این قدرت در بخش معین قابلیت تعمیم به کل شهر را نیز دارد مانند مجموعه نقش جهان اصفهان که در دنیا شناخته شده است (Carlson, ۱۹۹۳).

بنابراین گروهی از شهرسازان برای آنکه بتوانند در شکل شهر، انسجام ارتباطی ایجاد نمایند، به نوعی آنالوژی یا شبیه‌سازی روی آورده‌اند و الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده و ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق دادند. این گروه معتقدند که رابطه میان اجزای شهر یا کلمات برای تشکیل سلسله مراتبی از کل‌ها یا جملات، باید به گونه‌ای وجود داشته باشد که بتواند مخاطبان خود را به لحاظ تولید معنی، اقناع نماید؛ شهرهای امروز به دلیل گسستگی رابطه میان واژه‌ها در شیوه‌ای که بتوان از آن‌ها معانی قابل‌درکی استنتاج نمود، مشکل‌ساز شده‌اند، زیرا مهم‌ترین اصلی که معنی را شکل می‌دهد نشانه نیست، بلکه آن، یک کل واحد بیان شده است که در ترکیب‌بندی آن نشانه‌ها پدیدار گشته‌اند (King, ۱۹۹۶).

۱-۳- هدف تحقیق

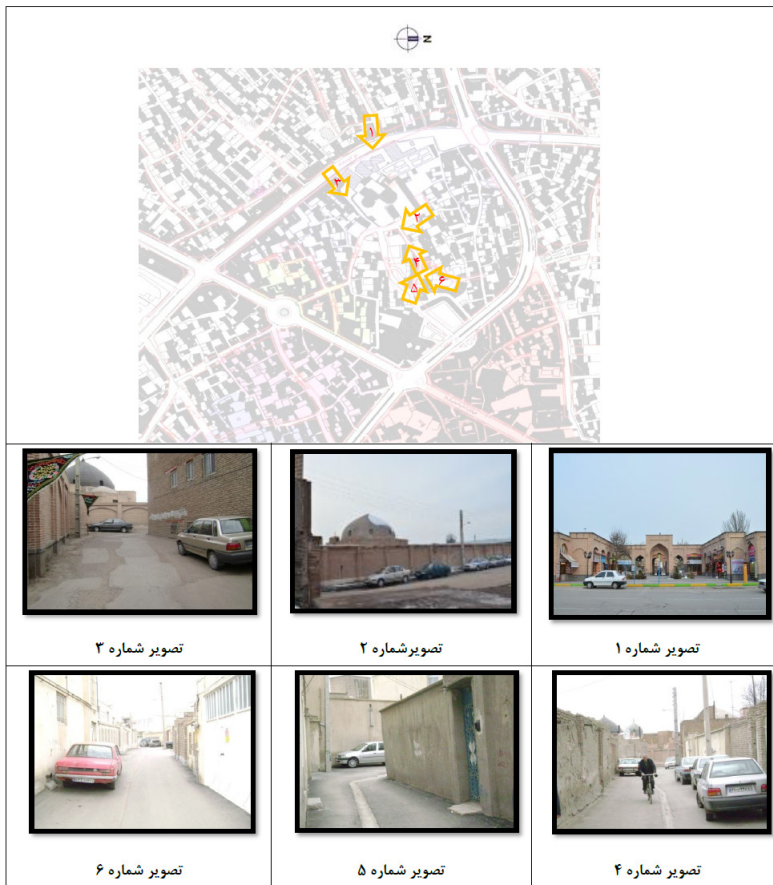
هدف از بررسی این موضوع در تحقیق پیش رو، طراحی فضاهای جمعی و عمومی در پس یافتن عوامل انسجام بخش کالبدی شهر است که در صورت انجام صحیح آن، این فضاها قادر خواهند بود همانند گذشته قلب تپنده شهرهای معاصر باشند و در عین دارا بودن یک عملکرد ویژه و منحصر به فرد، بخشی از یک کل منسجم و یکپارچه در خدمت کل شهر قرار بگیرند؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش

سالینگاروس نیز معتقد است که پیوستگی فرم شهری می‌تواند از طریق تئوری تأثیرات متقابل پیچیده نظام‌ها درک گردد. یک مجموعه هندسی اجزا با رویکرد پیوستگی، به یک مورفولوژی (ریخت‌شناسی) شهری منجر می‌گردد، واضح است که این مورفولوژی (ریخت‌شناسی)، نزدیک‌ترین تشبیه به شهرهای سنتی و شارهاست. قوانین معاصر در مورد فرم شهرها که پیچیدگی و ارتباط در زندگی امروز را توأمان کاهش می‌دهند، قابلیت ایجاد یکپارچگی در شهرها را ندارند، بلکه این پیوستگی شهرهاست که در مورد موفقیت یک شهر تصمیم گرفته و قوانین خود را نیز تعیین می‌نماید (Salingaros, ۲۰۰۰).

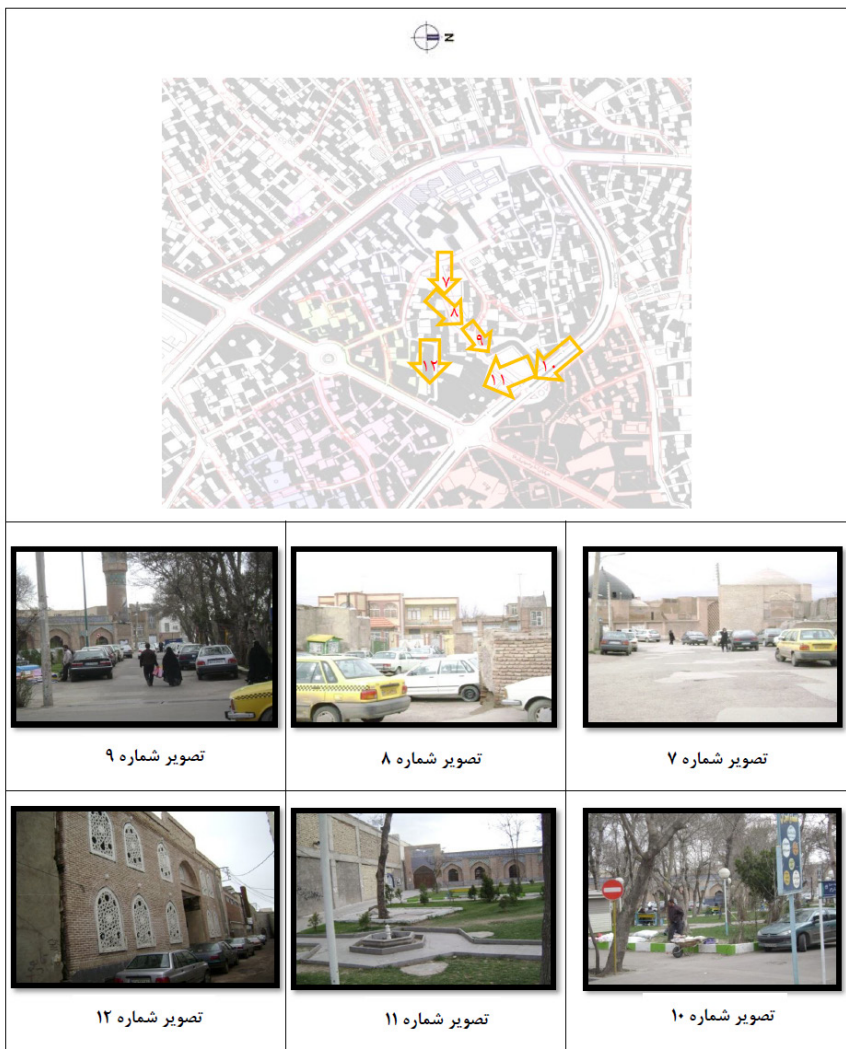
پیوستگی هندسی، کیفیتی قابل‌شناسایی است که کل شهر را از طریق فرم به یکدیگر متصل می‌کند و به عنوان پیش‌نیازی برای ایجاد سرزندگی در بافت شهری به حساب می‌آید. فرم شهرهای یکپارچه، باید قابلیت تغییر داشته و منعطف باشد و بتواند تغییر جهت دهد، گسترش یابد و راه‌های آن مترکم گردد بدون آن که کلیت شهر دچار فروپاشی گردد؛ برای رسیدن به این هدف، بافت شهری باید در کوچک‌ترین مقیاس خود با یکدیگر ارتباطی قوی داشته باشند و ارتباط در بزرگ‌ترین مقیاس‌ها را کاهش دهند (Salingaros, ۲۰۰۰).

همچنین نمادها به عنوان محور مطالعات نشانه‌شناسی شهری، گاه باعث انسجام‌بخشی به شهر می‌شوند و گاه انسجام در شکل شهر به صورت یک نماد عمل می‌نماید. یکی از ویژگی‌های مهم نماد این است که به عنوان یک جز، قادر است تا یک کل را به نمایش بگذارد. در شهرها نیز، گاه یک ساختار واحد یا فضای باز به مثابه نماد کل یک شهر معرفی می‌گردد (Doxiadis, ۱۹۷۵). در پاره‌ای از موارد، خط آسمان نیز به عنوان شناخته شده‌ترین نماد جمعی شهر، در وحدت و انسجام بخشیدن به شکل شهر مؤثر است (Attoe, ۱۹۸۱).

انسجام‌بخشی به شکل شهر، گاه نماد قدرت است؛



۱- جدول نقشه و تصاویر محدوده منتخب بافت تاریخی، مأخذ: نگارندگان



۲- جدول نقشه و تصاویر محدوده منتخب بافت تاریخی، مأخذ: نگارندگان

معاصر و برگرداندن بخشی از هویت ازدست‌رفته شهرهای کنونی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف طراحی شهری، حائز اهمیت می‌باشد.

۲- روش تحقیق

در این تحقیق برای پاسخگویی به سؤالات ذکر شده از روش اسنادی و میدانی استفاده شده است که مراحل انجام آن به ترتیب زیر است.

۱- جمع‌آوری متون از کتاب‌ها و مقالات معتبر، به‌عنوان پیشینه تحقیق در مورد مفاهیم انسجام، فضاهای شهری، بافت تاریخی، شهر اردبیل و محدوده مورد بررسی یعنی محله شهید گاه.

۲- تحلیل محتوای اطلاعات حاصل از جمع‌آوری

عبارت است از: یافتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری یک شهر منسجم و تحلیل و ارزیابی میزان اهمیت فضاهای جمعی و عمومی در رسیدن به پیوستگی کالبد شهری. بر این اساس، پژوهش حاضر بر سؤالات زیر استوار است:

۱- چه عواملی در انسجام کالبدی شهرها تأثیرگذار می‌باشند؟

۲- فضاهای عمومی و جمعی درون شهرها در رسیدن به یکپارچگی و انسجام کالبد شهری چه نقشی ایفا می‌کنند؟

بنابراین به علت بداعت و نو بودن موضوع مطرح‌شده، عملکرد آن در طراحی فضاهای قابل زیست انسان

متون معتبر و قابل استناد.

۳- عکس برداری و گشت زدن در محیط برای بررسی وضعیت موجود و ثبت اطلاعات لازم و کلیدی.

۴- استفاده از نتایج یافته‌های انجام پذیرفته برای تحلیل عکس‌های گرفته‌شده از مرکز محله شهید گاه.

۲-۱- سایت پژوهش

نمونه مورد بررسی در پژوهش پیش رو، در شهر اردبیل و در میان دو محله عالی‌قاپو و گازران، تحت عنوان «شهید گاه» واقع شده است که به علت آرمیدن شهدای ایرانی جنگ چالدران که با عثمانی‌ها در زمان شاه اسماعیل صفوی روی داد، به این اسم خوانده می‌شود. حال به بررسی اردبیل و سپس محدوده طرح مورد نظر به صورت اجمالی پرداخته می‌شود: استان اردبیل یکی از

استان‌های شمال غربی ایران محسوب می‌شود. این استان از شمال به جمهوری آذربایجان، از سمت غرب به استان آذربایجان شرقی، از سمت شرق به استان گیلان و کوه‌های تالش و از سمت جنوب به استان زنجان محدود شده است. مساحت این استان ۱۷۹۵۳ کیلومتر مربع (حدوداً ۰۹/۱ درصد از مساحت کل کشور) و جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر یک میلیون و ۲۴۹ هزار نفر می‌باشد.

مرکز این استان شهر اردبیل است و بر طبق آخرین تقسیمات کشوری، شامل ۱۰ شهرستان، ۲۵ بخش، ۲۱ شهر و ۶۶ دهستان می‌شود. در ۲۲ دی سال ۱۳۷۱ لایحه استان شدن اردبیل در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و این استان در ۲۳ فروردین سال ۱۳۷۲ پس از نزدیک به ۳۰ سال پیگیری مردم اردبیل، از استان آذربایجان شرقی جدا و به استانی مستقل تبدیل شد. در شهر اردبیل ابنیه و آثار تاریخی و قدیمی بسیاری وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها که محدوده طراحی این پروژه در اطراف آن واقع گشته است، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌باشد که یکی از ده اثر باستانی مهم کشور به شمار می‌رود. این بنا در سال ۷۶۵ هجری

بنا شده است و در طول زمان مورد احترام پادشاهان صفوی بوده است. بنای کنونی این بقعه شامل مجموعه‌ای از گورهای شاهان و شاهزادگان صفوی و چند ساختمان دیگر (از جمله آرامگاه شاه اسماعیل صفوی، مسجد جنت سرا، چینی‌خانه، حرم‌خانه و...) می‌شود. این اثر سال ۱۳۸۹ در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رسید.

۳- جمع‌بندی یافته‌ها

با توجه به مطالعات صورت گرفته و جمع‌آوری مطالب مرتبط با موضوع اصلی پژوهش که در آن مسئله انسجام کم‌رنگ شده در بافت‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است، تعاریف و مفاهیم این واژه که تا حدودی میان بسیاری از صاحب‌نظران معماری و شهرسازی مشترک می‌باشد، در جدول زیر گردآوری شده است.

در جدول فوق برخی از اصول اشاره شده مشترک هستند یا تفاوت اندکی در مفهوم آن‌ها با یکدیگر وجود دارد و برخی نیز با یکدیگر همپوشانی دارند و در حقیقت یکی زیرمجموعه دیگری است، گاهی نیز یک مفهوم دارای دو واژه تعریف کننده است که در عمل این دو واژه تفاوت چندانی ندارند و بسته به زاویه دید نظریه پردازان گوناگون کالبد جدید یافته‌اند. بر اساس جدول فوق، آنچه که ذکر شد و تعدد اشتراک چند صاحب‌نظر بر روی یک عامل می‌توان مهمترین عوامل انسجام بخشی به یک کالبد شهری را نظم و هماهنگی، وحدت، زنده و پویا بودن، دارا بودن ساختار و ارتباط میان اجزا و ارتباط جز با کل، سادگی در عین پیچیدگی، رشد و نمو شهر همچون یک موجود زنده و بر اساس نیازها و ویژگی‌های موجود و در پیوند با گذشته و برخی ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی نظیر تقارن، تناب، ریتم، محوریت، مرکزیت، تباین و ... بیان نمود.

۴- تحلیل یافته‌های پژوهش

با توجه به جمع‌بندی مطالب به دست آمده از طریق مطالعات اسنادی و عکس‌های گرفته‌شده از نمونه موردی منتخب در مطالعات میدانی پژوهش

جدول ۳. اصول انسجام‌بخشی، مأخذ: نگارندگان

صاحب‌نظران	اصول انسجام‌بخشی
پاتریک گدس	دارا بودن ۱- نظم سازماند، ۲- توسعه و رشد در عین حفظ ساختارهای گذشته، ۳- پیوند و در هم تنیدگی فضا
لوییس مامفورد	دارا بودن ۱- وحدت، ۲- نظم سازماند، ۳- توسعه و رشد در عین حفظ ساختارهای گذشته
ابر کرومی	دارا بودن ۱- توسعه و رشد، ۲- ارگانیک و زنده بودن، ۳- آگاهی نسبت به فضا
کوبین لینچ	دارا بودن ۱- نظم سازماند، ۲- ارگانیک و زنده بودن، ۳- پیوند و در هم تنیدگی، ۴- ساختار، ۵- هماهنگی، ۶- وحدت
کلیف ماتین	دارا بودن ۱- وحدت، ۲- ترکیب، ۳- سادگی، ۴- محوریت
ادموند بیکن	دارا بودن ۱- ساختار، ۲- ارتباط، ۳- نظم، ۴- وحدت
کریستوفر الکساندر	داشتن یک نظم سازماند در کنار وجود یک فرآیند به همراه رعایت اصول: ۱- رشد تدریجی و ذره‌ذره، ۲- رشد کل‌های بزرگ‌تر، ۳- ژرف‌نگری و دید، ۴- فضای شهری مثبت، ۵- آرایش بناهای بزرگ، ۶- ساختمان، ۷- شکل‌گیری مراکز
نیکوس سالینگاروس	دارا بودن ۱- توسعه و رشد، ۲- پیچیدگی، ۳- ارتباط
محمود توسلی	رعایت اصول: ۱- فضاهای داخلی و فضاهای خارجی، ۲- هم پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری، ۳- محصوریت فضا، ۴- مقیاس و تناسب، ۵- فضاهای متباین، ۶- قلمرو، ۷- ترکیب، ۸- آگاهی از فضا
نوبین تولایی	دارا بودن ۱- هماهنگی، ۲- تقارن، ۳- تناسب، ۴- ریتم، ۵- مقیاس انسانی

حاضر، تعدادی از این عکس‌ها انتخاب شده، سپس

با استفاده از جمع بندی مطالب مذکور تحلیل گشته، راهکارهایی کلی و نیازمند تدقیق و تحقیق بیشتر ارائه شده و در نهایت حاصل آن به صورت جدول زیر بیان گردیده است.

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از طریق مطالعات اسنادی و میزان توافق بیشتر آرای صاحب نظران روی یک مفهوم مشخص، می‌توان نوع نگاه آن‌ها را در سه دسته جمع بندی نمود:

۱- وجود نظمی سازماند که بیانگر نگاه به شهر به عنوان یک موجود زنده و پویا می‌باشد که این موجود در درون خود از ساختار منعطف و رشد یابنده در گذر زمان و با حفظ ساختارهای اصلی برخوردار است. این نظم صرفاً نظمی ارگانیک نیست، بلکه گاهی بر حسب نیاز، یک فضا می‌تواند از نظمی

هندسی نیز بهره مند گردد.

۲- توجه به هر بخش از کالبد شهر و عملکرد آن به مثابه جزئی از یک کل بزرگ تر که در هماهنگی با سایر اجزا عمل می‌کند و نمی‌توان آن را از محیط پیرامون و یا کل شهر جدا نمود و این موضوع بیان می‌کند که هر فضای شهری در عین استقلال و وحدت، عملاً جزئی از فضای پیرامونی بزرگ تر از خویش است و نه تنها به فضای اطراف خود شکل می‌بخشد، بلکه از آن نیز تأثیر می‌پذیرد و این همان مفهوم وحدت در عین کثرت است.

۳- توجه به اصول فیزیکی - کالبدی و گاه حسی فضاها نظیر مقیاس انسانی، تقارن، تناسب، ریتم، ترکیب، تعادل، محصوریت، تباین، تضاد، قلمروها و سلسله مراتب گوناگون فضایی - کالبدی، محوریت، مرکزیت و ... که نمود عینی آن چیزی است که یک شهروند از فضای اطراف خود می‌بیند و شهر را توسط

پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت بافت	مشکلات وضعیت موجود بافت	تصویر
<p>برای بهبود وضعیت این بخش، علاوه بر استفاده از کفسازی های مناسب اقلیم منطقه (سرد و کوهستانی)، باید به نحوه چیدمان عناصر در کف نیز توجه کرد تا علاوه بر خوانایی و جذابیت بصری، حس هدایت کنندگی در طول مسیر نیز به عابران القا شود. همچنین با بهره گیری از ویژگی رازآلودگی و ابهام فضا بر اثر ارگانیک بودن معابر و با ایجاد تنوع در جداره می توان فضاهای متباینی خلق نمود که میزان تمایل به استفاده از این مسیر به صورت پیاده را افزایش دهد و در نهایت نیز انسجام و یکپارچگی فضایی از طریق تباین مناسب فضایی، محوریت کف، عناصر هندسی جداره نظیر ریتم، تقارن، تناسب، تعادل، ترکیب و ... و وحدت در کف و جداره حاصل گردد.</p>	<p>در این تصویر، به علت انجام عملیات های عمرانی و زیر ساختی متعدد، پوشش آسفالت کف به صورت تکه تکه و فاقد وحدت، نظم، هماهنگی و محوریت و هدایت کنندگی می باشد، همچنین جداره ها نیز علی رغم نوسازی، از لحاظ تمیزی و استفاده از مصالح و تناسب بسیار نامطلوب می باشد و حس ورود به یک بافت تاریخی علی رغم وجود معبری ارگانیک و پیچ در پیچ که در ابتدای مسیر واقع شده است به علت نوسازی فاقد برنامه و بدون در نظر گرفتن وحدت و هماهنگی با کل بافت وجود ندارد و این فقدان، موجب استفاده از فضا به عنوان محلی برای پارک خودروها گشته است.</p>	 <p>تصویر شماره ۳</p>
<p>برای ساماندهی وضعیت شبکه معابر ناخوانای بافت، طراحی مجدد یک شبکه معابر برای بافت با توجه به سلسله مراتب دسترسی، امری ضروری و پر اهمیت می باشد، همچنین توجه به تناسب و جنس مصالح نما و کاهش جداره های صلب محیط با فعال تر نمودن آن از طریق ایجاد کاربری های تجاری خرد مقیاس یا دستفروشی های سامان یافته (اگر به علت تاریخی بودن امکان ایجاد تغییر در کالبد وجود ندارد) نیز می تواند به تجدید حیات و سرزندگی هر چه بیشتر فضا کمک نماید.</p>	<p>این تصویر، بیانگر نابسامانی شبکه های دسترسی و عدم توجه به سلسله مراتب در وضعیت کنونی بافت تاریخی مورد بررسی می باشد؛ همچنین تفاوت و ناهماهنگی بخش های قدیمی با بخش های نوسازی شده از نظر نظم اجزاء، مصالح، ارتفاع ها و .. کاملاً مشخص است، به نحوی که ارتباط، تناسب، مقیاس انسانی و وحدت فضایی مشاهده نمی گردد.</p>	 <p>تصویر شماره ۴</p>



<p>در مرحله اول، بهتر است که محل پارک خودروها، به نقطه دیگری از بافت که ترجیحا در لایه دوم کاربری هاست و مغایرتی با کاربری های موجود ندارد، انتقال یابد و در مرحله بعدی، راهکارهایی برای بهسازی و هماهنگی نماهای جدید و قدیمی از نظرمصالح، ارکان، اجزا، تناسبات و خط آسمان مطلوب ارائه گردد و با طراحی فضاهای باز در مقابل توده های ساختمانی (تعادل توده و فضا) ضمن ایجاد محصورات های مناسب، سرزندگی و میزان استفاده شهروندان از فضا (اجتماع پذیری) را ارتقا داد و در مرحله نهایی نیز می توان با افزایش گیاهان، گلدان ها، بهره گیری از مصالح بومی با تنوع رنگی مناسب در بخش هایی از کف ها و جداره ها، حس تعلق شهروندی فضا را بهبود بخشید.</p>	<p>این تصویر، حاکی از اغتشاشات ایجاد شده در سیمای بصری به علت ناهماهنگی نماهای قدیمی تر با نماهای جدید در ارکان و اجزا و ورود و پارک ماشین ها در فضای شهری و محل های قابل تجمع و اختصاص یافته به شهروندان و عدم ترکیب و پیوند اجزای مختلف فضا، عدم وجود محصوریت های مناسب فضایی، عدم حس مقیاس انسانی و تشدید حس گمگشتگی و در نهایت فقدان وحدت و هماهنگی می باشد.</p>	 <p>تصویر شماره ۸</p>
<p>برای تبدیل فضای غیر قابل استفاده به فضایی تجمع پذیر برای شهروندان، فضای سبز مورد نیاز بافت، بهتر است بر اساس بوم و اقلیم منطقه طراحی شود و شرایط راحتی و آسایش شهروندان برای حضور و ماندن در فضا ایجاد گردد و علاوه بر آن از نصب تابلوهای ایجاد کننده اغتشاش بصری در کنار یک فضای سبز آرامش بخش نیز، پرهیز گردد و پارک خودروها نیز به محل دیگری انتقال یابد.</p>	<p>این تصویر، عدم وجود یک فضای سبز از پیش اندیشیده، طراحی شده و دارای انسجام با کل بافت و فاقد حس مقیاس انسانی علی رغم حضور درختان در محیط را نشان می دهد که به محل پارک خودروها تبدیل شده است و نتوانسته فضایی برای تجمع و حضور مداوم شهروندان را علی رغم قرار گیری در کنار یک بافت تاریخی و پر اهمیت و با پتانسیل بالا، فراهم نماید.</p>	 <p>تصویر شماره ۱۰</p>

۴- جدول تحلیل و بررسی محدوده تاریخی منتخب بر اساس عوامل انسجام بخشی به دست آمده

- آن ها به خاطر می سپارد.
- ۲- فضای بررسی شده به علت کنار هم قرار گرفتن ساختمان های جدید و قدیمی، فاقد ترکیب مناسب به لحاظ انتخاب شکل عناصر به کاررفته در نما و ارتباط آن ها، جنس مصالح، تعداد طبقات، عقب نشستگی ها در یک جداره ها و فقدان خط آسمان هماهنگ در برخی نقاط می باشد.
- ۳- به علت تخریب برخی ساختمان ها، فضاهای خالی قابل استفاده ای ایجاد شده است که به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح، این مناطق تبدیل به محلی برای پارکینگ خودروهای شخصی اطراف بقعه تاریخی شیخ صفی گشته است که علاوه بر ایجاد دیدهای نامطلوب، امکان ایجاد مراکز مفید برای تبدیل به فضاهای شهری جهت ایجاد تعاملات سازنده اجتماعی میان ساکنان از میان رفته است.
- ۱- عدم وجود سلسله مراتب معابر و اجازه ورود خودرو تا کناره های جداره تاریخی و یک بنای ارزشمند و فقدان طرحی کل نگر برای در نظر گرفتن محل مناسب کاربری ها از جمله پارکینگ سبب گشته تا یک فضای با ارزش تاریخی و با پتانسیل جذب گردشگری بالا در کنار ارتقای مفهوم پیاده مداری و حضور پذیری استفاده کنندگان، از کاربری اصلی و شایسته خود فاصله گرفته و نتواند به عنوان جزئی از یک کل واحد، به شهر اتصال یابد.

۴- به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود تباین و تنوع فضایی در برخی نقاط به علت ارگانیک بودن بافت، به علت عدم پرداخت مناسب به آن، این فضا نتوانسته است جمعیت مشخصی را جذب نموده و در خود نگه دارد.

۵- عدم وجود کف‌سازی یکپارچه و همگن با نوع کاربری‌های اطراف، فقدان جهت دهی و هدایت کنندگی آن و همچنین استفاده از پوشش نامناسب آسفالت در اغلب مناطق نیز انسجام بصری و در نتیجه انسجام کالبدی را از بین برده و خوانایی مسیر را با مشکل مواجه نموده است

۶- در نتیجه می‌توان بیان نمود که فضای شهری مذکور در عین دارا بودن ضعف‌های بسیار و عدم انسجام و پیوستگی کالبدی، از پتانسیل‌های بالایی نیز برخوردار است که یکی از مهمترین آن‌ها قرارگیری این فضا در داخل یک بافت ارزشمند تاریخی و در جوار بقعه شیخ صفی‌الدین می‌باشد و همین امر شرایط بسیار مناسبی را به لحاظ امکان تبدیل فضا به یک محیط گردشگری با بازده اقتصادی به همراه فضایی پویا، سرزنده و اجتماع پذیر برای ساکنان آنجا فراهم می‌آورد به شرط آنکه بتوان نقاط ضعف را برطرف کرده و از آن‌ها فرصت‌هایی را خلق نمود تا علاوه بر پاسخگویی به نیازها، به عنوان بخشی از یک کل منسجم و واحد یعنی شهر محسوب گردد. در نهایت، باید به این نکته اشاره کرد که حل تمام مسائل و مشکلات بیان‌شده، بدون وجود یکپارچگی و انسجام در سیستم مدیریتی و همچنین مشارکت شهروندان، امری غیرممکن است؛ زیرا که برگرداندن انسجام به بافت‌های تاریخی، امری زمان‌بر و گاهی پرهزینه می‌باشد که باید در سایه همکاری و مشارکت مسئولان و شهروندان صورت پذیرد.

۱- بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، حفاظت از بافت تاریخی شهر یزد و کاهش آسیب‌پذیری آن با تأکید بر بحران ناشی از زلزله، مجله چیدمان، شماره ۳

۲- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، راهنمای طراحی فضاهای شهری، انتشارات شهیدی، تهران.

۳- توسلی، محمود (۱۳۶۹)، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۴- تولایی، نوین (۱۳۸۶)، شکل شهر منسجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۵- دیناری، احمد (۱۳۸۴)، گردشگری شهری در ایران و جهان، انتشارات واژگان خرد، مشهد.

۶- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۴)، نوسازی و بهسازی شهری، انتشارات سمت، تهران.

۷- کورت گروتز، یورگ (۱۳۸۸)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۸- موحد، علی (۱۳۸۶)، گردشگری شهری، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.

۹- مور، ژان پیر (۱۳۷۳)، فضاهای شهری: طراحی، اجرا، مدیریت، ترجمه محسن رسول، میرمعزالدین مجابی و حسین رضایی، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

10- Abercrombie, P. (2001). Town and country planning. London: Routledge/Thoemmes Press.

11- Alexander, C., Neis, H., Anninou, A., & King, I. F. (1987). A New theory of urban design. New York: Oxford University Press.

12- Alexander, C. (2004). The nature of order: An essay on the art of building and the nature of the universe. London: Taylor & Francis.

13- Attoe, W. (1981). Skyscrapers: Understanding and

۴- به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود تباین و تنوع فضایی در برخی نقاط به علت ارگانیک بودن بافت، به علت عدم پرداخت مناسب به آن، این فضا نتوانسته است جمعیت مشخصی را جذب نموده و در خود نگه دارد.

۵- عدم وجود کف‌سازی یکپارچه و همگن با نوع کاربری‌های اطراف، فقدان جهت دهی و هدایت کنندگی آن و همچنین استفاده از پوشش نامناسب آسفالت در اغلب مناطق نیز انسجام بصری و در نتیجه انسجام کالبدی را از بین برده و خوانایی مسیر را با مشکل مواجه نموده است

۶- در نتیجه می‌توان بیان نمود که فضای شهری مذکور در عین دارا بودن ضعف‌های بسیار و عدم انسجام و پیوستگی کالبدی، از پتانسیل‌های بالایی نیز برخوردار است که یکی از مهمترین آن‌ها قرارگیری این فضا در داخل یک بافت ارزشمند تاریخی و در جوار بقعه شیخ صفی‌الدین می‌باشد و همین امر شرایط بسیار مناسبی را به لحاظ امکان تبدیل فضا به یک محیط گردشگری با بازده اقتصادی به همراه فضایی پویا، سرزنده و اجتماع پذیر برای ساکنان آنجا فراهم می‌آورد به شرط آنکه بتوان نقاط ضعف را برطرف کرده و از آن‌ها فرصت‌هایی را خلق نمود تا علاوه بر پاسخگویی به نیازها، به عنوان بخشی از یک کل منسجم و واحد یعنی شهر محسوب گردد. در نهایت، باید به این نکته اشاره کرد که حل تمام مسائل و مشکلات بیان‌شده، بدون وجود یکپارچگی و انسجام در سیستم مدیریتی و همچنین مشارکت شهروندان، امری غیرممکن است؛ زیرا که برگرداندن انسجام به بافت‌های تاریخی، امری زمان‌بر و گاهی پرهزینه می‌باشد که باید در سایه همکاری و مشارکت مسئولان و شهروندان صورت پذیرد.

این پژوهش، سعی داشته است که گامی روبه‌جلو برای توجه هرچه بیشتر به بافت‌های تاریخی و فضاهای ارزشمند نهفته در آن‌ها باشد و پژوهش‌های آتی می‌توانند در راستای حل مشکل یکپارچگی

- molding urban silhouettes. Chichester: Wiley.
- 14-Bacon, E. N. (1992). Design of cities. London: Thames and Hudson.
- 15-Carlson, M. (1993). Places of performance: The semiotics of theatre architecture. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
- 16-Chermayeff, S., & Alexander, C. (1966). Community and privacy: Toward a new architecture of humanism. Harmondsworth: Pelican Books.
- 17-Doxiadis, C. A. (March 01, 1975). The symbols we need. *EKISTICS*, 39, 232, 133-136.
- 18-Geddes, P. (2012). Cities in Evolution: An introduction to the town planning movement and to the study of civics. Maimi: HardPress Publishing.
- 19-Hall, P. (July 01, 1995). Bringing Abercrombie back from the shades: a look forward and back. *Town Planning Review*, 66, 3, 227.
- 20-Jacobs, J. (2011). The death and life of great American cities. New York: Modern Library. Norton, B. et al (1994), *Encyclopedia Britanica*, London, Routledge.
- 21-King, R. (1996). Emancipating space: Geography, architecture, and urban design. New York ; London: The Guilford Press.
- 22-Lynch, K. (2001). Good city form. Cambridge, Mass. u.a.: MIT Press.
- 23-Madanipour, A. (2005). Public and private spaces of the city. London: Routledge.
- 24-Moughtin, C., & Mertens, M. (2008). Urban design: Street and square. Oxford: Butterworth-Heinemann.
- 25-Mumford, L. (2009). The city in history: Its origins, its transformations, and its prospects. San Diego, Calif: Harcourt.
- 26-Norton, B. et al., 1994, *Encyclopedia Britanica*, London, Routledge.
- 27-Sitte, C. (2013). The art of building cities: City building according to its artistic fundamentals. Mansfield Centre, Conn: Martino.
- 28-Tibbalds, F., & Taylor & Francis. (2005). Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities. London: Taylor & Francis Group.
- 29-Trancik, R. (1986). Finding lost space: Theories of urban design. New York: Van Nostrand Reinhold.
- 30-Salingaros, Nikos.A, Division of Mathematics, University of Texas at San Antonio, San Antonio, TX 78249, USA. *Journal of Urban Design*, vol. 5 (2000), pages 291-316.
- 31-Zukin, S., & Blackwell Publishers. (2012). The cultures of cities. Malden, Mass: Blackwell Publishers.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

۳۱۶

واکاوی نقش ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی شهر شیراز

مهدی توکلی کازرونی - دانشجوی دکتری تخصصی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

هادی کشمیری* - هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

Analysis of the role of high-rised buildings on Habitation culture of Shiraz

Abstract

New approaches to design residential complexes are based on comprehensive interdisciplinary patterns in which the coordination of the human and environmental aspects of the designing is more important. In addition, the problems of living in big cities make it inevitable to use aggregate complexes. Paying attention to human and environmental factors contributing to planning and designing can improve the quality of life in residential complexes. High-rised buildings have a relatively short history in our country. So, it has been a short time that many researchers concern about living in residential complexes and culture of habitation in such complexes. The aim of this study is to analyse and discuss about the outputs of theories about habitation culture and theories related to high-rised buildings by using libraries procedure. The results will present several theories about the impact of high-rised buildings on habitation culture.

Keywords: high-rise building | culture | housing | vertical development of the city | residential complex

چکیده

رویکرد های جدید طراحی مجتمع های زیستی متکی به الگوهای جامع بین رشته ای است، که به هماهنگی جنبه های انسانی و محیطی طراحی اهمیت بیشتری داده اند. از سوی دیگر، مشکلات زندگی شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم را اجتناب ناپذیر ساخته است. توجه به عوامل انسانی و محیطی مؤثر در برنامه ریزی و طراحی می تواند کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. ساختمان های بلند مرتبه دارای قدمت نسبتاً کوتاهی در کشور ما می باشند، مجتمع های زیستی نشینی و فرهنگ سکونتی در مجتمع های زیستی چندی است دغدغه بسیاری از پژوهشگران شده است. لذا این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین و بررسی مشتقات حاصل از نظریات فرهنگ سکونتی و نظریات مؤثر بر ساختمان های بلند مرتبه پرداخته است. نتایج حاصل به شکل ارائه چند نظریه در باب تاثیر ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی خواهد بود.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه سازی، فرهنگ، سکونت، توسعه عمودی شهر، مجتمع سکونتی

مقدمه

معماری بیان هنری است که همه مردم خواه؛ نا خواه در معرض آن قرار می گیرند. مردم در فضای معماری زندگی و کار می کنند، و عشق می ورزند. با این همه، به گفته والتر بنیامین، معماری معمولاً به ناخودآگاه رانده شده و به شیوه ای آشفته درک می شود. هر بنایی از آسمان خراش ها گرفته تا مقبره ها، ضرورتاً به مردم مربوط می شود. پایداری فرهنگی در مجتمع های مسکونی وضعیتی است که در آن، ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت دارند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت می برند و همچنین از رفتار با سایر سکنه مجتمع لذت می برند... مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می شود و بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می یابند. بنابراین به صورت ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن هستند و در نگه داری و بهبود وضعیت موجود، مشارکت و هماهنگی دارند. در نتیجه عمر مفید و ارزش مادی واحدهای مسکونی این نوع مجتمع ها در شرایط برابر بیشتر از سایر مجتمع هاست. پایداری اجتماعی بهره وری مجتمع های مسکونی را به حداکثر می رساند. و نوعی تعالی بخشیدن به زیستن را شکل می دهد. پس باید فضاهایی متمایز برای فعالیت های مختلف انسان فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند داد، که محتوای عاطفی آن کنش خاص در حیات آدمی، که در آن فضاها رخ می دهد، باشد.

۱. بیان مسئله

مسکن به صورت اجتماعی نوع خاصی از مسکن است که ریشه ای تاریخی در قرن نوزدهم دارد و در تعدادی از کشورهای صنعتی طی دهه های گذشته و به ویژه در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یکی از روشهای عمده تامین مسکن برای افراد کم درآمد و میان درآمد بوده است. در راستای تحولات انقلاب صنعتی و رشد جمعیت رویکرد های

جدیدی در برنامه ریزی و طراحی مسکن به وجود آمده است. زندگی در شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم تر و هماهنگ با جنبه های انسانی و محیطی را القاء می کند. زیرا توجه به این عوامل می تواند زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. هرچند طرح یک مجتمع زیستی حاصل نهایی فرآیند پیچیده ای است که عناصر آن بر هم تأثیر متقابل دارند و عوامل متعددی از جمله ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در آن مؤثرند، اما با رعایت اصول و معیارهای حاصل از پژوهش های بنیادی و کاربردی در زمینه طراحی معماری، سازه و طراحی سایت می توان امکان استفاده و البته مشروط از مجتمع های مسکونی را راه حلی واقع گرایانه و مطلوب جهت اسکان مردم و تامین سایر نیازهای مرتبط با فعالیت های اجتماعی و محیطی در شهرهای بزرگ دانست. اگرچه بلند مرتبه سازی از سویی می تواند به بخشی از مسائل شهری نظیر کمبود زمین و مسکن تا حدی پاسخ دهد، اما این پدیده خود می تواند نگرانیهای عمده ای را نیز دامن بزند.

۲. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش های اکتشافی است، زیرا مسأله ای را مورد توجه قرار می دهد که قبلاً به آن با این نگاه پرداخته نشده است. در چنین پژوهشی به جای آزمون فرضیه، هدف جمع آوری الگوها و ایده ها برای یافتن درک عمیق از موضوع است برای این منظور از رویکرد آمیخته استفاده می کنیم که هدف آن ترکیب روش های پژوهش کمی و کیفی برای دستیابی به روشی مناسب جهت دستیابی به اهداف پژوهش است. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده های کیفی با استفاده از روش مطالعات کتابخانه ای پرداخته شده و سپس سعی گردیده تا از روش دلفی برای رتبه بندی شاخص ها بهره گیری شود. در این راستا ابتدا در نتیجه بازنگری ادبیات موضوع مهمترین عوامل موثر بلند مرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی

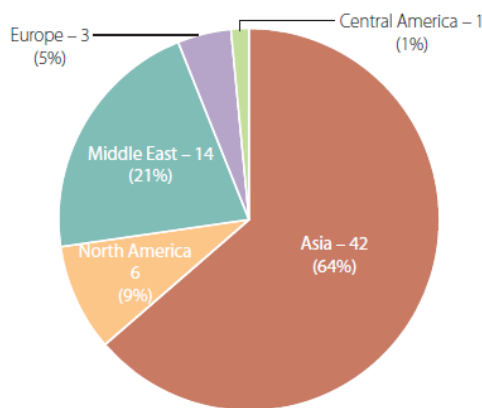
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۱۸

جدول ۱. جمع بندی آرا و اندیشه های نظریه پردازان درباره مفهوم سکونت

نظریه پرداز	دیدگاه نظری درباره مفهوم سکونت و خانه
کریستین نوربرگ شولتز	صحنه اجرای سکونت خانه است که در واقع پناهگاهی است که امنیت و آسایش را برای ساکنینش به ارمغان می آورد. خانه مکانی است برای دیدار محرمانه سکونت خصوصی که بر پایه ی عشق استوار است و در نهایت خانه خود زندگی است که قلمروی درونی را که خاطرات محیط دوردست را در خود گرد آورده است می آفریند (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۴).
ابونصر فارابی	خانه از نظر او صرفاً زیستگاه نیست بلکه جایگاهی است که حضور در آن باعث کمال می شود، بر رفتار فرد تاثیر می گذارد و محوریت پیوند انسان ها با یکدیگر است. وقتی که خانه در کمال بخشی به فرد تاثیر داشته باشد آنگاه شهر نیز در کلیت خود باعث تکامل همه ی شهروندان می شوند (معینی، ۱۳۸۳).
رابرت گیفورد	کاشانه یک مجموعه غنی از معانی فرهنگی، جمعیتی و روانی در حال تکامل است که ما به ساختار فیزیکی متصل می کنیم و شش مشخصه دارد: پناهگاه، نظم دهی، هویت، همبستگی، گرمای سمبلیک و متناسب بودن با نیازهای روانی (گیفورد، ۱۹۹۷).
علی مدنی پور	خانه، مکانی برای استقرار خانواده است و در واقع تصویرگر اصلی عرصه خصوصی انسان، نهادی در بطن جامعه مدرن، نمادی برای ابراز هویت شخصی فرد و سرپناهی کالبدی و روانی است (مدنی پور، ۱۳۸۷).



شکل ۱. نمودار بلندمرتبه سازی در قاره های مختلف جهان (Wezha Hawez Baiz, ۲۰۱۶:۲۰)

می یابد (Bachelard, ۲۰۰۷:۷۴).

۳-۲. بلند مرتبه سازی

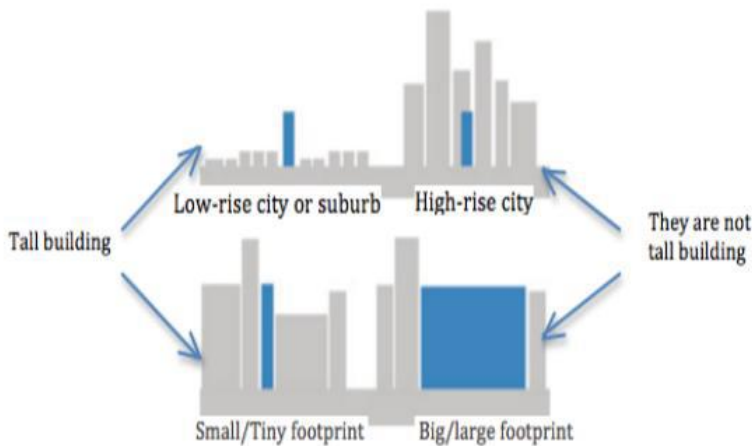
استفاده از ساختمان های بلندمرتبه به تمدن های اخیر زود برمی گردد. در مصر باستان این کلمه برای توصیف اهرام که مربوط به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است استفاده گردیده است. پس از آن برای نشان دادن ارتفاع کلیساها و کاخها استفاده می شده است. برای مثال کلیسای لینکلن یکی از بلندترین کلیساها از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بوده است توجه به ارتفاع ساختمان های بلند نیز به

که شامل ۴۱ مورد بود استخراج گردید و سپس در قالب روش دلفی با استفاده از ابزار پرسشنامه ای در سه مرحله و مبتنی بر روش گلوله برفی با نمونه آماری شامل ۳۲ خبره در حوزه معماری مورد سنجش و رتبه بندی قرار گرفت که در قالب جدولی در پایان پژوهش ارائه گردیده است. ضمناً برای بررسی ضریب همبستگی از شاخص معنی داری و برای تطابق قابل قبول نظرات در آزمون دلفی از ضریب دبلیوی کندال بهره برده شده است.

۳. مفاهیم و تعاریف

۳-۱. مفهوم سکونت

از نظر مارتین هایدگر، سکونت کردن هدف هر نوع بنا کردن است و خصیصه اصلی آن آسیب نرساندن و حراست کردن است که با نجات دادن زمین، پذیرفتن آسمان، ماندن در انتظار خدایان و هدایت کردن فانیان بدست می آید (هایدگر، ۱۳۷۷). در ادبیات سکونت، بر اهمیت نقش مسکن در احراز هویت ساکنان تاکید شده است. مارتین هایدگر سکونت را نشان بارز وجود می داند (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۲۴). گاستون باشلار خانه را به عنوان قوای عظیم در هم آمیخته زندگی بشر یاد می کند و معتقد است که انسان در خانه هویت خود را باز



شکل ۲. مفاهیم نسبی بلند مرتبه سازی؛ ماخذ: Wezha Hawez Baiz, ۲۰۱۶:۲۰

عنوان شهر مرتفع شناخته می شود، نمی تواند به عنوان ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش اندازه گیری شود. از سوی دیگر همان برج با همان ارتفاع می تواند به عنوان یک ساختمان بلند در بسیاری از شهرهای اروپا محسوب گردد (شکل ۲).

از مسایل مهمی که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی شهرهای بزرگ جهان با آن مواجه شدند، ساخت بناهای بلند با شیوه امروزی است. اینگونه بناها در ابتدا به منظور بهره گیری بهتر از زمین های مرکز شهر در شهرهای بزرگ کشورهای غربی مورد استفاده قرار گرفتند. پس از گذشت چند دهه شهرهای بزرگ کشورهای در حال رشد نیز، به تقلید از آن شهرها یا بر حسب ضرورت، از بناهای بلند استفاده نمودند (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹). در حال حاضر تناسباتی یکی از مسائلی است که شهرها با آن متمایز شده اند و نمادی برای زندگی مدرن است که نشان می دهد ساختمان های بلند به سرعت در حال رشد هستند. برخی از فاکتورهای مهم گرایش به ساختمان های بلند مرتبه عبارتند از: جمعیت، نفوذپذیری، مدیریت شهری و نمادین بودن. ساختمانهای بلند مرتبه تنها جهت حل مشکلات ذکر شده در بالا است ولی خود باعث مشکلاتی چون: تاثیر در بافت شهری مانند فرهنگ، محیط زیست، آلودگی محیط زیست

قرن ۱۹ در شیکاگو برمی گردد. و این در حالی است در سه دهه گذشته این ساختمان ها به سرعت توسعه یافتند (شکل ۱).

ساختمان های بلندمرتبه تنها یک پدیده از شهر حاضر و به صورت جداگانه یا بدون تاثیر بر برنامه ریزی شهری نیست. مطالعه و تحقیق برج های بلند معمولاً به همراه محیط پیرامون آمده است. به عبارت دیگر هنگام اندازه گیری ارتفاع ساختمان های بلند، باید در چهارچوب محیط اطراف توجه نمود سپس می توان تصمیم گرفت که آن ساختمان ها مرتفع هستند یا آسمان خراش شناخته می شوند. ملاک ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش صرفاً ارتفاع نیست. جنبه های مختلفی در این خصوص باید بررسی شود. شورای ساختمان های بلند و زیستگاه شهری (CTBUH) تعدادی از جنبه هایی که باید هنگام محاسبه ارتفاع ساختمان ها بررسی شود را تعریف کرده است، این جنبه ها عبارتند از: نسبت، فناوری، بافت شهری.

همان طور که روشن است یکی از جنبه ها به بافت شهری مربوط است. این بدان معناست که بین ساختمان های شهری و بلند مرتبه ارتباط قوی وجود دارد و جدا از یکدیگر نیستند و هر یک بر دیگری تاثیرگذار است. برای نمونه، هر برج دارای چهره طبق در شانگهای و یا هر شهر دیگری که به

و سایه اندازی است.

۳-۳. مرور تعاریف ساختمان بلند مرتبه

برای ساختمانهای بلند از دیدگاههای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هر یک از منظر خود به تعریف بلند مرتبه سازی پرداخته اند. در طول زمان و در مکانهای مختلف نیز تعاریف ساختمانهای بلند متفاوت بوده است. فرهنگ جدید انگلیسی آکسفورد می گوید، ساختمانی که طبقات بلند داشته باشد. از دیدگاه مهندسان ساختمان، هنگامی می توان بنایی را بلند مرتبه یا مرتفع نامید که ارتفاع آن باعث شود نیروهای جانبی ناشی از زلزله و باد بر طراحی آن تاثیر قابل توجهی بگذارد و بر این مبنا از لحاظ ارتفاع، ساختمانهای بیشتر از ۱۰ طبقه را بلند مرتبه به شمار می آورند.

۳-۴. تاریخچه بلند مرتبه سازی در جهان

قرن بیستم شاهد تحولات بی سابقه ای در زمینه های گوناگون علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی بوده است (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵-۴۴۶). با افزایش جمعیت، تشکیل شهرها و کلان شهرها، مسکن نیز حکم کالایی خاص را یافت و دارای ابعاد گوناگون و تاثیرگذار بر دیگر شاخص های اقتصادی شد. حق برخورداری از مسکن مناسب در سال ۱۹۴۸ به طور رسمی در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح گردید (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). بی تردید بهره گیری از آزادی ها و حقوق اساسی یک انسان در گرو زیست سالم، بی دغدغه و امن است و این همه بدون برخورداری از سرپناهی مناسب و ایمن حاصل نمی شود (رفیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). مسکن به عنوان نوعی سرمایه گذاری دارای مفهوم اقتصادی نیز هست، از طرفی الگوهای سکونتی نیز ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیازهای فرهنگی جامعه دارد. به گونه ای که سیاست های اجرا شده در داخل یک کشور جهت تامین مسکن لزوما در ناحیه دیگری از همان کشور قابل اجرا و قرین توفیق نخواهد بود بدین ترتیب برای پرداختن به موضوع مسکن حتما، باید

مولفه های هویتی هر محل نیز به خوبی شناسایی شوند (تواهن، ۱۳۸۳، ص ۴). حل مشکل مسکن بدون توجه به ویژگی های جمعیتی یک کشور اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است، زیرا شاخص های جمعیتی نظیر تعداد و روند افزایش جمعیت، ساخت آن، درجه عمومیت و پیشرسی ازدواج، مهاجرت، وضعیت اشتغال و ... مستقیماً بر حدود نیاز به مسکن تاثیر می گذارند، به همین جهت شناخت جمعیت و ویژگی های آن گام نخست در رفع این مشکل محسوب می شود (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵-۱۵۶). ارتفاع ساختمان دستاوردی است که راه حل برخی از بزرگترین شهرسازی جدید را در بر میگیرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱).

۳-۵. تاریخچه بلند مرتبه سازی در ایران

بروز بحران آسیب زای مسکن و ضرورت آپارتمان نشینی در کل دنیا، اساساً بازتاب انتقال از جوامع مبتنی بر کشاورزی، نظام ایلاتی و طایفه ای خانواده های پدر سالار و گسترده به نوع دیگری از جوامع مبتنی بر صنعت و خدمات با نظام استقرار شهری و بروز فرهنگ نو ظهور فردگرایی با خانواده های هسته ای می باشد که البته گونه ای انتقال از ساختار جمعیتی با نرخ رشد حدود ۵/۰ درصد و حتی کمتر را به ساختار جمعیتی نوظهوری که رشد سالانه حدود ۳ تا ۴ درصد داشته را نیز شاهد بوده ایم (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

۴-۴. بررسی دیدگاه های مربوط به بلند مرتبه سازی

شناخت هر پدیده ای به درجه شناخت از نظریات و دیدگاه های مربوط به آن پدیده بستگی دارد، بدین معنی که با شناخت دقیق این دیدگاه ها، ادراک آن پدیده آسانتر می گردد. به همین دلیل لازم دانستیم نظریات و دیدگاه های مثبت و منفی مربوط به ساخت و سازهای بلند مرتبه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم

۴-۴-۱. دیدگاه های مخالف با ساختمان های بلند مرتبه

در ارتباط با کیفیت زندگی شهری و مسائل اجتماعی، عقیده نظریه پردازان فوق بر این است که، مجتمع های زیستی های بلند به هیچ وجه جای یک مسکن سالم و طبیعی را نمی گیرند (بالکن جای باغچه)، مالکیت مجتمع های زیستی هیچگاه جای مالکیت یک خانه معمولی را نمی گیرد. بعلاوه، ساختمانهای بلند علیه خود انسان نیز عمل می کنند. زیرا زمینه لازم برای وقوع جنایات را فراهم می سازند. کودکان تماس مستقیم خود را با طبیعت و با همسالان خود از دست می دهند و این امر آثار تأسف باری را هم برای خود کودکان و هم برای والدین آنها در بر خواهد داشت (بحرینی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). به کارگیری ساختمان های بلند مرتبه، به منظور تامین مسکن همگانی، با ناکامی هایی رو به رو بوده است. این نقایص را می توان به در گذشته شهرها با طبیعت تعادل خاصی داشتند، براساس نظر دوکیادس ساختمان های بلند درست برعکس طبیعت و محیط زیست عمل می کنند و مقیاس محیط و جریان طبیعی هوا را نیز به هم می زنند و سبب ایجاد آلودگی می شوند. ساختمان های بلند کلیه ارزش های قدیمی کالبد و سیمای شهرها را زیر پا گذاشته اند و مناظر طبیعی شهرها را از بین می برند (بحرینی، ۱۳۷۶). لوئیس مامفورد منتقد بزرگ معماری، اظهار می دارد: مرتب کردن ساختمان های مرتفع پیوسته یا برج ها، حتی اگر به اندازه ای از یکدیگر جدا شده باشند که بر هم سایه نیندازند، ایجاد محیطی عاری از جذابیت است؛ چون که بناهای پیوسته یا برج ها خورشید را از محیط می گیرند و مقیاس انسانی را تخریب می کنند، محیطی که صمیمیت و آشنا بودن با آن برای خردسالان و بزرگسالان شادی بخش است (شوای، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵).

۴-۴-۲. دیدگاه های موافق با ساختمان های بلند مرتبه

موافقان با ساخت بناهای بلند، ضمن ارایه ی دیدگاه ها و نظریات گوناگون، دلایل بسیاری برای

مزیت این گونه بناها مطرح می کنند. بعضی از این نظریات، احداث بناهای بلند را نوعی واقع گرایی دانسته و با توجه به شرایطی که در قرن حاضر ایجاد گردیده است، بر استفاده از ساختمان بلند تاکید می کنند و در مجموع با توجه به رشد جمعیت شهرهای بزرگ، احداث ساختمان های بلند را راه حل طبیعی و مناسب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ می دانند (حبیبی، ۱۳۸۸). معمارانی چون گریبوس معتقد بودند که ساختن بناهای مسکونی مرتفع، امکان استفاده از زمین آزاد (باغ) و زمین های بازی را بیشتر می کند، ساختمان و زمین، آفتاب بهتر و بیشتری می گیرند و از این روی خانه های بلند برتری دارند (اعتصام، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). در طرح های شهری، معمارانی چون میس وندروهه و گروپوس و... به عنوان موافقان با طرح ساختمان های بلند یا ساخت این بناها خواستار انجام تغییر اساسی در شهرهای بزرگ هستند و معتقدند تراکم جمعیت در شهرها روز به روز افزایش می یابد. برای استفاده از فضای آزاد، نور و هوای کافی، احداث ساختمان های بلند لازم است. بنابراین اساس طرح های معماران احداث پارک ها و گردشگاه ها است (گیدئون، ۱۳۸۰، ص ۶۵۱). یک ساختمان بلند مسکونی در آشنایی و نزدیک شدن ساکنان خود همانند آشنایی هایی که در دهات و جوامع کوچک رخ می دهند، نقش اجتماعی مثبتی را ایفا می کند و خارج از این ارزشی مهم شناخته شده است (بهرون، ۱۳۷۵، ص ۴۳). همچنین خانواده ها با عوامل مختلفی که تحت عنوان سلامت محله و روابط اجتماعی، موقعیت، امکانات و خدمات اجتماعی می باشد تمرکز دارند (Belinda Yuen, ۲۰۰۶).

۴-۵. مفهوم فرهنگ

فرهنگ در گسترده ترین معنای خود، چنان که مردم شناسان به کار می برند، نامی ست برای همه ی چیزهایی که دست آورد انسان است و مایه ی جدایی او از طبیعت و برتری او بر دیگر باشندگان

جدول ۳. تعاریف فرهنگ

لووی، ۱۹۳۷	فرهنگ مجموعه ی چیزهایی است که فرد از جامعه خود فرا می گیرد، یعنی باورها، رسم ها، سنجه های هنری، عادت های خورد و خوراک و پیشه هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی به او می رسد (آشوری، ۱۳۸۶: ۴۹).
هرسکوویتس، ۱۹۴۸	فرهنگ در اساس بنایی ست بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و خواسته هایی که شیوه ی زندگی هر ملت را باز می نماید ... و سرانجام عبارت است از هرآنچه یک ملت دارد، هر کاری که می کند و هر آنچه می اندیشد. فرهنگ بخش انسان ساخته ی محیط است (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۱).
لینتون، ۱۹۳۶	وراثت اجتماعی فرهنگ نامیده می شود. فرهنگ، به معنای عام، کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص رگه ای ویژه از میراث اجتماعی (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
مید، ۱۹۳۷	فرهنگ به معنای کلیت در هم تنیده ای است از رفتار فرادادی که نژاد بشر پرورنده است و نسل به نسل آموخته می شود. هیچ فرهنگی را به دقت نمی توان حدگذاری کرد. معنای آن می تواند شکل های رفتار فرادادی خاص یک جامعه، یک گروه از جامعه، یک نژاد، یک حوزه یا دروه های خاص باشد (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
بنت و تومن، ۱۹۴۹	فرهنگ عبارتست از الگوهای رفتار همه ی گروه ها که «راه و روش زندگی» نامیده می شود؛ سیمای پدیدار همه گروه های بشری. رویداد «فرهنگ» برای همه ی گروه ها یکسان است، اما الگوهای ویژه فرهنگ در میان گروه ها گوناگون است. «یک فرهنگ» آن الگوی خاص رفتار است که یک جامعه را از دیگر جامعه ها جدا می کند (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۶).
کلاکن، ۱۹۴۹	فرهنگ را می توان آن بخشی از محیط دانست که آفریده ی دست انسان است (آشوری، ۱۳۸۶: ۶۸).



فرهنگ از جمله کلماتی است که در متون مختلف از کاربرد گسترده ای برخوردار است و همین گستردگی بر ابهام و پیچیدگی آن می افزاید. البته این وسعت استفاده نشانه ابعاد بسیار پنهان فرهنگ است که آن را قادر به نفوذ در امور مختلف می سازد. اهمیت فرهنگ به میزانی است که بعضی آن را سبب تمایز انسان از حیوان می دانند و به عبارتی سخن از این به میان می آورند که انسان حیوانی است با فرهنگ (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۱۶) و عده ای دیگر آن را به مثابه حافظه ای برای جامعه می دانند (تری یاندیس، ۱۳۸۸، ص ۲۶). تاثیر فرهنگ صرفاً به جامعه بر نمی گردد و آن را می توان عامل اولیه ای برای اختلافات فردی نیز دانست (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳). همین برداشت های متنوع؛ این امر را ضروری می سازد تا بیش از پیش به شناخت جایگاه آن در مطالعات معماری و بررسی

طبیعی. برخی کوشیده اند سازماندهی های اصلی پدیده فرهنگ را از هم جدا و طبقه بندی کنند، ولی در کل فرهنگ در برگیرنده ی همه ی چیزهایی ست که یک شکل خاص از زندگی اجتماعی و زندگی اجتماعی انسانی را در کل ممکن می کند و روابط و سازوکارهای درونی آن را سامان می دهد (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). تعریفی که ادوارد بارنت تایلور مردم شناس بزرگ انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه داده است به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. فرهنگ مجموعه ای پیچیده ای است که در برگیرنده دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، خلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد (روح الامینی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

ابعاد و تعاریف آن بپردازیم.

۴-۵-۲. رابطه فرهنگ و معماری

آنچه به عنوان فرهنگ برشمردیم (قوانین، ارزشها و...) تنها بخشی از فرهنگ هر جامعه است. فرهنگ، دارای بعدی دیگر نیز هست به نام بعد مادی و منظور از آن، ساختمان ها، بناها، کارخانه ها و ... است. درواقع، این امور را نیز جزئی از فرهنگ یک جامعه می‌شمارند. چون ریشه در ارزش ها، باورها و... دارند و از همین جا حلقه ارتباط فرهنگ و معماری نمایان می‌شود. «جهت گیری فرهنگ ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل دهی به فضای زیست و پیدایش معماری مؤثر است، چراکه این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و اینگونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می‌شوند» (فلاحی، ۱۳۹۲). شکل و رفتار هر جامعه‌ای به ابزار و اشیای خاصی نیازمند است که معمار باید این وسایل را در نظر بگیرد؛ هر ساختمانی به دلیل آنکه شامل فعالیت های متفاوتی است از فضاهای متنوعی برخوردار است و الزم است این فضاها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به گونه ای خاص سازماندهی شود. یکی از عواملی که تعیین کننده این ارتباطات است، فرهنگ است. فرهنگ تعیین می‌کند که چه فضاهایی باهمدیگر ارتباط داشته باشند و میزان ارتباط چقدر باشد (مهدوی پور، ۱۳۷۷، ص ۵۷). چنانچه معماری را ساخت و سازی بر اساس قالب های ذهنی بنامیم (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، متوجه می شویم که شکل و نظام سازماندهی شهر و معماری هر منطقه متأثر از محیط فرهنگی آن است. در همین راستا می توان بیان کرد که اساسا شناخت مسکن از طریق شناخت لایه های مختلف تاثیرات فرهنگی امکان پذیر است (Baydar, ۲۰۰۴: ۱۹). عده ای اینگونه معتقدند که معماری نیز همانند لباس و سایر وسایل انسانی وسیله ای است برا تطابق با محیط بدون تغییر ساختار بدن انسان (Dezuari, ۲۰۱۰: ۴۴۶). و آنچه این تطابق را ممکن

می سازد، فرهنگ و یا به عبارتی نظام ذهنی اوست (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷). بدین لحاظ است که بنا را می توان، نهاد و پدیده اساسی فرهنگ (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۵۷) و نشانه یک باور (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۴) دانست. تا حدی که حاضر است خواسته های خود را بر مشکلات اجرایی و اقتصادی برتری دهد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۵۴، و راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

۴-۶. فرهنگ سکونتی

فرهنگ رابطی است بین انسان و محیط بیرون تا ریشه او را هم در طبیعت و هم در جامعه مستحکم سازد. به کمک فرهنگ انسان ها به هم وابسته و نزدیک می‌شوند و با مشترکات ذهنی که زائیده همین فرهنگ است، ملت به وجود می‌آید که پیوندگاه او را اشتراکی است در خاطره ها و اشتراک در چیزهایی که دوست میدارند و اشتراک در چیزهایی که دشمن میدارند و اشتراک زبان و چیزهایی دیگر. فرهنگ به معنای خاص به سرمایه معنوی یک قوم گفته می‌شود که همه آثار ادبی و هنری را در برمی گیرد. یکی از تفاوت های اصلی در فرهنگ های مختلف این است که فرهنگ ها تعمیم دهنده اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازواره بشری هستند. هر کجا که اقتباس فرهنگی در بین باشد، موضوع اقتباس شده بایستی با فرهنگ جدید توافق داشته باشد. در غیر این صورت تغییرات قدیم و جدید باهم همسازی نداشته، و در بعضی موارد، حتی دوالگوی کاملاً متناقض هستند (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

۴-۶-۱. ریشه های ایده تاثیر محیط بر انسان

معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن (مثل شهرها، معابد، آرامگاه ها، مقابر و خانه ها) در هر یک از تمدن های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبادر نموده و بالنتیجه بر ادراک او از محیط و بر رفتار او در محیط تاثیر کرده، و در نهایت فرهنگ او را شکل داده و متحول می نموده است. ادیان الهی نیز مکان هایی را به عنوان

مکان و فضای مقدس معرفی نموده اند، که همین امر عامل بنیادین تعریف و تعیین کیفیت فضا بوده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام مورد توجه فلاسفه و مصلحین بوده است.

۴-۶-۲. فرهنگ ساکنین و محیط مصنوع

در طراحی محیط های مصنوع، کاربران در گروه های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی میباشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان میباشند. این تفاوت ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ ها نیز وجود داشته باشد.

۵. مبانی نظری بلندمرتبه سازی و فرهنگ سکونتی

در این بخش از پژوهش ابتدا به بررسی نظریات جامعه شناسی و فرهنگی غالب بر سکونت خواهیم پرداخت و پس از آن به بررسی نظریات مرتبط با بلندمرتبه سازی خواهیم پرداخت.

۵-۱. نظریه جبرگرایی

از نظریه های مهم در مورد مسایل جامعه شناسی شهری، تئوری جبرگرایی یا اکولوژیکی را می توان نام برد. جبر گرایان مدعی اند شهرنشینی نا به سامانی های شخصیتی و اجتماعی را افزایش می دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹). مفاهیم مورد استفاده در بوم شناختی که پارک پایه گذار آن بود به شرح زیر است.

۱- تسلط: به این معنا که درخت بلند بر محیط مسلط می شود و نور را به خود تخصیص می دهد.
۲- هجوم و استقرار: هجوم به معنی حرکت یک گروه نژاد ی یا قومی به یک منطقه است که در صورت موفقیت به استقرار آن گروه منجر می شود.
۳- همزیستی: این مفهوم به معنی وابستگی متقابل سازواره های متفاوت و اجتماعی است.

پارک معتقد بود که اجتماع همانند محیط طبیعی است و در آن جریان های شبه فرهنگی مانند رقابت، همکاری، تضاد و یگانه شدن وجود دارد

یعنی اجتماع شهری محیطی زنده است که تحت تاثیر نیروهای شبه طبیعی و شبه فرهنگی قرار دارد. آنچه او در نظر دارد، حرکت جمعیت با بررسی سن، جنسیت، نژاد، قومیت و ابعادی از این قبیل است. به عقیده پارک حتی حرکتهای بوم شناختی مثل نیروهای شبه فرهنگی می تواند در شکل شهر تاثیر داشته باشد (ممتاز، ۱۳۸۱، صص ۱۲۹-۱۲۴).

۵-۲. رویکرد ترکیب گرایی

در مقابل نظریه جبرگرایی، دیدگاه یا نظریه ترکیبی (فضایی) قرار دارد. از میان نظریه پردازان این دیدگاه، هربرت گانز جایگاه مهمی دارد (گانز ۱۹۶۸، نقل از کامران و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۳۴-۲۹). از نظریه پردازان این دیدگاه می توان به اسکار لوئیس، گریگوری استون، دانکن و رایزر، جرال دستلز، جاکوبز و گنز اشاره کرد. گنز جایگاه مهمی در میان نظریه پردازان ترکیب گرا دارد و معتقد است حیات اجتماعی شهرنشینان بیشتر به عوامل غیراقتصادی مانند طبقه اجتماعی، قومیت و مراحل عمر وابسته است. به نظر وی خلاف آنچه جبرگرایان مدعی شده اند، عوامل اکولوژیکی، مخصوصا اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروههای شهری هیچ گونه عارضه مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد (گانز، ۱۹۶۸، ص ۳۴). گنز شیوه های مختلف زندگی را متأثر از ویژگی های عمومی اجتماعی مثل سن، درآمد یا سطح سواد افراد می دانست. گنز بر همین اساس چهار گروه اجتماعی (جهان وطنان، مجردان یا بی بچه ها، روستاییان قوم گرا، محرومان در تله افتاده) را در شهرهای آمریکایی شناسایی کرد و چهار شیوه خاص زندگی ایشان را مورد بررسی قرار داد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹، صص ۲۱۰-۲۰۹).

۵-۳. رویکرد فرهنگ گرا

دیدگاه سوم یعنی نظریه خرده فرهنگی یا فرهنگ گرا بینشی جدید و در اصل سنتز دو نظریه فوق الذکر است یعنی این دیدگاه در حالی که فرضیه اصلی نظریه ترکیبی را تأیید می کند، به این نکته

نیز می پردازد که شهرنشینی اثرات خاصی بر شهرنشینان می گذارد و پیامدهایی نیز دربردارد. از یک طرف جمعیت زیاد شهر باعث پیدایش گروه های اجتماعی می شود. مانفرد کان معتقد است واکنش افراد در مقابل اشیاء و پدیده ها و موضوعات مختلف، بر اساس معنای آنها رخ میدهد؛ یعنی فرد در جریان کنش و برخورد مستقیم و تجربه داشتن از شیء یا موضوع آن را تعبیر و تفسیر کرده و با توجه به ارزیابی هایش نگرش خاصی پیدا میکند. مانفرد کان در بیان فایده و اهمیت دیدگاه های کیفی و انفرادی انسان نظیر نگرشها و رفتارهای وی برای کنش متقابل نمادین چنین بیان میکند: «افراد هویت خود را طی جریان تماس با دیگران کسب میکنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد دربار هی خویشتن حاصل چیزی است که دیگران درباره فرد میاندیشند، گرایش ها و رفتارهای آشکار همان چیزی است که از دیگران بهره داشته و در جریان تماس و معاشرت کسب میشود» (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

۵-۳-۱. عوامل فرهنگی اجتماعی دخیل در بناهای مرتفع

اجتماع و فرهنگ نقش کلیدی را در پذیرفتن یا نپذیرفتن توسعه ساختمان های بلند بازی می کند. در جوامعی که زندگی در بناهای مرتفع یک قاعده اساسی است، فرهنگ محلی بدون هیچ مشکلی با اضافه کردن ساختمان های بلند جدید شکل می گیرد. مردمی که متولد و در ساختمانهای بلند تربیت می شوند معمولاً هیچ مشکلی برای ادامه زندگی در این محیط ندارند. در مقابل، مردم در برخی از جوامع سنتی که برای قرنها در ساختمان های با ارتفاع کم زندگی کرده اند ممکن است در ابتدا احساسی از ناراحتی در زندگی در بناهای مرتفع داشته باشند تا زمانی که آن ها خود را با شیوه جدید زندگی تطبیق دهند. در واقع، نوعی از روابط اجتماعی در بناهای مرتفع ایجاد شده که متفاوت است از آن چه در ساختمان های کوتاه مرتبه تجربه

می شود (Belinda Yuen, ۲۰۰۶). ساختمان های مسکونی بلند، به طور خاص، به اثرات اجتماعی مرتبط است. بسیاری از محققان در مورد اثرات اجتماعی و روانی زندگی در مسکن بلند مرتبه ابراز نگرانی کرده اند. در حالی که بناهای بلند ممکن است برای مردم تنها و زوج های جوان؛ و برای یک خانواده با کودکان کمتر مطلوب باشد.

۶. بلند مرتبه سازی و فرهنگ سکونتی

در این بخش به جمع بندی مطالب فوق و ادغام این دو نظریه پرداخته می شود. عواملی که در فرهنگ و سکونت در شهر نیز تاثیر می گذارد باید لیست شود؛ عوامل به وجود آورنده هویت؛ تعاملات اجتماعی؛ همسایگی؛ حس تعلق به مکان؛ طول مدت سکونت، افزایش سلامت، امنیت، تعامل اجتماعی؛ دل بستگی؛ احساس رضایت؛ شخصی سازی محیط؛ قلمرو، احترام به خود، حس مالکیت. ایجاد هویت تعلق مکانی را افزایش می دهد و در نتیجه احساس رضایت را بیشتر می کند که کیفیت محیط می تواند این عوامل را معرفی کند.

۷. یافته های پژوهش

اولین گام در این پژوهش شناسایی مهم ترین شاخص های بلند مرتبه سازی مؤثر بر فرهنگ سکونتی می باشد. برای این منظور طی یک بررسی مبانی نظری، عمده ترین شاخص های مؤثر در بلندمرتبه سازی، شناسایی گردید. سپس این شاخص های بر اساس یک اجماع نظر از خبرگان با استفاده از روش دلفی مورد تحلیل قرار گرفت که در ادامه به این فرایند و نتایج آن اشاره شده است. دو مورد بیان شده (تست ۰/۱ و حذف شاخص بی اهمیت) در مرحله سوم نیز صورت می گیرد. بر اساس منطق روش دلفی، معیار اختلاف میانگین، دو تکرار آخر می باشد. بدین معنی که در مرحله سوم، اختلاف بین میانگین امتیازات در دور دوم و سوم مقایسه می گردند. این فرایند تا زمانی که تمامی اختلافات کمتر از ۰/۱ شود، ادامه می یابد. دور اول روش دلفی. در پرسشنامه دلفی از پاسخ دهندگان

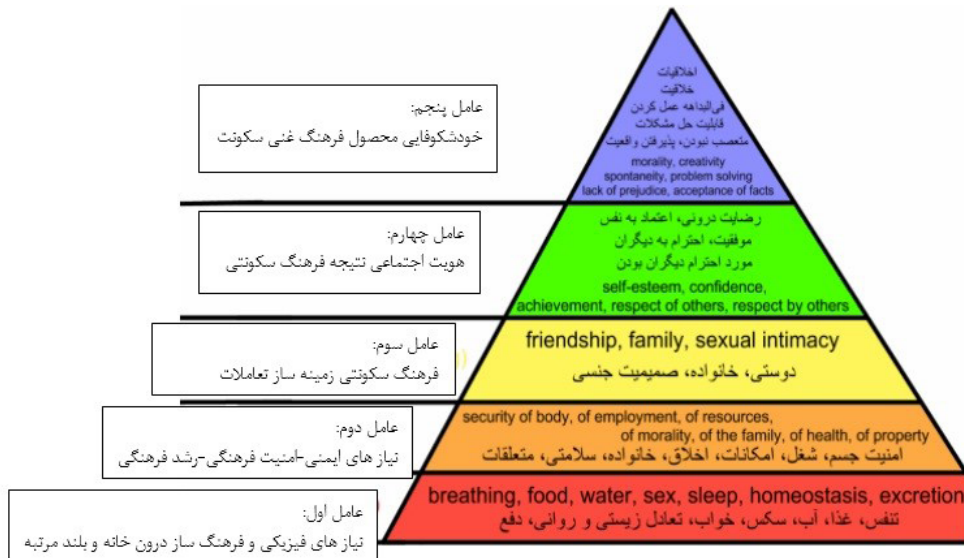
جدول ۱. مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونت؛ ماخذ: فراستی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.

مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونت	
عامل اول نیازهای فیزیکی	تناسبات؛ محصوریت؛ تعین فضایی؛ مقیاس انسانی؛ وضوح؛ پیوستگی فضایی؛ فضای سبز؛ تراکم؛ نفوذپذیری؛ فضای باز؛ تنوع محیط
عامل دوم نیاز ایمنی و آرامش	فرهنگ امنیتی؛ آسایش؛ امنیت فضای کودکان؛ کنترل تداخل فضایی؛ نظارت اجتماعی؛ شبکه دسترسی؛ کنترل محیط بر انسان
عامل سوم فرهنگ تعاملات اجتماعی و	مشارکت اجتماعی؛ حضور پذیری؛ تعامل انسان در محیط؛ ساختار اجتماعی؛ واکنش اجتماعی؛ پیوستگی فعالیتی؛ عدم پذیرش غریبه ها؛ فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا؛ مکان های مردمی
عامل چهارم فرهنگ سکونت و هویت اجتماعی	غنی بودن محیط؛ خوانایی؛ خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)؛ ایجاد سلسله مراتب در قلمرو؛ حریم؛ نمادین بودن؛ تشخیص فضایی
عامل پنجم فرهنگ سکونت و نظم و خودشکوفایی	وحدت و نظم اجتماعی؛ عزت نفس؛ حس تعلق و دلبستگی به محیط؛ زیبایی؛ سرزنده و خوشایند بودن؛ محیط معنا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۷



به محیط» و کمترین امتیاز به شاخص های «تغییر پذیری و پیوستگی فضایی و غنی بودن محیط» داده شده است. دور دوم روش دلفی. در بخش اول از پرسشنامه دور دوم روش دلفی، مجموعه شاخص هایی ارائه گردید که به استناد مرحله اول دلفی به عنوان شاخص های مؤثر بر بلندمرتبه سازی تشخیص داده شد. بخش

(خبرگان) خواسته شد تا میزان تأثیر هر یک از ۴۱ شاخص ها بر طراحی فضای شهری انعطاف پذیر را با انتخاب یکی از گزینه های موجود اعلام کنند. این گزینه ها به صورت طیف لیکرت بوده است. چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود، در سنجش دور اول بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص های «سرزنده و خوشایند بودن و حس تعلق و دلبستگی

جدول ۲. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور اول): مأخذ: نگارندگان، (۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۸۹	۰/۷۴	۱۰
۲. محصوریت	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۸	۲۳
۳. تعیین فضایی	۳۲	۳,۳۱	۰/۷۷	۳۴
۴. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۹	۰/۷۰	۱۹
۵. وضوح	۳۲	۳,۵۶	۰/۷۴	۲۵
۶. پیوستگی فضایی	۳۲	۳,۰۱	۰/۷۴	۴۰
۷. فضای سبز	۳۲	۳,۵۷	۰/۵۶	۲۱
۸. تراکم	۳۲	۳,۸۱	۰/۷۷	۱۲
۹. تغییر پذیری	۳۲	۲,۹۲	۰/۵۸	۴۱
۱۰. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۵	۰/۸۱	۵
۱۱. فضای باز	۳۲	۳,۵۸	۰/۶۴	۲۰
۱۲. تنوع محیط	۳۲	۳,۳۵	۰/۸۶	۳۲
۱۳. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۵	۰/۶۲	۷
۱۴. آسایش	۳۲	۴,۴۰	۰/۵۱	۴
۱۵. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۷۲	۰/۷۵	۱۵
۱۶. کنترل تداخل فضایی	۳۲	۳,۴۱	۰/۹۶	۳۰
۱۷. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۲۷	۰/۹۷	۶
۱۸. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۹	۰/۹۸	۱۷
۱۹. کنترل محیط بر انسان	۳۲	۳,۴۹	۰/۸۶	۲۷
۲۰. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۷	۱۸
۲۱. حضور پذیری	۳۲	۳,۷۶	۰/۸۰	۱۴
۲۲. تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۹	۲۲
۲۳. ساختار اجتماعی	۳۲	۳,۴۷	۰/۶۹	۲۸
۲۴. واکنش اجتماعی	۳۲	۳,۱۹	۱/۱۲	۳۷
۲۵. پیوستگی فعالیتی	۳۲	۳,۲۷	۱/۰۹	۳۳
۲۶. عدم پذیرش غریبه‌ها	۳۲	۳,۸۳	۱/۱۳	۱۱
۲۷. فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳۲	۳,۲۸	۱/۰۰	۳۶
۲۸. مکان‌های مردمی	۳۲	۳,۹۶	۰/۷۴	۹
۲۹. غنی بودن محیط	۳۲	۳,۰۷	۰/۷۴	۳۹
۳۰. خوانایی	۳۲	۳,۷۱	۰/۶۶	۱۶
۳۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۷	۳

دوم پرسشنامه نیز به پرسش در خصوص اهمیت شاخص‌ها در حالت اصلاح شده و جدید می‌پردازد که اصلاحات آن در ادامه بیان شده است. با توجه به پیشنهاد مطرح شده توسط تعدادی از خبرگان، «مدیریت شهری» به پرسشنامه دور دوم اضافه گردید.

بنابراین، در پرسشنامه دوم، لیستی از شاخص جدید پیشنهادی و شاخص‌های باقیمانده، را تشکیل داد. پرسشنامه دور دوم دلفی (شامل ۲۷ شاخص) نیز به همان ۳۲ نفر تحویل داده شد که شاخص‌های مذکور به شرح جدول (۳) می‌باشند. چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود، در سنجش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «آسایش» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «خوانایی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

با توجه به اطلاعات جدول (۴)، ۱۴ شاخص از پرسشنامه دور دوم کنار گذاشته شد که در این بین ۸ شاخص «محوریت»، «وضوح»، «فضای سبز»، «فضای باز»، «تعامل انسان در محیط»، «خوانایی»، «حریم» و «زیبایی»، به دلیل امتیاز کمتر حذف و ۶ شاخص «مقیاس انسانی»، «تراکم»، «فرهنگ امنیتی»، «وحدت و نظم اجتماعی»، «حس تعلق و دلبستگی به محیط» و «سرزنده و خوشایند بودن» نیز به دلیل اتفاق نظر جمعی مورد پذیرش قرار گرفتند و در مرحله سوم مورد سنجش قرار نمی‌گیرد.

دور سوم روش دلفی. در این دور، مشابه روش دور دوم عمل گردید. پرسشنامه دور سوم با ۱۳ شاخص توزیع که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

در سنجش دور سوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «نظارت اجتماعی» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «امنیت فضای کودکان» داده شده است. همچنین مقایسه میانگین در دور دوم و سوم نیز به صورت جدول (۶) نشان داده شده است.

با توجه به نتایج جدول (۶)، می‌توان گفت: اولاً، نظرات در خصوص تمامی شاخص‌ها به جز ۴ شاخص که دارای امتیاز پایین می‌باشد، به دلیل آنکه اختلاف کمتر از ۰/۱ را در مقایسه دو مرحله آخر داشته‌اند، به جمع بندی نهایی رسیده است. علاوه بر این، با حذف چهار شاخص «امنیت فضای کودکان»، «عدم پذیرش غریبه‌ها»، «خاطره‌انگیز بودن» و «نمادین بودن» که دارای امتیاز کمتر از ۳/۵ بودند و امتیاز بالاتر از ۳/۵ برای اکثر شاخص‌ها نشان دهنده، مؤثر بودن آن‌ها در فرهنگ سکونتی متأثر از بلندمرتبه سازی می‌باشد.

بر طبق حدود (۷) مقدار ۰،۰۲۴، ۰،۰۴۹، ۰،۰۱۲ و ۰،۰۵ شاخص‌های معنی دار که کمتر از معیار ۰،۰۵ می‌باشد، همبستگی پاسخ‌ها را تأیید می‌کنند. همچنین مقدار بالاتر از ۰/۵ برای ضریب دلبلیوی کندال نیز تطابق قابل قبول نظرات را در این آزمون نشان می‌دهد. شایان ذکر است با توجه به اینکه در آزمون دلبلیو کندال، مقدار درجه آزادی بر اساس تعداد گویه‌ها محاسبه (و نه تعداد مشاهدات) بنابراین در این مرحله برای ۴۱ گویه مورد آزمون، درجه آزادی $40 = 41 - 1$ تعیین شده است. چنانچه در جداول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همبستگی در طی سه مرحله رو به افزایش است که این امر ضمن تأیید همگرایی و هم شدن نظرات خبرگان در طول فرایند آزمون، بیانگر میزان بالای اجماع نظر ۷۲،۵ درصدی در متغیرهای تعریف شده می‌باشد. در مجموع ۱۵ شاخص زیر با استفاده از مدل دلفی به عنوان شاخص‌ها اصلی در خصوص تاثیر بلند مرتبه سازی در فرهنگ سکونتی استخراج گردید که بر اساس امتیازات کسب شده توسط هر شاخص از مدل دلفی، جدول رتبه بندی شاخص‌ها ارائه گردیده است.

۸. نتیجه گیری و جمع بندی

همان گونه که انسان بر اساس باورها و سنت و جهان بینی و فرهنگ خویش محیطی را می‌سازد که بتواند ضمن آن که آیین‌ها و ارزش‌های

جدول ۴. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله اول و دوم؛ مأخذ: یافته‌های پژوهش

اختلاف میانگین	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله اول	شاخص
۰,۱۸	۳,۷۱	۳,۸۹	۱. تناسبات
۰,۱	۳,۴۶	۳,۵۶	۲. محصوریت
***	***	۳,۳۱	۳. تعیین فضایی
۰,۰۴	۳,۵۵	۳,۵۹	۴. مقیاس انسانی
۰,۴۱	۳,۱۵	۳,۵۶	۵. وضوح
***	***	۳,۰۱	۶. پیوستگی فضایی
۰,۵۴	۳,۰۳	۳,۵۷	۷. فضای سبز
۰,۰۳	۳,۷۸	۳,۸۱	۸. تراکم
***	***	۲,۹۲	۹. تغییر پذیری
۰,۱۱	۴,۲۴	۴,۳۵	۱۰. نفوذپذیری
۰,۷۳	۲,۸۵	۳,۵۸	۱۱. فضای باز
***	***	۳,۳۵	۱۲. تنوع محیط
۰,۰۴	۴,۱۱	۴,۱۵	۱۳. فرهنگ امنیتی
۰,۳۳	۴,۷۳	۴,۴۰	۱۴. آسایش
۰,۱۱	۳,۶۱	۳,۷۲	۱۵. امنیت فضای کودکان
***	***	۳,۴۱	۱۶. کنترل تداخل فضایی
۰,۴۲	۴,۶۹	۴,۲۷	۱۷. نظارت اجتماعی
۰,۱۲	۳,۵۷	۳,۶۹	۱۸. شبکه دسترسی
***	***	۳,۴۹	۱۹. کنترل محیط بر انسان
۰,۰۱	۳,۶۳	۳,۶۲	۲۰. مشارکت اجتماعی
۰,۱۵	۳,۹۱	۳,۷۶	۲۱. حضور پذیری
۰,۱۶	۳,۴۰	۳,۵۶	۲۲. تعامل انسان در محیط
***	***	۳,۴۷	۲۳. ساختار اجتماعی
***	***	۳,۱۹	۲۴. واکنش اجتماعی
***	***	۳,۲۷	۲۵. پیوستگی فعالیتی
۰,۱۸	۳,۶۵	۳,۸۳	۲۶. عدم پذیرش غریبه‌ها
***	***	۳,۲۸	۲۷. فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا
۰,۲۰	۴,۱۶	۳,۹۶	۲۸. مکان‌های مردمی
***	***	۳,۰۷	۲۹. غنی بودن محیط
۱,۱۲	۲,۵۹	۳,۷۱	۳۰. خوانایی

اختلاف میانگین	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله اول	شاخص
۰,۰۱	۴,۴۳	۴,۴۲	۳۱.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)
***	***	۳,۱۵	۳۲.ایجاد سلسله مراتب در قلمرو
۰,۶۲	۲,۹۵	۳,۵۷	۳۳.حریم
۰,۱۵	۳,۹۴	۳,۷۹	۳۴.نمادین بودن
***	***	۳,۳۸	۳۵.تشخص فضایی
۰,۰۷	۴,۱۵	۴,۰۸	۳۶.وحدت و نظم اجتماعی
***	***	۳,۲۹	۳۷.عزت نفس
۰,۰۲	۴,۶۱	۴,۵۹	۳۸.حس تعلق و دلبستگی به محیط
۰,۹۱	۲,۶۴	۳,۵۵	۳۹.زیبایی
۰,۱۰	۴,۵۱	۴,۶۱	۴۰.سرزنده و خوشایند بودن
***	***	۳,۴۴	۴۱.محیط معنا
***	۳,۶۱	***	۴۲.مدیریت شهری

جدول ۵. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور سوم) : مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخها	میانگین پاسخها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۳۷		۱۰
۲. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۲		۳
۳. آسایش	۳۲	۴,۶۹		۲
۴. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۲۸		۱۳
۵. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۷۵		۱
۶. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۱		۷
۷. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۵۸		۸
۸. حضور پذیری	۳۲	۳,۹۴		۵
۹. عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۳۲		۱۱
۱۰. مکان های مردمی	۳۲	۴,۲۳		۴
۱۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۳,۴۶		۹
۱۲. نمادین بودن	۳۲	۳,۴۷		۷
۱۳. مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۲		۶

بوده و او را در جهت وصول به آن ها یاری نماید، در دهه های اخیر به شیوه های گوناگون این موضوع مورد بررسی و تایید قرار گرفته که محیط تاثیری جدی بر رفتار و روان و در نتیجه تغییرات فرهنگی انسان دارند. با توجه به مفهوم بلند مرتبه سازی و شاخص های مربوط به آن مواردی مورد تایید قرار گرفت که بر فضای فرهنگی سکونت تاثیرات مهم و مفیدی واقع گردیده است و در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص های استخراج شده از مبانی و مدل دلفی ۱۵ شاخص به عنوان شاخص های بلند مرتبه سازی شناخته شد که با توجه به رتبه بندی انجام شده قابلیت های نظارت اجتماعی، آسایش، حس تعلق و دلبستگی به محیط و سرزنده و خوشایند بودن را می توان به عنوان مهمترین

جدول ۶. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف میانگین
۱. تناسبیات	۳,۷۱	۳,۶۲	۰/۰۹
۲. محصوریت	۳,۴۶	---	---
۳. مقیاس انسانی	۳,۵۵	---	---
۴. وضوح	۳,۱۵	---	---
۵. فضای سبز	۳,۰۳	---	---
۶. تراکم	۳,۷۸	---	---
۷. نفوذپذیری	۴,۲۴	۴,۳۲	۰,۰۸
۸. فضای باز	۲,۸۵	---	---
۹. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	---	---
۱۰. آسایش	۴,۷۳	۴,۶۹	۰,۰۴
۱۱. امنیت فضای کودکان	۳,۶۲	۳,۲۸	۰,۳۴
۱۲. نظارت اجتماعی	۴,۶۹	۴,۷۵	۰,۰۵
۱۳. شبکه دسترسی	۳,۵۷	۳,۶۱	۰,۰۴
۱۴. مشارکت اجتماعی	۳,۶۳	۳,۵۸	۰,۰۵
۱۵. حضور پذیری	۳,۸۵	۳,۹۴	۰,۰۹
۱۶. تعامل انسان در محیط	۳,۴۲	---	---
۱۷. عدم پذیرش غریبه ها	۳,۶۵	۳,۳۲	۰,۳۳
۱۸. مکان های مردمی	۴,۱۶	۴,۲۳	۰,۰۷
۱۹. خوانایی	۲,۵۹	---	---
۲۰. خاطره انگیزی بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۳,۴۶	۰,۹۶
۲۱. حریم	۲,۷۹	---	---
۲۲. نمادین بودن	۳,۹۴	۳,۴۷	۰,۴۷
۲۳. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	---	---
۲۴. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۶۱	---	---
۲۵. زیبایی	۲,۶۴	---	---
۲۶. سرزنده و خوشایند بودن	۴,۵۱	---	---
۲۷. مدیریت شهری	۳,۶۱	۳,۶۲	۰,۰۱

جدول ۷. آزمون همبستگی دلبیوی کندال؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

مرحله دلفی	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی دلبیوی کندال	شاخص کای دو	درجه آزادی	شاخص معنی داری (Sig.)
اول	۳۲	۰,۵۴۶	۵۸۲,۰۳۶	۴۰	۰,۰۲۴
دوم	۳۲	۰,۶۲۱	۵۰۸,۸۵۱	۲۶	۰,۰۴۹
سوم	۳۲	۰,۷۲۵	۳۵۱,۷۸	۱۲	۰,۰۱۲

جدول ۸. رتبه بندی شاخص‌های بلندمرتبه سازی با استفاده از مدل دلفی؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

رتبه	امتیاز	شاخص
۱	۴,۷۵	۱. نظارت اجتماعی
۲	۴,۶۹	۲. آسایش
۳	۴,۶۱	۳. حس تعلق و دلبستگی به محیط
۴	۴,۵۱	۴. سرزنده و خوشایند بودن
۵	۴,۳۲	۵. نفوذپذیری
۶	۴,۲۳	۶. مکان های مردمی
۷	۴,۱۱	۷. فرهنگ امنیتی
۸	۴,۰۵	۸. وحدت و نظم اجتماعی
۹	۳,۹۴	۹. حضور پذیری
۱۰	۳,۷۸	۱۰. تراکم
۱۱	۳,۶۲	۱۱. مدیریت شهری
۱۲	۳,۶۱	۱۲. شبکه دسترسی
۱۳	۳,۶۰	۱۳. تناسبات
۱۴	۳,۵۸	۱۴. مشارکت اجتماعی
۱۵	۳,۵۵	۱۵. مقیاس انسانی

شاخص های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- هایدگر، مارتین، (۱۳۷۷) فلسفه تکنولوژی، آثاری از مارتین هایدگر و ... مترجم: اعتماد، شاپور، تهران، چهارده
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۶) تعریفها و مفهوم فرهنگ، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر آگه
- ۳- یوسفی، ناصح، (۱۳۸۶) نقش فرهنگ شهری و تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار، همدان، آموزشگاه فنی و حرفه ای سما
- ۴- لنگ، جان، (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه عینی فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۵- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۶۹) نشریه: جامعه شناسی و علوم اجتماعی زمستان ۱۳۶۹، شماره ۴
- ۶- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجد و پس

از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ

- ۷- رفیعی، مینو، (۱۳۸۳) حق مسکن در ایران، سیاست های تامین مسکن برای گروه های خاص، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۵ و ۳۶
- ۸- قائم مقامی، پروین؛ زرغامی، اسماعیل؛ پوردیپیمی، شهرام (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی، ۱۳۸۹.
- ۹- مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۱۰- حسامیان، فرخ و دیگران، (۱۳۷۷) شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ سوم
- ۱۱- شکوهی، علی، (۱۳۸۲) بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی انبوه سازی مسکن در شهر زنجان، فصلنامه انبوه سازان مسکن، شماره ۹ و ۱۰
- ۱۲- رزاقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی محسن؛ دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۹) طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلا نشهر تهران، باغ نظر، بهار ۱۳۸۹.

- ۱۳- عربی بلاغی، نادر، (۱۳۸۲) الزامات بلند مرتبه سازی به عنوان شکلی از انبوه سازی مسکن، فصلنامه انبوه سازان مسکن، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰
- ۱۴- پوردیهیمی، شهرام، (۱۳۹۱) شهر، مسکن و مجموعه ها، تهران، انتشارات آرمان شهر
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۴) لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۶- عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۱۷- معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۸- عینی فر، علیرضا، (۱۳۷۹) عوامل انسانی، محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ص ۱۰۹-۱۱۸
- ۱۹- عینی فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده، (۱۳۹۰) مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی (مطالعه مقایسه ای دو مجموعه مسکونی در سطح و ارتفاع در تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ص ۱۷-۲۸
- ۲۰- زرغامی، اسماعیل، (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوم، ص ۱۰۳-۱۱۵
- ۲۱- مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۲۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۰) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگه
- ۲۳- فلاحی، مریم، (۱۳۹۲) تاثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران
- ۲۴- مهدوی پور، حسین، (۱۳۷۷) مقدمه ای بر تاثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۸۴، ص ۵۲-۶۰
- ۲۵- امامی، صابر، (۱۳۸۸) حافظ و هویت فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، ص ۶۷-۸۵
- ۲۶- نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸) هویت: تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
- ۲۷- نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده (۱۳۸۰) فضای کیفی، معماری و شهر، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰
- ۲۸- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵
- ۲۹- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۷) زمینه فرهنگ شناسی تالیفی در انسان شناسی، مردم شناسی، چاپ چهارم، تهران، عطار
- ۳۰- تری یاندریس، هری س، (۱۳۸۸) فرهنگ و رفتار اجتماعی، مترجم ن، فتی، چاپ سوم، تهران، رسانش
- ۳۱- عسکری خانقاه، اصغر، کمالی، محمد شریف، (۱۳۸۷) انسان شناسی عمومی، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- ۳۲- مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷) مفهوم (سبک زندگی) و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳۲
- ۳۳- لنگ، جان، (۱۳۸۲) آفرینش نظریه معماری، مترجم ع، ع فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۳۴- راپاپورت، آموس، (۱۳۸۳) ابداع معماری، از غار تا شهر، آبادی، ۸
- ۳۵- هایدگر، مارتین، (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، تهران، انتشارات فارسی
- ۳۶- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی الن، (۱۳۸۳) نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمد، تهران، موسسه نشر
- ۳۷- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۱)، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید

USA, 2005

- 49- Aragones, J.I., Francescato, G., Garling, T., (2002). Evaluating residential environments in: residential environments: choice, satisfaction and behavior. Bergin & Garvey, Westport, Connecticut, London, 1-14
- 50- Anwar Mahmud, shahril, sani ahmad, Abdullah, megad Abdullah, aminatuzuhariah (2009), lifestyle orientation and the residential environment: an exploratory review, procedia- social and behavioral sciences, 49, 304-309.
- 51- Beamish, Julia O. Carucci Goss, Rosemary, Emmel, Joan.(2001), lifestyle influences on housing preferences, housing and society, volume 28, number 1&2

- ۳۸- عزیززی، محمدمهدی، ملک محمدنژاد، صارم (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلندمرتبه) - مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی نور (سئول) و اسکان تهران، هنرهای زیبا، ۳۲، ۲۷-۳۸.
- ۳۹- نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۸۵). هویت خانه شهری. رساله کارشناسی ارشد. مرکز اسناد دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز
- ۴۰- راپوپورت، امس (۱۳۸۴) معنای محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی). ترجمه فرح حبیب. چاپ اول. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- ۴۱- راپوپورت، امس (۱۳۶۶) منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- ۴۲- پوردیهیمی، شهرام؛ نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲) هویت و سمن، بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنی و محیط مسکونی. خانه، ۳
- 43- Meliough, Fouzia and kheira Tabet Aoul (2001), L Habitat Espaces et Reperes conceptuels, courrier du savoir_N ol, Novembre, p59-64
- 44- Baydar, Gulsum, (2004), The cultural Burden of Architecture, Journal of Architectural Education : 9
- 45- Dezuari, Edgard, 2010, social change and transformations in housing, Iss], UNESCO 2010, 197-198: 10
- 46- Bachelard, Gaston, 2007, The oneiric house, Housing and Dwelling; perspectives on Modern Domestic Architecture; Edited by Barbara Miller, Lane; published Routledge
- 47- Rapoport, Amos, 1981, Identity and Environment; cross-cultural perspective, Identity and housing; cross-cultural perspective, edited by James s. Duncan, landan, Billing and sons limited.
- 48- Rapoport, Amos, Culture Architecture and design, locke science publishing company, Inc, chicago,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

ارزیابی تطبیقی رفتار حرارتی و تهویه در بناهای مسکونی بومی اقلیم معتدل و مرطوب ایران (مطالعه موردی: خانه کلبادی ساری و خانه آقاجان نسب بابل)

محبوبه پورموسی - دانشجوی مقطع دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید مجید مفیدی شمیرانی* - استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهناز محمودی زرنندی - استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

از اواسط دهه ۱۹۷۰ نیاز فوری به کاهش استفاده از انرژی در گرمایش و سرمایش ساختمانها در سراسر جهان وجود داشته است. در کشورهای در حال توسعه، مصرف انرژی برای حفظ محیط مطلوب در ساختمانها، بزرگترین بخش از کل تقاضای انرژی را تشکیل می دهد. در کشورهای پیشرفته، نسبت مصرف انرژی برای ساختمانها بزرگ تر از آن چیزی است که برای مقاصد دیگر استفاده می شود. جهان سعی می کند انرژی پاک را جایگزین انرژی فسیلی کند. از طرفی آسایش، از نیازهای مورد توجه انسان در همه دوره های زندگی او بوده است. این آسایش از طرق گوناگون برای انسان ها بوجود می آمده یا از آنها سلب می شده است. اما آسایش در بنا مهمترین مسئله در این رابطه می باشد. یکی از عوامل مورد توجه برای دسترسی به این مهم، فضایی دارای آسایش است که از طریق ایجاد محیطی مناسب از نظر دما و تهویه قابل دسترسی است. بناهای مسکونی در گذشته طوری اقلیمی طراحی می شدند که گرمایش، سرمایش و تهویه طبیعی پاسخگوی همه نیازهای اقلیمی آنها بوده است. در تحقیق حاضر به بررسی رفتار حرارتی دو بنای مسکونی (خانه کلبادی و خانه آقاجان نسب) توسط نرم افزار اکتکت و دیزاین بیلدر پرداخته و با تحلیل یافته ها، چگونگی همسازی معماری با اقلیم مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس نتایج، این راهکارها هر چند ساده اما کاملاً با تفکر صورت می گرفتند تا بنا همساز با اقلیم بوده و کمترین مصرف انرژی را داشته باشد. در جمع بندی نهایی این دو بنای مسکونی بیشترین زمان ممکن را در دمای ۲۲ درجه سبیری می کنند و در مجموع ۴۰ تا ۴۲ درصد در آسایش قرار داشتند. بنابراین راهکارها، افزایش بازه ساعات آسایش حرارتی در فضای داخل، و کاهش مصرف انرژی جهت سرمایش و گرمایش را به همراه داشته است. امید است تا بتوان این نتایج را در طراحی بناهای کنونی به کار برد و نقشی در بکارگیری معماری همساز با اقلیم و معماری پایدار ایفا کرد.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، رفتار حرارتی، تهویه، اقلیم معتدل و مرطوب، مازندران

Comparative investigation of thermal treatment and ventilation of Iran's indigenous residential buildings Temperate and humid Climate Case study: Kolbadi House (Sari) and Aghajan Nasab House (Babol)

Abstract

Since the mid of 70s, there has been urgent need to reduction of energy consumption for heating and cooling buildings around the world. In developing countries, energy consumption to maintain a favorable environment in buildings is the largest portion of total energy demand. In developed countries, the ratio of energy consumption for buildings is larger than that used for other purposes. The world tries to replace fossil energy with renewable energy. On the other hand, the comfort is one of important needs for human at all periods of his life. This comfort has been created or deprived of them in different ways. But comfort in building is the most important issue in this regard. One of important factors to access this issue is a comfort space that becomes available with by creating of favorable environment in terms of temperature and ventilation. In the past, residential buildings were designed, so climate-based that heating, cooling and natural ventilation met all climate requirements. This study considers thermal behaviors of two residential buildings (Kolbadi house and Aghajan Nasab House) by "Eco-rect" and "Design Builder" software. By findings analysis, the architectural harmony with climate has been considered. Based on the results, even if these strategies are simple but well thought out to create harmony between building and climate with the lowest energy consumption. Finally, most of the time, these two residential buildings have the temperature of 22 centigrade degrees and from 40 to 42 percent are included in comfort band. It is hoped that these results could be used in the design of modern buildings and they have important role in implementation of architectural harmony with the climate and sustainable architecture.

Keywords: Indigenous housing, Thermal treatment, Ventilation, Temperate and humid climate, Mazandaran

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۱۱۶۴۸۸؛ رایانامه: mofidi@iust.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان «اصول کالبدی بازوها و تاثیر آن بر میزان جریان هوا در بناهای مسکونی اقلیم Cs ایران» با راهنمایی آقای دکتر سید مجید مفیدی شمیرانی و مشاوره خانم دکتر مهناز محمودی زرنندی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می باشد.

تجدید پذیر در بسیاری از برنامه های کاربردی تکنولوژیکی منجر شده است. ساخت و ساز یکی از مهم ترین و قابل توجه ترین بخشهای اقتصادی در سراسر جهان است و ساختمانها در مقایسه با دیگر بخش های اقتصاد، مصرف انرژی بسیار بالایی دارند. همچنین افزایش دما در محیط شهری و تغییر آب و هوای جهانی، نیاز به انرژی برای سرمایه گذاری را به گونه ای نسبتاً چشمگیر افزایش داده است. این امر منجر به مشکلات بسیار جدی زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی، فردی و فرهنگی شده است. بنابراین بدیهی است که الگوی انرژی های جایگزین باید مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از منابع تجدید پذیر در ترکیب با فناوری های انرژی کارآمد می تواند انرژی لازم در ارائه بهبود کیفیت زندگی را فراهم کرده و می تواند سهم قابل توجهی در کاهش مصرف منابع در کشورها داشته باشد. از آنجا که بناهای مسکونی در گذشته طوری اقلیمی طراحی می شدند که گرمایش، سرمایش و تهویه طبیعی پاسخگوی همه نیازهای اقلیمی آنها بوده است، تاثیر غیرمستقیم تنظیم شرایط محیطی بر اصلاح اقلیم یک مجموعه مسکونی در مقیاس خرد مهم مینماید و میتواند سهم بزرگی در نیل به اهداف پایداری در معماری داشته باشد.

۱-۳- اهداف تحقیق

- ارزیابی نقش کالبد معماری در افزایش بازه ساعات آسایش حرارتی در فضای داخل، و کاهش مصرف انرژی جهت سرمایش و گرمایش
- دستیابی به اصول حاکم بر کالبد معماری بومی اقلیم معتدل و مرطوب، در راستای افزایش ساعات آسایش حرارتی و برودتی

۱-۴- نوع مطالعه، روش و نحوه اجرای تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش در مرحله اول، جمع آوری اطلاعات از طریق برداشت میدانی نمونه ها، مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه ای، و در مرحله دوم - از آنجا که شبیه سازی رایانه ای، محیطی مجازی به منظور بررسی رفتار حرارتی اجزای

در دهه های گذشته تقاضای انرژی به طور مداوم افزایش یافته است و انتظار می رود در آینده ای نزدیک همچنان افزایش یابد. بنا بر پیش بینی ها، مصرف انرژی پایه جهانی در سال ۲۰۳۰ به میزان ۴۴ درصد بالاتر از سال ۲۰۰۶ خواهد بود. از آنجا که بخش قابل توجهی از مصرف جهانی انرژی در بخش ساختمان صورت می گیرد، استفاده از انرژی برای اهداف انطباق محیطی، بزرگترین سهم را در مصرف انرژی جهانی ساختمان ها دارد. از طرفی، با پیشرفت سریع تکنولوژی و افزایش روند شهرنشینی، فضاهای زیستی انسان ارتباط حیاتی خود با طبیعت را از دست داده اند. بی توجهی به طبیعت و پتانسیلهای طبیعی در عصر حاضر معضلات زیادی برای انسان به ارمغان آورده است. از جمله آلودگی های زیست محیطی، تبعات نامطلوب روحی و روانی ناشی از دوری طبیعت، نابودی منابع انرژی فسیلی و در نهایت سلب سلامت و آسایش انسان. بدین ترتیب مواجه شدن با این بحرانها بار دیگر عصر حاضر را به جست و جوی راهکارهای نوین همسازی با طبیعت و نیروهای طبیعی سوق داده است؛ یک ساختمان به فرض بدترین حالت طراحی، با صرف هزینه و استفاده از وسایل مکانیکی قابل اصلاح می شود؛ ولی ماهیت خاص بناهای بوی مسکونی، امکان اصلاح شرایط به امید استفاده از تجهیزات مکانیکی سرما و گرماساز را منتفی می سازد. مقاله حاضر سعی دارد، با این ایده و رویکرد، به تحقیق در مورد امکان ایجاد آسایش حرارتی در بناهای مسکونی اقلیم معتدل و مرطوب بوسیله تحلیل رفتار حرارتی و تهویه به کمک نرم افزار پردازد.

۱-۲- بیان مسئله

استفاده از سوخت های فسیلی در فعالیت های مصرف انرژی متعارف، مشکل بزرگ کاهش منابع طبیعی همراه با تغییر آب و هوایی ناشی از انتشار گازهای گلخانه ای را ایجاد کرده است. این وضعیت به یک جایگزینی فزاینده از منابع انرژی متعارف

او را برهم می زند. (۲۴, Pourmousa et al, ۲۰۱۴) امروزه همه، به معماری بومی (به هر بخش از هر سرزمینی که تعلق داشته) به عنوان میراثی از گذشته ها می نگرند. معماری بومی چیزی نیست که ما نتوانیم امروزه بیافرینیم و چیزی نیست که دیگران بسیار پیش از ما ساخته و دیگر کسی را توان آفرینش آن نباشد. خانه، مقوله ای از جنس فرهنگ. به زبان کارکردگرایانه، خانه نوعی نیاز زیستی است که فرهنگ خانه برای پاسخگویی به این نیاز شکل گرفته است و در کلیت نظام اجتماعی و فرهنگ انسانی ادغام و سازگار شده است. فرهنگ خانه از منظر انسان شناختی، مجموعه ارزش ها و معانی است که چپستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می کند. در این بخش به بررسی تاریخی و معماری بناهای مورد نظر پرداخته خواهد شد. جدول ۲، اطلاعات ترسیمی خانه کلبادی و خانه آقاجان نسب را ارائه می دهد.

۳-۱- خانه کلبادی ها

عمارت کلبادی حدود ۱۳۰ سال پیش در دوران قاجار به دستور سردار جلیل از امرای وقت به نام

ساختمان فراهم می آورد- تحلیل اطلاعات از طریق نرم افزار اکوتکت و دیزاین بیلدر است. نرم افزار اکوتکت که شبیه سازی از یک منطقه بسیار کوچک تا یک مجموعه شهری را شامل می شود، یک ابزار تحلیل انرژی، نور و صدا است که کارایی و کیفیت ساختمان را تحلیل میکند و نتایج را بصورت جدول، نمودار و تصویر ارائه می دهد. نرم افزار دیزاین بیلدر مدلسازی ساختمان از جنبه های مختلف فیزیکی ساختمان شامل مصالح ساختمان، معماری آن، سیستم های سرمایش و گرمایش، روشنایی و غیره را شامل میشود که قابلیت استخراج نتایج شبیه سازی برای کل سال و ماه های سال بصورت روزانه و ساعتی را دارد.

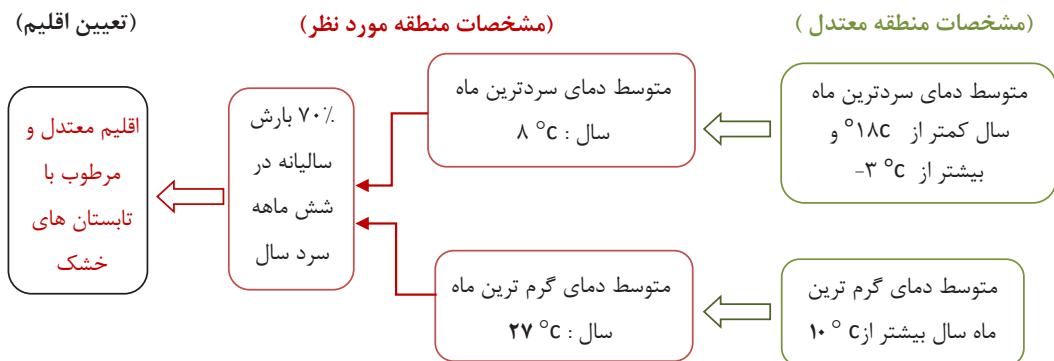
۲- تفسیر اطلاعات آب و هوایی منطقه

۳- مطالعه موردی دو بنای مسکونی (مطالعه تاریخی و معماری)

بی توجهی انسان به طبیعت و در نتیجه دور ماندن فضاهای زیستی او از مواهب و پتانسیل های طبیعی، معضلات زیادی را پدید آورده است و زیستگاه های انسان کمتر مورد رضایت او هستند و حتی در بسیاری موارد به عنوان ساخته دست بشر، آسایش

جدول ۱. اطلاعات میانگین ۱۰ ساله آب و هوایی ساری؛ ماخذ: نگارندگان.

DEC.	NOV.	OCT.	SEP.	AUG.	JULY	JUNE	MAY	APR	MAR.	FEB.	JAN.	MEAN MIN TEMPERATURE
۵.۱۰	۹.۳۸	۱۵.۹۵	۲۰.۵۸	۲۳.۲۲	۲۲.۹۹	۲۰.۸۲	۱۶.۳۴	۱۱.۶۶	۷.۸۵	۵.۵۵	۳.۸۸	MEAN MAX TEMPERATURE
۱۴.۰۷	۱۸.۳۷	۲۴.۵۵	۲۹.۰۸	۳۲.۳۲	۳۱.۵۲	۲۹.۱۱	۲۴.۱۵	۱۹.۱۷	۱۵.۸۳	۱۳.۰۷	۱۲.۱۳	MEAN DAILY TEMPERATURE
۱۰.۰۸	۱۳.۸۷	۲۰.۲۵	۲۴.۸۴	۲۷.۸۳	۲۷.۲۶	۲۴.۹۶	۲۰.۳۵	۱۵.۴۳	۱۱.۸۳	۹.۳۰	۸.۰۱	EXTREME MAX TEMPERATURE
۱۹.۱۰	۲۱.۴۰	۲۶.۹۰	۳۱.۲۰	۳۴.۵۰	۳۴.۶۰	۳۲.۹۰	۲۶.۲۰	۲۲.۸۰	۲۱.۴۰	۱۵.۶۰	۱۴.۴۰	EXTREME MIN TEMPERATURE
۲.۶۰	۵.۵۰	۱۳.۶۰	۱۸.۸۰	۲۱.۶۰	۲۲.۱۰	۱۹.۸۰	۱۵.۶۰	۸.۷۰	۵.۷۰	۲.۴۰	-۰.۹۰	RELATIVE HUMIDITY ۰۳
۸۹	۹۰	۹۱	۸۹	۸۶	۸۴	۸۳	۸۷	۹۰	۸۹	۹۰	۸۹	RELATIVE HUMIDITY ۰۹
۶۹	۶۵	۶۵	۶۳	۶۰	۶۰	۵۹	۶۵	۶۹	۶۷	۷۱	۶۸	RELATIVE HUMIDITY ۱۵
۸۶	۸۳	۷۹	۷۲	۷۱	۶۷	۶۴	۷۲	۸۰	۸۰	۸۴	۸۴	AMOUNT OF PRECIPITATION
۱۰۸	۱۵۳.۵۳	۱۳۶.۸۳	۶۷.۴۲	۳۳.۳۳	۱۱.۴۶	۱۴.۲۷	۱۹.۶۴	۳۱.۵۶	۵۸.۷۵	۵۲.۹۱	۷۸.۵۲	WIND DIRECTION
۱۶۳	۱۹۱	۱۴۷	۲۸۵	۳۰۲	۳۹۵	۳۶۹	۳۵۷	۲۶۴	۲۳۴	۱۸۹	۱۹۰	WIND SPEED
۸.۹۹	۷.۸۴	۸.۳۶	۸.۷۹	۸.۳۵	۷.۵۵	۸.۱۲	۹.۵۵	۹.۹۳	۱۰.۱۱	۹.۶۵	۷.۵۷	DURATION OF SUNSHINE HOURS
۱۳۴	۱۵۲.۲۹	۱۷۷.۹۲	۱۸۸.۹۶	۲۴۳.۶۳	۳۵۰.۰۹	۲۴۷.۱۹	۲۰۹.۹۸	۱۶۴.۳۱	۱۵۱.۸۸	۱۳۶.۳۳	۱۲۱.۳۴	RADIATION
۱۹.۸۰	۲۰.۱۶	۲۰.۵۲	۲۰.۵۲	۲۱.۳۴	۲۰.۹۹	۲۰.۹۹	۲۰.۱۶	۱۹.۸۰	۱۹.۴۴	۱۹.۴۴	۱۹.۰۸	



تصویر ۱. تفسیر اطلاعات آب و هوایی و روند تعیین اقلیم منطقه؛ ماخذ: نگارندگان.

های قدیمی و از ساخت و سازهای مسکونی و غیرمسکونی جدید در امان نمانده است. به طوری که چهره محله در طی سالیان اخیر (۵ الی ۱۰ سال اخیر) به کلی دگرگون شده است. بیشتر بناهای پیرامون مجموعه، دارای کاربری مسکونی می باشد.

۳-۲-۱- معماری بنا

این خانه که در دوران قاجار ساخته شده و در دوره پهلوی نیز ملحقاتی داشته، بر خلاف خانه های رایج در اقلیم شمال، دارای حیاط مرکزی می باشد. به طوری که ساختمان ها در قسمت شمالی، جنوبی و غربی حیاط واقع است. البته خانه غربی الحاقی در دوره پهلوی می باشد و خانه ی جنوبی به نسبت دو خانه دیگر قدیمی تر است. می توانیم بسیاری از ویژگی های معماری دوره اواخر قاجار را در آن مشاهده کنیم؛ از جمله قوسهای نیم دایره در بازشوها، استفاده از سفال در سقف.

۴- تحلیل رفتار حرارتی و تهویه

کیفیت محیط داخلی ساختمان سزاوار توجهی جدی است. آژانس حفاظت از محیط زیست، آلودگی هوا در محیط داخلی را در میان چهار خطر زیست محیطی در America Today رتبه بندی کرده است (CLI Group, ۲۰۰۸). از آنجا که فرد ۹۵ درصد از عمر خود را در محیط بسته می گذراند (National Association of Remodeling industry, ۲۰۰۶)، کیفیت نامطلوب هوای داخل می تواند اثرات جدی بر سلامت، رفاه، و بهره وری

فرزند بزرگش معروف به امیریه ساخته شد. این بنا واقع در محله آب انبار نو در سال ۱۳۷۰ در اختیار سازمان میراث فرهنگی مازندران قرار گرفت و پس از ۵ سال مرمت به عنوان مرکز اداری سازمان مورد استفاده قرار گرفت.

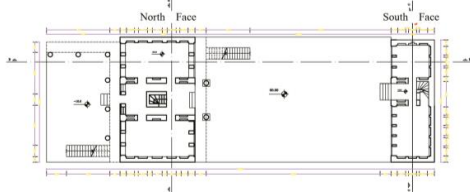
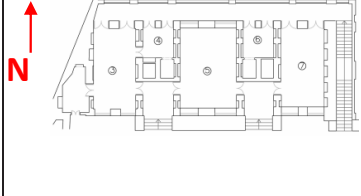
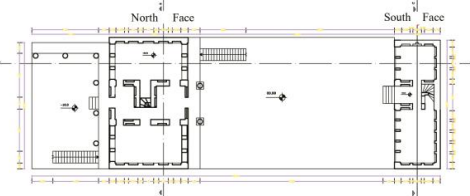
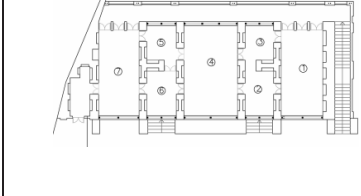




۳-۱-۱- معماری بنا

سبک معماری این ساختمان از تکایای دوره قاجاری برگرفته شده و دو بخش اندرونی و بیرونی دارد. بنای اصلی این عمارت در بخش اندرونی در دو طبقه و یک زیرزمین احداث شده، و هر طبقه دارای یک شاه نشین و اتاق های دو طرفه است. شاه نشین طبقه دوم که از زیباترین اتاق های این عمارت است و تنها بخشی است که کاملاً سالم باقی مانده و جای جای آن یادآور شیوه های هنرهای تزئینی دوره قاجار است. مصالح ساختمانی این بنا شامل چوب و آجر و بام آن به صورت شیروانی و سفالپوش می باشد. (پوریانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). ویژگی های اجزای معماری آن نظیر اتاق ها، حجره ها، شاه نشین، حمام، اصطبل، حیاط و هنر بکاررفته بر روی پنجره ها و ارسی ها و تزئین آنها با شیشه رنگی در نوع خود بی نظیر است.

۳-۲- خانه آقاچان نسب

مجموعه خانه های تاریخی آقاچان نسب در محله قدیمی برج بن که یکی از محلات قدیمی شهر بابل می باشد واقع شده است. این محله همانند دیگر محله های تاریخی شهر بابل از تخریب خانه

جدول ۲. ترسیمات و نقشه های خانه کلبادی و خانه آقاچان نسب؛ ماخذ: نگارندگان.

خانه آقاچان نسب		خانه کلبادی	
		همک ف	پلان
			
	خانه شمالی		نمای اصلی
	خانه جنوبی		نمای سر درب

این امر در خانه کلبادی از طریق تهویه عبوری دو طرفه صورت می گرفته است. این امر در طبقه اول به شدت نمایان می شود و با افزایش دما، میزان سرعت جریان طبیعی هوا نیز افزایش پیدا می کند. در طبقه همکف خطوط جریان باد کل منطقه را در بر نمی گیرد.

تهویه در خانه آقاچان نسب از طریق تهویه عبوری دو طرفه صورت می گرفته است. ساختمان شمالی دارای تهویه عبوری دو طرفه بخصوص در بخش مرکزی طبقه اول است که این تهویه تقریباً تا اواسط پلان را تحت پوشش قرار می دهد. لذا بی جهت نیست که معمولاً طبقه اول بیشترین استفاده را در طول سال به خصوص فصول گرم سال داشته است.

۴-۲- تابش

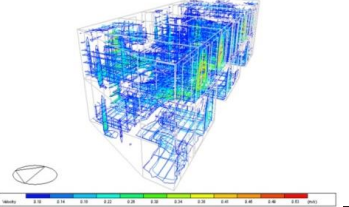
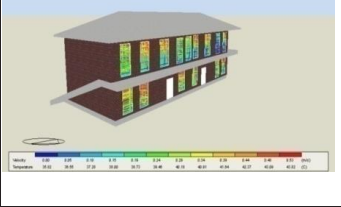
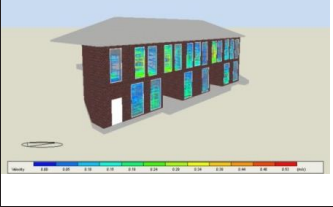
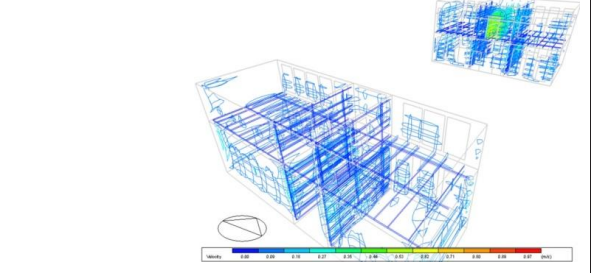
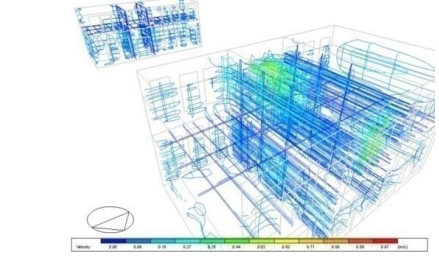
از آنجایی که ساکنان چه در کشور های توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه زمان

ساکنان داشته باشد. (OHBA, Lun, ۱۲۸, ۲۰۱۰) بناهای مسکونی در گذشته طوری اقلیمی طراحی می شدند که گرمایش، سرمایش و تهویه طبیعی پاسخگوی همه نیازهای اقلیمی آنها بوده است. در این بخش سعی بر این است تا به بررسی رفتارهای حرارتی دو بنای مسکونی در شهر ساری و بابل توسط نرم افزار Ecotect و Design Builder پرداخته و با تحلیل یافته ها، چگونگی همسازی معماری با اقلیم را مورد توجه قرار داد.

۴-۱- تهویه

برای شرایط محیطی مناسب، تهویه طبیعی می تواند یکی از شیوه های دستیابی به آسایش حرارتی باشد، در حالی که مصرف انرژی در ساختمان حفظ شود (Orepaza-Perez, Qstergaard, ۲۰۱۴, ۵۲۱). از آنجایی که تهویه یک عامل بسیار مهم در مناطق مرطوب می باشد، آنالیزهای انجام شده و نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان می دهد که

جدول ۳. تحلیل رفتار باد و میزان تهویه؛ ماخذ: نگارندگان.

تهویه		
خانه کلبادی		
بررسی جریان طبیعی هوا از جبهه جنوبی ساختمان (حیات)	تهویه از جبهه شمالی ساختمان (حیات)	تهویه از جبهه جنوبی ساختمان (حیات)
		
خانه آقاجان نسب		
تهویه در ساختمان شمالی	تهویه در ساختمان شمالی	
		

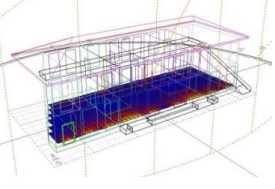
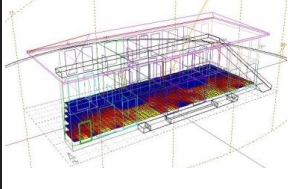
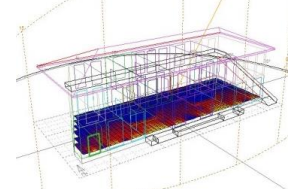
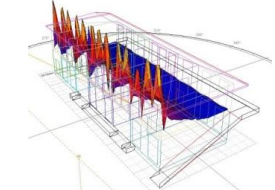
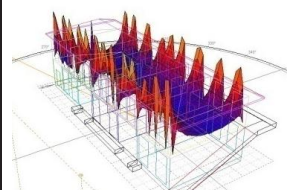
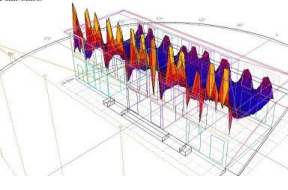
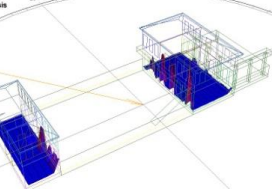
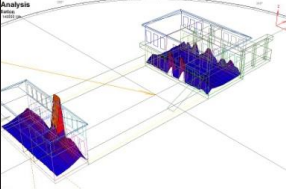
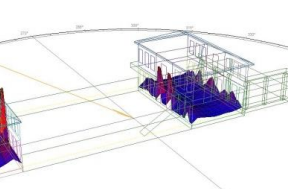
طبقه اول در مقایسه تابش مستقیم و تابش پراکنده مشاهده می کنیم که بیشترین میزان نفوذ تابش از طریق تابش پراکنده است و نه تابش مستقیم. نتایج بررسی ها در خانه آقاجان نسب تفاوت زیادی با نتایج فوق ندارد. با توجه به تصاویر در خانه آقاجان نسب میزان جذب تابش پراکنده برای ساختمان جنوبی بیشتر است و در ساختمان شمالی این نقش را تابش مستقیم ایفا می کند. بطور کلی مجموع تابش ها در ساختمان جنوبی بیشتر اما در ساختمان شمالی یکنواخت تر است.

۴-۳- نور

یکی از بارزترین عملکردهای بازشو و بخصوص پنجره، تامین نور طبیعی مورد نیاز فضا است. اگر پنجره های معمول، به درستی طراحی و اداره شوند، ارتباط فیزیکی با محیط بیرون را امکانپذیر ساخته و دارای پتانسیل بهبود آسایش حرارتی و کاهش فشارهای سرمایشی خواهند بود (Wang,

زیادی را در داخل خانه های خود به سر می برند، موضوع کیفیت هوای داخل بطور فزاینده در سطح جهان مهم در نظر گرفته میشود. (Huang, Feng, Li, Yi, ۲۰۱۴, ۵۶۷). یکی از موارد تاثیر گذار میزان تابش است. با توجه به جدول شماره ۴، میزان تابش میانگین روزانه در خانه کلبادی از طریق بازشوها در طبقه همکف بیشتر خواهد بود و در طبقه اول به دلیل پیش آمدگی بام، میزان تابش کمتر خواهد بود. جذب تابش توسط جداره ها در جنوب نیز به ترتیب شامل سقف، جداره های طبقه همکف و جداره های طبقه اول است. ایجاد فرورفتگی در ورودی ها تا حد زیادی از شدت تابش در این بخش کاسته است. بامقایسه میزان تابش در طبقه همکف و اول، این نکته قابل ذکر خواهد بود که در طبقه همکف عمق نفوذ تابش از طریق تابش مستقیم بیشتر از تابش پراکنده است. در مجموع این دو تابش، عمق نفوذ تا اواسط پلان پیش می رود. در

جدول ۴. بررسی میزان تابش در طبقات؛ ماخذ: نگارندگان.

تابش		تابش پراکنده	تابش مستقیم	تابش کل
طبقه همکف	خانه کلبادی			
طبقه اول				
خانه آقاجان				

توسط جداره ها در ساختمان شمالی، فضای داخلی آن را نسبت به ساختمان جنوبی یکنواخت تر و پر نور تر می کند (بجز بخش غربی ساختمان). همچنین آنالیزها نشان می دهد که نور انعکاس یافته در ساختمان جنوبی بیشترین سهم را در بخش غربی ساختمان دارد.

۴-۴- سایه

ساختمان ها مسئول تقریباً ۳۰ تا ۴۵ درصد از تقاضای جهانی انرژی هستند (Santamouris, Kolokotsa, ۲۰۱۳, ۷۵) و مقدار زیادی از انرژی برای اهداف سرمایش یا گرمایش فضای داخلی مصرف میشود تا شرایط داخلی مطلوب دست یابد. (Bagiorgas, et al, ۲۰۰۹, ۲۰۹) نتایج مرتبط با تحلیل سایه در جدول شماره ۶ آمده است و بر این اساس در ارتباط با سایه ایجاد شده در خارج ساختمان خانه کلبادی، این نکته مهم می نماید که نحوه قرارگیری ساختمان به شکلی است که از تابش خورشید در حیاط اصلی استفاده کافی شود و حیاط فرعی (حیاط پشتی) در سایه قرار گیرد. لازم

Greenberg, ۲۰۱۵, ۳۱۳). در بحث نور و با توجه به تصاویر در جدول شماره ۵، برای خانه کلبادی با مقایسه نور طبیعی روز و نور انعکاس یافته از جداره ها، به وضوح پیداست که جداره ها تاثیر بسیاری در روشنایی محیط داخل داشته و بیشترین میزان نفوذ روشنایی از طریق انعکاس نور توسط جداره هاست که داخل را به کمک نور طبیعی روز به شکلی یکنواخت روشن نگه می دارد. شاید یکی از دلایل این باشد که در طراحی دما و تهویه تاثیر بیشتری در طراحی داشته اند و بیشترین سهم دریافت نور از بازتاب داخلی بوده است.

در خانه آقاجان نسب کاملاً مشخص است که میزان نفوذ نور طبیعی روز (در هر دو ساختمان) در طبقه اول از همکف بیشتر است. در همکف ساختمان جنوبی، بخش مرکزی بیشترین میزان دریافت نور طبیعی را دارد. این اتفاق در طبقه اول ساختمان برعکس است. بخش مرکزی ساختمان شمالی در طبقه اول بیشتر از همین بخش در طبقه همکف، نور طبیعی روز را دریافت می کند. انعکاس نور

جدول ۵. بررسی میزان دریافت نور طبیعی روز؛ ماخذ: نگارندگان.

میزان دریافت نور طبیعی روز		میزان دریافت نور انعکاس یافته داخلی	
خانه کلباد ی	طبقه همک ف		
	طبقه اول		
خانه آقاچان نسب	طبقه همک ف		
	طبقه اول		

۷، آنالیزها نشان می‌دهد که در هر دو خانه مورد بررسی بیشترین میزان دریافت حرارت مستقیم خورشید بین ساعات ۱۵ - ۱۰ می‌باشد. این میزان دریافت در شش ماهه سرد سال و در دو ماهه اول بهار به بالاترین مقدار خود می‌رسد؛ با این تفاوت که در شش ماهه گرم سال میزان ساعات جذب حرارت افزایش پیدا می‌کند و توزیع حرارتی این میزان در فصول سرد طی ساعات کمتری صورت می‌گیرد.

۴-۶- دریافت غیرمستقیم حرارت

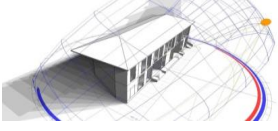
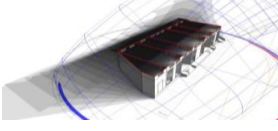
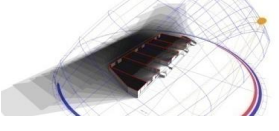
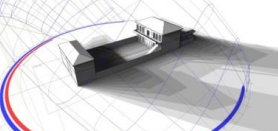
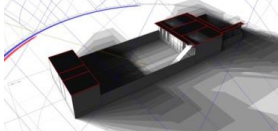
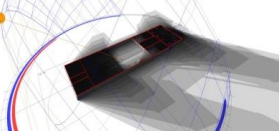
در خانه کلبادی، دریافت حرارت غیر مستقیم خورشید در کل سال روندی متعادل دارد اما در شش ماهه سرد سال در تعداد ساعات کمتری به همان میزان در ماههای گرم سال می‌رسد. اوج این مقدار حرارت بین ساعات ۱۹-۱۵ اتفاق می‌افتد. آنالیزها برای خانه آقاچان نسب نشان می‌دهد که بیشترین میزان دریافت حرارت غیر مستقیم خورشید بین ساعات ۲۰-۱۵ می‌باشد که این میزان

به ذکر است که ایجاد سایه اولویت زیادی نداشته، بنابراین طراحی منظم و بدون شکستگی است. اما در خانه آقاچان نسب، با توجه به نتایج، نیمی از حیاط مرکزی همیشه در سایه است. بدین جهت نیز توزیع نور بطور کلی در ساختمان جنوبی بسیار کمتر است. در مقایسه، بخش کمتری از فضاهای داخلی ساختمان شمالی در سایه قرار می‌گیرند. حیاط پشتی به دلیل استفاده کمتر، تقریباً بطور کامل در سایه قرار می‌گیرد.

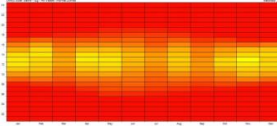
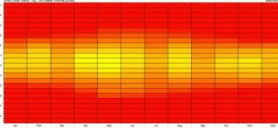
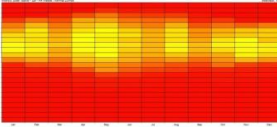
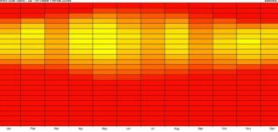
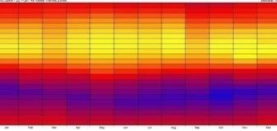
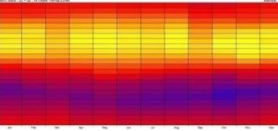
۴-۵- دریافت مستقیم حرارت

در زمانی که طراحی ساختمان با انرژی پایین برتری دارد، سطوح تعیین شده برای شرایط زیست محیطی بسیار مهم است. هوای تازه، نور روز، کنترل فردی و نگهداری برنامه ریزی شده، ویژگی‌های حیاتی یک ساختمان سالم هستند (Clements-Croome, ۱۹۹۷). در این میان میزان دریافت حرارت نیز مهم می‌نماید. جدول شماره ۷، اطلاعات مربوط به دریافت حرارت را بیان می‌دارد. با توجه به جدول

جدول ۶. تحلیل میزان پراکندگی سایه؛ ماخذ: نگارندگان.

سایه			
حیاط	طبقه اول	طبقه همکف	
			خانه کلبادی
			خانه آقاجان نسب

جدول ۷. میزان دریافت حرارت؛ ماخذ: نگارندگان.

دریافت حرارت	خانه کلبادی	خانه آقاجان نسب
دریافت حرارت مستقیم		
دریافت حرارت غیر مستقیم		
دریافت از انرژی ذخیره شده در جداره ها (Fabric Gain)		

دارند. این مقدار با تفاوتی اندک در خانه آقاجان نسب بیشتر است.

۴-۸- میزان بار مکانیکی مورد نیاز جهت سرمایش و گرمایش

در این مقایسه، بار مکانیکی مورد نیاز برای گرمایش و سرمایش در دو بنا بسیار نزدیک هستند و این میزان در سردترین و گرم ترین روز برای خانه کلبادی بیشتر است. (جدول شماره ۸)

۴-۹- اختلاف درجه حرارت داخل و خارج در سردترین و گرم ترین روز

با توجه به تحلیل های درجه حرارت که نتایج آن در جدول شماره ۹ آمده است، در خانه کلبادی،

همچنان در بهار و میانه تابستان و سپس در زمستان به بالاترین مقدار می رسد. میزان دریافت حرارت غیر مستقیم خورشید در شش ماهه سرد سال در تعداد ساعات کمتری به همان میزان در ماههای گرم سال می رسد.

۴-۷- دریافت از انرژی ذخیره شده در جداره ها
این میزان حرارت که از انرژی ذخیره شده جداره ها با تاخیر به محیط پس داده میشود، در خانه کلبادی از ساعت ۲۱-۱۲ بیشتر مقدار را دارد و در طول سال روندی مشابه را نشان می دهد. همانطور که در تصاویر دیده می شود، بطور قابل توجهی میزان دریافت از جداره ها در دو بنا رفتار مشابهی

جدول ۸. مقایسه میزان بار مکانیکی مورد نیاز برای گرمایش و سرمایش خانه کلبادی و آقاجان نسب؛ ماخذ: نگارندگان.

میزان بار حرارتی	بار حرارتی بنا	HVAC (WH)	FABRIC (WH)	SOLAR (WH)	VENT (WH)	INTERN (WH)
سرد ترین روز	کلبادی	-۵۳۱۹۳۹	-۴۰۳۰۷۲	۱۴۶۶۲	-۱۸۷۹۵۹	۴۴۴۵۴
	آقاجان نسب	-۴۶۱۹۹۹	-۳۵۸۱۲۸	۱۵۲۸۹	-۱۶۱۸۶۴	۴۲۷۰۵
گرم ترین روز	کلبادی	۲۲۷۴۰۸	۱۰۶۸۱۶	۳۴۷۷۵	۴۱۴۴۹	۴۴۴۵۴
	آقاجان نسب	۲۱۳۱۵۹	۹۸۳۱۱	۳۶۲۲۰	۳۵۹۲۳	۴۲۷۰۵

جدول ۹. میزان اختلاف درجه حرارت داخل و خارج؛ ماخذ: نگارندگان.

		مساحت کل m2	Total Exposed Area m2	دمای داخل C	دمای خارج C	اختلاف دما C
گرم ترین روز	خانه	همکف	۱۸۳/۹۸	۵۵/۸۵	۲۹/۹۳	۰/۱۳
	کلبادی	اول	۱۸۳/۹۸	۳۳/۹۴	۳۰/۰۶	۰/۲۶
سرد ترین روز	خانه	همکف	۱۸۳/۹۸	۵۵/۸۵	۴/۷۶	۲/۲۹
		اول	۱۸۳/۹۸	۳۳/۹۴	۵/۰۰	۲/۲۹
	خانه آقاجان نسب	شمالی طبقه اول	۱۵۰/۵۳	۲۷/۴۸	۵/۴۲	۲/۲۹
		جنوبی طبقه اول	۱۰۹/۹۱	۳۰/۸۹	۵/۱۳	۲/۲۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۴۶

که میزان انرژی لازم برای گرمایش در طبقه اول با تهویه طبیعی تا حد زیادی قابل جبران است. در خانه آقاجان نسب با توجه به نتایج آنالیزها، ساختمان جنوبی تقریباً ۲ برابر ساختمان شمالی جهت سرمایش و گرمایش انرژی مصرف می کند. ۴-۱۱- مقایسه میزان گاز مصرفی در خانه کلبادی و خانه آقاجان نسب در صورت جایگزینی با وضعیت موجود

با توجه به جدول شماره ۱۱، میزان انرژی مصرفی جهت گرمایش در هر متر مربع خانه کلبادی ۱۰۵۶۷۵ وات بر ساعت می باشد که این میزان برابر با ۸۶۶۵۳/۵ کیلوکالری خواهد بود. با تقسیم این میزان انرژی بر عدد ۸۶۰۰ (میزان انرژی هر متر مکعب گاز طبیعی ایران) به مصرف ۱۰/۰۷ مترمکعب گاز خواهیم رسید که با توجه به استانداردهای ایران عددی ایده آل و سندی بر اقلیمی بودن خانه کلبادی است. زیرا میزان بیشینه این عدد برای یک

بطور کلی بین دو طبقه همکف و اول اختلاف درجه حرارت چشمگیری دیده نمی شود. در گرم ترین روز طبقه اول نسبت به همکف کمی گرم تر است که با تهویه قابل جبران است. بین هوای داخل و خارج نیز تفاوت محسوسی نیست. در ساختمان شمالی خانه آقاجان نسب، با توجه به نتایج آنالیزها، در سرد ترین روز دمای داخل ساختمان شمالی بطور میانگین ۳/۱۳ درجه سانتی گراد از دمای خارج گرم تر است. نکته قابل توجه این است که هر دو ساختمان شمالی و جنوبی دارای دمای میانگین داخلی ۵/۴۲-۵/۱۳ هستند و با اینکه در دو جبهه مخالف قرار دارند تفاوت دمایی بسیار کمی دارند. ۴-۱۰- محاسبه بار حرارتی مورد نیاز جهت سرمایش و گرمایش

با توجه به نتایج در جدول شماره ۱۰، در خانه کلبادی میزان انرژی مورد نیاز جهت گرمایش و سرمایش در طبقه اول از همکف بیشتر است

جدول ۱۰. محاسبه بار حرارتی مورد نیاز جهت سرمایش و گرمایش؛ ماخذ: نگارندگان.

ایش	گرمایش	مجموع			هر متر مربع			بیشینه	ینه
		گرمایش	سرمایش	مجموع	گرمایش	سرمایش	مجموع		
خانه کلبادی	همکف	۳۷۱۱۳۱۰	۴۸۲۰۷۲۴	۳۱۹۳۲۰۳۴	۷۳۱۸۵	۱۳۰۱۳	۸۶۱۹۸	۱۷۱۹۳	۱۲۲
	اول	۲۸۹۲۶۱۷۰	۵۴۸۹۸۷۹	۳۴۴۱۶۰۴۸	۷۸۰۸۴	۱۴۸۲۰	۹۲۹۰۴	۱۸۷۵۵	۱۸۷
	میانگین	۳۹۱۴۷۱۶۴	۹۱۱۱۷۵۶	۴۸۲۵۸۹۲۰	۱۰۵۶۷۵	۲۴۵۹۷	۱۳۰۲۷۱	۲۷۹۸۳	۲۳۸
خانه آقاجان نسب	ساختمان شمالی	۱۱۰۴۰۶۳۶	۳۴۱۵۵۸۶	۱۴۴۵۶۲۲۲	۳۱۰۲۴	۹۵۹۸	۴۰۶۲۲	۸۰۳۲	۷۴
	ساختمان جنوبی	۲۲۵۳۴۸۸۴	۵۶۸۰۷۶۹	۲۸۲۱۵۶۵۲	۶۳۳۲۳	۱۵۹۶۳	۷۹۲۸۶	۱۶۴۶۸	۱۴۱
	میانگین	۲۵۲۱۶۵۱۶	۷۱۵۱۲۲۸	۳۲۳۶۷۷۴۴	۷۰۸۵۹	۲۰۰۹۵	۹۰۹۵۴	۱۹۴۰۱	۱۷۲

جدول ۱۱. مقایسه میزان گاز مصرفی در خانه کلبادی و خانه آقاجان نسب؛ ماخذ: نگارندگان.

خانه آقاجان نسب	خانه کلبادی		
۷۰۸۵۹	۱۰۵۶۷۵	انرژی مورد نیاز جهت گرمایش در هر متر مربع (Wh)	گرمایش
۶۰۲۳۰/۱۵	۸۶۶۵۳/۵	انرژی مورد نیاز جهت گرمایش در هر متر مربع (Kcal)	
۷/۰	۱۰/۰۷	میزان گاز مصرفی در متر مکعب	
۲۰۰۹۵	۲۴۵۹۷	انرژی مورد نیاز جهت سرمایش در هر متر مربع (Wh)	سرمایش
۱۷۰۸۰/۷۵	۲۰۹۰۷/۴۵	انرژی مورد نیاز جهت سرمایش در هر متر مربع (Kcal)	
۱/۹۹	۲/۴۳	میزان گاز مصرفی در متر مکعب	

گرمایش و سرمایش و سرمایش افزایش می یابد. با توجه به نتایج آنالیزها، عدم استفاده از تهویه طبیعی نیز انرژی مورد نیاز سرمایش را کاملاً محسوس افزایش می دهد.

۴-۱۳- محاسبه میزان توزیع دمایی با توجه به شرایط آسایش

از آنجا که در تجزیه و تحلیل پتانسیل برای کاهش مصرف انرژی، ایجاد یک اقلیم سالم در محیط داخلی و آسایش برای ساکنین، دو نقش مهم را ایفا میکنند، اهمیت بررسی توزیع دمایی با توجه به شرایط آسایش محرز میشود. (Allerd, Ghiaus, ۲۰۰۵, ۲۳۰) با توجه به جدول توزیع دمایی (جدول شماره ۱۳)، در خانه کلبادی، طبقه همکف بیشترین زمان را در دمای ۲۲ درجه سبیری می کند که در بازه دمای آسایش قرار گرفته است. با مقایسه دو طبقه همکف و اول دیده می شود که هر دو طبقه در شرایط تقریباً مساوی از نظر آسایش قرار گرفته

خانه معمولی ۲۵ مترمکعب گاز است. در محاسبه ای مشابه برای خانه آقاجان نسب، به میزان مصرف ۷ مترمکعب گاز حاصل می گردد که نتیجه اقلیمی بودن این خانه را نیز همچون خانه کلبادی تأیید می نماید.

۴-۱۲- مقایسه انرژی مورد نیاز در صورت تغییر مصالح

در خانه کلبادی، با توجه به جدول شماره ۱۲ که تغییرات میزان انرژی مورد نیاز در صورت تغییر مصالح را نشان میدهد، استفاده از پنجره آلومینیومی به جای پنجره چوبی، میزان انرژی مورد نیاز جهت گرمایش و سرمایش را افزایش داده و پنجره دو جداره این مقدار انرژی را بطور کاملاً محسوس کاهش می دهد. این تغییرات در هر دو خانه آقاجان نسب و کلبادی با کاهش ضخامت دیوار و تغییر مصالح آن نیز به وضوح دیده می شود. به طوری که با کاهش ضخامت دیوار، میزان انرژی مورد نیاز جهت

جدول ۱۲. مقایسه انرژی مورد نیاز در صورت تغییر مصالح؛ ماخذ: نگارندگان.

	مساحت m2	مجموع			هر متر مربع			گرمایش	سرمایش	
		گرمایش	سرمایش	مجموع	گرمایش	سرمایش	مجموع	بیشینه	بیشینه	
خانه کلبادی	۳۷۰/۴	وضع موجود	۳۹۱۴۷۱۶۴	۹۱۱۱۷۵۶	۴۸۲۵۸۹۲۰	۱۰۵۶۷۵	۲۴۵۹۷	۱۳۰۲۷۱	۲۷۹۸۳	۲۳۸۹۴
		پنجره آلومینیومی	۴۲۳۸۹۰۶۴	۹۶۲۲۲۹۵	۵۲۰۱۱۳۶۰	۱۱۴۴۲۶	۲۵۹۷۵	۱۴۰۴۰۱	۲۹۹۰۰	۲۵۳۶۴
		پنجره دو جداره	۲۹۳۱۲۷۴۴	۷۲۱۶۹۴۰	۳۶۵۲۹۶۸۴	۷۹۱۲۸	۱۹۴۸۲	۹۸۶۰۹	۲۱۹۳۴	۱۸۶۹۲
		کاهش ضخامت دیوار	۴۳۷۸۹۲۵۶	۹۷۶۴۹۶۰	۵۳۵۵۴۲۴۶	۱۱۸۲۰۶	۲۶۳۶۰	۱۴۴۵۶۶	۳۰۷۷۰	۲۵۸۸۲
خانه آقاجان نسب	۳۵۵/۸۷	وضع موجود	۲۵۲۱۶۵۱۶	۷۱۵۱۲۲۸	۳۲۳۶۷۷۴۴	۷۰۸۵۹	۲۰۰۹۵	۹۰۹۵۴	۱۹۴۰۱	۱۷۲۳۲
		کاهش ضخامت دیوار	۳۳۵۷۵۵۳۲	۹۰۹۶۳۵۲	۴۲۶۷۱۸۸۴	۹۴۳۴۷	۲۵۵۶۱	۱۱۹۹۰۸	۲۴۴۹۹	۲۱۰۵۹
		عدم استفاده از تهویه	۳۳۴۷۷۹۳۴	۱۱۹۰۳۳۲۲	۴۵۳۸۱۲۵۶	۹۴۰۷۳	۳۳۴۴۸	۱۲۷۵۲۲	۲۴۴۹۹	۲۱۰۵۹

خانه ها و استفاده از تهویه دو طرفه، عرض بناها کم است و این امر در روشن کردن فضای داخلی تا عمق میانی آن بسیار تاثیر گذار بوده؛ انعکاس نور توسط رنگهای روشن داخل به تاثیر گذاری بیشتر این امر کمک می کرده است. طراحی به گونه ای صورت می گرفته که در تمام طول سال در گرم ترین و سرد ترین زمان، دمای داخل حالت متعادل و مناسبی را می داشته است. در محاسبه میزان بار مکانیکی مورد نیاز جهت سرمایش و گرمایش، نقش انتقال جداره ها مهم می نماید که شاید قراردادن عایق این مقدار انتقال ناخواسته حرارت را تا حد زیادی کاهش دهد. در سرد ترین زمان، دمای داخل به طور میانگین ۲/۵ درجه گرمتر است و در گرمترین زمان، دمای ۳۰-۲۹ درجه دمای داخل بوده که تهویه نقش بسزایی در متعادل کردن دمای داخل می داشته است. در بررسی ساختمان شمالی و جنوبی، در نتیجه ای متفاوت، بار حرارتی مورد نیاز ساختمان جنوبی به دو برابر ساختمان شمالی می رسد که ساخت بنا در جبهه شمالی را در این اقلیم توجیه می نماید. نقش انتخاب نوع مصالح همچون پنجره چوبی و ضخامت دیوار آجری نیز در رسیدن به آسایش موثر بوده؛ چنانچه با تغییر مصالح و کاهش ضخامت دیوار، بار حرارتی مورد نیاز سرمایش و گرمایش به شدت افزایش یافته است.

اند که در این میان سهم طبقه اول نسبت به همکف از نظر آسایشی، کمی بیشتر است. در خانه آقاجان نسب با مقایسه دو ساختمان شمالی و جنوبی دیده می شود که هر دو ساختمان شمالی و جنوبی در شرایط تقریباً مساوی از نظر آسایش قرار گرفته اند و سهم هریک از آنها ۴۰٪ آسایش است. با مقایسه دو بنای کلبادی و آقاجان نسب این نتیجه حاصل می گردد که هر دو بنا با راهکارهای ساده اقلیمی به نتایج مثبت و تقریباً یکسانی برابر ۴۲-۴۰٪ آسایش دست یافته اند.

۵- نتیجه گیری و جمع بندی

از آنجا که تهویه یک عامل بسیار مهم در مناطق مرطوب می باشد، آنالیزهای انجام شده نشان میدهد که این امر در بناها از طریق تهویه عبوری دو طرفه صورت می گرفته و این امر در طبقه اول به شدت نمایان می شود و با افزایش دما، میزان سرعت جریان طبیعی هوا نیز افزایش پیدا می کند. در طبقه همکف خطوط جریان باد کل منطقه را در بر نمی گیرد. لذا بی جهت نیست که معمولا طبقه اول بیشترین استفاده را در طول سال به خصوص فصول گرم سال داشته است. طراحی بناها به گونه ای بوده که ساختمان با قرار گیری در شمال سایت بیشترین بهره از انرژی از جبهه جنوبی را داشته باشد. به دلیل جهت گیری شرقی - غربی

جدول ۱۳. میزان توزیع دمایی با توجه به شرایط آسایش؛ ماخذ: نگارندگان.

	پهنه آسایش c ۱۸-۲۶	۱۸		۲۰		۲۲		۲۴		۲۶		مجموع ساعات	مجموع درصد
		ساعت		ساعت		ساعت		ساعت		ساعت			
خانه کلبادی	همکف	۵۱۱	۵/۸۰	۷۳۹	۸/۴۰	۸۶۹	۹/۹۰	۸۱۵	۹/۳۰	۷۸۱	۸/۹۰	۳۷۱۵	٪ ۴۲/۴۰
	اول	۵۳۳	۶/۱۰	۷۶۴	۸/۷۰	۸۶۲	۹/۸۰	۸۲۲	۹/۴۰	۷۶۹	۸/۸۰	۳۷۴۹	٪ ۴۲/۸۰
خانه آقاجان نسب	ساختمان شمالی	۴۴۶	۵/۱۰	۵۶۲	۶/۴۰	۸۷۸	۱۰/۰۰	۷۶۳	۸/۷۰	۸۶۰	۹/۸۰	۳۵۰۹	٪ ۴۰/۱۰
	ساختمان جنوبی	۴۵۸	۵/۲۰	۶۰۶	۶/۹۰	۹۰۴	۱۰/۳۰	۷۵۶	۸/۶۰	۸۳۲	۹/۵۰	۳۵۵۶	٪ ۴۰/۶۰

ligent buildings international, No.1, 209.

-Clements-Croome, D. (1997). Naturally ventilated buildings: Buildings for the senses, economy and society, E&FN Spon.

-CLI Group. (2008). Indoor air quality tailored to meet your requirements, Cleveland, O, <http://www.closerlookinspection.com>.

-Dekay, M., Brown, G.Z. (2014). Sun, wind & light: architectural design strategies, Aghaie, S.; Parham Naghsh, Tehran, Iran, 118-153.

-Huang, K., Feng, G., Li, H., Yi, Sh. (2014). Opening window issue of residential buildings in winter in north China: A case study in Shenyang, Energy and building, No.84, 567.

-Kasmai, M. (1996). Climate and architecture, Khak, Isfahan, Iran, 83-129.

-Mahmoudi, M., Kolbadinejad, M., Pourmousa, M. (2014), climatic guidelines for designing opens paces in residential complexes of Yazd, International journal of architectural engineering & urban planning, No.24, 24.

-Natural association of the remodeling industry. (2007). Green remodeling improves indoor air quality, <http://www.healthyhouseinstitute.com>.

-OHBA, M., Lun, I. (2010). Overview of natural cross-ventilation studies and the latest simulation

استفاده از پنجره آلومینیومی میزان انرژی مورد نیاز برای گرمایش و سرمایش در هر متر مربع را بطور میانگین ۱۰ درصد افزایش میدهد. این در حالی است که پنجره دو جداره، کاهش ۲۶-۳۰ درصدی انرژی را به دنبال دارد. در مقایسه، کاهش ضخامت دیوار نسبت به وضع موجود در خانه‌ها، افزایش میزان انرژی در بازه ۱۲-۳۰ درصدی را در پی خواهد داشت. تغییر در نوع تهویه و یا حذف آن نیز افزایش ۳۰ درصدی میزان انرژی جهت سرمایش و گرمایش را در پی دارد که از دیگر نتایج در صورت تغییر وضع موجود است. در جمع بندی نهایی این دو بنای مسکونی ۱۰ درصد از ساعات شبانه روز را در دمای ۲۲ درجه سبزی می کنند و در مجموع ۴۰ تا ۴۲ درصد در آسایش قرار داشتند. این راهکارها هر چند ساده اما کاملا با تفکر صورت می گرفتند تا بنا همساز با اقلیم بوده و کمترین مصرف انرژی را داشته باشد. در این بررسی ها، در برخی مواقع نیز بنا کاملا اقلیمی عمل نمی کرده اما تلاش در جهت قرار دادن بنا در بهترین وضعیت آسایش را به خوبی نمایان می نماید.

منابع و مأخذ

-Allerd, F., Ghiaus C. (2005). Natural ventilation in the urban environment: Assessment and Design, Earthscan, 230.

-Bagiorgas, et al. (2009). The use of wind energy for passive cooling applications in western Greece, Intel-

- design tools used in building ventilation-related research, *Advances in building energy research*, No.4, 128.
- Orepaza-Perez, I., Qstergaard, P.A. (2014). Potential of natural ventilation in temperate countries: A case study of Denmark, *Applied energy*, No.114, 521.
- Pires, L., Silva Pedro, D., Castro Gomes, J.P. (2013). Experimental study of an innovative element for passive cooling of buildings, *Sustainable Energy Technologies and Assessments*, 4, 29.
- Prakash, D., Ravikumar, P. (2015). Analysis of thermal comfort and indoor flow characteristics for a residential building room under generalized window opening position at the adjacent walls, *International journal of sustainable built environment*, 1.
- Puriany, J. (2014). Historical houses of Sari, Resanesh Novin, Tehran, Iran, 20-21.
- Santamouris, M., Kolokotsa, D. (2013). Passive cooling dissipation techniques for buildings and other structures: The state of art, *Energy and building*, No.57, 75-76.
- Shaterian, R. (2009). *Architecture and climate*, Si-maye Danesh, Tehran, Iran, 260.
- Soltandoost, M.R. (2013). *Climate- Architecture- Air Conditioning*, Yazda, Tehran, Iran, 465.
- Tahbaz, M. (2013). Climatic knowledge climatic design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, 122.
- U.S. Department of Energy (2009). *Energy Information Administration, International Energy, Outlook*.
- Wang, L., Greenberg, S. (2015). Window operation and impacts on building energy consumption, *Energy and buildings*, No.92, 313.
- Watson, D., Labs, K. (2009). *Climatic Design: Energy efficient building principles and practices*, Ghobadian V., Faze Mahdavi M.; University of Tehran, Tehran, Iran, 214.

ارزیابی معیارهای تعامل پذیری اجتماعی و سرزندگی در فضاهای نمایشگاهی؛ مورد پژوهی: چند نمونه در استان البرز

ندا حیدری - گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
محمدصادق صالحی* - گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Evaluation criteria of social interaction and vitality in exhibition spaces; Case Study: Multiple instances in Alborz Province

Abstract

Public spaces can be designed to people and activities of the private media to invite public environment. Or vice versa in a way that is difficult to get into them physically and psychologically. And space environment affects the human body elements (urban, architectural space) should be designed to fit the needs of users and for those charming, elegant, intimate, memorable and evocative is. The role of public space, ie space where social interactions are formed and culture in the context of its citizens will be promoted. In our country is declining day by day. Conditions of modern cities induce new lifestyle. In order to accomplish different objectives that walking was ignored. The research was descriptive literature survey method was used to measure and evaluate. In this research effort will be made to three areas with regard to historical, social and physical evaluation measures to promote social interaction and vitality of the exhibition spaces to be explained. The physical dimensions should be assessed. According to the expectations of today's living environment, architectural design of public spaces should be designed to beyond the relationship between the body and mind. People should be places where human life with the needs of today's match. Human and environmental needs of the individual, complex social, ideals and traditions of historic, natural and other aspects of the situation and talk.

Keywords: interaction of social, vitality, exhibition spaces, physical design criteria.

چکیده

فضاهای عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فرا خوانند یا برعکس به صورتی باشند که وارد شدن به آن‌ها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشد. عناصر و کالبد محیط بر انسان تاثیر دارد و فضا (فضای شهری، فضای معماری) باید مناسب با نیازهای استفاده‌کنندگان طراحی شود و برای آنان جذاب، زیبا، صمیمی، به یادماندنی و خاطره انگیز باشد. نقش فضای عمومی، یا به عبارتی فضایی که در آن تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد و فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقا می‌یابد، در کشور ما روز به روز در حال افول است. شرایط حاکم بر شهرهای امروزی شیوه زندگی جدیدی را القا می‌کند که در آن پیاده‌روی به منظور انجام اهداف مختلف نادیده گرفته می‌شود. روش تحقیق در مرحله ادبیات نظری توصیفی - تحلیلی بوده که از روش پیمایشی برای سنجش و ارزیابی استفاده شده است. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با عنایت به سه حوزه تاریخی، اجتماعی و کالبدی نتایج ارزیابی معیارهای طراحانه برای ارتقا تعامل پذیری اجتماعی و سرزندگی در فضاهای نمایشگاهی تبیین شود. نتایج و یافته‌ها نمایانگر این است که فضاهای عمومی انسان ساخت می‌توانند محملی برای بروز ارزش‌های فرهنگی و بستری مناسب برای تعاملات و توسعه اجتماعی و عرصه‌ای برای هویت‌سازی و هویت‌پذیری شهروندان به شمار آیند که می‌بایست در ابعاد کالبدی مورد ارزیابی قرار گیرند. با توجه به انتظارات و توقعات انسان امروزی از محیط زندگی پیرامون، بایستی در طراحی معماری فضاهای عمومی به چیزی ورای طراحی کالبد و ارتباطات میان آن اندیشید. باید مکان‌هایی خلق شود که با نیازهای امروز زندگی بشر مطابقت داشته باشد. انسان به محیطی نیاز دارد که از فردیت، اجتماع پیچیده، از ایده آل‌ها و سنت تاریخی، از موقعیت و مظاهر طبیعی و غیره صحبت کند.

واژگان کلیدی: تعامل پذیری اجتماعی، سرزندگی، فضاهای نمایشگاهی، معیارهای طراحی کالبدی.

مقدمه

آثار هنر و معماری هر کشوری بخشی از هویت فرهنگی و در حکم شناسنامه آن کشور هستند. به طور کلی با توجه به اینکه هر کدام از این آثار در مقطع یا مقاطع زمانی خاصی از تاریخ آن سرزمین ساخته شده‌اند، نه تنها نوع تفکر و بینش و حتی نوع اعتقادات مردم آن سرزمین را در آن مقطع زمانی خاص نشان می‌دهند بلکه نمایانگر نوع سبک‌ها و تکنیک‌های آن اثر هنری یا معماری در آن مقطع زمانی خاص نیز می‌باشند. حال در این میان، هنر معماری از آنجا که با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد بخش مهمی از هنر آن سرزمین را به خود اختصاص داده و حتی به نوعی معماری هر تمدن، بیانگر نوع اعتقادات و تفکرات و بینشهای آن تمدن است که با دیگر اقوام متفاوت است. بخش قابل توجهی از فضاهای عمومی فرهنگی از جمله موزه‌ها، فرهنگسراها، تالارهای تئاتر و سینما در شهرهای امروزی ایران، به علت عدم مطابقت با محیط شهری و نیازهای اجتماعی شهروندان به فضاهای جداافتاده تبدیل شده‌اند. این جداافتادگی عملکردی در شرایطی به وجود آمده است که این مراکز عموماً در بافت مرکزی کلانشهرها قرار دارد و عدم دسترسی را نمی‌توان دلیل موجهی برای استقبال نکردن عموم جامعه بیان کرد. فضاهای عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فرا خوانند یا برعکس به صورتی باشند که وارد شدن به آن‌ها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشد. عناصر و کالبد محیط بر انسان تاثیر دارد و فضا (فضای شهری، فضای معماری) باید مناسب با نیازهای استفاده‌کنندگان طراحی شود و برای آنان جذاب، زیبا، صمیمی، به یادماندنی و خاطره انگیز باشد. نقش فضای عمومی، یا به عبارتی فضایی که در آن تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد و فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقا می‌یابد، در کشور ما روز به روز در حال افول است. شرایط

حاکم بر شهرهای امروزی شیوه زندگی جدیدی را القا می‌کند که در آن پیاده‌روی به منظور انجام اهداف مختلف نادیده گرفته می‌شود. آنچه در ادبیات تخصصی معماری و طراحی شهری در مورد سرزندگی از سال ۱۹۸۱ مطرح شده است به طور عمده حول مفهوم livability و یا liveliness است که به معنای سرزندگی است. امروزه به دلایل گوناگون تأمین نشاط، شادی و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری به ویژه در کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است. تأمین سرزندگی شهری نیز به مثابه آرمانی مشروع در صدر بسیاری از اسناد رسمی شهرسازی مشاهده می‌شود که خود برخاسته از اهمیت سرزندگی شهر به مثابه یک هدف و یک وسیله است (کلکار، ۱۳۸۶). به اعتقاد «جین جیکوبز» تنوع، سرزندگی را بدنبال خواهد داشت که شامل تنوع: کالبدی، کاربری و فعالیت‌هاست. کوین لینچ سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: بقا، ایمنی، سازگاری، سلامتی و ثبات بیولوژیکی. او عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مد نظر قرار داده و عواملی نظیر مسائل اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته است (خستو و رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۵). بر این اساس پرداختن به مولفه‌های تعامل پذیری اجتماعی و سرزندگی و سنجش آنها از موضوعات مهمی است که باید در برنامه ریزی شهرها مورد نظر واقع شده و بررسی گردد که در این مقاله این مهم مورد توجه بوده است.

پیشینه پژوهش

«چالز لاندري» مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده، او «سرزندگی» و «زیست‌پذیری» را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده شامل «سرزندگی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی» و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او نه معیار موثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر بر می‌شمارد: «تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۵۲

و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت» است. «پایمر» عوامل موثر بر یک مکان عمومی موفق و پر جنب و جوش را این چنین معرفی می‌کند: موقعیت مکان، اندازه مکان، برنامه‌ریزی مکان، طرح مکان. (همان)

«بلوچ و همکارانش» (۱۹۹۴) تأثیر محیط فیزیکی مراکز خرید را بر روی حالت احساسی مشتریان بررسی کردند و دریافتند که مراکز خرید مکان‌هایی تنها برای خرید مشتریان نیستند بلکه سایر فعالیت‌ها مانند فعالیت‌های سرگرم‌کننده نیز در آن‌ها انجام می‌شود. آن‌ها همچنین ۷ معیار را انگیزش‌های خریداران را برای دیدار از مراکز خرید بیان می‌کند، تعیین کردند. این معیارها زیبایی‌شناسی، رهایی، جریان، اکتشاف، نقش‌گذاری، اجتماعی و راحتی هستند. «العدلی» (۲۰۰۷) نیز جذابیت مراکز خرید را به ۶ عامل مرتبط دانست، که عبارت‌اند از: «راحتی، سرگرمی، تنوع، ماهیت مرکز خرید، آسایش و خوش‌گذرانی». «ویکفیلد» و «بیکر» (۱۹۹۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که محیط مرکز خرید بر روی ماندن افراد در آن‌ها تأثیر گذارند. به علاوه ویژگی‌های دیگری مانند اجزای حمل و نقل و جابجایی که شامل راحتی، روش‌های جابجایی قابل اعتماد، تنش و فاصله در استقبال از مراکز خرید تأثیر مهمی دارند (Ibrahim & Wee, 2002: 245-251). «وانگ و همکارانش» (۲۰۰۱) ابزار «اسکاتر» را برای ارزیابی میزان جذابیت مراکز خرید از دیدگاه کاربران ارائه نمودند. اسکاتر شامل ۲۱ ویژگی در ۵ دسته‌بندی تحت عناوین «مکان، کیفیت، تنوع، عامه‌پسندی، امکانات و مشوق‌های فروش» تعریف می‌شد. یکی از نظریه پردازان عرصه عمومی «حنا آرنٹ» می‌باشد که کتاب «شرایط انسانی» را در سال ۱۹۵۸ تالیف نموده است. او، مشوق برون‌گری و زندگی سیاسی و اجتماعی است که در آن قلمرو عمومی نقش اصلی را بازی می‌کند. آرنٹ فضا را در دو معنا، فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمرو

عمومی سیاست و همین‌طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیا در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیا شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنٹ درباره فضای عمومی آمده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸).

در داخل کشور کورش گلکار در پژوهشی که در رابطه با سرزندگی شهری به انجام رسانده سرزندگی شهری را معادل واژه livability و یا liveliness دانسته و آن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری تعریف می‌نماید (گلکار، ۱۳۸۶). در پژوهشی دیگر عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، با خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم، مرکز خرید پیاده پرداخته شده است و با بررسی نمونه موردی خیابان ستارخان به اثبات فرضیات پژوهش و در انتها پیشنهاداتی در راستای ارتقای سرزندگی خیابان در دو بخش کالبدی و غیرکالبدی ارائه شده است. همچنین پژوهش‌های دیگری در زمینه تعاملات اجتماعی در فضاهای باز تاکنون انجام شده است. از این میان می‌توان به مقاله «نقش فضاهای باز در حس تعلق به مکان مطالعه موردی: شهرک اکباتان در تهران» اشاره نمود. این مقاله به حس تعلق در فاز دو شهرک اکباتان و رابطه بین مردم و کالبد، رابطه ویژگی‌های معماری و ایجاد حس تعلق در این شهرک را بررسی نموده است. پژوهش دیگر که به آن اشاره می‌شود مقاله «فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی نمونه موردی مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان» است که به ارائه راهکارها برای جداره‌های بین فضاهای مسکونی در فاز ۲ شهرک اکباتان پرداخته است و از طریق مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای، راه‌حلی را برای تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی ارائه کرده است. در زمینه انسان و روابط اجتماعی و فضا می‌توان به نظریات و کتب یان گل مانند شهرهای انسانی و زندگی در فضای میان ساختمان‌ها اشاره نمود و

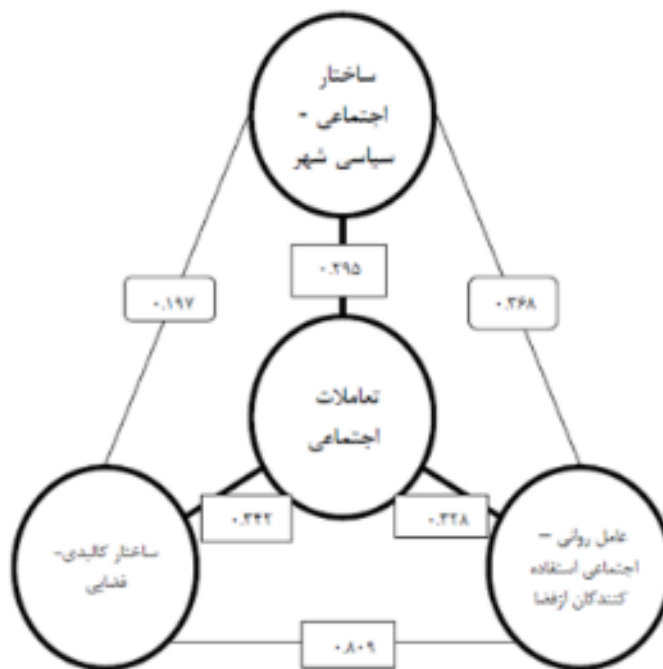
نیز نظریه های راپاپورت در کتاب «انسان شناسی مسکن»، البته در این کتب همگی با توجه به انسان و محیط کالبدی تعاریف و نقاط قوت و فرصتی را برای تعاملات در فضاهای باز مطرح نموده اند، که می توان به عنوان نمود ارائه المان های تعریفی و طراحی به آنها پرداخت.

رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با عنوان «شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، سه متغیر «دسترسی به خدمات»، «امنیت اجتماعی» و «هویت مکانی» را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می کنند. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۷) نیز به سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی - شهری در میزان اجتماعی شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان پرداخته اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی - شهری دارد. در مطالعاتی در مینه سوتای شمالی که برای سنجش کیفیت محیط های مسکونی انجام شده است، سه مؤلفه ی «حس مکان»، «احساس تعلق مکانی» و «هویت مکان» را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته اند. «دانشپور و چرخچیان» (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته اند. و با توجه به آنها به ما به ازاهای فضایی چون دعوت کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگویی فعالیتی در راستای هدفشان اشاره نموده اند. کاشانی جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، این فضاها را به عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی

ایفا می نمایند می شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده مداری و تأثیرات محیطی - رفتاری فضاهای شهری و در دوران خیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت ها و نظریه ها را مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی - پایداری و ایجاد امنیت و انسان مداری در قلمروهای عمومی می داند. «ترابی» (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را برافزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است. همچنین در تحقیق «بهزادفر و طهماسبی» (۱۳۹۲) بیان شده است مؤلفه های فردی تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارند و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آن رشد کرده نوع و سطح خاصی از روابط را با دیگران و محیط انتخاب می کند. البته در پژوهش بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) اثبات شد، نقش مؤلفه های کالبدی و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی را نمی توان نادیده گرفت، بنابراین در اینجا نقش و قابلیت های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأیید می شود. بررسی و تحلیل مؤلفه های کیفی سازنده فضا، مشخص می کند معیارهای عینی چون کیفیت عملکردی و فعالیت پذیری، نفوذپذیری و دسترسی، ارتباط مستقیمی با تعاملات اجتماعی دارند و به شدت بر تعاملات اجتماعی تأثیر گذارند، اما معیارهای ادراکی ذهنی (ایمنی، امنیت و خوانایی) ارتباط ضعیفی با تعاملات اجتماعی دارند. همچنین مؤلفه های فردی تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیمی بر تعاملات اجتماعی دارند.

جدول ۱. خیابان‌های شهری و تعاملات اجتماعی؛ ماخذ: بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ص ۲۶

مؤلفه‌های مؤثر	مؤلفه‌های کالبدی	مؤلفه‌های فردی	مؤلفه‌های ادراکی
کیفیت تأثیر	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر غیر مستقیم بر رفتار
نوع تأثیر	شکل‌گیری و تثبیت تعاملات	شکل‌گیری و تثبیت تعاملات	تداوم و بقاء تعاملات
ترتیب اثر گذاری	آغاز و ابتدا	آغاز و ابتدا	در ادامه
شاخص‌ها	کیفیت عملکردی و فعالیت پذیری، نفوذ پذیری و دسترسی	جنسیت، مدت سکونت، سن، سطح درآمد	ایمنی، امنیت، خوانایی



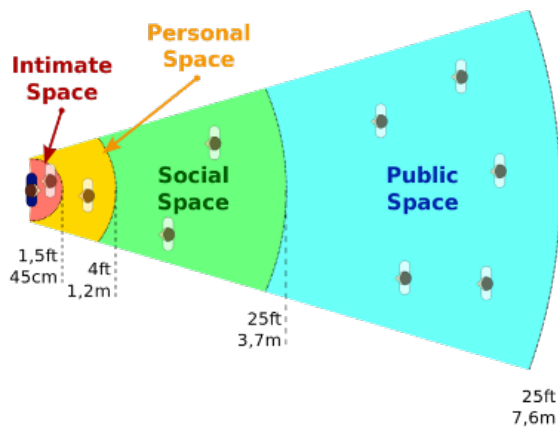
نمودار ۱. مدل تحلیلی مطالعه قنبران و جعفری؛ ماخذ: قنبران و جعفری، ۱۳۹۳، ص ۶۳.

در پژوهش قنبران و جعفری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی» عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی به دسته «ساختار اجتماعی- سیاسی شهر»، «ساختار کالبدی- فضایی» و «عامل روانی- اجتماعی» استفاده‌کنندگان از فضا تقسیم شده است. مدل استخراج شده در این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی- سیاسی شهر و زیر فاکتوره ای آن با ۰/۲۹، ساختار کالبدی- فضایی با ۰/۳۴، حالات روحی- روانی استفاده‌کنندگان از فضا و زیر فاکتوره‌های آن با ۰/۳۲ در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد مؤثر است.

مبانی نظری تحقیق

بررسی اسناد موجود درباره سوابق مطالعات

شده است. مدل استخراج شده در این پژوهش بیانگر



نمودار ۲. فواصل مربوط به ارتباطات اجتماعی؛ ماخذ: جهدی و کلانتری، ۱۳۹۲، ص ۶.

انسان»، چهار فاصله برای انسان مشخص می‌گردد که انتخاب آن‌ها بستگی به کنش متقابل ارتباط افراد و کنشگر، نحوه احساس آن‌ها و آنچه انجام می‌دهند دارد. همچنین تعداد این فواصل در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (جهدی و کلانتری، ۱۳۹۲، ص ۵).

۱. فاصله خصوصی یا صمیمی (۳۰-۴۵ سانتی‌متر): در این فاصله حضور فرد دیگر با داده‌های حسی بالا تردیدناپذیر است. در واقع با حضور فرد دیگر در این فاصله احساسات شما برانگیخته خواهد شد.

۲. فاصله شخصی (۱۲۰ سانتی‌متر): فاصله ثابتی است که اعضای گونه‌های غیرتماسی را از هم جدا می‌کند. در واقع محیط کوچکی که یک موجود زنده بین خود و دیگر موجودات نگه می‌دارد.

۳. فاصله اجتماعی (۳۶۰ سانتی‌متر): نمی‌توان انتظار تماس با فرد دیگری را در این فاصله داشت. در واقع شخص از لحاظ اجتماعی آنقدر از اطرافیان فاصله دارد که آن‌ها اجازه تماس فیزیکی با او را در این فاصله به خود نمی‌دهند.

۴. فاصله عمومی (۳۶۰ سانتی‌متر به بالا): این فاصله به‌طور کامل بیرون از دایره برخورد افراد است.

هال در این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که بحران فعلی شهرها ناشی از ناآگاهی نسبت به ابعاد پنهان وجود انسان است؛ بنابراین برای جلوگیری از تداخل

رفتارشناسی و سرزندگی محیطی در حوزه شهری و معماری، به این نتیجه منجر شد که به جز مطالعات محدود در داخل کشور که شامل موارد ترجمه و تألیف در حوزه نظری این بحث می‌باشد و سعی در معرفی و تبیین مبانی نظری برای علاقه‌مندان داخلی داشته است، اکثر این مطالعات از بدو پیدایش بیشتر در کشورهای غربی و توسعه یافته انجام شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

تجارب ادوارد هال

«ادوارد تی. هال» انسان‌شناس آمریکایی تا کنون چندین کتاب را در زمینه‌های تخصصی خود منتشر کرده است که بی‌شک مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر او در شهرسازی، کتاب بعد پنهان (۱۳۸۷) می‌باشد. در مجموع این کتاب بر ۴ مؤلفه تأکید دارد: الف) رفتار فضایی، ب) فضای شخصی (خصوصی)، ج) معماری و جنبه‌های روانشناسی و د) شهرسازی و جنبه‌های روانشناسی. این کتاب از اولین کتاب‌هایی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در مورد رفتارهای انسانی، عکس‌العمل‌های او و چگونگی بهتر طراحی کردن فضاها بر طبق میل استفاده‌کنندگان، به تحقیق و بررسی پرداخته است. محور اصلی مطالعه هال، درک انسان از فضای شخصی و اجتماعی اوست که نویسنده از آن با عنوان همجواری‌ها یاد می‌کند. در اصلی‌ترین فصل کتاب هال با نام «فواصل در



شکل ۱. فیلمبرداری گوشه‌های مهم خیابان‌ها توسط دوربین‌های مخفی؛ ماخذ: H. Whyte, ۲۰۰۹: ۵.

می‌کرد. سپس الگوی فعالیتی هر فرد را از لحظه ورود به فضا تا لحظه خروج از فضا بر روی نقشه ثبت می‌کرد و اینکار را برای هر فرد تکرار می‌کرد. در واقع او می‌کوشید به یاری این روش دریابد که چه چیز مردم را بر می‌انگیزد، چه چیز آن‌ها را آزار می‌دهد و چگونه آن‌ها با اندک تغییرات محیط شهری متأثر می‌شوند.

به گفته وایت الگوی همانندی که گروه تحقیق در این مشاهده‌ها بدست آورد و می‌شود آن را به بیشتر فضاهای همگانی تعمیم داد، این بود که آنچه بیش از همه مردم را به سوی خود می‌کشد، حضور آدم‌های دیگر است. وایت در طراحی یک مکان، به طراحی از پایین به بالا معتقد بود؛ به این معنی که کار را می‌باید از فهم روشی که مردم از فضاها استفاده می‌کنند آغاز نمود. او همواره تأکید می‌کرد که مردم با پاهای خود رأی می‌دهند و در واقع آن‌ها از فضاهایی استفاده می‌کنند که در آن آسوده باشد و از فضاهایی که چنین نباشد، می‌گریزند (جهدی و کلانتری، ۱۳۹۲، ص ۹).

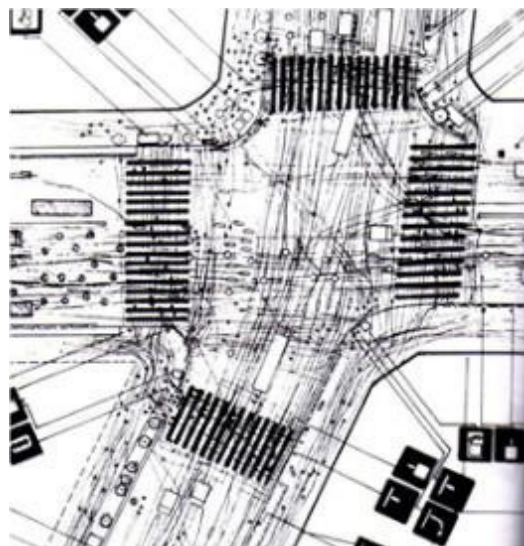
تجارب یان گل

یان گل معمار و شهرساز دانمارکی در سال ۱۹۳۶ در شهر کپنهاگ متولد شد. وی در سال ۱۹۶۶، از

فواصل در انسان‌ها و جلوگیری از آشوب و هرج و مرج نیاز به برنامه است. نکات حیاتی و ضروری در برنامه‌ریزی از نظر او شامل موارد زیر است: توجه به مقیاس انسانی، استفاده سازنده از گروه‌های قومی و توجه به ادبیات هر فرهنگ، توجه به فضاهای باز بیرونی و در دسترس، حفظ ساختمان‌های مفید و ارضاء کننده

تجارب ویلیام وایت

ویلیام اچ (هولی) وایت استاد فضاهای عمومی، مطالعات خود در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری را با پیش‌نویس طرح جامع کمیسیون برنامه‌ریزی شهر نیویورک آغاز کرد. او در این طرح، علل موفقیت ۱۶ میدان، ۳ پارک کوچک و تعدادی فضاهای خرده‌ریز را در جذب مردم مورد بررسی قرار داد. بعدها وایت مطالعه دیگری را با همین مضمون با عنوان زندگی اجتماعی در فضاهای کوچک شهری (۱۹۸۰) انجام داد و مهم‌ترین یافته‌های خود را در این اثر منتشر کرد. وایت از فیلم ۱۶ میلی‌متری برای ثبت رخداد‌های روزانه در مکان‌های همگانی مانند پارک‌ها، جلوی مغازه‌ها و پیاده‌روها سود می‌جست. وایت الگوهای فعالیت روزانه مردم را از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعداز ظهر ضبط



شکل ۲ (سمت راست) نمونه‌ای از نقشه‌های ثبت الگوهای رفتاری در فضاهای مورد مطالعه؛ ماخذ: بحرینی، ۱۳۸۴:

نمودار ۲ سمت چپ. سلسله‌مراتب نیازهای مازلو؛ ماخذ: گلرخ، ۱۳۹۱، ص ۷۲.

۱۳۸۷) نظریه‌ای مبنی بر تقسیم‌بندی فعالیت‌های انسان در فضای شهری به شرح زیر ارائه کرده است: الف) فعالیت‌های ضروری، اجباری (تحت همه شرایط)، ب) فعالیت‌های انتخابی، اختیاری (تنها تحت شرایط مطلوب)، و ج) فعالیت‌های اجتماعی.

تجارب بحرینی

دکتر سید حسین بحرینی در کتاب خود با عنوان «تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی» (۱۳۸۴) به معرفی روشی پرداخته است که با استفاده از آن می‌توان تنگناهای موجود در فرآیند طراحی شهری را در چارچوب خصوصیات رفتاری-فرهنگی جوامع برطرف نمود و ایجاد فضاهای معنی‌دار شهری را امکان‌پذیر ساخت. کتاب تحلیل فضاهای شهری بر اساس نتایج و دستاوردهای تحقیقی بین سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ تدوین یافته و پس از بیان مسئله، اهمیت و هدف از مطالعه، به سابقه استفاده از روش‌های تحلیلی در طراحی شهری می‌پردازد. بخش‌های دیگر کتاب شامل تحلیل فضایی، اثبات فرضیه و تفسیر نتایج از دید طراحی شهری، ضوابط و ایده‌های کلی طراحی، مسائل خاص هر فضا و

مدرسه معماری آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک، بورسی ۵ ساله به منظور پژوهش و مطالعه بر روی فضاهای عمومی و جمعی دریافت کرد که حاصل کار، کتاب زندگی در فضای میان ساختمان‌ها بود. نظریات او بر وجه انسانی معماری و همچنین تعامل میان معماری و برنامه‌ریزی با جامعه‌شناسی و روانشناسی تأکید دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۴۳۳). بیان گل از نخستین کسانی است که یادآوری می‌نماید: «در جامعه‌ای که بواسطه خانه‌های شخصی، خودرو، رایانه، دفاتر و کانون‌های خرید، چنین شتاب‌زده خصوصی‌سازی می‌شود، باورهای همگانی زندگی در حال ناپدید شدن هستند. از اینرو کمک به دعوت‌کننده شدن شهر، به گونه‌ای که بتوانیم با هم‌شهری‌هایمان چهره به چهره دیدار کنیم و به‌طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه‌اندوزی بپردازیم، هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. زندگی همگانی در فضای همگانی با کیفیت، بخش مهمی از یک زندگی کامل است. بر این پایه از نظر او در دنیای امروزی، تنها آنگونه از معماری که مقیاس و تعامل انسانی را در نظر دارد، موفق خواهد بود.» او در کتاب خود با نام زندگی در فضای میان ساختمان‌ها (گل)،

ایده‌های طراحی برای نمونه میدان‌ها و خیابان‌های مورد مطالعه در تهران می‌شود. در پایان کتاب نیز منابع مفید برای مطالعه بیشتر معرفی شده و علاوه بر آن نقشه‌های متعدد در زمینه الگوهای رفتاری در فضاهای مطالعه شده به پیوست آمده است. در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: «طراحی فضاهای شهری مسئله‌ای است که متخصصین امر در مورد چگونگی انجام آن اتفاق نظر کامل ندارند و هر یک بر اساس تخصص خود به آن می‌نگرند. اما در این مطالعه نقطه‌نظر جدیدی ارائه می‌شود. به این ترتیب که فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده‌کنندگان از آن فضاها بررسی می‌گردد تا به این نحو طراحی فضاها بتواند مبنا و منطق قابل دفاع مستدلی پیدا کند.»

تجارب عباس‌زادگان

از دیگر مطالعات محیطی- رفتاری انجام شده در کشور می‌توان به مطالعات دکتر مصطفی عباس‌زادگان اشاره کرد. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی‌های پژوهش در طراحی شهری؛ نمونه‌های موردی در ایران» (عباس‌زادگان، ۱۳۸۶) در موضوع مطالعات محیطی، رفتاری اینچنین می‌نویسند: روش‌های مطالعه ادراک محیط، نحوه دریافت، تفسیر و درک محیط شهری را به‌عنوان لایه پنهان و معنایی فضاهای شهری برای شهروندان ممکن می‌کند و در ادامه با این فرضیه در نحوه درک فضا بر رفتار تأثیر می‌گذارد و پژوهشگران را به طرف مطالعه رفتار در فضا رهنمون می‌شود. مطالعه رفتار استفاده‌کنندگان در فضاهای شهری و بهره‌گیری از آن برای استخراج احکام طراحی لایه‌ای از مطالعات انسان، محیط است که دیرزمانی مورد توجه طراحان شهری است. او معتقد است که مطالعات محیطی، رفتاری در دو سطح قابل بررسی و انجام است. در سطح اول با بهره‌گیری از روش مشاهده استفاده‌کنندگان، الگوهای رفتاری مردم در فضا و ارتباط آن با ویژگی‌های فضا تجزیه و تحلیل شده و در نهایت پیشنهادهای طراحان در پاسخگویی

به نیازهای رفتاری مردم ارائه می‌شود. از این نوع مطالعات در شرایطی می‌توان بهره برد که هدف مطالعه و طراحی فضاهای منفرد است. در شرایطی که هدف مطالعه و طراحی فضاهای شهری مرتبط با یکدیگر می‌باشد و روابط متقابل فضاها با یکدیگر سناریویی از رفتارها را تشویق می‌کند بهره‌گیری از روش چیدمان فضا (سطح دوم) توصیه می‌گردد. ایشان در همین مقاله به معرفی پروژه «طراحی پیش‌فضاهای ورودی به حرم مطهر حضرت امام (رضاع)»، به عنوان مثالی برای سطح اول و «مطالعه چیدمان فضایی بافت تاریخی شهر سمنان»، به عنوان مثالی برای سطح دوم این مطالعات پرداخته‌اند.

رفتارشناسی و محیط‌های عمومی

هر فرد تعدادی نیازهای ذاتی دارد که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند، یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها بکار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی هستند و از اینرو افراد در انجام این رفتارها و نحوه ارضای این انگیزه‌ها تفاوت‌های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بر اساس هرم نیازهای انسانی مازلو احتیاجات افراد به دو گروه تقسیم می‌شود. دسته نخست نیازهای مادی و جسمانی است که در صورت ارضای این دسته، طیف دیگری از نیازها مطرح می‌شود که به بعد روحی و روانی زندگی انسان باز می‌گردد. بر این اساس یکی از نیازهای انسان (از جمله شهروندان) نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. بدین ترتیب از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله‌ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می‌شود. هرگاه عملی از شخصی سرزند که با پاسخی از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دو سویه، تعامل اجتماعی یا کنش متقابل اجتماعی گفته می‌شود. در این صورت میان این دو شخص، یک رابطه اجتماعی برقرار می‌شود

(عباس‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵). برای ارضای این نیازها، طبق نظر مازلو، انگیزش‌های انسان باید مورد توجه خاص قرار گیرد. این انگیزش‌ها می‌توانند مادی و یا معنوی باشند و با تغییر در این انگیزش‌ها است که ناگهان شکل‌ها و قابلیت‌های محیط معنا می‌یابند و یا معنای خود را از دست داده به نابودی می‌گریند. در مدل مازلو توجه تنها به نیازهای پست بدلیل تنزل مقام انسان نکوهش شده است و شناخت انسان سالم را از طریق توجه به نیازهای عالی او امکان‌پذیر می‌داند. مدل ارائه شده در روانشناسی انسان‌گرای مازلو و تعمیم دادن آن بر رفتارهای انسان در فضاهای معماری و شهری می‌تواند سازوکار مناسبی برای تجزیه و تحلیل تعامل و ارتباط انسان و محیط ساخته شده بدست دهد. این مدل به معماران و طراحان شهری کمک می‌کند تا به علل شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و فضاهای معماری در ارتباط با نیازهای انسان توجه نمایند (مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). محیط پیرامون ما سرشار از اطلاعات بالقوه (واقعیت) است. ما ابتدا متناسب با توانایی‌های جسمی و روانی خود، بخشی از این واقعیت را به صورت یک عینیت (اطلاعات بالفعل) ادراک می‌کنیم. سپس قضاوت‌هایی را براساس ادراک خود سازماندهی می‌کنیم و بر اساس این قضاوت‌ها، ذهنیتی از محیط برای خود می‌سازیم. این ذهنیت عوامل پایه‌ای در رفتار ما هستند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵). محیط دور و بر تاثیر عمیقی بر کارهای ما دارد. خلق، عملکرد کاری و حتی سلامت جسمی ما تحت تاثیر درونداد حسی است که دائما از این محیط دریافت می‌کنیم (مک اندرو، ۱۳۹۲، ص ۷۱).

مدل لنگ: نیازهای انسانی

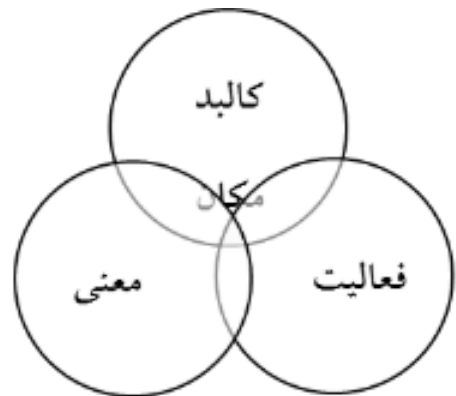
محیط در تعریف جان لنگ شامل محتوای زمینی، جاندار، اجتماعی و فرهنگی است. هر کدام از این محیط‌ها زندگی مردم و ماهیت نگرش‌های آن‌ها را به محیط ساخته شده و انتظارات آن‌ها را از کار طراحان تحت تاثیر قرار می‌دهد. آنچه معماران

خلق می‌کنند محیط بالقوه‌ای است برای رفتار انسان، و آنچه شخص استفاده و تحسین می‌کند، محیط موثر بر اوست (Lang, 1961: 85). او بر این باور است که برای ساختن محیطی که نیازهای انسان را برآورده سازد، نخست باید ماهیت مسائل طراحی را شناخت، در واقع معماران و طراحان شهر به مدلی از نیازهای انسان محتاج هستند که پیچیدگی‌های رفتار آدمی را به گونه‌ای نظام‌وار توضیح دهد. مدلی که لنگ برای نیازهای انسانی در نظر می‌گیرد همان مدل ابراهام مازلو است که لنگ آن را جامع‌ترین مدل از سلسله مراتب نیازهای انسان می‌خواند. به باور او محیط ساخته شده اگر به گونه‌ای درخور شکل بگیرد، می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای انسان، مانند بقا، امنیت، تعلق، عزت، یادگیری و زیبایی‌شناسی را برآورده سازد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۵۳۷). مطابق دیدگاه لنگ دو نمونه از مدل‌های نیازهای انسانی برای تبیین قابلیت‌های انسانی محیط ساخته شده مورد استفاده طراحان اصلی در رقابت الکساندر لیتون (۱۹۵۹) و سلسله مراتب نیازهای انسانی ابراهام مازلو (۱۹۵۴ و ۱۹۴۳): امنیت فیزیکی، ارضای جنسی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علایق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت در گروهی معین، تعلق به یک نظم معنوی.

بعضی از این نیازها با قابلیت‌های ابزارهای محیط مرتبط‌اند (مثل امنیت و بیان خود انگیختگی) و بعضی دیگر در سطح قابلیت‌های نمادین محیط (مثل شناسایی و عضویت) مطرح هستند. این نیازها هم پیچیده‌اند و هم نظم و دسته‌بندی روشنی ندارند. از دیدگاه لنگ نیازهای یاد شده در چارچوب راهکارهای طراحی محیط قابل پاسخگویی است. طبقه بندی این راهکارها که هر کدام برای برآوردن نوع خاصی از نیازهای انسانی هستند، در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱. نیازهای انسانی و راهکارهای طراحی جهت برآوردن آن ها بر اساس مدل لنگ: ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۲۹.

نیاز	راهکار طراحی
فیزیولوژیک	کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل
ایمنی	کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف پذیری فضاهای مسکونی
احساس تعلق	تامین تسهیلات اجتماعی، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری
عزت نفس	کیفیت و چگونگی «مالکیت» اراضی و مستحدثات، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص
خودشکوفایی	شخصی سازی فضا و رعایت اصل تنوع در طراحی
شش‌ناختی و زیباشناختی	تامین امکان فعالیت‌های فرهنگی-تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۶۱

نمودار ۴. حس مکان جان پانتر- ۱۹۹۱ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۲.

نمودار ۳. مولفه‌های سه گانه کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

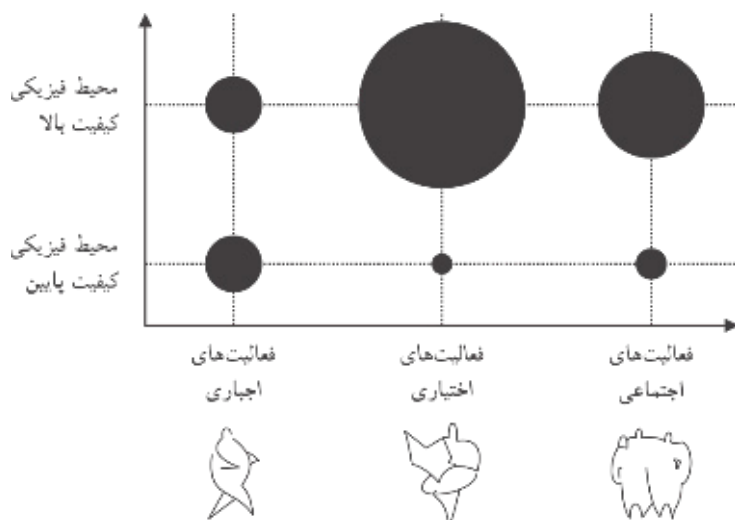
بر سه گانه بودن مولفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. بر اساس مدل جان پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل می‌باشند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه‌ی پیشنهادی کانتر تشابه دارند (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱). بر اساس مدل پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه پیشنهادی کانتر یعنی «کالبد»، «فعالیت» و «تصورات» تشابه دارند (همان: ۳۲).

فعالیت در فضاهای عمومی

هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که

مدل کانتر: مولفه‌های مکان

مدل مشهور «دیوید کانتر» از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری، را می‌توان از دیگر چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مولفه‌های کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی شهری است، محسوب نمود. بر اساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط مسکونی شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده‌ی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» است. جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده است که تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از این مدل ارائه دهند. به عنوان مثال مدل «حس مکان» جان پانتر را که



نمودار ۵. دسته‌بندی فعالیت‌ها بر اساس نظر یان گل؛ ماخذ: گل، ۱۳۸۷، ص ۵.

تجمع یا پراکندگی، تلفیق یا تفکیک، باز و بسته بودن. به‌عنوان مثال در بحث تجمع یا پراکندگی، فضا می‌تواند باعث تجمع فعالیت‌های مختلف گردد از طریق تمهیداتی مانند حذف فضاهای خالی بلا استفاده، جانمایی واحدهای فضایی فعال در محل حضور مردم... (فضاهای چندعملکردی) (جهدی، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

«یان گل» در کتاب زندگی در فضای میان ساختمان‌ها معتقد است که از طریق طراحی محیطی و با توجه به برخی از محدودیت‌های منطق‌های، اقلیمی و اجتماعی می‌توان بر تعداد استفاده‌کنندگان از محیط، بر دوام عملکردها و نحوه گسترش آن‌ها در محیط تأثیر گذاشت. وی فعالیت‌های بیرونی در فضاهای باز میانی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. فعالیت‌های ضروری: عملکردهای کمابیش اجباری-مانند رفتن به مدرسه و یا کار، خرید، انتظار برای اتوبوس هستند. به دلیل اینکه استفاده‌کنندگان حق انتخاب دیگری ندارند، این نوع عملکردها کم‌تر تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرند.
۲. فعالیت‌های انتخابی: این نوع فعالیت‌ها در صورتی که زمان و مکان و شرایط اقلیمی و بستر محیط اجازه دهد به شکل داوطلبانه صورت می‌گیرد

فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرد، فعالیت گفته می‌شود. علی‌رغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی، می‌توان آن‌ها را از طریق تشابه در جنبه فیزیکی آن‌ها یا اشتراک برآوردن نیاز، در بسته‌های کوچکتری دسته‌بندی کرد و به آن نام یک فعالیت خاص را داد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۴۱). تعامل میان فضا و فعالیت را در سه زمینه به شرح زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. بستر فضایی مورد نیاز یک فعالیت: هر فعالیت فضای مناسب خود را می‌طلبد. به‌عنوان مثال فعالیتی مانند ایستادن یا نشستن، بیشتر در امتداد لبه‌ها، جایی که از یک طرف فرد احساس حمایت (امنیت) می‌کند، اتفاق می‌افتند. در عین حال لبه‌ها، دید خوبی نسبت به سایر فعالیت‌های جاری در کل فضا ایجاد می‌کند.

۲. تأثیر فضا بر وقوع یا عدم وقوع انواع فعالیت: فضاهای سرزنده و فضاهایی با تنوع و تکرار فعالیت‌های گوناگون، انسان‌ها را ترغیب به استفاده از فضا و فعالیت در آن می‌کند.

۳. اثر فعالیت بر کیفیت‌های فضا و حالتی که فضا در برابر فعالیت اتخاذ می‌کند: فضا در رابطه با فعالیت می‌تواند حالت‌های مختلفی به خود بگیرد. مانند

(مانند قدم زدن برای استفاده از هوای پاک، تماشای رهگذران و غیره).

۳. فعالیت‌های اجتماعی: وقوع این فعالیت‌ها به حضور دیگران در فضای عمومی بستگی دارد (سلام کردن، گفت‌وگو با آن‌ها، فعالیت‌های عمومی، تماس‌های غیرارادی (منفعانه) همچون دیدن و شنیدن صدای مردم) این بدین معناست که این نوع فعالیت‌ها بدون برنامه قبلی شکل می‌گیرند و به دنبال حضور مردم در یک مکان و در یک زمان صورت می‌گیرند. این نوع فعالیت‌ها هر زمان که وقوع آن‌ها ضروری به نظر برسد می‌توانند حمایت شوند و برای وقوع فعالیت‌های انتخابی می‌توان شرایط محیطی بهتری به وجود آورد (گل، ۱۳۸۷، صص ۷-۳).

روانشناسی محیطی و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی

روانشناسان محیطی نظریه‌های گوناگونی را در ارتباط با تأثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن خلق کرده‌اند، به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین مباحث در تئوری‌های محیطی نقش محیط در شکل‌دهی به رفتار انسان یا اصطلاحاً معین‌گری محیطی است که می‌تواند در سطوح مختلف مورد بررسی قرار گیرد. «معین‌گری معماری» و یا به تعبیری جامع‌تر معین‌گری کالبدی در یک تعریف ساده عبارت است از این معنا که با ایجاد دگرگونی‌ها در عناصر معماری محیط و یا توانش‌های آن می‌توان رفتار آدمی را به‌ویژه در سطح رفتارهای اجتماعی دگرگون ساخت (مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۵۹). به‌طور کلی در مورد رابطه محیط و رفتار، چهار موضع‌گیری نظری قابل تشخیص است: رویکرد اختیاری، رویکرد جبری، رویکرد امکان‌گرا و رویکرد احتمال‌گرا. رویکرد اختیاری معتقد است که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. با توجه به اینکه برای رفتار انسان محدودیت‌های جدی مثل بعضی از ویژگی‌های زیست‌شناختی وجود دارد، رویکرد اختیاری غیرقابل

دفاع است (لنگ، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرند. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲). برای تداوم حیات زندگی اجتماعی بشر و رشد فرهنگ اجتماعات انسانی ما ناگزیر از ارتباطات کلامی و چهره به چهره هستیم و چون این اتفاقات در فضاهای ساخته شده کالبدی رخ می‌دهد. محیط ساخته شده را می‌توان ظرف مکانی مستعد نام برد که پر است از موقعیت‌های مختلف و متنوع جهت بروز و باور شدن رفتارهای اجتماعی. زمانی می‌توان به موفقیت یک طرح محیط مکانی ساخته شده امیدوار بود که از میزان انطباق کامل آن با نیازهای آدمی مطمئن شد. برای توضیح مطلوب بودن تعاملات اجتماعی دلایل زیادی وجود دارد. اصلی‌ترین دلیل این است که رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم با وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند (فرهادی، ۱۳۹۳ و شهبازی و همکاران ۱۳۹۲: ۳ به نقل از لنگ، ۱۳۸۳). درک رابطه بین جامعه و محیط در طراحی شهری کلیدی می‌باشد. اولین ایده‌ای که باید مدنظر قرار گیرد، اصل قطعیت معماری بر

جدول ۲. انواع سرزندگی شهروندان از نظر لاندری؛ ماخذ: Landry، ۲۰۰۰: ۴

<p>سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی‌ها، ارزش زمین و دارائی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.</p>	<p>سرزندگی اجتماعی</p>	<p>سرزندگی: سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی تظاهر فعالیتها و تعاملات در جهان بیرونی)</p>
<p>سرزندگی اجتماعی: به وسیله سطوح فعالیتها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده میشود. یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی روابط موزون یک جامعه شهری با طراوت توصیف می‌گردد.</p>		
<p>سرزندگی و زیست‌پذیری فرهنگی: در برگرفته بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن‌های اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه‌هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می‌باشد، است.</p>		
<p>سرزندگی و زیست‌پذیری محیطی: دو جنبه را دربرمیگیرد. اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضاهای سبز قرار دارد و جنبه دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخش‌های مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدی کشدنی است را دربرمیگیرد.</p>		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۶۴

۱. تعامل سرد برابر: وارد کردن محرکی منفی از شخص «الف» به شخص «ب» و پاسخ متقابل شخص «ب» به شخص «الف»، مثل تنازع و خصومتی برابر بین دو نفر.
۲. تعامل سرد نابرابر: وارد کردن محرک منفی از شخص «الف» به شخص «ب» بدون پاسخ از سوی شخص «ب» مثل تنازع و خصومتی نابرابر بین دو شخص به طوری که یکی از طرفین وارد کننده یک طرفه خصومت و زیان است و طرف دیگر صرفاً دریافت کننده است و توانایی پاسخ متقابل زیان را ندارد.
۳. تعامل گرم برابر: اعطای محرک مثبت از جانب «الف» به فرد «ب» و پاسخ متقابل مثبت «ب» به وی. مثل هدیه دادن و هدیه گرفتن متقابل بین دو نفر.
۴. تعامل گرم نابرابر: اعطای محرک مثبت از جانب «الف» به فرد «ب» بدون چشم داشتی نسبت به جبران متقابل از جانب شخص «الف» (دوست فرخانی و همکاران، ۱۳۸۷).

محیط است که بیان می‌دارد محیط فیزیکی تاثیر تعیین کننده‌ای بر رفتار انسانی دارد. با نفی عامل بودن انسان‌ها، منفعل نمی‌باشند. مردم بر محیط خود اثر می‌گذارند و آن را تغییر می‌دهند، همان طوری که فضا بر آنها تاثیر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد. بنابراین این یک پروسه دوطرفه است (کرمونا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲) و قابلیت ایجاد ارتباط چهره به چهره سبب شده است که اصولاً فضاهای شهری به عنوان ظرفی برای شکل گیری سرمایه اجتماعی و توجه به ارتقای کیفیت آن‌ها به صورت یکی از مهمترین اهداف دانش طراحی شهری در دوران معاصر مطرح شود (راست بین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

انواع تعاملات عبارتند از: با توجه به ابعاد وجودی انسان به طور کلی نوع تعاملات قالب در هر جامعه در سطح فردی و خرد را به چهار سطح رفتاری از لحاظ گرمی (دارای بار عاطفی و اخلاقی) و سردی (خالی از بار عاطفی و ابزاری) و برابر و نابرابری تقسیم شود در این حالت چهار نوع تعامل شکل خواهد گرفت:

موضوع از این جهت مهم است که بین تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته شده رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد. از این جهت در نظریه‌های طراحی محیط اظهار نظرهایی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعامل اجتماعی شده است. رابطه میان تعامل اجتماعی و میزان دلبستگی و تعلق به طوری است که دلبستگی مردم به مناطق مسکونی که در آن همسایگان تعامل اجتماعی زیاد دارند بیشتر است از این رو مهاجرت‌ها کمترند، شاید به این دلیل که وظایف و التزامات اجتماعی روشن‌تر، حمایت مردم از یکدیگر بیشتر و از خودبستگی کمتر است (همان به نقل از Fried, ۱۹۶۳).

سرزندگی و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی

در مطالعه‌ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند. این عوامل عبارتند از: دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌ها و اجتماع‌پذیری (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳، ص ۹۸). لنگ بیان می‌کند که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می‌کنند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعامل اجتماعی است. لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). مردم و فضا یک فرآیند دو طرفه هستند در واقع مردم فضاها را به وجود آورده و تغییر

می‌دهند و فضاها نیز بر مردم تأثیر می‌گذارند. فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز دربر می‌گیرد. یعنی کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است به عبارتی شرط اصلی فضاهای عمومی این است که در آن‌ها تعامل و مرادده اجتماعی صورت گیرد (راست‌بین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۸). فضای عمومی سرزنده مکانی است که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد به چشم می‌خورد. تمام تحقیقات صورت گرفته در زمینه سرزندگی، امنیت و مشارکت و سرمایه اجتماعی شهروندان یکی از مهمترین شاخص‌های آن محسوب می‌شود (پورمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). «چارلز لاندی» سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده که در جدول زیر ارائه شده است:

امروزه توجه صرف به جنبه کمی طراحی و برنامه‌ریزی فضا و نگاه تک بعدی به آن، سبب کاهش کیفیت اغلب فضاهای عمومی شده است. فضاهای عمومی با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند شادابی و سرزندگی در شهرها و محلات آن را تأمین کنند. «لنارد» فضای عمومی را با تأمین شرایط ذیل سرزنده می‌داند:

- ۱- عرصه عمومی فعالیتها، جشن‌ها و فستیوال‌های بسیاری را به وجود آورد و همه شهروندان را در کنار هم جمع کند.

- ۲- همه شهروندان به هم اعتماد داشته باشند و برای یکدیگر ارزش قائل شوند.

- ۳- باعث گفتگو میان شهروندان شود.

- ۴- چند عملکردی باشد؛ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... همانند آگورا یونان باستان

- ۵- ملاحظات زیباشناسانه داشته باشد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۶).

مولفه‌های موثر در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی

افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین خود، به آن می‌پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان‌هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. اما با آنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، در عین حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳، ص ۵۹). تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهری بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. جو آرام، وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل وسایل نقلیه از آنجا که تأمین کننده نیاز انسان به استراحت داشتن می‌باشند. نیاز انسان مبتنی بر تماس مستقیم با محیط بیانگر تجربه مستقیم فضا، مردم و فعالیت‌های اجتماعی چون تعامل با آشنایان، گردهمایی، قدم زدن، بازی، تفریح و در کنار آن ورزش، فعالیت‌های جسمی، امکان رقابت و... می‌باشد که در ایجاد تصویر ذهنی مطلوب افراد از فضا، پویایی و هیجان، کسب تجارب جدید و آموزش محیطی، نقش مستقیم دارد (Whyte, ۱۹۸۰). به منظور افزایش تعامل در یک فضای شهری همان گونه که گفته شد، سه پیش شرط یا مرحله باید اتفاق بی‌افتد: ۱- حضور افراد در فضا ۲- دیدن و دیده شدن ۳- ارتباط چهره به چهره و صحبت کردن. البته رخداد هر مرحله به

دلیل شرایطی می‌باشد که برخی از آنها کالبدی و برخی نیز غیر کالبدی هستند. به عنوان مثال در مرحله اول: عواملی نظیر خوانایی، دسترسی، امنیت، ادراک محیط و تنوع کاربری از عوامل تاثیر گذار می‌باشند (محمدی، ۱۳۹۱ و بنتلی، ۱۳۸۲ و لینچ، ۱۳۸۵) و در مرحله دوم: فرم فضا، تناسبات، مقیاس، نوع اجزا و عناصر فضا و ارتباطات اجزا با هم را می‌توان از عوامل تعیین کننده و تاثیر گذار دانست (هدمن، ۱۳۸۴ و کالن، ۱۳۷۷). اما در مرحله سوم باید به ذکر معیارهایی پرداخته شود تا از طریق بررسی آن‌ها در فضاهای شهری مختلف، درستی یا نادرستی آنها تعیین گردد.

درواقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی (ولو شکننده و ناپایدار) در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از «انعقاد» اولیه تعامل اجتماعی، تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است؛ خود زمینه ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳، ص ۵۹). همچنین به طور کلی می‌توان گفت که در فضاهای همگانی، امکان صحبت کردن دو فرد با هم اگر صحبت کاری و یا دیدار دو آشنا نباشد؛ بسیار اندک اتفاق می‌افتد. چرا که امروزه افراد، خصوصاً در کلان‌شهرها به این مسأله باور دارند که نباید در کار دیگران دخالت کنند و با این دیدگاه، فضاهای شهری، به صحنه حضور افراد مختلف در کنار هم اما بدون تعامل، تبدیل شده است. اما همین مردم، اگر در یک مکان و با یک سوژه یا یک مسئله برخورد کنند؛ هر فرد سعی در ارائه نظر خود خواهد داشت و لذا یک بحث و صحبت بین افراد بوجود خواهد آمد که مقدمه ایجاد اعتماد دو سویه و در صورت ادامه، باعث تعامل سازنده خواهد شد (گیدنز، ۱۳۸۴). براین مبنا می‌توان وجود اجزا و یا رویدادهایی که در فضا، موضوع مشترک برای

صحبت کردن را برای افراد فراهم می‌آورند به عنوان عامل (سنجه) مهم دیگر معرفی نمود.

عوامل روانی مؤثر در تعامل اجتماعی

مفاهیم مرتبط با تعامل اجتماعی عبارت است از: تراکم، ازدحام، خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی. این عوامل روانی در تحلیلی اجتماعی روانشناختی در نحوه تعامل رو درروی افراد و تأثیر محیط فیزیکی بر این تعامل و نیز نحوه بهره‌برداری افراد از محیط برای برقراری اجتماعی تأثیرگذارند. تأمین خلوت از طریق کنترل مزاحمت‌های بصری و صوتی اقدامی لازم ولی ناکافی است. مطالعه رابطه انسان و محیط نشان می‌دهد که احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخورد‌های متقابل اجتماعی بدست می‌آید. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی هم به وسیله مفاهیم کالبدی و هم مفاهیم فرهنگی - اجتماعی که زمینه‌های روانی لازم را ایجاد می‌نمایند میسر است. این تعادل در تعریف خلوت، کنترل قابل انتخاب بر خویشتن و گروه خودی بیان شده است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴). اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل بایکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار آسایش فیزیولوژی، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا میسر خواهد بود. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

عرصه عمومی به عنوان بستر روابط اجتماعی

فضاهای عمومی فضائی هستند که غریبه‌ها در آن سهیم می‌باشند. مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. این فضاها عرصه سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش و فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز

و برخوردهای غیرشخصی هستند (مدنی پور، ۱۳۷۹:۱۴۶). فضای عمومی، متعلق به همه افراد، بدون توجه به تفاوت‌های طبقاتی، جنسیت، نژاد، سن و سایر تمایزات فردی و اجتماعی، محل تعاملات اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف و نیز بستر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. چنان که «الدنبرگ» آن را فضایی که فرد، متعلق به خود می‌داند و در آن احساس راحتی می‌کند، دانسته و به آن واژه فضای سوم، یعنی فضایی در کنارخانه و محل کار اطلاق می‌کند. فضایی که میزبان تجمعات شاد، غیررسمی، داوطلبانه و منظم افراد، می‌باشد (Oldenburg، ۱۸۴:۱۹۹۹). یکی از مهمترین ابعاد فضاهای عمومی ایجاد فرصت‌هایی جهت تعاملات اجتماعی می‌باشد. در این تعاملات مردم رابطه قوی‌تری با محیط و جامعه خود برقرار می‌کنند و حس تعلق خاطر و هویت جمعی در آن‌ها تقویت می‌شود و این امر با شکلگیری شبکه‌های اجتماعی و افزایش حس مشارکت جمعی همراه است. در فضای عمومی امکان ارتباط چهره به چهره، گفت و گو، معاشرت‌های دوستانه، گردهمائی‌های مختلف، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حس تعاون ایجاد می‌شود. انگیزه برای گردهمائی می‌تواند مختلف باشد از گفت و گوی صمیمی دو نفره گرفته تا مقیاس بزرگتر عمومی شامل رسوم‌ها، آئین‌ها، نمایش‌ها، جشن‌ها، رویدادهای ورزشی و... (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۲۸). مردم برای این به فضاهای همگانی می‌آیند که مردم دیگر را تجربه کنند (بنتلی، ۱۳۸۲، ص ۵۸). تعامل اجتماعی بیش از هر فعالیت دیگری به محیط حساس است. محیط فیزیکی تعامل، چیزی است که «جووزف پی فرگاس» به عنوان بوم از آن یاد می‌کند. او معتقد است اکثر مردم از تأثیر محیط فیزیکی در معماری و تاثیرشان بر تعامل اجتماعی افراد حاضر در فضا اشاره می‌کند:

۱. جنبه ایستایی فضای معماری

پاسخده: دستورالعملی برای طراحان شهری» (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲) چاپ شد. در این رویکرد بر نیاز به محیط‌های دموکراتیک‌تر و غنی‌تر که میزان انتخاب‌های موجود را برای مصرف‌کنندگان به حداکثر برساند، تأکید شده بود. به عقیده آن‌ها طراحی مکان بر امکان انتخاب مردم تأثیر می‌گذاشت: جایی که می‌توانستند و نمی‌توانستند بروند؛ طیف مصارف موجود؛ میزان سهولت درک فرصت‌های موجود؛ میزان استفاده از مکان خاص برای مقاصد گوناگون؛ اینکه ظاهر پر تفصیل مکان آن‌ها را از انتخاب‌های موجود آگاه می‌سازد یا نه؛ تجربه حسی مورد پسند آن‌ها؛ تا چه حد می‌توانند مهر خاص خود را بر محیط بزنند.

این رویکرد بر هفت مقوله کلیدی مهم در ایجاد مکان‌های پاسخده متمرکز می‌شد: نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، استحکام، تناسب بصری، غنا و تشخیص (کرمونا و همکاران، ۱۷:۱۳۸۸). بنتلی محیط پاسخده را این‌گونه تعریف می‌کند: این باور که محیط ساخته شده دست بشر باید با تقویت فرصت‌های مناسب، از طریق به اعلا رساندن گزینه‌های قابل عرضه به مردم، یک محیط دموکراتیک فراهم آورد. ما اینگونه مکان‌ها را مکان پاسخده می‌خوانیم (بنتلی و همکاران، ۴:۱۳۸۲). مهمترین عوامل ایجاد محیط‌های پاسخده را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

الف- نفوذپذیری: قابلیت دسترسی به یک مکان، حق انتخاب مردم را افزایش می‌دهد. در واقع میزان نفوذپذیری موجب می‌شود که پاسخده بودن محیط تقویت شود. فضا دارای دو ماهیت است: قابلیت خصوصی، قابلیت عمومی. اما برای بهره‌مندی از فضا هر دو قابلیت باید تقویت شوند زیرا هیچ یک به تنهایی کار نمی‌کنند و مکمل یکدیگرند. یک فضای همگانی باید نفوذپذیری بصری داشته باشد که نه تنها افرادی که به آن محیط آشنایی دارند بلکه همگان به آن محیط جذب شوند. در نتیجه هر چه بلوک‌ها در فضا کوچکتر باشند چون راه‌های

۲. جنبه پویایی فضای معماری (فرگاس، ۱۳۷۹) فضایی، عرصه تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرد که مطلوب و مورد خواست اجتماعی و مطابق با نوع رفتارهای جمعی باشد و بتواند روابط و رفتارهای بی‌واسطه را فراهم کند. فضای عمومی با نقشی که در تقویت حیات جمعی دارد می‌تواند به پایداری اجتماع کمک نماید. ایجاد عرصه‌های عمومی زمینه لازم برای مشارکت مردم در مسائل جامعه خودشان را فراهم می‌آورد. به این ترتیب عرصه عمومی بستری می‌گردد که روابط اجتماعی در آن به سهولت برقرار شده و نظارت اجتماعی تحقق می‌یابد. در چنین فضایی تعاملات اجتماعی افزایش یافته و محله مکانی برای گفت‌وگوشنود اجتماعی و متبلور رفتارها و هنجارهای فرهنگی می‌شود. چون که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی هم اکنون در انتظار فضای امن برای وقوع هستند و به محض شکل‌گیری این فضاها این‌گونه فعالیت‌ها و نیازهای فضایی و کالبدی آنها مهر و نشان خود را بر فضا خواهد زد (خامه و حمزه لو، ۱۳۹۲، ص ۴ به نقل از حبیبی، ۱۳۸۱).

کیفیات فضا و اجتماع‌پذیری محیط

می‌توان کیفیت یک شیئی را به این‌گونه تعریف نمود: مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیئی از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم، و از نظر زیبا شناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۶). اما مفهوم کیفیت مفهومی است نسبی که واجد معنایی فراتر از معنای بدیهی و معمول آن است. مفهوم کیفیت، دو وجه دارد. یعنی کیفیت در عین حال که مفهومی مبهم و چند پهلو است روشن و واضح نیز می‌باشد در واقع منظور از کیفیت از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک

چیز است از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جزء کیفیت هایی است که یک چیز را به وجود آورده‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵). به واقع می‌توان کیفیت محیط را یکی از مهمترین دل مشغولی های دانش طراحی شهری دانست. این امر به گونه‌ای است که بسیاری از نظریه پردازان ارتقا کیفیت محیط را مهمترین وظیفه فعالیت طراحی شهری می‌دانند. در نتیجه هر چه بر میزان مطلوبیت‌های محیط افزوده شود برخورد‌های اجتماعی در چارچوبی معین شکل می‌گیرد و به فضای عمومی هویت و ارزش می‌بخشد. رابطه متقابل و تأثیر کیفیت طراحی شهری بر کیفیت زندگی ساکنین شهرها توسط کوین لینچ مورد تأکید واقع شده است. وی می‌گوید: اگر بناست طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلاء کیفیت محیط کالبدی به اعتلاء کیفیت زندگی انسان یاری نماید (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۴). «کوین لینچ» با انتشار «تئوری شکل خوب شهر» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد:

۱. سرزندگی: به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر؛
۲. معنی (حس): به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛
۳. سازگاری: به مفهوم انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛
۴. دسترسی: به مفهوم سهولت «نفوذ فیزیکی» به بخش‌های مختلف بافت شهری؛
۵. کنترل و نظارت: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی شهر (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ گروهی در پلی تکنیک اکسفورد آن زمان رویکردی به طراحی محیط شهری را تدوین کرد که با عنوان «محیط‌های

دسترسی بیشتر می‌شود بهتر است. از طرفی دیگر رعایت نظام سلسله مراتبی در یک فضای پاسخده و جذاب نفوذپذیری را کاهش می‌دهد.

ب- تنوع: گوناگونی هم در قالب کاربری و هم در قالب گونه‌های متنوع ساختمانی با فرم‌های متفاوت مطرح می‌گردد، این ویژگی سبب جذب افراد مختلف در اوقات گوناگون با اقصاء متفاوت می‌شود. به بیان دیگر گوناگونی حق انتخاب را افزایش می‌دهد.

ج- خوانایی: این کیفیت باعث می‌شود که یک محیط را درک کنیم. محیط‌ها ممکن است در یکی از دو سطح کالبدی و فعالیتی خوانا باشند. شبیه بودن ساختمان‌های همگانی محل خوانایی بصری می‌شود.

د- انعطاف‌پذیری: ترکیب توانمند مکان‌هایی که بتوانند برای منظورهای مختلفی استفاده شوند در مقایسه با مکان‌هایی که فقط برای یک نوع استفاده طراحی شده‌اند به استفاده‌کنندگان خود حق بیشتری را می‌دهند. محیط‌هایی که واجد چنین شرایطی باشند کیفیت را عرضه می‌کنند که ما آن را انعطاف‌پذیری می‌نامیم (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۷).

ه- تناسبات بصری: اگر محیط از نظر مردم در فرم و عملکرد خوانا باشد، گوناگونی و انعطاف‌پذیری را داشته باشد می‌توان گفت تناسبات بصری در آن رعایت شده است. در واقع نظر مردم در این مورد بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد.

و- غنای حسی: کیفیتی که موجب تنوع تجربیات حسی شود و لذت استفاده‌کنندگان از محیط را افزایش دهد غنای حسی می‌باشد. غنای حسی شامل تمام حواس پنج‌گانه می‌شود ولی از آنجایی که حس بینایی تأثیر به‌سزایی در دریافت اطلاعات دارد از این رو تا حدی بیشتر حائز اهمیت می‌باشد.

ز- رنگ‌تعلق: ایجاد مکانی که بتواند به محیط‌های موجود بزرگ رنگ‌تعلق بدهند اهمیت ویژه‌ای دارد. این تنها راهی است که اکثر مردم به محیطی

برآمده از علایق، ارزش ها و نشانه های شخصی خویش دست پیدا می کنند. اگر محیط به فرد نوعی حق تصرف دهد. فرد حس تعلق به آن محیط پیدا می کند. اگر مردم به طور منظم و در طولانی مدت از مکانی استفاده کنند حس تعلق به آن پیدا می کنند. (الیاسی و پروزن، ۱۳۹۲، صص ۵-۷ به نقل از بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲).

مواد و روشها

در این پژوهش معیارهای عینی، معیارهای ذهنی، معیارهای فرهنگی به عنوان معیارهای اصلی موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی تعیین شده اند. و در پرسشنامه تأثیر ویژگی های محیط بر هر یک از آن ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پرسشنامه پرسش شونده ها به این سوالات از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف امتیاز دهی می کنند و به این ترتیب تأثیر صفات و ویژگی های فضایی موثر بر تعاملات اجتماعی به واسطه متغیرهای میانجی تعیین شده اندازه گیری می شود.

روش گردآوری داده ها؛ روش های متعددی برای جمع آوری داده ها در تحقیق وجود دارد. یکی از این روش ها که در پژوهش زمینه یابی به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد و در این رساله نیز از آن بهره گرفته شده است، پرسشنامه و مصاحبه است که هر یک دارای مزایا و معایبی است. مزیت پرسشنامه در مقایسه با مصاحبه برای جمع آوری اطلاعات عبارت است از زمان و هزینه کم نمونه گیری در یک منطقه وسیع جغرافیایی. اما پرسشنامه نمی تواند به طور عمیق در دیدگاه و احساسات پاسخ دهندگان نفوذ کند. مصاحبه نمی تواند شرط گمنام بودن مصاحبه شوندگان را رعایت کند. از پرسشنامه بیشتر در تحقیق کمی استفاده می شود، زیرا استاندارد بودن و ساختار منسجم پرسشنامه با روش کمی سازگار است. از مصاحبه بیشتر در تحقیق کیفی استفاده می شود، زیرا در مصاحبه امکان ارائه پاسخ های باز به موضوعات مطرح شده فراهم می شود (گال و گال، ۱۳۸۳، ص ۴۹۴). برای جمع آوری

اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. دلیل استفاده از پرسشنامه در این مرحله- علاوه بر مزایای برشمرده برای آن- این بود که یکی از راه های قابل اعتماد برای سنجش میزان رضایت افراد افراد بهره گیری از گزارش شخصی است. همان طور که ذکر شد، این روش غالباً به صورت پرسشنامه ای انجام می شود. که می تواند در قالب پرسشنامه های باز یا بسته- پاسخ باشد و در این رساله، از این شیوه بهره گرفته شده است.

حجم نمونه؛ همانطور که بیان شد داده های این پژوهش، کیفی بوده و گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه و پرسشنامه صورت گرفته است. پس از آن با مطالعه اسناد معتبر شامل کتب و مقالات علمی داده های به دست آمده اعتبارسنجی و اطلاعات مورد نیاز برای طراحی از آن استخراج شده است. روش مشاهده در این تحقیق روش پیمایشی است که جمع آوری داده ها در آن از طریق پخش و گردآوری پرسشنامه انجام می گیرد. مرحله نخست تعیین حجم نمونه است. برای انجام این منظور از روش «شارل کوکران» استفاده شده است. با توجه به مشخص نبودن تعداد جامعه آماری از فرمول زیر برای محفظه کارانه ترین حالت ممکن استفاده شده است. که در آن خواهیم داشت:

$$n = \frac{Z^2 p q}{d^2}$$

N: تعداد کل واحدهای نمونه گیری در جامعه (در این حالت نا معلوم)

d: خطای مورد پذیرش

Z: متغیر نرمال برای درصد اطمینان (معادل ۱/۹۶)

n: حجم نمونه

موارد p و Z دارای مقادیر مشخصی هستند. به عبارت دیگر در اینجا p به عنوان احتمال قرار گرفتن فرد پاسخگو در طیف رضایتمندی و در نتیجه ۱-p به عنوان احتمال قرار گرفتن فرد در طیف ناراضی در نظر گرفته شد. حاصل این دو هنگامی حداکثر

خواهد بود که این دو برابر با هم و مساوی ۰/۵ باشد. از سوی دیگر برای این پژوهش سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Z=1/96$) و d خطای مورد پذیرش ۰/۱ در نظر گرفته شده است. که در نتیجه تعداد حجم نمونه ۹۲ استخراج شده است (فتحی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲).

روش تحلیل داده‌ها؛ منظور از تجزیه و تحلیل آماری، پردازش داده‌های کمی و آماری با استفاده از شاخص‌های آماری است (نکونام، ۱۳۸۶، ص ۳۰۷). تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی و آزمون تایید یا رد فرضیات تحقیق می باشد. قابل ذکر است تحلیل با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است و روش آزمون و بررسی فرضیات تحقیق استفاده از آماره استیودنت (t)، همبستگی پیرسون می باشد. ضریب اطمینان پژوهش نیز ۰/۹۵ می باشد. در ابتدا گزینه‌های هر سوال را که به صورت طیف لیکرت هستند، امتیاز بندی میکنیم. بدین ترتیب که در سوالات صعودی، خیلی موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲، خیلی موافقم = ۱ کدگذاری می‌گردد. در سوالات نزولی نیز مقدار برخلاف سوالات صعودی، از ۱ تا ۵، ارزشگذاری شده است. سپس داده‌های کمی تبدیل به اعداد می‌شوند و از آنجایی که هر مولفه برگرفته از برآیند چندسوال پرسشنامه است، میانگین مجموع امتیازات سوالات مرتبط را که به شیوه فوق کدگذاری شده اند، محاسبه می‌نماییم. بدین ترتیب به یک رشته از اعداد می‌رسیم.

ضریب اطمینان در پژوهش؛ ضریب اطمینان پژوهش حاضر را ۹۵ درصد در نظر می‌گیریم. به عبارت دیگر احتمال پنج درصد خطا را در نتیجه پیش بینی و تحمل میکنیم. بدین ترتیب ضریب خطا برابر ۰،۰۵ است. قابلیت اعتماد یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یاد شده با این امر سرو کار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. از جمله تعریف‌هایی که برای قابلیت اعتماد ارائه شده

است می‌توان به تعریف ارائه شده توسط ایبل و فریسیبی (۱۳۸۹) اشاره کرد: «همبستگی میان یک مجموعه از نمرات و مجموعه دیگری از نمرات در یک آزمون معادل که به صورت مستقل بریک گروه آزمودنی به دست آمده است.» باتوجه به این امر معمولاً دامنه ضریب قابلیت از صفر (عدم ارتباط) تا ۱+ (ارتباط کامل) است. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است که تاچه اندازه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های با ثبات آزمودنی و یا ویژگی‌های متغیر و موقتی وی را می‌سنجد. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود. از آن جمله می‌توان به روش آلفای کرونباخ اشاره کرد.

پرسشنامه: معیارها و شاخص‌ها؛ ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. بارکر بر ماهیت جمعی-رفتاری فضاهای فعالیت تاکید داشته است و تعاملات جمعی در فضاهای فعالیت را به مثابه قابلیت برای فضا مورد تاکید قرار داده است. گرچه بیشتر تحقیقات انجام شده در رابطه با اجتماع پذیری محیط‌های جمعی مورد نظر بوده است، اما چگونگی برقراری تعاملات جمعی در همه عرصه‌های محیط انسان ساخت اعم از فضاهای خصوصی، نیمه عمومی و عمومی مورد تاکید قرار گرفته اند. بویژه برقراری روابط جمعی در سطح کاربران یک محیط خصوصی همچون مسکن نیز به دلیل تاثیر بر کیفیت زندگی مورد تاکید قرار دارد. در واقع اهمیت اجتماع پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه پردازان بر تاثیر این کیفیت بر دل بستگی به مکان زندگی تاکید ورزیده‌اند. بر طبق این نظرات دل بستگی به مکان نه تنها به توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می‌شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دل بستگی به مکان مؤثر می‌باشند (دانشگرمقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

معیارهای مؤثر در تحلیل فرضیات

اجتماعی، معیارهای عینی، معیارهای ذهنی و معیارهای فرهنگی، موضوعات مربوط به رنگ، نور و مبلمان بیشترین توجه را در پرسش‌شوندگان به خود معطوف داشته است. معیارهای ذهنی نیز با توجه به سوالات باز دومین گروه معیارهای کلیدی از نظر پرسش‌شوندگان بوده است. البته بیشترین ضعف‌ها در فضاهای تجاری- فرهنگی نیز از نظر ایشان در حوزه معیارهای عینی بوده است. به عنوان نمونه در پاسخ سوال ۲۸ پرسشنامه (به نظر شما مهمترین عواملی که می‌تواند احساس راحتی را در هنگام خرید یا بازدید سلب کند چیست؟) معیارهایی کیفی از قبیل عدم احساس امنیت، ابهام و نگرانی بیشترین فراوانی پاسخ را داشته است. در معیارهای کیفی نیز در سوالات مرتبط با موضوع رنگ بیشترین اظهار نظر در خصوص استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد در فضاها بوده است. که این موضوع با نتایج مطالعات حیدری و حاتمی‌کیا (۱۳۹۲) همچنین سهیلی و مدهوشی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در موضوع رنگ در سوال ۱۷ (استفاده از رنگ‌های روشن تا چه حد در حضور بیشتر افراد در مراکز فروش تاثیر دارد؟) بیش از ۳۸ درصد پرسش‌شوندگان خیلی موافق و موافق بوده‌اند.

در ارتباط با استفاده از عناصر طبیعی نیز اکثریت پرسش‌شوندگان در گروه موافق و خیلی موافق قرار گرفتند. سوال ۲۴ پرسشنامه به سنجش این موضوع پرداخته بود. که نظرات پرسش‌شوندگان در این سوالات مطابق جدول زیر بوده است. با توجه به نمودار فوق بیش از ۶۱ درصد پرسش‌شوندگان، با حضور گیاهان در محیط‌های تجاری موافق یا خیلی موافق. این موضوع نیز با نتایج مطالعه فروتن و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. از سوی دیگر استفاده از عناصر طبیعی در فضاهای تجاری موفق داخلی و خارجی نیز مسبوق به سابقه است. مجتمع تجاری تیراژه در منطقه پونک تهران یکی از این موارد است. در معیارهای ذهنی نیز موضوع نتایج حاصل از تحلیل موضوع تنوع در این پرسشنامه با

پس از بررسی مولفه‌های مورد اشاره در مطالعات دیگر و استخراج معیارهای موثر در فرضیات این پژوهش، شاخص‌های موثر کالبدی و غیرکالبدی در ارتقاء سه گروه معیارهای عینی، ذهنی و فرهنگی دسته‌بندی شده است. معیارهای عینی گروهی از مولفه‌ها هستند که به صورت مستقیم و کالبدی قابل ارزیابی هستند. ابعاد و اندازه، موقعیت ورودی نسبت به فضا، ارگونومی و استانداردهای فضایی، میزان نور (طبیعی و مصنوعی)، مبلمان، رنگ، نوع و بافت مصالح در این دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. این معیارها به صورت مشخص قابل اندازه‌گیری هستند. معیارهای ذهنی بیشتر بر اساس انتظارات افراد مختلف و ادراک ایشان از محیط تعریف می‌شود. متغیرهای اصلی در این دسته کیفی بوده و تصویز ذهنی افراد بر آنها بسیار موثر است. تبلیغات، طرح‌های انگیزاننده، تنوع، امنیت، خوانایی، آسایش محیطی از مولفه‌های این گروه هستند. گروه سوم معیارها نیز متأثر از شرایط فرهنگی جامعه است و با توجه به رسوم، قوانین و خاطرات مشترک شهروندان تغییر خواهد کرد. وجود عناصر نمادین فرهنگی، خاطره‌انگیزی، حس تعلق، ارتباط با طبیعی، خدمات و عملکردهای رفاهی در این گروه قرار دارند. جدول ۵-۲ معیارهای معرفی را ارائه کرده است:

بیان یافته‌های تحقیق

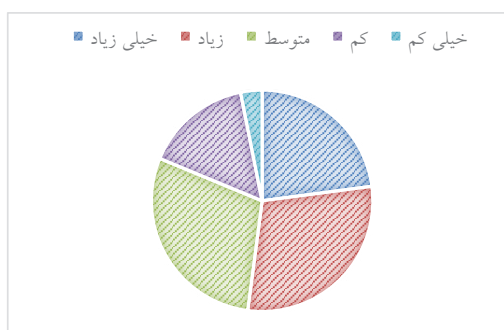
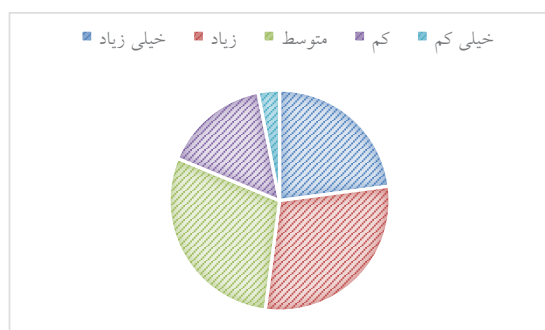
بنا به مطالب بیان شده در خصوص ارتباط بین فرضیات و معیارها و شاخص‌های تعریف پرسشنامه، سوالات پرسشنامه با هدف سنجش ارتباط و تاثیر متغیرهای محیطی و شاخص‌های کالبدی فضا طراحی شده است. در پژوهش حاضر، شیوه اجرای پرسشنامه‌ها نیز می‌تواند یکی از محدودیت‌های تحقیق باشد. همکاری کامل نداشتن پاسخ‌دهندگان، محدودیت زمان و احتمال بی‌حوصله و بی‌دقت خواندن سؤالات موجب می‌شود تا پاسخ‌ها به طور دقیق، معرف نگرش پاسخ‌دهنده نباشد. پس از بررسی نتایج پرسشنامه در چهار گروه تعاملات

جدول ۳. معیارهای موثر در ایجاد گوناگونی در فضاهای عمومی؛ ماخذ: نگارنده.

معیار	مولفه	موضوع	منبع
تنوع فضایی	خوانایی	به طور معمول، بخشی از درجات حق انتخابی که به وسیله یک مکان عرضه می‌گردد با میزان خوانایی آن ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی مردم تا چه حد م بتوانند به فهم یا درک آن مکان نائل شوند.	بتلی و همکاران، ۱۳۸۲
	نفوذپذیری	فقط مکانهایی که برای مردم قابل دسترسی باشند، به آنها حق انتخاب می‌دهند. از آنجا که نفوذپذیری یکی از عوامل اساسی در دستیابی به مطلوبیت است. مقیاس پیاده از جمله شاخصه‌هایی می‌باشد که فضا را ملموس تر و قابل باورتر می‌سازد و زمینه را برای بروز تعاملات اجتماعی بیشتر فراهم م یکنند	عباس‌زاده و تمری، ۱۳۹۱
	موقعیت	جایگاه یک فضای عمومی موفق بایستی به گونه‌ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به علاوه در نزدیکی مراکز خرده فروشی باشد به گونه‌ای که جاذب و تولید کننده فعالیت پیاده گردد.	فروتن و همکاران، ۱۳۹۲
تنوع ادراکی - عملکردی	فعالیت و کاربری	رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیتها و کاربری‌های موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروه‌های مختلف، مهمترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است.	دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶
	رفتار	طراحی یک مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیتها افزایش دهد. در این رابطه به مواردی نظیر نشیمن‌گاه مناسب، کاربری منطقه، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می‌کند.	خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹
	معانی	طراحی یک مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیتها افزایش دهد. در این رابطه به مواردی نظیر نشیمن‌گاه مناسب، کاربری منطقه، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می‌کند.	فلاح، ۱۳۸۵
	امنیت	جان اشتون از صاحب‌نظران بی‌نامللی شهرسالم، امنیت را یکی از کیفیت‌های غیرقابل جایگزین در ایجاد یک شهر سالم مورد اشاره قرار می‌دهد.	صالحی، ۱۳۸۷
تنوع کالبدی	صوت	هر چه میزان خوداثربخشی کارکنان نسبت به ادراک کیفیت صدا بیشتر باشد، سرزندگی آنان نیز بیشتر می‌شود. به این صورت که اگر آنها بتوانند سروصدا را در محیط کار کنترل کنند و به درستی از ابزارهای محافظ شنوایی استفاده کنند، نیرو و نشاط، چالاکي و آمادگی و انرژی خود را در محیط کار از دست نمی‌دهند و می‌توانند سرزنده و فعال باشند.	عریضی و همکاران، ۱۳۸۶
	بصری و منظر	کلیه فعالیتها و کاربری‌های متنوعی که در مقطع خیابان یعنی نزدی کترین مکان در خط دید وجود دارند را به هم متصل کرده و با ایجاد تمایزات بصری، وحدت و پیوستگی مسیر را القا کند. فضاسازی و ایجاد فضاهای باز و بسته در منظرسازی اهمیت دارد. ایجاد فضای نشاط بخش با فضاهای سبز باز و فضاهای رازانگیز و خلوتگاه دنج با فضاهای سبز بسته	تیبالدز، ۱۹۹۲ سهیلی و مدهوشی، ۱۳۹۲
	فرم	فرم‌های متنوع در صورتی که منجر به ایجاد اغتشاش محیطی نشود میتواند به ارتقاء کیفیت محیط‌های عمومی کمک کند.	سرافراز و همکاران، ۱۳۸۴

جدول ۴. معیارها و شاخص‌های کالبدی طراحی فضاهای اجتماع پذیر؛ ماخذ: نگارندگان

معیار	معیارهای عینی	معیارهای ذهنی	معیارهای فرهنگی	تعاملات اجتماعی
شاخص	ابعاد و اندازه موقعیت و دسترسی ارگونومی و استاندارهای فضایی میزان نور طبیعی مبلمان رنگ، نوع و بافت مصالح	حس مکان و تعلق تنوع و طرح‌های انگیزاننده امنیت و آسایش محیطی خوانایی	وجود عناصر نمادین فرهنگی ارتباط با طبیعت خدمات و عملکردهای رفاه اعتماد اجتماعی	اشتقاق برای برقراری ارتباط روابط متقابل شخصی (مشارکت دادن دیگران) روابط متقابل شخصی (مشارکت خود)



نمودار ۴. نظرات پرسش‌شوندگان در مورد رنگ (ماخذ: نگارنده) و نمودار ۵ تعداد و نوع پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در خصوص ارتباط با طبیعت در محیط‌های تجاری - فرهنگی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

از آثار کودکان در ارتقاء انگیزش آنان مؤثر است و بر خلاقیت آنان تأثیر مثبت دارد. (نقره کار به نقل از ادواردز و اسپرینگیت، ۱۹۹۵) با توجه به مطالب بیان شده نظرات پرسش‌شوندگان در جدول زیر و نمودار پاسخ‌های در تمام سوالات در پیوست ارائه شده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

فضاهای عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فراخوانند یا برعکس به صورتی باشند که وارد شدن به آن‌ها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشد. عناصر و کالبد محیط بر انسان تأثیر دارد و فضا (فضای شهری، فضای معماری) باید مناسب با نیازهای استفاده‌کنندگان طراحی شود و برای آنان جذاب، زیبا، صمیمی، به یادماندنی و خاطره

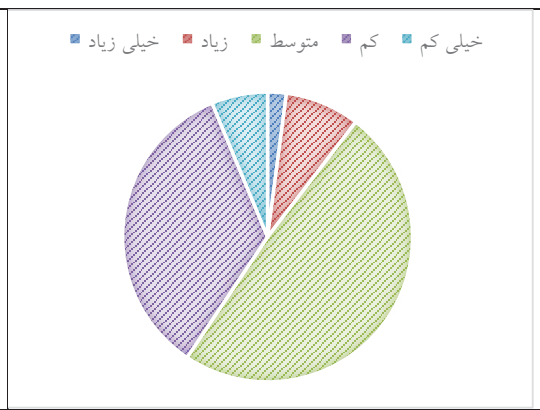
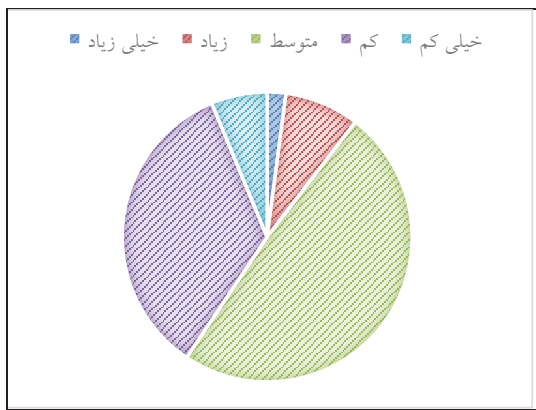
نتایج دیگر تحقیقات صورت گرفته مطابقت دارد. بیش از ۶۵ درصد پرسش‌شوندگان در پاسخ سوال ۲۰ پرسشنامه (مبلمان فضاهای عمومی باید از نظر با محیط اطراف همخوان باشد تا باعث سردرگمی افراد نشود). گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب نموده بودند. در مورد حضور کودکان در فضاهای عمومی نیز پرسش‌شوندگان اعلام داشته‌اند که حضور کودکان در فضاهای تجاری باعث سرزندگی بیشتر مجموعه شده و استفاده از عناصر عروسکی و نمادین در افزایش حضور کودکان مؤثر است. از اینرو می‌توان فضاهای تغییرپذیر را به گونه‌ای طراحی کرد که تغییرات آن تکراری نباشد. لازمه این طراحی آن است که کودک بتواند فضا را تغییر دهد و در جریان بازی تغییر فضا، خیال‌پردازی کند. پیشینه تحقیق نیز نشان می‌دهد بهره‌گیری

جدول ۴. تعداد و نوع پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در خصوص پرسشنامه محیط‌های تجاری-فرهنگی

سوال	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۵ میزان تمایل شما به صحبت کردن با یک آشنا به هنگام برخورد با وی چقدر است؟	تعداد	۳۴	۳۹	۱۲	۹
	درصد	۳۵,۴۲	۴۰,۶۳	۱۲,۵۰	۹,۳۸
۶ میزان تمایل شما به صحبت کردن در یک جلسه یا گردهمایی کوچک از افراد ناآشنا چقدر است؟	تعداد	۱۶	۲۰	۳۵	۲۰
	درصد	۱۶,۶۷	۲۰,۸۳	۳۶,۴۶	۲۰,۸۳
۷ به چه میزان تمایل دارید که با افراد دیگر باشید؟	تعداد	۲۱	۲۶	۳۰	۱۴
	درصد	۲۱,۸۸	۲۷,۰۸	۳۱,۲۵	۱۴,۵۸
۸ به چه میزان تمایل دارید که به گروه‌های اجتماعی بپیوندید؟	تعداد	۲۴	۳۲	۲۷	۸
	درصد	۲۵,۰۰	۳۳,۳۳	۲۸,۱۳	۸,۳۳
۹ به چه میزان در فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی شرکت می‌کنید؟	تعداد	۱۴	۱۳	۴۲	۱۹
	درصد	۱۴,۵۸	۱۳,۵۴	۴۳,۷۵	۱۹,۷۹
۱۰ چقدر تمایل دارید که دیگران از شما برای انجام کارها یا شرکت در گفتگوهایشان دعوت کنند؟	تعداد	۲۱	۳۱	۲۸	۱۴
	درصد	۲۱,۸۷	۳۲,۲۹	۲۹,۱۶۷	۱۴,۵۸۳
۱۱ به نظر شما ابعاد و تناسبات تا چه حد در ارتباط میان افراد در فضاهای عمومی موثر است؟	تعداد	۱۶	۳۳	۲۷	۱۲
	درصد	۱۶,۶۷	۳۴,۳۸	۲۸,۱۳	۱۲,۵۰
۱۲ تا چه موقعیت مناسب و دسترسی یک مجموعه تجاری- فرهنگی را در استقبال افراد از آن موثر می‌دانید؟	تعداد	۳۱	۲۵	۲۵	۱۳
	درصد	۳۲,۲۹	۲۶,۰۴	۲۶,۰۴	۱۳,۵۴
۱۳ به نظر شما امکان دسترسی پیاده به یک مجموعه فرهنگی-تجاری تا چه حد در حضور افراد مختلف موثر است؟	تعداد	۲۵	۳۵	۲۵	۹
	درصد	۲۶,۰۴	۳۶,۴۶	۲۶,۰۴	۹,۳۸
۱۴ تا چه حد تناسب فضاهای داخلی را با تناسبات انسانی در طراحی فضاهای داخلی و خارجی، در استقبال افراد موثر می‌دانید؟	تعداد	۱۱	۲۷	۳۶	۱۷
	درصد	۱۱,۴۶	۲۸,۱۳	۳۷,۵۰	۱۷,۷۱
۱۵ به نظر شما استفاده از نور طبیعی در مجموعه‌های تجاری تا چه حد اهمیت دارد؟	تعداد	۹	۳۱	۲۸	۲۲
	درصد	۹,۳۸	۳۲,۲۹	۲۹,۱۷	۲۲,۹۲
۱۶ به نظر شما مبلمان مناسب در فضاهای عمومی تا چه حد می‌تواند، به برقراری ارتباط میان افراد کمک کند؟	تعداد	۲۱	۳۸	۲۲	۱۲
	درصد	۲۱,۸۸	۳۹,۵۸	۲۲,۹۲	۱۲,۵۰

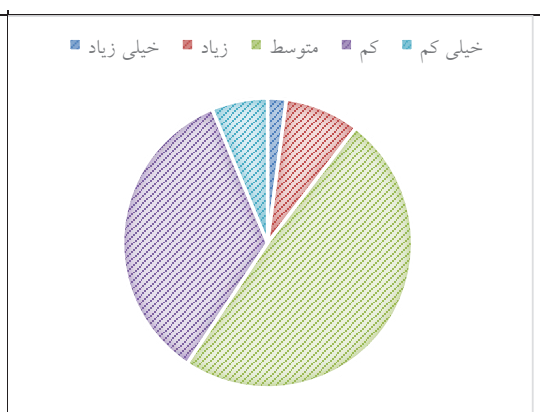
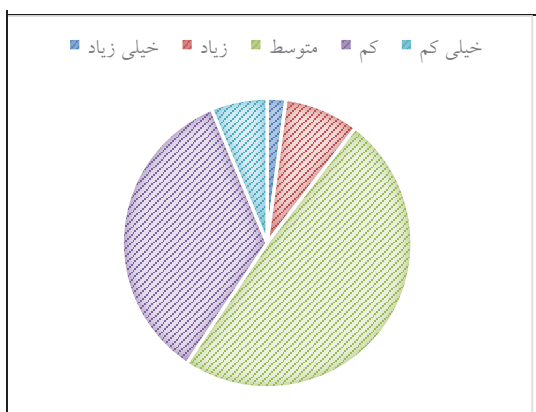
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		سوال
۳,۱۳	۱۲,۵۰	۲۲,۹۲	۳۹,۵۸	۲۱,۸۸	درصد	عمومی تا چه حد می‌تواند، به برقراری ارتباط میان افراد کمک کند؟
۴	۱۹	۳۹	۲۴	۱۰	تعداد	۱۷ استفاده از رنگ‌های روشن تا چه حد در حضور بیشتر افراد در مراکز فروش تأثیر دارد؟
۴,۱۷	۱۹,۷۹	۴۰,۶۳	۲۵,۰۰	۱۰,۴۲	درصد	
۱۱	۱۸	۴۲	۲۲	۳	تعداد	۱۸ ایجاد مراکز تجاری-فرهنگی تا چه حد می‌تواند در افزایش احساس دل‌بستگی به شهر در شهروندان کمک کند؟
۱۱,۴۶	۱۸,۷۵	۴۳,۷۵	۲۲,۹۲	۳,۱۳	درصد	
۹	۳۲	۲۳	۲۱	۱۱	تعداد	۱۹ ایجاد تنوع در فرم و رنگ فضاهای عمومی تا چه حد می‌تواند در استقبال شهروندان تأثیر داشته باشد؟
۹,۳۸	۳۳,۳۳	۲۳,۹۶	۲۱,۸۸	۱۱,۴۶	درصد	
۳	۹	۲۱	۴۲	۲۱	تعداد	۲۰ در فضاهای عمومی که در آن میان افراد گفتگو و ارتباط برقرار است، نسبت به فضاهای خلوت و ساکت تا چه حد احساس امنیت می‌کنید؟
۳,۱۳	۹,۳۸	۲۱,۸۸	۴۳,۷۵	۲۱,۸۸	درصد	
۳	۱۵	۲۸	۲۸	۲۲	تعداد	۲۱ به نظر شما احساس آسایش تا چه حد در ایجاد ارتباط میان افراد مختلف موثر است؟
۳,۱۲۵	۱۵,۶۲۵	۲۹,۱۶۷	۲۹,۱۶۷	۲۲,۹۱۷	درصد	
۱۲	۲۸	۳۲	۱۵	۹	تعداد	۲۲ به نظر شما ادراک فضاهای عمومی و مسیرهای حرکتی تا چه حد در استقبال شهروندان تأثیر دارد؟
۱۲,۵۰	۲۹,۱۷	۳۳,۳۳	۱۵,۶۳	۹,۳۸	درصد	
۱	۸	۱۵	۴۳	۲۹	تعداد	۲۳ به نظر شما استفاده از نمادهای ایرانی مانند فرش تا چه حد در احساس دل‌بستگی افراد به فضاهای عمومی تأثیر دارد؟
۱,۰۴	۸,۳۳	۱۵,۶۳	۴۴,۷۹	۳۰,۲۱	درصد	
۴	۱۲	۳۹	۲۲	۱۹	تعداد	۲۴ به نظر شما وجود عناصر طبیعی مانند درخت و آب‌نما تا چه حد در حضور افراد در مجموعه‌های عمومی تأثیر دارد؟
۴,۱۶۶	۱۲,۵	۴۰,۶۲۵	۲۲,۹۱	۱۹,۷۹	درصد	
۰	۸	۴۷	۲۶	۱۵	تعداد	۲۵ وجود ایستگاه‌های خدماتی در مجموعه‌های تجاری-فرهنگی تا چه حد در استقبال افراد از این مراکز موثر است؟
۰,۰۰	۸,۳۳	۴۸,۹۶	۲۷,۰۸	۱۵,۶۳	درصد	
۳	۱۳	۳۵	۳۱	۱۴	تعداد	۲۶ به نظر شما فضاهای عمومی چند عملکردی (مانند مرکز تجاری و موزه) تا چه میزان می‌تواند امکان برقراری ارتباط میان افراد غریبه را فراهم کند؟
۳,۱۳	۱۳,۵۴	۳۶,۴۶	۳۲,۲۹	۱۴,۵۸	درصد	
۶	۳۳	۴۷	۸	۲	تعداد	۲۷ به نظر شما ایجاد یک مجموعه تجاری-

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	درصد	سوال
۶,۲۵	۳۴,۳۸	۴۸,۹۶	۸,۳۳	۲,۰۸		فرهنگی تا چه حد می تواند ارتباطات اجتماعی خارج از مجموعه را ایجاد کند؟



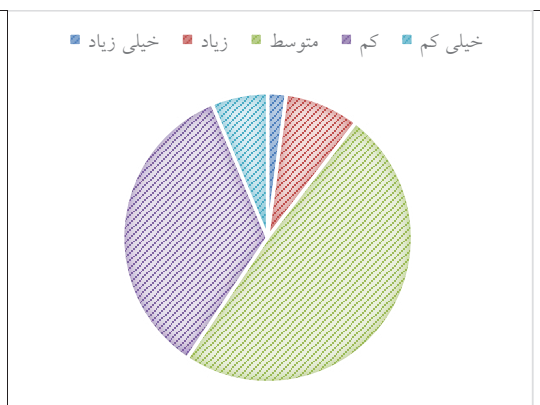
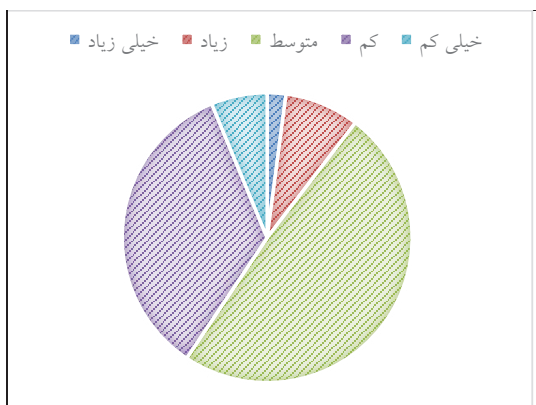
نمودار ۶. میزان تمایل شما به صحبت کردن در یک جلسه یا گردهمایی کوچک از افراد نا آشنا چقدر است؟

نمودار ۵. میزان تمایل شما به صحبت کردن با یک آشنا به هنگام برخورد با وی چقدر است؟



نمودار ۸. به چه میزان در فعالیتهای اجتماعی غیر رسمی شرکت می کنید؟

نمودار ۷. به چه میزان تمایل دارید که با افراد دیگر باشید؟



نمودار ۹. به نظر شما ابعاد و تناسب تا چه حد در ارتباط میان افراد در فضاهای عمومی موثر است؟

نمودار ۱۰. چقدر تمایل دارید که دیگران از شما برای انجام کارها یا شرکت در گفتگوهایشان دعوت کنند؟

و حضور در فضاهای عمومی نیازمند این است که ما دانش خود را درباره چگونگی الگوهای مختلف اجتماعی شدن توسعه دهیم و این خود حوزه گسترده ای از مطالعات را در زمینه‌های مختلفی چون بررسی تعاملات بین نژادی، بین سنی، بین جنسی و بین طبقاتی را می‌طلبد. این شناخت از یک سو نیازمند تحلیل محتوایی، مطالعه کمی و کیفی متناسب با زمان و مکان تک تک روابط اشاره شده در بالا و از دیگر سو نیازمند تحلیل فضایی عناصر تشکیل دهنده بستر شکل‌گیری این نوع روابط است.

منابع و ماخذ

۱. آلمن، ابروین (۱۳۸۲) «محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام»، ترجمه: علی نمازیان، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
۲. الیاسی ابراهیم و پروزن، ادریس (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر کیفیت‌های محیطی بر تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری؛ مورد مطالعه: خیابان جمهوری اسلامی مهاباد» همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج
۳. بنتلی، ایان (۱۳۸۲) «محیط‌های پاسخده» ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۴. بهزادفر مصطفی و طهماسبی ارسلان (۱۳۹۲) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج» فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵،
۵. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲): از کمیت تا کیفیت»، چاپ دوم، تهران: انتشارات آرمانشهر
۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) «سیمای شهر آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید»، نشریه آبادی، شماره ۵۳، صص ۲۵-۲۰
۷. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸) «سیر اندیشه‌ها در

انگیز باشد. نقش فضای عمومی، یا به عبارتی فضایی که در آن تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد و فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقا می‌یابد، در کشور ما روز به روز در حال افول است. شرایط حاکم بر شهرهای امروزی شیوه زندگی جدیدی را القا می‌کند که در آن پیاده‌روی به منظور انجام اهداف مختلف نادیده گرفته می‌شود؛ به عنوان نمونه خرید کردن و حتی تماشای مغازه‌ها در یک فضای پیاده یکی از فعالیت‌های جذاب و پرتعداد شهری به شمار می‌آید به گونه‌ای که یکی از انواع فضاهای پویا و سرزنده در جهان، مرکز خرید پیاده است که متأسفانه جایگاه چنین فضاهایی در شهرهای ما به درستی تعریف نشده است. طراحی محیط در مقیاس‌های مختلف از طراحی شهری تا طراحی داخلی همواره در تلاش رفع نیاز انسان است. انسان با حضور در محیط و تعامل با آن سعی در رفع نیازهای خود دارد. این نیازها از ابتدایی‌ترین تا جامع‌ترین سطح، همواره می‌توانند خود را در رفتارهای محیطی نشان دهند. فضای تعریف شده و محیط ساخته شده می‌توانند در رفع نیازهای کاربران کمک کنند. اگر محیطی قابلیت تأمین رفتارهایی که برای آن طراحی شده است را داشته باشد و انسان نیز شایستگی استفاده از محیط را داشته باشد، رفتارهای اجتماعی در قرارگاه‌های تعریف شده به درستی رخ می‌دهند و با رفع نیازهای انسان موجب احساس رضایت از آن محیط می‌شود. از اینرو انسان محیط را شناسایی می‌کند، نسبت به آن قضاوت و ارزیابی انجام می‌دهد و بر اساس ارزیابی خود در محیط رفتار می‌کند. این رفتار محیطی نتیجه ارتباط و تعامل دوجانبه انسان و محیط است. مشاهدات نشان می‌دهد تعامل اجتماعی در سطوح پایین‌تری ما بین نسل‌های گوناگون اتفاق می‌افتد. فضاهای عمومی این امکان را به مردم می‌دهد که نسل‌های مختلف با هم حضور داشته باشند. به عبارت دیگر طریقه دستیابی به روابط اجتماعی منسجم و پایدار و ارتقای تعامل

شهرسازی؛ جلد سوم: از فضا تا مکان» چاپ اول، تهران: انتشارات آرمانشهر

۸. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری». چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی

۹. پاکزاد، جهانشاه و همکاران (۱۳۹۱) «الفبای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: انتشارات آرمانشهر.

۱۰. پورمحمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی تحلیل پایداری و سرزندگی مناطق تبریز با تاکید بر امنیت شهری با نگرش جامعه‌شناختی» نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۶، صص ۷-۲۶

۱۱. ترابی، محمد (۱۳۹۱) «طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

۱۲. تی‌هال، ادوارد (۱۳۸۷) «بعد پنهان»، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. جهدی، نوید (۱۳۹۲) «رفتارشناسی انسان در فضای شهری با رویکرد افزایش حضورپذیری فضاهای شهری؛ نمونه موردی: میدان نقش جهان اصفهان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۱۴. جهدی، نوید و کلاتری، محسن (۱۳۹۲) «جستاری بر رفتارشناسی انسان در حیطه مطالعات شهری»، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان

۱۵. خامه، معصومه و حمزه‌لو، سارا (۱۳۹۲) «تحلیلی بر نقش محیط‌های شهری اجتماع‌پذیر در تعاملات اجتماعی شهروندان» «همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج

۱۶. خستو، مریم و سعیدی‌رضوانی، نوید (۱۳۸۹) «عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز

خرید پیاده»، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۶۳-۷۴

۱۷. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی» نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸

۱۸. دانشگرمقدم، گلرخ و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت» دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۲۷-۳۸

۱۹. دوست فرخانی و همکاران (۱۳۸۷) «بررسی الگوی ایده‌آل تعاملات اجتماعی از منظر مکتب اسلام»، همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر، دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی و درمانی خراسان شمالی

۲۰. راست‌بین، ساجد و همکاران (۱۳۹۱) «رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی» فصلنامه باغ نظر شماره ۲۱، صص ۳۵-۴۶

۲۱. رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، نشریه راهبرد، شماره ۵۳، سال هجدهم، صص ۲۴۸-۲۲۷

۲۲. شهبازی، حسن و همکاران (۱۳۹۲) «تأثیر عرصه‌های جمعی بر تعاملات اجتماعی؛ با رویکرد نیل به اجتماعی پایدار در مجتمع‌های مسکونی» همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج

۲۳. فتحی، میلاد (۱۳۹۲) «ارائه راهکارهای طراحی بافت فرسوده شهری با استفاده از تکنیک چیدمان فضا با رویکرد افزایش امنیت شهروندان؛ مطالعه موردی: بافت فرسوده قلمستان کرج» پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۲۴. قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی؛ نمونه موردی: محله درکه تهران»، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی

936-950.

36. Fried, Marc (1963) "grieving for a lost home", New York: the urban condition

37. Gehl Architects, C. 2009. Public Life & Public Spaces: Perth 2009. Perth

38. H. Whyte, W. 1980. The Social Life of Small Urban Spaces. Washington DC: Project for Public Spaces.

39. H. Whyte, W. 2003. Social life of small urban spaces, In Time-Saver Standards for Urban Design, By Donald Watson, Alan Plattus and Robert Shibley, 2.12-1-2.12.8. McGraw-Hill Professional.

40. H. Whyte, W. 2009. City: Rediscovering the Center. Pennsylvania: University of Pennsylvania press.

41. Ibrahim, M.F., Wee, N.C. (2002). "The Importance of Entertainment in the Shopping Center Experience: evidence from Singapore", Journal of Real Estate Portfolio Management 8(3). pp. 239-254.

42. Kaplan, S. (1987). "Aesthetics, Affect, and Cognition: Environmental Preferences from an Evolutionary Perspective". Environment and Behavior, 19, pp 3-32

43. Lang, Jan. (1961) "Urban Design-The American Experience". New York : Van Nostrand Reinhold, p. 96.

44. Oldenburg, R. (1999), "The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and how they Get You Through the Day", Paragon House: New York

معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷

۲۵. کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹) «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهاى عمومی شهری»، نشریه هویت شهر، شماره ۶، سال چهارم، صص. ۹۵-۱۰۶

۲۶. کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) «مکان‌های عمومی فضاهاى شهری»، ترجمه: فریبا قرائتی و همکاران، تهران: دانشگاه هنر.

۲۷. کلانتری، بهرنگ و همکاران (۱۳۹۱) «فضای جمعی و شهر خلاق» مجله منظر، شماره ۱۹، صص ۷۴-۷۹

۲۸. گل، یان (۱۳۸۷) «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» ترجمه: شیما سادات شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی

۲۹. گلکار، کورش (۱۳۸۶) «مفهوم سرزندگی در طراحی شهری»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۴۴، صص ۶۶-۷۵

۳۰. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی-پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۲۹-۳۳

۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی» ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران: نشر نی

۳۲. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) «طراحی فضای شهری»، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۳۳. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) «روانشناسی محیطی؛ دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا: شماره ۱۰، صص ۵۲-۶۷

۳۴. نکونام، جعفر (۱۳۸۶) «روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی»، چاپ چهارم، قم: انتشارات دانشگاه قم

35. El-Adly, M.I. (2007). Shopping Mall Attractiveness: a segmentation approach, International Journal of Retail & Distribution Management. 35(11). pp.

تحلیلی بر مشارکت شهروندان و امکانات فناوریانه خدمات رسان در مدیریت شهری فنوار محور (از دیدگاه شهروندان کلانشهر تبریز)

میثم دیداریان - دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
رسول درسرخوان* - استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل دو رکن اساسی مدیریت شهری فنوار محور، در شهر مورد مطالعه (تبریز) به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه ای صورت پذیرفت که جامعه آماری، شهروندان تبریز و حجم نمونه، (با فرمول کوکران) ۳۸۰ نفر از شهروندان و ۳۰ نفر از متخصصان مربوطه بوده و جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای و میدانی و برای سنجش و تایید پایایی گویه های متغیرها، از ضریب آلفای کرونباخ (مقدار آلفا: ۰/۸۹۱) و از روش نمونه گیری خوشه ای یک مرحله ای به صورت تصادفی و نرم افزار SPSS و آزمون تی تک نمونه ای استفاده شد که نتایج بدین شرح می باشد؛ تلفن همراه هوشمند، دسترسی به کامپیوتر، خودپرداز، پیشخوان دولت، کافی نت، پایانه فروش، دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، پلیس ۱۰+ و نرم افزارهای خدمات رسان، امکانات فناوریانه خدمات رسان بوده و شهروندان توانایی مشارکت (با میانگین کل ۳/۲۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ و $t=378/3$) و امکانات حاضر در این شهر تا حد قابل قبولی بهره وری کافی (با میانگین کل ۳/۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۳۶ و $t=305/7$) در این نظام را دارند.

واژگان کلیدی: امکانات فناوریانه خدمات رسان، کلانشهر تبریز، مدیریت شهری فنوار محور، مشارکت شهروندان.

Analysis of citizen participation in urban management technology-based service and technological features (from the perspective of the citizens of Tabriz)

Abstract

This study aimed to analyze the two basic pillars of technology-based urban management, in the study (Tabriz) using descriptive research - analysis of applied research - development was performed. The population, the citizens of Tabriz and the sample size (the sample) 380 citizens and 30 experts and to gather information from library studies and field and for measuring and verifying the reliability of the statements of variables, alpha alpha (alpha: 891/0) and a stage cluster sampling random one-sample t-test was used SPSS software. Results are as follows; smart mobile phone, computer access, ATM, Dolat, cafe, POS, offices, computer services, police and 10+ software, service, technical service facilities and citizens are able to participate (with an average of 25.3 and $P=0.001$ and $t=378/3$) and facilities in the city to an acceptable level of productivity enough (with an average of 73/3 and $t=305/7$) and a significance level of 0.036) in with this system.

Keywords: technological facilities service provider, Tabriz, technology-based urban management, citizen participation.

در عصر حاضر رشد چشمگیر و شتابان شهرنشینی و شهرگرایی و تقاضای روز افزون خدمات، زیرساخت ها و تکنولوژی های نوین برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اداره شهرها را با چالش های جدی مواجه ساخته است. در این بین، چنانکه شهر به مثابه یک سازمان قلمداد گردد لازم است که در راس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که همان مدیریت شهری است (شیعه، ۱۳۸۲، ص ۳۹). مهمترین هدف مدیریت شهری را می توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن، در قالب اقشار و گروه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹، ص ۴۹). بسیاری از شهرها تلاش می کنند تا بر اساس اصول توسعه پایدار به یک توسعه شهری با مسئولیت اجتماعی، دوستدار طبیعت و موفق از نظر اقتصادی در آینده نایل آیند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۰). در پروسه توسعه شهری که هدف نهایی، حل چالش های پیش رو مدیریت شهری و ارائه خدمات پایدار به شهروندان است، مشارکت شهروندان در اداره امور شهری می تواند به عنوان روشی کارآمد در راستای رسیدن به آن هدف باشد. مشارکت شهروندان نقش اساسی در ایجاد جامعه سالم و قدرتمند دارد برای این که آنها را قادر می سازد تا دسترسی برابر و بیشتری به منابع داشته باشند (Foster, Fishman, et al, ۲۰۰۹). مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی درآمده و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند بدل شوند (Halachmi, ۲۰۱۱). در گذشته مشارکت اغلب به عنوان دخالت و یک نوع مانع محسوب می شد، اما امروزه مشارکت شهروندان به عنوان جزء لازم در برنامه ریزی و توسعه شهری و همچنین بخشی از مدیریت خوب شهری مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته است.

مدیران و برنامه ریزان شهری همواره سعی کرده اند تا با جلب مشارکت های مردمی به اهداف خود در زمینه اجرای طرح ها و برنامه ها به نحو ممکن نایل آیند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰). از سوی دیگر با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در جهان و همگانی شدن فضاها و شبکه های مجازی و بهره مندی کلیه دستگاهها، مراکز عمومی و خصوصی از تکنولوژی های ارتباطاتی، مدیریت شهری نیز دچار تحول گشته و مدیریت شهری فناور محور شکل گرفته است. مدیریتی که حداکثر استفاده را از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی جهت نظارت، خدمت رسانی، هدایت و کنترل امور شهری به عمل می آورد. یکی از اساسی ترین مقوله های مطرح در مدیریت شهری فناور محور، امکانات خدمات رسان پیشرفته و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها می باشد. مشارکت شهروندان یکی از پایه های اصلی دموکراسی محسوب می گردد و استقرار چنین نظامی به مفهوم نقش شهروندان در امور عمومی (Hsiao, ۲۰۰۳) می باشد که نقطه قوت مدیریت شهری فناور محور است. لذا، تحلیل مدیریت شهری فناور محور و موشکافی مسائل اساسی آن از جمله مشارکت شهروندان و امکانات فناورانه خدمات رسان، مبنای اجرای پژوهش حاضر گردید تا با انتخاب یکی از کلاتشهرهای صنعتی و بزرگ کشور، شهر تبریز، به دنبال یافتن پاسخ به این سوالات باشیم که؛ امکانات فناورانه خدمات رسان در شهرهای ایران چه مواردی می توانند باشند؟، کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان چه میزان است؟ و سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناور محور چه میزان می باشد؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت موضوع

تجربه کشورهای مختلف جهان در اداره شهرها نشان می دهد، اداره شهرها به نحو مطلوب در بسیاری موارد از توان دولت خارج است. موفقیت در این امر در گرو مشارکت مردم و نهاد های محلی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل

مختلف و استفاده از مشاوره عمومی باعث می شود که مدیریت شهرها تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت های اجرایی با موفقیت همگام باشد و در نهایت بتوانند با تکیه بر داده های موثق، و با اتکا به پشتوانه مردم، موفقیت خود را تضمین کنند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۳). مشارکت عمومی حفاظت از منافع عمومی، برابری و کارآیی شبکه مدیریت شهری را تضمین میکند. مشارکت عمومی در موفقیت پروژه های شهرسازی بسیار اهمیت دارد برای این که پروژه های شهرسازی نهایتاً بخشی از زندگی عمومی مردم می شود (Barton, et al, ۲۰۰۵; Counsell, et al, ۲۰۰۶). هرچه مشارکت عمومی در پروژه های شهرسازی زودتر و وسیع تر شود، احتمال موفقیت این رشد و توسعه بیش از حد شهرها و گستردگی امور شهری در دهه های گذشته، لزوم مشارکت شهروندان در اداره امور شهری و اجرای موفق پروژه های توسعه شهری را به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل نموده است. از طرف دیگر پیچیده تر شدن مسائل و تنوع زیاد شهری، استفاده از امکانات نوین فناوری یا الکترونیکی را در مدیریت شهری ضروری کرده به گونه ای که اداره امروز شهرها و مراکز سکونتگاهی بدون استفاده از این امکانات غیر ممکن است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱). بنابراین موفقیت اداره شهرهای امروزی در گرو مدیریت شهری فنآور محور است، مدیریتی مبتنی بر فناوری های نوین به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات با اهداف خدمات رسانی سریع، دقیق و کامل به شهروندان که امکانات فناورانه خدمات رسان و مشارکت شهروندان رکن اساسی آن در رسیدن به هدف نهایی، یعنی ایجاد شهری پایدار، سالم و پویا می باشد. لذا با مبنا قرار دادن رویکرد فوق، می توان به اهمیت و ضرورت اجرای پژوهش حاضر پی برد.

۳-۱-۱- اهداف تحقیق

پژوهش حاضر در صدد بررسی تحلیلی مشارکت شهروندان و امکانات فناورانه خدمات رسان در نظام مدیریت شهری فنآور محور است که جهت نیل به

مسائل و نتایج مد نظر اهداف زیر، سرلوحه تحقیق قرار گرفته است:

- بررسی امکانات فناورانه خدمات رسان در مدیریت شهری فنآور محور
- سنجش کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان
- بررسی میزان آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فنآور محور

۴-۱- پیشینه پژوهش

در این بخش به مهم ترین پژوهش هایی که در ارتباط با موضوع تحقیق ما در ایران صورت پذیرفته است میپردازیم:

۱. پژوهش دکتر مسعود تقوایی و همکارانش (۱۳۸۸)، با موضوع: «تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری» که در منطقه ۴ شهر تبریز صورت پذیرفته و نتایج زیر بدست آمده است:
۱- ارزیابی شهروندان از پیامد های مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می توانند با مشارکت در مدیریت شهری تاثیر گذار باشند. مطالعات بدست آمده نشان می دهد که بیشترین مشارکت، برگزاری مراسم و جشن های محلی و کمترین مشارکت مربوط به اطلاع رسانی مشکلات به مدیران شهری بوده است؛ ۲- هرچه میزان رضایت مندی افراد از خدمات رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می یابد که این میزان مشارکت در محدوده مورد مطالعه ۰/۴۲ است؛ ۳- مطالعات بدست آمده نشان می دهد که هر چه احساس مالکیت؛ یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می کند. مطالعات صورت گرفته، نشان دهنده این است که در محدوده مورد مطالعه، احساس مالکیت ۰/۴۸ درصد تعیین کننده مشارکت در مدیریت شهری بوده است؛ ۴- و اینکه وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت تعیین کننده است، که با بررسی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مشخص شد با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و

اجتماعی میزان مشارکت هم بالا می رود.

۲. پژوهش علوی تبار و همکارانش (۱۳۷۹)، با موضوع «مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر تهران» صورت پذیرفته که: مشتمل بر سه بخش است. در بخش اول تعریف مشارکت از نگاه نظری و مفهومی فراهم می آید. در بخش دوم ضمن تعریف مشارکت سنتی و جدید، الگوهای کلی آن در ایران بررسی می شود افزون بر آن چگونگی ایجاد شوراهای اسلامی شهرها، اهداف و وظایف این شوراها ذکر می گردد ولی به شوراییاریها توجهی نمی گردد. بخش سوم به بررسی تجارت جهانی الگوهای مشارکت شهروندان اختصاص یافته که طی جلوه هایی از مشارکت ذیل این مقولات بررسی و تبیین می شود: ۱- مشارکت در مدیریت و تصمیم گیری شهری، ۲- مشارکت در آبادانی شهر، ۳- مشارکت در تامین ایمنی شهر، ۴- مشارکت در بهبود محیط شهری.

۳. پژوهش دکتر علیزاده و همکارانش (۱۳۹۳) با موضوع «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری» که در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد انجام شده و نتایج زیر بدست آمده است: بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته با روش توصیفی - تحلیلی؛ مشخص شد که نقش مردم در اداره امور شهر (منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی - معنوی با ۴۲٪، مشارکت سیاسی با ۳۴٪، مشارکت فیزیکی با ۲۷٪، مشارکت مالی با ۲۳٪ و مشارکت ابزاری با ۳٪ مشارکت در رتبه های اول تا پنجم قرار گرفتند. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش های پنجگانه فوق بود نیز با ۲۶٪ مشارکت نسبتاً کم ارزیابی گردید.

۴. پژوهش دکتر بابانسیب و همکارانش (۱۳۹۳) با موضوع: «تحلیلی بر شاخص های شهروند الکترونیکی از نظر شهروندان در شهر تبریز» صورت گرفته که: یافته های پژوهش حاکی از آن است که کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات ICT و مراکز خدمات رسانی الکترونیک، پس از انجام آزمون تی تک نمونه ای،

میانگین و میزان T به ترتیب برابر با ۳/۱۹ و ۵/۱۳ بوده که دسترسی نسبتاً مناسبی را به این امکانات نشان می دهد. از نظر شاخص های شهروند الکترونیکی میانگین بدست آمده ۲/۷۹ با در نظر گرفتن زیرساخت ها؛ در سطح مطلوبی قرار دارد. با توجه به تجربه استفاده از ICT، بالای ۷۹ درصد شهروندان موافق با ضرورت استفاده از ICT و ایجاد شهر الکترونیک هستند؛ در نتیجه رابطه معناداری بین آمادگی الکترونیکی شهروندان و پذیرش اثرات استفاده از ICT و گسترش شهر الکترونیک وجود دارد، شدت همبستگی $r=0/433$ حاکی از رابطه مثبت و رو به بالای بین این دو متغیر است. بنابراین شهروندان ضمن متوجه بودن به ضرورت آموزش هایی با متد و محتوایی نوین، نقش ICT را کاربرد بسیار ارزشمندی به منظور تجربه زندگی بهتر می دانند.

۵. پژوهش دکتر عظیمی و همکارانش (۱۳۹۴) با موضوع: «ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت الکترونیکی شهروندان در مدیریت امور شهری» در شهر رشت انجام شده که مهمترین یافته های تحقیق نشان داده است: دانش و اطلاعات شهروندان، احساس تعلق و تعهد، تصور ذهنی از پیامدهای مشارکت، زیرساخت های الکترونیکی شهر و سودآور بودن فعالیت مشارکت بیشترین نقش را از لحاظ درجه اهمیت در بین متغیر های انتخابی برای مشارکت الکترونیکی شهروندان داشتند. رضایت مندی، اعتماد شهروندان، وضعیت اقتصادی و احساس مالکیت به عنوان عوامل موثر دیگر با درجه پایین تری از اهمیت در مقایسه با دیگر عوامل شناسایی شدند.

۵-۱- سوال ها و فرضیه ها

در پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ سوالات زیر هستیم: ۱- امکانات فناورانه خدمات رسان در شهرهای ایران چه مواردی می توانند باشند؟ ۲- کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان چه میزان است؟ ۳- سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناور محور چه میزان می باشد؟ همچنین می توان گفت این تحقیق در راستای بررسی فرضیات زیر تدوین شده است: ۱- بنظر می

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های هر یک از متغیرها

ردیف	متغیرهای تحقیق	گویه های تحقیق	ضریب پایایی
۱	امکانات فناوریانه خدمات رسان	۱- دستگاه خود پرداز (عابر بانک)؛ ۲- دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز)؛ ۳- کافی نت؛ ۴- پلیس +۱۰ و خدمات الکترونیک انتظامی؛ ۵- دفاتر پیشخوان دولت؛ ۶- تلفن همراه هوشمند (با قابلیت نصب و راه اندازی نرم افزارهای خدمات رسان)؛ ۷- دسترسی به لپ تاپ، کامپیوتر و اینترنت در منزل؛ ۸- دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی؛ ۹- نرم افزارهای خدمات رسان.	۰/۸۶۳
۲	نحوه مشارکت شهروندان در نظام مدیریت شهری فناوری محور	۱- میزان آشنایی به کامپیوتر؛ ۲- میزان آشنایی به تلفن همراه هوشمند؛ ۳- کار با کامپیوتر / لپ تاپ؛ ۴- استفاده از اینترنت؛ ۵- استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان؛ ۶- استفاده از ایمیل و شبکه های ارتباطی مجازی؛ ۷- استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها (همراه بانک، اینترنت بانک و...)؛ ۸- میزان استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی)؛ ۹- استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلندمدت، دانشگاه مجازی و...)؛ ۱۰- انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت؛ ۱۱- استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...)؛ ۱۲- استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...)؛ ۱۳- دسترسی به رسانه های مجازی، اخبار و روخدادهای شهری و کشور از طریق اینترنت؛ ۱۴- بهره مندی از خدمات الکترونیکی مسافرتی (رزرو بلیط، هتل و...)؛ ۱۵- شرکت در آموزش های علمی-کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ ۱۶- میزان آشنایی به خدمات الکترونیکی دولت و نحوه کار با آن ها؛ ۱۷- مدیریت زمان به کمک فناوری های نوین؛ ۱۸- میزان استفاده از دفاتر پیشخوان دولت، پست بانک، عابر بانک و...	۰/۹۰۱



نفر می باشد. بنابراین حجم نمونه، با استفاده از فرمول برآورد نمونه کوکران برابر ۳۲۲ نفر شد، که برای اطمینان بیشتر با ۱۰ درصد افزایش، تعداد نهایی نمونه آماری به ۳۸۰ نفر افزایش یافت. همچنین جهت بررسی های تخصصی و بهره مندی از دیدگاه اساتید و کارشناسان، حجم نمونه ای ۳۰ نفری از متخصصان حوزه های شهرسازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت شهری در دانشگاه های تبریز مدنظر قرار گرفت. برای گرد آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای و میدانی استفاده گردید که در روش کتابخانه ای، کتب، مقالات و مجلات علمی پژوهشی و پژوهش های مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت و در روش میدانی اقدام به تهیه پرسشنامه کردیم که برای سنجش اعتبار وسیله اندازه گیری، ابتدا پرسشنامه مقدماتی آماده و توسط تعدادی از متخصصان مربوطه

رسد عابر بانک ها، دستگاه های پوز، دفاتر خدمات الکترونیکی انتظامی و پیشخوان دولت از امکانات فناوریانه خدمات رسان در شهرهای ایران باشند. ۲- بنظر می رسد کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناوریانه خدمات رسان در سطح مناسبی باشد. ۳- بنظر می رسد سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور در حد مطلوب باشد.

۱-۶- روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به هدف، از نوع تحقیقات کاربردی- توسعه ای بوده و از نظر ماهیت و روش، تحقیقی توصیفی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری، شهروندان ساکن در مناطق دوازده گانه شهرداری تبریز در نظر گرفته شده است که بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، برابر یک میلیون و چهارصد و نود و چهار هزار و نهصد و هشت

شهرسازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت شهری: به تعداد ۳۰ نفر) بررسی شد و اعتبار صوری پرسشنامه با حذف و اصلاح برخی از گویه ها بدست آمد. برای سنجش پایایی گویه ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید (جدول شماره ۱). همچنین برای نمونه برداری از مناطق ۱۲ گانه شهر تبریز، ابتدا به روش وزن دهی با توجه به جمعیت هر منطقه، نمونه مورد نظر برای هر منطقه مشخص شد و سپس با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای یک مرحله ای به صورت تصادفی از شهروندان مناطق پرسش گردید.

۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص ها

جهت استخراج متغیرها و شاخص های تحقیق به صورت زیر اقدام شد: ابتدا به روش کتابخانه ای، پژوهش های قبلی مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا، از متغیرهای معرفی شده توسط دکتر رسول بابا نسب و دکتر اصغر ضرابی (۱۳۹۳) و تحقیقات قبلی نگارنده (۱۳۹۲) بهره جسته و با طراحی پرسشنامه مقدماتی در خصوص انتخاب شاخص ها و متغیرهای مورد نظر و بررسی توسط تعدادی از متخصصان مربوطه (شهرسازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت شهری: به تعداد ۳۰ نفر)، اعتبار صوری متغیرها با حذف و اصلاح برخی از گویه ها بدست آمد. برای سنجش پایایی گویه ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آلفای محاسبه شده برای همه گویه های مورد استفاده ۰/۸۹۱ بدست آمد که با توجه به نزدیک بودن این ضریب به عدد یک، نشان از اعتبار علمی آن و حاکی از انسجام درونی بیشتر گویه ها بوده است. همچنین جدول شماره (۱) نشان داد، برای همه متغیرهای معرفی شده، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ است که بیانگر انتخاب صحیح شاخص ها و متغیرهای مدنظر می باشد.

۸-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

جهت آزمون و بررسی کامل و دقیق فرضیه ها، اقدام به انتخاب مطالعه موردی (کلانشهر تبریز) کردیم. تبریز، یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان

شرقی است. این شهر، بزرگترین شهر منطقه شمال غرب ایران و مناطق آذری نشین بوده و مرکز اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می شود و یکی از پل های ارتباطی کشور با کشورهای توسعه یافته و اروپایی می باشد که اصلی ترین دلایل انتخاب این محدوده برای پژوهش حاضر است. (شکل شماره ۱) جمعیت تبریز در سال ۱۳۹۰ خورشیدی بالغ بر ۱/۴۹۴/۹۹۸ نفر بوده که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به حدود ۱/۸ میلیون نفر می رسد. این شهر در غرب استان آذربایجان شرقی و در منتهی الیه مشرق و جنوب شرق جلگه تبریز قرار گرفته است. این شهر از سمت شمال به کوه های پکه چین و عون بن علی، از سمت شمال شرق به کوه های گوزنی و باباباگی، از سمت شرق به گردنه پایان و از سمت جنوب به دامنه های رشته کوه سهند محدود شده است (حداد عادل، ۱۳۸۰).

۲- مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری تحقیق

۱-۲- مدیریت شهری

پیدایش شهرها، تکامل و رشد آنها، نتیجه شمار زیادی از تصمیم های فردی است که افراد برای تعیین محل زندگی، کار، برپایی شرکت، تامین منابع، تفریح، تحصیل و مانند آن می گیرند. در شبکه ای پیچیده از تبادل و همکاری متقابل، هر یک از این تصمیم ها به شیوه مستقیم یا غیر مستقیم بر بسیاری دیگر اثر متقابل می گذارد. مهمترین و تاثیرگذارترین این تصمیمات، مربوط به مدیران شهری می باشد، تصمیماتی بر مبنای مدیریتی جامع و پیچیده برای حل مشکلات شهری و رفع نیازهای شهروندان تحت عنوان «مدیریت شهری». مدیریت شهری مفهومی کم و بیش نوین است که با شهرنشینی فزاینده و موج برنامه های تمرکز زدایی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اهمیت پیدا کرده است. در دهه های اخیر دانشمندان و پژوهشگران بسیاری در خصوص کارکردها و تعاریف مدیریت شهری نظریه داده اند که در زیر به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم:

۱- چارچیل (۱۹۸۵) با تاکید بر ایده پیچیدگی



شکل ۱. نقشه استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز

و مباحث منفرد شهر و تقویت ظرفیت سازمان های دولتی و سایر بازیگران به منظور توانمند کردن آنها در انجام وظایفشان در فرآیند مدیریت شهر است (زاهدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

۵- چاکر ابارتی (۲۰۰۱) معتقد است، با اتخاذ یک رویکرد مدیریت یکپارچه با اصولی منعطف و در نظر گرفتن عدم اطمینان و پویایی های محیط شهری، می توان به عدالت در حل و رفع منافع پیچیده و ذینفعان متعدد دست یافت (Chakrabarty, ۲۰۰۱: ۳۳۵).

۶- استوارت (۲۰۰۶) اعلام می کند، برای دستیابی به کارایی، برابری، مشارکت، پاسخ گویی مدیران و امنیت شهر در فرآیندهای مدیریت یک شهر، حکمروایی شایسته شهری پیشنهاد مناسبی است (Stewart, ۲۰۰۶: ۲۰۰).

۷- دیک به نقل از کلینک و براستا (۲۰۰۶) بیان می کند، مدیریت شهری مدرن عبارت است از فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی های یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای

فزاینده، معتقد است که مدیریت شهری تنها به کنترل سیستم شهر اشاره ندارد بلکه به روابط رفتاری و فرایندی فعالان بی شمار و تعاملات ساکنین با یکدیگر و با حکومت و با اداره کنندگان شهر نیز مربوط است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

۲- بیکر (۱۹۸۹) می گوید، به دلیل پاسخ ساده ای که ساختارهای بخشی به طبیعت شدیداً پیچیده شهرهای به سرعت در حال رشد می دهند، لازم است مدیریت شهری دید وسیع تری نسبت به مسائل داشته باشد (برک پور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

۳- مک گیل (۱۹۹۸) اعلام می کند، برای تعریف مدیریت شهری باید بدانیم نیروی محرکه شهر چیست، راهی پیدا کنیم که ضمانت کند پیچیدگی سازمانی موجود مدیریت شهری با پیچیدگی مسائل شهری منطبق است و اطمینان حاصل کنیم که میان استراتژی اعلام شده رسمی و لازم الاجرا و توانایی عملیاتی موجود مدیریت شهری تطابقی وجود دارد (Mcgill, ۱۹۹۸: ۴۶۹).

۴- شابر جیما (۱۹۹۸) می گوید، مهمترین وظیفه مدیریت شهری، پاسخ گویی اثربخش به مشکلات

تحقق پتانسیل توسعه اقتصادی پایدار تدوین می شود (کازمیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

۸- از نظر وان دیک (۲۰۰۶) مدیریت شهری عبارت است از: تلاش برای هماهنگی و یکپارچگی فعالیت های بخش عمومی و اقدامات بخش خصوصی برای پرداختن به مشکلات اصلی که ساکنان شهرها با آنها روبه رو هستند و ایجاد شهری رقابتی تر، منصفانه تر و پایدارتر. مدیریت شهری چندبخشی و چندکنشگره است و باید با توجه به بنیان های اقتصادی شهر، محیط زیست، مشارکت و عدالت میان شهروندانش مورد مذاکره قرار گیرد؛ با وجود این جهان پویاست و بنابراین، مدیران شهری همواره با چالش های جدیدی روبه رو خواهند بود (کازمیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

۲-۲- شهر الکترونیک

پیشرفت علوم و فناوری اطلاعات و توسعه روزافزون اینترنت در هزاره سوم، عمده ترین محور تحول و توسعه در جهان بوده و باعث تغییرات اساسی در جوامع بشری و زندگی افراد شده است. در این راستا، شهرهای امروزی، تجلی گاه چهره نوین زندگی در عصر ارتباطات و نقطه تمرکز خدمات گوناگون، تعاملات فرهنگی، اجتماعی و تراکنش های اقتصادی، نیازمند بکارگیری فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. لذا در این راستا تاثیرات فناوری اطلاعات، متخصصان و برنامه ریزان شهری و فناوری اطلاعات را برآنداشته است که در پژوهش های علمی، تحقیقاتی و کاربردی خود به مقوله شهر مبتنی بر فناوری اطلاعات، یعنی شهر الکترونیک یا شهر هوشمند و ماحصل آن بیش از پیش توجه نمایند (دیداریان، ۱۳۹۲، ص ۴۳). شهر الکترونیک تعاریف بسیاری دارد که به دو مورد آن در زیر اشاره می نماییم:

۱- شهر الکترونیک عبارت است از امکان دسترسی الکترونیکی شهروندان به کلیه ادارات، اماکن درون شهری و دستیابی به اطلاعات مختلف مورد نیاز به صورت شبانه روزی، هفت روز هفته، به شیوه ای با ثبات، قابل اطمینان، امن و محرمانه (جلالی، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

۲- شهری است پیشرفته با دو فضای مجازی و واقعی که در آن فناوری اطلاعات و ارتباطات به کلیه مراتب شهری اعم از مدیریت شهری، اقتصاد، آموزش، کالبد شهری، بهداشت و درمان، گردشگری، سرگرمی، حمل و نقل و ... نفوذ کرده و باعث تحول در سیستم های شهری، عملکرد و خدمات آنان شده است بطوریکه ادارات، سازمانها، شهرداریها، بانکها، شرکتهای عمومی و خصوصی اقدام به ارائه خدمات الکترونیکی می نمایند و شهروندان می توانند در فضای مجازی به خدمات و اطلاعات مورد نیاز خود در هر مکان و زمانی به شیوه های با ثبات، قابل اطمینان، با امنیت تمام و بطور محرمانه به صورت شبانه روزی دسترسی داشته باشند و در فضای واقعی نهادهای شهری با استفاده از تکنولوژی های هوشمند (مانند خدمات الکترونیکی شهری، چراغ های راهنمایی، خیابان ها، بیلبردها و دوربین های هوشمند و...) می توانند با ارائه خدمات سریع، دقیق و مطمئن به شهروندان، حرکت جمعیت شهری را کنترل و مدیریت نموده تا شهری پیشرفته، آرام، پاکیزه، سالم، شهروندپسند و پایدار داشته باشند (دیداریان، ۱۳۹۲، ص ۴۸).

۲-۳- شهروند الکترونیک

افرادی که از خدمات شهر مجازی یا شهر هوشمند استفاده می نمایند بعنوان شهروند این شهر یعنی شهروند الکترونیک شناخته می شوند، از شهروند الکترونیک تعاریف بسیاری بیان شده است از جمله: تعریف جلالی (۱۳۸۲): شهروند الکترونیک فردی است که با فناوری اطلاعات آشنایی داشته باشد و بتواند از خدمات الکترونیکی یک شهر الکترونیک استفاده کند. تعریف متواضع (۱۳۸۴): کسی که از حداقل دانش لازم در رابطه با مفاهیم پایه ICT، حداقل توانایی لازم بکارگیری سیستم عامل ویندوز و واژه پرداز مایکروسافت، توانایی کافی برای برقراری ارتباط با اینترنت و وب جهانی گستر، توانایی مبادله پیام های الکترونیکی از طریق پست الکترونیکی، توانایی کشف اطلاعات مورد نیاز، توانایی رویارویی با پیام های منفی اینترنت را داشته باشد، شهروند الکترونیک است.

تعریف طباطبائی (۱۳۸۶): شهروند الکترونیکی کسی است که توانایی شناخت و انجام امور روزمره از طریق اینترنت و مقابله با پیامدهای منفی آن را دارا باشد. تعریف نگارنده (۱۳۹۲): شهروند الکترونیک فردی است که حداقل دانش لازم در رابطه با فناوری اطلاعات، اینترنت و خدمات الکترونیکی ارائه شده در شهر توسط دولت (ادارات)، شهرداری ها، بانکها، سازمانها و شرکت ها را داشته باشد و با نحوه کار کردن و استفاده از این خدمات آشنا بوده و بتواند نیازهای روزمره خود از جمله پرداخت قبوض، خریدهای آنلاین، انجام عملیات بانکی، رزرو بلیط و هتل، دسترسی به موارد علمی - تخصصی و نیازهای اطلاعاتی، اخبار، تفریح و سرگرمی و... را رفع نماید، همچنین قادر باشد در فضای مجازی امنیت اطلاعاتی خود را حفظ کند.

۴-۲- مشارکت

بطور کلی، مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دست یابی به هدف های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴۳). در این بین، علیزاده و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری» نظریه های متعددی که در زمینه مشارکت و مدیریت شهری مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ مطرح شده بود را جمع بندی نمودند که در زیر مختصراً به آن اشاره می نماییم:

۱- نظریه مشارکتی جان ترنر: هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن از دست می رود. وی با طبقه بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی به شکل گیری نظریه مشارکت کرده است (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۶۵).

۲- نظریه مشارکتی جیمز میجلی: براساس پاسخ و اقدام دولت ها به مشارکت، آن را به چهار نوع (شیوه ضد مشارکتی، شیوه مشارکت هدایت کننده، شیوه

مشارکت فزاینده و شیوه مشارکت واقعی) تقسیم نمود (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

۳- نظریه مشارکتی شری ارنشتاین: وی مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی بکار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت با محوریت (قدرت شهروندان، مشارکت جزئی و محرومیت شهروندان) استفاده نمود (عدالت خواه، ۱۳۷۵، ص ۳۷).

۴- نظریه مشارکتی دیوید دریسکل: وی معتقد بود، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد. ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند. ج) مردمی که بیشترین تاثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم گیری دارند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۶۷-۷۰).

۵-۲- مدیریت شهری فناور محور

گسترش چشمگیر شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها در دهه های اخیر، مسبب مشکلات و چالش های جدی در شهرها شده است، به نحوی که مدیران شهری، در شهرهای بزرگ دیگر قادر نیستند با روش های سنتی و معمول گذشته این چالش ها را حل نموده و در آرایه خدمات به شهروندان موفقیت کسب کنند. در عصر حاضر اطلاعات و اطلاع رسانی، مهمترین ابزار راهبردی برای مدیریت و اداره شهرها است، آنچه امروزه توسعه و بهره وری خدمات، حل مشکلات شهرها و کسب رضایت شهروندان را تضمین می کند، استفاده از فناوری های نوین به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت شهری است که تحت عنوان مدیریت شهری فناور محور با اهداف خدمات رسانی سریع، دقیق و کامل به شهروندان، مطرح می شود. مدیریت شهری فناور محور، مدیریتی است پیشرفته در دو فضای مجازی و واقعی که در آن فناوری اطلاعات و ارتباطات به کلیه ساختارهای مدیریتی نفوذ کرده و باعث تحول در سیستم مدیریت شهری، عملکرد و خدمات آنان شده است به طوریکه مدیران

جدول ۲. مشخصات فردی پاسخ دهندگان (شهروندان)؛ منبع: نتایج مستخرج از پرسشنامه

تحصیلات					سن					جنسیت		پاسخ دهندگان
دکترای بالاتر	فوق لیسانس	لیسانس	دیپلم و فوق دیپلم	زیر دیپلم	بالای ۵۰ سال	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال	۲۱ تا ۳۰ سال	زیر ۲۰ سال	زن	مرد	
۴۱	۸۱	۱۴۸	۹۸	۱۲	۳۵	۴۲	۸۵	۱۹۷	۲۱	۱۲۹	۲۵۱	
۳۸۰					۳۸۰					۳۸۰		جمع کل

جدول ۳. مشخصات فردی پاسخ دهندگان (متخصصان)؛ منبع: نتایج مستخرج از پرسشنامه

رشته تخصصی			مرتبه دانشگاهی				جنسیت		پاسخ دهندگان
مدیریت شهری	فناوری اطلاعات	شهرسازی	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	زن	مرد	
۵	۱۲	۱۳	۱	۹	۲۰	۰	۷	۲۳	
۳۰			۳۰				۳۰		جمع کل

توجه: کلیه متخصصان دارای مدرک دکترای تخصصی بودند.

پرسش گردید، سپس تجزیه و تحلیل های لازم به کمک نرم افزار SPSS صورت پذیرفت که نتایج حاصله به شرح زیر می باشد:

۱-۳- مشخصات فردی پاسخ دهندگان

این افراد در دو گروه طبقه بندی شدند: گروه اول شهروندان (حجم نمونه: ۳۸۰ نفر) و گروه دوم متخصصان (حجم نمونه: ۳۰ نفر)، که مشخصات آنان، به شرح جداول شماره ۲ و ۳ ارائه می گردد:

۲-۳- سنجش امکانات فناورانه خدمات رسان در شهرهای ایران

برای حصول این بخش، ابتدا به روش کتابخانه ای، پژوهش های محققان، سایت های علمی و تخصصی، سایت شهرداری های داخل و خارج کشور (شهر های الکترونیک) مورد بررسی قرار گرفت و امکانات فناورانه خدمات رسان جمع بندی گردید و با طراحی پرسشنامه مقدماتی در خصوص انتخاب شاخص ها و متغیرهای مرتبط با امکانات فناورانه خدمات رسان، به کمک روش میدانی، از تعدادی از متخصصان مربوطه (رشته های تخصصی شهرسازی، فناوری اطلاعات و

شهری و مسئولین محلی می توانند در سطح کلان و خرد به کمک فناوری های نوین به خصوص فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی نسبت به مدیریت، نظارت و خدمات رسانی به شهروندان در هر مکان و زمانی به شیوه های با ثبات، قابل اطمینان، با امنیت تمام، سریع و دقیق به صورت شبانه روزی اقدام نمایند.

۳- تجزیه و تحلیل پژوهش

پس از استخراج متغیرها و شاخص های مورد نظر و تایید پایایی گویه ها، اقدام به طراحی پرسشنامه بر مبنای فرضیات مطروحه کردیم که برای نمونه برداری از مناطق ۱۲ گانه شهر تبریز، ابتدا به روش وزن دهی با توجه به جمعیت هر منطقه، نمونه مورد نظر برای هر منطقه مشخص و با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای یک مرحله ای به صورت تصادفی از شهروندان مناطق پرسش گردید، همچنین جهت بررسی های تخصصی و بهره مندی از دیدگاه اساتید و کارشناسان از ۳۰ نفر از متخصصان حوزه های شهرسازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت شهری در دانشگاه های تبریز در خصوص تایید یا رد متغیرهای مورد بررسی

جدول ۴. آمار توصیفی: درصد فراوانی کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان؛ منبع: نتایج مستخرج از

پرسشنامه

ردیف	کیفیت دسترسی	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	میانگین شهر	انحراف معیار	رتبه
۱	تلفن همراه هوشمند (با قابلیت نصب و راه اندازی نرم افزارهای خدمات رسان)	۰	۰	۳/۱۵	۵۵	۴۱/۸۵	۴/۴۶	۱/۰۳	۱
۲	دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز)	۸/۱۶	۲۲/۱	۳۰	۲۵	۱۴/۷۴	۳/۷۷	۱/۲۱	۶
۳	دستگاه خودپرداز (عابر بانک)	۵	۱۱/۳۱	۲۴/۲۱	۳۲/۸۹	۲۶/۵۹	۴/۱۲	۱/۱۴	۳
۴	دسترسی به کامپیوتر / لپ تاپ / تبلت و اینترنت در منزل	۰	۹/۲۱	۲۶/۰۵	۳۴/۷۴	۳۰	۴/۱۸	۱/۱۶	۲
۵	کافی نت	۷/۳۷	۱۹/۷۴	۳۹/۷۴	۲۸/۴۲	۴/۷۳	۳/۹۱	۱/۱۲	۵
۶	دفاتر پیشخوان دولت	۵/۲۶	۱۸/۱۶	۴۴/۷۴	۱۸/۴۲	۱۳/۴۲	۳/۹۷	۱/۱۵	۴
۷	پلیس ۱۰+ و خدمات الکترونیک انتظامی	۱۴/۲۱	۲۸/۴۲	۲۹/۲۱	۱۷/۳۷	۱۰/۷۹	۲/۹۲	۰/۸۲	۸
۸	دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی	۱۱/۸۴	۲۷/۳۷	۴۳/۴۲	۱۳/۹۵	۳/۴۲	۳/۷۱	۱/۲۳	۷
۹	نرم افزارهای خدمات رسان	۲۷/۹	۴۹/۲۱	۱۶/۰۵	۶/۸۴	۰	۲/۵۷	۱/۲۲	۹



۳-۳- سنجش کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان

از نظر آمار توصیفی: میزان درصد فراوانی، کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان در شهر مورد مطالعه (تبریز)، براساس جدول شماره (۴) بدین شرح است؛ کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه، تلفن همراه هوشمند، دسترسی به کامپیوتر / لپ تاپ / تبلت و اینترنت در منزل، دستگاه خودپرداز (عابر بانک) در حد خیلی مطلوب و دسترسی به دفاتر پیشخوان دولت، کافی نت، دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز)، دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی در حد مطلوب و دسترسی به پلیس ۱۰+ و خدمات الکترونیک انتظامی و نرم افزارهای خدمات رسان در حد نامطلوب قرار دارد. همچنین از دیدگاه بررسی تحلیلی، برای سنجش کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان در شهر مورد مطالعه (تبریز)، از آزمون تی تک نمونه ای استفاده کردیم که با توجه به شرایط موجود، مقدار آزمون (test value) برابر ۳ در نظر گرفته شد، بنابراین اگر میانگین پاسخ های هریک از شاخص ها

ارتباطات، مدیریت شهری: به تعداد ۳۰ نفر) درخواست گردید با تکمیل پرسشنامه ها، اعتبار صوری متغیرها (با حذف، اصلاح و تایید گویه ها) بررسی کنند که نتایج حاصله جهت سنجش پایایی گویه ها، به کمک ضریب آلفای کرونباخ تجزیه و تحلیل گردید. میانگین مقدار آلفای محاسبه شده برای همه گویه های مورد استفاده ۰/۸۶۳ بدست آمد که با توجه به نزدیک بودن این ضریب به عدد یک، نشان از اعتبار علمی آن و حاکی از انسجام درونی بیشتر گویه ها بوده است که بیانگر انتخاب صحیح شاخص ها و متغیرهای مدنظر می باشد (جدول شماره ۱). بنابراین می توان گفت؛ از دیدگاه متخصصان و اساتید ایرانی، تلفن همراه هوشمند، دسترسی به کامپیوتر- لپ تاپ، تبلت و اینترنت در منزل، دستگاه خودپرداز (عابر بانک)، دسترسی به دفاتر پیشخوان دولت، کافی نت، دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز)، دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی و دسترسی به پلیس ۱۰+ و خدمات الکترونیک انتظامی و نرم افزارهای خدمات رسان، امکانات فناورانه خدمات رسان در شهرهای ایران می باشند.

جدول ۵. آزمون تی: سنجش میزان کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان؛ منبع: نتایج مستخرج از پرسشنامه

One-Sample Test								
امکانات فناورانه خدمات رسان	Test Value = 3							
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean	Std. Deviation	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
تلفن همراه هوشمند	۲۷,۶۷۸	۳۷۹	۰,۰۰۰	۴,۴۶۳۲	۱,۰۳۰۵۲	۱,۴۶۳۱۶	۱,۳۵۹۲	۱,۵۶۷۱
دستگاه پایانه فروش	۱۲,۴۲۸	۳۷۹	۰,۲۲	۳,۷۷۶۳	۱,۲۱۷۷۱	۰,۷۷۶۳۲	۰,۶۵۳۵	۰,۸۹۹۱
دستگاه خودپرداز	۱۹,۰۸۶	۳۷۹	۰,۰۰۱	۴,۱۲۳۷	۱,۱۴۷۶۶	۱,۱۲۳۶۸	۰,۰۰۷۹	۱,۲۳۹۴
دسترسی به کامپیوتر لپ تاپ، تبلت و اینترنت در منزل	۱۹,۸۶۵	۳۷۹	۰,۰۰۱	۴,۱۸۹۵	۱,۱۶۷۲۳	۱,۱۸۹۴۷	۱,۰۷۷۱	۱,۳۰۷۲
کافی نت	۱۵,۷۸۹	۳۷۹	۰,۰۰۵	۳,۹۱۰۵	۱,۱۲۴۱۶	۰,۹۱۰۵۳	۰,۷۹۷۱	۱,۰۲۳۹
دفاتر پیشخوان دولت	۱۶,۴۸۶	۳۷۹	۰,۰۰۴	۳,۹۷۸۹	۱,۱۵۷۵۵	۰,۹۷۸۹۵	۰,۸۶۲۲	۱,۰۹۵۷
پلیس +۱۰	۰,۳۲۲-	۳۷۹	۰,۷۵۲	۲,۹۹۸۶	۰,۸۲۷۸۴	-۰,۰۷۱۴۳	-۰,۵۴۹۹	۰,۴۰۷۱
دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی	۱۱,۲۵۳	۳۷۹	۰,۰۳۵	۳,۷۱۰۵	۱,۲۳۰۸۲	۰,۷۱۰۵۳	۰,۵۸۶۴	۰,۸۳۳۴
نرم افزارهای خدمات رسان	-۱,۳۱۲	۳۷۹	۰,۲۱۲	۲,۵۷۱۴	۱,۲۲۲۵۰	-۰,۴۲۸۵۷	-۱,۱۳۴۴	۰,۲۷۷۳
جمع بندی کلی کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان	۷,۳۰۵	۳۷۹	۰,۰۳۶	۳,۷۳۹۱	۱,۲۴۳۹۶	۰,۸۰۹۵۲	۰,۵۹۰۲	۱,۰۲۸۹

بیشتر از ۳ و معناداری کمتر از ۰/۰۵، در نتیجه این سه شاخص در وضعیت خیلی مطلوب قرار دارند و از آنجائیکه میانگین دسترسی به دفاتر پیشخوان دولت (۳/۹۷) و معناداری آن (۰,۰۰۴)، کافی نت (۳/۹۱) و معناداری آن (۰,۰۰۵)، میانگین دسترسی به دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز) (۳/۷۷) و معناداری آن (sig=۰,۰۲۲) و دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی (۳/۷۱) و معناداری آن (۰,۰۳۵) است، (با توجه به میانگین بیشتر از ۳ و معناداری کمتر از ۰/۰۵، در نتیجه این چهار شاخص در وضعیت مطلوب قرار دارند و از آنجائیکه میانگین دسترسی به پلیس +۱۰ و خدمات الکترونیک انتظامی (۲/۹۲) و معناداری آن (۰,۷۵۲) و میانگین نرم افزارهای خدمات رسان (۲/۵۷) و معناداری آن (۰,۲۱۲) است، (با توجه به میانگین کمتر از ۳ و معناداری بیش از ۰/۰۵، در نتیجه

بیشتر از ۳ باشد، بدین معنی است که از نظر جامعه مورد نظر، شاخص دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان شهر در سطح بهتری قرار دارد و چنانچه مساوی یا کمتر از ۳ باشد، نشان دهنده ضعیف بودن این دسترسی ها است.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

که پس از انجام تجزیه و تحلیل های مربوطه، نتایج (جدول شماره ۵) به شرح زیر بدست آمد: میانگین کیفیت دسترسی شهروندان به تلفن همراه هوشمند (۴/۴۶) و معناداری آن (sig=۰,۰۰۰)، میانگین دسترسی به کامپیوتر / لپ تاپ / تبلت و اینترنت در منزل (۴/۱۸) و معناداری آن (sig=۰,۰۰۱)، میانگین دسترسی به دستگاه خودپرداز (عابر بانک) (۴/۱۲) و معناداری آن (۰,۰۰۱) بدست آمد (با توجه به میانگین

جدول ۶. درصد فراوانی سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور؛ منبع: نتایج مستخرج از

پرسشنامه

ردیف	میزان آمادگی شهروندان برای مشارکت در امور شهری	بسیار کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین شهر	رتبه
۱	میزان آشنایی به کامپیوتر	۶/۷۱	۹/۰۹	۵۱/۱۷	۱۹/۵	۱۳/۵۳	۴/۲۶	۴
۲	میزان آشنایی به تلفن همراه هوشمند	۵/۸۱	۷/۴۱	۵۱/۱	۱۹/۵	۱۶/۱۸	۴/۵۳	۲
۳	کار با کامپیوتر / لپ تاپ	۸/۸۱	۱۵/۴۵	۳۹/۰۸	۲۱/۷۸	۱۴/۸۸	۴/۰	۶
۴	استفاده از اینترنت	۳/۲	۱۱/۳۱	۲۸/۵	۳۸/۳۹	۱۸/۶	۴/۴	۳
۵	استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان	۴۶/۵۵	۲۹/۳۳	۲۱/۰۲	۳/۱	۰	۲/۲۶	۱۵
۶	استفاده از شبکه های ارتباطی مجازی و ایمیل	۱۳/۲۱	۱۰/۰۴	۴/۴۱	۴۳/۰۹	۲۹/۲۵	۴/۱۳	۵
۷	استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها (همراه بانک ، اینترنت بانک و...)	۱۲/۱۱	۱۴/۸۷	۴۰/۱۳	۱۹/۷۱	۱۳/۱۸	۳/۶	۸
۸	میزان استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی)	۴۰/۲۴	۳۱/۷۶	۱۸/۵	۹/۵	۰	۲/۴۶	۱۴
۹	استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلند مدت، دانشگاه مجازی و...)	۶۵/۲۱	۱۶/۴۵	۱۳/۱۵	۵/۱۹	۰	۲/۱۳	۱۶
۱۰	انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت	۲/۰۵	۲۶/۱۷	۴۹/۳۶	۱۵/۰۱	۷/۴۱	۳/۴	۹
۱۱	استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...)	۱۱/۱۲	۲۴/۱۵	۳۹/۹	۱۹/۸	۵/۰۳	۲/۹۳	۱۱
۱۲	استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...)	۳۶/۵۸	۳۲/۳۳	۲۲/۵	۸/۰۹	۰/۵	۲/۶	۱۳
۱۳	بهره مندی از خدمات الکترونیکی مسافرتی (رزرو بلیط، هتل و...)	۳۵/۰۷	۳۱/۵۱	۲۷/۶	۵/۷۶	۰/۰۶	۲/۸	۱۲
۱۴	دسترسی به رسانه های مجازی، اخبار و روخدادهای شهری و کشور از طریق اینترنت	۹/۴	۱۶/۵۳	۴۷/۴	۱۶/۶۷	۱۰	۳/۸	۷
۱۵	شرکت در آموزش های علمی-کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات	۸۹/۲۵	۹/۷۵	۱	۰	۰	۱/۵۳	۱۸
۱۶	میزان آشنایی به خدمات الکترونیکی دولت و نحوه کار با آن ها	۱۲/۵	۲۰/۵۱	۴۴/۰۴	۱۴/۷	۸/۲۵	۳/۲	۱۰
۱۷	مدیریت زمان به کمک فناوری های نوین	۸۱/۳۲	۱۰/۱	۷/۴۹	۱/۰۹	۰	۱/۹۳	۱۷
۱۸	میزان استفاده از دفاتر پیشخوان دولت، پست بانک، عابر بانک و...)	۰	۵/۰۱	۲۹/۵۹	۵۴/۹۱	۱۰/۴۹	۴/۶۶	۱

این دو شاخص در حد نامطلوب قرار دارد و اما، نهایتاً مجموع میانگین کل کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان از دیدگاه شهروندان تبریز، ۳/۷۳ (بیشتر از مقدار آزمون) و سطح معناداری ۰/۰۳۶ (کمتر از ۰/۰۵) و حد بالا و پایین فاصله اطمینان مثبت بدست آمد که نشان می دهد در کل، کیفیت دسترسی به امکانات فناورانه خدمات رسان در شهر تبریز در حد مناسبی قرار دارد.

جمع بندی کلی

۳-۴- سنجش سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور از نظر آمار توصیفی: درصد فراوانی سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور در شهر مورد مطالعه (تبریز)، براساس جدول شماره (۶) مشاهده می گردد، میزان استفاده از دفاتر پیشخوان دولت، پست بانک و عابر بانک، میزان آشنایی به تلفن همراه هوشمند، استفاده از اینترنت، میزان آشنایی به کامپیوتر، استفاده از شبکه

های ارتباطی مجازی و ایمیل، کار با کامپیوتر / لپ تاپ، دسترسی به رسانه های مجازی، اخبار و رویدادهای شهری و کشور از طریق اینترنت، استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها(همراه بانک، اینترنت بانک و...)، انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت، میزان آشنایی به خدمات الکترونیکی دولت و نحوه کار با آن ها در حد مطلوب بوده و استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...)، بهره مندی از خدمات الکترونیکی مسافرتی (رزرو بلیط، هتل و...)، استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...)، میزان استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی)، استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان و استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلندمدت، دانشگاه مجازی و...) در حد متوسط می باشد و مدیریت زمان به کمک فناوری های نوین و شرکت در آموزش های علمی- کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در حد نامطلوب قرار دارند.

همچنین از دیدگاه بررسی تحلیلی، برای سنجش سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فنآور محور در شهر مورد مطالعه (تبریز)، از آزمون تی تک نمونه ای استفاده کردیم که با توجه به شرایط موجود، مقدار آزمون (test value) برابر ۳ در نظر گرفته شد، بنابراین اگر میانگین پاسخ های هریک از شاخص ها بیشتر از ۳ باشد، بدین معنی است که از نظر جامعه مورد نظر، شاخص آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فنآور محور در سطح بهتری قرار دارد و چنانچه مساوی یا کمتر از ۳ باشد، نشان دهنده پایین بودن میزان آمادگی شهروندان در این نظام است.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

که پس از انجام تجزیه و تحلیل های مربوطه، نتایج (جدول شماره ۷) به شرح زیر بدست آمد:

میانگین میزان استفاده از دفاتر پیشخوان دولت، پست

بانک و عابر بانک(۴/۶۶) و معناداری آن (۰,۰۰۰)، میانگین میزان آشنایی به تلفن همراه هوشمند (۴/۵۳) و معناداری آن (۰,۰۰۰)، میانگین استفاده از اینترنت (۴/۴) و معناداری آن (۰,۰۰۰)، میانگین میزان آشنایی به کامپیوتر(۴/۲۶) و معناداری آن (sig=۰,۰۰۰)، میانگین استفاده از شبکه های ارتباطی مجازی و ایمیل (۴/۱۳) و معناداری آن (۰,۰۰۰)، میانگین کار با کامپیوتر/ لپ تاپ (۴/۰) و معناداری آن (۰,۰۰۰)، میانگین دسترسی به رسانه های مجازی، اخبار و رویدادهای شهری و کشوری از طریق اینترنت(۳/۸) و معناداری آن (sig=۰,۰۰۱)، میانگین استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها(همراه بانک، اینترنت بانک و...) (۳/۶) و معناداری آن (۰,۰۱۴)، میانگین انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت (۳/۴) و معناداری آن (۰,۰۴۲)، میانگین میزان آشنایی به خدمات الکترونیکی دولت و نحوه کار با آن ها (۳/۲) و معناداری آن (۰,۰۳۸) است، (با توجه به میانگین بیشتر از ۳ و معناداری کمتر از ۰/۰۵، در نتیجه این ده شاخص در وضعیت مطلوب قرار دارند و نیز میانگین استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...) (۲/۹۳) و معناداری آن (۰,۰۵۲)، میانگین بهره مندی از خدمات الکترونیکی مسافرتی (رزرو بلیط، هتل و...) (۲/۸) و معناداری آن (۰,۴۷۸)، میانگین استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...) (۲/۶) و معناداری آن (۰,۴۶۴)، میانگین میزان استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی) (۲/۴۶) و معناداری آن (۰,۵۵۶)، میانگین استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان (۲/۲۶) و معناداری آن (۰,۶۱۰) و میانگین استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلندمدت، دانشگاه مجازی و...) (۲/۱۳) و معناداری آن (۰,۷۹۲) است، (با توجه به میانگین کمتر از ۳ و بیشتر از ۲ و معناداری بیش از ۰/۰۵، در نتیجه این شش شاخص در حد متوسط و نامطلوب قرار دارد و میانگین مدیریت زمان به کمک فناوری های نوین(۱/۹۳) و معناداری آن

جدول ۷. آزمون تی: سنجش سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور

One-Sample Test								
میزان آمادگی شهروندان برای مشارکت در امور شهری	Test Value = 3							
	T	Df	Sig. (2-tailed)	Mean	Std. Deviation	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
میزان آشنایی به کامپیوتر	۶.۱۴۱	۳۷۹	...	۴.۲۶۶۷	.۷۹۸۸۱	۱.۲۶۶۶۷	۸۲۴۳	۱.۷۰۹۰
میزان آشنایی به تلفن همراه هوشمند	۹.۲۸۰	۳۷۹	...	۴.۵۳۳۳	.۶۳۹۹۴	۱.۵۳۳۳۳	۱.۱۷۸۹	۱.۸۸۷۷
کار با کامپیوتر / لپ تاپ	۴.۵۸۳	۳۷۹	...	۴.۰۰۰۰	.۸۴۵۱۵	۱.۰۰۰۰۰	.۵۳۲۰	۱.۴۶۸۰
استفاده از اینترنت	۷.۳۵۹	۳۷۹	...	۴.۴۰۰۰	.۷۳۶۷۹	۱.۴۰۰۰۰	.۹۹۲۰	۱.۸۰۸۰
استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان	-۲.۹۵۵	۳۷۹	.۶۱۰	۲.۲۶۶۷	.۹۶۱۱۵	-.۷۳۳۳۳	-۱.۲۶۵۶	-۲.۰۱۱
استفاده از شبکه های ارتباطی مجازی و ایمیل	۵.۲۶۴	۳۷۹	...	۴.۱۳۳۳	.۸۳۳۸۱	۱.۱۳۳۳۳	.۶۷۱۶	۱.۵۹۵۱
استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها(همراه بانک، اینترنت بانک و...)	۲.۸۰۶	۳۷۹	.۰۱۴	۳.۶۰۰۰	.۸۲۸۰۸	.۶۰۰۰۰	.۱۴۱۴	۱.۰۵۸۶
میزان استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی)	-۲.۰۸۶	۳۷۹	.۵۵۶	۲.۴۶۶۷	.۹۹۰۴۳	-.۵۳۳۳۳	-۱.۰۸۱۸	.۰۱۵۱
استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلند مدت، دانشگاه مجازی و...)	-۳.۳۸۹	۳۷۹	.۷۹۲	۲.۱۳۳۳	.۹۹۰۴۳	-.۸۶۶۶۷	-۱.۴۱۵۱	-۳.۳۱۸۲
انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت	۱.۸۷۱	۳۷۹	.۰۴۲	۳.۴۰۰۰	.۸۲۸۰۸	.۴۰۰۰۰	-.۰۵۸۶	.۸۵۸۶
استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...)	-۲.۲۶۹	۳۷۹	.۰۵۲	۲.۹۳۳۳	.۹۶۱۱۵	-.۰۶۶۶۷	-.۵۹۸۹	.۴۶۵۶
استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...)	-۱.۴۶۸	۳۷۹	.۴۶۴	۲.۶۰۰۰	۱.۰۵۵۶۰	-.۴۰۰۰۰	-.۹۸۴۶	.۱۸۴۶

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۹۵

0/01=Sig) و میانگین شرکت در آموزش های علمی - کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات (1/53) و معناداری آن (0,841) است، (با توجه به میانگین کمتر از 3 و معناداری بیش از 0/05)، در نتیجه این دو شاخص در حد ضعیف و نامطلوب قرار دارند و اما، نهایتاً مجموع میانگین کل میزان آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور از دیدگاه شهروندان تبریز، 3/25 (بیشتر از مقدار آزمون) و سطح معناداری

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحلیلی مشارکت شهروندان و امکانات فناورانه خدمات رسان در نظام

0/01 (کمتر از 0/05) و حد بالا و پایین فاصله اطمینان مثبت بدست آمد که نشان می دهد در کل، میزان آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناوری محور در شهر تبریز، در حد مطلوب قرار دارد.

مدیریت شهری فناور محور بصورت مطالعه موردی در شهر تبریز، به روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و پیمایشی صورت پذیرفت که نتایج زیر حاصل گردید:

۱- از دیدگاه متخصصان و اساتید ایرانی (با توجه به میانگین مقدار ضریب آلفای کرونباخ $0/863$ محاسبه شده برای همه گویه های مرتبط با امکانات فناورانه خدمات رسان)، تلفن همراه هوشمند، دسترسی به کامپیوتر / لپ تاپ / تبلت و اینترنت در منزل، دستگاه خودپرداز (عابر بانک)، دسترسی به دفاتر پیشخوان دولت، کافی نت، دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز)، دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی و دسترسی به پلیس $+10$ و خدمات الکترونیک انتظامی و نرم افزارهای خدمات رسان، امکانات فناورانه خدمات رسان در شهرهای ایران می باشند. در نتیجه فرضیه ما رد نشده بلکه اثبات شده و تکمیل می گردد.

۲- کیفیت دسترسی شهروندان کلانشهر تبریز به تلفن همراه هوشمند، کامپیوتر / لپ تاپ / تبلت و اینترنت در منزل، دستگاه خودپرداز، در وضعیت خیلی مطلوب قرار دارد.

۳- کیفیت دسترسی شهروندان کلانشهر تبریز به دفاتر پیشخوان دولت، کافی نت، دستگاه پایانه فروش (کارت خوان پوز) و دفاتر ارائه خدمات کامپیوتری، نرم افزاری و اینترنتی، در وضعیت مطلوب قرار دارد.

۳- کیفیت دسترسی شهروندان کلانشهر تبریز به پلیس $+10$ و خدمات الکترونیک انتظامی و نرم افزارهای خدمات رسان، در حد نامطلوب قرار دارد.

۴- مجموع میانگین کل کیفیت دسترسی شهروندان به امکانات فناورانه خدمات رسان از دیدگاه شهروندان تبریز، $3/73$ (بیشتر از مقدار آزمون) و سطح معناداری $0/036$ (کمتر از $0/05$) و حد بالا و پایین فاصله اطمینان مثبت بدست آمد که نشان می دهد در کل، کیفیت دسترسی به امکانات فناورانه خدمات رسان در شهر تبریز در حد مناسبی قرار دارد. در نتیجه فرضیه ما اثبات می گردد.

۵- بر مبنای نظر شهروندان کلانشهر تبریز، میزان استفاده از دفاتر پیشخوان دولت، پست بانک و عابر

بانک، آشنایی به تلفن همراه هوشمند، استفاده از اینترنت، آشنایی به کامپیوتر، استفاده از شبکه های ارتباطی مجازی و ایمیل، کار با کامپیوتر / لپ تاپ، دسترسی به رسانه های مجازی، اخبار و رویدادهای شهری و کشوری از طریق اینترنت، استفاده از خدمات الکترونیکی بانکها (همراه بانک، اینترنت بانک و...)، انجام تحقیقات علمی از طریق اینترنت، آشنایی به خدمات الکترونیکی دولت و نحوه کار با آن ها در وضعیت مطلوب قرار دارد.

۶- از دیدگاه شهروندان کلانشهر تبریز، استفاده از سرگرمی های مجازی (بازی، رخدادهای ورزشی، شبکه های اجتماعی، خدمات مذهبی و فرهنگی و...) ($2/93$)، بهره مندی از خدمات الکترونیکی مسافرتی (رزرو بلیط هتل و...)، استفاده از خدمات پزشکی مجازی (رزرو نوبت، مشاوره، اطلاعات پزشکی و دارویی، پیشگیری از بیماری ها و...)، استفاده از خرید و فروش الکترونیکی (تجارت الکترونیکی)، استفاده از نرم افزارهای خدمات رسان، استفاده از آموزش مجازی (دوره های کوتاه مدت، بلندمدت، دانشگاه مجازی و...) ($2/13$) در حد متوسط قرار دارد.

۷- از نظر شهروندان تبریز، بهره مندی از مدیریت زمان به کمک فناوری های نوین و شرکت در آموزش های علمی-کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در حد ضعیف و نامطلوب قرار گرفته اند.

۸- مجموع میانگین کل سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناور محور از دیدگاه شهروندان تبریز، $3/25$ (بیشتر از مقدار آزمون) و سطح معناداری $0/001$ (کمتر از $0/05$) و حد بالا و پایین فاصله اطمینان مثبت بدست آمد که نشان می دهد در کل، سطح آمادگی شهروندان برای مشارکت در نظام مدیریت شهری فناور محور در شهر تبریز، در حد مطلوب قرار گرفته است. در نتیجه فرضیه ما اثبات می گردد. در حالت کلی می توان گفت؛ نتیجه این تحقیق بیانگر آن است که شهروندان شهر تبریز توانایی حضور و مشارکت در نظام مدیریت شهری فناور محور را دارند و همچنین امکانات حاضر در این شهر می توانند تا حد

قابل قبولی در این سیستم مدیریتی بهره‌وری کافی داشته باشند.

۵- پیشنهادها

براساس یافته‌های تحقق، در راستای توسعه مدیریت شهری فناوری محور و تاکید بر امکانات فناورانه خدمات رسان و مشارکت شهروندان، پیشنهادهایی را به شرح زیر می‌توان ارائه داد:

۱- بهره‌مندی از دانش و تجارب کشورهای پیشرفته که از تکنولوژی‌های روز جهان در شهرهای خود برای ارائه خدمات به شهروندان بهره‌جسته‌اند.

۲- قیاس امکانات پیشرفته خدمات رسان در کشورهای اروپایی با امکانات داخل کشور و تلاش جهت ایجاد این امکانات فناورانه توسط محققان و متخصصان ایرانی در شرکت‌های دانش بنیان.

۳- توسعه کمی و کیفی مراکز خدمات رسان مجازی و پیشرفته و توزیع متعادل فضایی آنها در مناطق دوازده گانه کلانشهر تبریز.

۴- حمایت از تحقیقات و پژوهش‌های شرکت‌های دانش بنیان در زمینه فناوری اطلاعات مرتبط با امور شهری و عملیاتی نمودن نتایج این تحقیقات در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.

۵- تولید برنامه‌های آموزشی در خصوص اهمیت مدیریت شهری فناوری محور برای شهروندان و مدیران شهری و تلاش جهت فرهنگ‌سازی اجرای برنامه‌های مرتبط با آن.

۶- گسترش زمینه‌های مشارکت مردمی در امور شهری و توجیه مدیران شهری مبنی بر اهمیت و جایگاه مشارکت شهروندان در موفقیت مدیریت شهری.

منابع و ماخذ

۱. بابانسیب، رسول و ضرابی، اصغر (۱۳۹۳) تحلیلی بر شاخص‌های شهروند الکترونیکی از نظر شهروندان در شهر تبریز، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره سیزدهم، زمستان، صفحات ۵۷-۷۰.

۲. برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸) مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه

هنر، تهران، صفحه ۷۹.

۳. تقوایی، مسعود و بابانسیب، رسول و موسوی، چمران (۱۳۸۸) تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، پاییز، صفحات ۱۹-۳۶.

۴. جلالی، علی اکبر (۱۳۸۲) شهر الکترونیک، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، تهران، ۱۸۰ صفحه.

۵. حبیبی، سیدمحسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۴. ۶. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰) دانشنامه جهان اسلام، جلد ۶، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ص ۳۸۱.

۷. دیداریان، میثم (۱۳۹۲) آشنایی با اصول و مبانی شهر الکترونیک (بارویکرد شهرسازی)، انتشارات شاهد دانشگاه ارومیه، چاپ اول، ارومیه، ۲۹۴ صفحه.

۸. سعید نیا، احمد (۱۳۷۹) مدیریت شهری، تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، وزارت کشور.

۹. شابیرجیما، جی (۱۹۹۸) مدیریت شهر، خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: پرویز زاهدی (۱۳۷۹)، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری تهران، صفحه ۱۳-۲۳.

۱۰. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، دانشگاه زاهدان.

۱۱. طباطبایی، سیداحمد (۱۳۸۶) مثلث توسعه یافتگی عصر دیجیتالی توانمندی منابع انسانی دولت الکترونیک و شهروند الکترونیکی (توسعه خدمت رسانی)، اولین کنفرانس بین‌المللی شهرداری الکترونیکی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران.

۱۲. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰) مشارکت در مدیریت و حاکمیت، مرکز آموزشی مدیریت دولتی، جلد اول، تهران.

۱۳. عدالت خواه، محمد (۱۳۷۵) برای تحقق مشارکت

Concepts , Principles , Techniques And Education , Cities , Vol 18, No 5, pp331-345.

23. Counsell, J., Smith, S., & Bates-Brkljac, N. (2006). Web 3D based dialogue for public participation and the VEPs Project. In Proceedings of the conference on information visualization (pp.343-348). London, England, July 5-7.

24. Foster_Fishman, PG, Pierce SJ. and Van Egeren LA, (2009). Who Participates and Why: Building a Process Model of Citizen Participation. In: Health Educ Behav. 36(3): 550-569.

25. Halachmi. A. (2011) Citizen Participation and Performance Measurement: Operationalizing Democracy Through Better Accountability, Rutgers University.

26. Hsaio, N. (2003). The Management of Citizen Participation in Taiwan: A Case study of Taipei City Government's Citizen Complaints System. In: International Journal of Public Administration, Vol. 25(5): 525-547.

27. Jiang, J. and Zhou, P. (2004). Public participation in urban governance, Political Science Research, No. 3. Accessed at 29/07/2014, <http://www.china-europa-forum.net/bdfdoc-279-en.html>.

28. McGill, Ronald , 1998. Urban Management In Developing Countries, Cities, Vol 15 , No 6 , pp 463-471.

29. Stewart , Kennedy , 2006. Designing Good Urban Governance Indicators : The Importance Of Citizen Participation And Its Evaluation In Greater Vancouver. Citia , Vol 23 , No 3 , pp 196-204.

30. Wu, H., He, Z. and Gong, J. (2010). A virtual globe-based 3D visualization and interactive framework for public participation in urban planning processes, Computers, Environment and Urban Systems 34: 291- 298.

مردم، مجله معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۳ و ۴، تهران.

۱۴. عظیمی، نورالدین و اسماعیل پور، رضا و حیدری، سمیرا (۱۳۹۴) ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت الکترونیکی شهروندان در مدیریت امور شهری، سال هفتم، شماره بیست و ششم، صفحه ۱۸۹-۲۰۶.

۱۵. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، سازمان شهرداری های کشور، جلد دوم، تهران.

۱۶. علیزاده، کتابیون و رضوی نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۳) بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، بهار، صفحه ۶۱-۸۷.

۱۷. کاظمیان، غلامرضا و میرعابدینی، سیده زهره (۱۳۹۰) آسیب شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاستگذاری و تصمیم گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۶، تابستان، صفحات ۲۷-۳۸.

۱۸. متواضع، مرتضی (۱۳۸۴) شهروند الکترونیکی، خودآموز مهارت‌های زندگی online. انتشارات موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، مجتمع فنی تهران، آذرماه.

۱۹. وان دیک، ماین پیتر، (۱۳۹۳) مدیریت شهری از نظریه تا عمل: اداره شهرها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: غلامرضا کاظمیان و حامد رستگار، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات تیس، صفحه ۳۵.

۲۰. وبستر، کریس (۲۰۰۶) مدیریت شهری از نظریه تا عمل، ترجمه: غلامرضا کاظمیان، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات تیس، صفحه ۱۵-۱۹.

21. Barton, J., Plume, J., & Parolin, B. (2005). Public participation in a spatial decision support system for public housing. Computers, Environment and Urban Systems (29), 630- 652.

22. Chakrabarty, B, K. 2001. Urban Management ,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۹۸

تدوین الگوی اصول پایداری معماری ایرانی مدرن، در راستای مقایسه معماری سنتی ایران با پنج شهر مدرن دنیا (نمونه موردی شهرهای: ونکوور، کوپنهاگ، اسلو، کوریتیا و مصدر)

شیمای کریمی* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مهدی زندیه - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

یوسف گرچی - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Sustainable development principles of modern Iran, in order to compare traditional architecture with five cities of world

Abstract

The industrial revolution and greed of man to man and contact the irreversible nature, on the left; After that, environmental issues, endangered species of animals and humans were social issues into consideration. Then they took action to prevent these problems and decision to sustainable urban development. In some developed countries, policy makers, solutions for cities, in order to solve social problems and reducing energy consumption and presented. In this regard, the Iranian traditional architecture, in the past were thought solutions for sustainable cities, which, unfortunately, this traditional patterns seen in contemporary architecture low. One reason for this lack of comprehensive principles for sustainability old town as well as the implementation of the principles of modern contemporary and traditional tastes far people are in contradiction. In the research process, human societies from resorting to sustainable development in the area of environmental, social and economic investigated. Then - five sample cities, Copenhagen, Oslo, Curitiba and Msdar - the development of sustainability policies adopted "Agenda 21" is harmony, is studied in detail. Then, in ancient Iran and 5 examples of sustainable cities of the modern world are compared and the common and non-common (new approaches), applicable both to run in Iran have been extracted to help implement traditional architecture Iran its modern form. In the end, the principles and guidelines in the field of environmental, economic, social and related sub-directories in order to stabilize in contemporary Iran, is provided.

Keywords: Sustainable development; traditional architecture; sustainable architecture; sustainable cities; the architecture of contemporary architecture; modern architecture

چکیده

انقلاب صنعتی و زیاده‌خواهی انسان مدرن تأثیرات غیرقابل جبرانی هم بر انسان و هم بر طبیعت بر جای گذاشت. پس از آن مشکلات زیست محیطی، انقراض گونه‌هایی از جانداران و مسائل اجتماعی مورد توجه انسانها قرار گرفت. سپس آنها اقدام به جلوگیری از این مشکلات و تصمیم به توسعه پایدار شهری گرفتند. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته سیاست‌گذاران، راهکارهایی برای شهرها، در جهت حل مسائل اجتماعی و کاهش مصرف انرژی و... ارائه دادند. در همین راستا، معماران سنتی ایرانی، در گذشته راهکارهایی برای پایداری شهرها اندیشیده بودند، که متأسفانه استفاده از این الگوهای سنتی در معماری معاصر ایران خیلی کم دیده می‌شود. که یکی از دلایل این امر نبود اصولی جامع برای پایداری شهر و همچنین اجرای قدیمی اصول سنتی با جامع مدرن معاصر و سلیقه کنونی مردم در تناقض می‌باشد. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی-کیفی انجام شده و هدف آن معرفی الگوهای، مستخرج از معماری سنتی گذشته به همراه نکات پایداری در شهرهای مدرن دنیا و ارائه راهکارهایی در جهت راهبردی کردن آن بوده است. در فرایند پژوهش، ابتدا اهداف جوامع انسانی از روی آوردن به توسعه پایدار در سه حوزه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی بررسی شده است. سپس پنج نمونه موردی از شهرهای ونکوور، کوپنهاگ، اسلو، کوریتیا و مصدر - که توسعه در آنها با سیاست‌های پایداری مورد تصویب «دستور کار ۲۱» هماهنگ است، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. با فرض بر آنکه راهکارهای استفاده شده در پایداری این شهرها قابلیت اجرا در ایران را هم دارند و کمک به ایده‌سازی برای به روز کردن راهکارهای سنتی به مدرن هستند. پس از آن به بیان دلایل و ویژگی‌های پایداری شهرهای ایران قدیم پرداخته شده است. سپس شهرهای ایران قدیم و ۵ نمونه از شهرهای پایدار جهان مدرن مقایسه شده و نکات مشترک و غیر مشترک (راهکارهای جدید)، قابل اجرای هر دو مورد که قابلیت اجرا در ایران را هم دارند، استخراج شده است تا کمک به اجرای معماری سنتی ایران به صورتی مدرن کند. در انتها اصول و راهکارهایی در سه زمینه محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع و زیرشاخه‌های مرتبط در جهت پایدار کردن شهرهای معاصر ایران، ارائه شده است. با هدف آنکه این احکام مدرن در تلاش‌های آتی سیاست‌گذاران امر، در راستای توسعه پایدار، مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، معماری سنتی، معماری پایدار، شهر پایدار، معماری ایران

معماری معاصر، معماری مدرن

مقدمه

با وقوع انقلاب صنعتی، انسان بر طبیعت مسلط گشت و همین موضوع باعث شد که دست یافتن به منابع طبیعی بیش از پیش و به صورت کنترل نشده‌ای صورت گیرد. اما اکنون با گذشت دو قرن و اندی از این جریان، بشر به شدت کمبود منابع تجدیدناپذیر را احساس می‌کند. در واقع انتقادات به جریان مدرنیسم و روی آوردن به پست‌مدرنیسم، انتقالی منطقی به نفع محیط‌زیست طبیعی است. برای اولین بار دوستداران محیط زیست در اعتراض به نحوه‌ی برخورد با طبیعت که منجر به آسیب جدی به اکوسیستم و گونه‌های حیوانی و بشر می‌شود به معرفی موضوع «پایداری» پرداختند. توسعه‌ی پایدار، بازنگری اصلاح‌طلبانه‌ای به مدرنیسم و سنت و راهکارهای آشتی‌جویانه مابین این دو بوده است.

طرفداران محیط‌زیست با هدف حل مشکلات جهان، خواستار نوعی دخل و تصرف در محیط هستند که تلاش می‌کند در یک نگاه کل‌نگر و درآمیخته بین عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی به تعادلی دست یابد که بتواند کیفیت برتری را برای امروز و هم‌چنین آینده فراهم سازد. که در پی آن سیاست‌هایی برای پایدار سازی هر شهر پایه‌گذاری شد و شهرها به سمت توسعه پایدار پیش رفتند. اما متأسفانه کشور ایران با وجود اطلاعات غنی از معماری و پایداری شهری در گذشته خود، توسعه جدید قابل توجهی در زمینه پایداری ندارند. نبود مبانی نظری کافی و راهکارهای منسجم در زمینه پایدار کردن شهر می‌تواند از دلایل این امر باشد. در این تحقیق که با هدف ارائه احکام و اصولی قابل اجرا در جهت پایدار سازی شهرهای ایران انجام شده است. در ابتدا، تعریفی از توسعه‌ی پایدار انجام شده است که اهمیت و ضرورت آن هم در این فصل بحث می‌شود. سپس به تعاریف، اهداف و حوزه‌های سه‌گانه‌ی آن پرداخته شده است. پس از دستیابی به شناختی کلی از موضوع، به‌طور خاص از شهرهای پایدار تعریفی ارائه شده و از بین شهرهای پایدار در سراسر جهان راهکارها، اهداف و

چشم‌اندازهای پایداری پنج شهر ونکوور، کوپنهاگ، اسلو، کوریتیا و مصدر مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است. در بخش بعدی با نگاهی گذرا به مطالعه‌ی دلایل پایداری شهرهای ایران در گذشته، به چگونگی هماهنگی و تطابق این شهرها با بسترشان پرداخته شده است. سپس مقایسه‌ای بین شهرهای ذکر شده و شهرهای ایران انجام می‌شود که در آن نقاط اشتراک بین آنها، راهکارهایی را که در کشورهای دیگر راهبردی شده است و در کشور ما قابلیت عملی شدن را دارند و راهکارهایی را که در معماری سنتی ایران انجام شده است، جمع‌بندی می‌شود. که در نهایت با جمع‌بندی راه‌حل‌های شهرهای پایدار ایران قدیم و شهرهای خارجی مورد مطالعه و بومی‌کردن این راه‌حل‌ها، راهکارهایی عملی به منظور توسعه‌ی ایران با رویکرد پایداری ارائه شده تا بتوان کیفیت برتری برای نسل امروزی و میراث مناسبی برای آیندگان فراهم ساخت.

توسعه‌ی پایدار

وقوع انقلاب صنعتی با نیاز به نیروی انسانی، باعث تخلیه روستاها و رشد روز افزون جمعیت‌شد (حمیده و پورمحمدزضا، ۱۳۸۶، صص ۶-۷). در دهه‌های ابتدایی و میانی قرن بیستم. کتاب‌ها و مطالب مختلفی از نویسندگان و اندیشمندان بسیاری در این دوران منتشر شد که در آن نگرانی خود نسبت به موضوع پایداری و به‌طور خاص پایداری در شهرها ابراز کردند. آن‌ها در آثار خود، اعتراض ضمنی خویش را به وضع کالبدی شهرها و شبکه‌های شطرنجی که آن را به گورهای جان‌تعبیر می‌کردند، جامعه‌ی انسانی، وضعیت طبقه‌ی کارگر و مقوله‌ی فقر در شهرهای صنعتی نشان داده‌اند. در پی این جریان‌ها، موضوع پایداری در قالب توسعه‌ی پایدار (Sustainable Development) در سال ۱۹۷۸ میلادی از طریق گزارش موسوم به «گزارش برانت‌لند» تحت عنوان «آینده‌ی مشترک ما» (Our Common Future) توسط «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» به‌طور رسمی در دستور کار سیاسی قرار گرفت. همچنین در سال ۱۹۹۲، در اجلاس سازمان ملل در شهر ریودوژانیرو برزیل تحت عنوان «اجلاس

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

سران زمین» (Rio Earth Summit) سندی در همین راستا توسط ۱۷۸ کشور به امضاء رسید که به عنوان «دستور کار ۲۱» (Agenda ۲۱) انتشار یافت (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، صص ۸-۷).

تعریف توسعه پایدار

به منظور درک بهتر مفهوم شهر پایدار لازم است که ابتدا تعریف روشنی از مفهوم توسعه پایدار ارائه شود. برای مفهوم توسعه پایدار تعاریف متعددی مطرح شده و لذا این خطر احساس می‌شود که مفهوم مزبور در ابهام قرار گرفته و مورد سوء استفاده واقع شود (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۴۵). مفهوم توسعه پایدار به معنی ارائه راه‌حلی‌هایی در مقابل الگوی سنتی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می‌باشد که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب اکوسیستم‌ها، آلودگی، افزایش بی‌رویه جمعیت، رواج بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌ها جلوگیری کند (ملت پرست، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). تعریف سنتی از توسعه پایدار چنین است: «توسعه‌ای که بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های بعد، در راستای برطرف کردن نیازهای خود اقدام کند» (Drexhage and Murphy, ۲۰۱۰، ص ۲). تعریفی از توسعه پایدار که عموماً پذیرفته شده، تعریف مندرج در گزارش برانت‌لندریز، ۱۹۹۱ مشاهده شده (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، ص ۱۱) است: «توسعه‌ای که نیازهای نسل امروز را بدون محدود کردن امکانات نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان پاسخ‌گو باشد.» در سال ۱۹۹۱ میلادی سازمان ملل متحد سیاست توسعه پایدار را چنان سیاستی دانست که در نتیجه‌ی اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان‌های قابل پیش‌بینی در آینده تداوم داشته باشد (لقائی و محمدزاده، ۱۳۷۸). در کنفرانس URBAN ۲۱ در برلین آلمان در سال ۲۰۰۰ میلادی تعریف دیگر برای توسعه شهری پایدار ارائه شد: ارتقاء کیفیت زندگی در یک شهر از لحاظ مؤلفه‌های اکولوژیکی، فرهنگی، سیاسی، نهادی اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد تنگنا برای نسل‌های آینده؛ تنگنای ناشی از

کاهش سرمایه‌ی طبیعی و بدهی محلی بیش از حد (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۲).

اهداف توسعه پایدار

هدف اصلی توسعه پایدار تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقای سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره‌ی بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادت‌مندتر است (ملت پرست، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). اما باید به این مسئله آگاه بود که اجرای مدل‌های توسعه پایدار نیاز به تغییرات اساسی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی دارد (سفلائی، ۱۳۸۳، ص ۶۲). راهکارهای ارائه شده در سطح بین‌المللی عمدتاً جنبه‌ی راهبردی-استراتژیک دارند و بدون وجود دستورالعمل‌ها و قوانینی در سطوح پایین‌تر قابلیت اجرا نخواهند داشت. در مقیاس ملی هدف آن است که راهبردهای ارائه شده در سطوح بین‌المللی در سطح ملی با شرایط خاص آن کشور تدوین گشته و به مرحله‌ی اجرا درآید. البته عمده‌ترین مباحث و راه‌حل‌های توسعه پایدار در مقیاس محلی مطرح می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۲۳). در مقیاس محلی توجه به نقش و اهمیت حکومت محلی و مقوله‌ی مشارکت شهروندان در اتخاذ و اجرای تصمیمات، دو عامل مهم در نیل به توسعه‌ای مناسب است (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶).

ارکان توسعه پایدار

رویکرد پایدار به محیط بصری شهر در راستای طراحی پایدار، بر اساس سه اصل ساختار اجتماعی-فضایی پایدار، الگوبرداری از طبیعت و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، معرف جایگاه و نقش جدید منظر شهری است که در آن بایستی پاسخ‌های مناسب به مسائل اکولوژیک، رفاه اقتصادی و زندگی جمعی در بستر زیبایی‌شناسی اکولوژیک با یکدیگر تلفیق شده باشند (مفیدی شمیرانی، مهدوی‌نژاد و علوی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۷۸). آن‌چه از تعاریف برمی‌آید، مسئله‌ی محیط‌زیست نقطه‌ی توجه غالب در توسعه پایدار و از ارکان توسعه انسانی تلقی می‌شود. این بحث عمدتاً در جهت استفاده از منابع طبیعی و محیطی مطرح

می‌گردد (توئید، ۲۰۰۷ مشاهده‌شده در حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، ص ۱۱). علاوه بر جنبه‌ی زیست محیطی دو بعد اقتصادی و اجتماعی نیز از مقولات مهم در توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شوند که در دستور کار ۲۱ به آن‌ها اشاره شده است.

۱. نیاز به حفاظت محیطی که حیات به آن وابسته است

۲. نیاز به توسعه‌ی اقتصادی برای غلبه بر فقر

۳. نیاز به عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

در اصل، هدف، ایجاد تعادل بین رسیدگی به مسائل سه‌گانه نیست بلکه به معنای فهم مرتبط بودن ذات این سه شاخه باهم است (Drexhage and Murphy, ۲۰۱۰)، هر یک از اصول سه‌گانه‌ی یاد شده شامل زیرمجموعه‌هایی هستند که در جدول ۱ خلاصه شده‌اند.

تعریف شهر پایدار

در قالب مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی و تعامل و ارتباط آن‌ها با هم، نهاد ISC (Institute for Sustainable Communities) به گونه‌ای تفصیلی و دقیق اجتماعات شهری پایدار را چنین توصیف می‌کند: اجتماعات پایدار اجتماعاتی هستند که برای اکوسیستم‌های سالم ارزش قائلند، منابع را به شکل کارآمد مصرف می‌کنند و فعالانه تلاش می‌کنند اقتصادی با اساس محلی را حفظ کرده و توسعه بخشند. بر خلاف رویکردهای سنتی توسعه این اجتماعات بر استراتژی‌های پایداری بر کل اجتماع (به جای محله‌های محروم)، حفاظت از اکوسیستم، مشارکت معنادار، جدی و گسترده‌ی شهروندان و خوداتکائی اقتصادی تأکید دارند (حمیده و پورمحمدرضا، ۱۳۸۶، ۱۵-۱۶). شهرهای پایدار باید دارای: سیستم حمل و نقل کارآمدی که مردم را به استفاده از وسایل نقلیه عمومی تشویق کرده و مصرف انرژی در زمینه‌ی حمل و نقل را به حداقل رسانده؛ زیرساخت‌های شهری شامل سیستم تأمین آب، فاضلاب، سیستم بازیافت زباله،

مراکز بهداشتی-درمانی، مراکز آموزشی و تامین انرژی و کیفیت بالای زندگی؛ وابستگی کم به سوخت‌های فسیلی و افزایش منابع مختلف تأمین انرژی مثل انرژی خورشیدی و باد؛ شیوه‌ای از تخصیص زمین که فشرده بوده و در آن فضاهای کاری در نزدیکی منازل بوده و رفت و آمد بین محل کار و منزل کاهش یافته؛ ترکیب ناهمگون از منازل مسکونی از قابل سکونت تا اشرافی و کیفیت بالای زندگی در کنار توسعه و افزایش مطلوبیت فضای شهری همچون فضاهای سبز و مراکز فرهنگی باشند. در سیستم سنتی گسترش شهرها، سه جنبه‌ی اقتصاد، محیط و اجتماع به صورت جداگانه بررسی و تصمیمات در مورد هر یک از این سه مورد در انزوا گرفته می‌شود. اما نگاه پایداری به شهرها این سه فاکتور را به هم مرتبط ساخته و به کیفیت زندگی شهروندان، قدرت اقتصادی و سلامت محیط به میزان مساوی اهمیت می‌دهد (REC, ۲۰۱۰).

نمونه‌های موردی در این پژوهش

تغییرات آب‌وهوایی، رشد جمعیت، مهاجرت به شهرها و کمبود منابع همگی چالش‌هایی هستند که تمدن بشری، امروزه و در همه‌جا با آن مواجه است. برای زندگی کردن، در شرایط مناسب در قرن ۲۱ توجه به این چالش‌ها موضوعی حیاتی است. شهرها عاملان اصلی بسیاری از این مشکلات می‌باشند که بشر با آن‌ها مواجه است. ۸۰٪ گازهای گلخانه‌ای آزاد شده در جو زمین در شهرها تولید می‌شود. با این وجود، شهرها کلید اصلی و راه‌گشای این چالش‌ها هستند (Nordic Eight, ۲۰۱۲). بانک جهانی معیارهایی به منظور تعیین این که آیا یک شهر دستخوش توسعه‌ی پایدار شده یا خیر، تعیین کرده است. یک شهر پایدار بایستی قابل زندگی، مدیریت‌پذیر، رقابت‌جو و وارد در امر تعاملات بانکی باشد. مبحث محیط‌زیست در تمام این چهار ضابطه باید لحاظ شود، زیرا یک شهر با محیط‌زیست بی کیفیت قابل زندگی نیست. شهری که مدیریت‌پذیر نباشد، نمی‌تواند کیفیت‌ها و خدمات محیط‌زیستی ضروری را برای شهروندان خود تضمین کند. شهری که محیط‌زیست مناسبی ندارد،

جدول ۱. اصول سه گانه توسعه پایدار و زیر مجموعه های آن؛ مأخذ: (Drexhage and Murphy, ۲۰۱۰, ۲)

پایداری محیطی	پایداری اجتماعی	پایداری اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> ○ کاهش اتلاف و پخش انرژی در محیط ○ کاهش تولید تاثیر گذارنده‌ها بر سلامت انسان ○ استفاده از مواد قابل بازگشت به چرخه طبیعت ○ رفع سموم مواد ○ مدیریت توسعه و طراحی کاربری اراضی ○ حمل و نقل ○ کاربرد مصالح و مصرف انرژی ساختمان و معماری پایدار 	<ul style="list-style-type: none"> ○ عدالت محیطی و تساوی ○ برنامه‌ریزی خانوار، مهاجرت، فقر و وضعیت زنان ○ مسکن 	<ul style="list-style-type: none"> ○ ارتقای اقتصاد بر پایه‌ی محله ○ فراهم کردن فوری شرایطی برای تمام انسان‌ها به منظور دستیابی به فرصتی برای ایجاد یک زندگی پایدار ○ اجرای سیاست‌ها و استراتژی‌هایی برای ارتقاء سطوح کافی سرمایه ○ تمرکز برنامه‌ها و بودجه‌های توسعه‌ی ملی بر سرمایه‌گذاری بر انسان‌ها

شهر جهان در بهار سال ۲۰۱۱ به صورت عملی آغاز شد. که در جدول ۲ چالش‌ها، راهکارها، پی‌آمدهای این شهر بررسی شده است.

شهر کوپنهاگ دانمارک

کوپنهاگ با جمعیت تقریبی ۵۷۰ هزار نفر، پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر کشور دانمارک است. پیش‌بینی می‌شود که این جمعیت تا سال ۲۰۲۵ با رشد ۱۰۰ هزار نفری مواجه شود. این شهر با مساحت تقریب ۸۸ هزار کیلومتر مربع دارای توپوگرافی متنوعی است. کوپنهاگ در پی نشان‌دادن این موضوع به جهان است که همراه ساختن پیشرفت، توسعه و ارتقاء سطح زندگی با کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن امکان‌پذیر است. این شهر قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ میلادی عنوان اولین پایتخت بدون کربن جهان را به خود اختصاص دهد. «برنامه‌ی کوپنهاگ ۲۰۲۵» ترکیبی از اهداف خاص در چهار زمینه: مصرف انرژی، تولید انرژی، حمل و نقل سبز و مدیریت شهری است. این برنامه بیان می‌کند که چگونه انگیزه برای رسیدن به یک شهر بدون کربن باید به‌عنوان نیروی برای یک زندگی بهتر، نوآوری، اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری استفاده شود و این‌که چگونه هدف تولید نکردن کربن با همکاری نزدیک بین مشاغل دولتی، آموزشگاه‌ها و شهروندان کوپنهاگ محقق می‌شود. به‌عنوان مثال با اعمال این برنامه، انتشار گاز CO₂ در سال ۲۰۲۵، به ۲٫۱ میلیون تن خواهد رسید که این مقدار نسبت به سال ۲۰۱۲،

قابلیت جذب مردم برای شرکت در اجتماعات را دارا نمی‌باشد و شهری که تعاملات بانکی مناسبی ندارد، اعتبار کافی برای سرمایه‌گذاری‌ها در محیط‌زیست را ندارد (Department of Transport and Environment Affairs, ۲۰۰۳). شهرهای ونکوور کانادا، کوپنهاگ دانمارک، اسلو نروژ، کوریتیا برزیل و مصدر امارات متحده‌ی عربی در راستای رسیدن به پایداری گام‌های مهمی برداشته‌اند. در مطالب زیر راهکارهایی را که این شهرها برای رسیدن به هدف پایداری برداشته‌اند مورد بررسی قرار گرفت.

• شهر ونکوور کانادا

ونکوور شهری با حدود ۵۶۰ هزار نفر جمعیت و وسعتی در حدود ۱۰۶۱ کیلومتر مربع بدون در نظر گرفتن Stanley Park که حدود ۳٫۹ کیلومتر مربع است، می‌باشد. ونکوور در شمال غربی سرزمین بریتیش کلمبیا قرار گرفته و از سه طرف با آب محاصره گشته است. در سمت غربی این شهر اقیانوس اطلس قرار دارد (۲، n.d., Brightbill and Powers). در سال ۲۰۱۰ میلادی هدف‌گذاری «سبزترین شهر جهان در سال ۲۰۲۰» برای ونکوور انجام شد (Greenest City Action Team, ۲۰۱۲). برنامه‌ای که این شهر برای رسیدن به هدف خود دنبال می‌کند «طرح عملی سبزترین شهر ۲۰۲۰» نام دارد (Greenest City Action Team, n.d.). میزان پیشرفت و نتایج این برنامه هر دو سال طی گزارشی در اختیار عموم قرار می‌گیرد. طرح سبزترین

جدول ۲. چالش‌ها، راهکارها و پی‌آمدهای شهر پایدار و نکوور؛ مأخذ: (Greenest City Action Team, ۲۰۱۴)

چالش	راه‌کار	پی‌آمد
اقتصاد سبز	<ul style="list-style-type: none"> افزایش آگاهی جمعی نسبت به مواد غذایی محلی و سبز افزایش طراحی‌های سبز حمایت از کشاورزان محلی، مراکز خرید مواد غذایی محلی و دست‌فروشان راه‌اندازی کسب و کارهای مربوط به حمل و نقل سبز افزایش سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌های اتومبیل‌های برقی 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش ۱۹٪ مشاغل سبز در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۰
مدیریت اقلیمی	<ul style="list-style-type: none"> راه‌اندازی سیستم تولید انرژی از گاز متان ناشی از تخمیر زباله‌های شهری (NEU) تقویت فیزیکی و اجتماعی سیستم مهار سیل جهت‌گیری به سمت استفاده از انرژی الکتریسیته به جای سوخت‌های فسیلی 	<ul style="list-style-type: none"> کاهش ۶٪ انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۷
ساختمان‌های سبز	<ul style="list-style-type: none"> اجرای بناهای سبز بهبود وضعیت بناهای موجود تخصیص بخشی از درآمد بناهای اجاره‌ای به تجهیز آن‌ها به تکنولوژی‌های نو 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش ۳٪ ساختمان‌های مستقل از سوخت‌های فسیلی
اتلاف صفر	<ul style="list-style-type: none"> بازیافت ته‌سیگار برای اولین بار در دنیا جمع‌آوری زباله‌های خشک در چهار دسته‌ی شیشه، فلزات، کاغذ، پلاستیک 	<ul style="list-style-type: none"> کاهش ۱۲٪ زباله‌ی خشک به ازای هر فرد در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۸ که بنابر سوزاندن و یا دفن کردن آن بوده
دسترسی به طبیعت	<ul style="list-style-type: none"> حصول اطمینان از واقع‌شدن محل زندگی هر یک از شهروندان در ۵ دقیقه‌ای پارک، مسیر و یا فضای سبز ایجاد زمینه‌ی مناسب برای افزایش تنوع گونه‌های حیوانی سیاست حفظ شهر به کمک درختان موجود 	<ul style="list-style-type: none"> واقع‌شدن محل زندگی ۹۲٪ از شهروندان در ۵ دقیقه‌ای پارک، مسیر و یا فضای سبز کاشت ۲۳,۴۰۰ اصله درخت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۳
حمل و نقل سبز	<ul style="list-style-type: none"> افزایش خطوط پیاده‌روی و دوچرخه‌رانی افزایش ایمنی پیاده‌روها بهبود وضعیت ایمنی، آسایش و روانی ترافیک تقاطع‌های اصلی سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی و اتومبیل‌های الکتریکی افزایش ظرفیت اتومبیل‌های کرایه‌ای شهر به‌کارگیری اتومبیل‌های شارژی برنامه‌ریزی برای سیاست‌های حمل و نقل شهر از سال ۲۰۱۰ برای سال ۲۰۴۰ 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش ۴٪ سفرهای درون‌شهری با وسایل نقلیه‌ی عمومی، دوچرخه و به صورت پیاده
کمترین تأثیرگذاری بر محیط زیست منطقه	<ul style="list-style-type: none"> برگزاری سالانه‌ی هزار گردهمایی در پارک‌ها و فضاهای سبز برای کسب حمایت مردمی حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی در ارتباط با پایداری بهره‌گیری از محققان در ارتباط با شهر پایدار در فعالیت‌های عملی و تصمیمات شهر ایجاد مراکز خرید و فروش وسایل دست دوم ساخت بناهای پایدار، افزایش بازیافت، تغییر روش جابه‌جایی‌های درون‌شهری از اتومبیل شخصی به دوچرخه و پیاده و وسایل حمل و نقل عمومی و ... 	<ul style="list-style-type: none"> کاهش ۱۱٪ تأثیر بر بوم منطقه به ازای هر فرد در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۷
آب	<ul style="list-style-type: none"> نصب توالتهای کم‌مصرف در بناهای اجاره‌ای اجرای طرح‌های آزمایشی بر روی رستوران‌ها و ادارات به عنوان پر مصرف‌ترین بخش‌های شهر پرورش لوله‌کش‌هایی با آموزش جدیدترین تجهیزات موجود در بازار با هدف افزایش کارایی جمع‌آوری و تصویه‌ی آب باران در نیمی از سال افزایش آگاهی عمومی با برگزاری رقابت‌ها و ... 	<ul style="list-style-type: none"> کاهش مصرف آب به میزان ۳۳٪ به ازای هر فرد رسیدن به یا بهتر شدن از حد استانداردهای سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization)
هوا	<ul style="list-style-type: none"> منع استفاده از زغال در مراکز صنعتی وضع سختگیرانه‌ترین استانداردها برای تجهیزات گرمایشی هیزی افزایش دو برابری زیرساخت‌های وسایل نقلیه‌ی الکتریکی 	<ul style="list-style-type: none"> رسیدن به یا بهتر شدن از حد استانداردهای جهانی (World Health Organization)
غذای محلی	<ul style="list-style-type: none"> تأسیس VIK به‌عنوان آشپزخانه‌ای برای حمایت از دانش‌جویان آشپزی و تحقیقات مرتبط با غذا و اقتصاد مواد غذایی محلی اجرای طرح حمایت از صاحبان اغذیه‌ی محلی برای تبلیغ و فروش محصولات خود در پارک‌ها، ساحل و ... آگاهی بخشی به اقشار مختلف در ارتباط با مصرف مواد غذایی سالم و محلی برای داشتن جامعه‌ای سالم 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش حداقل ۳۰٪ مراکز مرتبط به مواد غذایی محلی

۳۹ کاهش خواهد داشت. در جدول ۳ چالش‌ها، راهکارها، پی‌آمدهای این شهر بررسی شده است. به‌خاطر نوآوری‌ها در زمینه‌ی اکولوژی و حمل‌و‌نقل پایدار، تعهد به اقتصاد سبز و همچنین به‌خاطر استراتژی‌های ارتباطی منحصر به فرد، در سال ۲۰۱۴ میلادی از سوی اتحادیه‌ی اروپا جایزه‌ی «پایتخت سبز اروپا» به کوبنهاگ دانمارک تعلق گرفت. کوبنهاگ که از نظر هیئت داوران، به‌عنوان مدل توسعه‌ی پایدار نمونه که به مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی فائق آمد؛ می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر شهرها باشد (European Green Capital, ۲۰۱۴).

شهر اسلو نروژ

اسلو پایتخت پادشاهی نروژ است. در ابتدای سال ۲۰۱۳ میلادی، اسلو ۶۲۴ هزار شهروند داشت و تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، ۲۰۰ هزار نفر به این جمعیت افزوده شود. رشد جمعیت فرصت‌های بسیاری ایجاد و در عین حال بر زمین‌های شهری، زیرساخت‌ها، محیط‌زیست و اقتصاد فشارهایی تحمیل می‌کند. در سال ۱۹۹۸ میلادی، شهر اسلو سیاست‌پاداری جامعی به نام «برنامه‌ی اکولوژیکی شهری» تدوین کرد. اسلو باید با در نظر گرفتن رشد ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با توجه به توان طبیعت برای حمایت اکولوژیکی از این رشد به‌عنوان پایتخت توسعه‌ی پایدار شناخته‌شود. ما باید شهر را در یک شرایط بهتر نسبت به آنچه خود تحویل گرفتیم به نسل بعد بسپاریم. اسلو باید یکی از پایدارترین و بهترین طرفداران محیط‌زیست از میان پایتخت‌های جهان باشد. الویت‌های اسلو در عملی کردن این مباحث تئوری را می‌توان در استفاده از سیستم حمل‌و‌نقل دوست‌دار محیط‌زیست و منابع تجدیدپذیر انرژی، تقویت ساختار سبز-آبی شهر و مشارکت شهروندان خلاصه کرد (Department of Transport and Environment Affairs, ۲۰۰۳).

شهر اسلو در سال ۲۰۰۳ میلادی در «انتخابات شهرهای پایدار اروپا» که توسط اتحادیه‌ی اروپا برگزار شد جایزه‌ی «شهر پایدار اروپایی» را به خود اختصاص

داد. فعالیت‌ها، پیشرفت و تعهد پیوسته‌ی این شهر در راستای تحقق ابعاد کلیدی توسعه‌ی پایدار همراه با نوآوری و خلاقیت توجه کمپین را به خود جلب کرد (Mega, ۲۰۰۵).

شهر کوریتیبای برزیل

امروز کوریتیبای جمعیتی ۱,۹ میلیونی را در وسعتی حدود ۴۳۰ کیلومتر مربع جای داده است (Holtzclaw, ۲۰۰۴). به‌گفته‌ی لوییز هایکاووا از اعضای اینستیتوی طراحی شهری کوریتیبای (IPPUC: Institute de Pesquisa e Planejamento Urbano de Curitiba) به‌کمک طرح‌های در نظر گرفته شده برای این شهر افزایش تا ۳ میلیون نفر دیگر به جمعیت کوریتیبای با تضمین کیفیت بالای زندگی عملی است. به‌دلیل تبدیل شدن این منطقه به قطب صنعتی بین سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۷۵ میلادی کوریتیبای با افزایش مهاجرت کارگران برای یافتن کار به این شهر مواجه شد. به دلیل عدم برنامه‌ریزی و پیش‌بینی مناسب شرایط، تنها یک سوم ساکنین دارای امکاناتی از قبیل فاضلاب، نیروی برق، خطوط تلفن و... بودند. همچنین ترافیک در مراکز اصلی شهر به مشکل جدی تبدیل شده بود. طی مناقصه‌ای شهردار کوریتیبای طرح و برنامه‌ای برای شهر در حال گسترش درخواست کرد که در این مناقصه تیمی از برنامه‌ریزان و معماران به رهبری Jaime Lerner وظیفه برنامه‌ریزی و اجرای طرح توسعه‌ی شهر را بر عهده گرفتند (Mikesh, n.d). (۱) در جدول ۵ چالش‌ها، راهکارها، پی‌آمدهای این شهر بررسی شده است.

شهر مصدر امارات متحده‌ی عربی

شهر مصدر در قلب کشورهای اوپک، در ۳۰ کیلومتری شرقی پایتخت امارات متحده‌ی عربی (ابوظبی)، واقع شده است. پروژه‌ی توسعه‌ی شهر مصدر توسط گروه فاستر و همکاران (Foster and Partners) برای ۴۰ هزار نفر سکنه و ۵۰ هزار نفر مسافر روزانه با مساحت ۶ میلیون مترمربع طراحی شده است (Roseta and Karayianni, ۲۰۱۱). هدف این پروژه ترکیب تکنولوژی‌های روزآمد با اصول برنامه‌ریزی و طراحی

جدول ۳. چالش‌ها، راهکارها و پی‌آمدهای شهر پایدار اسلو؛ مأخذ: (Nordic Eight, ۲۰۱۲)

چالش	راه‌کار	پی‌آمد
برنامه‌ریزی شهری	<ul style="list-style-type: none"> تعیین حاشیه‌ی جنگل به عنوان مرزهای شهر استراتژی تقویت شهر چندعملکردی دسترسی همه‌ی شهروندان به فضاهای سبز 	<ul style="list-style-type: none"> حفاظت از منابع طبیعی توسعه‌ی بازرگانی مستحکم توسعه‌ی در زیرزمین
سیستم حمل و نقل	<ul style="list-style-type: none"> وسایل نقلیه‌ی شخصی: پارکینگ رایگان برای ماشین‌های با تولید کم کربن کاهش مضاعف مالیات تخصیص بودجه به زیرساخت‌های سوختی موردنیاز وسایل نقلیه‌ی عمومی: راه‌اندازی پنج اتوبوس با سوخت سلولی استفاده از متان تولیدشده از ضایعات غذایی و لجن ضایعات آبی برای باقی اتوبوس‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> وسایل نقلیه‌ی شخصی: وجود ۳,۵۰۰ ماشین برقی چهارصد ایستگاه شارژ برای وسایل نقلیه‌ی برقی، با چشم‌انداز نصب ۱۰۰ ایستگاه شارژ در هر سال وسایل نقلیه‌ی عمومی: تجدیدپذیر بودن ۶۰٪ انرژی حمل و نقل عمومی سهم در حال رشد ۴۰٪ باقیمانده در رسیدن به انتشار کم / صفرآلودگی
روشنایی خیابان	<ul style="list-style-type: none"> امکان روشن، خاموش یا کم‌نورشدن هر لامپ تنظیم مقدار روشنایی با توجه به شرایط جوی با ارسال اطلاعات به واحد مرکزی کنترل تعویض لامپ‌های سنتی با LEDها 	<ul style="list-style-type: none"> ۶۲٪-۵۲٪ صرفه‌جویی در مصرف انرژی نصب ۲۰,۰۰۰ چراغ هوشمند در سال ۲۰۱۳



حول پی‌های اساسی در زمینه‌ی انسانی، اقتصادی، تکنولوژیکی و زیرساختی است. از آن‌جا که مصدر بر روی کمر بند خورشیدی جهان واقع شده، انرژی خورشیدی، صنعت کلیدی در این شهر است (همان). برنامه‌ی کلان شهر مصدر نقشی مهم در موفقیت شهر در به دست‌آوردن اهداف پایداری دارد، مراحل اصلی برنامه‌ی کلان شهر از قرار زیر است: در جدول ۵ چالش‌ها، راهکارها، پی‌آمدهای این شهر بررسی شده است. ساخت و سازها در این شهر در سال ۲۰۰۸ میلادی آغاز شده است و فاز اول در سال ۲۰۱۳ کامل شده است. در طول زمان ساخت و پس از آن مصدر به شهری با فناوری پاک که مشاغل، سیاست‌گذاران، متخصصان صنایع و محققان را به خود جذب می‌کند؛ تبدیل خواهد شد (همان). رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه‌ی مصدر به دلیل بروز بحران اقتصادی در جهان، نسبت به آن‌چه برنامه‌ریزی شده، به زمان بیشتری نیاز دارد. با این وجود در حال حاضر نیز این شهر، نمونه‌های بارزی از استفاده از مواد و مصالح به منظور پس‌انداز پول ارائه

سنتی عربی بر مبنای الویت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و راهکارهای دوست‌دار محیط‌زیست بر نفت در شکل‌دادن به یک اجتماع با هدف تولید نکردن کربن و زباله است. ما نباید به نفت به‌عنوان تنها منبع اصلی سرمایه‌ی ملی تکیه کنیم. ما باید منابع درآمد خود را گسترش داده و پروژه‌های اقتصادی بنا کنیم که اطمینان‌بخش یک زندگی آزاد، پایدار و باشکوه برای مردم باشد (Masdar A Mubadala Company, ۲۰۱۳). شاید این سخن شیخ زاید بنیان‌گذار، امارات متحده‌ی عربی، سنگ‌بنای رویکرد امروز این کشور نسبت به پایداری در طراحی شهری و مسائل مربوط به آن باشد. پروژه‌ی مصدر یک پروژه‌ی چند منظوره از طرف دولت ابوظبی، با هدف پیشبرد توسعه در بخش بازرگانی و گسترش تکنولوژی‌ها و راه‌حل‌های مربوط به انرژی‌های تجدیدپذیر و جایگزین و تبدیل‌شدن به قطب تحقیق و توسعه و نمایش تکنولوژی‌های انرژی آینده است. رویکرد این اقدام پایه‌گذاری تجارت انرژی پایدار، مدیریت کربن و فناوری حفاظت از آب،

جدول ۴. چالش‌ها، راهکارها و پی‌آمدهای شهر پایدار کوریتیبیا. مأخذ: (Mikesh, n.d) و (Holtzclaw, ۲۰۰۴) و (IPPUC, ۲۰۰۹)

چالش	راه‌کار	پی‌آمد
حمل و نقل سبز	<ul style="list-style-type: none"> ■ ابداع سیستم BRT ■ اختصاص ۳۹۰ مسیر ویژه اتوبوس، ۲۰۰۰ وسیله نقلیه و جابه‌جایی روزانه تقریباً ۲٫۱ میلیون مسافر ■ کاهش هزینه‌ی بلیط اتوبوس در روزهای آخر هفته با هدف تشویق شهروندان به استفاده از حمل و نقل عمومی ■ طراحی پیاده‌محور مرکز شهر ■ ساخت ۱۲۰ کیلومتر مسیر اختصاصی دوچرخه‌رانی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ افزایش ۴٪ سفرهای درون‌شهری با وسایل نقلیه‌ی عمومی، دوچرخه و به صورت پیاده ■ افزایش ۴۵٪ نرخ استفاده از حمل و نقل عمومی ■ افزایش سالانه ۲٫۳٪ به تعداد مسافران حمل و نقل عمومی ■ ذخیره سالانه ۲۷ میلیون لیتر سوخت
امنیت عمومی	<ul style="list-style-type: none"> ■ فرارگیری کافی شاپ‌ها، رستوران‌ها، تئاترها و دیگر مکان‌های عمومی در اطراف مسیرهای پیاده 	-
برنامه‌ریزی شهری	<ul style="list-style-type: none"> ■ طراحی شبکه‌ی راه‌ها به صورت مد نظر قرار دادن مسیر حمل و نقل عمومی در ارجحیت و خرد کردن ترافیک در مسیرهای یک طرفه ■ طراحی شبکه راه‌ها به صورت متحدالمرکز با هدف امکان گسترش آسان با توسعه‌ی شهر ■ طراحی ایستگاه‌های اتوبوس با هدف راحتی، امنیت و صرفه‌جویی در زمان کاربران با در نظر گرفتن معلولین 	<ul style="list-style-type: none"> ■ کاهش مالیات حدود ۲۰۰ هزار دلار به ازای هر کیلومتر خط اختصاصی اتوبوس در مقابل ساخت مترو
مسکن	<ul style="list-style-type: none"> ■ فروش حق مسکن به توسعه‌دهندگان و ساخت مسکن اجتماعی برای نیازمندان ■ امکان شکل‌دهی بنا با توجه به نیازهای خانواده ■ عدم تکرار یک بنا با مدول و طراحی یکسان به عنوان مسکن اجتماعی 	-
اتلاف صفر	<ul style="list-style-type: none"> ■ جمع‌آوری زباله‌های خشک از منازل در چهار دسته‌ی کاغذ، شیشه، فلز، پلاستیک ■ افزایش سطح آگاهی جامعه با آموزش رایگان ■ طرح معاوضه‌ی سبز 	<ul style="list-style-type: none"> ■ بازیافت ۷۰٪ زباله‌های خانگی ■ حفظ روزانه ۱۲۰۰ اصله درخت با بازیافت کاغذ ■ دریافت بلیط اتوبوس و یا غذا در ازای زباله‌های بازیافتی از خانواده‌های کم‌درآمد
توسعه‌ی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ■ پیاده کردن طرح کودکان خیابانی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ پرداخت وجه نقد و غذا در ازای انجام کارهای ساده مثل باغبانی و غیره توسط کودکان در برخی مشاغل مشخص‌شده‌ی صنعتی، تجاری و یا انستیتوتها

اجازه‌ی تردد ندارند. برنامه‌ریزان، سیستم حمل و نقل زیرزمینی طراحی کرده‌اند تا خیابان‌ها از ماشین خالی باشند (International Energy Agency, ۲۰۰۹). سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهر مصدر امید دارند با کاهش مقدار انتشار کربن و تولید زباله‌ی کم‌تر این شهر را در میان شهرهای پایدار جهان قرار دهند (MRS Bulletin, ۲۰۱۳).

با بررسی اقدامات صورت گرفته توسط سیاست‌گذاران پنج شهر پایدار مطالعه‌شده، می‌توان فعالیت‌ها و

می‌دهد. انستیتو مصدر با همکاری دانشگاه ماساچوست (MIT) افراد خلاق را با هدف تحقیق بر روی تکنولوژی‌های پایدار جذب می‌کند (MRS Bulletin, ۲۰۱۳). شهر مصدر متعهد به استفاده از تکنولوژی‌های انرژی تجدیدپذیر شده‌است. شهری که تولید کربن را متوقف می‌کند، زباله تولید نمی‌کند، صد درصد انرژی مورد استفاده‌ی آن از منابع تجدیدپذیر است، سبزترین ساختمان‌های تجاری در دنیا را دارد، و ماشین‌هایی که از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌کنند در داخل شهر

جدول ۵. چالش‌ها، راهکارها و پی‌آمدهای شهر پایدار مصدر مأخذ: (Mubadala Company, ۲۰۱۳)

چالش	راه‌کار	پی‌آمد
انرژی	<ul style="list-style-type: none"> استفاده از پنل‌های فتوولتائیک تبدیل زباله‌های شهری و انسانی به منبع تولید انرژی جهت‌گیری شبکه‌ی شهری و ساختمان‌ها امکان‌سنجی منبع انرژی حرارتی زمین به‌عنوان انرژی گرمایی 	<ul style="list-style-type: none"> دستیابی به ۷٪ استفاده از انرژی تجدید پذیر در سال ۲۰۲۰ جذب کم‌ترین مقدار انرژی خورشید افزایش خنکای شبانه‌گاهی تولید انرژی خورشیدی متمرکز ظرفیت ۱۰۰ مگاوات تولید انرژی هیدروژنی ۵۰۰ مگاواتی
یکپارچگی	<ul style="list-style-type: none"> مجاورت تمام جنبه‌های زندگی نظیر: کار، تفریحات و محل زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> کم‌کردن نیاز به استفاده از وسائل نقلیه
حمل و نقل	<ul style="list-style-type: none"> طراحی فضاهای شهری با قابلیت پیاده‌روی استفاده از سیستم نقلیه‌ی سریع شخصی سریع (PRT) با انرژی الکتریکی 	<ul style="list-style-type: none"> تولید نکردن CO₂
پویایی در شهر	<ul style="list-style-type: none"> اهمیت دادن به فضای بین ساختمان‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> تشویق مردم به استفاده از فضاهای بیرونی
عابر پیاده‌مداری	<ul style="list-style-type: none"> به‌کارگیری خیابان‌های کم‌عرض پیاده‌روهای سایه‌انداز 	<ul style="list-style-type: none"> تشویق مردم به پیاده‌روی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۰۸

به این نکته توجه داشت که این جنبش باید از بطن جامعه و با توجه به عادات، طرز زندگی و ارزش‌های فرهنگی جامعه آغاز شود (ارمغان و گرجی، ۱۳۸۸، ۷). همانطور در اجزاء در معماری سنتی بر اساس تعامل نشات می‌گرفته‌اند، اصول و قواعد در شهرها و بناها هم بر اساس همین مشارکت‌ها شکل گرفته‌اند. مردم ایران در زمان قدیم با همین تعامل و مشارکت در امور شهری با کاهش مصرف انرژی در بناها و در شهر سعی بر پایدارسازی شهر داشته‌اند. که در آن زمان برای رسیدن به هدف خود راهکارهایی را سنجدیده‌اند که در جدول شماره ۷ راهکارها بیان شده است. اما رفته رفته با گذشت زمان و با کم شدن همکاری‌ها در بین مردم، راهکارها کم‌رنگ‌تر شده است. در جدول ۷ چالش‌ها، راهکارها، پی‌آمدهای این شهر بررسی شده است.

بحث و تحلیل

پژوهش‌ها نشان از آن دارند که میان انگاره‌های شهرسازی بومی ایران و اصول و قواعد نظریه‌های معاصر شهرسازی، شباهت‌های بی‌شماری وجود دارد (حبیبی، تحصیلدار و پورمحمدزاد، ۱۳۹۰، ص ۱). برخی از این اصول در ادامه ارائه و نقاط مشترک این اصول با اصول

راه‌کارهای عملی در راستای رسیدن به پایداری را در دسته‌های مدیریت اقلیمی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، حمل و نقل، ساخت و ساز در شهرها، توسعه‌ی اجتماعی، سیاست‌های مصرف آب و سلامت و بهداشت جامعه جای داد. هر یک از این موارد ذکر شده، فعالیتی در جهت بهبود وضع شهرها درباره‌ی موضوعات اقتصادی، اجتماعی و محیطی دخیل در پایداری است. با توجه به میزان پیشرفت این شهرها در زمینه کاهش مصرف انرژی می‌توان این شهر را جزء شهرهای پایدار به حساب آورد و از راهکارهای آنها به‌عنوان راهکارهای راهبردی در زمینه پایدار سازی در شهرهای ایران استفاده کرد. نکته قابل تأمل این است که هر شهر باید با توجه به نیازها، شرایط جغرافیایی و فرهنگی و سایر فاکتورهای مؤثر، سیاست‌ها و برنامه‌های منحصر به فردی در مورد هر یک از شاخص‌های پایداری تدوین کند. به همین دلیل است که در مواجهه با صورت مسئله‌ای یکسان در مورد دو شهر متفاوت، راه‌کارهای گوناگونی به‌کار گرفته می‌شوند.

توسعه‌ی پایدار شهرهای ایران

در حرکت به‌سوی پایدارسازی شهرهای ایران باید

جدول ۷. چالش‌ها، راهکارها و پی‌آمدهای شهرهای ایرانی. مأخذ: نگارندگان

چالش	راه‌کار	پی‌آمد
شهر در منطقه	شهر در توافق کامل با محیط پیرامونی در منطقه	پاسخ مناسب به شرایط آب و هوایی منطقه، در نظر گرفتن امکانات محلی، کاهش ریسک آسیب رساندن به بوم منطقه
توسعه‌ی شهری	کارکرد دوگانه: خلق محلات و مناطق جدید، مرمت بافت موجود شهری	کاهش هزینه، کاهش مصرف مصالح، ارتباط با تاریخ و فرهنگ، استفاده از امکانات موجود، ایجاد ارتباط در بافت
حدود و ثغور کالبدی	شهر دارای حد و مرز مشخص کالبدی	تمرکز خدمات، دسترسی آسان، سفرهای درون شهری کمتر، کاهش دست‌یازیدن به منابع طبیعی برای گسترش افقی شهر
خدمات شهری	تاکید بر دسترسی آسان به خدمات شهری	تشویق شهروندان به استفاده از خدمات شهری در ازای صرف هزینه‌ی بیشتر برای امکانات خصوصی، کاهش جابه‌جایی‌های درون شهری، کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی
مراکز شهری	تاکید بر مرکز مجموعه شهری هم به عنوان مرکزی مدنی و هم به عنوان عرصه‌ای غیر رسمی برای تجمعات عمومی	ایجاد حس تعلق به جمع و اتحاد، ایجاد حس مکان، ایجاد حس تعلق به فضا،
فضاهای عمومی	تاکید بر فضاهای عمومی مشترک به خصوص در مقیاس محله	ایجاد حس مکان، ایجاد حس تعلق به فضا، ایجاد حس زندگی در اجتماعات محلی، تزریق زندگی به محلات، کاهش ریسک وقوع جرم در محلات
کاربری	اختلاط تنوعی از کاربری‌ها نظیر تسهیلات تجاری، تفریحی، فرهنگی و ... در کنار واحدهای مسکونی	کاهش جابه‌جایی‌های درون شهری، کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی، صرفه‌جویی در زمان
فضاهای سبز	تاکید بر ساخت و ساز سبز، محافظت از فضاهای باز، توجه به ویژگی‌های معنایی طبیعت	ایجاد حس احترام به طبیعت در شهروندان، قناعت، معنادار شدن محیط ساخته شده، ایجاد حساسیت فرهنگی به مسائل محیطی، توجه به ویژگی‌های مادی طبیعت،
طراحی محیط	طراحی هماهنگ با اتکا به ضوابط مدرن، تاکید بر زیبایی	ایجاد حس مکان، افزایش دید زیبایی‌شناسانه‌ی شهروندان،
مشارکت ساکنین	برقراری سطح قابل توجه از دخالت و مشارکت ساکنین محله در برنامه‌ریزی و مدیریت آن	ایجاد حس تعلق به فضا، ایجاد حس مسئولیت نسبت به کاستی‌ها و نواقص شهری، در نظر گرفتن نیاز، انتظارات و آرزوهای کاربران
روابط اجتماعی	اهمیت به زندگی در اجتماعات محلی، توجه به نیازها و ریشه‌های روابط اجتماعی در کالبد شهر و تک تک بناها	سازگاری شهر با کاربران به دلیل قابلیت انعطاف‌پذیری، ارتقاء انتظارات و دانش شهروندان
مسکن	الگویی ترکیبی مسکن، مسکن قابل استطاعت برای همه، طراحی اقلیمی، استفاده از مصالح بوم‌آورد، توجه به مفاهیم نگهداشت‌پذیری، تعمیرپذیری، سادگی و...	سازگاری مسکن با محیط پیرامون، مردم‌واری، استفاده از مصالح بی‌خطر سالم و بومی، استفاده از تکنولوژی موجود، جوابگویی و شدنی بودن عملکردها، افزایش عمر بنا، کاهش احتمال ایجاد زاغه و حلبی‌آبادها، کاهش ریسک وقوع جرم، کاهش هزینه
ساختارهای سنتی	حفظ و تقویت ساختارهای سنتی، توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی	نیارش، مردم‌واری، کاهش هزینه‌ها، رونق اقتصاد محلی
بوم‌گرایی	تاکید بر بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی و مصالح بوم‌آورد	پرهیز از بیهودگی، صرفه‌جویی در مصرف منابع، کاهش هزینه‌ها، در نظر گرفتن امکانات محلی
سلسله‌مراتب شهری	رعایت اصل سلسله‌مراتب در ساختار فضایی شهر و محله و نظام دسترسی و توزیع خدمات شهری	ایجاد حس مکان، آدرس‌پذیر بودن فضاهای شهری، ایجاد حس تعلق به فضا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۰۹

برداشت شده از مطالعه‌ی پنج شهر بررسی خواهد شد. (مقایسه این اصول در جدول ۸ انجام شده است). البته باید اذعان داشت که شهرسازی بومی ایران در زمان خود پایدار بوده و تکرار آن با توجه به تغییر مقتضیات زمان امری بیهوده محسوب می‌شود. استخراج این ویژگی‌ها به منظور دستیابی به جوهر و ذات نیازهای شهرسازی امروز ایران است. شناخت این اشتراکات باعث درک ریشه‌دار بودن این اصول در فرهنگ ایران و عجین بودن با شیوه‌ی زندگی ایرانیان می‌شوند؛ هرچند برخی از آن‌ها به فراموشی سپرده شده باشند. همچنین در جدول مذکور ستونی به عنوان اصولی که در شهرهای پایدار ایران در گذشته وجود داشته ولی امروز در پنج شهر مطالعه شده در نظر گرفته نمی‌شوند، وجود دارد که این واقعیت می‌تواند ریشه در تفاوت نیازهای زمان

جدول ۸. مقایسه اصول و قواعد شهرسازی پایدار در شهرهای مورد مطالعه ایرانی و خارجی. مأخذ: (حبیبی، تحصیله‌دار و پورمحمدرضا، ۱۳۹۰، ص ۱۴) و (ارمغان و گرجی ۱۳۸۸، ص ۱۸)

چالش	اصول و قواعد شهرسازی پایدار بومی ایران*	اشتراکات اصول شهرهای پایدار بومی ایران و اصول استخراج شده از بررسی پنج شهر**	اصول یافت شده در شهرهای پایدار بومی ایران که در مطالعه‌ی پنج شهر ذکر شده دیده نشد**
شهر در منطقه	شهر در توافق کامل با محیط پیرامونی در منطقه	•	
توسعه‌ی شهری	کارکرد دوگانه: خلق محلات و مناطق جدید، مرمت بافت موجود شهری	•	
حدود و ثغور کالبدی	شهر دارای حد و مرز مشخص کالبدی	•	
خدمات شهری	تأکید بر دسترسی آسان به خدمات شهری	•	
مراکز شهری	تأکید بر مرکز مجموعه شهری، هم به عنوان مرکزی مدنی و هم به عنوان عرصه‌ای غیر رسمی برای تجمعات عمومی	•	
فضاهای عمومی	تأکید بر فضاهای عمومی مشترک به خصوص در مقیاس محله؛ عاملی برای زنده‌شدن دوباره حس زندگی در اجتماعات محلی	•	•
کاربری	اختلاط تنوعی از کاربری‌ها نظیر تسهیلات تجاری، تفریحی، فرهنگی و ... در کنار واحدهای مسکونی	•	
فضاهای سبز	تأکید بر ساخت و ساز سبز، محافظت از فضاهای باز، توجه به ویژگی‌های معنایی طبیعت و ایجاد حس احترام به آن، توجه به ویژگی‌های مادی طبیعت	•	
طراحی محیط	طراحی هماهنگ با اتکا به ضوابط مدرن، تأکید بر زیبایی، ایجاد ارتباط در بافت	•	
مشارکت ساکنین	برقراری سطح قابل توجه از دخالت و مشارکت ساکنین محله در برنامه‌ریزی و مدیریت آن	•	•
روابط اجتماعی	اهمیت به زندگی در اجتماعات محلی، توجه به نیازها و ریشه‌های روابط اجتماعی در کالبد شهر و تک تک بناها	•	•
مسکن	الگوی ترکیبی مسکن، مسکن قابل استطاعت برای همه، طراحی اقلیمی، استفاده از مصالح بوم‌آورد، توجه به مفاهیم نگهداشت‌پذیری، تعمیرپذیری، سادگی و ...	•	
ساختارهای سنتی	حفظ و تقویت ساختارهای سنتی، توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی	•	•
بوم‌گرایی	تأکید بر بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی و مصالح بوم‌آورد	•	•
سلسله‌مراتب شهری	رعایت اصل سلسله‌مراتب در ساختار فضایی شهر و محله و نظام دسترسی و توزیع خدمات شهری	•	•

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۱۰

به طبیعت را احساس می‌کند. او اکنون می‌کوشد با روی آوردن به تکنولوژی‌های مدرن در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی و جلوگیری از روند تغییر اقلیم و گرمایش جهانی قدم بردارد. مجامع بین‌المللی در پی آن هستند که بدون ایجاد مخاطره در توانایی‌های نسل‌های آتی، در راستای تأمین نیازهای خود گام بردارند. دولت‌ها، تجار و شهروندان طی بیست سال گذشته، توسعه‌ی پایدار را به عنوان اصلی هادی پذیرفته و پیشرفت‌هایی در

یا در تفاوت فرهنگی و نیاز افراد جامعه به حضور این موارد در زندگی روزمره‌شان داشته باشد. که می‌توان با آگاهی تمام این اصول را در شهرسازی امروز تزریق کرد. این مسئله در پژوهش‌های آتی می‌تواند کنکاش شده و نتیجه‌ی آن به تجربیات عملی شهری تزریق گردد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در دنیای امروز پس از مدت طولانی افراطی‌گری‌های منتج از انقلاب صنعتی، بشر به شدت نیاز به بازگشت

جدول ۹. اصول و احکام منتج از مطالعات جهت پایداری شهرهای امروز ایرانی

راه کارهای پایداری شهرهای امروز ایران	چالش
<ul style="list-style-type: none"> ▪ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مثل بیوماس، انرژی بیادی و انرژی زمین گرمایی به جای سوخت‌های فسیلی ▪ راه‌اندازی سیستم تولید انرژی از گاز متان ناشی از تخمیر زباله‌های شهری (NEU) ▪ استفاده از پنل‌های فوتولتائیک ▪ جهت‌گیری به سمت استفاده از انرژی الکتریسیته به جای سوخت‌های فسیلی ▪ تقویت فیزیکی و اجتماعی سیستم مهار سیل ▪ جمع‌آوری زباله‌های خشک به صورت خانگی و بازیافت آن‌ها ▪ ایجاد مراکز خرید و فروش وسایل دست دوم ▪ تولید سرما از آب دریا ▪ تعویض لامپ‌های سنتی با LEDها ▪ امکان روشن، خاموش یا کم‌نور شدن هر یک از لامپ‌های خیابان‌ها با توجه به شرایط جوی ▪ افزایش سطح آگاهی جامعه با آموزش رایگان ▪ طرح معاوضه‌ی سبز ▪ جهت‌گیری شبکه‌ی شهری و ساختمان‌ها در جهت تابش مناسب خورشید 	<p style="text-align: center;">مدیریت‌اقلیمی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ برنامه‌ریزی برای سیاست‌های حمل و نقل شهری از یک الی سه دهه پیش‌تر ▪ بهره‌گیری از محققان در ارتباط با شهر پایدار در فعالیت‌های عملی و تصمیمات شهر ▪ استراتژی تقویت شهر چندعملکردی ▪ شهر در توافق کامل با محیط پیرامونی در منطقه ▪ تعیین مرزهای شهر و حفظ فشردگی بافت شهری ▪ رعایت اصل سلسله‌مراتب در ساختار فضایی شهر و محله و نظام دسترسی و توزیع خدمات شهری ▪ مجاورت تمام جنبه‌های زندگی نظیر: کار، تفریحات و محل زندگی ▪ تأکید بر دسترسی آسان به خدمات شهری ▪ تأکید بر مرکز مجموعه‌ی شهری هم به عنوان مرکزی مدنی و هم به عنوان عرصه‌ای غیر رسمی برای تجمعات عمومی ▪ طراحی شبکه راه‌ها با هدف امکان گسترش آسان همراه با توسعه‌ی شهر ▪ طراحی شبکه‌ی راه‌ها، قرار دادن مسیر حمل و نقل عمومی در ارجحیت و خرد کردن ترافیک در مسیرهای یک طرفه ▪ بهبود وضعیت ایمنی، آسایش و روانی ترافیک تقاطع‌های اصلی ▪ در نظر گرفتن معلولین در طراحی فضاهای شهری ▪ حصول اطمینان از واقع شدن محل زندگی هر یک از شهروندان در نزدیکی پارک، مسیر و یا فضای سبز ▪ ایجاد زمینه‌ی مناسب برای افزایش تنوع گونه‌های حیوانی ▪ حفظ درختان موجود و حفاظت از آن‌ها ▪ محافظت از فضاهای باز ▪ توجه به ویژگی‌های معنایی طبیعت و ایجاد حس احترام به آن ▪ بازسازی‌یافت‌های سنتی شهر ▪ برقراری سطح قابل توجهی از دخالت و مشارکت ساکنین محله در برنامه‌ریزی و مدیریت آن ▪ اهمیت دادن به فضای بین ساختمان‌ها ▪ طراحی فضاهای شهری با قابلیت پیاده‌روی ▪ افزایش خطوط پیاده‌روی و دوچرخه‌رانی ▪ افزایش ایمنی پیاده‌روها ▪ قرارگیری کافی شاپ‌ها، رستوران‌ها، تئاترها و دیگر مکان‌های عمومی در اطراف مسیرهای پیاده برای افزایش امنیت روانی ▪ به کارگیری خیابان‌های کم‌عرض و در سایه برای مناطق گرم ▪ افزایش راه‌اندازی کسب و کارهای مربوط به حمل و نقل سبز 	<p style="text-align: center;">برنامه‌ریزی شهری</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ وسایل نقلیه‌ی عمومی: ▪ سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های حمل و نقل عمومی و اتومبیل‌های الکتریکی ▪ افزایش ظرفیت اتومبیل‌های کرایه‌ای شهر ▪ ایجاد شبکه‌های کارآمد و قابل اطمینان از وسایل نقلیه‌ی عمومی نظیر اتوبوس، مترو، قطار و BRT ▪ راه‌اندازی وسایط حمل و نقل عمومی مانند اتوبوس با سوخت سلولی و یا متان منتشر شده از ضایعات غذایی و لجن ▪ کاهش هزینه‌ی بلیط اتوبوس در روزهای آخر هفته با هدف تشویق شهروندان به استفاده از حمل و نقل عمومی ▪ وسایل نقلیه‌ی شخصی: ▪ پارکینگ رایگان برای ماشین‌های با تولید کم کربن ▪ کاهش مضاعف مالیات ▪ تخصیص بودجه به زیرساخت‌های سوختی موردنیاز ▪ استفاده از سیستم نقلیه‌ی سریع شخصی سریع (PRT) یا انرژی الکتریکی 	<p style="text-align: center;">حمل و نقل</p>



<ul style="list-style-type: none"> ▪ اجرای الگوی ترکیبی مسکن ▪ طراحی اقلیمی ▪ استفاده از مصالح بوم‌آورد ▪ توجه به مفاهیم نگهداشت‌پذیری، تعمیرپذیری، سادگی و ... ▪ بهبود وضعیت بناهای موجود ▪ تخصیص بخشی از درآمد بناهای اجاره‌ای به تجهیز آن‌ها به تکنولوژی‌های نو ▪ نصب توالت‌های کم‌مصرف در بناهای اجاره‌ای ▪ به‌کارگیری سیستم‌های فاضلاب مدرن ▪ اجرای طرح‌های آزمایشی، پژوهشی بر روی رستوران‌ها و ادارت به عنوان پر مصرف‌ترین بخش‌های شهر ▪ حفظ و تقویت ساختارهای سنتی ▪ توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی ▪ تأکید بر بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی 	<p style="text-align: center;">ساخت و ساز سبز</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ساخت مسکن اجتماعی برای نیازمندان ▪ امکان شکل‌دهی مسکن اجتماعی با توجه به نیازهای خانواده ▪ عدم تکرار یک بنا با مدول و طراحی یکسان به عنوان مسکن اجتماعی ▪ پیاده کردن طرح حمایت از اقشار کم درآمد به خصوص کودکان خیابانی ▪ اهمیت به زندگی در اجتماعات محلی، توجه به نیازها و ریشه‌های روابط اجتماعی در کالبد شهر و تک تک بناها 	<p style="text-align: center;">توسعه‌ی اجتماعی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ نگهداری از منابع آبی زمینی ▪ جمع‌آوری و تصویه آب باران در نیمی از سال ▪ پرورش لوله‌کش‌هایی با آموزش جدیدترین تجهیزات موجود در بازار با هدف افزایش کارایی ▪ افزایش آگاهی عمومی با برگزاری رقابت‌ها به منظور کاهش اتلاف آب نوشیدنی و غیر نوشیدنی 	<p style="text-align: center;">مصرف آب</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ منع استفاده از زغال در مراکز صنعتی ▪ وضع استانداردهای سختگیرانه برای تجهیزات گرمایشی ▪ حمایت از تحقیقات مرتبط با غذا و اقتصاد مواد غذایی محلی ▪ اجرای طرح حمایت از صاحبان اغذیه‌ی محلی برای تبلیغ و فروش محصولات خود در پارک‌ها، سواحل و ... ▪ آگاهی‌بخشی به اقشار مختلف در ارتباط با مصرف مواد غذایی سالم و محلی برای داشتن جامعه‌ای سالم ▪ افزایش آگاهی جمعی نسبت به مواد غذایی محلی و سبز ▪ حمایت کشاورزان محلی، مراکز خرید مواد غذایی محلی و دست‌فروشان 	<p style="text-align: center;">سلامت و بهداشت جامعه</p>



همه نشان از یک زندگی سالم دارند، مسئله‌ای که به وضوح می‌توان در تاریخ سرزمین ایران نیز یافت. با نگاهی گذرا به شهرهای قدیم ایران به خوبی می‌توان هماهنگی و تطابق این شهرها با محیط طبیعی‌شان را درک کرد. آن‌چه مسلم است برای دستیابی عملی به مبانی و مفاهیم اولیه در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار لازم است با تأمل در اساس تفکر پایدار به کار رفته در مجامع توسعه‌یافته‌ی امروزی و ترکیب معقول آن‌ها با تجربیات گذشته‌ی مردمان همین سرزمین در راستای رسیدن به ایرانی پایدار گام برداریم. باتوجه به آنچه که گفته شد، برخی از راه‌کارهایی که در حرکت شهرهای ایران به سوی پایداری می‌توانند مد نظر قرار گیرند در ادامه در جدول ۹ بیان می‌شوند. این راه‌کارها هر یک زیر مجموعه‌ای از مدیریت اقلیمی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، حمل و نقل، ساخت و ساز ابنیه در شهرها، توسعه‌ی اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها در ارتباط با مصرف آب و سلامت و بهداشت جامعه خواهند بود.

این زمینه صورت داده‌اند. کشورهای بسیاری در سراسر جهان سند توسعه‌ی پایدار را امضا کرده‌اند و هر یک با توجه به شرایط خاص خود در سطح ملی در زمینه‌های متفاوتی در راستای پایداری راهبردهایی تدوین کرده و به مرحله‌ی اجرا درآورده‌اند. هر چند محیط‌زیست بخش قابل توجهی از مسئله‌ی توسعه‌ی پایدار را به خود اختصاص می‌دهد، دو بعد اقتصادی و اجتماعی نیز از مقوله‌های قابل توجه نهادهای تصمیم‌گیری برای رسیدن به جهانی پاک، عاری از فقر و عدالت‌محور هستند. به منظور دستیابی به این اهداف عالی، مسئولان و شهروندان هر شهر کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین نقش را بر عهده دارند. در بسیاری از شهرها و کشورهای توسعه یافته اقدامات موثری به‌منظور رسیدن به پایداری صورت پذیرفته و به وضوح می‌توان آثار مثبت آن را بر محیط طبیعی، اقتصادی و اجتماع آن جوامع مشاهده کرد. بازگشت انسان به دامن مادر طبیعت، برابری‌های نسبی اجتماعی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها،

همانطور که پیشتر عنوان شد هر یک از این راهکارها می‌توانند در سه شاخه‌ی محیط، اجتماع و اقتصاد نقش کلیدی ایفا کرده و جامعه‌ای سالم‌تر و سطح کیفیت بالاتری از زندگی را به شهروندان ارائه دهد. چنانکه ذکر شد موارد بالا برخی از راه‌کارهای قابل اتخاذ در زمینه‌ی پایدارسازی شهرهای ایران است. با عنایت و همکاری مسئولین، مجریان طرح‌ها و سیاست‌گذاران شهری امید است پژوهش صورت گرفته گامی هرچند کوچک در زمینه‌ی بهبود وضعیت فعلی شهرهای ایران و افزایش کیفیت زندگی هموطنان باشد. همچنین این راهکارها باید در اختیار معماران، مهندسان، پیمانکاران، قرار بگیرد تا با استفاده از این اصول زیرساختی در شهرها و بناها، کشور ایران هم‌رفته رفته به شهرهای پایدار ایرانی نزدیک شود.

منابع و مآخذ

- ارمغان، مریم؛ گرجی مهربانی، یوسف، (۱۳۸۸)، ارزش‌های بومی معماری ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۲۶، ص ۳۵-۲۰.
- حبیبی، سید محسن؛ تحصیلدار، مهری؛ پورمحمدرضا، نوید (۱۳۹۰)، شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی، فصلنامه‌ی مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۳۵، صفحه‌ی ۲۲-۳.
- حمیده، سارا؛ پورمحمدرضا، نوید (۱۳۸۶)، پایداری در شهرها از دیروز تا امروز، نشریه هفت‌شهر، شماره‌ی ۲۱-۲۲، صفحه‌ی ۲۲-۵.
- سفلیایی، فرزانه (۱۳۸۳)، کنکاشی پیرامون مفاهیم و تجارب معماری پایدار، فصلنامه آبادی، شماره‌ی ۴۲، صفحه‌ی ۶۷-۶۲.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۹)، طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه‌ی کویری، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۸، ص ۴۳-۵۲.
- مفیدی شمیرانی، سید مجید؛ مهدوی نژاد، محمد جواد؛ علوی‌زاده، الهام (۱۳۸۸) پارک اکولوژیکی، بوم‌شناسی طبیعی- فرهنگی، آرمانشهر، شماره‌ی ۳، پاییز و زمستان، ۱۳۸۸، صفحه‌ی ۷۸-۸۹.
- ملت پرست، محمد (۱۳۸۸)، معماری پایدار در شهرهای کویری ایران، آرمانشهر، شماره‌ی ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صفحه‌ی ۱۲۸-۱۲۱.
- مهدی‌زاده سراج، فاطمه؛ نسبی، فاطمه؛ حسینی، سید باقر (۱۳۸۶) اصول دستیابی به پایداری در شهرها در مطابقت با فرهنگ شهرسازی بومی ایران، نشریه هفت‌شهر، شماره‌ی ۲۱-۲۲، صفحه‌ی ۶۰-۵۱.
- Brightbill and Powers, n.d. Vancouver, Canada. University of Washington. Available at: http://depts.washington.edu/open2100/Resources/1_OpenSpaceSystems/Open_Space_Systems/vancouver.pdf
- City of Copenhagen: City Hall, (2012), Copenhagen: Solution for Sustainable Cities. October 2012, Copenhagen: City Hall
- City Introduction- Oslo Available at: <http://www.miljo.oslo.kommune.no/>)2014/12/8(
- Copenhagen Available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Copenhagen#Architecture/>)2014/12/16(
- Department of Transport and Environment Affairs, (2003), Strategy for Sustainable Development: City of Oslo. Oslo: Urban Ecology Program
- Drexhage, J and Murphy, D, (2010), Sustainable Development: From Brundtland to Rio 2012. International Institute for Sustainable Development (IISD). Available at: http://www.un.org/wcm/webdav/site/climatechange/shared/gsp/docs/GSP1-6_Background%20on%20Sustainable%20Devt.pdf
- European Green Capital Available at: <http://ec.europa.eu/environment/europeangreencapital/winning-cities/2014-copenhagen/>)2014/12/8(
- Foster and Partners Available at Fosterandpartners.com)2014/12/10(
- Greenest city Action Team, n.d, Vancouver 2020 aBright Green Future: An Action Plan for Becoming the World's Greenest City by 2020. Available at:

Vancouver.ca/files/cov/bright-green-future.pdf

•Greenest city Action Team, (2012), Greenest City: 2020 Action Plan. City of Vancouver. Available at: vancouver.ca/files/cov/Greenest-city-action-plan.pdf

•Greenest city Action Team, (2014), Biannual Report Greenest City: 2020 Action Plan: 2013-2014 Implementation Update. City of Vancouver. Available at: <http://vancouver.ca/files/cov/greenest-city-2020-action-plan-2013-2014-implementation-update.pdf>

•Holtzclaw, J., (2004), Curitiba- a Model of Sustainable Development, Available at: www.sonomatic.org/PDF/Curitiba%20report.pdf

•Institute for Research and Urban Planning of Curitiba, (2009),The City of Curitiba: Planning for Sustainability Planning for Sustainability, Curitiba: World Bank.

•International Energy Agency, (2009), Cities, Towns & Renewable Energy: Yes in My Front Yard. [e-book] Paris: OECD/IEA. Available through Mega, M, 2005, Sustainable Development, Energy and the Cities: A Civilization of Visions and Actions. [e-book] New York: Spencer Science+ Business Media. Available through: <http://books.google.com/>2014/12/8(

•Mikesh, n., n.d, Curitiba, Brazil, University of Washington, Canada, available at: http://depts.washington.edu/open2100/Resources/1_OpenSpaceSystems/Open_Space_Systems/Curitiba%20Case%20Study.pdf

•Moore, S.A. (2007), Alternative Routes to the Sustainable City: Austin, Curitiba, and Frankfurt, Lexington Books, Lanham.

•MRS Bulletin, (2013), Energy Quarterly: Regional Initiative. Volume 38. Available at: www.mrs.org/bul-

letin)2014/12/7(

•Nordic Eight, (2012), Solution for Sustainable Cities Available at: <http://subsite.kk.dk/>2014/11/22(

•Roseta, F and Karayianni, E.M, (2011),An Analysis of Two Sustainable Projects in the Light of the LEED-NC and LEED-ND Rating Systems. World Renewable Energy Congress 2011.Sweden.

•The World Commission on Environment and Development, (1978), Our Common Future. Oxford University Press. Available at: www.un-documents.net/our-common-future.pdf

•United Nations, (1992), Agenda 21: United Nations Conference on Environment & Development. Rio de Janeiro, 3-14 June 1992, New York: United Nations.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۱۴

ارتقا آموزش طراحی معماری پایه بر اساس مؤلفه‌های خود تنظیمی یادگیری در آتلیه‌های طراحی

فرهنگ مظفر - دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت تهران، تهران، ایران.

وحید قاسمی - دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

منصوره کیان‌ارثی* - دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Improving architectural primary design learning through enhanced self-regulation learning factors in basic architectural design studio

Abstract

Learning self-regulation focuses on the individuals' role in the learning procedure and believes that students would learn better is once they are responsible for their own learning. Considering the complexity and diversity in the design procedure and related aspects of the architecture and design training domain the present study focuses on these issues in the basic training of architecture. In spite of having great emphasis on the importance of the issue in the design domain, there have been a few research studies on how students learn to self-regulate especially in the design. It is highly essential for the students to learn the strategies for self-regulation learning. Also since this kind of learning is bound to students' success, especially in complex domains such as learning design, malfunction design learning, and engineering activities they really need it. Taking the benefits of self-regulation learning into account, its application in the basic design ateliers is highly important and the present study aims to focus on its importance. Because finding more information in this domain is not sufficient, this could be taken as a new knowledge in the architecture design training. The present study aims to describe how self-regulation in the basic architecture design training is learned, considering the factors involved (six factors involved in architectural design).

Key Words: Self-regulation Learning, Design Training, Basic architecture design

چکیده

خودتنظیمی یادگیری، به نقش فرد در جریان یادگیری توجه داشته و معتقد است زمانی که دانشجویان خود مسئول یادگیری‌شان هستند، به‌طور مؤثرتری می‌آموزند. باوجود تاکید فراوان مدرسان در حوزه طراحی بر اهمیت مسئله، پژوهش‌های اندکی در بیان چگونگی یادگیری خودتنظیم دانشجویان طراحی انجام شده است. درک تدابیر این نوع یادگیری و ارتباط آن با موفقیت دانشجویان به‌خصوص در حوزه‌های پیچیده‌ای چون یادگیری طراحی، لازم است. تبیین مؤلفه‌های یادگیری خودتنظیم در آموزش طراحی معماری پایه، (شش مؤلفه مرتبط با طراحی معماری) هدف مقاله است که با استنباط و تحلیل محتوای پژوهش‌های پیرامون یادگیری خودتنظیم و آموزش طراحی معماری آغاز شده و در ادامه مطابق با آموزش طراحی معماری پایه، پرسشنامه‌ای طراحی و پس از تایید تعدادی از اساتید و اصلاحات لازم به صورت نمونه برای ۳۰ نفر آزمون گردید. سنجش اولیه و تحلیل عاملی پرسشنامه در گام بعدی برای اعتبار و قابلیت اعتماد پرسشنامه صورت گرفت. گروه‌های آزمایش و گواه از بین دانشجویان ترم سوم کارشناسی معماری بصورت تصادفی انتخاب و پیش آزمون و آزمون تعقیبی صورت گرفت. تحلیل نتایج توسط آنالیز کوریانس، برای تبیین راهکارهای اصلی استفاده گردید. نتیجه در قالب راهکارهایی از جمله ایجاد حس مالکیت برمسئله طراحی برای دانشجوی، پرورش تفکرانتقادی، مدیریت زمان و... در شش بخش تعیین هدف، جهات یادگیری، خودکارآمدی، رفتار یادگیرنده، مدل‌سازی و مدیریت محیط، معرفی گردیده و برای پژوهشگران حوزه آموزش معماری مورد توجه است.

واژگان کلیدی: یادگیری خودتنظیم، آموزش طراحی، طراحی معماری پایه

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۲۶۲۶۰۲ داخلی ۳۲۴۹، رایانامه: mansourehkianersi@gmail.com

مقاله پیش‌رو، برگرفته از پایان‌نامه دکترای منصوره کیان‌ارثی با عنوان «شیوه آموزش طراحی معماری با تاکید بر پرورش تفکر طراحی» به راهنمایی دکتر فرهنگ مظفر و دکتر عباسعلی ایزدی و مشاوره دکتر وحید قاسمی در دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه و بیان مسئله

اهمیت یادگیری در طول زندگی بشر و تلاش پژوهشگران این حوزه، منجر به شناخت زوایای گوناگون یادگیری شده است. نگاه فرایندی به یادگیری و طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های پیچیده یادگیرندگان با تاکید بر شخص یادگیرنده، از گرایش‌های تعیین کننده است. یادگیری فعال که بر پایه تئوری شناختی-اجتماعی و سازنده‌گرایی بنا شده، دانشجویان را به‌طور مستقیم در فرایند یادگیری وارد می‌نماید. به اعتقاد بن‌ول و ایسون، یادگیری فعال، دانشجویان را به تلاش و تفکر در فعالیت‌هایشان ترغیب کرده و دانشجویان وضعیت، ارزش‌ها و باورهایشان را نسبت به یادگیری، کشف و کنترل می‌کنند (کرمی مونقی، ۱۳۹۳). خودتنظیمی نوعی از یادگیری است که افراد به‌جای تکیه بر مدرسان و دیگر عوامل در کسب دانش و مهارت‌ها، شخصا تلاش‌های خود را آغاز و هدایت می‌کنند (زیمرمان و کلرلی، ۲۰۰۴، به نقل از احمدی، ۱۳۹۳). در یک دیدگاه بازنگری شده از تدریس، وظیفه استاد، تنها ایجاد یادگیری نیست، بلکه تدارک شرایطی است که طی آن، دانشجو خود به آموختن اقدام می‌کند و حاصل فعالیت دانشجو به یادگیری منتهی می‌شود (رضازاده، ۱۳۹۲). خودتنظیمی یادگیری، از مقوله‌هایی است که به نقش فرد در جریان یادگیری توجه دارد. اصل اساسی یادگیری خودتنظیم این است که دانشجویان هنگامی که خود مسئول یادگیری‌شان هستند، به‌طور مؤثرتری یاد می‌گیرند (بخشی، محمود و آهنچیان، ۱۳۹۲). خودتنظیمی یک فرایند کنش‌گرایانه است که به یادگیرنده در جهت کسب مهارت‌های آکادمیک از قبیل تنظیم اهداف، انتخاب و جایگزینی استراتژی‌ها و کنترل اثربخشی خود کمک می‌نماید. از جمله پیش‌فرض‌های دیدگاه شناختی-اجتماعی برای یادگیری خودتنظیم، ارتباط سه‌جانبه شخص، محیط یادگیری و رفتار یادگیری است. به بیانی، یادگیری زمانی رخ می‌دهد که دانشجویان قادر باشند، فرایندهای شخصی را برای تنظیم راهبردهای رفتاری و محیط یادگیری به کار برند (زیمرمان،

۱۹۹۰). در آموزش معماری با نظر به پیشینه آموزش سنتی و پس از آن آموزش آکادمیک در سه نسل (سلاما، ۲۰۱۵) و گزینه‌های خودتنظیمی در یادگیری، این ارتباط سه‌جانبه، قابل توجه است. یادگیری خودتنظیمی اشاره به بسیاری از افکار، احساسات، استراتژی‌ها و رفتارهای برخاسته از خود دانشجو، دارد (شانک و زیمرمان، ۱۹۹۸). زیمرمان (۲۰۰۱) پژوهشگر حوزه خودتنظیمی یادگیری، بیان می‌کند که یادگیری برای یادگیرنده رخ نمی‌دهد بلکه بوسیله یادگیرنده (دانشجو) بوجود می‌آید. براین اساس، برای شکل‌گیری یادگیری، دانشجویان بایستی به‌طور فعال در فرایند یادگیری خود، نقش داشته باشند. باوجود مزیت‌های یادگیری خودتنظیمی، چگونگی کاربرد آن در آتلیه طراحی پایه و تایید مفید بودن این کاربرد، نیاز به پژوهش داشته که در این مقاله مورد توجه است. یادگیری خودتنظیم در آتلیه‌های طراحی، در ارتباط با وجوه مسئله طراحی، دارای راهکارهای متفاوتی است. از آن‌جاکه که تنها یافتن اطلاعات بیشتر در این حوزه کافی نبوده، این جریان، ورود حوزه دانش جدیدی در مبحث آموزش طراحی معماری است. دروس طراحی پایه شامل دروس مقدماتی بوده و بر شکل‌گیری شخصیت معمارانه دانشجو تاثیر دارد. در این دوره نقش مدرس و شیوه برخورد با مسئله طراحی، هدایت و ارزیابی آن اهمیت اساسی دارد. آموزش دروس پایه که مهم‌ترین نقش را در تلقی و درک شاگرد از معماری و پرورش توانمندی‌های او در جهت کسب مهارت‌ها و خلاقیت‌ها دارد، از اهمیتی دوچندان برخوردار است (حجت، ۱۳۸۴، ص ۶۶).

در این راستا، بررسی پژوهش‌ها، غور و تعمق در آن‌ها و استنباط حاصل از آن‌ها پیرامون خودتنظیمی یادگیری و آموزش طراحی معماری پایه، به استخراج راهکارهایی برای مدرسان منجر شده و با شناخت عمیق‌تر پیرامون ماهیت مسئله طراحی و دانشجوی نوپا در آموزش معماری، به طراحی راهکارهایی پرداخته شد. سپس با انتخاب دو گروه آزمون و گواه و ارائه راهکارهای آموزش یادگیری خودتنظیم با استفاده از آزمون‌های

آماری مناسب، به مقایسه دو گروه و هم چنین مقایسه هر گروه در حالت قبل و بعد از آموزش پرداخته شد. این نوع مقایسه چون هم درون گروهی و هم بین گروهی است، از جمله کامل ترین آزمون‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر این، نظرسنجی اساتید نیز موفقیت دانشجویانی که با راهکارهای یادگیری خودتنظیم، آموزش دیده بودند را تایید نمود. در نهایت راهکارهای اصلی این نوع یادگیری برای آموزش طراحی معماری پایه بیان می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه

تعاریف گوناگونی برای یادگیری خودتنظیم بیان شده و به طور ساده به یادگیری اطلاق می‌شود که برای یادگیرنده، با انجام تمرین و درکی که از انجام آن کسب می‌شود، فرایند یادگیری رخ می‌دهد (وست، ۱۹۹۲). مدرس به عنوان راهنما و تسهیل‌گر برای رویارویی دانشجو با مسائل پیچیده و بدساختار (نظیر مسائل طراحی به تعبیر درست)، ایفای نقش می‌کند. یادگیرنده نیز، به پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات و تامل کردن نیاز داشته تا به راهکار درست نائل گردد. این مدل ابتدا در مدارس پزشکی آغاز شد و اکنون در بسیاری از رشته‌ها از جمله آموزش، حقوق، مهندسی و معماری کاربرد دارد. چهار مرحله برای این نوع یادگیری از دیدگاه فینکل (۱۹۸۵) مطرح می‌شود: تعامل، پژوهش، اجرا و تهیه گزارش. علاوه بر این، توانمندی‌هایی نیز برای دانشجویان مطرح می‌شود از جمله؛ تفکر خلاق و نقاد، تطبیق مهارت‌های کلی حل مسئله، پذیرش دیدگاه‌های گوناگون، همکاری تیمی موفق، مهارت‌های مؤثر ارتباطی، مهارت‌های رهبری و استفاده از منابع متنوع و مرتبط (باروز و تمبیلین، ۱۹۸۰، هادوین، ۱۹۹۶ و هسو، ۱۹۹۹). محیط یادگیری، رفتار یادگیری و یادگیرنده، به عنوان سه مؤلفه تعریف شده برای یادگیری خودتنظیم بوده که انطباق آن‌ها در آموزش طراحی معماری پایه، در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد.

محیط یادگیری؛ اهمیت آتلیه به عنوان محیط یادگیری آموزش طراحی معماری (وبستر، ۲۰۰۱)، یک

مکان انعطاف پذیر و آزاد (لاوسون، ۲۰۰۹)، دربردارنده بزرگ‌ترین حجم آموزش و یک نقطه مشترک، مطرح است. محیط آتلیه به عنوان مامنی برای آموزش در حوزه مهارت‌ها، دانش و تجربه لازم برای ورود به حرفه مطرح است. دونالدسون (۱۹۸۷)، پژوهشگر حوزه آموزش درباره آتلیه بیان می‌کند؛ آتلیه‌های طراحی به طور معمول برای پروژه‌های طراحی به صورت جمعی یا فردی سازمان یافته و برای تمرین‌های عملی، شکل گرفته‌اند.

رفتار یادگیری؛ یادگیری زمانی رخ می‌دهد که دانشجویان در فرایند طراحی به طور خود راهبر و با توانایی ارتباط دادن، بهره‌گیری از یافته‌ها و انتخاب راهکارهای اساسی و زیبایی‌شناسانه بر روی مسئله، فعالیت کنند. ترکیبی از بحث و نقد، به اشتراک گذاری داده‌ها و ورود میهمان به آتلیه همگی به ایجاد محیط غنی آموزشی و تکامل رفتار یادگیری، کمک می‌کند. همچنین، تمرین طراحی بنا به تعبیر بارز از دیویی (۱۹۳۳) به عنوان یک کاتالیزور برای یادگیری مطرح می‌شود (لاوسون، ۲۰۰۹). مسئله طراحی در ذهن دانشجو به ایجاد چالش ذهنی و در نهایت شکل‌گیری و تعمیق تفکر طراحی، می‌انجامد. زمان محدود و فرایند پیچیده یادگیری طراحی از جمله مسائل آتلیه‌ها است.

یادگیرنده؛ دو پیامد دیگر در آموزش طراحی با مفهوم یادگیری خود تنظیم بسیار سازگار هستند. اول، تعریف نقش جدید دانشجو در آتلیه به عنوان یک شرکت‌کننده فعال که در تعامل با مسئله طراحی بوده و نقش مدرس به عنوان یک تسهیل‌گر که چگونگی عمل کردن و فکر کردن را نشان می‌دهد. ارتباط دانشجو و مدرس، از مفاهیم اساسی یادگیری خودتنظیم است. مفهوم دیگر با عنوان «غوطه و رشدن» به صورت ذاتی در فرایند یادگیری حرفه‌ای حل مسئله وجود دارد. از دیدگاه شون، یادگیرنده با انجام دادن، از طریق ابتکار و خلاقیت خود، فرا می‌گیرد و دانش چگونگی تصمیم‌گیری را نیز کسب می‌کند. بنابراین، یادگیری خودتنظیم با مفاهیم تعامل و غوطه وری یادگیرنده در

مسئله مرتبط بوده و از آن حمایت می‌کند.

مطالعات و پژوهش‌ها در آموزش طراحی همچنان رو به رشد و حول چند موضوع اصلی است از جمله (۱) توجه به موضوع فرهنگ در آتلیه‌های طراحی (کخ و همکاران، ۲۰۰۲، آنتونی، ۱۹۹۱)؛ (۲) هیئت داور، نقد و ارزیابی (آنتونی، ۲۰۰۱، ۱۹۹۱)؛ (۳) روش‌شناسی طراحی (کرر، ۱۹۹۲ به نقل از پاور، ۲۰۰۶)؛ (۴) پیامدهای اجتماعی در آتلیه (ملکا، ۱۹۸۵) معماری بومی و جنسیتی (آنتونی، ۲۰۰۱، آنتونی و گرانت، ۱۹۹۳)؛ (۶) ثبت گزارش برای پروژه (به عنوان مثال، توضیحات و تصاویر از یک پروژه جالب و یا موفق تلقی، این نشان دهنده رایج‌ترین نوع مطالعه در این زمینه است). و (۷) تکنیک‌های آموزشی. آخرین عنوان-تکنیک‌های آموزشی- شامل مطالعات مربوط به طراحی آموزشی بوده و یادگیری خودتنظیم (اناردی و همکاران، ۲۰۱۳) نیز در این گروه است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با یادگیری خود تنظیم و آموزش معماری عبارتند از؛ وبستر (۲۰۰۱)، با استفاده از یک روش مطالعه موردی که او «خاطرات طراحی» نامیده و به عنوان یک ابزار جمع آوری داده‌ها به کار می‌برد، به ضبط افکار و تامل بر فرایند طراحی توسط گروهی از دانشجویان معماری در فرایند طراحی خود پرداخته و یک نتیجه مهم ارائه می‌دهد؛ زمانی که دانشجو درباره پروسه یادگیری خود بیشتر بداند، توانمندی طراحی دانشجو ارتقا می‌یابد. نمونه دیگر مربوط به کار توماس کوپن (۲۰۰۱) است که با استفاده از آتلیه مجازی به کرکسیون با دانشجویان از طریق شبکه‌های اینترنتی پرداخت. با بررسی پیام‌های دانشجویان و مدرسین، این نکته حاصل شد که وی نیز بر اساس نظریه تعامل با مسئله مطرح شده توسط شون، عمل نموده است. یک جزء کلیدی از مطالعه کوپن به تفسیر او از پژوهش کوشمان و همکاران (۱۹۹۴) بر مدل یادگیری مبتنی بر مسئله بوده و شامل فعالیت‌های طراحی است؛ (۱) فرموله کردن مسئله، (۲) یادگیری خودراهبر، (۳) نظارت بر روند پیشرفت، (۴) ارائه نهایی و (۵) تامل کردن.

محققان و نظریه پردازان، مؤلفه‌های گوناگونی برای

یادگیری خودتنظیم از دیدگاه یادگیری شناختی- اجتماعی، شناسایی کرده‌اند (بندورا، ۱۹۸۶، شانک، ۲۰۰۱؛ زیمرمن، ۲۰۰۱). از آن جا که بحث آموزش طراحی با یادگیری مسئله محور ارتباط نزدیک دارد تعدادی از مؤلفه‌ها به خصوص در شرایط یادگیری مسئله محور، منطبق با آموزش طراحی معماری در آتلیه‌های طراحی معماری مورد توجه هستند و عبارتند از: ۱- استفاده از هدف ۲- جهات یادگیری ۳- باورهای خودکارآمدی ۴- فرآیندهای کلیدی مرتبط خود مشاهده‌گری، خود قضاوتی، و خود واکنشی ۵- مدل سازی؛ و ۶- مدیریت محیط (پاور، ۲۰۰۶). مؤلفه‌هایی که در شرایط یادگیری مسئله‌محور برای یادگیری خودتنظیم در آموزش طراحی معماری مورد توجه هستند:

۱- توجه به هدف

دیدگاه مدرس در شکل‌گیری نگاه یادگیرندگان و تعریف اهداف یادگیری طراحی، مؤثر است. در سال‌های ابتدایی آموزش طراحی با نظر به جنس متفاوت آموزش دانشگاهی از آموزش‌های پیشین هم از حیث محتوا و هم روش، این نکته دارای اهمیت دوچندان است. اهداف پروژه‌های آتلیه‌های طراحی با باورهای یادگیری خودتنظیم سازگار بوده و پایه و اساس آن‌ها در تلاش یادگیرنده برای تنظیم اعمال، افکار و هیجانات برای دستیابی به نتیجه مورد نظر است (بارون، مادوکس و سیندر، ۱۹۹۷). میزان رضایت دانشجو از عملکرد خود و واکنش رفتاری پس از آن، وابسته به ارزیابی وی از پیشرفتش در راستای اهداف است. بنابراین، دستیابی دانشجویان و مدرسان به اهداف‌شان، مشوق آن‌ها نیز هست (بندورا، ۱۹۸۶ و لاک و لاتام، ۱۹۹۰). اهداف مورد بحث زمانی بیشترین فایده را خواهند داشت که منطبق با دو معیار زیر باشند (بندورا، ۱۹۸۶، لاک و لاتام، ۱۹۹۰، شانک، زیمرمان و

کیتسانتاس، ۱۹۹۹):

۱- اهداف بایستی مشخص و تعریف شده باشند؛

و

۲- اهداف بایستی ایجاد چالش کرده و جنس چالش‌ها واقعی باشد.

بنابر پژوهش‌های انجام شده، هنگامی که دانشجویان به هر دو جنبه خاص بودن و مشکل بودن اهداف توجه می‌کنند، عملکرد بهتری نسبت به زمانی که آن‌ها هیچ هدفی برای طراحی نداشته باشند، دارند (پاور، ۲۰۰۶). خودتنظیمی به شدت با اهداف یادگیرنده مرتبط بوده و با شناسایی و تحلیل اهداف یادگیرنده و مدرس، سه جنبه مهم تعریف می‌گردد؛ میزان خودتنظیمی یادگیرنده، میزان تلاش یا عدم تلاش یادگیرنده برای رسیدن به نتیجه و نوع بازخوردهایی که به یادگیرنده کمک بیشتری می‌کند.

۲- جهت گیری یادگیری

پژوهشگران حوزه یادگیری خودتنظیم دو جهت متفاوت برای یادگیرنده معرفی نموده‌اند: (۱) جهت مبتنی بر یادگیری (۲) جهت مبتنی بر عملکرد (پاور، ۲۰۰۶). در نوع اول، یادگیرنده تلاش خود را با نظر به ارزش مدنظرش در طراحی، بوسیله کسب دانش و مهارت‌های جدید، قرار می‌دهد. آمس (۱۹۹۲) بیان می‌کند، یادگیری جهت‌گیری شده بر اساس اهداف، بر توجه یادگیرنده نسبت به فرایند یادگیری و استراتژی‌هایی که در کسب صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها به وی یاری می‌رساند، می‌افزاید. براساس پژوهش شانک (۱۹۹۶)، یادگیرندگانی که اهداف یادگیری را دنبال می‌کنند، آماده تجاربی برای افزایش خودتائیری بوده و انگیزه بیشتری دارند. درمقابل، با جهت‌گیری مبتنی بر عمل، یادگیرنده بر نمره و تایید تمرکز داشته و برای کسب نظر مثبت دیگران در قضاوت بر عملکردش تلاش می‌کند (پینتریچ و اسکورابن، ۱۹۹۲).

در پژوهشی توسط زیرمرمان و کیتسانتاس (۱۹۹۷)، نشان داده شد که یادگیرندگان با یادگیری جهت‌گیری شده بر اساس عملکرد، بیشترمایل به تحت کنترل بودن یک عامل خارجی مانند مدرس هستند، چرا که

دریافت تایید عامل خارجی را به هر راه و وسیله ای مورد نظرشان است.

۳- خودکارآمدی

اعتقاد افراد به توانایی‌هایشان در ارتقا انگیزه و بکارگیری منابع شناختی برای کنترل اعمال و رفتارشان (بندورا، ۱۹۹۰: ۳۱۶) شامل مفهومی به نام خودکارآمدی است. مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران یادگیری اجتماعی، (بندورا، ۱۹۷۷، شانک، ۱۹۸۹، زیرمرمان، بندورا و مارتینز-پنز، ۱۹۹۲) نشان می‌دهد که خودکارآمدی بر باورهای شخصی در چهار بخش تاثیر می‌گذارد: (۱) تعامل با پروژه؛ (۲) انگیزه؛ (۳) تعیین هدف و (۴) یادگیری و موفقیت. خودکارآمدی نقش مشخصی در طراحی داشته و همان‌گونه در تعریف فعالیت‌های طراحی باز جمله زیرشاخه‌های فعالیت مدیریت کردن، فعالیتی با عنوان تامل بر عمل مطرح شده و این مرتبط با این گزینه در خودتنظیمی است (لاوسون، ۲۰۰۹).

۴- سه فرایند اساسی در نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی

براساس بیان شانک، یادگیری خودتنظیم زمانی که سه فرایند اساسی بیان شده توسط بندورا با یکدیگر به وقوع بپیوندند، شکل می‌گیرد. دانشجویان با توجه به اهداف شکل گرفته در ذهنشان، مشاهده و قضاوت کرده و به طی مسیر فراگیریشان، واکنش نشان می‌دهند (شانک، ۱۹۹۶: ۳۵۴). شانک هم‌چنین، بیان می‌کند این روند منحصر به فرد نیست و عواملی از جمله ارتباط با هم کلاسی و مدرس، تقویت و تجدید ساختار نقش محیط یادگیری، موضوع مورد آموزش و مدرس، حائز اهمیت هستند. خودمشاهده‌گری، خودقضاوتی و خود واکنشی به عنوان سه فرایند اساسی یادگیری خودتنظیم تعریف می‌شوند.

۵- مدل سازی

این مفهوم با یادگیری از طریق ساختن (سلاما، ۲۰۱۵) که به عنوان مفهوم آشنایی در آموزش معماری وجود داشته و هم‌چنان مورد توجه است، ارتباط نزدیکی دارد. پژوهش‌های زیرمرمان و شانک (۲۰۰۱)،

برای دانشجویان از خود طراحی پیچیده‌تر بوده و نیاز به مدیریت تعاملی مدرس و دانشجو، دارد.

روش پژوهش: با نظر به ادبیات پژوهش که عمدتاً در رشته‌های دیگر به جز معماری است پس از مطالعه و استخراج راهبردها در مرحله اول برای آموزش طراحی انطباق پیدا کرده و با نظر به تقسیم‌بندی دروس طراحی معماری در سه بخش پایه، اصلی و تخصصی به طور مشخص برای دروس طراحی پایه تعریف گردید. پرسشنامه‌های استاندارد برای سنجش این توانمندی در رشته‌های دیگر وجود دارد که مطابق آموزش طراحی پایه معماری، مجدد طراحی و پس از تایید تعدادی از اساتید و اصلاحات لازم به صورت پایلوت برای ۳۰ نفر سنجش اولیه انجام و تحلیل عاملی پرسشنامه صورت پذیرفت و گویه‌های اصلی سنجش، معین گردید.

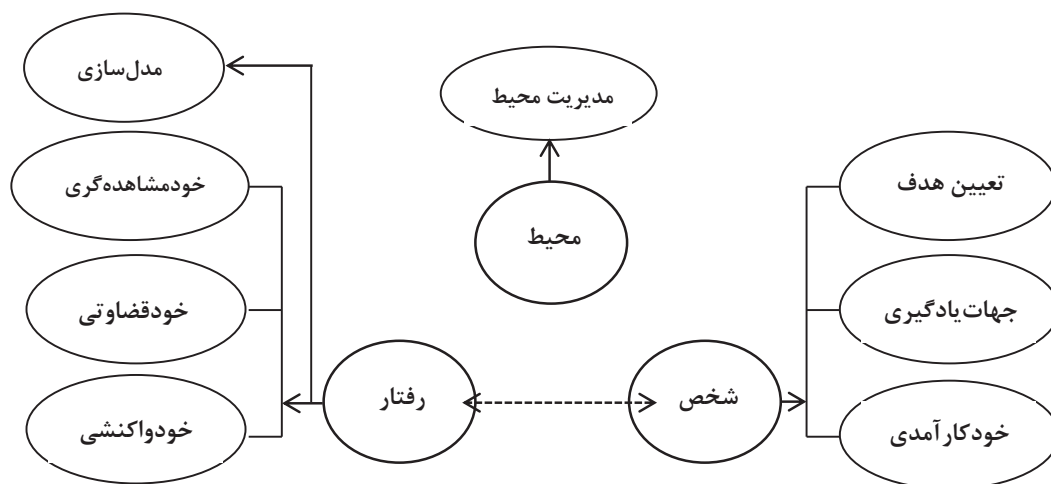
پس از انجام تحلیل عاملی، گروه‌های آزمایش و گواه (۲۵ نفر) از بین دانشجویان ترم سوم کارشناسی پیوسته معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، برای پژوهش به صورت تصادفی انتخاب گردید. برای اطمینان از یک دست بودن گروه‌های آزمون و گواه چند اقدام صورت گرفت؛ مرحله اول مقایسه میانگین دروس اصلی در دو ترم گذشته و عدم اختلاف معنا دار معدل این دروس و دوم پس از تکمیل پرسشنامه

نشان می‌دهد در مدل‌سازی، یادگیری بوسیله انجام دادن (یادگیری تصویری) و یا تنها با مشاهده بوسیله مشاهده‌گر (یادگیری نیابتی) رخ می‌دهد. در برخی از روش‌های یادگیری مانند یادگیری مسئله محور در آتلیه‌های طراحی معماری، هر دو بخش یادگیری نیابتی و یادگیری تصویری (حرکتی) توأمان وجود دارد.

۶- مدیریت محیط

مدیریت محیط به استفاده از شرایط و منابع موجود در محیط یادگیری برای دستیابی به اهداف آموزشی، اشاره دارد (زیمزمان و شانک، ۲۰۰۱). شناخت، طراحی، برنامه‌ریزی و خلق یک محیط یادگیری فعال، یادگیرنده را در رسیدن به اهداف مورد نظرش با احتمال بیشتری یاری می‌کند. در پژوهش انجام شده بر محیط یادگیری و یادگیری خودتنظیم نشان داد، برای دانشجویانی که به استفاده بیشتر از تکنیک‌های مدیریت محیط مسلط بوده دستاوردهای بالاتری مشاهده شده و یادگیرندگان خودتنظیم تمایل بیشتری به بازسازی محیط یادگیری خود برای رسیدن به اهداف یادگیریشان دارند.

یادگیرندگان در آتلیه طراحی، فعالانه به مدیریت محیط آموزشی و تلاش برای خلق موقعیت‌های سودآور برای یادگیری تلاش می‌کنند. به عبارتی اصل اساسی، فعالیت برای یادگیری است. موضوع مدیریت محیط



نمودار ۱. الگوی سه جانبه یادگیری خودتنظیم با نظر به آموزش طراحی معماری (نگارندگان)

پیش آزمون، انجام آزمون لوین و آنالیز واریانس و عدم معناداری این دو آزمون تایید دیگری بر یکدست بودن گروه‌های آزمون و گواه است. پس از ارائه برنامه از نظر محتوایی یکسان مابین دو گروه، در یک گروه تاکید بر شیوه‌های یادگیری خودتنظیم از سوی مدرس مورد توجه قرار گرفت و از آنجا که نقش دانشجو در این نوع یادگیری بسیار پررنگ است با هدایت مدرس راهکارهای طراحی شده مورد استفاده عملی قرار گرفت. با نظر به برنامه محتوایی دو گروه آزمون و گواه پروژه‌ها در طول ترم توسط گروه اساتید رصد شده و در پایان ترم، دانشجویان پرسشنامه‌های پس آزمون را تکمیل نموده و علاوه بر مقایسه پرسشنامه‌های پیش و پس آزمون دانشجویان، پرسشنامه‌هایی نیز برای ارزیابی پروژه‌ها توسط اساتید، طراحی شده که بنا به مقیاس پروژه‌ها در طول ترم و پروژه پایانی، گزینه‌هایی از آن پاسخ داده شد. پژوهش‌هایی که هم مقایسه بین گروهی و هم درون گروهی را دربردارد از جمله کامل‌ترین نوع مقایسه برای پژوهش‌های شبه تجربی است از این رو، مقایسه پرسشنامه‌های دانشجویان هم نسبت به خودشان در آغاز ترم و هم نسبت به گروه آزمون با کمک آزمون آنالیز کوواریانس انجام پذیرفت. نتیجه در بیشتر گزینه‌ها اختلاف معناداری در بین گروه آزمون و گواه بوده که در ادامه به توضیح و تفسیر آن پرداخته می‌شود. هم چنین مقایسه مابین پروژه‌ها و ارزیابی روند طی شده دانشجویان توسط اساتید با کمک ضریب توافق کاپا انجام گرفت. چگونگی گردآوری داده‌ها و تفسیر و تحلیل آن‌ها به شرح ذیل است؛ طراحی پرسشنامه برای آموزش طراحی معماری و با محوریت یادگیری خودتنظیم با نظر به مؤلفه منتج از این نوع یادگیری برای طراحی معماری بخش‌های خودپنداری دانشجو، ارزش‌های درونی، تعامل مدرس و دانشجو، تعیین هدف، جهات یادگیری، خودکارآمدی، رفتار یادگیری و مدیریت محیط، طراحی شد. بخشی از سوالات به صورت ساختی و با استفاده از شاخص وی‌آی‌اف ۲ و بقیه به صورت انعکاسی و با کمک شاخص‌های سنجش اعتبار درونی و بیرونی و

تحلیل عاملی (شاخص کی‌ام ۳، آلفای کرونباخ، شاخص ای‌وی‌ای ۴ و معیار فورنل و لارکر) انجام گردید. از جمله در جدول ذیل بخشی از گویه‌های مرتبط با خودپنداری و شاخص‌های مربوطه آورده شده است. پس از انجام این فرایند برای تمام گویه‌ها، انتخاب گروه‌های آزمون و گواه از دانشجویان کارگاه مقدمات طراحی معماری ۲ انجام گردید. انجام پیش آزمون برای هر دو گروه و مقایسه نتایج و آنالیز واریانس آن‌ها حاکی از عدم اختلاف معنادار دو گروه آزمون و گواه بود. از جمله:

یافته‌های تحقیق

مطابق ۶ مؤلفه مطرح شده پرسشنامه‌ای طراحی شد که در ادامه به بخشی از آن و مقایسه گروه‌های آزمون و گواه در آغاز و پایان ترم پس از انجام آموزش‌های مبتنی بر یادگیری خودتنظیم اشاره می‌شود:

آنچه در جدول فوق آمده، بخشی از مقایسه گروه‌های آزمون و گواه با توجه به تاکید بر یادگیری خودتنظیم و بکارگیری راهکارهای این نوع یادگیری در آموزش طراحی پایه است. به طور کلی سعی شده در طراحی گویه‌ها از عباراتی که مرتبط با دروس طراحی معماری بوده، استفاده شود و بتواند سنجش مورد نظر را انجام دهد. به عنوان نمونه در بخش تعیین هدف، گویه «هنگامی که مسئله طراحی را متوجه نمی‌شوم یا آن را کنار می‌گذارم یا در حد انجام تکلیف به آن توجه می‌کنم» دقیقاً مرتبط با هدف تعریف شده برای یادگیرنده و تاثیر تعامل مدرس و دانشجو در طول ترم است. چنانچه تنها انجام تکلیف و تایید مدرس مدنظر باشد پس در چنین موقعیتی هدف دانشجو به سمت انجام تکلیف سوق پیدا می‌کند و چنانچه رسیدن به یادگیری مطرح باشد، یادگیرنده نیز به تمرین و تلاش بیشتر سوق پیدا کرده و البته این از نتایج آموزش مبتنی بر خودتنظیمی است. تفاوت معنادار دو گروه نیز بیانگر تاثیر به سزای آموزش‌های یادگیری خودتنظیم در شکل‌گیری اهداف مناسب برای فراگیران است. علاوه بر این مقایسه، از نظرات مدرسان دو گروه در ارزیابی پروژه‌ها در طول و پایان

مراحل گردآوری داده‌ها	تعداد آزمودنی	آزمون‌های آماری مربوطه (تحلیل داده‌ها)	نتیجه هر ردیف
طراحی پرسشنامه متناسب با آلتیه طراحی معماری پایه	آزمون ۳۰ نفر به صورت پایلوت	الف. سنجش پرسشنامه با نظر به مدل‌های اندازه‌گیری ساختی و انعکاسی از نظر: اعتبار همگرا و اعتبار واگرا - قابلیت اعتماد و ب. تحلیل عاملی	دست‌یابی به پرسشنامه مناسب سنجش
انتخاب گروه‌های آزمون و گواه	آزمون دو گروه ۲۵ نفری (نرمالیته داده‌ها)	توجه به همگنی گروه‌های آزمون و گواه با توجه به میانگین دروس تخصصی دانشجویان دو گروه	اجرای راهکارهای طراحی شده بر دو گروه مورد سنجش
مقایسه بین گروه‌های آزمون و گواه و مقایسه درون گروهی	آزمون دو گروه ۲۵ نفری (نرمالیته داده‌ها)	برای مقایسه گروه‌های پیش آزمون و پس آزمون استفاده از آنالیز کوواریانس	تفاوت معنادار مابین دو گروه و استخراج راهکارهای اصلی
پرسشنامه ارزیابی پروژه‌ها توسط گروه اساتید در طول ترم و پایان	گروه اساتید (۳ مدرس)	بررسی پروژه‌ها در طول ترم و پایان ترم توسط گروه اساتید - استفاده از ضریب کاپا	موفقیت دانشجویان یادگیری خودتنظیم

نمودار ۳. بخش کمی و استخراج نتایج پژوهش (گردآوری داده‌ها و تحلیل داده‌های کمی)

که در نظر دارند، نقش به‌سزایی دارد. علاوه بر این که بر میزان تلاش و علاقه آن‌ها در یادگیری طراحی مؤثر است.

باورهای خودکارآمدی، علاوه بر آن که موجب تداوم انگیزه و تلاش برای یادگیری می‌شود، اگر به‌طور منطقی و مطابق با واقعیت شکل گرفته‌باشد، موجب خواهد شد که فرد محدودیت‌های دانش و مهارت خود را راحت‌تر پذیرفته و به دنبال کسب دانش و مهارت‌های مورد نیاز باشد. در پژوهش حاضر، این نکته به وضوح درباره دانشجویان طراحی پایه با نظر به جنس متفاوت آموزش طراحی معماری با آموزش‌های پیشین یادگیرندگان، مشاهده گردید. هم‌چنین بانظر به یکی از دیرپاترین مشکلات آموزش معماری یعنی جدایی نظر و عمل یا به بیانی جدایی آموزش‌های نظری و طراحی، این توانمندی در جهت حل آن نیز نقش مؤثری دارد. چرا که در این فرایند، تنها مدرس برای این پیوند در تلاش نیست بلکه یادگیرنده به واسطه مسیری که قرار گرفته، هدفی که تعیین نموده و انگیزه خود در یادگیری و مدیریت محیط یادگیری،

ترم نیز استفاده شده و این مقایسه، حاکی از موفقیت دانشجویانی است که راهکارهای یادگیری خودتنظیم در طول روند طراحی بکار گرفته‌اند. به این ترتیب هرچه دانشجویان خودتنظیم‌تر باشند از پیشرفت بیشتری در طول روند طراحی برخوردارند. با نظر به فعالیت‌های طراحی که مورد توجه غالب آلتیه‌های طراحی هست از جمله؛ فرموله نمودن، ارائه، تولید راه حل، ارزیابی و مدیریت نمودن (لاوسون، ۲۰۰۹) و مراحل کلی آموزش طراحی از جمله؛ بیان مسئله، کسب دانش مربوطه، ارائه ایده اولیه و طی روند طراحی، و هم‌چنین مؤلفه مطرح شده، خودتنظیمی یادگیری، به عنوان عامل تسهیل‌کننده آموزش طراحی و عامل تاثیرگذار در پرورش تفکر طراحی مورد توجه است. یادگیرندگان خودتنظیم، دانش مورد نیاز را براساس مشخص نمودن هدف و یا اهداف برای خود تنظیم می‌کنند و این سازماندهی در عملکرد آن‌ها در طول روند طراحی، نقش مثبتی ایفا می‌کند. این یادگیرندگان در مورد توانایی یادگیری و به خصوص توانایی طراحی خود، احساس خودکارآمدی بالا داشته و این نکته بر اهدافی

جدول ۱. نمونه‌ای از تحلیل عاملی و سنجش اعتبار همگرا و واگرایی پرسشنامه طراحی شده (نگارندگان)

کد سوال	گویه	بار عاملی	AVE	آلفای کرونباخ	سنجش فورنل و لارکر
V4_1	در اکثر دروس نمره خوبی می‌گیرم	۰,۶۳۷	۰,۵۲	۰,۶۱۲	۰,۶۶۲ > ۰,۴۸۳
V4_2	همیشه در مقایسه با هم‌کلاسی‌هایم مطالب بیان شده از جانب مدرس را سریع‌تر یاد می‌گیرم	۰,۶۹۷			
V4_7	مطمئنم می‌توانم تمرینات را به بهترین صورت انجام دهم.	۰,۶۸۹			

جدول ۲. نمونه‌ای از سنجش همگنی گروه‌های آزمون و گواه در پیش آزمون؛ ماخذ: نگارندگان.

کد سوال	گویه <u>خودپنداری</u>	آزمون لوین (همگنی واریانس)		آنالیز واریانس	
		PRE	Sig.	Between Groups	Sig.
V4_1	در اکثر دروس نمره خوبی می‌گیرم	V4_1	۰,۱۴۷	V4_1pre	۰,۸۲۶
V4_2	همیشه در مقایسه با هم‌کلاسی‌هایم مطالب بیان شده از جانب مدرس را سریع‌تر یاد می‌گیرم	V4_2	۰,۰۶۲	V4_2pre	۱,۰۰۰
V4_7	مطمئنم می‌توانم تمرینات مربوط به این درس را به بهترین صورت انجام دهم.	V4_7	۰,۲۰۵	V4_7pre	۰,۸۷۸

پاسخ‌ها در عین حفظ جنبه‌های خلاقانه در آتلیه‌های طراحی معماری پایه، دارای اهمیت است. توجه به مقیاس تعریف شده برای مسئله، انتخاب وجوه مورد توجه و زمان ورود آن‌ها در طول پروسه طراحی، دارای اهمیت ویژه برای مدرسین است. احساس تعلق به مسئله، تلاش برای حل آن را فراتر از گذراندن واحد مربوطه کرده و در ارتقا انگیزه و بهبود عملکرد دانشجو و تعریف هدف برای او، نقش پررنگی دارد. به عبارتی تعریف و تقویت تعامل دانشجو با مسئله طراحی به خصوص در ترم‌های اولیه مسئولیتی بر عهده مدرس بوده که با بهره‌گیری از راهکارهای تقویت خودتنظیمی به مقصود اصلی آموزش نزدیک می‌شود. خودتنظیمی نه به عنوان یک توانایی ذهنی و نه یک مهارت عملکرد تحصیلی، بلکه خودتنظیمی به فرایند

در جهت استفاده و ارتقا دانش نظری برای بکارگیری در طراحی، گام برمی‌دارد. در موضوع آتلیه‌های طراحی به‌طور کلی، هرگونه طراحی یا برنامه‌ریزی مسئله دارای وجوه گوناگون است و همین مسئله باعث رخداد یادگیری می‌شود. پاسخ‌های اولیه، مشورت ایده‌های چالش برانگیز، قضاوت بر دستاوردها و اخذ نظر دیگران از جمله مواردی است که بهبود یادگیری را سبب می‌شود. در بحث دروس طراحی پایه، مسئله دشوار، رسیدن به سوالات و وجوه مورد توجه در گام نخست و سپس یافتن پاسخ‌ها و توانایی هماهنگ نمودن آن‌ها در ارتباط با جنبه‌های گوناگون برای طراحی (پاسخی واحد به مسئله) است. به عبارتی سه بخش ایجاد توجه، خلق پاسخ و نهایتاً هماهنگی و یکپارچه‌سازی

جدول ۳. سنجش همگنی گروه‌های آزمون و گواه در پیش آزمون و آنالیز کوواریانس گروه‌های آزمون و گواه در آزمون پسینی (نگارندگان)

عناوین اصلی	گویه	آزمون لوین (همگنی واریانس‌ها)		آنالیز واریانس		آنالیز کوواریانس	
		Sig.	PRE	Sig.	بین گروه‌ها	Sig.	Post
تعیین هدف	۱	۰,۲۵۶	V7-3	۰,۵۷۶	V7-3 pre	۰,۰۰۱	V7-3
	۲	۰,۱۱۵	V6-۱۰	۰,۷۷۸	V6-10 pre	۰,۰۰۰	V6-۱۰
	۳	۰,۸۹۶	V8-۱۱	۰,۶۸۴	V8-11 pre	۰,۰۳۲	V8-۱۱
جهت یادگیری	۴	۰,۱۵۴	V4-۲۰	۰,۰۹۴	V4-20 pre	۰,۰۴۹	V4-۲۰
	۵	۰,۹۵۸	V4-۲۱	۰,۱۱۲	V4-21 pre	۰,۰۱۳	V4-۲۱
	۶	۰,۳۹۲	V5-۱۲	۰,۰۶۰	V5-12 pre	۰,۰۰۰	V5-۱۲
	۷	۰,۲۹۱	V7-۲۳	۰,۶۰۰	V7-23 pre	۰,۰۰۰	V7-۲۳
	۸	۰,۱۴۷	V4-1	۰,۸۲۶	V4-1 pre	۰,۰۰۰	V4-1
	۹	۰,۰۶۲	V4-2	۱,۰۰۰	V4-2 pre	۰,۰۲۵	V4-2
	۱۰	۰,۲۰۵	V4-7	۰,۸۷۸	V4-7 pre	۰,۰۳۱	V4-7
خودکارآمدی	۱۱	۰,۵۲۹	V4-3	۰,۱۱۸	V4-3 pre	۰,۰۱۵	V4-3
	۱۲	۰,۱۵۲	V8-۱۲	۰,۴۱۰	V8-12 pre	۰,۰۰۵	V8-۱۲
خودمشاهده‌گری	۱۳	۰,۲۶۳	V8-4	۰,۱۶۴	V8-4 pre	۰,۰۱۹	V8-4
	۱۴	۰,۳۶۴	V7-۱۱	۰,۱۴۵	V7-11	۰,۰۳۵	V7-۱۱

	۱۱		pre		۱۱	پروژه‌های دیگر بچه‌ها ارائه می‌دهیم، به نظر می‌رسد برای استاد اهمیت دارد.	
	V7-10	۰,۵۸۴	V7-10 pre	۰,۴۵۰	V7-10	به نظر می‌رسد استاد براساس سلیقه کارها را قضاوت می‌کند و معیار مشخصی در کار نیست.	۱۵
	V6-6	۱,۰۰۰	V6-6 pre	۰,۱۳۵	V6-6	ما را تشویق به اندیشیدن می‌کند	۱۶
	V7-19	۰,۵۷۱	V7-19 pre	۰,۷۷۱	V7-19	تا زمانی که خودمان شروع به انجام دادن پروژه نمی‌کردیم، متوجه توضیحات استاد نمی‌شدیم	۱۷
	V7-27	۰,۴۳۱	V7-27 pre	۰,۱۲۱	V7-27	حتی اگر در تحویل پروژه نتیجه راضی کننده‌ای کسب نکنم، سعی خواهم کرد تا از اشتباهات خود چیزی یاد بگیرم.	۱۸
	V8-2	۰,۷۱۳	V8-2 pre	۰,۴۱۴	V8-2	شاهد کرکسیون هم کلاسی‌ها با استاد بودن، در فهم من از مسئله طراحی تأثیر گذار است.	۱۹
	V8-6	۰,۶۱۴	V8-6 pre	۰,۱۵۸	V8-6	مسئله‌ای که به عنوان تمرین برای ما مطرح می‌شود واقعی باشد، بهتر است.	۲۰
	V4-10	۰,۵۸۴	V4-10 pre	۰,۱۲۲	V4-10	زمان‌هایی که سر کلاس مقدمات طراحی هستم احساس خوبی دارم.	۲۱
	V4-14	۰,۲۱۲	V4-14 pre	۰,۱۱۳	V4-14	فکر کنم از بودن در کلاس لذت می‌برم	۲۲
	V6-2	۰,۴۵۶	V6-2 pre	۰,۶۰۷	V6-2	کلاس کسل کننده است	۲۳
	V4-15	۰,۲۰۱	V4-15 pre	۰,۳۰۹	V4-15	با مدرس در کلاس درس ارتباط دوستانه دارم.	۲۴
	V5-7	۰,۵۵۹	V5-7 pre	۰,۲۶۶	V5-7	ارزشمندی کلاس	۲۵

محل سازی

مدیریت محیط

اساتید، گواه بهبود عملکرد طراحی نیز هست و به عبارتی دانشجویانی که با یادگیری خودتنظیم فرایند طراحی را طی نموده در نهایت موفقیت فزون تری نیز حاصل کرده‌اند. در این پژوهش هم از بعد باور دانشجو نسبت به خود و هم سنجش عملکرد آن توسط اساتید، کاربرد راهکاری آموزشی در جهت تقویت و تاکید بر خودتنظیمی یادگیری در طراحی معماری مورد توجه و سنجش قرار گرفته است.

بحث

شش مؤلفه مورد نظر در یادگیری خودتنظیم- مطرح شده در بخش پیشینه-، متناسب با آموزش طراحی معماری پایه، طراحی شده و پس از انجام آزمون

یادگیری مرتبط است. خودتنظیمی در ارتباط میان آن‌چه یادگیرندگان از توانمندی‌های ذهنی‌شان به‌سوی مهارت‌های آموزشی مرتبط با تکلیف و مسئله تعریف شده انتقال می‌دهند، تعریف می‌گردد. اصل اساسی خود تنظیمی بر محوریت دانشجو تعریف شده، از این رو تمامی گام‌ها براساس فعالیت دانشجو بوده و نظرسنجی اصلی برای رشد و تقویت یادگیری خودتنظیم (با در نظر گرفتن زیربخش‌های آن) از دانشجو انجام می‌گیرد. تفاوت معنادار در مقایسه گروه‌های آزمون و کنترل در بین آزمون پیشینی و آزمون پسینی، گواه تأثیرگذاری این آموزش‌ها است. علاوه براین، سنجش روند طراحی طی شده در دوبخش فرایند و محصول توسط گروه

ها و بررسی نتایج این آموزش، چگونگی تعریف این مؤلفه ها در آموزش طراحی پایه به شرح زیر است:

۱- تعیین هدف؛

برای این بخش دو مقیاس کلی مورد سنجش قرار گرفت یکی مقیاس بزرگ و کلی تر نسبت به نوع گذراندن دروس طراحی و تاثیر این نوع نگاه در ادامه مسیر آموزش طراحی و دیگری مقیاس کوچک تر و البته ملموس تر برای مشخصا پروژه طراحی تعریف شده. تعیین هدف برای پروژه طراحی توسط دانشجو، سپس تقویت، اصلاح و تدقیق آن در طی جلسات کرکسیون، دانشجو را متوجه ارزش طراحی کردن نموده و در تقویت انگیزه وی برای کسب دانش در جهت رسیدن به هدف یاری می‌رساند. علاوه بر این، انجام اسکیزهای یک روزه با هدف گذاری مشخص از سوی مدرس در آشنایی دانشجو با نوع هدف گذاری و توجهات گوناگون در تعریف هدف مسئله طراحی آشنا می‌کند. این مهم از جمله وجوه اصلی روند طراحی بوده که تنها با لمس و تجربه آن حاصل می‌گردد. توجه بر یادگیری خودتنظیم در حوزه تعیین هدف، گرایش دانشجو را با نظر به شیوه و هدف آموزش‌های پیش از دانشگاه به سوی تمرکز بر یادگیری جهت داده و از این رو باعث حرکت دانشجو در راستای کسب دانش و مهارت برای بهبود عملکردش می‌شود. علاوه بر این، در بازخورد دانشجویان طراحی به خصوص در سال‌های اولیه مواجه با این درخواست که چنانچه محدودیتی در تعریف مسئله بیان شود، مناسب تر است، گواه روشنی بر اهمیت وجه چالشی اهداف است و از طرفی به پرورش اندیشه دانشجو کمک می‌کند.

۲- جهات یادگیری؛

تعیین هدف در شکل گیری جهت یادگیری به سوی یادگیری (نوع اول) در دانشجویان طراحی تاثیرگذار است. این نوع مورد نظر در یادگیری خودتنظیم بوده و حصول آن در بحث آموزش طراحی معماری به خصوص در ترم‌های آغازین مشکل تر است چرا که به دلیل تغییر ماهیت آن چه آموخته می‌شود و سبک این آموزش، دانشجو در ابتدا به دنبال اخذ تایید مدرس و

در نتیجه فاصله گرفتن از یادگیری خودتنظیم است. ایجاد فرصت یادگیری برای دانشجوی طراحی و تعریف لذت یادگیری به کمک هنر تدریس توسط مدرس درس عملی می‌گردد. هدایت دانشجویان به سوی دسته اول، باعث تلاش آن‌ها برای رسیدن به هدف مورد نظرشان شده و کسی که مدام اندیشیده، نظر داده و به دنبال آن ایجاد تغییر نموده کسی جز خود یادگیرنده نیست. البته گرفتن نظر دیگران برای آن‌ها به عنوان هدف نهایی نبوده و در راستای رسیدن به هدف مورد نظرشان گام برمی‌دارند.

۳- خودکارآمدی؛

در چهار بخش یاد شده برای خودکارآمدی و در نظر گرفتن وجوه آموزش طراحی، تعامل با تمرین دارای پتانسیل فراوانی است. بخش اول چگونگی مواجه با تمرین یا مسئله است. از آن جا که جنس آموزش طراحی غالباً مسئله محور بوده و پژوهش‌های مفیدی هم در این حوزه انجام شده، دقت این پژوهش، در جزئیات استفاده از این شیوه تعریف می‌گردد. گام اول یا همان تعریف مسئله می‌تواند از شیوه معمول که از جانب مدرس تعریف و تعیین شده خارج گردد و این بخش بر عهده دانشجو گذاشته شود. جستجو برای تعریف مسئله و سپس تلاش برای انتخاب مسئله تعریف شده به عنوان مسئله کلاس، علاوه بر بهبود خودکارآمدی دانشجویان به تلاش وی برای کسب و بکارگیری دانش و عملاً ارتباط نظر و عمل منجر می‌گردد. همچنین این تلاش در تقویت بینش دانشجو برای تعیین هدف و ارتقا انگیزه وی و به دنبال آن موفقیت به عنوان یکی از شاخصه‌های خودکارآمدی مؤثر است.

۴- خودمشاهده‌گری، خودقضاوتی و خودواکنشی؛

رفتار یادگیری به عنوان یکی از سه جنبه اساسی تئوری یادگیری اجتماعی-شناختی در یادگیری خودتنظیم با سه مؤلفه خودمشاهده‌گری، خود قضاوتی و خودواکنشی تعریف می‌شود. سرمایه‌گذاری بر این سه گزینه در آموزش طراحی معماری، علاوه بر شکل گیری

۶- مدیریت محیط؛

مدیریت محیط یادگیری، نقش مهمی در بهره‌وری آتلیه‌های طراحی دارد. مدت زمان طولانی حضور در آتلیه‌ها به عنوان یک محیط یادگیری طراحی لزوم توجه یادگیرندگان به مدیریت محیط آموزشی و تلاش برای خلق موقعیت‌های سودآور در راستای یادگیری‌شان، ضروری است. اصل اساسی، فعالیت برای یادگیری است. موضوع مدیریت محیط برای دانشجویان از خود طراحی پیچیده‌تر است و نیاز به مدیریت تعاملی و متمرکز دارد. پژوهش‌ها نشان‌گر آن است که یادگیرندگان با یادگیری خودتنظیم قادر به کنترل رفتار خود و محیط‌شان هستند. آن‌ها مسئولیت قبول کرده و فعالانه و آگاهانه برای کنترل محیط در جهت شرایط بهینه یادگیری و رسیدن به اهدافشان تلاش می‌کنند

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

مجموعه راهکارهایی در آموزش دروس طراحی پایه، با رویکرد یادگیری خودتنظیم و با هدف بهبود عملکرد دانشجوی طراحی معماری در قالب سه بخش اصلی تئوری یادگیری شناختی-اجتماعی، حاصل این پژوهش است. راهکارهایی که بعد از آزمون و در مقایسه با گروه گواه، باعث خلق تفاوت معناداری مابین نتایج آزمون پیشین و پسین گردید. راهکارها به طور غالب به دلیل حساسیت دروس طراحی پایه، مدرسین را مورد خطاب قرار داده و با محوریت دانشجوی طراحی شده‌اند. جدول ۴ به بیان آن‌ها می‌پردازد.

یادگیری زمانی که دانشجو به دانش و تخصصی برای تغییر و تکمیل منابع شناختی در جهت یادگیری چگونه طراحی کردن توجه داشته و به دنبال کسب آگاهی از فعالیت‌ها، مهارت‌ها و دانش مؤثر در یادگیری خودتنظیم باشد، حاصل می‌گردد. علاوه بر این، ایجاد فرصت‌هایی برای ریسک‌پذیری، توجه به علایق شخصی و کسب اطلاعات جدید یادگیری نیز در این تغییر برای دانشجو مؤثر است. از آن جا که شکل‌گیری یادگیری خودتنظیم در ترکیب با یادگیری طراحی، فرایندی مهم و البته با پیچیدگی‌های خاص خود

یادگیری، دستاورد بزرگ‌تری نیز به دنبال داشته و آن شکل‌گیری تفکر طراحی است؛ تعمیق تفکر طراحی معمول و شکل‌گیری تفکر متناسب با موقعیت و در مواردی شکل‌گیری استراتژی طراحی، از پیامدهای آن است. ماهیت بصری طراحی امکان مشاهده را فراهم نموده منتها در این سه مؤلفه بر نقش نظارتی دانشجو بر کار خود و تقویت فعالیت تامل کردن در طراحی در دویخش تامل در حین انجام طراحی و تامل پس از طراحی است. آموزش این رفتار با کمک مدرس ابتدا در کرکسیون‌ها به صورت فردی و فراهم نمودن شرایط بیان نظر دانشجو و سپس به صورت گروهی و خواستن نظر گروه هم کلاسی‌ها رشد کرده و در نهایت از دانشجو خواسته می‌شود که خود به تنهایی بر بیان نقاط قوت و ضعف کار و ارائه راهکار برای تقویت و بهبود طراحی اقدام نماید. آن چه به‌طور معمول اتفاق می‌افتد، بیان نقاط ضعف در زمان تحویل پروژه بوده و ادامه نمی‌یابد. تجربه نشان داده برای دانشجوی نوپا بیان شفاهی مشکلات به تنهایی کارساز نبوده و نیاز به ایجاد فرصتی علاوه بر تشخیص ایرادات بر اصلاح نقاط ضعف و بازگشت بر کار است.

۵- مدل‌سازی؛

همان‌طور که به آن اشاره گردید یادگیری از طریق ساختن و به عبارتی نقش اساسی تمرین در آموزش طراحی معماری قابل توجه است. در پروژه‌های طراحی، لازم است دانشجویان به شرکت‌کنندگان فعالی تبدیل شوند به بیان دیگر، دانشجویان باید مسئولیت آموزش خود را پذیرفته، نظارت و مدیریت افکار و رفتار خودشان را بر عهده گیرند. علاوه بر این، امکان فرصت آموزش از مشاهده دیگران در آموزش طراحی به صورت مشاهده کار طراحان از طریق بررسی دانش پیشینه‌ها و مطالعه نمونه موردی در بحث شناخت و تحلیل میسر است. به عبارتی آموزش نیابتی این‌گونه تعریف شده و در ارتباط دانش حاصل از پیشینه‌ها و طراحی تأثیرگذار است. فراهم آوردن شرایط شناخت صحیح و آشنا نمودن دانشجو با نگاه تحلیلی، مرتبط با این مؤلفه است.

جدول ۴. معرفی راهکارهای آموزش طراحی معماری با هدف شکل‌گیری و تقویت یادگیری خودتنظیم (نگارندگان)

مولفه‌های خودتنظیم	یادگیری	در آموزش طراحی معماری
<p>یادگیرنده</p>	<p>تعیین هدف</p> <p>ردیف‌های ۱ تا ۳</p> <p>پرسشنامه، تعیین هدف و تقویت نگاه خودباوری دانشجو و احساس مسئولیت دانشجو مدنظر است</p>	<p>مشارکت دانشجو در تعریف فرایند طراحی از تعریف مسئله تا پیشبرد، ارزیابی و برای دانشجویان مقدماتی نیاز به انجام سلسله مراتبی درجهت آموزش صحیح آن‌ها است</p> <p>برای دانشجویان، ارتباط مؤثری مابین نحوه ورود آن‌ها به پروژه و میزان آموزش‌هایی که به آن نیاز دارند، وجود دارد. علاوه بر این، دانشجویان اغلب قادر به انتخاب وجوه مختلفی هستند که مورد نظرشان برای پاسخ‌گویی بوسیله انجام پروژه، است. این شرایط باعث خلق فرصت‌ها و چالش‌هایی می‌گردد</p> <p>تشویق دانشجویان به مباحثه با دیگر هم‌کلاسی‌ها پیرامون فهم آن‌چه از پروژه طراحی درک کرده و کمک به اصلاح برداشت آن‌ها از طراحی و آن‌چه بایستی انجام دهند</p>
	<p>جهت یادگیری</p> <p>ردیف‌های ۴ تا ۷</p> <p>پرسشنامه، تاثیر آموزش بر تقویت یادگیری برای یادگیری</p>	<p>ماهیت پویای یادگیری لزوم اعطا آزادی را طول فرایند یادگیری از سوی مدرس به دانشجو فراهم می‌کند</p> <p>حس تعلق به مسئله طراحی و دغدغه‌مند بودن دانشجو می‌تواند دانشجو را به سمت یادگیری اصلی سوق دهد و حصول یادگیری مقدم بر انجام تکلیف را حاصل کند</p> <p>ایجاد فرصت خلق نگاه دانشجویان درباره مسئله طراحی برای بهبود یادگیری</p> <p>اختصاص زمان بیشتر برای مباحثه‌های عمیق‌تر در فرایند طراحی و استراتژی‌های یادگیری خودتنظیم</p>
<p>خودکارآمدی</p> <p>ردیف‌های ۸ تا ۱۱</p> <p>پرسشنامه، تاکید آموزش بر حس تعلق دانشجو نسبت به مسئله</p>	<p>خود</p> <p>مشاهده‌گری</p> <p>ردیف‌های ۱۲ تا ۱۶</p> <p>پرسشنامه، تلاش بر شناخت دانشجو از جنبه‌های گوناگون توانمندی‌های خود هم از نوع مواجهه با تمرین و هم از طریق ادامه فرایند</p>	<p>یادگیرندگان، بایستی مالکیت کافی و فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری در موقعیت یادگیری داشته باشند به جای این‌که تصمیم‌های مشخص برای آن‌ها گرفته شود</p> <p>یادگیری به‌واسطه انجام دادن مستلزم آگاهی از اصول طراحی بوده و توجه جدی مدرس برای دروس طراحی پایه به آموزش این اصول در حین انجام تمرینات برای جلوگیری از سرخوردگی دانشجویان لازم است</p>
	<p>خودقضاوتی</p>	<p>یادگیری خودتنظیم بسته به میزان انتخاب یادگیرندگان و آزادی آن‌ها براساس انتخابشان در یک طیف از بالا به پایین متفاوت و متنوع است و آگاهی از آن‌چه انجام می‌دهند برای تنظیم فعالیت‌ها لازم است</p> <p>آزادی در آموزش، زمانی حاصل می‌شود که دانشجو به تجاربی برای انتخاب منابع شناختی و ادراکی از یادگیری برای طراحی کردن توجه کرده و در صورت نیاز، تغییر ایجاد نماید</p> <p>توجه به درک متفاوت دانشجویان از مسئله و طی روند طراحی در هر سال، نوع برخورد با آن‌ها و شیوه آموزش و یادگیری خودتنظیم نیز تفاوت‌هایی می‌کند و لزوم مدیریت زمان برای این روند لازم است</p> <p>تلاش برای تشخیص نیازها و وجوه مختلف مسئله طراحی با نظر به مقیاس آن، در ارتقا درک دانشجو از وجوه قابل توجه ضروری است</p> <p>دانشجویانی که جنبه‌های مثبت مسئله را بیان می‌کنند، بهتر از کسانی که مسئله را بی‌ربط، بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، در طی روند طراحی، موفق هستند</p>
<p>خودقضاوتی</p>	<p>اعطا فرصت برای تصمیم‌گیری، با نظر به مقیاس مسئله، به عنوان گام نخست آموزش برای قضاوت</p>	<p>اعطا فرصت برای تصمیم‌گیری، با نظر به مقیاس مسئله، به عنوان گام نخست آموزش برای قضاوت</p>

<ul style="list-style-type: none"> تعریف مقیاس برای قضاوت از جمله نظر هم‌کلاسی‌ها بر کار یکدیگر به صورت گروهی و سپس فردی و بیان دلایل و استدلال نظرات و هدایت مدرس در این گزینه، بر شکل‌گیری و رشد نگاه نقادانه دانشجو مؤثر است تعریف نقش دانشجو به عنوان مسئول پروژه، در ترغیب وی به سوی ارزیابی صحیح در طی روند و کسب نتیجه مطلوب تاثیرگذار است 	
<ul style="list-style-type: none"> شکل‌گیری و تقویت تفکر طراحی و تاکید بر آن، لزوم توجه و به‌کارگیری یادگیری خودتنظیم رادبردارد و این با ایجاد فرصت رفت و برگشتی مابین نظارت و طراحی برای دانشجو میسر می‌گردد تعریف نقش دانشجو به عنوان مسئول پروژه، در ترغیب وی به سوی ارزیابی صحیح و تلاش برای رفع نواقص و طراحی مناسب مؤثر است برای رسیدن به خودواکنشی درست هدایت مدرس قابل توجه است و از مقیاس کرکسیون‌های کلاسی قابل تعریف و آغاز بوده و با طی مسیر طراحی در تحویل موقت نمود پرنگ‌تری دارد. نظردهی بر کار دیگران و ارائه راهکار برای آن در تقویت این نگاه لازم است 	<p style="text-align: center;">خودواکنشی</p>
<ul style="list-style-type: none"> در حقیقت شکل‌گیری تمامی انواع اندیشه‌های طراحی حاصل یادگیری خودتنظیم، مستلزم ایجاد موقعیت و کاربرد است و محیط آتلیه و مدیریت تعاملی آن توسط مدرس و دانشجو، دارای اهمیت است دانشجویان قادر به انتخاب فعالانه، ساخت و خلق محیط یادگیری خود هستند، از این رو ارتباط آن‌ها با یکدیگر و مدرس در محیط آتلیه تعریف شده و علاوه بر جنبه‌های رفتاری، چیدمان محیط نیز در شکل‌گیری نوع بهینه این تعامل تاثیرگذار است 	<p style="text-align: center;">مدیریت محیط یادگیری</p> <p>ردیف‌های ۲۵ تا ۲۱ پرسشنامه، نقش مدرس، محیط دوستانه کلاس و ارزشمندی کلاس</p>

یادگیری آشنا شده و در یادگیرنده‌ی طراحی به‌کار بسته‌اند، می‌توان انتظار موفقیت بیشتری داشت. علی‌رغم وجود محدودیت‌هایی از قبیل توانایی ذهنی، پس زمینه‌های اجتماعی و محیطی، کیفیت تحصیل، یادگیری خودتنظیم در تلاش برای یادگیری و رسیدن به موفقیت یادگیرنده، است. تاثیر آموزش هدفمند با استفاده و توجه به توانمندی‌های دانشجو و تاثیر محیط یادگیری، آشنایی مدرسان با دیدگاه نظری جدیدی را برای آموزش تفکر در طراحی و یادگیری، فراهم می‌کند. بدین ترتیب، مدرسان آتلیه‌های طراحی از نتایج و یافته‌های این پژوهش با نظر به دریافت خود بهره می‌گیرند.

منابع و ماخذ

احمدی، محمدسعید (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر خودتنظیمی یادگیری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر زنجان، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱(۱)۵۵، ۱۲۰-۱۱۳. بخشی، محمود و آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲). الگوی

است، لزوم توجه به توانمندی دانشجویان و طی مرحله به مرحله فرایند قابل توجه است. علاوه بر این، مشارکت دانشجو در این نوع یادگیری به عنوان جز اصلی و جدانشدنی مطرح بوده و فراهم آوردن شرایط تعامل دانشجو با نمودهایی از قبیل واگذاری بیان مسئله تمرین بر عهده وی، هم‌چنین بیان نکات قوت و ضعف کار خود و دیگر هم‌کلاسی‌ها و به دنبال آن ارائه راهکارهای پیشنهادی از جمله راهکارها است. مسؤلیت یادگیری بر عهده دانشجو قرار گرفته و هدایت به سرانجام رسیدن آن بر عهده مدرس و حاصل این تعامل شکل‌گیری یادگیرندگانی با شوق برای یادگیری و تلاش برای کسب دانش و مهارت‌ها در این جهت خواهد بود. مسلماً با شکل‌گیری این نوع یادگیری در ترم‌های پایه و تعمیق آن در طول دوره آموزشی، کسب بینش صحیح طراحی علاوه بر ارتقا دانش و بهبود مهارت‌ها نیز عملی خواهد شد. از آن جا که آگاهی در طول زمان گسترش یافته، از دانشجویان طراحی که از دروس طراحی پایه با این نوع

Barone, D.J., Maddux, E., & Snyder C.R. (1997). *Social cognitive psychology: history and current domains*. NY: Plenum.

Barrows, H.S. & Tamblyn, R.M. (1980). *Problem-based learning: an approach to medical education*. New York: Springer-Verlag, 140

Corner, J. (1991). A discourse on theory II: three tyrannies of contemporary theory and the alternative of hermeneutics. *Landscape Journal*, 10(2), 115-133.

Dewey, J. (1933). *How we think: a restatement of the relation of reflective thinking to the educative process*. Boston, MA: D.C. Heath.

Finkel, S.L. & Torp, L.L. (1985). *Introductory documents*. Center for Problem-Based Learning. Illinois Math and Science Academy: Aurora, IL.

Hadwin, A.F. (1996). Promoting self-regulation: examining the relationships between problem-based learning in medicine and the strategic content learning approach. *Proceeding of the Annual Meeting of the American Educational Association*. April 8-12, New York, NY.

Hsu, Y. (1999). Evaluation theory in problem-based learning approach. *Proceedings of the National Convention of the Association for Educational Communications and Technology*. February 10-14, Houston, TX.

Koch, A., Schwensen, K., Dutton, T.A. & Smith, D. (2002). *The redesign of studio culture: a report of the AIAS studio culture task force*. Washington, DC: The American Institute of Architects. 142

Koschmann, T.D., Myers, A.C., Feltovich, P.J., & Barrows, H.S. (1994). Using technology to assist in realizing effective learning and instruction: a principled approach to the use of computers in collaborative learning. *The Journal of Learning Sciences*, 3(3), 227-64.

پیش بینی پیشرفت تحصیلی: نقش تفکر انتقادی و راهبردهای خود تنظیمی یادگیری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳(۲)، ۱۶۳-۱۵۳.

رضازاده، حمیدرضا (۱۳۹۲). *اصول عمومی تدریس و پرسشگری*. تهران: انتشارات وانیان.

سلیمان نژاد، اکبر (۱۳۸۳). *نظریه خودنظم جویی تحصیلی زیمرمان، پیک نور، علوم انسانی*، ۳(۲)، ۱۱۲-۱۰۴.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. ویرایش ششم، تهران: نشر دوران.

کریمی موقی، ح. محمدی، ا. صالح مقدم، ا. غلامی، ح. کارشکی، ح و زمانیان ن (۱۳۹۳). *مقایسه تاثیر آموزش به روش یادگیری مشارکتی و سخنرانی بر باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود تنظیمی*. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۴(۵)، ۴۰۲-۳۹۳.

Ames, C. (1992). Classrooms: goals, structures, and student motivation. *Journal of Educational Psychology*, 84, 261-271.

Anthony, K. (1991). *Juries on trial: the renaissance of the design studio*. New York: Van Nostrand Reinhold.

Anthony, K. (2001). *Designing for diversity: gender, race, and ethnicity in the architectural profession*. Champaign: Univ. of Illinois Press.

Anthony, K., & Grant, B. (1993). Gender and multiculturalism in architectural education. *Journal of Architectural Education*, 47(1).

Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: a social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Bandura, A. (1990). Selective activation and disengagement of moral control. *Journal of Social Issues*, 46(1), 27-46.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

- Kvan, T. (2001). Teaching architecture, learning architecture: technology in support of design learning. Proceeding from Sixth Annual Conference of Computer Aided Architectural Design Research in Asia. Hong Kong.
- Lawson, Bryan & Dorst, kees.(2009). Design Expertise. published by Elsevier Ltd, ISBN:978-1-8561-7670-5, 24-80.
- Locke, E.A. (1991). The motivation sequence, the motivation hub, and the motivation core. *Journal of Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 288-299.
- Locke, E.A. & Latham, G.P. (1990). A Theory of goal setting and task performance. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Malecha, M.J. (1985). The design studio. La Verne, CA: Architecture and Research.
- Oenardi Lawanto, Sylvie Cartier, Harry Santoso, Kevin Lawanto, David Clark(2013). An Exploratory Study of Self-Regulated Learning Strategies in a Design Project by Students in Grades 9-12, *Design and Technology Education: An International Journal* 18 (1), 44-57.
- Ormrod, J.E. (1999). *Human learning* (3rd ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- Power, M. (2004). A STUDY OF SELF-REGULATED LEARNING IN LANDSCAPE ARCHITECTURE DESIGN STUDIOS, DOCTOR OF PHILOSOPHY In ENVIRONMENTAL DESIGN AND PLANNING.
- Pintrich, P.R., & Schrauben, B. (1992). Students' motivational beliefs and their cognitive engagement in classroom academic tasks. In Schunk, D.H., & Meece, J.L. (Eds.), *Student perceptions in the classroom* (pp. 149-183). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Salama, A.(2015). *Spatial design education: New direction for pedagogy in architecture and beyond*. Ashgate publishing limited, england.
- Schön, D.A. (1987). *Educating the reflective practitioner: toward a new design for teaching and learning in the professions*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Schunk, D.H. (1989). Self-efficacy and achievement behaviors. *Educational Psychology Review*, 1, 173-208.
- Schunk, D.H. (1996). Self-evaluation and self-regulated learning. U.S. Indiana. ERIC DOC ED403233. 144
- Schunk, D.H. (2001). Social cognitive theory and self-regulated learning. In Zimmerman, B.J. & Schunk, D.H. (Eds.) *Self-regulated learning and academic achievement: theoretical perspectives* (2nd Ed.), (pp. 1-37). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Schunk, D.H., & Zimmerman, B.J. (Eds.), (1998). *Self-regulated learning: from teaching to reflective practice* (pp.1-19). New York: Guilford Press.
- Webster, H. (2001). *The design diary: promoting reflective practice in the design studio*. Architecture Education Exchange. Cardiff, UK.
- West, S.A. (1992). Problem-based learning: a viable addition for secondary school science. *School Science Review*, 73(265), 47-55.
- Zimmerman, B.J. (1990). Self-regulated learning and academic achievement: an overview. *Educational Psychologist*, (25), 3-17.
- Zimmerman, Barry and Schunk, Dale (2001), 'Reflections on theories of self-regulated learning and academic achievement'. In B. Zimmerman and D. Schunk (eds), *Selfregulated learning and academic achievement: theoretical perspectives* (2nd ed.), Erlbaum, Mahwah, NJ, 289-307.
- Zimmerman, B.J. (2001). Theories of self-regulated

learning and academic achievement: an overview and analysis. In Zimmerman, B.J., & Schunk, D.H. (Eds.), Self-regulated learning and academic achievement: theoretical perspectives (2nd ed.), (pp. 1-37). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Zimmerman, B.J., Bandura, A., & Martinez-Pons, M. (1992). Self-motivation for academic attainment: the role of self-efficacy beliefs and personal goal setting. *American Educational Research Journal*, 29, 663-676

Zimmerman, B.J., & Kitsantas, A. (1997). Developmental phases in self-regulation: shifting from process to outcome goals. *Journal of Educational Psychology*, 89, 29-36.

Zimmerman, B.J., & Schunk, D.H. (Eds.). (2001). Reflections on self-regulated learning and academic achievement. In Zimmerman, B.J., & Schunk, D.H. (Eds.), Self-regulated learning and academic achievement: theoretical perspectives (2nd ed.). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Zimmerman, B.J. & clearly, J.C. (2004). Self regulation empowerment program: A school based program to enhance self regulated and self motivated cycles of student learning. *Psychology in the school*, 41, 51, 527-550.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۳۲ ■

تأثیر بررسی رفتار حرارتی پوسته بنا در ساختمان‌های مسکونی بر اصلاح ساخت و ساز به منظور کاهش اتلاف انرژی

سمانه خان احمدلو* - دانشجوی دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

محسن فیضی - استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

سید مجید مفیدی شمیرانی - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

در سال‌های اخیر بررسی عملکرد حرارتی ساختمان، به‌ویژه پوسته بنا که حد واسط فضای بیرون و فضای درون ساختمان است، مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. ظهور نرم‌افزارهای شبیه‌سازی بنا، به روند رو به رشد این تحقیقات کمک قابل توجهی نموده است. بهره‌گیری از نتایج این تحقیقات می‌تواند سیستم ساخت‌وساز کنونی کشور را در جهت کاهش اتلاف انرژی و به تبع آن ذخیره انرژی در کشور، بهبود ببخشد. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل کیفی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه عملکرد حرارتی پوسته بنا هست. به این منظور با به‌کارگیری روش فراترکیب از میان بیش از ۱۰۰ مقاله انتخاب‌شده، تعداد ۳۵ مقاله به‌صورت اصولی فیلتر و سپس در نرم‌افزار مکس کیو-دی ای کدگذاری شدند. در این پژوهش تعداد ۲۰۸ کد توسط نرم‌افزار شناسایی شدند که از میان تم‌های مشخص‌شده، «پنجره» با ۳۵ ارجاع، «پوسته» با ۲۸ ارجاع، «بام» با ۲۵ ارجاع و «دیوار» با ۲۳ ارجاع در زمره مهم‌ترین تم‌های شناسایی‌شده بودند. همچنین تم اصلاح شیوه ساخت‌وساز با ۵ ارجاع دارای کم‌ترین ارجاع در بین مقالات کدگذاری شده بود. از نوآوری‌های مقاله حاضر شناسایی شاخص‌ها و ابعاد بررسی عملکرد حرارتی پوسته بنا از روش پژوهش کیفی فراترکیب و نرم‌افزار مکس-کیودا می‌باشد.

واژگان کلیدی: عملکرد حرارتی پوسته بنا، اصلاح ساخت‌وساز، کاهش اتلاف انرژی، فراترکیب

The effect of the thermal behavior of the building shell in the modified construction of residential buildings to reduce energy waste

Abstract

In recent years to investigate the thermal performance of the building, especially the building shell intermediate outer space and inner space of the building, has been a lot of interest. The emergence of simulation software, has significantly contributed to the growing trend of the investigation. Using the results of this research could be the country's current construction systems to reduce energy consumption and consequently save energy in the country, improve. The aim of this study was to analyze qualitative researches in the field of thermal performance of the building's shell. For this purpose, using meta-synthesis method selected from among more than 100 articles, 35 paper filter and software as MAXQDA11 principles were coded. In this study, 208 were identified by the software code of the specified themes, "window" with 35 references, "shell" with 28 references, "roof" with 25 references and "The Wall" with 23 cases identified among the most important They were. The theme is "correct construction practices" referred to in Articles 5 references least be coded. Innovation research is to identify indicators and measures to evaluate the thermal performance of the building shell meta-synthesis of qualitative research methods and software is Max-Kyoda.

Keywords: thermal performance of the building shell, building modification, reducing energy consumption, meta-synthesis

مقدمه

امروزه در عرصه پهنای علوم و تکنولوژی و نحوه بهره‌گیری از آن‌ها در معماری و به‌ویژه از لحاظ مصرف انرژی، تحقیقات و نظریه‌های متعددی ارائه شده است. شرایط اقلیمی در طراحی معماری از ابعاد گوناگون قابل بررسی و تعمق است. وجهی از این تحقیقات مرتبط با رفتار حرارتی ابنیه مرتبط با آسایش حرارتی انسان و واکنش بدن می‌باشد که شرایط تجربی است. تعیین شرایط آسایش و راحتی در محدوده‌های اقلیمی مختلف بر محاسبات حرارتی ساختمان، اندازه و قدرت دستگاه‌های حرارتی و برودتی، ضخامت عایق، جنس مصالح، تناسبات و ارتباطات فضایی، میزان بازشوها و به‌طور کل بر میزان مصرف و اتلاف انرژی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به آهنگ رشد جمعیت، مصرف انرژی در ساختمان‌ها و گسترش بی‌رویه آلاینده‌های زیست‌محیطی، تغییر و اصلاح ساخت‌وساز به‌منظور کاهش اتلاف انرژی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به سهم عمده اتلاف حرارت در افزایش بی‌رویه مصرف انرژی در ساختمان‌ها به‌ویژه ساختمان‌هایی با کاربری مسکونی، اقدام در جهت شناسایی علل اتلاف انرژی و برنامه‌ریزی برای رفع یا بهبود این عوامل باید جز اولویت‌های طراحان قرار بگیرد. یکی از روش‌های تشخیص عوامل ایجاد اتلاف انرژی در ساختمان، بررسی رفتار حرارتی آن ساختمان است که عمدتاً به‌وسیله روش‌های کمی از قبیل شبیه‌سازی کامپیوتری، مدل‌سازی و بررسی آزمایشگاهی ساختمان‌های واقعی انجام می‌پذیرد. نتایج حاصل از این مطالعات، می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه مبانی روش‌شناختی برای بهبود طراحی، ساخت، بهره‌برداری و بازسازی ساختمان‌ها به کار رود.

سؤالات تحقیق

با توجه به مطالب ذکر شده، این تحقیق بر آن است که به تأثیر بررسی عملکرد حرارتی پوسته ساختمان‌ها بر روند اصلاح روش‌های ساخت‌وساز در کشور با هدف کاهش اتلاف انرژی و در نتیجه پایین آمدن میزان مصرف انرژی بپردازد و به سؤالات زیر پاسخ دهد؛

۱- بررسی عملکرد حرارتی پوسته بنا، چه راهکارهایی را برای کاهش اتلاف انرژی در ساختمان‌ها می‌تواند ارائه دهد؟

۲- مطالعات انجام‌شده در زمینه عملکرد حرارتی پوسته بنا، چگونه می‌تواند برای پژوهشگران و طراحان/ سازندگان در زمینه اصلاح ساخت‌وساز و کاهش اتلاف انرژی در کشور مؤثر باشد؟

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، مطالعات زیادی در ارتباط با بررسی عملکرد حرارتی پوسته ساختمان‌های مختلف از جمله ساختمان‌های مسکونی به‌منظور دستیابی به راهکارهای بهینه طراحی باهدف کاهش اتلاف انرژی صورت گرفته است. مطالعه تعدادی از پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، بررسی رفتار و عملکرد حرارتی ساختمان، در دسته‌بندی‌های ذیل انجام‌شده است؛

۱- فضا؛ در این بخش رویکرد بررسی وجود فضاهای مختلف در ساختمان و تأثیر آن بر عملکرد حرارتی ساختمان مورد تحقیق قرار گرفته است؛ به‌طور مثال تأثیر وجود پیش‌ورودی بر رفتار حرارتی ساختمان.

۲- پوسته ساختمان؛ در این دسته‌بندی، قسمت‌های مختلف ساختمان، به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه آن در رفتار حرارتی ساختمان بررسی شده است. قسمت‌های مختلف پوسته ساختمان شامل موارد ذیل است؛ ۱. بام و جداره‌های افقی؛ ۲. جداره‌های عمودی (لایه‌های درونی و بیرونی - یک جداره و دو جداره)؛ ۳. بازشوها؛ پنجره‌ها و درب‌ها

۳- مصالح ساختمانی؛ در این قسمت استفاده از مصالح مختلف و تأثیر آن بر عملکرد حرارتی مورد تحقیق واقع شده است. به‌طور مثال در یک مقاله برای بام، سه نوع مصالح مورد آزمایش و شبیه‌سازی قرار گرفته و بر اساس نتایج به‌دست آمده، بهترین مصالح متناسب با اقلیم و کاربری ساختمان برای کاهش اتلاف انرژی معرفی شده است.

۴- المان‌های ساختمانی؛ در این بخش تأثیر وجود المان‌های مختلف ساختمانی از جمله دیوار ترومب در رفتار حرارتی ساختمان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱. دسته‌بندی موضوعی منابع مطالعاتی در رابطه با عملکرد حرارتی ساختمان، مقالات داخلی.

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	نوع مقاله	درجه ارتباط	انتشارات
۱	تأثیر وجود پیش ورودی بر رفتار حرارتی فضای اصلی در اقلیم گرم و خشک ایران (بررسی خانه‌های قدیمی شهر یزد)	فاطمه مهدی زاده، هانیه صناعیان، غلامرضا جابلقی	۲۰۱۴	علمی پژوهشی	۴	نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران
۲	تأثیر تعداد جداره‌های لایه درونی و بیرونی نماهای دوپوسته بر میزان مصرف انرژی ساختمان‌های اداری و آموزشی	فاطمه مهدی زاده، هانیه صناعیان، محمدمهدی دانش	۲۰۱۴	علمی پژوهشی	۴	علوم و تکنولوژی محیط‌زیست
۳	طبقه‌بندی انواع فن‌آوری‌های پوسته‌های ساختمانی بر اساس کارکرد حرارتی در جهت افزایش کارایی و کاهش مصرف انرژی	الهه نجفی، محسن فیضی، محمدعلی خانمحمدی		کنفرانس ملی	۴	سومین همایش ملی اقلیم، ساختمان و بهینه‌سازی مصرف انرژی
۴	روش‌های ایجاد آسایش حرارتی پوسته بنا در مسکن بومی (اقلیم گرم و خشک)	شیوا ثابتی اشجعی، فاطمه مهدی زاده، سراج، محسن فیضی، امیرسام ظریف	۲۰۱۴	کنفرانس بین‌المللی	۴	
۵	نقش شیشه (پنجره) در رفتار حرارتی ساختمان	علی نمازیان، یحیی سپهری	۱۳۹۴	علمی پژوهشی	۲	مسکن و محیط روستا
۶	بررسی نقش جهت قرارگیری پنجره و انرژی تابشی خورشید بر بار حرارتی ساختمان	محسن فیضی، بهمن بابایی	۱۳۹۳	کنفرانس بین‌المللی	۴	
۷	الگوی انرژی دوستی در ساختمان بر اساس رفتار حرارتی بام	محمدجواد مهدوی نژاد	۱۳۹۲	علمی پژوهشی	۳	نقش جهان
۸	شبیه‌سازی بام‌ها، راهکار بررسی دقیق تأثیرات دمایی در محیطی مجازی	مریم مستندی، شاهین حیدری	۱۳۸۹	علمی پژوهشی	۴	هنرهای زیبا
۹	مطالعه رفتار حرارتی مصالح رایج در ساخت دیوار مطالعه موردی: ساختمان‌های مسکونی شهر تهران	شقایق محمد	۲۰۱۲	علمی پژوهشی	۳	هنرهای زیبا
۱۰	بهسازی حرارتی جدار ساختمان‌های موجود در اقلیم سرد در ایران با بهره‌گیری از ویژگی‌های دیوار ترومب	نوشین ابوالحسنی، ریما فیاض، بهروز محمد اکبری	۲۰۱۵		۳	دو فصلنامه مطالعات معماری ایران

جدول ۱. نشان‌دهنده چکیده مطالعات انجام‌شده در ارتباط با عملکرد حرارتی ساختمان از مقاله‌های داخلی می‌باشد. جدول شماره ۲ شامل اطلاعات تعدادی از پایان‌نامه‌های انجام‌شده در زمینه طراحی پوسته ساختمان‌ها با رویکرد انرژی می‌باشد. جدول ۳. حاوی اطلاعات تعدادی از مقاله‌های مطالعه شده در زمینه رفتار و عملکرد حرارتی ساختمان است. روش پژوهش جامعه آماری؛ جامعه آماری در این پژوهش متشکل از مقالات معتبر علمی چاپ‌شده در نشریات علمی -

پژوهشی معتبر کشور و همچنین مقالات علمی ثبت‌شده در پایگاه‌های معتبر علمی همچون گوگل پژوهشگر، ساینس دایرکت، سیویلیکا و مگیران حداقل سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶ می‌باشد. ملاک اندازه نمونه آماری در این پژوهش ملاک اندازه نمونه؛ کیفیت تئوریک است. به این معنی که با بررسی بیشتر مقالات، دیگر شاخص و معیار جدیدی در این حوزه نباشد. در نمونه‌گیری در روش فراترکیب نمونه‌های انتخاب‌شده، ماهیت غیر تصادفی دارند. ابزار گزینش اسناد علمی منتخب با روش ارزیابی و انتخاب حیاتی (کسپ) است؛ بنابراین فرایند نمونه‌گیری در فرا

پژوهشی معتبر علمی چاپ‌شده در نشریات علمی -

جدول ۲. دسته‌بندی موضوعی منابع مطالعاتی در رابطه با عملکرد حرارتی ساختمان، پایان‌نامه؛ منبع: مهدوی نژاد، محمدجواد

Dissertation		Published place	Published year	Research methodology
۱	Effect building morphology on energy and structural performance of High-Rise office buildings (Ph.D).	Univerity Of Massachusetts	۲۰۱۲	Simulation (ecotech-outdoor)
۲	The parametric façade optimization in Architecture through a synthesise of design, analysis and fabrication (Master).	Waterloo	۲۰۱۲	simulation
۳	Mining hidden knowledge from measured data for improving building energy performance (Ph.D).	Concordia University, Montreal, Quebec	۲۰۱۲	Data collection
۴	A study of predictive control strategies for optimally designed solar homes (Ph.D).	Concordia University, Montreal, Quebec	۲۰۱۱	Simulation (ESP, Energy plus)
۵	Investigating the feasibility of establishing a biosphere reserve on the northeast coast of st.lucia (Master).	Waterloo	۲۰۱۰	
۶	Design with energy in mind: toward a low load and high satisfaction civic architecture in the great lake basin (master).	Waterloo	۲۰۰۹	Case study
۷	Life-cycle coast evaluate of building envelope energy retrofits	University of toronto	۲۰۰۹	Simulation (EQuest)
۸	Design and power: defining progamme and typology for T.L.S.E.C development in the bay of fundy (master).	Dalhouse university	۲۰۰۹	Case study
۹	Evaluation of high performance residential housing technology (master).	Waterloo	۲۰۰۸	Computer modeling software
۱۰	Case-based reasoning approach to designing of building envelope(Ph.D)		۱۹۹۹	Case study

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۳۶

مطالعات است. به عبارتی، فراترکیب، ترکیب تفسیر داده‌های اصلی مطالعات منتخب است. مراحل انجام فراترکیب؛ فرا ترکیب مستلزم آن است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی را نسبت به سند مورد مطالعه انجام دهد و یافته‌های پژوهش‌های قبلی را با یکدیگر ترکیب کند. در گذر این بررسی، ابعاد و مؤلفه‌های مکنون در مسئله بهتر بازنمایی می‌شود؛ بنابراین فرا ترکیب به بازنمایی نتایجی بیش از هر یک از مطالعات قبلی کمک می‌کند. ساندلوفسکی و باروز الگوی هفت مرحله‌ای را به این منظور ارائه داده‌اند. گام نخست تنظیم سؤال پژوهش: نخستین سؤال برای شروع فرا ترکیب چه چیزی است. در پژوهش حاضر

ترکیب با مقالات حائز اولویت بالاتر در متدولوژی کسب آغاز شده و با رسیدن به کفایت تئوریک خاتمه می‌پذیرد. روش؛ در این پژوهش روش فرا ترکیب به کار گرفته شده است. فراترکیب اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی یا کمی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را به صورت کیفی، بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه‌ی مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات انجام شده منتخب و بر اساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر و تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه و اصلی از مطالعات منتخب نیست، بلکه تحلیل یافته‌های این

جدول ۳. دسته‌بندی موضوعی منابع مطالعاتی در رابطه با عملکرد حرارتی ساختمان، مقالات خارجی منبع نگارندگان

Dissertation	Published place	Published year	Research methodology
۱ Optimization of building envelope design for nZEBs in Mediterranean climate: Performance analysis of residential case study	Elsevier	۲۰۱۶	Case study
۲ Assessment of the Thermal Performance of Complete Buildings Using Adaptive Thermal comfort	Elsevier	۲۰۱۶	
۳ Performance Assessment Protocol for Pre-Engineered Manufactured Self-Sustaining (PEMaSS) Housing to Remote Regions	Elsevier	۲۰۱۵	simulation
۴ Thermal Performance of traditional houses in dry hot arid climate and the effect of natural ventilation on Thermal comfort: a case study in Damascus	Elsevier	۲۰۱۵	Case study
۵ Evaluation of Thermal Performance of Residential Building Envelope	Elsevier	۲۰۱۵	simulation
۶ The difference of Thermal performance between houses with wooden walls and exposed brick walls in tropical coasts	Elsevier	۲۰۱۵	simulation
۷ Thermal performance modeling of residential house wall systems	Elsevier	۲۰۱۲	simulation

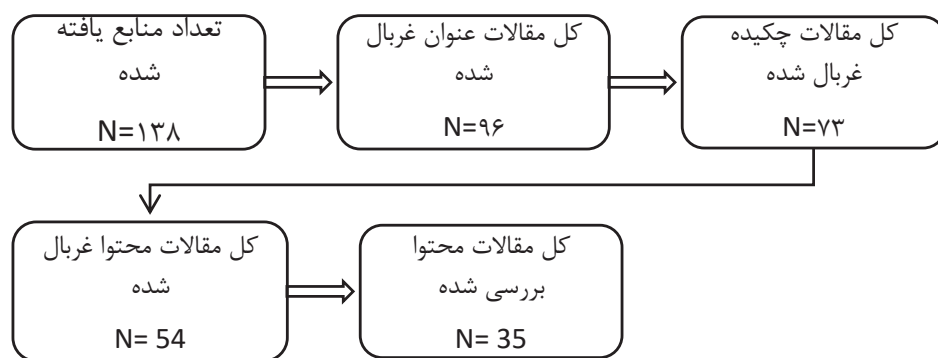
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

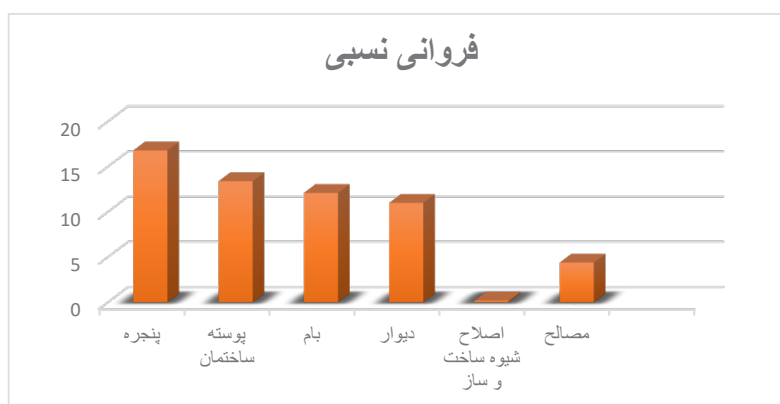
۴۳۷

یا خیر. بدین منظور مقالات منتخب چندین بار مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در این گام، پژوهشگر در هر بازبینی تعدادی از مقالات را رد می‌کند. ابزاری که معمولاً برای ارزیابی کیفیت مطالعه اولیه پژوهش کیفی استفاده می‌شود روش ارزیابی حیاتی کسپ است. بر اساس شاخص کسپ اهداف پژوهش، منطق پژوهش، طرح پژوهش، نمونه‌برداری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، دقت در تجزیه و تحلیل، بیان روشن یافته‌ها، ارزش پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر پس از فیلتر مقالات از طریق ابزار کسپ و بر اساس رسیدن به اشباع تئوریک تعداد نهایی مقاله‌ها به ۳۵ عدد رسید. گام چهارم استخراج نتایج: پس از گزینش اسناد و گزارش‌های برگزیده، نوبت به استخراج کدها از متون است. برای استخراج کدها سؤالات تحقیق، مورد نظر بوده است. در این پژوهش تعداد ۲۰۸ تم/کد توسط نرم‌افزار شناسایی شدند که از میان تم‌های مشخص شده، «پنجره» با ۳۵ ارجاع، «پوسته» با ۲۸ ارجاع، «بام» با ۲۵ ارجاع و «دیوار» با ۲۳ ارجاع در زمره

ابعاد و شاخص‌های عملکرد حرارتی پوسته بنا مورد سؤال قرار گرفته است. در ادامه سؤال‌هایی نظیر چه کسی؟ چه وقت و چگونه می‌تواند مطرح شود. گام دوم بررسی متون به صورت نظام‌مند: در این مرحله پژوهشگر به جستجوی سازمان‌یافته مقالات منتشر شده در مجلات علمی مختلف تمرکز می‌کند. وی کلمات کلیدی مرتبط را گزینش می‌کند. در سرتاسر پژوهش تعاریف واژه‌های مورد جستجو یا چهارچوب زمانی به‌طور مستمر دوباره ارزیابی می‌شود. در انتها، پژوهشگر مجموعه‌ای از جستجوهای بر خط را انجام داده تا مطالعات منتخب را مشخص کند. برای هر مقاله مشخص، او نسخه‌ای را از متن کامل مقاله همراه با فهرستی از تمام منابع داندود می‌کند. سپس، منابع منتخب دیگری را برای بازنگری بررسی می‌کند. همچنین واژه‌های جستجوی جدیدی را نیز برای جستجو در اینترنت شناسایی می‌کند. گام سوم جستجو و انتخاب مقالات مناسب: در ابتدای فرایند جستجو پژوهشگر مشخص می‌کند که آیا مقالات یافت شده متناسب با سؤال پژوهش می‌باشد



شکل ۱. فرآیند فیلتر مقالات؛ منبع: نگارندگان.

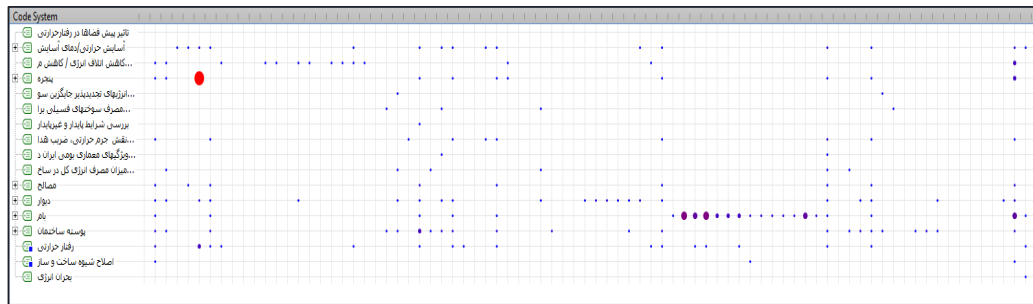


نمودار ۱. فروانی نسبی مقوله‌ها در مقالات مطالعه شده؛ منبع: نگارندگان

تمام عوامل استخراج شده از مطالعات، به‌عنوان کد در نظر گرفته می‌شود. سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌شود. به این ترتیب مفاهیم تم‌های پژوهش شکل داده می‌شود. مبنای دسته‌بندی این کدها، برحسب میزان تشابه کدهای مختلف با یکدیگر است. در شکل زیر میزان توافق میان شاخص‌های مختلف در میان اسناد مختلف در نرم‌افزار Maxqda را مشاهده می‌کنید. در واقع این شکل میزان تکرار (فراوانی) هر تم را در هر سند به صورت گرافیکی نمایش می‌دهد. گام هفتم ارائه یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر در پایان، در قالب پیشنهادهایی برای پژوهشگران/مجریان و سازندگان، بر اساس فراوانی کدها در نرم‌افزار مکس کیودا، ارائه خواهد شد.

مهم‌ترین تم‌های شناسایی شده بودند. همچنین تم «اصلاح شیوه ساخت‌وساز» با ۵ ارجاع دارای کم‌ترین ارجاع در بین مقالات کدگذاری شده بود. همچنین از میان کدها «رفتار حرارتی» با ۲۵ ارجاع، «پوسته» با ۱۹ ارجاع و «کاهش اتلاف انرژی/کاهش مصرف انرژی» با ۱۴ ارجاع بیشترین ارجاع را در میان کدهای شناسایی شده داشتند. در نمودار ۱ فراوانی نسبی مقولات مورد تحقیق آمده است. لازم به ذکر است فراوانی ذکر شده با واژه کلیدی عملکرد/رفتار حرارتی مورد تحقیق واقع شده است. ممکن است مطالعات بدون در نظر گرفتن عملکرد حرارتی، در زمینه‌هایی مثل بام با زیر شاخه بام سبز یا دیوار با زیر شاخه های مختلف فراوانی متفاوتی داشته باشد که نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

گام پنجم تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی: ابتدا



شکل ۲. میزان توافق میان شاخص‌های مختلف در میان اسناد مختلف در نرم‌افزار MAXQDA؛ منبع: نگارندگان.

در این قسمت از پژوهش، مباحث برگرفته از مقالات مورد مطالعه در قالب تم‌ها و کدهای شناسایی شده در نرم‌افزار مکس کیودا، دسته‌بندی و به صورت اجمالی ارائه می‌شود. میزان انرژی مصرفی در ساختمان به عوامل متعددی بستگی دارد که اهم آن‌ها به شرح زیر هستند؛

۱- میزان تعویض و نفوذ هوا؛ ۲- اختلاف دمای بین فضای کنترل شده و خارج ساختمان در اوقات مختلف سال؛ ۳- میزان انرژی رایگان دریافتی در اوقات مختلف سال؛ و ۴- ضریب انتقال حرارت از پوسته خارجی ساختمان

بر این اساس به نظر می‌رسد بررسی متغیرهای مؤثر بر پوسته ساختمانی در میزان انتقال حرارت ساختمان بسیار تأثیرگذار است. پوسته‌ها، کلیه سطوح پیرامونی ساختمان، اعم از دیوارها، کف‌ها، بازشوها و نظایر آن‌ها هستند که از یک طرف با فضای خارج و از طرف دیگر با فضای داخل یا کنترل نشده در ارتباط می‌باشند. با بررسی عملکرد حرارتی اجزاء ساختمان و پیگیری تغییرات آن‌ها در ساعات و فصول مختلف می‌توان به راهکارهایی مؤثر در جهت اصلاح طراحی اجزاء دست یافت و متوجه شد که عناصر معماری تا چه اندازه در اتلاف انرژی بنا یا صرفه‌جویی غیرمستقیم انرژی، به خصوص در محیط‌های شهری مؤثر است.

بررسی رفتار و عملکرد حرارتی پوسته ساختمان از روش‌های مختلف ذیل قابل انجام است:

۱- بررسی نمونه‌های موردی موجود و محاسبه آزمایشگاهی آن‌ها.

۲- با توجه به عدم دسترسی به نمونه‌های اجرا شده تکنیک‌های مختلف بام، شبیه‌سازی کامپیوتری به‌عنوان روش جایگزین.

۳- مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌بندی از نتایج موجود حاصل از تجربیات سایر پژوهشگران.

همچنین با استناد به مطالعات انجام‌شده تاکنون بررسی عملکرد حرارتی بنا از زوایای ذیل قابل انجام است؛

۱- بررسی تغییر رفتار و عملکرد حرارتی بنا با استفاده از مصالح متفاوت در اجزاء مختلف پوسته بنا.

۲- بررسی تغییر رفتار حرارتی ساختمان با تغییر فرمها و شکل بام.

۳- بررسی عملکرد حرارتی بنا با تکنیک‌های مختلف. (بام‌ها و دیوارهای خاص)

۴- بررسی تغییر عملکرد حرارتی ساختمان با تغییر ضخامت و لایه‌های داخلی و خارجی پوسته.

۵- بررسی تغییر رفتار حرارتی بنا با افزودن یا کاستن فضاهای ساختمانی.

مصالح

بررسی عملکرد حرارتی اجزاء مختلف پوسته بنا از جمله بام، دیوارها، پنجره‌ها، درب‌ها و کف، در شرایط اقلیمی یکسان، در زمان‌های یکسان از شبانه‌روز و روزهای یکسان سال، با مصالح مختلف، می‌تواند کمک شایانی به تأمین آسایش حرارتی ساکنین نماید. در این زمینه تحلیل مواردی از قبیل نقش متفاوت جرم حرارتی و عایق حرارتی، تعریف ویژگی‌های حرارتی دینامیک و رفتار دوره‌ای مصالح در مواجهه با شرایط ناپایدار،

ایجاد آسایش حرارتی برای ساکنین در ساختمان‌های مسکونی شهر تهران خواهد داشت. همچنین در پژوهش دیگری با بررسی رفتار حرارتی ساختمان و بررسی یک دوره ۱۲ ماهه در چند نمونه ساختمان آزمایشی با ابعاد ۶*۶ که هر کدام از این نمونه‌ها با آجرهای متفاوت از قبیل آجر باروکش عایق، آجر باروکش عایق معکوس، آجر حفره‌دار و آجر عایق حفره‌دار، پوشیده شده است، به نتایجی دست یافته است. این مدولها در شرایط آب و هوایی مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. بیش از ۱۰۰ سنسور برای ثبت رفتار داخلی و خارجی ساختمان، در شرایط مختلف آب و هوایی، روی هر نمونه نصب شده است. نتایج حاصل از این مدل‌سازی نشان داد که مدول آجر عایق حفره‌دار بهترین عملکرد حرارتی را داشت. نتایج بررسی دو پژوهش مطرح شده به روشنی نقش تأثیر بررسی رفتار حرارتی ساختمان با مصالح مختلف در شرایط یکسان را روشن می‌کند که به انتخاب بهترین مصالح برای اقلیم موردنظر و در نتیجه اصلاح نواقص شیوه‌های ساخت‌وساز کنونی منجر خواهد شد.

بام

بام، یکی از اجزا اصلی ساختمان است که عموماً مورد بی‌مهری طراحان معماری است. بام‌ها قسمتی از پوسته ساختمان هستند که بیشتر از عناصر دیگر در معرض عوامل جوی، تشعشع نامطلوب خورشید، باد، باران و برف قرار دارند. تعاملات حرارتی که بین بام و فضای بیرون صورت می‌گیرد، عبارت است از: ۱- دفع گرما، ۲- جذب گرما، و ۳- انعکاس خورشیدی. با توجه به گستردگی بام نسبت به سایر اجزا پوسته خارجی، مطالعه عملکرد حرارتی آن، گامی مهم در جهت دسترسی به راهکارهای مناسب کاهش اتلاف حرارت بنا محسوب می‌شود. در صورت عدم پیش‌بینی راهکار مناسب برای حفاظت بام از تغییراتی که بام در معرض آن قرار دارد، اثرات آن به فضای داخل منتقل خواهد شد و آسایش انسان را مختل خواهد کرد.

همان‌گونه که ذکر شد، بررسی رفتار حرارتی بام‌ها از زوایای مختلفی قابل انجام است. در هر بررسی آنچه

جایگزینی تحلیل رفتار حرارتی مصالح در شرایط ناپایدار بجای تحلیل‌های رایج در شرایط پایدار محیط لازم به نظر می‌رسد. در یک تحقیق صورت گرفته در زمینه رفتار حرارتی مصالح، تحلیل رفتار حرارتی پوسته بنا، به‌طور ویژه دیوارها مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق با شبیه‌سازی کامپیوتری یک ساختمان چهار طبقه دو واحدی که بر روی پیلوت احداث شده است، در نرم‌افزار IES-VE مدل‌سازی شده است و یکی از اتاق‌های داخلی آن به‌عنوان فضای داخلی مورد آزمایش قرار گرفته است. برای مدل‌سازی، از اجزا پوسته بنا، سقف، کف، دیوارهای داخلی و پنجره‌ها ثابت در نظر گرفته شده و تنها مصالح دیوارهای خارجی در تحلیلی رفتار حرارتی بنا، تغییر کرده‌اند. مصالح مورد تحلیل در این شبیه‌سازی شامل بلوک سفالی توخالی با ضخامت ۱۵ سانتیمتر، بلوک لیکا با ضخامت ۲۰ سانتی‌متر، بلوک لیکا با ضخامت ۱۰ سانتیمتر، بلوک بتنی با ضخامت ۲۰ سانتی‌متر و بلوک بتنی با ضخامت ۱۰ سانتیمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که مشخص است مصالح به‌کاررفته در این تحلیل هم از لحاظ ضخامت و هم از لحاظ مواد بکار رفته در آن، متغیر هستند. نتایج زیر حاصل این شبیه‌سازی است؛

۱. محاسبات شرایط پایدار که منجر به محاسبه ضریب هدایت حرارتی شده و در شرایط ثابت آزمایشگاهی صورت می‌گیرد، روش جامعی برای ارزیابی رفتار حرارتی پوسته ساختمان نیست. ۲. عایق حرارتی و جرم حرارتی نقش‌های متفاوتی در رفتار حرارتی کل پوسته ساختمان بازی می‌کنند و شایسته است در محاسبات به‌منظور تحلیلی جامع از رفتار حرارتی پوسته ساختمان نقش هر دو به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.
۳. با به‌کارگیری سازه دیوار بهینه که مناسب‌ترین رفتار حرارتی را از خود نشان می‌دهد می‌توان به میزان قابل توجهی در مصرف انرژی ساختمان‌های مسکونی صرفه‌جویی کرد. نتیجه نهایی این تحقیق بیان می‌کند که دیوار ساخته‌شده از دو ردیف بلوک لیکا با ضخامت ۱۰ سانتیمتر، با ۵ سانتیمتر عایق در میانه آن‌ها مناسب‌ترین عملکرد حرارتی را در جهت

به‌عنوان نتیجه، حاصل می‌شود، یافته آن رویکرد بوده و قابل‌تعمیم به سایر رویکردها نیست. به نظر می‌رسد برای یافتن نتیجه جامع، تمام زوایای موردبررسی باید در کنار هم در نظر گرفته شود. از مهم‌ترین موارد تأثیرگذار بر رفتار حرارتی بام‌ها ۱- اقلیم، ۲- مصالح بام، ۳- فرم بام، و ۴- ضخامت و تعداد لایه‌های بام می‌باشد که در نظر گرفتن تمامی این موارد در کنار هم نتیجه دقیق‌تری را در اختیار طراحان قرار خواهد داد. فرم‌های مختلف بام با شرایط متفاوت اقلیمی، رفتار حرارتی مختلفی را در بر خواهد داشت. انواع بام از منظر فرم به دودسته کلی زیر طبقه‌بندی می‌شوند؛ ۱- بام ساده؛ شامل بام تخت، بام شیب‌دار، بام قوسی که هر سه شامل پوسته‌ای یک‌لایه هستند. ۲- بام مرکب؛ شامل بام دوپوسته، حوضچه بام، تشعشع‌کننده سرمایش آبی و هوایی، بام سبز که همگی ساختاری چندلایه دارند.

- بام تخت؛ پوشش نهایی ساختمان که شیبی کمتر از ۱۰ درجه یا مساوی آن، نسبت به افق دارد.
- بام شیب‌دار؛ پوشش نهایی ساختمان که شیبی بیشتر از ۱۰ درجه و کمتر از ۶۰ درجه نسبت به سطح افق دارد. بر روی سطح شیب‌دار، فضای خارج و در زیر آن، فضای کنترل‌شده یا کنترل نشده قرار دارد. اگر شیب جدار بیش از ۶۰ درجه باشد، دیوار تلقی می‌شود.
- بام قوسی؛ این بام برخلاف بام تخت، همیشه در خلال روز در بخشی از سطح خود در سایه خواهند بود. استفاده از سطوح گنبدی باعث می‌شود که مساحت سطح افزایش یابد و این افزایش مساحت، در روند انتقال گرما، تبادل حرارت و از دست دادن تدریجی حرارت تأثیر مثبت گذاشته و موجب کاهش گرمای دریافتی در روز و افزایش باز پس دادن حرارت در شب می‌شود.
- بام دوپوسته؛ در گذشته به‌صورت گنبد‌های دوپوسته و شیروانی‌ها بوده و امروزه در بام‌های تخت، به‌صورت سقف کاذب رواج دارد. این بام‌ها به‌صورت دولایه بوده و بین فاصله بام و سقف یک‌لایه هوا قرار می‌گیرد که این خود در رفتار حرارتی تأثیر خواهد داشت.
- حوضچه بام؛ در این سامانه بام آبی، آب در

کیسه‌های پلاستیکی سیاه‌رنگ بر روی یک بام تخت فلزی ذخیره می‌شود. در طول روز زمستان، خورشید کیسه‌های آب را گرم می‌سازد. گرما به‌سرعت از طریق هدایت به پایین جریان یافته و از سقف به سمت فضای نشیمن تابیده می‌شود. در شب، عایق متحرک آب را می‌پوشاند تا مانع دفع گرما به سمت آسمان گردد.

- بام سبز؛ موجب جایگزینی گیاهان از دست‌رفته در فضاهای شهری بوده و در نتیجه کاهش نیاز به حرارت در داخل ساختمان و کاهش مصرف انرژی را در پی خواهد داشت. اجزای آن عبارت‌اند از گیاه، لایه ضدآب، عایق حرارتی، زیرسازی و سازه بام. بررسی‌های انجام‌شده در تحقیقات پیشین نشان می‌دهد دو بام متفاوت با ضریب جذب مختلف در شرایط جوی یکسان، رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دهند به این صورت که افزایش دمای سطح تا حد بالاتر از دمای هوای محیط، تابع ضریب جذب خورشیدی سطح است. نقطه اوج تأثیر تابش خورشیدی در ظهر روی سطح بام است. افت دمای سطوح تا حد پایین‌تر از دمای هوای محیط در شب، تأثیر سرمایش تابشی، یعنی اتلاف حرارت ویژه از طریق پرتوهای امواج بلند به آسمان را نشان می‌دهد. در یک پژوهش انجام‌شده با مدل‌سازی یک بام تخت، یک بام دوپوسته، حوضچه بام به‌عنوان یک واسطه، یک بام سبز گسترده و یک بام سبز فشرده در شرایط یکسان اقلیمی و در زمان‌های مشابهی از سال و شبانه‌روز، به بررسی رفتار و عملکرد حرارتی بنا با هر یک از این بام‌ها پرداخته‌شده است. پس از وارد کردن داده‌های اولیه موردنیاز، نتایجی به‌دست‌آمده که امکان بررسی رفتار حرارتی بام موردنظر و تأثیر آن بر دمای داخل را فراهم آورده است. در نتیجه با یافته‌های حاصل، امکان انتخاب تکنیک مناسب برای بام بنا که راندمان حرارتی قابل قبولی در تمام سال ارائه دهد، فراهم گردیده است. در این پژوهش و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بام سبز، تکنیک مناسبی برای شهر تهران بوده و جوابگوی نیاز حرارتی این شهر خواهد بود. در شرایطی که متوسط

تعداد طبقات در تهران چهار باشد، با فرض بهره‌گیری ۲۵ درصد از بام‌ها از بام سبز، دمای این شهر تا ۳ درجه کاهش خواهد داشت که این مسئله ۲۱ درصد کاهش مصرف انرژی را در پی خواهد داشت.

به‌منظور طراحی مناسب سقف‌ها، می‌توان راهکارهایی را به‌منظور کاهش اتلاف انرژی و یا کاهش نیاز به مصرف انرژی ارائه داد. به این معنا که هم تمهیدات اقلیمی و هم آئین‌نامه‌ها و قوانین ساخت را در آن رعایت کرد. به‌طور مثال در یک پژوهش به‌منظور بررسی تأثیر تغییر فرم سقف در میزان هدر رفت انرژی در طی سال، یک نمونه مدل‌سازی کامپیوتری انجام شده است. این شبیه‌سازی برای چهار نمونه سقف ساده شامل سقف تخت، سقف شیب‌دار، سقف گنبدی با کمان ۹۰ درجه، سقف شیب‌دار (۳۰-۶۰) و سقف شیب‌دار (۴۵) در اوقات سرد و گرم سال به‌طور ویژه شب سرد زمستان و روز گرم تابستان، با عایق و بدون عایق، مدل شده است. هدف پژوهش دستیابی به فرم بهینه سقف در اقلیم گرم و خشک اصفهان است. نتایج حاصل از این پژوهش بدین شرح است؛ ۱- مدل‌های بدون عایق، بار حرارتی بیشتری نسبت به مدل‌های با عایق دارند؛ که این تفاوت بسیار چشمگیر است. ۲- در بین برگه‌های مختلف، بام تخت کمترین و بام نیمکره بیشترین اتلاف انرژی در طول روز را دارد. ۳- در میان فرم‌های شیب‌دار، با شیب ۳۰-۶۰ و با قرارگیری زاویه ۳۰ درجه رو به جنوب کمترین میزان اتلاف انرژی را دارد که به دلیل قرارگیری سطح رو به جنوب است. ۴- بام شیب‌دار ۴۵ نسبت به بام با شیب ۳۰-۶۰ و با قرارگیری زاویه ۳۰ درجه رو به جنوب، اتلاف انرژی بیشتری دارد اما اختلاف بار حرارتی این دو مدل بسیار کم است. ۵- در طول شب، اتلاف حرارتی در بام تخت کمترین و در بام نیمکره بیشترین مقدار است. ۶- در بین بام‌های شیب‌دار بام ۳۰-۶۰ با قرارگیری زاویه ۶۰ درجه رو به جنوب، بیشترین میزان اتلاف انرژی را دارد و پس از آن بام شیب‌دار ۴۵ و بام شیب‌دار ۳۰-۶۰ با قرارگیری زاویه ۳۰ درجه رو به جنوب در میان بام‌های شیب‌دار کمترین میزان اتلاف انرژی را

دارند. بررسی دو پژوهش فوق به‌خوبی نشان می‌دهد که موارد مختلف در طراحی بام از جمله شکل و فرم و تکنیک خاص مورد استفاده در بنا برای سقف، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر بار حرارتی ساختمان و میزان مصرف انرژی بنا دارد. به این معنی که با بررسی رفتار عملکرد حرارتی بام‌های متفاوت در شرایط اقلیمی و زمان یکسان، تفاوت رفتار بام‌ها به‌خوبی قابل مشاهده و محاسبه بوده و امکان دریافت نتیجه برای تعیین بهترین بام در شرایط اقلیمی مورد نظر وجود دارد و این امر تأثیر مستقیمی بر روی تدوین استانداردهای ساختمانی و تعیین مشکلات وضع موجود و کمک به اصلاح ساختار ساخت‌وساز بنا، خواهد داشت.

ضخامت و لایه‌های پوسته

یکی از موارد مهم در بررسی رفتار و عملکرد حرارتی پوسته ساختمان، بررسی اجزا مختلف آن از منظر ضخامت اجزا پوسته و همچنین بررسی لایه‌های درونی و بیرونی بنا از لحاظ جنس و تعداد لایه‌ها و تأثیر آن بر بار حرارتی ساختمان و در نتیجه کاهش یا افزایش مصرف انرژی هست. نتایجی که حاصل آن پیشنهادها برای اجرایی برای طراحان معماری و اصلاح استانداردهای ساخت‌وساز و کاهش اتلاف انرژی خواهد بود.

این رویکرد یکی از گسترده‌ترین، بخش‌های بررسی رفتار حرارتی پوسته بوده و مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. در پژوهشی که در زمینه بررسی تأثیر تعداد جداره‌های نماهای دوپوسته بر میزان مصرف انرژی صورت گرفته است، ساختمان دانشکده علوم پایه دانشگاه علم و صنعت ایران مورد شبیه‌سازی با نرم‌افزار دیزاین بیلدر قرار گرفته است. در این پژوهش این ساختمان با توجه به تعداد جداره‌های لایه‌های درونی و بیرونی نمای دوپوسته که هر کدام شامل پنجره یک جداره، دوجداره و سه جداره و در مجموع برای ۶ متغیر مستقل، برای هر کدام به‌صورت جداگانه، شبیه‌سازی شده است. در این شبیه‌سازی ضریب انتقال حرارت هر متغیر و میزان انتقال انرژی به داخل بنا و در نتیجه میزان تغییرات

بار سرمایه‌گذاری و گرمایش محاسبه و بر اساس نمودارهای استخراج‌شده، داده‌ها تحلیل شده‌اند. نتیجه حاصل نشان می‌دهد که در نماهای دوپوسته، وقتی تعداد جداره‌های لایه درونی تغییر کند، تغییر در مصرف انرژی بیشتر می‌باشد. همچنین تغییر در جداره‌های لایه بیرونی در جهت کاهش مصرف انرژی مؤثر نیست. حضور بیشتر تابش در جبهه جنوبی باعث می‌شود که استفاده از نمای دوپوسته در این جبهه مؤثرتر باشد. همچنین نتایج حاصل بیانگر این است که تغییر در جداره لایه درونی از یک جداره به سه جداره، مصرف انرژی را کاهش می‌دهد اما تغییر جداره‌ها در لایه بیرونی نه تنها تغییری در مصرف انرژی ایجاد نمی‌کند بلکه این تغییرات در لایه بیرونی از یک جداره به سه جداره باعث افزایش مصرف گاز جهت گرمایش می‌شود؛ بنابراین از نتایج به دست آمده از تحقیق‌های مشابه، آنچه مشخص است این است که تغییر در لایه‌های درونی ساختمان تأثیر قابل توجهی در کاهش اتلاف انرژی، کاهش بار حرارتی ساختمان و در نتیجه کاهش مصرف انرژی خواهد داشت. همچنین با توجه به پیشنهادها مطرح شده در این دست پژوهش‌ها، طراحان معماری به خوبی می‌توانند با انتخاب درست با توجه به اقلیم منطقه، استانداردها و قوانین، نتایج حاصل از بررسی رفتار حرارتی هر کدام از موارد مطرح شده و کشف راه‌های اتلاف حرارت در ساختمان‌ها و رفع آن، گامی مؤثر در زمینه بهبود ساخت‌وساز بردارند.

فضاهای ساختمانی

سلسله‌مراتب فضایی در پلان ساختمان‌ها، هر کدام از فضاها به دلیلی ایجاد و ساخته می‌شوند. چگونگی وجود و قرارگیری این فضاها در کنار هم بار حرارتی ساختمان را به گونه‌ای خاص رقم می‌زنند. بررسی عملکرد حرارتی هر کدام از فضاها می‌تواند به طراحان معمار در انتخاب نوع فضا و همچنین چگونگی چینش فضاها در کنار هم کمک نماید. این نوع بررسی به دلیل محدودیت‌های موجود برای آزمایش‌های واقعی، عموماً به روش شبیه‌سازی کامپیوتری انجام می‌شود. یکی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، با استفاده از

شبیه‌سازی کامپیوتری، به بررسی وجود پیش فضاها در ساختمان‌های سنتی ایران پرداخته است. در این تحقیق شبیه‌سازی در سه مرحله، یک‌بار با بررسی رفتار حرارتی فضاهای اصلی با وجود پیش فضا و بار دیگر بدون وجود آن و بار سوم با وجود پیش فضا و تغییر محل قرارگیری آن، برای پنج خانه سنتی در شهر یزد، انجام گرفته است. برای این منظور پس از طبقه‌بندی پلان‌های خانه‌های سنتی یزد با رویکرد گونه‌گونی فضاهای بسته، واسط و باز و همچنین درصد بازشوهای هر کدام، به ارزیابی رفتار حرارتی آن‌ها بسته به ضرورت وجودی انواع فضاهای مذکور پرداخته شد. سپس بر اساس طبقه‌بندی‌های به دست آمده از گونه‌های متنوع، به صورت موردی نمونه‌ای رایج‌تر در محیط نرم‌افزار design builder شبیه‌سازی شده و نمودارها و اطلاعات مرتبط با اختلاف درجه حرارت فضاهای میانی و فضاهای بسته درونی برای تحلیل و بررسی حرارتی حاصل گردید. بررسی نمودارها بیانگر تأثیر مثبت وجود پیش فضاها، به ترتیب در ایجاد گرمایش و سرمایه‌گذاری در فضاهای اصلی در فصول زمستان و تابستان است. تکرار این نوع بررسی‌ها در مورد فضاهای دیگر ساختمانی و شبیه‌سازی و تحلیل آن‌ها، نتایجی را ایجاد می‌کند که در طراحی ساختمان‌ها تغییرات مثبتی را به وجود خواهد آورد.

یافته پژوهش

جدول شماره ۴ شامل پیشنهادهایی برای پژوهشگران است که شامل کدها و مقوله‌ها با ارجاع بالا بوده که معرف موضوعاتی است که پیشینه مطالعاتی زیادی داشته و پژوهشگران در گذشته در این زمینه فعالیت مطالعاتی داشته‌اند و همچنین کدها و مقوله‌ها با ارجاع پایین که معرف موضوعاتی است که پیشینه مطالعاتی زیادی نداشته و کمتر مورد توجه پژوهشگران در گذشته بوده است و خلأ مطالعاتی در این زمینه بسیار محسوس است. لذا پژوهشگران می‌توانند با تکیه بر نتایج مطالعات گذشته، از کدها و مقوله‌های پر ارجاع استفاده نموده و مطالعه در زمینه کدها و مقوله‌های کم ارجاع را آغاز نمایند.

جدول ۴. پیشنهاد مطالعاتی برای پژوهشگران بر اساس مقوله‌ها و کدهای به دست آمده از نرم افزار مکس کیودا؛ ماخذ:

نگارندگان

مقوله‌های دارای پیشینه مطالعاتی (با ارجاع بیشتر)	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر در مصالح پنجره و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر در ابعاد و جهت پنجره و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر مصالح دیوار و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر لایه جدارها و جرم حرارتی دیوار و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر فرم بام و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان با تغییر مصالح بام و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
مقوله‌ها و کدهایی که کمتر بررسی شده‌اند (با ارجاع کمتر یا بدون ارجاع)	بررسی رفتار حرارتی ساختمان برای کشف دلایل اتلاف انرژی و در نتیجه کاهش اتلاف انرژی
	رفتار حرارتی ساختمان برای تأثیر مصالح و ابعاد کف
	تأثیر فرم کلی بنا بر رفتار حرارتی ساختمان
	تأثیر جهت‌گیری کلی بنا بر رفتار حرارتی ساختمان
	استخراج استانداردها بر اساس نتایج مطالعات قبلی برای اصلاح ساختار ساخت و ساز در کشور
	استخراج استانداردهای مدون برای طراحی اقلیمی صحیح بر مبنای مطالعات انجام شده قبلی (برای هر اقلیم)
تبدیل نتایج کمی مطالعات انجام شده به گزاره‌های کیفی قابل استفاده در ساختمان سازی	
تدوین اصول طراحی صحیح اقلیمی بر اساس نتایج مطالعات انجام شده	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۴۴

جدول شماره ۵ شامل کدها و مقوله‌هایی است که طراحان معماری، سازندگان و مجریان ساختمان می‌توانند از آن‌ها استفاده کرده و ساختمان‌های مورد نظر خود را بر مبنای آن‌ها طراحی نمایند که نتیجه آن، کاهش اتلاف انرژی، ذخیره انرژی در کشور و کاهش آلاینده‌ها خواهد بود. کدها و مقوله‌های ذکر شده، حاصل مطالعات پژوهشگران در گذشته بوده و بر اساس شبیه‌سازی کامپیوتری، مدل‌سازی واقعی و محاسبات دقیق بوده و در زمینه طراحی معماری قابل استناد و بهره‌برداری است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

پوسته ساختمان به عنوان واسطه بین فضای داخل و خارج و یکی از مهم‌ترین ابزار کنترل حرارتی ساختمان، نقش مهمی را در کاهش یا افزایش بار حرارتی ساختمان داراست. پوسته ساختمان، از نظر عملکرد حرارتی دارای نقص‌های آشکار و نهان است که نقایص آشکار به وسیله مطالعه و نقایص پنهان به وسیله ابزار، قابل کشف و ارزیابی است و در این میان نرم‌افزارهای کنترل حرارتی به ما کمک می‌کند که این نقایص را با کنترل حرارتی ارزیابی و رفع نموده و به افزایش عملکرد مثبت حرارتی

پوسته ساختمان کمک کنیم. به این منظور همان‌طور که از پژوهش‌های انجام شده تاکنون برمی‌آید، بررسی رفتار و عملکرد حرارتی ساختمان از روش‌های مختلف با رویکردهای متفاوت، نتایجی را حاصل می‌نماید که طراح معماری می‌تواند با توجه به مواردی از قبیل اقلیم ساختمان مورد طراحی، استانداردها و قوانین ساخت و ساز موجود، نتایج حاصل از تحلیل و شبیه‌سازی عملکرد حرارتی ساختمان و با تسلط کافی بر تعریف پارامترهای محاسبات رفتار حرارتی ساختمان، تسلط بر فرمول‌ها، آشنایی با نرم‌افزارهای موجود و نحوه بهره‌گیری از آن با کمک تسلط بر پارامترها و در نتیجه استنتاج متغیرهای هدف بهترین گزینه برای طراحی را انتخاب نموده و گام مؤثری در زمینه کاهش اتلاف حرارت بردارد. کاهش اتلاف حرارت در ساختمان با اصلاح نقایص رایج پوسته بنا، در ساخت و ساز کنونی، باعث کاهش بار حرارتی ساختمانی و در نتیجه کاهش مصرف انرژی خواهد شد. استفاده از ابزار بررسی کیفی مکس کیودا و روش فراترکیب، روش قابل اعتمادی برای دسته بندی و بررسی اصولی یافته پژوهشگران در گذشته و در نتیجه کمک به پژوهشگران آتی برای

جدول ۵. پیشنهاد برای طراحان معماری، سازندگان و مجریان ساختمانی بر اساس مقوله‌ها و کدهای به‌دست آمده از نرم‌افزار مکس کیودا؛ ماخذ: نگارندگان

پیشنهاد برای طراحان معماری، سازندگان و مجریان ساختمانی اصول طراحی معماری بر اساس مقوله‌ها و کدهای برگرفته از نرم‌افزار مکس کیودا	بهره‌گیری از پنجره‌های دوجداره/عدم استفاده از پنجره سه جداره در لایه های بیرونی ساختمان برای کاهش بار حرارتی بنا
	بهره‌گیری از جهت مناسب قرارگیری پنجره‌ها در اقلیم مورد طراحی برای کاهش بار حرارتی بنا
	استفاده از فرم مناسب بام در هر اقلیم
	استفاده از بام‌های مختلف نظیر بام سبز برای کاهش بار حرارتی بنا در ساعات و فصول مختلف طبق نتایج تحقیقات گذشته
	استفاده از دیوارهای مختلف نظیر دیوار ترموب در اقلیم سرد برای کاهش بار حرارتی ساختمان
	بررسی مصالح رایج و مفید در هر شهر و اقلیم و استفاده از آن‌ها برای هر جز از پوسته بنا
	بهره‌گیری از سایه‌اندازی بام برای کاهش بار حرارتی ساختمان
	استفاده از سیستم‌های پویا و لایه‌بندی پوسته برای ساختمان‌ها در اقلیم‌های مختلف
	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نماسازی متناسب با هر اقلیم برای کاهش بار حرارتی
	تلفیق صحیح سیستم‌های مکانیکی با الگوهای طراحی متناسب با هر شهر و اقلیم
استفاده از سایبان‌های آزمایش شده برای هر اقلیم	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۷ تابستان ۹۶
 No.47 Summer 2017

۴۴۵

انتخاب موضوع پژوهش و کمک به طراحان و سازندگان برای طراحی و ساخت یک بنای بهینه خواهد بود. در این بین باید توجه داشت که یافته پژوهش در حوزه معماری بوده و علیرغم استفاده از نرم‌افزارها و پارامترها و اعداد و فرمول‌ها، آنچه به‌عنوان نتیجه ارائه می‌شود، یک نتیجه در حوزه معماری باشد.

قدردانی: در این موقعیت از راهنمایی‌های آقای دکتر احمدرضا قاسمی و آقای دکتر حمید زاده در زمینه روش تحقیق کیفی و استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و همچنین از زحمات خانم مهندس ملیحه محمدی حسینی نژاد که بدون زحمات ایشان این پژوهش به ثمر نمی‌رسید، قدردانی و تشکر می‌نمایم.

منابع و ماخذ

- دیکی، مارک، براون، جی زد، (۱۳۸۹) طراحی اقلیمی خورشید باد نور، ترجمه سعید آقایی، انتشارات پرهام نقش، تهران، ایران.
- صادقی روش، محمدحسن، (۱۳۸۹) مقایسه میزان آسایش حرارتی انسان در شرایط آب و هوایی خشک و مرطوب (مطالعه موردی شهر یزد و ساری)، فصلنامه خشک بوم، جلد ۱، شماره ۲، تهران، ایران.
- صفامنش، کامران، (۱۳۸۱) شخصیت شکلی معماری امروز ایران، فصلنامه ما، دوره سوم، تهران، ایران.
- قاسمی، احمدرضا، رعیت پیشه، محمدعلی، (۱۳۹۴)، ارائه مدلی برای ارزیابی پایداری زنجیره تأمین با رویکرد فراتر کیب، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال هفتم، شماره چهاردهم، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
- کسمایی، مرتضی، (۱۳۸۲) اقلیم و معماری، انتشارات مرکز معماری ایران، تهران، ایران.
- لکنر، نربرت، (۱۳۸۵) سرمایه‌گر، گرمایش، روشنایی، رویکردهای طراحی برای معماران، ترجمه رحمان آذری، محمدعلی کی نژاد، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز، چاپ اول، تبریز، ایران.
- محمد، شقایق، (۱۳۹۲) مطالعه رفتار حرارتی مصالح رایج در ساخت دیوار. مطالعه موردی: ساختمان‌های مسکونی شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۱، تهران، ایران.
- مسندی، مریم، حیدری، شاهین، (۱۳۸۹) شبیه‌سازی بام‌ها؛ راهکار بررسی دقیق تأثیرات دمایی در محیطی مجازی، هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۲،

تهران، ایران.

• مهدوی نژاد، محمدجواد، (۱۳۹۲) الگوی انرژی دوستی در ساختمان بر اساس رفتار حرارتی بام، نقش جهان، سال سوم، شماره ۲، تهران، ایران.

• مهدی زاده سراج، فاطمه، جاپلغی، غلامرضا، صنایعیان، هانیه، (۱۳۹۳) تأثیر وجود پیش ورودی بر رفتار حرارتی فضای اصلی در اقلیم گرم و خشک ایران (بررسی خانه‌های قدیمی شهر یزد)، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۸، تهران، ایران.

• مهدی زاده سراج، فاطمه، دانش، محمدمهدی، صنایعیان، هانیه، (۱۳۹۳) تأثیر تعداد جداره‌های لایه درونی و بیرونی نماهای دوپوسته بر میزان مصرف انرژی ساختمان‌های اداری و آموزشی، نشریه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره شانزدهم، شماره سه، تهران، ایران.

• مهران، سعید، رضانی، بابک، (۱۳۹۰) آموزش تجزیه و تحلیل شدت تابش انرژی خورشید و ارائه روش‌های بهینه، فصلنامه فن و هنر، تهران، ایران.

• نیلسن، هالگر گوک، (۱۳۸۵) تهویه طبیعی راهنمای طراحی اقلیمی مناطق گرم، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، تهران، ایران.

• Albatayneh, aiman, Alterman, dariusz, Page, adrian, Moghtaderi, behdad, 2015, Assessment of the thermal performance of complete buildings using adaptive thermal comfort, Elsevier.

• Korniyenko, sergey, 2015, evaluation of thermal performance of residential building envelope, Elsevier.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۴۶ ■

بررسی مفهوم آفرینشگری در هنر و معماری با تاکید بر آرای ارسطو

منیره نادری* - دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حسین اردلانی - عضو هیئت علمی گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

The concept of creativity in art and architecture with emphasis on the ideas of Aristotle

Abstract

Art historically, has always been associated with the concept of creativity and innovation, as more scholars and experts, the creativity and the creation of art have an interpreter. On the other hand, art and architecture fits in closely with creativity and innovation and the creation of this important concept in architecture and art and is most effective when it is necessary, it is originated. Accordingly, the present paper examines the concept and scope of philosophical concept in art and especially architecture during various historical periods, this concept is explored and investigated. The main question is that historically, the concept of innovation and creativity in art and architecture in the opinions and thoughts of philosophers and different historical periods have what are theoretical and conceptual dimensions? In this paper, the method of analytical and documents, the concept of creativity in art and especially architecture in the history of philosophy and different historical periods, have been studied. And data collection tools, including the library studies and documents is used. The finding also examines the concept of creativity in art history from the perspective of the philosophers Aristotle coincides with an emphasis on. And a comparative analysis of the concept of creativity in different periods studied is reviewed. Finally, the concept of creativity in all historical periods described briefly; And attempts to conclusion and comparison between this period and philosophers of the analysis done on the concept of creativity.

Key words: creativity, philosophy, art and architecture of History, Aristotle.

چکیده

هنر در طول تاریخ، همواره با مفهوم «آفرینشگری و خلاقیت» همراه بوده است، چنانچه بیشتر اندیشمندان و صاحبان نظران، هنر را همان «خلاقیت و آفرینش بدیع» ترجمان کرده اند. از سویی دیگر، هنر و معماری همخوانی نزدیکی با آفرینشگری و ابداع داشته و این مهم اثربخش ترین مفهوم در آفرینش معماری و هنر بوده و هست که ضرورت مساله نیز این موضوع نشات می گیرد. بر این اساس، مقاله حاضر به بررسی مفهومی و قلمروی شناختی مفهوم فلسفی آفرینشگری در هنر و خاصه معماری پرداخته و در طی دوره های تاریخی گوناگون، این مفهوم را واکاوی و بررسی می کند. در واقع سوال اصلی این است که «در طول تاریخ، مفهوم ابداع و خلاقیت در هنر و معماری در آرا و اندیشه های فلاسفه و دوره های مختلف تاریخی چه ابعاد نظری و مفهومی داشته است؟»؛ لذا در این مقاله با روش «توصیفی-تحلیلی» و «روش اسنادی»، مفهوم آفرینشگری در هنر و خاصه معماری در طول تاریخ از نظر فلاسفه و دوره های تاریخی مختلف، مورد بررسی قرار گرفته و از ابزار گردآوری داده مشتمل بر: «مطالعات کتابخانه ای و اسنادی» بهره برده است. یافته های تحقیق نیز به بررسی مفهوم خلاقیت در تاریخ هنر از دیدگاه فلاسفه با تاکید بر ارسطو منطبق شده و با بررسی تطبیقی مفهوم خلاقیت در ادوار گوناگون مورد بررسی و بازبینی قرار می گیرد. در پایان نیز مفهوم خلاقیت و آفرینشگری در تمام دوره های تاریخی به اختصار شرح داده شده و تلاش می شود تا جمع بندی نهایی و مقایسه ای بین این دوره ها و فلاسفه در باب واکاوی مفهوم آفرینشگری در تاریخ انجام گیرد. **واژگان کلیدی:** آفرینشگری، فلسفه آفرینشگری، هنر و معماری، بررسی تاریخی، ارسطو.

۱- مقدمه

مورد بررسی قرار گرفته و از ابزار گردآوری داده مشتمل بر: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. بر این اساس، در ادامه مفهوم آفرینشگری در هنر و معماری با تاکید بر آرای فلاسفه در دوره‌های مختلف تاریخی مورد اشاره قرار می‌گیرد و در پایان به صورت تطبیقی مفهوم خلاقیت در این دوره‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری

برای تشریح بحث به علل چهارگانه ارسطویی در حدوث هر پدیده و بالاخص معماری، پرداخته می‌شود. در مقوله مراتب شناخت و خلاقیت در معماری، «نقره کار» ضمن اشاره به «بی‌پایانی خلاقیت» می‌آورد:

«شناخت و خلاقیت دو حالت دارای مراتب هستند که هیچ‌گاه پایان نمی‌یابند، در حالی که بسیاری از مکاتب آن را در ظاهری‌ترین لایه محدود کرده‌اند، آنچه غالب مکاتب و نظریه پردازان هنر و معماری مطرح می‌کنند، یک سلسله مراتب طولی و تاریخی است. به راستی آیا بشر امروز بیشتر از دیروز می‌شناسد؟ آیا انسانهای بزرگ بیشتر از کودکان می‌شناسند؟ به نظر می‌رسد این هم یکی از گمانهای انسان مدرن است؛ او غافل است که در بسیاری از ساحت‌ها، شناخت او بسیار کمتر از پیشینیان است، بشر امروز راهی به علم حضوری ندارد، چراکه اصلا در حضور نیست و به همین دلیل کودکان نسبت به بزرگترها شناخت عمیق‌تری دارند. علت این امر آزاد گذاشتن هوسها و امیال است و هیچ‌شکی نیست که این عامل سبب انسداد ادراکات درونی می‌شود، به این ترتیب هیچ حکم مطلق در مورد شناخت تاریخی نمی‌توان داد و تنها می‌توان گفت ابزار شناخت بشر در طول تاریخ تا حدودی کامل تر شده است.» (نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

نقره کار در ادامه به بررسی ماهوی مراتب آفرینشگری و معماری می‌پردازد که در جدول ۱ به آنها اشاره شده است.

امروزه آثار معمارانی چون «لوئیس سولیوان»، «فرانک لویید رایت»، «لوکوربوزیه»، «الیل سارینن»، «گونار آسپلوند» و «آلوار آلتو» به ما اطمینان می‌بخشد که

در تعامل فلسفه و زیبایی‌شناسی هنری، «کارل تئودر درایر» از «هاینریش هاینه» نقل می‌کند که هرچا کلام نتواند پیش رود، هنر و موسیقی آغاز می‌شود. این مفهوم چنین می‌نماید که هرگاه با مفهوم سازی فلسفی، منطقی یا علمی نتوان واقعیت یا رویدادی را بیان کرد، هنر ابزاری کارآمد می‌گردد که که تبیین حقایق و خاصه احساسات را ممکن می‌گرداند. این امر از این جهت مهم می‌نماید که «آفرینشگری هنری» به وادی‌هایی گام می‌نهد که با پای چوبین خردورزی و منطق استدلالی نمی‌توان آن را پیمایش کرد و شاید هنر را در مراتبی والاتر از اخلاق، منطق و فلسفه قرار می‌دهد. مذاقه در این امر که هنر و خاصه زیبایی‌شناسی هنری در ساحت فلسفه هنر، در چه مراتبی با فلسفه قرار می‌گیرد، از این لحاظ مهم می‌نماید که در تاریخ فلسفه، فراتری یا فروتری در تعامل با مضامین هنری مشهود است، حال آنکه در فلسفه جدید حتی در مراتب نشانه‌شناسی و معناشناسی هنری و بیانی، رویکردهایی نوین رخ می‌نماید، چنانچه «پیرس» تاویل نشانه را در رسیدن به حقیقت امور ناکارآمد می‌انگارد و «دریدا» بر آن است که معنای متن همواره به تاخیر می‌افتد و «گادامر» بر این باور است که هرگز نمی‌توان واژگانی یافت که چیزی را به قطع بیان کند. از سویی دیگر، در باب پرداختن به مقوله ریشه‌های فلسفی شکل‌گیری معماری و آفرینشگری، باید گفت که می‌توان در رویکردی تحلیلی سه دیدگاه عمده به این مفهوم داشت:

۱. «بررسی تطبیقی روشهای شناخت شناسی» از خلاقیت و آفرینشگری هنر و معماری؛
۲. «بررسی تطبیقی حکمت‌های نظری» از خلاقیت و آفرینشگری هنر و معماری؛
۳. «بررسی تطبیقی حکمت‌های عملی» از خلاقیت و آفرینشگری هنر و معماری؛

در این مقاله با روش «توصیفی-تحلیلی» و «روش تطبیقی» مفهوم آفرینشگری در هنر و خاصه معماری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۴۸

انواع و مراتب شناخت	انواع و مراتب جهان بینی	انواع و مراتب آفرینشگری هنری
احساس	جهان احساسی (گیاهی)	تخیل حسی
خیال، وهم و گمان	جهان انگاری (حیوانی)	تخیل وهمی
علم، دانش و حکمت	جهان شناسی علمی یا فلسفی (انسانی)	تعقل حسی
شهود	جهان شهودی (انسان و ملکوت)	تعقل شهودی

دیگر؛ هنر مظهر آفرینندگی، خلاقیت و توأم با زیبایی است (اکرمی، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

۳ مفهوم فلسفی آفرینشگری در هنر و معماری

«فلاطون» در «سوفیست»، در عین شناخت دو نوع «۱. هنر الهی» و «۲. هنر انسانی»، هنری را معرفی می کند که آفرینشگری ایزدی-انسانی دارد. در این نوع هنر، تقلید صورت می پذیرد. ارسطو نیز هنر را محاکات ماهوی امر محسوس می داند (ریخته گران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷)؛ گو اینکه مقوله «میمسیس» در میان حکمای یونان خود مراتب متعددی دارد. برای مثال افلاطون، میمسیس را به مفهوم «تقلید» و «روگرفت» به کار برده است. لذا این تعبیر از میمسیس بیانگر محدودیت آفرینشگری هنرمند در بازنمایی است. در عوض، ارسطو «میمسیس» را به عنوان «بازنمایی متخیل» بیان می دارد؛ یعنی هنرمند از نظر او، نه از «جزئیات» بلکه از «ماهیات»، بازنمایی می کند. این بازنمایی نیز به مفهوم «روگرفت محض» نیست، بلکه هنرمند می تواند فقط عناصری را از واقعیت بگیرد؛ به همین جهت، هنرمند می تواند وقایع و امور و اشیاء را بهتر یا بدتر از آن چه هستند، نشان دهد (ر.ک: ریخته-گران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳). با این وجود، تفاوت تلقی بین «ارسطو» و «فلاطون»، در ترجمه واژه یونانی «میمسیس»، لحاظ نشده است و میمسیس ارسطویی، مترادف «تقلید» و «روگرفت تام و مطلق»، انگاریده می شود. تنها «این رُشد» این واژه را بدرستی، تشبیه و ترجمه نموده است. امروز واژه تخیل یا متمثل ساختن زندگی، به عنوان ترجمه میمسیس ارسطویی به کار می رود (شفیعی

رمانتیک بودن در معنای غیرارتجاعی آن، بیانگر هیچ گونه فریب یا ضعفی نیست؛ بر عکس، این نوع رمانتی سیسم، معماری را غنا می بخشد و آن را سرشار از احساس و انگیزش می کند. ما چنین دریافتی از طبیعت را حالتی از «رویکرد درست رمانتیک» می نامیم، و در مقابل نگرش اکسپرسیونیست های فرم گرای ارتجاعی را به مثابه «رویکرد نادرست» می شناسیم. اولین نشانه انگیزش های رمانتیک با «رویکرد درست»، این است که طراح به جستجوی محیط های طبیعی استثنایی به عنوان سکونتگاه خود بپردازد. شاید بتوان گفت تمام افراد خلاق، زندگی در طبیعت را به عنوان عاملی برای الهام بخشی، موثر بر می شمردند. معماران و شاعران از جمله مصادیق این حکم هستند. آنانی هم که به دلایلی خاص نتوانستند برای خود مأوایی شخصی در دل طبیعت فراهم کنند، برای کشف اسرار طبیعت و راز یگانگی آن، به تکاپو پرداختند؛ در این مورد «والت ویتمن» و «جان اشتاین بک» مصادیقی مناسب هستند. «عوانی» معتقد است که انسان موجودی است که هم دانا است و هم سازنده. یک صفت انسان یا انسانی که بر صورت خداوند خلق شده است- دانایی، و صفت دیگر او سازندگی یا به تعبیر یونانیان «پوئیزیس» است و صفت سوم او زیبایی است، زیرا خداوند او را زیبا آفریده است و او (انسان) زیبایی را دوست دارد چون خالق او زیبایی را دوست دارد. پس هنر با دانایی (معرفت به حقیقت هستی)، سازندگی (هنر و خلاقیت) و زیبایی (متعالی و روحانی) که هر سه صفات خداوند هستند، همراه است؛ به عبارت

کدکنی، ۱۳۶۶، ص ۳۰). در ادامه به دوره های تاریخی و مفهوم فلسفی آفرینشگری اشاره می شود.

۳-۱ دوران ماقبل سُقراط و مفهوم فلسفی آفرینشگری

اساساً تلقی قدسی شرقیان از هنر، در غرب کهن و «اساطیری» (عصر هومر و هسیودس) نیز استمرار یافت در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد در «کرت»، مبدأ آفرینشگری هنر، قوای ملکوتی، آسمانی و ایزدی تلقی می شد (مددپور، ۱۳۸۳ الف، ص ۱۲۵). یونانیان کهن، هنرمند را به «آفریننده» (دمیورژ) مانند می کردند. «فیتاغورث»، هنر (به خصوص موسیقی) را «محاکات نغمات آسمانی» می داند. از نظر او «هنر ابداع» و «پوئزیس» نیست، بلکه تقلیدی است از «یده های سماوی». «هراکلیتوس» نیز همه «معرفتهای جهان» را چون «الهام» می داند. لذا هنر نیز از نظر او خاستگاه الهی دارد. به تعبیر او، هر آنچه متجلی می شود (اعم از طبیعت یا هنر) اشیاء و «کشف حجاب از لُگوس» (عقل جهانی یا آتش در کلام او) است (مددپور، همان، ص ۸۷).

«پارمنیدس»، هنرمند را واسطه میان «خدایان» و «مردم» می داند. «موزها» هنرمند را تصرف می کنند و به او «حوالات الهی» می بخشند؛ لذا مولد هنر از نظر او نیز، الهام قدسی و قدرت خدایی است. «امپدکلس» نیز هنر را تقلید و محاکات می داند؛ گو اینکه او عالم را مخلوق هنرمندی خالق می داند. خالق که «طبیعت زیبا» را در سایه تخته خویش مصور می کند (مددپور، همان، ص ۹۹). در این میان، «دموکریتوس» اعتقاد به «الهام خدایی» در شعر شاعران دارد؛ اما در عین حال، رسیدن به هنر و دانایی را بدون آموختن ممکن نمی داند. دموکریتوس اندیشه درباره چیز زیبا را نیز نشانی از الهام خدایی می داند (مددپور، همان، ص ۱۰۳). «پینداروس» نیز نظری مشابه «دموکریتوس» دارد؛ بدین معنی که او نیز منشأ ابداع هنری را به ایزدان نسبت می دهد اما در کنار آن، اعتقاد دارد هنرمند خود نیز می تواند نبوغ خویش را پرورش دهد. در هر حال، آنچه مسلم است، حکمای آن دوره، قبل از تبدیل

الهامات قدسی به متافیزیک مفهومی و بشر مدار (که آغاز آن با «پرومته» اساطیر بود) نیروی مولد هنر را «الهامات و فرآیند خلق هنری» را انتقال «حقایق سماوی به عالم محسوسات» می دانستند. لذا موسیقی و شعر دوره های آغازین تمدن یونانی نیز نوعی بیان حقایق دینی و ستایش ایزدان بود. در عین حال، در هنر اسلامی نیز فرآیند تفکر و خلاقیت امری بوده است که دارای مراحل دگردیسی متمایزی است؛ چنان که در باب معقولات اولیه و معقولات ثانیه می توان گفت که انتزاع مفاهیم کلی منطبق بر محسوسات است. مانند مفهوم انسان، درخت، اسب و امثال آنها. این دسته مستقیماً از راه تجرید و تعمیم جزئیات محسوسه برای عقل حاصل شده اند. این دسته عیناً همان صور محسوسه هستند که از راه یکی از حواس وارد ذهن شده اند و سپس عقل با قوه تجریدی که دارد از آن صور محسوسه یک معنای کلی ساخته است. آن دسته را «معقولات اولیه» می نامند. انتزاع بدیهیات اولیه و مفاهیم عامه از قبیل مفهوم وجود و عدم و وحدت در کثرت که از طریق دسته اول به نحو دیگری انتزاع شده اند. این دسته مستقیماً از راه حواس وارد ذهن نشده اند. بلکه ذهن پس از واجد شدن صور حسیه با یک نوع فعالیت خاصی و با یک ترتیب خاصی این مفاهیم را از آن صور حسیه انتزاع می کند. این دسته که متکی به دسته دوم هستند، «مقولات ثانیه» می نامند. همین معقولات ثانیه فلسفی است که بدیهیات منطقی و موضوعات غالب مسائل فلسفه اولی را تشکیل می دهند. در ادامه استاد مطهری اظهار می کند چه معقولات اولیه و چه معقولات ثانویه مسبق به ادراکات جزئی حسیه اند. در فلسفه ماقبل سُقراطی، هنر مترادف «بداع»، «پوئزیس» و «تخنه» و «فوزیس» بود؛ بدین معنی که هنر نیز به مانند «طبیعت (فوزیس)»، «حقیقت» را به نظر می آورد (ر.ک: هایدگر، ۱۳۸۲، ص ۴۲). لذا در نظر آنان، هنرمند فقط باعث «کشف حجاب» است و همه هنرمندان از این جهت برابرند. فرجام اینکه حکمای باستانی یونان، خاستگاه هنر را فوق بشری و تولید هنری را «کشف حجاب از حقایق وجود» می دانستند،

به همین جهت در آراء ایشان، نشانی از توجه صریح به استعداد فردی و تأثیر پذیری اکتسابی هنرمند از محیط دیده نمی شود.

۲-۳ سُقراط و مفهوم فلسفی آفرینشگری

دوران «سُقراط» سرآغاز علم متافیزیک و تفصیل علم حصولی یونان بود. در نظر او، «دین» و «ایزدان» مبهم بود. او انسان را جزئی از «روح جهان» فرض می کرد و همه چیز را برای بشر می پنداشت و لذا به نوعی از متقدمین فلسفه های سودگرایانه بود. پایان عصر اساطیر و تراژدی ها را نیز «اُتورپیدس» و «اریستوفان» قطعیت بخشیدند. ایشان ایزدان بزرگ را در حد عامه تنزل دادند و رب النوع ها را مخلوق شاعران قلمداد نمودند. در نظر سُقراط نیز شعر، هنوز غلبه و جذبه است و نه صنعت. سُقراط، مهارت «سخنگویان و راویان» اساطیر را، دارای «پیستمه» (دانش حصولی) و آنها را مقابل «شاعران» که با «دانش حضوری و اشراق الهی» سخن می رانند، قرار می دهد. از دید او، آنچه «شاعر» دارد، فقط «خَلَسِه» است. پس شاعر بنا به اصول دانایی نمی سراید. شاعر او، مجذوب و ملهم از سموات است؛ به تعبیر او، شاعر آلت بی اراده سخنان آن ایزدی است که در او سُکنا می گزیند (مددپور، ۱۳۷-۱۴۲)؛ پس آنچه در نظر سُقراط مولد آثار هنری است، الهام و جذبه است.

۳-۳ اَفلاطون و مفهوم فلسفی آفرینشگری

«اَفلاطون» چندین تلقی از خاستگاه و چگونگی تکوین هنر دارد: نخست «اَفلاطون سُقراطی» (در حدود سالهای ۳۸۷ تا ۳۴۷ ق.م). در این دوره، اَفلاطون پیرو نظرات «سُقراط»، نیروی مولد و خاستگاه هنر را الهام و جذبه قلمداد می کند. به بیان خود او: «شاعران، شعر را

از روی فن و تخنه نمی سرایند بلکه اشعار را ایزدان هنر جذب نموده و انتقال می دهند». (هنفلینگ، ۱۳۸۱، ص ۹؛ و مددپور، همان، ص ۱۳۹). بعدها در قرن ۱۸ نیز گوته، پیرو نظر اَفلاطون، «شعر» را نه «هنر» و نه «علم» و آن را حاصل «الهام» و «جذبه» می داند.

به تدریج با جایگزینی «لوگوس»، «نوس» و «میمزیس» به جای «میتوس» و «پوئزیس»، اَفلاطون نیز آغاز دوران عقل مداری را اعلام و پایان دوره اساطیری را تأییدی دوباره نمود. پس از تسجیل «عقل مداری»، اَفلاطون، هنر را در مرتبه ظن و هنرمند را در درجه نهم از مراتب روح انسانی (پایین تر از رده حکما) قرار می دهد. به نظر او هنرمندان مثل و ایده ها را متجلی نمی کنند بلکه، اهل هنر فقط مقلدان روگرفت مثل ها هستند؛ خیال و صور حسی بنیاد هنر است لذا هنرمند کاری به جز تقلید صرف محسوسات نمی کند.

وی بار دیگر در «سوفیست»، از هنرهایی نام می برد که هم ایزدان و هم انسان در آن شریک اند. اَفلاطون در همانجا به ارزیابی انواع «محاکات» می پردازد؛ چنانکه از دیدگاه وی، ساختن هنری دو نوع است:

۱- در نوع اول، تقلید و تصویر با استفاده از «ابزار» صورت می گیرد و محصول هنری نیز «شبیه سازی» است از «واقعیت»؛

۲- ولی در نوع دیگر ساختن «تصویر هنری»، خود فرد آلت و ابزار قرار می گیرد و با به کارگیری اندام خویش، حالات جزئی را تقلید می کند. محصول این هنر ظاهرسازی است که از حقیقت کاملاً به دور است. «اَفلاطون»^۱ در جایی دیگر، سرچشمه و مبدأ هنر را در غریزه طبیعی و بیان احساسات انسانی جستجو می کند. او هنر را از حالاتی عاطفی و لجام گسیخته و

۱. اَفلاطون در آتن در سال ۴۲۷ قبل از میلاد در یک خانواده متشخص آتنی متولد شد. او دو برادر و یک خواهر تنی داشت و دو برادر ناتنی که یکی از ازدواج اول شوهر دوم مادرش بود و دیگری حاصل این ازدواج بود. وی در بیست سالگی برای تکمیل معارف خود شاگرد سُقراط شد. این مصاحبت و شاگردی به مدت ده سال ادامه یافت. پس از اعدام سُقراط در ۳۹۹، اَفلاطون آتن را ترک کرد. او برای چندین سال در شهرهای یونان و کشورهای بیگانه به گردش پرداخت. پس از سفری به سیسیل در سال ۳۸۸ به آتن بازگشت و مکتبی فلسفی ایجاد کرد که به نام آکادمی مشهور است. تعلیمات وی در آنجا بر اثر دو بار سفری که در سال ۳۶۶ و ۳۶۱ به سیسیل داشت به تعویق افتاد. اَفلاطون در سال ۳۴۷ درگذشت و رهبری آکادمی را به خواهرزاده خود که شاگردش نیز بود، واگذاشت.

برخاسته از قوه شهوت و غضب می انگارد. خیال نیز، از نظر او قوه‌ای انسانی - حیوانی است. آنچه روشن است، افلاطون به مبدأ انسانی هنر، توجه ویژه‌ای مبذول نمود و بدین ترتیب به تفکیک هر چه بیشتر «پوئزیس» و «میمسیس» دامن زد (مددپور، همان، ص ۱۹۵). مدت‌ها قبل از او هنر، پوئزیس بود و پوئزیس به مفهوم از نهان در آمدن و آشکارگی. هنرمند در رتبه پوئزیس، حقایق را از عالم خیال خود به محسوسات انتقال می داد. اما در رتبه میمسیس و تقلید، تنها جلوه‌ای محسوس، بازنمایی می شود. بدین معنی، هنرمند در ساحت محاکات، به مدد خیال خود، امری طبیعی و محسوس را تقلید می کند. در انگاره افلاطون حرکتهای «مافوق طبیعی و عقلی» بر مبنای مکتب «غیر عقلانی»، ذات و منشأ هنر بحساب می آمد، چنانچه ادراک زیبایی معضلی کلیدی می نمود که در صورت گشوده شدن این راز، امکان تفاهم نکته‌های بیشماری در گستره «آفرینندگی» فراهم می آید (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۵). «محمد ضیمران» در کتاب «زیبایی و فلسفه هنر در گفتگو: افلاطون» به صراحت اشاره دارد که:

«اصلاً در دنیای افلاطونی، هنرمند خالق نیست، هنرمند همیشه از اصل سه درجه فاصله می گیرد و سایه‌ای مبهم از آن را در اثر خویش بازتاب می دهد» (ضیمران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

«نقره کار» در رابطه با مفهوم «آفرینشگری» از دیدگاه افلاطون چنین اشاره می کند:

«یکی از مهمترین اشکالاتی که افلاطون به همه هنرمندان می گیرد، همان دور شدن از اصل حقیقت یا ایده‌های مثالین است که بر اثر تقلید ایجاد شده است. افلاطون تنها اولین مرحله تقلید از خود مثال را هنری پسندیده و نیکو می داند که در این تقلید نوعی صانعیت و سازندگی هم وجود دارد که افلاطون آنرا با صفت «دمیورژ» بیان کرده است. دمیورژ، تنها مقید به مثل است و بر اساس آنها صنعت می کند (سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸؛ بنقل از نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷).

۳-۴ آرسطو و مفهوم فلسفی آفرینشگری

در نظر آرسطو ابداع شاعرانه، نقاشی و رقص همه از انواع

تقلید متخیل اند؛ یعنی در همه آنها از خوبی‌ها و بدی‌های زندگی تقلید می شود، اما در این تقلید هنرمند به طبیعت اکتفا نمی کند، بلکه با قوه خیال به عناصر مدرک از واقعیت، مایه می دهد، به طوریکه محصول هنری با واقعیت تفاوت دارد و در آن حضور متخیل هنرمند، عیان است (ریخته گران، ۱۳۸۰، ص ۲). آرسطو، هنر را با واژه «کاتارسیس» یعنی پالایش و تطهیر بیان می کرد و در کتاب «پوئتیک» که به زعم نویسندگان همچون «اومبرتو اکو» و «تروتان تودورف»، نخستین تحلیل ساختاری از متن ادبی است، زیبایی و جمال را در داشتن اندازه معین و همچنین نظم می داند. آرسطو می گوید «سیر خیال» با اخذ عناصری از عالم واقعیت صورت می گیرد. لذا حضور و خیال هنرمند ابداعی است و نه وهمی و بدین ترتیب «هنر از خیال پردازی جداست»؛ در نظر وی، ابداع و پوئزیس از اقسام فن آرمودگی و تخنه است، یعنی هنرمند در ابداع، مهارت دارد. آرسطو نیز هنر را در حوزه شناخت می داند. اما این شناخت به جزئیات صرف و محسوسات محدود نمی شود، بلکه به سوی امر کلی است. لذا تقلید از نظر او تقلیدی ماهوی از امور و اشیاء است (عبادیان، ۱۳۸۱، ص ۶۶). در تقلید می توان امور به صورت آرمانی به هجو و یا واقعی تصویر شوند. آرسطو در فن شعر، ابداع را به دو مفهوم به کار می برد که البته هر دو به معنای محاکات و تخیل است:

۱. «هنر تخیل ظواهر به واسطه رنگ و نقاشی»،

۲. «هنر تخیل اعمال انسانی از طریق شعر، آواز و رقص»؛ تخنه نیز در نظر او معرفت ابداعی است، یعنی هنرمند اهل تخنه می داند چگونه به ابداع برسد (ریخته گران، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

نظریه محاکات آرسطو خود ملهم از «فیثاغورث»^۱ و «دموکریئوس» و «افلاطون» بود، اما محاکات نزد او، از آزادی و پویایی بسیار بیشتری نسبت به محاکات حکمای متقدم، برخوردار است. به همین دلیل او اعتقاد

دارد: «هنرمند، طبیعت را آن طور که هست، یا باید باشد و یا خواهد بود، تقلید می کند» (مددپور، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۳۲).

«آرسطو» بر خلاف «افلاطون»، محاکات را دارای خصلتی خلاق و متصرفه می دانست و به مانند استادش، صرفاً جنبه طبیعی و غریزی به فرایند تقلید نمی داد. تقلید آرسطویی به آفرینشگری فردی و توانایی ایجاد اثر اشاره دارد؛ در حالیکه تقلید «افلاطونی- فیثاغورثی»، «بازنمایی منفعل و ایستا» از محسوسات و یا از افلاک است. به بیانی دیگر، آرسطو تقلید را خلاقانه و فارغ از گرتة برداری محض محسوسات ارزیابی می کند. او هنرمند را مقلد خلاق از ماهیت جهان می دانست که روی به سوی جنبه کمال و امور کلی دارد. آرسطو، هنر را شیدایی لاهوتی و قدسی نمی داند و از سویی بنیاد ابداع و ایجاد را درون هنرمند می داند و نه اثر هنری. اجمالاً می توان نتیجه گرفت مبحث نبوغ و آفرینشگری فردی به طور بالقوه در نظریات آرسطو عنوان شده است؛ اما تخیل آرسطویی را نباید مطابق نبوغ آزاد و بی محدودیت کانت پنداشت. شباهت این دو در خاستگاه بشری و غریزی این دو است. با این تفاوت که آرسطو،

هنر را محصول حالت و غریزه ای درونی به نام محاکات می دانسته و نه آفرینشگری بی محدودیت و تخیل آزاد از طبیعت، چنانچه در آراء تجربه گریان و ایده آلیسم کانت مشاهده می کنیم. فرجام اینکه، تقلید او نه به ایستایی تقلید فیثاغورثی- افلاطونی است و نه به لگام گسیختگی تخیل تجربه گرایان و هنرمندان رومانیک. درست به همین علت است که او هنر را سودمند و عقلانی می داند، اما در عین حال از تخیل انسان مدارانه نیز غافل نمی شود.

۳-۵ دوران انحطاط فلسفه یونانی و مفهوم فلسفی آفرینشگری

اساساً رومیان در مبانی نظری هنر پیرو افلاطون و آرسطو بودند. از طرفی «رواقیون» و «اپیکوریان»، وارثان فلسفه کلاسیک یونان نیز در عین تفاوت، هدف مشابهی را دنبال می کردند و آن بی نیازی دنیوی بود. فلسفه هنر این دو نحله نیز شباهات فراوانی به هم دارد. همچنین اصحاب هر دو تفکر، هنر را وسیله ای آموزشی، تربیتی و اخلاقی برای «سعادت معنوی» می دانند. در این دوران می توان به موارد عمده زیر اشاره داشت:

۱. «فیثاغورث» در جزیره ساموس، نزدیک «کرانه های ایونی»، زاده شد. او در عهد قبل از «ارشمیدوس»، «زنون»، و «اودوکس» (۵۶۹ تا ۵۰۰ پیش از میلاد) می زیست. او در جوانی به سفرهای زیادی رفت و این امکان را پیدا کرد تا با مصر، بابل و مغان ایرانی آشنا شود و دانش آن ها را بیاموزد. به طوری که معروف است «فیثاغورث»، دانش مغان را آموخت. او روی هم رفته، ۲۲ سال در سرزمین های بیرون از یونان بود و چون از سوی «پولوکراتوس»، شاه یونان، به «آماریس»، فرعون مصر سفارش شده بود، توانست به سادگی به رازهای کاهنان مصری دست یابد. او مدتها در این کشور به سر برد و در خدمت کاهنان روحانیان مصری به شاگردی پرداخت و آگاهی ها و باورهای بسیار کسب کرد واز آنجا روانه بابل شد و دوران شاگردی را از نو آغاز کرد. وقتی او در حدود سال ۵۳۰، از مصر بازگشت، در زادگاه خود مکتب اخوتی (که امروزه برجسب مکتب فیثاغورس بر آن خورده است) را بنیان گذاشت که طرز فکر اشرافی داشت. هدف او از بنیان نهادن این مکتب این بود که بتواند مطالب عالی ریاضیات و مطالبی را تحت عنوان نظریه های فیزیکی و اخلاقی تدریس کند و پیشرفت دهد. فیثاغورس نیز به مانند سقراط جانب احتیاط را نگاه داشت و چیزی ننوشت. آموزه های وی از طریق شاگردانش به دست ما رسیده است. اکنون روشن شده است که که شاگردان فیثاغورس، باعث و بانی بخش اعظمی از لباس چهل تکه تفکر، آداب و رسوم، ریاضیات، فلسفه و اندیشه های عجیب و غریبی هستند که در مکتب فیثاغورس موجود است. شیوه تفکر این مکتب با سنت قدیمی دموکراسی، که در آن زمان بر ساموس حاکم بود، متضاد بود. و چون این مشرب فلسفی با مذاق مردم ساموس خوش نیامد، فیثاغورس به ناچار، زادگاهش را ترک گفت و به سمت شبه جزیره آپتین (از سرزمینهای وابسته به یونان) رفت و در کراتون مقیم شد. در افسانه ها چنین آمده است که متعصبان مذهبی و سیاسی، توده های مردم را علیه او شوراندند و به ازای نور هدایتی که وی راهنمای ایشان کرده بود مکتب و معبد او را آتش زدند و وی در میان شعله های آتش جان سپرد. این جمله معروف را دوستدارانش در رثای او گفته اند: «افتخارات جهان چنین می گذرند».

دارند، لذا شاید بتوان فلسفه و تلقی «رواقیون» در باب هنر را به «اپیکوریان» نیز تعمیم داد (مددپور، همان، ۲۸۳).

۳-۶ افلوپتین و مفهوم فلسفی آفرینشگری

مراتب وجود از نظر «افلوپتین»، عبارتست از «سیر یکتا» یا «اقنوم (ذات) اول» به سوی «اقنوم سوم» (نفس مطلق یا پسوخه). او زیبایی را نه تنها در هنر بلکه در قوانین، علوم و فضایل اخلاقی نیز، متجلی می‌داندست (پورجوادی، ۱۳۵۸، ص ۹۱-۸۱). او نیز هنرها را محصول توانایی تقلید و محاکات می‌انگارد؛ اما برای این هنر تقلیدی ارزش قائل است. او احتجاج می‌کند: «هنرها، محاکات اند، اما نباید مورد غفلت واقع شوند. زیرا هم نقاشی و هم شیئی که از روی آن تقلید می‌شود، در نهایت صورت مثالی اند و لذا نقاش ممکن است قادر باشد صورت را به مراتب دقیق تقلید کند و در آنجا که طبیعت فاقد چیزی است، آن را اضافه و الحاق نماید» (ر.ک: مددپور، همان، ص ۲۹۱).

فلوپتین نیز در کتاب «انثادها» زیبایی را همان زندگی راستین روح می‌داند و بیان می‌دارد که زیبایی و نیکی عین یکدیگرند (فلوپتین، ۱۳۶۶، ص ۱۱۷). نظر «فلوپتین» در باب «محاکات»، به نظریه «تقلید و تخیل ماهوی ارسطو» شباهتهایی پیدا می‌کند؛ گو اینکه نظریات وی در باب زیبایی و هنر از سویی بیانگر تأثیر فراوان وی از فلسفه افلاطونی نیز می‌باشد. (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۶). «فلوپتین»^۱، در جایی دیگر، صراحتاً از ذوق و استعداد شخصی هنرمند، در سیر مراتب عالم و

۱- «رواقیون»، هنر را زاده تخیل هنرمند می‌دانستند و «تخیل» را چونان هنرمندی چیره دست می‌شمردند که از تقلید عادی و محاکات حسی، فاصله می‌گیرد.

«سیسرون رواقی» نیز هنر را تقلید و محاکات ماهوی جهان می‌دانست، اما بیش آن به عنصر «قریحه» و الهام توجه داشت (مددپور، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۷۹-۲۷۷). به نظر او استعداد شناخت زیبایی در هر انسان نهفته است، ولی انسان هنرمند به این نیرو دست می‌یابد و ابداع می‌کند.

۲- تأکید رواقیون بر عناصر «استعداد» و «قریحه» و «تخیل»، گواه آن است که متفکران این نحله هنر را بیشتر محصول ذوق و نبوغ فردی هنرمند می‌دانستند تا نیروی طبیعی و غریزی محاکات.

۳- می‌توان نتیجه گرفت، در «نگرش حصولی و زمینی» ارسطو، مفهوم غیر منعطف و ایستای تقلید افلاطونی به مفهوم محاکات تخیلی و ماهوی تبدیل شد و سپس رواقیون با تکیه بر عنصر تخیل بشری و ذوق و استعداد فردی، به جدایی هرچه بیشتر دو مفهوم تقلید و آفرینشگری (به معنای کانتی- مترادف با نوآوری بی سابقه) همت گماردند.

۴- اجمالاً، از نظر «رواقیان»، هنرمند با «ذوق و الهام سماوی»، محاکات می‌کند.

۵- «اپیکوریان»^۱ نیز نخست به دنبال لذت و آرامش معنوی و سپس لذت مادی بودند. با اینکه این غایت به ظاهر، متضاد هدف رواقیون است، می‌دانیم «تفکر رواقی» و «تفکر اپیکوری» شباهات فراوانی به یکدیگر

۱. اپیکور یا «ابیقور» فیلسوف یونانی در ۳۴۱ پیش از میلاد در «ساموس» واقع در دریای اژه زاده شد. پدر و مادرش از خانواده‌های فقیر و بینوای این شهر بودند. ولی اپیکور با اینهمه در زادگاه خود به تحصیل مشغول گشت. در ۱۲ سالگی شیفته فلسفه شد و در شهر تئوس نزد «نوزیفانوس» شاگردی کرد و با «حکمت دموکریت» آشنا شد. در ۱۹ سالگی به آتن رفت و در «آکادمی افلاطون» به مدت یک سال به فراگرفتن فلسفه اشتغال داشت پس از آن در شهرهای «کولوفن» و «موتیلنه» و «لامپساکوس» به تدریس پرداخت. تا آن که خود مکتبی را پایه‌ریزی کرد به نام «اپیکوریسم» یا طرفداران زیبایی و لذت. او را از اولین فیلسوفان مادی شمرده‌اند. بعد از چندی باغی را در حومه آتن مرکز نشر عقاید خود قرار داده و برای همیشه همانجا ماند و کم‌کم طرفداران زیاد پیدا نموده و خود شهرت فوق‌العاده‌ای کسب کرد و بعد از مرگش نیز مکتب فلسفی او مورد توجه عده زیادی قرار گرفت. اپیکور رساله‌ها و طومارهای زیادی برشته تحریر درآورده که به جز چند نامه از آنها اثری باقی نمانده است. اپیکور با سیاست چندان میانه‌ای نداشت و نمی‌توان او را مانند ارسطو یک فیلسوف قانون گذار خواند اپیکور به سال ۲۷۱ پیش از میلاد قبل از میلاد در ۷۱ سالگی بدرود حیات گفت.

تجلی شبیح از مبدأ نخستین در عالم محسوسات سخن می گوید (ر.ک: مددپور، ۱۳۸۳ الف، ۲۹۳) پس ابداع هنری از نظر او، توانایی و استعداد فردی در محاکات از مثل ها و تجلی آنها در محسوسات به شکل «صورت‌های مثالی» است.

۴ بیان یافته‌های تحقیق

۴-۱ فلسفه آفرینشگری و هنر و معماری (علل چهارگانه ارسطویی)

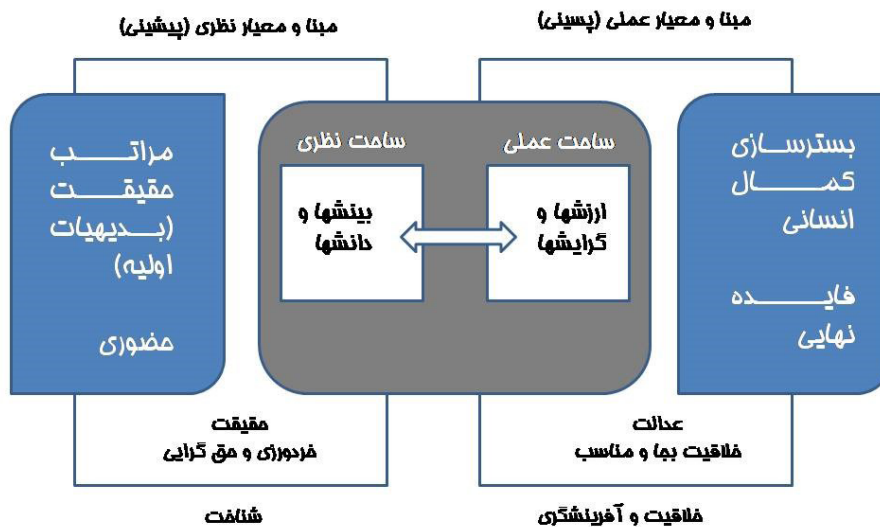
«هنر» با یک «لِهام» آغاز می‌شود. آنگاه این لِهام در یک فرآیند به نام «خلاقیت» (آفرینش) شکل زیبا پیدا می‌کند و اثر هنری پدیدار می‌شود و این پدیداری، بی‌گمان هدف و آرمانی را دنبال می‌کند. در حقیقت، هنر یک چیز بیش نیست و این چهار گام در یک ارتباط سامانمند با هم از پی هم رخ می‌دهند و به هم وابسته هستند؛ به گونه‌ای که هر یک از این گامها سه گام دیگر را تعریف می‌کنند. در نتیجه این گامها تنها برای روشن ساختن چیستی هنر و فرآیند آفرینش آن و زمینه‌سازی برای مقایسه رویکردهای گوناگون درباره هنر است. «هادی ندیمی» در مقاله «امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم» می‌نویسد:

«اندیشه رساننده مفاهیم است، معماری رساننده معانی.»

در زبان می‌شود فریاد زد من این نیستم، ولی در هنر آنچه هستی، نشان داده می‌شوی؛ پس هیچ اتفاق یا عملی و هیچ گفتاری از انسان صادر نمی‌شود، مگر اینکه پشتوانه‌ای اندیشه‌ای داشته باشد» (ندیمی، ۱۳۸۵، ص ۳).

در این رابطه و مفهوم «خلاقیت و پیشینه تجربی»، آرشیوا محمودی در نشریه آبادی ذیل عنوان مقاله‌ای با نام «خلاقیت و پیشینه تجربی» چنین اشاره دارد که: «معماری با کالبد سروکار دارد، با شرایط فیزیکی، و در واقع فراگیری در این عرصه فراگیری تکنیک و تکنولوژی است و من احساس می‌کنم تکنولوژی امروز، فرآیند تجربه را مورد تردید قرار داده است. ژیل دلوز می‌گوید فیلسوف کسی نیست که فلسفه خوانده باشد یا مدارج فلسفی طی کرده باشد، فیلسوف خالق مفهوم است و کسی که نتواند مفهوم خلق کند نمی‌تواند بر خود نام فیلسوف بگذارد. اما خلق مفهوم فلسفی هم باید بر اساس شرایط اینجا و اکنون صورت گیرد، بازگشت به مبدا، به گذشته در اینجا محل اعرابی ندارد، مفهوم را باید در شرایط فعلی به وجود آورد؛ مثل آلبرت اینشتین که گفت: من بیشتر بر دوش خود ایستاده‌ام تا بر دوش گذشتگان» (محمودی، ۱۳۷۵، در

۱. در یونان پایه گذار نو افلاطونی، «افلوپتین» یا «پلوتینوس» است. شاگرد او، «فرفوروس» صوری تحت عنوان زندگانی افلوپتین در سال ۳۰۱ میلادی در حدود سی سال پس از فوت استاد خود نوشته و آن را مقدمه آثار او قرار داده است. «فرفوروس» می‌نویسد: «افلوپتین هرگز به کسی چیزی درباره ماه یا روز تولد خود نگفت، چه نمی‌خواست برایش قربانی کنند یا جشن بگیرند، هرچند که در روزهای تولد افلاطون و سقراط قربانی می‌کرد و از دوستان پذیرائی می‌کرد»؛ ولی گفته شده که تولد او در اواخر سال ۲۰۴ یا اوائل ۲۰۵ م بوده است و پاره‌ای از مورخان بیان کردند که وی در شهر لوکوپولیس در مصر علیا چشم به جهان گشود. در اواخر سال ۲۳۲ به دیدن آمونیوس ساکاس توفیق حاصل کرد و یازده سال در محضر وی درس فلسفه فرا گرفت. در میان فلاسفه پیشین افلاطون بیش از هر کس مورد علاقه افلوپتین بود. به طوری که حتی زمانی که در رم به سر می‌برد نقشه‌ای طرح کرده که یک افلاطون شهر بر ویرانه‌های شهر کامپانیا واقع در ایتالیا بنا نهد و باقی عمر خویش را با مریدانش در آنجا مطابق قوانین سپری کند. ولی این آرزو هرگز جامعه عمل نپوشید. افلوپتین علومی که افلاطون لازم می‌دانست از قبیل هندسه و حساب و علم الحیل و علم مناظر و موسیقی فرا گرفته بود. ظاهراً یک موضوع بود که افلوپتین بر خلاف افلاطون چندان علاقه‌ای بدان نداشت و آن سیاست و فلسفه سیاست بود. تعالیم وی همه در جهت ترک دنیا و علایق دنیوی بود. از این نظر نمی‌توانست زیاد به دنیا و امور دنیوی بیندیشد. افلوپتین با وجود بی‌علاقه‌گی به امور دنیوی، مردی بود اجتماعی، با مردم مهربان و به دوستان خود وفادار بود. ظاهراً افلوپتین دچار نوعی بیماری جذام شده بود و پس از اینکه او را به کامپانیا بردند و مدتی در آنجا در تنهایی به سر برد. و به همین دلیل مرض مرد. آورده‌اند که پیش از مرگ آخرین جمله‌ای که بر زبان آورد این بود که «من بر آنم تا آن لطیفه‌رسانی را که در وجود من است به آن حقیقت الهی در عالم باز گردانم.»



نمودار ۱. مبنا و معیار عملی و نظری در آفرینشگری؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴

۳. «زیبایی شکلی» و

۴. «آرمان» (غایت): از جهت «محتوا» آن، به کجا می‌رسد؟ به هدفی درونی (هنرمند)، یا به هدف بیرونی یا بدون هدف؟ که به ترتیب «آرمان انفسی»، «آرمان آفاقی» و «بی‌آرمانی» نامیده می‌شوند. از جهت «پیرو بودن» نیز «آرمان پسینی»، یا پیشرو بودن «آرمان پیشینی» نامیده می‌شوند (نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

در هر حال، می‌توان به اضافه کردن علت نمونه‌ای به چرخه فوق‌الذکر، به نمودار تحلیل زیر دست یافت که نشانگر ارتباط رویه‌الهام و فرآیند‌الهام‌گیری که از آن با تسمیه «آفرینشگری معماری» یاد می‌شود، می‌باشد. این نمودار عبارت است از:

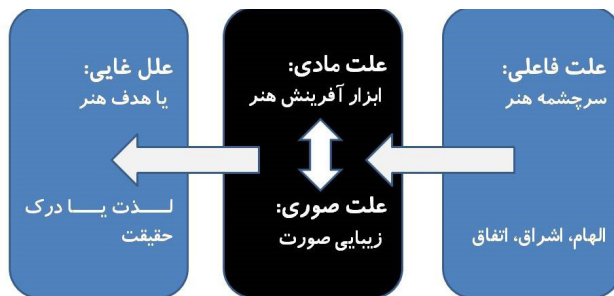
باید گفت که هر نوع سازندگی هنر نیست بلکه هنر آن نوع سازندگی است که با زیبایی توأم بوده و غایت آن زیبایی و بیان زیبایی باشد. و این انسان مخلوق خداوند است که دارای قوه آفرینندگی است، چون روح او از جوهری الهی است و بر مبنای آن به خلق و آفرینش می‌پردازد و بهترین نمونه خلاقیت او هنر است (اکرمی، ۱۳۸۲، ص ۳۶). در رابطه با علل صوری و مادی در آفرینشگری معماری هم می‌توان اشاره کرد که:

مقاله «خلاقیت و پیشینه تجربی»، ص ۲۹.

این دیدگاه‌ها و مکاتب را در مقایسه پاسخ‌هایی که به پرسش‌های گوناگون درباره هنر داده‌اند، می‌توان دسته‌بندی کرد. متناظر این پرسشها را در علل چهارگانه ارسطویی نیز می‌توان یافت: از سویی دیگر، در تطابق با «علل چهارگانه ارسطویی» می‌توان به تقسیم‌بندی زیر اشاره کرد که ذکر آن، لازم بنظر می‌رسد:

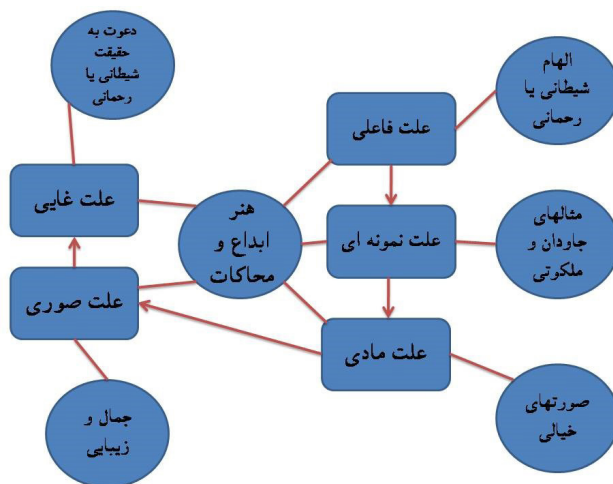
۱. «الهام» (سرچشمه الهام): از جهت «محتوی» که از کجا برگرفته می‌شود؟ از درون خود «الهام نفسی»، واقعیتی بیرون از خود «الهام آفاقی»، یا رویدادی اتفاقی «الهام آزاد». از جهت «گستره» آن که آیا محدود به زمان و مکان است یا نه؟ الهام نسبی یا عصری «الهام پسینی»، در برابر الهام مطلق و فرا زمان «الهام پیشینی»، مطرح هستند.

۲. «خلاقیت»: به معنای «فرآیند دستیابی به شکل هنری» است: «خلاقیت وهمی» که در گزینش شکل هنری، هنرمند رها از هر نوع واقعیت خارجی، اثری را خلق می‌کند و ارتباط ذاتی میان شکل و محتوی وجود ندارد؛ و «خلاقیت آیه‌ای» که صورتها به شکل نمادین و نسبی با محتوای (واقعیت‌های برتر وجودی) رابطه برقرار می‌نمایند.



نمودار ۲. علل چهارگانه ارسطویی و آفرینشگری معماری؛ ماخذ:

نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.



نمودار ۳. افزودن علل پنجم بر علل چهارگانه ارسطویی از دیدگاه مددپور؛ ماخذ: نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶.

الف- «علت صوری معماری»: ظاهری رکن شکل دهنده به معماری معیارهای زیبایی شناسی صورت آن است که هیچ هنری نمی تواند بدون آن به ظهور برسد. در تمدن معاصر هنر غالباً در همین شان خود فروکاسته شده است.

ب- «علت مادی» (خلاقیت از معنا به ماده): ماده هنر معماری مربوط به فرآیندی است که سرچشمه هنر را به صورت آن می رساند و آن هم خلاقیت، با تخیل و یا عقل. بنظر می رسد معنای صحیح خلاقیت آفرینشگری متناسب کالبد با محتوی و معنی است؛ و واسطه رسیدن از محتوی به کالبد را ایده می نامند. ایده آن شکل مثالین و نمادینی است که با آن معنا متناسب است.

۱. «تخیل بازنمایی و الهامی»: که مشتمل است بر:

الف- تقلید و محاکات؛ و ب- تخیل الهامی.

گونه شناسی تخیل با توجه به موضوع خلاقیت» در رابطه با انواع تخیل ها و ارتباط آنها با مقوله خلاقیت می آورد: «تخیل مهمترین عنصر خلق و نوآوری است و هیچ نوآوری ای بدون تخیل امکان پذیر است. به همین دلیل میان تخیل و خلاقیت ارتباط تنگاتنگی است. این ارتباط در حوزه ادبیات و هنر که اساس آنها تخیل است، بیشتر می شود زیرا هنر و ادبیت همواره هز هنجارهای عمومی به دورند و کوشش می کنند تا صورت‌های نو بیافرینند.»

وی در ادامه به انواع تخیل ها و تخیل خلاق چنین اشاره داد: «برای تخیل می توان انواعی را در نظر گرفت:

۲. «تخیل فعال»: که مشتمل است بر: الف- تخیل ترکیب گر؛ ب- تخیل جستجوگر؛ و ج- تخیل اکتشافی و شهودی.

۳. «تخیل خلاق»: تخیل خلاق دارای کارکردهای دیگری نسبت به تخیل بازتولیدی است. تخیل خلاق به غیر واقعیت تعلق می گیرد و از نظر روان شناسی به اندازه واقعیت اهمیت دارد (نامور مطلق، ۱۳۸۶، صص ۱۹۳-۲۱۰).

علاوه بر آنچه گفته شد؛ بر اساس تقسیم بندی مورد اشاره «انصاری و معظمی» در مقاله «آفرینش اثر معماری: بنیان ها و سویه ها»، می توان به بررسی مساله آفرینش در محورهای زیر پرداخت:

۱. «موضع تئولوژیک: دوران تاریخی با سیطره ربانیت و معنویت»: این موضع را می توان دوره سیطره و اصالت دادن به حکمت نیز دانست. در این دوره، تفکر از نوع حضوری و شهودی است، و تفکر حصولی و منطقی در آن جایی ندارند. با ظهور فلاسفه یونان، این دوره جای خویش را به دوره متافیزیک داد؛ لیکن سیر تحول مشرق زمین همانند مغرب زمین نبود، بلکه همچنان نوع نگاه ربانی به عالم در این سرزمین ها تداوم یافت. این تداوم تا زمان حال نیز ادامه داشته و هنوز تفکر هندی، ژاپنی و اسلامی از حقایق باطنی خویش تهی نگردیده اند و به همین لحاظ است که چنین فرهنگ هایی در مقابل تفکر غربی مقاومت می کنند.

۲. «موضع متافیزیک: دوران تاریخی معنویت مآبی و فلسفه یونان»: دوره متافیزیک با پیدایش فلاسفه یونان شکل می یابد. در این دوره، تفکری که تا این زمان به صورت یکپارچه و حضوری بود، شروع به تجزیه شدن می نماید. خدایان جای خویش را به نیروهای انتزاعی و ایدوس ها می دهند. این ایدوس ها، مجموعه ای از الگوهای بی زمان می باشند که طبیعت سعی در تقلید آنها دارد و این تقلید یا محاکات چندان کامل و عین به عین نمی باشد و در نتیجه صور و نتایج مختلفی را در بر دارد.

۳. «موضع پوزیتیویسم: علمی، حسیت و دوره جدید»: اغلب متفکران، آغاز این دوره را با اندیشه دکارت مرتبط

می دانند. مهم ترین اصل دکارتی که موجب پیدایش این حرکت عظیم و این شکاف ژرف بین عالم پیش از خود و عالم جدید گردید، اصل بنیادینی است که به سوبژکتیسم، معروف شده است. طرح او برای تاسیس علوم جدید مستلزم ایجاد شکاف عجیبی بین آگاهی انسان و جهان خارج بود. ذهن برای وصول به هدف های کمی؛ یعنی به منظور اندازه گیری و محاسبه برای دستکاری در طبیعت و تصرف آن، طرح های اجمالی و کلی از طبیعت تهیه می کند، و در همان حالی که آگاهی انسان مشغول این کار است، فاعل یا شناسنده ای انسانی در مقابل طبیعت قرار می گیرد.

۴-۲ گونه شناسی الهام ها در هنر و معماری

در باب گونه شناسی محتوایی الهام ها، که نخستین گام در فرآیند آفرینشگری تصور می شوند، می توان به چهار نوع تقسیم بندی اشاره کرد:

۱. «نظریه الهام های انتزاعی و تصادفی» (هنر برای هنر): گروهی از جریان های هنری منکر سرچشمه و غایتی خارج از هنر، برای هنرنند و سرچشمه هنر و حتی غایت آن را هم درون صورت و ماده آن یعنی شکل و یا خلاقیت و بازی با هندسه ها و اشکال تعریف می کنند. این همان دیدگاه «هنر برای هنر» است که هنر را چیزی جز خلاقیت شکلی و ظاهری نمی داند. در اینجا یک جعل و ایجاد جدید است و هنر تنها به این معنا حقیقت دارد. این تئوری را در بسیاری نظریات همچون نظریه نهادی می توان دید.

۲. «نظریه الهام های آفاقی»

۳. «نظریه الهام های انفسی»؛ و

۴. «نظریه تجلی حقیقت» (نقره کار، ۱۳۸۵، صص ۱۰۶). در ادامه به اختصار به شرح هر یک از این نظریه ها پرداخته می شود.

۴-۳ سرچشمه های آفاقی الهام در معماری

در این رابطه می توان به نظریه های زیر اشاره داشت که در تاریخ با رویکردی فلسفی همواره مورد توجه اهل نظر بوده و هستند. این نظریه های در حول

«سرچشمه های آفاقی» الهام عبارتند از:

۱. «نظریه بازنمایی» (تقلید): کهن ترین تعریف هنر،

بر اساس بازنمایی آیا نسخه برداری از طبیعت [شکل گرفته است. بنابراین نظر: «هنر، عبارت از تقلید یا نسخه برداری از طبیعت است که به دست آدمی انجام می شود. این تعریف منسوب به «فلاطون» و «آرسطو» است که آغازگر تاملات فلسفی درباره آثار هنری اند. بر اساس این نظر، ارزش هنری هر اثر به دقت و ظرافت و ریزبینی هنرمند در امر بازنمایی بستگی دارد (رامین، ۱۳۷۷، ص ۹).

در رابطه با نقدهایی که جریان های تفکری بر این نظریه وارد کرده اند، می توان به دو نظریه زیر اشاره داشت:

۱. «انتقاد تفکر هنری آزاد (لیبرالیسم)»: «ژیل دلوز» اساس نظریه افلاطون را در تفکیک دو ساحت ظاهر و باطن می داند و تاکید می کند که در عصر امروز، از کانت گرفته تا هگل و نیچه، این دوگانگی ظاهرها و باطن ها را باطل اعلام کرده اند و به این دلیل به هیچ وجه نمی توان ریشه و علت فاعلی ظاهر را در باطن دانست (دلوز، ۱۳۷۸، ص ۶۴).

۲. «انتقاد تفکر هنری وجودگرا (اگزیستانسیالیسم)»: «مددپور» در مورد نگرش افلاطون به شاعران می گوید که آنها از روی عقل و دانش سخن نمی گویند و شاعران را آشفته و پریشان می خواند. وی در سلسله مراتب ارواح و عقول انسانی، برای روح شاعر جایی در مرتبه نهم، بین مرتبه اهل رموز و اعل صنعت معین می کند و صدر مراتب را بلافاصله بعد از مرتبه خدایان، به فلاسفه و حکما وامی گذارد. همچنین «داوری» موضع افلاطون در بیان هنر را ذات هنر ندانسته است، بلکه منظور او را نفی و نقد هنر موجود می داند. در عین حال تاکید دارد که از نظر افلاطون هنر با حقیقت سروکاری ندارد. حقیقت عالم غیب و مثال است و فارق از اشیای محسوس. هنرمند تصویر این عالم و اشیای آن را به ما نشان می دهد؛ بنابراین اثر و کار او نه فقط حقیقت نیست، بلکه سایه حقیقت است؛ یعنی نسبت به حقیقت در مرتبتی سوم قرار دارد (نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).

۴-۴ سرچشمه های انفسی الهام در معماری

در رابطه با نظریه های مرتبط با سرچشمه های انفسی الهام می توان اشاره کرد که:

۱. «نظریه فرانمایی هنر»: دسته ای از نظریه ها و تعاریف هنر، منشا اصلی هنر را درونی می دانند. اینان یکی از غرائز و عواطف و حالات انسانی را به عنوان منشاء هنر در نظر می گیرند. ریشه های چنین تعریفی را از یک طرف در نظریه های روانشناسی ناخودآگاه و از طرف دیگر در نظریه های بیان گرا می توان یافت. علی رامین در خصوص این نظریه می گوید: «تعریف دیگر که بر نظر «کروچه و کالینگوود» تکیه می کند، هنر را بیان گویای احساسات و عواطف آدمی با استفاده واسطه های مختلف هنری تعریف می کند؛ بدین صورت که هنرمند وقتی دستخوش عواطف و احساسات می شود، تلاش می کند تا تصویری روشن از احساساتش داشته باشد و این احساس را در قالب کلام، رنگ، صوت و یا هر واسطه دیگر هنری به گونه ای گویا و شفاف ابراز کند» چنان که به گفته «تولستوی»: «کار هنر این است، آنچه را که ممکن است در قالب استدلال و تعقل، نامفهوم و دور از دسترس باقی بماند، مفهوم سازد و در دسترس همی مردم قرار دهد (تولستوی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۵).

۲. «نظریه روانشناسی هنر»: از مهمترین الهام های انفسی باید به روانشناسی اشاره نمود که در سبکهایی همچون سوررئالیسم و اکسپرسیونیسم اهمیت یافته اند. روان شناسان از احساس های لحظه ای فراتر می روند و به احساسات ناخودآگاه عمیق وجود می رسند که در هنر ظهور می کند؛ اگرچه واضح بزرگ روانشناسی فروید، هم مانند افلاطون، هنرمندان را بیماران می دانست که بیماریشان آنها را به چنین ادراکی رسانده است. «فروید» از دیدگاهی روان شناختی زیبایی را تسکین بخشی بر آلام درونی می دانست و بر این باور بود که هنر می تواند کاربردی التیام بخش در هنگام زایش هنری، چه برای هنرمند و چه برای مخاطب هنری داشته باشد. «امیر حسین آریان پور» اصلی ترین رویکردهای آنان را در سه گرایش تنظیم کرده است: «الف»: هنر ناشی از غریزه بازی است؛ که خود اینان دو

غایت را برای این گزینه تنظیم می کنند: الف-۱): بازی تنها برای یک احساس خوشی و دفع مازاد نیروهای انسانی و عدم وجود هدفی بیرونی (اسپنسر، لانگه و شیلر)؛ و الف-۲): بازی، مقدمه ای برای آموختن اعمال حیات (کارل گروس)؛ ب): هنر ناشی از گزینه جنسی و تناسلی؛ هنر وسیله ایجاد جاذبه برای جلب جفت و یا ارضاء نیروی درونی جنسی و لذت بردن (فروید و داروین)؛ و ج): هنر ناشی از گزینه جمال دوستی و زینت خواهی؛ جالب آنکه آریان پور هر سه نظریه فوق را نیز رد می کند.» (آریان پور، ۱۳۵۴، ص ۴).

۴-۵ سرچشمه های فراگیر الهام در معماری

در این ارتباط می توان به نظریه زیر اشاره داشت که:

«نظریه تجلی و ظهور حقیقت»: بهترین تبیین این تئوری از هایدگر ارائه شده و به نظر می رسد اساس آن را در «فلسفه صدرایی» بتوان یافت. اصلی ترین مقاله هایدگر در رابطه با هنر، تحت عنوان «سرچشمه اثر هنری» یا به تعبیری علت فاعلی هنر است. او سرچشمه هنر را حقیقت می داند، اما حقیقتی که مربوط به وجود ذاتی شئی است و «در اثر هنری به قرار آورده شدن شیئی» را هنر می داند.

در این رابطه می توان به نظریات غزالی اشاره داشت، چنان که غزالی نیز در کیمیای سعادت به مراتب زیبایی و آفرینشگری همراه آن، اشاراتی می کند و آن را در سه مرتبه قرار می دهد و متعالی ترین گونه زیبایی را زیبایی روحانی می داند، زیرا به قادر متعال پیوند می خورد و با وجد و شوق به دست می آید: «بدان که ایزد تعالی را سری است در دل آدمی که آن در وی همچنان پوشیده است که آتش در آهن و چنان که به زخم سنگ بر آن، آن سر آتش آشکارا شود به صحرا افتد، همچنین سماع خوش و آواز موزون آن گوهر دل را بجنباند و در وی چیزی پیدا آورد، بی آنکه آدمی را اندر آن اختیاری باشد و سبب آن مناسبتی است که گوهر آدمی را با عالم علوی است و عالم علوی عالم حسن و جمال است و اصل حسن و جمال تناسب است و هر چه متناسب است نمودگاری است از جمال آن عالم و هر چه جمال و حسن که در این عالم محسوس است

همه ثمره حسن و جمال و تناسب آن عالم است.» در تقابل با همه موارد گفته شده در رابطه با ارتباط سنت و ابداع، «شریعت زاده» در مقاله ای با عنوان «اعتدال میان سنت و نوآوری» می نویسد: «این فکر باطلی است که خیال کنیم خلاقیت جوشان از تخیل بدون نفوذ گذشته می تواند وجود داشته باشد، آینده هم نمی تواند آنچه را در این ۵۰ سال تسلط معماری مدرن یا پست مدرن حادث شده، کنار بگذارد. تخیلات رمانیتیک نمی تواند خاطره های گذشته را به احکام مسلط تبدیل کند. معماری هم مانند زبان، جزو فرهنگ اقوام است، اما همه پایه های فرهنگی یکسان نیستند. زبان و مذهب از طفولیت در ذهن جایگیر می شوند، و در آنها نوآوری و تغییر چندان مطرح نیست، یا کمتر مطرح است و تداوم آنها از همین روست. اما معماری حرفه ای است که با ذهن بالغ و نقاد فراگرفته می شود. در تغییر به روی آن باز است. تداوم و نوآوری هر دو در آن ممکن است و یکی اگر نباشد آن دیگری معنای خود را از دست می دهد. با تداوم معماری است که معماری چین را از معماری اروپا تمیز می دهیم و با نوآوری است که معماری یک دوره را از دوره های دیگر. در این مورد که چه چیز لازم نیست، تداوم یابد، نمی توان حکم قبلی صادر کرد. زمان آن را دیکته می کند. تداوم که مایه قوام و استحکام معماری است و خلاقیت و نوآوری که از فضایل معماری است، وقتی می توانند باهم باشند که بر متن آزاد اندیشی باهم ترکیب شوند؛ صرف تعهد به شرق یا غرب یا سنت نمی تواند ملاک قرار گیرد» (شریعت زاده، ۱۳۷۴، ص ۶۶).

۴-۶ گستره الهام ها در هنر و معماری

در رابطه با گستره الهام می توان اشاره داشت که سرچشمه اصلی هنر، الهام و کشفی است که توسط عقل یا خیال تا مرحله شکل و صورت مادی نازل می شود. در این راستا سه نظریه از هم قابل تفکیک است:

۱. «الهام های پسینی: نسبی، اعتباری و عصری» (الهام تکامل پذیر انسان از جامعه، تاریخ، طبیعت و انسان): این دیدگاه اگرچه لازمه یک فرهنگ و تمدن است

اما امروز همه ساحات هنر را دربر گرفته و جایی برای هنر فرازمان باقی نگذاشته است؛ چراکه دست یابی به این سرچشمه ها آسان تر و امکان پذیر تر است؛ در حالیکه برای رسیدن به سرچشمه های بی زمان باید از رنگ زمانه فاصله گرفت و از افقی فرازمین به زمانه نگریست. «عبدالکریم سروش» بر این عقیده است که تمدن انسان بر پایه اعتبارسازی است و اعتبارسازی در حوزه های گوناگونی اتفاق می افتد که مهمترین این حوزه ها هنر است. در بیان حوزه هم، شالوده فرآیند اعتبارسازی، و در نتیجه تمدن سازی خیال است. بدین گونه می توان علت فاعلی دیگری هم برای هنر برشمرد و آن خیال اعتبارساز و مجازساز است. از آنجا که به گفته او انسان و جامعه هنرمندتر، متمدن تر است؛ پس می توان انگیزشی نهان برای فرآیند تمدن سازی را در عالم هنر موثر دانست (سروش، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

۲. «الهام های پیشینی: مطلق و فرا زمان» (الهام فرازمان بشر از معبود، روح ملکوت و طبیعت): این دیدگاه حالتی پیشرو و غیر مردمی دارد و در برخی مکاتب آوانگارد و خط شکن وجود دارد. بسیاری از دیدگاه های شرقی و دینی هم به این دیدگاه نزدیکند. در اینجا تکامل فرهنگ و تمدن وابسته به تکامل انسان است و از آنجا که در تعاریف دینی روح انسان موجودی مجرد تبعید شده به عالم ماده است، درد غربت اسارت روح در این عالم و شوق ارتباط و انس با حوزه مجرد وجود، الهامات و مکاشفاتی را فراهم می کند که مایه و سرچشمه اصلی هنر را می سازد. «محمد مددپور» در کتاب «تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی» می گوید: «علت مادی هنر تخیل و محاکات استف اما علت فاعلی غیر از محاکات است. در اینجا آدمی با معرفت و الهام و جذبه که مبداء معرفت است سروکار دارد، جذبه حالتی است که در آن شعور و وجدان فردی انسان تحت تاثیر و استیلای القائاتی قوی و عالی فرو ریخته، و وجود خود را در وجودی متعالی مستغرق بباید و احساس بهجت و سعادت می کند. در واقع غلبه و استیلای حالت انفعالی مخصوصی است که در آن

شخصیت و تعیین هویت انسان به کلی محو می گردد و جای خود را به حالت یا احوال روحانی غیر متعینی که بر وجود انسان تسلط یافته است، وا می گذارد؛ بنابر شدت و ضعف جذبه، اثر هنری هویت هنرمند را کم و بیش نشان می دهد (مددپور، ۱۳۷۴، ص ۲۴). «مهدی حجت» نیز مایه اصلی آفرینش هنری را درد درونی هنرمند می داند (حجت، ۱۳۶۲، ص ۵۲)؛ و فاصله میان واقعیت و حقیقت را محرک انسان در خلق و تغییر می داند؛ و «شهید مرتضی آوینی» نیز هنر را یاد بهشت و نوحه انسان در فراق می داند (آوینی، ۱۳۷۷، ص ۱۳). ۳. «سرچشمه فراگیر» (دانش فرازمان و تکامل پذیر برخاسته از وحی و سنت نبوی): گسترده ترین مباحث در این زمینه را باید در میان برخی سنت گرایان به ویژه بورکهارت، شوان و نصر یافت. نصر سرچشمه هنر اسلامی را در خود اسلام دنبال می کند و ریشه هنر در ابعاد باطنی دین اسلام جستجو می کند.

۵. خلاقیت (آفرینشگری) در هنر و معماری

سخن را با ذکر مطلبی از زنده یاد «منوچهر مزینی» در باب «ارزش و جایگاه خلاقیت و آفرینشگری» در هنر و معماری آغاز می کنیم؛ آنجا که در مقاله «هنر، معماری و شهرسازی» در رابطه با نوآوری می آورد: «نوآوری از ویژگیهای اصلی آثار هنری خواه نقاشی و یا معماری است، اما یادآور می شویم که نوآوری در عرصه هنرهای بصری آسانتر صورت می گیرد تا در عرصه معماری و شهرسازی.» (مزینی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). زنده یاد «سید هادی میرمیران» در مقاله «مسجد سپهسالار» در ذیل مفهومی «خلاقیت؛ لازمه وجودی مفهوم معماری» به این نکته اشارت دارد که: «دوم این که در تمامی آثار معماری یک وجه مشترک وجود دارد و آن خلاقیت است. این خلاقیت به دو شکل در اثر معماری بروز می کند:

۱. یکی «خلاقیت نظری»، یعنی آن مبنای فکری که اثر معماری بر اساس آن استوار می شود؛ و
۲. دیگر «خلاقیت فضایی» است که «بخش معمارانه» آن اثر را تشکیل می دهد. هر اثر معماری که فاقد خلاقیت باشد، نمی تواند در سلسله عظیم آثار تاریخ

معماری جهان جایی داشته باشد. اگر آثار معماری را از زاویه فضایی بررسی کنیم، معماری دوره قاجار ارزش بالایی پیدا می کند و در جایگاه برتر و تکامل یافته تری نسبت به معماری دوره های خود قرار می گیرد» (میرمیران، ۱۳۷۵، ص ۵۶).

«داراب دیبا» نیز در مقاله «حصول زبانی برای معماری امروز ایران»، «خلاقیت را لازمه معماری می داند: «طراحی در ایران، نیاز به پژوهش، عشق، اصالت و جوی، هوش و نوآوری و خلاقیت دارد. برای دسترسی به این زبان و بیان معماری جدید به برقراری ساختاری مفهومی نیاز است که در آن عناصر و کلمات بیانی، همان سطوح و احجامی اند که این کلیت ترکیبی را انتقال می دهند» (دیبا، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

«هاشم هاشم نژاد»، خلاقیت و آفرینشگری را از ویژگیهای معماری ایران می داند؛ آنجا که در مقاله «جست و جوی ضرایب نهفته در میراث کهن» می نویسد:

«معماری ایرانی دارای ویژگی هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای جهان از ارزش و رمز و رازی مختص به خود برخوردار است... طراحی متناسب، هندسه ای بدیع، تناسباتی موزون، سازه هایی دقیق و خلاقیت هایی نو و بالاخره تزییناتی گوناگون...» (هاشم نژاد، ۱۳۷۴، ص ۴۵).

«لوکوربوزیه» در کتاب «معماری نوین: نگرشی نو به معماری» در رابطه با مقوله «آفرینش ناب ذهن» می نویسد:

«طرح و پروفیل، معیار معمار هستند. در ایجاست که معمار خود را بعنوان یک هنرمند ظاهر می کند و یا در قالب یک مهندس محض، طراح باید آزادانه ارائه شود و نه در اضطرار؛ دیگر در اینجا، هیچ چون و چرایی از سنت ها و رسوم و نه از ساختمان و انطباق احتیاجات تجملی وجود ندارد. طرح و پروفیل آفرینش ناب ذهن هستند، آنها به دنبال یک هنرمند خیال پرداز تجسمی هستند... هرگاه هارمونی و هماهنگی خاصی وجود داشته باشد، کار ما را شیفته خود می کند، معماری یعنی آفرینش ناب روح» (لوکوربوزیه، ۱۳۸۶،

ص ۳-۱۲).

«سید حسین نصر» نیز در رابطه با «رد سرچشمه های تاریخی و عصری» در مقوله «آفرینشگری معماری ایران» چنین اشاره می کند:

«سبک سنتی معماری ایرانف محصول «دوره» یا «زمانه» نیست، بلکه از مواجهه شیوه روحانی مذهبی خاص با ذوق و قریحه پیروان آن مذهب نتیجه می شود. از این رو، مادام که آن مذهب و قوم خاص برخوردار از هستی است، این سبک نیز تداوم می یابد. معماری اسلامی ایران نمونه بارزی از این واقعیت است. نیاکان ایرانی ما به خلق هنری «بی زمان» پرداختند که با ابدیت پیوند داشت و به موجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت. کسانی که در پی ایجاد تحول در شیوه و سبک هنر قدسی، خصوصا مسجد، هستند؛ بهتر است بدانند که انگیزه ایجاد تحول در سبک معماری زاییده به اصطلاح «مقتضیات زمانه» نیست، بلکه از این واقعیت نتیجه می شود که طرفداران این گونه تحولات، خود از سنت اسلامی، دور مانده اند و حتی نسبت به نبوغ قومی ایرانیان بیگانه گشته اند و صورت و معنای مذهبی را که مادر این سبک معماری است، در نیافته اند و حتی ریشه های فرهنگی عمیقتر مردم خود را، که این معماری را در طی اعصار در دامان خود پرورش داده و شکوفا ساخته اند، نمی شناسند» (نصر، ۱۳۷۳، ص ۵۳).

باید گفت که؛ ریشه زبانی مفهوم «خلاقیت»، در واقع به خلق یا آفرینش یک چیز برمی گردد. خلق کردن با دو چیز همراه است. خلق چیزی که تا به حال وجود خارجی نداشته است و خلق بر اساس ترکیبات از پیش موجود. در تورات داستان آفرینش اینگونه نقل شده: «و در آغاز خداوند آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی شکل بود و تهی و تاریکی بر روی عمق استوار بود و روح خداوند بر سطح آب در حال حرکت بود و بعد از جدایی زمین و دریاست که زمین شایستگی شکل پذیری را می یابد. ایجاد دو مکان دریا و زمین.»^۱ در باب همین مفهوم، نصر با رد «نظریه سرچشمه های روانی ناخودآگاه در الهام و آفرینشگری»، و مطابق با نص

قرآن کریم، اشاره دارد:

«هنر [و معماری] سنتی محملی برای یک شهود تعقلی و یک پیام ذوقی است که هم از فرد هنرمند و هم از روان جمعی ملتی که هنرمند متعلق به آن است، فراتر می رود. بعکس هنر انسان گرا فقط قادر است الهام های فردی و یا اگر بخت یاری کند، چیزی از آن روان جمعی را که فرد هنرمند متعلق به آن است، ولی هرگز یک پیام تعقلی یهنی همان حکمت ذوقی مورد بحث ما نیست، را منتقل کند. این هنر، به دلیل جدایی اش از آن قوانین کیهانی و حضور معنوی که وصف بارز هنر سنتی اند، هرگز نمی تواند سرچشمه معرفت و یا رحمت شود (نصر، ۱۳۸۰، ص ۴۳۱).»

«علی اکبر صارمی» در مقاله «جایگاه معماری ایران در جهان امروز» در رابطه با چگونگی و التزام تحقق پذیری خلاقیت در اثر معماری معماران، چنین اشاره می کند: «یکی از آگاهی های اساسی معمار امروز، داشتن حساسیت به این امر است که چه چیزی به صورت مد روز مطرح شده و عمری کوتاه دارد و چه چیزی ماندگارتر و بادوام تر از کلیشه های رایج است؛ مواردی که نمونه های آن در همه جا پراکنده اند و می تواند با کمی دقت آنها را شناخت. سوال بعدی که بلافاصله مطرح می شود این است که گام بعدی معماران اگر بخواهند در دام کلیشه ها (اعم کلیشه های تاریخی و

یا امروزی) نیفتند، چیست؟ در این جا تنها راهی که ظاهراً باقی می ماند، خلق فضاها و فرم های جدید است، ولی آیا چنین چیزی امکان پذیر است که هربار و در هر اقدام طراحی، اعم از پروژه مدرسه ای و یا کار حرفه ای، دست به خلاقیت جدید زد؟ آیا در جهان کنونی زمینه ای وجود دارد که هر معمار به تنهایی بتواند نظریه خود را خلق کند و معماری خود را بسازد؟» (صارمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳-۱۹).

«تو واگنر» در باب اهمیت «خلاقیت» و «آفرینشگری» هنرمند و معمار می گوید:

«هنرمند قبل از هر چیز دارای طبیعتی خلاق است که باید مستقلاً تجلی کند، و خلاقیت صفت نیکوی اوست. در هنر اصل «حمایت» نمی تواند وجود داشته باشد، زیرا حمایت از یک هنر ضعیف آن را به پستی می کشاند. در زمینه های هنری تنها باید قوی را تشویق کرد زیرا که تنها آثار او هستند که برای دیگران بصورت سرمشق های ایده آل یا بهتر بگوییم، به صورت انگیزه های هنری در می آیند. شخصی می گوید: در هنر به متوسط نباید ترحم کرد. بنابراین فرهنگ هنری ما، یعنی پیشرفت هنر، بدست کسانی سپرده شده است که دارای شخصیتی بی نظیر و ابتکاری و اصیل باشند» (لئوناردو و بنه ولو، ۱۳۸۶، ص ۴۶۲).

در دیدگاه میتولوژیک (اسطوره شناسی)، آفرینش

۱. در قرآن کریم، در رابطه با فرآیند آفرینش و خلق جهان آمده است: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می گوید: «موجود باش!» موجود می شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه). (سوره الأنعام، آیه ۷۳، جزء ۷)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَبِثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (برده تاریک) شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است!) (سوره الأعراف، آیه ۵۴، جزء ۸)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگویید: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می شوید!» «مسلماناً» کفران می گویند: «این سحری آشکار است!» (سوره هود، آیه ۷، جزء ۱۲)

ویژه در معماری، تصور آشنایی زدایی همواره وسیله مشخصی است. گرچه طراحی پنجره ها تنها سطحی بودن تزئین پوسته را منعکس می کند، اما ما به خوبی می توانستیم جست و جوی راهی را که بی پنجره باشد در پیش بگیریم. گرچه طراحی ستون ها، جنبه اسکلت باربر را منعکس می سازد، اما چه بسا می توانستیم به کلی خود را از شر ستون ها خلاص کنیم» (چومی، ۱۳۷۸، ص ۲۰؛ بنقل و ترجمه جودت و همکاران).

در باب مفهوم آشنایی زدایی، و در تفاهم با آن و البته نا تایید مستقیم، «حسینی» در مقاله «آثار طراحی میرزا ابوتراب غفاری در روزنامه شرق» می نویسد:

«هنرمندان [و معماران] ما، باید از واکنشهایی که در بین مردم و در میان جامعه وجود دارد، نترسند و به آن چیزی که اعتقاد دارند، عمل کنند؛ اگر قادر و دارای خلاقیت باشند و حرفشان نو باشد، در دراز مدت جای خود را پیدا می کنند» (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۶).

در رابطه با مقوله «رابطه سنت و نوآوری»، شیخ زین الدین چنین اشاره می کند:

«نوآوری و آزادی و خلاقیت که در جهت تعالی اثر کار کرده اند، قصدشان یکسره برهم زدن نبوده است. بلکه گشودن راهی دگر را که نظری هم به گذشته داشته باشد، وجهه همت خویش قرار داده اند (مانند خلاقیتی که در اثری مانند مسجد سید اصفهان دیده می شود به خصوص در نماهای اطراف حیاط خود و یا مسجد و مدرسه آقا بزرگ در کاشان» (شیخ زین الدین، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹).

همچنین در مقوله «خلاقیت در معماری ایران»، «هاشم هاشم نژاد» به این نکته اشارت دارد که:

«هنرمندان و معماران هندسه را به عنوان تصویری انتزاعی از ترکیباتی که در ماورای جهان مادی گام برمی دارد و به نوعی به سوی نیروی الهی کشیده می شود، به کار گرفته اند. در این ترکیبات مفاهیم هماهنگی، میزان و وحدت به صورت قوانین اصل خلاقیت و طراحی متجلی می شود و هندسه گسترش خود را در بیان اشکال می یابد...» (هاشم نژاد، ۱۳۷۴، ص ۴۶). بر این اساس بنظر می رسد که هنرمند [و معمار]

با خلق دو مکان است که آغاز می شود و سپس فرایند جداسازی آغاز می شود: روز از شب، تاریکی از روشنایی و آب دریاها. بنابراین آفرینش مکان از نامکان آغاز نمی شود. آفرینش نه از خلا آغاز می شود و نه به عنوان خلاء. در نگاه افلاطون جهان توسط «دمیورگ» آفریده شد اما تفاوت این آفریننده با آفریدگار حکمت «ارتودوکس مسیحی» در این است که وی جهان را از «نیستی» نیافریده بلکه به آشفته گی ماده سازنده جهان نظم بخشیده است.

اما آیا لزوما هر نوآوری، خلاقیت است یا آیا هر چیزی که خلق می شود، باید نو باشد؟ مفهوم خلاقیت و مفهوم نوآوری یا چیز جدید آوردن بسیار با هم قرین اما یکسان نیستند. شاید بهتر باشد به جای نوآوری از واژه آشنایی زدایی استفاده کنیم، چراکه در واقع مثل کلمه پست مدرنیسم که مدرن را در بطن خود دارد؛ آشنایی زدایی نیز مفهوم گذشته، تکراری و از پیش موجود را در خود نهفته دارد:

۱. نخست اینکه، این امر در واقع کمک می کند که در مواجهه با یک بنا با مقایسه کدهای ناآشنا و با رجوع به حافظه بصری بیشتر با بنا درگیر شویم و از دیدن رگه های آشنا در آن لذت ببریم تا اینکه با بنایی روبرو شویم که هیچ ارتباط یا سابقه بصری در ما بر نمی انگیزد؛ و

۲. نکته دوم میزان و درجه و تفاوت خلاقیت در هنرهای سنتی و هنر مدرن است.

«برنارد چومی» در «شش مفهوم در معماری معاصر» با اشاره به فنون آشنایی زدایی، می آورد:

«اگر آرمان رایج، آرمان شناخت است- شناختی که با انگاره های معلوم که از مدرنیسم دهه بیست یا کلاسیسیسم قرن هیجدهم ناشی می شود- چه بسا نقش انسان این است که آشنایی زدایی کند. اگر این شناخت جدید، جهان را واسطه قرار دهد، و واقعیت اوراق شده ما را بازگو و تقویت کند، چه بسا و چه بسا دقیقا انسان باید از این گونه اوراق شدن سود جوید، و فروپاشی را با ستایش فرهنگ تمایزها، با ستایش و تشدید عدم قطعیت و مرکز و تاریخ، پاس بدارد...به

قراری باید هنر معاصر کشورهای مختلف را بشناسد و در صورت توان و امکان سیر تاریخی آن را نیز تا حدودی بداند، برای بیان هنری خود از زبانی مدرن و جهانی استفاده کند؛ لزومی ندارد به تمام اصول فلسفی مدرنیسم اعتقاد داشته باشد، روح معنویت گرایی غیر کلیشه ای و بی ریا و برگرفته از درون او در اثرش وجود داشته باشد، به معیارهای عامه پسند یا سلیقه روز جامعه اعم از روشنفکر و غیر آن اعتنایی نکند؛ زیرا هنرمند آزاد است و هنر زاینده اندیشه خلاق است و نباید آن را کانالیزه کرد (افشار مهاجر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲).

۶ نتیجه گیری و جمع بندی

باید گفت که: فقط در حوزه محیطی و طبیعی بود که امور متافیزیکی معماری می توانست موجودیت یابد. چون تنها این حوزه با تمام امکانات درونی خود بود که می توانست به ایده-حقیقت سر و سامان دهد و آن را باز نماید. حوزه محیطی هم به عنوان بستر ارائه حقیقت می توانست خودنمایی کند و هم به عنوان منشاء «نیروی مولدی» باشد که توان به فرم درآمدن را با توجه به ارائه دقیق هندسی و تناسباتی داشته باشد. از این طریق معماری در شیوه کلاسیک برای معماری شدن می بایست خود را در تابعیت نیروهای طبیعی قرار می داد و همزمان مقوله های متافیزیک نظری را دریافت کند. پر واضح است که آهنگ تغییرات فرمی و الگوواره ها در معماری گذشته بسیار آرام تر بوده و در یک دوره طولانی دست خوش تغییرات اندکی می شدند حال آنکه امروزه سبکها با سرعت و شتاب بیشتری عوض می شوند و با اتکا به تکنولوژی و مصالح جدید دست معماران برای واقعیت بخشیدن به ایده هایشان باز تر است. اما در همان معماری با ضرب آهنگ آرام معماران دست به خلاقیتهایی می زدند که تنها با بررسی متوالی و مقایسه با سایر دوره ها می توان به این نوآوری ها، یا بهتر است بگوییم آشنایی زدایی ها، پی برد؛ نمونه اش مسجد آقابزرگ کاشان است که معمار در این بنا مجموعه ای از عناصر آشنای گذشته نظیر حیاط، بادگیر، وارد کردن احجام سه بعدی در نمای دو بعدی، اختلاف سطح و غیره را خلاقانه همچون سمفونی زیبا ترکیب کرده است. در رابطه با دیدگاه افلاطون در رابطه با آفرینشگری می توان به رساله های وی اشاره داشت که در ادامه آورده شده است:

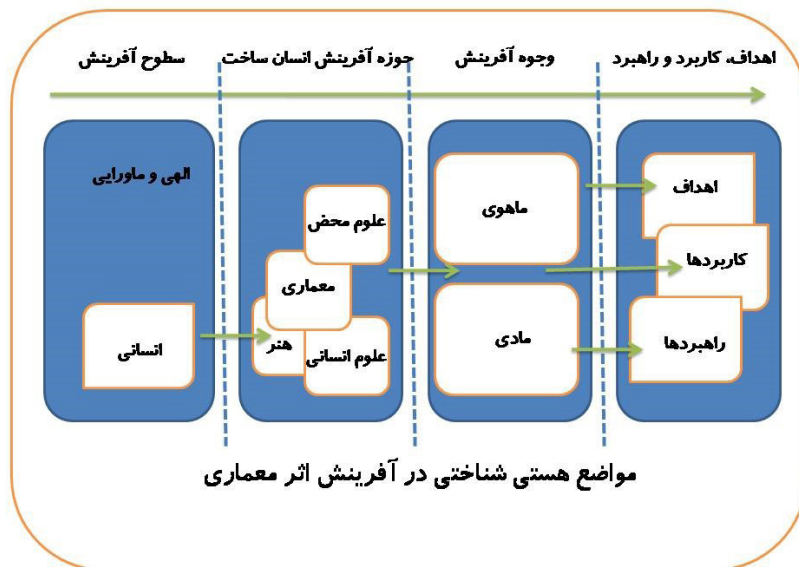
۱. رساله «تیمائوس»: به این دلیل و چنین بود که آن گروه از ستارگانی که در آسمان سیر می کنند و

قراری باید هنر معاصر کشورهای مختلف را بشناسد و در صورت توان و امکان سیر تاریخی آن را نیز تا حدودی بداند، برای بیان هنری خود از زبانی مدرن و جهانی استفاده کند؛ لزومی ندارد به تمام اصول فلسفی مدرنیسم اعتقاد داشته باشد، روح معنویت گرایی غیر کلیشه ای و بی ریا و برگرفته از درون او در اثرش وجود داشته باشد، به معیارهای عامه پسند یا سلیقه روز جامعه اعم از روشنفکر و غیر آن اعتنایی نکند؛ زیرا هنرمند آزاد است و هنر زاینده اندیشه خلاق است و نباید آن را کانالیزه کرد (افشار مهاجر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲).

۶ نتیجه گیری و جمع بندی

باید گفت که: فقط در حوزه محیطی و طبیعی بود که امور متافیزیکی معماری می توانست موجودیت یابد. چون تنها این حوزه با تمام امکانات درونی خود بود که می توانست به ایده-حقیقت سر و سامان دهد و آن را باز نماید. حوزه محیطی هم به عنوان بستر ارائه حقیقت می توانست خودنمایی کند و هم به عنوان منشاء «نیروی مولدی» باشد که توان به فرم درآمدن را با توجه به ارائه دقیق هندسی و تناسباتی داشته باشد. از این طریق معماری در شیوه کلاسیک برای معماری شدن می بایست خود را در تابعیت نیروهای طبیعی قرار می داد و همزمان مقوله های متافیزیک نظری را دریافت کند. پر واضح است که آهنگ تغییرات فرمی و الگوواره ها در معماری گذشته بسیار آرام تر بوده و در یک دوره طولانی دست خوش تغییرات اندکی می شدند حال آنکه امروزه سبکها با سرعت و شتاب بیشتری عوض می شوند و با اتکا به تکنولوژی و مصالح جدید دست معماران برای واقعیت بخشیدن به ایده هایشان باز تر است. اما در همان معماری با ضرب آهنگ آرام معماران دست به خلاقیتهایی می زدند که تنها با بررسی متوالی و مقایسه با سایر دوره ها می توان به این نوآوری ها، یا بهتر است بگوییم آشنایی زدایی ها، پی برد؛ نمونه اش مسجد آقابزرگ کاشان است که معمار در این بنا مجموعه ای از عناصر آشنای گذشته نظیر حیاط، بادگیر، وارد کردن احجام سه بعدی در نمای دو بعدی، اختلاف سطح و غیره را خلاقانه همچون سمفونی زیبا ترکیب کرده است. در رابطه با دیدگاه افلاطون در رابطه با آفرینشگری می توان به رساله های وی اشاره داشت که در ادامه آورده شده است:

۱. رساله «تیمائوس»: به این دلیل و چنین بود که آن گروه از ستارگانی که در آسمان سیر می کنند و



نمودار ۴. مواضع هستی شناختی در آفرینش معماری و تعامل همزمان کشف و خلق در آفرینشگری معماری؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

۷- در «عهد رُسانس»، «محاکات متخیل از طبیعت» به همراه استعداد ذاتی، مفهوم «آفرینشگری» و «ابداع هنری» را شکل می‌دادند.

۸- در هنر رمز آلود «بازوک»، نیروی مولد هنر، «تخیل» با «خاستگاه عقلانی» و موضوعات بروز آفرینشگری هنری، «تفسیر و تأویل واقعیت» عنوان شد.

۹- در «دوره کلاسیک فرانسه» نیز در پیروی از «تفکر بازوکی»، ابداع و آفرینشگری هنری در حوزه «محاکات ماهوی جهان» تعریف می‌شد.

۱۰- «تجربه‌گرایان» نیز متوجه عنصر تخیل در آفرینشگری بودند؛ اما تخیل در نظر آنان، از آنجا که مرحله و بخشی از عقل تلقی نمی‌شد، آزاد و بی‌محدودیت بود و تقیدی در فرآوری نداشت. به همین علت، بی‌شک آغاز تفکیک دو مفهوم آفرینشگری و تقلید را باید در این دوران جستجو کرد.

۱۱- پس از آن، «کانت» آفرینشگری را استعدادی غریزی، طبیعی و معادل نبوغ عنوان نمود. از نظر او آفرینشگری و نبوغ، «قائم به ذات» است و فراتر از هرگونه محدودیت در تولید.

۱۲- وارثان کانت نیز با بکارگیری مفهوم آفرینشگری در مقابل «تقلید از طبیعت»، بر ثبات تفکر او تأثیر بسزایی گذاشتند و به تدریج «هگل» و «مارکس» نه تنها نبوغ فردی، بلکه تأثیرات اجتماع و اقتصاد و به طور کامل اکتسابات را در آفرینشگری هنری گوشزد کردند.

۱۳- در «دوره رومانیتیک»، تخیل آزادانه و فراتر از عقل مطرح شد. ابداع هنری از نظر آنان توسط نیروی غریزی نبوغ و بیان متخیل احساسات و عواطف بود. در این دوره کسانی چون «فیخته»، آفرینشگری هنری را فردی و قائم به ذات و به دور از تأثیرپذیری‌های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی می‌دانستند.

۱۴- «شیلر» و «اسپنسر» نیز به تاسی از «کانت»، نبوغ را نیرویی مازاد بر نیروهای مصرفی در جهت سودمندی و تأمین زندگی، تلقی می‌نمودند.

۱۵- پس از این دوره، آفرینشگری نه در ساحت خیال، نه عقل و نه الهام، بلکه در حوزه «زیست‌شناسی» و «روانشناسی» مطرح شد. «شوپنهاور»، «هانس فریش»

ایجاد شدند، یعنی برای اینکه کیهان تا بشود به زنده معقول و کامل مانند باشند و برای تقلید از طبیعت زمان جاودان. پس سازنده جهان، سیارات را به «تقلید» از زمان جاوید آفرید.

۲. رساله «کراتیلوس»: در این رساله نیز، واژه «میمسیس» چندبار به کار رفته است؛ برای مثال این موارد ذکر می‌شود: در تعریف اسم، هر مؤزن شنونده سُقراط، چنین می‌گوید: «سُقراط، اسم چگونه تقلیدی است. بنابراین، نام، گونه ای تقلید است، ولی تقلید به معنای پسندیده آن و نه معنای ناپسند آن». کمی پایین تر، چنین می‌گوید: «ولی چگونه تمیز دهیم که تقلید کننده از کجا به تقلید می‌پردازد؟ آیا به وسیله هجاها و حروف نیست که تقلید، تقلید ذات است.» در بند هنر موسیقی و صورتگری، تقلید به معنای پسندیده آن به شمار می‌رود.

در ادامه در این فصل به برخی از تعابیر و مفاهیم کلیدی از بررسی سیر فلسفی آفرینشگری در جهان و ایران به تفصیل اشاره می‌شود. اهم این موارد عبارتند از:

۱- «آفرینشگری هنری» (به مفهوم کلی به معنای نیروی مولد هنر، خاستگاه هنر و یا فرآیند تکوین و تولید هنر) چنانچه اشاره شد، در دوران ماقبل «سُقراط» به «الهام الهی و جذبه هنرمند» تعبیر می‌شد.

۲- در زمان «سُقراط»، «انکشاف حقایق» به «میمسیس» تغییر یافت.

۳- «افلاطون» که به هنر حسن اعتقاد نداشت، تولید هنر را محاکات و خاستگاه آن را غریزه انسان دانست.

۴- «آرسطو»، با تعلیق «خاستگاه سماوی هنر»، و توجه بر جسته به عنصر «تخیل»، آفرینشگری هنرمند را آزادانه‌تر از قبل تلقی کرد.

۵- سپس «رواقیون» و بعد از آن «فلوطین»، در عین تکیه بر مفهوم محاکات متخیل، به عنوان حوزه فعلیت یافتن آفرینشگری، به نقش استعداد و نبوغ انسانی نیز توجه کردند.

۶- در «دوران قرون وسطی»، مبدأ هنر «الهام» تلقی می‌شد، ولی نقش نبوغ فردی را نیز در تکوین هنر، منکر نمی‌شدند.

و «نیچه»، هر یک به نوعی، اراده (به مفهوم کل) را «جوهر غریزی طبیعت و انسان» می‌دانستند.

۱۶- «شوپنهاور»، نبوغ را برتری عقل بر اراده معطوف به زندگی و «نیچه»، ابداع هنری را وجهی از اراده معطوف به قدرت- که انسان را در یافتن حقیقت هستی یاری می‌دهد- مراد می‌کرد.

۱۷- «برگسون» و «کروچه» نیز هنر را «شهود احساسات» می‌دانستند و نسبت به نحوه بیان و بروز ابداع، کم توجه بودند.

۱۸- «تولستوی»، هنر را وسیله ارتباط انسانها و آن را برای سیر به سوی سیادت فرد و جامعه انسانی موضوعی ضروری می‌داند و معتقد است افراد بشر را احساساتی یکسان بهم پیوند می‌دهد. منظور از سعادت یعنی راه رستگاری یعنی در راه خدا و به سوی خداوند گام برداشتن یعنی بهوه یا نیروانا یا اهورامزدا یا پدر آسمانی و یا به الله رسیدن. «تولستوی» هم هنر را نه برای لذت و زیبایی، بلکه برای رسالت اخلاقی و اجتماعی و مهمتر از همه انتقال احساس خالق به مخاطب می‌ستود. خلاق از نظر او، نیز هنرمندی بود که احساسی والا، اخلاقی و اجتماعی را، به روشنی به مخاطبان انتقال دهد.

۱۹- در «قرن نوزدهم»، «طبیعت‌گرایی» رواج یافت و آفرینشگری به مفهوم «بازنمایی» دقیق وقایع اجتماعی و انسانی، به کار رفت.

۲۰- «پوزیتیویستها» نیز در این دوره، هنر را محصول قواعد علمی و در نتیجه آفرینشگری را، محصول تحصیل و اکتساب علمی و فنی و در نتیجه نسبی می‌پنداشتند.

۲۱- در حوزه‌های «روان‌شناختی»، «فروید» آفرینشگری هنری را نتیجه غلبه تمام و کمال غریزه جنسی بر عقل می‌دانست.

۲۲- «یونگ» منشأ بسیاری از نوآوری‌های هنری را یکسان و از یک «آرچه‌تیپ» با خاستگاه «ناخودآگاه» معرفی کردند.

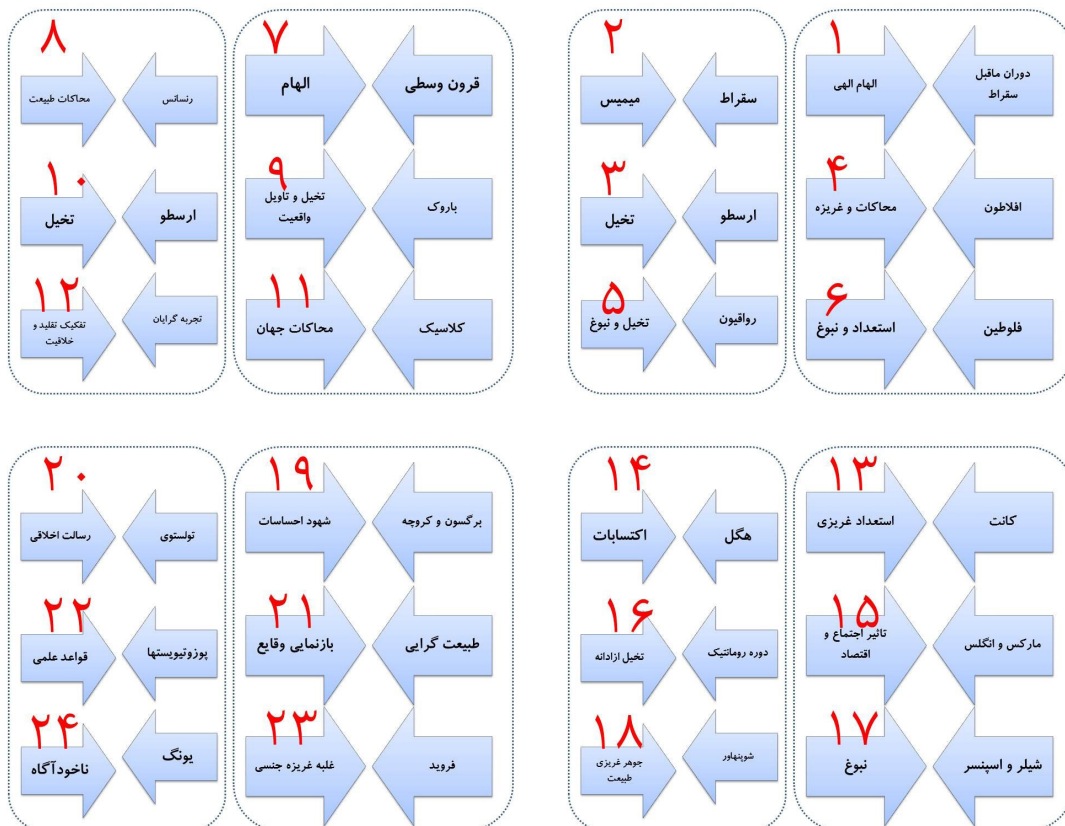
۲۳- روح غالب بر تفکرات قرن بیستم، همانا توجه و تدقیق آثار هنری و رابطه هنر و مخاطبان، بنا به جهان بینی هر اندیشمند، بود لذا چگونگی بروز آفرینشگری

از کانون توجه متفکران کنار رفت «نظریه‌های نهادی پدیدارگرایی»، «مذهب اصالت وجود»، «هرمنوتیک معاصر»، «نظریه‌های صوری» و «زبانی هنر»، «تفکر نشانه‌شناسانه»، همه و همه نحله‌هایی بودند که از طرق گوناگون به بررسی هنر و اثر هنری و یا رابطه آن با مخاطب پرداختند.

۲۴- در این میان متفکران «مکتب فرانکفورت»، در راه احیای قداست هنر اصیل و دوری از هنرهای مصرفی و تکنولوژیک، تلویحاً به نقش خالق و پیروان عنصر آفرینشگری، نظر افکندند. یکی از معدود تفکرهای رایج در قرن بیستم که به تبیین حکمی-فلسفی آفرینشگری هنری پرداخته است، تفکر سنت‌گرایانه است. آفرینشگری هنری در نظر آنان، نه در تخیل لگام گسیخته و وهمی، بلکه در تقرر در ساحت معنویت و تمثیل حقایق الهی و ازلی- به شکل نمادین- در اثر هنری است. آنچه از مقایسه آراء متفکران مدرن و پست مدرن قابل درک است، توجه دوباره اندیشمندان به تمدنهای کهن و سنتهای معنوی و الهی است.

آنچه ارائه شده پاره‌ای از مهمترین تعابیر و تلقیات از مفهوم آفرینشگری بین دوره تاریخی ماقبل سقراطی و دوران معاصر بود؛ چرا که هر شخص در هر زمان و مکان، بنا به فردیت یا اکتساب از محیط، جهان بینی خاص و منحصر به فرد دارد. از این جهت، بررسی تمامی تعابیر آفرینشگری و سیر دقیق تاریخی آن حتی در یک دوره زمانی بسیار محدود، امکان پذیر نمی‌باشد. نمایه کلی برخی از مهمترین و راج‌ترین تعابیر از مفهوم آفرینشگری و ابداع هنری (به مفهوم کل) در فاصله زمانی دوران ماقبل سقراط تا دوران مدرن و پست مدرن اروپا، ارائه شده است:

۱. «الهام و جذب الهی و قدسی»: در فلسفه سقراط،



هنرمند: آلبرتی - داوینچی

افلاطون سقراطی و تریدسیونالیسم معاصر.

۱. «تمرکز درونی و وارستگی از محسوسات»: فچینو
۲. «غریزه تقلید از محسوسات و طبیعت»: افلاطون
۳. «تقلید از آسمان و افلاک» (بالاخص در ابداع موسیقایی): فیثاغورث
۴. «تقلید ماهوی و تخییل عقل مدارانه محسوسات» (بازنمایی پویا) به عنوان عامل اولیه و استعداد فردی به عنوان عامل ثانویه: ارسطو
۵. «الهام (عامل اولیه) و اکتساب فنی هنرمند»: دموکریتوس
۶. «الهام (عامل اولیه) اکتساب فنی هنرمند و استعداد فردی»: پینداروس
۷. «الهام و استعداد فردی (عوامل اولیه)، محاکات ماهوی محسوسات»: رواقیان
۸. «نیروی عقلانی نبوغ، تقلید از طبیعت و الهام ماهوی»: قرون وسطی
۹. «استعداد فردی و طبیعی (عامل اولیه)، بیان احساسات و محاکات محسوسات»: تفکر غالب در دوره رنسانس
۱۰. «استعداد فردی (طبیعی) و اکتساب علمی و فنی هنرمند»: آلبرتی - داوینچی
۱۱. «تمرکز درونی و وارستگی از محسوسات»: فچینو
۱۲. «تخیل با خاستگاه عقلانی»: بیکن، دلامبر
۱۳. «تخیل با خاستگاه عقلانی در تقلید ماهوی محسوسات»: دکارت
۱۴. «تخیل آزادانه، مستقل و قائم به ذات و تجربه و اکتساب هنرمند»: هابز، هیوم، لاک
۱۵. «نیروی طبیعی نبوغ در نوآوری بی پیشینه و آزاد از واقعیات (عامل اولیه)، اکتساب فنی هنرمند»: کانت
۱۶. نیروی طبیعی نبوغ با تأسی از روح زمانه (تأثیر پذیری از اجتماع): هگل
۱۷. استعداد غریزی و طبیعی در تجلی عالیه ذهنیت فردی و انانیت مطلق: فیخته
۱۸. نیرویی فارغ از سودمندی حیاتی و مازاد از فعالیتهای حیاتی و معطوف به تأمین زندگی: هربرت اسپنسر
۱۹. «نیروی طبیعی برای رهایی از احساس، فکر و هرگونه تعلق»: شیلر
۲۰. «ذوق و نبوغ فردی طبیعی، محاکات ماهوی

جدول ۲. مفهوم فلسفی آفرینشگری در طول تاریخ؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

۱. «الهام و جذبۀ الهی و قدسی»: در فلسفۀ سُقراط، اَفلاطون سُقراطی و تری‌دسیونالیسم معاصر.
۲. «غریزه تقلید از محسوسات و طبیعت»: اَفلاطون
۳. «تقلید از آسمان و افلاک» (بالاخص در ابداع موسیقایی): فیثاغورث
۴. «تقلید ماهوی و تخییل عقل مدارانه محسوسات» (بازنمایی پویا) به عنوان عامل اولیه و استعداد فردی به عنوان عامل ثانویه: ارسطو
۵. «الهام (عامل اولیه) و اکتساب فنی هنرمند»: دِموکریتوس
۶. «الهام (عامل اولیه) اکتساب فنی هنرمند و استعداد فردی»: پینداروس
۷. «الهام و استعداد فردی (عوامل اولیه)، محاکات ماهوی محسوسات»: رواقیان
۸. «نیروی عقلانی نُبوغ، تقلید از طبیعت و الهام ماهوی»: قُرون وسطی
۹. «استعداد فردی و طبیعی (عامل اولیه)، بیان احساس و محاکات محسوسات»: تفکّر غالب در دوره رُنسانس
۱۰. «استعداد فردی (طبیعی) و اکتساب علمی و فنی هنرمند»: آلبرتی - داوینچی
۱۱. «تمرکز درونی و وارستگی از محسوسات»: فچینو
۱۲. «تخیل با خاستگاه عقلانی»: بیکن، دلامبر
۱۳. «تخیل با خاستگاه عقلانی در تقلید ماهوی محسوسات»: دکارت
۱۴. «تخیل آزادانه، مستقل و قائم به ذات و تجربه و اکتساب هنرمند»: هابز، هیوم، لاک
۱۵. «نیروی طبیعی نُبوغ در نوآوری بی پیشینه و آزاد از واقعیات (عامل اولیه)، اکتساب فنی هنرمند»: کانت
۱۶. نیروی طبیعی نُبوغ با تأسی از روح زمانه (تاثیر پذیری از اجتماع): هِگل
۱۷. استعداد غریزی و طبیعی در تجلی عالیه ذهنیت فردی و انانیت مطلق: فیخته
۱۸. نیرویی فارغ از سودمندی حیاتی و مازاد از فعالیت‌های حیاتی و معطوف به تأمین زندگی: هربرت اسپنسر
۱۹. «نیرویی طبیعی برای رهایی از احساس، فکر و هرگونه تعلق»: شیلر

۲۰. «ذوق و نبوغ فردی طبیعی، محاکات ماهوی طبیعت، تقلید از قدما و فرمهای رایج و بیانی عقلانی»: دوره کلاسیک قرن هیجدهم
۲۱. «نیروی تقلید عالیه زیبایی‌های طبیعت»: مندلسون
۲۲. «نیروی طبیعی و غریزی متأثر از اجتماع»: ادموندبرک
۲۳. «غلبه هوش براراده معطوف به زندگی (عامل اولیه)، محاکات ماهوی و ایده و جهان»: شوپنهاور
۲۴. «استعداد طبیعی با خاستگاه غریزی در جهت میل به قدرت (تجلی اراده به قدرت) و متأثر از اجتماع و اکتساب فردی هنرمند (عامل ثانویه)»: نیچه
۲۵. «نقطه وحدت و تلاقی خود آگاه و ناخودآگاه روان»: شلینگ
۲۶. «غلبه غریزه جنسی (ناخودآگاه درون) بر حوزه خود آگاه عقل»: فروید
۲۷. «شهود متعالی احساسات با خاستگاه عقلانی»: کروچه
۲۸. «نیرویی برخاسته از ناخودآگاه جمعی و مشترک روان انسانها»: یونگ
۲۹. «توانایی بیان متعالی و انتقال کامل احساسات اخلاقی – اجتماعی به مخاطب»: تولستوی
۳۰. «آفرینشگری به مثابه امری کاملاً نسبی و متأثر از وضع اقتصادی – اجتماعی»: مارکس
۳۱. «توانایی بازآفرینی عالی واقعیت بالفعل اجتماعی – انسانی»: طبیعت گرایان قرن نوزده
۳۲. «استعداد طبیعی (عامل ثانویه) و اکتساب علمی (عامل اولیه)»: هیپولیت تن، تحصیل گرایان
۳۳. «نیروی ساده و طبیعی مغز بدون تخیل»: وونت
۳۴. «نیرویی غیر ذهنی برای برقراری نسبت بی‌واسطه با جهان، موجد وحدت شیئیت و غیریت در اثر هنری»: هایدگر.

- طبیعت، تقلید از قدما و فرم‌های رایج و بیانی عقلانی»: دوره کلاسیک قرن هیجدهم
۲۱. «نیروی تقلید عالی‌ه زیبایی‌های طبیعت»: مند لسون
۲۲. «نیروی طبیعی و غریزی متأثر از اجتماع»: اد موندبرک
۲۳. «غلبه هوش بر اراده معطوف به زندگی (عامل اولیه)، محاکات ماهوی و ایده و جهان»: شوپنهاور
۲۴. «استعداد طبیعی با خاستگاه غریزی در جهت میل به قدرت (تجلی اراده به قدرت) و متأثر از اجتماع و اکتساب فردی هنرمند (عامل ثانویه)»: نیچه
۲۵. «نقطه وحدت و تلاقی خود آگاه و ناخودآگاه روان»: شلینگ
۲۶. «غلبه غریزه جنسی (ناخودآگاه درون) بر حوزه خود آگاه عقل»: فروید
۲۷. «شهود متعالی احساسات با خاستگاه عقلانی»: کروچه
۲۸. «نیرویی برخاسته از ناخودآگاه جمعی و مشترک روان انسانها»: یونگ
۲۹. «توانایی بیان متعالی و انتقال کامل احساسات اخلاقی - اجتماعی به مخاطب»: تولستوی
۳۰. «آفرینشگری به مثابه امری کاملاً نسبی و متأثر از وضع اقتصادی - اجتماعی»: مارکس
۳۱. «توانایی بازآفرینی عالی واقعیت بالفعل اجتماعی - انسانی»: طبیعت گرایان قرن نوزده
۳۲. «استعداد طبیعی (عامل ثانویه) و اکتساب علمی (عامل اولیه)»: هیپولیت تن، تحصیل گرایان
۳۳. «نیروی ساده و طبیعی مغز بدون تخیل»: وونت
۳۴. «نیرویی غیر ذهنی برای برقراری نسبت بی‌واسطه با جهان، موجد وحدت شیئیت و غیریت در اثر هنری»: هایدگر
- منابع و ماخذ**
۱. آریانپور، عباس (۱۳۵۸) فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، جلد ۲.
۲. آریان پور، امیرحسین (۱۳۵۴) جامعه شناسی هنر، تهران، انجمن کتاب دانشجویان.
۳. آریان پور، امیرحسین (۱۳۸۳) مقدمه کتاب (سیر فلسفه در ایران) تألیف اقبال لاهوری و ترجمه امیرحسین آریان پور، تهران، چ پنجم، امیر کبیر.
۴. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، تهران، گروس.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) مبادی مابعد الطبیعی هنر، حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات گروس.
۶. افشار مهاجر، کامران (۱۳۸۴) هنرمند ایرانی و مدرنیسم، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
۷. افشار نادری، کامران (۱۳۷۴) نقد، آبادی، سال پنجم، شماره هفدهم.
۸. افشار نادری، کامران (۱۳۷۴) همنشینی اضداد در معماری ایرانی، آبادی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۹. افلاطون (۱۳۶۲) دوره آثار، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی.
۱۰. اکرمی، میرعلی (۱۳۷۷) اصالت ساختار در معماری، مجله معماری و شهر سازی شماره ۴۲.
۱۱. اکرمی، میرعلی (۱۳۷۷) اصالت ساختار در معماری، مجله معماری و شهر سازی شماره ۴۲.
۱۲. اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲) تعریف معماری، گام اول آموزش، هنرهای زیبا، شماره ۱۶.
۱۳. اکرمی، موسی (۱۳۷۶) آینده شناسی و آینده نگری، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶.
۱۴. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۷۷) تاریخ معماری مدرن، جنبش مدرن تا پایان جنگ جهانی دوم، ترجمه حسن نیر احمدی، تهران، نشر مهندسی مشاور نیرسان.
۱۵. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۰) تاریخ معماری مدرن، ترجمه دکتر سیروس باور، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۱۶. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۶) تاریخ معماری مدرن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۱۷. بینای مطلق، سعید (۱۳۸۶) هنر در نظر افلاطون، تهران، فرهنگستان هنر، چ ۲.
۱۸. پور جوادی، نصرالله (۱۳۵۸) درآمدی بر فلسفه افلوپین، تهران، انجمن فلسفه ایران.
۱۹. تولستوی، لئون (۱۳۵۶) هنر چیست؟، ترجمه کاوه

- دهگان، تهران، امیرکبیر.
۲۰. حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸) ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. حسینی، افضل السادات (۱۳۸۵) الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در یاجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم.
۲۲. حسینی، مهدی (۱۳۷۷) آثار طراحی میرزا ابوتراب غفاری در روزنامه شرق، هنرنامه، شماره صفر، سال اول، تهران.
۲۳. دیبا، داراب (۱۳۷۳) مسابقه معماری فرهنگستان ها، آبادی، سال چهارم، شماره ۱۳.
۲۴. دیبا، داراب (۱۳۷۸) الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره اول.
۲۵. دیبا، داراب (۱۳۷۸) حصول زبانی برای معماری امروز ایران، معماری و شهرسازی، شماره ۵۰ و ۵۱.
۲۶. دیبا، داراب و مجتبی انصاری (۱۳۷۴) چگونگی شکل گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع، اولین مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. رامین، علی (۱۳۸۶) فلسفه تحلیلی هنر، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، چ ۲.
۲۸. ریخته گران، محمدرضا (۱۳۷۸) هایدگر و تلقی هندویی از مکان مقدس، نشریه رواق، شماره ۳.
۲۹. ریخته گران، محمدرضا (۱۳۸۰) تأملی در مبانی نظر هنر و زیبایی، تفکر، تهران، ساقی.
۳۰. سلیمانی، افشین (۱۳۸۱) کلاس خلاقیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۳۱. سلیمانی، افشین (۱۳۸۵) سیب خلاقیت: شناخت و پرورش مهارتهای تفکر خلاق، تهران، انتشارات فراروان.
۳۲. شریعت زاده، یوسف (۱۳۷۴) اعتدال میان سنت و نوآوری، آبادی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۳۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی، تهران، سوم، آگاه.
۳۴. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۳۵. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۸۱) گفت و گویی درباره زبان و تکنیک، معمار، شماره ۱۷.
۳۶. صارمی، علی اکبر (۱۳۷۷) جایگاه معماری ایران در جهان امروز، آبادی، سال هفتم، شماره های ۲۷ و ۲۸، زمستان ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷.
۳۷. ضیمران، محمد (۱۳۸۶) زیبایی و فلسفه هنر در گفتگو: افلاطون، به همت و مصاحبه: منیره پنج تنی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۳۸. عبادیان، محمود (۱۳۸۱) زیباشناسی به زبان ساده، تهران، دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
۳۹. عبادیان، محمود (۱۳۸۶) گزیده زیباشناسی هگل، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، چ ۲.
۴۰. لوکوربوزیه (۱۳۸۶) معماری نوین: نگرشی نو به معماری، ترجمه مجتبی دولتخواه، تهران، انتشارات ملائک.
۴۱. مددپور، محمد (۱۳۷۱) حمت معنوی و ساحت هنر: تاملاتی در زمینه سیر هنر در ادوار تاریخی، تهران، انتشارات حوزه هنری.
۴۲. مددپور، محمد (۱۳۸۳ الف) هنر و زیبایی در نظر متفکران یونان و روم، تهران، سوره مهر.
۴۳. مددپور، محمد (۱۳۸۳ ب) هنر و زیبایی در نظر متفکران مسیحی و مسلمان، تهران، سوره مهر.
۴۴. مددپور، محمد (۱۳۸۴ الف) حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی، تهران، سوره مهر.
۴۵. مددپور، محمد (۱۳۸۴ ب) آراء و متفکران جدید مدرن و پست مدرن، تهران، سوره مهر.
۴۶. مزینی، منوچهر (۱۳۷۹) هنر، معماری و شهرسازی، شهرداریها، سال دوم، شماره ۲۰.
۴۷. میرمیران، هادی (۱۳۷۵) جریان تازه در سنت معماری ایران، معماری و شهرسازی، دوره ۶، شماره ۳۱ و ۳۲.
۴۸. میرمیران، هادی (۱۳۷۸) نقطه گرهی طرح، معماری و شهرسازی، دوره ۹، شماره های ۵۴ و ۵۵.
۴۹. میرمیران، هادی (بی تا) مسجد سپهسالار، معمار،

- شماره ۸. ۶۵. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۲) درآمدی بر فلسفه، تهران، هفتم، طهوری.
۵۰. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶) تخیل و خلاقیت هنری: گونه‌شناسی تخیل با توجه به موضوع خلاقیت، اولین همایش هم اندیشی تخیل هنری (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۶۶. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۷۴) جست و جوی ضرایب نهفته در میراث کهن، کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۵۱. نقره کار، حمید (۱۳۸۵) جزوه درس حکمت هنر اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.
۶۷. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۷۸) ساختار فضایی طرح، معماری و شهرسازی، دوره ۹، شماره ۵۴ و ۵۵.
۵۲. نصر، حسین (۱۳۵۹) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، انتشارات خوارزمی، ج ۳.
۶۸. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۸۰) تاثیر و بازتاب معماری در تبادل فرهنگ و تمدن، معماری و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم.
۵۳. نصر، حسین (۱۳۵۹) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، نشر خوارزمی، تهران.
۶۹. هایدگر، مارتین (۱۳۸۲) سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهبابی، تهران، دوم، هرمس.
۵۴. نصر، حسین (۱۳۶۶) علم در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات سروش.
۷۰. هنفلینگ، اسوالد (۱۳۸۱) چیستی هنر، ترجمه علی رامین، تهران، دوم، هرمس.
۵۵. نصر، حسین (۱۳۷۳) هنر قدسی در فرهنگ ایرانی، تهران، انتشارات برگ.
۷۱. — (۱۳۷۵) خلاقیت و پیشینه تجربی، آبادی، سال ششم، شماره بیست و یکم.
۵۶. نصر، حسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۲۸.
۵۷. نصر، حسین (۱۳۷۹) انسان و طبیعت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۸. نصر، حسین (۱۳۷۹) نیاز به علم مقدس، تهران، نشر طه.
۵۹. نصر، سید حسین (۱۳۷۹) انسان و طبیعت، ترجمه عبادر حیم گواهی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶۰. نصر، سید حسین (۱۳۸۴) دین و نظام طبیعت، ترجمه محمد حسن فغفوری، انتشارات حکمت، چاپ اول.
۶۱. نصر، سید حسین (۱۳۷۷) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، انتشارات خوارزمی.
۶۲. نصر، سید حسین (۱۳۷۹) نیاز به علم مقدس، ترجمه حمید میانداری، قم، موسسه فرهنگی طه.
۶۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۳) هنر و معنویت: مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر، تدوین انشاء... رحمتی، تهران، فرهنگستان هنر.
۶۴. نقیب زاده، محمد (۱۳۸۷) درآمدی به فلسفه، تهران، انتشارات طهوری.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۷۴ ■

شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته

فاطمه امیریان - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

هما ایرانی بهبهانی* - استاد تمام دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حسین سلطان زاده - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

معماری به عنوان هنری کاربردی، در ارتباط با زندگی مردم بوده و در پاسخ به نیازها، خواسته ها، آرزوها و رویاهای مردم تحقق می یابد. با این وجود، ضرورت ایجاد حیات و زندگی در فضا به واسطه رویدادهای جاری در فضا، در روند طراحی معماری اغلب به دست فراموشی سپرده می شود، چرا که عوامل شکل دهنده به آن، پنهان و در بسیاری موارد غیرفیزیکی بوده و در سطوح و لایه های مختلفی مطرح می گردد و این موضوع، مسئله اصلی این پژوهش است. به همین دلیل، هدف این پژوهش شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهایی است که می توانند به عنوان عاملی تأثیرگذار در زندگی بخشی به فضای زیسته عمل نمایند، امری که می تواند در فهم فضای معماری به مثابه محیط انسانی موثر واقع شده و ابعاد جدیدی از فضا را ارائه نماید. سوال اصلی پژوهش آن است که رویدادهای زندگی بخش چگونه رویدادهایی بوده و مولفه های موثر در شکل گیری آن ها چه هستند؟ در همین راستا، این پژوهش با روش تحقیق کیفی، به مطالعه و بررسی آراء نظریه پردازان حوزه های مختلف در مورد رویداد و ارتباط آن با فضا، مکان، زمان و حرکت پرداخته و همزمان با مطالعه کتابخانه ای - اسنادی، با حضور در متن رویدادهای مختلف، سطوح متفاوت تبلور حیات در فضا را مورد شناسایی قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از وجود سه سطح از مولفه های زندگی بخش، تحت عنوان: ۱- ویژگی ها دربردارنده ی، وابستگی به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن، تنوع، اتمسفر تأثیرگذار، شکل دهنده به زنجیره ای از کنش ها و معانی سازمان یافته در یک کل، تداعی ها و نمادها، به مثابه جزئی از جامعه؛ ۲- قابلیت ها شامل دربرگیرندگی و هم افزایی، انسجام بخشی، رشد و مکان سازی و در نهایت ۳- فراهم آوردن امکان های حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی میان آن ها، حضور فعالانه ی بدن و کالبد انسانی به عنوان واسطه میان دنیای ذهنی و عینی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل دهی به فضا، ادراک حسی و ادراک چندوجهی است؛ و در صورت تعریف رویدادهای متناسب با این سطوح، می توان رویدادهایی زندگی بخشی را تعریف نمود که نه تنها خود دارای مراتب متنوعی از حیات هستند، بلکه قادر به زندگی بخشی، تعریف و در مرحله ای بالاتر تولید فضای زیسته خواهند بود.

واژگان کلیدی: رویداد های زندگی بخش، فضای زیسته، مراتب حیات.

Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space

Abstract

Architecture as applied art is in relation to people's lives and is realized in response to their needs, desires, wishes and dreams. However, the issue of life creation in space is often forgotten in the process of architectural design, because the elements shaping it are mostly hidden, non-physical and are discussed in various levels and layers. Due to this reason, the purpose of this research seeks to identify effective components in formation of events that can act as effective factors in giving life to the lived space, which can be useful in understanding the architectural space as the effective human environment and presents new dimensions of space. The main question of this research is, what events are considered life-giving events and what are the efficient factors in formation of them. The results show that there are three levels of life-giving components, entitled: (1)Features include dependence on natural process of everyday life and its spatial freedom, diversity, impressive atmosphere, forming a chain of actions and meanings organized in a whole, associations and symbols, as a part of the society; (2)Capabilities include inclusiveness and synergies, integrating, growth and place making and ultimately;(3)Providing active participation of different social and age groups and social interactions among them, the active physical presence of the human as an interface between subjective and objective worlds, active use of movement element for shaping space, sensory perception and multifaceted perception.

Key words: life-giving events, lived space, the levels of life

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۳۵۶۷۸۳؛ رایانامه: Fateme.amirian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده ی اول، تحت عنوان «نقش شبکه پنهان رویدادهای فرهنگی زندگی بخش در شکل-گیری فضای زیسته» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر هما ایرانی بهبهانی و تحت مشاوره جناب آقای دکتر حسین سلطان زاده در حال انجام است.

مقدمه

شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته است. در این راستا، در ابتدا پیشینه مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف از جمله علم، هنر، ادبیات، فلسفه مورد مطالعه قرار گرفته و سطوح مختلف برخورد با این مفهوم در معماری شناسایی گشته است. سپس از آنجا که هر رویداد در یک ظرف فضایی واقع می‌شود، ارتباط میان فضا، مکان و رویداد مورد بررسی قرار گرفته و با تکیه بر مفهوم فضای زیسته، به نحوه تبلور مفهوم حیات و زندگی در فضا و رابطه آن با رویداد، در دو دسته کلی عام و خاص پرداخته خواهد شد و در انتها، مولفه‌ها موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش تحت سه دسته کلی: ۱- ویژگی‌ها، ۲- قابلیت‌ها و در نهایت ۳- فراهم‌آورنده‌ی امکان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق این نوشتار، روش کیفی است که داده‌های خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به دست می‌آورد. (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۵۱) تحقیق کیفی در نقطه‌ی تمرکز خود چند روشی است و متضمن رهیافت تفسیری-طبیعی‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این به معنای آن است که پژوهشگران کیفی، اشیا را در محیط‌های طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می‌کنند، پدیده‌ها را بر حسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌بخشند، معنادار کرده و تفسیر نمایند (Denzin & Lincoln, ۱۹۹۴: ۲). در روش کیفی، مهم‌ترین ابزار گردآوری داده مشاهده است (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). در تحقیق حاضر، پژوهشگر در ابتدا با حضور در بستر وقوع رویدادهای مختلف، به یادداشت‌برداری و ثبت تصویری موارد موثر در تعریف و زندگی‌بخشی به رویدادهای مختلف پرداخته و موازی با کار میدانی، به مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی نوشته‌های معماران و نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف در خصوص زندگی‌بخشی به فضا پرداخته است. سپس به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و

معماری هنری فضایی-زمانی است و به عنوان ظرف فضایی و پس‌زمینه امور و رخدادهای جاری زندگی، بیش از هر چیز در ارتباط مستقیم با زندگی مردم قرار داشته و بخشی جدایی‌ناپذیر از آن را شکل می‌دهد. هر فرد در طول زندگی خود، گهگاه در محیط‌هایی حضور یافته، که با وجود ساختار فیزیکی ابتدایی، دارای نوع خاصی از سرزندگی، روح و انرژی بوده که وی را احاطه کرده و تحت تأثیر قرار است. یعنی چیزی فراتر از ماده و وجه فیزیکی و کالبدی که با وجود آن که دیده نمی‌شوند، وجود دارند، چرا که حس می‌شوند، به ادراک در می‌آیند، موجد نگار ذهنی می‌گردند و به صور مختلف توسط مخاطب بیان می‌شوند. این امر بیش از هر چیز به علت وجود رویدادهایی است که در آن فضا واقع بوده و یا هنوز در جریان هستند و اثر خود را با تولید، تعریف و یا هویت‌بخشی بر فضا بر جای گذشته و بخش جدایی‌ناپذیری از آن ظرف فضایی گشته‌اند. «سنفورد وینتر» از دانش‌واژه رویداد برای پرداختن به «امری فعال»^۲ و مستعد تبدیل شدن به چیزی نو استفاده می‌نماید (زمان فعال، مکان فعال) (Kwinter, ۲۰۰۱: ۵). «هانجو برسِم» اظهار می‌دارد که در فضای رخدادی، هویت اشیا دیگر در شکل خاص آن‌ها نهفته نیست، بلکه در ساختار فضایی آن‌ها، در موقعیت‌های نسبی آن‌ها در یک زمینه فضایی ذاتاً پویا و پیچیده نهفته است (Berressem, ۲۰۰۵: ۹۳). فضا به رویداد واکنش نشان داده و به واسطه رویداد ترادیس می‌شود. رویداد خود را هم به عنوان عامل شکل‌دهنده فضا و هم به عنوان محصول برآمده از فضا به اثبات رسانیده است که حامی تعریف متقابل میان یک مکان و اعمالش است. این موضوع، در روند طراحی معماری اغلب فراموش می‌شود، چرا که اکثر معماران به سبب طبیعت رسته خود، به دنبال حل مسائل در قالب ارائه یک فرم و قالب شکلی هستند. به همین دلیل، عنصر هویت‌بخش و زندگی‌بخش رویداد و چگونگی فضا‌مند شدن آن، پایه اصلی این پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد. هدف این پژوهش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

جدول ۱. سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری؛ منبع: نگارندگان.

تعریف، هویت بخشی و وحدت بخشی به فضا، مکان و زمان	الکساندر (۱۳۹۰)، مِسی (۱۹۹۴)، کیسی (۲۰۰۱)، وینتر (۲۰۰۱)، دوسرتو (۱۹۸۴)، فلامکی (۱۳۸۶)	سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری
استفاده از رویداد به عنوان ابزار شناخت و تحلیل و طراحی فضا و تولید فرم	گائوستا (۲۰۰۳)، چومی (۲۰۰۰)، دریدا (۲۰۰۴)، دلوز (۲۰۰۳)؛ استفاده از تجربه فیلمیک در معماری: کوپ هیمبل بلا، ژان نوول، رم کولهاس	
بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری	ریچاردز و پالمر (۲۰۱۰)، لاندری (۱۹۹۶)، کوپین (۲۰۰۵)، ایوانز (۲۰۰۳)	

یافتن پارامترهای زندگی بخش به رویدادها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها و الگوها صورت می‌پذیرد (Hesse&Sharlene, ۲۰۰۵: ۱۲۷۸).

پیشینه تحقیق

واژه «رویداد» از ریشه لاتین eventus به معنای رخداد، اتفاق، تصادف و همانند آن نشأت گرفته و آغاز استفاده از آن به سال ۱۵۷۰ میلادی باز می‌گردد. رویداد به عنوان بخشی از یک روند بوده و منحصر به فردی آن ریشه در خاص بودن آن دارد. (Gausta et al, ۲۰۰۳: ۲۰۳). موضوع رویداد، با مطرح شدن نظریه فضا-زمان و پس از آن نظریه‌های نسبیت عام و خاص آلبرت اینشتین و ادغام سه بعد فضایی و یک بعد زمانی و ایجاد محیط پیوسته و درهم تنیده‌ی چهار بعدی اهمیت زیادی یافت. عناصر اصلی آن این محیط، رویدادها هستند. یک رویداد نقطه‌ای است که دارای مکانی خاص در زمانی خاص است و رخداد و موقعیت فیزیکی در ارتباط با آن تعریف می‌شود (French, ۱۹۶۸: ۸۶). مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، فلسفه و معماری نیز وارد شده است. با ظهور هنر پاپ، «محیط و رویداد» اهمیت خاصی در آفرینش هنری یافتند. این ویژگی هنرمندان را به تجربه‌ی بازآفرینی و تکثیر رویدادها و واقعیت‌های جاری و رایج در محیط و مصرف پدیده‌های فرهنگ

عامه‌وا داشته و مفهومی تازه از هنر را مطرح می‌ساخت. برای خلق این مفهوم از صداها، محدوده‌های زمانی، حالت‌ها، احساسات و حتی بوی آکنده در محیط استفاده می‌شد (لوسی اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). در آثار ادبی و به ویژه رمان‌های نوشته شده در قرن بیستم نیز شاهد اهمیت یافتن رویدادها هستیم. برای مثال، در رمان برجسته «در جستجوی زمان از دست رفته» نوشته مارسل پروست ۵ (نویسنده و مقاله‌نویس فرانسوی) روایت مداوم وجود نداشته و این رمان مبتنی بر لحظه‌هایی است که در آن‌ها، لایه‌ای از رویدادها در زمانی محسوس بیرون می‌ریزند. رمان پروست، با زمان بازی می‌کند (Forster, ۱۹۴۳: ۲۳۳). «مارسل پروست» سخت تحت تأثیر «هانری برگسون» ۶ (فیلسوف فرانسوی)، که فرضیه‌هایش در خصوص زمان در خور توجه است، قرار داشت. «ژاک درید» ۷ (فیلسوف فرانسوی) و «برنارد چومی» ۸ (معمار فرانسوی) نیز هر دو به مکان «واقع شدن یک رویداد» و بعد موقتی تجربه در فضا علاقه مند هستند. (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۴۶). مفهوم رویداد در معماری به شکل‌های مختلفی بروز یافته است. در این زمینه با سه دسته کلی زیر روبه‌رو هستیم:

۱- استفاده از رویداد برای تعریف فضا و مکان / هویت بخشی و وحدت بخشی به فضا و مکان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عام رویداد، تعریف نمودن فضا است. فضا تا هنگامی که صفتی یا ویژگی خاصی بر آن متصور نشده‌ایم، وجودی است آمورف،

همگن و فاقد نقطه عطفی که به آن هویت بخشد. (فلامکی، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۴). هر فضای معماری و فضای شهری به تناسب خود می‌تواند مکان واقع شدن رویدادها، در بازه‌های زمانی متفاوتی باشد. در این زمینه با دو دسته‌ی کلی از رویدادها روبه‌رو هستیم. دسته اول رویدادهایی هستند که در مکان‌هایی ثابت و در مدت زمانی طولانی، به صورت الگویی پیوسته و مداوم تکرار می‌شوند و به تدریج و در طول زمان، جزئی از هویت آن فضا می‌شوند، چراکه هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). از جمله این رویدادها، می‌توان به رویدادهای جاری فضاهای طراحی شده برای عملکردهای خاص و معین اشاره نمود که در طول زمان محمل الگوهای رویدادی مرتبط با عملکرد خود می‌گردند. دسته دوم، رویدادهایی هستند که بیش‌تر جنبه‌ی موقتی داشته و در مکان‌هایی مختلف و در دوره‌های زمانی ثابت یا متغیر قابل وقوع هستند و از جمله آن، می‌توان به برگزاری جشنواره‌ها، کارناوال‌ها و سیرک‌ها، سان‌ها و رژه‌ها و حتی یکسری مراسم اساطیری آیینی و سنتی چون حرکت دسته‌جات عزاداری در ایام محرم، تعزیه، رقص‌های محلی و انواع دیگر آن اشاره نمود.

۲- استفاده از عنصر رویداد به عنوان نقطه آغاز روند طراحی و تولید فرم؛ استفاده از آن به عنوان ابزار شناخت و تحلیل فضا

پروژه‌ای که بر مبنای رویدادها آغاز می‌شود، از حوزه منحصر به فردی نشأت می‌گیرد. این موارد منحصر به فرد همان اندازه که وابسته به «فضا» هستند به «زمان» نیز وابسته‌اند (Gausta et al, 2003: 203). برنارد چومی از جمله معمارانی است که از عنصر رویداد در طراحی خود بهره برده است. وی معتقد است که باید معماری را نه به مثابه‌ی یک شیء/بژه (اثر)، بلکه به منزله‌ی "تعامل فضا و رویدادها" دریافت کنیم (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۵۰). نکته‌ی اصلی در بحث وی آن است که کالدها، فضا را با حرکت خود به وجود می‌آورند. برای مثال، کارناوال‌ها و نمایش‌هایی

که برای گروه کثیری از مردم اجرا می‌شوند، آشکارا وضعیت فضایی متفاوتی را در یک خیابان شهری ایجاد می‌کنند (همان منبع، ص ۱۴۸). قیاس میان «معماری و سینما» از جمله سایر تلاش‌ها، برای وارد کردن عنصر رویداد در طراحی معماری است. چرا که هم معماری و هم سینما، مبتنی بر انسجام فضا و زمان هستند (شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در بسیاری از مدارس معماری، فیلم‌ها به عنوان منابع الهام مطالعه شده و معمارانی پیشرو همچون «برنارد چومی»، «رم کواهاس»^۹، «کوپ هیمبل»^{۱۰} و «ژان نوول»^{۱۱} از آن در روند طراحی خود استفاده نموده‌اند و اثر آن را می‌توان در ساختمان انستیتوی عرب، «ژان نوول» و «پارک لاولیت» برنارد چومی دنبال نمود (همان منبع، ص ۱۰۹). سابقه استفاده از سینما برای درک و تحلیل فضاهای شهری مدرن، به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد که اندیشمندانی چون «زیمل»، «بنیامین» و «کراکائر»، بر اهمیت فیلم برای تفسیر پدیده‌های فضایی جهان مدرن تاکید می‌کردند (قهرمانی و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۵۴-۵۷).

۳- بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری از طریق رویدادها

در این حالت، از رویدادها در راستای ایجاد پویایی بیش‌تر در شهرها و تبدیل آن‌ها به مکان‌های غنی قابل زیستن برای پاسخگویی به طیف گسترده‌ای از اهداف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌گردد. «رویدادمداری»، اصلی‌ترین عامل تحرک در بازآفرینی شهرها شناخته می‌شود، چرا که رویدادها بسیار منعطف‌تر از اقسام قطعی زیرساخت‌های فیزیکی بوده و توانایی بیش‌تری در خلق اتمسفر دارند (Richards and Palmer, 2010: 16-19). «بازآفرینی شهری فرهنگ-مبنا» بر رویدادمداری و ترویج فعالیت‌های فرهنگی همزمان با احیاء و حفاظت از میراث شهری است (Landry et al, 1996: 9-10). حضور هنر در شهر و برپایی انواع فستیوال‌های هنری، راهبردی فراتر از اندیشیدن راه حل‌های کوتاه مدت برای رکود اقتصادی و مشکلات اجتماعی شهرها است (Quinn).

۲۰۰۵: ۹۲۷) با در نظر داشتن تمامی موارد فوق، نوشتار حاضر در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخشی است که در تولید، تعریف و هویت بخشی به فضای زیسته تأثیرگذار هستند.

مبانی نظری

فضا، مکان و رویداد

هر محتوای فضایی با یک شیوه زندگی، حضور و یک نحوه شناخت همراه است (شایگان، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۹). هر الگوی فضایی با الگوی رویدادی همراه است که این الگوی جامع، فضا و رویداد در ارتباط باهم به واسطه‌ی فرهنگ شکل گرفته و انتقال می‌یابد (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۷۸) و هر شیوه تولید اجتماعی، فضای ویژه خود را بازتولید می‌کند (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۱). همه‌ی این موارد نشان از وجود ارتباط متقابل میان رویداد و ظرف فضایی آن و اهمیت مطالعه این ارتباط دارد.

در تحلیل «میشل دوسرتو» فضا «مکانی مشمول تردد»، «محل برخورد اجسام متحرک» است. با استفاده از لفظ مکان، شخص دست کم به یک رخداد، به یک اسطوره (مکان معروف)، یا به یک تاریخ ارجاع می‌دهد. (همان منبع، ص ۱۰۲). این مکان‌ها دست کم دارای سه خصیصه مشترک هویت، ارتباط و تاریخ هستند. (همان منبع، صص ۷۱-۷۲) کریستین نوربرگ شولتز ۱۸ کنش‌ها را تنها در نسبت با مکان‌های خاص با معنا می‌داند. (شولتز، ۱۳۹۳، ص ۲۲). «تیم کرسول» ۱۹ مکان‌ها را فضاهایی دانسته که توسط مردم معنادار شده‌اند. دوگانگی پایه‌ای میان فضا و مکان، با مطرح شدن ایده فضای اجتماعی هانری لفور، که دارای نقش مشابه مکان است، به چالش کشیده شد (Cresswell, ۲۰۰۴: ۷-۱۰). فضا از منظر لفور، نه تنها ظرفی منفعل و راكد نبوده، بلکه نبضی تپنده و زنده است. نقطه عطف کار لفور این بود که توانست با نظریه‌ای فراگیر، وجوه گوناگون فیزیکی، ذهنی و اجتماعی فضا را به هم بیامیزد و در عین حال مرزهای تمایز آن‌ها را نیز حفظ کند. (امیری و رضاپور، ۱۳۹۱، ص ۱۵). در نظریه لفور، فضا از سه بعد تشکیل شده

است:

۱. «**فضای دریافته**»: پیش از هر چیز، فضا امری است محسوس که به یاری حواس می‌توان به درک و دریافت آن رسید. (Goonewardena and others, shmid in, ۲۰۰۸: ۳۹)

۲. «**فضای انگاشته**»: به جنبه‌ی ذهنی فضا باز می‌گردد و دربردارنده‌ی تصورات و تصاویر ذهنی پیشین هر کنشگر پیرامون فضا است که برآمده از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی کنشگران است (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۴۶).

۳. «**فضای زیسته**»: تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران در فضا است. این فضا نه بازنمایی شده است نه انگاشته شده، بلکه در مقایسه با فضای انتزاعی معماران و شهرسازان، فضای زندگی روزمره و فضایی واقعی است (ibid: ۵۳).

به این ترتیب، درک و دریافت فضا، به همراه تصورات و انگاره‌هایی که از فضا وجود دارند، در کنار تجربه مستقیم زیستن و کنش در فضا، کلیتی را می‌سازند که فضا نامیده می‌شود. او برای تبیین نظریه تولید فضا، از سه مفهوم عمل فضایی ۲۳، بازنمایی فضایی ۲۴ و فضای بازنمایی شده ۲۵ استفاده نمود که از میان فضاهای بازنمودی مستقیماً از طریق تصاویر و نمادهای مرتبطش زنده بوده و یک هسته عاطفی داشته و کنش و موقعیت‌های زیسته را دربردارد؛ بنابراین فوراً به طور ضمنی زمان را می‌فهماند.

ادوارد سوچا ۲۶ بر مبنای تعریف لفور، فضا را برآیند روابط میان سوژها و ابژه‌ها (فضای زندگی) دانسته است (سوچا، ۱۹۹۰، ص ۱۲۰). فضای زیسته در ادبیات پدیده‌شناسی، «فضایی وجودی» است که بر مبنای خاطره و تجربه‌ی فردی، گروهی و اجتماعی ساخته می‌شود که سازنده‌ی این همانی‌های جمعی است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). «رلف» معنای فضای زیسته را ناشی از مکان‌های وجودی و ادراکی می‌داند که بدون واسطه تجربه شده باشند (Relph, ۱۹۷۶: ۲۶). تمرکز این نوشتار بر تعریف هانری لفور و ادوارد سوچا از فضای زیسته است، چرا که به این ترتیب فضا، مکان

و زندگی در ارتباط با یکدیگر تعریف شده و می‌توانند به عنوان ظرف فضایی رویداد واقع شوند.

در تعریف «دورین مَسِی» ۲۷ از رویداد، هر دو امکان آفرینش/تعریف فضا و زمان به امر رویدادی نسبت داده شده است (Massey, ۱۹۹۴: ۲۶۳). از نظر «ادوارد کیسی» ۲۸ «رویداد را می‌توان به منزله فضایی- زمانی سازی یک مکان تلقی کرد» (Casey, ۲۰۰۱: ۳۳۹). وی قدرت مکان را در گردهم‌آوری هریک از زندگی‌ها و چیزها، با فضا و زمان خاص خودشان در عرصه‌ای از روابط مشترک می‌داند (Casey, ۲۰۰۹: ۳۲۹). با در نظر گرفتن رویداد به عنوان جزء تشکیل‌دهنده مکان و گشایش فضا به سمت زمان، فضا دستخوش «ترادسی» ۲۹ و «تغییرشکل» ۳۰ قرار می‌گیرد. به این ترتیب، فضا تنها تنظیم‌کننده‌ی رویدادها و روندها نبوده، بلکه آن‌ها را با یکدیگر همراه می‌کند (Grosz, ۲۰۰۱: ۱۱۶-۱۱۹). به بیان دیگر، روابط پیچیده میان رویدادها، عامل شکل‌دهنده‌ی مکان‌های مختلف بوده و جغرافیاهای متنوع و ظاهراً نامرتب با هم، از طریق رویدادها با یکدیگر تلاقی یافته و همدیگر را تعریف می‌کنند.

نحوه تبلور مفهوم حیات و زندگی در فضا و رابطه آن با رویداد

مفهوم زندگی و حیات در درجه اول با حرکت در طول فضا، گذر زمان و تغییرات ایجاد شده به واسطه‌ی آن، درک می‌شود. اگر فرد، با عبور از داخل فضاها، یا در عبور از یک مسیر، فضاها را با یکدیگر را ادراک نموده و بتواند آن‌ها را مرتبط با یکدیگر تلقی نماید، توالی فضایی معنا خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۷). به علاوه، هر حرکتی احتیاج به زمان دارد. بدون زمان ما قادر به درک حرکت نیستیم (گروتز، ۱۳۹۳، ص ۳۲۵). گذر زمان و به تبع آن تغییرات رخ داده در طول زمان، در ذات خود دارای پویایی هستند. محیط زیست طبیعی و انسان‌ساز ما دائم در تغییر است. این تغییرات ممکن است عینی و یا تنها ادراکی باشد. زمان نیز در ذات خود دارای حرکت است. به این ترتیب می‌توان گفت که عنصر رویداد به واسطه‌ی وابستگی خود به

زمان و حرکت، به صورت عام دارای حیات است. اما پدیده حیات و ارتباط آن با رویداد، از زوایای دیگری نیز قابل بررسی است. یکی از بهترین تعاریف از حیات، توسط کریستوفر الکساندر ارائه شده که در دو بستر حیات از منظر شکلی- ساختاری و حیات از منظر الگوهای جاری در فضا، قابل ردیابی است. وی در کتاب «سرشت نظم» ۳۱ خود، بیان می‌کند که حیات مفهومی مکانیکی و محدود نبوده و کیفیتی است که در ذات فضا نهفته است (الکساندر، ۱۳۹۲، ص ۳۰). منظور وی از حیات، به معنای جامع آن، چه از نظر شکلی، هندسی، ساختاری، اجتماعی و زیست‌شناسی است. (همان منبع، ص ۴۹). از نظر او، حیات کیفیتی است که از طریق وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت رخ می‌دهد. (همان منبع، ص ۸۱). الکساندر در کتاب «راه بی‌زمان ساختن» ۳۲ زنده بودن هر بنا یا شهری را منوط به التزام آن به راهی بی‌زمان و شناخت کیفیت بی‌نام می‌داند که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا، یا طبیعت بکر است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). به علاوه، وی در کتاب «زبان الگو» ۳۳ توجه خود را بر مفهوم الگوها (مرکب از فضا و رویداد) متمرکز ساخته، اما آن را بیش‌تر برحسب عملکرد تا هندسه توصیف می‌کند. (شولتز، ۱۳۹۳، ص ۱۳). به این ترتیب، به حیات الگوهای جاری در فضا و نحوه تحقق آن می‌پردازد. همان‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن‌ها است، چرا که به گفته ادوارد تی‌هال، فرهنگ در اعماق سیستم عصبی فرد نفوذ کرده و تعیین‌کننده نحوه ادراک او از جهان است (تی‌هال، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). به این ترتیب، تولیدات هر جامعه‌ای می‌تواند دارای مرتبه‌ای از حیات از منظر معنایی- مفهومی، در تناسب با شرایط فرهنگی- اجتماعی آن جامعه باشد. در این سطح از حیات، اهمیت مخاطب و نحوه درک او از جهان مطرح می‌گردد. میزان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی و میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا نیز می‌تواند، منجر به مرتبه‌ای از حیات از منظر تنوع زیستی گردد

جدول ۲: سطوح مختلف حیات قابل مطالعه در خصوص رویدادها؛ منبع: نگارندگان.

سطوح مختلف حیات	عام	زمان، حرکت، تغییر و پویایی	تأکید بر عنصر حرکت به عنوان عامل شکل دهنده‌ی فضا و زمینه‌ساز ایجاد ساختار تجربیات پشت سرهم و توالی فضایی؛ نقش عنصر زمان و گذر آن در شکل‌گیری عنصر حرکت و پویایی و زمینه‌ساز شکل‌گیری تغییرات در پدیده‌ها؛ اهمیت موضوع روند و حرکت تدریجی
	خاص	شکلی-ساختاری	حیات به عنوان کیفیت نهفته در ذات فضا به واسطه‌ی وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت آن؛ وجود مرتبه‌ای از حیات در هر شیء؛ وجود مولفه‌های هندسی موثر در شکل‌گیری عنصر حیات در ساختارهای طبیعی و غیرطبیعی
		الگوهای جاری در فضا	اهمیت مفهوم الگوها [مرکب از فضا و رویداد] و بیش‌تر تمرکز بر مفهوم عملکرد
		معنایی-مفهومی	اهمیت نقش فرهنگ و پیشینه فرهنگی کاربران و مخاطبین هر فضا؛ ارتباط متقابل میان محتوای فضایی با شیوه زندگی و حضور در هر جامعه؛ تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن‌ها
		زیستی	حضور گروه‌های مختلف اجتماعی و رده‌های مختلف سنی از کودک تا سالمند و استفاده مداوم شهروندان از فضا؛ سرزندگی و پویایی اجتماعی؛ امکان مشارکت در زندگی اجتماعی

و هرچه این میزان بیش‌تر شود، پویایی و سرزندگی آن فضا افزایش خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶). به این ترتیب، سطوح مختلف حیات در خصوص یک رویداد و همچنین ظرف فضایی تحقق آن به شکل زیر خواهد بود:

هر رویداد، به تناسب خود مرتبه‌ای از این موارد را دارا است و هرچه یک رویداد در سطوح مختلف از حیات بیش‌تری برخوردار باشد، غنی‌تر، پویاتر و تأثیرگذارتر خواهد بود. در این بین رویدادهایی وجود دارند که نه تنها خود دارای حیات هستند، بلکه به ظرف فضایی خود نیز زندگی می‌بخشند. بنابراین نکته حائز اهمیت شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش بوده و تحت سه عنوان ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و فراهم آوردن امکان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش

۱- ویژگی‌ها

۱-۱- وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن

رویدادهای زندگی بخش بیش از هر چیز با روند طبیعی زندگی عادی و روزمره و آزادی فضایی آن در ارتباط هستند. زیبایی در چیزهای طبیعی پدیدار می‌شود، در چیزهایی که به‌طور طبیعی تکامل یافته‌اند و حامل هیچ نشانه و پیامی نیستند. (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۳۵). آنچه در دنیای ما بهترین حیات به نظر می‌رسد، حیاتی است که از تلاش‌های ساده و طبیعی ما، از حرکات ناشی از احساسات مان و از احساس ما از لذت و آزادی نشأت گرفته و ژرف و تکان دهنده است. (تصویر ۱) اغلب خیلی معمولی‌اند.



تصویر ۱. بازی کودکان، نمودی از رویدادهای روزمره؛ مأخذ: National

Geografic

روندی ممکن است که طی آن، مردمی که خود جزئی از آن اند، الگوها را بی آفرینند و نگهداری کنند. شهر یا بنا نیز جریان مدام روندهاست. (الکساندر، ۱۳۹۰، صص ۳۰۶-۳۰۸).

۱-۲-تنوع

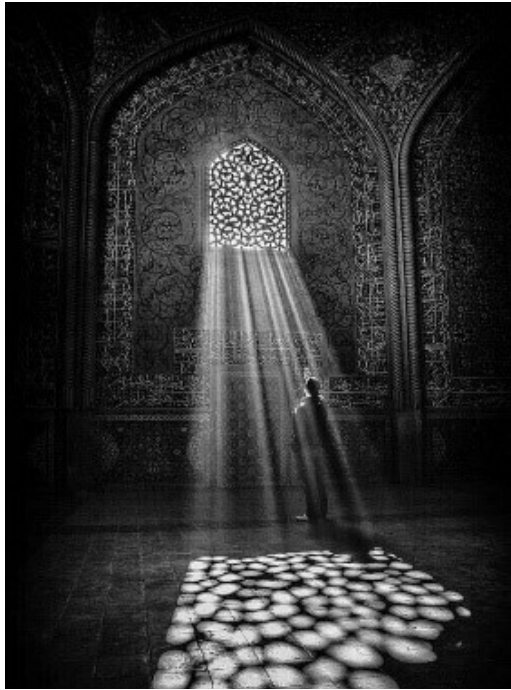
پیش از این در خصوص مراتب حیات خاص سخن گفته شد. هریک از این موارد تولیدکننده ی شکل ها و ساختارها، الگوها و عملکردها، معناها و مفهومی های متنوعی بوده و گروه های اجتماعی و سنی مختلفی را مخاطب قرار می دهند. به این ترتیب، به واسطه سطوح مختلف مراتب حیات، با تنوع های شکلی-ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی-مفهومی و تنوع های زیستی روبه رو خواهیم بود که همه این ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده ی تنوع های فضایی خواهند بود.

۱-۳-اتم سفر تأثیرگذار

رویدادهای زندگی بخش، به فضا اتمسفری تأثیرگذار می بخشند؛ اتمسفری که ما را فرا می گیرد و از حضور ساده چیزها آکنده است. (تصویر ۳) به علاوه، میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن فضا پیوند وجود دارد. در این زمینه زومتور چنین نوشته است: به معماری که فکر می کنم، تصاویر در خاطرم زنده می شوند. چنین خاطراتی در بردارنده عمیق ترین تجربه های معمارانه ای هستند که من سراغ دارم؛

با این حال دارای انسجامی ساده و حیات بنیان هستند که با طراحی آفریده نشده، بلکه محصول روندهای کوچکی برآمده از یک روند زنده است. (الکساندر، ۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۱۶۴). همچنین، زندگی روزمره در یک بستر فضایی همچون فضاهای شهری و فضاهای معماری واقع می شود، یعنی فضایی که شهروندان هرروز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود. (پاکزاد، ۱۳۷۶، صص ۳۲). کسی که در یک شهر زندگی می کند، دارای یک رابطه فضایی و زمانی تکرارشونده و متعارف با شهر دارد (فکوهی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). هانری لفور فضا را از یک سو تجربه ی تاریخی و از سویی دیگر تجربه ی زندگی روزمره ی آدمیان دانسته است. (فکوهی، ۱۳۸۳، صص ۲۳۲).

از نظر پیتر زومتور معماری ساحت وجودی خود را داشته و در یک رابطه ی مادی خاص با زندگی قرار دارد. (تصویر ۲) در تصور او، معماری در درجه اول نه پیام است و نه نشانه، بلکه پوشش و پس زمینه ای است برای امور و رخدادهای جاری زندگی (زومتور، ۱۳۹۴، صص ۱۷). از نظر او، معماری در معرض زندگی قرار دارد. اگر کالبدش به قدر کافی حساس باشد، می تواند کیفیتی را پدید آورد که بر واقعیت زندگی گذشته شهادت دهد. ایجاد شهر زنده نیز فقط از طریق



تصویر ۳. بارش نور در فضای داخلی مسجد، نمودی از
اتم سفر تأثیر گذار؛ مأخذ: www.pinterest.com



تصویر ۲. نمودی از رویدادهای روزمره؛ مأخذ: www.mulpix.com

ایده آل نقشی محوری در مفهوم سازی مکان ایفا می کنند رویدادهای جاری خاطرات را به یاد می آورند. «ناگهان، بر حسب تصادف، تقارن یک احساس واقعی معین و یک احساس معین پیشین، یادآوری خاطرات را رقم می زند. خاطرات فراموش شده مجدداً بازمی گردند. در نتیجه به مدد حافظه، زمان از دست نمی رود و چنانچه زمان از دست نرود، فضا نیز از دست نمی رود.» (Poulet, ۱۹۷۷: ۵۷-۵۸) با این حال، همان طور که «جولیا برونو» در روند به یادآوری مثال می زند، فضا می تواند رویداد را به خوبی تعریف کند، چراکه حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل است (Bruno, ۲۰۰۷: ۱۷).

۱-۶- به مثابه جزیی از جامعه

فرد بالغ در زندگی اش چیزی را کشف خواهد کرد که فرهنگ، تربیت، کتاب ها و سنتش به او آموخته اند که در آن زندگی بیاید. رابطه ای که با خودم برقرار می کنم، همواره به وساطت فرهنگی و زبانی شکل می گیرد که از بیرون دریافت کرده ایم. (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

ذخیری غنی از تصویرها و اتمسفرها (زومتور، ۱۳۹۴، صص ۱۳-۱۴).

۱-۴- شکل دهنده به زنجیره ای از کنش ها و معانی سازمان یافته در یک کل

تصور ورود به یک بنا، حتی به یک ساختمان یا یک کلبه ساده، زنجیره ای از کنش ها را ایجاد می کند که کمتر از یک عمل زبانی، بیان، گزاره یا زنجیره ای از جملات پیچیده نیست. به بناها نباید نه به عنوان مجموعه ای از نمادها و نه زنجیره ای از نشانه ها نگریست. یک بنا نه یک اُبژه و نه انباشتی از اُبژه های متنوع است. یک چنین فضایی با آنچه ممکن است در آنجا روی دهد و نتیجتاً با آنچه ممکن است در آنجا اتفاق نیفتد، تعریف می شود. وضعیت صوتی، حرکات حرکتی و آیینی، عناصر، زنجیره های معناها و... همگی در یک کل عظیم سازمان دهی می شوند. (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۹-۲۸۰).

۱-۵- دربردارنده ی تداعی ها و نمادها

بسیاری از نظریه پردازان نشان داده اند که فضاهای



تصویر ۴: رقص های محلی، رویداد بومی؛ مأخذ: شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۶.

۴- روح ناشی از تعاملات و واکنش های رو به تصاعدی که بر اثر وحدت نظر و اشتراک در یک هدف واحد مرتباً افزایش می یابد و نتایجی به بار می آورد که افراد در تنهایی هرگز قادر به انجام آن نیستند.

۵- انسجام گروهی (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹).

رویدادهای زندگی بخش قادر به گردهم آوردی زمان ها، مکان ها، فضاهای گوناگون و در مقیاس های مختلف است. به علاوه، از آنجا که یک رویداد همچون یک جریان و شار انرژی عمل می نماید، قادر به دربرگیری قطعات همگن و ناهمگن در ارتباط با جریان خود خواهد بود.

۲-۲- قابلیت انسجام بخشی

در شکل گیری رویداد عوامل مختلف گرد هم می آیند و در همکاری با یکدیگر یک رویداد در ظرفی فضایی واقع می شود و با آن در تعاملی دوسویه قرار می گیرد. همه این موارد نشان از قابلیت انسجام بخشی به یک مجموعه از اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم دارد که به واسطه یک رویداد، گرد هم آمده و در کنار یکدیگر و با همکاری هم زمینه وقوع آن را فراهم می آورند. به قول زومتور، همه چیز با یکدیگر جور است، حیرت انگیز، غافل گیرکننده و طبیعی، مثل دست انسان (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۸۳).

۲-۳- قابلیت رشد

رشد شهر نه زاده ذهن یک نفر است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون ها میلیون فعالیت منفرد ساختمانی است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۴۳۲). از آنجا که رویدادهای زندگی بخش و وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره افراد است، بنابراین یک نفر مولف آن نبوده و این رویدادها قابلیت رشد و توسعه در زمان ها و مکان های مختلف و توسط افراد مختلف را می بایست دارا باشند. به علاوه رویداد به واسطه ذات خود قابلیت قرارگیری و تکرار در ظرف ها با مقیاس های مختلفی را دارند. در واقع، زندگی، روح و سیستمی زنده و مجموعه ای از الگوی رویدادهای همجوار و در تعامل با یکدیگر است که در هر یک رویدادهای مشخصی بارها و بارها تکرار می شود.

رویدادهایی که شخصیت منحصر به فرد شهرها را بدان ها می بخشند، برآمده از متن زندگی مردم هر جامعه بوده و حتی در برخی از موارد، تنها برای افراد آن جامعه و یا افراد یک حیطه جغرافیایی مشخص دارای معنی است. (تصویر ۴).

۲-۲- قابلیت ها

۲-۱- قابلیت دربرگیری و هم افزایی

رویدادهای زندگی بخش قابلیت دربرگیری و هم افزایی دارند. هم افزایی زمانی رخ می دهد که نتیجه کنش (اثر) دو یا چند ماده بر یکدیگر، از جمع اثرات یکایک آن مواد بیشتر باشد (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹). ژاکوب لوی مورنو ۳۶ معتقد است که واقعیت زندگی انسان، جنبه کنش و واکنش میان افراد است و آنچه که حاصل این تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی است، نتایجی به بار می آورد که از جمله آن ها، هم افزایی است. البته علت آن را نمی توان صرفاً با تعداد و کثرت جمعیت توجیه کرد، بلکه برای بروز خود نیازمند شرایط زیر است:

۱- داشتن هدف مشترک؛

۲- وجود تعامل و داشتن هویت ارزشی و فرهنگی مشترک (رضاییان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹)؛

۳- ویژگی های خاص تعیین کننده ی قوانین اجتماعی گروه؛



تصویر ۵. تکیه تجریش در دهه محرم، نمودی از مکان شکل گرفته به واسطه یک رویداد؛ مأخذ: نگارندگان.

(همان منبع، ص ۶۲).

۲-۴- قابلیت مکان سازی

آن گونه که قبلاً اشاره شد، رویدادها می توانند هر دو امکان آفرینش/تعریف فضا و زمان را در پی داشته و به فضا هویت داده و آن را مکان مند نمایند. در صورتیکه یک فضا پذیرا بوده و قابلیت تطبیق پذیری و انعطاف پذیری داشته باشد، در آن صورت می تواند دربرگیرنده رویدادهای گوناگونی گردد. (تصویر ۵) در این میان، نکته حائز اهمیت در خصوص رویدادها آن است که در هر فضایی قرار بگیرند، آن فضا را به یک «جا» تبدیل کرده و دارای خاصیت مکانی می گردانند. چرا که مشخصه مکان بنابر تعریف مارک اوژه، به دلیل تلفیقی که از هویت و رابطه به دست می دهد، وجود یک ثبات حداقل است و از زمانی که چنین می شود، مکان ضرورتاً به امری تاریخی بدل می گردد. (اوژه، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

۳- فراهم نمودن امکان ها

۳-۱- فراهم نمودن امکان حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی

اهمیت واقعی شهر، در نوع تعامل مردمش با محیط نهفته است. تعامل مردم بر ادراکشان و البته ادراک ایشان بر تعامل شان تأثیر می گذارد (باندز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در توضیح حیات از منظر زیستی به این موضوع

به صورت کامل پرداخته شد. به صورت خلاصه، هدف اصلی افزایش میزان حضور و استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش پویایی و سرزندگی شهری، برقراری تعامل میان گروه های مختلف اجتماعی و سنی و به دنبال آن ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی به واسطه رویدادهای زندگی بخش است.

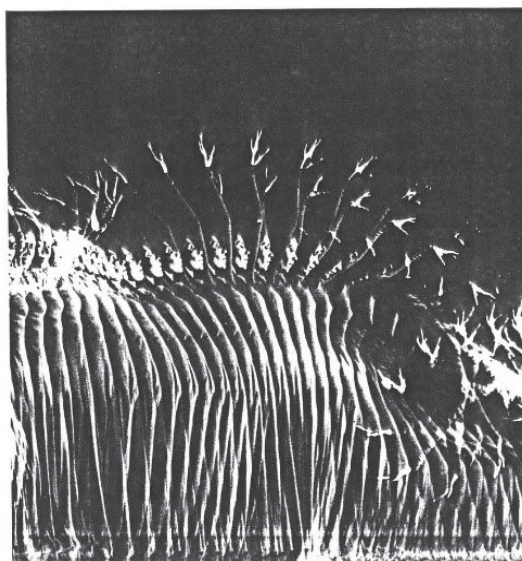
۳-۲- فراهم نمودن امکان حضور فعالانه ی بدن و کالبد انسانی به عنوان واسط میان دنیای ذهنی و عینی

آگاهی انسان، آگاهی تجسد یافته و مبتنی بر حواس است. (تصویر ۶) همان گونه که ژان پل سارتر ادعا می کند: «ادراک کیفیتی که از بیرون به وجود انسان تزریق گردد، نیست؛ بلکه روش خاصی از بودن انسان است.» (پالاسما، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸) ادراک کردن، بدن داشتن است و بدن داشتن، سکونت در جهان است. (کارمن، ۱۳۹۰: ۳۹). بدن بخشی از دستگاه حافظه ماست. (Cassey, ۲۰۰۰: ۱۴۸) کیسی به نقش بدن در عمل به خاطر سپاری اشاره می کند: «حافظه تن کانون طبیعی هر دریافت حسی به خاطر سپاری و به یادآوری است.» (Ibid: ۱۷۲) همچنین از نظر وی به واسطه بدن ها است که شخصیت مکان ها فرهنگی می گردد و در دیدگاه او «واژه میانی مابین مکان و خود» همان ریخت بدن ۳۸ است. در فعالیت فرهنگی، ریخت بدن را می توان به عنوان منظور ما برای ایجاد رویدادها و به واسطه ی آن، مکان ها تلقی کرد. (Cassey, ۲۰۰۹: ۶۸۶)

۳-۳- فراهم نمودن امکان استفاده فعالانه از

عنصر حرکت برای شکل دهی به فضا

عامل حرکت خود می تواند شکل دهنده به فضا باشد. در حرکات سازمان یافته، یعنی حرکات آیینی شده و رمزی شده، بدن ها خودشان فضاها را ایجاد می کنند. (تصویر ۷) همچنین، قلمرو حرکتی خرد روزمره فضاها را خودش را ایجاد می کند (برای مثال، پیاده روها، راهروها، مکان های غذاخوری)، و همین طور قلمرو حرکتی کلان بسیار رسمی فضاها را خودش را به وجود می آورد (برای مثال دالان های کلیساهای



تصویر ۷. نگاشتی از رقص سماع، نمودی از تعریف فضا به واسطه عنصر حرکت؛ مأخذ: www.musicema.com



تصویر ۸. بازار روز سبزی و میوه، فضایی با ادراک چند وجهی؛ مأخذ: www.mole24.it

۳-۴- فراهم نمودن امکان ادراک حسی فضای جهان به ادراک درآمده فضای واحد «عقل غیرمتجسد» نیست، بلکه همچون فضای مادی، حائز نواحی و مناطق متفاوتی است که انتظارات ما از اشیایی که در آن‌ها می‌یابیم به آن نواحی و مناطق ساختار می‌بخشند (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۲۶). هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط است که به سایر حواس پیوند خورده‌اند. زیبایی به واسطه‌ی ادراک حسی دریافت می‌شود. عقل در این میان نقش چندانی ندارد. به

مسیحی یا سکوها). وقتی که یک فضای حرکتی با مفهومی از جهان با نظام نمادین خود پیوند می‌خورد، نتیجه‌اش ممکن است یک آفرینش بزرگ باشد (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۱-۲۷۲). پیتر زومتور نیز فکر کردن به نحوه‌ی حرکت مردم در ساختمان و قطب‌های موجود در مکانی را یکی از پارامترهای مهم طراحی می‌داند. از نظر وی هنر ظرفیتی از فریفتن وجود دارد، تا مردم را وادار به حرکت کند و این به قدرت معمار بستگی دارد (زومتور، ۱۳۹۴b، ص ۵۵).

جدول ۳. مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش؛ منبع: نگارندگان.

		مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش	
ویژگی‌ها	وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن	تکوین به صورت طبیعی، بی‌ادعا، ژرف، تکان‌دهنده، دارای انسجامی ساده و حیات‌بنیان، محصول روندهای کوچک و زنده، غیرقابل پیش‌بینی، زاینده و پویا، آزادی، سازگاری، تعامل با شرایط محیطی، نوعی آگاهی از گذر زمان و دریافتی از زندگی انسان	
	تنوع	تنوع‌های شکلی - ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی-مفهومی و تنوع‌های زیستی همه این‌ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده تنوع‌های فضایی	
	اتمسفر تأثیرگذار	دارای حال‌وهوای خاص، آکنده از حضور ساده‌ی چیزها، دارای غنای محیطی، وجود پیوند میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن، خلق اتمسفر مبتنی بر حس مشترک	
	شکل‌دهنده به زنجیره‌ای از کنش‌ها و معانی	تعریف فضا از طریق رویدادهای واقع شده و واقع نشده در آن، وجود زنجیره‌های معنایی و نمود آن‌ها در قالب وضعیت صوتی، حرکات، چشم-اندازها، گروه‌های عناصر و ...	
	دربدارنده‌ی تداعی‌ها و نمادها	رویدادهای جاری زمینه‌ساز یادآوری خاطرات پیشین، از دست نرفتن زمان و فضای پیشین، حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل	
قابلیت‌ها	به مثابه جزیی از جامعه	وابستگی به فرهنگ، زبان، رویاها و آرزوهای برآمده از جامعه، برآمده از محیط، در ارتباط با مناسک، آداب‌ورسوم و افسانه‌های بومی و محلی، دارای معنی برای افراد آن جامعه	
	درب‌گیرندگی و هم-افزایی	نتیجه بیش‌تر از حاصل جمع اثرات یک‌ایک دو یا چند ماده، اثر مضاعف، هم‌کنشی، وقوع به دلیل وجود هدف و هویت ارزشی و فرهنگی مشترک، ویژگی‌های خاص و انسجام	
	انسجام‌بخشی	گردهم‌آوری عوامل مختلف دربردارنده‌ی اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم توسط رویداد در قالب یک کلیت واحد، وابسته‌سازی عوامل به یکدیگر	
	رشد	قابلیت رشد و توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و توسط افراد مختلف، قرارگیری و تکرار در ظرف‌های فضایی با مقیاس‌های مختلف، انرژی و تأثیرگذاری بیش‌تر آن‌ها	
	مکان‌سازی	آفرینش/تعریف فضا و زمان، مکان‌مند نمودن فضا از طریق هویت‌بخشی، ارتباط یابی و وابستگی به تاریخ	
فراهم نمودن امکان‌ها	حضور فعال گروه‌های اجتماعی و سنی مختلف	افزایش میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش سرزندگی شهری، برقراری تعامل اجتماعی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی، ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی	
	حضور فعال بدن و کالبد انسانی (واسط میان دنیای ذهنی و عینی)	تن انسان به عنوان موجودیتی شناسا، بدن به عنوان بخشی از دستگاه حافظه و نقش آن در عمل به‌خاطر سپاری. بدن‌ها به عنوان واسط میان مکان و خود	

تولید فضا به واسطه‌ی حرکت بدن‌ها، ریتم‌بخشی به فضاها به واسطه‌ی تکرار حرکات در داخل آن‌ها، تولید فضای ویژه‌ی هر نوع قلمروی حرکتی، طراحی سکانس‌های حرکتی	استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل‌دهی به فضا		
وجود کیفیات متعدد در خصوص یک تجربه، پیوند میان هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط با حواس، وجود ارتباط میان احساسات و اشیای پیرامون، ادراک چندحسی	ادراک حسی		
هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت واحد	ادراک چندوجهی		

کل تجربه خواهند کرد (لفور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این نوشتار در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته بوده است. این شناخت می‌تواند در فهم فضای معماری، و رای کالبد فیزیکی و به مثابه محیطی انسانی موثر واقع شده و ابعاد دیگری از فضا را ارائه نماید که اغلب در روند طراحی مورد غفلت قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر، شاید تغییرات ظاهری (فرم)، واقعی‌تر و قابل‌درک‌تر به نظر برسند، اما تغییرات حقیقی بطنی و بطنی‌بوده و در طول یک روند زمانی، به تدریج و آرام به وقوع می‌پیوندند، گویی جزئی از روند طبیعی بوده و هم‌راستا، هم‌نوا و هم‌سازگار با آن عمل می‌نمایند. همچنین، از آنجا که رویدادها و ظرف فضایی تحقق آن‌ها در ارتباطی دوسویه نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند، نیاز به پژوهش بیش‌تر در خصوص شناسایی ظرف مکانی و زمانی مناسب تحقق این رویدادها خواهد بود، تا از طریق برآیند شناسایی رویدادهای زندگی‌بخش و ظرف وقوع آن، روند تولید این رویدادها و چگونگی تکرار آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا به اختصار، یافته‌های این پژوهش ارائه می‌شود.

منابع و مآخذ

- ۱- اوژه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته. ترجمه منوچهر فرهموند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲). سرشت نظم،

اعتقاد زومتور، ما آن زیبایی را که محصول فرهنگ ما و همخوان با تربیت مان است، آن‌ا تشخص می‌دهیم، چراکه با شکل یا ترکیبی مواجه می‌شویم که در قالب نمادی متراکم شده و بسیاری از صفات شگرف و تأثیرگذار را در یک جا در خود جمع کرده است: بدیهی، طبیعی، آرام، باوقار، رازآمیز، ژرف، محرک، مهیج، دلهره‌آور... بین احساسات ما و چیزهای پیرامونمان رابطه‌ای دوسویه برقرار است (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۹۴). شهر نیز با مشارکت حواس و به واسطه‌ی کالبدمان دریافت می‌شود. تفاوت شهرها، تفاوت در ادراک چندحسی آن‌ها است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

۳-۵- فراهم نمودن امکان ادراک چندوجهی

منظور از ادراک چندوجهی هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن و کالبد انسانی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های برشمرده شده برای رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت است. (تصویر ۸) هانری لفرور در جایی از کتاب تولید فضای خود، استفاده از فضای عظیم کلیسای جامع را دربرگیرنده پاسخ همه‌ی پرسش‌های بازدیدکنندگان کلیسا عنوان داشته است؛ زیرا بازدیدکنندگان باید از صدای پایشان آگاه باشند و به سروصداهایی و به آوازهایی گوش بدهند، آن‌ها باید هوایی انباشته از دود‌گندر استشمام کنند، و در دنیای خاصی غرق شوند، آن‌ها بهره‌ای از یک ایدئولوژی خواهند داشت، آن‌ها به نمادهای اطرافشان خیره شده و آن‌ها را رمزگشایی خواهند کرد، و بنابراین آن‌ها، براساس بدن‌های خودشان، کل بودن را در یک فضای

ساختارهای زنده در معماری. جلد اول: پدیده حیات. چاپ دوم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۳- الکساندر، کریستوفر. (b1392). سرشت نظم. جلد دوم: فرآیند آفرینش حیات. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۴- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). معماری و راز جاودانگی (راه بی زمان ساختن). ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۵- امیری، نادر و رضایپور، آرش. (۱۳۹۱). "هنری لفور و تولید اجتماعی فضا". فصلنامه علمی و ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۴، ص ۱-۱۷.

۶- باندز، مایکل. (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی شهری. ترجمه رحمت الله صدیق سروسستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ دوم. تهران: انتشارات شهیدی.

۸- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۶). "طراحی شهری چیست". مجله آبادی ویژه طراحی شهری. سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۳۰-۳۶

۹- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر. ترجمه علی اکبری. تهران: انتشارات پرهام نقش.

۱۰- تی هال، ادوارد. (۱۳۸۷). بعد پنهان. چاپ چهارم. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱- حیدری، شاهین. (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری. چاپ سوم. تهران: فکرنو.

۱۲- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت. چاپ چهارم، جلد ۲، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۳- رضائیان، علی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. چاپ سوم. تهران: سمت

۱۴- زومتور، پیترو. (a1394). معماری اندیشی. چاپ سوم. ترجمه علی رضا شلویری، تهران: انتشارات حرفه هنرمند.

۱۵- زومتور، پیترو. (b1394). اتمسفر. ترجمه علی

اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۱۶- شایگان، داریوش. (۱۳۹۴). در جستجوی فضاهای گمشده در معماری. تهران: فرزاد.

۱۷- شهبازی، مژگان. (۱۳۹۰). ایران نگین پر فروغ. تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.

۱۸- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: انتشارات رخ داد نو.

۱۹- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۶). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. چاپ دوم، تهران: نشر فضا.

۲۰- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). فرهنگ و زندگی روزمره. تهران: نشر فرهنگ جاوید.

۲۱- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

۲۲- قهرمانی، محمدباقر و پیروای ونک، مرضیه و مظاہریان، حامد و صیاد، علیرضا. (۱۳۹۴). "ارتباط تعاملی فضاهای سینمایی و فضای شهری معاصر". نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲۰، شماره ۲/ پاییز و زمستان ۹۴، ص ۴۹-۶۰

۲۳- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). مرلوپونتی. ترجمه: مسعود علیا. تهران: نشر ققنوس.

۲۴- گروتز، یورک. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی در معماری. چاپ دوم. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۵- لفور، هانری. (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

۲۶- لوسی اسمیت، ادوارد. (۱۳۸۷). آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. چاپ هشتم. ترجمه علی رضا سمیع آذر. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.

۲۷- مرلوپونتی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ترجمه فرزاد جابرالانصار، تهران: انتشارات ققنوس.

۲۸- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد اول و دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

- 41- Gausta, M. et al. (2003). *The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture*. Barcelona: ACTAR.
- 42- Goonewardena, K, Kipfer, S, Milgrom, R, Schmid, C. (2008). *Space, Difference, Everyday life*. London: Routledge.
- 43- Grosz, Elizabeth. (2001). *Architecture from the outside: Essays on virtual and real space*. Cambridge: MIT Press.
- 44- Hesse, B. & Sharlen, N. & Patricia, L.L. (2005). *The Practice of Qualitative Research*. London: Sag Publications.
- 45- Kwinter, S. (2001). *Architectures of time: Toward a theory of the event in modernist culture*. Cambridge: MIT Press.
- 46- Landry, Ch., Greene, L., Matarasso, F. and Bianchini, F. (1996). *The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity*. London: Demos.
- 47- Lefebvre, Henri. (1991). *The Production of Space*. Translated by Donald Nicholson Smith. Oxford: Blackwell publishers.
- 48- Massey, Doreen. (1994). *Space, place, and gender*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- 49- Merleau-Ponty, Morris. (1962). *The phenomenology of perception*. Translated by Colin Smith. London: Routledge & Kegan Paul.
- 50- Pizarro, R.E. (2011). *Urban Design and Cinematic Arts, in Companion to Urban Design*. Edited by Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris, London & New York: Routledge.
- 51- Poulet, Georges. (1977). *Proustian space*. Baltimore: Johns Hopkins University Press,
- 52- Quinn, B. (2005). "Arts Festivals and the City, Urban Studies". Vol. 42, No. 5-6, pp. 927-943.
- 53- Rai-Pi Huang, Emily. (1991). "Body in Space". Unpublished MA thesis. University of florida: Florida, The United States.
- ۲۹- نسبیت، کیت. (۱۳۸۹). *نظریه‌های پسامدرن در معماری*. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران : نی.
- ۳۰- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). *وجود، فضا و معماری*. ترجمه ویدا نوروزبرازجانی، تهران: پرهام نقش.
- 31- Adams, S. (2009). *An introduction to space-time physics*. London: Taylor & Francis.
- 32- Berressem, Hanjo. (2005). *Multiplicity: Foldings in Architectural and Literary Landscapes*. In Benesch, K. and Schmidt, K. (Eds.). *Space in America: Theory, history, culture*. Amsterdam: Rodopi.
- 33- Bruno, Giuliana. (2007). *Haptic Space: Film and the Geography of Modernity*. In Marcus, A. and Neumann, D. (Eds.). *Visualizing the City*. London and NewYork: Routledge.
- 34- Casey, E. (2009). *Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world*. Bloomington: Indiana University Press.
- 35- Casey, E. (2001). "Between Geography and Philosophy: What does it mean to be in the Place-World?" *Annals of the Association of American Geographers*, 91 (4), pp. 683-93.
- 36- Casey, E. (2000). *Remembering: A Phenomenological Study*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- 37- Cresswell, Tim. (2004). *Place, A Short Introduction*. Malden: Blackwell publishing.
- 38- Denzin, N. and Yvonna, S. L. (1994). *The Sage Hand book of Qualitative Research*. Second Edition, London: Sage Publication.
- 39- Forster, E. (1943). "Our Second Greatest Novel?" *Two Cheers for Democracy*, ed. Oliver Stallybrass (Harmondsworth: Penguin Books, 1976), pp. 231-35.
- 40- French, A.P. (1968). *Special Relativity*. London: Taylor & Francis.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۰

54- Relph, E. C. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.

55- Richards, G. and Palmer, R. (2010). Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalisation. Oxford: Elsevier.

56- Soja, Edward. (1990). Postmodern Geographies, the Reassertion of Space in Critical Social Theory. Second Edition. London: verso.

بی‌نوشت‌ها

1-Sanford Kwinter/ 2-Active/ 3-Hanjo Berressem/
4-À la recherche du temps perdu/ 5- Marcel Proust/
6-Henri Bergson/ 7-Jacques Derrida/ 8-Bernard Tschumi/
9-Rem Koolhaas/ 10-Coop Himmelblau/
11- Jean Nouvel/ 12- La Villette Park/ 13-Georg Simmel/
14-Walter Benjamin/ 15- Siegfried Krauer/
16-Eventfulness/ / 17- Michel De Certeau/
18-Christian Norberg-Schulz/ 19-Tim Cresswell/
20-Perceived space/ 21-Conceived space/ 22-Lived space/
23-Spatial practice/ 24-The Representation of Space/
25-Space Of Representation/ 26-Edward Soja/
27-Doreen Massey/ 28- Edward Casey/
29-Transformation/ 30-Refiguring /31- The Nature of Order/
32-The Timeless Way of Building/
33-The Pattern Language/ 34- Giuliana Bruno/
35-Synergy/ 36-Jacob L. Moreno/ 37-Placemaking/
38-Habitus.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۹۲ ■

ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری، با به کارگیری مکانیسم‌های عملکردی حواس

سارا سوهانگیر - دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد مدعو

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

محمد رضا نصیر سلامی* - دکتری معماری، استادیار و عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد

تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

Improvement the quality of architectural spaces design, by using the functional mechanisms of the senses

Abstract

This article is written about the role of identifying the mechanism of human action senses, on conscious design of architectural space based on the sensation and perception psychology. One of the issues that are today explained, in the field of contemporary architectural theory, is the issues about architectural space and how it is perceived. Nowadays, we have many studies on the quantitative and qualitative evaluation criteria of architectural space, readability in space, meaning in space and in general all factors that have been associated with space, that most of these studies are superficial and we have less descriptive and analytical approach among them. This study intends to provide proposed solutions, among theoretical principles and by the help of scientific major named "sensation and perception Psychology". The purpose of this research is to identify ways to make more informed architectural design by using qualitative and analytical research and in this regard, after first introducing the concepts relevant to, we try understanding how the mechanism of human action senses in the perception of architectural space work. In this article the main and posed research questions are: How is the mechanism of human action senses in the perception of architectural space? And whether these mechanisms can identify practical solutions for conscious design of architectural space that help designers and architects with that? Consciously designed architectural space, that can successfully convey environmental messages of designers to space users.

Keywords: Functional Mechanism of Senses, Architectural Space, Improvement the Quality of Design, Sensation and Perception Psychology.

چکیده

این مقاله نوشتاری پیرامون نقش شناخت مکانیسم عملکرد حواس انسان، در ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری با تکیه بر علم روان‌شناسی احساس و ادراک می‌باشد. یکی از بسترهای پژوهشی که هم‌اکنون در حوزه نظری معماری معاصر مطرح است، بحث فضای معماری و نحوه ادراک آن است. معماری هنر مصالحه مابین ما و جهان پیرامون ماست و این میانجگری از طریق ادراکات حسی رخ می‌دهد. نظر به آنکه شناخت هر چه بیشتر مکانیسم‌های عملکردی حواس می‌تواند یاری‌گر طراحان در انتقال موفق‌تر پیام‌های آنها به کاربران فضا باشد، این پژوهش در نظر دارد با روش تحقیق کیفی و تحلیلی، راهکارهایی پیشنهاد داده و بدین ترتیب مبانی نظری مطرح‌شده در حوزه ادراک فضای معماری را وارد حیطه عملکردی و کاربردی کند، که بدین منظور از علمی به‌نام «روان‌شناسی احساس و ادراک» نیز یاری گرفته شده است. هدف از این پژوهش، شناخت چگونگی به‌کارگیری مکانیسم‌های عملکردی حواس جهت ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیلی است. در این راستا برای هر یک از حواس پنج‌گانه به‌تفکیک نمونه‌هایی از چگونگی به‌کارگیری مکانیسم‌های عملکردی آنها در طراحی فضای معماری بیان شده است. مکانیسم‌هایی مانند «سازش به تاریکی» و «میدان دید» برای حس بینایی، مکانیسم «سازش به تاریکی» و «تداخل اصوات» برای حس شنوایی، مکانیسم «آستانه اختلاف فضای» برای حس لامسه، مکانیسم «تشخیص کیفیت رایحه‌ها» برای حس بویایی و مکانیسم «ادراک اصلی چشایی» برای حس چشایی، پرسش پژوهشی مطرح‌شده در این نوشتار این است که: با توجه به یافته‌های جدید علمی در جهت درک کامل‌تر نحوه عملکرد حواس از یک‌سو و ضرورت به‌کارگیری روش‌هایی نوین و کارآمد به‌منظور ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری در قرن حاضر از سوی دیگر، آیا امکان برقراری پیوند میان این دو مقوله وجود دارد؟ و چگونه می‌توان از این طریق راهکارهایی را به‌منظور طراحی آگاهانه‌تر فضای معماری و انتقال موفق‌تر پیام‌های محیطی، در اختیار طراحان و معماران قرار داد؟ در این پژوهش نمونه‌هایی از بناهای موفق و تأثیرگذار نیز که نمود حضور این مکانیسم‌ها می‌باشند، توسط نگارنده بررسی و به‌اختصار بیان شده است.

واژگان کلیدی: مکانیسم‌های عملکردی حواس، فضای معماری، ارتقاء کیفیت طراحی، روان‌شناسی احساس و ادراک.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۹۳۵۴۳۵؛ رایانامه: sara.sohangir@yahoo.com

این مقاله برگرفته از مباحث نظری پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، سارا سوهانگیر با عنوان «معماری حواس؛ انگاره‌سازی مولفه‌های حسی در فضای معماری» است که در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - مرکزی به راهنمایی جناب آقای دکتر محمد رضا نصیر سلامی و مشاوره جناب آقای دکتر سیمون آیوزیان انجام شده است.

مقدمه

به این تعاریف، بحث ادراک انسان از فضا اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند که این امر باعث شده در دوران معاصر، اندیشمندان به فکر ارائه روش‌هایی جهت ارتقاء کیفیت طراحی فضای معماری از طریق به‌کارگیری مکانیسم‌های عملکردی حواس بیفتند. این موضوع در علم روان‌شناسی دارای پیشینه پژوهشی مشخص و در معماری دارای سابقه‌ای اندک است، ولی موضوع اینجاست که تمامی پژوهش‌های این حوزه در حد ارائه راهکارهایی پراکنده بوده و هیچ‌کدام به‌طور مشخص و به‌تفکیک، به بررسی جزئیات نحوه ادراک حواس انسان از محیط اطرافش (شامل عناصر کالبدی و محیطی) و اثر آن بر کیفیت ادراکی فضای معماری و ارائه راهکارهای عملکردی نپرداخته‌اند. اهمیت این پژوهش در ارائه راهکارهای کاربردی در باب موضوعی است که تا امروز بیشتر بر وجه نظری مباحث آن تأکید شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، کیفی، از نوع تحلیل محتوا و بر استدلال منطقی مباحث استوار است. همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساس بیان، تحلیل، توصیف و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهند. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به‌منزله عنصری حیاتی در نتیجه حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد (گروت، ۱۳۸۹، ص ۸۸). این پژوهش به پژوهشگر امکان آن را می‌دهد که با موضوع تعامل داشته باشد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری استفاده کرده و پدیده‌های مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع مورد ملاحظه قرار می‌دهد (حریری، ۱۳۹۰، ص ۵). برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. در این روش محتوای آشکار و پیام‌ها به‌طور نظام‌دار و تحلیلی توصیف می‌شود. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سوال‌هایی درباره محتوای یک پیام است. استفاده از آن به‌عنوان یک

عمفهوم فضا یکی از مفاهیم بنیادین در معماری است. درباره این مفهوم معماران و اندیشمندان جهان معماری از دیرباز برداشت‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. در برخی از این تعاریف بر نقش انسان در ادراک فضای پیرامونش اشاره شده و در برخی دیگر بر نقش اثرگذاری کیفیت طراحی فضای پیرامون بر میزان ادراک انسان از محیط اطرافش تأکید شده است. آنچه در میان صاحب‌نظران از مقبولیت بیشتری برخوردار است، تعریفی است از فضا که دربرگیرنده هر دو عنصر انسان و فضای اطرافش می‌باشد. یعنی تعریفی که در آن فضا را منتج از تعامل میان انسان و محیط پیرامونش یا تعامل میان ذهنیت و عینیت می‌انگارد. در معماری هر تجربه بساواپی، چندحسی است. کیفیت‌های فضا، ماده و مقیاس در چشم، گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضله به‌طور مساوی تقسیم شده‌اند (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۵۴). به‌طور مثال، یک بوی ویژه ندانسته باعث می‌شود دوباره وارد فضایی شویم که حافظه بصری آن را به کل فراموش کرده است. سوراخ‌های بینی تصاویر فراموش شده را بیدار کرده و ما را به خیال‌پردازی در گذشته وامی‌دارند. بینی باعث می‌شود که چشمان به یاد بیاورند (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۶۷). هر شهری طیف ذائقه و بویایی خاص خود را دارد. ما در بازار ایرانی حوزه‌های رایحه‌ای مختلف را تجربه می‌کنیم و از قلمرویی به قلمروی دیگر وارد می‌شویم. هر تیمچه و راسته‌ای عطر و رایحه‌ی خاص خود را داراست (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). در نتیجه این نوع نگرش به معماری و بنای معماری است که ساختمان از صرف یک ساختار مادی انتزاعی به در آمده و موجودیتی فرهنگی می‌شود که لبریز از تداعی‌ها و اشارات است. به تعبیر دیگر، بناها در پیرامون بلاواسط خود متوقف نمی‌شوند، بلکه در بُعد زمانی و مکانی‌ای گسترده‌اند که آن‌ها را به موجودیتی چند بعدی تبدیل می‌کنند (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۴۸). با توجه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

تکنیک تحقیقی، از اوایل قرن حاضر شروع شد و تاکنون تحولات زیادی را شاهد بوده است. این روش در پژوهش‌های علوم رفتاری به‌ویژه روان‌شناسی و علوم تربیتی کاربرد بسیاری دارد. برای تحلیل محتوا مراحل مختلفی طی می‌شود. از جمله این مراحل می‌توان سه مرحله عمده فوق را ذکر کرد: مرحله قبل از تحلیل (آماده‌سازی و سازمان‌دهی)، بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج (سرمد، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲).

سوالات پژوهشی

با توجه به یافته‌های جدید علمی در جهت درک کامل‌تر نحوه عملکرد حواس از یک سو و ضرورت به‌کارگیری روش‌هایی نوین و کارآمد به‌منظور ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری در قرن حاضر از سوی دیگر، آیا امکان برقراری پیوند میان این دو مقوله وجود دارد؟ و چگونه می‌توان از این طریق راهکارهایی را به‌منظور طراحی آگاهانه فضای معماری و انتقال موفق‌تر پیام‌های محیطی، در اختیار طراحان و معماران قرار داد؟

پیشینه پژوهش

حواس انسان نقش مهمی در ادراک محیط پیرامون او ایفا می‌کنند. باید توجه داشت که پیشینه مباحث مرتبط با ادراک فضا از طریق حواس غالباً در حیطه کاری پدیدارشناسان بوده است. لیکن سابقه اهمیت یافتن بحث ادراک انسان از فضای اطرافش در معماری به‌صورت علمی به حدود قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد، زمانی که «گوستاو فخنر» ۱ در سال ۱۸۶۰ تلاش کرد که ارتباط میان یک محرک حسی به‌عنوان پیام و تجزیه و تحلیل آن را از طرف گیرنده دریافته و قوانین حاکم بر این رابطه را کشف نماید (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱). فخنر یکی از اولین کسانی است که همراه با «ویبر» ۲ و «وونت» ۳ بین تأثیرات ذهنی و تغییرات محرک فیزیکی رابطه برقرار ساخت (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷). به این ترتیب مطالعه در اصول ادراک به صورت رشته‌ای جدید از علوم درآمد و از آن زمان بود که

تعبیری تحت‌عنوان «اصل انتقال پیام» مطرح شد. بر اساس این اصل؛ انسان همواره با محیط اطراف خود در حال تبادل اطلاعات است و دائماً از طریق حواس پنج‌گانه پیام‌هایی را از محیط اطراف خود دریافت می‌دارد (گروتز، ۱۳۸۸، ص ۲). البته باید به این موضوع اشاره داشت که بحث ادراک قبل از آن، در حیطه روان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته بود ولی فردی که آن را وارد حیطه کاربردی نمود، فخنر بود. در این زمینه روان‌شناسان، فیلسوفان و معماران بسیاری کار کرده‌اند. از میان روان‌شناسان علاوه بر فخنر می‌توان به «بارتلت» ۴، «گرگوری» ۵، «لاتو» ۶، «روز» ۷ و از میان معماران به «چینگ» ۸، «لاوسون» ۹، «پالاسما» ۱۰ و «زومتور» ۱۱ اشاره داشت. برای نمونه، در کتاب «فرم، فضا، نظم» ۱۲ اثر چینگ توضیح داده شده که در مورد ادراک کف، معمولاً تفکیک سطح زمین یا کف برای متمایز نمودن یک مسیر حرکتی از محل‌های مکث، حرکت و یا تفکیک یک حوزه عملکردی در داخل یک اتاق یا محیط زندگی است برای مثال ژاپنی‌ها برای ایجاد تفکیک میان فضای پذیرایی و محل غذاخوری، کف وسط اتاق را فرو رفته طراحی کرده تا حوزه خوردن غذا از سایر قسمت‌ها تفکیک شود (چینگ، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸). به اعتقاد یوهانی پالاسما؛ فیلسوف فنلاندی معاصر، معماران مختلف را می‌توان از نحوه تأکید آن‌ها بر کیفیت ادراکات حسی از یکدیگر متمایز کرد (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۸۴). وی نمونه‌هایی را ارائه می‌دهد تا کیفیت حسی معماری‌های مختلف را نشان دهد. معماری «لوکوربوزیه» ۱۳ و «ریچارد مهیر» ۱۴ آشکارا متوجه دید و نگاه است، و آثار متأخر لوکوربوزیه به‌جهت حضور روشن مادیت و توده متضمن تجربه بساوایی قوی‌ای است. با این حال، معماران اکسپرسیونیستی‌ای چون «اریک مندلسون» ۱۵ و «هانس شارون» ۱۶ به‌علت سرکوب و واپس‌زنی تفوق بصری و پرسپکتیو دارای خاصیت تجسمی عضلانی و لامسه‌ای‌اند. معماری «فرانک گه‌ری» ۱۷ حس حرکت، جنبش و بساوایی

را برمی‌انگیزد و معماری «فرانک لویید رایت» ۱۸ مبتنی است بر شناخت و تصدیق کامل وضعیت تجسد یافته انسانی و تعدد واکنش‌های غریزی نهفته در ناآگاهی انسانی. به علاوه معماری «آلوار آلتو» ۱۹ دارای خصلتی عضلانی و بساواپی است که در آن بافت و جزئیات پرداخت شده سطوح حس لامسه را به خود فراخوانده و به فضا صمیمیت، محرمیت و گرما می‌بخشد. پالاسما می‌گوید: «معماری آلتو به جای آرمان‌گرایی دکارتی غیرتجسّدی معماری بصری محور، ریشه در واقع‌گرایی حسی دارد؛ بناهای او مبتنی بر یک مفهوم غالب یا شاکله نیستند، آن‌ها ملغمه‌های حسایی‌اند» (شیرازی، ۱۳۹۱، صص ۴۲ و ۴۳).

پالاسما خاطرنشان می‌سازد که تجربه معماری تجربه‌ای چندحسی است، و کیفیات ماده، فضا و مقیاس نه تنها با چشم، بلکه با گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند. به واقع ما معماری را از طریق همه حواس تجربه می‌کنیم (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). «تجربه معماری موردی چندحسی است؛ کیفیات ماده، فضا و مقیاس به گونه‌ای برابر به وسیله چشم، گوش، دماغ، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند. معماری تجربه وجودی و حس در جهان بودن فرد را تقویت می‌کند، و این در اصل به تجربه‌ای غنی از خود می‌انجامد.» به واقع، معماری حواس ما را در نزدیکی چیزها نگه می‌دارد، ما را به «درون» می‌برد، به جزئیات حساس می‌کند، و خواستار تماس و توجه است (شیرازی، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱ و ۱۱۲). یکی از معمارانی که بیش از سایرین مباحث نظری مطرح شده پیش‌گفته را در خلق آثارش به کار می‌گیرد، «پیتر زومتور»؛ معمار سوئیسی معاصر است. بنیان کار زومتور بر آفرینش «اتمِسفر» ۲۰ استوار است. او بارها بر این نکته تأکید کرده است که یک اثر معمارانه صرفاً زمانی می‌تواند از کیفیت‌های یک اثر هنری برخوردار شود که ترکیب فرم‌ها و محتواهایش اتمِسفر غنی و پرقدرتی بیافریند که بتواند تمام

حواس - و نه فقط چشم - آدمی را تحت تأثیر قرار دهد، و حس منزلت و آزادی، صمیمیت و سرخوشی، هماهنگی و زیبایی، و اقامت در جوار چیزها را در او برانگیزد. زومتور این هدف را در تمامی آثارش دنبال می‌کند و برای دستیابی به آن از شیوه‌ای استفاده می‌کند که در روزگار ما خاص و کم‌نظیر، و البته نامتعارف است: او به هم‌آوایی سازمایه‌ها، به بساوش‌پذیری، جلوه و بو و کیفیت‌های صوتی مواد، به ریتم گام‌ها روی زمین، به سکوت و دمای فضا، به کیفیت آستانه‌ها، گذارها و مرزها، به چینش اجزا و توالی فضاها، و به بازی نور و سایه دقت می‌کند، و با اتکا به این عناصر ذاتی و ابزارهای اصیل، در هر بنا اتمِسفری می‌آفریند که تأثیری ژرف بر روان آدمی می‌گذارد و تجربه حضور او در بنا را به سرخوشی «در-جهان-بودن» بدل می‌کند (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۹). او استعدادی فوق‌العاده در ایجاد فضاسازی‌های خاص از طریق تسلط استادانه خود بر نور و انتخاب متریال دارد. ساختمان‌های زومتور، همانند حمام حرارتی آب گرم در «والس» ۲۱ و کلیسای کوچک روستایی «سنت بندیکت» ۲۲ تجربه‌ای شگرف برای همه حواس، با هر جزء هستی و ماهیت ساختمان و محیط آن را نمود می‌بخشد. حمام آب گرم والس بر روی جداره‌های تپه‌ای در رشته کوه‌های آلپ در شرق سوئیس در منطقه گربوندن واقع شده است. این حمام کاملاً در حجمی مکعب مستطیل جای گرفته است و هندسه ویژه بستر تپه هم جوار خود را پدید آورده است؛ در تناسب با محیط سبز و چمن اطراف پوششی به شکل تخته سنگ بتنی است که به صورت افقی جانمایی شده تا بر روی آن نیز علف و گیاهان رشد کند. تمام ابتکار زومتور در این پروژه هم‌سو با تناسبات طلایی طرح گردیده است، هندسه‌ای که همانند یک قطعه موسیقی فریبنده مخاطبان خود را میان فضاهای پیچیده و لایه‌بندی‌شده از استخرهای موجود حفظ خواهد کرد. در این حمام افراد می‌توانند تجربه‌های متفاوتی را داشته باشند. زومتور در این پروژه چهار

تماشا می‌کنند. (Zumthor, ۲۰۱۳: ۲۵) (تصویر ۱) کلیسای سنت بندیکت، واقع در روستای سامویت در سوئیس، به‌عنوان جایگزینی برای کلیسای سبک باروک روستا ساخته شده است که در ریزش بهمن سال ۱۹۸۴ ویران گشته بود. مصالح آن از چوب‌های محلی سوزانده شده جهت تداعی خاطره گذشته آن می‌باشد. سقف این کلیسای کوچک یادآوری از بدنه قایق می‌باشد. واسطه میان سقف و قسمت سنتی‌تر بنا یعنی بدنه چوبی آن، قسمتی است که به‌طرز هوشمندانه ای زیبا و کاراست: حلقه‌ای از ستون‌های چوبی کوچک و پنل‌های شیشه‌ای در میان‌شان که تاج کلیسا را بوجود آورده و اجازه ورود نور طبیعی را به فضاهای داخلی این کلیسا می‌دهد. فضای داخلی این کلیسا، شامل ستون‌های چوبی مینی‌مالیستی، تیرها و نیمکت‌هایی است که نشانگر استادکاری زومتور و رویکرد ظریف وی به

تجربه احساسی را پیش روی مخاطب خود قرار داده است: حوض عطراگین شده با گلبرگ؛ اتاقی که افراد، نجوا و پژواک صدای خود را می‌شنوند و آب معدنی می‌نوشند؛ اتاقی که افراد در تاریکی مطلق می‌توانند دراز بکشند و موسیقی گوش کنند؛ و به همین ترتیب اتاق چهارم، اتاقی است که دوش‌های عظیم حجم آب زیادی را بر بدن افراد سرازیر خواهند کرد. پنج حس معمول: بینایی، لامسه، شنوایی، بویایی و چشایی که البته باید اشاره داشت که اثر تلاش داشته است تا حس دیگری را نیز خلق و برآورده کند. در فضای داخلی هیچ ساعتی وجود ندارد و به نظر می‌رسد افراد از زمان بی‌اطلاع هستند، بلکه ساعت جای خود را به تعریف متفاوتی از زمان داده است؛ حرکت خورشید و ابرها در آسمان؛ حس آخر، احساسی از ترس است. زمانی که افراد در یک تراز بالاتر شناگران داخل استخر را

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۷



تصویر ۱. نمای خارجی و فضای داخلی حمام آب گرم والس به طراحی پیتز زومتور (Zumthor, ۲۰۱۳, ۲۶)



تصویر ۲. نمای خارجی و فضای داخلی کلیسای سنت بندیکت طراحی پیتز زومتور (Zumthor, ۲۰۱۳, ۵۲)

متریال و جزئیات می‌باشد. (Zumthor, ۲۰۱۳:۵) آنچه از بررسی پیشینه پژوهش مشخص است، خبر از گرایش برخی از معماران معاصر در رابطه با موضوع این نوشتار می‌دهد، به گونه‌ای که لازمه انجام چنین پژوهش‌هایی در مورد تمامی حواس و نقش و تأثیر آنها در ادراک فضای معماری بیش از پیش احساس می‌شود. این پژوهش در نظر دارد شکاف موجود میان مباحث مطرح شده در این ارتباط در حوزه نظری و حوزه کاربردی را شفاف‌تر نموده و با بررسی این مبانی در نمونه‌های عینی به شناخت هر چه بهتر این مفاهیم یاری رساند.

از فرآیند احساس و ادراک تا حضوری فراگیر و کارآمد در سیاه‌قلم طراحان و معماران

ارسطو نخستین کسی بود که حواس را در پنج حس تعریف کرد: بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه. اگرچه که هر یک از این حواس وظیفه‌ای ویژه و کاملاً اختصاصی دارد، اما انجام فرآیند ادراک معمولاً تنها با همکاری اندام‌های مختلف انجام می‌شود (گروتر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱). در زندگی روزمره در زمان‌های هشیاری، (دست‌کم به نظر می‌رسد) ارتباط مستقیم و پیوسته‌ای با جهان بیرون از خود داریم؛ بی‌وقفه و (ظاهراً) بدون هیچ واسطه‌ای، اطلاعاتی از بیرون به ما می‌رسد. وقتی در خیابان قدم می‌زنیم، وزش باد را روی پوستمان استشمام می‌کنیم، طعم شیرین شکلاتی را که در دهانمان قرار دارد، می‌چشیم، صدای بوق خودروها، سر و صدای مغازه‌داران و همهمه عابران پیاده را می‌شنویم، و خیابان، خودروها، انسان‌ها، ساختمان‌ها و بسیاری چیزهای دیگر را می‌بینیم. در این لحظه، اطلاعات بسیاری را از محیط بیرون از خودمان دریافت می‌کنیم: از رنگ و شکل اشیاء و افراد بیرونی گرفته تا صداها، بوها، طعم‌ها و کیفیات بساواپی همچون سفتی کف پیاده‌رو. در فرآیند ارتباط، گام نخست «احساس» است. در این مرحله ما اطلاعات محیط را به وسیله حواس پنج‌گانه و بر اساس آستانه‌های ظرفیت حسی

هر کدام از حس‌ها دریافت کرده و به شکلی درمی‌آوریم که قابل انتقال به مغز باشد. سپس آنها را به مغز مخابره می‌کنیم. به عبارت دیگر، مرحله احساس از ابتدای دریافت اطلاعات تا انتقال آن به مغز را شامل می‌شود، بدون آنکه دربردارنده تجزیه و تحلیل و اعمال بعدی مغز روی این اطلاعات باشد (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱). «ادراک» مرحله‌ای است که در آن اطلاعات ارسال شده توسط حواس به مغز و دستگاه عصبی، سازماندهی و تفسیر می‌شود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷).

در طی سالها تحقیق و مطالعه دانشمندان، مکانیسم‌هایی برای عملکرد حواس معلوم گردیده و همچنان بررسی بر روی جزئیات بیشتر و جوانب آنها ادامه دارد. از میان این مکانیسم‌ها، به تفکیک پنج حس، تعدادی که قابلیت بیشتری جهت کاربردی شدن در معماری را دارند انتخاب و پیشنهادهاتی برای به‌کارگیری آنها بیان گردیده است. علاوه بر آن در این پژوهش نمونه‌هایی از بناهای موفق و تأثیرگذار نیز که نمود حضور این مکانیسم‌ها می‌باشند، توسط نگارنده بررسی و به‌اختصار بیان شده است.

۱- «حس بینایی»

۱-۱- مکانیسم «سازش به تاریکی»: چنانچه شما در شب از یک فضای کاملاً نورانی به فضای کاملاً تاریک بروید در ابتدا قادر نخواهید بود که اطراف خود را بشناسید و نسبت به محیط خود ادراکی داشته باشید. در این وضعیت سیستم بینایی شما به آرامی با فضای تاریک سازش پیدا می‌کند و شما نسبت به اشیای محیط خود، شناخت پیدا می‌کنید. این پدیده را سازش به تاریکی می‌گویند. از طرف دیگر چشمی که به تاریکی سازش پیدا کرده حساسیت خوبی نسبت به طیف آبی و سبز دارد و در مقابل طیف قرمز غیرحساس است. به عکس سازش چشم انسان در روشنایی به طیف قرمز حساس‌تر است و نسبت به طیف رنگ‌های سرد مانند سبز و آبی غیر حساس است. به عبارتی همواره برای بهبود فرآیند

مکانیسم مورد استفاده



نمونه معماری

چگونگی استفاده در فضای معماری

تصویر ۳. اتاق سبز در پشت صحنه نمایش، به عنوان فضای حائل بصری برای بازیگران تئاتر. (Gregory, 2012, 32)

تصویر ۴. نیاز به استفاده همزمان از میدان دید یک و دوچشمی در پروژه‌های فرانک گه‌ری. (Rose, 2008, 87)

مکانیسم مورد استفاده

سازش در دستگاه شنوایی

آستانه اختلاف صوتی



نمونه معماری

چگونگی استفاده در فضای معماری

تصویر ۵. استفاده از اصوات واسط جهت خنثی‌سازی اصوات ناهنجار محیطی. (Lawson, 2001, 32)

تصویر ۶. استفاده از مکانیسم آستانه اختلاف صوتی جهت تفکیک فضایی از لحاظ صوتی. (Gregory, 2012, 43)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۹

سازش به یک طیف نور میانی نیاز است. (تصویر ۳) (ایروانی، ۱۳۸۸، صص ۵۴ و ۵۵).

از این مکانیسم (سازش به تاریکی) می‌توان به منظور تغییر شرایط ادراکی از طریق نورپردازی در فضاهای فرهنگی، موزه‌ها و گالری‌ها استفاده نمود و نوعی فضای مکث میان دو فضا ایجاد کرد. علاوه بر آن می‌توان به منظور ایجاد سازش سریع‌تر چشم هنگام ورود از یک فضای تاریک به فضای روشن از طیف رنگ‌های سرد در فضای روشن استفاده نمود و بالعکس هنگام ورود از یک فضای روشن به یک فضای تاریک از طیف رنگ‌های گرم استفاده نمود. (مانند طراحی اتاق سبز در پشت صحنه سالن‌های نمایش، که به منظور تطبیق بهتر چشم بازیگر با نور صحنه وجود دارد)

۱-۲- مکانیسم «میدان دید (یک چشمی و دوچشمی)»: مقصود از میدان دید یک چشمی، شناختی است که فرد در حالت تثبیت یک چشم،

از محیط به دست می‌آورد و به همین ترتیب میدان دید دو چشمی هنگامی است که فرد با ثابت نگه داشتن چشم‌هایش، از محیط اطراف خود کسب اطلاع می‌کند. در میدان دید دو چشمی، بخش میانی محیط توسط دو چشم فرد دیده می‌شود در حالی که بخش‌های طرف راست یا چپ، فقط توسط یکی از دو چشم راست یا چپ قابل رویت است و به همین جهت میدان دید دو چشمی وسیع‌تر از میدان دید یک چشمی است. حال میدان دید، برای ادراک محرک‌های تیره و روشن وسیع‌تر است تا برای محرک‌های رنگی و در محرک‌های رنگی، میدان دید محرک‌های آبی رنگ، به مراتب وسیع‌تر از میدان دید محرک‌های قرمز رنگ است. (تصویر ۴) (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

به منظور خلق فضاهای مبهم و غیرقابل کشف می‌توان از مکانیسم میدان دید یک چشمی کمک گرفت. مانند خلق فرم‌هایی که برای ادراک نیاز



نمونه معماری

تصویر ۷. استفاده از حروفچینی در فضای داخلی جهت برقراری ارتباط افراد ناتوان با فضای اطراف از طریق حس لامسه. (Slavid, 2012, 104)

تصویر ۸. طراحی عناصر فضای داخلی (مبلمان، سکو و غیره) با توجه به ارگونومی بدن انسان. (Slavid, 2012, 73)

چگونگی استفاده در فضای معماری

است که ناظر به دور آنها حرکت کند؛ مانند کارهای فرانک‌گه‌ری. از طرف دیگر، برای افزایش میدان دید و وسیع‌تر به‌نظر رسیدن برخی فضاها مانند سالن‌های سخنرانی و غیره، می‌توان از میدان دید دوچشمی به‌علاوه طیف رنگ‌های آبی استفاده نمود و یا صرفاً از یک‌طیف‌رنگ به‌صورت تیره و روشن استفاده نمود.

۲- «حس شنوایی»

۲-۱- مکانیسم «سازش در دستگاه شنوایی»: در دستگاه شنوایی نیز مانند سایر حواس پدیده سازش وجود دارد. در روند سازش در دستگاه شنوایی، آستانه شنوایی افزایش می‌یابد. هم‌چنین روند سازش، سبب کم‌شدن آستانه اختلافی گردیده و در نتیجه تشخیص تجربیات شنوایی بهتر صورت می‌گیرد. از طرفی برای از بین رفتن اثرات یک صوت ناهماهنگ دائمی می‌توان از یک صوت هماهنگ دائمی استفاده نمود. (تصویر ۵) (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۶۸).

از این امر می‌توان به‌عنوان یک راهکار جهت خنثی نمودن سروصداهای ناشی از سایت‌هایی که همواره توأم با اصوات ناهنجار هستند استفاده نمود. برای نمونه برای جلوگیری از اصوات ناهنجار یک سایت پالایشگاهی، یک جریان مصنوعی آب ایجاد کرد.

۲-۲- مکانیسم «آستانه اختلافی صوتی»: انسان هنگامی می‌تواند بین دو صوت با فرکانس یکسان، تفاوت قائل شود که شدت آنها حدود یک دسی‌بل با یکدیگر اختلاف داشته باشد که به این میزان آستانه اختلافی می‌گویند (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۷۴). در طراحی فضاهای گالری و یا مراکز فرهنگی، برای ایجاد تفکیک فضایی از لحاظ صوتی می‌توان این مکانیسم را مورد نظر قرار داد. (تصویر ۶)

۲-۳- مکانیسم «تداخل اصوات»: معمولاً در بزرگسالان اصوات با فرکانس‌های ۲۰ تا ۱۶ هزار هرتز قابل شنیدن است؛ اصوات با فرکانس بیش از ۱۶ هزار هرتز را ماورای صوت و کمتر از ۲۰ هرتز را مادون صوت می‌نامند. بدین ترتیب سطح شنوایی انسان بین ۲۰ تا ۱۶ هزار هرتز یا ۴ تا ۱۳۰ فن است. میانگین این محدوده، از آن جهت با اهمیت است که به هنگام تکلم، شدت و فرکانس اصوات در این محدوده قرار دارند (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۷۷). برای طراحی فضاهای داخلی مکان‌هایی با عملکردهای عمومی مانند مراکز آموزشی و رستوران‌ها که معمولاً به‌دلیل استفاده زیاد کاربران تداخل اصوات صورت می‌گیرد (و در عین حال نیاز به فضایی آرام است) باید میزان فرکانس تا حد امکان استاندارد لحاظ شود.



نمونه معماری

چگونگی استفاده در فضای معماری

تصویر ۹. استفاده از ویژگی «تداعی خاطره ذهنی» حس بویایی در اماکن مذهبی. (Rock, 2013, 24)

تصویر ۱۰. ترکیب حس چشایی با سایر حواس در برخی مناطق صنعتی و پالایشگاهی. (Bartlette, 2009, 52)

۳- «حس لامسه»

۱-۳ مکانیسم «آستانه اختلاف فضایی»: پوست بدن در تمام نقاط برای کیفیت‌های یکسان، حساس نیست. قسمت‌هایی از پوست بدن نسبت به سرما، قسمت‌هایی نسبت به گرما، قسمت‌هایی نسبت به تماس و قسمت‌هایی دیگر نسبت به فشار و درد حساس‌اند. بنابراین حس لامسه را می‌توان شامل فشار و تماس، سرما و گرما و درد در نظر گرفت که هر کدام حوزه و محدوده خاص خود را دارند. نتایج به‌دست آمده از تحقیقاتی که در این راستا صورت گرفته‌اند این حوزه‌ها و مرزبندی‌ها را به تفکیک مشخص نموده‌اند (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۹۴). در طراحی فضاهای داخلی می‌توان از نتایج به‌دست آمده از این پژوهش‌ها استفاده نمود، مخصوصاً در طراحی فضاهایی برای افراد با اختلالات رفتاری و ذهنی. برای نمونه افراد اوتیسم از این نظر با دیگران کاملاً متفاوت بوده و حواس آنها به‌شدت قوی می‌باشد به‌گونه‌ای که از طریق لمس کردن، حوزه فردی خود را تشخیص داده و یا به دیگران اعتماد می‌کنند. (تصویر ۷)

تحریک‌های فشار است و یا بیشتر کارشان پاسخ به آنهاست. میزان تخلیه الکتریکی این گونه گیرنده‌ها به شدت و زمان آغاز تحریک بستگی دارد و به آنها گیرندگان شتاب‌یاب نیز می‌گویند. (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۹۵). از این مکانیسم در طراحی فضاهای شهری مطلوب برای افراد معلول و نابینا برای تشخیص حوزه تفکیک فضایی توسط آنها می‌توان استفاده نمود. برای نمونه تغییردادن نوع سنگفرش کف برای تمیز محل عبور اتوبوس یا ماشین از مسیر پیاده. (Kwallek, ۲۰۰۹:۵۱).

۳-۳ مکانیسم «سازش در دستگاه لامسه»: در حس لامسه نوعی احساس مخصوص به‌نام سازش وجود دارد بدین معنی که پس از ایجاد هر یک از حس‌های پیش‌گفته پس از یک‌مدت زمان خاص، بدن نسبت به آن حس سازش پیدا می‌کند. حال نکته اینجاست که سازش‌پذیری قسمت‌های مختلف بدن با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه در مورد کف دست، قسمت کنار شصت، انگشت اشاره و انگشت کنار آن سازش‌پذیری کند داشته و سایر نقاط کف دست سازش‌پذیری خیلی سریع دارند (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۹۷). می‌توان در طراحی جزئیات مبلمان‌های فضای داخلی (اعم از مبلمان ثابت یا متحرک)، نقاط حساس بدن انسان را در نظر گرفته و با توجه به آنها هر چه بیشتر این طراحی‌ها را متناسب با مطلوب‌تر شدن ارتباطشان با ارگونومی

بدن انسان در نظر گرفته و طراحی کرد. (Gibson, ۲۰۱۰: ۶۱) (تصویر ۸)

۴- «حس بویایی»

۳-۱- مکانیسم «تشخیص کیفیت رایحه‌ها»: برخی از رایحه‌ها به‌عنوان رایحه‌های اصلی طبقه‌بندی می‌شوند مانند بوی گل، بوی اتر، بوی مشک، بوی کافور، بوی عرق، بوی متعفن و بوی سوزاننده که هریک از این رایحه‌ها دارای ترکیب شیمیایی مخصوصی هستند. اکثر رایحه‌ها ترکیبی از بوهای اصلی است که یکی از انواع بوها در آن بیشتر است. (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۹۷). در طراحی می‌توان از ویژگی تداعی خاطره حس بویایی در طراحی فضاهای خاص استفاده نمود و یا به‌کار بردن رایحه اود و یا رایحه‌های خاص در اماکن مذهبی برای افزایش میزان معنویت فضایی در این نوع کاربری‌ها و یا تجربه رایحه‌های متفاوت در بازراچه‌های بومی مناطق شرقی. (تصویر ۹)

۵- «حس چشایی»

۳-۱- مکانیسم «ادراک اصلی چشایی»: از آنجا که حفره دهان در ارتباط با بینی است، مواد بودار می‌توانند علاوه بر احساس بویایی، گیرنده‌های چشایی را نیز تحریک کنند و بدین جهت احساس چشایی، یک احساس مرکب است. با این ترتیب بررسی حس چشایی به‌طور مطلق مشکل خواهد بود. برخلاف سختی طبقه‌بندی مواد بودار، می‌توان کیفیت‌های چشایی را به چهار دسته شیرین، ترش، شور و تلخ تقسیم کرد (ایروانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸). هنگام طراحی فضاها می‌بایست به تأثیرات رایحه‌ها بر حس چشایی نیز توجه داشت. مانند احساس ترشی (مزه ترشی) با استنشاق بوی گاز ترش در منطقه ویژه اقتصادی عسلویه که احساس بسیار نامطلوبی را در کاربر ایجاد می‌کند. (تصویر ۱۰)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

چنانچه بیان شد، تجربه معماری تجربه‌ای چندحسی است و ما آن را از طریق همه حواس تجربه می‌کنیم. به‌کارگیری مناسب و صحیح عناصر تشکیل‌دهنده

فضای معماری، فنی است که باید قدم به قدم فراگرفته شود. خلق یک فضای معماری مطلوب و شناخت مکانیسم‌های عملکردی حواس انسان نتیجه تفکر و تعقلی بس منضبط و دقیق است و از اصول فنون معینی پیروی می‌کند که پس از آزمودن‌های بسیار به ثمر می‌رسد. هدف از آشنایی با این مکانیسم‌ها، به‌وجودآوردن یک سیستم ابتدایی برای یادگیری، تشخیص و به‌کارگیری پیام‌هایی فضایی است. از آنجا که بهترین شیوه برای تحلیل و فهم اثر تجزیه آن به عناصر تشکیل‌دهنده اولیه آن است، در این نوشتار تلاش شد است تا نمونه‌هایی از برخی از مکانیسم‌های عملکردی حواس انسان و تأثیر آن بر طراحی فضای معماری مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده آنچه مشهود است این است که امروزه، نظریه‌پردازان حوزه معماری در تلاش هر چه بیشتر جهت آگاهانه‌تر نمودن طراحی فضای معماری می‌باشند. بنابراین هر چه بیشتر بتوان شناخت‌هایی مانند این موارد را شفاف نمود و پارامترهای استفاده شده در آن را با دقت بیشتری به چالش کشید، امکان طراحی فضاهای مطلوب بیشتر می‌شود، زیرا شناخت معیارهای تأثیرگذار بر طراحی پیش از خلق آن، یکی از مهمترین عوامل در یک طراحی خلاقانه است. بررسی دیگر عوامل موثر بر ادراک محیط توسط انسان مانند عوامل فرهنگی، پیشینه تاریخی، ویژگی‌ها و خصوصیات فردی و اجتماعی و سایر موارد مشابه از پیشنهاد‌های این پژوهش برای تحقیق‌های آتی می‌باشد. در ضمن می‌توان از نتایج به‌دست آمده از آن به‌منظور طراحی فضاهای معماری دوران معاصر نیز کمک گرفت.

پی‌نوشت‌ها

«بدین‌وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از خانم دکتر سوگل سوهانگیر که در طی دوران انجام پژوهش راهبرم بوده‌اند، بیان می‌دارم.»

جدول ۱. معرفی برخی از مکانیسم‌های عملکردی حواس به‌منظور به‌کارگیری و ارتقاء کیفیت طراحی فضاهای معماری؛ منبع: نگارنده، ۱۳۹۵.

مکانیسم‌های عملکردی حواس و چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در طراحی فضای معماری		حواس پنج‌گانه
مکانیسم میدان‌دید (یک‌چشمی و دوچشمی) (پروژه‌های معماری فرانک‌گه‌ری)		حس «بینایی» مکانیسم سازش به تاریکی (طراحی اتاق سبز در پشت صحنه سالن نمایش)
مکانیسم آستانه اختلافی صوتی (تفکیک فضایی از لحاظ صوتی در فضاهای اماکن فرهنگی و گالری‌ها)	مکانیسم تداخل اصوات (ترکیب فضایی از لحاظ صوتی جهت ایجاد هماهنگی با اصوات محیطی)	حس «شنوایی» مکانیسم سازش در دستگاه شنوایی (استفاده از اصوات واسط جهت خنثی‌سازی اصوات ناهنجار محیطی)
مکانیسم گیرنده‌های فشار پوست (طراحی سطوح لمس‌شونده در فضاهای شهری، با توجه به حساسیت‌های حس لامسه در انسان)	مکانیسم لامسه (طراحی عناصر فضای داخلی (مبلمان، سکو و غیره) با توجه به ارگونومی بدن انسان)	حس «لامسه» مکانیسم آستانه اختلاف فضایی (استفاده از حروف‌چینی در فضای داخلی جهت برقراری ارتباط افراد ناتوان با فضای اطراف از طریق حس لامسه)
مکانیسم تشخیص کیفیت رایحه‌ها (استفاده از ویژگی «تداعی خاطره ذهنی» حس بویایی در اماکن مذهبی مانند رایحه عود در معابد بودایی)		حس «بویایی»
مکانیسم ادراک اصلی چشایی (ترکیب شدن حس چشایی با سایر حواس در برخی مناطق صنعتی و پالایشگاهی، مانند مزه ترشی در مناطق پالایشگاهی عسلویه)		حس «چشایی»

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۵۰۳

منابع و ماخذ

۱. ایروانی، محمود و محمدکریم خدائپناهی. (۱۳۸۸) روان‌شناسی احساس و ادراک. تهران: انتشارات سمت.
۲. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۰) چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی. ت: رامین قدس. تهران: گنج هنر، پرهام نقش.
۳. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲) دست متفکر: حکمت وجود متجسد در معماری. ت: علی اکبری. تهران: نشر پرهام نقش.
۴. حریری، نجلا. (۱۳۹۰) اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۵. دی.کی. چینگ، فرانسیس. (۱۳۸۹) معماری: فرم، فضا، نظم. ت: زهره فراگزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. سردمد، زهره و دیگران. (۱۳۹۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.
۷. گروت، لیندا و دیوید وانگ. (۱۳۸۹) روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. گروت، یورگ کورت. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی در معماری. ت: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات شهید بهشتی.
۹. شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱) معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: نشر رخداد نو.
۱۰. مرلو-پونتی، موریس. (۱۳۹۱) جهان ادراک. ت: فرزاد جابرالانصار. تهران: انتشارات ققنوس.
۱۱. زومتور، پیتر. (۱۳۹۴) معماری اندیشی. ت: علیرضا شلویری. تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
12. Bartlett, F. C. (2009). Remembering. Cambridge,

Cambridge University Press.

13. Cantril, H. (2008). *The why of Man's Experience*, New York: Macmillan.

14. Ganong, W. F. (2010). *Review of Medical Physiology*. California: Lange Medical Publication.

15. Gregory, R., J. Hams, et al. (Eds) (2012). *The Art & Eye*. Oxford, Oxford University Press.

16. Gregory, R. L. (2012). *Eye and Brain*. London, World University Library.

17. Gibson, J. (1966). *The senses considered as perceptual system*. Boston: Houghton Mifflin Company.

18. Kwallek, N. and C. M. Lewis (2009). Effects of environmental color on males and females: A red or white or green office. *Applied Ergonomics* 21: 275-278.

19. Latto, R. (2009). The brain of the beholder. In Gregory, R., J. Hams, et al. (Eds), *the Artful Eye*, pp. 66-94. Oxford, Oxford University Press.

20. Lawson, B. (2001). *The Language of space*. Boston: Architectural Press.

21. Rand, G. (1980). Children's images of houses: a prolegomena to the study of why people want pitched roofs. In Broadbent, G., R. Bunt, et al. (Eds), *Meaning and Behavior in the Built Environment*. Chichester, John Wiley and Sons.

22. Rock, I. (2013). *An introduction to perception*. New York: University Press

23. Rose, D. (2008). A portrait of the brain. In Gregory, R., J. Hams, et al. (Eds), *the Artful Eye*, pp. 28-51. Oxford, Oxford University Press.

24. Slavid, R. (2012). *10 Principles of Architecture*. New York: Vivays Publishing.

25. Zumthor, P. (2013). *Peter Zumthor Works*. Berlin: Birkhauser Press.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

■ ۵۰۴ ■

تاثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول، شهر همدان

غلامرضا ابراهیمی - پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حسین سلطان زاده* - دکتری معماری، دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شروین میرشاهزاده - دکتری معماری استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

سبک زندگی که خود اصطلاحی است که در بطن خود مولفه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، را می‌پروراند، تاثیر عمیقی در الگوهای رفتاری و گرایشهای ذهنی افراد جامعه دارد. یکی از مصادیق و جلوه‌های تجلی سبک زندگی، کیفیت مکان‌گزینی و فضای سکونت بوده که به تبع آن معماری خانه را تحت تاثیر قرار داده است. هدف از تدوین این پژوهش میزان اثربخشی نوگرایی در سبک زندگی مردم شهر همدان در دوره پهلوی اول و میزان اثر بخشی آن را در عرصه معماری خانه‌ها می‌باشد. روش تحقیق پژوهش مورد مطالعه، از نوع تحلیل تاریخی تفسیری بوده که از یک سو نوگرایی سبک زندگی در شهر همدان با نگاه گذار از سنت به تجدد با رویکرد تاریخی توصیف شده و بازتاب مولفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌ها با نگاه تحلیل فضای معماری بررسی شده است. منابع اطلاعاتی پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده و روش انتخاب نمونه‌های میدانی بر اساس نمونه‌گیری هدفمند بوده است. جهت انتخاب نمونه‌ها تمامی خانه‌های مربوط به دوره پهلوی اول که دارای اسناد مطالعاتی بوده و امکان مطالعات میدانی فراهم بود مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده نوگرایی در سبک زندگی مردم در شهر بوده که مفاهیم جدیدی از شیوه زندگی نوین، نظیر مصرف‌گرایی، توسعه تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری اولیه مدنیت، تمایز و تشخیص اجتماعی و اهمیت اجتماعی زن را به همراه داشته است. تغییر در ساحت شیوه زندگی باعث شکل‌گیری سه الگوی معماری متفاوت شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ غرب، تحول فضای داخلی، سبک زندگی، سازماندهی فضا.

The Impact of Modern Lifestyle on the Architecture of the Houses Built in Hamedan in the First Pahlavi Regime

Abstract

Lifestyle which encompasses social, cultural, and economic factors deeply impacts upon the people's behavioral patterns and mental attitudes. One of the manifestations of lifestyle is the quality of selecting living places, which in turn influences the architecture of the houses. The purpose of the present study is to examine the extent to which modern lifestyle affected Hamadian people's lifestyle as well as the architecture of their houses during the first Pahlavi regime. The study adopted a historical-interpretive analytical method which describes the modern lifestyle of Hamedanian people by taking the transition from tradition to modernity into account and investigates the conceptual components of the architectural modernism of the houses using architectural space analysis. The data for the study were collected through library resources and field study. The sampling method for the field study was purposive. To this end, all the houses built during the first Pahlavi regime which had documents and were possible to visit for a field study were examined. The results provided evidence for the modernization of people's lifestyle which led to new concepts of modern lifestyle, such as consumerism, the development of social interaction, the initial formation of civility, social distinction and status, and social importance of women. Moreover, the findings show that changes in lifestyle resulted in the formation of three different architectural patterns. Garden houses, street houses, and evolved traditional houses were considered as reflections of architectural changes. These evolutions show the changes in people's lifestyle as a result of transition from tradition to modernity and the evolution of architectural space due to the changes in the quality of modernism style of life

Keywords: Western culture; interior space transformation; lifestyle; space organization

مقدمه

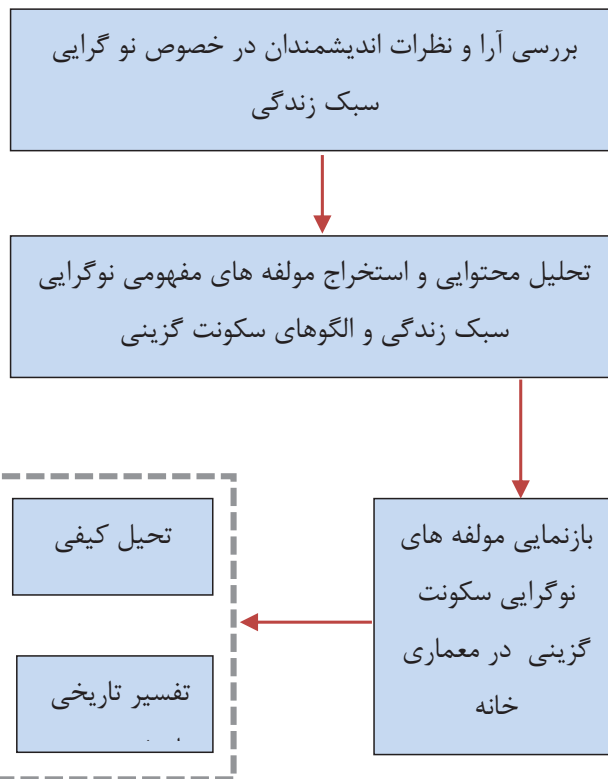
ایران در اوایل قرن بیستم و مصادف با دوره پهلوی اول تغییرات چندی را از سرگذرانده که این تغییرات بر ساختار اجتماعی، روابط قدرت و زبان سیاسی آن تاثیر گذاشت. نفوذ روز افزون اروپائیان موجب تضعیف دولت، اقتصاد داخلی و نخبگان سنتی شده و ایران را در معرض تند باد پیشروی برق آسای نظام سرمایه داری روبه گسترش غرب قرار داد. اولین جریان نوگرایی در سبک زندگی به تقلید از غرب در دوره اواخر قاجار در جامعه ایران صورت گرفت (پیتر آوری، ۱۳۷۶، ص ۴۳). با ادامه گسترش روابط ایران با غرب، تجدد طلبی روز به روز فزونی نهاد و روشنفکران با ترویج افکار و اندیشه های غربی در قالب مشروطه خواهی پایه های اقتدار سیاسی قاجاریه را سست کردند و با حمایت آنها قاجاریه ساقط و سلسله پهلوی رخ نمود و بدین ترتیب رضا شاه مجری قهاری برای اندیشه متجدد طلبان شد. یکی از اهداف عمده حکومت پهلوی اول تجدد طلبی و تغییر سبک زندگی به شیوه غربی بود. در این راستا فعالیت هایی نظیر نوسازی و تجهیز ارتش، ایجاد بروکراسی و مرکزگرائی، توسعه نهادهای آموزشی نوین، تلاش برای حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی، کشف حجاب، متحدالشکل کردن لباس، تلاش برای تضعیف نهادها و نیروهای سنتی و مذهبی بر طبق تصویر غرب صورت گرفت (هدایت، ۱۳۸۵، ص ۴۵). روی کار آمدن حکومت رضاشاه و تجلی دولت شبه مدرن پهلوی اول ایران را از دید تحلیلگران سیاسی صاحب نخستین دولت شبه مدرن به سبک اروپا ساخت که نوگرایی و توسعه دولت سالار جامعه ایران را در دستور کار قرار داد. سیاست تجددآرانه به تریج فضای سنتی و اجتماعی و همین طور سیاسی ایران را تغییر داد. نهاد های تازه ای چون ارتش منظم، نظام پولی واحد و برنامه های آموزشی عرفی بنا گذاشته شد (اتابکی، ۱۳۹۳، ص ۱۸). تجدد آمرانه در قدم اول سعی در متحول ساختن جامعه به سبک نوین به

تقلید از کشورهای اروپائی داشت. بر این اساس مدرانسیون کشور با رویای مدرن و وعده های فریبنده اش چون رفاه، پیشرفت و آزادی در شهرهای ایرانی نیز تبدیل به مدرنیزاسیون خشن و اجباری شد (آذری، ۱۳۹۱، ص ۶۳). تجدد آمرانه که بیشتر در بدنه و دستگاه های دولتی صورت می گرفت، به صورت تدریجی در زندگی خصوصی مردم و سبک زندگی خانگی آنها نفوذ کرد. سبک نوین زندگی مبتنی بر عقلانیت و ترقی، افق تازه ای را در توجه به خود، یعنی خودی که موافق با فردگرایی مبتنی بر حقوق داشت گشوده شد و هر چه بیشتر بنیاد های معرفت شناسی و هستی شناسی موجود در دیدگاه کلی گرایی سبک زندگی ایران را به مفهوم مدرن «فردگرایی، عقلانی سازی، عرفی سازی، دمکراتیک کردن امور و بروکراتیک کردن» زندگی داد. بازتاب تحولات نوگرایی، باعث اثر بخشی در ساحت های مختلف اجتماعی فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی سبک زندگی شد و تجلی تجدد سبک زندگی خانگی در قالب تحول در عرصه معماری خانه ها باز نمائی گردید. لذا رویکرد اصلی این پژوهش بر مبنای خوانش فضا در رابطه با شیوه زندگی و تاثیر آن بر فضای معماری خانه ها می باشد. این پژوهش سعی دارد که با نگاه ژرف در زمینه گفتمان فضا در رابطه با شیوه زندگی و تغییرات آن گذر از سنت به نوگرایی در دوره پهلوی اول را مورد بررسی قرار داده و بازتاب آن را در معماری خانه ها بررسی نماید. جهت تبیین بهتر مسئله، این پژوهش سعی در پاسخ گوئی به سوالات ذیل است.

۱. ریشه های اصلی نوگرایی سبک زندگی به تبعیت از فرهنگ غرب در شهر همدان چه بوده است؟
۲. نوگرایی سبک زندگی تا چه میزانی معماری خانه های دوره پهلوی اول همدان را تحت تاثیر قرار داده است؟

مدل تحلیلی

این پژوهش برای پاسخ به سوالات پژوهش دارای روش ترکیبی، تحلیل تاریخی و تفسیری می باشد.



دیگرام ۱. مدل تحلیلی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

های فعالیت خاص منجر شده که بر گیرنده ایده آل و تصورات می باشد؛ از نظر پیر بردیو سبک زندگی نظام کرد و کارهای طبقه بندی شده و طبقه کننده یا نشانه های متمایز کننده است که در قالب ریختار متمایز کننده فضا بازنمایی می شود (بوردیو، ۱۳۹۱، ص ۲۴). در این رویکرد فضا محور، خانه به مثابه بازنمایی فضایی جهت انجام رفتار، کرد و کار و کنش های متقابل افراد نسبت به یکدیگر بوده و به عنوان مکانی شناخته می شود که نسبت به نوع شیوه زندگی، سازمان فضایی و عناصر آن دائماً در حال تغییر و تحول است. از نگاه بندیکر شیوه زندگی اصطلاحی است که به نحوه زندگی یک گروه و یا چندین قوم اطلاق می شود (benedikter، ۲۰۱۱: ۲۵). سبک زندگی از آغاز قرن بیستم توجه اندیشمندان را جلب کرد. آن گاه که برخی صاحب نظران به این نتیجه رسیدند که

این پژوهش ابتدا تلاش دارد تا به استناد به آرا و نظرات اندیشمندان در حوزه اجتماعی و فرهنگی مولفه های مفهومی در نوگرایی سبک زندگی را استخراج نماید. بسط و تشریح نظریه ها، راه را جهت تحلیل معماری خانه ها هموار می نماید. رویکرد تحلیل خانه ها بر اساس تحلیل کیفی بوده و تفسیر و تشریح نمونه ها بر اساس تفسیر تاریخی می باشد. دیگرام شماره یک به بررسی مدل تحلیلی پژوهش پرداخته است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

اصطلاح سبک زندگی به صورت عام عبارت است از روشی که مردم انتخاب میکنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای شخصیت متمایز باشند (۱۵: ۱۹۶۹، Rappaport). مفهوم سبک زندگی بطور ویژه به انتخاب کیفیت های زندگی و فعالیت ها و شیوه

قشر بندی جامعه براساس «طبقه» مبتنی بر روابط اقتصادی قدرت توضیح کلیه تحولات اجتماعی و رفتارهای انسانی را ندارد. پیدایش مفهوم سبک زندگی که علاوه بر طبقه اقتصادی، شاخص های دیگری را نیز شامل می شود. در این دیدگاه جامعه فقط از نظر اقتصادی قشر بندی نمی شود بلکه بر اساس منزلت راه و رسم آشکار، منزلت در زندگی گروه های اجتماعی مختلف نیز قشر بندی می شود. بنابراین حوزه فرهنگی جامعه را باید به منزله محصول عوامل اقتصادی و هم به عنوان فرایندهایی درک کرد که کنشگران اجتماعی برای متمایز ساختن خویش به عنوان افرادی که به گروه منزلتی خاص تعلق دارند، در پیش می گیرند (بنت، ۱۳۸۶، ص ۹۶). در دهه های اولیه ی قرن بیستم بحث بر سر مفهوم سبک زندگی با دیدگاهی روان شناختی تعریفی از سبک زندگی ارائه داد که مبتنی بر فرد به عنوان پدیده ای واحد و کامل بوده و از این منظر ارزش های فرد نقش تعیین کننده ای در سبک زندگی او دارند و به تعداد افراد انسانی می توان سبک زندگی متصور بود. از دهه ۱۹۸۰ ایده، فردی بودن سبک زندگی، این بار با تکیه بر ویژگی های زندگی در وضعیت پست مدرن برجسته شده است (الفت و سالمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲). چنانکه امروزه گروهی از صاحب نظران با دیدگاهی متعادل تر، سبک زندگی را پدیده جمعی می دانند که در هر سطح فردی و جمعی مطالعه می شود (stephen Fkenney ۱۹۹۴:۵۶). برخی صاحب نظران تنوع سبک زندگی را محصول مدرنیسم می دانند. زیرا مدرنیسم افراد را از قید انتخاب های محدودی که سنت در اختیار آنان قرار می دهد رهایی می بخشد. این صاحب نظران معتقدند صنعتی شدن و پذیرش تقسیم کارهای اجتماعی جامعه را به سوی تنوع و تکثر گرایی در زمینه سبک زندگی سوق می دهد. از این دیدگاه هر قدر جامعه ای به لحاظ ثروت، دموکراسی، تحصیلات و فناوری پیشرفته تر باشد، تنوع سبک های زندگی در آن جامعه بیشتر خواهد

شد. رویکردهای تئوریک در مورد رابطه نوگرایی سبک زندگی با الگوی سکونت گزینی از دهه شصت قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان در حوزه های مختلف علوم اجتماعی، رفتاری، معماری و شهرسازی بوده است. از میان متفکرینی که در رابطه با سبک زندگی و شیوه سکونت پرداخته اند میتوان به آنتونی گیدنز، بوردیو، سگالن، برگر، بودریارو توماس هجراب اشاره کرد. از نظر آنتونی گیدنز تغییر عمده در تجربه ما از زندگی روزمره و هویت اتفاق افتاده است و مدرنیته با تمرکز زدایی از سنت راه ما را از شیوه گذشتگان جدا کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۶۲). بوردیو شیوه زندگی را در دارائی ها نظیر خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت های متمایز کننده نظیر نوع پوشش لباس، بازی ها و رسیدگی به ظاهر بدن تعریف کرده است (الفت و سالمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). از سوی دیگر در نظر سگالن ارتباط سبک زندگی با خانه در تقسیم بندی فضای داخلی خانه و تقسیم بندی آن به فضاهای خصوصی و عمومی می داند. محقق از شمند دیگری که فعالیت گسترده ای در مورد سبک و شیوه زندگی در ارتباط با مسکن گزیدن و به ویژه خانه انجام داده، پیتر برگر می باشد. از نظر برگر مدرن سازی زندگی ملازم رشد اقتصادی است و محرک آن تکنولوژی می باشد (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۶۴). بودریار در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا، معتقد است که دنیا معنای واقعی خود را از دست داده و زندگی به جای عرصه زیستن به فضای تبادل کالا و تجارت تبدیل شده است. توماس هجراب به تحول فضای سکونت در رابطه با سکونت گزینی اشاره دارد و معتقد است که تغییر اولویت های خانه با سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی، در ارتباط است. جدول شماره دو به بررسی رابطه سبک زندگی با مسکن گزینی از

دیدگاه صاحب نظران پرداخته است.

مولفه های نوگرایی سبک زندگی در شهر همدان

تجدد سبک زندگی در شهر همدان دوره پهلوی اول ریشه در تحولاتی است که در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و مدیریتی شهر اتفاق افتاد. این تحولات باعث تغییر اساسی در گرایش های ذهنی، باورها و اعتقادات شد که بازتاب آن در قالب الگوهای رفتاری تجلی یافته و در معماری خانه ها را تحت تاثیر قرار داد. نوگرایی در عرصه فرهنگی را می توان در شکل گیری مدارس نوین، تضعیف نقش مذهب، کشف حجاب برای زنان و متحدالشکل کردن لباس برای مردان مشاهده کرد. کشف حجاب در همدان به سال ۱۳۱۴ صورت گرفته و از تمام معلمان و مدیران مدارس، دبیرستانهای دخترانه طبق دستور رئیس اداره معارف خواسته شد که بدون حجاب شوند. تحول نظام آموزش و پرورش در شهر همدان در سال ۱۳۱۱ شمسی که یحیی خان اعتماد الدوله قراگوزلو وزیر فرهنگ بود صورت گرفت و دبستان و دبیرستان های متعددی در شهر ساخته شد (سالنامه دبیرستان پهلوی همدان). از دیگر تحولات فرهنگی در این دوره شکل گیری خانواده های تک همسری و شکل گیری خانواده های منفرد می باشد (مومن، ۱۳۸۶، ص ۵۶). تحولات فرهنگی به صورت تدریجی فاصله و حریم زنانگی در سبک زندگی نوین را کم رنگ کرد و عقاید و باورهای بومی و سنتی چگونگی زیستن جای خود را به عرفی گرائی و علم باوری داد. در زمینه نوگرایی در عرصه اجتماعی، شکل گیری طبقه جدید اجتماعی، استقرار نظم نوین اداری و نظامی و ایجاد فاصله طبقاتی بود. در شهر همدان اداراتی نظیر نظمی، فرهنگ، بلدی، عدلیه و نهادهای مالی نظیر بانک سپه و ملی پایه گذاری شد و به تبع آن تعداد کارکنان کشوری در لشگری روبه فزونی نهاد و طبقه جدید اجتماعی شکل گرفت. این طبقه جدید که حاصل تغییر مدیریتی کل نظام

اجتماعی بود، سبک نوین زندگی را ایجاد کرد که با نظام قومی و طایفگی تفاوت اساسی داشت. در این الگوی جدید، نظام خانواده گسترده به سمت خانواده های هسته ای تمایل پیدا کرد و نشانه های اولیه جدائی نسل ها روز به روز فزونی نهاد. ساختار خویشاوندی در این الگوی زندگی نوین نه بر اساس نظام طایفگی و نسبت های نسبی و سببی، بلکه بر اساس موقعیت و منزلت اجتماعی در دستگاه حکومتی تعریف می شد. این طبقه نو ظهور بیشتر تمایل به تمایز و تشخیص اجتماعی داشت (مومن، ۱۳۷۸، ص ۵۶). تغییر در ساحت اقتصادی سبک زندگی در شهر همدان در غالب شکل گیری عملکرد های جدید، شکل گیری کارخانه های نوین نظیر کبریت سازی، چرم سازی و کارخانه برق، برجسته شدن نقش طبقه تجار در قالب تجارت با خارجیان و واردات فراوان صوت گرفت. در این دوره تجارت کالا و خدمات سنتی در شهر روبه افول نهاد و به جای آن کالاهای خارجی و وارداتی و لوکس روبه فزونی نهاد. تاثیر عمده تحول ساختار اقتصادی در سبک زندگی را می توان در نقش لوازم و تجهیزات و اشیاء در زندگی و مصرف گرائی به شیوه غربی اشاره کرد. از دیگر عوامل موثر در تغییر الگویی سبک زندگی، تحول در نظام شهری و مداخلات گسترده در عرصه شهرسازی بر اساس الگوهایی شهرسازی اروپایی بود. شهر همدان در سال ۱۳۰۷ دستخوش تحول اساسی گردید و طرح کارل فریش آلمانی باعث شکل گیری میدان مرکزی و شش خیابان منتهی به آن شد. خیابان های شش گانه باعث از هم پاشیدگی نظام الگوی سنتی بافت قدیم شد و انسجام محلات و راسته بازار را از هم گسست. لازم به ذکر است که حضور کارل فریش در همدان به دعوت انجمن شهر و رئیس بلدیة وقت صورت گرفته و سند آن در روزنامه گلگون در سال ۱۳۰۷ قابل مشاهده است. طبق این سند در این روزنامه سر دبیر آن خواهان اصلاحات اساسی در شهر به پیروی از شهرسازی آلمان شده است. در بخشی از این روزنامه آمده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

جدول ۱. مولفه های نوگرایی سبک زندگی از منظر سکونت گزینی؛ ماخذ: نگارندگان

ردیف	صاحب نظران	مولفه های نوگرایی سبک زندگی از منظر سکونت گزینی	مولفه های مفهومی سکونت
۱	آنتونی گیدنز	جدایی از سنت - متغییر بودن معنای زندگی و از جا کندگی مکان و زمان	عرفی گرایی سکونت
۳	بورديو	تملك خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت های متمایز کننده مانند ورزش و تفریح	عقل گرایی و کارکردگرایی سکونت
۴	سگالن	مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی) معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی)	دمکراتیک سازی سکونت
۵	برگر	زندگی روزمره به مثابه شبکه ای از معانی و شکل گیری شبکه زیست، جهان	نقش تکنولوژی و بروکراسی بر قلمرو زندگی و سکونت
۶	بودریار	تنزل ارزش زیستی و معنایی مکان سکونت به مثابه کالا	اهمیت نقش اقتصادی و تجاری مکان سکونت
۷	توماس هجراب	تغییر اولویت های خانه با سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی، نیازها	فرد گرایی سکونت

است. کرد. نظم نوین شهری باعث اثر بخشی در الگوی رفتاری شهروندان شد و حضور در خیابان در قالب کالسه سواری و یا پیاده روی و یا مشاهده عابران از روی بالکن های طبقات فوقانی خانه ها، الگوی نوینی از سبک زندگی را نوید می داد که مدل آن را از شهرنشینی اروپا به عاریت گرفته بود. در این الگوی فضائی، فضاهای جمعی شهری و کارکردهای جدید در لبه خیابانها جایگزینی برای فضاهای بیرونی و چند عملکردی خانه ها می شد. از سوی دیگر شکل گیری نهاد بلدییه و تنظیم مقررات و ضوابط برای ساخت بنا در قالب بدنه سازی، امور خانه سازی را به سمت بروکراتیک شدن خانه سوق می دهد. شکل گیری خانه های خیابانی با بدنه های همگون باعث اثر بخشی در نظام الگوی زندگی بود که خواهان الگوی زندگی همسان و تابع نظم و مقررات دولتی بود. جدول شماره سه به بررسی

ما می گوئیم هر کاری را باید از متخصص آن فن خواست و از نظر وضعیت فعلی همدان قضاوت نکرد. باید در دنیای امروز که با این سرعت وسایل نقلیه اش از رو و زیر زمین به هوا رفته ساختمان شهرها را از روی چه اصول و قواعدی شروع می کنند. در یکی از جرائد چندی قبل، دیدم در آلمان یک نفر نقشه سازی شهر مشغول است. نقشه جدیدی برای یکی از شهر های آلمان می سازد ما باید نقشه اساسی این شهر را ترسیم کنیم (گلگون، ۱۳۰۷، ص ۳۷). ایجاد خیابان به عنوان نماد تجدد اولین پژواک از شهرسازی نوین بود که تاثیر عمیقی بر الگوی رفتاری شهروندان داشت (حبیبی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). خیابان خطی بر خلاف کوچه و برزن های بن بست و کم عرض و تاریک، فضای دیداری و ملاقات عمومی و گردشگاه و مشاهده مناظر را فراهم می

جدول ۲. مولفه های مصداقی و مفهومی نوگرایی سبک زندگی در رابطه با مسکن گزینی در شهر همدان؛ ماخذ: نگارندگان

مولفه های مفهومی نوگرایی سبک زندگی	مولفه های مصداقی نوگرایی سبک زندگی	مولفه های نوگرایی در سبک زندگی
علم باوری و عقل گرایی	شکل گیری مدارس نوین	نوگرایی در ساختار فرهنگی جامعه
عرفی گرایی و سنت ستیزی		
اهمیت نقش زن در زندگی و فضای کسب و کار	کشف حجاب متحد الشکل کردن لباس	
دمکراتیک شدن امور زندگی	شکل گیری خانواده هسته ای	نوگرایی در ساختار اجتماعی جامعه
جدایی نسل ها		
شکل گیری فاصله طبقاتی و از جا کندی فضا، زمان در زندگی جدید	شکل گیری طبقه جدید (کشوری و لشگری)	
شکل گیری نظم نوین زندگی	شکل گیری نهادهای عرفی	نوگرایی در ساختار اقتصادی جامعه
مصرف گرایی	توسعه تجارت با غرب	
اهمیت اشیا در فضای زندگی	شکل گیری بنگاههای جدید اقتصادی	
اهمیت یافتن مسکن به عنوان کالا و نقش تجاری آن	شکل گیری اقتصاد صنعتی	نوگرایی در ساختار کالبدی شهر
تولید انبوه کالا و لوازم و تجهیزات خانه		
توسعه فضاهای عمومی و جمعی	تخریب نظام سنتی کالبدی	
زیبا شناسی نوین فضای شهری	شکل گیری مفاهیم نوین شهری	
شکل گیری فضاهای نو ظهور شهری نظیر میدان، خیابان، کافه و سینما		
بروکراتیک شدن امور خانه سازی	شکل گیری نهادهای مدیریت نوین شهری	

جدول ۳. فاکتورهای تبیین کننده شاخص های معماری جهت رده بندی نمونه ها؛ ماخذ: نگارندگان.

فاکتورهای تبیین کننده شاخص های معماری جهت رده بندی نمونه ها	الگوی فضا
الگوی ویژه کلان فرم، تنوع فضا (باز - نیمه باز - بسته - پوشیده)؛ الگوی دسترسی ویژه با محیط پیرامون؛ الگوی خاص جهت فضاهای سکونتی و خدماتی؛ الگوی ویژه تفکیک فضای جنسیتی (بیرونی و اندرونی)	الگوی کلان فضا
سازماندهی خاص فضای داخل، الگوی ویژه ارتباطات افقی و عمودی، الگوی ویژه فضاهای تقسیم و مک ث، الگوی ویژه فضاهای جنسیتی در الگوی رفتاری خانواده (فضاهای خصوص، نیمه خصوصی و عمومی)، بسط چشم اندازی از داخل به بیرون	الگوی فضای میانی
تزیینات خاص - عناصر ویژه معماری	الگوی خرد فضا

معرفی الگوهای معماری خانه ها الگوی معماری خانه باغی

الگوی معماری خانه باغی بیشتر مورد استقبال طبقه تجار و اعیان بوده و و محل قرارگیری این الگوی معماری بیشتر در نواحی تازه توسعه یافته شهر بود و غالباً به صورت منفصل از بافت پیوسته قدیم احداث می شدند. الگوی معماری این خانه ها اغلب به صورت تقلیدی از معماری ویلاهای اروپای قرن نوزدهم اروپا می باشد. ویژگی کلان فرم خانه های مورد مطالعه به صورت کوشکی بوده و اغلب چهار طرف بنا دارای پنجره می باشد (تصویر ۱). این کوشکها غالباً دارای دو طبقه و زیر زمین می باشند و سقف آنها به صورت شیروانی می باشد. در عرصه سازماندهی فضای داخل نظام ارتباط افقی به صورت راهروهای تامین می شود که اغلب در میانه و یا در عقب سرا قرار می گیرد و با یک و یا چند راه پله در ارتباط است. نظام تقسیم بندی پلان بیشتر مبتنی بر نیازهای عملکردی است و عناصر جدید عملکردی نظیر آشپزخانه و سرویس بهداشتی در فضای داخلی جانمایی شده است. از سوی دیگر به

مولفه های مصداقی و مفهومی نوگرایی سبک زندگی در رابطه با مسکن گزینی در شهر همدان پرداخته است. جدول شماره ۲ به بررسی مولفه مفهومی نوگرایی سبک زندگی در رابطه با مسکن گزینی در شهر همدان پرداخته است.

نوگرایی سبک زندگی در شهر همدان، به صورت تدریجی معماری خانه های شهر را تحت تاثیر قرار داده و الگوهای ویژه ای از معماری خانه تجلی یافته است. جهت بررسی الگوهای تحول یافته در مرحله اول سی و هفت خانه مربوط به دوره پهلوی اول مورد شناسایی قرار گرفت. در مرحله دوم الگوهای معماری خانه ها با توجه به ویژگی های خاص معماری و داشتن ویژگی های مشترک فضایی دسته بندی گردید. جهت دسته بندی نمونه ها ویژگی های کلان، میانی و خرد معماری خانه ها ملاک بوده که در جدول شماره سه فاکتورهای تبیین کننده مولفه های این رده بندی را نمایش داده است.

نتیجه حاصل از این رده بندی نشان از وجود سه الگوی متمایز معماری در قالب «الگوی معماری خانه باغی»، «الگوی معماری خیابانی» و «الگوی معماری تحول یافته سنتی داخل بافت» می باشد.



تصویر ۱. خانه پوستی زاده؛ ماخذ: نگارندگان

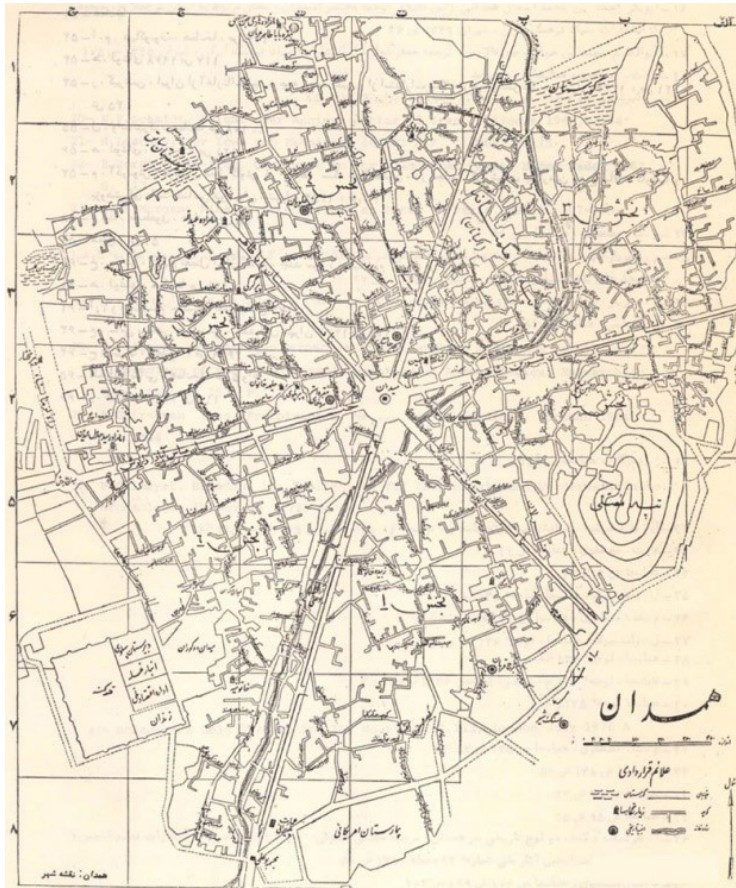
و معماران آن دوره کوشیده اند بین تجدد آمرانه دستگاہ دولتی و اصول سنتی و بومی زندگی تعامل و گفتمان ایجاد کنند.

این معماری دوگانه مبتنی بر دو ساحت بیرونی و درونی است. الگوی کلان معماری این خانه ها در نمونه های مورد مطالعه دارای دو طبقه بوده که در ساحت بیرونی، در طبقه همکف بیشتر فضاها به صورت مغازه بوده و طبقه اول به صوت اتاقهای است که اغلب به صورت فضاهای اداری و یا استیجاری می باشد. از دیگر ویژگی کلان معماری در ساحت بیرونی وجود ایوان سرتاسری روبه خیابان است و به لحاظ مفهومی این ساحت، نم و د بارز تجدد در خانه در قالب برون گرائی، عملکرد گرائی، تجاری سازی و رعایت بروکراتیک در قالب رعایت اصول ضوابط بلدیہ می باشد (تصویر ۳). در این ساحت بیرونی الگوی معماری تابع نظام و مقررات شهر است. و به گونه ای مشخص سلسله مراتب نظام حاکمیتی را در خود دارد. عناصر مشابه یک شکل و مکرر در نمای ساختمانها نظیر پنجره ها، ستونها و با نشانهای دیگر تداعی کننده لباسهای متحدالشکل نظامیانی شده بود که همچون سربازانی در حال سان دیدن می باشند (کیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). بر خلاف ساخت بیرونی، قسمت مرکزی و درونی بنا در راستای معماری بومی گذشته است. به طوریکه اتاق

لحاظ فرهنگی مرز بین فضای زنانه و مردانه تقریباً وجود خارجی ندارد. شکل گیری این خانه ها بازتاب تحول اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در طبقه اعیان و تجار بوده که نسبت به سایر گروه های اجتماعی نسبت به پذیرش الگوی زندگی غربی آمادگی بیشتری از خود نشان می دادند. افزایش سرمایه اقتصادی در این طبقه از گروه اجتماعی، باعث اثر بخشی در نهاد اجتماعی و فرهنگی جهت پذیرش الگوی نوین سبک زندگی به تبعیت غرب شد و به لحاظ مفهومی شکل گیری این گونه از خانه ها نشان از تجدد و تمایز طلبی نسبت به سایر گروه های اجتماعی داشت.

الگوی معماری خیابانی

در سال ۱۳۰۷ شمسی طرح خیابان کشی و احداث میدان مرکزی در شهر همدان با همکاری کارل فریش آلمانی طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شد. این طرح مبتنی بر شش خیابان شعاعی بوده که به میدان مرکزی منتهی می شد. احداث خیابان ها باعث تعریض و تخریب گسترده دریافت تاریخی شهر شد و نظام شهر سازی قدیم شهر را دگرگون ساخت (تصویر ۲). به تناسب تغییرات گسترده در نظام شهرسازی، معماری خانه ها تحت تاثیر احداث خیابان ها نیز دچار تحول گردید. بررسی این الگوی معماری نشان از وجود معماری دوگانه بوده



تصویر ۲. نقشه شهر همدان در دوره پهلوی اول؛ ماخذ: مصطفوی

فضاهای خدماتی از فضاهای، سکونتی جدا بوده و اغلب در قسمت جنوبی بنا احداث می شدند. در این الگو مرز فضای جنسیتی مردانه و زنانه کم رنگ بوده و سراسری مرکزی مکانی جهت تفکیک فضا به شمار می آمده است.

بدلیل فراوانی نمونه ها و عدم امکان انعکاس همه موارد در این مقاله، از هر الگوی معماری جهت تحلیل فضایی سه نمونه که بیشترین تحولات معماری را داشته اند، انتخاب شده است. جدول شماره چهار نمونه های منتخب به همراه معرفی الگوهای فضایی را معرفی کرده است.

تحلیل یافته ها

تحلیل و بررسی نمونه های برداشت شده در سه الگوی معماری، خانه باغی، خیابانی و سنتی تحول یافته، نشان دهنده تاثیر مولفه های سبک زندگی

های سکونتی به سمت حیاط مرکزی قرار دارند و فضاهای خدماتی از سکونتی جدا بوده و تا حدودی مرز بین فضاهای زنانه و مردانه وجود دارد.

الگوی معماری خانه های سنتی تحول یافته

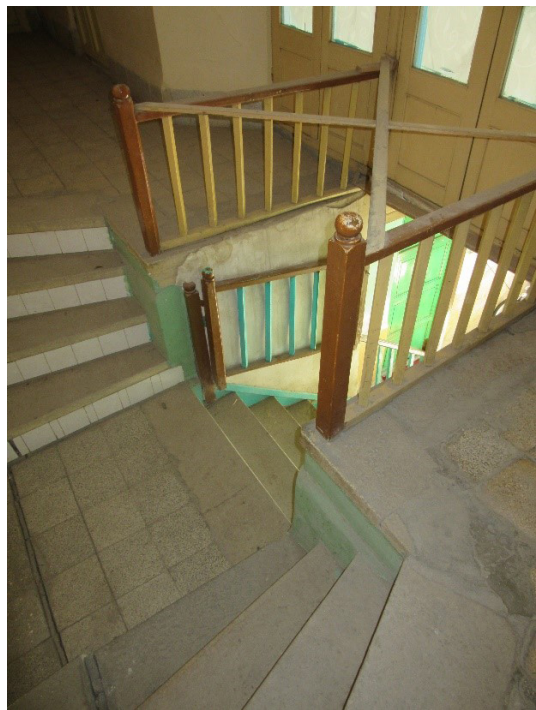
الگوی دیگر از معماری خانه هائی که تحت تاثیر نوگرایی در شهر همدان قابل مشاهده می باشد مربوط به خانه هائی است که بیشتر در بافت مرکزی قرار داشته و نسبت به دو الگوی قبل دارای تحولات کمتری در عرصه معماری می باشد. در این الگو، ویژگی کلان فرم به صورت حیاط مرکزی و دو طبقه بوده و دارای معماری درون گرا می باشند. در عرصه میانی و سازماندهی فضای داخلی، می توان به شکل گیری سراسری مرکزی و راهروهای طولی جهت ارتباطات افقی و قرار گیری پله در فضای میانی جهت ارتباطات عمودی اشاره کرد. در این الگو،



تصویر ۳. خانه وکیل الرعایا (الگوی معماری خیابانی)؛ ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. شکل گیری سرسرای مرکزی در خانه ممقانی؛ ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. شکل گیری پله در سرسرای مرکزی (خانه میرابیان)؛ ماخذ: نگارندگان.

الگوی خیابانی بالاترین درصد را به خود اختصاص داده و فراوانی فضای بسته مربوطه به الگوی مربوط به الگوی سنتی تحول یافته بافت می باشد. بررسی و دقت در فراوانی الگوهای فضایی در نمونه های مورد بررسی نشان دهنده رابطه معنادار فضا با تحولات مولفه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی بوده و هر چه منزلت اجتماعی و قدرت اقتصادی یک گروه خاص اجتماعی ارتقاء یافته، فضای باز به سایر سطح افزایش یافته و تنوع فضائی کاهش یافته است. از طرف دیگر به دلیل تعامل بیشتر الگوی معماری خیابانی با فضاهای عمومی و خیابان سطح فضای نیمه باز توسعه یافته است. در نمودار شماره یک فراوانی الگوی فضایی به

بر تحول فضای معماری در قالب الگوی فضای کالبدی، الگوی فضای رفتار اجتماعی و همچنین الگوی فعالیتی فضا دارد. در بررسی الگوی کالبدی فضا، الگوی معماری خانه باغی بالاترین فضای باز را به خود اختصاص داده و در مرتبه های بعدی الگوی معماری داخل بافت قرار دارد. فضای نیمه باز در

جدول ۴. نمونه های منتخب الگوهای معماری؛ ماخذ: نگارندگان.

الگوی	عرصه اجتماعی فضا			عرصه فعالیت های فضا		
	عمومی	نیمه خصوصی	خصوصی	ارتباطی	خدماتی	مسکونی
الگو خانۀ بافت						
الگو خانۀ باغ						

مدیریت شهری

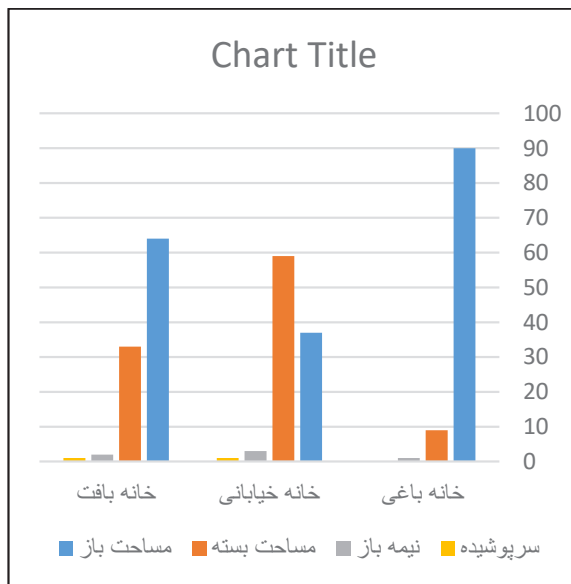
فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

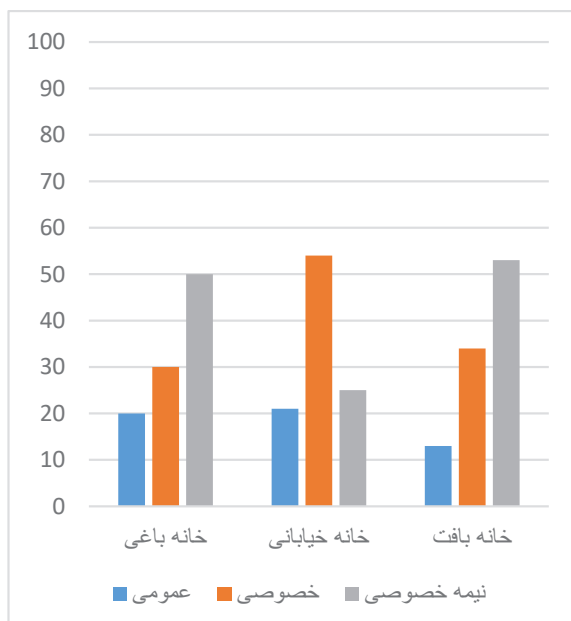
شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

۵۱۶



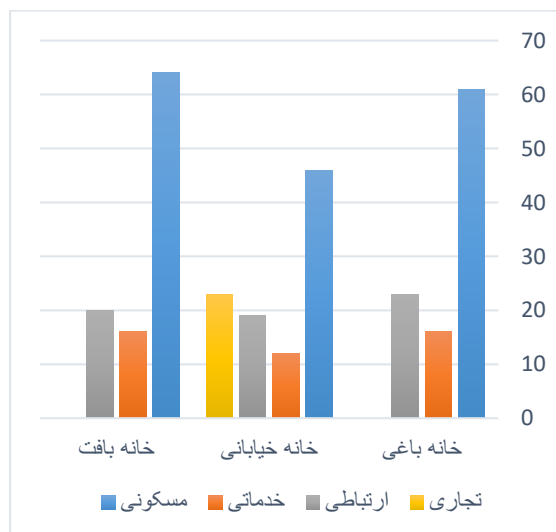
نمودار ۱. فراوانی تنوع فضای کالبدی در الگوهای معماری؛ ماخذ: نگارندگان



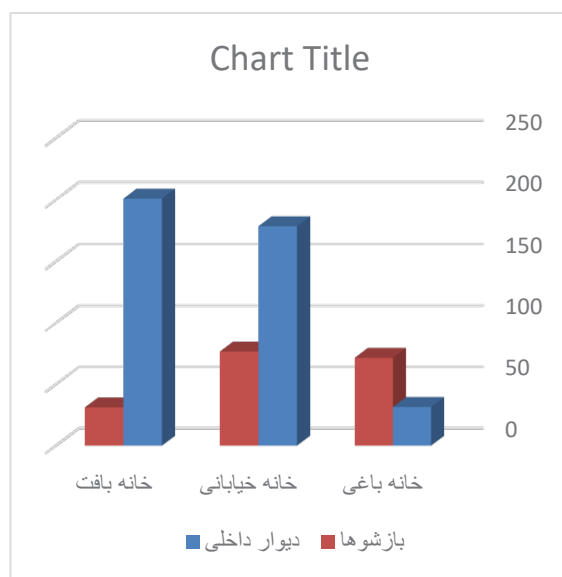
نمودار ۲. فراوانی تنوع فضای اجتماعی در الگوهای معماری؛ ماخذ: نگارندگان.

عمومی در الگوی خانه باغی و خیابانی بیشترین فراوانی را دارا بوده و فضای خصوصی در الگوی سنتی بیشترین فراوانی را دارد. دلیل عمده این امر کم شدن نقش جنسیتی فضا و تعامل اجتماعی افراد با عرصه های خارجی و جمعی در الگوی معماری خانه

لحاظ کالبدی بررسی شده است. الگوی فرهنگی فضا از دیگر بررسی های انجام گرفته بر روی نمونه ها می باشد. در این بررسی الگوی فرهنگی فضا شامل فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی می باشد. در این تحلیل، فضای



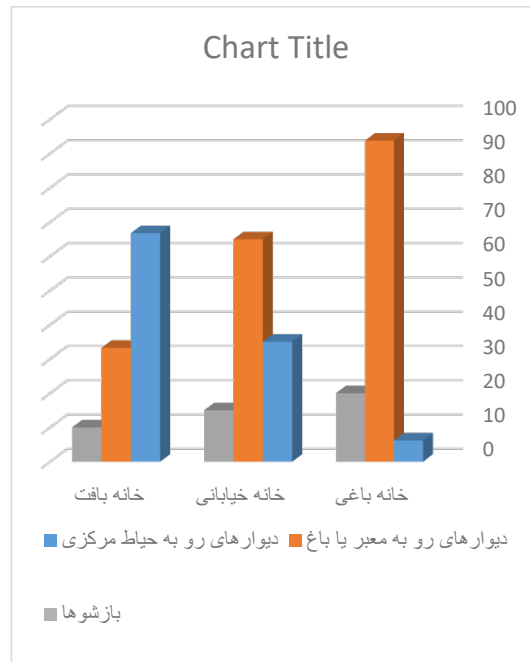
نمودار ۳. فراوانی تنوع فضای کالبدی در الگوهای معماری؛
ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۴. بررسی فراوانی درصد بازشوها در الگوهای معماری؛
ماخذ: نگارندگان.

باغ می باشد. از سوی دیگر فضای نیمه خصوصی در الگوی خانه های بافت دارای بیشترین درصد بوده و علت اصلی این امر به دلیل وجود سلسله مراتب اجتماعی رفتار اجتماعی بوده که در قالب فضا بازنمایی شده است. نمودار شماره دو به بررسی فراوانی الگوی رفتار اجتماعی در نمونه ها پرداخته است.

در بررسی الگوی فعالیت در نمونه ها، خانه های خیابانی دارای بالاترین تنوع فعالیت و کارکرد را داشته و الگوی سنتی تحول یافته در مرحله بعدی قرار دارد و خانه های باغی بیشتر دارای رویکرد سکونتی می باشد. این امر نشان دهنده تاثیر مولفه



نمودار ۵. فراوانی جهت نورگیری در الگوهای معماری؛ ماخذ: نگارندگان.

الگوی فعالیت بررسی شده است. از دیگر بررسی های انجام گرفته بر روی بروی نمونه ها میزان نورگیری فضاها می باشد. بررسی های انجام گرفته نشان دهنده افزایش سطح بازشو در الگوی خانه باغی بوده و در مرحله بعد الگوی خانه ها خیابانی می باشد. از طرف دیگر میزان درصد بازشو الگوهای خیابانی و الگوهای معماری داخل بافت تغییر عمده ای نکرده و تفاوت عمده بازشوها متوجه جهت نورگیری (به سمت درون و یا بیرون) می باشد. نمودار شماره چهار و پنج به بررسی نمونه به لحاظ تحلیل درصد نورگیری فضا و جهت آن پرداخته است.

نتیجه گیری و جمع بندی

تحول و نوگرایی در مولفه های سبک زندگی در شهر همدان در دوره پهلوی اول که ریشه آن در مولفه های اجتماعی فرهنگی اقتصادی و نظام شهرسازی و مدیریت شهری داشته، باعث شکل گیری مفاهیم نو در عرصه زندگی نوین گردید. بازتاب تحولات فرهنگی باعث شکل گیری مفاهیمی

اقتصادی در معماری خانه در قالب شکل گیری مولفه تجاری شدن خانه در الگوی معماری خیابانی است. از سوی دیگر علت شکل گیری بسیاری از کارکرد ها و فعالیت ها در خیابانها، خانه های باغی به سمت عملکرد گرابی سوق داده شده اند. تحلیل سازماندهی فضای داخلی از دیگر بررسی های انجام گرفته بر روی نمونه های برداشت شده می باشد. بررسی ها نشان دهنده حضور پررنگ فضاهای ارتباطی افقی، عمودی در الگوهای خیابانی و خانه باغی دارد. در حالیکه در نمونه های سنتی تحول یافته ارتباط افقی و عمودی به صورت لایه پنهان در داخل سایر فضا ادغام شده و مرز مشخص ندارد. از دیگر تحولات فضای داخلی همجواری فضا های خدماتی و سکونتی در کنار یکدیگر در الگوی معماری خانه باغی است و این امر باعث شکل گیری معماری عملکرد گرا بوده است. در حالیکه در نمونه های خیابانی و سنتی تحول یافته همچنان فضای خدمات و سکونتی از هم فاصله دارند. در نمودار شماره سه فضای معماری نمونه ها از منظر

جدول ۵. بررسی مولفه های مفهومی سبک زندگی در مشخصه های مفهومی و مصداقی معماری؛ ماخذ: نگارندگان

الگوهای معماری	مولفه های مولفه های مفهومی سبک زندگی خانگی	مولفه های مفهومی فضا	مولفه های مصداقی معماری		
			الگوی کلان	الگوی میانی	الگوی خرد
خانه باغی	- تمایز اجتماعی - تقلید از غرب - طبقه نو ظهور - فرد گرایی - انتخاب و مکرراتیک شدن	- غلبه فضای باز بر فضای بسته و نیمه باز - حذف فضای پوشیده - همجواری فضای خدماتی در کنار سکونتی - تضعیف نقش جنسیتی - فضا عملکرد گرایی فضا	- شکل گیری الگوی معماری کوشکی - ساده شدن فرم برون گرایی - عدم توجه به اقلیم	- تفکیک فضایی عناصر - ارتباط افقی و عمود در قالب راه رو و پله - استفاده از ایوان های سر تا سری جهت توسعه فضا - عدم استقلال فضایی اتاق	- کاربرد تزئینات در سر در ورودی و نمای خارجی - استفاده از سقف های شیب دار و دودکش ها به تقلید از غرب - استفاده از گچ بری در نماهای خارجی
خانه های خیابانی	- همسازی امرانه - الگو زندگی دوگانه (سنت و تجدد)	- کاهش نسبت فضای باز به فضای بسته - تجاری شدن خانه در غالب الگوی فضایی خانه - مغازه - توسعه فضای نیمه باز - بروکراتیک شدن فضا	- شکل گیری معماری دورگه - کوچک شدن خانه - برون گرایی در وجه بیرونی و درون گرایی در وجه درونی تاثیر وجه بیرونی تحت تاثیر معماری شهر	- توسعه فضاهای ارتباط افقی و عمودی در قالب راهرو و راه پله - تفکیک فضای سکونتی از تجارتي	- همسازی نمای خارجی با معماری شهر - جزئیات فراوان آجر کاری در نما خارجی ورودی خاص با - استفاده از سرستونهای التقاطی در ایوان
خانه های بافت	- همسازی آگاهانه - جمع گرایی - استحاله تدریجی فرهنگی	- تعادل نسبی فضاهای باز و بسته - تنوع فضاهای باز، نیمه باز و بسته - تفکیک فضایی جنسیتی - تفکیک فضای خصوصی و عمومی اهمیت فضای داخلی	الگوی معماری در قالب حیاط مرکزی وجود عنصر واسط نظیر دالان و یا هشتی بین کوچه و خانه توجه به اقلیم در جهت اسقرار مناسب	- توسعه فضای داخلی در قالب وجود پله و ستون - تفکیک فضای خصوصی و عمومی در قالب احداث بالاخانه و یا سرسرا استقلال فضایی اتاق ها	- تزئینات داخلی سقف های سطح استفاده از شومینه در فضای داخلی کاربرد نقاشی ایران در سرسرا فاقد تزئینات خارجی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

نظیر علم باوری و عقل گرایی، عرفی گرایی و سنت ستیزی و توسعه رفتار اجتماعی زنان در گردید. در عرصه اجتماعی مفاهیمی نظیر دمکراتیک شدن امور زندگی، جدایی نسل ها، شکل گیری طبقات اجتماعی جدید و ایجاد نظم نوین اقتدار حاکمیتی در عرصه زندگی شد. در حوزه اقتصادی مصرف گرایی و اهمیت اشیا و تولید انبوه جایگزینی جهت تولید سنتی گردید و در عرصه شهر، توجه به توسعه فضاهای عمومی و تمرکز گرایی، شکل گیری عملکرد های جدید و بروکراتیک شدن امور زندگی، توجه دولت به عرصه های زندگی شهروندان را روز به روز توسعه داد. بررسی و تحلیل اثر بخشی مولفه های زندگی نوین در معماری خانه های شهر همدان، در قالب سه الگوی معماری متفاوت قابل مشاهده است. الگوی معماری خانه باغی، خیابانی و خانه های تحول یافته سنتی داخل بافت به عنوان مصادیق تحولات معماری خانه های می باشند که از درون ماهیت تحول زندگی، گذار از سنت به نوگرایی باز نمود یافته است. الگوی معماری خانه باغی نمونه ای از اثر بخشی سریع الگوی زندگی نوین در معماری می باشد. به طوریکه این معماری نماینده تمایز اجتماعی، قدرت اقتصادی و استحاله فرهنگی بوده و ویژگی فضای معماری این الگو توسعه فضای باز، عملکرد گرایی و عرفی سازی می باشد. الگوی معماری خیابانی نشانگر تاثیر حاکمیت اقتدارگرا، تبدیل مسکن به امر کالا و تجاری سازی و بروکراتیک سازی بوده و در عرصه فضا توجه به فضای بسته و چند عملکردی شدن خانه نشان از اثر بخشی تجدد آمرانه دستگاه حاکمیتی در نهاد زندگی سنتی است. الگوی معماری تحول یافته درون بافت به صورت تدریجی سعی دارد که مفاهیم نوگرایی زندگی را در عرصه معماری در تعامل هم بازنمایی کرده و تحولات آن تدریجی می باشد. در این الگو بیشترین تحولات در ساحت میانی خانه در قالب توسعه فضای مرکزی در قالب شکل گیری سرسرای مرکزی قابل مشاهده است. در جدول

شماره شش تاثیر مولفه های مفهومی سبک زندگی در مشخصه های مفهومی و مصداقی معماری در سه الگوی معماری نمایش داده شده است.

منابع و ماخذ

آذری، نرگس (۱۳۹۲) تجربه مدرنیته به روایت فضاهای تجاری تهران، نشر تیسرا
اتابکی، تورج (۱۳۸۵) تجدد آمرانه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، نشر ققنوس
اذکایی، پرویز (۱۳۸۵) فرهنگ همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا
ارمغان، مریم. سلطان زاده، حسین (۱۳۹۲) معماری و فرهنگ در خانه های اعیانی تهران در دوره قاجار، پژوهشهای انسان شناسی ایران، ۳(۱): ۵۰-۲۹
الفت و سالمی (۱۳۹۲) نگاهی به نظریه های سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، ۱۱(۳): ۳۱-۹
به خیال مهدی (۱۳۹۳) روزنامه گلگون، سال اول شماره ۱-۵۴ انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
برومبرژه، کریستین (۱۳۷۰) مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاء الدین گوشه گیر، نشر موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی بورديو، پی یر (۱۳۹۲) تمایز، نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر ثالث
پیتراوری (۱۳۸۶) تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، نشر نو
حائری، محمدرضا (۱۳۸۸) خانه، فرهنگ، طبیعت، دفتر معماری و طراحی شهری مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
دانش فر، فرزین. محمد حسینی، پریسا (۱۳۹۳) تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز بر اساس نظریه رپوپورت، ۵مطالعات معماری ایران، ۲(۵): ۹۹-۸۱
راپوپورت، آموس (۱۳۹۲) انسان شناسی مسکن، مترجم فرد افضلیان، انتشارات کتابکده کسری شهری، جعفر (۱۳۶۹) تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی، کسب و کار، موسسه خدماتی

فرهنگی رسا.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۷) انسان شناسی شهری، تهران،

نشر نی

کیانی، مصطفی (۱۳۹۳) معماری دوره پهلوی اول،

نشر شهر

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، مدرنیت، زمان، مکان، ترجمه

حامد حاجی زمانی، نشر اختران

مومن، ابوالفتح (۱۳۷۸) انقلاب اسلامی در همدان،

جلد یک، انتشارات مرکز اسناد ملی

یزدانفر، سید عباس. ضرابی الحسینی، مهسا. (۱۳۹۴)

تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه در

شهرستان ارومیه، نشریه علمی پژوهشی انجمن

علمی معماری و شهرسازی ایران، ۳(۴): ۶۱-۴۵

Benedikter, (2012). Lifestyle in H Anheir

Bromberger, C. (1991). Habitat, architecture and ru-

ral society in Gilan plain (northern Iran). Translated

from the English by Gooshegir, A. Tehran: Institute

for cultural research and studies

John T. Haworth and J. veal (2004). Work and leisure.

Routledge London

STEPHEN FKENNY tSOCIAL MOVEMENT'S

AND INTERNATIONAL STYLES IN CON-

TEMPORARY ARCHITECTURE OF IRAN IN

QAJAR ERA European Journal of Arts and Hu-

manities 1(2), 80 87 ISSN: 2231 2015 Vol. 5 (S2), pp.

1

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

■ ۵۲۲ ■

زمانبندی حرکت اتوبوس های BRT با در نظر گرفتن محدودیت های ترافیکی حاصل از زمان های متغیر چراغ های راهنمایی و رانندگی

حامد طاهرخانی* - کارشناس ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

آرش طاهریان - کارشناس مهندسی شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران

BRT bus schedules and taking into account the limitations of time-varying traffic lights traffic

abstract

Bus System Extremist BRT as a solution efficient system of public transport in developed countries is known, so we tried that this system by development of technology by providing methods and systems for advanced, high-quality to carry passengers in the cities. The end result of all functions aim to model this is considered to be the reduction of waiting passengers to reach the bus and reduce travel time, but in a way that the bus goes through obstacles such as crossing intersections and events unexpected that can in the direction of the bus speed affects occur. In this study, optimization of scheduled bus departures from the source is done and the objective of minimizing the waiting time of passengers at the station and during the journey, taking into account the volume of travel demand in stations, depending on the time of a working day ranging from follows the Poisson distribution as well as when the bus route between two stations can also follow a particular distribution. Model using GAMS software and summarized data were evaluated one business day.

Keywords: Extremist bus, traffic restrictions, traffic lights changing times.

چکیده

سامانه اتوبوس تندرو BRT به عنوان راه حلی کارآمد برای سیستم حمل و نقل عمومی در کشورهای توسعه یافته شناخته می شود؛ لذا سعی بر آن است که این سامانه همزمان با گسترش فناوری با ارایه روش ها و سیستم ها پیشرفته، با کیفیت بالا به جابجایی مسافری در شهرها بپردازد. نتیجه نهایی تمامی توابع هدفی که برای مدل کردن این مساله در نظر گرفته می شوند کاهش انتظار مسافر تا رسیدن اتوبوس و کاهش زمان سفر است، اما در مسیری که اتوبوس طی می کند با موانعی مانند گذر از تقاطع ها و رخدادهای غیرمترقبه ای که می تواند در مسیر حادث شود بر سرعت اتوبوس ها تاثیر می گذارد. در این تحقیق بهینه سازی زمانبندی حرکت اتوبوس ها از مبدا انجام می گیرد و تابع هدف مینیمم کردن زمان انتظار مسافر در ایستگاه و طول زمان سفر است، با لحاظ اینکه حجم تقاضای سفر در ایستگاه ها بسته به زمان های مختلف یک روز کاری متغیر و از توزیع پواسون تبعیت می کند و همچنین زمانی که اتوبوس مسیر بین دو ایستگاه را طی می کند نیز از یک توزیع خاص پیروی می کند. حل مدل با استفاده از نرم افزار GAMS صورت گرفت و با داده های خلاصه شده یک روز کاری مورد سنجش قرار گرفت.

واژگان کلیدی: اتوبوس تندرو، محدودیت ترافیکی، زمانهای متغیر چراغ راهنمایی و رانندگی.

مقدمه

با توجه به اینکه سامانه سریع اتوبوسرانی در مقایسه با سایر سیستم های مشابه حمل و نقل همگانی، یکی از با صرفه ترین آنها از نظر اقتصادی است؛ لذا می تواند هم از جهت قابلیت بالای خود در رقابت با کیفیت خدمات حمل و نقل همگانی با سیستم های ریلی و همینطور از حیث محدودیت های مالی، به عنوان راهکار مؤثر بخصوص در کشورهای در حال توسعه مطرح شود. همانطور که از عنوان سیستم سریع اتوبوسرانی سریع السیر برمی آید، این سیستم حمل و نقل همگانی به صورت یک سرویس سریع بر پایه اتوبوس استوار است که نسبت به سرویس های معمول اتوبوسرانی با مسیر عبور اختصاصی کامل، ایستگاه ها و توقفگاه های پیوسته بسیار مشابه سیستم ریلی سبک متمایز یک مد حمل و نقل سریع است که در BRT می گردد. بر مبنای تعریف سازمان حمل و نقل فدرال؛ سامانه آن کیفیت سیستم حمل و نقل ریلی با انعطاف پذیری سیستم اتوبوسرانی ترکیب شده است. لذا می توان گفت؛ سیستم اتوبوس سریع، سیستمی کاملاً یکپارچه از تسهیلات و خدماتی است که به منظور ارتقاء قابلیت اطمینان و هویت سیستم اتوبوسرانی و البته سرعت (که مهم ترین پارامتر در این تعریف می باشد) طراحی می شود. عملیاتی شدن سیستم های حمل و نقل سریع در این محدوده خدمات، اغلب با سرمایه گذاری نسبتاً اندک در مسیرهای تخصیص یافته صورت می گیرد. این شاخص را می توان در چند بعد تعریف می شود. در صورتی که طراحی و بهره برداری از اتوبوس ها: بر روی مسیرهای اختصاصی در سطح زمین، بالاتر.

علاوه بر زیرساخت های فیزیکی ویژگی اصلی دیگر سیستم سریع اتوبوسرانی فعالیت های مربوط به عملیات هستند که عبارتند از:

۱. سرویس دهی متوالی و سریع بین مبادی و مقاصد اصلی

۲. ظرفیت بالا برای تقاضای مسافر در امتداد کریدور

۳. سوار و پیاده شدن سریع

۴. سیستم اخذ و کنترل کرایه پیش از سوار شدن

۵. یکسانی کرایه بین مسیرهای اصلی و سرویس های فرعی تغذیه کننده

تمامی عملیات فوق ارتباط مستقیم با زمان دارند و برای هر چه کارا تر کردن سیستم BRT باید راه حل هایی برای بهبود عملیات فوق صورت پذیرد. پژوهش ارایه شده چگونگی زمانبندی حرکت اتوبوس ها بگونه ای است که زمان انتظار مسافران را در ایستگاه ها کاهش دهد.

پیشینه تحقیق

عمده ترین پژوهش هایی که بر روی سیستم اتوبوس رانی سریع السیر انجام شده: (۱) مربوط به مسأله طراحی شبکه اتوبوسرانی که هدف آنها تعیین مسیر خطوط اتوبوسرانی و (۲) پیش بینی زمان رسیدن اتوبوس هستند که با تابع هدف های مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند. در مساله پیش بینی زمان رسیدن اتوبوس هدف بهینه سازی وضعیت فعلی سیستم موجود است. تابع هدف های عمده ای که مورد مطالعه قرار گرفته اند کمینه کردن زمان انتظار مسافری در ایستگاه هستند. در تمام پژوهش های پیشین فاصله بین ایستگاه ها یک عدد ثابت در نظر گرفته شده است، در حالی که نرخ ترافیک در ساعت های مختلف روز باعث تغییر زمان چراغ راهنمایی رانندگی می شود و این مساله بر مدت زمانی که یک اتوبوس فاصله بین دو ایستگاه را طی می کند تاثیر دارد. در ادامه به چند نمونه از مهمترین بررسی های صورت گرفته در زمینه زمانبندی حرکت اتوبوس اشاره می شود. «لامپکین و سالمنز» مساله های تعیین مسیر خطوط اتوبوس و اختصاص ناوگان را به صورت دو مساله مجزا از هم مطرح کرده اند و لذا مسائل به مراتب ساده ای را برای طراحی شبکه مورد بررسی قرار داده اند. هاسلستروم نیز از یک روش دو مرحله ای بهینه سازی استفاده کرد.

در تمامی این پژوهش‌ها زمانی برای تاخیرهایی که ممکن است برای اتوبوس در مسیر که از جمله مهمترین آنها نرخ متفاوت زمان چراغ راهنمایی رانندگی در مسیر است، لحاظ نگردیده است

مدل بندی ریاضی

اگر شماره ایستگاه را با i و اندیس اتوبوس را با k نشان دهیم و فرض شود که نرخ ورود مسافر از یک توزیع پواسون با میانگین نرخ تقاضای سفر تبعیت می‌کند و با λ_i نشان می‌دهیم و زمان ورود دو اتوبوس در ایستگاه را با $h_{k,i}$ نمایش می‌دهیم. و لذا تعداد مسافران $B_{k,i}$ در ایستگاه i قبل از ورود اتوبوس k از توزیع زیر پیروی می‌کند:

$$(1) B_{k,i} \sim P(\lambda_i, h_{k,i})$$

اگر تاخیرهایی که برای حرکت اتوبوس در مسیر به وجود آید و ناشی از چراغ راهنمایی رانندگی باشد و در این پژوهش فرض شود که بین هر دو ایستگاه تنها یک چراغ راهنمایی با چراغ به رنگ قرمز با نشانه ایست وجود داشته باشد و همچنین فرض می‌شود محل ایستگاه‌ها تقاطعی با چهارراه‌هایی که چراغ راهنمایی و رانندگی آن را کنترل می‌کند، ندارند. یعنی حالتی که اتوبوس در یک زمان و یک وضعیت، در پشت چراغ قرمز و هم در ایستگاه مشغول خدمت‌رسانی نباشد. تأخیر به صورت زیر بیان می‌شود:

c: سیکل را نشان می‌دهد

t: زمان قرمز چراغ را نشان دهد

$$= \frac{c-r}{c} \delta_0(t) + \frac{1}{c} I_{[0,r]}(t)$$

$$(2) f_s(t, r, c)$$

$\delta_0(t)$ برای 1 است اگر $t=0$ شود و در غیر این صورت برابر صفر است، و $I_{[0,r]}$ برابر 1 است اگر $t \in [0, r]$ باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است.

«کوکپور و هندریکسون» نیز مساله جامع خدمات اتوبوسرانی را از نقطه نظرهای مختلفی با دخیل کردن متغیرهایی چون فاصله مسیرها، زمان بندی حرکت اولیه و نرخ کرایه، در صورت وجود و عدم وجود محدودیت بزرگی وسیله نقلیه مورد بررسی قرار می‌دهند و سطوح بهینه این متغیرها را در تابع هدف های مختلف مورد پژوهش قرار داده اند. «تام و مهان» با تابع هدف مینیمم کردن مجموع هزینه های استفاده کنندگان و گردانندگان سیستم BRT مسئله انتخاب مسیر خطوط اتوبوس ها و تخصیص ناوگان به هر یک از خطوط را به صورت هم زمان مدل و آن را با استفاده از الگوریتم ژنتیک حل کرده اند.

«جاو و همکاران» نیز مسئله تخصیص ناوگان در یک شبکه حمل و نقل عمومی را به صورت یک مسئله مجزا از هم مدل و آن را از روش برنامه ریزی دو سطحی حل کرده اند.

«چوانجیالو و یوانکیگ» با در نظر گرفتن حرکت های با سرعت ثابت، فرکانس خروجی یکنواخت و نرخ ورود مسافر یکنواخت به سیستم را فرموله و با الگوریتم ژنتیک حل کردند.

«ایکسومی چان و همکاران»، اخیراً مدلی جهت پیش بینی زمان سفر اتوبوس های BRT را با استفاده از ماشین بردار پشتیبان (SVM) استفاده کردند و از فیلتر KALMAN برای بهبود جواب های اولیه استفاده کردند. وانگ و همکاران، نیز به بررسی پیش بینی زمان سفر اتوبوس ها بر اساس روش ماشین بردار پشتیبان پرداختند.

«خطیبی و همکاران»، یک مدل ریاضی برای کاهش زمان انتظار مسافران در ایستگاه های متقاطع خطوط متروی تهران ارائه کرده اند، بطوریکه تابع هدف آنها، یک تابع مینیمم سازی وزن داده شده با هدف مینیمم کردن زمان انتظار مسافران در ایستگاه های تقاطعی بوده و برای هر یک از مسیرها، ضربی به عنوان اولویت آن مسیر بررسی نموده و نشان دادند که مدل به خوبی برآورد شده است.

یک اتوبوس در طول سفر خود بین دو ایستگاه متوالی، می‌تواند به خاطر علائم راهنمایی و رانندگی و جریان ترافیک موجود در مسیر دچار تأخیرهایی شود. کاملاً واضح است که در زمان‌های اوج ترافیک سنگین در چهارراه‌ها زمان چراغ‌های راهنمایی و رانندگی نیز افزایش می‌یابد. لذا در این پژوهش فرض می‌کنیم که توزیع‌های احتمالاتی قادر به محسوب کردن این پدیده در مدل شوند. پس ما فرض کنیم که زمان سفر t اتوبوس از دو عنصر مستقل ساخته شده است: (الف) زمان وابسته به رفتار رانندگان با توزیع نرمال و با پارامترهای μ و σ (ب) زمان ازدست‌رفته به دلیل تأخیرهایی که در چراغ راهنمایی رانندگی به وجود می‌آید که با معادله فوق شناخته می‌شود. بنابراین، زمان سفر ترکیبی از هر دو توزیع نرمال و توزیع تأخیر است که بانام توزیع نرمال-سیگنال (NS) شناخته و به این صورت زیر بیان می‌شود:

$$= \frac{c-r}{c} \frac{1}{\sigma\sqrt{\pi}} e^{-\frac{(t-\mu)^2}{\sigma^2}} + \frac{1}{\pi} \left(\operatorname{erf} \left(\frac{t-\mu}{\sigma\sqrt{c}} \right) - \operatorname{erf} \left(\frac{t-r-\mu}{\sigma\sqrt{c}} \right) \right)$$

$$(3) f_{NS}(t, \mu, \sigma, c, r)$$

بطوریکه erf تابع خطا است که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$= \frac{2}{\sqrt{\pi}} \int_0^t e^{-x^2} dx$$

$$(4) \operatorname{erf}(t)$$

متغیرها

N : تعداد اتوبوس‌های موجود در سیستم

k : اندیس مربوط به اتوبوس

S : مجموعه مربوط به ایستگاه

i, j : اندیس ایستگاه‌ها

$L = \{1, 2, \dots, 1-s\}$: مجموعه فواصل بین هر دو ایستگاه متوالی

ایستگاه متوالی

$\operatorname{Max}_{\text{stop}}$: کمترین زمان توقف در ایستگاه

$\operatorname{Min}_{\text{stop}}$: سقف زمان توقف در ایستگاه

g : نرخ جریان مسافر نفر در دقیقه

$t_{\text{sa}}(i, k)$: سرفاصله زمانی بعد از حرکت اتوبوس k از ایستگاه i
 t_i^k : زمان حرکت اتوبوس k از ایستگاه i
 FS_i^k : ظرفیت خالی اتوبوس k وقتی ایستگاه i را ترک می‌کند
 CAP_k : ظرفیت مسافر اتوبوس k
 $t_{\text{stop}}(i, k)$: زمان توقف اتوبوس k در ایستگاه i
 $N_{ij}^k = P(\lambda_i, h_{k,i}) [t_i^{k-1}, t_i^k]$: تعداد مسافرینی که به مقصد ایستگاه j در فاصله زمانی بین $[t_i^{k-1}, t_i^k]$ به ایستگاه i وارد می‌شوند. در واقع تعداد مسافرین که بین زمان عبور دو اتوبوس متوالی وارد ایستگاه می‌شوند.

ND_i^k : مجموع مسافرینی که در فاصله زمانی $[t_i^{k-1}, t_i^k]$ به ایستگاه i وارد می‌شوند.
 NO_i^k : مجموع مسافرینی که در فاصله زمانی برای رفتن به ایستگاه j به هر ایستگاه با مبدأ i وارد می‌شوند. ($i < j$)

$(i < j)$: تعداد مسافرینی که در فاصله زمانی $[t_i^{k-1}, t_i^k]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و سوار اتوبوس k می‌شوند برای رفتن به ایستگاه شماره j .
 ne_{ij}^k : تعداد مسافرینی که در فاصله زمانی $[t_i^{k-1}, t_i^k]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه شماره j به دلیل نبود جا در اتوبوس نمی‌توانند سوار اتوبوس k شوند.

E_{ij}^k : تعداد مسافرینی که در فاصله زمانی $[0, t_i^{k-1}]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه شماره j در ایستگاه منتظر سوار شدن بر اتوبوس $1+k$ هستند.

EAD_i^k : تعداد کل مسافرینی که در فاصله زمانی $[0, t_i^{k-1}]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه‌های بعدی در ایستگاه منتظر سوار شدن بر اتوبوس $1+k$ هستند.

EAO_j^k : تعداد کل مسافرینی که در فاصله زمانی $[0, t_i^{k-1}]$ وارد ایستگاه‌های قبل از i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه شماره j منتظر سوار شدن بر اتوبوس $1+k$ هستند.

توبوس k می‌شوند. ee_{ij}^k : تعداد مسافرینی که در فاصله زمانی $[0, t_i^{k-1}]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه شماره j در ایستگاه نمی‌توانند سوار اتوبوس k شوند. es_{ij}^k : تعداد مسافرینی که در فاصله زمانی $[0, t_i^{k-1}]$ وارد ایستگاه i می‌شوند و برای رفتن به ایستگاه شماره j سوار اتوبوس شماره k می‌شوند. S_{ij}^k : تعداد افرادی که برای رفتن به ایستگاه مشخص j ، وارد ایستگاه i شده و سوار اتوبوس k می‌شوند. SAD_i^k : مجموع تعداد افرادی که برای رفتن به ایستگاه‌های بعدی، وارد ایستگاه i شده و سوار

محدودیت‌ها

معادله (۵) نشان می‌دهد زمان حرکت اتوبوس k از ایستگاه $i+1$ می‌بایست برابر با زمان حرکت از ایستگاه قبلی بعلاوه زمان توقف بعلاوه زمان طی

$$t_{i+1}^k = t_i^k + t_{stop}(i+1, k) + f_{NS}(t, \mu, \sigma, c, r) \quad (5)$$

$$\forall k \in N, i = 1, 2, \dots, S-1$$

$$t_{i+1}^k - t_{stop}(i+1, k) \geq t_i^k + t_{saf}(i, k) \quad (6)$$

$$\forall k \in N, i \in H$$

$$Mint_{stop} \leq t_{stop}(i, k) \leq Maxt_{stop} \quad (7)$$

$$\forall k \in N, i \in H$$

$$ND_i^k = \sum_{j \in H, j > i} N_{ij}^k \quad (8)$$

$$\forall k \in N, \forall i = 1, \dots, S-1$$

$$NO_j^k = \sum_{i \in H, i > j} N_{ij}^k \quad (9)$$

$$\forall k \in N, \forall j = 2, \dots, S$$

$$N_{ij}^k = ns_{ij}^k + ne_{ij}^k \quad (10)$$

$$\forall i, j \in H, i < j, k \in N$$

$$E_{ij}^k es_{ij}^k = + ee_{ij}^k \quad (11)$$

$$\forall i, j \in H, i < j, k \in N$$

$$EAD_i^k = \sum_{j \in H, j > i} E_{ij}^k \quad (12)$$

$$\forall k \in N, \forall i = 1, \dots, S-1$$

$$EAO_j^k = \sum_{i \in H, i > j} E_{ij}^k \quad (13)$$

$$\forall k \in N, \forall j = 2, \dots, S$$

$$EAO_i^{k+1} = EAO_i^k + NO_i^k - SAO_i^k \quad (14)$$

$$\forall k = 1, \dots, k-1, \forall i = 2, \dots, S$$

$$EAD_i^{k+1} = EAD_i^k + ND_i^k - SAD_i^k \quad (15)$$

$$\forall k = 1, \dots, k-1, \forall i = 1, \dots, S-1$$

$$S_{ij}^k = ns_{ij}^k + es_{ij}^k \quad (16)$$

$$\forall i, j \in H, i < j, k \in N$$

$$SAD_i^k = \sum_{j \in H, j > i} S_{ij}^k \quad \forall k \in N, \forall i = 1, \dots, S-1 \quad (17)$$

$$SAO_j^k = \sum_{i \in H, i > j} S_{ij}^k \quad \forall k \in N, \forall j = 2, \dots, S \quad (18)$$

$$FS_i^k = FS_{i-1}^k + SAO_i^k - SAD_i^k \quad \forall k \in N, \forall i = 1, \dots, S-1 \quad (19)$$

$$FS_1^k = CAP_k - SAD_1^k \quad \forall k \in N \quad (20)$$

$$t_{stop}(i, k) \leq Mint_{stop} + gFS_{i-1}^k \quad \forall k \in N, \forall i = 2, \dots, S \quad (21)$$

$$t_{stop}(1, k) \leq Mint_{stop} + gCAP_k \quad \forall k \in N \quad (22)$$

$$t_{stop}(i, k) \leq Mint_{stop} + gSAD_i^k \quad \forall k \in N, \forall i = 2, \dots, S \quad (23)$$

$$N_{ij}^k = P(\lambda_i, h_{k,i})^{[t_i^{k-1}, t_i^k]} \quad (24)$$

$$f_{NS}(t, \mu, \sigma, c, r) = \frac{c-r}{c} \frac{1}{\sigma\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{1}{2}\left(\frac{t-\mu}{\sigma}\right)^2} + \frac{1}{2c} \left(erf\left(\frac{t-\mu}{\sigma\sqrt{2}}\right) - erf\left(\frac{t-r-\mu}{\sigma\sqrt{2}}\right) \right) \quad (25)$$

(۱۵) معادلات تعادلی تمام کسانی که اتوبوس‌های قبلی را از دست داده‌اند و منتظر اتوبوس بعدی باقی می‌مانند تا به مقصد مورد نظر خود برسند را نشان می‌دهد. افرادی که در ایستگاه i و به مقصد j ، سوار بر اتوبوس k شده‌اند بر دودسته تقسیم می‌شوند؛ افرادی که بین زمان اتوبوس $k-1$ و k وارد ایستگاه شده‌اند و سوار بر اتوبوس k شده‌اند و افرادی که قبل از حرکت اتوبوس $k-1$ به ایستگاه i رسیده‌اند ولی اتوبوس $k-1$ را از دست داده‌اند و سوار اتوبوس k شده‌اند (۱۶). در محدودیت (۱۷) تمام مسافری با مبدأ یکسان را نشان می‌دهد. در محدودیت (۱۸) تمامی مسافری پیاده شده در مقصد مشترک را نشان می‌دهد. در محدودیت (۱۹) معادله تعادلی تعداد مسافری حاضر در اتوبوس، آن‌هایی که در ایستگاه پیاده می‌شوند و آن‌هایی که در ایستگاه سوار می‌شوند را نشان می‌دهد. در محدودیت (۲۰) رابطه تعادلی رابطه (۱۹) را در ایستگاه مبدأ صدق

نمودن فاصله بین دو ایستگاه (که از توزیع خاص توضیح داده شده در معادلات بالا به دست می‌آید) باشد. معادله (۶) بیان می‌کند زمان حرکت دو اتوبوس متوالی از یک ایستگاه حداقل به اندازه زمان سرفاصله زمانی مشخصی باشد. (این زمان باعث می‌شود اتوبوس‌های متوالی به‌طور به هم چسبیده حرکت نکنند). در معادله (۷) زمان توقف اتوبوس در ایستگاه در محدوده حداقل و حداکثر زمان مجاز توقف تعریف می‌شود. معادله (۸) و (۹) به ترتیب همه مسافرانی که مبدأ و مقصدشان یکسان است را نشان می‌دهد. معادله (۱۰) مجموعه افرادی که به ایستگاه وارد و با اتوبوس k حرکت کرده‌اند و آن‌هایی که موفق به سوار شدن بر اتوبوس k نشده‌اند و منتظر می‌مانند. سه معادله بعدی محدودیت‌ها مجموع مسافرینی را نشان می‌دهد که از اتوبوس $k-1$ جامانده و منتظر اتوبوس بعدی هستند. در محدودیت‌های شماره (۱۴) و

می‌دهد. در سه محدودیت (۲۱) و (۲۲) و (۲۳) زمان توقف اتوبوس در ایستگاه‌ها را نشان می‌دهد؛ همان‌طور که در فرضیات مدل گفتیم هیچ ایستگاهی در پشت چراغ‌قرمز قرار ندارد. در معادله (۲۴) ورود مسافرین به ایستگاه را که از توزیع برنولی تبعیت می‌کند نشان می‌دهد و در معادله (۲۵) زمان‌های حرکت بین دو ایستگاه که اتوبوس طی می‌کند و از توزیع نرمال-سیگنال تبعیت می‌کند را نمایش می‌دهد.

تابع هدف

هدف اصلی طرح این پژوهش در نظر گرفتن نرخ ورود متغیر مسافرین به ایستگاه و معرفی محدودیت‌ها و تأخیرهایی است که در مسیر اتوبوس پیش می‌آید. لذا تابع هدف را به صورت منفرد در نظر می‌گیریم اگرچه می‌توان زمان سفر تمام مسافرین و هزینه عملیات حرکت اتوبوس‌ها را نیز به عنوان توابع هدف و توأم باهم در نظر گرفت، ولی از این کار صرف نظر می‌کنیم و تابع هدف را به صورت منفرد و به صورت مجموع زمان انتظار افرادی که یک‌بار اتوبوس را از دست داده‌اند و در ایستگاه انتظار اتوبوس بعدی را می‌کشند و زمان انتظار افرادی که در بازه قبل از رسیدن اتوبوس بعدی که با آن سفر خود را آغاز می‌کنند به انتظار رسیدن آن در ایستگاه هستند، محاسبه می‌کنیم.

$$\text{Min} \frac{\sum_{i=1}^{K-1} \sum_{k=1}^K (t_i^k - t_i^{k-1}) EAD_i^k + \sum_{i=1}^{K-1} \sum_{k=1}^K (t_i^k - t_i^{k-1}) NAD_i^k}{\sum_{k=1}^K \sum_{i=1}^{K-1} \sum_{j=i+1}^K (N_{ij}^k)}$$

تحلیل و اجرای مدل با نرم‌افزار GAMS

با استفاده از داده‌های آماری فرضی که متغیر ورود مسافر به هر ایستگاه از پواسون تعیین و برآورد گردید و زمان حرکت بین ایستگاه‌ها به خاطر زمان متغیر چراغ بارنگ قرمز در چراغ‌های راهنمایی رانندگی با پارامترهای تابع توزیع معرفی شده، با نرم‌افزار آماری انجام و سپس مدل در نرم‌افزار GAMS کد نویسی و پس از اعتبار سنجی نتایج که در ادامه آورده می‌شود حاصل گردید. کل زمان مورد آزمون را از ساعت ۸ تا ۱۰ برای

دو ساعت کاری از یک روز را در نظر گرفتیم. با استفاده از نرم‌افزارهای آماری با تابع توزیع‌هایی که معرفی شدند تعداد مسافرهای ورودی به هر ایستگاه و زمانی که اتوبوس‌ها مسیر بین ایستگاه‌های متوالی را می‌پیموندند به دست آمد. سپس نوبت به زمان‌بندی حرکت اتوبوس‌ها که تعداد اتوبوس‌ها ۱۰۰ عدد و ظرفیت هر یک ۵۰ نفر در نظر گرفته شده بود را جزو ورودی‌های مدل در نظر گرفتیم. برای اینکه حل مدل با GAMS به دلیل وجود روابط بازگشتی پیچیده و طولانی نشود مسئله انتخابی طرح شده را کوچک در نظر گرفتیم. پس از حل‌های مکرر با ورودی‌های مختلفی که از نرم‌افزارهای آماری به دست می‌آوردیم نشان دهنده بهبود در تابع هدف در مقایسه با حالت دستی بودیم.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این تحقیق بهینه‌سازی زمان‌بندی حرکت اتوبوس‌ها از ایستگاه مبدأ و با لحاظ قرار دادن حجم تقاضای متغیر مسافر به ایستگاه‌ها و زمان‌های متغیر پیمایش مسیر توسط ناوگان در ساعت‌های مختلف باهدف کمینه نمودن زمان انتظار مسافر در ایستگاه انجام گرفت. در واقع این پژوهش چند محدودیت دنیای واقعی را با مدل‌های ریاضی متعارف حل زمان‌بندی حرکت اتوبوس‌های BRT تلفیق کرد و به رویکردی واقعی‌تر برای حل چنین مسائلی پرداخت. در حرکت ناوگان در مسیرهای BRT وابسته به ساعت‌های مختلف روز زمان‌های رسیدن ناوگان به مقصدها نیز تغییر می‌کند و این به دلیل موانعی است که در مسیر اتوبوس‌ها بخصوص در چهارراه‌ها قرار دارد، به وجود می‌آید. با بهره‌گیری از چنین مدل‌هایی می‌توان به هدف‌های کاهش زمان انتظار مسافرین که در کل رضایت مسافرین از این سیستم حمل‌ونقل همگانی است، نزدیک‌تر شویم و با بهبود این سیستم جابجایی‌های زیادی را در سطح شهرها انجام دهیم. برای تحقیقات آینده می‌توان با استفاده از داده‌های GPS محل دقیق

and Information Technology. Volume 8, Issue 5.

Xumei CHEN, Huibo GONG, Jingnan Wang, (August 2012), BRT Vehicle Travel Time Prediction Based on SVM and Kalman Filter, Journal of Transportation Systems Engineering and Information Technology, Volume 12, Issue 4, Pages 29-34.
Wang J N, Chen X M, Guo S X. (2009), Bus travel time prediction model with support vector regression. The 12th International IEEE Conference on Intelligent Transportation Systems, 655-660.

ناوگان را به عنوان ورودی وارد مدل کنیم و به صورت دقیق تر وارد پروژه ساخت یک سیستم پشتیبان تصمیم گیری برای زمان بندی حرکت اتوبوس ها به صورت آنلاین شویم.

منابع و مآخذ

خطیبی اصغر، خاتمی فیروزآبادی سید محمدعلی، جوانشیر حسن (۱۳۹۲) مدلی برای کاهش زمان انتظار مسافران در ایستگاه های متقاطع خطوط متروی تهران، دوازدهمین اجلاس بین المللی مهندسی حمل و نقل و ترافیک.

حسن جوانشیر، گلشن نوری (۱۳۸۹) زمان بندی حرکت اتوبوس های تندرو با در نظر گرفتن معیار طول صف در ایستگاه ها، چهاردهمین کنفرانس بین المللی مهندسی حمل و نقل و ترافیک.

حمید طالبی، دکتر علیرضا رشیدی (۱۳۸۹) مدل سازی ریاضی برای زمان بندی اتوبوس های BRT با هدف کاهش زمان انتظار مسافر، پانزدهمین کنفرانس بین المللی مهندسی حمل و نقل و ترافیک.

Lampkin W., Salmans P. D. The Design Routs, Service Frequencies, and Schedules for a Municipal Bus Undertaking: A Case Study; Operational Research Quarterly, Vol. 18, No. 4, 1967, PP. 375-397.

Kocur, G. and Hendrikson, C., Design of Local Bus Service with Demand Equilibrium, Transportation Sciences, Vol. 16, 1982.

Tom, V. M. and Mohan, S. (2003). Transit Route Network Design Using Frequency Coded Genetic Algorithms, ASCE Journal of Transportation Engineering, Vol. 129, No.2, pp 186- 195.

Gao, Z. , H. Sun, and L. Shan, A Continuous Equilibrium Network Design Model and Algorithm for Transit Systems. Transportation Research Part B: Methodological, 2004. 38(3): p. 235-250.

SUN Chuanjiao et al., 2008. Scheduling Combination and Headway Optimization of Bus Rapid Transit. Journal Of Transportation Systems Engineering

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

19. Analysis of the role of high-rised buildings on Habitaion culture of Shiraz ■ 317-336 ■
20. Comparative investigation of thermal treatment and ventilation of Iran's indigenous residential buildings Temperate and humid Climate Case study: Kolbadi House (Sari) and Aghajan Nasab House (Babol). ■ 337-350 ■
21. Evaluation criteria of social interaction and vitality in exhibition spaces; Case Study: Multiple instances in Alborz Province ■ 351-380 ■
22. Analysis of citizen participation in urban management technology-based service and technological features (from the perspective of the citizens of Tabriz) ■ 381-398 ■
23. Sustainable development principles of modern Iran, in order to compare traditional architecture with five cities of world ■ 399-414 ■
24. Improving architectural primary design learning through enhanced self-regulation learning factors in basic architectural design studio ■ 415-432 ■
25. The effect of the thermal behavior of the building shell in the modified construction of residential buildings to reduce energy waste ■ 433-446 ■
26. The concept of creativity in art and architecture with emphasis on the ideas of Aristotle ■ 447-474 ■
27. Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space ■ 475-492 ■
28. Improvement the quality of architectural spaces design, by using the functional mechanisms of the senses ■ 493-504 ■
29. The Impact of Modern Lifestyle on the Architecture of the Houses Built in Hamedan in the First Pahlavi Regime ■ 505-522 ■
30. BRT bus schedules and taking into account the limitations of time-varying traffic lights traffic ■ 523-530 ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۵۳۲ ■

Index

1. Pattern explained for new construction in historic environment of Persian Gulf coastal cities ■ 7-20 ■
2. The optimal deployment model for building residential complexes of villas in Rasht with a view to optimal utilization of solar and wind energy ■ 21-32 ■
3. Spatial analysis of the physical stability of rural habitations; Case Study city Mehdishahr ■ 33-48 ■
4. Designed to attract human resources model based on justice for Iranian state ■ 49-60 ■
5. The possibility of using proper techniques of participation urban design based on social context and capacities – location (Case study: Mashhad Noghan market) ■ 61-74 ■
6. Municipal regulations and laws opposed to investing in property protection; the challenge to attract foreign investment in Iran ■ 75-94 ■
7. The study spatial analysis villagers of Dasht Bill district Oshnavieh using PCA and ORESTE ■ 95-106 ■
8. Assessment south of West Azerbaijan lands for agricultural development and management of rural sustainable development using AHP and GIS and Aster images ■ 107-118 ■
9. Explanation of effective physical component in creating a sense of place in the new urban development ■ 119-130 ■
10. Analysis of quality of urban e-banking services in the country's banking system (Case Study: Ansar Bank) ■ 131-148 ■
11. The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen ■ 149-164 ■
12. The relationship between the use of mass media and political trust in the cities of Citizenship Case Study: Teacher city of Sabzevar ■ 165-178 ■
13. Check the status of urban parks with Sustainable Development Approach (Case Study: Shiraz) ■ 179-200 ■
14. Review of ICT and Its Relation to Organizational Productivity Effects Based on Sustainable Development Social Approach ■ 201-218 ■
15. Given the need for planners to create physical integrity - in areas of high social, reflecting the development of the region as an area around the cities of Tehran Municipality ■ 219-254 ■
16. Facade and urban aesthetic standards bodies with a focus on indigenous identity (Case between Motahhari Square to the intersection of proof in Qom) ■ 255-276 ■
17. Phenomenography explain the meanings of the concept of place attachment extraction of video self-portrait ■ 277-300 ■
18. Analysis and Evaluation of Factors Affecting the integrity of the urban fabric in public spaces in historical contexts; (Case Study: Neighborhood Center shahidghah in ardabil) ■ 301-316 ■

Urban

Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning

Vol.16 No.47 Summer 2017



The Urban and Rural
Research Center

Address: No. 17, Shahid Naderi
St., Keshavarz Blvd, Vali-e-Asr sq.,
Tehran, Iran

Tel: 88976651-88986382-
88966239

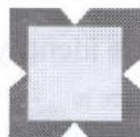
Fax: 88977918

Urban Research Center:

Address: As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hoshang khandandel

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administrator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarollad

Layout & Design: Payeshpouyesh@gmail.com

Publisher: Asra Publishing Group

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

47

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.16 No.47 Summer 2017

1. Pattern explained for new construction in historic environment of Persian Gulf coastal cities
2. The optimal deployment model for building residential complexes of villas in Rasht with a view to optimal utilization of solar and wind energy
3. Spatial analysis of the physical stability of rural habitations; Case Study city Mehdishahr
4. Designed to attract human resources model based on justice for Iranian state
5. The possibility of using proper techniques of participation urban design based on social context and capacities – location (Case study: Mashhad Noghan market)
6. Municipal regulations and laws opposed to investing in property protection; the challenge to attract foreign investment in Iran
7. The study spatial analysis villagers of Dasht Bill district Oshnavieh using PCA and ORESTE
8. Assessment south of West Azerbaijan lands for agricultural development and management of rural sustainable development using AHP and GIS and Aster images
9. Explanation of effective physical component in creating a sense of place in the new urban development
10. Analysis of quality of urban e-banking services in the country's banking system (Case Study: Ansar Bank)
11. The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen
12. The relationship between the use of mass media and political trust in the cities of Citizenship Case Study: Teacher city of Sabzevar
13. Check the status of urban parks with Sustainable Development Approach (Case Study: Shiraz)
14. Review of ICT and Its Relation to Organizational Productivity Effects Based on Sustainable Development Social Approach
15. Given the need for planners to create physical integrity - in areas of high social, reflecting the development of the region as an area around the cities of Tehran Municipality 22
16. Facade and urban aesthetic standards bodies with a focus on indigenous identity (Case between Motahhari Square to the intersection of proof in Qom)
17. Phenomenography explain the meanings of the concept of place attachment extraction of video self-portrait
18. Analysis and Evaluation of Factors Affecting the integrity of the urban fabric in public spaces in historical contexts; (Case Study: Neighborhood Center shahidghah in ardebil)
19. Analysis of the role of high-rised buildings on Habitation culture of Shiraz
20. Comparative investigation of thermal treatment and ventilation of Iran's indigenous residential buildings Temperate and humid Climate Case study: Kolbadi House (San) and Aghajan Nasab House (Babol).
21. Evaluation criteria of social interaction and vitality in exhibition spaces; Case Study: Multiple instances in Alborz Province
22. Analysis of citizen participation in urban management technology-based service and technological features (from the perspective of the citizens of Tabriz)
23. Sustainable development principles of modern Iran, in order to compare traditional architecture with five cities of world
24. Improving architectural primary design learning through enhanced self-regulation learning factors in basic architectural design studio
25. The effect of the thermal behavior of the building shell in the modified construction of residential buildings to reduce energy waste
26. The concept of creativity in art and architecture with emphasis on the ideas of Aristotle
27. Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space
28. Improvement the quality of architectural spaces design, by using the functional mechanisms of the senses
29. The Impact of Modern Lifestyle on the Architecture of the Houses Built in Hamedan in the First Pahlavi Regime
30. BRT bus schedules and taking into account the limitations of time-varying traffic lights traffic